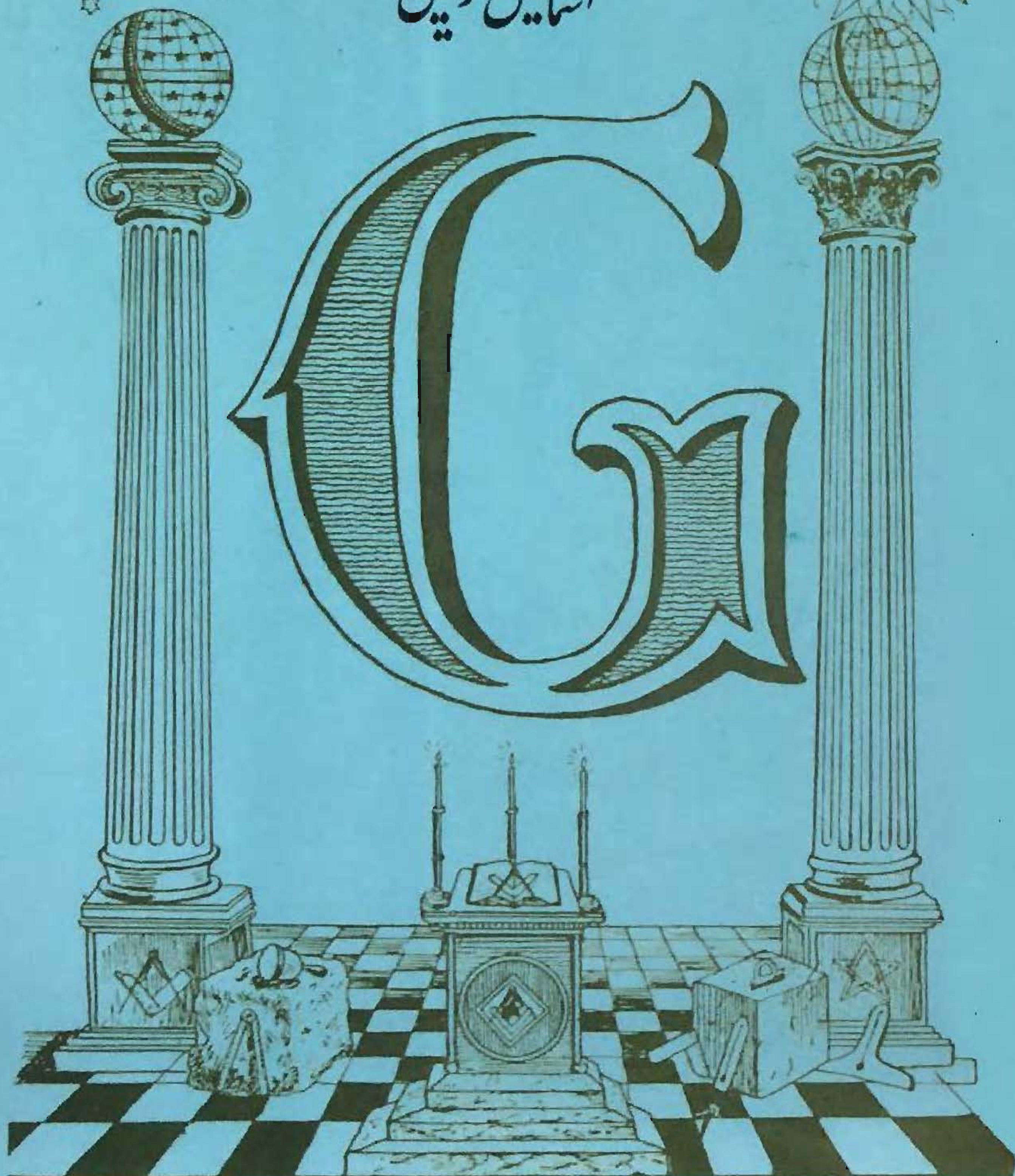
فراموشخانه و فراماسونری در ایران

اسماعیل رائین



فراموشخانه و فراماسونری در ایران

جلد دوم

نوشته: اسماعیل رائین



مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۵۷



رائین، اسماعیل
فراموشخانه وفراماسونری در ایران (جلد دوم)
چاپ سوم: ۱۳۵۷
چاپ چهارم: ۱۳۵۷
چاپ و صحافی: چاپخانهٔ سپهر، تهران

فهرست مندرجـات

فصل پانزدهم

لژهای اولیهٔ فراماسونها در ایران

با وجودیکه یکصد و شصت سال[1] ازعضویت نخستین ایرانی به‌مجمع فراماسن فرانسه می‌گذرد ، معذالك هیچیك از نویسندگان ماسن یا « غیرماسن » یا مورخین دربارهٔ تاریخ قطعی تأسیس لژهای فراماسن درایران یا ایرانیانی‌که دراین‌راه پیشقدم بوده‌اند ، سند جالب و قطعی انتشار نداده‌اند .

فراماسنها مدعی هستندکه تاکنون پنجهزارجلدکتاب موافق و مخالف و بیطرف دربارهٔفراماسنی به‌السنهٔ مختلف‌درجهان برشتهٔ تحریردرآمده و دودوره دائرةالمعارف نیز بوسیلهٔ لژهای فراماسنی چاپ و منتشر شده است[2] ، ولی در این دو دائرةالمعارف فقط چند سطری دربارهٔ فراماسونری درایران‌نوشته شده‌که رویهمرفته اطلاعات مبسوط و جامعی دربارهٔ این تشکیلات در ایران بدست ما نمی‌دهد . و حال آنکه در بسیاری از تشریفات و آداب و رسوم فراماسونری کنونی اعمالی ازگذشته و حال ایران اقتباس شده و نسبت کارهای خود را بدوران باستانی ایران می‌رسانند که برای نمونه چند فقره از آنها را نقل می‌کنیم :

۱ ــ درمعابد ماسونی و بخصوص درردرجات عالیه ماسونی‌آداب و رسوم موبدان

---

۱ ــ تاریخ عضویت میرزا عسگرخان نخستین ایرانی در لژفراماسنی فرانسه در سال ۱۸۰۸ .

2_ Encyclopadiy of Freemasonary and its kindred scienees
_ Mackeys Encyclopadia of Freemasonary .

و زرتشتیان به خوبی منعکس است .

۲ ـ درریتولهای ماسونی‌که بعد ازسال ۱۷۲۰ (۱۱۳۲هـ) متداول شده، بسیاری از آداب مذهبی ایرانیان دورهٔ ساسانی و هخامنشی مشاهده میشود .

۳ ـ درمراسم درجات بالای فراماسونی‌کنونی‌که شاپیتر Chapter نامیده میشود، بسیاری از مراسمی که برگزار میگردد تقلیدی از عملیات مؤبدان و درباریان ایران دوران ساسانی است .

۴ ـ بعقیدهٔ فراماسونری‌کنونی، کورش کبیر که باعث آزادی یهودیان از اسارت بابلیهاشد ومعبدبزرگ رادراورشلیم ساخته است طبق‌تعلیمات درجات عالیهٔ فراماسونی «ماسون اول» یعنی جزء سازندگان و بانیان معبد بشمار میرفته است . زیرا معبدی که او ساخته مطابق همان اسلوبی است که حضرت سلیمان بنا کرده است و به این جهت ماسونها او را هم «بنّا» یا به اصطلاح امروزی «ماسون» میدانند .

۵ ـ بعضی از سلامها ، علائم شناسائی و کارهای دیگری که ماسونهای کنونی انجام میدهند با بسیاری از عملیاتی‌که ما روزانه در ایران عمل می‌کنیم مطابقت دارد مثلاً در موقع اذان گفتن ما دست راست را روی سینه می‌گذاریم و دست چپ را به‌ـ بناگوش، این اعمال عیناً مراسمی‌است که در درجهٔ دوم ماسونی وجود دارد .

جیمس موریهٔ معروف ، رکوع و تعظیم ایرانیها را که هنگام انجام آن دستها روی سینه و زانومی‌گذارند و خم‌میشوند منتسب به حرکات بنّایان ایران باستان‌کرده و آنرا نمایشی از گونیا و مثلث میداند . او معتقد است که این دو حرکت رمزبنّایان ایران بوده که هم اکنون در مراسم ماسونی عیناً تکرار می‌شود .

۶ ـ طرز سلام و تعظیم و شعائر متعددی که دراویش ایران انجام میدهند نیز شباهت فراوانی با مراسم ماسونها دارد .

علی مشیری محقق‌ایرانی[۱] مقیم لندن که خود ازفراماسونهای لژهای انگلیسی

---

۱ ـ ایشان در دو لژ انگلیسی در لندن عضویت دارند که یکی از آنها لژ معروف Wilesdon است، اوهمچنین درژانویه۱۹۶۴ وارد Royal arch شده‌است. وی درنامه‌ای به دکتر فرخ ارفع السلطنه مینویسد : « در ریتولها خیلی پیشرفت کرده‌ام و از خیلی از←

است می‌نویسد : «بنا به بعضی قرائن فراماسونری درایران بشکل و صورتهای مختلف در زمان ساسانیان وجود داشته است و پیدایش آن در ایران در زمان سلطنت کورش کبیر بوده و حتی بعضی از مراسم مرموز آنان پس از تسلط اعراب و قبول دین مبین اسلام در میان ایرانیان معمول گردید . گروهی از مردمان هم بدون اینکه خودشان بدانند تعالیم بشردوستی ونوع پرستی فراماسونی و همچنین رموز وعلائم آنان را تحت عناوین مختلف و گوناگونی جزو مراسم ملی و مذهبی خود قرار داده‌اند .

از جمله قسمت بزرگی از سنن و تعالیم برجستهٔ مذهب شیعه که پایه و اساس تمدن اسلامی می‌باشد به توسط علمای ایرانی الاصل و پاك نژاد در زمان صلاح الدین ایوبی و حسن صباح به شام و مصر کشانیده شد و پس از جنگهای صلیبی از آنجا به اروپا سرایت نمود و نیز گروهی از مسافرینی که به هندوستان رفته‌اند بوجود بعضی ازعلائم و رموزات ماسونی دراغلب مساجد وقبوراشخاص بزرگ‌که دردورهٔ فرمانروائی سلاطین مغول بوسیله استادان ومعماران‌بزرگ ایرانی ساخته شده است پی‌برده‌اند...[۱]

در ایران فقط تعداد کمی ازفراماسونهای ایرانی از آداب عالیهٔ ماسونی اطلاع دارند. ارفع السلطنه خان فرخ که مدت شصت سال فراماسون بود ازین اسرار و علائم آگاهی داشت‌که‌آنها را حتی به برادران خود نمی‌گفت . پس ازآن‌مرحوم،دکترسعید مالك که بعد از سید حسن تقی‌زاده کهنسالترین فراماسون ایرانی است از این رموز اطلاع دارد و بدین مقام ماسونی رسیده که باید معتقد باشدکه «یهوه خدای یهودیان» مسلماً «معمار اعظم» و مبدأ آفرینش جهانیان است و فقط او را یعنی خدای یهودیان را باید پرستش کرد و بس . بنابراین برای دانستن سابقه و قدمت ماسونیك در ایران

۱ ــ مجلهٔ خواندنیها شماره ۹۵ سال ۲۴ .

←برادران انگلیسی جلوترافتاده‌ام زیرا ایمان کامل و اعتقاد قوی همیشه در کارها مؤثراست. مسأله برادری در اروپا ومخصوصاً در انگلستان عالم دیگری‌است ، صفا و محبت و تقدس از سرو پای برادران همواره میبارد . و همه میل دارند دست بدست هم داده و باری از دوش همدیگر بردارند برعکس ماسونهای ایران که حتی‌از جنابعالی هم کلاهبرداری کرده و بطوریکه نوشتید دکتر جعفر ... موجبات محکومیت شما را فراهم‌آورد» .

بایستی از اقوال دیگران استفاده کنیم . اگر گفتهٔ مورخین فراماسون بخصوص «برنارد جونز»[1] که کتاب بسیار جامع و کاملی در باره بنّایان شرق و ایران نوشته است[2] قبول کنیم باید اذعان نمائیم که در ایران قدیم نیز سازمانهای بنائی وجود داشته است. اشمیت یکی از باستانشناسان معروف که مدت زیادی در تخت جمشید کار کرده است مینویسد: «اطاقی در این کاخ عظیم بوده که همه آلات و ادوات بنّائی و سنگتراشی در آن نگهداری میشده است. اینجا محفل و محل اجتماع بنّایان و سنگتراشان ایرانی بوده که پس از فراغت کار بدور هم جمع میشدند و در باره حرفه بنّائی سخن میگفتند». اگر این نظریات را قبول کنیم میبایستی وجود سازمان بنّایانی را که حمزهٔ اصفهانی متولد (۲۷۰ هـ - ۸۸۳ م) درکتاب خود موسوم به «سنی ملوك‌الارض» مینویسد، دنبالهٔ همین مراکز قدیمی بدانیم. حمزهٔ اصفهانی مینویسد: «... همای چهرآزاد از ملوك پیشدادیان چون بکشور روم لشکر فرستاد و اسیرانی از آنجا بایران آورد در میان اسیران بنّایان خوبی بودندکه بساختن صد عمارت بزرگ دست بردند این عمارتها را بفارسی هزار ستون گویند. یکی از آن عمارتها در استخر و دیگری در داراب و سومی در راه خراسان بود شهر زیبائی نیز درحوالی اصفهان ساختند که اسکندر آنرا خراب کرد ...» اگر این نوشته با حقایق تاریخی مطابقت نماید باید بگوئیم که بنّایان در روزگار قدیم یعنی حتی پیش ازحملهٔ اسکندر به ایران، درایران تشکیلاتی داشته و صنف بزرگی بوده‌اند.

علاوه براین فراماسونها ازپارهٔ جهات بامتصوفین وطبقات صوفیه درایران بی‌شباهت نیستند و شاید روی همین وجه تشابه باشدکه عده زیادی ازفراماسونهای قدیمی ایران جزو دستجات صوفی و دراویش بودند. همانگونه که درمیان صوفیه «مرید»، «مرشد» و «خانقاه» وجود دارد در فراماسونری نیز «شاگرد» «استاد»، «لژ» موجود است.

مرشد واستاد «دستگیر» شاگرد ومریدند و به اصطلاح دراویش «اورا ازتاریکی خودپرستی به روشنائی نوع دوستی و صفای باطن راهنما می‌شوند، خانقاه بزم محبت

1_ Bernard E. Jones.

2 _ Freemasonš Guide And Compendium .

است و آنجا گدائی به شاهی مقابل نشیند»[1] محمود عرفان می‌نویسد «... لژهم وقتی بمعنی اجتماع فراماسونها باشد مقام انس و الفت است و در آن اجتماع توانگری که در کاخ رفیع خود آرمیده ، با دهقانی که در کوخ روستائی منزل گزیده یار است و دمساز . هر دوْ طایفه افراد فرقهٔ خود را «برادر» خطاب می‌کنند و می‌گویند با همه خلق خدا محبت کنید و صفا و هر دو معتقدند که :

مرد باید که جفا بیند و منت دارد　　　نه بنالد که مرا طاقت بد خوبان نیست

تفاوت عمده فراماسون با صوفی در این است که اساس طریقهٔ صوفیه بر اعراض از دنیا و مافیهاست و اساس فرقه ماسونری بر توجه بدنیا و تنظیم امور دنیوی بوسیله تعاون و اجرای اصول اخلاقی است والا فراماسون با صوفی در این شعارهم آواز است که: «بترس ازخدا ومیازارکس»[2] با وجودیکه فراماسونری جهان آداب ورسوم و اسرار خود را مرهون بنّایان فرق مذهبی و اسرار و آئین مراسم متداول در ایران و سایر ممالك خاورمیانه میدانند و با وجودیکه یکصد وشصت سال ازآغازفعالیت فراماسونی سیاسی کنونی درایران می‌گذرد معهذا تا کنون نه خود فراماسونهای ایران و نه الهام دهندگان آنها هیچگاه درصدد مطالعه درسازمانهای بنّائی ویا لژها واحوال فراماسونها و سیر آن در ایران بر نیامده‌اند . نخستین بار«روبرت فردریك گاولد[3]» انگلیسی که تاریخ فراماسونری خود را در سال ۱۸۷۹ م (۱۲۹۶ ه) نوشته و تا کنون این کتاب نیز بارها چاپ شده ، در باره تأسیس نخستین لژفراماسونری در ایران اشاره‌ای کرده و آنرا بتاریخ ۱۸۱۰ م (۱۲۲۴ ه) در شهر اصفهان میداند ، گاولد میگوید که یکی از نویسندگان ماسون بنام «توری»[4] مدعی است که در این سال فرمان تأسیس لژ در اصفهان صادرشده ، اما هیچگونه دلیل و مدرکی که حکایت از تشکیل لژ در این شهر و فعالیت ماسونها نماید در دست نیست .

---

۱ و۲ ـ مجلهٔ یغما شماره ۱۱ سال سیزدهم .

3_ Robert F. Gould

4_ Theory

نویسنده دیگر فراماسونری در دائرةالمعارف سلطنتی ماسونیك می‌نویسد : «اطلاعاتی که از وضع اجتماعی مملکت ایران در آن زمان رسیده ضد و نقیض و غیر قابل اطمینان است . بهمین جهت با وجود تذکراتی که درنشریه‌های ماسونیك دربارهٔ تأسیس لژ در اصفهان چاپ شده نمی‌توان با قاطعیت وجود این لژ را در اصفهان تائید کرد[1] همین نویسنده زیر نام ایران در دائرة المعارف مذکور مینویسد : «در همین تاریخ یك صاحب منصب ماسونی از لژ Ishmaed درایران بوده است»[2] ولی اوهیچگونه توضیح بیشتری در بارهٔ این لژ و یا سایر فعالین آن نمی‌دهد .

نویسنده دیگرفراماسونری‌ضمن‌تشریح‌تشریفات ورود میرزاعسگرخان‌ارومی‌افشار به لژ فراماسونری درپاریس‌که در۲۴ نوامبر ۱۸۰۸ صورت‌گرفته می‌نویسد : «... ولی بهرحال محتمل است که آقای سفیر در بازگشت بوطن بین دوستان مورد اطمینان خود اطلاعات چندی درباره تأسیس لژ منتشرکرده و توجهشان را به عقاید مساعد خود بآن جلب کرده باشد . زیرا ازکلیه حوادث و اطلاعات بعدی چنین بر میآید که ازآن تاریخ به بعد در ایران مردم طبقه عالی درباره فراماسونری ولژهای ماسونی اطلاعاتی داشته‌اند»[3] .

بنظرمیرسد این ادعای نویسنده دائرةالمعارف ماسونیك‌تا حدودی صحیح باشد زیرا «هولمز»[4] انگلیسی‌که‌کتابی بنام «بررسی ونقشه سواحل بحرخزر»[5] نوشته درباره اندیشه‌های ایرانیان و اخذ فراماسونری در میان آنان اطلاعات جالبی از گفتگوی خودش با حاکم رشت داده و مینویسد: «... صبح آقای فرماندارکه بنظرمیرسد شخص فوق‌العاده کودن و درعین حال مؤدب و با تمدن است از ما دیدن‌کرد. ایشان سئوالات فراوانی در باره فراماسونری از ما کرد که خود او بدان نام «فراموشخانه» میداد .

---

۱ و۲ ــ دائرة المعارف سلطنتی ماسونیك ص ۵۵۸ .

۳ ــ تاریخ فراماسونری گاولد جلد ششم .

4 _ Holmos .

5_ Sketchen on the shor of the Caspian, (London, 1845) 6. 182.

البته باید گفت که ایرانیان به «فریمسن‌هال لندن»[1] فراموشخانه می‌گویند این لغت در نظر ایرانیان بسیار کلمه حیرت انگیز و عجیب بوده و عموماً برای ایرانیان که از آن اطلاعاتی شنیده‌اند خیلی جالب است . سئوالاتی که دراین باره از ما شد باین شرح است :

در فراموشخانه چه می‌کنند ؟

فراموشخانه اصولاً چیست ؟

ایرانیان معمولاً خیال می‌کردند که این مکان بسیار عجیب جائی است که در آن یك شخص ممکن است در یك روز نتیجه فهم و درك هزار سال تحصیل و علوم دیگران را بیاموزد ، ولی هرکس خصوصیت مطالب آموخته را برای شخص خود نگاهداشته و به کس دیگر چیزی نمی‌گوید . بعضی از ایرانیان که به انگلستان سفر کرده‌اند فراماسون شده‌اند رفقایشان از آنها گله می‌کنند که در بازگشت به وطن به هیچوجه حاضر نیستند چیزی درباره مجمع فراموشخانه به زبان بیاورند بعلاوه ابداً نمی‌توان به اینعده فهماند که چرا فراماسونهای ایران تا این حد گوشه‌گیر و غیرقابل جوشش و ساکتند و با مردم ارتباط ندارند ؟ علاقهٔ طبقات مختلف به کسب اطلاع از درون لژها و محافل ماسونی حتی دربین علماء نیزرایج بوده «جوزف ولف»[2] عضوگروه سیارهیئت کلیسای انجیلی و یا «کلیسای نسطوریان» در خاطرات هشت ساله اقامتش در ایران مینویسد :

« در سال ۱۸۲۴ (۱۲۳۹هـ) وقتی از شیراز می‌گذشتم بامجتهدی بنام شیخ‌حسن آشنا شدم‌که برخلاف سایرعلماء ازمذاکره باخارجیها خاصه فراماسونها امتناع‌نداشت و حتی مارا پذیرفت زیرا بنابرگفتهٔ او این مذاکرات موجد تفاهم بیشتری میشد . »[3]

همین نویسنده هفت سال بعد هنگامی‌که به‌آذربایجان غربی میرسد وباسلیمان

1– Freemasons Hall in London .

2 –joseph wolff .

۳ ـ رجوع شود به‌کتاب :

Missonary journal of the reverend , (London , 1829) , III.87

پاشا حاکم شهر خوی در آذربایجان شرقی برخورد می‌کند می‌نویسد :

«... او علاوه‌بر اینکه با فراماسونری نوین بخوبی آشنائی داشت ادعامی‌کرد که یك فراماسونـر است . او همچنان می‌گفت که بنیاد فراماسونری در فصل چهارم مکاشفه « سن‌جان» بنیاد نهاده شده است ... » [۱]

یکی دیگر ازکشیشان اعزامی به‌ایران بنام « پرکینز »[۲] که عضو یك هیئت مذهبی مسیحی به ایران‌داشته و در سال ۱۸۴۳ (۱۲۵۸ ﻫ) به ایران آمده ضمن گزارشی که به‌مقامات کلیسای خود میدهد می‌نویسد : « ... این علاقه زایده « جوهر فلسفه شکاکیون پیمان شکنی و الحاد است ... » [۳] بنـا بنوشتهٔ حمد الگار ، جیمز موریه نیز در حاشیه‌ای که برداستان مشهور و پر ماجرایش بنام «سرگذشت حاجی‌بابا اصفهانی » نوشته بهمین گونه شهادت میدهد .

طریقت فلسفی ایران

سند بسیار ارزنده و جالب دیگری که از تأسیس لژهای اولیه ماسونیك درایران بدست‌آمده وجود یك لژ فراماسونری مجاز را در تهران تائید میکند . نویسنده‌آمریکائی «دائرةالمعارف ماسونیك » [۴] برای اولین بار اشاره بوجود یك لژ ماسونـی در ایران میکند . این نویسنده مدعی است که « تشکیل این لژ براساس طریقت فلسفی «بنّایان درایران» بوده و بهمین جهت هم نام‌آنرا Persian Philosophical Ritel گذاشته‌اند . بعقیدهٔ نویسندهٔ مذکور « آئین فلسفی فراماسونری ایـران اولـین بار در الرزته‌الروم و در سال ۱۷۱۸م (۱۲۳۳ﻫ) پایه‌گذاری شده است . در آن ایام ارزروم قسمتی از خاك ایران بوده و لژی که درآن تشکیل شد در سال۱۸۱۹ بهفرانسه معرفی شده است ... »

با توجه به‌اینکه در آن ایام لژ گرانداوریان فرانسه درسرزمین عثمانی‌فعالیت

1 _Researches And Missionary Labours Among The Jews . Mohamme dans and other Sects (London), 1835, P. 41 .

2_ Perkins.

3_A. Residence of Elght years in Persia among the nestorian christians (andoyer, 1843), P. 41

۴ـ شورای طریقت فراماسونری امریکائی‌باارسال یك‌فتوکپی از کتاب تاریخ فراماسونری ←

داشته چنین بنظر میرسد که طریقت مذکور از طرف این گراند لژ بوجودآمده باشد.
در تأیید آنچه گفته شد بایستی یادآور شویم که در کتاب « دیکسیونر فراماسونری بین المللی » Internationales Freimaurer Lexikon که در سال ۱۹۳۶ به زبان آلمانی درآلمان چاپ شده و در سالهای اخیر سازمانهای « فراماسونری آبی» آنرا تجدید چاپ کرده، ازین «طریقت فلسفی ایران» ذکری شده است . نویسنده این دائرةالمعارف ماسونی ضمن نقل هفت درجه و سمبل اجراء شده در طریقت مذکور مدعی است که «این طریقت فراماسونری ازفرانسه به سرزمین عثمانی منتقل شده است»[۱]
یکی از فراماسونهای کنونی که در این رشته مطالعات فراوان دارد و خود نیز مدتی در ترکیه مشغول مطالعه بود مدعی است که هم‌اکنون درشهرقونیه یکدسته‌از دراویش که خود را فراماسون میدانند ولی به‌هیچیك از دستجات وسازمانهای فراماسونی جهان بستگی ندارد طریقت ماسونی مذکور را شدیداً اجرا میکنند.این دراویش فراماسون بهیچوجه خارجیان و حتی بزرگترین صاحبان مقام ومناصب ماسونی جهان رابدرون لژهای خود راه نمیدهند . اینان هنگام اجراء تشریفات وآداب و رسوم همه اعمالرا بهزبان فارسی وکلمات متداول و معمول فارسی در قرن نوزدهم اجراء می‌کنند بدون اینکه اعضاء آن زبان فارسی بدانند و یا بدین زبان صحبت کنند .
این دسته از فراماسونها علائم و رموز و اشاراتی که عیاران ایرانی در دوران سلطنت شاهان صفویه در ایران بین خود داشتند عیناً اجرا می‌کنند و با این علائم همدیگر را می‌شناسند و حتی بوسیله‌آنها در اجتماعات باهم‌سخن می‌گویند.طریقت

←جهان این اطلاعات را در اختیار نویسنده‌گذاشته است، همچنین در دائرةالمعارف سلطنتی فراماسونری نیز دربارهٔ طریقت مذکور اطلاعاتی داده شده‌است ، رجوع شود به‌صفحهٔ ۵۵۸ این کتاب .

۱ـ رجوع شود به ص ۱۳۱۸ زیر نام Persian ـ چاپ دوم کتاب « دیکسیونر فراماسونری بین‌المللی» فوق‌الذکر که در فراماسونری‌آلمان به‌دائرةالمعارف فراماسونری آبی نیز مشهور است .

مذکور دربین مرشدها وپیران دراویش مولوی سه شهر قونیه ،ارزروم و ازمیر متداول است و این سه لژ با هیچیك از اجتماعات و سازمانهای ماسونی ترکیه کنونی ارتباط ندارد . آنان نام محل اجتماعات خود را « میدان علی » گذارده‌اند . در آخر هر تشریفاتی پیر بزرگ و قطب‌که درصدرهمه نشسته شراب «طریقت» مینوشد و اطرافیان او هنگامی‌که می‌خواهند « میدان علی» را ترك گویند دست اورا میبوسند . در دست قطب بزرگ بجای چکشی که استاد هرلژهنگام اداره محفل بدست میگیرد تبرزین قراردارد وازاین نظر نیزاعمالی‌کهانجام‌می‌شود درهمه‌لژهای‌ماسونی‌جهان معمول‌است. بموجب مطالبی‌که یك نویسندهٔ آلمانی بنام «دان‌سبوتندرف» درکتاب خودبنام «کیمیا-گران قدیم خاورمیانه» منتشرکرده ، « ... فراماسونری و سازمانهای بنّائی همیشه در سرزمینهای ایران وعثمانی وجود داشته است وبنّایان این ناحیه ازخاورمیانه‌مشترکاً فعالیت‌هائی داشته‌اند » . نویسنده مدعی است که کیمیاگران این منطقه علائم بنّائی را که هم اکنون در لژهای فراماسونری جهانی رواج دارد ، بکار می‌برده‌اند و برای اینکه اسرارحرفه‌آنها محفوظ باشد ، علائم و اشاراتی بین‌آنها وجود داشته‌کەدیگران از آنها چیزی نمی‌فهمیدند .

« دان‌سبوتندرف » از بحث خود چنین نتیجه میگیرد که سازمانهای بنائی در دوران سلاجقه در عثمانی و ایران رواج داشته ، ملکشاه و وزیر او نظام‌الملك از سازمانهای بنّایان بی‌اطلاع نبوده‌اند . «سبوتندرف» میگوید : مردم ایران و عثمانی همیشه از آداب و تشریفات بنّائی و سازمانهای حرفه‌ای برخوردار بوده‌اند .

اگر نوشته‌ها و اظهار عقیدهٔ محقق آلمانی صحیح باشد باید این نکته را قبول کرد که «طریقت فلسفی ایران» مورد ادعای او، زیر نظر ایرانیانی‌که از اسرارورموز و علائم بنّائی اطلاعاتی‌داشته‌اند تأسیس گردیده و سپس از ازمیر به‌ایران منتقل شده است .

متأسفانه در هیچیك از تواریخ دیگر ماسونی در بارهٔ طریقت مذکور ذکری نشده ،و از تشکیل این لژ در ایران حتی‌اشاره‌ای بمیان نیامده است . در سالهائی‌که

مشغول تحقیق در این باره بودم نیزهیچیك ازنویسندگان فراماسونری جهان‌اطلاعاتی در این باره نداشتند و فقط یك نویسنده فرانسوی وابسته به‌لژگراند اوریان که مقیم پاریس است ،در تأییدآنچه در این دومنبع ذکرکرده‌اند، اشاره بوجود یك سندجالب درآرشیو لژ مذکور کرد که بنوبهٔ خود اهمیت شایانی دارد .

جالب اینجاست که در طریقت فلسفی بنّایان ایران یعنی سازمانیکه ظاهراًدر ازمیر و ارزنةالروم تشکیل شده، درجات هفتگانه‌ای وجود داشته که بعدها بعضی از لژهای کنونی جهان ازآن تقلید کرده‌اند . طریقت مذکورکه شاید ایرانیان‌دربوجود آوردن آن بی تأثیر نبودنـد و بهمین جهت بنـام طریقت فلسفی ایـران مشهور شده عبارتست از :

1_ Symbolical - J. Listeming Apprentice.

2_ F.C. , adept. Esquire of Bene vol enc.

3_ Master, Knight of the sun, II Capitular.

4_ Architect of all Rites , and Knight of the Philosphy of the Heart .

5_ Knight of ecticism and Truth. III. Areo Pagute.

6_ Master good she pherd.

7_ Venerbl Grand elect.

حمدالگار محقق و شرق‌شناس انگلیسی‌الاصل وامریکائی‌الموطن‌که دردانشگاه برکلی کالیفرنیا امریکا به تدریس مشغول‌است دربارهٔ این طریقت ایرانی‌ووابستگی‌آن به‌ایران وایرانیان شك‌کرده و چنین می‌نویسد:«... درسال۱۸۱۹ (۱۲۳۴هـ) درپاریس یك آئین ایرانی که ظاهراً سال پیش از این تاریخ در ارزروم بنیاد شده‌بودبوجودآمد اما بنظر میرسد که در ادعای بستگی آن بعنوان «ایرانی» بیشتر نشانه‌ای از انعکاس تمایل مرسوم به‌یافتن ریشه‌های شرقی برای فراماسونری باشد .این‌فرض‌اشتباه که ارز روم یك شهر ایرانی است جعلی بودن آن ادعا را ثابت میکند ...»[1]

۱ ــ مقالهٔ تاریخ فراماسونری در ایران ص ۷ بقلم حمدالگار . باید دانست که نویسنده زبانهای فارسی ــ عربی و ترکی را بسیار خوب و صحیح می‌نویسد و می‌خواند و پایان‌نامهٔ تحصیلی‌اش در بارهٔ نقش علماء ایران در انقلاب مشروطیت می باشد وی همچنین کتابی دربارهٔ میرزا ملکم‌خان زیر چاپ دارد و مقاله « فراماسونری درایران»اونیزمنتشر شده است .

با وجودا ینکه این محقق نظریه‌ای صریح درباره غیرایرانی بودن «آئین ایرانی» فوق الذکر میدهد معهذا میبایستی انتخاب نام «طریقت ایران» را درروی این تشکیلات ماسونی بی‌پایه ندانست و بنظر میرسد که لااقل ایرانیان فراماسون در بوجود آوردن آن سهیم بوده‌اند .

همین نویسنده بدنبال اظهارنظر فوق اضافه می‌کند :«... با وجوداین شواهدی وجوددارد که حتی در نیمهٔ اول قرن شانزدهم فراماسونری بهیچ‌وجه درخود ایران ناشناخته نبوده است . ایرانیانی که در اروپا سفرکرده بودند بدون توجه به ترغیب میزبانانشان که انگیزهٔ سیاسی داشتند به‌قبول فراماسونری مشتاق بودند . این اشتیاق از علاقه‌کلی آنها به‌موضوعی سرچشمه می‌گرفت که مورد تائید چندین اروپائی سفرکرده به ایران در آن دوران بود ...» [1]

بهر حال جا دارد در بارهٔ این طریقت ایرانی در فراماسونری جهانی مطالعات بیشتری صورت گیرد تا شاید رازتشکیل آن فاش شود .

یك افسر ایرانی در لژ برلن

نوشتهٔ دیگری که در تواریخ فراماسونری به کرّات از آن یاد شده عضویت یکی از افسران ایرانی در لژ فراماسونری برلن است . بموجب نوشتهٔ مجله « لندن فراماسونری » [2] مورخ ۲۸ ژوئن ۱۸۷۳ ـ (۱۲۸۹هـ) درآن تاریخ درایران عده کثیری از اعضاء دربار قاجاریـه عضو لژ فراماسونری بودند و نویسنده مدعی است « ...یکی از افسران ایرانی که‌دربرلن اقامت دارد ومشغول ادامه تحصیل در فنون وعملیات نظامی میباشد داوطلبانه وارد سازمان فراماسونری Mystie order شده است » تا آن تاریخ هیچیك از مسلمانان وارد لژ فراماسونری آلمان نشده بودند و بنظر میرسید که ورود او به لژ«کرافت برلن» [3] از این لحاظ دارای اهمیت فراوان بوده‌که این افسرهنگام ادای سوگند ماسونی به قرآن کریم سوگند خورده‌است . تقاضای عضویت افسرمذکور

۱ـ مقالهٔ فراماسونری در ایران ص ۷ .

۲ـ یا مجلهٔ فراماسونری Ereemason's Magazine, 187

3_ C raft Ata Berlin Loge

پس از گذرانیدن امتحانات ماسونی و انجام همه تشریفات بطورصحیح موردقبول‌واقع شد. نشریهٔ مزبوردراین‌باره مینویسد «...پس ازطی امتحانات که‌برادران‌فراماسونری آلمان از او بعمل آوردند با رضایت‌کامل عضویت اورا تائیدکردند واورا جزء برادران خود شناختند . ظاهراً این افسر ایرانی ادعا میکرد که اغلب درباریان قاجار عضو این سازمان هستند و همچنانکه ماسونری آلمان به‌عضویت امپراطور و ولیعهد افتخار می‌کنند فراماسونهای ایران هم سازمان ماسونیك خودرا وابسته به‌دربار میدانند»

نویسندهٔ مجله بدون اینکه نام‌افسر فراماسون شده ویا درباریانی راکه عضوآن بودند ببرد اضافه می‌کند «عضویت این ماسون مسلمان ساکن برلن در میان برادران آنجا اسباب اعجاب شده زیراآنها تصور نمی‌کردند که اندیشهٔ‌فراماسونری درتمام‌روی زمین توسعه یافته باشد[۱]. علی مشیری محقق و نویسنده‌ای که دوران بازنشستگی را درانگلستان میگذراند ضمن‌تحقیقاتی‌که درباره «اولین فراموسونهای ایرانی دراوایل قرن نوزدهم نموده‌اند درباره لژی‌که افسرمذکور مدعی است دربار ایران را مجذوب خود کرده مینویسد :

«... باید گفت سازمان فراماسونری بشکل جدید کنونی تاسال ۱۸۷۳ میلادی که قانوناً میبایستی تابع یکی از منشورهای‌انگلند، اسکاتلند یا فرانسه باشد درایران به‌هیچوجه من‌الوجوه سابقه نداشته است ...»[۲]

اولین‌نویسنده‌ای‌که‌اظهارات افسرایرانی مقیم‌برلن رابه‌نقل ازمجلهٔ فراماسونری لندن درج‌کرده گاولد نخستین نویسنده تاریخ شش جلدی فراماسونری است که بعداً نیز سایر نویسندگان ماسونی نوشته‌های او را نقل‌کردند . اومی‌نویسد :

«ظهور این فراماسون مسلمان در برلن بنظر میرسد که تا حدی سبب ایجاد اعجاب برادران ماسون او درلژ بوده.غافلگیری وبی‌اطلاعی متوجه‌آن‌عده‌ازفراماسونها بوده‌که ازپیشرفت‌وتوسعه نفوذ(بنایان) دردنیا چیزی‌نمیدانند .حقیقت‌اینست‌که‌مسلماً

۱ـ تاریخ فراماسونری گاولد جلد ششم قسمت ایران.

۲ـ مجلهٔ خواندنیها شمارهٔ ۹۵ سال ۲۴ .

این گروه مرموز (بنّایان) در مشرق زمین از سالها پیش وجود داشتند .تقریباً اکثریت ساختمانهای مسلمین درهندوستان از قبیل مقابر ، مساجد وبقاع متبرکه وغیره، باعلائم ماسونیك مشخص گردیده‌اند . بسیاری از این علائم که هنوزهم بطورواضح و کمال باقی مانده‌اند و بخصوص ساختمانهائی‌که در هند در زمان اکبرخان امپراطورمغول‌که در سال۱۶۰۵ (۱۰۱۳هـ) وفات یافته‌بناشده‌اند . بدینسان میتوان‌گفت که فراماسونری از آسیای وسطی به هندوستان سرایت کرده و عامل آن مسلمین درصدها سال پیش از این بوده‌اند » .

بدنبال تحقیقات گاولد، نویسندگان دائرةالمعارف فراماسونری در امریکا اضافه می‌کنند «از این تاریخ به‌بعد فقط علائم‌اختصاری وسری یك‌ایرانی درلژامیتیه‌فرانسه Loge Clemente Amitie درپاریس دیده‌می‌شود ولی البته درتهران لژی وجوددارد که بسیاری ازایرانیان محلی عضوآن هستند [1]» این‌اطلاعات نارساونامفهوم نکات‌تاریك فراماسونری ایران ووجود لژ درتهران و یا درباریانی را که فراماسون بوده‌اند روشن نمی‌کند.درحالیکه عده‌ای ازدیپلماتهای ایرانی‌منجمله میرزایوسفخان‌مستشار-الدوله عضو لژ «کلمانت امیتیه» پاریس بوده‌اند .

تحقیقاتی‌که از خانواده‌های قدیمی افسران ارتش ایران بعمل آمده حاکیست که درآن ایام‌یکی ازافراد خانواده (گرانمایه) وشایدهم‌خود (مؤیدالسلطنه) درآلمان اقامت داشته است . اماآیا افسری‌که وارد لژ«گرافت‌آلمان» شده خود او بوده یا نه؟ اطلاع صحیحی دردست نیست.درآن سالها درایران وبخصوص در طبقهٔ حاکمه عده‌ای فراماسون بوده‌اندکه فعالیت کاملاً سری داشته‌اند و تشخیص‌آنها بسیاردشوار است.

اولین گراند لژ ایران

مقارن همین ایام گرانداوریان در ایران لژی تشکیل داد ولی چون درکمال اختفاکارمیکرد بهیچوجه اثـری ازآن در اسناد دولتی و نوشته‌های فارسی مشاهده‌نشده است .تنها اثری‌که از وجود این لژ دیده می‌شود چند جمله ایست که در سالنامهٔ

1-Mackeys Encycl opaedia of Freemasonary, p. 576.

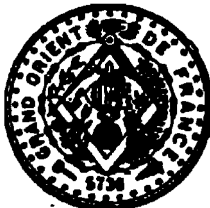
فراماسونری گرانداوریان مصر چاپ شده‌است . دراین سالنامه زیرعنوان « گراند لژ ایران» این جملات به‌چشم می‌خورد: «گراندلژایران درسال۱۸۷۹ (۱۲۹۶م) تأسیس شده وهنوزهم فعالیت آن ادامه دارد [۱] » این سالنامه‌که درسال فراماسونری۹۰-۱۸۸۹ چاپ شده اسامی همهٔ لژهای وابسته به گراند اوریان را منتشر کرده و وجود یك لژ اصلی و مجاز را در ایران تائید می‌کند و همچنین فعالیت ده ساله گراند لژ ایران را منعکس مینماید . منتها چون این لژ درشرائط کاملاً مخفی بوده ، اسامی مؤسسین ویا روساء آنرا منتشر نمی‌سازد ودرتهران هیچگونه اثر واطلاعی ازفعالیت این‌لژمشهود نبوده است .

در تائید نوشتهٔ سالنامهٔ مذکور دبیرخانهٔ « گراند اوریان» نامه‌ای بتاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۶۱ درجواب تقاضای نویسنده ارسال داشته و نوشته است : «گراندلژایران که درسال۱۸۷۹ در ایران تأسیس شده فقط در مدت خیلی‌کوتاه‌فعالیتی‌کرده وعملیاتی انجام‌داده و تاسال۱۸۸۹ اسماً وجودداشتند ولی‌فعالیت‌زیادی‌نداشته‌است» بنابراین از اواخر نیمهٔ دوم‌قرن‌نوزدهم فعالیت فراماسونها درایران به‌اندازه‌ای مخفی‌و سری بوده که حتی یك‌ناظرویادیپلمات خارجی یامأموران عادی دولت هم نمی‌توانستند ازمجامع آنها و فعالیت اعضایشان چیزی درك و یاکسب‌کنند .

اکثر نویسندگان ومورخان و رجال دولتی ایران که‌عضولژ فراماسونی نبودندبا نظر سوءظن وبغض وحتی عداوت به‌آن می‌نگریستند ومحافل ماسونی را شعبهٔ‌جاسوس و یا مثلاً دایره تخریبی واطلاعاتی سفارت انگلیس در ایران می‌پنداشتند وحال‌آنکه چه درآنموقع‌وچه هم‌اکنون ماسونهای خارجی‌یا ایرانی (درایران) مستقیماً باسفارت انگلیس و مؤسسات سیاسی وابسته به آن و غیره تماسی ندارند و مستقیماً دستورات خود را ازمراکزلژهای خود دریافت میدارند.گرچه به‌کرّات دیده شده‌که رؤساء لژها

۱ــ درسال ۱۳۴۰ شمسی‌که برای معالجه به‌سوئد رفته بودم درکتابخانهٔ لژاستکهلم که‌برخلاف همه لژهای انگلیسی سری و مخفی نبود این سالنامه در اختیارم گذاشته شدکه با تشکر از مدیر کتابخانه، قسمت ایران آن نقل شد .

LIBERTÉ
ÉGALITÉ · FRATERNITÉ



16, RUE CADET
PARIS-IX

LE SECRÉTARIAT

JLB

Grand Orient de France

PUISSANCE SYMBOLIQUE SOUVERAINE
POUR LA FRANCE MÉTROPOLITAINE ET D'OUTRE-MER

COMPTE CHÈQ. POST. — ADRESSE TÉLÉGR.
TÉLÉPHONE

PARIS, LE 28 Avril 1961

Monsieur Ismail RAYIN
11, Ashrat Abad Ziba Shafi
TEHERAN IRAN

Dear Sir,

In answer to your letter dated April 25th, 1961, we made some research in our records, but we are sorry for we just found a very few indications.

1°) As far as Askar-khan is conterned, we dit not find any mention of him as a member of the Free-Masonery and especially of his belonging to the Grand Orient de France.

2°) We could not trace neither a lodge of the Grand Orient de France that would have been founded in Persia between 1800 and 1900. There is nothing of the like in our records.

The only indication we have is in the "Annuaire Maçonnique Universelle" of 1889, where we have the fellowing indications :

- Persia : Grande Loge, founded in year 1879,
  had a very short existence
  was not active anymore in 1889.

قسمتی از نامهٔ دبیرخانهٔ «گراند اوریان» به نویسنده

ترجمهٔ نامه دبیرکل گرانداوریان به نویسنده کتاب

۲۸ اپریل ۱۹۶۱ پاریس

آقای اسماعیل رائین ـ تهران

آقای عزیز

پاسخ نامه ۲۵ اپریل ۱۹۶۱ شما ما درسوابق خود تحقیقاتی کردیم ولی متأسفیم که آثارخیلی معدودی پیدا نمودیم :

۱ـ درمورد عسگرخان ما اشاره‌ای در باره عضویت او درفراماسونری نیافتیم . بخصوص درباره بستگی او به‌اوریانت بزرگ فرانسه .

۲ـ ما نتوانستیم ردیابی کنیم که گرانداوریان فرانسه در بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ درایران تشکیلاتی داشته باشد و چیزی دربن زمینه در سوابق و پرونده‌های ما نیست . تنها اشاره‌ای که داریم در Annuair Maconni Que Universalle (سالنامه سال ۱۸۸۹ ماسونی جهانی است) که چنین نوشته شده :

ایران ــ لژ بزرگ درسال ۱۸۷۹ تأسیس گردید . مدت کوتاهی به‌حیات خود ادامه داد و درسال ۱۸۸۹ دیگر فعالیتی نداشت .

۳ـ لژ بیداری ایران که مرکز آن درتهران بوده است ، در ششم نوامبر ۱۹۰۷ تأسیس شده و ما برای اولین‌بار آنرا در راهنمای سالانه سال ۱۹۱۳ گراند اوریان ، پیدا کردیم .

مرکز این محفل درخیابان پست‌خانه کوچه جلال‌الدوله شماره ۸ بود. برادران در روزهای دوشنبه بایکدیگر ملاقات میکردند. برای شما به‌ضمیمهٔ این نامه فتوکپی نشان و علامت لژ ارسال می‌گردد .

اگر ما توانستیم اطلاعات دیگری بدست‌آوریم ، اطمینان داشته باشیدکه برای شما خواهیم فرستاد. متأسفیم که نتوانستیم تفصیل بیشتری دربن موضوع بشما بدهم .

بااحترام ارادتمند ـ دبیرکل ام ـ پانه تی‌یر

و اعضاء لژ در ایران از کارکنان سفارت انگلیس و یا اتباع انگلستان هستند. لیکن باید دانست که سازمانهای فراماسونری ایران همیشه دستورات لازم را مستقیماً ازمراکز خود دریافت میدارند وحتی ساعات تشکیل لژ و نحوه مذاکرات و جزئیات کارهای داخلی آنها از مرکز به آنان ابلاغ می گردد . متأسفانه اعمالی که ماسونهای ایرانی در گذشته انجام دادند سبب شده تا این سازمان در نظر ایرانیان شکل خاصی بخود بگیرد و اکثریت مردم باسوءظن بهفراماسونها بنگرند. بدبینی وشك و تردید ایرانیان حتی به نویسندگان خارجی نیز که بعضی اوقات درباره فراماسونری در ایران مطالبی نوشته اند رسوخ کرده تاجائیکه «ریچارد. و. کوتام»[1] نویسندهٔ امریکائی درکتاب « ناسیونالیزم در ایران »[2] چنین نوشته است :

«...اعتقاد عمومی ایرانیان این است که دستگاه فراماسونری ازابزار امپریالیزم انگلستان است و دیگر اینکه تشکیلات فراماسونری در ایران مرکب است از عده زیادی ازایرانیان که حمایت انگلستان راقبول کرده اند وهمین امروسیلهٔ پیشرفت و ترقی زندگی سیاسی آنهاشده است . وجهه نظرمردم عادی ومتعارفی ایران نسبت به تاسیسات فراماسونری شبیه نظرمردم عادی امریکا نسبت به کمونیزم میباشد . از این جهت توجه سیاست بافان ایران نسبت به فراماسونری عیناً شبیه همان طبقه سیاست بافان امریکائی نسبت به جبههٔ کمونیزم است ...[3]»

دربین نویسندگان ایرانی محمود محمود بیش ازهمه نسبت بهماسونها سوء ظن دارد و آنهارا عوامل سیاسی (انگلیس) میداند. وی مینویسد : « تأسیس محفل فراماسیون درایران باید ازصدسال بیشترباشد دراوایل قرن نوزدهم سه نفر از انگلیسها بیش ازهر انگلیسی دیگر باایران سروسری داشتند . سرهاردجونس ـ جیمزموریه وجیمزفریزر ... باید گفت بدون تردید اینان یکی ازاولین دسته مبلغین محفل فراماسون لندن بودند

1 _ Richard w.cottam

2 Nationalism in Irancpittisburch ' 1964، 23 _ 5

۳ـ ص ۲۳۵ ناسیونالیزم درایران.

که در ایران محفل فراماسون را دایر کردند . . . در مدت این پنجاه سال دو همسایه مقتدر ایران نگذاشتند قدمی برای ترقی ایران برداشته شود . هر کس آمد بفکر ترقی ایران افتاد به اوفرصت نداده از بین بردند .کسانی بر ایران حکومت کردندکه دست نشانده خودشان بودند ، فقط درسالهای اخیرسلطنت ناصرالدین شاه بودکه شاه وصدر اعظم متوجه شدند سرکار آنها باچه شیادانی است . هرکس را می شناختند از دربار رانده محافل آنهارا بستند به فتنه جویان دیگر راه ندادند ولی عمر این مدت بسیار کوتاه بود، در همین ایام‌کوتاه بودکه ناصرالدین شاه باتیرمیرزا رضاکرمانی به تحریك سید جمال‌الدین فراماسون کشته شد . . . »[1] و این همان دورانی است که لژهای ماسونی‌گراند اوریان و فراماسونهای وابسته به لژهای انگلیسی در دربار و دستگاه حاکمه مملکتی مشغول فعالیت بودندکه شرح فعالیت‌آنها به اختصار گفته شد.

گزارش سفیرانگلیس وفراماسونها

تنها نشانه ای که از فعالیت لژ فراماسونی در این ایام بدست‌آمده درقسمتی ازگزارش‌مفصل سرارتورهاردینگ وزیر مختار انگلیس در ایران است که در آن صریحاً اشاره به لژ فراماسونری ایران و اعضاء آن شده است .

وزیر مختار انگلیس مبارزهٔ طبقهٔ روشنفکر و بورژوای پایتخت را علیه قرضهٔ خارجی باالهام ازیك مجمع سری وسازمان فراماسونری میداند ومینویسد :

«پیروگزارش شماره ۱۲۴ مورخ ۱۸ اوت به استحضار می‌رساندکه درچند روز اخیر عده‌ای به جرم انتشار اوراق ضد دولتی بازداشت گردیده اند . اولین کسیکه دستگیر گردید مستخدم موقرالسلطنه (یکی از دامادهای اعلیحضرت شاه) بود . وی درحالیکه یکی از این اوراق همراه داشت وبقولی دیگر حامل نامه‌ای بودکه شرکت اورا در تحریکات محرز میداشت در یك قهوه خانه واقع در دزاشیب قریه‌ای در چند کیلومتری قلهك دستگیر شد .

این شخص پس ازتوقیف مورد شکنجه قرارگرفت ومحل چاپ اوراق معلوم شد

۱ـ تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس ص ۱۸۳۷

ودر نتیجه موقرالسلطنه بازداشت ونام‌عده‌ای ازشخصیتهای تقریباً مهم‌که درانتشاراین اوراق شرکت داشتند بدست آمده خانه هـای مورد نظر در شب اول ماه جـاری تحت محاصره قرارگرفت و افراد پلیس وارد یکی از خانه‌ها شدند . شخصی بنام سید محمد علی خان چاپ کننده اعلامیه ها از پشت بام این خانه خود را پرت و در نتیجه دچار شکستگی پا وکتك خوردن ازدست افراد پلیس پس ازچند ساعت فوت شد . درحدود چهل نفر دیگر در این‌گیرودار دستگیر شدند که یکی از آنها وزیر همایون بود این شخص اگرچه از طبقه‌ممتاز نمیباشد ولی از خانواده اعیان قدیم ایرانی بشمار میرود وچندماه قبل‌وزیرپست ومدتی‌هم‌منشی‌شاه بود وتظاهر به‌شاه‌دوستی‌مینمود. یکی‌دیگر از دستگیرشدگان قوام‌الدوله رئیس امورمالی‌اربتی است کـه چندی‌قبل بعلت نزاع با سپهسالار ازکار برکنار گردید و مراتب ضمن گزارش شماره ۱۰۸ مورخه ۶ ژوئیه بعرض‌رسید .

بین دستگیرشدگان عده‌ای سادات روحانی‌ومعلمین مدارس‌نیز می‌باشندکه‌ذکر اسامی آنها باعث تصدیع خاطرشریف می‌گردد .

بدیهی است توطئه چینی و ارتباط اینان با ناراضیهاکه از طبقهٔ تحصیلکرده و مجتهدین میباشند درخور اهمیت است . وزیر همایون به‌اتفاق عمویش حبیب‌الله‌خان به‌کاشان تبعید و بقیه زندانی شده‌اند . قوام‌الدوله‌که یکی از ثروتمندترین اهـالی تهرانست بدون‌شك بادادن رشوه خود راآزاد خواهد ساخت. بطوریکه‌گزارش‌میدهند شاه بی‌نهایت از دامادش خشمگین گردیده و قصد قتل او را داشته است کـه بعداً دستور شلاق زدن و بریدن دست راست او راصادرکرده است ، ولی‌صدراعظم و بانوان حرم از اوشفاعت‌کردند . اعلیحضرت‌مخصوصاً از قوام‌الدوله خشمگین بودندوی‌موقعی که از خانهٔ ییلاقی خود درشمیران قصدحرکت به‌شهرداشت جعبه‌ای مملو ازنامه‌های ضد دولتی درکالسکهٔ او مکشوف و دستگیرگردید . هنگامیکه در حضور شاه تحت بازجوئی قرارگرفت‌کوشش‌نمود که این‌جملات را علیه اتابك‌اعظم توجیه نماید وبه اندازه‌ای‌شاه‌راغضبناك ساخت که فرمان قتل او را فوری صادرنمود . در هرحال اتابك

اعظم ازشاهاستدعانمودندکه جان قوام را ببخشد و بزندانی نمودن ایشاناکتفافرمایند. قوامالدوله رابجای آنکهمثل سایرتحریك‌کنندگان مظنونین با شخصیت با کالسکهٔشخصی روانه زندان‌نمایند مورد توهین فراوان قرارگرفت . بعد از آنکه او را کتك زدند و بازرسی بدنی از وی‌نمودند او را به‌قاطری‌سوار و پاهایش را زیر شکم قاطر بستند و زنجیری برگردنش انداختند ، با این وضع زننده او را درکوچه و بازار گردانیدند درحالیکه میرغضب درکنار او راه‌میرفت . اوفعلا درزندان بسرمیبرد تا اراده‌ملوکانه شرفصدور یابد یك‌ناظر اروپائی که شاهد ورود او به‌شهر بوده اظهار میداردکه وضع او باندازه‌ای رقت‌آور بودکه مردن برزنده بودن برایش بهتر بود . همچنین شنیده میشود از طرف عده‌ای از مردم‌که در زمان قدرتش شاهد اعمال قساوتمندانه او بوده‌اند بی‌ـ نهایت مورد تحقیر قرارگرفته عده‌ای از شخصیتهای طبقه اول از این‌رفتارخشن‌درباره یکنفرممتازکه تا چندهفته قبل یکی از بانفوذترین وزرای‌کشور بوده بی‌نهایت دچار حیرت شده‌اند . ازمنابع دولتی و سایرمراجع‌گزارش میرسدکه اوراق بدست‌آمده‌همه حاکی از توطئه ریشه‌داری میباشد . درنظر بوده است که اغتشاشاتی به‌بهانه بدی‌وضع آب وگرانی خواربار صورت‌گیرد و عده‌ای‌از ملاها آشوب‌طلبان را تحریك به هجوم به‌کاخ شاه درشمیران‌نمایند (بقول مسیونوز تقلید از انقلابیون‌فرانسه در ورسای در زمان لوئی شانزدهم‌بوده است) وتقاضای برکناری صدراعظم و برقراری حکومت ملی نمایند . اگر این توطئه‌کشف نمی‌گردید اغتشاشات دو روزقبل صورت میگرفت‌وعقیده براین است‌که اگر اغتشاشات خنثی‌نمیگردید خونریزیهائی واقع می‌گردید. از قرار معلوم مقداری اسلحه بین اشخاص ناراضی پخش شده بود و تنها سربازانی‌که دولت بر روی آنها حساب میکرد قزاقهای ژنده‌پوشی بودندکه آنها هم بعلت عقب‌افتادن حقوق خود ناراضی‌بودند و چندصد نفر آنهاکه‌جزء سواره‌نظام بودند چندروز قبل‌نیزدرحال اعتصاب بسر میبردند .

شخص بسیار مطلعی که در مورد توطئه با او مذاکره کرده‌ام چنین‌استنباط می‌ـ کندکه بدون‌شك این اقدام مشترکاً ازطرف‌عده‌ای مأمورین دولتی‌طبقه‌اشراف مخالف

صدراعظم‌فعلی‌وهمچنین مجامع پان اسلامی‌که ازطرف شیخ جمـال‌الدین پایه‌گذاری شده درصدد برانداختن دستگاه صدراعظم و درفکر انقراض رژیم‌قاجاریه و برقراری رژیم جمهوری اسلامی و اتحادیه‌نزدیك باکشور عثمانی‌است .

بعقیده اطلاع دهنده این‌اتحاد همبستگی بالژفراماسونری که از طرف مرحوم محسن‌خان (مشیرالدوله) سفیر ایران درقسطنطنیه‌که بعداً وزیر امور خارجه‌گردیده پایه‌گذاری‌شده بود .

محسن خان هنگام اقامت درقسطنطنیه ریاست لژمسلمین‌راعهده‌دار بودوبه‌آن ایمان داشت و با شیخ جمال‌الدین هم مناسبات نزدیکی داشت . علت این نزدیکی عضویت شیخ در لژفراماسونری‌بود و دیگرآنکه چون‌سلطان عثمانی تحت‌نفوذجمال‌الدین بود محسن‌خان علاقمند بودکه محبت‌سلطان را بخودجلب نماید .

یکی دیگر ازدوستان شیخ ، ملکم‌خان سفیرسابق‌ایران درلندن‌و سفیرفعلی در رم میباشدکه پس‌از قضایای مفتضحانه معاملات لاتاری باشیخ ارتباط پیداکرد و باشیخ در حملات ضدناصرالدین‌شاه فقید و جراید اروپا و اسلامی همکاری می‌نمود و با وجودیکه یکنفر مسیحی بود تبلیغات ضدمذهبی علیه رژیم‌قاجار بعمل میآورد .

عالیجناب ممکن است بخاطر داشته باشندکه محسن‌خان پس‌از تبعید شیخ از ایران با او ارتباط پیدا نمود و بهمین‌جهت شاه مرحوم او را ازسفیرکبیری ایران در قسطنطنیه معزول و به‌جرم خیانت به‌تهران احضار نمود ولی با وساطت دوستان متنفذ خود دردربار و مخصوصاً نریمان‌خان وزیرمختار ایران دروین مورد عفو قرارگرفت و بترتیب وزیرعدلیه و وزیر امور خارجه ایران گردید . ملکم‌خان نیز به‌همین طریق بخشوده شد . تصور نمیرود دربارهٔ نقشی‌که بعداً جمال‌الدین در سیاست ایران بعهده داشت لزومی به‌گفتار باشد. میرزا رضا قاتل شاه فقید همانطورکه استحضار دارید از دوستان و نوکران فدائی شیخ بود و ازنقطه‌نظر تعصب‌مذهبی مرتکب قتل شاه نگردید بلکه‌ضمن انتقامجوئی او را وادار بقتل شاه نمود . میرزا رضا درقزوین‌زندانی ومورد آزار قرارگرفته بود از قراریکه به‌من‌گفته شد جلوی‌چشمش فرزندش‌راشقه و زنش‌را

مورد تجاوز قرار داده بودند علت زندانی شدن او شرکت در توطئه‌های قبلی روحانیون علیه شاه بود .

دولت ایران از دولت ترکیه تقاضای تسلیم جمال‌الدین را بعلت شرکت در توطئه قتل ناصرالدین‌شاه نمود ولی قبل از تسلیم بطور اسرارآمیزی فوت نمود وازقرائن چنین استنباط می‌شود که مرگ او در اثر نوشیدن زهر به امر سلطان عثمانی بوده‌است.

جمال‌الدین طرفداران زیادی ازخود باقی گذاشت که دربین آنها دشمنان رژیم قاجار و یا مسلمانان متعصب بودند و افکار آنها بطورمرتب در بعضی جراید فارسی منطبعهٔ هندوستان و مصر منعکس وعلیرغم سانسورپلیس و به‌طور قاچاق به‌ایران می‌رسید در این دسته برخی ازسران مذهب تشییع شرکت داشتند و گویا دو نفر از مجتهدین بزرگ از این دسته طرفداری می‌کردند و بطوریکه من شنیده‌ام از این‌دسته‌ازمذهبیها روزبروز قوی‌تر میشدند نفوذ قدرت آنها از موقعی بیشتر شده که تنفر مردم‌ازعملیات روسهاروبفزونی نهاده است . دربین محصلین مدارس‌مذهبی‌افکار سوفسطائیان‌قسطنطنیه با احساسات دمکراتی توأم گردیده است . گفته شده که یلدیزیهای عثمانی بطور سری به‌طلاب ومدارس علوم دینی کمك می‌کنند من می‌توانم اظهار عقیده کنم که همه ساله ۱۲هزارنفر ازطلاب‌دینی ازطرف سلطان‌عثمانی برای تبلیغ مرام‌پان‌اسلامیزم‌وخلافت آل‌عثمانی درمیان مردم ایران پراکنده‌میشوند گرچه ممکن است‌که این‌عقیده‌شخصی خودم باشد ویا قبول‌کنم‌که گزارش‌دهندهٔ به‌این‌اطلاعات صادق‌است .

سازمان برادری‌فراماسونری‌که توسط شیخ محسن‌خان (مشیرالدوله) در ایران تشکیل‌گردیده بیشتر به‌منظور انجام خواسته‌های شخصی و سیاسی او بوده . در این تشکیلات حکیم‌الملك و قوام‌الدوله (که اخیراً بازداشت شده) و نصرالملك (هدایت) که همگی‌مخالف رئیس‌الوزرا هستند و همچنین مشیرالدوله (میرزا نصراله‌خان) و مخبرالدوله‌عضویت داشته‌اند .

گرچه پس از فوت محسن‌خان (مشیرالدوله) تاکنون لژی در ایران نبوده است با اینحال درمیان باقیماندگان لژمذکور اشخاصی‌هستندکه هنوز وابستگی‌خودرا به‌لژ



قوام‌الدوله که شاه دستور اعدام او را داد

فراماسونری اعلام کرده واز این راه سوء استفاده می‌نمایند . اینها که فقط عضویت لژ فراماسونری داشته‌اند تلاش‌می‌کنند که اتحاد و همبستگی با مالکین بزرگ مخالفین و امنای درباری با انقلابیون ومرتجعین‌که هدف‌و نظریاتشان‌کاملا مخالف یکدیگر هستند ایجادکنند. توقیف مدیران جراید و تعطیل چاپخانه‌های آنها که مطالب علیه دستگاه حاکمه منتشر میکنند موقتاً از تحریکات جلوگیری مینماید .

چندین موارد تازه دیگرپس از تقدیم‌گزارش شماره ۱۲۴ مورخه ۱۸ماه‌گذشته



غفاری

که به‌حضور عالی‌جناب معروض گردیده ، پیش آمده که یك نمونه آنرا از نقطه‌نظر ما خالی ازعلاقه و بستگی نیست تقدیم میشود . در این نشریات نظریات نویسندگان آنها دربارهٔ مناسبات و سیاست انگلستان در ایران به‌خوبی آشکار می‌سازد .

بهرحال صرفنظر از تحریکات دربار و درباریان مقدار بسیار زیادی از نارضایتی‌های حقیقی درکلیهٔ مردم موجود است که علت عمده آنها در اثر ترقی روزانه هزینهٔ زندگی مردم میباشد .

بسیاری ازمردم و معلمین که به این کشور آشنائی دارند و بامن صحبت کرده‌اند معتقدند که مرتجعین که‌در شاه و نخست‌وزیر نفوذ دارند همین چند روز آینده حوادثی بوجود می‌آورند .

بهرحال گزارشهائی که بمن رسیده حاکی از آنست که بازداشتها هنوز ادامه دارد و تاکنون به‌هفتاد نفر رسیده است. درباریان صورتی از مظنونین از هرطبقه بعرض شاه رسانیده‌اند این‌صورت را زندانیانی که بازداشت شده‌اند اظهارداشته‌اند.

یکی از وزرای‌معزول معاون‌الدوله و یکی دو نفر از شاهزادگان مظنون در منازلشان تحت مراقبت قرارگرفته‌اند یکی‌ازملاهای‌متنفذکه‌بنابود امروزعصر به‌اینجا بملاقات من‌بیاید از طرف فرماندار تهران احضار شده و مورد مؤاخذه سخت واقع گردیده است. شاه و اتابك اعظم هردو از نهضتی که پیش‌آمده بی‌نهایت‌عصبانی هستند.

اعلیحضرت طرفدار خشونت میباشد ولی نخست‌وزیر او مایل است که باشیوه مسالمت‌آمیز و بهرنحوی‌که امکان‌پذیر باشد نسبت بخواسته‌های مردم رویه معتدلی پیش گیرد.

همکار روسی‌من در مورد این‌دسته‌بندیها امروز عصر با من مذاکره میکرد او سعی داشت که چنین وانمود کند که‌نسبت به‌این اوضاع بی‌اعتناست. او عقیده داشت که تحریکات بعضی از درباریان و مأمورین معزول که شخصاً با نخست‌وزیر مخالف هستند ونسبت به او حسادت میورزند برای سقوط‌کابینه میباشد.

وزیرمختار روسیه‌مسلماً مایل‌نیست اعتراف کندکه‌نارضایتی مردم‌ومخالفت‌آنها باحکومت درائراین است که‌وزرای مردم ایران این کشور را همه‌از عوامل روسی میدانند این احتمال را دارد که شاه و اتابك اعظم از اینکه بسر سپردگی بروسها‌متهم شده‌اند ترغیب شوند که بیشتر از هروقت دیگر برای حمایت وحصول کمك همسایه بزرگشان تلاش کنند و در آتیه نزدیکی آنها بصورت «روس مأب» خیلی بزرگ در-خواهند آمد بهرحال طرز تفکر شرقی با تفکر ما خیلی فرق دارد و ممکن نیست که پیشگوئی را نمود.

با احترامات فائقه

هاردینگ [۱]

۱- اسناد بایگانی عمومی انگلستان ۳۷‌۶-۶۰ این گزارش قبلا در کتاب انجمنهای سری در انقلاب مشروطیت ایران ص ۵۵ تألیف نگارنده چاپ شده.

با وجودیکه وزیر مختارانگلیس با قاطعیت دربارهٔ سازمان‌فراماسونری‌آن‌زمان نظریه میدهد بااینحال حمدالگار استاد شرقشناس انگلیسی‌باشك وتردید گفته‌های او را نقل‌کرده و می‌نویسد :

«... هاردینگ با وجود ابراز اطمینانی که به خبرگزار خود کرده به احتمال قوی در مورد انتساب تأسیس لژفراماسونری در تهران به میرزا محسن‌خان [مشیر - الدوله چهار م] گرفتار اشتباه شده‌است . زیرا لژی که با فراماسونری اروپا مربوط باشد و مورد شناسائی لژهای جهانی قرار گرفته باشد در ایران نبوده، بیشتر احتمال میرود که گروهی از فراماسونهای ایران که همگی در خارج از ایران به عضویت فراماسونری درآمده بودند علاقه سیاسی مشترکی به‌تأسیس فراماسونی داشتند ومیرزا محسن‌خان بر این گروه سرپرستی داشت، اما نه در مقام استاد اعظم بـه احتمال قوی (همین اعضای لژ ایران) [۱] بود که هاردینگ دربارهٔآن میگوید :«مرا برای مربوط ساختن آن با لژ بزرگ‌مان دعوت‌کردند وبرای همین‌گروه بودکه من درخواست‌کمك کردم. جوابی‌که رسید تقریباً مایوس‌کننده‌بود بعلت دوری مسافت و مشکل نظارت بر يك لژ جوان و جدیدالتأسیس و درکشوری که تازه با فراماسونری آشنا شده این امر ممکن نبود بخصوص که امکان داشت سوء استفاده هائی که ممکن است از آن بشود . بهمین جهت مقامات فراماسونری انگلستان بدین نتیجه رسید کـه بهتر است آنها هیچ مسئولیتی در ایران نپذیرند [۲] يك سیاستمدار برجسته ایـران بنام ناصرالملك [قراگوزلو - نایب‌السلطنه] که تمایلات جانبدارانه نسبت بـه انگلیسها داشت و در اکسفورد به‌عضویت فراماسونری پذیرفته شده بود فکر میکنم‌که او « گرانـد ماستر » خوبی برای آغاز کار بود » [۳]

1– (Referred to as the members of A Persian lodge)
رجوع شود به ص ۲۷ مقالهٔ فراماسونری درایران .

۲– يك دیپلمات در شرق۷۷ و۷۸.
A diplomatist in the East (London , 1826)

۳– مقالهٔ فراماسونری در ایران‌ص ۲۸ .

این استاد انگلیسی اظهار عقیده میکند «... پیشنهاد ارتباط گروه فراماسونری ایران با لژ بزرگ بریتانیا ممکن است توسط خود هاردینگ عنوان شده باشد نه از طرف فراماسونری ایران . هاردینگ درجلب اشخاص وگروه‌های مختلف ،خاصه‌علما بخدمت دیپلماسی بریتانیا کوشش وسیعی داشت [1] بهمین لحاظ میتوان گفت که انتقاد و خرده‌گیری او که میگفت « اشخاص معینی بخاطر مقاصد کاملاً متفاوتی با اصول فراماسونری از رابطه‌شان با برادری فراماسونری بهره‌برداری می‌کردند» تاحدزیادی مسخره است . اگرچه کوشش هاردینگ برای ارتباط گروه فراماسونری ایران با لژ بزرگ انگلستان در سال ۱۹۰۸ م [۱۳۲۵هـ] موفقیت‌آمیز نبود ولی سه سال بعد [2] گراند اوریان درتهران لژ بیداری ایران را تأسیس کرد...» [3] .

مذهب در لژهای اولیه

آنچه که یادآوری آن دراینجا لازم است ، اینست که درقرن نوزدهم و از اوایلی که فراماسونری انگلیس و فرانسه تصمیم به فراماسون کردن ایرانیان گرفتند مسیحیان ایرانی را برای دخول در مجامع فراماسونری بهتر و آماده تر از مسلمانان می‌دانستند .

چنانکه در رأس فراموشخانهٔ ایران میرزا یعقوب و میرزا ملکم خان مسیحیان ارمنی‌قرار داشتند و پس ازآنها نیز نریمان خان ارمنی و بعد نظرآقا آسوری در بین فراماسونهای ایرانی مقام شامخی داشتند . چنانکه خواهد آمد در تشکیل اولین لژ رسمی و با اجازه وباقاعده فراماسونری درایران (لژبیداری ایران) نیز مسیحیان مقیم

۱ــ این نویسنده کتابی درباره علماء ایران نوشته که دانشگاه کالیفرنیا آنرا چاپ کرده و بنام :

Religion and state in iran ، The role of the ulama in the Qajar period.

منتشر ساخته است .

۲ــ لژ بیداری در سال ۱۹۰۸ تشکیل شد نه ۱۹۱۱ نویسنده در این بـاره دچار اشتباه شده .

۳ــ مقالهٔ فراماسونری ص ۲۸

ایران کارگردان بودند، اما پس از شرکت‌مسلمانان مصری و ترك در مجامع و لژهای فراماسونری بتدریج سازمانهای ماسونی جهان رغبت بیشتری به‌قبول ایرانیان مسلمان نشان دادند . زیرا همکاری صمیمانه‌ای که در درون لژها بین مسیحیان و مسلمانان میشد کارگردانان جهانی لژها را برآن داشت تا با تقاضای عضویت مسلمانان موافقت کنند . در اوایل کار مسیحیان ایرانی درلژهای ماسونیك بر ایرانیان ترجیح داشتند حمدالگارمی نویسد :

«... فقط در سازمان‌های دیپلماتیك ایران در خارج ازکشور بود که‌مسیحیان برای پیوستن به‌لژهای فراماسونری مزیتهائی داشتند و همین امر یعنی کم اهمیت بودن اقلیت مسیحی در ایران ممکن است ، دلیلی برای تأخیر در تأسیس لژ های قابل اعتماد و با اجازه درین کشور باشد ...» [1] اگر این نظریه را قبول کنیم و عدم علاقه و حتی نفرت مردم ایران‌را درآمیزش باغیرمسلمانان در نظر بگیریم باید دلیل عدم‌استقبال ازفراماسونری‌درایران‌را همین‌برتری دینی‌بدانیم درحال حاضرهم دررأس شعبات‌فراماسونری‌انگلیس‌درایران یکنفریهودی‌الاصل تبعهٔ انگلیسی بنام کریستوفر- ایزاك فری قرار داردکه درحدود ۵۵۰ ایرانی‌بردست اوبوسه میزنند وهمین امر علت اصلی‌تنفر مردم این‌کشور ازفراماسونری جهانی وفراماسونهای‌ایرانی‌است .

در این بین عده‌ای از دراویش و صوفیهای ترك و ایرانی را می‌بینیم که از فراماسونری استقبال کردند و خود را وارد مجامع آنها نمودند. البته تظاهرات آزاد اندیشی و آزادگی‌که فراماسونها درقرن نوزدهم در ایران می‌نمودند سبب‌دیگر برای نزدیکی صاحبان این فرقهٔ شرقی «دراویش» بافراماسونها میباشد . بموجب نظری که ابراز شده «...پیروان طریقت تصوف در ایران رویه‌های مذهبی خود را با رویه‌های مذهبی مورد ادعای فراماسونری مقایسه کرده‌اند از نظر این افراد لژ فراماسونری احتمالاً شکل ایده‌آل سازمانی بنظر می‌آمده است که امکان آمیختگی صوری اسلام و «مذهب انسانیت»را عرضه میداشت...[2]» بهرحال سوء ظن طبقه متعصب مذهبی

۱ــ مقالهٔ فراماسونری در ایران ص ۳۷.

۲ــ مقاله فراماسونری الگار ص۳۸.

در ایران خاصه علما از فراماسونری تا آنجا بود که حتی از ملاقات با فراماسونهای شناخته شده مسیحی خودداری می‌کردند. چنانکه‌ملکم‌خان بارها تلاش میکرد که با سیدمحمد طباطبائی پیشوای مشروطیت‌ایران ملاقات‌کند ولی او حاضر بدیدنش نمیشد. تااینکه‌یكروز خودرا بخانه اورسانید وموفق‌شد ساعتی با اوصحبت‌کند. درآن ملاقات ملکم‌خان باافسون و حیلی‌که داشت پیشوای مذهبی ایران را با خودش همدست کرد ولی او هیچگاه عضو فراموشخانه نشد. اما بعدها که لژ بیداری ایران تشکیل شد وی بعضویت این لژ ماسونی درآمد. ولی وقتی کار مشروطیت ایران پایان یافت و فراماسونری ایران درخدمت استعمار وانگلستان درآمد بطوریکه خواهد آمد سید محمد طباطبائی و فرزندش سید محمد صادق ازین سازمان بیرون آمدند. و بعد ازین علماء مذهبی ایران ازدخول درلژهای ماسونی بعلت بی‌اعتقاد بودن فراماسونها به‌خدا و تخطئه‌کردن مذاهب و رسانیدن استادان اعظم لژها بمقام و منصب « معمار بزرگ جهان»، یعنی «خدا» و «اداره‌کنندگان جهان» خودداری می‌کردند و هیچ‌کدام ازآنها به‌عضویت سلولهای مخفی درنیامدند. تااینکه در سالهای اخیر دکتر سید حسن امامی امام جمعه تهران ابتدا به‌افتخارعضویت‌در لژ فراماسونری فرانسه و سپس انتقال به لژ انگلیسی وابسته به اسکاتلند درآمد و سرانجام استاد اعظم لژ « نور » وابسته بگروه انگلیسی شد که در فصول آینده شرح آن خواهد آمد. اینك برمی‌گردیم به‌تأسیس لژهای ماسونی درقرن نوزدهم در ایران.

راپورت فراماسونیگری

یکی از مدارك مستند وقابل اطمینان که وجود لژفراماسونری ایران را با اطلاعات گرانبهاتر دیگری تائید می‌کند،راپورتی است که شخصی بنام « دبیرالملك » درباره فراماسونری برای میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان تهیه کرده است. در این گزارش که متأسفانه تاریخ نگارش ندارد وجود یك سازمان فراماسونری که شیخ محسن‌خان مشیرالدوله و میرزا محمودخان حکیم‌الملك درآن عضویت دارند تائید می‌شود. دبیرالملك درگزارش خویش مدعی می‌شودکه لژ فراماسونری ایران ابتدا



پرنس دادیان رئیس نظمیه که سازمان فراماسونری راکشف‌کرد و بلافاصله معزول شد

بطور غیر قانونی و بدون اجازهٔ مقامات فراماسونری جهان تشکیل شده اما پس از اینکه هفت استاد فراماسونی گراندداوریان در تهران دور هم جمع می‌شوند از گراندداوریان تقاضای وابستگی آنرا می‌کنند و چنین اجازه‌ای نیز از طرف لژ مزبور صادر می‌شود . وقتی فرمان تأسیس لژ به‌ایران می‌رسد سی وشش نفراز فراماسون‌های ایران درتأسیس لژ مذکور شرکت می‌نمایند که در رأس آنها مشیرالدوله و حکیم‌الملك قرار می‌گیرند. در این اوقات پرنس دادیان شاهزادهٔ ارمنستان [1] که از عثمانی

۱ـ پرنس دادیان شاهزاده ارمنستان که ریاست انبار دولت عثمانی را عهده‌دار بوده در قتل عام یك میلیون نفری ارامنه از عثمانی فرارکرده به ایران‌آمد . سلطان عبدالحمید بارها از ناصرالدین‌شاه خواست تااورا به‌عثمانی مستردکند . ولی ناصرالدین شاه نه‌تنها او را بدولت عثمانی پس نداد بلکه مقامات پلیس و امور قضائی پایتخت را بوی واگذارکرد . همسرپرنس یك بانوی زیبای مجارستانی بود. شاه به‌دادیان لقب (پرنس) داده بود و او در سلامهای رسمی بالباس نظامی حاضرمیشد و تا اواخر دوران سلطنت احمد شاه زنده بود . میرزا علی‌اصغرخان اتابك که خود ارمنی‌زاده بود درکمك وهمراهی به‌او دریغ نمی‌کرد .

گزارش فراماسونیگری دبیرالملک
به امین‌السلطان صدراعظم

فراماسونیگری (۱)

چنانکه بر حضرت مستطاب اشرف معلوم است در تمام عالم منتشر [illegible] در درجه استعداد و استقلال [illegible] اگر بخواهند وضع سلطنت یک مملکتی را تغییر دهند استطاعت [illegible] دارند نظر باینکه کمتر [illegible] از جانب [illegible] در جزو آن اداره محسوب میشوند مقصود اصلی این شرکت [illegible] بر هیچکس معلوم نیست ولی آنچه تا حال فهمیده شده است کسی [illegible] در برطرف کردن دین و مذهب [illegible] است

[illegible] فراماسونها دارند باسم شواپه [illegible] رتبه آنها دانسته است از نقره که بر روی دسته آن مثلث است با حرف ∆ در وسط آن که معنی آن [illegible] است یعنی اتحاد علم و بر روی طرف آن (نقره [illegible]) منقوش است و نیز [illegible] هر لژی یعنی رئیس [illegible] هر آنکه هر یک از این شواپه [illegible] است که کسی را می‌باید از برای کشتن آن کسیکه دشمن [illegible] هر یکی منظور آمده است [illegible]

شرح واقعه ذیل کافی است ناپلیون سیم خودش فراماسون بود بعد از آنکه سلطنتش برقرار گردید خواست که این شرکت را برطرف سازد خیال او را ملتفت شده [illegible] حکم شده [illegible] که [illegible] به تیاتر میرفتند در [illegible] از [illegible] بیرون آمده سه نارنجک [illegible] دوازده نفر [illegible] کشته شدند ولی از تقدیر الهی ناپلیون با ولیعهد [illegible] نجات یافتند

فراراً بتهران آمده و رئیس پلیس ایران شده بود ازتشکیلات مخفی فراماسونها مطلع گردیده وچون از خطرات تشکیلات سری ماسونها وعملیاتی‌که در اروپا و سایر نقاط جهان مرتکب شده بودند مطلع شده بود با مشیرالدوله و حکیم‌الملک ملاقات کرد و ازآنها خواست که تشکیلات نظمیه را درجریان فعالیتهای لژ ایران قرار دهند. ولی این دو نفر با نفوذی که در شخص شاه داشتند موفق شدند او را معزول و مورد غضب

قرار دهند .

اینك بسیار بجاست که همه سطور گزارش دبیرالملك[1] را که تاکنون متن کامل آن هیچ‌جا ذکر نشده ، نقل کنیم :

چنانکه برحضرت‌مستطاب اشرف‌معلوم است درتمام عالم منتشر

فرانماسونیگری و امروز بدرجه استعداد واستقلال یافته که اگر بخواهند وضع سلطنت یك مملکتی‌را تغییردهند استطاعت مالی عظیمی دارند

نظر به‌اینکه‌کلیه جمع‌کثیری از اعیان و اعاظم هردولتی هم درجزءآن اداره محسوب می‌شوند .

مقصود اصلی این شرکت عالمگیر برهمه‌کس معلوم نیست ولی آنچه که تاحال فهمیده‌شده‌آنست‌که سعی‌وکوشش‌آنهادر برطرف‌کردن‌دین‌ومذهب‌وسلطنت‌مستقله‌است. یکنوع اجرائی دارند باسم شوالیه کادوش‌که علامت رتبه آنها دشنه‌ایست از نقره که برروی دستهٔ آن مثلثی است با حرف G در وسط آن که معنی آن کواندادینون است یعنی اتحاد عظیم و برروی غلاف آن (ظفریاموت) منقوش است و نرابل هرلژی یعنی رئیس برقسمتی هرآنیکه بهریك از این شوالیه‌کادشها امر بقتل‌کسی بنماید او مجبور است‌که سعی تامی نماید از برای کشتن آن‌کسیکه دشمن فران‌ماسونیگری بنظرآمده است و از برای دلیل این مطلب شرح واقعهٔ ذیل کافی است ـ ناپلئون سیم خودش فرانماسون بود بعد ازآنکه‌بسلطنت برقرارگردیدخواست‌که‌این‌شرکت‌را برطرف‌سازد و خیال اورا ملتفت شده‌برشوالیه کادوش مسیوارسینی حکم شد که امپراطور را بکشد دو روز بعدکه امپراطور با امپراطریس و ولیعهد به تیاتر میرفتند هنگام پائین آمدن از کالسکه ارسینی ازقهوه‌خانه‌روبرو بیرون آمده سه نارنجك پی‌درپی‌انداخت‌کالسکه

۱ـ دوران سلطنت قاجاریه چهارنفر از افراد طبقهٔ حاکم لقب دبیرالملك داشته‌اند :

۱ـ میرزا احمد حسین فراهانی عموزادهٔ قائم‌مقام.

۲ـ میرزا نصراله‌شیرازی ازخانواده‌بدرها .

۳ـ میرزا محمدحسین پسر میرزا نصراله بعد ازفوت‌پدرش.

۴ـ سید مصطفی‌خان‌کاظمی برادر سناتورپرویزکاظمی.

خورد شد و یازده نفر آجودان و سرباز هلاك شدند ولی از تقدیر الهی ناپلئون باولیعهد و ملکه ازمرگ نجات یافتند همان شب سلطان مجبور گردید براینکه بمحبس رفته و بتوسط ارسینی از فراماسونها عذرخواهی نماید و التزام دهدکه منبعد دیگر مخالفت و ضدیت بافراماسونیگری نخواهد نمود ازآن ببعد امپراطور را عفو کرده آسوده‌اش گذاشتند پادشاه حالیـــه انگلستان ادوارد هفتم در زمان ولایت عهدیش رئیس فراماسونها بود همینکه بسلطنت نایل شد مجبور گردیدکه از فراماسونیگری استعفا دهد و متعهد گرددکه هیچگونه اذیت و دردسری بآنها نخواهد داد .

شروع و تفصیل تمام قوانین این شرکت خیلی مطول است همینقدر باید دانست که قوت آنها بمنتهی درجه است .

اما درایران‌چنانکه برحضرت مستطاب اشرف نیز آشکاراست مشیرالدوله‌مرحوم اساس این مساله را در تهران بنا کرده باستحکام و ترویج آن پرداخت که شاید بدینوسیله بتوانند اشخاص مخالف این طریقه را ازعمل ومأموریت خلع نموده‌مناصب عمده و دخل کثیره را مابین خودشان تقسیم نمایند ولی چون از دایره پاریس اجازه تحصیل نکرده بودند و خودشان هم علامت نداشتند لهذا در تحت قوانین و علامات فراماسونیگری با سی و شش نفر شرکتی ترتیب دادند کـه بـه آن هشت نفر از فراماسونهای فرنگی نیز ملحق گشتند چون درآن اوقات پرنس دادیان مفتش کل وزارتخانه‌ها بود و مستحفظ مخصوص اعلیحضرت همایون و سرتیپ اداره پلیس بودقبل از هرکسی از این امر مطلع گشته لازم دانست که بمشیرالدوله مرحوم وجناب حکیم الملك که روسای کل بودند اظهار نماید کـه به‌بیند هر آینه ایـن شرکت نخواهد برخلاف ملت و سلطنت‌عمل نمایند فوراً باعلیحضرت‌شهریاری وحضرت مستطاب‌اشرف اطلاع داده تمام اجزاء را دستگیر خواهد نمود جناب حکیم‌الملك و مشیرالدوله‌فوراً بحضور مهر ظهور همایون مشرف شده پرنس دادیـان را از شغل و کار خود معزول نموده بطوریکه مجال و فرصت ندادنـد شرحی از ایـن مقدمه بعرض بـرساند و هرگاه توجه و مرحمت حضرت مستطاب اجل اکرم نبود مستعد این بودندکه او را اخراج‌بلد

نمایند یا اینکه بکشتن دهند و باین واسطه بود که تا امروز هم بدون یك شغل و ماموریتی بحالت فقر و پریشانی بسر میبرد در این سفر میمنت‌اثر همایونی اجزائی که در رکاب مبارك بودند باداثره «گراندا‌ونیون» ربط بهمرسانیده مهر وعلامت تحصیل نمود شرکت مزبور را بریك پایه مستحکم قرار داده بعد از مراجعت بایران برخلاف دولت و مملکت رفتار نمودند تا خیانت باعلیحضرت شهریاری نمایند و مساعی کلیه آنها براین بودکه حضرت مستطاب اشرف را از امورات مملکتی خلـع نمـوده مابین اعلیحضرت اقدس همایونی و آن پرستار امین ایران جدائی انداخته مقاصد خودشان را بانجام برسانند بعضی ازآنها دستگیر شده بعضی مغضوب گشته امـا اکنون عدهٔ این سی وشش نفر چنانکه ذکرشد قریب بششصد و هفتصد نفررسیده است و خیال دارند با جماعت بابی‌ها همدست و متحدگردند واگراین‌مطلب سربگیرد خدای نخواسته دولت ایران بکلی منهدم خواهد گشت با اینکه حضرت مستطاب اشرف بحمدالـه عقل کل میباشند چون محض افتخارجان نثار عقیده شخصی از فدوی خواسته‌انـد لهذا جسارت ورزیده معروض میدارد .

باید بدون تأمل و درنگ شخص امینی را سرتیپ کل وزارت نظمیه قرار داد که خود او بامور پلیسی مربوط باشد و فرنگی بودن این شخص ثمری نخواهد داشت چراکه غالباً فراماسون هستند وتا اینکه از تمام اوضاع و ترتیبات مملکت و معرفت بحال مردم و مخصوصاً تقلبات واقعه را بدقت و فـرصت درك و ملتفت بشوند اقـلا سه چهار سال وقت لازم است. باید نظمیه را کلیتاً مرتب کرد پلیس‌مخفی و کنترل پلیس داشت‌که صحت راپورتهای مرسوله را تحقیق نمایند که بی‌جهت و ناحق اذیت بمردم بیگانه و بیگناه نشود ــ باید از چگونگی و چه کاره بودن و شخصیت کسانیکه از فرنگ رفت وآمد مینمایند دانسته شود و متدرجاً باید ازرعیت اخذ اسلحه نمود .

بتمام اعمال و اقدامات فران‌ماسونیها و بابی‌ها وازلی‌ها می‌بایست یك بیك سیر و غور شود بدون اینکه یك نفر دستگیر نمود و آنها را دریك قلعه ومحبسی درهنگام اجتماع بااسناد و مهر و علامات و غیره دستگیر نمایند و تـا بکلی شیوع وکثرت بهم

نرسانیده‌اند باید جلوگیری ازاین امر بشود و برای تمام این اقدامات درسال شش‌هزار تومان‌کافی است و بخوبی اداره خواهد شد .

بعقیده فدوی این وسائل‌راکه معروض داشت هرگاه بزودی انجام نگیرد نه‌فقط خطر بزرگی برای دولت ملحوظ است بلکه خدای نخواسته خطرعمده از برای وجود مبارك شهریاری و حضرت مستطاب اشرف محتمل است پلیس و مستحفظین حالیه به ـ هیچوجه کفایت لازمه را از برای دفع این مخاطرات ندارند و باید دانست که شخص نه‌تنها بواسطه خنجر یاطپانچه بقتل میرسد بلکه ممکن است‌که گماشته یا پیشخدمت کسی را تطمیع نموده دارویا سمی درخوراك یامشروب اوداخل کرده شخص‌مطلوب را بهلاکت رسانند و از اینگونه وسائل بسیار است مخصوصاً ترتیب و تکمیل پلیس از برای شخص اعلیحضرت همایونی خیلی واجب و اهمیت تامه دارد چنانکه حضرت مستطاب اشرف‌مسبوق هستندکه سالسون‌که درپاریس باعلیحضرت همایونی تیراانداخته بود این اواخر در مجلس فوت کرد طبیعی است که از رفقای انارشیست او چند نفر به‌ایران آمده بخواهند تماصی از مرگ او بنمایند و کسیکه از امریکا بپاریس میآید بدیهی است‌که بآسانی از پاریس بایران خواهد آمد وپولیس بی‌کفایت حالیه چگونه میتواند تفتیش وکشف اینگونه مسائل را بنماید اگرچه لیلاً ونهاراً دعاگو و ازحضرت ایزد متعال استقامت و دوام عمر اعلیحضرت شهریاری وحضرت اشرف را خواهانیم و امیدواریم‌که خدایتعالی خودش این دو وجود مبارك را از هرگونه آفات و مخاطرات محفوظ خواهد داشت ولی مهماامکن طریقه احتیاط را نباید از دست داد علاج واقعه را پیش ازوقوع بایدکرد امر امرمبارك است .»

متأسفانه باهمه تحقیق و مطالعه‌ای‌که شد تاریخ نوشتن این گزارش و مشخصات کامل نویسنده بدست نیامد . این سند که در بین اسناد دولتی میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان بوده ، اصل‌آن در اختیار تنها بازمانده او میباشد و امید است در آتیه بتوان اطلاعات کاملتری بدست آورد .

دوسند دیگر دربارهٔ لژ ایران

سند دیگری که دو سال پس از تأسیس لژ فوق‌الذکر نوشته شده و وجود لژماسونی را در تهران تائید می‌کند مربوط به دکتر «فووریه» طبیب مخصوص ناصرالدین شاه میباشدکه درخاطرات روز ۱۹ مه ۱۸۹۱ (۱۰ شوال ۱۳۰۸) او نقل شده. فووریه مینویسد: «... امروزروزجلسه سالیانهٔ انجمن«الیانس‌فرانسه»بود و من باردیگر بریاست آن انتخاب شدم خطر بزرگی از بیخ گوش این انجمن بیچاره گذشت به این معنی که درمیان این‌همه سر وصدای توطئه رئیس نظمیه هم از حال نگرانی شاه استفاده کرده درگزارش مخصوص انجمن ما را در ردیف انجمنهای سری و فراموشخانه بنظم آورده ومثل مجالس بابیه آنرا خطرناك معرفی نموده بود ...»[۱] باتوضیحاتی‌که دکتر فووریه بهشاه داد اورا قانع‌کردکه این انجمن یهودیان بافراماسونها ارتباط ندارد، درحالیکه درهمان ایام عده‌ای از روساء آن فراماسون بودند.

یکی دیگر از افراد لژ فراماسونری ایران که در آن هنگام عملیاتش باعث ناراحتی شاه و دولت شد شاهزاده حاجی شیخ‌الرئیس است. شاهزاده شیخ الرئیس از جمله افراد خانوادهٔ سلطنتی قاجار بودکه باسفارت انگلیس ارتباط داشت و در مواقع لزوم ازحمایت آنان برخوردارمیشد. چنانکه داف‌گرانت ـ شارژدافر سفارت انگلیس دربارهٔاش مینویسد «شیخ‌الرئیس که بااین سفارت روابط دوستانه دارد درموقع حساس و خطر بسوی ما روی آورد اما خوشبختانه لزومی پیدا نشدکه اقدام غیررسمی دراین باب بعمل آیدزیراملایان‌هم‌مسلك‌او بهاندازه‌ای‌نیرومندبودندکه ازاوحمایت‌کنند...»[۲]

شیخ‌الرئیس که در اسلامبول وارد لژ گرانداوریان شده بود هنگامیکه بحالت تبعید دراین شهر بسر میبرد علیه ناصرالدین شاه فعالیتهائی میکرد. براثراین فعالیتها ناظم‌الدوله دیبا سفیر ایران درعثمانی نامه‌ای بسیارمحرمانه بشاه نوشت و درآن ضمن اینکه بعلت ترس از شیخ‌الرئیس از شاه تقاضا نموده است نامه‌اش را پس از قرائت بسوزاند چنین اعلام داشت :

۱ـ سه سال دردربار ایران ترجمهٔ عباس اقبال ص۱۹۲

۲ـ گزارش ۲۵ اپریل ۱۹۰۶ – F . O _ 371 _ 109 بایگانی راکد انگلستان .



شاهزاده شیخ‌الرئیس
عضو لژ فراموشخانه
وفراماسونری

« خیلی محرمانه استدعا دارد بعد از ملاحظه یا پاره فرمائید یا بخود چاکر اعاده دهند .

تصدقت شوم عریضه علیحده در باب حاجی شیخ‌الرئیس معروض حضور مبارک داشته‌ام خودش هم همان عریضه را دیده است لکن محرمانه عرض مینمایدکه این‌مرد عمامه را وسیله فتنه و فساد قرار داده آدم ناراحت و بی‌لجام است مالك زبان و قلم هم نمیباشد اوقاتی که جناب مشیرالدوله در اسلامبول ریاست فراموشخانه اسلامبول را

نامه ناظم‌الدوله دیبا سفیر ایران درعثمانی

داشت او را هم داخل فراموشخانه کرده بدینواسطه بااشخاصی‌که عامل بلاعمل وواعظ غیرمتعظ هستند ارتباط باطنی بهمرسانیده و از صبح تا شام سوراخی نمیماند که آنجا سری نزند اگرچه از حسن توجه اولیای دولت علیه تابحال جرئت خلاف نکرده وتمام اقدامات اورا مهمل و بی‌نتیجه گذاشته‌ام لکن با وجود این اقامت چنین آدم جری و جسور خاصه باانتساب بخانواده سلطنت عظمی دراینجا بهیچوجه مناسب نیست وحالاً

و مالاً شایسته‌شأن دولت و مقتضی پولطیك مستقیم نمی‌باشد باید بهر نحوی که ممکن است اورا ازاینجا تطمیع کرده برد میدانیم تولیت آستانه مقدسه را بچنین شخصی که خالی از عیوبات شرعی و عرفی نیست نمیتوان تفویض کرد اما میتوان بمراحم ملوکانه امیدوار کرده به تهران برود و آنجا نگاه داشت - در تهران مصدر هیچگونه شرارت نمیتواند بشود - چه ضرر دارد اولیای دولت علیه مبلغی مدد معاش داده خودشان را از چندین محذورات‌محفوظ نمایند- اگررأی مبارك‌اولیای‌دولت‌علیه باعاده او قرار بگیرد تعلیقه‌مرحمت‌آمیزی‌بنویسند وازمستقبل‌حال‌بمراحم خسروانه‌مطمئن‌فرموده‌مبلغی هم مخارج راه بفرستندکه این بنده تعلیقه را بامخارج عرض راه‌داده‌وامیدوارکرده روانه نمایم که بیشتر از این ماندن او در اسلامبول حسنی ندارد و بشأن و شوکت دولت برمیخورد - زیاده عرضی نیست ۴ شهر شیعبان‌المعظم ۱۳۱۰»[1]

سپس اسدخان ناظم‌الدوله بدنبال عریضهٔ مذکورشخصاً مینویسد: «عریضه مفصله را تقریباً خودش مسوده داده و بعضی تهدیدات را هم داشت که بناسوء ادب دانسته قلم کشیده عرض نکردم رقعه دیگرهم خط خود اوست عیناً می‌فرستد شکم گرسنه بهر کار قادراست.

ناصرالدینشاه در حاشیهٔ این نامه چنین نوشت: «هرطورهست شیخ را بتهران بیاورند خرجی هم بدهند توسعه معاش هم بدهند ضرری ندارد کاغذ هم بنویسیدکه او را روانه‌کنند» وبدینترتیب بتشریح‌فعالیت‌لژهای اولیه وفراماسونهائی که علیه سلطنت قاجار و شخص ناصرالدینشاه و امین‌السلطان اقداماتی مینمودند خاتمه میدهیم.

---

۱ ـ از مجموعه اسناد ابراهیم صفائی.



در فصل شانزدهم کتاب بارها به پاره‌ای حروف فارسی برخورد می‌کنیم ، که با سه نقطه «مثلث» مشخص شده‌اند ، این حروف بانقاط مثلثی که در سمت چپ یك حرف یا بین دو حرف قرار گرفته،هریك معرف یك کلمه یا اصطلاح فراماسونری در لژ بیداری تهران است و در حقیقت حرف رمز یا بهتر بگوئیم مخفف کلمات و اصطلاحات اصلی هستند . در اینجا جهت اطلاع خوانندگان ارجمند همه حروف، مورد نظر و معانی اصلی آنها را عیناً نقل می‌کنیم :

ب ∴ = برادر

ب ∴ ن = برادران

م ∴ = ماسون

می ∴ = ماسونی

م ∴ نی = ماسونی

کا ∴ نه = کابینه

ف ∴ م ∴ ی = فراماسونری

ف ∴ م = فراماسون

فصل شانزدهم



لژ بیداری ایران
گراند اوریان (شرق اعظم) فرانسه

پس از انحلال فراموشخانه وشکست میرزا ملکم خان و یارانش،ضربت بزرگی که واقعهٔ لاتاری به حیثیت و اعتبار ملکم وارد کرد ، عده‌ای از هموطنان ما که شیفتهٔ اسرار مخفی‌فراماسونری بودند، به‌جانب« جامع آدمیت » که میرزا عباسقلیخان آنرا بوجود آورده بود ، روی آوردند . ولی بطوریکه گفته شد بعلت اختلافات و دو دستگیها و اتهاماتیکه به مؤسس این سازمان شبه‌فراماسونری‌وارد آمد ، این مجمع نیز به سرنوشت دو سازمان دیگر « فراموشخانه ـ و مجمع آدمیت » گرفتار گردید و بدین ترتیب سه سازمان فراموشخانه ایران که ازلحاظ فراماسونری جهانی غیر مجاز بشمار میرفتند ،منحل شدند .

اما فعالیت‌کوتاه این‌سه‌سازمان و تقلید ناقصی‌که از کارهای فراماسونها صورت گرفت و تأثیری که در اجتماع ایران باقی گذاشت ، باعث گردید تـا گردانندگان

فراماسونی جهانی ، تشکیلات منظم و با قاعده‌ای « Regular » در ایران بوجود آورند و زیر نظر یکی از ارگان‌های « پذیرفته شده » در پایتخت فعالیت نمایند .

مبارزهٔ پنهانی که بین روس و انگلیس بر سر بدست گرفتن قدرت و نفوذ در دربار و دستگاه حاکمهٔ ایران درجریان بود،سبب شد تا فکر تأسیس‌شعبهٔ فراماسونری فرانسه بجای فراماسونری انگلیس در ایران قوت گیرد . زیرا سیاست منفورومنحوس انگلیس در آن ایام ، همه جا را فرا گرفته بود و طبقات مختلف از انگلیسها نفرت داشتند و به عمال آنها بشکل جاسوس و خائن مینگریستند .

علت دیگر انتخاب لژفراماسونری وابسته به فرانسه ، از آن جهت بود که در آن‌ایام عده‌ای‌ازایرانیان وفرانسویان عضولژهای‌فراماسونری،درتهران‌سکونت‌داشتند و اینان در ادارهٔ دستگاه حاکمه ودولت ایران مؤثر بودند، بعلاوه درآخر قرن‌نوزدهم مردم روشنفکر و تحصیلکرده ایران و درباریان و عمال دولت کشور ما به فرانسه و فرانسویان عشق و علاقهٔ بیشتری داشتند . و بعلت اشتیاقی که برای رهائی از شر دو سیاست منحوس (روس و انگلیس) نشان میدادند ، نزدیکی به فرانسویان را بعلت حسن شهرت و دوری از سیاست استعماری جایز می‌شمردند .

شاید بتوان قبول‌کرد که این افکار و عقاید تاآغاز جنگ بین‌المللی دوم‌اعتقاد مردم و طبقهٔ روشنفکر را به‌فرانسه بیشتر کرده بود . سعید نفیسی‌مینویسد :

«... ازروزیکه صحبت فراماسون درایران شد، طبقات عالیهٔ ایران وکسانیکه مورد نظر و توجهٔ فراماسونهای انگلیس واقع میشدند، بیشترمایل بودند از(لژلندن) فرارکرده و به(لژفرانسه)روی‌آورند. به‌همین‌جهت ازروزیکه اولین‌هستهٔ‌لژفراماسونری فرانسه در ایران شروع به‌فعالیت کرد ، بیشتر ایرانیان بدان روی‌آوردند.» نویسنده مذکور پس از بحث دربارهٔ سیاست انگلستان در اوایل قرن نوزدهم اضافه میکند :

« ... از زمان فتحعلی‌شاه‌که انگلیسها مشغول دست و پا کردن در ایران شده بودند و شرکت هند شرقی کاپیتن ملکم را با اعتبار هنگفت برای جلب ایرانیان فرستاده بود، رشوه‌های گزافی به میرزا شفیع صدراعظم و حاج محمد ابراهیم خان اعتمادالدوله

شیرازی صدراعظم و میرزا حسن خان امین‌الدوله اصفهانی‌و مستوفی‌الممالك وزیـر مالیه که بعدها او نیز صدراعظم شد داده بود . اصلا طرفداری از سیاست انگلیسها را در قدم اول در ایران با رشوه خواری توأم کرده بودند و بهمین جهت مردم‌آبرودوست که در حضور بیگانگان ازفساد وتباهی شرم می‌کردند ونمی‌خواستند خانواده‌ی‌خودو اعقاب خویش را لکه‌دار و بدنام کنند از اینکه آشکارا با انگلیسها راه داشته باشند جداً پرهیز می‌کردند و همین امر سبب شد که کاپیتن ملکم با همه کوششی کـه کرد نتوانست ایرانیان را بفراماسونری انگلیس‌جلب‌کند و تنها برخی که به‌هند رفته‌بودند با آنها سروسری پیدا کرده بودند ... »[1]

سعید نفیسی از این بحث خود چنین نتیجه می‌گیرد که انگلیسها از لژ بیداری ایران همان استفاده‌ای را که از لژ رسمی انگلستان در ایران میکردند بعمل‌آوردند و این بار مینویسد :

« ... انگلیسها همواره در این مدت نه تنها کاملا فراماسونهای فرانسوی را در ایران تحمل‌کردند بلکه‌آشکاراهم پشتیبان آنها بوده وبه‌همین‌وسیله ازآنها نفع سیاسی برده‌اند . وبه‌همین‌جهت صدها فراماسون ایرانی هستندکه خالصاً و مخلصاً و عبیدانه‌وبا کمال‌حضور ذهن وامانت‌وصداقت به سیاست نابکارانۀانگلیس درایران خدمت‌کرده‌اند و خود نمیدانستندکه چه میکنند و یا اصلا ایـن خوش خدمتی و خوش رقصی را ننگ نمی‌دانسته‌اند . روسهای تساری در آن زمان بالعکس عملیات فراماسونهـا را همواره به‌زیان خود میدانستند و همیشه در ایران از همکاری بـا این گروه خودداری کرده و از آنها نیز زیان دیده‌اند و این اوضاع همچنان تا روزگار ما دوام دارد ... »[2]

شایدیك چنین قضاوت قاطع ویك‌جانبه درحق‌کسانی چون سیدمحمدطباطبائی ، دهخداو عده‌ای ازآزادگان دیگر که‌درلژ بیداری‌گردآمده بودند، دورازانصاف باشد. اما بایستی این نکته را قبول کرد که پس از استقرار مشروطیت در ایران ، عده‌ای‌از اعضاء همین لژ به‌سیاست انگلیس گرویدند . تمایل این دسته از انگلیس مآب ها که

۱و۲ــ نیمه راه بهشت ص ۱۷۲

در لژ بیداری ایـران بودند ، بعدها ایـن شائبه را تقویت کرد کـه اشخاص مزبور هنگامیکه وارد لژ بیداری میشدند ، میدانستند که بچه سیاستی بستگی دارند .

تاریخ تأسیس لژ بیداری ایران

اکنون که به‌افکار و محیط زمان تأسیس لژبیداری ایران‌آگاه شدیم ، می‌کوشیم ازمؤسسین لژ و تاریخ افتتاح‌آن وفعالیتهائی که داشته است ، اطلاع حاصل کنیم . بموجب یادداشتی که از اوراق ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملك) باقیمانده است ، اولین کسیکه از جانب گراند اوریان به ایران آمد تا در بارهٔ تشکیل لژ در ایران مطالعه کند . شخصی بنام «سوئیه» اسپانیائی بود . وی از جانب استاد اعظم گراند اوریان به شرق آمده بود ، تا ضمن بازدید از مصر ، عثمانی و ایران مقدمات تشکیل شعب لژرا در این کشورها فراهم سازد . [۱]

یك محقق شوروی‌عقیده دارد :«...درسال۱۹۰۹ بیزوز نام‌فرانسوی،فراماسونری دیگری در ایران تشکیل داد که بزودی به فراماسون نوع اروپائی مبدل شد و وسیلهٔ به زنجیر کشیدن کشور توسط امپریالیستهای انگلیسی گردید ... » [۲]

محیط طباطبائی نیز عقیده دارد : «... مسیو ویزیوز فرانسوی سرپرست‌الیانس فرانسه‌که مؤسس محفل شرق اعظم فرانسه درایران بوده غالب رجال تهران رابدین محفل آورده‌است ...» [۳] محیط از نوشتهٔ خود نتیجه می‌گیرد که با تأسیس لژ بیداری ایران ، بساط فراموشخانهٔ ملکم برچیده شد و افتتاح آن در تهران به‌پرده‌گشائی از چهرهٔ فراماسونری مجعول ملکمی کمك و اصرار فراوانی کـرد و در نتیجه میرزا ملکم‌خان را همانطورکه عباسقلیخان آدمیت از راه‌آدمسازی و پـول‌گیری مرشد کلاه برداری خویش معرفی کرد مسیو ویزیوز هم باترجمه و طبع قانون اساسی محفل شرق

۱ـ مجموعهٔ اسناد حکیم‌الملك خریداری شده از ورثهٔ آن مرحوم .

۲ـ آثار منتخبهٔ فلسفی آخونداف بررسی چاپ مسکو ۱۹۶۳ـ (شاید منظورنویسنده لانس ویزیوز استاد فراماسونی‌گراند اوریان در اروپا بوده که با احتیاط تذکر این نکته ضروری بنظر رسید . نویسنده)

۳ـ آثار میرزا ملکم خان ص (ك)

اعظم‌فرانسه به‌همدستی‌مرحومان دبیرالملك‌وذکاءالملك وحاج سیدنصرالله‌اخوی وتعلیم اصول و مقررات دیرینهٔ فراماسونری از سابقه اعتبار پنجاه سالهٔ فراموشخانهٔ ملکم که رجالی همچون امین‌الدوله و سعدالدوله و فریدالملك درآن مکتب تربیت شده بودند به اندازه‌ای کاست که فراماسونهای جدید ایران آنرا یك قسم تقلید غیر مجاز و یا حقه‌بازی فراماسونری شناختند .[۱]

ابراهیم حکیمی در ایامیکه نویسنده عضو هیأت تحریریهٔ مجله آسیای جوان بود طی مقاله‌ای تحت عنوان « من مؤسس فراماسونری در ایران هستم » چنین اعلام داشت :

« ... من در آن زمان که در فرنگ مشغول تحصیل بودم جسته و گریخته با افکار منتسبین به‌این جمعیت آشنائی پیداکرده نوع‌کار و طرزفکر آنها رابسیارپسندیدم و در صدد برآمدم چون بکشور خود باز میکردم تشکیلاتی شبیه بآن تشکیلات در مملکت خود بدهم زیرا مجمع آدمیت را برای وضع آنروز ایران بسیار سودمند می‌انگاشتم و بهترین وسیلهٔ آشنا ساختن مردم ایران به اسلوب غرب تشخیص داده بودم بهمین نیت چون به ایران بازگشتم به‌کمك جمعی از دوستان یکدل و باوفای خود که آنها نیز همچون من تشنهٔ اصلاحات ایران بودند نظیر آن تشکیلات را در ایران‌دایر کردم و از قضا سود بسیار هم عاید مملکت شد ، حال دشمنان ایران هر چه میخواهند بگویند ولی ترقیات نیم قرن اخیرمرهون جانفشانیها و معاضدتهای فراماسونرهای پاك طینتی است که دست اتحاد بیکدیگر داده در پیشرفت منظور مقدس ومحترم خود دمی آسوده ننشسته‌اند» .[۲]

بهرحال بدون اینکه بدانیم چه‌کسانی مؤسسین اولیهٔ لژ بوده‌اند . باید بگوئیم همینکه‌هفت‌نفرازاستادان ممتازفراماسونری‌فرانسوی‌وایرانی‌عضوگراندا‌وریان‌آمادگی خود را برای تأسیس لژ در ایران اعلام داشتند و تقاضای تشکیل لژی را در تهران کردند ، فرمان تأسیس لژ در ششم نوامبر ۱۹۰۷ (۱۳۲۴ هـ) صادرشده و به اصطلاح

۱ـ آثارمیرزا ملکم‌خان ص (کا) .

۲ـ آسیای جوان چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۳۱

فراماسونها « نور » ازپاریس به‌تهران‌آورده شده[1] وبا وجودیکه این لژ تا سال ۱۹۱۳ (۱۳۳۱ ه) درایران‌کارمیکرده ، مع‌الوصف فقط دربن‌سال برای‌اولین بار درسالنامه گراند‌اوریان اسمی‌از آن بمیان آمده.شایداختفاکامل‌این‌امرازآن جهت صورت‌میگرفت که‌درایران زمینهٔ مساعدی برای تشکیل لژ در ایران نداشته است . وبا وجود دستگاه مستبد سلطنتی واداری وحکومتی سبب‌ترس ووحشت‌گردانندگان ازافشاء نام‌لژواعضاء آن شده بوده.

بهرحال‌تنهاسندی‌که دردست‌است ، توضیحی‌درحاشیه‌منظومهٔ «آئین‌فراماسونری شاعرمعروف «ادیب‌الممالك فراهانی» است‌که اصل آن به‌مرحوم « اشراق » محضردار مقیم تهران تعلق داشته و بدست حسین هاشمی حائری نویسنده معروف رسیده است . درحاشیهٔ این منظومه چنین نوشته شد : « ... افتتاح این محفل مبارك و معبد مقدس دردارالخلافه بطور رسمی و با اجازه شرق اعظم و شورای‌عالی ماسنی فرانسه در شب سه‌شنبه ۱۹ ربیع‌الاول سنه ۱۳۲۶ هجری ۲۱ ماه‌آوریل سنه ۱۹۰۸ میلادی هشتم ماه اپریل روسی و هشتم نیسان رومی دوم ماه اردیبهشت جلالی سنه ۸۰۳ یکم ماه ثور تأسیس یافت » .

علاوه براین‌درجلدسمت‌راست‌دیپلم‌ماسونی ادیب‌الممالك که‌مشخصات‌لژ بیداری شرح‌داده شده این جملات با خط‌کاتب‌گراندلژ درپاریس‌دربارهٔ‌عضویت‌وی‌ضبط گردیده است :

پیشنهاد شده ازلژ بیداری ایران ــ لژتهران

تقاضای پذیرش -۱- اپریل ۱۹۰۷

قبول پیشنهاد ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۷

پذیرفته شدن بعضویت ۱۹ ژانویه ۱۹۰۸

باتوجه به‌این‌اسناد ومدارك میتوان‌گفت‌که لژ بیداری ایران‌دراواخرسال۱۹۰۷ (۱۳۲۵ ه) شروع بکارکرده ودرژانویه ۱۹۰۸ (۱۳۲۶ ه) اولین عضوخود رادرتهران

۱- نقل ازنامه ۲۸اپریل۱۹۶۱ دبیرکل گراند اوریان بنویسنده

پذیرفته است. زیرا ادیب‌الممالک در پرونده ماسونی‌اش که در اختیار ماست، ادعا میکند که نخستین عضو لژ بیداری ایران میباشد.

حال به‌بینیم چه‌کسانی اداره‌کننده اولیهٔ این لژ بوده‌اند. در جلد چپ مقوائی دیپلم ادیب‌الممالک که به‌اصل دیپلم وصل است، اسامی‌امضاءکنندگان دیپلم اودر تهران بدین شرح مشاهده میشود:

۱- دکتر رومبو رئیس‌کل[1]

۲- دکتر امیرخان ناظم دوم

۳- شکوه ناظم اول[2]

۴- ذکاءالملک خطیب

۵- رضاقلیخان منشی

بنظر میرسد اینعده جزو اولین دستهٔ اداره‌کنندهٔ لژ بیداری و یا به‌اصطلاح کنونی فراماسونها «اعضاء کرسی لژ» بوده باشند. ازرؤساء و اعضاء دوسال فعالیت لژ بیداری در ایران دو عکس دردست است، که درآنها این اشخاص مشاهده میشوند:

در عکس اول که درمارس ۱۹۱۴ (۱۳۳۲ هـ) برداشته شده این‌اشخاص هستند:
کمال‌الملک غفاری - حاج سید نصرالله تقوی - شیخ مرتضی نجم آبادی - حاج شیخ ابراهیم زنجانی - دبیرالملک بدر - محمد علی فروغی ذکاء الملک - عزالملک اردلان - عباسقلی‌خان قریب - وقارالسلطنه وصال - همایون سیاح - میرزا ابوالحسن فروغی - ارباب کیخسرو شاهرخ.

درعکس دوم:

کمال‌الملک غفاری - حکیم‌الملک حکیمی - سید نصرالله تقوی - محمد علی فروغی ذکاءالملک - دبیرالملک شیرازی - شیخ ابراهیم زنجانی - همایون سیاح - میرزا حسینخان - عباسقلی قریب - ابوالحسن فروغی - ارباب کیخسرو شاهرخ - عزالملک کردستانی.

۱- این‌شخص شناخته نشد

۲- حسین شکوه، شکوه‌الملک



استادان و کارگردانان یکدوره یکساله لژ بیداری ایران

نشسته ازراست بچپ ، کمال‌الملك ـ حکیم‌الملك حکیمی ـ
حاج سیاح ـ سید نصرالله تقوی ـ محمد علی ذکاء الملك فروغی ـ
دبیرالملك شیرازی

ایستاده از راست بچپ ، شیخ ابراهیم زنجانی ـ همایون
سیاح ـ میرزا حسینخان کحال ـ عباسقلی قریب ـ ابوالحسن‌فروغی ـ
ارباب کیخسرو ـ عزالملك کردستانی

آ

استادان و کارگردانان لژ بیداری در سال ۱۹۱۴م - ۱۳۳۳ ﻫ

کمال الملك فروغی
استاد ارجمند لژ نشسته روی پله

ایستاده از راست بچپ ، ارباب کیخسرو شاهرخ ـ میرزا همایون سیاح ـ عباسقلیخان قریب ـ ذکاءالملك‌فروغی ـ شیخ ابراهیم زنجانی ـ سید نصرالله‌تقوی ـ شیخ‌مرتضی نجم‌آبادی ـ دبیرالملك‌بدر عزالملك اردلان ـ وقارالسلطنه وصال ـ میرزا ابوالحسن فروغی





ابراهیم حکیمی - حکیم‌الملک استاد اعظم مادام‌العمر



محمد علیخان فروغی ذکاءالملک استاد اعظم

در این دوعکس که یقیناً یادگاری ازدودوره ازروساء لژ بیداری ایران میباشد، یك نکته جالب وجود دارد وآن اینست که هیچیك ازخارجیان عضو لژ بیداری دیده نمیشوند ، درحالیکه درجلد دیپلم ماسونی ادیب‌الممالك نام دکتر (رومبو) وجوددارد و بطوریکه‌خواهدآمد درسالهائی که‌لژدرایران کارمیکرده مجموعاً هفده ماسون‌خارجی که اکثرآنها فرانسوی بودند درآن عضویت داشته‌اند .

... محمود عرفان دربارهٔ لژوتأسیس آن مینویسد :

«دراواخرسلطنت مظفرالدینشاه‌ایرانیانی‌که بفرانسه وبلژیك مسافرت‌کرده ودر آنجا وارد فراماسونری شده بودند بایران‌که بازگشتند ، این‌فرقه را درتهران تأسیس نمودند وبقول‌ادیب‌الممالك فراهانی‌آنرا «لژبیداری‌ایران» نامیدند»[1]. همین نویسنده درنطقی‌که درجمعیت‌عامیون‌ایرادکرداشخاص ذیل‌را بعنوان افراد قدیمی وپیش‌کسوت فرقهٔ فراماسونری درایران معرفی‌کرد :

« میرزا سعیدخان وزیرامورخارجه ـ میرزا سید محمد طباطبائی ـ سنگلجی ـ میرزا ابوتراب‌خان‌نظم‌الدوله ـ علیخان ظهیرالدوله ـ شیخ هادی‌نجم‌آبادی ـ دبیرالملك شیرازی ـ علیقلیخان سرداراسعد ـ مسعود میرزای ظل‌السلطان و لیزبوز رئیس مدرسه الیانس ـ میرزا حسینخان کحال ـ مشاورالملك محمود ـ سید نصرالله تقوی ـ میرزا ـ حسنخان مستوفی‌الممالك ـ میرزا ملکمخان ـ کمال‌الملك نقاش ـ میرزامحمدعلیخان ذکاء‌الملك ـ مشیرالدوله پیرنیا ـ ارباب کیخسرو شاهرخ ـ فرزین ـ ادیب‌الممالك فراهانی ـ مرتضی نجم‌آبادی ـ آقا شیخ‌ابراهیم‌زنجانی ـ میرزا فضل‌الله‌حکیم‌الهی .»

نخستین‌عضولژبیداری

میرزا صادقخان ادیب‌الممالك فراهانی[2] که خود را نخستین عضولژبیداری ایران شمرده است ، در قصیدهٔ ۵۳۰ بیتی که بنام «آئین فراماسونری» سروده دراین‌باره چنین‌میگوید:

---

۱ ـ مجلهٔ یغما سال۱۳ ص ۵۴۸

۲ ـ میرزا محمد صادق‌خان ادیب‌الممالك کنیتش (ابوعیسی) و مسقط‌الرأس قریه « کازران » ازقرای بلوك « شرا » توابع اراك است . وقتی ۱۵ ساله بود پدرش درگذشت‌و

←



ادیب‌الممالك فراهانی درلباس
اهل علم هنگامیکه در تبریز
درخدمت‌حسینقلیخان‌امیر نظام
گروسی بود

N° 13702 GRAND ORIENT DE FRANCE

L∴ Réveil de l'Iran O∴ de Téhéran

Reçu du F∴ Adibol Mamalek

la somme de trent six tomans

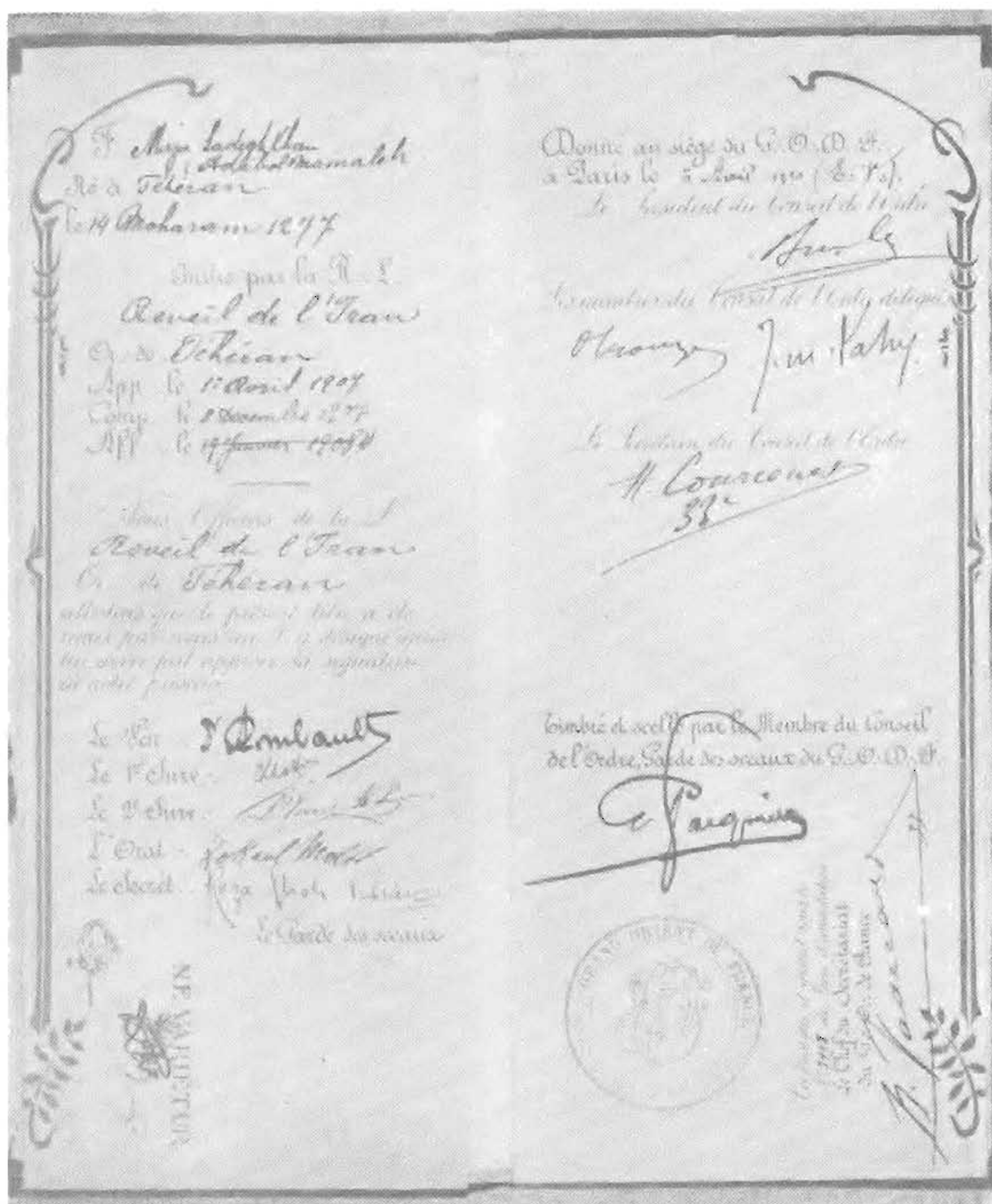
pour

Initiation au grade de C∴ et M∴		R 100 00
~~Affiliation ou régularisation~~		
Cotisation de l'année ~~trimestre~~	1908	60 00
» » »	1909	100 00
» » »	1910	100 00
Le 7 Mars	1910	R 360 00

قبض پرداخت حق عضویت به لژ بیداری ایران به‌امضاء همایون
سیاح خزانه دار لژ



دیپلم فراماسونری ادیب‌الممالک


F∴ Mirza Sadegh Khan (Adib ol Mamalek)
Né à Téhéran
le 14 Moharam 1277
Initié par la R∴ L∴
Reveil de l'Iran
O∴ de Téhéran
App∴ le 11 Avril 1907
Comp∴ le ... 1277
M∴ le ...

... Officiers de la L∴
Reveil de l'Iran
O∴ de Téhéran

Le Vén∴
Le 1er Surv∴
Le 2e Surv∴
L'Orat∴
Le Secrét∴
Le Garde des sceaux

Donné au siège du G∴ O∴ D∴ F∴
à Paris le ... Avril 19.. (È∴ V∴).
Le Président du Conseil de l'Ordre

Le Secrétaire du Conseil de l'Ordre

33e

Timbré et scellé par le Membre du Conseil de l'Ordre, Garde des sceaux du G∴ O∴ D∴ F∴

دردوجلد دیپلم فراماسونری ادیب الممالک امضاء شکوه الملک ـ ذکاء الملک ـ امیر اعلم ـ وثیر الملک روساء لژ بیداری ایران درسال ۱۹۰۷م . وهمچنین امضاء روساء فرانسوی لژ گراند اوریان درپاریس به چشم میخورد.

شد ز در این سفینه مالامال | شب یکشنبه سوم شوال
رفته از هجرت شه ابرار | سیصدو بیست و پنج بعدهزار
سال میلاد ده ز پانزده رفت | ازشهودهزارو نهصدوهفت
مه بیزغاله مهر در کژدم | آن‌دوم بودواین به‌هیفدهم

وی ظاهراً نخستین عضوعادیست که بعد ازمؤسسین وارد لژ بیداری شده و علاوه براعضاءکرسی لژ تهران که جلد چپ دیپلم اورا امضاءکرده‌اند . درجلد راست آن نیز ازطرف رئیس شورای جمعیت گرانداوریان فرانسه ، اعضای شورای جمعیت ، نماینده لژ بیداری درمرکزگرانداوریان‌فرانسه ومنشی‌شورای جمعیت درپاریس‌امضاء وعضویت اوتصدیق گردیده است وبالاخره درمتن دیپلم اودرزیرشعار آزادی - برابری و برادری این جملات به چشم میخورد :

« لژشرق اعظم - شورای عالی برای‌کشورفرانسه ومتصرفات - برای‌تمام اعضای‌فراماسونری - سلامتی ، قدرت واتحاد خواستاراست»

ومتن دیپلم بقرارذیل است :

« بنا بتقاضائی‌که ازطرف R. L و لژبیداری ایران از تهران شده وبنا بشهادت این شعبه ، فراماسون میرزا صادقخان ادیب‌الممالك رئیس عدلیه متولد در تهران ۱۴ محرم ۱۲۷۷ و ساکن کاشان از طرف لژ پذیرفته و بدرجه Maitre قبول شده.»

←

درسال ۱۲۹۳ باتفاق برادرش بتهران‌آمدکه ازحاکم شکایت‌کند . اوقصیده‌ای درشکایت‌از روزگار وبردن املاکش ساخته به‌شاهزاده طهماسب میرزای مؤیدالدوله تقدیم‌کرد. شاهزاده ازشعر اوخوشش‌آمد وازآن روزدرمحفل شعرا و ادبا وارد شد . خیلی زود مبتلا به‌تریاك ، مرفین و عرق شده در ۱۳۰۷ همراه حسینقلیخـان امیرنظام به‌تبریز رفت و در ۱۳۱۶ در مدرسهٔ لقمانیه نایب‌رئیس شد . درهمین‌سال روزنامهٔ «ادب» را منتشرکرد .

در۱۳۱۸ازتبریز به‌قفقازوخوارزم‌رفت‌ونزدپسرمحمدامین‌خان خیوه بسربرد . دربن‌سال به‌مشهد رفت ودوسال‌بعد مجدداً روزنامهٔ ادب‌رادرهمین‌شهرمنتشرساخت . در۱۳۲۱سردبیر روزنامهٔ (ایران‌سلطانی) شد. در۱۳۲۴ سردبیرروزنامهٔ (مجلس) ودر۱۳۲۵ روزنامهٔ‌عراق عجم را درتهران تأسیس‌نمود . در۱۳۲۶ وارد وزارت عدلیه شده ریاست‌عدلیه عراق‌وسمنان را هم داشت . در۱۳۳۲ مدیرروزنامهٔ (آفتاب) وهمان‌سال‌مجدداً رئیس صلحیه ساوجبلاغ و یزد شد، دریزدسکتهٔ ناقص‌کرد ودر۱۳۳۶ درسن۵۸ سالگی‌درتهران درفقروگرسنگی‌بمرد .

«در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۰۸ ما امضاءکنندگان گراندآوریان فرانسه این دیپلم را بمیرزا صادق‌خان ادیب‌الممالك تسلیم کردیم ، برای اینکه وی از کلیه مزایا و حقوق این درجه استفاده نماید. و تمام فراماسونهای ممالك خارجه نیز اورا بعنوان برادر قبول نمایند ، دیپلم استادی Maitre را باو میدهیم»

جالب است که با وجودیکه ادیب‌الممالك در روزهای آخر عمر بچند قران محتاج بود و در فقر و گمنامی درگذشت ، با اینحال بموجب قبوضی که در پرونده فراماسونی او باقیمانده مبالغ زیر را به‌همایون سیاح صندوقدار لژ و مسیولاتس ویزیوز پرداخته است :

۱- برای درجه C. M مبلغ یکصد قران.

۲- سال ۱۹۰۸ شصت قران .

۳- سال ۱۹۰۹ یکصد قران .

۴- سال ۱۹۱۰ یکصد قران .

علاوه برین قبوض ، چند قبض دیگر نیز که وی برای خرید نسخهٔ قانون اساسی فراماسونی در ۲۹ محرم ۱۳۲۹ وسایر مخارج پرداخته موجود است . در پرونده‌ای که خان ملك ساسانی ازهمسر او خریداری کرده یك نامه از «ژول درك»[1] ، یك نظامنامهٔ خصوصی لژ بیداری ایران و تعدادی شعر که بخط شخص وی میباشد وجود دارد . نظامنامه و آئین نامه‌ای که در این پرونده ضبط است با آنچه که نگارنده از اسناد حکیم الملك بدست آورد ، تطبیق میکند .

در این پرونده نامهٔ «ژول درك» رئیس گراندآوریان در ۲۴ مارس ۱۹۰۸ وجود دارد که خان ملك آنرا ترجمه نموده وعیناً نقل میشود :

میرزا سید صادق‌خان ادیب‌الممالك

۱ـ ژول درك که در ۱۹۰۷ در پاریس استاد اعظم ودبیر کل گراندآوریان بوده در دادگستری پاریس مقامات گوناگونی نظیر: ممیزی دفاتر محاسبات ـ عضویت محکمه بدایت پاریس ـ مستشار حکومت پاریس. حکم در محکمه تجارتی عدلیهٔ پاریس را داشته‌است. اصل عکس اوکه به ادیب‌الممالك داده شده ، نزد نویسنده است.



ژول‌درک استاد اعظم گراند‌اوریان

G.·. O.·. de F.·.

LIBERTÉ . ÉGALITÉ . FRATERNITÉ

Au nom et sous les auspices du G.·. O.·. de France

LOGE FRANÇAISE ET ÉCOSSAISE

(Cap.·. & Aréo.·.)

LA CLÉMENTE AMITIÉ

Or.·. de Paris, Rue Cadet, 16

le 24 Mars 1906

Le Vén.·. d'Honneur (33ème)

à son T.·. C.·. F.·. Mirza Seyed Sadegh Khan, Adib-el-Mamalek,

de la R.·. L.·. "Le Reveil de l'Iran" à Téhéran

Mon T.·. C.·. F.·.,

Vous avez bien voulu m'écrire et joindre votre photographie par votre honorée du 26 Janvier dernier. Si vous avez vu le Prince Abdolah Mirza depuis son retour d'Europe, il vous aura dit combien j'ai été sensible à votre délicate [illegible] je n'avais [illegible] de mes portraits pour le charger de vous le remettre et c'est d'ailleurs une des raisons qui m'ont fait tarder à vous répondre. Mais comme je sais que vous êtes un [illegible] et par conséquent un disciple de la tolérance vous m'excuserez de venir seulement aujourd'hui vous donner signe de vie.

Mon T.·. C.·. F.·., je suis heureux qu'un homme de votre valeur intellectuelle ait si bien compris l'utilité de notre institution universelle chez vous; je n'hésite pas à dire que si nos FF.·. de Téhéran veulent [illegible] et délibérément se donner par le travail, la volonté et la [illegible], ils peuvent être le flambeau qui éclairera les plus ignorants et les plus rétrogrades. Ce résultat sera [illegible], mais à une condition primordiale: c'est qu'ils soient des modèles par la pratique des vertus civiques et humanitaires.

Un foyer maçonnique au sein de votre Orient peut très rapidement régénérer votre pays par l'infusion de nos principes indestructibles aux membres courageux, instruits et intelligents de votre Parlement.

Le Vénérable d'une Loge naissante comme la vôtre doit avoir de ses Frères, et cela sans réserve: la confiance, la dignité, le respect et l'autorité indispensables à cette fonction. La Loge est utile à l'humanité, donc aux intérêts généraux et non au profit d'un seul. Si la Loge confie à l'un des siens une mission politique dans l'intérêt de la nation ou procure une fonction publique, il faut que celui-ci

نامه ژول‌درک به ادیب الممالک

مراسله مورخ ۲۰ ژانویه شما که یك قطعه عکس خودتان را فرستاده بودید موجب کمال تشکر گردید . اگر شما شاهزاده عبداله میرزا را[1] بعد ازمراجعتش ازاروپا ملاقات فرموده باشید بجنابعالی گفته است که چقدر از این محبت شما احساس دوستی کردم . در هنگامیکه او را ملاقات نمودم از عکسهای خودم حاضر نداشتم که برای جنابعالی بفرستم ودلیل تأخیر در عرض جواب هم همین بود ولی چون میدانم که شما فراماسن‌هستید وبنابراین شاگرد مکتب گذشت واغماض میباشید ازاینکه امروزجواب شما را مینویسم خواهید بخشید .

برادرعزیزم خیلی‌خوشحالم‌که یك مردی بمقام و رتبه ادبی‌شما بخوبی منافع مؤسسه بین‌المللی ما را درك‌کرده است . تردید ندارم‌که اگر برادران ماسن‌مادرتهران تصمیم بگیرند ، یکدیگر رااز راه‌کار وعمل‌صمیمانه یاری‌کنند میتوانند همچون‌مشعل فروزان نادان‌ترین و عقب مانده‌ترین مردم را روشن نمایند . رسیدن باین نتیجه یك شرط اساسی دارد و آن این است که در عمل نمونه حسن اخلاق مدنی و خدمت بنوع باشید .

یك مرکزماسنی درقلب مشرق زمین میتواند با انتشار اصول جاویدان اعضای با شهامت دانا وهوشمند پارلمان درمملکت ایران‌تجدیدحیات نمایند . رئیس‌محترم یك لژجدیدالتأسیس منشی‌لژشما بایدکاملاً مورد اعتماد واحترام برادرانش‌باشند ونسبت بمقام ریاست اواحترامات لازم منظوردارند .

لژ برای همه مفید است. بنابراین‌اتحادش بمنفعت‌عموم است نه‌استفاده‌شخصی. نظرلژ یکی از برادران یك مأموریت سیاسی مربوط بمنافع ملت بدهد و یا یك خدمت عمومی باورجوع‌کند باید باین‌اصل معتقد باشدکه این‌خدمت ازطرف مردان‌فداکاری برای‌منافع‌عموم باوواگذارشده است.

پس برادرعزیزم جرأت وصمیمیت و اعتماد بین برادران ماسن‌که لایق این اسم

---

[1] ـ عبداله میرزا عکاس فرزند سیف‌اله میرزا نوهٔ فتحعلیشاه است و اعقاب او سپهبد جهانبانی میباشد .

باشند لازم است .

درهمه عالم اشخاص ناسزاگو ومتعصب یافت میشودکه پیشرفت ما را جلوگیری میکنند وگاهی بهترین خدمتگذاررا مأیوس مینمایند. باعتقاد من ضرراشخاص ناسزاگو برای مؤسسه حکمت شعار و انسان دوست ما بیشتر است تا خود متعصبین . زیرا باشکال میتوان به عملیات اشخاص ناسزاگویی پی برد . در صورتیکه اشخاص صمیمی متعصب قابل عفو میباشند شناختن آنها هم آسان است ومیتوان جلو ضرباتشان را گرفت .

تبریکات من ببرادران ماسن . . برای دورهم جمع شدن کوشش کنید کلیه همشهریها را بخودتان معتقد سازید و آنها را تحت دیسپلین در بیاورید و با آنها تکالیفشان را بقبولانید. وقت آن رسیده که بدنیای متمدن بنمائید که ایران لیاقت زندگی دارد میتواند منابع ثروت خود را بکار بیندازد افکار افراد را آزاد بگذارد وهر کس مطابق لیاقت واستعداد خود کسب دارائی نماید. بقسمی که مزدورین وخیانتکاران شرمسار شوند و نتوانند بهم نوع خود ضرر برسانند .

باصدای بلند فریاد کنید که ما تحصیلات معنوی ومادی آزادی میخواهیم در برابر قانون مطابق لیاقت واستعداد حق تساوی میخواهیم و با همه مردم مطابق طبقه ومقام و هوش وفراست برادری میخواهیم واین سه اصل را به آزادی فکر و اتحاد بتمام آنهائیکه موجب پیشرفت وطن هستند کمك کنید .

برادرعزیز آرزوی من از قریب ده سال باینطرف که با برادران ایران در مکاتبه هستم همین است . زیرا تاآنجائی که من میدانم شما ملتی با هوش هستید منابع ثروت بسیاردارید باید دسته‌ای با عملیات فکری واخلاقی ودسته‌ای با عملیات مادی که ضرر اخلاقی برای دیگران نداشته باشد به نتیجه برسید .

برای تمام اینکارها باید چند نفر با هوش و دقت و عایدی وجود خود را برای بنیان گذاشتن صمیمیت واعتماد لایتناهی ووطنپرستی وشهامت بین اشخاص مصروف دارند نتیجه افکارخوب ،گفتارخوب واعمال خوب است.

برادرعزیزمتشکرم‌که برای من وسیله‌ای فراهم آوردیدکه‌این‌چندکلمه را بشما بنویسم امیدوارم‌که این مکاتبات ادامه داشته باشد در انتظاروصول نامه‌ها و یك روزی دیدارشما ـ خواهشمندم مراتب احترامات برادرانه مرا بپذیرید .

ژول درك

چرا لژهای ماسونی در ایران تشکیل میشود

اکنون به‌بینیم چرا فراماسونری‌کشورهای انگلیس‌و فرانسه درصدد تشکیل لژماسونی در ایران برآمدند و این دولژ بزرگ از تشکیل شعب خود در این کشور چه‌نظری داشتند و دارند . بطوریکه قبلاً گفته شد ، فراماسونری خود را یك سازمان جهانی میداند و اساس فعالیت خود را برروی پایهٔ تشکیل « حکومت جهانی » و نوعی «حکومت انترناسیونالی»که‌کمونیستها نیزبدان اعتقاد دارند ، قرارداده است .کارگردانان این سازمان جهانی از بدو فعالیت تاکنون برای توسعه این مرام درجهان، تاآنجاکه امکان‌پذیر بوده وهست ، میکوشند. بهمین‌جهت سازمانهای فراماسونری فرانسه « گرانداوریان » وسازمان «اسکاتلند » هر دومتفقاً برای تشکیل‌شعب خوددرایران‌کوشیدند وهردونیزموفق‌شدند،گروهی‌ازافراد طبقات عالی‌مملکت را وارد درسازمانهای خودکنند .

گرچه قانون اساسی ماسونی فرانسه وانگلستان وآلمان هرسه اعضاء خود را از دخالت درامورسیاسی منع میکنند ولی وجود افراد مؤثر و سیاسی کشور ما در این سازمانها بالطبع « سیاست » را وارد محافل‌آنهاکرده ومیکنند . محمود عرفان‌دراین‌باره چنین مینویسد :.

«گفتیم‌که لژتهران انجمن بیداری ایران‌نیزنام داشت واگرچه‌سنت‌فراماسونری عدم دخالت در امورسیاسی است ولی چون تقریباً تمام فراماسونهای تهران از رجال سیاسی بودند اجتماع‌آنها وگفتگو وصحبت‌آنان طبعاً باامورسیاسی ارتباط پیدامیکرده بخصوص اینکه لژتهران دربیداری مردم و آشنا کردن عامه ملت بحقوق خود سعی مخصوص داشت و بهمین مناسبت لژتهران انجمن بیداری ایران نامیده شد و در دوره

ناصرالدینشاه و بعد از آن‌هم‌که این‌گفتگوها ممنوع بود فراماسونها بودند که انجمن سری داشتند وعهدکرده بودندسرّاجتماع وفرقه خود را بروزندهند . وتعلیمات‌استادان و بزرگان خود را پیروی نمایند و بزرگان آنها همه با تمدن مغرب زمین آشنائی داشتند و میخواستند ایران را از استبداد و بی‌قانونی نجات دهند که مانند فرنگستان قانون بین شاه و رعیت و بین تمام مردم حکومت کند .

هرفراماسونی درقلب دوستان و آشنایان و خویشان خود تخم این تعلیمات را میکاشت وبآنها می‌فهمانید که غیر ازپادشاهان قاجار و اوضاع دربار ایران حکومتها و ملتهای دیگر نیزهستند و امورعامه بشکل دیگری غیراز آنچه درایران معمول بود ممکن است اداره شود .

ناشناس بودن فراماسونها باین مقصود بیشترکمك میکرد بعلاوه فراماسونهاهمه از مردمان بانفوذ بودند و حرف‌آنها دردلها تأثیرداشت ...[1]»

یك نویسنده دیگر فراماسونری دربارهٔ علل و هدف تأسیس ماسونیسم درایران آن زمان، نوشته است :

«... بنّایان آزاده از تأسیس لژ فراماسونری در ایران چند مقصود را وجههٔ همت خود قرار داده بودند :

اول ـ میخواستند پشتیبانی محافل ماسونی جهان را که در سیاست بین‌المللی نفوذ فراوانی میدارند نسبت بنضهت ایران جلب کنند تا بتوانند ازدسیسه کاری عمال استبداد که مخصوصاً از طرف دولت روسیه تزاری جداً تقویت میشدند جلوگیرند و در برابر آنان مقاومت کنند .

دوم ـ حفظ استقلال کشور دربرابر مطامع خارجی.

در آن روزها چنگال روسیه چنان گلوی ایران را فشرده بود که دیگر کسی امیدی ببقای استقلال کشور نداشت. بنّایان آزاده میکوشیدند باکمك نیك خواهان جهانی مانع شوند اژدهای روسیه لقمه‌ای را که تابیخ فروبرده بود بخورد .

۱ـ مجلهٔ یغما شماره ۱۳ سال ۱۳۲۷

سوم ــ میخواستند برای اداره امور کشور پس‌از بارورشدن نهال آزادی افرادی مؤمن باصول و پابند بمبانی اخلاقی تربیت کنندکه درعین حال واقف باوضاع عمومی جهانی نیز بوده باشند. از این نظر لژفراماسون در حقیقت مکتبی برای پرورش افراد بجهت اداره رشته‌های مختلف اجتماعی بوده تا آن تربیت شدگان بتوانند کشور را با ایمان و اخلاق طبق سنن دمکراسی اداره کنند .

خوشبختانه زحمات نیکخواهانه آن پیشروان در هر سه نظر قرین کامیابی شد و هم شعله بیداری ایرانیان روزبروز فروزنده‌تر میگردید وهم استقلال کشور دربرابر مطامع خارجی محفوظ ماند . همچنین در اروپا کمیته‌هائی از آزاد مردان بجهت پشتیبانی از استقلال ایران تشکیل شد که برخی ازآنها بجهت حمایت از ایران با دولتهای خود کشمکش کردند ...»[۱]

باید اعتراف کردکه اکثریت اعضاء لژ بیداری ایران در دوران حیات سیاسی خود کمتر دچار لغزشهای سیاسی و اخلاقی شدند ، وعدهٔ کثیری از ماسونهای عضوآن که مدت نیم قرن در این مملکت حکومت میکردند ، به‌ارزشهای اخلاقی خویش پای‌بند بودند . منتهی در بین بعضی از آنها سنجش این ارزشها ، مقیاسهای دیگری داشت که باآنچه که دیگران بدان اعتقاد داشتند متفاوت بود. آنچه که همیشه طرف اعتراض و پرسش عامه مردم بخصوص طبقهٔ روشنفکر و نسل فعلی قرارمی‌گیرد اینست که بعضی ازماسونهای عضو لژ بیداری از سیاست انگلستان و پیروی از خواستهای‌آن دولت در ایران جانبداری می‌کردند ، شاهد و مثالهای متعددی از افراد سرشناس لژ دراین مورد داشتند .

این توّهم از آنوقت بوجود آمدکه انگلیسها علناً به مخالفت با دربار قاجاریه برخاستند وبرای‌بیرون راندن «روسها» ازایران ازهیچگونه تلاش واقدامی خودداری نکردند .

ازآغاز نهضت مشروطیت وحتی نهضت آزادیخواهی و مبارزه بااستبداد دستگاه

۱ـ تاریخ مختصر جمعیتهای سری ص۶۰

قاجاریه ، انگلیسها که‌خودرا آزادیخواه وحامی آزادی مردم ایران معرفی میکردند بدون پرده و بطور علنی ازاینگونه افکار پشتیبانی می‌کردند و بر اثر همین اقدام جسورانه آنها بود که طرفداران استبداد موفق شدند مشروطه خواهان و آزادی‌طلبان را بصورت عناصر وابسته به‌انگلستان بجامعه معرفی‌کنند . اساساً ایده‌ها و افکاری که جنبهٔ بین‌المللی دارد هنگام گسترش و توسعه نمیتوانند از جانبداری ویا همبستگی با یکدسته ویا یك دولت و ملت پرهیز کنند .

فراماسونها وکمونیستها که هردو دارای تز انترناسیونالیسم بوده وهستند و هردو درراه‌بین‌المللی‌کردن‌افکارخودگام‌برمیدارند. درواقع‌اینان‌باعقیده«هراکلیتوس» موافق میباشندکه‌گفت: «راه فراز و راه نشیب هردو یکی است» بنا بعقیدهٔ هراکلیتوس شخصی که از تپه‌ای بالامیرود ویاکسیکه از تپه‌ای فرود میآید هردو آنها بیك مقصد میرسند منتهی ازلحاظ مسیر باهم اختلاف دارند .

کمونیستها میگویند که کارگران جهان که مالکان اصلی و حقیقی دنیا هستند و چرخهای صنعت اجتماع را بحرکت درمی‌آورند ، باید زمام امورکشورها را بدست گیرند و کشورها را اداره کنند . ماسونها نیز میگویند طبقات عالیه و روشنفکر و افرادی‌که ازهرگونه لغزش اخلاقی واجتماعی مصون می‌باشند برای‌هدایت وراهنمائی جهان و اداره کشورها شایسته می‌باشند و اینها جماعتی هستند که باید بشریت را در راه (آزادی ـ برابری ـ برادری) پیش ببرند . و درنتیجه پیروان هر دو دسته برای رسیدن بمقصود خود از هیچگونه کوششی خودداری نمی‌کنند و شاید از هیچگونه بستگی هراس نداشته باشند .

برای نمونه میبایستی از اقدام وثوق‌الدوله در انعقاد قرارداد معروف ۱۹۱۹ (۱۳۳۷ه) نام برد. بطوریکه خواهدآمد وی یکی از چهره‌های درخشان لژ بیداری ایران بودکه در‌ترجمه اسناد وریتول‌های فراماسونری و ازراه فن سخن‌گفتن و نوشتن برای بیداری برادران ماسونش تلاش می‌کرد. اوکه دردوران نخست وزیریش قرارداد معروف ۱۹۱۹ را منعقد ساخته بود در توجیه عمل خود مقیاس خاصی برای سنجش

داشته که شاید از نظر خود وی وبعضی از برادران ماسونش صحیح بنظر می‌آید ولی از لحاظ افکار عمومی مردود وغیرقابل بخشایش بشمار میرفته است .

درآن ایام چون انگلیسها بغلط مشهور به‌آزادیخواهی وآزادی طلبی شده‌بودند عده‌ای از ماسونهای عضو لژ بیداری ایران جانبداری ازآندولت را عملی صحیح میدانستند و حال آنکه همین رجال دیده بودند که سیاستمداران فراماسون انگلیس چگونه درسال ۱۹۰۷ (۱۳۲۴هـ) بخاطر انعقاد قرارداد شوم و تقسیم ایران بین خود و روسیه تلاش نمودند .

بعضی از فراماسونهای عضو لژ بیداری ایران که درآن زمان سعی داشتند نسبت رشوه‌خواری و حمایت از انگلیسها و خیانت بمردم و مملکت به‌آنها داده نشود، پس از انعقاد قرارداد ننگین سال ۱۹۱۹ بنای انتقاد از «برادر وثوق‌الدوله» راکه روزی یکی از چهره‌های تابناك لژ بیداری بود، گذاشتند. ازجمله حاج سیدنصراله تقوی که یکی از رؤساء لژ بیداری ایران بود هنگامیکه اسم وثوق‌الدوله را می‌شنید عصبانی می‌شد و عمل اورا غیرقابل بخشایش میدانست. سناتور سیدمهدی فرخ درشرح حال خانوادهٔ قوام‌السلطنه مینویسد :

«...در ریاست وزراء دوم آقای وثوق‌الدوله روزی به‌آقای اورنگ فرمودند ازقرار اطلاع حاصله آقای سید نصراله (منظور حاج سید نصراله تقوی است) در مجلسی از مشیرالدوله تمجیدکرده و ازمن تکذیب نموده است علت چیست؟ باایشان صحبت‌کرده علت را بمن بفرمائید .

چند روز بعد آقای اورنگ ایشان را ملاقات می‌نماید میگوید باآقای حاج نصراله مذاکره کردم. ایشان گفتند «آقای وثوق‌الدوله دارای محسنات زیادی است . شخصی است باهوش و در این قسمت حتی به مشیرالدوله برتری دارد ، معلوماتش هم بدنیست ولی مشیرالدوله شخص درست و صحیح العملی‌است وثوق‌الدوله دستش پلشت یعنی چسبناك است و مقصود اینست‌که شما پول میگیرید و مشیرالدوله مرد بی‌طمع و

درستکاری است»[1]

وثوق‌الدوله درجواب میگوید :

ازطرف من به‌آقای حاج سید نصراله سلام برسانید وبگوئید درستی و بیطمعی آقای مشیرالدوله درزمان تصدی خود جوال جوال نشان شیر و خورشید به‌فرنگستان فرستاد و وجوه مأخوذه از اینراه را ذخیره نموده و نیز تمام امتیازات به‌اجانب به‌امضای ایشان است و از اینراه تمول زیادی جمع آوری نموده و سهام نفت برای ورثه ذخیره کرده است . به این جهت آقایان مشیرالدوله و مؤتمن‌الملك دستشان چسبناك نیست ولی من از میرزا ابراهیم معتمدالسلطنه دیناری ارث نبرده‌ام ناچار من حالا پول می‌گیرم هرکس هرچه میخواهدبگوید بعدها پسرمنهم مشیرالدوله ومؤتمن‌الملك خواهند شد . باید تصدیق کردکه آقای وثوق‌الدوله این پروگرام را دقیقاً بموقع به‌عمل گذاردند . . .»[2]

مبارزه پنهانی با انگلیسها

باید دانست که از لحاظ سیاسی یکنوع‌مبارزهٔ پنهانی درتهران بین دیپلماتهای انگلیس و فرانسه و ایرانیانی‌که طرفدار یکی از این دوسیاست بودند وجود داشت که درموارد متعدد مبارزه آنها بداخل لژ فراماسونری نیزکشیده میشد و گاه درگزارش‌های رسمی سفارت‌خانه‌ها منعکس می‌گردید . مثلاً درگزارشی‌که درهمان اوان وزیر مختارانگلیس‌درتهران به «سراد واردگری» وزیرامور خارجه فرستاده نوشته‌شده‌است:

«مخالفت‌هائی‌که دیپلماتهای فرانسوی علیه عملیات ما در ایران می‌کنند ، بتدریج صورت جدی بخود می‌گیرد .

همه عوامل آنها حتی کسانیکه درلژ فراماسونری بیداری ایران به‌این مبارزه کشانیده شده‌اند دراین امر شرکت دارند گرچه اعضاء سفارت وجود مخالفت پنهانی و

۱ـ خانواده خیانت یاشجره خبیثه ص۳۸

۲ـ این شرح برای بار دوم درخاطرات سید مهدی فرخ درمجلهٔ سپید و سیاه پائیز ۱۳۴۴ نیز نقل وتجدید چاپ شده است .

علنی‌را تائید نمی‌کنند ولی شواهدی دردست است‌که نمیتوان منکر این حقیقت‌شد.»[1]

علاوه برگزارش فوق «بالفور» انگلیسی‌که برای اجرای قرارداد۱۹۱۹ به‌ایران آمده بود درکتاب مشهور خـود مینویسد : « بعضی دلایل و مدارك در دست است که برحسب آنها از نظر مرام و مسلکی فرانسویهای مقیم ایران و اگـر واضحتر بگوئیم دیپلماتهای فرانسوی تا آنجا که در قوه دارند ، میکوشند در برابر انگلیسها مقاومت کنند و آنها را درمضیقه قراردهند . علاقه فرانسویها دراین کشور بیشتر متوجه کاوش اشیاء عتیقه و حمایت ازپروفسورهای باستان شناس و اطباء و متخصصان دولتی است خیلی مشکل است‌که بتوان انگیزه آنان‌را درمبارزه باانگلیسهافهمید.هیچ‌جای بحث و تردید نیست‌که حتی پای فراماسونهای فرانسوی هم در تبلیغات علیه انگلیسها بمیان کشیده شده و آنان دراین راه مشغول فعالیت‌اند»[2]

کتاب «بالفور» که در موقع انتشار درانگلیس توقیف شده، درعین‌حال مبارزات پنهانی انگلیسها را با روسها و فرانسویها و سایر منابع قدرت روشن می‌کند . در بین اعضاءلژ بیداری ایران‌سران ایلات‌بختیاری، عـده‌ای ازصاحبان القاب و سیاستمداران حرفه‌ای و تنی چند از مشروطه خواهان طرفدار انگلیسها بودند . در حـالیکه بقیه اعضاء لژ در صف مخالف جای داشتند و پیروی از سیاست‌های گـوناگـون بـرای عده دیگری کاملاً بی‌تفاوت بود .

در شهرستانها

هیچگونه مدرك و سندی دردست نیست که نشان دهد شعب لژ در شهرستانهای ایران نیز تشکیل شده‌است باوجوداین «هانری رنه» آلمانی درسفرنامهٔ خویش درباره فعالیت لژ فراماسونری در مشهد مینویسد : « ازسال ۱۹۰۶ [۱۳۲۴هـ] درشهر مشهد یك فرامـوشخانه‌ای هـم در این شهر تأسیس شده که اعضای آن میخواهند درصفوف ملاها شکافی‌ایجاد نمایند و ازقدرت و نفوذ آنها بکاهند. شعار اعضاءآن هم مانند شعار فراموشخانه‌های اروپائی میباشد که عبارت است ازیك مثلث ویك پرگار ولی‌آنان رابطهٔ مستقیمی‌بافراموشخانه

۱ــ اسناد بایگانی انگلیس ۳۶۱ـ۶۰ .

2– Reefnt Happenings in Persia . 1922 P. 197–198

های اروپا ندارند ...»[1]

یکصد و شصت وهشت عضو لژ بیداری

حال می‌پردازیم به‌یکی ازمهمترین بحث‌های لژ بیداری ایران و اینکه چه‌کسانی در آن طی پانزده سالی که لژ فعالانه کار میکرد شرکت داشتند.

دراین‌باره چهارلیست از اسامی اعضاء لژ وجود دارد که درآنها یکصد و شصت نفر ایرانی و هفده خارجی مقیم تهران عضو لژ بیداری ایران معرفی شده‌اند. و بد نیست از مندرجات هریك از این لیست‌ها اطلاع حاصل کنیم.

۱ـ نخست ازاسامی ژلاتین‌شده موجود دراسنادحکیم‌الملك‌حکیمی یادمی‌کنیم. دراین‌لیست نام یکصد و بیست وچهار نفر از اعضاء ایرانی وخارجی لژکه ازابتداوارد آن بودند، وجود دارد. بنظر میرسد که صاحبان این اسامی در چهارسال اول تشکیل لژ وارد شده باشند. زیرا دیپلم آخرین نفرآنها که میرزا فتح‌الله سردار منصور بوده و مسیو «برنارد» فرانسوی او را معرفی‌کرده است درسال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰ ه) صادر شده. و علاوه براین درفهرست‌مزبور نام سی ویکنفر دیگروجود داردکه درسه لیست دیگر نیست.

۲ـ دومین صورت اسامی، شامل نام یکصد وپانزده نفر است که درخاتمهٔ رسالهٔ خطی آئین فراماسونی «ادیب‌الممالك» متعلق به مرحوم اشراق محضردار، ضبط شده است[2]. همه اسامی که در این رساله نوشته شده در صورت ژلاتینی حکیم‌الملك وجود دارد منتهی در برابر اشخاص زیر توضیحاتی داده شده است که شرح آن چنین است:

۱ ـ میرزا محمدعلیخان قوام‌الدوله[3] رحلت فرموده

۱ـ سفرنامهٔ ازخراسان تابختیاری ترجمهٔ فره‌وشی ص۶۱۸

۲ـ این رساله اکنون درتصرف هاشمی حائری، است.

۳ـ میرزا محمدعلیخان قوام‌الدوله پسرمیرزا عباس قوام‌الدوله آشتیانی پدرابوالقاسم و غلامحسین فروهر.

۲ـ میرزا اسمعیل‌خان ثقةالملک[۱] رحلت فرموده

۳ـ حاج میرزا محسن مظفرالملک[۲] جامه‌تهی‌ساخت

۴ـ نصرت‌الله‌خان عمیدالسلطنه سردار امجدطالش[۳] رحلت فرموده

۵ـ میرزا فضل‌الله‌خان‌لواءالملک[۴] برحمت ایزدی پیوست

۶ـ دوست محمد خان معیرالممالک[۵] برحمت ایزدی پیوست

۷ـ دکتر حسین‌خان‌کحال[۶] برحمت ایزدی پیوست

۸ـ مسیو بپرم خان[۷] درجنگ همدان شهادت یافت جمادی‌الاول ۱۳۳۰

۹ـ حاج میرزا ابراهیم آقای تبریزی[۸] در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶درموقع بمباران مجلس در پارك امین‌الدوله شهید شد .

۱۰ـ شاهزاده امان‌اله میرزا ضیاءالدوله[۹] در موقع هرج و مرج آذربایجان واستیلای روس خود را مخلوع نمود .

۱۱ـ محمد تقی‌خان احتساب الملک[۱۰] استعفا داده است .

۱ـ میرزا اسمعیل‌خان ثقة الملک رشتی ـ پسر میرزا محمد علی ثقةالملک از رؤسای خانواده سمیعی نوه حاج میرزا سمیع رشتی .

۲ـ حاج محسن‌خان مظفرالملک از اطرافیان ظل‌السلطان و حاکم یزد و بروجرد بود. دخترش‌همسرحاج میرزایحیی دولت‌آبادی ازمؤسسین انجمن اخوت و ازملاکین‌بود.

۳ـ نصرت‌اله‌خان عمیدالسلطنه ، حاکم طالش و گرگانرود. اهل تسنن بوده و در دوران حکومتش ظلم وستم فراوان بمردم کرده است .

۴ـ شناخته نشد .

۵ـ دوست محمدخان معیرالممالک از خانوادهٔ معیر ، داماد ناصرالدینشاه بوده .

۶ـ دکتر حسینخان کحال از چشم پزشکان معروف است که همسرش خواهر کلنل کاظم خان سیاح و فرزندانش نام خانوادگی کمال دارند .

۷ـ یپرم خان ارمنی عضو اشناك از سرداران مشروطیت .

۸ـ حاج میرزا ابراهیم آقا تبریزی از سران مشروطیت بود . در انقلاب صغیر بیش از سایر آذربایجانها فعالیت میکرد و بهمحمد علیشاه نا سزا میگفت .

۹ـ شاهزاده امان‌اله میرزا هنگامیکه قوای روس آذربایجان را اشغال کــرد چون سالها باروسها مبارزه میکرد بهکنسولگری انگلیس رفته با هفت تیر خودکشی کرد.

۱۰ـمیرزامحمدتقی‌خان‌احتساب‌الملك‌نام‌خانوادگی‌مقدم‌پدرمحسن‌مقدم‌استاددانشگاه.

۱۲ـ آقاسیدجمال‌الدین واعظ　　در بروجرد درمجلس زین‌العابدین‌امیرافخم شهادت یافت .[۱]

۱۳ـ دکترمورل　　　　در شعبان ۱۳۲۸ در انزلی رحلت فرمود .[۲]

۳ـ سومین صورتی که بدست آمد ، در آرشیو معتمدی نگهداری میشود . در این لیست اسامی شصت و هشت نفر بازلاتین نوشته شده و گویا از ناظم‌الدوله دیبا به‌ایشان‌رسیده است . اسامی که در اینصورت نوشته در سه لیست دیگر نیز هست .

۴ـ چهارمین صورت را علی مشیری محقق وعضوفعلی یکی ازلژهای‌انگلستان در اختیار نویسنده گذارد . در این لیست تعداد کثیری از اعضاء لژ بیداری معرفی شده‌اند و فقط نام یکنفر (میرزا یوسفخان وصالی متولد ۱۸۸۵) (۱۳۰۲هـ) در آن آمده که در سه صورت دیگر نبوده‌است .

اینك اسامی فراماسونهای ایرانی ، مندرج در چهار لیست را به‌تفکیك عیناً نقل‌می‌کنم :



۱ـ آقا سید جمال‌الدین واعظ پدر سید محمد علی جمال زاده از مشروطه خواهان معروف است که بدست طرفداران محمدعلی شاه کشته شد .

۲ـ دکتر مرل فرانسوی طبیب دربار قاجاریه و شاهزادگان بود . یکبار رئیس لژ بیداری ایران شد و در انزلی فوت کرد .

اسامی	حکیم الملک و اشراق	معتمدی	علی مشیری	تاریخ تولد که فقط در لیست معتمدی بوده
الف :				
ادیب السلطنه ـ میرزا حسنخان	ا ـ ح	«	«	
امیرعلم ـ دکتر امیرخان	«	«	«	
ابوالقاسم خان ـ میرزا سید	ـ	«	«	۱۲۹۹ تهران
ابوالفتح خان ـ حاجی	»	«	«	۱۲۹۷
ابوالحسن ـ حاجی سید	ـ	«	«	۱۳۰۰ تهران
امان اله خان ـ علی خاقان	ـ	«	«	۱۳۰۶ «
اردشیرجی	«	«	«	۱۸۶۵ بمبئی
ادیب الممالك ـ میرزا صادقخان	«	«	ـ	۱۲۷۷ تهران
احمدخان ـ حاج میرزا ـ آقا بیك زاده	«	«	ـ	۱۲۹۶ تهران
احمدخان ـ میرزا	..	«	ـ	۱۸۸۶ تهران
ابراهیم خان ـ میرزا سید	«	«	ـ	سرتیپ قورخانه
امین خلوت ـ حسینقلیخان	ـ	«	ـ	۱۳۰۵ «
انتظام السلطنه ـ میرزا سیدمحمد خان	«	«	ـ	۱۲۸۶ «
امین الضرب ـ حاج حسین آقا	«	ـ	ـ	
افتخارالتجار ـ حاج میرزا علی	«	ـ	ـ	وفات یافت
اعلا الملك ـ میرزا نصراله خان	«	ـ	ـ	
احتساب الملك ـ محمدتقیخان	«	ـ	ـ	استعفاداده
اقتدارالدوله ـ میرزا عیسی خان	«	ـ	ـ	
افتخارالملك ـ دکترمیرزا علیقلی خان	«	ـ	ـ	
ت :				
تبریزی میرزا محمد علیخان	«	ـ	«	
تقی زاده ـ سیدحسن	«	ـ	«	
تبریزی ـ حاج میرزا آقافرشچی	«	ـ	ـ	
تبریزی ـ حاج میرزا ابراهیم آقا	«	ـ	ـ	

اسامی	حکیم الملک و اشراق	معتمدی	علی مشیری	تاریخ تولد که فقط در لیست معتمدی بوده
تربیت ـ میرزا محمدعلیخان	،	–	–	
ث :				
ثقة الملک ـ اسمعیل خان	،	،	،	
ج :				
جوادخان ـ میرزا موتمن الممالک	–	،	،	
جمال الدین واعظ ـ آقا سید	،	،	،	
ح :				
حکیم الملک ـ ابراهیم خان	،	،	،	
حسن خان ـ میرزا	–	،	،	
خ :				
خان خانها ـ حسنعلیخان	–	،	،	
د :				
دهخدا ـ میرزا علی اکبر	،	–	،	
دبیر مخصوص ـ میرزا حسنخان	،	–	،	۱۲۹۲ تهران
دقة الملک ـ محسن خان	–	–	،	۱۸۸۷ ،
دبیرالملک ـ میرزا حسنخان	،	،	،	۱۲۹۰ ،
دبیر حضور	،	–	–	
ذ :				
ذکاءالملک ـ میرزا محمدعلیخان	،	،	،	۱۲۹۴ تهران
ر :				
رضوی ـ سید نصراله تقوی	،	،	،	۱۳۸۵ تهران
رضایوف ـ حاجی میرزا محمد پسر محمد باقر	،	،	،	۱۳۸۹ ،
رجبعلی خان	–	،	،	۱۳۰۴ ،
ریاضی ـ غلامحسین خان	–	،	،	۱۳۰۰ ،
رئیس التجار ـ میرزا غلامرضا	،	–	–	
رضاخان ـ میرزا منشی وزارت خارجه	،	–	،	
رشتی ـ دکتر اسمعیل خان [مرزبان]	،	–	–	

اسامی	حکیم‌الملک و اشراق	معتمدی	علی مشیری	تاریخ تولد که فقط در لیست معتمدی بوده
ز :				
زنجانی ـ حاجی شیخ ابراهیم	«	«	«	۱۲۸۲ زنجان
س :				
ساعدالوزراء ـ میرزا حسن خان	«	–	«	
سردار امجد ـ نصرت‌اله خان	–	–	«	۱۲۶۶ گرگانرود
سیاح ـ میرزا همایون	«	«	«	۱۲۹۹ تهران
سروش ـ میرزا ابوالقاسم	«	«	«	۱۲۸۱ «
سیاح ـ حاج محمدعلی	«	«	«	۱۲۸۷ محلات
سردار بهادر بختیاری ـ جعفرقلیخان	«	«	«	۱۲۹۷
سردار ظفر ـ حاجی خسروخان	«	«	«	۱۲۷۸ «
سردار اسعد ـ حاجی علیقلی‌خان	«	«	«	از قراربیان مسبوبرنارد
سردار منصور ـ میرزافتح‌اله خان	«	–	–	
ش :				
شکوه‌الملک ـ حسینخان	«	«	«	۱۲۹۷ تهران
شاهرخ ـ ارباب کیخسرو		«	«	۱۸۷۵ کرمان
شیرازی ـ میرزاقاسم		«	«	۱۲۸۶ شیراز
شیخ‌الملک ـ محمد حسن		–	–	۱۲۷۵ بیرجند
شعاع‌السلطنه ـ شاهزاده‌ملک‌منصورمیرزا	«	–	–	
ص :				
صنیع‌الدوله ـ مرتضی قلیخان	«	–	«	۱۲۷۳ تهران
صمصام‌السلطنه نجفقلیخان	«	«	«	۱۲۶۹ ساری
صدرالممالک	«	«	«	
صدرالعلماء خراسانی ـ آقا میرزا یعقوب	«	«	–	
ض :				
ضیاءالملک ـ حسنعلیخان	«	–	«	به‌رحمت ایزدی پیوست
ضیاء الدوله ـ امان‌اله میرزا	«	–	«	
ضیاءالدوله ـ میرزا علیخان	«	–	«	۱۸۷۰ تهران

اسامی	حکیم الملک واشراق	معتمدی	علی مشیری	تاریخ تولد که فقط در لیست معتمدی بوده
ط :				
طباطبائی ـ میرزا سید محمد	،	–	،	۱۸۸۷ تهران
طباطبائی ـ میرزا سید محمد صادق	،	،	،	
ظ :				
ظهیرالسلطان ـ محمد ناصرخان				
ظهیرالدوله ـ میرزا علیخان صفاعلیشاه	،	–	–	
ظهیرالاعیان ـ مهدی خان	،	،	،	
ظل السلطان ـ شاهزاده سلطان مسعود میرزا	،	–	،	
ع :	،	–	–	
عزالملک ـ عزت اله خان	–	،	،	۱۲۸۹ سقز
عمیدالحکماء ـ میرزا سیدابراهیم خان	–	،	،	۱۲۹۲ تهران
علیخان ـ دکتر [پرتو اعظم]	–	،	،	۱۸۷۷ «
عبدالرحیم ـ میرزا	،	،	،	۱۲۹۶ « مستخدم وامین لژ
عبداله میرزا ـ عکاس	،	–	،	۱۲۶۳ «
عبدالعظیم ـ حاجی میرزا آقا حسین زاده	–	–	،	۱۲۸۸ تبریز
عمیدالسلطنه سردار طالش ـ نصرة اله خان	،	–	–	۱۲۹۲ تهران (برحمت ایزدی پیوست)
غ :				
غفاری ـ محمدخان ـ کمال الملک	،	–	،	۱۸۵۷ تهران
ف :				
فروغی ـ میرزا ابوالحسن	،	،	،	
فهیم الدوله ـ مصطفی قلیخان پسر مخبرالدوله	،	–	–	۱۲۹۱ تهران
ق :				
قوام السلطنه ـ احمدخان	،	،	،	۱۲۹۴ تهران
قوام الدوله ـ میرزا محمد علی	،	–	،	
قائم مقام ـ میرزا مهدیخان	،	–	،	۱۲۸۲ کاشان
ک :				
کتابچی خان ـ پل	–	–	،	۱۸۷۲ قسطنطنیه
کتابچی خان ـ ادوارد				
کاشف السلطنه ـ محمد میرزا	،	،	،	۱۲۸۱ تربت حیدریه

اسامی	حکیم الملک واشراق	معتمدی	علی مشیری	تاریخ تولدکه فقط درلیست معتمدی بوده
کلوپ ـ میرزا محمد علیخان	ـ	«	«	۱۳۰۴ همدان
کحال ـ دکتر. حسینخان	«	ـ	ـ	
ل :				
لواءالملك ـ میرزا فضل‌اله خان				۱۸۶۱ تهران (برحمت ایزدی پیوست)
لقمان‌الملك ـ دکترسعیدخان	«	ـ	«	
لقمان‌کلیمی ـ دکتر	«	ـ	«	۱۳۰۵ تبریز
لقاءالملك ـ میرزا عباسخان	«	«	«	۱۲۹۹ تهران
لسان‌الملك ـ میرزا اسمعیل خان	ـ	«	«	۱۲۹۷ رشت
لقمان‌الممالك دوم ـ دکتر صالح‌خان	«	ـ	ـ	
م :	«	ـ	ـ	
معز الملك ـ میرزا ابوالحسن خان	«	«	«	۱۲۹۶ خراسان
منتخب‌الدوله ـ میرزا رضاخان	«	«	«	۱۲۹۷ تهران
ممتازالدوله ـ اسمعیل‌خان	«	«	«	۱۲۹۱ تبریز
مدحت‌الممالك ـ عباسقلیخان	«	«	«	
مشیرالدوله ـ میرزا حسنخان	«	«	«	تبریز
مخبرالسلطنه ـ مهدی قلیخان	«	«	«	۱۲۸۰ تهران
معاون‌الدوله ـ میرزا ابراهیم‌خان	«	«	«	۱۲۷۷ تهران
محمودخان [جم] میرزا	«	«	«	۱۲۹۹ تبریز
مساعدالسلطنه	«	«	«	
محمد رضا خان (منشی‌وزارت خارجه)	ـ	«	«	
معتمدالتجار ـ میرزا محسن	«	ـ	«	۱۲۹۳ تبریز
محمودخان ـ دکتر	«	ـ	«	۱۸۷۰ تهران
محمد حسین‌خان ـ میرزا	«	ـ	«	۱۸۸۶ «
مصباح‌السلطان ـ حاج میرزا عباس	«	ـ	«	۱۸۷۸ «
محمودخان ـ میرزا	«	ـ	«	۱۲۸۶ شیراز
معزالسلطنه ـ میرزا محمد علیخان	«	ـ	«	۱۸۷۲ تفرش
مرتضی قلیخان	«	ـ	«	۱۲۹۲
میرزاپانس ـ یوسف	«	«	ـ	۱۸۶۸
معاضدالسلطنه ـ میرزا ابوالحسن خان	«	ـ	ـ	
مستشارالدوله ـ میرزا صادقخان	«	ـ	ـ	
مخبرالدوله ـ حسینقلیخان	«	ـ	ـ	

اسامی	حکیم‌الملك واشراق	معتمدی	علی مشیری	تاریخ تولدکه فقط در لیست معتمدی بوده
مشاورالملك ـ میرزا محمودخان	«	–	–	
مستوفی‌الممالك ـ میرزاحسینخان	«	–	–	
معیرالممالك ـ دوستمحمدخان	«	–	–	برحمت ایزدی پیوست
مهبد سیاسی ـ میرزا عباسخان	«	–	–	
مساعدالسلطنه	«	–	–	
مظفرالملك ـ حاج میرزا محسن	«	–	–	جامه‌ای ساخت
مویدالسلطنه ـ حاج میرزا صادقخان	«	–	–	
ن :				
نواب ـ حسینقلیخان	«	«	«	۱۲۸۶ شیراز
« عباسقلیخان	–	«	«	۱۲۹۴
نجم‌آبادی ـ آقامرتضی	«	«	«	۱۲۹۳ تهران
ناظم‌العلوم ـ محمد تقیخان	«	«	«	۱۲۸۹ «
نصر ـ دکترولی‌اله خان	«	«	«	۱۲۹۳ کاشان
ناظم‌السلطنه ـ میرزا موسی‌خان (۱)	«	–	«	۱۲۸۷ تبریز
نصرالملك ـ حسنعلیخان پسر مخبرالدوله	«			
ناصرالملك ـ میرزا ابوالقاسم خان	«			
ندیم‌السلطان ـ میرزامحمد	«			
و :				
وثوق‌الدوله	«	«	«	۱۲۹۲ تهران
وصالی ـ میرزا یوسف‌خان			«	۱۸۸۵ شیراز
ه :				
هدایت ـ رضا قلیخان	«	«	«	۱۲۸۸ تهران
« دکترکریمخان	«	«	«	۱۸۸۲ «
« هدایت قلیخان	«	«	«	۱۲۸۹ «
ی :				
یمین‌الملك		–	«	۱۸۵۶ تهران

(۱) در لیست مشیری ناظم‌السلطنه است ولی لیست ادیب‌الممالك نظم‌السلطنه .

خارجیان عضو لژ بیداری ایران

در لژ بیداری ایران هفده نفر خارجی نیز وجود داشتند که اکثر تبعهٔ فرانسه بودند. از تطبیق چهار صورتی که ازاین لژ بدست آمده اسامی خارجیان عضو لژ بدین شرح استخراج میشود :

	حکیم‌الملک و اشراق	مشیری	معتمدی
لانس ویزبوز متولد ۱۸۷۱	»	»	»
پاتین جولین ۱۸۵۳ نیس	–	»	»
آلبرت‌جیمس ۱۸۷۵ لوند	»	»	»
کومبولت اندر ۱۸۸۵	–	»	»
آلفرد ادرین لوئیس ۱۸۸۶	–	»	»
بوتن	»	–	»
لکفر	»	»	»
ویه	»	»	»
کمبیو	»	»	–
دکتر مورل ـ پل هنری	»	»	»
سکن [1]	»	»	»
فراکسیان [2] دکتر الفرد (۱۸۸۳)	»	»	»
برنارد [3]	»	»	»
پرنی	»	»	»
دومرنینگ	»	»	»

۱ـ مسیو سکن منشی سفارت روسیه تزاری در ایران بوده که در لیست معتمدی بنام (سوگون) با ژلاتین چاپ شده .

۲ـ در لیست مشیری بنام (فراسنها) نوشته شده .

۳ـ ضامن ارتباطات لژ بیداری ایران با مرکز گراند اوریان پاریس و در واقع گردانندهٔ اصلی لژ بیداری ایران بود .

زملین　　　　　　　حکیم‌الملك و اشراق　　مشیری　معتمدی
دوبروگ　　　　　　　«　　　　　　«　　　　«

دو نامی که درآخر این صورت ذکر شده فقط در لیست معتمدی میباشد و چون بازلاتین است و واضح هم نوشته‌شده هم صحیح است وهم قابل اعتماد .

یك صورت جلسهٔ مخفی

بموجب قوانین جهانی فراماسونری بعد ازخاتمه جلسات‌رسمی محافل ماسونی صورت مجلسی تنظیم میشود . ونسخه‌ای ازآن بمراکزی که لژ تابع آن است ارسال میگردد . از لژ بیداری ایران یك صندوق اسناد و مدارك باقیمانده بود که متأسفانه «خانم سیاح» همسر «همایون سیاح» همهٔ آنها را آتش زد . همچنین ابراهیم حکیمی «حکیم‌الملك» تعدادی از این اسناد را که منعکس کنندهٔ عملیات و اقدامات لژ در ایام انقلاب مشروطیت‌ایران‌بود به دبیرخانهٔ «گرانداوریان»پاریس برگردانید و شخصاً آنرا تسلیم لژ نموده که قهراً به‌آنها دسترسی نیست . معهذا سی و نه سند دیگر در ایران باقی مانده‌که از بین‌آنها صورت جلسه یکی ازشب‌های‌تشکیل محفل‌که نمودار طرز کار لژ است عیناً نقل میشود .

صورت مذاکرات سه شنبه ششم محرم۱۳۲۸ مطابق ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰

صورت مذاکرات شب سه‌شنبه ۲۱ ذیحجه خوانده و پس از تصحیح قبول شد .

چهار نفر از ب.˙.ب.˙. دکتر امیرخان ناظم‌العلوم کاشف‌السلطنه عبداله میرزا عذر حضور خواسته بودند و هرکدام تقدیم خیریه فرستاده بودند . و چندین ورقه دستورالعمل و تغییرات فصول قوانین ماسونی که در مدت تعطیل ل .˙. ب .˙. ا .˙. از طرف شرق اعظم رسیده بود بجهت ب.˙. ب.˙. قرائت وتوضیح نمود . ازجمله مطالبی که برحسب این اختیارات جدید توضیح شد این بود برادرانی که عضو رسمی و مقرر کارخانه میشوند و منظماً در جلسات حاضر نمیشوند مجبور به پرداخت وجه اشتراك سالیانه نخواهند بود و نیز مکنون یکی از اوراق این بود که فران‌ماسونی هر چند اساساً در کلیه مسائل قانونی و سیاسی مملکت با اجتماعات صرف وقت مینماید ولی

بهیچوجه داخل مقاصد پولتیکی دستهٔ شخصی و اشخاص نمیتوانند و نباید بشود . و نیز مسئله عمده که بر حسب این اوراق طرف میشود مسئله ارتباط و بستگی ل .·. ب .·. ا .·. با شرق اعظم فرانسه است که بر حسب این اوراق تقسیمات این کارخانه داخل کدام یك ازآن تقسیمات میتواند بشود و مناسبات او باشرق اعظم بچه عنوان خواهد بود و مذاکره شد که در این خصوص توضیحات وکسب تکلیف از شرق اعظم فرانسه خواسته شود .

ب .·. ذکاء الملك برحسب دعوت و مخصوصاً تأکیدات هیأت مشاوره شرق‌اعظم را راجع به کتمان اسامی ب .·. ب .·. و مخفی داشتن اسرار ماسونی ازاشخاص‌نامحرم که بتدویر میخواهند بعضی از آن رموز را از اهل طریقت در یابند برای برادران ترجمه نمود .

اخطار دیگر راجع به‌رأی هیئت مشاورقوانین ماسونی‌این‌بودکه برحسب قانون استادها نیز میبایست پیش‌کمر به بندند ویکی از برادران اروپائی همین مسئله را مطرح نموده بود ولی چون عادت بر این جاری شده است که استادها حمایل ببندند حالا نیز نظر بهمان عبارت استعمال پیش کمربند را نمیتوان اجباری قرار داد بلکه استادها دراستعمال حمایل و پیش‌کمربند مختارند .

برحسب تخمین در تمام لژهای تابع شرق اعظم فرانسه در سنه ۱۹۰۹ سه هزار بیگانه معرفی شده واز این‌عده درهمین سال ۲۴۰۰ نفر قبول شده‌اند و از طرف‌دیگر بواسطه ندادن وجه‌اشتراك ۶۳۰ نفرخارج شده‌اند وملاحظه شرق‌اعظم در این‌خصوص این است‌که اگر از ابتدا در قبول اشخاص بیشتردقت شود اولا۲۴۰۰ نفراز ۳۰۰۰نفر میبایست قبول شود و ثانیاً ۶۳۰ نفر بواسطه‌ندادن وجه اشتراك خارج نمیشدند .

و نیز گراند اوریان اخطار کرده بود که کارخانجات ملتفت باشند و به بعضی توقعات کمك و اعانه که از طرف بعضی مسافران و دوره گردان مستقیماً بآنها میشود اعتبار نکنند .

ونیز ورقه دیگر شرق اعظم راجع به قتل‌فرد اسپانیولی‌که از ماسونهای‌صدیق

بودو در سال‌گذشته ازطرف حکومت اسپانیول بیرحمانه بقتل رسیده شرق اعظم اظهار افسوس و اندوه خود را بهمه برادران و ماسونهای دنیا اظهار نمود .

ورقه دیگری راجع به وضع قوانین جدید و تفسیرات بعضی فصول قوانین ماسونی بود که از طرف شرق اعظم برای کارخانجات مختلفه در خصوص آنها خواسته بود از آنجمله این مسئله است که برحسب ترتیب هرماسونی که ۱۵ سال عضو منظم کارخانه باشد یا اینکه ۲۵ سال در طریقه ماسونی ساعی و مجاهد بوده باشد میتواند عضو افتخاری آن کارخانه انتخاب شود یا نمیتواند . در این مورد مذاکرات شورقرار گردید برادران حسینقلیخان[1] ولاتس ویزیوز در این خصوص درجلسه‌آینده توضیحاتی نوشته ارائه دهند .

ونیز بموجب تاکید شرق‌اعظم مقرر شده،که برحسب ترتیب دریك جلسه و یك شب بیش از ۵ نفر بیگانه در کارخانه قبول نکنند وجلسات تجدید شود .

ورقه دیگر محتوی چند فقره تحقیق بودکه بعضی ازآنها راجع باروپ وخارج از وقت کارخانه ماست ولی‌یك مسئله آن‌که راجع بتحقیقات درخصوص عقایدواخلاق جمعی است از روی موازین علمی و عرفی‌اند نه مذهبی چون خیلی عمده و محل‌توجه است اظهار شدکه کارخانه ما نیز در این باب صرف همت نماید قرار شد ب .·. لاتس در این‌خصوص راپورتی نوشته و اظهار دارد تا برادران رأی خود را بدهند .

ب .·. ادیب‌السلطنه لایحه راجع به ماسونی حاضرکرده بود قرارشد در جلسه آینده قرائت شود و یادآوری نمود که از تکالیف ماسونی است . برای برادرانی که از میان میروند مخصوصاً وقتی که منشاء بروزات ماسونی شده باشند جلسه عزاداری مخصوصاً برای آنها به‌آئین ماسونی بعمل‌آید و ابتدا قرارشد برای ب .·. مرحوم‌آقا سید جمال در جلسه ۱۵ روز بعد نطقی و تذکره بعمل آید و نیز برای حاجی میرزا ابولقاسم‌آقا نیز همین رسم معمول شود که همه‌برادران باتفاق رأی دادند .

در خصوص فرر ب .·. آقا سید میرزا محمد صادق همین پیشنهاد را نمود ولی چون این اسم مخصوص اعضای هر کارخانه است ب .·. لاتس همینقدرمناسب دانست که

۱ــ حسینقلیخان نواب تبعهٔ انگلیس ووزیر خارجه و سفیر ایران در برلن .

ترجمه حالی از او در شب معهود ایراد شود و اینکار برای شب دیگرمعین شد وخود او انشاء آن نطق را قبول‌کرد . بجهت نطق راجع به‌آقا سیدجمال و حاجی میرزا آقا برحسب خواهش و .·. ب .·. حکیم‌الملك مأموزشد از ب .·. تقی‌زاده و آقا سیدنصراله خواهش کنند هرکدام نطقی برای یکی از آنها حاضرکنند . ب .·. عباسقلیخان یاد - آوری نمود که چون عده برادران کم است مناسب است بعضی اشخاص صحیح‌که لایق مقام هستند داخل‌شوند. دکترعلی‌خان که در پاریس داخل طریقه شده بودکاغذ توسط ب .·. حکیم‌الملك به و .·. نوشته خواهش کرده بود که عضو مقرر قبول شود . ب .·. دبیرالملك در خصوص آقا سید محمد رضا که سابق به ل .·. اظهار شده بود یادآوری نمود محول به‌تحقیق در جلسه بعد شد .

کیسهٔ اظهارات وکیسهٔ اعانه به‌برادران عرضه شد درکیسه اظهار یك رقعه‌بدست آمد ب .·. ادیب‌السلطنه ترفیع درجه رفاقت تمنا کرده‌بود . در کیسه خیریه چهارده قران وهشت شاهی جمع شده بودکه بامین خیریه تحویل گردید [1] .

معبد لژ تهران و تشریفات ودرجات از نخستین روزیکه «لژتهران» بنا به اجازهٔ مرکز «گراند لژ شرق اعظم» درتهران تشکیل شد ،بموجب‌آئین قدیمی‌ماسونها محل‌آن مخفی ماند و چون تاکنون کتاب و نشریه‌ای در این باره منتشر نشده در بارهٔ نخستین محل مرکز ماسونهاهیچگونه اطلاعی که مستند بسند و مدرك باشد در دست نیست ولی بطوریکه یك ماسون‌قدیمی به‌نویسنده‌گفت : «شاید اولین لژ در تهران در پارك شعاع‌السلطنه‌تشکیل شده‌است» . به‌موجب اظهار همین ماسون :« در زیر زمینهای پارك مزبور ، چند اطاق و راهروپیچ در پیچ مخصوص آزمایشهای اولیه‌بودکه با شله‌های قرمز و شمشیر وسلاحهای مختلف دست و پای مرده مزین شده بود .

در آخرین اطاق‌که به‌تالار وصل بود درروی یك میزیك اسکلت مرده باشمشیر

۱ــ یك نسخه از این سند در اختیار نویسنده است .

و قرآن باز بود و تازه وارد پس از ادای سوگند وارد تالار که بشکل معابد ماسونی بود ، میشد .

علاوه بر این دو محل بطوریکه ماسونها می‌گویند « یك محل دیگر که باید آنرا (محل رسمی لژ تهران) نامید نیز وجود داشت که بالا خانه‌ای در منتهی‌الیه خیابان لالەزار جنوبی بوده واکنون مغازه زنبور عسل در زیر آن واقع شده و بچهار راه مخبرالدوله متصل می شود » [1]

پس‌از اینکه لژ بیداری ایران بطور رسمی و با حضور نماینده گرانداوریان فرانسه تشکیل شد ، آنرا به‌محل جدیدی واقع درکوچه اجلال‌الدوله خیابان فعلی اکباتان‌منتقل‌کردند [2].

پس از استقرارمشروطیت وتوسعهٔ نفوذ لژ تهران محل لژ به‌خانقاه‌ظهیرالدوله (محلی که هم اکنون انجمن اخوت ساخته شده روبروی در بزرگ‌ساختمان بانك ملی در خیابان فردوسی) منتقل گردید .

روزیکه مجلس شورایملی بوسیله محمد علیشاه بتوپ بسته شد و خانقاه و خانه ظهیرالدوله هم بوسیله سربازان ویران گردید ، اسناد لژتهران مدتی درسفارت‌فرانسه در تهران بود وپس از خلع محمد علیشاه به‌محل دیگری کــه در خیابان قوام‌السلطنه کوچهٔ ارباب کیخسرو بود منتقل شد . این محل پس از وقایع شهریور به‌ملکیت‌رسمی فراماسونری تهران درآمد . [3]

درجات و مقامات و تشریفات

فراماسونهای ایران مطابق دستورات و قواعد بین‌المللی ، برای اعضای‌خود درجات و تشریفات و مقامات خاصی قائل شدندکه عیناً شبیه‌تشریفات‌معابد ولژهای ماسونی فرانسه درجهان‌بوذ .

ماسونهای ایران به رئیس خود « برادر ارجمند » می گفتند . رونویس کنندهٔ

۱ـ مجلهٔ یغما سال سیزدهم ص ۵۴۸

۲ـ نامهٔ دبیرکل گراند اوریان به‌نویسنده.

۳ـ مجلهٔ یغما ص۴۸ سال سیزدهم ص۵۴۸

رسالهٔ خطی آئین ماسونی در این باره چنین می‌نویسد :

« ... در سنه ۶۲۰ میلادی چون جماعات فراماسونیان اهتمام کامل در ترویج شرایع دین بجا آورده و مرکز اجتماعات خود را در معابد وکنایس قرار می‌دادند لهذا برادران ف ∴ [فراماسونی] رئیس انجمن خود را او ∴ (V ∴) خطاب‌کردند که بمعنی(محترم) باشد وما در ل ∴ ب ∴ ا ∴ این کلمه را به لفظ Arijamind (ارجمند) تفسیر کردیم . »[1]

سایر درجات ماسونی بر طبق اشارات و کلماتی که ادیب‌الممالك در منظومهٔ آئین فراماسونری بکار برده و همچنین در نظامنامه و آئین لژ بیداری ایران آمده به‌این شرح است :

۱ـ رئیس
۲ـ خطیب
۳ـ مهماندار
۴ـ امین
۵ـ ممیز
۶ـ معمار
۷ـ برادر کاخدار ماسونی
۸ـ دبیر
۹ـ مبصر
۱۰ـ نگهبان
۱۱ـ رفیق
۱۲ـ رفیق ستوده
۱۳ـ ناطق

علاوه بر این در نظامنامهٔ خصوصی لژ بیداری ایران اسامی دیگری به این شرح بکار برده شده:[2]

۱ـ برادران بیگانه
۲ـ ارجمند
۳ـ برادران
۴ـ یاران
۵ـ سالاران
۶ـ اعضاء افتخاری
۷ـ اعضاء رسمی

۱ـ رسالهٔ خطی ادیب‌الممالك ص۹۳.

۲ـ رجوع شود به نظامنامهٔ خصوصی همین فصل .

درترجمهٔ قانون اساسی‌گراند‌اوریان به‌فارسی درجات والقاب اداره‌کنندگان لژ ماسنی‌ایران راکه فروغی ، تقوی وبدرآ نرا ترجمه‌کرده‌اند ، به‌این شرح نامیده‌اند :

۱- برادرارجمند
۲- نگهبان اول ودوم
۳- خطیب
۴- نویسنده
۵- ممیز بزرگ
۶- خزانه دار
۷- امین خیریه
۸ - مهردار
۹- کتابدارو دفتردار
۱۰- رئیس اول ودوم تشریفات
۱۱- معمار
۱۲- ممیز دوم وسوم
۱۳- دربان
۱۴- خوانسالار
۱۵- بیرقدار

پنج نفراول‌که در اصطلاح ماسنی‌به (سالاران پنجگانه) معروف هستند بنام و عنوان خاص «چراغ دار» نامیده میشوند .

تشریفات داخلی

در داخل محفل ومعبد لژ بیداری ایران تشریفاتی وجود داشته که شبیه معابد ماسونی درجه دوم‌گراند اوریان درجهـان بوده است . اداره‌کنندگان این لژهفت ماسون بودندکـه همیشه سه نفرشان استاد بشمـار میرفتند ودرجات و مقامات‌کسانیکه‌کرسی لژرا اداره میکردند بدین شرح بود :

یك رئیس
دو مبصر
یك دبیر
یك ناطق
یك امین یا خزانه دار
یك نگهبان

در عـرف فراماسونی‌گـراند اوریان در شهرهائی‌که سه نفرماسون وجود داشته «محفل ساده» ویا «محفل عادی» تشکیل‌میشود . ولی درنقاطی‌که هفت ماسون و بیشتر

وجوددارند محفل‌درجه دوم تأسیس‌می‌گردد. در لژ بیداری هنگام ورود اعضـاء به لژ افراد جدید یا تازه واردین با این اشخاص روبرو میشدند :

نگهبان ـ رفیق‌ـاستاد.

اشارات وعلائمی‌که در لژ مذکوربکاربرده میشد :

(علامت رمزواشاره ـ لمس ـ حرکت دست‌ها) بود .

تزئینات داخلی لژ عبارت از :

گونیا ـ شاقول ـ پرگار. خط‌کش‌ـ دوگوی‌آتشین و ستونهائی‌که بر بـالای آنها علاماتی‌نصب بوده ومخصوصاً «چشم خدا» بود .[۱]

مرحومین ادیب‌الممالك فـراهانی وکاشف‌السلطنــه در اوراقی‌که از خود باقی گذارده‌اند واصل‌آنها دراختیار نویسنده است ، اعمال وافعـال و رمـوز و دستورات لژ بیداری ایران را بدین شرح بیان می‌کنند :

علامت و رمزمخصوصی‌که استاد بشاگردش یاد میدهد فقط باید بخود اوگفت و اگرکسی غیر از اوباشد ، ماسن حق ابراز رمز ندارد ، اگرچه سرش را ازدست بدهد. «لیك سرّ بکس ندهد» اگر بیگانه‌ئی اصراردرافشاء رمزکنددست راست را بشکل‌گونیا بزیرگلو می‌کنند . این علامت‌آن است‌که اگر سرم را بزنند ، اسرارم افشاء نمیکنم .

هنگامیکه یك بیگانه وارد لژماسونی شده و بعضویت قبـول میشـود او را در قبری تنها میگذارند . این عمل برای آن است‌که درآن مکان خلوت ماسون بـرنفس خویش غالب‌آید.ومثل یوسف ازچاه بیرون بیاید .

هریك از ماسونها وقتی بخواهند وارد معبد ماسونی بشوند باید هرگونه فلزی را ازخود دورکنند واولین بارنیمه عریان وارد لژمیشوند . بدین ترتیب‌که قسمتی از

---

۱ ـ فراماسونها درداخل یك مثلث یك چشم نقاشی میکنند وآنرا بدیوار معابد خود آویزان مینمایند . این چشم را «چشم خدا» مینامند . در بعضی از لژها بجای چشم حروف «G»که اول اسم خدا بزبان انگلیسی است نصب میکنند . این‌چشم اشاره باین‌است که‌معمار بزرگ همیشه ناظراعمال شماست .

سینه وشکم برهنه شده و پاچهٔ راست شلوارتا بالای زانوی‌کشیده شده و از زانو تاکف پا برهنه خواهد بود و کفش پای چپ نیز از پا بیرون میکشند . از فاصلهٔ در معبد تا محراب سه‌بار دق‌الباب می‌کنند . معنی این‌سه باردق‌الباب‌این است‌که :

اول ـ بخواه تا بتوبدهند .

دوم ـ بجوئید تا بیابید .

سوم ـ دربزنید تابازکنند، اگردرنکوبید ، در بروی تو می‌بندند.

این‌سه‌شعاراشاره به‌گفتهٔ‌پیغمبر(ص)است‌که‌میفرماید:

من طلب شیئی وجد، وجد ـ ومن قرع باباً ولج ، ولج .

(کسیکه چیزی‌را بجوید و بکوشدآنرا بیابد وکسیکه دری بکوبد و پا فشاری کندآنسربازخواهدشد).

گفت پیغمبرکه‌گرکوبی دری　　　عاقبت زان دربرون آید سری

ادیب‌الممالك درمنظومهٔ خود ، چندباراشاره بعدد ۳کرده و از(سه‌باردق‌الباب) و (سه سفر)و (سه مرحله)که یادآورسه شعاراصلی‌ماسونها «آزادی ـبرابری ـ برادری» است ابیاتی سروده است .

بطوریکه ازابیات او مستفاد میشود وهمچنین ازتعلیمات و سنّتهای متداول این فرقه پیداست عدد۳نزدآنان‌بسیارپرمعنی ومرموزاست و راه بجاهای دورو درازی‌دارد.

ادیب‌الممالك ریشهٔ این عدد را در همه ادیان و مذاهب و فرق عالم دانسته و حتی اساس خلقت را برین عدد میداند، منتهی عدد یك را مبنا می‌شماردکه همان «احد» و«ذات احدیت» باشد وباقی اعداد را تکرارآن میداند . بعد درملت‌هاومذاهب دنبال این عددکه بنظر او مبناست میگردد و می‌گوید : هندوان سه ادراك داشته‌اند «خلقت ـ حیات ـ هلاك» ومصریان در« مثلث منشور» شان سه‌صنم مظهرنور«هرمخیس‌ـ دع ـ توم» داشته‌اند وعیسویان به سه «اقنوم» معتقدند«آب ـ ابن‌ـروح‌القدس» او سپس اشاره بدین اسلام وشریعت ماکرده پایهٔ دادگری را با سه اصل «برابری ـ آزادی ـ برادری» تطبیق میکند. ادیب‌الممالك سه بنیاد اخلاقی و اساسی زرتشت نیز «گفتار ـ

کردار- پندار» نیك، اشاره‌ای به اصل فراماسونها دانسته است. اگر براه خطا نرفته باشیم باید گفت : آنچه راکه او در منظومه‌اش ذکر کرده، از استدلالات شعریست و مبنا وسند تاریخی وعلمی ندارد .

ادیب‌الممالك سپس داخل معبد فراماسونی لژ بیداری ایران را تشریح‌کرده میگوید داخل «معبد سلیمان» ، مانند درخت ایمان راست است ، داخل معبد ما نیز چنین است. ستون راست «یاگین» وستون چپ بنام «بوعز» است و درپای این ستونها ، سازنده معبد مزدکارگران را میداده ، درمعبد تهران نیز دو ستون است‌که حرف « Z » در پای ستونها نوشته شده و این حرف : رمز بوجود آوردن ، خلق‌کردن و مرکز کار است .

لژتهران طولش از مشرق به‌مغرب وعرض‌آن ازشمال به‌جنوب و در ورودی در مغرب‌کارگذاشته‌شده. ساختن معبد به‌این‌شکل اشاره به نفوذ درمشرق وغرب‌عالم‌است .

در معابد فراماسونری خطی از وسط معبد میگذرد و این خط تقلیدی از خط محورمعبد سلیمان‌است‌که با خط استوا برابر بوده . ودرداخل معبدها سه ستون است‌که علامت دانائی - توانائی وزیبائی است . این سه ستون مظهر آفتاب ، ماه و زهره است . سه ستون مزبور سه مظهر صنعت ایجاد عالم بوسیلهٔ « دانائی و فرزانگی» است‌که «توانائی»آنراکامل میکند .

تشریفات قبول ورود عضو جدید

فراماسونها برای پذیرفتن عضو جدید، از روز نخست مقررات شدیدی داشتند و همواره سعی می‌کردندکه در انتخاب اعضاء بیدار و مراقب باشند. پنج سال پس‌از تأسیس لژبیداری ایران در تهران مرکز فراماسونی پاریس این دستور را برای استاد اعظم لژ تهران فرستادکه او نیز ترجمه آنرا بوسیلهٔ ژلاتین تکثیر نموده و بین اعضاء توزیع‌کرد[۱] .

۱ـ این نشریه لژ بیداری ایران از مجموعه‌های اسناد حکیم‌الملك (حکیمی) و کاشف‌السلطنه نقل شده است

ب ∴ خ ∴ ع ∴

مجمع عمومی ۱۹۱۱ بنا بر تمنائی که از «لژاتیه فراترنل» شرق اورک شده بود و کنگره لژهای شرق آنرا تجدید کرده بود مطالب ذیل را داده است.

اولا هر سال یک مسئله که صرف ماسونیک باشد برای مطالعه به لژها فرستاده خواهد شد.

ثانیاً در سال ۱۹۱۱ - ۱۹۱۲ لژها مسئله ذیلرا مطرح خواهند کرد (پذیرفتن اعضاء در ماسونری) چنانکه میدانید شورای طریقت همواره این مسئله بسیار مهم را محل توجه قرارداده و در مراسلات متعدده دقت لژها را بآن جلب کرده است. بنظر ما بیفایده نیست که بعضی عبارات آن مراسلات را در اینجا عینا نقل کنیم. در ماه فوریه ۱۸۸۶ چنین نوشته شده است قصور در ادای تکلیف میدانیم اگر موکداً لژها و مخصوصاً ارجمندها را دعوت کنیم به اینکه فقرات قانون ما را باکمال مراقبت متابعت کرده در احتیاطهائی که راجع بقبول اعضای جدید در خانواده بزرگ ما باید بنمایند رعایت روح آن قانون را بکنند. وارد شدن یک آدم معیوب در یک کارخانه ممکن است باعث خرابی آن کارخانه و بدنامی فراماسونری در آن ناحیه بشود. پس حال و ماهیت هر داوطلب را باید تفتیش کرد و درباره او نه تنها در محل اقامت فعلی او بلکه در جائی که سابقاً اقامت داشته تحصیل اطلاع نمایند.

ب ∴ خ ∴ ع ∴

مجمع عمومی ۱۹۱۱ بنا بر تمنائی که از «لژاتیه فراترنل» شرق اورك شده بودو کنگره لژهای شرق آنرا تجدید کردهٔ بود مطالب ذیل را داده است .

اولا ـ هر سال يك مسئله که صرف ماسونیك باشد برای مطالعه به لژها فرستاده خواهد شد.

ثانیاً ـ درسال ۱۹۱۱ - ۱۹۱۲ لژها مسئله ذیلرا مطرح خواهند کرد (پذیرفتن اعضاء در ماسونری) چنانکه میدانید شورای طریقت همواره این مسئله بسیار مهم را محل توجه قرارداده ودرمراسلات متعدده دقت لژها را بآن جلب کرده است . بنظر ما بیفایده نیست که بعضی عبارات آن مراسلات را در اینجا عینا نقل کنیم .

در ماه فوریه ۱۸۸۶ چنین نوشته شده است :

قصور در ادای تکلیف میدانیم اگر موکداً لژها و مخصوصاً ارجمندها را دعوت کنیم به اینکه فقرات قانون ما را باکمال مراقبت متابعت کرده دراحتیاطهائی که راجع بقبول اعضای جدید درخانواده بزرگ ما باید بنمایند رعایت روح آن قانون رابکنند.

وارد شدن يك آدم معیوب دريك کارخانه ممکن است باعث خرابی آن کارخانه وبدنامی فراماسونری در آن ناحیه بشود . پس حال و ماهیت هرداوطلب را باید تفتیش کرد ودرباره اونه تنها درمحل اقامت فعلی او بلکه درجائی که سابقاً اقامت داشته ـ تحصیل اطلاع نمایند.در دویم آوریل ۱۸۸۹ نوشته شده است شرط اصلی دوام وحسن ترکیب حوزه

ما این است که در آزمایش و قبول بیگانگان یا برادرانی کـه مـی‌خواهند مجدداً در ماسونری داخل شوند دقت و سختگیری معقولی بکاررود . هرگاه عده ما قلیل باشد ضرری ندارد ما همقطاران خود را بایدباکمال دقت انتخاب‌کنیم هرسال مجبورمی‌شویم اسامی بسیاری از بـرادران خودمان را محو کنیم و این باعث تأسف و از طرفی نیز موجب اشتیاق ما بوقوع دقت در قبول بیگانگان است علاوه بر این توقف در درجه اول بقدر کفایت طولانی است برای اینکه قبل ازاعطای درجه دویم وسیم به ب.˙.ل.˙. آنان‌را بخوبی شناخته‌باشیم. پایه‌استادی‌نبایددادمگر به‌آنانکه صمیمی وبااستقامتند. باید مابین اعضای خود همبستگی حقیقی برقراربکنیم تااین همبستگی‌که نزدبرادرانی که‌با مشاغل ومناصب دولتی میرسندباعث شودکه درحال وعقیده اولیه خودباقی‌بمانند. دراول ژانویه ۱۸۹۴ نوشته شده است :

لازم است دائماً بخاطر داشته باشیم که تمام آداب و رسومی که قوانین ما درباره سیر بیگانگان اختیار نموده برای این مدت است که هرکس درباره داوطلبان تحصیل اطلاع بتواندکرد و ازروی بصیرت رأی بدهد بـواسطه مسامحه درآن تعلیمات مفیده غالباً اشخاص داخل طریقت ما شده‌اند که بهتر آن بود ازآن طریقت دور باشند وقایع ناگواری که گاهی اوقات در کارخانه‌های ما واقع میشود عموماً ناشی از این است که بعضی از اجزاء کارخانه‌ها بواسطه مسامحه در آنجا وارد شده‌اند .

نصایح و توصیه‌های فوق‌که شورای طریقت مقرر نموده است بیفایده نبوده زیرا که بسیاری ازماسونها را آگاه ساخته است برخطری‌که ممکن است‌متوجه‌کلیه طریقت ما بشود . بواسطه خطر لژها که کمیت اعضاء را برکیفیت آنها ترجیح دهند و مجمع ۱۹۱۱ ـ این حال را ازروی نگرانی نظرکرده است زیراکه اراء سابق‌الذکر را بدون مباحثه اختیار نموده است مسئله اکنون بدرستی طرح شده حالا باید دید راه عمران کدام است . بنظر ما مقصود مجمع عمومی این نبوده است که ما تعلیمات و دلالت‌های جدیده بشما توصیه بنمائیم برای اینکه اعضای تازه که اختیار می‌کند بی‌عیب باشد بلکه نیت مجمع این بوده است که هر لژی را چاره دردی را که ممکن است عارض

شده باشد تفتیش کند . اولاً مناسب است خال معرفین بیگانگان را در نظر آوریم و معلوم کنیم که قبل از قبول مسئولیت وارد کردن عضو جدیدی چه باید رعایت کند و چه وسایل اطمینانی باید دراین باب دردست باشد. آنگاه باید تکلیف ارجمند را در تعیین مفتشین معلوم کرد .

پس از آن مأموریتی را که مفتشین داده میشود باید تصریح نموده و دانست که برای تسهیل کارآنها چه نوع نصایح وسفارشات باید به آنها کرد و خوب است بخاطر داشته باشیم که مسئلهٔ تفتیش جزء این موضوع است که کمال مراقبت را در آن باب باید داشت زیراکه خوبی وبدی اعضای جدید بیشترراجع به حسن تفتیش است بالاخره باید مسئولیتی را که در تعیین قابلیت داوطلب و رأی قطعی بر قبول او بر عهده خود لژ وارد میشود بنظر در آورد .

دراشارات فوق مقصود این نیست که تحقیقات شما را محدود کنیم چه آنها فقط جزء مختصری است از مسئله مهمی که مطرح شده است برعکس کمال آرزو را داریم که شما دایره تحقیقات خود را بسط دهید و امیدواریم که تحقیقاتی که کارخانه‌ها خواهند کرد حاوی تعلیمات و اشارات م .:. خواهد بود که بعد تمام هیئت ما از آن منتفع خواهند شد[1] .

آزمایشات حضوری ولفظی

فراماسونها مطابق قواعد وآداب و رسومی که از قدیم آنراحفظ کرده‌اند برای پذیرفتن عضوجدید ، علاوه برامتحانات متعددی که در داخل لژ مینمایند چند جلسه سئوال و جواب نیز داشته و دارند که ازطرف رئیس «ارجمند» ازتازه وارد بعمل‌میآید .

در لژ بیداری ایران نیزامتحانات شفاهی انجام میگرفت و سئوال و جوابهائی که قبلا چاپ شده بود در اختیار تازه واردین می‌گذاردند . عین این سئوالات به‌نقل از نشریهٔ

---

۱ ــ یك نسخهٔ ژلاتینی ازین دستورالعمل لژ بیداری ایران که در بین اسناد مرحوم حکیم‌الملك بوده ، نزد نگارنده موجود است .

لژ بیداری ایران چنین‌است[1]:

س ـ اسباب ارتباط ما چه چیز است ؟

ج ـ فی ∴ است .

س ـ فی ∴ چیست ؟

ج ـ دایره اتفاق و اتحادی است که باعضای خود علم تفکر را می‌آموزد .

س ـ آیا شما م ∴ هستید ؟

ج ـ برادران من مرا به این صفت می‌شناسند .

س ـ چرا اینطور جواب میدهید ؟

ج ـ برای اینکه یکنفرشاگرد باید بخود اعتماد نکند و برحذر باشد ازاینکه قبل از تصدیق برادران بر صحت خود حکم کند .

س ـ م ∴ چگونه کسی است ؟

ج ـ کسی است‌که تولد شده باشد به‌آزادی و دارای اخلاق حمیده باشد و غنی و فقیر را مثل هم دوست بدارد و باید با تقوی باشد .

س ـ تولد به آزادی و داشتن اخلاق پسندیده چیست ؟

ج ـ ولادت به آزادی آن است که انسان از عالم رذائل رحلت کــرده بواسطهٔ هدایت در این مقام خود را دارای حیات با سعادت تازه مشاهده نماید .

برای اینکه دارای اخلاق پسندیده شود باید عدالت و حقیقت را بر همه چیز ترجیح دهد. وافعال خود را باین امور مطابقه نماید .

س ـ چرامیگوئیم م ∴ باید غنی‌وفقیرراکه‌با تقوی باشند بالسویه‌دوست‌بدارد؟

ج ـ برای اینکــه م ∴ حقیقی باید قدر و فضیلت انسانی را بواسطهٔ اخلاق او گرامی بدارد . سرمایهٔ عقلائی‌اکتسابی‌یا دولتهای ظاهری که بکار می‌بریم . اینها همه خارجی هستند . قسمت مشخص باین چیزی است که همیشه با اوست آن ثبات وعزمی

---

۱ ـ از اسناد خصوصی‌حسین یزدانیان محقق جوان، با تشکر فراوان مورد استفاده قرار گرفت .

است که در اینان بامور حسنه بکار میبرد .

س ـ تکلیفم .·. چیست ؟

ج ـ گریختن از رذائل و بکار بردن فضائل .

س ـ فضائل را چگونه بکار باید برد ؟

ج ـ در دائمی پرداختن بوظایف می .·.

س ـ این وظایف کدامند ؟

ج ـ کار بزرگ می .·. ساختمان جهان است سعادت آخری بنیاد ترقی عالمان است باتمامی قوای فاعله و عامه انسانی .

س ـ م .·. باید بچه کار سعی کند ؟

ج ـ باید خود را بطوری منشاء آثار و فواید عامه کند که نتایج اعمال خیریه او در همه جاو بهمه کس لاینقطع عاید شود .

س ـ شما درکجا بهمی .·. پذیرفته شده‌اید؟

ج ـ در یك ل .·. عادل کاملی.

س ـ ل .·. چگونه عادل و کامل میشود ؟

ج ـ (۳) او را نظم میدهد (۵)روشن مینماید (۷) عادل وکامل میکند .

س ـ این جواب را تفسیر کنید .

ج ـ آن (۳) عبارتست این سه‌ارکان با پنج چراغ ل .·. هستند ولی اقلا .... عضو جمع باشد تا بتوانند از روی اصول صحیحه واردین تازه را پذیرائی کنند . از این عضوها اقلا باید سه‌تن دارای رتبهٔ استادی باشد و دونفردارای رتبه رفاقت. سه‌نفر از ماسن که اقلا یکی از آنها استاد باشد یك ل .·. ساده را که فقط لایق مشورت باشد میتواند تشکیل کند . از اجتماع ۵نفر م .·. کـه سه نفرشان استاد و یکی رفیق باشد ل .·. عادل تشکیل میشود و این ل .·. میتواند قضاوت و محاکمه نماید بالاخره ل .·. کامل مرکب است از (۷) عضو چنانکه در فوق ذکر شد و فقط دارای حکومت مطلقه می .·. میشود .

س ـ چند وقت است که شما م .·. هستید ؟

ج ـ از وقتی که بروشنائی رسیدم .

س ـ این جواب چه معنی دارد ؟

ج ـ حقیقتاً م .·. نمیشویم مگردرآنوقتیکه‌عقلمان بحقایق می .·. گشوده شود.

س ـ بچه بشناسیم که شما م .·. هستید ؟

ج ـ بعلامات و اقوال و لمس.

این جواب را توجیه کنید ؟

ج ـ یك م.·. از رفتار منصفانه و صادقانه و بگفتار صدق و حق . و بالاخره با اقدامات برادرانه وهمدستی درتعهدات جانی ومالی (لژ)خودرا می‌شناساند .

س ـ علامت می .·. را نشان بدهید ؟

ج ـ علامت را نشان می‌دهد .

س ـ یعنی ترجیح می‌دهم که هم .·. بدهم .·. که بمن سپرده ...نکنم .

س ـ کلمه رمز دخول چیست ؟

ج ـ (دراینجا بایستی رمز تفهیم شده بکار برده شود)

س ـ مفهوم این کلمه چیست ؟

ج ـ موافق توراة این کلمه اسم اول کسی است که طریق حدادی و استعمال فلزات را منکشف نمود .

س ـ ل .·. چیست ؟

ج ـ ل .·. مقام است .

س ـ چرا م .·. ها کارهای خود را با اشاره وحروف انجام می‌دهند ؟

ج ـ به این دلیل که تمام قوای عامه‌که باید در خارج منشاء اثر و نتیجه شوند لازم است . که نخست در یکجا مجتمع و متراکم گردند تا پس از آن که بواسطهٔفشار و تراکم قوت و قدرت‌عاملیت آنها باعلی درجه رسید آنوقت بطوری به خارج‌منبسط

شوند که هیچ مانعی با آنها مقاومت نتواند کرد .

س.م .·. را بچه میتوان تشبیه کرد ؟

ج ـ بیك سلول اجسام آلی و خاصیة تخم مرغ که در اندرون خود موجودی را که منشاء قوه و اثر است پرورانده پس از رسیدن و تکمیل خارج میکند همین‌مغز کلمه انسانی به منزله کارخانه پوشیده مستوری است که بتوان آنرا مظهر [یك‌کلمه خوانده نشد] غیرمتناهی‌عالم امکان فرض‌کرد.

س ـ در صورتیکه افعال می .·. در محل غیر محفوظی جاری شوند آنرا بچه اصطلاح و عبارت بیان میکنند ؟

ج ـ از این اصطلاح و عبارت م .·. ها ملتفت میشوند که مقام ایشان محفوظ نیست و اقوال و افعال ایشان را ممکن است که اشخاص خارجی دریابند .

س ـ نگهبانان و قوائم .·. شماکدامند ؟

ج ـ سه قائمه فرزانگی .·. توانائی .·. زیبائی .·. که نماینده و مظهر آنها (پیر ـ وسزابل) و دو (سورویان) او میباشند .

س ـ چگونه این سه قائمه .·.ومجازی نگهبان‌ل .·. یا بعبارت آخری ریاست اعمال موحده م .·. ها را بعهده میگیرند ؟

ج ـ فرزانگی .·. پدیدار میکند توانائی .·. انجام می‌دهد ، زیبائی.·. آرامش می‌نماید .

س ـ چه شمارا واداشت که‌طریقهٔ می.·. را اختیار کنید ؟

ج ـ تیره‌گی ـ نادانی ـ طلب نور بینش وآگاهی .

س ـ بچه هیئت محرم‌اسرار می.·.شدید ؟

ج ـ بهیئتی‌که نه برهنه بودم و نه مستور ووضعی میان‌این دو حال داشته وهیچ نوع فلزی همراه من نبود .

س ـ نکته عرفان این‌هیئت را بیان‌کنید ؟

ج ـ علامت آن است که شخص محرم بایدوبا صداقت و اعتماد کامل در حضور

برادران طریقت خود حاضر شود .

ـ و آن می‌رساند فروتنی و خضوع را که درطلب حقیقت باید بخودهموار نماید.

ـ وآن علامت است از اینکه از نزدیکی عمل و مقام مقدس شخص محرم باید لازمه ادب واحترام رابجای آرد .

ـ و آن‌کنایه است از بی طمعی‌و تجرد واینکه باید در مقام نیل مراتب‌تکمیل بی مضایقه و دریغ خودرا ازدوایر مضره دور نماید .

س ـ بچه ترتیب اجازه دخول در ل.ٰ. حاصل‌گردید ؟

ج ـ ...دق‌الباب

س ـ دق‌الباب‌کنایه ازچیست؟

ج ـ بطلب تا بتو بدهند.ٰ.جستجوکن تا بیابی .ٰ.دربکوب تا برویت‌بازکنند.

س ـ بعد از دخول در معبد بشما چه روی داد ؟

ج ـ پس ازامتحانات متعدده باتصویب برادران م.ٰ.ل.ٰ.مرابه می.ٰ. پذیرفت .

س ـ این امتحانات کدامند وحکمت آنها چیست ؟

ج ـ این امتحانات مشتمل بر سه مسافرت وحکمت آنها هدایت من بودبه‌سپردن شاهراه اصلی درطلب‌حقیقت .

س ـ بعد ازتحمل آزمایش دیگر چه‌کردی ؟

ج ـ پیمان بستم وسوگند یاد کردم که‌اسرار طریقه را پنهان دارم در هر زمان و هرحال اطاعت احکام طریقه را باراستی ودوستی تمام بکار بندم .

س ـ در چه‌ساعت م.ٰ. ها کارهای خود را افتتاح می‌نمایند

ج ـ برحسب استفاده وکنایه به‌کارهای م .ٰ. ها در وقت شروع و در ساعت ... انجام می‌گیرد .

س ـ این ساعات استعاری و کنایتی یعنی چه ؟

ج ـ این ساعات کنایه از آن است که انسان قبل از آنکه وجودش منشاءاثری بشود نیمه زندگانی خود (یاروزگار خودرا) می‌پیماید ولی ازین بـه بعد تا آخر عمر

بدون درنگ بتدارك ایام گذشته بکوشند .

سعی نمایند که آسایش و رفاهیت وخوشبختی ابنای جنس بشررا باندازه‌ئی که مقدور است فراهم نماید .

س ـ این که م.·.ها قبل ازشروع بکار عادتاً وقت را میپرسند چه حکمت‌دارد ؟

ج ـ این سئوال کنایه این نکته است که برای آنکــه قوه وتوانائی شخص با فایده و نتیجه بمصرف برسد باید بموقع و بجا باشد و دسترسی و وصول بترقی ممکن نمی‌شود مگر بوقت و ساعات مناسب پس برای اقدام بهر کار خیلی اهمیت دارد که تشخیص موقع مناسب مساعد را غنیمت شمارد و بپرهیزد از اینکه دیرتر از موقع یا زودتر از موقع مناسب بهرکار دست به‌آن کار زند که هر دو صورت موجب پشیمانی‌و ناکامی خواهد بود .

س ـ سن شما چیست ؟

ج ـ ... سال .

س ـ این چه معنی دارد ؟

ج ـ چون از م .·. طریقه او را سئوال کنند در واقع طریقه او را پرسیده‌اند و چون شاگرد م.·. در ابتدای‌کار باید سعی کند که به سه (.·.) عدد اول واقف‌شودپس سنین عمر اول .·..·. سال است .

س ـ از تأمل وتفکر درخصوص‌کشف خواص عدد (.·.)چه نتیجه حاصل‌گردید؟

ج ـ معلوم کردم که هر چیزی (.·.) است زیرا که افراد جزوی هستند از یك کل که شامل .·.وخارج نیست .

س ـ از تأمل درحقیقت وکیفیت(.·.) چه‌استنباط کردید ؟

ج ـ معلوم‌کردم که بواسطهٔ حضورادراك انسان بلفظ(.·.) یعنی‌شیئی غیرمحدود را می‌خواهد محدودنماید . بنابراین(.·.)واقع می‌شود مابین دوغایت بی‌اصل موهوم‌که فقط الفاظ ظاهره مصنوعه صورت وجود به‌آن می‌دهند .

چنین استنباط‌می‌شود که‌مظهر یا تمثال مجسم هستی یاحقیقت درعالم‌خارج

عدد (.·.) است.

س ـ چرا ؟

ج ـ بعلت اینکه هستی یا (موجود) در نظر ثالث حد واسطه ایست که ریاست متصله بر آن صدق مینماید یادر آن جلوه‌گر می‌شوند .

سخنرانیهای داخلی لژ تهران

فراماسونها هنگامی که جلسات رسمی خود را تشکیل می‌دهند ، اغلب سخنرانیهائی در بارهٔ مسائل اجتماعی ،سیاسی و مرامی ایراد مینمایند . اکثر سخنرانیها سرّی است و پس‌از اینکه چاپ و توزیع می‌شود فقط به نظراعضاء لژمی‌رسد ، بهمین جهت تا کنون‌هیچ کس غیر از خود ماسونها نتوانستند از مضمون آنها مطلع شوند . از بین ۱۵ رساله‌ای که جمع‌آوری شده یکی از آنها راکه مسیولاتس‌ویزیوز رئیس مدرسهٔ الیسانس بفرانسه نوشته وپس‌از ترجمه‌در یکی‌از جلسات‌لژ بیداری ایران خوانده‌شده‌عیناً نقل‌می‌نمائیم. مقدمه این رساله که عین آن در اختیار نگارنده است و به خط ادیب‌الممالك‌می‌باشد چنین نوشته شده :

« این رساله را ب .·.[1] مسیولاتس و نیزیوز در ل .·.[2]ب.·.[3] ا.·.[4] بفرانسه انشاء کرده و ب .·. وثوق‌الدوله آن را به فارسی ترجمه کرده و ب .·. دبیرالملك بطبع ژلاتینی مطبوع نموده و به‌عموم ب.·. ن [برادران] متحد م.·. تقسیم‌شده به‌تاریخ سه شنبه هفتم شهر جمادی‌الاول ۱۳۲۹ مطابق ۱۶ جوزاء .

تعاون م فی .·.

ب ـ عزیز من

این قاعده در میان ما معمول شده است که در جلساتی که‌ب.·. ن تازه در معبد قبول میشوند یکی از اعضاء کا .·. نه [کابینه] برای ارشاد و تکمیل ملکات اخلاقی ب .·. ن نکتهٔ از نکات طریقه م .·. نی را شرح و تفسیر کند و دیگر برادران اصغاء نمایند .

---

۱ ـ ب : بمعنی برادر .

۲ و ۳ و ۴ ل .·. ب .·. ا .·. بمعنی لژ بیداری ایران .

دستخط ادیب‌الممالك در
مقدمه رساله لاتس‌ویزیوز

ماه گذشته ب.˙. خطیب این وظیفه‌را برعهده گرفت وشرحی درباب حکمت‌واهمیت سرپوشی که یکی ازنخستین تکالیف م.˙. نی است اظهار نمود .

اینك من نیزاجازه خواسته‌ام که این تکلیف را بنوبت خود اداءکنم و موضوع نطق‌خودرا (تعاون)که یك تکلیف دیگرم .˙. نی‌است قرارمیدهم . چه‌من این‌تکلیف راازتکالیف دیگرحتی ازسکوت وسرپوشی نیزواجب ترومهم‌تردانسته شرح‌وتفسیرآ نرا نیزدشوارتر تصورمیکنم . زیرا این‌تکلیف دارای صوروظهورات متعدده‌ایست‌که‌ایفای هریك ازآ نها درغایت صعوبت ومستلزم یك‌ملکه راسخه وتربیت عمیق‌م.˙.است . ودر حقیقت اثبات این معنی نفی یك مثل سائرکهنه ایست‌که آ ثار حقیقتاً حزن انگیزآن هنوز درجریان تمام ترقیات انفرادی واجتماعی عالم بشریت باقی وآن مثل این‌است : آدمی گرگ است برای‌آدمی .

اولا باید دانست تعاون چیست ؟ تعاون یك عقد واتحاد ورابطه اتصال محکمی است‌که مابسط وتعمیم آ نرا درتمام نوع بشرآرزومیکنیم . ولی من‌باب قصور استعداد ونواقص آداب واخلاق امروزه مجبوریم علی‌العجاله این معنی‌را بطور تمامیت وکمال

درمیان قسمت کوچکی از نوع بشر یعنی ف .׃. م .׃. ی بکار بریم .

تعاون یك پیمان معاضدت متقابل و حمایت متبادلی است که باید تمام ف .׃. م هارا درحیات دنیا مانند برگهای یك درخت و اعضاء یك عائله متحد نماید . بالاخره تعاون عبارت است ازمجموع خیالات وحیات و افعالی که بواسطه آنها مخاطبه بنام ب .׃. که میان ف .׃. م .׃. ها معمول است باید تعبیر نام یك اتصال حقیقی ومواحدت متین ومحکم باشد نه مجرد لقلقه لسان والفاظ خالی ازمغز ومقدار .

از فحوای کلمات سابقه اجمالا معلوم میشود که تعاون بعقیده من اساس و بنیان ف .׃. م .׃. ی .׃. است . اینك سعی میکنم که این دعوی رااثبات نمایم : اگردررساله تعلیمات شاگردی که همه شماها دردست داشته اید درهمین کتابچه مختصر که مندرجات آن برای ما باید خیلی گرانبها باشد تعریف ف .׃. م .׃. را بجوئیم این عبارت را خواهیم یافت .

ف .׃. م .׃. مردی است آزاد وصاحب ملکات نیك که عدالت وحقیقت را برهمه چیز ترجیح دهد و بواسطه وارستگی از اوهام پست عادی غنی وفقیر را یکسان دوست بدارد در صورتیکه متقی و پرهیزگار باشند اکنون بیندیشیم ب .׃. ن من که چرا این آزاد مردان وخداوندان سیرتهای پاك که سلطنت عدل واستیلای حق را گرامی ترین آمال خود میدانند ایجاد این اساس را که ما بعضویت آن افتخار میکنیم لازم شمرده و ضرورت چنین اتحادی را حس کرده اند ؟

آیا میتوان تصور کرد که این اشخاص جز مبادله نظریات فلسفی ورسائل خیالیه خود مقصودی نداشته فقط باین امید که تدریجاً افکار آنها درعالم خیال ووجود ذهنی کسب حالات وصور جدیده کند بضرورت چنین تأسیس قائل شده اند ؟ من چنین فرضی رامعتقد نیستم . چه این نکته را نباید از نظر دورکرد که مجامعی که کم یا بیش تعداد اعضا در آنها معتبر باشد برای تولد و تکوین خیالات فلسفی جایگاه مستعدی نیست . خیال درحالت وحدت وانقطاع بهتر شکننده میشود . بعلاوه این خودلافی گزاف وزیاده طلبی جسورانه ایست که پس از پنجاه قرن که انسان متفکر در عالم هست اکنون تنی

چند ازاشخاص هرقدر خودرا متبحر وصاحب نظر تصور کنند انجمن کنند تا برای معانی عدالت ومساوات اجتماعی وامثال آنها صورفکریه بدیع تر وزیباتر از آنچه تاکنون بنظر دانشمندان سلف رسیده است بیندیشند . یاجهد کند که فضیلت راستی را بر دروغ یا عدل را بر ظلام یا بردباری را بر تعصب یا درستی بر تقلب یا عفو ورحمت را برفظالت وقساوت . بالجمله مزیت تمام فضائل را بررذائل بهتر ازپیشینیان ثابت وروشن نمایند .

ب . ٫ ن ازاین بیانات من تصور نکنند که ف . ٫ م . ٫ مکلف بادای یك وظیفه ارشادی وتعلیمی نیست . بالعکس هرکس طالب وسایل حسن استعمال قوای انسانی وحسن تفهم تکالیف خود باشد این وسائل رادرمعابد ماخواهد یافت ، وازاین راه بکمالات نفسانی ومقامات اخلاقی خواهد رسید . در معابد ماست که هرانسان عاقل و معتدلی باطمانینه قلب وسکون خاطر به تناول حظ اوفی وسهم اتم ازخطوط روحانیه موفق تواند شد .

لکن باید درنظر داشت که کثیری ازاعاظم فلاسفه نام معانی ومدرکاتی راکه برای اصلاح افراد و اجتماعات بشری مفید دانسته‌اند در تضییقات خود باشارات فائقه تأیید وتخلیه کرده‌اندو تکلیف تعلیمی ما نسبت بامعانی ومدرکات[یك کلمه خوانده نشد] ازحدود شرح وتفسیر تجاوز نتواندکرد وبالجمله تکلیف ارشادی وتعلیمی ف . ٫ م . ٫ ی هرچند تکلیفی نغز ونجیب ومهم است ولی تکلیفی دیگر اجل والطف واسنی بر ف . ٫ م . ٫ وارد است که مزیت آن بر نخستین مزیت وجود خارجی بروجود ذهنی و مزیت فعل برقوه وعمل براندیشه وحقیقت برتوهم است .

این تکلیف ثانوی یك جبهه مبرم و کوشش دائمی است برای بنیان تدریجی دوره حقیقت وعدالت وبرادری که گرامی ترین وسیله آمال ماست و برای ظهور رسائل استکمالاتی که درجات نازله آنها نیز باحرارت و عشق بسیار آرزومیشود وبا خون دل وتعصب مفرط بدست‌میآید. بالجمله ب . ٫ فی . ٫ من هرچند در خود مقام ف . ٫ م . ٫ ی است که مدرسه عالیه تربیه وتعلیم اخلاقی باشد اما باید بیشتردرایجادکارگرهای جدی وفعال سعی کند نه آنکه اهم خودرا بتکثیرعدد دانشمندان صاحب نظر و خیال‌آفرین مقصودگرداند . چه اگر ف . ٫ م . ٫ ی مدارك مریدین خودرا فقط برحسب اصول

عالیه فلسفی و نکات حسنه اخلاقی تربیت کند واز آن حث و بعث حاصل خیزی که باید درعالم اجتماع بشری این جماعت‌را جد متهور وعمله عاشق فتح و نصرت افکار م.ْ.نی کند غافل نشیندکارخودرا ناقص واعرج گذاشته است .

اینجاست ب .ْ. ن عزیزمن که مابین افراد جمعیتی که می‌خواهد کار خود را بنظریات عادی از عمل ومفاهیم‌اعتباریه ذهنی محدودکند بلکه مدعی است که‌انسانیت را بجانب یك آتیهٔ نورانی که سعادت وکمال مطلوب اوست سوق‌کند ضرورت‌یك‌تعاون محکم و تزلزل ناپذیر با یك وضوح ساطع و لامعی احساس می‌شود .

پیش از این گفتیم که افکار بدیعه و اندیشه‌های باریك و بارور کمتر از مجامع کثیرالاعضاء حاصل‌می‌شود بلکه‌عادتاً ازشخص واحد یا جماعت قلیل به صدورمی‌رسد.

همانطورکه عقیدهٔمذکورعلی‌الظاهر دور از صحت‌نیست‌یك‌قانون قلیل‌الاستثنای دیگر بما می‌آموزد که آن ابداعات و تجددات سیاسی که باید بوجود خارجی‌وظهور نفس‌الامر مخصوص شوند جزاز جمعیتی کثیرالافـراد مرکب از اشخاص صاحب عزم و ثابت‌العقیده بطور مفید وثمربخش حاصل‌نتوانند شد .

شخص واحد انسانی‌که در دارالملك خیال قوی است ، در مقابل حقایق‌خارجی که مانع ترقیات بشری هستند ضعیف است وتقریباً بالضروره در عملیات اصلاحیه‌سیاسی که اقدامات یك جمعیت متحد ممکن است کسب موفقیت کند ، آدم تنها و بی‌کس به یأس ونومیدی محکوم است . همین است دلیل باریك و محکمی که ما را بسوی تعاون و تظاهر حقیقی مجبور می‌نماید .

جدوجهد متفرق و غیر منظم ما هرقدر ازروی خلوص نیت و صفای قلب باشد عقیم و بی‌حاصل‌می‌ماند ، همین‌که مانع‌نظم وترتیب ومتوجه بمقصد واحدشد غالباً بحسن نتیجه و کمال توفیق ومصارمه می‌کشد .

اکنون که علل وجودیه تعاون م.ْ.نی را بر حسب نظریات خود بسمع ب .ْ.ن رساندم سعی می‌کنم که کیفیت بکار بردن این مواحدت برادرانه و ترتیب اجرای‌این عهدنامه مظاهرت تامه راکه انتاج عملیات ما فقط متوقف برحسن اعمال آن است نیز

برای شما تجزیه کرده بسائط ضروریه آن‌را بشما ارائه کنم .

اولا بدانید این همکاری و همدستی دائم ، این توازن و تقابل در عملیات که سرچشمهٔ تمام‌قوای ماست باکمال سطوت واستیلا برماایجاب می‌کندکه ما ف.ْ.م.ْ.ها اتم واکمل‌انواع اعتماد وحسن‌ظن‌نسبت بیکدیگر اعمال‌کنیم .

مخصوصاً این نکته را نباید فراموش کنیم که کار ف.ْ.م.ْ.ی بالتمام در معابد انجام نمی‌گیرد چه معبد در حکم‌مدرسه است و زندگانی در حکم میدان وسیع‌عملیات که ف.ْ. م.ْ. باید رفتار خود را در این میدان با تعلیماتی که فرا گرفته است‌منطبق نماید . از همین نقطه نظراست که اگرکسی اعتقاد کند که تعلیمات یك سال .ْ. برای تمام مواقع زندگانی متضمن یك دستورالعمل صریح معینی است ، تصوری طفلانه‌کرده است .

بسا خیال‌ها و طرح‌ها ، بسا اصلاحات و ابداعات ف.ْ. م.ْ.ها خیال خودرادر خارج برای تقویت وتائید یامنع ونظاره باآنها صرف می‌کنند . در صورتی‌کههیچوقت حتی در اساس و کلیات‌آنها نیز صحبتی در کا.ْ. نه‌های م.ْ. نی‌بعمل‌نیامده است.

در امثال این احوال اگر صراط حق مشکوك یا مخفی باشد تکلیف یك ف.ْ. م.ْ. حقیقی چیست ؟ اگر ف.ْ.م.ْ. درچنین موقعی به‌تنهائی خط‌حرکت و رفتارخود را معین‌کرده به مشاورت‌واستقامت ازفکر وتجربه ب.ْ.ن مبادلات نکند خطراتی‌راکه کمتر قابل عفواست مرتکب شده . چه اینگونه‌رفتار ممکن است درصورت عدم اصابت یك حرکت استکمالی طبیعی‌ومفیدرا فاش وبی‌اثر کند یا یك نمو وخیم‌الاثری‌رانسریع و ترویج نماید و برفرض اصابت و یاعادت نیز ممکن است ب.ْ.نی را که معاونت و معاضدت آنها صاحب این رفتار یا مفیدوصمیمی توانستی بود در صراط باطل متوقف گذارد ، تا از روی غفلت و بی‌خبری‌آنها نیز برخلاف صلاح کارکنند وخیروفلاح در میانهٔ این کشمکش مغفول غیرمعمول بماند . بنابراین نخستین‌کلام جامعی که دارای معنی تعاون مطلوب باشد، چنین خواهد بود : موقع استفاده ازدانش وتجربه ب.ْ.ن‌را از دست‌ندادن و از [چند کلمه نوشته نشده] افکار ونظریات خود برآنها غفلت روا

نداشتن پس هروقت در بیرون معابدم . . . نی‌عده‌ازب . . ن برحسب اتفاق در شغل وعمل شریك شوند اولین وظیفهٔ آنها این است که هم در نتیجهٔ مطلوبه از عمل هم دراختیارخط حرکتی که مؤدی بمطلوب تواند شد از روی اعتماد صادق و کامل با یکدیگر متفق و هم رأی شوند .

همین مطلب است که چندین بار در این کا . . نه ازب . . ن وکیل خوددرخواست کرده‌ایم امابدبختانه باید اقرارکنیم که نتیجهٔ بزرگی براین درخواست ما مترتب نشده است . چرا؟زیراکه عنصراصلی این همکاری و همدستی خالصانه که حسن ظن واعتمادات در میان ب . . ن مفقود بوده است و بهمین دلیل هروقت مجامع شوریه داشته‌اند جز مبادلهٔ الفاظی خالی ازحقیقت حاصلی نداشته است در این مجامع به جای آنکه چنانکه رفتار ب . . باب مقتضی است بی‌شائبه خودداری و امساك خیالات وآمال وطرحهای خود را در دامن ریخته بیکدیگر تسلیم کنند . غالباً یك صمیمیت و سکوتی با احتیاط که باید دشمن در میان خود مراعات کند بکار برده‌اند .

پس قدم اول در شاهراه تعاون حسن‌ظن واعتماد است ومن هرچند گمان‌می‌کنم که ازاثبات‌فقدان این خاصیت درمیان ب . . ن کسی رامتعجب نکرده باشم . یقین‌راسخ دارم که این نقیصه قابل اصلاح و علاج است چه موافق یك‌قانون طبیعی که در علم‌نفس و قوای نفسانیه مقرر ومسطوراست حسن ظن و اعتماد خودمولد حسن ظن و اعتماداست چنانکه ترقی با اسائه ظن و مذاجات نیز موجب شیوع و سریان همین صفات است . آنان که درمیان شما سخنان مرا بعلائم صحت مقرون دیده‌اند اگرعادت کنندهروقت در حالات‌زندگانی اجتماعی‌وجدان ف . . م . . نی آنها دچار دغدغه و تردیدمی‌شود.

ب . . نی‌راکه درآنها صلاحیت اضائه وارشاد می‌بینند بازهستهٔ شبهات خودرا برآنها عرضه دارند و دلائلی که موجب حیرت وتذبذب آنهاست بازگفته باوساوسی که آنهارا دراحدی‌الطریقین‌متوقف‌دارد اظهار نمایند وبالجمله ازآنها یك‌کنکاش برادرانه مسئلت کنند بروجه تعیین مزد این زحمت را بازخواهند یافت و این ترتیب حسن‌ظن مطلق و اعتماد تام را که‌برای‌افاضه یك صورت وجدانی‌جمعی برکا . . نه‌وسیلهٔ‌واحده

است به‌تدریج محقق تواند نمود .

بنابراین زنهار ، ای برادران از اجتماعات مخفی و مستور از یکدیگر و مکیدت به سیاه دلی نسبت بهم حتی از احتیاط و مبالغه در تحفظ و امساك کلام که این جمله موجب سلب اعتماد متقابل ب.ن از یکدیگر می‌شود .

بدانید ب.ن که سلامت و نجات از این راه بیرون نیست و تعیین کنید که اگر یکی از ماها در حالت حاضر فریفته و منخدع شده یا گرفتار رنج و عذاب باشد آن فریفتگی و رنج و زحمت در آن واحد به جملگی ماها فرداً وجمعاً عاید ومتوجه شده است .

پس، درست شد که اعمال حسن ظن از لوازم اعمال تعاون است بلکه انفکاك این دو عملا و تصوراً از یکدیگر ممکن نیست ، لکن باید بدانیم که برای تحقق تعاون حسن ظن تنها نیز کافی نیست چه هیچکس از شخص مترددو متزلزلی که از یمین و یسار خود استشاره کرده علی‌الظاهر با هرعقیده متمایل شده اما چون قدر و قیمت سخنهای عاقلانه را که لفظاً تصدیق می‌کند برحسب حقیقت مستشعر نیست شاید بالآخره پس از استشاره از این و آن برای شخص خودکار می‌کنندغائب‌تر وخاسرتر نیست .

هنوز برای آنکه یك‌گروه آدمی بتوانند حقیقةً براصول تعاون‌کار کنند، آزاد است که علاوه بر حسن ظن واعتماد متقابل یك دستورالعمل عمومی و یك نظام هیئتی را دارا باشند . من نمی‌خواهم اکنون در باب نظام هیئت م.. فی شرح و بسط زیاد بدهم همینقدر گفتن کافی است که بعقیدهٔ من آن دستور انتظامی که فراگرفتن آن‌در غایت دشواری است و احکام آن دور از قطعیت است و سهو و غفلت در مراعات آن بسیار واقع می‌شود دستور و نظامی است که باید اشخاص کثیرالعدد را تابع خویش کند.

من تصور می‌کنم یکی از علل واسباب عظیم عملیات ماکه نظیر آن‌را دراسترضای کامل مشروطیت ایران نیز مشاهده می‌کنیم عدم‌غایت و توجهی است که نسبت به‌تصمیم اکثریت که روح و اساس جمله نظامات اجتماعی و عنصر اصلی حکومت مشروطه‌است مرعی می‌داریم .

مملکت ایران که در طول قرون متکاثره درتحت فشاراصول استبداد وارده مطلقهٔ شخص واحد اسیر بوده است عجب نیست اگر از فرط عطش والتهابی کـه برای آزادی اظهار می‌کند و نظر به‌عکس‌العملی که نتیجهٔ تضییقات سابقه است متوقع امری شده باشدکه‌هیچ‌قومی درتحت‌هیچ قاعده‌ای بدان نائل نتوانندشد. وآن‌ادارهٔامورملکی است به توسط مجموع اهالی اجتماعاً و به توسط هریك از آنها انفراداً .

اختیاراتی که درحکومتهای ملی به افکار عمومی تفویض ودر پارلمان متمرکز می‌شود ، مقوم‌ومشخص این‌حکومت هاست پس اگر کسی این اختیارات‌را ازاختیاراتی که ملوك و سلاطین درحکومتهای استبدادی غصب می‌کننداولی باطاعت و انقیاد ندانند یك خطای خطرناك بلکه یك خیانت عظیم نسبت به وطن ارتکاب کـرده است . چه نتیجه این خیال که بدبختانه در بعضی اشخاص طبیعی است جز به هرج و مرج و نفی مطلق حکومات یعنی به یك ترتیب یا بی‌ترتیبی که مستلزم تفویض اختیارات به‌عموم افراد یعنی سلب اختیارات ازتمام افراد باشد مؤدی نتواند شد .

این مسئله نیز واضح ومسلم است که‌اطاعت تام نسبت باکثریت برای تمام‌اهالی مملکت ثمره یك تربیت و تعلیم سیاسی طولانی است . هنوز فرانسه‌ها به طور کمال‌این قاعده را رعایت نمی‌کنند و در میان اقوام‌اروپ فقط انگلیسها به کمال ، اهمیت این قاعده اعتراف دارند .

اما من آرزو می‌کنم‌که در نزد جمعیت کوچك برای استکمال اخلاق و تحصیل شرافت وسعادت‌حقیقهٔ دراین خانه جمع‌می‌شوند این اصل که حقیقت و روح‌حکومت عالیه بیشتر مقبول‌ومحترم باشد . یعنی‌وقتی که ف.ٔ.م.ٔ.: های‌یك ك.ٔ. نه‌به‌اکثریت قطع و تصمیمی کردند به جای‌آنکه همهٔ آن را مانند یك وظیفهٔ مشاقه و تکلیف‌معتبر تلقی کرده دائم در فکر آن باشند که معافیت خود را ازآن اختلاس نمایند ، جملگی آن قطع و تصمیم را چون یك فریضهٔ مقدسه و شغل محبوب استقبال نمایند ، چه این اراده ایست که بی شائبه اکراه و اجباراً از اکثریت جمعیتی صالح که هریك بر حسب وجدان خود رأی داده‌اند صادر شده و بنا براین مغایرت آن با صحت و اصابت بیشتر

تواند بود .

قبل‌ازآنکه در مسئلهٔ تعاون که بدون آن اساس ف . ‍. م . ‍. ی‌ها ممکن‌نیست (به همین دلیل باید از صمیم قلب‌متوجه آن باشیم) نتیجه‌بگیریم‌لازم است یك‌وجه دیگر از این تکلیف اساسی راکه شاید در بادی نظر به اوج اولی‌متناقص به‌نظربیاید و با هم‌دستی تام در امور مشترك که‌تا کنون از آن سخن رانده‌ایم منافی فرض شودنیز به سمع ب . ‍. ن برسانم .

نام این وجه تعاون که ازانضمام دو کلمه متباعد آن مفهوم به یکدیگر حاصل می‌شود (تعاون انفرادی) است و برای اینکه خوب مفهوم می‌شود از این کلمه مبهمه چه قسم تکالیفی در نظر داریم . اندك توضیحی لازم است :

درالتزام نامه م . ‍. نی‌که تمام ماها در موقع وصول بروشنائی امضا کرده‌ایم و مطالعهٔ دقیق‌آن تمام تکالیفی‌راکه برما وارد است بطورصریح ایضاح مینماید این دو جمله مندرج است :

یکی‌آنکه «من وعده‌میدهم‌که باغیرت وثبات ونظم درکار ف . ‍. م . ‍. بکوشم»

دیگرآنکه « من وعده میدهم دوست داشته باشم برادران خود را وباآنها بتمام قوه خودمعاضدت‌کنم ودرهرموقع‌قانون بزرگ تعاون انسانی‌راکه مسلك اخلاقی ف . ‍. م . ‍. ی است بکار برم.»

نخستین این‌دوجمله‌که تکلیف فاعلیت وعاملیت م . ‍. نی‌را اعلام میکند.مشکل اول تعاون‌راکه تاکنون ازآن بحث میکردیم و میتوانیم آنرا تعاون اجتماعی بنامیم متضمن است، ومن در اثبات این معنی‌که فعلیت م . ‍. نی جز با رعایت اعتماد و نظم و ترتیب‌که همکاری وهمدستی نتیجه‌آن است عملا وتصوراً ازقوه بفعل نمیآید بقدرکافی سخن راندم .

جمله ثانی‌که‌بیشترمربوط است بتعاونی‌که فعلاازآن سخن میگوئیم معنی‌آن‌را بصورت‌دیگردرنظرما جلوه می‌دهد: دراین‌جمله می‌بینم‌بدون اینکه بتکلیف‌اجتماعی ف . ‍. م . ‍. ی اشارتی شده باشد بما امرشده وبطورصریح وعده داده‌ایم‌که یك‌دیگررا

دوست بداریم وبا تمام قوه خود با هم معاضدت ومساعدت کنیم . اکنون باید دیدکه کدام است آن مساعدت دائم وجدی که هر ف.·. م .·. به ب.·.ن خود مدیون است وحق دارد بنوبت خود ازآنها متوقع باشد؟ آیا مراد همین دستگیری اولی وفطری انسانی است که روابط نوعیت رعایت آن را بدرماندگان و مصیبت زدگان الزام میکند یا همان اعانتی است که غنی به فقیر مدیون است زیرا که روح انسانی اواز مشاهده فقر و فاقه متألم میشود یاهمان احسان اقویا بضعفاست که ضعف وبیچارگی آنها آنرا جلب میکند؟

البته هرگاه یك م.·. ند ر مقابل م .·. دیگر با این قانون بزرگ انسانی که دستگیری ضعفا وکشف هموم درماندگان را برما واجب میکند مخالفت نماید از رتبه ومقام خود منحط وتنزل میشود .

اما سخن اینجاست که تکلیف ف.·. م.·. باینقدرمحدود نیست وچون خودرا باین مقدارقانع کند بیشتر ازیکی ازصور تعاون راکه رأفت ورحمت م.·. نی و بعقیده من نازل ترین مراتب تعاون است بکارنبرده . تعاون متضمن مقدمه رأفت ورحمت هست ولی عموم واستیجاب آن چند بیشتراست چراکه فقط بدین حدتوقف نیست که اغنیا را بمعاونت فقرا ومقتدرین را بحمایت عجزه یا اقویا را با رفاه ضعفا تحریض کند ، بلکه کمك ها و همدستی مادی ومعنوی راکه ممکن است درحالات مختلفه زندگانی توانگران ازتوانگران واقویا ومتنفذین ازامثال خود متوقع باشد نیز مانند یك تکلیف اساسی واجب میکند . من مدعی هستم که اجرای این شرط جدید عهدنامه از بکار بردن رحم و رأفت خیلی دشوارتراست زیرا درحالتی که رحم و رأفت ونتیجه دقت است که یکی ازحسیّات طبیعی انسانی است مساعدت شخص با عدیل خود ممکن الحصول نیست جز بنیروی فتح ونصرت قوه عاقله انسانی برخصلت حسدکه هرچند اقراراواعتراف بدان دشواراست ولی بدبختانه شیوع آن ازدیگر خصایل معتبرتراست ، باید بخود بگوید :که هرچه مقدار اعتبارات اجتماعی یکی ازب.·. ن را زیادکند برنفوذ هیئت ما میافزاید وشخصیت وعظمت هیئت ما را ترقی میدهد چراکه تمام ف .·. م.·. ها درزندگانی معاهدین مدافعین وحمایت یکدیگر هستند .

من دراین‌موضوع این شرح و تفسیرها را بپایان میرسانم وامیدوارم با ثبات این دعوی موفق شده باشم‌که میان تمام وظایف م .˙. نی تعاون وظیفه‌ایست‌که هم شرح وهم تفسیر وهم اعمال واجرای آن دشوار تر ازسایر تکالیف است وهم اهمیت مقامش بالاتر از آنهاست بلکه‌وظایف دیگررا بنحووحدت وبساطت‌داراست چه از آنجاکه مستلزم‌معنی اعتماد وحسن‌ظن است متضمن‌سرپوشی‌تام نیزهست‌ونظر به تضمین معنی‌همدستی مستتبع یك نظام محکم ولازم‌الرعایه است‌که باید دستوررفتار ف .˙. م .˙. ها باشد ونظر باتحاد محکمی‌که درروابط اشخاص‌بما وصیت میکند مستدعی‌وفای‌کامل بقول وعده ومترجم اتم معانی‌عشق و برادری است.

پس ای ب .˙. ن عزیزمن بهترین مقطع‌کلام من این‌تواندبودکه بازازاین‌وضعیت خودرااعاده واین‌التماس‌را تکرارکنم‌که‌هرچندقانون‌تعاون ازنظرهای‌ماصعب‌التناول و مستلزم مشاق نفسانی بسیاراست ولی جهدکنیم تا اقصی‌درجه امکان مطیع آن باشیم و اگروجدان ماها به‌صمیمت‌حکم میکندکه فقدان سرپوشی ، سوءظن، بی‌نظامی ، بد - گمانی وسیاه دلی ما نسبت بیکدیکرو بالجمله نفاق و شقاقهای داخلی ما قابل علاج نیستند ، پس بیائید دراین معبد را برخود بسته واین مقام قدس‌را بنفاق واختلاف‌خود آلوده وناپاك نکنیم ونام زیبای ف .˙. م .˙. راکه‌لایق نیستیم زودترازخود خلع‌کنیم‌بهتر است .آری ب .˙. ن من‌اگرکسی‌ازترقیات دیگران‌که دردرجات مادون وی‌واقع‌میشود احساس نفرت نکند چقدرمعدود ونادرالوجود هستند دلهای صاف وپاکی‌که از ترقی امثال ومهتران خود نیزاحساس یك نوع‌آزردگی رشك‌آمیز ننمایند .

بهمین‌جهت است‌که رحم ورأفت ازتعاون حقیقی شایعتروفراوان‌تراست و بهمین نظر یکی‌ازبزرگترین‌صورتعلیمات م .˙. نی‌این‌است‌که شخص مستخلق شود باینکه‌حس پست رقابت‌راکه‌غالباً حسیات ما حتی‌نسبت به ب .˙. ن نیزناشی ازاین‌حس‌است‌درخود اخماد واطفاءکند وخود را مجبورکندکه برهرتقدیرب .˙. ن خود را از صمیم قلب از حملات دشمنان مدافعه وحمایت نماید . اما نباید تصورکردکه بکاربردن این نحو از تعاون که من عمداً پرده ازروی اشکالات‌آن برداشتم مستلزم ترك‌کردن خودی خود و

تشخصات آن انسانی است چه لازم نیست بر اینکه کسی یك ف.∴ م.∴ صالح بشود یك وجود مقدس معصوم اززلات انسانی با یك روح مجرد ازعلائق عنصری باشد . فقط لازم است چنین شخص انسان باشد ولی انسان عاقل خیرخواه چه اگر تعاون م.∴ نی یك اتحادی است که عمل بشرایط آن خالی ازصعوبت نیست ولی براساس انصاف نهاده شده وچون رعایت تقابل وتکافودرآن ملحوظ است صعوبت واشکال آن نیزقابل تحمل است وبرای ما این مرارت که شخص بالطبع ازقدرت وافتخار و اعتباری که بدیگران نصیب واز وی منع شده است احساس میکند یك ف.∴ م دیگری که از وی[1] ...



۱ ــ نسخه‌ای که دراختیار نویسنده است وخان ملك‌ساسانی چندی آنرا به‌امانت گرفته و ازآن رونوشتی برداشته ، ناقص است که عیناً نقل شد . جالب اینکه نسخهٔ دیگری ازین ترجمه نطق وبزیوزکه دراختیاریکی ازفراماسونهای قدیمی است ازصفحه پانزده به‌بعدآن قطع شده وشاید حاوی مطالبی بوده که بعداً انتشارآن ممنوع گردیده است .



پشت جلد نخستین ترجمه قانون اساسی
لژ بیداری ایران که به عضو شماره ۳۲
داده شد.



ذکاءالملک فروغی - حاج سید نصراله تقوی - دبیرالملک بدر
مترجمین دومین قانون اساسی لژ بیداری ایران

قانون اساسی فراماسونری



این تصویر که در موزه فراماسونری بزرگ لندن (در انگلستان) وجود دارد ، صفحه اول و باصطلاح صفحه مفتاح کتاب قانون اساسی فراماسونری انگلستان است ، که اولین قانون اساسی جهان می‌باشد .

قانون اساسی فراماسونری

درسال۱۷۲۳ (۱۱۳۶ هـ) دکتر «ژ. اندرسن» با کمك «تئوفیل دزاگولیه» قانون اساسی فراماسونری را نوشت و منتشرکرد. این قانون اساسی‌که درهرصفحهٔ آن طرزفکر «دزاگولیه» دیده میشود، پس ازانتشار، غوغائی ازطرف مجامع مذهبی‌علیه خود بپاکرد. رؤساء مذهبی انگلستان اشارات دکتراندرسن را به «دینی‌که همه مردم برآن اتفاق داشته باشند. برای بدورافکندن مسیحیت تلقی‌کردند وهدف اصلی‌فراماسونری را نابود ساختن‌تعلیمات‌دینی‌دانستند.»

دکتراندرسن‌درقانون اساسی‌خود مینویسد: «بنّای‌آزاد بحکم‌صنعتی‌که‌داراست، ملزم باین‌است‌که پیروقانون اخلاق باشد وهرگاه توانست‌که حقاً این فن را تفهیم کند هیچگاه ملحدی احمق یا فاسقی زندیق نخواهد شد[۱]...»

اودرباره قدرت فراماسنی وعقاید بنّایان اولیه مینویسد:

«... بنّایان درروزگارباستان، دین‌وکیش این‌کشور وملت را هرچه که بود، گردن مینهادند ولی اکنون نیك‌بختی‌را دراین یافتندکه دین وکیشی را گردن نهندکه تمام مردم برآن اتفاق داشته باشند وآراء وعقاید خاص خود راکنارنهاده ترك‌گویند. یعنی اینکه مرد باید با فضیلت و حاذق و دارای عفت و شرف باشد و از این‌رو «بنّا» مهد اتحادگردیده است وشاهراهی‌است برای نشرصداقت ودرستی خالصانه بین‌مردم.»

این‌کتاب‌که باموافقت استاداعظم‌گراندلژ«دوك دووارتون»تدوین‌شده بود جنبهٔ رسمی داشت. قانون اساسی مزبور بعدها رشتهٔارتباطی شدکه تمام محافل‌ماسنی جهان وتمام فراماسونهارا بیکدیگرو به‌محفل‌خودشان‌مرتبط میساخت. هرعضوجدید مجامع فراماسنی موظف‌است‌این‌قانون را مطالعه‌کند وهنگام انجام‌تشریفات اولیه«شاگرد»ی آنرا بخواند.

بطوریکه فای نویسندهٔ فرانسوی مینویسد: «طرز تحریر این‌کتاب باندازه‌ای با موضوع‌آن وبا ذوق‌آنروزگارسازگار بودکه تشکیلات واتحادیه‌های رقیب‌فراماسونی

۱ـ صفحهٔ ۱۱۳ تاریخ جمعیتهای سری وجنبشهای تخریبی.

بدون ملاحظه آنرا تقلید و ازآن استنساخ میکردند[1]...»

درطی قرن هیجدهم محفل‌های بیشمار وفراماسونریهای مختلف پیدا شد. همهٔ لژها قانون اساسی‌فراماسونری‌را ترجمه‌کرده ویا عین‌آنرا چاپ‌می نمودند، و در اختیار ماسنها می‌گذاشتند.

قانون اساسی فراماسونها بدین ترتیب در ۱۷۴۵ م (۱۱۵۷هـ) به‌فرانسه در ۱۷۴۱ (۱۱۵۳ هـ) به‌آلمانی در۱۷۳۰ (۱۱۴۲هـ) درایرلندودر۱۷۳۴(۱۱۴۶هـ) توسط بنیامین فرانکلین درامریکا تجدید چاپ‌گردید وپس ازآن لاینقطع ترجمه و پی در پی چاپ شد. بطوریکه هم‌اکنون به‌بیش‌از۸۳ زبان متداول در جهان ترجمه شده و در دسترس اعضاء لژهاست.

این کتاب مشتمل بریك قسمت تاریخی و بیان منظم تکالیف ماسونی میباشد. قسمت دوم با آنکه زیاد تحت مطالعه واقع نشده ولی از آن صحبت زیاد بمیان آمده است.

اما قسمت اول آن خواندنی و جالب است زیرا مقدمه آن‌چنین شروع میشود:

«آدم جداعلای‌ما مانند پروردگار «معماربزرگ عالم» علوم عقلی‌را میدانسته و مخصوصاً علم هندسه‌نقش‌سینهٔ وی‌بوده‌است. زیرا پس‌از«گناه‌آدم» اصول این‌علم‌درقلوب اخلاف وی دیده میشود.

بطوری که با مرور زمان به کمك قوانین نسبت ها که در میکانیك ملاحظه می‌گردد یك سلسله‌مباحث علمی به دست آمد و علماء به وسیلهٔ فنون مکانیکی اصول هندسه را در یك دستگاه منظم جا دادند و بالاخره علم شریفی که بدین نهج به وجود آمد مایهٔ تمام هنرها گردید‌و مخصوصاً هنر بنّائی ومعماری ازآن متفرع شد.

قواعد مخصوصی که برای اعمال این هنر و توسعهٔ آن به کار می‌رود زائیده‌علم هندسه است. این علم از آدم ابوالبشربه پسرانش مخصوصاً به «قابیل و شیست»رسید. شیست پسر سوم آدم (پس از قابیل و هابیل) شهر خنوج را به‌اسم پسرش بناکرد.

۱ـ فراموشخانه وانقلابهای قرن هیجدهم ص۱۱۶

ظاهراً هایدن فرصت تکمیل معلومات را نیافت و سوابق (بنّائی) وی درخشان نبود . در صورتی کـه قابیل یك شهر ساخت و بنّا (ماسون)ی عالیمقداری بود . سپس پیامبران و ملت اسرائیل و شاه آنان سلیمان نبی معماری (ماسونی)را توسعه‌دادند..[۱]»

دکتر اندرسن در قانون اساسی که برای مجامع فراماسونی نوشته ، بر خلاف معماران حرفه‌ای برای تشریح مسئلهٔ «خدا» و «دین» روش خاصی به‌کار برده است .

در مجامع بنّایان و ماسونهای حرفه‌ای توجه مخصوصی به ادیان و مذاهب‌شده وحتی اذکارو اورادی به نام « تثلیث » واولیاءبهشتی داشتند . در حالیکه‌درفراماسنی از ۱۷۱۷ (۱۱۲۹هـ) به‌بعد ادعیه‌ای خطاب به اولیاءاله نیست.

در قانون‌اساسی فراماسنی‌جدید انگلستان که‌اصلاح شده می‌باشد ،دکتراندرسن فقط بحث مختصری راجع به خدا و مذهب به‌میان آورده که بسیار محتاطانه و درعین حال جسورانه است .

در قانون اساسی مزبور گفته شده‌است : «یك ماسون» به علت حرفه‌اش مجبور به اطاعت ازقوانین اخلاقی می‌باشد وهرگاه‌مفهوم صحیح حرفه را درك‌کرده باشدهرگز یك ملحد تهی‌مغز یا یك لامذهب افسارگسیخته نمی‌شود با آنکه سابقاً ماسونها اجبار داشتند در هرکشوری‌که هستند وابسته به مذهب محلی باشند اما اکنون بجاست که در انتخاب عقیدهٔ‌شخصی‌آزادگذاشته شوند وفقط مذهبی را قبول‌کنند که مورد قبول تمام افراد بشر است .

بدین معنی کـه کافی است ایشان مـرد خیّر و درست و با شرف و درستکاری باشند و از اینها گذشته وابسته به هر مذهب و فرقه‌ای کـه می‌خواهند باشند . بدین ترتیب فراماسنی کانون اتحاد و وسیلهٔ ایجاد رفاقت بین مردم خواهدشد[۲].

دکتر اندرسن در حالیکه «مذاهب» و «فرق دینی» را رها کرده و فراماسونهای جدید را ازحیث داشتن مذاهب مختلف آزاد گذاشت ، «رفاقت» و «کانون اتحاد» را

---

۱ ـ ترجمهٔ قانون اساسی انگلند سال۱۷۸۰.

۲ ـ مقدمه قانون اساسی چاپ ۱۹۲۷ .

جانشین «اتحاد مذهبی» کرده ومعتقداست که فقطاز این راه ممکن است صاحبان مذاهب مختلف را در یك لژ جمع کرد .

تنها قید اخلاقی که فراماسونری جدیدآن را تصدیق و درعین حال ترویج می کند «مذهب طبیعی وعمومی است» فای نویسندهٔ فرانسوی می نویسد: «...فراموشخانه جدید از وحی والهام واز اصول مذهبی دفاع نمی کند واخلاقی که ترویج می نماید اجتماعی است ، و تباینی را که بین عالم ارضی و عالم فوق الطبیعه بوده از بین می برد و دیندار و مقدس کسی را می داند که حقیقت را صحیحاً درك کرده باشد و بالاخره به جای یك (مذهب روحانی) یك (مذهب عقلی) را پیشنهاد و ترویج می نماید . این فراماسونری کلیساها را خراب نمی کند لیکن به وسیلهٔ ترقی دادن افکار و اذهان خود را مهیای جانشینی آنهامی سازد .

مقام آن همانطور که عالیتر از معنویات و عقاید مذهبی است ، از حکومتهاهم رفیع تر و بلند پایه تر می باشد . فراموشخانهٔ قدیم همانطور که خادم وفادار شاهزادگان بود ، لااقل نظراً از پاپ اطاعت می نمود ، درصورتیکه فراموشخانهٔ جدید رویهٔ دیگری دارد و مدعای خود را با مضامین دقیق سنجیده و بسیار معنی دار بیان می کند...»[1]

ملاحظه می شود که این نویسندهٔ «فراماسن» چگونه جملات قانون اساسی فراماسنی را بجای « مذهب روحانی» گذارده وحکومت جهانی فراماسنی را بالاتر و والاتر از « حکومتهای کشورها » می داند .

نکته ای که فراماسونها روی آن اتکاء دارند مسئلهٔ حکومت جهانی است . ناسیونالیستها معمولا «حکومت جهانی» را به هرطریق و شکلی محکوم می کنند و به نظر آنان «حکومت جهانی فراماسنی» وتزهای شبیه آن که به ملت ها و حکومت هاو سرحدات بی اعتناست ، دشمن استقلال و حاکمیت ملل مختلف می دانند و پیروان این افکار را در ردیف «کمونیستها» می شمارند . به همین جهت در بسیاری ازکشورهاکه افکار ناسیونالیستی رواج پیدامی کند ، سلول های مخفی فراماسونری نیز تعطیل می شود.

۱ ـ فراموشخانه و انقلابهای قرن هیجدهم ص ۱۲۱ .

پیدایش سیاستهای مستقل‌ملی درکشورهائی‌که قدمت‌تاریخی‌دارند در برچیدن لژهاتأثیرفراوان‌دارد. امیداست‌درکشورما نیز ازاین‌رویهٔ‌مقدس پیروی‌گرددوسازمانهای ماسونی را منحل و نابود نمایند.

فراماسونها مذهب و خدا را مردود می‌دانند.

درمورد مذهب، فراماسونی بریتانیا و قانون اساسی‌دکتر اندرسن تا اندازه‌ای حفظ ظاهر در دو قرن اخیر کرده است. محمد عنان فـراماسن عرب می‌نویسد: «اساس در بنای آزاد همانا ازادی اعتقاد و تضامن در عالم انسانیت است. این نوعی تجاوز به محفل بریتانیائی بود که در آزادی اعتقاد تاحدالحاد و انکار پیش نمی‌رود و به طور قطع مقرر می‌دارد که هر بنّائی حریمی دارد برای‌خود و روی میز اینگونه محافل کتاب مقدس خود را میگذارد. در انگلستان انجیل، در محافل یهودی تورات، درکشورهای اسلامی قرآن ...»[۱]

ولی‌گرانداوریان‌فرانسه‌بی‌پرواقانون‌اساسی‌فوق‌الذکرراتفسیرکرده‌مقررات‌جدیدی در بارهٔ «مذهب» وضع نمود، که در سال ۱۸۷۸ (۱۲۹۴ هـ) از طرف محفل بریتانیارد شد و محفل مزبور رابطهٔ خود را باآن قطع‌کرد.

بنّایان آزاد فرانسوی بعد از انقلاب کبیر فرانسه هدف‌های لژگرانداوریان‌را در یك‌نشریهٔ رسمی اعلام‌کردند «...فراماسونی‌مطلقاً در مسائل دولتی یا قانونگزاری مدنی و دینی مداخله‌نمی‌کند و اعضای خودرا وادار می‌نماید در ترقی تمام علوم‌شرکت جویند ولی‌کسانی راکه در دورشته از زیباترین شاخه‌های دانش، کار می‌کنندمستثنی می‌سازد.

این دو رشته «سیاست» و «دین» است زیراکه این دو علم بین افراد ملل جدائی می‌اندازند و بنّای آزاد بالعکس برای اتحاد افراد و ملل کار می‌کند نه تفرقهٔ آنها»[۲]

این جملات مدلل‌می‌سازد که‌فراماسونهای فرانسوی درحالیکـه «دین» راکنار

---

۱ و ۲ـ جمعیتهای سری و جنبشهای تخریبی ص ۱۲۰.

می‌گذارند ، مسئلهٔ اتحاد ملل و فکر «انترناسیونال» بودن را فراموش نمی‌کنند ، بلکه به اعضای خود توصیه می‌نمایند که حکومت جهانی و اتحاد ملل را جایگزین نظام کنونی کنند. حتی «فرنان موریس» فراماسن فرانسوی در سال ۱۸۹۰ (۱۳۰۷ هـ) بالصراحه گفت: «بایستی در فرانسه هیچ‌کاری نشود مگر اینکه بنّای آزاد اثری مخفی در آن‌کار داشته باشد و چنانچه بنّای آزاد تصمیم بگیرد که خویشتن را بسلك انتظام آورد و خود را منظم کنند ده سال بیشتر طول نخواهد کشید که هیچکس در فرانسه بدون اشارت وی (ما) نمی‌تواند حرکت و فعالیت کند»[۱].

در نتیجهٔ این وضع گراند اوریان بدون پروا به دشمنی با کلیسای کاتولیك برخاست و یکی از فراماسونهای فرانسوی به نام «پانسیلی» رسماً اعلام کرد که «کلیسای کاتولیك» کلیسای الحاد و کفر می‌باشد» .

مجلهٔ گراند اوریان درسال ۱۸۸۵ (۱۳۰۲ هـ) علناً نوشت:

« ما بنّایان آزاد بایستی بقصد انهدام کاتولیك‌ها ومحوکلی آنها اقدام کنیم .»

گراند اوریان پا از کلیسای کاتولیك فراتر نهاده اعلام کرد که نه‌تنها با مذهب کاتولیك دشمنی دارد بلکه تمام مذاهب و ادیان و هر نوع عقیدهٔ دینی را دشمن می‌دارد .

گراند اوریان در دشمنی با «ادیان» به این حد اکتفا نکرد بلکه از هر یك از اعضاء خود خواست که اعلان کنند . به اینکه مهندس اعظم «خدا» خیال و خرافه‌ای بیش نیست ومحافل در طعن دین به صورت حاد و تند و انتقاد از آن و انهدام و تمسخر مبادی و نظرات دینی تصریح نمایند[۲] یکی از فراماسنهای دیگر به نام (دلبش) که عضو لژ گراند اوریان فرانسه بوده در سال ۱۹۰۲ (۱۳۱۹ هـ) یعنی همان روزهائی که فراماسونهای ایرانی در ایران انقلاب مشروطیت را پی‌ریزی می‌کردند و حتی جامعهٔ روحانیت را به داخل محافل خود کشانیدند ، به آنان اعلام نمود : (...خدای دروغین به نوبهٔ خود مخفی می‌شود و می‌رود و درغبار قرون گذشته درکنار آلهه هند ، مصر ، یونان و روم جای

۱ ـ فراموشخانه و انقلابهای قرن هیجدهم ص ۱۲۲ .

۲ ـ جمعیتهای سری و تخریبی ص ۱۲۲ .

می‌گیرد. این ملل اقوام واممی بودندکه شاید ساختن و پرداختن بسیاری از این مخلوقات را شاهد بوده‌اند ... ولی بنّایان آزاد از قرون گذشته تا حال گرچه از لحاظ سیاسی با هم اختلاف پیدا می‌کردند ، معهذا اینان در تمام اعصار این مبداءو اصل راکه عبارتست از مبارزه با هرگونه خرافهٔ دینی و هرگونه تعصب مذهبی است وجههٔ همت خود قرار دادند . . »[۱]

گراندلژ فرانسوی گرانداوریان در حالیکه فریاد «بی‌دینی» و برداشتن مرزهای «بین‌ممالك» ودخالت درامور سیاسی می‌زد ، عده‌ای از افراد برجستهٔ محفل پاریس را امثال دکتر مرل ، پرنی ، ویزیوز ، لکفر و غیره را به عناوین و مشاغل مختلف به ایران فرستاد تا آنان در ایران شعبهٔ لژگراند اوریان را تشکیل دهند . این استادان لژهای ماسونی ، ابتدا بدون اینکه مسائل دین ، ملیت ، مرزها و غیره را به اعضاء لژ بیداری ایران دیکته‌کنند ، به تدریج موفق شدند ،مندرجات قانون اساسی خویش را به‌اعضاء وفادار و قسم‌خوردهٔ خودبقبولانند وآنان را باعمالی کهفرمان می‌دادند ، بگمارند.

قانون اساسی فراماسونری ایران

قانون اساسی شرق اعظم (گراند اوریان) فرانسه که تا امروز نیز کماکان مورد قبول فراماسونهای فرانسوی است ،در دورهٔ اجلاسیه سال ۱۸۸۴ (۱۳۰۱ هـ) به تصویب مجمع عمومی شورایعالی فراماسونری‌شرق‌اعظم رسیده است .این قانون‌اساسی برای فراماسونهای (فرانسه ومستملکات آن) نوشته شده و به تصویب رسیده ، مورد قبول کلیهٔ لژهای موجود درآن‌زمان واقع شده و در ۱۵ فوریه ۱۸۸۵(۱۳۰۲)رسمیت یافته است . ولی در تاریخ ۲۷ اپریل ۱۸۸۵ پس ازتصویب از طرف شورای طـریقت وبعداً در۲۵ سپتامبر۱۹۰۹ ازجانب مجمع عمومی تصرفاتی درآن به‌عمل‌آمده است . قانون اساسی مزبور درسال ۱۹۰۸ (۱۳۲۴ هـ) در اختیار لژ بیداری ایران گذارده شد ولژ مذکور مجازگردید که‌آن را به فارسی ترجمه کند .

این‌قانون اساسی‌سه بار ترجمه وچاپ شده است‌که بار اول به وسیلهٔ وثوق‌الدوله،

---

۱ ـ فراماسونی جهانی ۲۷۰ .

دبیرالملك و سید نصراله تقوی بوده و نخستین چاپ آن در حدود فقط ۱۵۰ نسخه بوده‌که شامل‌شش‌باب و چهل وهشت‌ماده‌است وآن‌را به وسیلهٔ چاپ ژلاتینی‌طبع وبین اعضاء توزیع کرده‌اند .

در سال ۱۹۰۸(۱۳۲۵هـ) باردیگر همین قانون اساسی‌که به طور اختصار ترجمه شده بود ، در چاپخانهٔ کوچك فراماسونری با قطع جیبی چاپ وگویا در حدود ۵۰۰ نسخه از آن توزیع شده . این خلاصه که دوست دانش پژوه نویسنده حسین‌یزدانیان آنرا در اختیار دارد ، دومین قانون اساسی باپشت جلد مخصوصی است کـه روی آن جملات (ل.˙. بیداری‌ایران ـ شرق اعظم ـ ۲۳ ۰۰۰) نوشته‌شده و یك صورت‌خورشید دریك مثلث زیبائی‌درآن‌به‌نظرمی‌رسدو سه‌حرف‌اختصاری (آزادی‌ـ‌برادری‌ـ‌برابری) نیز در آن وجود دارد ، ظاهراً یك نفر عضو مسئول فرانسوی لژ در آن زمان شماره و مشخصات‌هر یك‌ازاعضائی‌راکه‌آن‌قانون‌اساسی‌رامی‌خریدندیادداشت‌وآنراامضاءمی‌کرده و به او می‌داده است .

سومین قانون اساسی فراماسونی درسال۱۹۱۲(۱۳۳۰هـ)وپس‌از‌استوارشدن‌رژیم مشروطیت در ایران ترجمه و چاپ شده است [۱] این قانون اساسی به وسیلهٔ سه تن از اعضاء لژ که هر یك دارای مقامات مختلف درجات مخصوص بـودند ترجمه شده و در صفحهٔ دوم آن در زیر عـکس مترجمین اسامی وشماره‌های مخصوص آنان بدین شرح درج گردیده است :

۱ ـ میرزا محمد علیخان ذکاءالملك شماره ردیف ۲

۲ ـ حاجی سید نصراله تقوی شماره ردیف ۳

۳ ـ میرزا حسینخان دبیرالملك شماره ردیف۱۸

محیط طباطبائی در این باره می‌نویسد : «مسیو ویزیوز با ترجمه و طبع قانون اساسی محفل شرق اعظم فرانسه بهمدستی مرحومان دبیر الملك و ذکاءالملك و حاج

---

۱ ـ شاید هم این قانون اساسی در کتابخانهٔ فاروس چاپ شده بود .

سید نصراله اخوی وتعلیم اصول و مقررات دیرینهٔ فراماسنی از سابقهٔ اعتبار پنجاه‌ساله فراموشخانهٔملکم ...،کاست...»[۱]

بهر حال‌قانون اساسی‌مزبورکه‌یکی از مطلعین آن را دراختیار نویسنده‌گذارده است درسال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰ هـ) در مطبعهٔ خصوصی فراماسونها در تهران چاپ‌شده‌است وبه‌قطع جیبی در ۲۴۶ صفحه وشامل فصول زیر است :

۱ ـ قانون اساسی

۲ ـ نظامنامهٔ عمومی شرق اعظم فرانسه

۳ ـ فهرست

۴ ـ نظامنامهٔ خصوصی

۵ ـ مادهٔ شصت نظامنامه عمومی

۶ ـ غلط‌نامه

در مقدمهٔکتاب قانون اساسی مذکور ، از طرف لژ بیداری ایران تقریظی‌نوشته شده‌که درآن مترجمین را بدین شرح ستوده‌اند :

ل .·. محترم ب.·. ا .·. ش .·. طهران از مساعی جمیلهٔ برادران حاجی سید نصراله ومیرزا محمد علیخان ذکاءالملك و میرزا حسین‌خان دبیرالملك که باهمت و غیرت برادرانه خدمت خود رادر ترجمهٔ قانون‌اساسی و نظامنامهٔ عمومی وآئین‌نامه‌ها و دفاتر به بهترین اسلوب و عبارت و نیکوترین وضع و ترتیب به پایان برده وبه‌زیور طبع‌آراسته‌اند وبالاختصاص برادر میرزاحسین‌خان بدر (دبیرالملك) که در این‌کمك برادرانه از بذل‌مال وصرف‌وقت وفراهم‌ساختن‌وسائل‌انجام‌کار دقیقه‌ای‌فروگذار نکرده.

موافق قانون همبستگی متفقاً به این خدمت بزرگ که مفتاح تعلیمات و اسرار ماسونی و اساس حقیقت جوئی است موفق گشته‌اند در مقام قدرشناسی تشکرمی‌کندو محض تذکر از این اثر مشکور و تشویق سایر برادران از طرف عموم حاضرین جلسه ۱۴ شهر رمضان ۱۳۳۰ مطابق با ۲۷ اوت ۱۹۱۲ اجازه داده شد که این تقریظ به نام

---

۱ ـ مقدمه کتاب آثار ملکم خان .

نامی این‌سه برادرگرامی‌همواره در مفتح نظامنامه‌طبع شود و پیاپی با روزگاربرادران به یادگار بماند .»

اینك ابتدا خلاصهٔ قانون اساسی فراماسونی ونظامنامهٔ لژ بیداری ایران راکه اولین بار درایران چاپ‌ومنتشر شده، نقل می‌نمائیم وسپس‌ترجمهٔ‌کامل آنرا باآخرین تغییرات مصوبهٔ‌گراندوریان درآخرجلد دوم بنظرخوانندهٔ گرام می‌رسانیم :

اولین‌ترجمه‌قانون‌اساسی‌لژبیداری‌ایران

باب اول

در اصول فی .·.

مادهٔ اول- بنّای فی.·. اختصاصاً نوع‌پرستی‌وفیلسوفی و طلب‌ترقی است.مقصودش جستجوی حقیقت و تهذیب اخلاق‌وبکار بردن اتحاد و اتفاق است . کارش اصلاح‌امور مادی و اخلاقی و تکمیل قوای عقلیه‌و مدینه عالم انسانیت است . مسلکش اغماض‌از خورده بینی در بارهٔ برادران و حفظ شرف خود وسایرین وآزادی مطلق‌وجدان .

چون ادراك حکمتهای فوق‌الطبیعه منوط فهم شخصی است ، لهذافی .·. درصدد اثبات احکام و سنن برنمی‌آید .

شعار فی.·. آزادی.·. برابری.·. برادری.·. است.

مادهٔ دوم ـ وظیفهٔ‌فی .·. آن است‌که دائرهٔ اخوتی که تمام برادران این طریقت را درکره ارض‌بهم مربوط و متصل نموده است توسعه دهد ، و نوع بشر را ازآن‌منتفع نماید .

فی.·. بمحارم اسرار خودتوصیه می‌نماید که تلقین وانتشار این‌مسلك‌رابنمایند. چه به واسطهٔ‌اعمال‌حسنه‌که سرمشق واقع شود چه به‌واسطهٔ‌نطق چه به‌واسطهٔ‌تحریرات و تألیفات به‌شرط اینکه اسرار فی.·.محفوظ بماند .

مادهٔ سیم ـ تکلیف فی.·. درهرموقعی که‌هدایت و همراهی وحمایت‌ازبرادران

خوداست اگر چه زندگانی خودرا به مخاطره بیندازد . و نیز اگردرحق برادری ظلم شده باشد تکلیف او مدافعه خواهد بود .

مادهٔ چهارم ــ فی .·. کارکردن رایکی از تکالیف خاصه انسان می‌داند .قدر کارهای بدی ودماغی درنظرفی.·. یکی است وهردو را محترم می‌شمارد .

باب دوم

در باب م .·.ها وکارخانه‌های ایشان

فصل اول

در باب م .·.ها

مادهٔ پنجم ـ حکومت مطلقه فی.·. متعلق است به مفهوم م .·.هائی که درکار هستند . چنانکه در این قانون اساسی معین شده این حکومت مطلقه اجرا می‌شود به واسطه ادای عمومیه .

مادهٔ ششم ـ قبول اشخاص در فی .·. به موجب قرعه می‌شود. تمام برادرانی‌که حاضر هستندحق‌رأی دارند به‌شرط آنکه منظم‌باشد (شرایط نظم در نظامنامهٔ‌عمومی شرح داده خواهد شد) .

مادهٔ هفتم ـ فی.·.دارای‌علاماتی و رموزی‌است که نمی‌توان برای احدی‌توضیح نمود ، جز اشخاصی که به برادری قبول شده‌اند . این علامات و رموز به اشکالی که معین شده‌اند سرآمد اعمال ف.·.ها ووسائل شناسائی و معاونت آنها به یکدیگر در تمام کره ارض خواهند بود . دخول به‌فی.·. شامل چندین درجه یا منصب است .

درجات اولیه‌ـ شاگردی، رفاقت ، استادی‌است . هرکس به درجهٔ استادی‌رسید دارای حقوق کامله فی .·. خواهد شد هیچکس نمی‌تواند از امتحانات متدرجه که‌در کتاب وآئین فی.·. نوشته شده‌است معاف شود .

مادهٔ هشتم ـ شرایطدخول در دائره فی .·. ودارائی حقوقی‌مستلزمه آن ازقرار

تفصیل ذیل است :

۱ ـ باید اقلا بیست ویك‌سال‌داشته‌باشند.

۲ ـ ایرادی باعتیادات و اخلاق او وارد نشود .

۳ ـ معیشت خودرا بقدر کافی بطور شرافتمندانه تحصیل کند .

۴ ـ سوادکافی برای فهم مطالب فی.·.داشته باشد .

۵ ـ اقلا ششماه در شهری که‌ل.·. درآن واقع است متوقف باشد .

اشخاصیکه درشهرآنها ل .·.تأسیس شده است .

پسرهای م .·. ها درسن هیجده سالگی می‌توان بارضایت پدر ومادر وقیم خود فقط برتبهٔ‌شاگردی‌قبول کردولی قبل از بیست‌ویك‌سال به‌درجهٔ رفاقت و استادی‌پذیرفته نخواهد شد .

از شرط اقامت در مرکز ل.·.معاف‌اند .

صاحب منصبان بری و بحری و مباشرین امور عامه اشخاصیکه به واسطهٔ شغل خود مجبور به تغییر مقر هستند .

مادهٔ نهم ـ سمت فی .·. حقوق و امتیازاتی‌را که باآن همراهند سلب می‌شود . بواسطهٔ ارتکاب اعمال ذیل :

۱ ـ فعلی که مخالف‌ناموس باشد.

۲ ـ شغلی که منافی شرف باشد.

۳ ـ تخطی و تجاوز از تعهداتی که در موقع پذیرفتن کرده هیچکس از دائرهٔ فی.·.خارج نمی‌شود مگر بعد از محاکمه‌که ترتیب و شرایط آن موافق اصول قانون اساسی‌فی.·. باشد .

فصل دویم

در باب کارخانه‌های فی .·.

مادهٔ دهم ـ مجمعی که م.·.ها برای کار در آنجا حاضر میشوند کارخانه ایشان

نامیده میشود .کارخانه‌هائیکه‌مخصوص درجات سه‌گانه اولیه باشد آنها را محفل‌فی.∴ می‌نامند . کارخانه‌هائیکه مخصوص سایر درجات فی.∴ تا درجهٔ ۳۰ هستند آنها را مجلس روحانی Chapitre ودارالشورای می.∴ Consill مینامند. کارخانه‌های‌اعلائی که به تنهائی حق قبول م.∴ ها را تاآخرین درجه دارند موسوم به مدرسهٔ بزرگ‌امین می.∴ Grande Colleg De Rite خواهند بود .

مادهٔ‌یازدهم ـ کارخانه‌های فی.∴ شخصاً امور راجعه به خود را به‌آزادی‌اداره مینمایند.ازقرارحدود وتربیتی‌که دراین قانون اساسی‌ودرنظامنامه‌عمومی‌مندرج‌است . برای اقداماتی که راجع به منافع عمومی می.∴ است باید از آنها مشورت کرد .

مادهٔ دوازدهم ـ در مجامع می.∴ تمام م.∴ ها با یکدیگر مقام مساوات‌کامله دارند . هیچ امتیازی مابین آنها نیست جز ازطریق برتری رتبهٔ‌می.∴ ایشان .

مادهٔ‌سیزدهم ـ تمام‌مشاغل می.∴ به‌اکثریت‌آراء داده‌میشود وتماماموقتی‌هستند. در مواقعی که نظامنامهٔ عمومی تعیین میکند ممکن است کـه کمك خرجی بصاحبان مشاغل داده‌شود . کارخانه‌ها سالی یك مرتبه ارکان خود را به اکثریت آراء انتخاب مینماید . عنوان وعدد مشاغل و وظائف خاصهٔ آنها و شرایط قابلیت انتخاب و موقع‌و ترتیت انتخاب ایشان در نظامنامه عمومی معین شده است .

مادهٔ چهاردهم ـ فقط اعضای دائمی و التزامی کارخانه‌ها میتوانند برای مشاغل انتخاب شوند و فقط اعضای دائمی حق دارند که ارکان کارخانه را انتخاب نمایند . شرایط دائمی بودن م.∴ها در نظامنامه عمومی درج شده است .

مادهٔ پانزدهم ـ کارخانه‌هاحق تنظیم و تأدیب باعضای خود و تمام م.∴ هائیکه در اوقات کارآنها حاضر میشوند دارند . مباحثات‌راجعه باعمال قوای بدنیه و دخالت در منازعات‌مسالك پلتیکی در کارخانه‌های‌می.∴ قدغن است و نظم هر مجلس‌بارئیس مجلس است .

مادهٔ شانزدهم ـ چندین کارخانه چه از یك مشرق باشند و چه از مشارق‌مختلفه میتوانند جمع‌شوندو درباب منافع عمومی می.∴ متفقاً مذاکره نمایند . ممکن است

تمام آنها خودشان جمع شوند و ممکن‌است وکالت جمعی از م .·. ها بدهند که‌ازطرف ایشان گفتگو نمایند . برای انعقاد این مجلس باید اقلا هشت روز قبل کارخانه‌های مذکوره به شورای می .·. اطلاع دهند . قرارهائیکه نتایج این اجتماعات میشوند و درهیچ‌صورت و بهیچوجه نبایدمخالف‌قانون‌اساسی وقوانین می .·. باشند .

باب سوم

در اقتدارات می .·.

فصل اول

در باب شرق اعظم فرانسه

مادهٔ هفدهم ـ کارخانه‌ها چنانکه ترتیب آنها بواسطهٔ این‌قانون اساسی‌وبه‌واسطهٔ نظامنامه‌های عمومی می .·. و نظامنامه‌های خصوصی‌که از آن مشتق می‌شوند مقررشده است باهم تشکیل یك هیئت‌متفقه می‌نمایند . این هیئت متفقه موسوم به شرق‌اعظم و شورای عالی فرانسه و مستملکات فرانسه است کرسی شرق اعظم در پاریس‌است .

مادهٔ هیجدهم ـ هر م .·. که عضو یکی از کارخانه‌های شرق اعظم فرانسه باشد میتواند عضو یکی یا چندین کارخانه که به قوهٔ مقتدره می .·. دیگر متعلق است‌بوده به شرط اینکه قوانین آن قوه مقتدره نیز به برادران خود همین اجازه را بدهند ولی قدغن است که در یك سال در دو هیئت متفقه مختلفه داخل مذاکرات قانونی شوند .

مادهٔ نوزدهم ـ کارخانه‌هائیکه‌جزوهیئت متفقه شرق‌اعظم و شورای عالی‌می .·. فرانسه و مستملکات هستند در اعمال خود یکی از دو مناسکی را که قبول شده است پیروی می‌نمایند .

مادهٔ بیستم ـ مخارج عمومی شرق اعظم را ل .·. ها و م .·. ها متحمل می‌شوند به واسطهٔ مالیات‌سرانه و خراجی که از ل .·. ها گرفته می‌شود . مقدار مالیات سرانه و خراج ل .·. هارا مجمع عمومی می .·. معین می‌نماید .

فصل دویم

در باب مجمع عمومی می .·.

مادهٔ بیست‌ویکم ـ مجمع عمومی شرق اعظم فرانسه مرکب است : اولا از تمام وکلای ل .·. های این هیئت که به اکثریت آراء به قرعهٔ مخفی معین شده باشد. ثانیاً از اعضاء شورای می .·. این اعضاء نمی‌توانند از طرف ل .·. ها نماینده شوند.

هر ل .·. بیش از یك نماینده در مجمع عمومی نخواهد داشت حق وکالت نمایندهٔ دائمی تامدتی که کسی برای جانشینی او معین نشده برقرار خواهد بود.

مادهٔ بیست ودویم ـ در صورتیکه نماینده مانع داشته باشد ل .·. ها می‌توانند در جلسهٔ مخصوصی که برای انتخاب او تشکیل می‌شود یك نفر نایب به‌جای او انتخاب کرده به مجمع عمومی بفرستد. هیچ م .·. نمی‌تواند درمجمع عمومی بیش از یك ل .·. نمایندهٔ ل .·. های متعدد باشد.

مادهٔ بیست‌وسیم ـ وکلا باید ازمیان اعضای دائمی ل .·. انتخاب شوند واقلادوسال باشد که دارای مرتبهٔ استادی شده باشند واقلا یکسال باشد که درل .·. یکه از طرف اوسمت نمایندگی دارد عضویت یافته باشند. شغل ریاست ل .·. مانع از نماینده شدن نیست.

ل .·. الجزایر و مستملکات فرانسه و ممالك خارجه که تابع شرق اعظم فرانسه می‌باشند می‌توانند وکلای خود را از میان اعضاء سایر ل .·. های هیئت متفقه انتخاب نمایند به شرط اینکه نمایندهٔ منتخب اقلا دو سال باشد که به رتبه استادی رسیده باشد و اقلا یك‌سال باشد که به عضویت دائمی یك لژ .·. منظم افتخار یافته باشد.

ل .·. هائیکه مدت تأسیسشان به دو سال رسیده است همین حق را دارند درصورتیکه هیچ یك از اعضاء ایشان استاد دوساله نباشد.

مادهٔ بیست وچهارم ـ مجمع عمومی هر سال در روزی که نظامنامه عمومی معین کرده است به‌ترتیب معمول منعقد می‌شود.

مادهٔ بیست وپنجم ـ مجمع عمومی منعقد می‌شود به طور فوق‌العاده. در موقعی

که شمه‌ای می.ْ. باید دعوت انعقاد این مجمع راشروع کنند .

مادهٔ بیست‌وششم ـ این مجمع ازمیان اعضای خود به اکثریت آراء رئیس.ْ. نگهبان ناطق.ْ. دبیر.ْ. مخبر بزرگ.ْ. را انتخاب‌کرده سایر صاحب‌منصبان به‌حکم‌قرعه معین خواهند شد .

مادهٔ بیست وهفتم ـ اختیار واقتدار از وضع قوانین اساسی و سایر قوانین هیئت متفقه با مجمع عمومی شرق اعظم است .

مجمع‌عمومی‌شرق اعظم از بابت اظهارات اساسی وقانونی می.ْ. قبل از استشاره از ل.ْ.ها حکمی نمی‌کند .

مجمع عمومی به‌مفاد و خلاصه اقوال‌می.ْ. رسیدگی نموده حکم می‌کند .

این احکام به واسطهٔ شورای می.ْ. به مجمع عمومی داده میشود . مجمع عمومی حساب سال گذشته را جرح و تعدیل و تصفیه کرده بودجهٔ دخل و خرج سال آینده را معین می‌نماید تمام اعضای مجمع عمومی حق استفتاء ومطالبه‌جواب دارند . مجمع عمومی میتواند به موجب اظهار شورای می.ْ. مجازات‌واسقاط‌حقی‌که‌به‌برادران یا به‌کارخانه‌های هیئت متفقه واردشده است به‌تعویق بیندازد .

فصل سوم

در باب شورای می.ْ.

مادهٔ‌بیست‌وهشتم ـ شورای می.ْ. مرکب است از ۳۳ عضو که مجمع عمومی‌شرق اعظم‌آنها را از میان اعضای خود انتخاب نماید . اعضای شورای می.ْ. برای سه سال انتخاب می‌شوند .

اسم اشخاص درروی کاغذهای‌قرعه نوشته و به‌رئیس اطاق انتخابات داده‌می‌شود برای انتخاب‌شخص منتخب ودر دفعهٔ‌اول ودویم‌بایددارای قبول اکثریت تام باشد. ودردفعهٔ سوم اکثریت‌آراء نسبی‌کفایت‌می‌کند درصورت تساوی‌آراء قدمت‌رتبه استادی نتیجهٔ انتخابات را معین می‌نماید .

هرسال ثلث اعضای می.˙. تجدید می‌شوند . اشخاصیکه از عضویت‌شورای‌می.˙. خارج‌می‌شوند نمی‌توانند منتخب شوند مگر بعداز فاصلهٔ یك‌سال .

مادهٔ بیست‌ونهم - هرسال بعد از تجدیدی که در مادهٔفوق ذکر شد شورای‌می.˙. رئیس خود ودو نفر نایب‌رئیس و دومنشی و یك خازن مهرو تمبر شرق اعظم فرانسه‌را معین می‌نمایند . شورای می.˙. نظامنامه خود را نیز ترتیب می‌دهد .

مادهٔسی‌ام - شورای می.˙.حافظ ، اساس می.˙.است فراهم‌کردن اجرای قوانین می.˙.و تصمیمات مجمع عمومی می.˙.واحکام عدالت می.˙. نیز با شورای می.˙.است.

شورای می.˙.مأمور روابط شرق اعظم‌باقوای مدنی وباحکومتهای می.˙.فرانسه و خارجه است .

سفرای [یك‌کلمه خوانده نشد] که شرق‌اعظم‌نزد هیئتهای متفقه می.˙.می‌فرستد به واسطهٔ شورای می.˙. معین می‌شوند .

مادهٔسی‌ویکم -ادارهٔکارهای‌می.˙. باشورای‌می.˙.است .

قرارهای نظم اداره‌می.˙.و اعلان رسمی و تصمیمات مجمع‌عمومی‌واشعارواخبار آراء واحکام اولیای خبرت باشورای می.˙.است .

شورای می.˙. کارهای‌خودراهرساله به‌مجمع عرضه‌می‌دارد.شورای می.˙. بودجهٔ سالیانه رامرتب ساخته اقلا دوماه قبل از انعقاد مجمع عمومی به ل.˙.ها می‌فرستد .

اعضای شورای می.˙. یکان‌یکان درپیشگاه مجمع‌عمومی مسئول اجرای مأموریت‌خود هستند .

مادهٔ سی‌ودوم - شورای م .˙.رسیدگی وحکومت‌می‌کند و در سئوالات راجعه به اساس می.˙.و اعلان بیداری‌کارخانه‌هاوقسمت انتخابات ایشان. شورای می.˙.اقدامات لازمه خودرا بایددرتدارك‌تأسیس ل.˙.های‌تازه یا بیداری ل.˙.های خفته به جای‌آرد

شورای می.˙. کارخانه‌هائی‌را که خارج از هیئت متفقه به ترتیب تشکیل شده وموافق این قانون اساسی و نظام‌نامهٔ عمومی رفتار می‌نمایندو نظام‌نامهٔخصوصی ایشان بهیچوجه مخالف نظام‌نامه عمومی‌شرق اعظم‌نیست. به عضویت‌هیئت‌متفقه‌شرق‌اعظم قبول‌می‌نماید.

شورای می.ٌ.شهادت‌نامه‌ها و احکام طریقی (گذرنامه‌ها) و تذکره‌هائیکه کارخانه‌های متعدد استدعا می‌نمایند امضاء کرده به ایشان تسلیم می‌نماید .

مادهٔ سی‌وسیم ـ شورای می.ٌ.مأمور اصلاح واختلافات است چه این اختلافات مابین کارخانه‌ها واقع شود وچه مابین می.ٌ.وشورای می.ٌ. شکایت‌هائیکه از برادران یا از کارخانه‌ها می‌شود قبول‌کرده به محکمهٔ تمیز می.ٌ.ارائه‌می‌نماید و نیزمی‌توانند شخصاً شکایت از تقصیر کسی کرده و به محکمهٔ تمیزرجوع نماید.

مادهٔسی‌وچهارم ـ درموارد فوق‌العاده وفقط برای نظم عمومی شورای می.ٌ.حق دارد که کارخانه‌ها را توقیف نماید ولی مسئولیت این کار در پیشگاه مجمع عمومی بر شورای می.ٌ.وارد می‌شودومدت این‌توقیف تا روزی است که حکم محکمه می.ٌ. صادر شود این محکمه بعجله دعوت می‌شودوباید رأی خودراهمان روز اظهار نماید .

باب چهارم

در تشکیل عدلیه می.ٌ.

فصل اول قوای عدلیه

مادهٔ سی‌وپنجم ـ قوای عدلیه می.ٌ.جاری می‌شوددر درجهٔ اول به وساطت ل.ٌ. ها به‌وسیلهٔ برادران عدول که ازمیان‌آنها انتخاب می‌شوند .

دردرجه‌هائی به وساطت محکمه‌های استیناف که کتباً از وکلای ل.ٌ.ها قطع نظر از قوهٔ انضباطیه که متعلق به کارخانه‌ها است و به واسطهٔ ایشان مجری می‌شود (چنانچه درنظامنامه عمومی معین شده است) .

فصل دوم

عدول کارخانها ومحکمهٔ استیناف

مادهٔ سی‌وششم ـ کارخانه‌هائیکه مقصرند محاکمه می‌شوند به واسطهٔ عدولیکه

مرکبند از نمایندگان ل.م.ها

مادهٔ سی‌وهفتم- تصمیمات ل.م.ها ومحاکمه استیناف و عدول کارخانها بایدمعین باشند .

مادهٔ سی‌وهشتم- تصمیمات محاکم‌استیناف‌و عدول‌کارخانها ممکن‌است به‌محکمهٔ تمیز رجوع‌شوند این استیناف‌ممکنست به‌تأخیر افتد .

مادهٔ سی‌ونهم - ترتیب محاکمه و استیناف ومجازات قانونیه به واسطه نظامنامه عمومی معین‌شده است .

فصل سوم

محکمهٔ تمیز

مادهٔ چهلم ــ محکمهٔ تمیزی که تشکیل شده است در موقع اشتباه یا اشکال در محاکمات یا خطای‌دراجرای قوانین یا تجاوز از قانون‌حکم محکمه‌ها را نقض‌می‌نماید. وکار را به محکمهٔ استیناف دیگر یا عدول برادران ل.م.دیگری رجوع میکند.

مادهٔ چهل‌ویکم ــ محکمهٔ تمیز مرکب است از پانزده تن اعضاء کــه به واسطهٔ مجمع‌عمومی برحسب‌قرعهٔ‌مخفی‌همه‌ساله‌انتخاب‌می‌شوند. هرسال ثلث‌اعضای‌محکمهٔ تمیز تجدید می‌شوند و ممکن‌است که اعضای محکمهٔ تمیزمکرر انتخاب شوند این‌انتخاب بعد از انتخاب شورای می.م.واقع می‌شود بهمان شکل وبهمان ترتیب .

مادهٔ چهل‌ودویم ــ هیچ کس نمی‌تواند عضویت محکمــهٔ تمیزمی.م.و نمایندگی عدلیه می.م.وعضویت شورای می.م.رامعاًدارا شود .

اعضای محکمهٔ تمیز درمدت‌مأموریت خود که‌درماده فوق‌معین شده‌اندنمی‌توانند به عضویت شورای می.م.انتخاب شوند .

مادهٔ چهل‌وسیم - کرسی‌محکمهٔ تمیز در پاریس شرق اعظم فرانسه است.

محکمهٔ تمیز در موقع تشکیل مجمع‌عمومی مجبوراً باید منعقد شود و در وقتی

که بواسطهٔ جهتی انعقاد آن لازم شود رئیس محکمه‌حکم انعقاد به‌آن‌مینماید دروقتی که اعضای محکمهٔ تمیز برای محاکم باید جمع شوند عده اعضائی که احضار می‌شوند هفت تن خواهد بود و به‌موجب قرعه‌که در مجلس شورای‌می.ْ. باحضور رئیس محکمهٔ تمیز یا نایب او کشیده خواهد شد برای مشورهٔ محکمهٔ تمیز حضور پنج تن از اعضاء لازم است .

مادهٔ چهل وچهارم -هرسال محکمهٔ تمیزدر جلسهٔ ماه سپتامبر بعد ازتجدیدثلث اعضای خود رئیس ونایب‌رئیس ومنشی خود را انتخاب‌می نماید .درقسمت‌رسمی‌صورت مذاکرات‌و اقوال شرق‌اعظم این‌انتخاب ذکر خواهدشد.

باب پنجم

روابط شرق اعظم با ممالك خارجه

مادهٔ‌چهل‌وپنجم ـ شرق اعظم فرانسه در ممالك خارجه که دارای اقتدار منظم می.ْ. باشند و با شرق اعظم مراودات برادرانه دارند تأسیس کارخانه نمی‌کند و هیچ تغییری در ترتیب ل.ْ. هائی‌که الحال در ممالك خارجه موجود هستند داده نمی‌شود.

شرق اعظم کارخانهائی را که درفرانسه یا مستملکات فرانسه به واسطهٔ قوهٔ‌متفقه می.ْ. تأسیس شده‌باشد تصدیق نمی‌نماید .

باب ششم

در تدقیق و تغییر م . .

مادهٔ چهل وششم ـ هرگونه اظهاری راجع به تدقیق درکلیات یا جزئیات‌اساسی می.ْ. یا راجع به‌حذف یاتغییر یك قانون می.ْ. یانظامنامهٔ‌عمومی‌می.ْ.باشدبعدازآنکه به مجمع‌عمومی تقدیم شد و مجمع عمومی‌آن را پذیرفته و رسیدگی آن اظهارازطرف مجمع عمومی به ضمیمهٔ رأی شورای می.ْ. در این خصوص قبل از انقضای مدت‌سه‌ماه

به ل.·. ها فرستاده‌می‌شود که‌در آن مذاکره ومداقه نمایند و مجمع عمومی‌درجلسه‌آتیه درباب‌آن اظهار حکم خواهد نمود.

مادهٔ چهل وهفتم ـ مجمع عمومی ممکن است مرجع اظهارات قانونی شورای می.·.واقع شود به شرطیکه این اظهارات در جلسه اجتماعیه شورای می.·.شده باشند این اظهارات باید در پانزده‌روز اول بعد از ختم کنوان Convent کوچکی که‌درمدت انعقادآن قبول شده‌اند به ل.·.ها رجوع شوند که مذاکرات لازمه درآنها بعمل‌آید .

مادهٔ چهل‌وهشتم ـ اصول موقتی این قانون اساسی تابع تصدیق ل.·. های هیئت متفقه است . برای آنکه تصدیق شود باید اکثر ل.·.های شرق اعظم این‌قانون اساسی ساکت باشند و جوابی ندهند مثل این است که این قانون اساسی را قبول نموده‌باشند.

علاوه بر ترجمهٔ قانون اساسی لژ گراند اوریان فرانسه که فوقاً نقل شد ، لژ بیداری ایران ،یك نظامنامهٔ خصوصی نیز ، در شش فصل‌تنظیم و با تصویب لژ تهران و مرکزگرانداوریان به موقع اجراء گذاردند . که عیناً درزیر نقل می‌شود[1]

نظامنامهٔ خصوصی ل .·. ب .·.

فصل اول

ترتیب‌قبول بیگانگان

۱ ـ علاوه بر ترتیباتیکه برای قبول بیگانگان در نظامنامه عمومی مقرر است درل.·. ب.·. ترتیبات ذیل نیز مراعات شود .

۲ ـ هرگاه یکی از برادران‌بیگانه‌رالایق‌آشناشدن‌بسیر ماسنی بداند باید قبل ازآنکه با آن بیگانه هیچگونه صحبتی از وجود ل.·.درایران بنماید به طریق ذیل

---

۱ ـ نظامنامهٔ مزبورراخانواده‌یك فراماسون که در ۲۵ سال‌قبل درگذشته‌دراختیارم گذاردند .

رفتار شود[1] .

۳ ـ تحصیل اجازه برای مذاکره با بیگانه باید محض به امضای سه نفر استاد باشد ارجمند[2] موافق آئین ورقه را می‌سوزانند ومعرفین‌مزبور حق ندارند معرفی‌خود را به برادران دیگر معلوم کنند .

۴ ـ اسامی بیگانگانیکه معرفی شده‌اند باید در لوحهٔ[3] مخصوصی به خط‌جلی و معرفی کامل پانزده روز قبل ازآنکه بخواهند برای‌تحصیل اجازه‌رأی بگیرندنوشته و اعلان‌شده باشد .

۵ ـ پس ازآنکه بیگانه معرفی شد دو یا سه نفر از برادران را معین می‌کنند‌در باره چند ماده‌بخصوص از ورقهٔ تفتیش که‌لازم به تحقیق ازشخص بیگانه نیست‌تحقیقات خارجی نموده راپورت بدهند .

۶ ـ همه برادران حاضر حق مذاکره دارند اما حق رأی‌فقط برای استادان و یاران است هرگاه‌عده مهره‌های سیاه کمتر از خمس عده کلیهٔ مهره‌ها بوده باشد اجازه داده می‌شود .

۷ ـ عده‌کلیه رأی‌دهندگان نباید کمتر ازیازده باشد .

۸ ـ هرگاه یك ورقه از اوراق تفتیش مقرر در نظامنامه عمومی درجواب‌یکی‌از سئوالات ساکت یا مبهم باشد ارجمندان ورقه را بتوسط برادر دیگر تجدیدکرده‌و بعد از اکمال آن رأی گرفته می‌شود .

۹ ـ ورقه‌تفتیش‌مخصوصاً‌در باب سابقه‌اعمال و ترجمهٔ احوال‌باید بسط وتحقیق کامل بعمل آید تابرادران از اعمال‌گذشته بیگانه‌بتوانند عقیده روشنی حاصل‌نمایند.

---

۱ ـ در نسخهٔ دیگری که یکی از فراماسنهای قدیمی در اختیار نویسنده گذاشت‌در قسمت دوم روی کلمات (به طریق ذیل رفتار شود) خط کشیده شده‌و بامداد جمله مزبور چنین تصحیح شده بود (از وجود ل.·. در ایران بنماید از ل.·. تحصیل اجازه شود) .

۲ ـ در نسخه‌ای‌که مورداستفاده قرارگرفته بر بالای کلمات (باشد ارجمند) کلمه (والا) بامداد تصحیح شده .

۳ ـ درهمین‌نسخه در بالای دوکلمه(لوحهٔ‌مخصوص)چنین نوشته‌شده(بتوسط‌نویسنده‌ها) این‌تصحیح‌هم‌بامدادشده .

۱۰ ـ مفتشین که از طرف ارجمند مأمور تفتیش احوال بیگانگان می‌شوند نباید سمت مأموریت خود را بسایر برادران بفرمایند .

فصل دوم

غیبت اعضاء رسمی

۱۱ ـ هر برادریکه بدون عذر موجه دوجلسه متوالی غیبت کند یك ماه ارتقاء رتبه او بتأخیر می‌افتد .

۱۲ ـ غیبت هریك از اعضاء رسمی سه ماه هریك مرتبه اعلان در صورت مجلس قید می‌شود .

۱۳ ـ صورت غیبت سالیانه هریك از اعضاء رسمی لژ باید در موقع انتخابات عمومی قرائت شود تا برادران دقت کرده در موقع انتخابات سالاران برادران مراقب را ترجیح دهند .

۱۴ ـ برادران غائب برای غیبت بدون عذر هرجلسه باید مبلغ دوقران به‌عنوان اعانه به امین خیریه بدهند .

فصل سوم

سالاران

۱۵ ـ برادرانیکه از سالاران در اجرای وظائف مسامحه‌وغفلت یا تقصیری‌مشاهده می‌کنند باید ارجمند را متذکر سازند تا ایشان را تنبیه نماید .

۱۶ ـ ارجمند همینکه از یکی از سالاران مسامحه وغفلت یا تقصیری احساس کند در صورتیکه خطای او طوری نباشد که محتاج به محاکمه باشد ابتداء برادرانه اورا به‌ادای وظائف خود دعوت می‌کند هرگاه پس از این یادآوری سالار مذکور تنبیه نشد ارجمند یکدفعه هم در جلسه گله وشکایت برادرانه می‌کند اگر نتیجه حاصل‌نشد از لژ درخصوص بقای‌آن برادر به‌سالاری‌کسب رأی می‌نماید.

فصل چهارم

روابط برادرانه و همبستگی

۱۷ ـ هیچ برادری حق ندارد درغیاب برادری ازوی بدگوئی کند .

۱۸ ـ هر برادری که نسبت به برادر سوءظن یا شکایتی در امور شخصی یا نوعی داشته باشد باید بدواً به ارجمنداظهار نماید تا اقدامات برادرانه در ین باب بنماید هرگاه ارجمند اقدامی نکرد می تواند به لژشکایت خودرا اظهار دارد تا لژ دراین خصوص قراری بگذارد واین ترتیب غیر از تظلم ماسونی است که به موجب آن برادران می توانند یکدیگر را در تحت محاکمه درآورند وآن ترتیب به جای خود باقی ومنظور تواندبود.

۱۹ ـ حمایت ورعایت برادرانه در باره برادری محتوم است که او نیز درموقع لزوم از حمایت ورعایت برادران خود مضایقه نکرده باشد .

۲۰ ـ تکلیف هر یك از اعضای رسمی یا افتخاری است که هرگاه از برادری نسبت به برادر دیگر بدگوئی بشنود یااقدامی برضد یکدیگر ببیند فوراً به ارجمند اظهار نماید .

فصل پنجم

مجازات

۲۱ ـ برادرانیکه رعایت مواد این نظامنامه را ننمایند مانند برادرانی مجازات خواهند شدکه رعایت مواد نظامنامه عمومی را نکرده باشند .

۲۲ ـ هر برادری که علناً وعمداً برخلاف مقررات نظامنامه عمومی واین نظامنامه خصوصی اقدامی برضد برادری کند موقتاً از لژ خارج و محاکمه می شود تعیین مدت اخراج با لژ است .

۲۳ ـ هرگاه برادری‌که خدمتی را رسماً در لژ بعهده گرفت ، به انجام نرساند مورد سرزنش برادرانه خواهد شد وذکرآن در نامهٔ اعمال ماسونی او می‌شود .

فصل ششم

مکافات برادرانه

۲۴ ـ هر برادری که به واسطهٔ خدمات شایان مستحق اظهار قدردانی از طرف لژ بشود برحسب درجات خدمت مکافات برادرانه ذیل در باره اومبذول می‌شود .

۱ ـ شادی بنام برادر
۲ ـ قید درصورت مجلس
۳ ـ قیددرنامه اعمال‌ماسونی
۴ ـ شادخواری بنام آن برادر در مهمانی ماسونی

تغییرات در قانون اساسی

در ۱۹۱۴ (۱۳۳۲ ه) درقانون اساسی و نظامنامهٔ گراند اوریان تغییراتی داده شد وهنگام وقوع این تغییرات نماینده لژ بیداری ایران نیز شرکت‌داشت . پس ازاینکه شورای‌عالی گراند اوریان ، تغییرات کنوانسیون را تصویب وابلاغ کرد [1] این دستور ازطرف مرکز لژگرانداوریان به لژ بیداری ایران تأکید گردید :

شرکت فراماسونهای لژ بیداری ایران درشورای عالی طریقت ، گراند اوریان درآن ایام با اهمیت فراوانی تلقی شد . زیرا تاآنروز، فراماسونری جهانی ، ایرانیان فراماسون را قابل اعتماد ویا لایق شرکت درمجامع بین‌المللی نمی‌دانستند . به همین جهت شرکت فراماسون ایران در کنوانسیون گراند اوریان را پیروزی بزرگی برای لژ بیداری می‌دانستند . اینك متن کامل تغییرات کنوانسیون را نقل می‌کنیم :

---

۱ ـ متن دستور فوق ازمعتمدی گرفته شده‌که با تشکر نقل شد

آزادی ـ برابری ـ برادری

شرق اعظم فرانسه ـ شورای عالی فرانسه ومستملکات

س ∴ س ∴ س ∴

شرق پاریس هفتم دسامبر ۱۹۱۴

برادران خیلی عزیز ∴

کنوانسیون ۱۹۱۳ بعضی تغییرات در مواد ۹ داد و از ۳۳ تا ۵۳ قانون اساسی که راجع بعدالت ماسونی است قبول کرد و بواسطه متحداًلمالی که سابقاً برای شما فرستادم این تغییرات را بتصدیق و امضای کارخانه‌هامیرسانیم نتیجه‌این تغییرات معلوم است تغییر بعضی‌ازمندرجات‌نظامنامه‌عمومی‌راجع باصل‌رسیدگی در شکایات‌وتشکیلات تفاوتی میگردد .

ازاین‌جهت تغییراتی درمواد ۱۳۲ تا ۱۳۷ واز۱۸۱ تا ۱۸۳ مکرر واز ۲۷۵ تا ۳۴۰ مکرر نظامنامه عمومی به‌دفتر (کنوان) پیشنهاد کردیم . چون این تغییرات را کنوان قابل توجه دانست مطابق ماده چهل و ششم قانون اساسی این تغییرات را برای مباحثه به ل∴ها میفرستیم :

سقه VI در انتظام

ماده ۱۳۲ ـ رئیس کارخانه حق دارد بهر برادری که اسباب انقطاع مذاکرات میشود یا اظهاراتی با صدای بلند میکند و اطاعت به‌صاحب منصبانی‌که مشغول ادای

وظیفه خود هستند نمی‌نماید یا بواسطه حملات شخصی خارج از ترتیب اغماض برادرانه که باید درهر کارخانه منظور شود رفتار نماید با نظرات برادرانه اخطار نماید ـ این اخطار ممکن است درصورت مجلس قید شود .

ماده ۱۳۳ ـ اگر برادر خطاکار به اخطار اطاعت نکند بازنظم و ترتیب مشورت برادران را برهم بزند رئیس باو امر مینماید که ازکارخانه خارج شود . اثر این حکم فقط برای مدت یك جلسه خواهد بود . ولی برادران میتوانند رأی بدهند که برادر خطاکارمنتها تا مدت ششماه درکارخانه داخل نشود .

ماده ۱۳۴ ـ بواسطه این منع دخول حقوق ووظائف ماسونی ذایل نمیگردد ولی اسباب میشود که مطابق ماده ۲۷۹ نظامنامه با وی برادرخطاکاردرحضورکمیته صلحیه و تحقیق حاضرشود .

ماده ۱۳۵ ـ اگرکمیته صلحیه و تحقیق حکم کند که تشکیل هیئت منصفه برادرانه لازم است این منع دخول موقوف میشود .

ماده ۱۳۶ ـ تکرارمخالفت با نظامات جلسات از قبیل حملات سخت و بی‌ادبی نسبت بکارخانه ویا صاحب منصبهای کارخانه نسبت بمشاغل آنها ممکن است موافق ماده ۲۷۹ نظامنامه عمومی اسباب شکایت شود .

ماده ۱۳۷ ـ اگریك مهمانی نسبت به نظم کارخانه قصوری نماید رئیس میتواند نظر بماهیت اقدام اورا تخدیر برادرانه بنماید ویا از کارخانه خارج کند . در صورت لزوم کارخانه میتواند برئیس اجازه بدهد که کارخانهٔ که آن مهمان دراوعضو است تقاضای مجازات اورا بنماید . این تقاضا باید خلاصه صورت آن مجلس راکه این حادثه درآن رخ داده همراه داشته باشد ـ درآن صورت مجلس شرح جزئیات آن حادثه خواهد بود.

بطوریکه سابقاً بشما در متحدالمال نمره ۱۹ اطلاع داده بودیم بشما پیشنهاد میکنیم که اگریك ماسنی اسباب اغتشاش کارخانه بشودکارخانه حق داشته باشد که کافی بداند باو قدغن نماید که در کارخانه حضور بهمرساند . عجالتاً بموجب قوانین موجوده

کارخانه‌که بواسطه یك ماسن نامطیعی نتواندکار کند اجازه ندارد جزاینکه درب‌خود را به‌بندد وتعطیل نماید وبعد بواسطه چندین نفراز برادران بازشدن‌کارخانه را استدعا نماید . هیچ نمیشود تحمل‌کرد که یك لژی بواسطه حرکات ناشایسته عمدی یا سهوی یکی ازاعضاء مجبور بموقوف داشتن‌کارخود بشود.

وفورمی‌که پیشنهاد میشود به‌ل .˙. ها اجازه دهیدکه یك ماسن‌را ششماه ازل .˙. خارج نمایند . این ترتیب‌گمان نمیکنم که اسباب اشکالی بشود بواسطه اینکه از یك طرف حقوق ماسنی شخص محکوم بجای خود باقی میماند از طرف دیگر بفوریت هیئت منصفه برادرانه رئیسه و برادر محکوم میتوانند در حضور این هیئت از خود دفاع نماید .

بواسطه ترکیب ماده ۱۳۳ نظامنامه عمومی و ماده ۳۴ قانون اساسی یك ل .˙. میتواند ازیك برادرکه بواسطه تندی وبی‌نظمی‌مانع کاراو بشود جلوگیری نماید. دیگر مجبور نخواهد بودکه بوسیلهٔ [یك‌کلمه‌خوانده نشد] که بستن ل .˙. باشد متوسل‌بشود. چون بستن ل .˙. شایان بسی تأسف است ل .˙. میتواند کارهای خود را تعقیب نماید و قوای قضائیه ماسنی هم مشغول رسیدگی و حکم قضیه باشد حقوق برادر متهم هم متزلزل نشده .





ارباب کیخسرو شاهرخ آخرین دبیر لژ بیداری ایران

مبارزه پنهانی انحلال لژ بیداری ایران

فراماسونهای ایرانی، اگرچه با تکیه به‌تشکیلات منظم‌خویش ورعایت دقیق اصول پنهانکاری وهم‌چنین بعلت‌عدم آشنائی مردم با سازمان وهدفها و مقاصد فراماسونرها ، میدان را برای فعالیت‌های خودکاملا باز وبلامانع میدیدند ، ولی‌دخالت آنان درکار دستگاه‌های‌حاکمه وبخصوص‌نقشه‌های محرمانه‌وجسارت آمیزی‌که برای نفوذ در دربارپادشاهان قاجارطرح میکردند . باعث شدکه‌یك مبارزه پنهانی بین سلاطین قاجار وفراماسونها درگیر شود . مبارزه‌ای‌که سرانجام بانحلال و پایان‌کاردوره اول فعالیت در«لژ بیداری ایران» منجرشد .

اعضای لژ بیداری ایران وفراماسونهای ایرانی ، ازنخستین روز ایجاد سازمانها وآغازفعالیت فراماسونی ، بمنظورکسب‌قدرت وانجام مقاصد ونیات خود ، همواره‌سعی داشتند دردستگاه حکومتی‌ایران رخنه‌کنند . بهمین‌جهت هرروزنقشه‌های‌گوناگون و تازه‌ای‌برای‌نفوذ ورسوخ‌دردربارناصرالدینشاه، مظفرالدینشاه ، محمد علیشاه،وبالاخره احمدشاه طرح میکردند .

اعضای لژباکمك برادران فراماسون خود ، سعی‌میکردند ، در رأس مقامات حساس مملکتی‌قرارگیرند وهمه امورکشور را قبضه‌کنند ، وبرای‌رسیدن به‌این هدف، نخست میکوشیدند ، تا آنجا که امکان داشت ، پست‌های مهم و مشاغل عالی را شخصاً عهده‌دارشوند ، درغیراینصورت یاران وخویشاوندان ، وبستگان مورد اعتمادخویش‌را باین پستهای حساس بگمارند . طبعاً چنین برنامه‌ای برای چهار پادشاه نامبرده قاجار که همه آنها از سازمانهای فراماسونی وحشت داشتند ـ خوشایند نبود و بهمین جهت درخفا با این سازمان‌مبارزه میکردند ومیکوشیدند قبلاازطرح‌ها واقدامات آنان‌باخبر شده واعمال‌وتصمیم آنهارا خنثی‌کنند. فراماسونها نیز برای مقابله با این اقدام‌پادشاهان قاجار ، برنامه دیگری تدارك دیده وازنخستین‌روزآغاز فعالیت درایران سعی‌داشتند، تشکیلات وسازمانهای علنی وباصطلاح مستقلی‌ایجادکنندکه بظاهرهیچگونه‌وابستگی به‌تشکیلات فراماسونری نداشته باشد .آنگاه درپناه این سرپوش اطمینان مقاصدخود

را عملی سازند . تا چنانچه پادشاهان قاجار قصد تشدید مبارزه و یا تعطیل لژها را داشته باشند ، این سازمانهای علنی ـ که درحقیقت همان تشکیلات فراماسونری بودند ـ کماکان بکار خود ادامه دهند .

نخستین تصمیمی که در این زمینه از طرف فراماسونرها اتخاذ شد، باعکس العمل شدید ناصرالدینشاه مواجه گردید . ماجرا چنین بود که فراماسونها با کمك بعضی از درباریان سعی کردند اجازه تأسیس انجمنی را که بظاهر هیچ ارتباطی با مجمع ماسونی نداشته باشد ، از پادشاه قاجار بگیرند و برای این منظور نامه‌ای بدون امضاء بشاه نوشته وازاو تقاضا کردند که اجازه تشکیل چنین انجمنی را بدهد. عرفان مینویسد:

«... درپایان مقال بذکر حکایتی میپردازیم که فداکاری آزادیخواهان قبل از مشروطیت را نشانه‌ایست . در بین این مردان فداکار فراماسونها سلسله جنبانی داشتندو هرجا دلی امیدوار وسری پرشور می‌یافتند ، آرام آرام درآن رخنه میکردند و او را برای روزگار نوی آماده میساختند . مخفیانه انجمن داشتند و بند شکنجه را بجان میخریدند ...

پیرمردی بود درشیراز لقبش مسعودالسلطنه وجدش میرزا فتحعلیخان صاحبدیوان، میگفت : من از غلام بچه‌های ناصرالدین‌شاه بودم ، وقتی که ناصرالدین‌شاه از سفر فرنگستان بازگشت ملازمان اوکه بایران بازگردیدند ، شب‌ها درباریان دیگر بگرد آنها جمع شده ، ازاوضاع فرنگستان پرسش‌هامیکردند واین پرسشها وپاسخ‌هااجتماع آنان راگرم مینمود وامید وآرزوی اینکه کارهای خوب فرنگستان درایران‌هم معمول شود ، دردل آنها ایجاد میگردید وبا شوق و رغبت در این اجتماع حضور می‌یافتند . بحدی که مایل شدند ، این اجتماع بیشتر اوقات دائر باشد وازاین مطالب گفتگو بمیان آید ، ولی مصلحت ندانستند ، بدون اطلاع شاه اجتماع آنها درست شود . عریضه‌ای بشاه نوشتند و استدعا کردند همانگونه که در فرنگستان هر طبقه‌ای انجمن دارند ، درباریها هم انجمنی داشته باشند، که هرهفته تشکیل شود ودرمطالبی که مصلحت اقتضا کند ، حرف بزنند . گفتند بهتر این است تو که هم بچه هستی و هم پدر بزرگت

صاحبدیوان نزد شاه معتمد ومقرب است عریضه را تو بشاه تقدیم‌کنی . من‌قبول‌کردم.

شاه معمولا صبح‌ها بعد ازفراغت‌ازکار، درحیاط راه میرفت وبخوردن نقل ومغز بادام وفندق وپسته‌که‌گاه بگاه پیشخدمتها بجیب او میریختند مشغول میشد . روزیکه خوشحال بنظرمی‌آمد ، درگوشه‌ای ایستادم وشاه‌که خواست ازجلومن بگذرد ، عریضه را به اودادم .

شاه پس از خواندن عریضه خشمناك شد ، نوك عصائی‌که در دست داشت روی گونه وزیرچشم من‌گذارده بسختی فشارداد . من طاقت نیاورده عقب رفتم . ولی‌اوفشار بعصا می‌آورد ، تا من بدیوار رسیدم وپشت بدیوار دادم وشاه با عصا بگونهٔ من فشار میآورد ، بحدیکه نزدیك بود چشمم بترکد . فریاد زدم وگفتم اگر حکم کنید سرم را ببرندگوارا‌تر باشد ... شاه عصای خود را برداشت.وبسر وصورت من زد ، تا جائی‌که عصا شکست و گفت من از کسانیکه این عریضه را تحریر کرده‌اند ، ازانجمنهای فرنگستان بیشتروبهتر آگاه هستم، صلاح ملك وملت ایران نیست این انجمنهارا داشته باشد . اگرکسی بعد ازاین اسم انجمن‌را بیاورد شکمش‌را پاره میکنم[۱]»

پس ازقتل ناصرالدینشاه و به سلطنت‌رسیدن‌مظفرالدین‌شاه سلیم‌النفس ،همینکه دهشت استبداد اندکی کاهش یافت وآزادی جان تازه‌ای گرفت ، فراماسونها که خود را آماده فعالیت میکردند، در صدد برآمدند، ابتدا یك سری تشکیلات غیر ماسونی بوجود آورند واین سازمان ها را کانونی برای جلب اعضای جدید ، انتخاب آنها و فعالیت‌های خود تبدیل کنند.

یکی از مراکزی که فراماسونها در تأسیس آن پیشقدم شدند ، انجمن اخوت بود. از یکصد وده نفری که مؤسس این انجمن بظاهر مستقل بودند ، بدون شك‌هفتاد نفرشان ازسران فراماسونی ایران بودند. بطوریکه خواهدآمد[۲]، انجمن اخوت درراه توسعه فراماسونیزم ، پیشرفت مقاصد سیاسی‌و استقرار مشروطیت نقش موثری داشت. بدین جهت محمدعلیشاه که خود باپرداخت یکهزار اشرفی به افتخار عضویت در لژ

۱ـ مجله یغما سال‌سیزدهم ص ۵۵۱

۲ ـ رجوع‌شود به فصل گراند لژ مستقل ملی‌ایران همین‌کتاب .

فراماسونری جامع آدمیت در آمده بود ، محو و نابودی انجمن اخوت را در رأس برنامه‌ها و جزء نخستین کارهای خود قرارداد و روزیکه مجلس‌را به توپ بست،دستور داد خانه صفی‌علیشاه ظهیرالدوله را که داماد ناصرالدینشاه و خانه‌اش هم مرکز لژ بیداری ایران وهم محل تشکیل جلسات انجمن اخوت بود، ویران‌کنند. ولی یکی‌از اعضای فراماسونری‌که درخدمت شاه‌مستبد قاجار بود، شب قبل ازحمله به این محل ، تصمیم محمدعلیشاه‌را به اطلاع کارگردانان لژ بیداری رسانید ، رؤسای لژ شبانه همه اسناد ومدارك لژرا بوسیله ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملك) به سفارت فرانسه برده، با کمك میرزامحمودخان‌منشی‌سفارت(سناتورمحمودجم‌کنونی)آنهارادریکی‌ازاطاق‌های سفارت به‌امانت‌گذاشتند. درنتیجه روزبعد وقتی سربازان‌سیلاخوری‌باتوپ های «شرـ پنیل» خانه‌داماد شاه را ویران کردند، وهمه جواهرات ولوازم خانه رابه یغمابردند، نتوانستند به اسناد لژ بیداری دست یابند . محمود محموددرین باره مینویسد :

«... علاوه بر محافل لندنی ، از طرف لژ داران پاریس نیز درتهران‌لژایرانی دایرگردید .

دستگاه مرحوم ظهیرالدوله مربوط بفراماسون فرانسه بود . اینکه در زمان سلطنت محمد علی میرزا خانهٔ ظهیرالدوله را غارت‌کردند ، به‌این دلیل بودکه محفل فراماسون را درآنجا سراغ‌کرده بودندولی مرحوم ظهیرالدوله‌قبلا خبردار شده،اثاثیه ماسونی‌را ازآنجا به‌سفارت‌فرانسه برده بودند، ولی‌خانه غارت شد وعمارت نیزویران گردیدو دیگر آباد نشد . شاید حال هم بهمان حال‌باقی مانده باشد ...»[1] در جای دیگر می نویسد: « ... چون قبلا اطلاع رسیده بود که محمدعلی میرزا چنین قصدی دارد شبانه وزیرمختار فرانسه را دیده بودند وهرچه‌که متعلق به‌ماسونهای فرانسه بود به‌سفارت فرانسه بردند وشاید تا امروز هم همانجا باشد از قراراطلاعی‌که دارم دیگر محفل‌آنها دایرنگردید»[2].

بعد از عزل‌محمد علیشاه از مقام‌سلطنت وپیروزی مشروطه خواهان،فراماسونها

۱ـ تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس ص ۱۸۳۹

۲ ـ ایضاً ص ۱۸۴۰.

که دراین دوران از مبارزات مـردم ایران شرکت فعالانه داشتند ورهبری انقلاب را پنهانی عهده دار بودند، این بار محل مخصوصی را که در خیابان پستخانه بود،مرکز فعالیت خود قراردادند و درروز ۱۴دسامبر۱۹۰۹ (سه‌شنبه سلخ ذیقعده ۱۳۲۷) مجدداً لژ بیداری را با همه تشریفات رسمی تنصیب کـردند . لژ مذکور تا سال ۱۳۱۰ ـ ش (۱۹۳۱ـم) کماکان ماهی یکبار جلسات خود را تشکیل میداد . ولی در بین‌سال های ۱۳۱۲ـ۱۳۱۰ که ارباب کیخسرو شاهرخ منشی گری لژ رابه عهده داشت ، بدستور پلیس جلسات لژ تعطیل شد. یك نشریه نیمه مخفی فراماسونها می‌نویسد:

«... لژ بیداری ایران تا بیست سال پیش [سال ۱۳۱۲] مشغول فعالیت بود . لیکن پس از آنکه سختگیری‌های دولت رو بشدت نهاد ، ناچار ازفعالیت آنان‌کاسته شد، مخصوصاً همینکه مرحوم ارباب کیخسرو که سمت دبیری لژ را دارا بود، تحت نظر قرارگرفت و سپس فوت شد، لژ به‌یکبار از کار خود باز ماند و فرو خوابید ...[1]»

و بدین ترتیب به فعالیت نخستین لژ رسمی و با اجازه یك سازمان فراماسونی جهانی خاتمه داده شد.

---

(۱) تاریخچه جمعیتهای سری ازانتشارات لژ همایون سال۱۳۳۲ص۶۳.

فصل هفدهم

فراماسنها وانقلاب مشروطیت ایران

در بارهٔ اینکه ماسونها تا چه حد در نهضت مشروطیت ایران سهم داشتند ، نظرهای مختلف بیان گردیده است که گاه اغراق‌آمیز به‌نظر می‌رسد. لیکن حقیقت آنست که نمی‌توان دخالت علنی و مخفی و سهم آنهارا درکار مشروطیت اغراق‌آمیز دانست . در اینکه این گروه درهیجان وغلیان افکار بخصوص درسالهای آخر حکومت مستبده محمد علیشاه مؤثر بودند تردیدی نیست . ولی تعیین حدود واثر عملیات آنان مستلزم سنجش دقیق‌تری است .

متأسفانه تاریخ نویسان بخصوص«کسروی»که حقاً مطالعات ارزنده‌ای در بارهٔ دوران مشروطیت دارد ، در این باره سکوت کرده ودکتر ملکزاده نیز که‌خود«ماسن» و «ماسن‌زاده» بوده است ، در حالیکه خود را به بی‌اطلاعی می‌زند ، فقط چند جمله در باره «حزب فراماسون» نگاشته است . و فقط محیط طباطبائی در مقالهٔ خود موسوم به «مشروطه ستمدیده» می‌نویسد :

«در میان مشروطه طلبان اول افراد سرشناسی بوده‌اند که پیش یا پس از اعلام مشروطیت کم‌وبیش با مبانی فراماسونی آشنائی یافته بودند یا با برخی افکار و عقاید اجتماعی کم و بیش سابقه انس داشته‌اند ولی میزان دخالت و ارزش شخصیت آنها به اعتبار بستگی با فراماسون یا مسلك دیگری در جنبش مشروطه و تحول وضع و دفاع

مردانه‌ای که بعد در برابر هجوم استبداد صغیر شد چندان قابل توجه بلکه در خور ذکر نیست ... و آزادیخواهی سعدالدوله با عضویت قدیمی او در لژ فراماسون بلژیك ارتباطی نداشت ...»[1]

در واقع نقش فراماسونها در انقلاب مشروطیت ایران قابل انکار نیست ، لیکن به علت آنکه مأخذ و مدارك صریحی در این باره در دسترس نبوده ، بررسی صحیح درین باره صورت نگرفته است . بعلاوه این نکته مسلم است که روزی که ناصرالدین شاه کشته شد ، فراماسونها به طور علنی وارد جرگهٔ مشروطه خواهان ایران شده و از آزادمردان مشروطیت انقلابی تر شدند .

اکنون لازم است قبل از آنکه به تشریح اعمال و کردار وفعالیت ماسونهای ایرانی در انقلاب مشروطیت بپردازیم، قدری از گذشته و علل دخالت ماسونها در انقلابات مختلف جهانی بحث کنیم .

پس از انتشار قانون اساسی فراماسونری در سال ۱۷۲۳ (۱۱۳۶ ه) همواره فراماسونهای «فلسفی و سیاسی» سه کلمهٔ : آزادی، برادری ، برابری را شعار گفتارهای خود قرار می‌دهند و به آن تکیه می‌کنند .

در درون لژهای ماسنی جهان این سه کلمه با حروف درشت نقش شده و سرفصل سخنرانیهاست . تاکنون هزاران سخنران ماسن در باره مفهوم هریك از این کلمات سخنرانیهای طولانی نموده‌اند و هر عضوی که وارد محافل آنها می‌شود ، اهمیت این شعار را به او تذکر می‌دهند ولی در حقیقت در زیر ماسك این کلمات مقاصد «استاد اعظم» انجام می‌شود . شاید اگر گفته شود که شرکت فعالانهٔ ماسونها در انقلابهای بزرگ جهان نظیر (انقلاب کبیر فرانسه ، انقلاب آمریکا ، انقلابهای اسپانیا و ایتالیا) به بهانهٔ حفظ و توسعهٔ همین سه کلمه بوده ، سخنی بیهوده نباشد .

مرحوم محمودمحمود می نویسد : «... کلمات سه گانه موهوم که عبارت از آزادی

---

۱ ـ مجلهٔ تهرانمصور شماره ۹۶۳ سال ۱۳۳۰ ص ۱۳

برابری ، برادری می‌باشد ، یك آتشی در سال ۱۷۸۹ در اروپا به وجود آورد که خشك و تر هرچه بود سوخت و روح ملت فرانسه را طوری مسموم نمود که هنوز هم که هست از اثرات آن سم مهلك خلاص نشده‌است و ملت فرانسه به حال طبیعی خود عودنکرده است . روشن‌کنندهٔ این آتش همان اعضاء مجامع و محافل فراماسون بودند که بعدها رفته رفته شراره این آتش به تمام ممالك عالم سرایت نمود دنیائی را به آتش بیداد خود سوزانید . امروز هم این سه کلمه دام بسیار خطرناکی است که تمام ملل مقتدر و غیر مقتدر را به وحشت انداخته است . **من بیش ازاین نمی‌خواهم در سر این موضوع معطل بشوم فقط می‌گویم همین آتش بعدها به خرمن هستی ایرانی افتاد و ملت ایران را سالها گرفتار انواع مصائب و محن نموده است .** پس از آن دودمان آل عثمان را به خاکستر سیاه نشانید روسیه یکصد و شصت ملیون نفوس را با شعله‌های سوزان خود غافلگیر کرده هستی آن ملت غیر مجرب را بباد فنا داد و هنوز هم خاتمه پیدا نکرده است .

من این تذکر مختصر را به هموطنان خود می‌دهم که بعدها بیدار و هوشیار شده گول این شیاطین شیاد را نخورند و به الفاظ فریب‌دهندهٔ آنها گوش ندهند و به کتابهای شیرین وعبارات نغز آنها مفتون نشوند. مجذوب نویسنده‌های آنها که دارای عناوین فاضلانه و عالمانه و غیره هستندنگردند این الفاظ واین عبارات و این نویسنده‌های عالم و فاضل آنهائی هستند که دنیا را با کلمات شیرین و فریب دهنده اغفال نموده آتش فتنه وانقلاب را در هرسرزمینی دامن‌زده‌واسباب اسارت‌دائمی سکنهٔ آنها رافراهم می‌آورند . باور بکنیدازآن روزی که عنوان فراماسون در این مملکت پیداشده‌ومحفل سری آنها به اشارهٔ لندن در این سرزمین تشکیل گردید . از همان روز بدبختی و سیه روزی ملت ایران شروع شده است . همینکه ناراضی‌ها و ساده‌لوحان و طبقه شیاد و ماجراجو در اطراف این محفل گردآمدنداز آن روز اساس حکومت ایران متزلزل گردید و امنیت از مملکت ایران رخت بربست ...» [۱]

---

۱ ـ جلد پنجم تاریخ روابط سیاسی ایران‌وانگلیس .

در کتابی نیمه مخفی که بعدها از وقایع شهریور ۱۳۲۰ (اوت ۱۹۴۲ م) به وسیلهٔ یکی‌از سازمانهای فراماسنی‌ایران‌منتشر شده‌است ، هنگام‌بحث در بارهٔ انقلابهای جهانی و نقش فراماسونهاچنین نوشته شده است:

« ... ونیز در تاریخ عصر جدید ، فعالیت دامنه‌دار انجمنهای سری فراماسونی در اروپا بود که زمینهٔ انقلاب‌کبیر فرانسه را آماده کرد و این انقلاب عظیم منجر به صدور اعلامیهٔ حقوق بشر گردیدکه در حقیقت موادی از آراء و نظریات فلسفهٔ ماسونی است .

شرکت لافایت که در جرگهٔ برادران بنّای فرانسوی بوده در جنگهای آزادی آمریکا نیز مثال دیگری است‌برای اثبات این نظریه ...[1]»

فراماسونهای بعد ازسال ۱۷۱۷ م‍ (۱۱۲۹ ه‍) نه تنها درانقلابهای داخلی‌ممالك اروپائی بلکه در حوادث و انقلابهای آسیائی نیز رخنه کرده‌اند . در انقلابهائی‌که‌در مصر ، مراکش ، فلسطین ، عثمانی ، ایران وهند و سایر ممالك خاور زمین‌رویداده ، فراماسنها و لژهای ماسنی نقشهای مؤثری داشته‌اند . نشریهٔ نیمه مخفی ماسنهای ایرانی می‌نویسد :

« ... بعلاوه در تاریخ انقلاب مشروطیت عثمانی (منظور تدوین قانون اساسی مشروطیت به وسیلهٔ مدحت پاشا است[2]) و ایران سایهٔ دست انجمنهای فراماسنی در آماده‌کردن زمینهٔ انقلاب و رهبری آن آشکارا و نمایان است ... [3]»

همین کتاب در بارهٔ نقش‌فراماسنها در انقلاب مشروطیت ایران می‌نویسد :

« ... باید اعتراف کرد که در زبان فارسی با همهٔ‌اینکه در ایران از اینگونه جمعیتها نظیر اخوان الصفاء ، باطنیه ، قرامطه و اسماعیلیه از خیلی قدیم پدید آمده بود و نیز فراماسنهاکه در عصر جدید بوده‌اند و در جنبش مشروطیت ایران دستی‌فعال

---

۱ ـ تاریخچهٔ مختصر جمعیتهای سری از قدیم تا جدید ص ۹

۲ ـ مدحت پاشا ، معاصر میرزا حسینخان سپهسالار است‌که هر دو در یك دوره‌اقدام به تدوین قوانین کردند و فراماسون وعضو لژ اسلامبول بودند .

۳ ـ تاریخچهٔ مختصر جمعیتهای سری از قدیم تا جدید ص ۹ نشریه لژ همایون

داشته‌اند کتب و رسائلی در این زمینه نوشته شده وکسی به فکر تتبع در این رشته از تاریخ بر نیامده است ...»[۱]

نویسندهٔ دیگری[۲] که اجدادو خویشانش اغلب در سازمانهای فراماسنی بوده‌اند در بارهٔ انقلابهای جهانی و مشروطیت ایران و نقش فراماسنها می‌نویسد :

« ... در ایران و ممالك شرق شیوع دارد که سازمان فراماسونی را انگلیسها اداره می‌کنند و مجامع فراماسونی فقط مجری و پشتیبان سیاست انگلستان هستند. اما خود فراماسونها می‌گویند هدف و مرام فراماسونی آدمیت است یعنی کمك به تهذیب اخلاق و از میان بردن اختلافات مذهبی میان ملتها که جای اختلافات و کشمکش مذهبی قوای خود را برای تربیت و تهذیب متمرکز و متحد سازند.

ولی در این نکته تردیدی نیست که دیپلماسی انگلستان در طی قرنهای هفدهم تا اواخر نوزدهم از وجود سازمانهای فراماسونی انتفاع فراوان برده و قسمت عمدهٔ نهضتهای آزادیخواهی در ممالك دنیا که رژیم سلطنت استبداد او را درهم کوبیده است فراماسونها دخالت مؤثر داشته‌اند مثل همین مشروطیت ایران که فراماسونها در مساعد ساختن زمینه ومتوجه ساختن مردم به مزایای مشروطیت نقش خیلی مؤثری داشتند...»[۳]

فراماسنهای جهان نه‌تنها در جنگهای داخلی، انقلابات و تغییر رژیمهای ممالك

۱ـ تاریخچهٔ مختصر جمعیتهای سری از قدیم تا جدید ص ۱۰

۲ـ روزنامهٔ واهمه شماره ۱۳۲ ـ اردیبهشت ۱۳۳۳ ـ صاحب امتیاز و مدیر این روزنامه و نویسندهٔ این مقاله علی سپهر هستند که از روزنامه‌نگاران بنام وخوشنام ایران می‌باشند. مرحوم لسان‌الملك ، سپهر از افراد سرسلسلهٔ همین خانواده درلژ فراماسنی میرزاملکم‌خان ناظم الدوله نقش مؤثری داشت ومدتها لژ مزبور در خانه او تشکیل می‌شد . همچنین نبیل‌الدوله از رؤسای بهائیست که سالها مقیم آمریکا بود ودر لژ فراماسنی آمریکا مقام شامخی بدست آورد و همیشه انگشتر استاد اعظم را در دست می‌کرد از افرادهمین خانواده است . مورخ الدوله سپهر ، سیاستمدار وزیر و مدیر بانك بیمه ملی آخرین فرد این خانواده است که یك لژ فراماسنی (بدون اجازه از مراکز ماسنی جهان) در تهران تشکیل دادکه مورد اعتراض واقع شد و پس‌ازمدتی مجبور به تعطیل آن گردید .

۳ ـ روزنامهٔ واهمه شماره ۱۳۲

شرکت داشتند بلکه در جنگهای بین‌المللی نیز مؤثر بودند . در جنگ بین‌المللی اول که به‌شکست آلمان تمام شد ، فراماسونها و یهودیهای آلمان که از انگلستان، فرانسه و متحدین آنها جانبداری می‌کردند ، نقش اساسی داشتند . یهودیها که در مجامع فراماسنی دنیا نقش مهمی دارند ، حتی علامت شش گوشهٔ خود را جزو علائم ماسنی کرده،واز وجودکلیمیان آواره جهان برای توسعهٔ فعالیت ماسنی استفاده کرده ومی‌کنند. هیتلر که از علل شکست قوای آلمان در جنگ بین‌المللی اول به وسیلهٔ یهودیهاوفراماسنها واقف بود ، همینکه قدرت پیدا کرد و حکومت دیکتاتوری را در آلمان تشکیل داد، کلیهٔ مجامع فراماسنی آن کشور را منحل و ارتباط آنها را به ظاهر با (انگلستان و فرانسه) قطع کرد . هیتلر چندین بار علناً گفت که (یهودیها و فراماسنها) از بزرگترین عوامل شکست آلمان در جنگ بین الملل اول بودند . پس از اشغال پاریس ، قوای هیتلر مرکز لژهای (گراند اوریان) و (گراند لژ ناسیونال دوفرانس)را اشغال کرده ، کلیهٔ اسناد ومدارك آنها را به برلین حمل کرد [۱]

ماسنهای اصیل و حرفه‌ای قبل از الحاق به سازمان فراماسونری انگلستان ، همواره (برادران)خودرا ازشرکت درحوادث وتوطئه‌ها و انقلابهای ممالك منع کرده‌و حتی در مادهٔ ۲ مرامنامهٔ خود تأکید کرده بودند که به مقام سلطنت وحکومتهای وقت وفادار باشند و توطئه‌هارا اختنثی کنند : « به‌سلطنت خود و به وارثین وجانشینان قانونی آن وفادار باشید و هیچگاه مرتکب غدر وخیانت نشوید و هرگاه بشنوید یا ببینید کسی مرتکب خیانت شود وظیفه دارید که فوراً به اعلیحضرت یا مشاورین مخصوص وی یا هر مقامی که وظیفهٔ رسیدگی به این امور را داشته باشد خبر دهید ».[۲]

۱ ـ این اسناد به وسیله یك واگن به برلن حمل شدولی مجال بهره‌برداری‌واستفاده از آن دست نداد . پس ازشکست آلمان و اشغال برلن ، قوای فرانسه واگن حامل اسناد را پیدا کرده‌به پاریس برگرداند . این اسناد ابتدا تحویل‌کتابخانهٔ ملی پاریس شد ولی‌پس از چند ماه مراکز فراماسنی فرانسه اسناد را پس‌گرفتند . مقداری از اسناد قدیمی که‌قابل استفاده‌بود مجدداً به‌بایگانی تحویل شده وبقیه‌که غیرقابل استفاده بود بکارخانهٔ مقواسازی حمل وبه صورت خمیر ومادهٔ اولیهٔ کاغذ درآمد .

۲ ـ انقلابهای فراماسونری ـ فرای ص ۱۷۲

اما فراماسونری جدید وسازمانی‌که درآن شاهان ، شاهزادگان ، سیاستمداران انگلیسی و حتی وزارتخانه‌های این دولت مؤثر بوده وهستند ، همواره برحکومتهای مخالف خود بوسیلهٔ لژهای ماسنی پیروز می‌شوند . در فراماسنی جدید (حفظ اسرار و یاغیگری برادران) و (کمك به یاغیان همچون‌کمك به بینوایان) فرض شده ، در حالیکه در فراماسنی حرفه‌ای ماسونها موظف بودند که اسرار یاغیان را افشاء کنندو آنها را به‌دولت و دربار انگلیس معرفی نمایند .

در قانون اساسی دکتر آندرسن جملاتی‌دیده‌می‌شود که بکلی مغایر عمل‌ماسنها از قرن هیجدهم به بعد است. آندرسن می نویسد :

« یك ماسون عبارت است از یك فردآرامش‌طلب و مطیع مقامات رسمی محلی، که در آن سکونت دارد و کار می‌کند ، باشد . ماسون هیچوقت نباید در دسائس و پیمانهای عصیانی که ضد صلح و سعادت ملت بسته می‌شود دخالت کند ونباید نسبت به اولیاء امور صاحب منصبان تابع بی‌انضباط و نافرمان باشد زیرا جنگها و قتل عامها و بی‌نظمیها همیشه به‌ضرر تشکیلات فراماسونی‌تمام شده است .

شاهان و شاهزادگان قدیم به‌علت صحت عمل و آرامش طلبی ماسونها همواره فراموشخانه را تقویت و تشویق کرده‌اند و بدین ترتیب‌ماسونها توانسته‌اند افترائات مخالفین را ردکرده وبرای دسته‌خودشان‌که درموقع صلح بیشترزمینه ترقی دارد، بیش از پیش‌تحصیل افتخارات‌کنند .

پس اگر یکی‌ازبرادران ماسون نسبت به دولت عصیان‌نمودنباید وی‌را تقویت و کمك‌کرد لیکن ممکن است او را چون بینوائی مورد شفقت قرار داد و اگر به‌خیانت دیگری محکوم نشده است ، با آنکه ماسون صحیح‌العمل هرگز نباید روابط خود را با دولت موجود در کشور با شائبه عدم اعتماد کدر و لکه‌دار سازد ، معذالك‌نمی‌توان وی را از محفل خارج کرد زیرا رابطهٔ وی با جمعیت قطع نشدنی است ...»[۱]

بدین‌ترتیب ملاحظه‌می‌شود فراماسونی جدید خود را بالاتر از اجتماع‌می‌داند.

---

۱ ـ قانون اسامی فراماسونی چاپ ۱۹۰۲

درصورتیکه فراماسونی قدیم (حرفه‌ای) خود را بعنوان عضوی از هیئت اجتماع فرض می‌نمود . فراماسونی‌جدید درعمل معارضه با اجتماع را منطقی نمی‌داند زیرا جنگ و بی‌نظمی در هرصورت مضر است ، لیکن مأموریت حفظ نظم را در اجتماع بعهده نمی‌گیرد و اعضاء خود را فدای «منافع‌مشترك» نمی‌کند ، از مضرات اجتماع‌می‌پرهیزد و درعین‌حال خود را مافوق دولت و ملت می‌داند . بعلاوه درمقررات آن، بردن نام « شاهزاده و والی » را منع می‌کند و در قانون اساسی نامی از آنها نمی‌بردو در عوض صحبت از ملت و صاحبمنصبان یا داوران تابع را مجاز می‌داند .

زمینه و پایهٔ فراماسونری حفظ مقررات وقوانین رژیمهای موجود نیست ، بدین جهت تنها ارتباطی را که بامقامات دولتی می‌پذیردهمانا رابطه اجتماعی است .ماسنها ظاهراً خود را از عالم سیاست دور می‌دارند ، لیکن هرگز راضی نمی‌شوندکه سیاست آنها را از انجام مرامشان باز دارد . ماسونها به همین جهت محافل خودرا از نظارت دولتها مستورمی‌دارند. اختفاء محافل ماسنی جدید درسالهای اولیه تأسیس سبب شدکه سلاطین و شاهزادگان قرن هیجدهم در نزدیکی باآنان ، اصرار بورزند و باآنهاحسن ارتباط داشته باشند . در بعضی ازکشورها ، شاهان و شاهزادگان نیز چون می‌ترسیدند که محافل ماسنی برضد آنها اقدام کنند ماسن می‌شدند .

فای نویسندهٔ فرانسوی می‌نویسد :

« منظور وهدف فراموشخانهٔ انگلستان جنگ داخلی نیست بلکه برعکس به قدرت حاکمه ، به سلسله هانوری‌که « ستوارتها » را خارج از انگلستان نگاه‌می‌دارد و با « بورین » ها رقابت می‌کند وبکمك شما هنگام آزادی‌طلبی سیاسی و مذهبی و ایجاد اتحاد ملی متکی‌است .

افکاراولیهٔ فراموشخانه‌با سیاست جرج‌ها توافق‌دارد وبه‌این‌جهت شاهان‌هانوری باآن همکاری می‌کنند ولی چون تشکیلات‌آن جنبهٔ بین‌المللی دارد . ممکن‌است اگر ببیندکه برخی دولتهای دیگر ازاشاعهٔ افکار «ماسنی» جلوگیری می‌نمایند ، یا در راه منافع حقیقی‌ملت خودکارنمی‌کنند ویا برای انگلستان هانوری ایجاد خطرمی‌نمایند،

با این دولتها ابراز مخالفت کنند . با آنکه فراموشخانه طبق قواعد وسنن طبیعت خود نمی‌تواند به‌وسایل خشونت‌آمیز متوسل شود ، از آنجا که نوعی ابزار تبلیغاتی است ، می‌تواند مبارزه کند...»[۱] ازاین جملات می‌توان استنباط کرد که مجامع فراماسنی خود را بالاتر و برتر ازدولتها ، ملتها ، شاهان ، ادیان و طبقات مختلف دانسته و در صورت لزوم درمبارزات مخفی وعلنی با آنها شرکت می‌کنند .

نظرات وفعالیتهای ماسنی ایران در یکصد وپنجاه‌سال

در ایران هم از روزیکه نخستین ایرانی به‌عضویت فراماسونری درآمد ، فراماسنها همیشه ، درحوادث دست داشتند و یا مؤثر بوده‌اند . فراماسنهای ایرانی درمدت یکصدوپنجاه سال همواره سعی داشتند خود را حامی و مدافع آزادی و آزادیخواهی و حکومت قانون و ترقی و توسعه تمدن جدید نشان دهند . در طول قرن هجدهم تقریباً همه‌کسانی‌که بعنوان محصل ، سیاستمدار، بازرگان ویا سیاح به‌اروپا رفته بودند فراماسون شدند. وتماس آنها با دنیای مترقی اروپا ورفت وآمد آنها بممالك اروپائی در حال رشد و توسعه سبب شد تاآنها نیز با اتکاء به‌کلمات فریبندهٔ آزادی وترویج آئین حکومت دمکراسی و پارلمانی درایران متوسل شوند . فراماسنها همه‌جا می‌گفتند بقاء حیات ایران مستلزم آنست‌که :

اولاً ـ تمدن غربی درآن‌راه یابد وترقیات جدید این‌کشور رواج پیداکند.

ثانیاً ـ اصول حکومت برپایهٔ قانون قرار گیرد .

آنها خوب فهمیده بودندکه درآن دوران خواب خرگوشی ، این کلمات ظاهر فریب یگانه وسیلهٔ رسیدن به هدفهای « استاد اعظم » و مراکز فراماسونری جهانی خواهد بود .

مهندس میرزا صالح شیرازی سومین فراماسون ایرانی است‌که در سفرنامه[۲]‌اش دربارهٔ « حکومت پارلمانی » و «ترقیات جدید» بحث‌کرده‌است. اوشرح مفصلی دربارهٔ پارلمان انگلیس وحکومت انتخابی و مشروطه نوشته است وآرزومی‌کندکه در ایران

۱ـ فراموشخانه وانقلابهای قرن هیجدهم ص ۱۲۳

۲ـ این سفرنامه‌را نگارنده به چاپ‌رسانیده واصل سفرنامه درموزه بریتانیاست.

نیز ترقیات جدید رواج پیدا کند.

ولی قبل‌ازاینکه «فراماسنهای‌ایرانی» وفرنگ رفته‌ها به‌فکر«اخذ تهران‌غربی واصلاح وترقی» باشند، میرزا تقی‌خان امیرکبیر به‌فکراصلاح و ترقی ایران افتاد و حرفهائی‌که بعدها لژنشینان میزدند، او به مرحلهٔ عمل نزدیك کرد. اما افسوس‌که دشمنان ایران‌وار بابان‌لژنشینان، اوراازپای‌درآوردند. امیرکبیر که مبرزترین نمایندهٔ مکتب اصلاح و ترقی بود، در مدت کوتاه زمامداریش، اصلاحات بزرگی در کار حکومت واموراقتصاد واجتماع ایران بوجودآوردکه هنوزهم پس ازگذشت یکصدسال اجرای نیات‌اوبرای بهبود مملکت لازم وضروری است. ولی‌ناصرالدینشاه نمی‌خواست درایران وضع عوض شود. می‌گویند وقتی دارالفنون افتتاح شد و عده‌ای از جوانها تربیت شدند، صدراعظم ازناصرالدینشاه خواست تا یك‌روز بمدرسه بیاید و از نزدیك وضع شاگردان‌را ببیند.

پس از اینکه چندین‌بار این تقاضا تکرار شد، یکروز که قبلهٔ عالم بیکار بود به‌اتفاق عده‌ای‌ازدرباریان به‌دارالفنون رفت. درضمن‌بازدید ازنخستین‌مؤسسهٔ‌فرهنگی ایران، صدراعظم ازشاه تقاضاکرد تاشخصاً ازشاگردان سئوالاتی بنماید. شاه بااصرار صدراعظم از یکی ازشاگردان پرسید: «پسر بلجیك کجاست؟ وچطور جائی است؟» شاگردمزبور در مدت نیمساعت شرح مفصلی درباره تاریخ، جغرافیا و وضع اجتماعی «بلژیك» «نه بلجیك» بیان‌کرد.

دراین‌مدت شاه سرش را زیر انداخته وبا حالت غیظ و غضب به جوابها گوش میداد. همینکه جواب شاگرد تمام شد، شاه با عصبانیت دارالفنون را ترك‌گفت.

صدراعظم و همراهانش‌که منتظر احسنت وآفرین شاه بودند، با بهت و حیرت بهم نگریستند، هیچکس نتوانست علت عصبانیت شاه را بفهمد[1] چند هفته بعد،روزی صدراعظم از شاه علت عصبانیت و ناراحتی‌اش را دو آنروز پرسید. ناصرالدینشاه به اوگفت:

۱ـ مجله شیرشماره ۳ سال ۱۳۴۰ شمسی.

«این چه دکانی است ، که بازکرده‌ای . اگر مردم بفهمند « بلجیك » چه جائی است بعدها چه‌کسی بمن وتوسواری میدهد ومرا شاه وتورا وزیر میکنند ! »

دومین صدراعظمی‌که به‌تقلید از امیرکبیر افکار ترقی خواهانه داشت ، میرزا ـ حسینخان سپهسالار بود اودرمدتی‌که سفیرایران در اسلامبول بود وارد لژ فراماسنی شده بود وحتی یکباربه‌ریاست لژانتخاب‌گشته ومقام « استاد اعظم » به‌اوداده شده بود. بارها میرزا حسینخان در مدتی‌که سفیر ایران در اسلامبول بود ، بدستور لژ نشینان اسلامبول توجهٔ زمامداران ایران را با ایجاد حکومت قانون ومشروطیت‌که درعثمانی با هدایت فراماسنها ومدحت پاشاآغازشده بود جلب‌کرد .

هم اوبودکه برای نخستین باراصلاح ایران‌را منوط به‌کشیدن راه‌آهن، تأسیس مدارس‌جدید وتشکیل «مجلس‌شورای دولت» دانست . میرزا حسینخان،دراساسنامه‌ای که برای مجلس شورای دولت نوشت ، نظردادکه‌کلیهٔ قوانین مدنی واجتماعی مملکت باید با تصویب «مجلس شورای دولت» باشد . درهمین وقت سیدجمال‌الدین‌اسدآبادی، استاد لژهای فراماسنی انگلستان ومصر ومؤسس محافل ماسنی‌ایران بنای فعالیت‌برای ایجاد (مشروطیت) درایران راگذارد .

بدون‌شك سیدطبق دستورلژماسونری‌انگلستان بخصوص‌ولف‌وبراون وباحمایت ماسونهای انگلیس درمناطق نفوذ انگلستان نغمهٔ‌آزادی را بلندکرد ، تا جادهٔ استعمار انگلستان هموار شود.

پس ازوی میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله فکراخذ تمدن غربی را اشاعه دادکه از نظرسیاسی‌وحتی‌نفع شخصی‌مرتکب اشتباهات بزرگ‌گردید. درزیرپرده «فراموشخانه» عده زیادی از جوانان پرشور و تشنهٔ آزادی را آمـاده مبارزه با دربار مستبد قاجار و ناصرالدینشاه‌کرد . ملکم خود « فکر تسلیم مطلق بتمدن خارجی » را اشاعه داد و در مدت ۵۰ سال رساله‌های متعددی در اصلاح حکومت و اخذ تمدن خارجی و استقرار

قانون وعقاید مربوط به‌مساوات وآزادی درایران نوشت که توسط مریدانش منتشر شد. عقاید معروف « اگوست‌کنت فیلسوف بزرگ » را دربارهٔ (دموکراسی و بشردوستی) سرلوحهٔ عمل امضاء قرارداده بود[1].

کانون‌عقایدفرنگ‌رفته‌هاوتمدن‌خارجی که بوسیله‌فراماسنهاایجادشده‌بود، بوسیله اعضاء فراموشخانه به‌دربارناصرالدینشاه نیزرسوخ‌کرده وحتی «مرکزی » بوجودآورد. دراین مرکزجمعی ازشاهزادگان ، درباریان وخدمه نزدیك شاه وارد شدند. درکانون مزبورمأمورین دولت واروپا رفته‌هاکه اکثراً درلژهای ماسنی انگلیس وفرانسه وحتی عده‌ای که دربلژیك فراماسون شده بودند شرکت داشتند .

دکترملکزاده‌که پدرش و(شاید هم خودش) عضولژ فراماسنی ایران بوده است، درتاریخ انقلاب مشروطیت ایران ، نقش همه مردان‌آزادیخواه ایران وحتی شیفتگان «اصلاحات وترقی‌ایران» را فراموش‌کرده وهمه‌حوادث وحتی‌انقلابات فکری‌رامرهون فراماسونری دانسته چنین می‌نویسد :

« تا قبل از پیدایش حزب فراماسن در ایران ، ایرانیان از افکار نوین و فلسفهٔ جدید وعقاید احزاب مترقی اروپا وعلل اختلافات فکری و انقلابات اجتماعی اطلاعی نداشتندو اگرهم‌کم وبیش ازطرقی‌که در فصول پیش بدان اشاره کردیم اطلاعاتی پیدا کرده بودند خیلی سطحی وکم عمق بود و مسموعاتی بیشتر نبود . ولی پیدایش حزب فراماسون درایران وشرکت عده‌ای ازمردان روشنفکر وآرزومند تغییرات اجتماعی‌در این جمعیت ، جمعی ازایرانیان را به‌فلسفهٔ نوین دنیای مترقی آشناکرد و آرزوها را در روی یك پایهٔ محکمتری استوارنمود. عده‌ای ازرهبران بزرگ، مشروطیت‌ومؤسسین انقلاب ملی چنانچه پس‌ازمرگشان معلوم شد درآن حزب شرکت داشتند .

تأمین کنندگان طریقهٔ فراماسونری در ایران بطور تحقیق معلوم نیست ولی بطوریکه شهرت دارد موجد این حزب میرزا ملکم‌خان بودکه برای برقراری قانون‌و عدالت درایران‌کوشش بسیارنموده بود وتألیفات سودمندی ازخود بیادگارگذارده‌کما

۱ـ رجوع به‌فصل یازدهم این‌کتاب .

درموقع خود بشرح آن خواهیم پرداخت[۱]...»

وی نقش خارجیان‌را در رواج محافل فراماسنی درایران مؤثر دانسته و دراین‌باره چنین می‌نویسد:

«... ولیکن عده‌ای ازمطلعین سرچشمهٔ این فکر نوین ومسلك تازه را از ناحیهٔ اروپائیانی‌که درایران بوده‌اند میدانند.

آنچه مسلم است حزب فراماسون درزمان‌سلطنت ناصرالدینشاه درایران‌تأسیس گردید وعده‌ای درآن شرکت داشتند ولی‌پس ازکشته شدن ناصرالدینشاه حزب‌مذکور رونق بیشتری پیداکرد وبعضی‌ازفراماسنها ازجمله دکترکارل در توسعهٔ آن همت‌گماشته وجمعی ازمعاریف عضویت‌آن حزب را پذیرفتند[۲]...»

ملك‌الشعراء بهاردرکتاب سبك‌شناسی هنگامیکه دربارهٔ آغاز «صداهای‌آزادی» و «آزادیخواهی» بحث می‌کند، اشاره بفعالیت فراماسنهاکرده، چنین مینویسد:

«... دراواسط پادشاهی ناصرالدینشاه سروصداها ازداخل وخارج مبتنی برلزوم قانون وشعور درامورتقسیم مسئولیتها وانتظام مالیانها شروع‌گردید.

دراین‌عهد چند نویسنده درداخل وخارج ایران بنوشتن‌آستین‌بر زدندآتشی از افکارسید جمال‌الدین اسدآبادی درقلوب درگرفت فتنهٔ‌باب وکشتاری‌که ازآنهاشد نیز مردم را به‌تفکرواداشت، درقفقاز نیزافرادی ازایرانیان پیدا شدند مانند میرزافتحعلی آخوندزاده وطالبوف وحاج زین‌العابدین مراغه‌ای‌که‌نگران اوضاع ایران‌بودندوخود به‌اصول تمدن خارجی وجدیدآشنا و مایل به‌آشنائی دیگران، مقاله وتیاترنویس و کاغذ پرانی‌ازداخل وخارج‌آغازگردید، فراماسون بوسیله میرزاصالح شیرازی و بنا ـ بمشهور بوسیله میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله عضو وزارت‌خارجه‌که مردی تحصیلکرده و ادیب وقانون‌خواه بود درتهران بازشد روزنامهٔ (قانون) بوسیله ملکم در لندن به طبع رسید ـ ترجمه ومقالات وبناترهای‌آخوند زاده درتهران وقفقازانتشار یافت رساله‌های میرزاآقاخان‌کرمانی‌منتشرگردید، طالبوف‌کتاب‌احمد راکه اصول‌علمی‌جدیدرا بوسیله

۱و۲ـ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد اول ص ۱۱۹

«صحبت» بزبان‌ساده می‌نوشت درخارج چاپ‌کرد.(مسالك‌المحسنین)[1] کتابی بداسم «ابراهیم بیگ» در چگونگی اوضاع اجتماعی به‌قلم حاج زین‌العابدین نامبرده نیز منتشر گشت.

سیدجمال در اسلامبول نشست وگروهی پیرامون اوبه کاغذ پرانی سرگرم‌شدند رجال‌تربیت شده‌ایران نیز داخل‌فراماسون‌شدند و در اطراف‌دربار به گفتگوبرخاستند ورقابتهای درباری هم‌گاهی به آتشها دامن می‌زد ـ قدرت و تسلط حوزه‌اجتهاد به‌اعلی درجه رسیده‌بود، اما تشکیلات سیاسی نداشت و میرزا حسن شیرازی که در سامره‌بود بسیار بااحتیاط‌راه می‌رفت وعلمای داخل ایران هم‌بین خودشان رقابتهائی بودو بالاخره آلت دست رجال‌و اعیان بودند و چون‌گفتگوی اصلاح هنوز از خواص به عوام‌نرسیده بود این طایفه یعنی (رؤسای عوام) نیز نیمه‌خواب وبدون اندك توجه به عاقبت‌کارها خر خود را می‌راندند و این مصراع را می‌خواندند (دنیا پس مرگ ما چه دریا چه سراب ... [2]»

در چنین اوضاع و احوالی، فراماسنهای ایرانی که هنوزلژ مستقلی که وابسته به لژهای شناخته شده دنیا باشد تشکیل نداده بودند، تنها راه چاره را از میان بردن ناصرالدین شاه و قتل وی می‌دانستند. زیرا ناصرالدین شاه‌که مدت پنجاه‌سال بااقتدار سلطنت می‌کرد نمی‌خواست از امتیازات (استبدادی) خود صرف‌نظر کند و نفوذروسیهٔ تزاری نیز هرروز دردربار زیادتر می‌شد و اقدامات رقیب تازه نفس (انگلستان) را با کمك شاه و درباریان خنثی می‌کرد.

بنابراین از نظر «گراند لژانگلستان» تنهاراه رسیدن به مقصود در «برداشتن سلطان وقت» وقتل‌وی وسپس انقلاب‌برای‌سرنگون‌کردن (دربار مستبد) وایجادمحیط مناسبتر و فعالتر برای استوارکردن سیاست انگلیس در ایران‌بود. آزمایشی‌که گراندلژ

---

۱ ـ مسالك المحسنین‌را ملاعبدالرحیم‌طالبوف نوشته ولی‌کتاب «ابراهیم بیگ»نوشتهٔ حاج زین‌العابدین مراغه‌ای‌است.

۲ ـ سبك شناسی ـ جلد سوم ص ۳۷۲ .

انگلستان در فرانسه کرده بود ، می‌بایستی در ایران نیز تکرار شود .

آیاقتل ناصرالدینشاه به فرمان لژ فراماسونهابود ؟

موریس تالمیر [1] دررساله‌ای که درسال۱۹۰۴م(۱۳۲۱ه) به چاپ رسانیده دربارهٔ فراماسونری و ارتباط آن باانقلاب فرانسه در سالهای ۱۷۸۹ و ۱۷۹۲ و ۱۷۹۳ م که‌تاحدودی با وضع ایران و انقلاب‌مشروطیت تطبیق می‌کند می‌نویسد:

« ... انقلاب‌فرانسه از مدتی پیش‌باکمال مهارت‌مانند یك نمایشنامه طرح ریزی شده بود و تمام تغییرات و توطئه‌هائی که در اثر انقلاب به وجود آمد نتیجهٔ فعالیتهای فراماسونری بوده است .

فراماسونهاکار را طوری شروع می‌کنند که اسرارآنها درآینده به کلی مخفی‌و در پشت پرده بماند و عملیات‌ایشان همیشه به‌قتل پادشاه وقت خاتمه میافته است .

اسناد معتبری از طرف خود فراماسنها دراین باب ابداً نشر نیافته زیراکه‌مجامع آنها همیشه سری ومخفی بوده است ...»[2] .

در انقلاب مشروطیت‌ایران‌هم، لژ فراماسنی ایران مثل‌لژ ماسنی فرانسه‌فرمان قتل ناصرالدینشاه‌را صادرکردوبه همین جهت‌برای اینکه حقایق مربوط به این‌وقایع را که هر دو به فرمان لژهای ماسونی فرانسوی آغاز و خاتمه یافته بشناسیم و بدانیم ناصرالدینشاه چراکشته شد؟ ناچار باید قسمتی از اقدامات ماسنهای فرانسه را در قتل لوئی شانزدهم تشریح کنیم .

در فرانسه با قتل لوئی شانزدهم ، تغییر رژیم‌عملی شد ، در ایران هم با قتل ناصرالدینشاه مشروطیت بنیان گرفت و در هر دو انقلاب حکم قتل را لژهای گراند اوریان صادر کردند . در بحبوحهٔ جنگ داخلی فرانسه ، فراماسنها فرمان منع‌تیر ـ اندازی‌رااز‌طرف‌لوئی‌شانزدهم جعل نمودند‌وبرای مدافعین‌آوردند . به محض اینکه تصمیم اقامت دادن لوئی شانزدهم در معبد اجراء گردید عده کثیری از فراماسنها در

1- Maurice . Talmeyr

2- La . Franc . Maconnerieet . et . la Re ‘ volulution

پاریس متفرق شده و در همه‌جاجهت ایجاد وحشت عمومی با کمال خوشحالی ومسرت اعلام می‌نمودند که لوئی توقیف‌گردیده است . حالا عموم مردان ،آزاد و با یکدیگر برابر هستند ، دیگر سرتاسرفرانسه چیزی جز یك لژ بزرگ نیست . همهٔ فرانسویان فراماسون هستند و بزودی سرتاسر عالم فراماسون خواهند شد [۱].

قتل پادشاه تا این تاریخ هنوز انجام نگردیده بود ولی نقشهٔ آن درجریان بود اما نه بدست کنوانسیون .

بنا به‌عقیدهٔ محمودمحمود فرمان‌قتل‌لوئی‌شانزدهم را لژفراماسونری‌فرانکفورت صادر کرد نه شورای انقلاب «...در حقیقت پادشاه فرانسه جز درفرانکفورت درجای دیگر محکوم نگردید و گرچه این حرف زیاد تعجب‌آور است ولی رأی به مرگ او اصلاً وجود خارجی نداشته است‌واین یك‌رأی ساختگی واختراعی بوده است .»

برای‌دادن‌رأی‌کنوانسیون وداشتن‌یك‌کرسی‌درآنجاوشرکت‌کردن‌درمحکمه‌های که ادعا می‌کنندتشکیل‌گردیده است سه‌شرط ضروری بود که‌هرکس‌واجد آن سه‌شرط بوده می‌توانست شرکت کند .

۱ ـ بیست وپنجساله باشد .

۲ـفرانسوی‌باشد

۳ ـ به عنوان نماینده نامش ثبت شده باشد .

ولی مابین رأی دهندگان‌که رأی به قتل‌شاه دادند یکی‌بیست و پنجساله‌نیست، دیگری فرانسوی نیست و پنج نفر دیگر نامشان ثبت نشده است ...[۲]»

در ایران هم ناصرالدینشاه پنجاه سال مانند لوئی شانزدهم در فرانسه حکومت مطلقه داشت . ایام سلطنت ناصرالدینشاه نیز به عیش و شادمانی خود واطرافیانش‌تمام شد . در این ایام شوم ، افغانستان، نیمی‌ازسیستان وبلوچستان ومجمع‌الجزایر بحرین

---

۱ ـ صفحهٔ ۸۳۳ جلد ۷ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس نقل از اظهارات :
Barruel , Memoires

۲ ـ صفحهٔ ۱۸۳۵ جلد ۵ تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس .

از دست رفت و سرانجام هم ناصرالدینشاه به دستور مستقیم سیدجمال‌الدین اسدآبادی که مؤسس فراماسونری در مصر و ایران بود، کشته شد.

روزی‌که سیدجمال‌الدین دستور قتل ناصرالدینشاه را دراسلامبول صادر کرد و میرزا رضاکرمانی را به تهران فرستاد، به‌موجب اظهارمعاون‌الوزراء که درآن‌تاریخ رئیس واردات پست خارجه بوده پاکت سفارشی به تهران‌می‌رسدکه درآن خبرحرکت میرزا رضاکرمانی وفرمان قتل شاه داده شده بود ولی این پاکت بعللی بازنشد[1] وپس‌از مرگ ناصرالدینشاه از مندرجات آن اطلاع حاصل‌گردید.

قتل ناصرالدینشاه نخستین گامی بود که برای تغییر رژیم «استبدادی» برداشته شد. در مدت پنجاه سالی که سلطنت می‌کرد، هیچ قدرتی در مقابل اووجود نداشت وفرمان او باضربات چماقداران شاهی، سرنیزه‌قزاقها وشلاق فراشان‌بدون‌اندك مقاومتی‌اجرامیشد. تلاشهائی‌که دربیست‌سال‌آخرحکومت مطلقه وظالمانهٔ ناصرالدینشاه بوسیلهٔ عناصر آزادیخواه و اروپا رفته و بالاخره دستهٔ فراماسونها و از همه مهمتر دیپلماسی انگلستان و عوامل بومی‌اینتلیجنس‌سرویس‌میشد همه با قتل و شکنجه و تبعید وتاراج پایان می‌یافت فراماسونهائی‌که در ربع قرن دوم سلطنت ناصرالدینشاه از اروپا به‌ایران آمدند، به‌فرمان لژهائی‌که درآنها عضویت داشتند همه برای تغییر رژیم وخروج نفوذروسیه ازدربارتلاش‌می‌کردند. درآن‌ایام تاریك وشوم، ناصرالدینشاه و درباریانش طرفدار روسیهٔ تزاری بودند و بهیچوجه حاضر نمی‌شدند کوچکترین امتیازی به‌طبقات محروم وحتی متجددین وآزادی طلبان بدهند. فراماسنها ازاین عدم رضایت عمومی‌استفاده‌کرده ابتدا دستهٔ‌متشکلی بوجودآوردند و سپس‌نخستین گام‌وتنها راه علاج را در قتل وی دانستند.

سید جمال‌الدین‌اسدآبادی که خود مؤسس فراماسنی در ایران بود و سالها در دربار عثمانی برای «خلیفه‌مسلمین» یعنی سلطان‌عثمانی‌کوشش می‌کرد، از وجود مرد

---

۱ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد پنجم ص ۱۸۳۵

۲ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد پنجم ص ۱۸۳۸

رنجدیده‌ای مثل میرزا رضای کرمانی [1] که چندین بار درسیاه‌چالهای درباروزندانهای مخوف تا پرتگاه مرگ و نیستی رفته بود استفاده نمود و اورا مأمور قتل ناصرالدینشاه ساخت .

اگر مطالب کتاب خطی « تاریخ فراماسونری در ایران » نوشته دانشمند فقید خان‌ملک‌ساسانی‌را قبول‌کنیم که‌درین‌ایام‌لژماسنی‌اسلامبول درایران نیزفعالیت می‌کرد

۱ـ میرزا رضاکرمانی فرزندملاحسین عقدائی معروف به ملاحسین پدر بوده . در سنین جوانی محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک ، ملك او را گرفته بملا جعفر میدهد . او مجبور می‌شود از کرمان به یزد رود مدتی طلبه بودسپس بتهران می‌آید وشغل‌دستفروشی پیشه میکند درتهران نایب‌السلطنه هزاروصدتومان شال‌وخز از او می‌خرد پس ازمدتهاسیصد تومانش را کم کرده و با کتك و پس‌گردنی از خانه بیرونش می‌کنند . در واقعهٔ تنباکو وکیل‌الدوله او را احضار کرده می‌گوید حضرت والانایب‌السلطنه شما را احضارکرده‌است. درآنجا به‌او می‌گویند، نامه‌ای بنویس بدون امضاء که با دادن امتیاز تنباکو ، قند ، راه اهواز و غیره دین از دست رفت و مملکت نابود شد . میرزا رضا می‌گوید من میدانم مردم این صحبتها می‌کنند و نوشتن ضرورت ندارد . وکیل‌الدوله پس از اینکه قسم می‌خورد که منظوری در بین نیست و ما می‌خواهیم مدرکی تهیه کنیم تا نایب‌السلطنه بتواند نارضایتی مردم را به‌شاه بگوید او را راضی می‌کنند که به‌خانهٔ نایب‌السلطنه بروند . در آنجا میرزا رضا حرفهائی که مردم درباره شاه و درباریان می‌گفتند برای نایب‌السلطنه نقل می‌کند . نایب‌السلطنه به او می‌گوید شما نامه‌ای بنویسید وهرچه مردم می‌گویند درآن به‌تفصیل‌شرح دهید ، من به شاه می‌گویم که در مسجد شاه پیدا کرده‌ام . امیدوارم دولتخواهی شما ثابت شود. روز بعد مجدداً میرزا رضا کرمانی را به‌منزل وکیل‌الدوله می‌برند در آنجا نامه می‌نویسد . همینکه نامه از او می‌گیرند ، سیخ و درفش و سه‌پایه سربلزی و وسایل شکنجه آماده می‌کنند و به‌او می‌گویند همدستانت را بگو . میرزا رضا استقامت می‌کند و با قیچی شکم خودرا پاره می‌کند . پس از اینکه او را معالجه می‌کنند شش سال درزندانهای‌تهران، قم و قزوین شکنجه می‌دهند . پس از آزادی از زندان به اسلامبول می‌رود در آنجا سید ـ جمال‌الدین پس از شنیدن شرح حالش به او می‌گوید تو چقدر حب زندگی داشتی چراشاه یا نایب‌السلطنه را نکشتی ؟ و او را با توصیه و دستورالعمل روانه تهران کرده مأمور قتل شاه می‌کند .

و اغلب از ایرانیان عضو همین لژ[1] بودند ، بایستی گفت که سید جمال‌الدین بدون دستور لژ مزبور فرمان قتل شاه را نداده است . سیدجمال‌الدین از این اقدام خود دو نتیجه مهم گرفت ، یکی از میان بردن پادشاه مستبدی که سد راه اعمال و اقدامات فراماسنها بود و دیگر راضی و خشنود ساختن‌سلطان عبدالحمید، پادشاه عثمانی .زیرا به موجب اظهارات میرزا رضا کرمانی : وقتی فتنهٔ سامره برپا شد و میان شیعیان‌اتباع میرزای شیرازی و اهل سامره گفتگو و جنگ به میان‌آمد ، سلطان عبدالحمیدهمه تحریکات و جنگهای بین شیعیان و سنّیها را از تحریکات ناصرالدینشاه دانسته و به‌سید گفته بود درحق ناصرالدینشاه هرچه از دستت می‌آید بکن و خاطر جمع باش[2] .

میرزا رضای کرمانی در تحقیقاتی که‌در نظمیه از او بعمل آمده به‌تفصیل‌شرح مصیبتها و بلایائی که از طرف حکام ، درباریان و صاحبان قدرت و زور باو واردآمده بود ذکر کرد و صریحاً گفت که از جانب سید و بدستور شخص او مأمور قتل ناصر ـ الدینشاه ونایب‌السلطنه شده است و اظهارداشت: « ... وقتی شرح مصیبتها ، صدمه‌هاو حبسها و عذابهای خود را می‌گفتم بمن گفت تو چقدر بی‌غیرت بودی و حب حیات داشتی ظالم را بایست کشت ،چرانکشتی و ظالم در این میان غیر ازشاه‌ونایب‌السلطنه کسی دیگر نبود ، اگرچه در خیال نایب‌السلطنه‌هم بودم‌دیگر آنروز خیالم در بارهٔ شاه مصمم شد ، گفتم شجرهٔ ظلم‌رااز بیخ باید انداخت و شاخ و برگ بالطبع خشك میشوند ...»[3]

در تحقیقات از او سئوال شد چرا سید جمال فقط تورا انتخاب کرد و او جواب داد :

« ... شما میدانید وقتیکه سید جمال‌الدین در این شهر آمد تمام مردم از هر

۱ـ تا قبل از افتتاح لژ بیداری ایران در تهران ، لژ فراماسونی اسلامبول محفل و مرکز فراماسنهای ایران بود و مدت ۱۲ سال میرزا محسن‌خان مشیرالدوله سفیرایران در دربار عثمانی استاد اعظم این لژ بود .

۲ـ تاریخ بیداری ایرانیان چاپ اول ص ۱۵۲

۳ـ تاریخ بیداری ایرانیان چاپ دوم صفحه ۹۵ .

دسته و هر طبقه چه در تهران چه در حضرت عبدالعظیم به زیارت و ملاقات او رفتند و مقالات او را شنیدند. چون هرچه می‌گفت لله و محض خیر عامه مردم بود همه‌کس مستفیض و شیفتهٔ مقالات اوشدند و تخم این خیالات بلند را در مضارع قلوب پاشید مردم بیدار بودند، هوشیار شدند، حالا همه کس با من هم عقیده است ولی بخدای قادر متعال که خالق سید جمال‌الدین و همه مردم است قسم از این خیال من و نیت کشتن شاه احدی غیر از خودم و سید اطلاع نداشت سید هم در اسلامبول است‌هرکاری میتوانید با او بکنید ... »[1]

گرچه میرزا رضا کرمانی قسم می‌خورد که جز او کسی از جریان قتل ناصر - الدینشاه اطلاع نداشته ولی‌در تحقیقات اعتراف نمودکه‌قبل‌ازاقدام به‌ترور وی‌با شیخ هادی نجم‌آبادی که یکی دیگر از فراماسنهای راسخ‌العقیده و از مؤثرین فراموشخانه بوده ملاقات کرد و از او برای پناهندگی و محل اختفاکمك خواسته است ولی مرحوم نجم‌آبادی چون از هدف ونیت ومأموریت میرزارضا اطلاع‌داشته به‌او کمك نمی‌کند.

میرزا رضاکرمانی دراین باره می‌گوید :

« ... قبل‌از تحویل به‌حضرت عبدالعظیم آمدم . دراین مدت‌هم غیرازدوشب‌که به‌شهر آمده منزل حاج شیخ هادی ماندم وازایشان سفارش‌نامه خواستم وگفتم‌شنیده‌ام امین همایون مرد است از من نگاهداری خواهدکرد، سفارشنامه به او بنویسید حاج شیخ هادی‌گفت من اطمینان ندارم ونمی‌نویسم دوباره مراجعت‌کردم ...»[2]

لیکن، همین حاج شیخ هادی نجم آبادی‌که حاضر به نوشتن سفارشنامه برای میرزا نشد وبعدها نیزمنکر اطلاع ازهدف ونقشهٔ اوگردید روز۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ یعنی چهل روز بعداز به دار آویختن میرزا رضا کرمانی، مراسم چهلم او را برگزار ساخت . ! نویسندهٔ تاریخ بیداری ایرانیان می نویسد : « روز ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۱۴ که چهل روز بعدازقتل میرزارضا بود در نزدیکی خانه حاج شیخ هادی نجم آبادی،

---

۱ - تاریخ بیداری ایرانیان چاپ دوم ص ۹۳ .
۲ - روزنامه ایران نو .

آقا میرزا حسن‌کرمانی با آقا شیخ محمدعلی دزفولی‌که امروز به شغل عطاری مشغول است و بعضی ازاجزاء حاجی شیخ هادی چهلم میرزا را گرفتند ... طعام حاضرین این مجلس بادمجان بریان‌کرده و نان و نمك بود وفقط‌دراین نقطه بودکه طلب مغفرت‌برای میرزا رضاکردند ... »[۱] نجم آبادی بار دیگر ، روزیکه مصادف با سال میرزا بود مجلس یادبودی گرفت‌که درآن مراسم فقط سه‌نفر بودند مؤید اسلام می‌نویسد :

«...سال‌میرزارضارا مرحوم‌حاج شیخ‌هادی نجم‌آبادی گرفت‌که از امین‌الدوله دعوت نمود و درساعت پنج از شب‌گذشته مجلسی‌که حاضرین آن سه‌نفر بودند شخص حاج شیخ‌هادی و امین‌الدوله‌ویکی‌ازمحارم... حاج شیخ هادی شخصاً طعام مجلس را تهیه‌کرد... وطلب رحمت ومغفرت نمودند ...»[۲]

ملایان در محافل فراماسونی

پس‌ازقتل‌ناصرالدینشاه ، همینکه‌حکومت به‌دست‌مظفرالدینشاه که مردی سلیم‌النفس بود رسید واز شدت دهشت استبداد کاسته شد «فکر آزادی» در بین مردم‌آزاده طلب ایران‌که جان تازه‌ای گرفته بودندآغاز وعلنی‌گردید . ازیکطرف‌آزادیخواهان روشنفکر که قبلاً افکارشان آماده شده بود ، درنشر عقاید حکومت مشروطیت به‌فعالیت پرداختند وازطرف دیگر بعضی ازروحانیون در بیداری افکار مردم‌کوشیدند و عوام را از نظر (تقبیح ظلم وستم) به مقاومت علیه عمال استبداد تشویق نمودند. ولی متأسفانه دراین‌میان روحانیون هم مثل روشنفکران و تحصیلکرده ها بدام فراماسنها افتاده در تار و پود محافل و لژهـا گرفتار شدند .

میرزا ملکم‌خان در مصاحبه‌ای که درمصر با ویلفرد اسکاون بلانت مؤلف کتاب (تاریخچهٔ مخفی اشغال مصر بوسیله انگلیسیها) نموده بود به وی گفت : « من مایل بودم اصول تمدن غربی را در ایران شیوع دهم و برای اینکار از جامعه دیانت استفاده

۱ـ روزنامه ایران نو .

۲ ـ تاریخ بیداری ایران ص ۱۰۲

۲ ـ تاریخ بیداری ص ۱۳۴

نمودم» [1] روحانیون و مجتهدین که درکشاکش مبارزات (استبداد و آزادی) سکوت کرده بودند ، همینکه چندتن‌ازآنها داخل لژهای فراماسنی شدند ، یکباره به‌جنبش درآمدند ودرتقبیح ظلم وستم سخنی‌گفته وعوام را باخود همراه نمودند .

روحانیون تا قبل از آنکه میرسید محمد طباطبائی وارد لژ فراماسنی بشود از مجالست ومؤانست با«فراماسنها» امتناع داشتندوحتی‌نشست وبرخاست باآنهارا برخود (حرام) می‌دانستند. ولی همینکه اووارد لژماسنی‌شد ، میرزاملکم خان ارمنی‌توانست علناً بامرحوم طباطبائی‌ملاقات و باوی مراوده پیداکند.مؤیدالاسلام کرمانی که‌ازمریدان مرحوم آقاسید محمدطباطبائی بوده دراین باره مینویسد :

« ... میرزاملکم خان زمانی‌که درتهران بود ازمرحوم آقاسیدمحمد طباطبائی وقت‌ملاقات خواست ولی‌آن مرحوم وقت‌نمیداد و به‌مسامحه می‌گذ رانید وشایدملاقات و مجالست میرزا ملکم خان را برخود حرام میدانست ... وقتی‌مرحوم آقاسید محمد بشمیرانات رفتند در دربند به خانهٔ آقاسید علی دربندی ورود فرموده بود پیشخدمت خبردادکه میرزا ملکم خان حاضر وربع ساعت‌وقت برای ملاقات حضرت آقامیخواهد دراین هنگام خود میرزاملکم خان درروی مهتابی‌درمقابل حضرتش دیده‌شدکه‌حضرت آقا ناگزیر از پذیرائی‌گردیده مشارالیه با حضرت حجت اسلامی خلوت نموده ودر را بروی اغیار بستند ربع ساعت وقت منجر به‌شش ساعت‌گردید در این اثنا کراراً میرزا ملکم‌خان عازم رفتن میشد وحضرت آقا اورا مانع می‌گردید. مذاکرات آن دوراکسی ندانست لکن ازآن روز حالات حجت‌الاسلام‌تهران بکلی تغییر نمود و در راه مقصود میرزاملکم خان هم خودرا داد و هم پسرش را ـ ازاین روگویند مرحوم آقاسید صادق وخلف عالیمقامش آقا میرزا سید محمد را نسبتی به فراماسون‌است‌چنانکه از حالات واقدامات حضرت آقای آقامیرسید محمد طباطبائی می‌توان استنباط نمودکه این‌رئیس بزرگ اسلام راچه‌مسلکی وچه مقصودی در نظر است ...» [2]

---

۱ ـ رسالهٔ مجامع مخفی درانقلاب مشروطیت به‌قلم میس لمبتن .

۲ ـ تاریخ بیداری ایرانیان چاپ اول ص ۱۹۸

دکتر محمد حسین میمندی نژاد به نگارنده می‌گفت : «در یکی از ملاقاتها ، سیدمحمد صادق طباطبائی به نویسنده گفت که در جریان انقلاب مشروطیت پدرم و من وارد لژ فراماسنی فرانسه شدیم . پس از خاتمه انقلاب ناگهان احساس کردیم که دست انگلیس از آستین لژ فراماسنی فرانسه بدرآمده وقصد استعمار کشورمارا دارد. بلافاصله پدرم ومن از لژ خارج شدیم»

نفوذ ماسنها در دربار در آغاز انقلاب مشروطیت

با قتل ناصرالدینشاه و پیروزی بزرگی که از این راه نصیب فراماسنها شده بود ، فعالیت علنی و مخفی آنها شدت یافت . فکر ایجاد مشروطیت که ابتدا خواست مردم آزادیخواه بود ناگهان از درون لژهای فراماسونی به محافل سری و انجمنهای علنی و حتی مردم کوچه و بازار کشیده شد .

رؤسای انجمنهای مشروطه طلبان که بعضی از آنها ماسون‌شده بودند ،درتأسیس انجمنهای مخفی که در انقلاب مشروطیت مؤثر بود ، شرکت داشتند . بنا بنوشته میس لمبتن « ...یکی از مجامع دستهٔ مخفی فراماسنها بودندکه‌لژ آنها اصطلاحاًفراموشخانه نامیده میشد عده‌ای از اشخاصی که بعداً رهبری انقلاب مشروطیت را عهده‌دار شدند جزو دستهٔ فراماسنها بودند ...» [۱]

گرچه فراماسنها تاکنون در بارهٔ شرکت محافل و لژها در انقلاب مشروطیت نوشته‌ای منتشر نکرده‌اند معذالك بایستی نوشته‌های محمود عرفان را درمجلهٔ یغمادر بارهٔ (انقلاب مشروطیت وفراماسونری) اطلاعیهٔ کوچکی از طرف آنها دانست .زیرا بطوریکه گذشت ، عرفان قاضی عالیمقام دادگستری در نطقی که در نیمهٔ سال ۱۳۲۸ در حزب عامیون ایرادکرد ، وبرای نخستین باردریك مجمع‌علنی لباس‌ماسونی‌پوشید[۲] در بارهٔ مشروطیت می‌نویسد :

« ... علت اینکه بنوشتن این موضوع اقدام‌کردم اینست‌که تاریخ فراماسنهادر

۱ــ رسالهٔ انجمن‌های مخفی در انقلاب مشروطیت .

۲ــ نطق عرفان ، بعد از چند هفته در مجلهٔ یغما به‌صورت مقالاتی منتشر شد .

ایران با تاریخ مشروطیت ما بی‌ارتباط نیست و مشروطیت ایران یکی از وقایع بزرگ تاریخ ماست و هرچه که مربوط به این واقعه باشد شایستهٔ توجه و دلبستگی است و تحقیق در آن ضروری ... »[1]

حکومت آرام و ملاحظه‌کار مظفرالدینشاه بهترین موقعیت را برای توسعهٔ محافل ماسنی و رشد فکر آزادی در بین طبقات مختلف بدست می‌داد.

درباریان مستبد که هر یك دارای افکار مخصوصی بودند، حکومت این پادشاه مریض را به هرج و مرج کشانیدند. هیچکس نمی‌توانست حقیقت اوضاع مملکت را بهوی بگوید و هریك از رجال دولتی و درباری بستگی به یکی از سیاستهای خارجی داشتند. بهترین توصیفی که از دربار مظفرالدینشاه در چنین حالی شده در کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس اثر مرحوم محمود محمود است وی می‌نویسد:

«... در سلطنت چنین پادشاهی هیچ نوع اصلاح در امور مملکت نبود. برای مردمان شریف عرصه تنگ می‌شود، میدان بدست اراذل و اوباش می‌افتد و کارهای مملکتی از محور خوددورمی‌افتد و میدان برای فتنه جویان باز می‌شود. درچنین مواقعی است که احزاب و مجامع سرّی مانند علف هرزه از هر گوشه سربلند می‌کند. کار مملکت بدست اراذل و اوباش می‌افتد، همان محافل سرّی که اسباب انقلاب فرانسه و فتنه و آشوب سایر ممالك را برای سود خویش فراهم‌آوردند. همان محافل‌ومجامع اسباب هرج و مرج و فتنه و فساد در ایران را فراهم آوردند. این آشوب را نهضت ملی خواندند، انقلاب مصنوعی بوجود آوردند که روح ملت ایران خبر نداشت، نام این آشوب را باید (آشوب فتنه‌انگیزان) نامیدکه محافل سرّی ایران بسودلژ نشینان سواحل رود تیمس بر پا کردند که روسها را ترسانیده از نفوذانگلیسیها در ایران بر حذر کنند.

گلهوار به سفارت انگلیس، مهاجرت ساختگی به قم که جرج چرچیل هم در لباس زهد و تقوی بنام (آخوند طالقانی) در این سفر همراه او بود ... »[2]

۱ـ مجلهٔ یغما شماره ۱۰ سال ۲ دیماه ۱۳۲۸.

۲ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد هفتم ص ۸۳۷.

در چنین وضع و حالی بنا باعتراف عرفان « نه تنها فراماسنها مستقیماً در مشروطیت دخالت داشتند بلکه انجمنهای فرعی و وابسته آنها که شکل ظاهریشان شباهتی با سازمانهای ماسنی داشتند نیز علناً در مشروطیت دخالت داشتند که از همه مهمتر «انجمن اخوت» را می‌توان نام برد...» [1]

انجمن اخوت که تا امروز نیز دایر و همه هفته روزهای پنجشنبه در خانقاه واقع در روبروی در بزرگ بانك ملی درخیابان فردوسی تشکیل جلسه می‌دهند مرکز تجمع فراماسنها و جلسات سرّی آنها بود . انجمن اخوت که از روز تأسیس تا امروز حسب‌الظاهر همیشه سعی داشت و دارد که از دخالت در امور سیاسی پرهیز کند حتّی در مجلهٔ « مجموعه اخلاق » [2] که به‌تقلید از سازمانهای فراماسونری [3] منتشر میشد و ارگان

۱ـ مجلهٔ یغما شماره ۱۱ سال ۲ .

۲ـ در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در بارهٔ مجلهٔ اخلاق چنین نوشته‌شده : مجموعهٔ اخلاق درتهران به‌مدیری و نگارندگی (میرزاعلی‌اکبرخان) تأسیس وجزوه اول آن در هشت صفحه بقطع کوچك خشتی در مطبعه سربی (مطبعهٔ خورشید تهران خیابان ناصریه) طبع و در سال ۱۳۲۲ قمری منتشر شده است . از جزوه اول مجموعه اخلاق تا جزوه هفدهم فقط سال (۱۳۲۳) در زیر اسم مجله چاپ شده و تا این جزوه مجموعه درهر ماه دو مرتبه یکی در غره و مرتبه دیگر در ۱۵ هرماه طبع و توزیع میشده ولی از جزوه ۱۷ که ضمناً روی پشت جلد تاریخ (غره ذیقعده ۱۳۲۴) ثبت شده مجموعه اخلاق در هرماه سه نمره (نمره دهم ـ بیستم) طبع و تـوزیع شده است . در هر جزوه پشت جلد مجموعهٔ اخلاق بدین قسم معرفی گردیده است : « این جزوه که بـالمال‌کتابی خواهد شد بنام مجموعهٔ اخلاق چنانکه اسمش حکایت می‌کند رسمش برتهذیب اخلاق و ادب است از پلتیك وسیاسی‌ومذهبی‌سخن‌نمی‌گوید وکس‌راجع به‌اخلاق وعلم‌وادب فصلی‌بنگارد پذیرفته‌و درج خواهد شد .»

از جزوه چهارم تا شماره بعد این رباعی که مادهٔ تاریخ تأسیس مجموعه روی پشت جلد درج شده است :

لوحی به مثل همچو کتاب مسطور — از انجمن اخوت آمد بظهور
دیدش چوسروش‌ازپی تاریخش گفت — مجموعه‌اخلاق ایامطلع‌نور۱۳۲۳

۳ـ سازمانهای فراماسنی جهان ، مجلات مخصوص بخود دارند که در سرلوحهٔ آن می‌نویسند (مطالب سیاسی در آن نوشته نمی‌شود)

انجمن اخوت بود رسماً نوشته شده بود که « این مجله از دخالت در امور سیاسی و مذهبی خودداری میکند »

ولی بسیاری ازاعضای انجمن اخوت ازرجال سیاسی تهران بودند بعلاوه خودظهیرالدوله شخصیت برجستهٔ آن‌داماد شاه‌بود. و مقامات حساس‌دولتی‌داشت. دخالت او ویارانش که همه به هم «برادر» خطاب می‌کردند و می‌کنند[1]. درامور سیاسی واضح وآشکار است. مرحوم ظهیرالدوله یکی از بزرگترین عوامل مشروطیت و مشروطه خواه بزرگی بود، بیشتر اعضاء انجمن اخوت نیز در مسلك مشروطه‌خواهان بودند . دشمنی علنی ظهیر-الدوله با مستبدین ومحمدعلیشاه بجائی‌رسیدکه باوجودیکه خواهرشاه ، همسرظهیر-الدوله بود ، در گیرودارانقلاب‌صغیرحتی اثاثیهٔ خانه‌اش هم غارت‌شد وجواهرات زن او را بدربار بردند .

انجمن مخفی فراماسنها که در آن مشروطه‌طلبان عضویت داشتند

دومین انجمن مهمی‌که باکمك پنهانی لژ فراماسنی و(مشروطه خواهان) تشکیل شد ، « انجمن مخفی » در تهران بود . این انجمن که نامی نداشت بوسیله ملك‌المتکلمین و سید جمال-الدین واعظ که هر دو از اعضاء برجستهٔ لژ فراماسونری‌ایران بودند ، رهبری و اداره می‌شد .

انجمن مزبور در حقیقت نیمه مخفی بود و روز ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ (۸ژوئیه ۱۹۰۴م) درباغ میرزا سلیمانخان میکده در خیابان گمرك که در آن زمان محل کم جمعیتی بود و بغیر از در عمومی یك در متروك کوچك در اراضی معروف امین‌الملك داشت، تشکیل شد.

در آن روز به مدعوین گوشزد شده بود که با کمال احتیاط یکی یکی از در باغ وارد شوند و نیز به‌آنها دستور داده شده بودکه هرگاه محل مجمع ازطرف‌مأمورین دولتی کشف شود و اشخاص مورد بازپرسی قرار گیرند،همگی بدون اختلاف بگویند که حضور آنها در آن جلسه برای بسط معارف و تکمیل کتابخانهٔ ملی بوده است . ملك‌زاده می‌نویسد :

۱ـ فراماسنهای جهان همدیگر را (برادر) خطاب می‌کنند .

« برای احتیاط صورت ظاهر کار ، طوری فراهم شده بود و دفتری وجود داشت که در سر لوحهٔ آن (جمله‌برای توسعه‌معارف) نوشته شد و در ذیل آن اسامی‌اشخاص ذکر گردیده بود و این دفتر روی میزی درنزدیکی مدخل باغ قرارداشت . »

میرزا سلیمانخان میکده دراین‌باره می‌نویسد[1] : «... در روزمعهود همان‌ساعتی که معین شده بود مدعوین یکی بعد ازدیگری از درکوچك وارد باغ شدند و ذکر نام ونشانی‌خود را دردفتر مخصوص امضاء نمودند .

مدعوین به‌استثنای حاجی‌میرزا یحیی دولت‌آبادی‌که مریض بود ومرشدآقاکه غایب بود بواسطه عشق و علاقه‌ایکه به‌مقصود بلکه به‌مطلوب و محبوب خود داشتند بدون بیم واندیشه سرساعت مقرره حضوریافتند ومرشدآقا هم درآخرجلسه وارد شدند علت تأخیرخود را چنین‌بیان نمود :

«چون‌ازخانه‌بیرون‌آمدم وگامی چنددرکوچه‌برداشتم حس‌کردم‌که مردناشناسی مرا تعقیب می‌کند برای‌گمراه‌کردن او ازکوچه‌های مختلف‌گذشتم ولی اوهمچنان مرا تعقیب می‌کرد ناچاربه‌خانه یکی ازدوستان رفتم وساعتی در آنجا توقف‌کردم تا آنکه مطمئن شدم‌آن جاسوس راه خود را پیش‌گرفته ورفته است سپس با عجله خودرا برای کسب فیض ملاقات دوستان بجمع رساندم[2]. ملك زاده مینویسد : «پس ازاینکه همه حاضرشدند ، دراطراف یك‌میز بزرگ‌که دروسط باغ‌قرارداشت ودرروی‌آن قرآن‌مجید بودمجتمع‌گردیدند. سیدجمال‌الدین از زیرعبای خود یك پرچم ایران‌که درروی‌آن با خط درشت‌نوشته‌بود قانون ـ عدالت بیرون‌آورد و درکنارقرآن مجید نهاد .

سپس هریك ازحاضرین با یك دست‌کلام‌الله مجید وبا دست دیگر پرچم ایران را بلندکرده و درمقابل خداوندکه قرآن کریم نماینده آن بود و وطن‌که پرچم ایران مظهرآن شناخته میشد قسم یادکردندکه درکتمان اسرارجمعیت استوارباشند .

این‌مراسم‌که تا اندازه‌ای شبیه (قسم ورودیه) هرفراماسنی به‌لژفراماسنها بوددر

۱ـ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد دوم .

۲ـ شرح این‌واقعه را دکتر ملکزاده به‌تفصیل بیان‌کرده است رجوع شود به‌جلد ۲ تاریخ مشروطیت ایران .

واقع تکرار شد وهمانطوریکه در لژهای ماسنی هریك ازصاحبان ادیان به کتاب آسمانی خود سوگند می‌خورند درجمعیت مزبور نیزمدعوین بهقرآن مجید سوگندیادکردند[1].

پس ازخاتمه تشریفات سوگند ، ملك المتکلمین شروع بهصحبت نمودگفت :

«... برادران وقت تنگ است ودشمن درکمین ، ما جان خود را درکف نهاده وتقدیرات آینده ایران عزیزرا عهده‌دار شده‌ایم باید زودتر شروع بکارکرد وازفرصت استفاده نمود وآرزوهای دیرینه‌که دردلهای همه‌ما نهفته است وگاه‌گاهی با اشك چشم و آههای سوزناك تظاهرمی‌کرده وبا فداکاری وخون موجودیت بدهیم وپرچم آزادی‌را بهاهتزاز درآوریم .

اینك بـا اجـازهٔ آن برادران به تعلیم خط مشی و راهی‌کـه باید پیش گرفت می‌پردازیم...»[2]

پس‌ازنطق ملك المتکلمین،مرحوم‌سیدجمال‌واعظ،میرزاعبدالخالق‌سدهی‌گیوه‌دوز، میرزا محسن، حاج شیخ مهدی و حاجی میرزا علیمحمد دولت آبادی‌صحبت‌کردند.

در اینجا یك نکته جالب است و آن بکار بردن کلمه (برادران) درنطقهـای ملك المتکلمین وسیدجمال الدین است .

همانطوریکه فراماسنها همیشه خودرا (برادر) خطاب می‌کنند دراینجا نیزاین افراد یکدیگررا (برادر)خوانده بودند. نه‌تنها درنطق‌ها بلکه درمرامنامه‌ای‌که قبلاً نوشته وپاکنویس‌شده بود ودرهمان‌جلسه بدون‌مخالفت به‌تصویب رسیدکلمه(برادران) درچندین ماده ذکرشده است.

درمرامنامه ۱۸ ماده‌ای‌که درجلسه مزبور به‌صورت قطعنامه تصویب شد پس از ذکرمقدمه مفصل‌مواد هجده‌گانه چنین‌تنظیم شده بود :

اول ـ اشخاص متنفذ وپاك نیترا درجرگهٔ آزادیخواهان واردکنیم .

دوم ـ دراین اختلاف ودو دستگی میان پیروان عین‌الدوله وطرفداران میرزا۔ علی‌اصغرخان اتابك حداکثراستفاده را برای پیشرفت منظوری‌که داریم بنمائیم .

---

۱ ـ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد دوم .

۲ ـ ایضاً همین کتاب

سوم ـ آتش اختلافی که میان دو دسته مذکورشعله‌ورشده دامن بزنیم و مخالفین عین‌الدوله راکمك نموده تشویق به‌پایداری بنمائیم .

چهارم ـ اشخاص جاه طلب‌را به‌مخالفت با دولت ودستگاه فعلی‌تشویق نماییم .

پنجم ـ با حوزه علمیه نجف‌ارتباط پیداکرده ومفاسد دستگاه‌کنونی‌ومخاطراتی که برای مملکت درپیش است به‌آنها خاطر نشان‌کنیم .

ششم ـ درمیان شاهزادگان ورجال دولت‌کسانیکه ناراضی‌هستند جمع‌کرده وبا خود همفکر نمائیم .

هفتم ـ درمیان روحانیون‌متنفذ تهران باآنهائیکه جسارت وشجاعت دارندبدون اینکه ازمنظورماآگاه شوند همفکری‌کنیم .

هشتم ـ اگرچه مردان روشنفکری‌که درمیان دولتیان هستند ترسو و محافظه‌کار می‌باشند ولی چون اطلاعاتی ازسیاست جهان دارند باید باآنها بطورمخفیانه مشورت کرد ونظامنامهٔ اصلاحی‌که پس‌ازموفقیت باید اجرا نمود اول تهیه وآماده‌کرد .

نهم ـ کلیه افراد این‌جمعیت موظفند با تمام وسائل ممکنه در روشن‌کردن‌افکار مردم وبسط معارف‌کوشش‌کنند ومخاطرات ومعایب حکومت استبدادی را ومنافع بسط قانون‌را بمردم بنمایند .

دهم ـ نویسندگان این جمعیت موظفند مقالات چند ازاوضاع ایران و مفاسد دستگاه حاکمه نگاشته بجراید مهم دنیامخصوصاً روزنامه‌هائی‌که درممالك‌آزادمنتشر میشود بفرستند .

یازدهم ـ رفقا مکلفند دستگاه ژلاتین تهیه نموده شب نامه‌های مهیج در میان مردم منتشرکنند وآسایشی‌که ملل متمدن جهان درپرتوقانون دارندگوشزد نمایند واز ترقیات‌کشورهائی‌که دارای حکومت ملی‌هستند سخن‌گویند .

دوازدهم ـ کسانیکه بازبان‌خارجه‌آشنا هستند موظفند که تاریخ انقلابات امم مترقی‌را ترجمه نموده و منتشر نمایند .

سیزدهم ـ خطباء و وعظاء باید بیش‌ازپیش دربیدارکردن مردم ونشان دادن‌راه

صلاح کوشش نمایند .

چهاردهم ـ برای اینکه ازاول کاردچار حمله مخالفین ومستبدین وملاهای ریاکار نشویم رفقا باید تمام مطالبی راکه بوسائل مختلفه منتشرمی کنند با احکام اسلام مطابق کنند وچیزی که حربه تکفیر بدست بدخواهان بدهد ننویسند.

پانزدهم ـ برادران باید بوسائل ممکنه اطلاعات ازدربارسلطنتی وحوزه صدارت ومقامات مهم دولتی بدست آورده ودراختیارمجمع دوستان بگذارند.

شانزدهم ـ به برادران تذکرداده می‌شودکه درکشورهای آسیائی وشرقی بیش از هرچیزازجاه‌طلبی اشخاص می‌توان استفاده نمود وچون درمیان روحانیون ورجال‌دولت وشاهزادگان مردان‌جاه‌طلب وخودخواه بسیارند ما باید با تشویق وتحریك آنهاحداکثر استفاده را برای بوجودآوردن انقلاب ورسیدن بمقصودی که داریم بنمائیم.

هفدهم ـ گرچه در سرلوحه مرام آزادیخواهان جهـان آزادی عقیده است ولی بواسطه مشکلاتی که درپیش است اکیداً به برادران توصیه می‌کنیم که ازاین ببعدازحضور در مجالس دینی و مذهبی غیرازمجلس اسلامی خودداری نمایند و وسیله بدست بد ـ خواهان ندهند .

هیجدهم ـ ما باید باآزادیخواهان مملکت و کسانیکه در خارج هستند رابطه پیداکرده وآنانرا به همفکری با خود وقیام دادن برضد ظالمین تشویق نمائیم .

این هیجده‌ماده بدون اینکه کوچکترین مخالفتی درباره موادآن بشود به‌تصویب رسیدوبنا به‌پیشنهادکارگردانان‌مجمع‌قرارشد نه‌نفر برای‌سرپرستی واداره جمعیت انتخاب شوند تا هرهفته جلسه خصوصی تشکیل‌دهند ودرصورت لزوم باردیگرجلسه عمومی‌را با حضورافرادیکه درهمین‌جلسه حضورداشتند برگزارنمایند .

درنتیجه نه‌نفرزیرانتخاب شدند :

ملك‌المتکلمین ـ سید جمال واعظ ـ سید محمد رضـا مساوات ـ سید اسدالله خرقانی ـ شیخ‌الرئیس ابوالحسن میرزا ـ آقا میرزا محسن برادر صدرالعلمـاء ـ میرزا سلیمانخان‌میکده ـ حاجی‌میرزا یحیی‌دولت آبادی ـ میرزامحمدعلیخان نصرةالسلطان.

کمیتهٔ انتخابی هفته‌ای یکباردرمنزل حاج شیخ مهدی شریف‌کاشانی‌که هشتاد سال‌داشت تشکیل میشد اعضاء مؤسس وکسانیکه دراولین جلسه حضور داشتند بر طبق نوشتهٔ دکترملکزاده به شرح زیر بودند :

۱ـ ملك‌المتکلمین
۲ـ سید جمال‌الدین‌واعظ
۳ـ ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس
۴ـ حاجی‌میرزا یحیی‌دولت‌آبادی
۵ ـ حاجی‌سید نصرالله تقوی
۶ـ میرزا سلیمانخان میکده
۷ـ سید محمدرضا مساوات
۸ـ میرزا محمد حسین ذکاءالملك
۹ ـ میرزا محسن برادرصدرالعلماء
۱۰ـ میرزا ابراهیم‌خان منشی‌سفارت فرانسه
۱۱ـ حاج میرزا مهدی دولت‌آبادی
۱۲ ـ حاجی‌میرزا علیمحمد دولت‌آبادی
۱۳ـ سید اسدالله خرقانی
۱۴ـ یمین‌السلطنه اخوی‌آقای منقح
۱۵ـ میرزا محمد علیخان نصرةالسلطان
۱۶ـ میرزا حیدرعلی زردوز
۱۷ـ یحیی‌میرزا
۱۸ـ جلال‌الممالك ایرج
۱۹ـ میرزا علی‌اکبر ـ حکیمی‌ساعت ساز
۲۰ـ حاج شیخ مهدی‌کاشی
۲۱ـ مجدالاسلام‌کرمانی

۲۲ـ مجلسی اصفهانی
۲۳ـ جناب اصفهانی
۲۴ـ سیدعبدالوهاب اصفهانی
۲۵ـ حاج علی‌نقی‌خان سرداراسعد بختیاری
۲۶ـ بحرالعلوم‌کرمانی (برادر روحی‌کرمانی)
۲۷ـ سید عبدالوهاب معین‌العلماء
۲۸ـ اردشیرجی زردشتی
۲۹ـ ارباب‌گیوزردشتی
۳۰ـ سلطان‌العلماء زواره‌ای
۳۱ـ میرزا جهانگیرخان
۳۲ـ حاجی‌سیاح
۳۳ـ امین‌الاطباء رشتی
۳۴ـ میرزا محمد حسین‌اعتضاءالحکماء
۳۵ـ حاجی‌نایب‌الصدرشیرازی
۳۶ـ قاضی‌قزوینی
۳۷ـآقا محمد حسین تاجر(معروف بخیاط)
۳۸ـ مرشدآقا
۳۹ـ میرزا نوراله‌خان منوی
۴۰ـ حاجی شیخ محمد رفیع
۴۱ـ میرزا حسنخان منوی
۴۲ـ نصراله‌خان ناظم‌العلوم
۴۳ـ آقا میرزا محمد تقی محرر صدرالعلماء
۴۴ـ لواءالملك
۴۵ـ میرزا عبدالخالق سدهی

۴۶ـ شیخ غلام حسینی

۴۷ـ میرزا حسن رشدیه

۴۸ـ سید عبدالرحیم کاشانی

۴۹ـ سید عبدالرحیم اصفهانی

۵۰ـ میرزامحمود اخلاقی

۵۱ـ میرزا محمود شیرازی

۵۲ـ حامدالملك شیرازی

۵۳ـ خان شوکت

۵۴ـ شیخ عبداله مفید

۵۵ـ شیخ علی زرندی ناطق المله

۵۶ـ معین نظام

کمیتهٔ انقلاب ملی

با صدور فرمان مشروطیت ، جنبش‌هائی از طرف دستجات سیاسی و کسانیکه طالب آزادی بودند ، بوجود آمد . در این میان فراماسونهائی که در خارج از ایران وارد محافل شده بودند و یا آزادیخواهانی که در لژهای غیر مجاز و بدون اجازه خود را فراماسون می‌دانستند ، بیش‌ازهمه فعالیت‌می‌کردند. وطبعاً اینگونه‌جنبش‌های پراکنده، برخورد-هائی بین اعضای آنها بوجود آورد و هر دسته خود را وارث آزادی و مشروطیت می-دانستند .فراماسونهای عضو لژ بیداری ایران که با اجازهٔ گراند اوریان فعالیت کرده بودند ، برای از بین بردن سازمانهای غیر مجاز نظیر « مجمع‌آدمیت » ، باقیماندگان فراموشخانه و اعضاء لژ خلق‌الساعه فراماسونری ناظم دفتر تبریزی ، درصدد تأسیس یك کمیتهٔ سرّی بنام « کمیتهٔ انقلاب ملی » برآمدند . این کمیته‌که به‌موجب‌اظهارات حکیم‌الملك برای شناخته‌نشدن هویت ماسونیك‌آن بنام «کمیتهٔ سرّی» خوانده‌می‌شد، در دوران استبداد صغیر مبارزات مؤثری کرد ، که هنوز قسمت مهمی از اسرار آن فاش نشده‌است . تنها سندی‌که در این‌باره در دست است اظهارات حکیم‌الملك است

که برای اولین بار در سال ۱۳۲۷ شمسی (۱۹۴۸م) شرح مختصری در باره این کمیته و کلوپی که بنام لژ بیداری ایران « کلوپ بیداری ایران » نامیده می‌شد ، بیان کرده است .

حکیم‌الملك در شرح حال خود نکات جالب زندگی خویش راکه بیشتر دربارهٔ «انقلاب مشروطیت» بوده شرح داده و چنین می‌نویسد :

«... درآنزمان که محمد علیشاه قاجار راه نفاق و دو روئی با مشروطه خواهان پیش‌گرفته بود و زعمای انقلاب ایـران از دسایس او و اطرافیان بدخواهش در امان نبودند همه روزه از اذان صبح تاطلوع آفتاب یك جلسه مهم‌سرّی ازجمعی‌سران‌انقلاب ایران در منزل آقای حکیم‌الملك واقع در خیابان پستخانه تشکیل می‌شد کسانیکه در این جلسه سرّی حضور می‌یافتند عبارت بودند از :

تقی‌زاده - مرحوم میرزاجهانگیرخان صوراسرافیل - مرحوم ملك‌المتکلمین - مرحوم سیدجمال واعظ اصفهانی - مرحوم خلخالی - مرحوم مساوات - وآقای پـرویز مدیر کتابخانهٔ تهران هم دراین‌جلسات شرکت می‌کردند .

در این جلسات سرّی بود که نقشه‌های مبارزه بـا مستبدین طرح می‌گردید و بالاخره همین جلسات بود که پس‌از مدتی تبدیل به‌هستهٔ اصلی حزب دمکرات ایـران گردید ... » [۱]

ملکزاده بدین کمیته سرّی نام (کمیتهٔ انقلاب ملی) داده و در باره‌افراد عضو و مـؤسسان آن نیز اسامی بیشتری را ذکـر نموده و علت تشکیل (کمیتهٔ انقلاب ملی) را چنین ذکـر کرده است : « . . . سران آزادیخواهـان واقعی و موجدین حقیقی مشروطیت که اوضاع را روشنتر از دیـگران می‌دیدند و حقـایق را بهتر از دیگران درك می‌کردند یقین داشتند که این رشته سر دراز دارد و این‌شاه باتکاء روسها و در باریان و شاهزادگان هیچوقت تمکین ازمشروطیت وقانون‌نخواهند کرد و بهر وسیله که ممکن شود کلك مشروطیت را خواهند کند ... بـالاثر از همه

۱ـ اطلاعات ماهانه سال ۱۳۲۷ مقاله (در صحنهٔ انقلاب مشروطیت ایران)

تکیه این شاه مستبد بدولت مقتدر استبدادی روسیه بود و از پطرزبورگ دستور می ـ گرفت و بساز سفیر روس و فرمانده قفقاز می‌رقصید و دائماً با صاحبمنصبان روسی و سفیر روس و شاپشال در تماس بود و هرچه می‌کرد با مشورت و نظر آنها بود[۱] ... محمد علیشاه مکرر گفته بود اجدادش سلطنت مستبده را با شمشیر بدست آورده‌اند و او با شمشیر آنرا حفظ خواهد کرد.

مهمتر از آنچه گفته شد این است که محمد علیشاه ملت را بنده و برده خود می پنداشت و آنها را لایق برای مداخله در امور کشور و مشورت در سیاست نمی ـ دانست ....

کمیتهٔ انقلاب از پانزده نفر رهبران مشروطه تشکیل یافته بود وما برای اینکه فرزندان آینده ایران قائدین انقلاب ورهبران مقاومت را بشناسند بذکر اسامی آنها مبادرت می‌جوئیم ـ ملك‌المتکلمین ـ سید جمال‌الدین ـ میرزا جهانگیرخان ـ سید محمد رضا مساوات ـ تقی زاده ـ حکیم‌الملك ـ سید عبدالرحیم خلخالی ـ سیدجلیل اردبیلی ـ معاضدالسلطنه ـ میرزا سلیمانخان‌میکده ـ میرزا علی اکبر خان دهخدا ـ حاجی میرزا ابراهیم آقا ـ میرزا داودخان ـ ادیب‌السلطنه و نصرةالسلطان.

جلسهٔ‌کمیته هر نیمه شب درخانهٔ حکیم‌الملك واقع درخیابان پستخانه تشکیل میشد وقبل ازطلوع آفتاب اعضاءآن‌متفرق‌میشدند. میرزا محمد نجات ـ حسین‌آقاپرویز میرزا محسن نجم آبادی سه‌نفر ازجوانان روشنفکر وآزادیخواه آن زمان رابط‌کمیته بودند وابلاغات ونوشتجات‌وتلگرافات ودستورات‌کمیته را بخارج می‌رسانیدند ...»[۲]

مرحوم‌حکیم‌الملك‌درشرح‌حال‌خوداشاره‌به‌تأسیس‌کلوپ‌بیداری‌ایران‌کردموآنرا مرکزاجتماع‌آزادیخواهان‌واحرارصدرمشروطه‌ایران‌ودرحقیقت‌ستادآزادی‌ایران‌میداند ومیگوید: از همین‌کلوپ بودکه مشعل‌آزادیخواهی همواره شعله‌ور بود وتمام‌ایران‌را

۱ـ شاید گناه نابخشودنی محمد علیشاه همین نزدیکی او با روسها بود و همین امر سبب سقوط سلطنتش شد.

۲ـ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد ۲ ص ۲۱۸

از نور خود منور ساخت .[۱]

حکیم‌الملك هروقت از این‌کلوپ یاد می‌کند می‌گوید «آرزودارم این نام زنده گردد وآن‌شوروحرارت‌وعشق‌وایمان‌صادقانه‌ای‌راکه درآن‌کلوپ می‌دیدم، یکبارد یگر دراین‌کشور ببینم ...»[۲]

بااشاره صریح وروشنی‌که حکیمی درباره فعالیت «کلوپ بیداری ایران» نمود وباتوجه به‌اسامی مندرج درمقالهٔ اطلاعات ماهانه ونوشتهٔ ملکزاده ، هرنوع ابهامی‌که درباره شرکت فعالانه ماسونهای ایران در«انقلاب مشروطیت ایران» وجود داشته باشد ازبین‌میرود ومسلم‌می‌گرددکه لژ بیداری‌ایران‌پس‌ازاطمینان به پیروزی انقلاب مردم ، چگونه انقلاب‌را هدایت ورهبری‌کرده ومقاصد استاد اعظم‌را اجرا نموده است .همین لژ بودکه سران بختیاری‌را عضوخود ساخت و بوسیلهٔ آنها قوای مسلح جمع‌آوری‌کرد وبرای مبارزه با مستبدین‌گسیل داشت . مسلح‌کردن مردم و پنهان نگهداشتن اسراری که ماسونها در اواخر انقلاب مشروطیت ایران انجام دادند ، خـاطره انقلاب فرانسه وفعالیت فراماسونهارا درحوادث انقلابی بیاد می‌آورد .

ولتر انقلابی معروف فراماسنی فرانسه دریکی ازنامه‌هایش مینویسد : «بایستی برحسب توطئه چینی‌های قبلی اقدام کرد نه از روی تعصب شخصی ... فلاسفه حقیقی باید مانند فراماسنها یك اتحاد برادرانه مابین خود بوجود آورند ... بـایستی اسرار (میترا) فاش نگردد ... بزنید و دستهای خود را پنهان نمائید . . . فراماسنها در انقلاب فرانسه ، فرماندهان نظامی راوارد تشکیلات خودکرده بآنها «سقف فولادین»[۳] لقب داده بودند و نمونه آن واقعه‌ایست که در روز ۱۴ ژوئیه و فتح باستیل روی داد درروز ۱۴ ژوئیه یك مرد ناشناس دراول صبح خود را به «بارون دوبستن وال» معرفی کرده می‌گوید : آقای بارون امروز موانع راآتش خواهند زد ازایشان ممانعتی بعمل

۱ــ فراماسنها همواره خود را مشعلدار آزادی و منبع نور و روشنائی میدانند .

۲ــ اطلاعات ماهانه سال ۱۳۲۷

۳ــ voute d'Acicr

نیاوریدزیرا دراینصورت‌عدهٔزیادی قربانی خواهیدداد بدون‌اینکه بتوانیدکوچکترین شعلهٔ آتش راخاموش سازید.[۱]

پس از۱۴ ژوئیه مرتباً انقلاب درفرانسه توسعه میافت. حتی‌لژهائیکه‌درحدود ۱۵۰ و۲۰۰ فرسنگ ازیکدیگرفاصله داشتند ودرترس‌ووحشت بسرمی‌بردندبه‌سرعت عجیبی همه مسلح می شدند ولی هیچکس نمی فهمید چه‌کسانی آنهارا زیر سلاح در می‌آورند. در «اورلئان» دهاقین بطوری تهیج شده بودندکه همه آنها باداس وشن‌کش مجهزگشته وازهرطرف می‌گریختند»[۲]

فونك برنتانو نویسندهٔکتاب راهزنان مینویسد:

«یك غوغای وحشتناکی در سرتاسر مملکت برپاگردید و بهمه نقاط - آن راه یافت می‌گفتند دزدان و راهزنان می‌آیند و همه مساکن را غارت می‌کنند. حاصل وزراعت‌هارا آتش میزنند - زنان وبچه‌هارا سرمیبرند - دربعضی ولایات مثلا مغرب‌که بدریا برمیخورد هجوم ازطرف همین راهزنانی‌که ذکرآن‌گذشت انجام نمی‌گرفت‌بلکه حمله از طرف انگلیسها بود. گفته میشدکه انگلیسیها در مملکت جلومیآیند و غارت می‌کنند تاراج وتاخت‌وتاز مینمایند وسرهارا می‌برند ... درانگولم می‌گفتند۱۵۰۰۰ بشهر راهزن ریخته است دررسن اتین دوفرز می‌گفتند ۴۰۰۰ نفر هجوم آورده‌اند ... این صدا همه‌جا یکسان بود، ترس و وحشت همه‌را فراگرفته ومردم بـه اعلا درجه تحریك وتهیج شدند همه این اعمال‌را فراماسونها انجام میدادند»[۳]

بنابراین وقتی در تاریخ انقلاب مشروطیت‌ملکزاده، اولین قدم (کمیتهٔ‌انقلاب) را (ایجاد یك نیروی ملی برای حفظ آزادی و مقابله با استبداد می‌داند) نباید آن‌را سرسری گرفت ویا این اقدام را نتیجهٔ تهیج عمومی دانست. زیرا تا آنوقت هنوزعامهٔ مردم‌ایران‌وحتی‌طبقات دوم‌و سوم شاه‌را«ظل‌الله» می‌دانستندوحاضر نبودندکوچکترین قدمی علیه‌خاندان قاجار بردارند. ولی ناگهان بدستور (کمیتهٔ انقلاب) لژ بیداری

---

۱ - کتاب لوئی‌بلان ص ۱۹۵

۳و۲ - تاریخ‌روابط سیاسی ایران و انگلیس ص ۱۸۲۹

ایران هزارها جوان مشروطه خواه وحتی پیرمردان در سلك مجاهدین و سربازان‌ملی درآمدند و بازحمت زیاد اسلحه تهیه‌کرده ومسلح شدند . ملك‌زاده می‌نویسد :

« ... مجاهدینی‌که دست از کارکشیده بودند به فراگرفتن‌فنون نظامی وجنگی پرداختند . عده‌ای از جوانان از قبیل تیمور تاش و یارمحمدخان افشار و چند نفر از صاحب منصبهای مشروطه خواه چون ابوالفتح‌زاده ومنشی‌زاده که از تیپ قزاق استعفا داده بودند به آموختن و مشق دادن سربازان ملی همت گماشتند . از میان انجمنهای ملی عده‌ای داوطلب داخل قشون ملی شدند و روزها در مقابل مجلس و انجمنها رژه می‌رفتند و در روزهای خطرناك برای حفظ مجلس و رهبران ملت از هجوم مستبدین کشیك می‌دادند . عده‌ای از مشروطه‌خواهان‌اثاثیه خانه‌های خود را فروختند وتفنگ و فشنگ خریدند و خود را برای دفاع از آزادی مجهز کردند ...»[1]

دردوران استبداد صغیر ودر روزهائیکه محمد علی‌میرزامردم را به گلوله بسته بود ، ریاست لژ فراماسنی بیداری ایران در تهران با دکتر مرل فراماسون عضو لژگراند اوریان بود . اودر

دکترمرل‌فرانسوی

روزهائی که‌لژ باز بود و (قانون‌اساسی فراماسنی)را به فراماسنها می‌آموخت ،خودش علناً مواد (قانون اساسی ماسنی) را زیر پاگذارده و علناً دستور طغیان وسرپیچی‌علیه حکومت وقت ، به برادرانش می‌داد و حتی خود در جنگهای خیابانی شرکت‌می‌کرد .

او جملات‌قانون‌اساسی ماسونی راکه می‌گوید «ماسون هیچوقت نباید دردسائس و پیمانهای عصیانی که ضدصلح و سعادت ملت بسته می‌شوددخالت کند ...زیراجنگها و قتل عامها و بی‌نظمیها همیشه بضرر تشکیلات فراماسنی‌تمام شده است ...»[2] فراموش کرده و نه تنها به این جملات توجهی نمی‌نمود ، بلکه خود نیز موجد « دسائس » و « عصیانها » شد و از جمله اداره کنندهٔ انقلاب و محرکین اصلی بود .

دکتر مرل‌چون می‌دانست‌جنگها و قتل‌عامهای مشروطیت‌ایران با نقشهٔ‌صحیحی پی‌ریزی شده و نتیجهٔ آن(بضرر تشکیلات فراماسنی)نخواهد شد ، روزی که محمد

---

۱ ـ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد دوم ص ۲۲۲

۲ ـ قانون اساسی گرانداوریان نسخهٔ فرانسه چاپ سال ۱۸۹۲ ص ۲۰



ادیب‌الممالک فراهانی

علی میرزا مجلس را به توپ بست ، به عنوان کمک به قزاقان مجروح وارد معرکه‌شد و با درشکه درباری اسلحه به مجاهدین می‌رسانید و از دادن آب و نان بـه مشروطه طلبان و معالجهٔ آنها کوتاهی نمی‌کرد .

ادیب الممالک در یادداشتهائی که در پرونده فراماسنی‌اش موجود است دربارهٔ

اقدامات دکتر مرل در روز بمباران مجلس می نویسد : « آن روز برادر دکتر مرل از همه روزهافعالتر، بانشاط تر بود، او بدون پروا به‌جنگجویان اسلحه،غذا ودوامی رساند.

دکتر مرل صفوف قزاقان را شکافته ، خود را به برادرانی که محاصره شده‌بودند رسانیده موجبات فرار آنها را فراهم می‌کرد »[۱] دکتر مرل علاوه بر طبابت مدیر روزنامهٔ «اکودوپرس» یا «صدای ایران» بود که درتهران‌به‌زبان فرانسه منتشرمی‌شد.

شمارهٔ اول این روزنامه در ۱۲ مارس ۱۸۸۵ (۱۳۰۲ قمری) در تهران منتشر شده است . قبلاً روزنامهٔ فرانسهٔ دیگری بنام « لاپاتری » (وطن) در ایـران انتشار می‌یافت که مدیر آن « بارون دونرمان » بلژیکی بود . از این روزنامه فقط یك‌شماره در۹محرم۱۲۹۳ (فوریه۱۸۷۶) منتشر شدکه به دستور ناصرالدینشاه توقیف وتعطیل گردید . علت توقیف روزنامهٔ مزبور مقاله‌ای در باره «آزادی» بوده که مطابق طبع‌شاه نبود و منجر بصدور دستور توقیف آن‌گردید .

ناصرالدینشاه در سفرفرنگستان مطابع‌فرانسه رادید وتصمیم‌گرفت درایران‌نیز مطبعه‌ای‌که حروف لاتین داشته باشددایر کند . بدین منظور هنگامیکه ازترکیه‌عبور می‌کرد در اسلامبول مطبعه‌ای خرید و با یك حروفچین به تهران‌آورد . درهمین‌مطبعه بود که دوروزنامهٔ فرانسوی‌منجمله روزنامهٔ صدای ایران وابسته به لژ بیداری‌ایران، طبع می‌شد . دکتر مرل روز ۵ سپتامبر ۱۹۱۰ م (۱۳۲۷ هـ)در تهران درگذشت وکلیهٔ فراماسنها جنازهٔ او را با آئین فراماسنی تشییع کـردند و سپس در لژ بیداری ایران مجلس‌یادبودی برای اومنعقد ساختند که درآن‌عده‌ای‌از فراماسنها در بارهٔاوسخنرانی نمودند و ادیب‌الممالك نیز قطعهٔ زیر را در بارهٔ او قرائت نمود :

در شب دوشنبه‌سلخ‌شهر شعبان۱۳۲۸هجری مطابق پنجم سپتامبر ۱۹۱۰میلادی که محفل عزای مرحوم ب.˙˙دکتر مرل منعقد بود در ل.˙˙ ا .˙˙ این قطعه را انشاء و قرائت نمودم[۲]:

---

۱ ـ این یادداشتها در اختیار نویسندهٔ است.

۲ ـ در صفحهٔ ۱۸۸ ـ ۱۸۹ دیوان ادیب‌الممالك در پاورقی این قطعه نوشته شده « دکتر مرل ازاعضای حزب فراماسیون ایران بوده ادیب‌الممالك‌هم از بزرگان این حزب بوده به شهادت دفاتر او ـ حروف و نقطه رموز واشارات حزبیست »

برادران به جهان اعتماد کی شاید
که می بکاهد شادی و غم بیفزاید

زمین‌عمارت‌خاکیست پی‌نهاده برآب
اساس [1] خاك چو برآب شدکجا پاید

بقا ز نام طلب نی ز عمر تا نشوی
نظیر آن که مگر ماهتاب پیماید

بر این‌ودیعه‌که‌بخشیدت‌آسمان‌کبود
مبند دل که شبی این ودیعه برباید

بیاودر پی آسایش عزیزان کوش
که در زمانه کسی جاودان نیاساید

شب‌تو‌حامل‌مرگ‌است‌ولاجرم‌یکروز
زنی که حامله شد بچه را همی‌زاید

درون‌خاك بخسبدچو زر درآخر کار
شهی که افسر زرین بر آسمان ساید

ولی‌جدائی دکتر مرل از این‌مجمع
غمی بود که تن کوه را بفرساید

بشد برادر ما ای دریغ در دل خاك
بسوگواری او خون گریستن باید

روان فرخ آن محترم چو سرتاپای [2]
زنور بود به بنگاه نور بگراید

درود باید بر وی‌نثار کردن ازآنك
درود ما چو رود نور او فرود آید

امیدوار چنانم ز کردگار بزرگ
که زنگ‌غم‌ز دل‌این گروه بزداید

برادران را بخشد ز لطف دلداری
بخاندان «مرل» اجر و صبر بخشاید

زهی جلالت معمار اعظم آنکه‌بفضل
نهد بنا و به عدلش همی بیاراید

زخاك وسنگ اساسی نهاده در گیتی
که سنگ‌وخاك مراورا بصدق بستاید

بنان معتقدش خاره‌ای کند بلور
دهان منکر اوسنگ خاره می‌خاید

بخوان به نکته توحید سر (الاالله)
که رمزهای نهان راصریح بنماید

الف‌به‌شکل‌عموداست‌ولام‌الف پرگار
دو لام سطح وزها گونیا پدید آید

بود وظیفه «ماسن» که بر روان مرل
درود خواند و شکرخدای برآید

که‌چون‌خدای‌ببندددری زحکمت خویش
بروی بنده دو صد در زفضل بگشاید

توهمچوسروی وعقباچنانچه خواهی کرد
که اره گیرد و شاخ ترا بپیراید

تو خشت خام وخدا اوستادخانه‌طراز
مکن درنگ بنه سرکجاکه فرماید

رواق نبستین و چرخ لاجوردی را
گهی به مشك سیه که بزر بینداید

اگر تو خادم بزم (روی دو لیرانی)
صبور باش به غم تا که غمگسار آید

شرح پاورقی درصفحه ۱۹۰

هو

بسمه تعالی شأنه العزیز

ـ دستخط ادیب‌الممالک ، ازمجموعه اسناد نویسنده

سازمان لژفراماسنی درمجلس‌شورای‌ملی

پس از پیروزی مشروطه طلبان و شکست مستبدین ، فراماسنهای ایران یکه‌تاز میدان سیاست و اجتماع ایران شدند .

یکی از قدمهای برجستهٔ لژفراماسنی ادارهٔمجلس‌شورای ملی و سازمان دادن به امور داخلی آن بود . بطوریکه سید حسن تقی‌زاده در یك جلسهٔ خصوصی با حضور احمد فرامرزی به نگارنده گفت :

« کلیهٔ سازمانهای جلسه علنی و حتی ادارات مجلس شورای ملی تقلیدی از نظامنامهٔ لژ بیداری ایران و تشکیلات داخلی لژ مزبور بود » هنگام تشکیل جلسه علنی همانطوریکه در محافل ماسنی رئیس و دو نایب رئیس جلسه را اداره‌می‌کنند در مجلس شورای ملی نیز همین سازمان داده شد .

چهار منشی جلسهٔ علنی مجلس شورای ملی که اطراف رئیس نشسته‌اندووظائف حضور و غیاب ، قرائت لوایح و صورت مذاکرات و مصوبات ، شمارش آراء ، قرائت پیشنهادات همه عیناً کارهای استاد اعظم ، دو معاون ، منشی و خزانه‌دار ، مهماندار و ممتحن را انجام می‌دهند .

در داخل مجلس شورای ملی شش محل برای نشستن افرادی غیراز نمایندگان وجود دارد که کلمهٔ « لژ » در بارهٔ آنها استعمال شده، واز دورهٔ دوم تا کنون بدین‌نام نامیده می‌شوند .

لژها عبارتند از : لژ جراید ـ لژ پرخیده (مخصوص دیپلماتها) ـ لژ رؤسا و سلطنتی ـ لژ بانوان ـ لژ ویژه .

زیرنویس صفحه ۱۸۸

۱ ـ در نسخهٔ‌خطی به خط شاعرحکمه«اساس» نوشته شده ولی در دیوان چاپی«بنای» خاك چاپ شده

۲ ـ در نسخهٔ خطی«پای» نوشته شده.

طرفین محل اجتماع نمایندگان مجلس شورای ملی دو لژ عمومی برای تماشاچیان عادیست که نظیر این دو لژ در داخل سازمان ماسنی برای « ویزیتورهای فراماسون » وجود دارد . مقام « خطیب » در لژ ماسنی با جای سخنران در تالار علنی مجلس شورای ملی کمی فرق دارد ولی بهر حال این محل نیز درسازمان مجلس فراموش نشده است.

همانطوریکه در محافل فراماسنی نگهبانان داخلی و خارجی ورود .و خروج اعضاء را به «لژ» ها کنترل می‌کنند . در مجلس شورای ملی نیز دو نوع نگهبان وجود دارد . نگهبانان خارجی تالارها ، درهای ورودی لژها ، درهای کاخ مجلس شورای ملی همه سربازان گارد مخصوص هستند که تحت نظر مستقیم رئیس مجلس شورای ملی قرار دارند . ولی در جلوو داخل تالارها ، اطاقهای کمیسیونها و سایر اماکن هیئت رئیسه نگهبانان داخلی مجلس شورای ملی قرار می‌گیرند که همه با البسهٔ مخصوصی ملبس هستند . (همچنانکه نگهبانان لژهای ماسنی لباس مخصوص دارند) سه کارپرداز انتخابی مجلس شورای ملی نیز کارهای خزانه‌دار ، رئیس تشریفات و دفتردار لژهای ماسنی را اداره می‌کنند .

همانطوریکه در معابد ومحافل ماسونی شخص مخصوصی حافظ و نگهبان تالار محفل است ، در مجلس شورای ملی نیز « رئیس بازرسی » مجلس عیناً همان کارهارا اداره می‌کند . اداره بازرسی مجلس در کار گارد انتظامی ،کنترل ورود وخروج افراد به محوطهٔ داخلی مجلس ، بازرسی بدنی واردین که اسلحه سرد یا گرم همراه نداشته باشند و حفاظت درهای ورودی به عهدهٔ ادارهٔ بازرسی و زیر نظر رئیس بازرسی است.

در محافل فراماسنی طبق یك سنّت قدیمی ورود هر نوع لوازم فلزی حتی دسته کلید و فلزات دیگر (بجز نشانها و سلاحهای نگهبانان داخلی و خارجی) ممنوع است . در داخل معابد ماسونی محلی است که در لژ بیداری ایران به نام (انبارلباس و غیره) و محلی نیز به نام « رخت‌کن » وجود داشته است. در این دو محل فراماسنها موظف بودند کلیه سلاحها و لوازم فلزی خود را بگذارند و پس از پوشیدن لباس و

حمایل مخصوص از کریاس عبور کرده وارد سرسرا بشوند ، و پس از اینکه کنترل شدند به داخل تالار بروند . در مجلس شورای ملی نیز دو سرسرا وجود دارد که نمایندگان فقط پس از عبور از آنها می‌توانند وارد تالار جلسهٔ علنی بشوند . بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که فراماسنها حتی سازمان داخلی مجلس شورای ملی را نیز شبیه تشکیلات داخلی خود کرده‌اند ، که در جلد پنجم این کتاب تفصیل بیشتری در این باره داده شده‌است.

تأثیر لژ فراماسونی ایران در نوشتن متمم قانون اساسی ایران

نوشتن قانون اساسی ایران هم یکی دیگر از اعمالی است که تحت تأثیر لژ فراماسونی انجام گرفت . در این مورد لژ به عمال و اعضاء خود دستورداد تا در تغییر و تبدیل موادقانون اساسی دخالت کرده ، آنچه را که « استاد اعظم » می‌خواهد انجام‌دهند. چنانکه می‌دانیم پس از صدور دستخط مشروطیت قانون اساسی اول مشروطیت ایران در ۵۱ ماده تنظیم گردید و سپس اصول آن در مجلس اول ضمن متمم قانون اساسی بطور مفصل تدوین شد .

ولی در همان مرحلهٔ اول راجع به تشکیل مجلس سنا بین نمایندگان اختلاف شدید بروز کرد و این امر باعث تأخیر در توشیح قانون اساسی گشت . وزیر مختار وقت انگلیس در ایران که « سیسیل اسپرینگ رایس » نام داشت جریان آخرین روز توشیح قانون را به نقل از اظهارات یکی از عمال مخفی سفارت که در کنار تختخواب مظفر-الدین شاه بوده طی گزارشی که روز ۴ ژانویه ۱۹۰۷ به سر «ادواردگری» وزیر امور خارجه وقت خود داده ، چنین نوشته است :

« در امر اختلاف مجلس سنا یکی از نمایندگان در جلسه مذاکرات گفته است هر اختلاف و مشاجره‌ای به نفع دشمنان آزادی تمام می‌شود وازاین رو بهتر است آن اختلاف را کنار بگذاریم .

مظفرالدین شاه که در این وقت بیمار و علیل بود گفته است که : که اراده‌اش مثل خود او مریض است .

ضمناً عریضه‌ای به مظفرالدین‌شاه نوشته شد که اگر قانون اساسی توشیح نگردد در سراسر کشور اغتشاش بر پا خواهد شد و لعنت خدا برکسی خواهد بود کـه خون مردم را به هدر دهد. این نامه را یکی از درباریان پاره کرد ولی به اصرار شاه‌مطلب آن را به اطلاع وی رسانده است. مظفرالدین شاه گفته است: «فردا قانون راامضاء خواهد کرد» ولی چون‌حال او بسیار وخیم‌بود و احتمال‌میرفته است که روز بعد زنده نباشد، یکی از حاضرین دربار موقع را مغتنم شمرد وهمان وقت به شاه توصیه کرده است که قانون اساسی را خود امضاء نماید و به فردا موکول نکند. مظفرالدینشاه این پیشنهاد را پذیرفته و محمد علی میرزا ولیعهد و میرزا نصراله‌خان مشیرالدولـه صدر اعظم‌را احضار کرد و در حضور آنها این قانون را توشیح نموده است.

اطلاع رسیدکه مظفرالدینشاه به محض‌گذاشتن‌امضای‌خودپای متمم قانون‌اساسی گفته است که «حالا به آسودگی می‌میرم»[۱]

سیسیل اسپرینگ رایس وزیر مختار انگلیس در تهران به سر ادوارد گری در روز۴ژانویه ۱۹۰۷ چنین مینویسد:

«شاید گزارش زیر راجع به وضع و شرایطی که تحت‌آن مشروطیت آن‌اعطاء شد و نگارنده جریان آن را از یکی از بازیگران اصلی این واقعه شنیده است قابل توجه باشد:

پس از خاتمه شورا که در آن ما اعضاء انجمن به توافق رسیده بودیم تصور می‌کردیم کلیهٔ مشکلات خاتمه یافته است اما هنگامیکه نمایندگان به اتفاق ما بـه مجلس برگشتند و تصمیم متخذه را (راجع به قانون سنا) اعلام کردند نخست سکوت حکمفرما شد وبعد یك نفر از میان تماشاچیان فریاد زدکه به مجلس خیانت‌شده‌است. تردید و ابهام‌عظیمی برمحیط‌سایه انداخت و ناراحتی‌به جمعیتی که در خارج‌اجتماع کرده بودند سرایت نمود و بزودی مسلم شد که مردم پیشنهاد ما را نخواهندپذیرفت.

---

۱ ـ اطرافیان‌آن روز مظفرالدینشاه درتواریخ معرفی شده‌اند. چون گزارش‌دهنده «جاسوس» سفیر انگلیس واحتمالا یکی‌از فراماسنها بود. ازمعرفی وی خودداری شده‌است. ولی نظری‌کوتاه به نام اطرافیان شاه درآنروز جاسوس مذکور شناخته می‌شود.

بین ما و اعضای انجمن بحث و مشاجره شدیددرگرفت وما فکرکردیم این شکاف وسیعتر از آنست که بتوان مسدودش کرد .

اما اشخاصی از میان روحانیون آمدند و گفتند که اگر ما بمشاجره و اختلاف ادامه بدهیم فقط دشمنان آزادی استفاده خواهند کرد بنا براین ما موافقت کردیم که پیشنهادهای خود را تغییر بدهیم و ولیعهد نیز در پذیرفتن آنچه که ما لازم‌میدانستیم اشکالی بوجود نیاورد . مردم‌هم آنچه راکه بین ما توافق شده بود پذیرفتند و به‌مشاجره واختلاف خاتمه داده شد .

بنابراین همه چیز برای امضای شاه آماده بود . ولیعهد کاغذ را نزدشاه‌فرستاد . اعلیحضرت‌روی صندلی‌مخصوص خود نشسته و خیلی خسته بودوبا وجوداین‌می‌توانست صحبت و استدلال کند . اما موقعیکه پیغامبر با کاغذ وارد شد و اعلیحضرت دریافت‌که آن فرمانی است که بایستی گفت (باذکر یك ضرب‌المثل فارسی) مردبیمارخواست و اراده‌اش هم بیمار است ، و ازتوشیح خودداری‌نمود . بعداً معلوم شد که این واقعه‌روز یکشنبه‌اتفاق افتاده بود . آنگاه برخی از روحانیون طراز اول نامه‌ای نوشتند ودرآن ذکر کردند که اگر شاه فرمان را امضاء نکند در سراسر ایران آشوب برپا خواهدشد و این گناه شاه خواهد بود. و نفرین وغضب خداوندگریبان او را خواهد گرفت و تا داخل‌گورهمراه او خواهدبود مخصوصاً اگرخون مردم‌که خداوندآنها را تحت‌مراقبت اوقرارداده‌است بخاطر خطای اوریخته‌شود. این نامه به‌کاخ سلطنتی رسیدوبدست‌یکی از درباریان افتاد که آن را خواند . شاه از او پرسید در نامه چه نوشته شده ؟ او نامه را تکه‌تکه کرد و گفت این‌مطلبی نیست که شاه بشنود . شاه هراسان شد واصرارکرد که باید بفهمد در نامه چه نوشته شده. سرانجام وقتیکه موضوع را شنید و گفت «فردا امضاء خواهم کرد » اما چند نفری‌که آنجا نشسته بودند گفتند بهتر است همان شب امضاء کند . بنابراین شاه بدنبال ولیعهدو صدر اعظم فرستاد و در حضورآنها فرمان‌را امضاءکرد . موقعیکه امضای‌خودرا پای‌فرمان گذاشت گفت : «حالادیگر به‌آسودگی

میمیرم » (امضاء) سیسیل اسپرینگ رایس [1] (۲۳۰۵ ایکس - ۱۵)

اما قانون‌اساسی تنظیمی دارای نقایص فراوانی بودکه تکمیل آن احساس میشد. کارگردانان لژ بیداری ایران وقتی‌زمینه را مستعددیدند ، بهنگام تشکیل مجلس‌اول، میرزا جوادخان سعدالدوله‌راکه‌از تبعیدمراجعت کرد و بعنوان ابوالمله داخل مجلس شده بود مأمور نمودند تااین نقائص‌را رفع وقانون اساسی‌را تکمیل کنند .

میرزا جوادخان که در بلژیك به عضویت لژ فراماسنی درآمده [2] بود می‌گفت مواد قانون اساسی ۵۱ ماده ای شامل تمام حقوق اساسی و مسئلهٔ تفکیك قوای سه‌گانه نیست وباید اصلاح‌گردد ودرآن‌زمان‌گفتار او بیشتر ازهرمشروطه‌خواه دیگری‌درافراد نفوذ داشت [3].

وقتی «ابوالمله» نقائص اساسی‌رادرمجلس مطرح‌کرد ، دیگران بااوهمصداشده وانجمنهای مخفی وعلنی آزاد ووابسته به‌جمعیتها وفرق مختلف ، منجمله‌فراماسن‌ها با اوهم‌آهنگ‌گردیدند . هرچنداین‌انجمنها وجمعیتها درست‌نمی‌دانستند و نمی‌فهمیدند که نقص‌قانون اساسی ۵۱ ماده‌ای درچیست‌وچه‌باید برآن افزوده‌گردد، معذلك‌ازگفتهٔ ماسنها پشتیبانی می‌کردند . و سر انجام نتیجهٔ فشار افکار عمومی و اصرار نمایندگان مجلس شورایملی سبب شد تا مجلس یك‌کمیسیون هفت نفری را به ریاست سعدالدوله مأمور تنظیم متمم قانون اساسی نماید . سعدالدوله ومحققالدوله (معلم مدرسه‌سیاسی) از سایر اعضاء کمیسیون با تفکرات اروپائی بیشتر آشنا بودند و به اینجهت توانستند دیگران‌را تحت تأثیر قرار دهند ودرنتیجه باید سهم آنان‌را درتهیهٔ متمم قانون‌اساسی بمراتب بیش‌از دیگران دانست . تقی زاده ، سید نصراله تقوی وحاج امین‌الضرب‌که هرسه‌عضو لژ بیداری ایران ومأمورکمك بسعدالدوله وپیش بردن«اوامر استاد اعظم»

---

۱ - اسناد بایگانی عمومی انگلستان‌آرشیو شماره ۳ - ۲۱ ژانویه ، قسمت ۱۵ شماره یك ۲۲۱۵ .

۲ - مقالهٔ مشروطهٔ ستمدیده بقلم‌محیط طباطبائی ۱۳۴۰/۱۱/۲۸ مجلهٔ‌تهرانمصور شماره ۹۶۴ .

۳ - دراین دوره سعدالدوله مشروطه‌خواه درجه اول بود وهمه را تحت‌الشعاع قرار داده بود و به اکثر از مشروطه خواهان بی‌اعتنائی می‌کرد .

بودند ، مأموریت داشتند حوادث و ماجراهـای ساختگی بـرای هیجان مردم بوجود آورند تاشاه قاجاررا بانوشتن قانون اساسی جدید موافق‌کنند . تقی زاده دربارهٔ نقش خویش دراین حوادث مینویسد :

«درموقعیکه مجلس ازبابت‌عمال سپهدار تنکابن وطفره وزراء ازحضور درمجلس وقبول‌مسئولیت وسایر اتفاقات ناموافق و بی‌اعتنائی تام بمجلس درهیجان بودمن‌کاغذی راجع به‌این اوضاع و عدم استحکام مشروطیت و عدم ترتیت آثار بران و اسم و بی‌رسم بودنش به‌آقا میرزا محمدعلی تربیت[عضولژ فراماسنی درتبریز ومؤسس شعبه‌لژدرآن شهر] درتبریز نوشتم‌کـه حسب‌المعمول هر هفته مکاتیب شخصی راجع به احوال خود واوضاع می‌نوشتم .

کاغذیکه دراین موقع نوشتم درشدت‌نگرانی ازوضع وتاریکی افق سیاست‌بود، یعنی مطابق همان روزهاکه مجلس اتمام حجت به‌دولت فرستاد و تقریباً امید به قبول شدن آنرا نداشت . این مکتوبـرا باشرح وبسطی نوشته بودم .

پس‌از ده روزکه مکتوب به‌تبریزرسید درتهران‌همه‌چیز روبراه شده‌بودولی‌وقتی که مشارالیه کاغذمرا خواند خیلی از اوضاع دلگیر شده و یکی دونفـر از پیشروان مشروطیت در تبریز نشان داده بود ، آنها فوق‌العاده برآشفته و اصرار کردند که باید کاغذ علناً درانجمن‌خوانده شود ، واقدامات لازمه بعمل آید . بالاخره مشارالیه‌مسوده کاغذ مرا بدون نام ونشان وباحذف مطالب شخصی وامضاء به‌آنها دادکه تقریباً مثل‌یك مقاله میشدکه نویسنده‌اش مجهول است و فقط یکی دونفر می‌دانستند که این کاغذ در انجمن خوانده شد و تأثیر عظیم‌کرد . مردم سخت بهیجان آمدند . ولولهٔ عظیمی برپا شد . ناطقین فریادکشیدند وبعضی خودرا ازپنجره به حیاط انداخته وبه بازار دویدند ودریکساعت بازار ودکان بسته‌شد و انقلاب سختی برپاگشت [۱]» با وجودیکه خود سید حسن تقی زاده اقرار می‌کندکه (درتهران همه‌چیز روبراه شده) وکلیهٔ مسائلی‌که‌نشان میدادکه فراماسنها بدان متوسل شده‌اند از میان رفته است ، معذالك انجمنی‌که کار-

---

۱ ــ مجلهٔ یغما شماره ۱۶ سال ۱۴ ص ۳۴ .

گردانان اصلی آن فراماسنها بودند برحسب دستور کسی یاکسانیکه میخواستندمملکت متشنج باشد ، شروع به‌اقدام‌کرده وشهر تبریز باردیگردچار هیجان وانقلاب شد.اهالی تحریك شده تبریز که فقط یك مقاله (بدون عنوان و امضاء) خوانده بودند[1] به تلگرافخانه رفته تقاضای مخابره حضوری باوکلای آذربایجان‌کردند .

در آن تاریخ در تهران فقط تقی‌زاده وکیل تبریز بود . او عده ای از وکلای آذربایجانی‌الاصل راازقبیل حاجی محمد اسمعیل مغازه ـ حاجی میرزا احمد مرتضوی و سعدالدوله را به تلگرافخانه برد تا با متحصنین مذاکره‌کنند و اینکارنیزانجام گرفت لیکن ، وکلائی که به تلگرافخانه رفته بودند و همچنین سایر وکلای مجلس از علت تحصن و هیجان بی‌اطلاع بودند واساساً نمی‌دانستند چراآذربایجانیها باردیگرانقلاب کرده‌اند و جواب آنها چه خواهد بود .

خود مردم تبریز و متحصنین هم نمی‌دانستند چه می‌خواهند به همین جهت در تلگرافات خود موضوع مشخصی را عنوان نکرده بودند. وکلای مجلس درجواب آنها گفتند «سبب شکایت نیست ومجلس مستحکم و مشروطیت پابرجاست» ولی تبریزیها در جواب گفتند «از قرار معلوم اساس مشروطیت در تهران محکم نیست و دولت خودش را رسماً وحقیقةً مشروطه‌ندانسته واعتنائی به مجلس‌ندارد»[2] تقی‌زاده‌که خود می‌دانست چه می‌خواهد به وکلاگفت‌که مردم‌تبریزقانون اساسی می‌خواهند وبایدباآنها همراهی کرد .

وی می‌نویسد : «... این فقره را نمی‌شد رد کرد و درحقیقت مشروطیت درست محکم نشده بود و قانون اساسی مختصری که نوشته بود [درنوشتن اولین قانون اساسی فراماسونها نقش اصلی و مؤثر نداشتند] حقوق دولت و ملت را جمع نموده و یك چیز ابتدائی بود لهذا بعضی از وکلا با شورشیان تبریز همراه شده و گفتند که باید بهمین وسیله شورش تبریز تمام نقایص کار را برطرف کرده و بنای امور را به اساس محکمی

۱ـ مجلهٔ یغما شماره‌مسلسل ۱۵۸

۲ ـ مجلهٔ یغما شماره مسلسل ۱۵۸ .

گذاشت»[۱]. ملاحظه‌می‌شود تقی‌زاده که در چند سطرقبل‌کتاب انقلاب‌ایران می‌نویسد: « درتهران همه‌چیز روبراه شده بود » چند سطر بعدمی‌گوید: «حال باید از این شورش برای رفع نواقص استفاده‌کرد» .

اما درهمان اثنا سعدالدوله‌که با مسیونوز بلژیکی ومسیوپریم دشمنی می‌کرد چون در مجلس نفوذ داشت و نطقهای اوهمه وکلای تازه‌کار را مسحورمی‌کرد از موقع استفاده نموده عزل آنها را نیز خواست .

روز ۲۴ ذیحجه که دو روز از انقلاب مصنوعی تبریز می‌گذشت کلیه وکلای آذربایجانی بجز دو نفر به تهران آمده در خانهٔ حاج محمد اسمعیل مغازه‌ای منزل کردند . آنها بعد از ورود به تهران با افسون وکلای فراماسون به تلگرافخانه رفتند و با متحصنین تبریزمذاکره و آنها را تشویق به پایداری نمودند . دولت که بار دیگر با موضوع مخصوصی روبرو شده بود تشکیل جلسه داد و پس از شور و مذاکره قرارشد میرزا نصراله خان نائینی مشیرالدوله‌که خود ازرؤساء لژ بیداری ایران‌بودبا پیشروان وکلا ملاقات و مذاکره کند .

در اولین جلسهٔ ملاقات مشیرالدوله ، قدری تندی کرد و به وکلاء گفت دولت همه چیز داده است و حالا شما باید مردم را ساکت کنید .

ولی ناگهان نطقهای آتشین تقی‌زاده و حاجی امین‌الضرب (حاجی حسین آقا) اعضاء لژ بیداری و سعدالدوله که فراماسن بلژیك بود و نظریات شخصی داشت ، آغاز شد . و در مجلس ناگهان بین وکلا و دولتیان مشاجره درگرفت و صدراعظم که خودش فراماسن بود و از کنه موضوع اطلاع داشت برای اینکه زمینه را آماده کند و مردم را منقلب سازدگفت : «دولت بشما مشروطه نداده بلکه مجلس مرحمت‌کرده که مشاوره بکنید» این گفتهٔ او همه را عصبانی کرد . تقی‌زاده به حاضرین گفت : «تا مشروطیت رسماً اعلان نشود داخل مذاکره نگردند .»

فردای آن روز درتهران نیز تعطیل عمومی شد و مردم به تحریك انجمن مخفی

---

۱ ــ تاریخ انقلاب ایران ص ۳۵ .

فراماسونها به مجلس ریخته و صراحتاً تأیید و تصدیق مشروطیت را مطالبه کردند .

بالاخره پس از چهار پنج روز غوغا و کشمکش و مذاکرات سخت با دربار لژ فراماسنی چون دید نزدیك است شکست بخورد ، حاج مخبرالسلطنه هدایت راکه از استادان لژ بود پیش شاه فرستاد و او را واسطه قرار داد .

حاج مخبرالسلطنه چندین بار بین شاه و مجلس واسطه مذاکره شد . و شاه که از تحریکات انگلیسیها و فراماسنها آگاه بود برای اینکه بین مشروطه طلبان نفاق بیاندازد و قانون اساسی تنظیم نشود پیشنهاد جالبی‌کرد . او گفت کلمهٔ «مقننه» بجای «مشروطه» بدنبال کلمهٔ مجلس نوشته شود .

وی گفته بود ترجمهٔ صحیح «کونستی توسیون» مقننه می‌باشد نه مشروطه که به زعم بعضیها ترجمهٔ سهوی (Conditione lle) بوده است !

ولی معترضین و فراماسنها فقط کلمهٔ «مشروطه» را می‌خواستند و مجلسیان هم همین کلمه را خواستار شدند . محمد علیشاه بار دیگر نیرنگی بکار برده گفت بعوض «مشروطه» «حکومت مشروعه» گفته شود . این حیله اثرخود را کردکلیه علماء موافق شدند ولی فراماسونهاهمچنان‌کلمهٔ «مشروطه» را خواستند. دراینوقت‌یکی ازجوانهای فرنگی مآب که از تاریخ انقلاب فرانسه و نقش ماسنها در انقلاب آگاه بود به دستور لـژ ماسنی ایران تاریخ لوئی شانزدهم و بـرانداختن او را از سلطنت عنوان کرده و چندین نطق آبدار در این باره برای مردم ایراد نمود . این نطقها که مینوت آن‌ها بدست ماسنهای فرانسوی عضو لژ ایران نوشته شده بود مؤثر واقع شد و محمد علیشاه را بزانو در آورد .[۱]

در نتیجه روز ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۴ ـ (۱۹۰۶ م) شاه دستخطی‌صادر کرده نوشت: «که ایران درعداد دول مشروطه و دارای کونستی توسیون است» براثر این وضع بعضی از مقاصد دیگر نیز از قبیل عزل بلژیکیها برآورده شده بود و دولت همان روز اعلام

۱ ـ یادداشتهای ادیب‌الممالك فراهانی .

کرد که کمیسیونی برای نوشتن متمم قانون اساسی تشکیل شده است .

روز۲۸ ذیحجه ۱۳۲۴ ه (۱۹۰۶ م) سرانجام کمیسیونی تحت ریاست سعدالدوله با شرکت تقی‌زاده، مستشارالدوله، حاجی‌امین‌الضرب، حاجی سید نصراله ومشارالملك و چند نفر دیگر برای نوشتن متمم قانون اساسی تشکیل شد و در همان روزهای پراز اغتشاش مسوده چند ماده از قانون اساسی که حقوق شاه و ملت را تعیین می‌کرد تهیه گردید و شاه نیز همه را تصدیق کرد .

ولی‌چون‌لژماسنی‌ایران‌درنوشتن قانون اساسی نظر بخصوصی داشت ومی‌خواست چند ماده از قانون اساسی فراماسنی را نیز درقانون‌اساسی‌بگنجاند، جلسات‌را طولانی کرد وسرانجام وضع را طوری پیش آوردکه فقط چند فراماسنی‌که ازلژ بیداری ایران مأموریت شرکت در تنظیم مواد قانون را پیدا کرده بودند شروع بنوشتن قانون اساسی نمودند .[1]

سید حسن تقی‌زاده در این باره چنین می‌نویسد: « . . . کمیسیون تحریر متمم قانون اساسی یکی دو جلسه منعقد شد و سپس شروع به نوشتن آن کرد . سعدالدوله نیز در این یکی دو جلسه حاضر شده و با کمال تکبر سیگار خود را بدهن گرفته و گوش داد .

بعد حاضر نشد وهمه را سه چهارنفر ازوکلا نوشته و تمام‌کردند . عمدهٔ اعضای آنها میرزا صادقخان مستشارالدوله و تقی‌زاده و حاج سید نصراله اخوی بودند .

برای نوشتن قانون مأخذ و کتب لازمه در دست نبود و فقط یك جلد قانون اساسی بلژیك‌که‌آنرا سعدالدوله[2] ازمیرزا اسمعیل خان منشی سفارت بلژیك به عاریت

---

۱ ـ یادداشتهای ادیب‌الممالك فراهانی ،

۲ ـ میرزا جواد خان سعدالدوله اصلا از تبریز بود . پدرش میرزا جبارناظم المهام و جدش صفرعلی تاجر و از اهل خوی بود . در جوانی در تبریز تحصیلات جدید کرده و بعداً در حدود ۱۲۷۷ هجری با دوجوان دیگر برای یادگرفتن فن تلگراف به تفلیس رفت و دو سال در آنجا بود .

پس از ورود به ایران عضو تلگرافخانه شد ومدتی دردستگاه علینقی‌خان مخبرالدوله←

گرفته بود در دست کمیسیون بود که آنرا اساس قرار دادند و بعدها از قانون اساسی فرانسه و دول بالکان نیز بعضی چیزها بر آن افزوده ، و نوشتند» و بدین ترتیب لژ فراماسنی ایران پیروزی دیگری کسب نمود و منویات و تصمیمات خود را به مرحله عمل در آورد .

فراماسنها و قوانین دادگستری

رؤسا وکارگردانان لژ بیداری ایران که خود را سردمدار انقلاب مشروطیت ایران می‌دانستند و مدعی بودند که رهبری انقلاب ایران را در دوران سلطنت محمد علیشاه بعهده داشته‌اند ، در سال‌های آرامش و سکون نیز همچنان فعالیت پنهانی را برای بدست گرفتن زمام کارهای مملکتی ادامه می‌دادند .

فراماسنهای ایرانی عضو لژ بیداری که تحت تأثیر «برادران فرانسوی» خود قرارداشتند ، پس ازرسوخ درمجلس شورایملی ، مجالس ایالتی و ولایتی و سازمانهای دولتی،سعی کردند درتدوین قوانین مملکتی نیزشرکت کنند. درآن زمان تحصیلکرده‌ها و فرنگ رفته‌ها بیشتر دردربار و ازوفاداران سلطنت بودند . اینها گرچه شیفتهٔ آزادی و حکومت قانون بشمار می‌رفتند ، ولی نمی‌خواستند با کسانیکه علناً با شاه و دربار مخالفت کرده و به حکومت سلطنتی به‌چشم دشمن می‌نگریستند موافقت کنند .

بعلاوه در دوران استبدادکبیر و صغیر ، دسته‌ای که با دربار دشمنی داشتندهمه متمایل به‌سیاست انگلیس بودند ویا افکار عمومی‌جامعه،آنها را مجریان دستورسفارت بریتانیا درتهران‌می‌دانست . به همین‌جهت آن دسته از افراد که می‌توانستند درتدوین قوانین و تنظیم نظامات و آئین نامه‌های مملکتی شرکت فعالانه داشته باشند ، خود را کنار کشیده و علاقه‌ای نشان نمی‌دادند . انزوا وگوشه‌گیری این دسته از روشنفکران

پدر صنیع‌الدوله که وزارت را داشت بسر برد و ترقی کرد .

میرزا جواد خان چندی «معلم خان» دولتی تبریز و تلگرافخانه آنجا را داشت . هنگامی که در وزارت تلگراف و پست بود دختر مخبرالدوله را به زنی‌گرفت. بنا به‌اظهار تقی‌زاده در کتاب تاریخ انقلاب ایران او را اذیت و آزار می‌داد . این حرکات سبب شد که مخبرالدوله وی را وادار به طلاق دخترش کند ولی سعدالدوله راضی نمی‌شد. مخبرالدوله اورا به‌چوب بسته و مجبور به‌طلاق‌کرد، ودر نتیجه‌همیشه بین‌آنها عداوت شدید وجودداشت.

سبب شد تا فراماسنها هرچه می‌خواهند بکنند و همه قوانین و نظامات موضوعه‌راخود ویا باکمك فراماسنهای فرانسوی انجام دهند .

تنظیم‌آئین دادرسی جزائی‌که در سال ۱۳۳۰ هـ. ق (۱۹۱۱ م) بپایان رسیدزیر نظر لژ بیداری ایران ، با همکاری چهار فراماسون ایرانی انجام گردید . از این‌عده سه فراماسون‌ایرانی: مشیرالدوله ـ ذکاءالملك‌ـتقوی ویك فراماسون فرانسوی[مسیو پرنی][1] بودند.

پرنی که در فرانسه تحصیل علم حقوق کرده بود به اتفاق چند همکار فراماسنی دیگر به عنوان مستشار عدلیه استخدام وبه ایران آمده بود .

قانون محاکمات جزائی که چهار فراماسون عضو لژ بیداری ایران نوشته‌بودند دارای ۵۰۶ ماده بود که بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری ایران به « کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورایملی » در دوره اول پیشنهاد شد . در کمیسیون مذکور کـه شاید هیچیك از اعضایش ازموادآن چیزی نفهمیدند ، شور اول‌آن به‌اتمام رسید . شورثانی آن نیز تا ماده / ۱۷۰ تمام شده بود که تعطیل مجلس شورای ملی پیش آمد و تصویب قانون موقتاً متوقف گردید . فراماسنها که در آن ایام در عدلیه نفوذ فراوان داشتند ، برای پیش بردن نظرات و دستورات محفل فراماسونری در سال ۱۳۳۰ ق (۱۹۱۱ م) مواد پانصد وشش‌گانه را به ضمیمه مقدمه‌ای به هیئت دولت وقت پیشنهاد کردند.آنها برای آنکه نظریات لژ را با شعائر اسلامی تطبیق داده باشند،مرحوم سید محمدحسن مدرس را به ریاست کمیسیون عدلیه انتخاب کرده و بدینوسیله موافقت او را نیزجلب

---

۱ ـ آدلف پرنی دادیار دادستان پاریس بنا به تقاضای میرزا حسنخان مشیرالدوله وزیر عدلیه که فراماسون بود وبامعرفی‌وکمك مؤثر گراند‌اوریان پاریس بوسیله احمدخان ممتازالسلطنه سفیر ایران درپاریس استخدام و بنام مستشار عدلیه به ایران آمد . همراه‌او مسیولاتس ویزیوز که اوهم فراماسون بود به اتفاق لوبلان به ایران‌آمدند و هردومستشار وزارت معارف شدند .

نمودند[1].

در مقدمهٔ قانون مذکور نوشته شده : « ... نظر به اهمیت و فوریت قانون‌مزبور و لزوم و کثرت احتیاج عمومی به‌آن از طرف وزارت جلیلهٔ عدلیه از امضاءکنندگان حاج سید نصراله تقوی ـ ذکاءالملك ـ میرزا رضاخان طباطبائی تقاضا شد به معاونت و مشاورت حضرتین آقای سید محمد حسن مدرس وآقای مشیرالدوله و با جلب نظریات جناب مسیو پرنی‌پرکو در دولت قوی‌شوکت جمهوری فرانسه ومستشار عدلیه شور دوم قانون مزبور را به انجام برسانیم که از طرف هیئت جلیله وزراء موقتاً به موقع اجراء گذاشته شود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی پیشنهاد به مقام هیئت مقننه شده بعد از جرح و تعدیل و تحصیل نظریات نمایندگان ملت از آن مقام منیع گذشته قانونیت کامله حاصل کند لهذا در مدت دوماه با حضور آقایان مدرس و مشیرالدوله و جلب نظریات جناب مستشار شور دوم آنرا به اتمام رسانیدیم و موافقت آن با قوانین مقدسه اسلامیه و عادات و اخلاق مملکت نیز بقدر مقدور رعایت شده است . نصرالله تقوی ــ ذکاء الملك ــ رضا طباطبائی نائینی »

قوانین و مقررات نظامات خلق‌الساعه‌ای که فراماسنهای ایرانی و فرانسوی‌به مردم کشور ما تحمیل کردند ، آنقدر عجولانه وناشیانه و خلاف عرف و شرع وعادات وآداب مردم بود که هنوز هم‌پس از گذشت نیم قرن اسباب فساد و تباهی است . باوجود این قوانین‌ومقررات بسیار سنگینی‌که به تدریج‌برای‌کیفر متخلفین از قانون‌ومجرمین وضع و به موقع اجراء گذارده شده و با وجود مراقبت و دقتی که از طرف مأمورین مربوطه بعمل‌آمده و کمیسیونهائی که بمنظور اصلاح قوانین و بهبود اوضاع اجتماعی مرتباً تشکیل میشود ،متأسفانه نه تنها ارتکاب جرائم ومخصوصاً تکرار جرم کم‌نشده

۱ ـ مرحوم مدرس در زیر قانون مذکور می‌نویسد : « حقیر درکمیسیون مجلس دارالشوری وکمیسیون‌خارج حاضر بودم‌وبقدرامکان‌سعی نمودم الضرورات‌تسبح‌المحذورات امور جزائی که بمحاکم صلحیه ومحاکم جنائی اختصاصی‌که بر طبق قانون تشکیلات باشد ارجاع‌می‌شود موافق شرع انور است و مواد متعلقه‌به امور اداری مخالفتی باقوانین‌اسلامیه ندارد فی ۲۳ رجب ۱۳۳۰ امضاء سیدحسن مدرس محل مهر »

بلکه بصورت وحشتناکی بالا می‌رود . زندانهای شهرهای بزرگ مانند تهران ، اهواز تبریز ، اصفهان وشیراز پر ازمتهم و مجرم‌است. روی میز محاکم‌جزائی وجنائی آنقدر پرونده انباشته شده‌که با وجودکار طاقت‌فرسای دادرسان باز ازحجم آنها کاسته‌نمی‌شود و این همه مجازاتهای‌سنگین اعدام وحبس‌ابد وغرامت‌های سنگین نه درتقلیل جرائم ونه در وقوع وتکرار جرم تأثیری ندارد .[1]

شاید بتوان گفت که مشکلات موجود در عدلیه ما بیشتر ناشی از دخالت چند فراماسون و مستشار بی‌اطلاع‌تر از ، فراماسون بوده است و قوانین موضوعه ماسونها نه تنها درد اجتماع را کم نکرده بلکه موجب فساد و تباهی نیز شده است .

با وجودیکه قضات پیر و جوان و حقوقدانان و وکلای دادگستری در سالهای متوالی‌به قوانین‌موضوعه فراماسنها ایرادات متوالی وارد آورده‌اند[2]، با اینحال‌دستهای مرموز و قدرتهای نامرئی تا مدتهای زیادی مانع از تغییرقوانین مذکور بودند.

سیستم آئین دادرسی جزائی که فراماسنهای ایرانی و فرانسوی برای ما تدوین کردند با (روش‌اتهامی) جاری است . از روز اول که ژاندارم یا پلیس در کاردخالت می‌کند تا روزی‌که متهم بدادگاه می‌رود، نه او در حمایت و پناه است و نه جامعهٔ‌ایران از متهم‌جانبداری می‌کند .در ممالك متمدن جهان که مردم‌کشور در پناه قانون‌هستند سازمانها و دستگاههای علمی که وارد اصول جزائی و روانـی هستند ازآنها حمایت می‌کنند. در حالیکه در ایران متهم گرفتار چرخهای زنگ‌زده اداری و اتهامی کـه فراماسونها پنجاه سال قبل درست‌کرده‌اند می‌باشند .

دکترمحمدشاهکار حقوقدان معروف می‌نویسد : « درست است که از بدوآئین دادرسی جزائی تا کنون بسیاری از مواد حذف شده و تعداد زیاد دیگر مواد اضافه شد . درست است که محاکمهٔ فصلی جنائی که در سال دو ماه تشکیل می‌شد تبدیل به

---

۱ ــ مجلهٔ کانون وکلا شمارهٔ مسلسل ۹۲ سال شانزدهم .

۲ ــ مقالهٔ دکتر شاهکارتحت عنوان « سیاست جزائی وآئین دادرسی جزائی وقانون مجازات عمومی ما ولزوم تغییر آنها » مجلهٔ‌کانون وکلا شمارهٔ ۹۲ .

محاکم دائمی شده و عوض یك دادگاه در مرکز پنج دادگاه جنائی درست شد . درست است که هر روز وهرزمان که دچار اشکالی شدیم قانونی بر روی قانون افزوده بعنوان تبصره ـ مادهٔ الحاقی ـ مواد اضافی ـ مواد آزمایشی ـ مواد موقتی و غیره بر آن اضافه کردیم اما اصل پارچه باقی ماند فقط وصله‌های رنگارنگ ناجوری بر آن لباس اضافه شد که در حال حاضر آئین دادرسی جزائی ما که بقول مقنن برای «کشف و تحقیق جرائم و تعیین مسئولیت وضع شده» نه سبك قدیم تفتیش آراء وعقاید دارد و نه روش جدید اتهامی و اختیارات وسیع قاضی و جلب نظر هیئت منصفه و رسیدگی کامل در دادگاه وتجدید صحنه اتهام و رسیدگی به دلائل مادی رسیدگی به وضعیت روحی ومعنوی مرتکب جرم بیشتر مواد دست قاضی را بسته و باوجود آنکه می‌داند فلان مجازات برای مرتکب زیاد و غیر عادلانه است ماده ملحقه به آئین دادرسی جزائی مانع است یا بکلی اگر مطلب بر او روشن نباشد و بخواهد واقعاً در دادگاه رسیدگی کند . و مدارك واقعی را به‌بیند مواد مربوط به تشکیل دادگاه جنائی که حتماً باید این مدارك واسناد قبل از جلسهٔ مقدماتی تقدیم شده باشد مانع میشود .

تمام ممالك دنیا در این پنجاه سال اخیر بکلی قوانین جزائی و آئین دادرسی جزائی خود را زیرو رو کردند و نتایج خوب آن را دیدند . عرض نمی‌کنم ارتکاب جرم از بین رفت، عرضم اینست که هم حرمت بشری و آزادی افراد را درنظر داشتند و هم دفاع و حمایت اجتماع را و اگر این دو اصل به موازات یکدیگر مورد توجه نباشد و مخصوصاً علم جزا را صرفاً از جنبهٔ قضائی و حقوقی خارج نکرده وبه‌آن جنبهٔ اجتماعی ندهند بهبودی در اوضاع پیدا نخواهد شد ... »[1]

تاریخچهٔ عدلیه و فراماسنهای کنونی

فراماسونهای ایران ، حتی در دوران کنونی نیز «عدلیه» ایران را که تغییر نام داده و «دادگستری» شده است ، رها نکرده و کماکان در صدد نفوذ و رخنه درآن هستند . اینان اگر نتوانند در قوانین و لوایح موضوعه دولت دخالت کنند ،

۱ـ مجله کانون وکلا شمارهٔ ۹۲ سال ۱۳۴۳ .

در صدد برمیآیند از راه‌های دیگردر کارهای قضائی بوسیلهٔ اعضائی که درداد‌گستری و محاکم‌دارند، داخل‌شوند. فراماسنها حتی در نوشتن «تاریخ‌دادگستری‌ایران» نیزخودرا واردکرده‌وسعی‌داشتندکه‌در تنظیم وتألیف این‌کارعلمی‌دخالت‌کنند. درسال۱۳۴۳دکتر باقر عاملی وزیر دادگستری که خود از استادان لژ «خیام» وابسته به‌گراندلژاسکاتلند میباشد ، در صددبرمیآید« تاریخ‌دادگستری » ایران را تألیف‌کند . وی‌دعوتی‌ازقضات عالیمقام ، وکلای نامدار عدلیه وتنی‌چند که در دادگستری نبودند ، نمود وباآنها در باره نوشتن تاریخ مذکور گفتگو کرد .پس از چند جلسه مذاکره قرار شد ، برنامه‌ای برای‌تنظیم‌کتاب‌مذکور‌تهیه‌شودوچندنفرکه صلاحیت‌نوشتن وشرکت در‌تاریخ‌دادگستری را دارند انتخاب شوند . بموجب برنامه مصوبه‌مقررگردید تاریخ قضاوت ایران به‌سه‌ـ مرحله مهم تقسیم شود که بترتیب عبارت بودند از قبل ازاسلام‌ـ بعد از اسلام ـ بعد از مشروطه .

قسمت‌سوم‌که در درجهٔ‌اول‌منظور نظر وزیروقت‌دادگستری وعضو لژفراماسونری خیام [1] بود بدو بخش قبل از الغاء کاپیتولاسیون وبعد از الغای‌کاپیتولاسیون تقسیم‌شده است. قسمت قبل ازاسلام‌را دکترپرویزکاظمی‌عضولژفراماسونری « تهران» [2] تعهدکـرد که‌از قرارمعلوم درآن‌باب کاری از پیش‌انجام داده بود وقسمت مربوط به‌اواخرقاجاریه و اوایل مشروطه را محمود هدایت [3] مستشار دیوان‌کشور تقبل نمود . ومحمود عرفان [4] مستشار دیوان‌کشورفصل مربوط به قبل‌ازالغاءکاپیتولاسیون رابرعهده گرفت (بخصوص کارهائی که در دوره وزارت عدلیه مرحوم پیرنیا [5] انجام‌گرفته بود) و قسمتهائی بعداز

---

۱ ـ سندچاپی وپلی‌کپی سال۱۳۴۳-۱۳۴۴ لژخیام‌که دراختیار نگارنده‌است.

۲ ـ دعوت‌نامهٔ لژفراماسونری پلی‌کپی‌ومنتشرشده‌که اصل‌آن موجود است .

۳ ـ از عضویت محمود هدایت‌درلژ ماسونی سندی بدست نیامده امامرحوم حاج‌مخبر السلطنه هدایت وچند تن دیگر عضو لژبیداری ایران بوده‌اند . ومسمود هدایت نیز عضولژ (مزدا) والبته وابسته به‌گراند لژناسیونال دوفرانس‌می‌باشد.

۴ ـ محمود عرفان عضو لژفراماسونری مستقل مهر ، نویسنده و ناطق فراماسونری در ایران می‌باشد که با حمایل والبسهٔ فراماسونری در سال۱۳۲۷ شمسی درجمعیت‌عامیون ایران‌که اکثر مؤسسین آن فراماسون بودند ،شرکت‌کرد

۵ ـ مرحوم پیرنیا عضولژبیداری ایران بود.

آن را شخص دکتر عاملی استادلژماسونی خیام قبول‌کرده که با همکاری دکتر یگانهٔ وزیر مشاورکابینه هویدا (درسال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶) و ارسلان خلعتبری (که درهیچیك[۱] از لژها شرکت ندارد) وبه‌کمك دستگاه وزارت دادگستری‌تنظیم‌آنرا به‌انجام رساند. تنظیم‌دوره اسلام‌تاریخ قضائی ایران برعهده نویسنده‌واستاد معروف محیط‌طباطبائی[۲] نویسنده کتاب میرزا ملکم خان (مؤسس لژ فراموشخانه ملکم) می‌باشد که شخصاً می‌نویسد: «چون عجله در تنظیم این کار میشد و مدارك موجود در تهران جهت استیفای‌حق‌بحث کفایت نمی‌کرد، این‌جانب که قسمت مربوط به دورهٔ اسلام برعهده‌ام گذارده شده بود فوراً به تهیهٔ اسناد بحث از فارسی و عربی و فرانسه و انگلیسی همت گماشته و در مدت بسیار کوتاهی، کتابخانهٔ کوچکی جهت تهیهٔ مقدمات فراهم‌آوردو تقریباً تمام فصل تابستان سال ۱۳۴۴ را در تهران با تحمل گرمای شدید کوشید تا در آغاز شهریور ماه قسمت مربوط ... تهیه و تنظیم و تدوین وتحویل دادگستری داد.. درآن موقع زمینهٔ کلی‌کتاب منظور، بیش از سیصدصفحه فراهم‌آمده بود ولی احتیاج به یك تجدید نظر و ترتیب توحید شکلی‌داشت‌که‌آقای دکترعاملی خود برعهده‌گرفت که با همراهی دستگاه دادگستری‌آن را صورت تکمیل بدهند» استادمحیط طباطبائی اضافه میکند: «طبع و نشر این اثر مشترك و بی سابقه‌که قرار بود پیش ازپایان سال ۱۳۴۴ انجام پذیرد به سبب غیر معینی تا ترمیم هیئت دولت وتغییر وزیر دادگستری، عملی نشد ... و بعداً از طرف وزیر جدید در جواب استفساری که شد، معلوم گردید که انجام چنین امری از دستور کارهای جاری آن وزارت، حذف شده است ...[۳]»

---

۱ ــ عضو لژمولوی و تهران

۲ــ استاد محیط طباطبائی هیچگاه بدرون لژهای‌فراماسونری پا نگذاشته و مقام فضل و ادب و معلومات ایشان بالاتر ووالاترازشرکت در این‌مجامع‌است . اگر نویسندگان فراماسون قصد داشته‌اند ایشان را در نوشتن کتاب تاریخ دادگستری ایران شرکت دهند، فقط بخاطر مقام علمی و اطلاعات عمیق استادمی‌باشد . محیط‌طباطبائی پس ازنوشتن‌کتاب (ملکم‌خان) صدماتی از فراماسونها و وابستگان این مجمع سری نیز دیده است .

۳ــ مجله وحید شماره ۴۱ سال ۱۳۴۶

بعد از برکناری دکتر عاملی وزیر دادگستری عضو لژ فراماسونری خیام ، بلافاصله انتشار «تاریخ دادگستری ایران » تعویق افتاد . و با وجود انتشار چنین کتابی با کمك بعضی از عوامل فراماسونری ، یکی دیگر از دستورات لژ فراماسونری ایران بود ، که حوادث زمان آنرا متوقف کرد .

فراماسنهائیکه بمجلس رفتند

با خروج محمد علیشاه از ایران و پیروزی واقعی که نصیب گردانندگان مشروطیت شد اعضای لژ بیداری ایران و فراماسنهای دیگر قدم مهم و برجستهٔ دیگری در راه تحکیم موقعیت خود برداشتند که عبارت بود از فرستادن عده‌ای از فراماسنهای « عضو شده در خارج از کشور ودر لژ بیداری به مجلس بوده » به تحقیق نمی‌توان گفت که آنها باچه وسائلی موفق شدند ایندسته از اعضاء لژ را به مجلس شورای ملی بفرستند . زیرا در دوره دوم قانونگذاری ایران هنوز اعتقاد مردم نسبت به مشروطیت کم نشده بود و عوام الناس که رأی دهندگان حقیقی بودند مثل دوران بعد از شهریور ۱۳۲۰ گرفتار فساد،تباهی نبودند .

با وجود این اگر فقط اسامی انتخاب شدگان تهران را مورد مطالعه قرار دهیم می بینیم که از بین شانزده نماینده‌ای که از تهران انتخاب‌شده‌اند سیزده نفر آنها فراماسن هستند که با علامت «ستاره» مشخص است :

۱ـ حاج سید نصرالله سادات اخوی با	۳۳۱۵ رأی	✿
۲ـ حسنعلیخان نواب	« ۲۱۰۲	✿
۳ـ میرزا محمد علیخان ذکاءالملك	« ۲۰۸۹	✿
۴ـ شیخ محمد حسین یزدی	« ۱۷۰۳	
۵ـ مرتضی قلیخان صنیع الدوله[1]	« ۱۵۱۳	✿

۱ـ مرتضی قلیخان صنیع الدوله درفرانسه فراماسن شده و بنا به اظهار آقای مختارالملك صبا از مؤسسین جمعیت «ترقی» بود که بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ تغییر نام پیدا کرده و حزب عامیون شد .

۶ـ میرزا حسنخان وثوق الدوله ۱۰۴۵ رأی ✿
۷ـ حسنعلیخان ۳۹۵ «
۸ـ میرزا محمد خان صدیق حضرت ۹۸۶ « ✿
۹ـ اسدالله‌میرزا ۷۶۴ «
۱۰ـ میرزا حسنخان معتمدالممالك ۳۷۲ « ✿
۱۱ـ دکتر امیر خان امیراعلم ۲۹۳ « ✿
۱۲ـ یحیی میرزا لسان الحکماء ۲۷۹ « ✿
۱۳ـ حاجی‌میرزاعبدالحسین‌خان‌وحیدالملك ۲۷۴ « ✿
۱۴ـ میرزا داودخان ۱۷۰ « ✿
۱۵ـ میرزا محمدخان احتشام السلطنه ۱۶۰ « ✿
۱۶ـ شاهزاده‌یحیی‌میرزا(اسکندیری) ۱۶۲ « ✿

علاوه برکسانیکه از تهران انتخاب شدند ، عده‌ای از فراماسنها نیز از ولایات انتخاب شده و به مجلس رفتند .

یك سئوال بلا جواب از سید حسن تقی زاده

سید حسن تقی زاده دو سخنرانی در بارهٔ (مشروطیت ایران) (اخذ تمدن خارجی) درسالهای ۱۳۳۹ و۱۳۴۰ ش.ـ (۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ م) در باشگاه مهرگان ایراد کردکه در هیچیك از آنها یا مقالات مصاحبه‌ها و حتی گفتاری که در مجلهٔ یغما [۱] بصورت سلسله مقالات جداگانه چاپ شده ، در بارهٔ نقش فراماسنها و لژ بیداری ایران در انقلاب مشروطیت‌ایران اظهاری ننموده و سکوت مطلق‌کرده‌است . تقی زاده‌در آخرین روز سخنرانی خود در بارهٔ (اخذ تمدن خارجی) [۲] وقتی نوبت به سئوال و جوابها رسید ، ازطرف نگارنده مورد سئوال و جوابی قرارگرفت‌که اطلاع از آن لازم‌است .

۱ـ سئوال اول‌دربارهٔ نفوذورسوخ‌افکارخارجیهاواقدامات‌آنها درمشروطیت‌بود.

۱ـ تهیهٔ مقدمات مشروطیت در آذربایجان مجلهٔ یغما ۱۴۴ ـ تیرماه ۱۳۳۹

۲ـ مجلهٔ‌یغما شمارهٔ مسلسل ۱۴۹ـ سال سیزدهم اخذ تمدن خارجی ۱۳۳۹

تقی زاده‌درجواب‌گفت : «بدون شك اندیشه هاوافکار خارجیان وحتی کمکهای آنان در انقلاب مشروطیت ایران مؤثر بوده وهیچکس نمی‌تواند این مسئله را نادیده بگیرد و انکار کند .»

۲ـ سئوال دوم در بارهٔ نقش لژ بیداری ایران در انقلاب مشروطیت بود .

تقی‌زاده بلافاصله به این سئوال پاسخ نداد وپس از اینکه به سئوالات دیگران پاسخ گفت ، درآخرین‌لحظاتی‌که جلسهٔ سخنرانی تمام میشد ، پس از خواندن سئوال اظهار داشت : «منظورسئوال‌کننده ازفعالیت لژ فراماسنی است‌که من اطلاعی ندارم»[1] ازاین جواب همه خندیدند و چون بلافاصله مجلس‌سخنرانی خاتمه یافت مجال‌سئوال و جواب دیگری باقی نماند .

نظریهٔ وزیردولت در باره‌انقلاب‌مشروطیت وفراماسنها

قبلا گفته شدکه هیچیك ازنویسندگان فارسی وحتی محققین خارجی که در بارهٔ « مشروطیت ایران » مطالعه و تحقیق کرده‌اند ، ذکری از فراماسنها ونقش آنها در انقلاب‌مشروطیت ننموده‌اند . با وجودیکه سید حسن تقی زاده معروف و مشهور به عضویت در سازمان فراماسنی جهانی‌وایران است، وتاکنون چندین خطابه ومقاله درباره انقلاب مشروطیت ایران‌نوشته، معذلك همچنان سکوت را حفظ‌کرده و اسراردرون لژبیداری ایران و برادران فراماسون خویش را درجریان انقلاب مشروطیت مخفی نگهداشته است .

تنهامقام دولتی‌که این سکوت‌پنجاه ساله را شکسته است، دکترحسن‌ارسنجانی وزیر کشاورزی کابینهٔ دکتر علی امینی و اسداله علم است . وی‌ضمن نطقی که روز دو شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۴۰ ش (۱۵ فوریه ۱۹۶۲ م) از رادیو تهران ایراد کرد در باره انقلاب مشروطیت و نقش فراماسنها چنین گفت :

۱ـ تاریخ انقلاب ایران مجلهٔیغما اردیبهشت ۱۳۴۰

«چون صحبت از تأثیرمحوآثار خود فئودالیته در تحکیم مشروطیت دموکراسی ایران بمیان آوردیم وذکرکردیم[۱] که انقلاب مشروطیت ایران یك انقلاب سیاسی توأم با افکاراجتماعی ازطرف یکعده قلیل مردم متوسط ایران‌بود، برای اینکه مطلب بیشتر روشن بشود و برای اینکه دانسته بشود هدف ما از این توضیحات چیست وچرا اعتقاد داریم تا وقتی که قدرت فئودالی در یك مملکت باقی و برقرار است انتخابات آزاد و مجلس ملی نمی‌تواند وجود پیدا کند و راه علاج ما آن راهی را که همه دنبال آن هستیم برای ایجاد دموکراسی در ایران برای نجات از شرتقلب در امر انتخابات برای استقرار حاکمیت ملی بوسیلهٔ ملت و بدست خود ملت تنها راه نجات توسل به اجرای قانون اصلاحات ارضی وازبین بردن اصول فئودالی است؛ برای‌اینکه بهترمطلب توجیه شده باشد من تاریخچه‌ای از نظر انقلابات مشروطیت ایران ذکر می‌کنم.

در بین هموطنان من شاید کسانی که مستحضر باشند انقلاب مشروطیت ایران از جهت تبلیغ افکارسیاسی بچه وسایلی به‌ایران منتقل شد خیلی‌زیاد نباشند. کسانیکه تاریخ مشروطیت ایران را بدقت مطالعه کردند انتشارات جراید و مقالات را در صدر مشروطیت دیدند مطالبی‌که در خارج از ایران به‌زبان فارسی چاپ می‌شد از قدمهای اولیهٔ سید جمال‌الدین اسدآبادی ومرحوم پرنس‌ملکم‌خان وبعدبانیان دیگرمشروطیت در ایران که سعدالدوله‌بنمایندگی آنها در ایران اقداماتی می‌کرد اطلاعاتی دارند

• ۱ ـ مجلهٔ خوشه ازشماره ۲۹ بهمن ۱۳۴۰ دربارهٔ این نطق چنین می‌نویسد ، «نطق مهم ارسنجانی که رادیو تهران آنرا انتشار داد اولین نطق و سخنی است که از دستگاه حاکمهٔ ایران بهزبان فراماسونری‌گفته شده و در تاریخ ایران این اولین باری است که به این دسته خیلی قوی و نیرومند در هیئت حاکمهٔ ایران از طرف یك مقام مهم رسمی در هیئت حاکمه ، حمله می‌شود و شمه‌ای در باره آنها گفته می‌شود یکبار دیگر درتاریخ اخیر ایران بهفراماسونری حمله‌شده است اما نه از طرف مقام رسمی هیئت حاکمه ، و آنهم آقای رضا افشار بود که در حکومت آقای علاء در مجلس در اقلیت بود و شرحی از اعمال نفوذ فراماسونری در کارهای اقتصادی کشور بیان کرد که آنهم در روزنامه‌های کثیرالانتشار درج نشد و فقط در صورت‌مذاکرات مجلس است» .

دکتر حسن ارسنجانی تا این تاریخ عضو لژ فراماسونری نشده و یا لااقل نگارنده از آن بی اطلاع است .



دکتر ارسنجانی ، نخستین وزیر ایرانی که در باره فراماسونری اظهار نظر کرده است .

بخوبی این مطلب را می‌دانند که نفوذ قطعی تبلیغ مشروطیت بمعنی تحول حکومت استبدادی به حکومتی که در دست مردم متوسط باشد ناشی از تبلیغاتی بودکه در درجهٔ اول فراماسونها از راه لژهای خودشان در ایران انجام می‌دادند؛ البته شاید کلمهٔ فراماسونری‌که همان فراموشخانه خود ما باشد درنظرجوانهای امروزی‌که یادگارهای تلخی را از بعضی از شعب فراماسونری در ایران و دنیا داشته‌اند و در نیمهٔ دوم قرن بیستم دارند زندگی می‌کنند خیلی تعجب آورباشدکه چطورنهضت فراماسونری نهضتی که ما در ایران بنام فراموشخانه عنوان می‌کردیم این‌نهضت توانسته باشد به‌مشروطیت ایران کمك بکند ولی برای اینکه بیشتر روشن باشند این مطلب را اضافه می‌کنم که انقلاب مشروطیت و انقلاب‌کبیرفرانسه را هم فراماسونها درفرانسه بوجود آوردند . در بین اسنادی که امروز منتشر شده و دیگر در دسترس همه‌هست نشان داده می‌شود که نه تنها

نویسندگان بزرگ فرانسه‌از قبیل ولتر، ژان‌ژاك‌روسو، متفکرینی از قبیل دالانور مونتسکیو حتی انقلابیون بزرگ فرانسه مثل‌روبسپیر، دانتون مارا و خود میرابو تمام اینها اعضای لژ فراماسونری بودند.

در آن زمان فراماسونری نهضت مترقی زمان خودشان محسوب می‌شد. اقدامی بودقیامی بودعلیه قدرت فئودالیته درتمام ممالك اروپائی به‌نفع طبقهٔ متوسط که‌حکومت بورژوازی را بعد بوجود آورد؛ بنابراین وقتی که در انقلاب فرانسه به‌موجب اسناد منتشره ما می‌بینیم که پیش از انقلاب دویست لژ وجود داشته که ژاکوبیك اسمش بوده بلافاصله بعد از انقلاب همین دویست لژ به اسم لژ ژاکوبن‌ها مصدر امور انقلابی فرانسه می‌شوند یااینکه فینهٔ قرمزی‌که فراماسونها درجلسات خودشان سرشان می‌گذاشتند بلافاصله بعد از انقلاب کلاه مخصوص انقلابیون فرانسه می‌شود. یا شعار معروف‌فراماسونها به‌اسم اگالیته- فراتزنیته- لیبرته-آزادی برابری و برادری بلافاصله شعار انقلابیون فرانسه‌قرارمی‌گیرد. زیاد تعجب نمی‌کنیم‌این نهضت درتمام دنیا دامنه پیداکرده، بعد از انقلاب کبیر فرانسه و بعد از انقلاب‌آمریکا که‌درآنهم‌همین نهضت وجود داشته و اقدام می‌کرده همین ریشه‌ها در آنجا هم بوده به‌ممالك دیگری کم‌کم رخنه پیداکرده البته وقتی‌که این نهضت به‌شرق رسیده جنبهٔ خاصی‌توأم باآن‌شده .آن عبارت از اعمال نفوذ سیاسی بعضی از ممالك مقتدرجهان در ممالك عقب مانده آنروز دنیا محسوب می‌شده وازاینجاست‌که آلودگی نام نهضت فراماسونری که در روزخودش نهضت مترقی بوده ودوره خودش را با خاتمه یافتن انقلابات بورژوازی دراروپا خاتمه داده و باید طبعاً از بین می‌رفته درآنروز نهضت پیشرو و مترقی زمان‌محسوب‌می‌شده. کسانیکه ازایران‌وسیلهٔ‌انتقال‌افکارفراماسونری درایران شدند دردرجهٔ اول‌پرنس‌ملکم خان بوده که درلندن سفیر ایران بوده کتابهائی‌که‌نوشته تحت عنوان‌آدمیت یا شرایط آدمیت‌که آدمیت ترجمه دومانیسم‌فراماسونری است. تمام‌اصطلاحاتی‌که دراین کتابها بکاربرده شده اصطلاحات خاص فراماسونریست‌که به‌زبان‌فارسی درآمده حتی ما وقتی روزنامهٔ حبل‌المتین هندوستان را که یکی از روزنامه‌های مؤثر در مشروطیت ایران

بوده نگاه می‌کنیم سرمقاله‌هایش با شرایط آدمیت شروع می‌شود کسانیکه البته وارد به‌این اصطلاحات نیستند توجه ندارند حالا با توجه به‌این اصطلاحات وقتی رجوع می‌کنند بسرمقاله‌های روزنامه حبل‌المتین یا سایر جراید آزادیخواه که در خارج از ایران آنروز منتشرمی‌شده نگاه می‌کنند می‌بینند که این اصطلاحات در تمام صفحات و مطالب این جراید مملو و پر است .

سید جمال‌الدین اسدآبادی و نظایراو درامرفراماسونری مسلماً با اطلاع بودند تمام‌کسانیکه در نهضت مشروطیت‌ایران قدم اول‌را برمی‌داشتندآشنا بااصول فراماسونری بودند یا کسانی بودند که از طریق آنها به‌این افکار توانسته بودند پی ببرند و رخنه کنندو ازطریق عثمانی این افکاررا به‌ایران انتقال بدهند .

در صدر مشروطیت حزب دمکراتی که تشکیل شده بود که با اولتیماتوم روسها در۱۹۱۱ ازبین رفت و حکومت وقت این‌را برچید وافرادش ازایران‌گریختندرفتنددر لندن‌اجتماع‌کردندغالب‌اینها ازاعضای‌فراماسونری عصرخودشان‌بودندبنا براین انقلاب مشروطیت‌ایران‌یك انقلاب سیاسی‌وادبی‌بود بیشتر به‌این‌معنی‌که‌ازنقطه‌نظررسیدن افکار ازنقطه‌نظر آن‌لحظه، اقتصادی‌آن‌لحظهٔ اجتماعی‌که یك‌طبقه‌اقتصادی می‌رود جای طبقهٔ اقتصادی دیگررا بگیردازآن‌لحاظ‌فورماسیون وترکیب جامعه ماتکوین‌نشده‌بود بلکه تحت‌تأثیرشرایط بین‌المللی‌تحت‌تأثیرامواج انقلابی آزادیخواهی‌که‌سربازان فرانسه تا وسط روسیه پیش برده بودند تحت تأثیر افکار انقلابی‌که در ممالك امپراطوری‌عثمانی منتشر شده بود و ارتباطی که ما با فرانسه آنزمان داشتیم این افکار بوجود آمده بود خیلی تعجب آور است که در بین‌شاهزاده‌های قاجار در بین متعصبین از استبداد دوره قاجار کسانی را ما می‌بینیم از بین شاهزاده‌ها که در فرانسه تحصیل کردند به‌ایـران آمدند نهضت های آزادی در خانه اینها سرچشمه گرفته همانطور که در دورهٔ پیش از انقلاب کبیر فرانسه خود درباریهـا، خود شاهزاده‌های دربار فرانسه خانـه‌شان مرکز نویسندگان بزرگ مبلّغ انقلابی بود یعنی انقلاب در ایـن دوره یك جنبهٔ فانتزی و ایده‌آلیستی برای‌کسانی داشت‌که هدف انقلاب را خودشان تشخیص نمی‌دادند انقلاب-

های بورژوازی برای از بین رفتن استبداد و دوره فئودالیته بود ولی بعضی ازفئودالها و بعضی از همین مستبدین خوش نیت و خوش باطن که بر اثر مرور در کتب بر اثـر دانستن ادبیات تاریخ و روانشناسی محیط تبدیل به آدمهای خوبی شده بودنـد خود اینها مبلّغ افکار تازه انقلابی در فرانسه میشدند. همینطور که درتمام ممالك شدند و در ایران هم همین ها مبلّغ اولیه این افکار بودند پس تعجب نمی‌کنیم وقتی‌که می‌بینیم در بین مبلغین مشروطیت ایران کسانی هستند از بزرگان زمان از شاهزادگان زمان ازکسانی‌که از خوان نعمت استبداد بهره میبردند خود اینها مبلّغ‌آزادی و دموکراسی در مملکت بودند بدون اینکه توجه به‌نتایج اجتماعی و اقتصادی این کار داشته باشند شاید در بین اینها نـاراضی‌های دربار قاجار بودند کـه می‌خواستند از طریق انتقال توارث، انتقال تخت و تاج بیك سلسلهٔ دیگر از خانواده قاجار از راه استمداد از انقلابیون و مشروطه‌خواه‌ها هدف خودشان را بدست بیاورند بهمین دلیل اینهـا در انقلاب مشروطیت دخالت کردند ولی خارج از اینهـا ایده‌آلیست‌ها ، اشخاص مترقی اشخاص دانشمندی، بتعدادمعدود در مملکت ما بودند که اینهـا از حسن نیت یا از مقاصد شخصی این قبیل‌افراد خوب دستگاه بالا استفاده می‌کردند، افکار خودشان را توسعه می‌دادند، درتمام طبقات مختلف این طبقات مختلف کسانی که لبیك می‌گفتند به‌دعوتی که‌آزادیخواهان ایران‌می‌کردند چنددسته بودند، درجه اول‌آنها شهرنشین‌ها بازرگانان، کاسب ها و خلاصه‌کسانی بودند که زندگی بورژوازی را بنحوی از انحاء می‌فهمیدند و حس می‌کردند در درجه دوم مالکین جزئی بودندکه در خارج‌ازایران تحصیل کرده بودند افکار تازه را یاد گرفته بودند یا تحت تأثیر مبلغین افکار نو قرار داشتند رعایای خودشان را بسیج می‌کردند برای مبارزه‌بعنوان مجاهد دررامشروطیت ایران و به‌تعداد زیاد از روحانیون ایران بودند بدلایل خیلی زیاد قدم اول را اینها برداشتند . همینطورکه‌می‌دانیم برای‌گرفتن مشروطیت‌قدم اول را سیدالدین که‌نام‌آنها راگذاشتند مرحومان بهبهانی‌وطباطبائی این دونفراولین قدم را در راه‌گرفتن‌مشروطیت ایران برداشتند ، از حسن نیت سلطان وقت استفاده کردند وقتی که‌خطابه مظفرالدین

شاه را در اولین مجلسی که برای تأسیس عدالتخانه یا مجلس شورایملی بیان کرده می‌خوانیم می‌بینیم که شاهزاده‌های قاجار تا چه‌اندازه‌مظفرالدین‌شاه‌راحتی‌تهدیدکردند که نباید مشروطه بدهد. بیانات او درآن جلسه که خطاب به‌بزرگان قاجاربوده واقعاً عبرت‌آور است و نشان می‌دهدکه این مرد با حسن نیت‌کامل متوجهٔ خطرات زمان‌خود شده و اقدام بصدور فرمان‌مشروطیت کرده ولی مشروطیت ایران که تقریباً با قیمت ارزانی بدست آزادیخواهان ایران آمد همانطور که عرض کردم آن شکل خاص طبقاتی، شکل‌خاص‌اقتصادی واجتماعی خودش‌راپیدا نکرده‌بود بهمین‌دلیل‌فئودالهائی که باید مشروطیت در مقابل آنها رشد و نمو بکند و اسباب از بین رفتن نفوذ آنها بشود خودشان در مشروطیت جای گرفتند و آمدند لژهای اول مشروطیت را دردست‌گرفتند خیلی جالب است که عباسقلی‌آدمیت‌کسیکه بعد از سعدالدوله اجاقدارکارفراماسونری بوده و فراماسونها همانطور که عرض کردم مبلّغ افکار مشروطه‌طلبی بودند.

اینها سعی‌کردند محمد علی شاه قاجار را به‌عضویت فراماسونری دربیاورند واو را یکمرتبه به جلسهٔ خودشان دعوت کردند و از او حق عضویت گرفتند و بعد از آن جراید فراماسونری به تبلیغ وتقویت محمد علی میرزا مطالبی نوشتند.

پس بنابراین افکار انقلابی ومشروطه طلبی‌آزادیخواهان ایران افکار فرم‌گرفته و سالم بمعنای اقتصادی و اجتماعی خودش نبوده. یك سلسله‌تخیلات وافکار ادبی توأم بارشادت وانسان دوستی نوع‌پرستی و شرافت ذاتی این افراد بوده که اینها را محرك شده دربین اینها هم کسانی بودند که واقعاً مفهوم مشروطیت‌را می‌دانستند می‌فهمیدند مشروطیت یعنی چه، از احساسات مردم استفاده می‌کردند وبهرصورت اولین تکان رابه ملت ایران‌دادند، نوع حکومت را عوض کردند ومجلس شورای ملی ایران را بوجود آوردند حکومت ایران را به صورت حکومت مشروطه درآوردند همین آزادیخواهان که در نهایت سلامت و شرافت در جبههٔ جنگ جنگیدند بعد در صندلیهای پارلمان ایران مبارزه کردند برای استقرارمشروطیت بعد ازاستبداد صغیر بازهم ادامه به کار خودشان دادند باهمان افکار ساده و شرافتمندانه خودشان بدون اینکه توجه بحقایق

اقتصادی واجتماعی شرایط انقلابی زمان خودشان بکنند ، بهمان رویه و به همان سیره ادامه دادند، درنتیجه ملت ایران بعد از اینکه بهمشروطیت رسید بعد از اینکه مردم شهرنشین ایران تشنهٔ مواهبی بودندکه در دنیا مشروطیت بمردم داده بود وتفویض کرده بود نتوانستند بهاین آرزوها برسند وقتیکه مواجه بایك چنین شکستی شدند همهٔ اینها بفکر فرورفتند هرکس دلیل شکست مشروطه طلبی را بر اثر عدم صداقت یا صمیمیت بعضی از افرادی میدانست که در مشروطیت دخالت کرده بودند؛ بعضیها نسبت دادند که مردم ایران رشید نیستند برای گرفتن مشروطیت بعضیها گفتند که ملت ایرانلایق آزادی نیست. ولی واقع و نفسالامر حقیقت مطلب هیچکدام از اینها نبودآنروزمشروطه خواهان ایران که از اصول اقتصادی زمان قدری دورتر بودند تحت تأثیر افکار خاص انقلابی قرارداشتند نمیتوانستنددرك کنند که نه ملتایران تقصیر در داشتن یا نداشتن آزادی داشتهونه خیانت بعضی ازمشروطهطلبان توانستهتأثیری دربیاثرماندنمشروطیت ایران بگذارد بلکه علتالعللعلت غائی علت واقعیتمام این تحولات وعقیم ماندناین تحولات یك چیز بوده وآن استقرار فئودالیته حتی در دورهٔ مشروطیت همانطور که در تمام دنیا بعد از استقرارمشروطیت ودموکراسی حکومت از دست دهنشینها ازدست فئودالهای مالك کسانی که تعدادی رعیت داشتند تعدادی غلام مسلح داشتند منتقلشد بهحکومتمردم متوسط کهیا درشهر ویا دردهاتبودند تبدیل شد حکومتعمدهمالکین بهحکومت مالکینجزءتبدیلشدحکومتروحانیون بزرگ ومتنفذ مسیحی به حکومت کسانیکه در طبقات پائینتر روحانیت قرار داشتند همینطور در ایران باید بعد از انقلاب مشروطیت که روحانیون ما پیشقدم بودند تجار ایران یعنی طبقه متوسط مردم پیشقدم نهضت مشروطه طلبی بودند شهرنشین پیشقدم بودند و باید اساس مالکیتعمده را حلمیکردند تابتوانند مشروطیترا درمملکت مستقرکنندبهدون توجه بهاینمفاهیم متأسفانه خیال کردند مشروطیت عبارت از انتخابات صنفی عبارت از اینست که چند نفر شریف و با حسن نیت و یا انساندوست از اصناف انتخاب بشوند بیایند در مجلس بنشینند حتیرجالآنروزکه منتسب بهطبقات قدیمیبود بانهایتشرافت فداکاری بکنند و بخواهند با افکار ادبیبا افکارسوفسطائیبا افکار صوفی منشانه خواهند توانستانقلاب

مشروطیت ایران‌را پایدار بکنند. آن روز این مطلب‌را توجه نداشتند در نتیجه‌ازوقتی که انتخابات‌عمومی اعلام کردند فوراً قدرت مالکیت یعنی قدرتی که استبداددرایران مورد استثمار خودش حتی قرار داده بود همانها مجلس را دردست گرفتند آناً در تمام نقاط ایران فئودالها زارعین را وادارکردند بنفع آنها یا بنفع نمایندگان آنها رأی بدهند و مجلس را قبضه خودشان بکنند و از راه مجلس توفیق پیداکردند حکومت‌را در دست‌خودشان بگیرند تاپیش از کودتای سوم اسفند در ایران این وضع ادامه‌داشت حکومت خان خانی‌در تمام ایران باوجود استقرار مشروطیت وجود داشت حتی‌دردوره سلطنت رضا شاه فقید درغالب نقاط ایران‌گردن‌کشهای فئودال وجود داشتند بیست‌سال طول‌کشید تارضاشاه‌فقید بانیروی نظامی‌توانست‌قسمت به‌قسمت‌ایران این‌فئودالهای به معنای خودش را یعنی خانهائی که دارای افراد مسلح بودند از بین ببرد ومملکت را یك‌پارچه بکندحکومت متمرکز ملی را درایران‌بوجود بیاورد .

وظیفهٔ نسل بعد بودکه اقدامات‌رضا شاه کبیر را تکمیل بکنند وحکومت‌ایران را برپایهٔ استقرار دموکراسی بمعنای‌خودش قویم و استقرار بکنند و اساس مشروطیت که اساس تشکیلات ملی ایران باید باشد قویم وپایدار نگاه‌بدارند.»



فصل هیجدهم

فراماسونها وانجمنهای مخفی و علنی در ایران

مجامع مخفی ماسنی

دنیا و ایجاد انقلابات

فراماسنهای دنیا مثل همهٔ جمعیتهای سرّی و مخفی عالم از بدو تشکیل سازمانهای ماسنی، سعی داشتند در پشت پرده انجمنهای مخفی و علنی باقی بمانند و بازیگر اصلی باشندو برای نیل به هدفهای مرام خود از این انجمنها، استفاده کنند.
انجمنهای مخفی و علنی، کلوبها و حتی کتابخانه‌هائی که فراماسنها در کشورهای بزرگ اروپا و آسیا تشکیل دادند، همواره در ایجاد انقلابات، حوادث خونین و تغییر رژیمها مؤثر بوده‌اند.

آشوب ایتالیا وفتنهٔ اسپانیا درقرن شانزدهم را ماسونها رهبری می کردند. کارل تون هایس در جلد اول تاریخ خود می نویسد: «... لژهای فراماسون مراکز مناسب و امنی برای تبلیغات بود. آزادیخواهان که روابط بسیار نزدیکی درمیان ملت اسپانیول پیداکرده بودند، می توانستند بواسطهٔ علائم واشارات وطرز مخصوص دست دادن واسامی و الفاظ سرّی و مرموز، بدین وسائل آزادی- برابری و برادری را به ملت اسپانیول تعلیم بدهند. در میان عناصر لامذهب و ضد روحانیون حتی در میان صاحب منصبان قشون این نهضت توسعه یافت تا اینکه در کشور اسپانیول جنگ داخلی شروع گردید...»[1]

1 – Aypolitical and Cultural History . of Modern Europe P.771
By ، Carlton . J . Hayes

انقلاب فرانسه نیز به تحقیق دراثر فعالیت و کار مداوم انجمنهای مخفی وعلنی لژ فراماسنی فرانسه آغاز و پایان یافت .

موریس تالمیر[1] در رساله‌ای که در سال ۱۹۰۴ به‌چاپ رسانیده‌است ، درخصوص فراماسونری و ارتباط آن با انقلاب فرانسه درسالهای ۱۷۸۹-۱۷۹۲-۱۷۹۳(۱۲۰۳-۱۲۰۶-۱۲۰۷) چنین مینویسد « ... انقلاب‌فرانسه ازمدتی پیش باکمال مهارت‌مانند یك نمایشنامه طرح‌ریزی شده بود وتمام تغییرات و توطئه‌هائی که‌در اثر انقلاب بوجود آمد نتیجهٔ فعالیتهای فراماسونری بوده است .

فراماسونها کار را طوری شروع می‌کنندکه اسرار آیندهٔ آنها بکلی مخفی و در پشت پرده بماندو عملیات ایشان همیشه به‌قتل پادشاه خاتمه میافته است . اسنادمعتبری از طرف خود فراماسنها در این باب ابداً نشر نیافته زیرا که‌مجامع آنهاهمیشه سرّی‌و مخفی بوده است ...[2]»

کمیتهٔ سری‌که نظامیان‌انقلابی ، حتی افسران گارد شاهی فرانسه درآن شرکت داشتند ، یکی از کمیته‌های فراماسنها بود .

«لیروی» افسرگاردوشکارگاه سلطنتی درسرمیزشامی‌گفت: «...من‌منشی‌کمیته‌ای بودم که این انقلاب از آنجا سرچشمه گرفت واین رنج‌وندامت مراخواهدکشت!

این‌کمیته درمنزل‌بارون هولباخ تشکیل می‌شد واعضای برجسته ماعبارت‌بودند از المبرت-تورگو-کندورسه-دبدور-لاهارپ ولاهوانیون که در قصر خودشان درمدت انقلاب کشته شدند .

اغلب این کتابهائی که می‌بینید ازچندی قبل علیه مذهب - اخلاق اجتماعی و علیه دولت انتشار یافته است همه از تألیفات ما بوده است . و ماآنها را مجاناً یا به قیمت بسیار ارزان که در حکم مجانی بوده به تجار دوره‌گرد میدادیم‌که به‌بهای‌بسیار ارزان بمردم بدهند . اینهاست عللی که ملت‌را تغییر داده وآنها را به جائی‌که امروز

1- Maurice Talmeyr .

2 - La france Maconnerilet La Reyolution Francaise.

ملاحظه مینمائید کشانید ...[1]»

تاریخ دویست وپنجاه‌سالهٔ فراماسونری نشان داده که همواره ماسنها بدون اینکه ماهیت خودرا نشان دهند دراجتماعات ومؤسسات مختلف ظاهر میشوند. درانقلاب کبیر فرانسه نیز فراماسنها چنین اقداماتی می‌کردند .

مرحوم محمود محمودمی‌نویسد : «... تمام‌اشخاصی‌که در لژهای پاریس‌بودند دو سه‌سال انقلاب آنها را درکلوبها - درمجامع -کمیته‌ها-روزنامه‌ها و سایراجتماعات مشاهده می‌نمائیم .

مثلاً کندورسه- پریسو-گارا- بای‌یی کامیل دمولن - فورکروی - دانتن -شنیه لامتری،رابوسن اتین[2]. اینها همه درلژ(نه‌خواهران)[3] بوده‌اند وعدهٔکثیر دیگری‌نیز[4] منجملهمیرابو،فوشه، روبسپیر متعلق به‌سایرلژهای معروف‌فعالیت میکردندونیزعدهٔقابل توجهی‌ازاعیان واشراف ودوکها(کنت‌هاوشاهزادگان)که درصحنه‌های انقلاب‌نقش‌هائی را ایفاکرده‌اند بااشخاص فوق‌الذکر بودند ...

در این دوره تغییر فاحش درطریقه انتخاب‌اعضای فراماسونری وثبت نام آنها به عمل‌آمد به این‌معنی‌که تا تاریخ مزبور درلژها فقط‌صاحبان منصب ومقـام و نجیبها - آرتیست‌ها-خطبا-نویسندگان-بورژواهای بزرگ‌وکوچک‌راه داشتندوازاین پایه تنزل نمی‌کرد .

ناگهان درسال۱۷۸۷(۱۱۴۸هـ) عده‌ای حمال وقایقران ونیز طبقهٔ اراذل‌واوباش کوچه‌گرد و قاچاقچی‌وراهزن - قاتل وجانی‌که از این راه‌امرار معاش می‌کردندداخل لژهای فراماسنها شدند .

حتی بطورناگهانی وطبق فرمان استاد بزرگ ماسونری تمام‌دستهٔ گارد فرانسه‌با

---

۱ - جلد ۷ تاریخ روابط سیاسی‌ایران وانگلیس ص ۱۸۲۳

· 2 - Brissot . Garat. Camille dmioulins . Fourcroy . Danton . Chenier · Lamettrie . Rabud - Saint - Etienne .

3 - Loge des Neufsoeurs

4 - Robespierre - Fauchet - Mirabeau

صاحب‌منصبان آنهاکه از مدتی قبل فراماسون شده‌بودندولی برای اینکه شناخته‌نشوند درآنجا رفت وآمد نمی‌کردند ،   تظاهرات علنی بنفع ماسونها شروع کردند.

در اینموقع همه‌جزء این‌دسته ظاهر شدند، بدین طریق فراماسونری به‌آخرین درجهٔ توسعه‌وقدرت رسیده بودو کاملاً درهمه جا مرکزیت داشت . درلژ پاریس‌کسانی جمع‌بودند که همه‌آنها از رجال‌انقلاب بودند واینها بالژهای «ایلومی نیست»هاارتباط دائم داشتند ...[1] »

در انقلاب فرانسه علاوه بر تظاهر مخفی وعلنی فراماسنی ، کمیتـه‌های سرّی و تعداد زیادی‌انجمنها ،کلوبها ومجامع علنی واجتماعی‌وجود داشت که‌بوسیلهٔ فراماسنها اداره میشدند وازمهمترین‌آنها بایستی‌کلوپ «ژاکوبن»ها را نام برد[2].

کلوپ مرکزی ژاکوبن‌ها درشهر پاریس وشعب‌آن در۲۸۲شهرفرانسه‌که لژهای فراماسونری وجود داشت دایر بود .

این‌کلوپ‌بمنظور اینکه‌کسی‌از اسرارآن آگاه نشود نام خود راکلوپ«ژاکوبن» ها نهاده بود .

انتخاب نام ژاکوبن ازآن جهت بود که اولین دستهٔ فراماسونهای فرانسه دردیر «ژاکوبن» بودند وهمین ژاکوبیت‌ها [3] بودند که فراماسونری را در این کشور رواج دادند . ژاکوبیتها برسرمریدان وشاگردان‌خود شب‌کلاه قرمزی‌میگذاشتند ،فراماسنها و اعضاء کلوپ‌ژاکوبن هم در سرتاسر فرانسه کلاه‌قرمز برسرمی‌گذاشتند .

فراماسنهای فرانسه مؤسسه مهم دیگری نیز داشتند که به موجب اسنادی‌که‌از میان اوراق «کاردینال دوبرنیس [4] » کشف شد و «دشان[5]» نویسندهٔ فرانسوی در کتاب (اجتماعات‌سرّی‌وجامعه[6]) نوشته «کلوپ تبلیغات» بوده‌است .

---

۱ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ص۱۸۲۷

2 _ Le Club des Jacobins .

3 _ Les Jacobites .

4 _ Cardinal de Bernis.

5 _ P . Desehamps.

6 _ Les Socie‚ Tis Secretes et La Socie ,Te

شاید بتوان این کلوپ را مرکز «فرماندهی» مجمع فراماسنهای فرانسه دانست زیراکاردینال «دوبرنیس» کهمدتها استاد اعظم لژفراماسنها بوده می نویسد: «...توجهی به صورت اعضای محترمی که کلوپ تبلیغات را تشکیل می‌دهند ، هدف این‌کلوپ را روشن میکند . بطوریکه همه کس میداند منظور نهائی این کلوپ نه فقط قوام دادن فرانسه است . بلکه رخنه‌دادن آن مابین تمام ملل اروپاست و واژگـون ساختن کلیهٔ دولتهائی که فعلاً بر روی کاراند » اکنون که تا اندازه‌ای ازسوابق پنهانی فراماسونها در انجمنها ومجامع آگاه شدیم ، بد نیست ، بدانیم‌آنان درکشور ماچه میکرده‌اند؟

انجمنهای مخفی و علل تشکیل آنها در ایران

قبل از اینکه بدانیم‌انجمنهای مخفی فراماسنی درایران و بخصوص در « انقلاب مشروطیت » چه نقشی داشتند، لازم است‌که ازسابقهٔ انجمنهای‌مخفی اطلاعاتی داشته باشیم.

خاور زمین ازروزگاران‌کهن شاهد تشکیل انواع‌مختلف جمعیتهای مخفی‌بوده‌است .این‌جمعیتها یا درتاریخ ممالك این سرزمین تأثیرداشته‌اند و یا سعی می‌کرده‌اند که درحوادث مؤثر واقع گردند . ایران دورهٔ اسلامی نیز ازاین حیث مستثنی نبوده است . مجامع و دستجات مختلف گاه‌بگاه سعی نموده‌اند با تشکیل جلسات سرّی ، حقوقی‌را که متعلق به خود میدانستند و به وسیلهٔ حکومتهای مطلقه و استبدادی پایمال‌گردیده بود دوباره بدست آورند .

ایرانیان موفق شدندبا عضویت در این‌گونه مجامع و شرکت در فعالیتهای‌مخفی تجربیات و پیروزی‌های سودمندی بدست آورده و به مقاصدی که در زمینه‌های دیگر داشتند نائل شوند .

بنابراین تعجبی‌ندارد اگرادعاکنیم که وجودفعالیت جمعیتهای مخفی درنخستین مراحل نهضت ترقیخواهانه و مدرنیزه ساختن‌کشور ایران‌که منجر بهانقلاب مشروطه ۱۲۸۵ـ۱۲۸۴ش‌ـ(۱۹۰۶ـ۱۹۰۵ م)گردید، سهم‌مهمی داشتند وبعبارت دیگرانقلاب مشروطیت و جنبش ترقی خواهانهٔ ایران تاحدود زیادی مدیـون فعالیتهای جمعیتهای مخفی ملی بوده است .

باید دانست که ساختمان‌وشالوده اجتماعی ایران درقرن نوزدهم براثرفعالیتهای دولتهای خارجی تضعیف گردید ، معهذا وفاداری مردم نسبت بدستجات ومجامع محلی و گروههای مختلفه مذهبی و صنفی ادامه یافت و این وفاداری بصورت معتقدات مردم درآمد .

ناسیونالیسم بمفهوم تمامیت ارضی تقریباً نامعلوم بود و میهن‌پرستی جزدرمورد امور مذهبی بندرت محسوس‌می‌گردید . در اینجا بدنیست متذکر شویم که‌درآن‌سالها نویسندگان و خطباء ایرانی هنوز کشور ایران را «ممالك اسلامی» می‌نامیدند و «شاه ایران» را نیز «شاهنشاه اسلام» خطاب می‌کردند . و علاوه براین اعتراضات اشخاصی که نقش عمده‌ای در تحولات تاریخی ایران و انقلاب مشروطیت بـر عهـده داشتند ، مستقیماً متوجهٔ بیگانگانی بودکه بحدود وثغورکشورهای اسلامی و مذهب اسلام‌تجاوز می‌نمودند نه به کشور ایران و ایرانیها . رابطهٔ بین مراد و مرید که عبارت از رابطهٔ یك روحانی و شاگرد وی باشد ، همواره جنبهٔ مطلق و آمرانه داشت واین ارتباط به جامعه نیز سرایت فراوانی نموده بود .

دولت ایران درآن زمان دولت مستبدی بود . مردانی که نمی‌توانستند با رژیم استبدادی موافق‌باشند چاره‌ای‌نداشتند جز اینکه یاازکارکناره‌گیری‌کنند ویا موجبات واژگون ساختن حکومت را فراهم‌آورند .

همین پدیده اجتماعی ، تاحدودی موجبات توسعهٔ جمعیتهای مخفی را که‌اغلب بادستجات افراطی مذهبی ارتباط داشتند فراهم‌آورد وقتل وترور تنها اسلحهٔ دستجات برای نیل به قدرت سیاسی بود[۱] .

در دوران سلطنت ناصرالدینشاه ۱۲۲۷ــ۱۲۷۵ ش (۱۸۴۸ تا ۱۸۹۶ م) برای نخستین بار فراماسونهای عضو سازمان (میرزا یعقوب و میرزا ملکم‌خان) که اقلیت کوچکی را تشکیل داده بودند ، با احتیاط وملایمت خاصی مسئله اختیارات‌نامحدود

---

۱ ــ برای اطلاع بیشتر رجوع شود به‌کتاب «انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران» تألیف نگارنده .

پادشاه را مورد انتقاد ، قرار داده و مراتب انزجار خود را نسبت به اجحافات طبقهٔ حاکمه و دوروئی و تملق روحانی نمایان اعلام داشت .

فراماسنهای آن زمان که بعقیدهٔ خانم لمبتن « فراماسنهای انگلیسی و فرانسه اصولا آنها را نمی شناختند » اوضاع کشور خود را در آن زمان با سایر کشورها مخصوصاً کشورهای اروپای غربی مورد مقایسه نامطلوبی قرار می‌دادند.وبرای اینکه براز موفقیت کشورهای اروپائی پی ببرند ، علاقهٔ زیادی نسبت به‌نوع حکومت‌کشور-های اروپائی نشان می‌دادند .

فراماسنها به تدریج معتقد شدند که با اتخاذ اصول و رویه حکومتهای اروپائی خواهند توانست از تجاوزات و دخالت بیگانگان که فساد حکومت موجب تسهیل‌آن گردیده بود ، جلوگیری نمایند . و همچنین از مزایا و جنبه‌های مثبت تمدن غرب برخوردار شوند . در این هنگام حوادث و جریانات مختلفی نیز به تدریج موجب بیداری سایر طبقات مردم ایران می‌گردد .

از دست رفتن قسمتی از خاك ایران و الحاق آن به‌روسیه وعدم توانائی ایران در مقابله با تجاوزات بیگانگان و بحران مالی کشور و تفویض امتیازات به‌کشورها و اتباع خارجی از جمله این عوامل مختلف بود.در نتیجه این وقایع‌فراماسنهای‌ایرانی از حوادث و افکار ترقیخواهانهٔ مردم حداکثر استفاده را نمودند و هر جا نغمهٔ آزادی بلند می‌شد ،خود را به‌آنجا می‌رساندند .

در سال ۱۲۶۹ ش (۱۸۹۰م) که مخالفت عامهٔ مردم و طبقهٔ روحانی با سلطنت استبدادی جنبهٔ صریح و آشکار بخود گرفت، مردمی که بهیجان آمده بودند بر اثر تشویق (میرزا ملکم خان و سید جمال‌الدین اسدآبادی دو پایهٔ اصلی و اساسی فراماسونری درایران) و به‌بهانهٔ لغوامتیاز تنباکو[1] بنای مخالفت با استبدادراگذاردند

۱ـ مبارزه با امتیاز تنباکو که ناصرالدینشاه به یك شرکت انگلیسی داده بود ، نخستین مقاومت منفی مردم دردوران سلطنت قاجاریه است ، در این مبارزه مردم ، حاجی میرزا حسن شیرازی که از علمای مذهبی مقیم سامره بودنقش‌اساسی داشت و هم او بود که فرمان تحریم تنباکورا داد.

و اظهار نمودند که تفویض امتیازات به‌خارجیها موجب تهدید دنیای اسلام و استقلال ایران است. [۱]

این مخالفت دو جنبه داشت، یکی مبارزه با فساد ودیگری با نفوذبیگانگان. نخستین آثار مخالفت در یزد و تهران و سپس در تبریز و اصفهان و شیراز پدیدار گردید. و به‌تدریج این جنبه ترقیخواهی به علماء نیز سرایت کرد، و آنها به‌بهانهٔ آشنائی با فقه اسلامی طلاب را وادار می‌نمودند که با علوم جدید آشنا شوندو در جریانات اجتماعی شرکت کنند.

اساساً در آن زمان جامعهٔ مترقی و روشنفکر و حتی مردم طبقهٔ دوم بیدار شده بودند، کسانیکه شیفتهٔ آزادی و رهائی از چنگال فراشان بیرحم دربار قاجار، چماقداران حکام جابر وظالم‌بودند مجتمع گردیدند وعلیه‌کسانیکه «فرمان حکومتی» را با پول گزافی می‌خریدند به مبارزه برخاستند.

مردم بیدار که به‌تدریج به آنها نام «آزادیخواهان» و بعدها «مشروطه طلب» داده شده، بیش از هرچیز می‌خواستند اصول تمدن غربی را در ایران شیوع دهند و برای انجام این هدف به‌جامعهٔ دیانت و روحانیت روی آوردند و در پناه آن به فعالیت پرداختند.

مجامع نیمه مخفی‌که ازاواخر سلطنت ناصرالدینشاه درتهران وسایرشهرستانها بوجود آمد (و بسیاری ازآنها بدون اینکه شناخته شود از بین رفت) عموماً به نام «انجمنهای ملی» معروف شدند. انجمنهای مخفی در آغاز فعالیتهای‌خود را منحصراً به رهائی از استبداد و بهره‌مند شدن از آزادی و عدالت و بخصوص فرهنگ استوار می‌گردانیدند.

انجمنهای مخفی ایدئولوژی و یا برنامهٔ خاصی نداشتند ولی در خلال سطور مرامنامه‌ها، شب‌نامه‌ها و مقالاتی که انتشار می‌دادند، دستورات مذهبی و کمی‌هم‌مفاد

۱ـ ملکم خان بعدها امتیاز «لاطاری» در ایران برای شاه گرفت که داستان افتضاح آمیز آن مفصل و شیرین است.

مرامنامه‌های احزاب سیاسی غرب دیده می‌شد [1].

پرفسور لمبتن انگلیسی معتقداست که: «مراتب وهمبستگی این جمعیتها به‌جمعیتهای مذهبی افراطی اواسط اسلام و جمعیتهای ادبی که در زمان سلطنت فتحعلیشاه تأسیس گردیده بیشتر بود.»

هم او می‌نویسد: «... یکی ازاین‌مجامع مخفی‌دستهٔ فراماسنها بودندکه لژآنها اصطلاحاً «فراموشخانه» نامیده می‌شد و عده‌ای از اشخاص‌که بعداً رهبری انقلاب مشروطیت را عهده‌دار شدند جزو دستهٔ فراماسنها می‌باشند.

تأسیس فراموشخانه را بمیرزا ملکم خان نسبت می‌دهند و اغلب از اعضاء اصلی آن ازشاگردان‌قدیمی مدرسهٔ دارالفنون بودندکه درربیع‌الاول ۱۲۶۸ مطابق با دسامبر ۱۸۵۱احداث گردیده بود...»

شاید از این به‌بعد بتوان نقش رهبری «انجمنهای ملی» را بوسیلهٔ فراماسنها قبول کرد زیرا پس ازترورناصرالدینشاه بوسیله میرزا رضای‌کرمانی در سال۱۳۱۳ ه (۱۸۹۶م) ،فعالیت انجمنهای ملیون بیشتر شد.

اعضاء این انجمن‌را بغیرازمردمانی که حقیقتاً شیفتهٔ آزادی بودند. اغلب‌افراد متوسط‌وطبقهٔ علما تشکیل‌می‌دادندکه درپشت پرده تعدادزیادی از این انجمنها مرکب ازافراد فراماسون‌بودند. دراوایل‌کار«انجمن‌ها»ودرروزهائیکه‌هنوز تعدادآنها به‌ادعای ایوانف روسی [2] «تنها درتهران به۱۴۰» نرسیده بود توسل بزور و انقلاب و واژگون ساختن‌حکومت برای‌نیل به‌نظریات ترقیخواهانه‌لازم شمرده‌نمی‌شد وانجمنها حتی‌حاضر به‌شنیدن انتقاد ساده ازاوضاع‌رقت‌بار وجابرانه روزهم نبودند.

اصولا طبقهٔ حاکمه واعیان وحتی برخی ازملاها ومجتهدین متنفذکه وجودشان برای پیشرفت انجمنها لازم وضروری بود، مادامی‌که مقرری‌آنها ازطرف‌دربارمیرسید کاری‌به‌این‌کارها وشرکت درمجامع‌مخفی‌نداشتند وحتی‌حاضر نبودند یکبارهم‌درجلسات

۱ـ در آرشیو نگارنده‌دویست و هفتاد نسخه رسالهٔ مخفی، شبنامه و اعلامیه آغاز نهضت بیداری و دوران مشروطیت موجود است.

۲ـ صفحهٔ ۳۴ تاریخ مشروطیت ایوانف.

سلام ما بر شما ای سربازهای مظلوم وای برادرهای
رزمندگانی محروم یقین بدانید رسول خدا بحال شما
گریان است و چشمهای ملائکه مقربین بر گرسنگی و برهنگی
شما خون گریه میکنند خدا داد شما مظلومین را از ظالمین بگیرد
این ظالمین چون شما را اسیر نمیدانند همه از حقوق شما عمارتهای
عالی میسازند و متصل مشغول شراب خوردن و قمار کردن
هستند... از وقتیکه ما اهل شهر شنیدیم که شما العلف بیابان
گذران میکنید دیگر زندگی بر ما حرام شد از برای حال
شما خواب و خوراک نداریم رفتیم خدمت حجة الاسلام
آقا سید عبدالله و رئیس المسلمین آقا سید محمد و عرض حال
شما را با ایشان نمودیم فرمودند ما که چند ماه است
گفتگو با دولت میکنیم برای کار همین سربازهای
بیچاره است که چرا پولی را که دولت از رعیت برای سرباز
میگیرد این بیچاره ها نمیدهد حال ما حاضریم که روزی
سه هزار نان ۲ از کیسه خودمان بسربازها بدهیم که این
بیچارهها از گرسنگی نمیرند تا ما فکر اصلاح کار اینها باشیم

— دوشب نامه‌ای که فراماسونها در دوران انقلاب مشروطیت منتشر کردند

سؤال و جواب میرزا محسن خان با میرزا احمد خان در خیابان علاء الدوله

سؤال چه طور است احوال شما جواب چه عرض کنم برادر از حال من هر روز از خدا مرگ خود را میخواهم شغل و کاری که نیست ملاقات که نداد

ناخوشی هم که دارم معلوم است گمان ندارم کاری توانم بکنم غیر از مرگ از برای اصلاح حالت سؤال باید راضی بود خداوند هر چه خواست

باید صبر کرد جواب خاک بر سر اهل این مملکت بکنند چه طور شد که خدا از برای یکصد و بیست مملکت که در روی زمین است

با عزت و ثروت و امنیت عدالت آسایش گذشت غیر خواسته باالکل همه کافر هستند و از برای یک مشت مسلمان نکبت فقر

ذلت احتیاج ظلم پریشانی میخواهد اینکه ظلم خدا ظلم نمیکند سؤال پس شما که میفرمایید این خرابی از جانب خدا نیست از جانب کیست

جواب تقصیر از شما است که مال و جان و حق و ناموس را بچند نفر وزیر دزد راه زن خدا نشناس داده که این اشخاص را ب

یک مشت مردم درمانده و اسیر و ذلیل هر چه اراده نمایند میکنند نه مال از برای مردم مانده و نه جان و نه حرفی و نه ناموس یک مشت

استخوان این مردم فقیر ذلیل را هر روزه در آسیاب ظلم خرد و نرم مینمایند هر چند سلطان خود شخصاً ظلم نمیکند اما چون ظالم را او مسلط

بر مظلوم مینماید تا بار [illegible] هستند با خواهد بود سؤال شاه که دستخط تأسیس عدالتخانه و اجرای قانون در کلیه امور مملکتی داد

دیگر حکم فرمود که اجرا نمایند دیگر چه تقصیر دارد جواب چه فایده که حکم شاه بجا ماند میخواهد آتابک خودش یک سلطان

مستقل است هر چه را میل دارد اجرا مینماید و هر چه را که میل ندارد تعطیل میکند سؤال آتابک مجلس فراهم فرمود که وزرا

رای بدهند امیر بهادر و حاجب الدوله و ناصر الملک معلوم نکرده اند که کار مملکت و مسلمانها اصلاح شود جواب هم

امیر بهادر و حاجب الدوله یک پاره چه ظلم و حماقت هستند و قانون را مضر بحال خیانتهای که کرده و میکنند میدانند

اما ناصر الملک که مرد عاقلی بود شاید چنین فهمید که این مجلس صورت سازی است و آتابک پای کار یا اظهار نمی نیست

سؤال ما از حال آتابک چنین فهمیده بودیم که مایل باجرای قانون هست زیرا که فایده این کار از برای خودش بیشتر است به

مال و جان و درجه او [illegible] قانون [illegible] در معرض تلف است تا قانون نباشد از این جهات اطمینان

برای او حاصل نخواهد شد جواب بلی خود آتابک هم ملتفت این نکته هست ولی نخوت و غرور و خود پرستی او را مانع شد

که چون رؤسای ملت مطالبه قانون نمودند اگر اجرا شود باسم آنها تمام خواهد شد. پس معلوم شد که آتابک خیلی آدم کم ظرفی است

که کارهای بزرگ و شرف های مشترک را از برای یک خیال های کوچک و اهی [illegible] الان میگوییم که این آتابک اگر

حال معلوم شد که همه بارش نیست سؤال این تقصیر با علما و آقایان است زیرا که چرا جد و جهد در کار نمیکنند و این

خیال پوچ را از کله این مرد بیرون نمی نمایند که غرض ما خود نمائی نیست غرض اصلاح مفاسد ملک و ملت است با

هر کس میخواهد تمام بشود بشود جواب پس شما خبر ندارید که آقای میرزا سید محمد مجتهد دیروز چه کاغذ خوبی

در این باب باتابک نوشت که ما آقایان در بدو دایم دست از مطالبه حقوق ملت برنمیداریم بلی خبر دارم

سواد کاغذ را دیدم خدا با آقا سید محمد بدهد باز میانه علما اگر یک نفر باشد اوست که بفکر ملت است

آقایان دیگر بفکر خودشان هستند ما باید زحمت بکشیم و آنها هر روز بفکر ترقی و توسعه اماره و جلب منافع

و مداخل خود باشند آخر مگر پیغمبر از برای مردم همین بیان طهارت و نجاست بود یا در مقام ترویج احکام سیاسیه

و مملکت داری و تهذیب اخلاق هم بود آقایان نجف و اینجا این یک عمر که از پرتو امت پیغمبر میخورند و زندگانی

میکنند آخر فایده ایشان منحصر است باین که در حاشیه رساله یک مرتبه بعد خلاف استنجا بنویسند یا کم کنند

دیگر مگر این نیستند که ظلم عالم را فرا گرفت مسلمانان از دست رفتند دولت و ملت اسلام که پیغمبر [illegible]

و ائمه علیهم السلام برای ترویج آن شهید شدند از میان رفت دشمنان

دین از هر طرف رو آورده اند و علماء بعضی از فروع جزئیه اصل را از دست داده اند سؤال شاید [illegible]

علماء و آقایان هم گوش بدهید ایشان هم حرفی دارند میگویند ما که زحمت برای مردم میکشیم مردم خود

بی غیرت و نادان هستند چرا در مقام مطالبه عدل و داد برنمی آیند غرض ما بودیم مردم نباید بفکر حال

خودشان باشند مردم میخواهند بی زحمت لقمه توی دهن آنها بگذاریم اگر صدر اسلام را ملاحظه

کنید میدانید که حضرت پیغمبر یک تنه کار پیش نمیبرد بلکه مردم از جان های خود گذشتند و پیغمبر خدا

را یاری مینمودند و پیش می بردند تا بردباری و رنج کشی میسر نمیشود ... صدق است [illegible] فرمایند

ان شاء الله تعالی فردا شب خدمت خیابانی در همین موقع میرسیم و عرایض لازمه [illegible] خواهیم کرد

نباید و تصدیق فرمایید این همه ظلمی که بمردم بود از بی حقی و بی غیرتی خود مردم است ...

مخفی‌شرکت‌کنند و گفتارهای انقلابی و انتقادی بشنوند . چنانکه در یکی از جلسات «انجمن‌مخفی[1]» که بعداً ذکر آن خواهد آمد ، همینکه سخنگوی انجمن شروع به‌انتقاد کرد و برخی از مشکلات زندگی مردم را برشمرد ، عده‌ای تصمیم‌گرفتند از آنجا بروند ناظم‌الاسلام می‌نویسد :

« اول آنکه همه‌اهالی آن مجلس جرأت استماع اینگونه مذاکرات را نداشتند و از ترس آنکه شاید خبر به‌عین‌الدوله برسد در شرف حرکت کردن و رفتن بودند[2]»

ناظم‌الاسلام که یکی‌از کارگردانان ظاهری‌انجمن بود برای اینکه سایرین‌را از وحشت برهاند و حاضر به‌شرکت در انجمن مخفی‌کند ، درجلسهٔ اول متوسل به‌پیشوای‌مذهبی بزرگ آن زمان‌میرزا سیدمحمد مجتهد طباطبائی شده و گفت : « ... در این عصر و زمان عالم و رئیس روحانی هم مانند جناب‌آقا میرزا سید محمدمجتهد طباطبائی‌داریم که تاکنون عالمی باین خوبی و آگاهی و صحت و انصاف نداریم ، سیاسی می‌داند ، خطوط خارجه را می‌خواند ، به‌حقوق ملل عارف و...»

فراماسنها وکارگردانان‌پشت‌پرده وحتی‌ظاهری(انجمن مخفی) وسایرانجمن‌های مخفی‌وعلنی وآزادیخواهانه‌همواره‌رهبران وپیشروان اقدامات‌آزادیخواهانه‌را ازطبقهٔ علماءانتخاب‌کرده واین‌طبقه‌را به عنوان سپری دربرابر تجاوزات طبقات حاکمه نسبت به‌مردم قرار می‌دادند .

زیرا طبقهٔ علماء و مجتهدین و حتی ملایان درجه دوم و سوم تنها دسته‌ای از اجتماع بودندکه می‌توانستند علم و دانش را در میان مردم بسط و توسعه بدهند و بعلاوه اعتقاد عامه نسبت به مذهب شیعه موجب شده بودکه مردم علماء را رهبران واقعی خود بشناسند .

انجمن‌ها تنها وظیفهٔ خود را بیداری مردم وآگاه ساختن‌آنها از مضار استبداد . وتشریح خبرهای نیك‌آزادی می‌دانستند . واغلب در شب‌نامه‌هائی‌که منتشرمی‌ساختند جنبهٔ ترقی خواهانه و تجدیدطلبی را نیز فراموش نمی‌کردند و از دولت می‌خواستند

۱ـ انجمن مخفی فوق‌الذکر کارگردانانش ملاها بودند .

۲ـ کتاب بیداری ایران چاپ دوم ص ۱۶۵ .

تا مدارس جدیدی ایجاد نماید و علوم ودانش جدید را بمردم بیاموزد. پرفسورلمبتن انگلیسی معتقد است که :« قسمت عمده‌ای از اطلاعات خود را از اعضاء انجمنها در بارهٔ ترقیات خارج مدیون نشریات‌فارسی بود که در خارج از ایران به‌چاپ می‌رسید که از جمله می‌توان روزنامهٔ اختر در اسلامبول و حبل‌المتین در کلکته و قانون را در لندن نام برد . در سال۱۳۲۲ (۱۹۰۴م) نخستین کتابخانهٔ ملی با کوشش اشخاصی مانند میرزا آقای اصفهانی،ملك‌المتکلمین و سیدنصراله تقوی و نصرت‌السلطنه تأسیس گردید و این‌کتابخانه مرکز تجمع اصلاح‌طلبان به‌شمار می‌رفت.»

قبلاً گفته‌شدکه سازمانهای فراماسونری‌حتی درتأسیس‌قرائتخانه‌ها وکتابخانه‌ها و سازمانهای انتشارات برای پیش بردن مقاصد خود بخصوص هنگامیکه هدفهای انقلابی وجود داشت استفاده می‌کردند .

در ایران هم فراماسنها در تأسیس اینگونه مراکز اقدام کرده‌اند ، بطوریکه پرفسورلمبتن اشاره‌کرده است نخستین‌کتابخانهٔ ملی در ایران بوسیلهٔ ملك‌المتکلمین ، سیدنصراله تقوی و نصرت‌السلطنه تأسیس‌گردید. چنانکه قبلاً اشاره‌شد [۱] سید نصراله تقوی یکی از ارکان لژ بیداری ایران و هم‌او بودکه در ترجمهٔ قانون اساسی ماسنی شرکت داشت و ملك‌المتکلمین نیز جزو همین دسته بود .

حاج سید نصراله تقوی بنا به‌مأموریتی‌که ازطرف سازمان ماسنی ایران‌داشت « کتابخانهٔ ملی » را یکی دیگر از پایگاههای تجددطلبی و آزادیخواهی فراماسنها قرارداد و خانم لمبتن اعتراف می‌کند « این کتابخانه مرکز تجمع اصلاح‌طلبان بشمار می‌رفت » همینکه تأسیس انجمنها رواج یافت و بخصوص بعد از قتل ناصرالدینشاه‌بر تعداد انجمنهای تهران و ولایات بسرعت افزوده شد ، بطوریکه ایوانف روسی با استفاده از اسناد بایگانی راکد وزارت خارجهٔ روسیهٔ تزاری می‌نویسد :

«تنها در تهران ۱۴۰ انجمن وجود داشت و در ولایات نیز جمعاً ۱۱۰ انجمن تأسیس و منحل شد .» [۲]

---

۱ ــ رجوع شود به فصل لژ بیداری ایران همین کتاب .

۲ــ تاریخ مشروطیت ایوانف ص ۱۸.

مرحوم کسروی در تاریخ مشروطیت هنگامی کـه حادثه روز ۹ جمادی الاول ۱۳۲۳ هـ (۱۹۰۶ م) وجنب وجوش انجمنها را بیان می‌کند رقم انجمنها را در تهران به ۱۸۰ رسانیده چنین مینویسد : « ... انجمنهای تهران به جنب‌وجوش پرداخته‌باز بمدرسهٔ سپه سالاری‌آمدند .

نخست انجمن شاه‌آباد که از انجمن‌های بزرگ وبنامی بود با افزارجنگ‌ورده وشکوه آمده سپس انجمن‌های دیگر پیروی نمودند ، و هرانجمن یکی از حجره‌هارا گرفته لوحهٔ خود رابسر درآن آویخت . روزنامهٔ‌مجلس مینویسد : یکصدوهشتادلوحه به شمارآمد از اینجامیتوان‌دانست‌که چه انبوهی در میان می‌بوده ...[1]» دکترملکزاده تعداد انجمن‌ها را تا ۲۰۰ کمیته در تهران می‌داند . در تأسیس تعداد زیادی از این انجمن‌ها فراماسنهای ایران دخالت مستقیم داشتند . بطوریکه می‌توان گفت یك‌یادو نفر آنها مستقیماً عضو مؤسس این‌گونه انجمن‌ها بودند . ولی در عده‌ای از انجمن‌ها نیز بهیچ وجه اسمی از اعضاء فراماسونری بمیان نیامده و گمان می‌رود ماسنهاازپشت پرده اینگونه انجمن‌ها را که اکثرا افراطی بودند اداره می‌کردند [2]

مرحوم کسروی در کتاب تاریخ مشروطه ایران چندین بار از فعالیت « انجمن نهانی » و «مرکزغیبی » یاد می‌کند . اودر تاریخ مشروطه وکتاب‌هاورساله‌های‌دیگری که نوشته ، همواره در بارهٔ سازمان فـراماسنی ایران سکوت کـرده و فقط در کتاب «زندگی من» اشاره مختصری به فراماسنها نموده [3] است وبهمین علت عده‌ای ازدوستان

---

۱ ـ تاریخ مشروطیت کسروی ص۱۶ جلد سوم چاپ اول .

۲ ـ اشاره به رهبری آقای تقی‌زاده درکمیته دهشت است .

۳ ـ کسروی در این کتاب می‌نویسد ، «کمیسیون ترفیع در دست آقایان حاجی‌سید نصراله رئیس تمیز و سید حبیب‌اله مدعی‌العموم تمیز وصدرالاشراف ودیگران می بود ، من با آنان سلام وعلیك هم نمی‌داشتم و همیشه دوری گزیده بودم .

آنگاه چنین شناخته می‌بودکه‌آنان ازکسان بافهم و دانش بسیار بدشان‌آید وتاتوانند جلو پیشرفت آنان را در کارهای وزارت عدلیه گیرند ... اینها را دانسته بودم ویك چیز که سپس دانسته‌ام آنست که این آقایان از پیرامونیان فروغی و خود از « دستهٔ بدخواه » می‌بوده‌اند . و این از پرگرام کارآنان می‌بوده که تا توانند کسان با فهم و جربزه راخود دارند و جلو پیشرفتشان گرفته دچار نومیدی سازند... » (صفحه ۲۵۰ چاپ دوم زندگی من یاده‌سال درعدلیه .)

کسروی سکوت مطلق او را دلیل همبستگی در سازمان فراماسونری (ایران یا عراق) دانسته واو راملزم به حفظاسرار وسوگندی که در بدو ورود یاد کرده بود می‌دانند... با توجه به اهمیت فعالیت و اقدامات فراماسنها در مشروطیت ، می‌توان اشارات اورا در مورد «انجمن نهانی» و«مرکز غیبی»منطبق با فعالیت فراماسنها که تنها دستهٔمتشکل و رهبری کننده انقلاب مشروطیت ایران بخصوص‌درسالهای آخر دورهٔ استبدادصغیر بودند ، دانست .

نویسندهٔ تاریخ‌مشروطه ایران می‌نویسد : « ... یك‌انجمن‌نهانی که برای‌دشمنی با اتابك وکوشش درراه برانداختن او بپا شده بود ... شیخ یحیی کاشانی که مقاله‌ای در بارهٔ نادرستی‌های‌انجمن معارف و بدخواهی با اتابك در روزنامهٔ حبل‌المتین‌نوشته بود خواست و او باز گفتارهائی نوشت و به حبل‌المتین فرستاد وکم‌کم روزنامهٔ ثریانیز به زبان آمد واو هم سخنانی نوشت ...[1]»

درجای دیگر می‌نویسد : «...سیدحسن برادر دارندهٔ حبل‌المتین ومشمرالملك ازباشندگان انجمن‌نهانی‌نیز به اینجا می‌آمدند وهمیشه‌نکوهش ازاتابك‌می‌نمودند..[2]»

هنگام نشریح عملیات انجمن تبریز کسروی می‌نویسد :

« در تبریز آزادیخواهان فیروزانه میکوشیدند ، در بیرون انجمن(یا چنانکه خود می‌نامیدند مجلس ملی) و در نهان مرکز غیبی کارهارا پیش می‌برد .

مرکز غیبی که‌بیشتر در خانهٔ شادروان علی‌مسیو برپا شدی با دوچشم‌باز‌کارهای محمد علی میرزا و پیرامونیان او را می‌پائید و به راه بردن دستهٔ مجاهدان کـه تازه پدید می‌آمدند می‌پرداخت ... حاجی مشیر دفترکه می‌بایست دستورهای انجمن‌را به کار بندد و بی پروائی نشان می‌داد . مرکز غیبی باز فرصت یافت به کار برخاست‌وروز سوم‌آذر (۸ شوال) یك دسته از مجاهدان به انجمن رفته از نابسامانی کارها و ناامنی پیرامون شهر و بی‌پروائی حکمران گله کردند ...»[3]

---

۱ ـ تاریخ‌مشروطه ایران جلد اول ص ۳۴ .

۲ ـ تاریخ مشروطه ایران جلد اول ص ۳۵

۳ـ ایضاً صفحهٔ ۲۵۱ همین‌کتاب .

اینك تا آنجاکه مقدور بوده‌و بااستفاده‌از اطلاعات ذهنی و عینی سالخوردگانی که درقید حیات هستند و یا اسناد و مدارك محدودی کـه بدست آمده‌است ، از چند انجمن مخفی و علنی که بنحوی از انحاء فراماسنهای ایران در تأسیس آنها دخـالت داشته ، ویااداره کنندهٔ آنها بودند به تفصیل یاد می‌کنیم .

باید دانست که فراماسنهای ایرانی به شیوهٔ گذشتگان خود در حفظ آداب و رسوم و اسرار سازمان‌های اصلی وفرعی لژها کوشش فراوان می‌کنند و کمتر دیده‌شده است که از اسرارو یاتصمیمات درون لژها چیزی بگویند و یا بنویسند . بهمین‌جهت برای یك ناظر بیطرف ویا فرد غیر ماسن کسب اطلاع از تصمیمات درون لژهامشکل است‌و تنها گذشت زمان‌ممکن است کمکی به‌بیطرفها بنماید.

نخستین انجمن‌مخفی دربارکه فراماسنها درآن‌نفوذ داشتند

هنوز به تحقیق معلوم نیست که کدام یك‌ازفراماسونهای ایرانی نخستین جمعیت مخفی را تشکیل و یا اداره‌کرده‌اند زیرا از اوایل سلطنت‌ناصرالدین شاه به تدریج ماسنهائی‌که در فرانسه ، انگلیس و بلژیك به عضویت این فرقه‌قبول‌شده بودند ، در مراجعت به ایران یکدیگر را پیدا کرده پس از مجالست با هم حلقه‌های محکمی تشکیل می‌دادندکه گاهی نیز نام «انجمن‌مخفی» بدانها می‌گذاشتند .

در نخستین سفری کـه نـاصرالدین‌شاه از سفر فـرنگستان برگشت ، عده‌ای از درباریان‌روشنفکر که شیفتهٔ تمدن غرب بودند،ازملازمان شاه‌خواهش‌کردندتاآنچه را در فرنگستان دیده‌اند برای آنها بازگویند .

داستان‌های شورانگیز و دیدنیهای حیرت آور ملازمان شاهی آن‌چنان در دل این‌افراد شور وهیجانی بپا کرده بودکه اکثردرباریان آرزو می‌کردند کارهای خوب فرنگستان در ایران هم معمول شود . در دلهای بیدار این‌عده از درباریان به تدریج آرزوی اصلاح اوضاع ایران پیدا شد و به همین جهت ماهها بعد از ورودشاه به ایران جلسات شبانه همچنان ادامه داشت و درباریان با شوق و رغبت در این اجتماع حضور می‌یافتند.

بنا به‌گفتهٔ محمود عرفان این شور و هیجان و رغبتها به‌حدی رسید که درباریان «... مایل شدند این اجتماع بیشتر اوقات دائر باشد و از این مطالب گفتگو به میان آید»[1].

درآن ایام در بین درباریان چند فراماسون متنفذ وجود داشتند که به دستور دوستان خارج از دربارهمیشه برای ایجاد «آزادی بیشتر» و یا تشویق شاه به عمران وآبادی ایران تلاش می‌کردند.

فعالیت چند فراماسون درباری و «غیردرباری» دراین اجتماعات شبانه به‌جائی رسید که‌بتدریج از«مجتمعین شبانه» انجمنی‌مخفی‌ساختند. محمود عرفان هنگام‌بحث دربارهٔ «فداکاری آزادیخواهان قبل ازمشروطیت »می‌نویسد:[2]

«... درپایان مقال بذکر حکایتی می‌پردازیم که فداکاری آزادیخواهان‌قبل‌از مشروطیت را نشانه‌ایست.

دربین این مردان فداکار فراماسنها‌سلسله جنبانی داشتند و هر جادلی امیدوار و سری‌پرشور می‌یافتندآرام‌آرام درآن رخنه می‌کردند واورا برای روزگار نوی‌آماده می‌ساختند. مخفیانه انجمن داشتند و بند شکنجه را به جان می‌خریدند»

عرفان سپس به‌ذکر داستانی می‌پردازد که به تفصیل آن در یادداشتهای میرزا حسینخان مسعود السلطنه شیرازی که جدش میرزا فتحعلیخان صاحب دیوانی بوده برمی‌خوریم.

میرزا حسینخان که در سال ۱۲۳۴ش ـ (۱۸۵۵ م) متولد شده و در سال ۱۳۲۰ ش ـ (۱۹۴۱ م) وفات‌کرده است وی تحصیلات خود را در تبریز شروع کرد و تاموقعی که جدش ایالت آذربایجان را داشت با او در مرکز آذربایجان زندگی می‌کرد، سپس به تهران‌آمد ودر دارالفنون به‌تحصیل پرداخت. در بیست سالگی واردخدمات‌دولتی شدودرحوزهٔ مرکزی ایران حاکم گردید.

---

۱ ـ صفحهٔ ۵۵۱ مجلهٔ یغما شمارهٔ ۱۲

۲ ـ ایضا همین‌شماره

درسفر دوم ناصرالدین‌شاه به‌فرنگستان‌دستورداد‌تامیرزاحسینخان‌راجزوملازمان درباری کنند ولی میرزا علی اصغرخان اتابك بااین انتصاب مخالفت کرد و مانع‌رفتن اوشد . اما پس از اینکه شاه به فرنگستان رفت ، میرزا نیز فراراً از راه روسیه‌عازم اروپا گردید وسرانجام خود را به‌شاه رسانید . [۱]

او در این سفر به کشورهای آلمان ، فرانسه بلژیك و انگلستان رفت و آمد کرده و بنا به‌اظهار میرزا فتحعلیخان‌فانی (خان بابا خان ـ مدیرالدوله) به عضویت یکی از لژهای فراماسونی درآمد .

در مراجعت به وطن ، ناصرالدین شاه دستور داد او را(به جرم مسافرت بدون اجازه) چوب بزنند . میرزا مدتها مخفی بود تااینکه به‌اتفاق میرزا احمدخان مؤیدالملك (نوهٔ حاج ابراهیم خان) بحضور شاه رسید وطلب بخشایش نمود .

شاه نسبت به او تغیّر کرده و حتی چند ناسزا نثار او نمود و پرسید «چرا به‌اروپا رفتی ؟» مسعودالسلطنه جواب داد « وقتی سفرنامهٔ اعلیحضرت همایونی را خواندم در دلم شوری بپا شد و به اروپا رفتم» شاه پس از شنیدن این جمله مدتی بفکر فرورفت و بعد اورا بخشید ودستور داد همچنان دردربار باشد .

میرزا حسینخان‌خوددر یادداشتهایش‌می‌نویسد :«...درسفر اول‌شاه به‌فرنگستان عده‌ای از احرار که‌بعدها من آنها را شناختم انجمنی تشکیل داده بودند که محرمانه بادرباریان تماس داشتنداین عده‌که دستورات خود را از محل‌ناشناس می‌گرفتندعبارت بودند از :

میرزا حسن‌عکاس ، میرزانصراله خان وفرج‌اله‌خان معروف به‌گل و بلبل ومیرزا رضاکرمانی‌ودر مدتیکه سید جمال‌الدین اسدآبادی درتهران اقامت داشت اوهم بااین عده همکاری محرمانه داشت .

در ایام جوانی روزی این عده نامه‌ای بهمن دادند که به شاه بدهم . یك‌روزکه شاه قلیان خواست ، نامه را به اودادم وقتی نامه‌راخواند عصایش را بهسر ورویم‌شکست

---

۱ ـ نقل از اظهارات‌خان بابا خان فانی به نویسنده .

وگفت : اگر تو قوم و خویش نبودی می‌دادم تورا بکشند ، به آن پدر سوخته‌ها بگو این ... خوریها زود است »

درجای دیگر به نقل از خاطرات صاحب دیوان چنین می نویسد : «من از غلام بچه‌های ناصرالدینشاه بودم، وقتیکه ناصرالدین‌شاه‌از سفر فرنگستان بازگشت‌ملازمان او که به ایران بازگردیدند شبها درباریان دیگر بگرد آنها جمع شده از اوضاع فرنگستان پرسشها می‌کردند... آنها مایل شدند این اجتماع بیشتر اوقات دائر باشد وازاین مطالب‌گفتگو به میان‌آید ولی مصلحت ندانستند بدون اطلاع‌شاه اجتماع‌آنها درست شود .

عریضه‌ای به شاه نوشتند و استدعا کردند همانگونه که در فرنگستان هرطبقه انجمن دارند درباریها هم انجمن داشته باشندکه‌هرهفته تشکیل‌شود ودرباره‌مطالبی‌که مصلحت‌اقتضاکندحرف‌بزنند. گفتندبهتراین‌است‌که‌توچون هم‌بچه‌هستی وهم پدربزرگت صاحبدیوان ونزد شاه معتمد و مقرب است عریضه را به شاه تقدیم کن . من قبول کردم . شاه معمولا صبحها بعد ازفراغت از کار در حیاط راه می‌رفت و بخوردن نقل و مغز بادام و فندق و پسته که گاه بگاه پیش‌خدمتها به‌جیب اومی‌ریختند مشغول‌می‌شد . روزی‌که‌شاه‌خوشحال بنظر می‌آمددرگوشه‌ای ایستادم وشاه‌که خواست ازجلومن‌بگذرد عریضه را به‌اودادم ولی با فحش وکتك مواجه‌شدم [۱].»

از تاریخ‌تأسیس‌وخاتمهٔ فعالیت این انجمن درباری ونفوذی که‌فراماسنها درآن داشتندهیچگونه سند ومدرك‌وحتی یادداشتی دردست نیست‌ولی باتوجه به‌اشاره‌ای‌که محمود عرفان درنطق‌مختصر فراماسنی خودمی‌کند . «دربین این مردان فداکار[منظور آزادیخواهان‌قبل از مشروطیت است]فراماسنها سلسله‌جنبانی‌داشتند...مخفیانه‌انجمن داشتند وبند شکنجه را بجان می‌خریدند [۲]» می‌توان تا اندازه‌ای به صحت یادداشتهای مسعودالسلطنه واظهارات دیگری که دربارهٔ آن‌شده پی برد .

۱ـ تفصیل این واقعه در همین‌کتاب آمده است.

۲ ـ مجلهٔ یغما شمارهٔ ۱۲ ص ۵۵۱

سند دیگری که در تأیید نوشته‌های فوق در دست است ، اظهارات میرزا رضای کرمانی در محضر بازپرس راجع به «انجمن مخفی» می باشد که در بارهٔ مظفرالدینشاه بوده ونظمیه برای کشف واطلاع از آن تلاش وفعالیت می کردند .

میرزا رضای کرمانی در جواب سئوال راجع به انجمن مخفی چنین می گوید : « ... آقاسید جمال الدین که اینجا آمده بود بعضیها تقریرات او را می‌شنیدند مثل میرزا عبداله طبیب، میرزا نصراله‌خان ومیرزا فرج‌اله‌گرم می‌شدند . می‌رفتند . بعضی کاغذها می‌نوشتند به ولایات می‌فرستادند که از خارج تمبر پست می‌خورد و برمی‌گشت. مجمع آنها را میرزا حسینخان نواده صاحب دیوان گرم نگاهمی‌داشت به جهت اینکه سیدرا دیده کلماتش را شنیده بودند .

بعضی از رفقاشان مشغول کلاه درست‌کردن بودند مثل حاج سیاح که می‌خواست ظل‌السلطان را شاه کند ویکی دیگرراصدراعظم [1]» این اظهارات میرزا رضای‌کرمانی دلیل دیگری است بر وجود «انجمن مخفی» که بوسیلهٔ سید جمال‌الدین پی‌ریزی و رهبری می‌شد ومیرزا حسینخان مسعودالسلطنه نیز یکی از اداره‌کنندگان‌آن بود.

انجمنهای مخفی بی نام

بعد از شکست «فراموشخانه» های میرزا یعقوب ومیرزا ملکم‌خان وفرار پدر به روسیه و تبعید پسر به‌خاك عثمانی تا مدتها هیچیك‌ازسر جنبانان پایتخت و شهرستانها جرأت ابراز وجود ویا تشکیل محافل مخفی را نکردند .

در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه عده‌ای که می‌خواستند «انجمن مخفی» در تهران تشکیل دهند ، گرفتار قوای استبداد شده بدستور پادشاه کشته شدند . تفصیل‌این‌واقعه را مؤیدالاسلام کرمانی چنین نقل می‌کند :

« ... چندسال‌قبل بناصرالدینشاه راپورت‌دادندکه شبها جمعی در محلهٔ سنگلج دریك خانه اجتماع کرده ودر امر مملکت و اصلاح مذاکره می‌کنند پادشاه جمعی را فرستاد شش هفت نفر ازاصلاح خواهان که‌دورهم نشسته بودند مأخوذ وشبانه آنها را

---

۱ ـ تاریخ بیداری ایرانیان ص ۹۳

به‌حضور شاه بردند . چاهی که دراندرون حفر کرده بودندکه برف درآن می‌ریختند و یا برای همین جـور کارها مهیا بود سنگ سرآن را برداشته مأخـوذین را درآن چاه انداختند آن وقت خود پادشاه تفنگ را بدست گرفته متجاوز ازسی فشنگ ازپی آنان فرستادکه به‌اعتقاد خودزودترآنها را به اسفل‌السافلین رساند و به‌حاضرین هر کدامی یك اشرفی انعام داد برای شکرانهٔ موفقیت برقتل آنها ...»[1] وبعدازاین حادثـه‌کـه اطلاع بیشتری از آن در دست نیست ، تشکیل محافل سرّی‌وانجمنهای اصلاح طلبانه‌درایران ازبین رفت .

پس‌ازقتل‌ناصرالدین شاه و به‌سلطنت‌رسیدن‌مظفرالدین‌شاه‌بتدریج‌مردم‌آزاده‌دور هم‌جمع‌شدندوچون‌شاه‌مردی، علیل‌وسلیم‌النفس‌بودآزادیخواهان‌نیزجرأت یافته فعالیت خود،راعلنی‌کردند.هنگامیکه‌مظفرالدین‌شاه‌می‌خواست‌ازروسیه‌برای‌سفراروپا‌پول‌قرض کند، تظاهرات‌ناسیونالیستهاومردان‌آزاده‌واصلاح‌طلب‌بحداکثرخودرسید.همچنین‌درسال ۱۳۲۱ه(۱۹۰۴م) بعضی از دستجاتیکه‌جلساتی تشکیل می‌دادند، براین‌عقیده شدندکه موقع مناسب برای واژگون ساختن دستگاه استبداد پیش آمده است . به همین لحاظ روز ۲۹ مه ۱۹۰۴ م جلسه‌ای مرکب از شصت نفرتشکیل شد . بیشتر اعضای این‌جلسه را افراد طبقهٔ روحانی تشکیل می‌دادند . ولـی در بین آنها از سایـر طبقات از قبیل بازرگانان ، اصناف ، اعضای ادارات ، دونفر زرتشتی و سران ایلات نیز وجود داشت. در این جلسه برنامه عمل و یا به اصطلاح اساسنامه‌ای مرکب‌از۱۸ ماده‌تدوین‌گردید و با آنکه طبق ماده ۱۶ موضوع آغاز انقلاب رسماً ذکر گردیده بود ، معهذا اقدامات جمعیت فقط محدودبتوسعه و نشرافکار ترقی خواهانه گردید . در سایر مواردپیش‌بینی شده بود که «برای جلوگیری از اکاذیب و افترای بدخواهان[2] اقـدامات جمعیت باید در چهارچوب مقررات وقوانین شرع اسلام باشد» آنان از مرحومین میرزا سید محمد

---

۱ ــ تاریخ بیداری ایرانیان ص۱۷۰

۲ ــ درآن زمان مردمان‌آزاده وآزادیخواه را بی‌دین ، یهودی ، بابی وازلی‌معرفی واغلب از پیشوایان دینی‌که جیره‌خوار دربار قاجار بودند اینگونه اشخاص را « مهدورالدم» می‌نامیدند .

طباطبائی و آقا سیدعبداله بهبهانی که هردو از پیشروان مشروطیت ایران هستندخواستند که برای تحقق یافتن به‌خواسته‌های جمعیت با یکدیگر همکاری نمایند .

از تشکیل این جمعیت که خواستار « واژگون ساختن دستگاه استبداد » بود ، اطلاعات و معلومات بیشتری در دست نیست. تنها منبعی که در باره این حادثه ذکری کرده رسالهٔ « انجمنهای سرّی در انقلاب مشروطیت » خانم لمبتن است .[۱]

کمیتهٔ سرّی بی‌نام

در اغلب یادداشتهای کسانیکه فراماسون بودند و یا بعد ها وارد لژ فراماسونی (بیداری ایران) شدند ، ذکری از فعالیت یك کمیته سرّی بدون نام شده است. این کمیته که مدت دوسال در تهران دایر بوده و هفته‌ای یکبار در خانه یکی از اعضاء تشکیل می‌شد مذاکراتی داشته است که بیشتر بر محور «رهائی از استبداد » و ایجاد محیط آزادی دورمی‌زده.

سرهنگ ابوالحسن‌خان برزین‌افسر بازنشسته ارتش درباره جلساتی‌که درخانهٔ پدرش‌تشکیل می‌شد ،چنین می‌گوید :

«پدرم میرزا حسینخان مؤتمن نظام‌که بعدها «شهاب‌الدوله » لقب‌گرفت‌ومدتها امیرتومان قشون بود،هنگامی‌که درتهران اقامت داشت اکثراً درجلسات‌آزادیخواهان شرکت می‌کرد و از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۹ قمری (۱۹۰۰تا ۱۹۰۲ـم) نیز هفته‌ای‌یکبار جلساتی در خانهٔ ما که در سرچشمه بود تشکیل می‌شد .

کسانیکه در این جلسات بیش از سایرین شرکت می‌کردنـد و من اسامی آنها را خوب بخاطر دارم عبارتند از :

۱ـ ملك‌المتکلمین اصفهانی ۲ـ میرزا طاهر تنکابنی ۳ ـ سعید العلماء

۴ـ انتظام‌الحکماء ۵ـ دکتر هادیخان ۶ـ میرزا مرتضی‌خان اصفهانی خواجوی .

این اشخاص تك تك به منزل ما می‌آمدند و بهمان وضع‌هم از خانه ما خارج می‌شدند بطوریکه می‌توانم بگویم که آمد و رفت این عده مجموعاً نیم ساعت طول

۱ـ کتاب جریانات خاورمیانه رسالهٔ «انجمنهای سری انقلاب‌مشروطیت» این رساله در سال ۱۹۵۸ درلندن چاپ شده است .

می‌کشید . بنظرمی‌رسیدکه این جلسات درخانهٔ دیگران‌هم بود زیرا اغلب‌پدرم روزها و شبها به‌منزل نمی‌آمد و می‌گفتند که بخانهٔ همین اشخاص می‌رود .

هنگامیکه جلسات در خانه ما تشکیل می‌شد ،هیچیك از اهل خانه جز من‌که طفل خردسالی بودم ، حق ورود به‌اطاق پذیرائی خانه نداشتند .تنهاکسیکه حق‌داشت چای وآب و خوراکی تا دم در اطاق ببرد.من بودم و حتی برادرم که چند سال از من بزرگتر بود درآن روزها اکثراً درخانه نمی‌ماند وبدستور پدرم بخانهٔ اقوام می‌رفت .

پس از دو سال بتدریج جلسات مزبور ترك شد و هنگامیکه پدرم در قزوین سکونت داشت مستبدین او را به‌جرم آزادیخواهی مسموم کرده ،کشتند . دوستانش‌که باقیمانده بودند در انقلاب مشروطیت و استبداد صغیر شرکت کردند و بارها به من گفتند که تلافی خون پدرم را نموده‌اند .

انجمن مخفی اول

در ذیقعدهٔ ۱۳۲۲ (فوریه۱۹۰۵ م) انجمن دیگری زیر نظر مستقیم سید محمد طباطبائی که از رؤساء لژ بیداری ایران و از فراماسنهای‌راسخ‌العقیده‌بود بنام« انجمن‌مخفی» تشکیل‌شد.

اعضاء این انجمن که رهبری اصلی آن با سید محمد طباطبائی بود و ناظم‌ـ الاسلام کرمانی بدستور مستقیم وی آنرا اداره می‌کرد ، اکثراً از افراد طبقهٔ روحانی تشکیل‌شده‌بودند وبطوریکه ناظم‌الاسلام‌می‌نویسددرجریان‌سه‌سالی‌که‌این‌انجمن‌فعالیت می‌کرد ۱۵ نفر زیر درآن نقش اساسی را داشتند :

ناظم‌الاسلام کرمانی ـ آقا سیدبرهان خلخالی ـ حسینعلی ادیب بهبهانی ـ ذوالریاستین کرمانی ـ سیدمحمدتقی[۱] ـ سیداحمد ناظم‌الشریعه‌کرمانی ـ سید یوسف سیرجانی ـ مجدالاسلام مدیر روزنامهٔ ادب ـ حاج شیخ‌محمد سلطان‌المحققین واعظ اصفهانی ـ شیخ مهدی سلطان المتکلمین ـ شیخ یحیی کاشانی ـ سید حسن کاشانی برادر مؤیدالاسلام ـ میرزا محمد گلپایگانی ـ حاج ملا عباسعلی واعظ .

۱ـ سید محمد تقی یکی از محارم آیت‌الله بهبهانی و در انجمن مخفی مأمور ارتباط وایجاد محیط مناسب و حسنه بین آیت‌الله طباطبائی و آیت‌الله بهبهانی بود .

ناظم‌الاسلام خود درکتاب تاریخ بیداری ایرانیان ، جزئیات جلسات این گروه مخفی و اقدامات و عملیاتی را که زیر نظر مرحوم طباطبائی انجام داده تشریح نموده و مطالبی می‌نویسد که گرچه نمودار ارتباط انجمن با فراماسونری نیست ولی قراینی دربارهٔ این ارتباط مشاهده می‌شود که حداقل آن وجود شخص آقاسیدمحمدطباطبائی عضو لژ بیداری ایران بوده است .

شادروان‌طباطبائی شب۲ ذی‌الحجه (۷فوریه ۱۹۰۵ م) ناظم‌الاسلام‌کرمانی را مأمور تشکیل این‌انجمن مخفی کرده و او روز بعد ۱۴ نفر از دوستان و یاران خود که مرحوم طباطبائی عضویت‌آنها را تصویب‌کرده بود برای‌تشکیل انجمن مخفی‌دعوت نموده . نخستین جلسهٔ انجمن روز هیجدهم ذیحجه ۱۲۸۳ (۲۱ فوریه ۱۹۰۵ م)که مصادف با عید غدیر بود ، در خانهٔ ناظم‌الاسلام تشکیل شد . [1] در جلسه مذکور یکی از کارهائی که آغازگردید ، قرائت سیاحتنامهٔ ابراهیم بک ، مقالات روزنامهٔ حبل‌المتین با نطق مفصل ناظم‌الاسلام بود .

قرائت این مقالات که معرف ترقی کشورهای غربی در زمینه‌های مختلف بود هیجان زیادی در حضار برانگیخت ، تا جائیکه تمام اعضاء معتقد شدند که علت عقب‌افتادگی ایرانیان بر اثر جهالت و نقص تعلیم و تربیت می‌باشد . در نخستین‌جلسه وقتی ناظم‌الاسلام شروع به‌سخن می‌کند ، عده‌ای از حضار ازترس‌عین‌الدوله دیکتاتور وقت ، قصد رفتن می‌نمایند واووقتی می‌بیند یارانش جرأت شنیدن جملات انتقادی علیه شاه و صدراعظم را ندارند ، فوراًکتاب سیاحتنامهٔ ابراهیم بک را بازکرده صفحهٔ ۶۶ آنرا قرائت می‌نماید .

جلسهٔ دوم انجمن روز ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۲ (۳مارس ۱۹۰۵م) در منزل ذوالریاستین کرمانی تشکیل‌گردید.در این جلسه ابتدا مسئله جهالت و بیسوادی مردم مطرح

۱ـ سازمان‌های فراماسونی در جهان ، از نفوذ افراد برجسته عضو لژها برای جلب مردم و رهبری افکار عمومی استفاده می‌کنند . و آنان را در رأس تشکیلات ، انجمن ها ، جمعیت‌های خیریه وغیره میگمارند .استفاده ازشخصیت طباطبائی هم بدین نظرصورت گرفت.

شد و سپس مسئلهٔ عوارض و مالیاتهائی که تیول درباریان ، متنفذین و حکام بود مورد مذاکره قرار گرفت ، و برای مثال گرفتن روزی هزار تومان تعارف از خبازخانه و قصابخانه تهران بوسیله عین‌الدوله شرح داده شد . و سخنگویان اصرار ورزیدند که بوسیله متنفذین‌وآزادیخواهان‌بدربارو دولت فشار آورند تا مجموعهٔ قوانین جامعی مشتمل بـر وظایف وزرا و حکام و حقوق و وظایـف کلیهٔ طبقات ، تشکیل شرکتها و انجمنهای تجاری و همچنین رفتار بیگانگان تدوین شود . سخنگوی جلسه گفت که اگر قانون در مملکت حکومت می‌کرد « انـواع شرکتهای تجارتی تشکیل و سد اهواز بسته و خط‌آهن‌کشیده می‌شد .»

عنوان کردن « تنظیم قوانین» یکی از هدفهای فراماسنهای ایرانی بود . زیرا قبلاً هم فراماسنها کلمهٔ «قانون» را همیشه بر زبان می‌آوردند و بخصوص در دوران فعالیت ملکم و پدرش احتیاج مردم بداشتن قوانین جدید عنوان شده بود. بهمین‌لحاظ انجمنهای مخفی قبل و بعد از صدور فرمان مشروطیت همواره فکر تدوین قوانین را مطرح و این امر را بین مردم شیوع می‌دادند .

از صورت جلسات « انجمن مخفی » که ناظم‌الاسلام آنها را مفصلاً ذکر کرده ، معلوم می‌شود که ترس از استبداد ، برانداختن نفوذ دولتهای خارجی بخصوص روس و انگلیس و اعتقاد بـه اصلاح فرهنگ و ایجاد مدارس از مهمتریـن مسائل مورد بحث بوده است . ناظم‌الاسلام در پایان صورت مجلس دوم می‌نویسد: «... این مجلس گرچه نسبت به‌مجلس اول بهتر و خوبتر بـود ولی بواسطه عدم وثـوق و اطمینان کامل هنوز وقت اظهار مقصود نرسیده‌است و بـاید در دوسه جلسه دیگر باز کتابخوانی کرد تـا غیرت و حرارت وطن در همگی بروز وظهور نماید والا هنوز حبس و قتل امر یقین است و راپورت دادن به‌عین‌الدوله را نسبت به‌بعضی از اجزاء احتمـال می‌دهیم » وی سپس می‌نویسد : « ... راپورت این مجلس را کماهی خدمت حضرت حجـة‌الاسلام‌داده فرمود امیدوارم که **اقدامات خیرخواهانه واهتمامات مجدانه غیرتمندانهٔامثال شما اثری بخشد و دست غیبی نیز مددی فرماید »**

معلوم نیست اشارهٔ مرحوم طباطبائی دربارهٔ «دست‌غیبی» همان‌مرکزغیبی‌است‌که کسروی بدان اشاره کرده یا نه ؟

بهرحال جلسهٔ سوم انجمن روز ۲۹ ذیحجه (۶مارس۱۹۰۵) در مسجدسپهسالار در حجرهٔ شیخ محمد شیرازی مشهور به فیلسوف تشکیل شد در این جلسه همانطوری که ناظم‌الاسلام اشاره‌کرده است، خواندن متروك شد وخود او بنام اینکه«شیخ‌فیلسوف» سیاحتنامهٔ ابراهیم بگ را از حفظ می‌داند مطالبی در بارهٔ مظالم درباریان‌وخانوادهٔ قاجار بیان کرد و از ارتش بی‌جیره و مواجب و بی‌توپ وتفنگ صحبت نمـود . در همین جلسه دربارهٔ صدها میرپنج ، سرتیپ، امیرتومان و سپهسالار گفتگو شده‌وحضار از سخنگوی جلسه تقاضا کردند که علیه این افراد قیام شود . صحبتهای محرمانـه‌ای نیزشده که‌درصورت‌جلسه قید نگردیده است .

جلسهٔ ششم- این انجمن روز ۱۲محرم ۱۳۲۳ (۲۰ مارس۱۹۰۵) درخانهٔ‌شخص ناظم‌الاسلام تشکیل گردید. دراین جلسه موضوع وابستگی و الحاق آقا سید عبداله بهبهانی به جمعیت ، و همکاری صمیمانهٔ او مورد مذاکره قرار گرفت و قرارشدآقاسید محمدتقی‌که یکی‌ازمحارم‌آقابود مأموراین‌اقدام شود. درجلسهٔ مزبور مقرر شدهرگاه تعداد اعضای انجمن‌به سی‌نفررسید، هریك ازاعضاء مأمورشوند تا به نوبهٔ خودانجمنی تشکیل دهند . و هر یك از انجمنهای فرعی نیز که اعضاء آن به سی نفر رسیدمأمور تشکیل انجمن فرعی دیگری شود . همچنانکه رسم فراماسنهاست قـرار شد هیچیك ازاعضاء انجمن‌ها ، اعضاء انجمنهای دیگررا نشناسد وفقط مرشدوهادی خودرا محرك وتشکیل دهندهٔ انجمن بداند .

جلسهٔ هفتم ـ انجمن‌روز۱۵ محرم ۱۳۲۳(۲۳مارس۱۹۰۵) درخانهٔ‌ناظم‌الشریعه کرمانی تشکیل‌گردید.

در این جلسه برای اولین بار اعضاء « صرف ناهار » کردند و بـه نظر می‌رسد که بتدریج « پول » بطرف انجمن سرازیر شده است ، زیرا در همین جلسه وقتی صحبت از مخارج طلاب وغیره می‌شود ، سید محمدتقی فیلسوف در جواب می‌گوید :

«... عیب‌کار اینست که جناب‌آقا (منظور مرحوم طباطبائی بوده) پول ندارد که خرج طلاب کند و تا به طلاب ، پول ندهند جمع نخواهند شد ، حتی آنکـه چند شب قبل پول برای چای وقلیان مجلس طلاب نداشتند .

آقاسیداحمدگفت : **غصه پول را نخورید عجباً قریباً جناب آقا صاحب پول‌خواهد شد . آنکه باید برساند خواهد رسانید ...چند نفرازهواخواهان اسلامیت حاضر شده‌اندکه پول بدهند تا ده‌هزار تومـان هم مستقبل‌شده و آوردند لیکن جناب آقا قبول نکـردند** و می‌فرمایندمن‌جزرفاهیت‌وآسودگی مردم مقصودی ندارم گرفتن پول منافی است با این غرض مشروع ومقدس ...»

جلسهٔ‌هشتم ـ انجمن روز۲۱محرم۱۳۲۳ (۲۹مارس ۱۹۰۵)درخانهٔ‌ذوالریاستین تشکیل‌شد . دراین‌جلسه پس‌ازقرائت‌راپورتهای مخفی‌وقتی صحبت سیاسی‌آغازگردید، مهماندار اعضاء انجمن‌گفت‌که حضرت‌امام‌حسین(ع) نخستین نمونه فداکاری‌انجمنهای مخفی بوده است ، وی اظهار داشت : «... اول‌کسی‌که‌انجمن را تأسیس نمود در اسلام و مردم را امر بدعوت واحقاق حق‌فرمود مقنن قوانین عدالت و مؤسس‌آزادی وحریت دویمین فرزند پیغمبر و سومین امام ما حسین بن علی (ع) بود . آن حضرت اول‌کسی بود که برای پیشرفت مقصود در انجام تکالیف الهی انجمن مخفی را تأسیس نمود،اول کسی بود که داعی به‌اطراف فرستاد ، و اول‌کسی بود که قبول ظلمت و ظلم ننمود.اگر آن حضرت تأسیس‌انجمن مخفی نفرموده بود اسلام بالمره ازبین رفته بود ...»ناطق‌در این جلسه بیش از همه حرارت‌بخرج می‌داد ، مسئله انقلاب را برای اولین بارمطرح کرده‌گفت: «... تا انقلاب‌نبینیداصلاح‌نتوانید کرد ، طالب باشیدانقلاب راکه‌بیداری در انقلاب است ، جوینده باشید انقلاب راکه به اصلاح خواهید رسید ، سعی‌کنید در انقلابات تا عدالت طلبان بیدار شوند ...»

درهمین‌جلسه مواداساسنامهٔ انجمن مخفی در۱۵ماده بوسیلهٔ ذوالریاستین‌قرائت شدکه خلاصهٔ آن اینست :

۱ ـ انعقاد این انجمن‌برای بیداری برادران وطنی رفع‌ظلم ، حفظ‌حقوق‌واصلاح مفاسد مملکت است .

۲ ـ در این انجمن مسلمان ، زرتشتی ـ یهـود ـ مسیحی به شرط ایرانی بودن پذیرفته می‌شوند .

۳ ـ واردین و اعضاء انجمن باید به‌کتاب آسمانی خود قسم بخورندکه جز نوع پرستی وخدمت بوطن هدف دیگر نداشته باشند .

۴ ـ در انجمن مزبور ریاست باصاحب‌الزمان است و همه در حکم شخص واحد هستند .

۵ ـ درهرجلسه انجمن باید روضه بخوانند ومجلس بنام روضه‌خوانی ختم‌شود.

۶ ـ اعضاء انجمن مکلف بحفظ و حراست یکدیگر هستند ولی حق تکلیف‌شاق بردیگران ندارند.

۷ ـ دروغ ، مجادله ، استعمال الفاظ رکیك ، شوخی ، افترا و بدخلقی ممنوع.

۸ ـ مذاکرات انجمن باید راجع به‌بیداری مردم ، خیروصلاح مردم ، رفع‌ظلم وظالمین وچاره جوئی برای استخلاص مظلومین باشد .

۹ ـتوقیرعلماء چهارمذهب فوق‌الذکر بکلی ممنوع خواهد بود .

جالب‌اینجاست‌که ناظم‌الاسلام‌شش ماده دیگرکه ازاسرار غیرقابل افشاء بوده ، طبق دستوری‌که‌داشته افشاء ننموده ودر بارهٔ آنها چنین می نویسد :

«ازمادهٔ دهم تاپانزدهم‌چون با رموز واسرار انجمن بستگی داشته و نویسنده‌قسم خورده است که مادام‌العمر آنها را ابراز نکند نوشته نشده است .»

نکته‌ای که جالب‌توجه است ، قبول صاحبان مذاهب زرتشتی ، یهودی‌ومسیحی درانجمن مزبور است . درآن زمان در ایران فقط فراماسنها بودند که با زرتشتیان ، کلیمیان ومسیحیان در یك لژ ومانند یك‌برادر می‌نشستند . وهمهٔ ادیان صاحب‌کتاب را محترم‌می‌شمردند. علاوه براین‌فراماسنهای‌جهان ازروزتشکیل تاکنون فقط‌صاحبان ادیانی را که خداپرست هستند وکتب آسمانی دارند بعضویت قبـول می‌کنند وآنها را به پیغمبر خود وکتب مقدسه قسم می‌دهند .

انجمن مخفی مرحوم طباطبائی نیزبه‌پیروی ازهمین قانون وشیوهٔ قدیمی‌ماسنها،

واردین را ملزم به شهادت و قسم بکتب آسمانی کرده و در مادهٔ سوم اساسنامه چنین نوشته بود :

«... هرکس وارد این انجمن می‌شود اول باید شهادت بذات باریتعالی و رسالهٔ پیغمبر خود بدهد و به کتب آسمانی بهر کدام که معتقد است قسم یاد کند که تا دم مرگ ازاین انجمن غرضی جز نوع پرستی نداشته باشد وهمّ خودرا مصروف بخدمت نوع ووطن نماید»

باری ، جلسهٔ نهم ـ انجمن در روز ۱۲ صفر ۱۳۲۳ (۱۹ آپریل ۱۹۰۵) در خانهٔ ناظم‌الاسلام تشکیل شد . در این جلسه موضوع «مشروطیت» وتطبیق آن باقوانین اسلام مورد بحث قرار گرفت وجمعیت آماده شد که هریك بنوبهٔ خود و طبق دستوری که داده‌خواهد شد ،مردم رابیدار کرده ، برای مقابله باظلم واستبداد دربار قاجاریه آماده نماید . دراین‌جلسه بار دیگرمسئلهٔ جهل‌و بیسوادی عمومی‌ومخالفت درباریان باافتتاح مدارس مورد بحث قرارگرفت‌وچنین نتیجه‌گرفته شد «مادام‌که‌اساس مقدس مشروطیت فراهم نیاید نورعلم پرتو افکن ساحت ایران نخواهد شد»[1]

موضوع جالب دیگری که وحشت واضطراب اعضاء انجمن را آشکار می‌کند ، موعظهٔ ذوالریاستین در روز ۷ صفر (۱۴ آپریل ۱۹۰۵) است . درآن روزذوالریاستین درحضور مقامات دولتی و درباریان بشدت از دستگاه استبدادی وقت انتقاد کرده‌بود . اعضاءانجمن پس از مشورت او رامجبورکردند تا مدتی سکوت اختیارکند وحتی‌برای روضه خوانی نیز نرود .

متعاقب این موعظهٔ شدید عده‌ای از تجار بزاویهٔ مقدسه حضرت عبدالعظیم‌رفته وروز ۱۹ صفر (۲۶ آپریل ۱۹۰۵) بدانجا پناهنده شدند . علت تحصن و بست تجار نارضایتی طبقات‌مردم از دستگاه گمرك ومسیو نوز رئیس بلژیکی آن وتعدیات‌گمرك چیان به تجار بود .

محمد علی میرزا ولیعهدکه بمناسبت مسافرت مظفرالدینشاه به اروپا موقتاً به

---

۱ ـ کتاب بیداری ایرانیان ص۲۱۳

تهران آمده بود به مردم قول داد که مسیو نوز را از کار بر کنار خواهد نمود. ومردم نیز باطمینان حرف وی دست از تحصن برداشتند و این جریان برای انجمن مخفی که انتظار زیادی از تحصن تجار و نارضایتی مردم داشت، شکست بزرگی محسوب گردید ، و اعضای انجمن برای جبران این شکست در ربیع الاول ۱۳۲۳ (مه ۱۹۰۵) هنگام صدارت عین الدوله طی اعلامیه‌ای خطاب باو پس از شرح عدم امنیت و بی نظمی مملکت وفساد طبقهٔ حاکمه تقاضا نمودند که مبانی زیر در کشور ایجاد شود .

۱ ـ ایجاد عدالتخانه و قوانین عدلیه.

۲ ـ قانون ثبت اسناد واملاك ومساحی ، اراضی .

۳ ـ تعدیل مالیات برپایهٔ صحیح .

۴ ـ نظم قشون .

۵ ـ اصول انتخاب حکومت و تعیین حق حاکم ومحکوم .

۶ ـ اصلاح و ترویج تجارت داخله .

۷ ـ تصفیه عمل گمرك.

۸ ـ تصحیح عمل ارزاق واجناس .

۹ ـ تأسیس مدارس علمی ـ تشکیل کارخانجات و معادن .

۱۰ ـ وظائف وزارت خارجه .

۱۱ ـ اصلاح مقرری وحقوق ومستمریهای دولتی .

۱۲ ـ محدود نمودن حدود وزراء ـ وزارتخانه‌ها وملایان به‌قانون شرع.

درخاتمه اعلامیه ، مزبور نوشته شده بود : « ...اگر همین فصول دوازده گانه مرتب وبموقع اجراء آید دولت ایران در عرض بیست سال از ژاپون می‌گذرد...»[۱]

ولی ورق حوادث طوردیگری برگشت . هنگامی‌که متحصنین در زاویهٔ مقدسه بودند، عین الدوله تصمیم گرفت آنهارا باقوهٔ قهریه از تحصن خارج کند. اوابتداامیرخان سردار ، برادرزادهٔ خود راحاکم شهر ری کرد . ولی چون او در باطن با مشروطه طلبان

۱ ـ تاریخ بیداری ایرانیان ص ۲۲۸

بود و اقدام شدیدی نمی‌نمود ، ناچار امیر بهادر با ۲۵۰ سر بازمأموراخراج‌متحصنین شد . اتفاقاً روز ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۳ (۱۰ ژانویه ۱۹۰۶) شاه درخانهٔ امیر بهادرمهمان بود . مشروطه‌طلبان عده‌ای زن را مأمور کردند که سر راه مظفرالدینشاه شیون کنندو انجمن‌مخفی بوسیلهٔ یك‌زن ناشناس‌نامه‌ای‌به شخص شاه رسانیدکه‌مضمون‌آن‌چنین‌بود:

«... ای‌کسیکه تاج سلطنت را برسر تو گذارده و عصای سلطنت را بدست تو داده بترس از وقتیکه تاج را از سرتو و عصا را از دستت بگیریم ... [۱] » همانروز پیشخدمت خاصه که از طرف «مرکز غیبی» مأموریت‌داشت به شاه اطلاع داد که مردم بازارها را بسته‌اند و خیال شورش و بلوا را دارند و مظفرالدینشاه از شنیدن این خبر ناراحت شده کالسکهٔ شخصی خود را بزاویهٔ مقدسه فرستاد و متحصنین را به شهر باز گردانید .

پس‌ازخاتمهٔ تحصن تامهاجرت علماء وتجار به‌قم‌بعللی‌که معلوم نیست فعالیتهای «انجمن مخفی » بتدریج کم شد و در واقع منحل گردید . خانم دکتر لمبتن دررسالهٔ خود می‌نویسد :

«...پس از صدور اعلامیه مزبور ، جلسات انجمن مخفی بازهم ادامه پیدانمود و تصمیم گرفته شد نماینده‌ای در هریك از شهرها و ایالات مملکت انتخاب و منصوب شود تا بتوانند نظریات و منویات اصلاح‌طلبانه انجمن را در بین مردم توسعه‌دهند.

شکی نیست که فعالیتهای انجمن در بروز انقلاب مشروطیت و آگاهی مردم از علل مفاسد و بدبختی و فساد و جهل و نکبت سهم بسزائی داشته است ...[۲] »

انجمن مخفی ثانوی یا انجمن دوم

گروه مخفی دیگری که در اوایل سال۱۳۲۳ه (۱۹۰۶م) مستقیماً زیر نظر فراماسنها و لژ بیداری ایران بوجود آمد. درتاریخ بیداری ایرانیان بنام «انجمن‌مخفی‌ثانوی»

۱ـ تاریخ بیداری ایرانیان ص ۳۰۰ .

۲ـ کتاب جریانات خاورمیانه مقالهٔ انجمنهای سری.

نامیده شده است[۱] .

مؤسس این گروه مخفی آقای سیدمحمد صادق[۲] دومین فرزند شادروان سیدمحمد طباطبائی ، یکی از ارکان مشروطیت ایران است .

بطوریکه گذشت ،مرحوم طباطبائی و فرزند وی سید محمد صادق طباطبائی هر دو عضو لژ بیداری ایران بودند .

وفراماسنهای آن زمان بوجود این دو عنصر برجسته افتخار میکردند و حقاً بایستی آنها را از ارکان «انقلاب مشروطیت» و فعالیتهای علنی ومخفی دانست .

ناظم‌الاسلام کرمانی که ازمریـدان‌مرحوم سیدمحمد طباطبائی‌بود دربارهٔ عضویت آن‌مرحوم درمجمع فراماسنها می‌نویسد: «... مرحوم‌آقا سید صادق‌وخلف عالیمقامش

۱ـ در یادداشت‌های ادیب‌الممالك اشاره به این انجمن و دخالت فراماسنها ورهبری آنها شده است . این یادداشت‌ها از جمله مجموعه اسناد خطی خان ملك ساسانی است کـه آنرا در اختیار نگارنده نگذاشتند .

۲ـسیدمحمدصادق‌طباطبائی در۱۲۵۸ش (۱۸۷۹م)درتهران متولد شده در۱۲۶۱ش (۱۸۸۲ م) با بستگانش به‌عتبات عالیات مشرف گردید ده‌سال درسامره بود ودر۱۲۷۲ش (۱۸۹۳م) به تهران مراجعت‌کردند. علوم‌قدیم وجدید، ادبیات فارسی . حساب و هندسه، جغرافیارا فراگرفت .زبان‌فرانسه، ترکی‌سریانی‌وعبری را محرمانه‌آموخت در ۱۲۷۸ش (۱۸۹۹م) پدرش را تشویق کرد که مدرسه‌ای بنام «مدرسه اسلام» تأسیس کند وهشت سال در رأس این مدرسه بود . در ۱۲۷۹ ش ۱۹۰۰م کارخانه قالیبافی و عبابافی و دو سال بعد هم شرکت منسوجات وطنی را در تهران تأسیس کرد .

در بین ۱۲۷۹ش تا۱۲۸۷ ش ـ (۱۹۰۰ تا ۱۹۰۷م)درجه اجتهاد گرفت. درهمین سال به‌اتفاق پدرش بزاویه مقدس عبدالعظیم و سال بعد به‌قم مهاجرت کرد . در۱۲۸۵ ـ و (۱۹۰۷ م) روزنامهٔ مجلس‌را تأسیس نمود . سال بعد محمد علیشاه او را دستگیر و زندان کرد و با سایر مشروطه طلبان به زندان باغشاه برد و سپس به‌خارج از کشور تبعید شد . پس از عزل محمد علیشاه به ایران آمد و وکیل مجلس شورایملی شد .او حزب «اعتدالیون اجتماعیون » را تشکیل داد. در دورهٔ پنجم از وکالت مجلس مستعفی به‌سفارت ترکیه رفت و پس از سه سال مراجعت کرده در دوره ۱۴ تا ۱۶ وکیل و رئیس مجلس در ۱۳۲۷ رئیس مجلس مؤسسان شد در ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۹ شمسی سناتور انتصابی مجلس سنابود .

آقا میرزا سید محمد را نسبتی بود به‌فراماسون چنانچه از حالات و اقدامات حضرت آقای آقا میرزا سید محمد طباطبائی می‌توان استنباط نمود که این رئیس بزرگ اسلام را چه مسلکی و چه مقصودی در نظر است ...» [1]

هم او درجای دیگر ، در شرح حال مرحوم سید محمد صادق طباطبائی می‌ـ نویسد : «... با اعضاء منتسبین بفراماسون مراودت و معاشرت داشته که چون سر ست بطریق حدس و ظن و مقاد (یعرف‌المرء باقرانه) می‌توان‌گفت‌که درآن مجمع‌انسانیت داخل شده و در مسافرت به‌خارجه هم دلیلی‌است براین احتمال تغییر اخلاق و تبدیل افکار یعنی تکمیل هردو مؤید این حسن ظن خواهد بود در زهد و ورع وتقوی‌وقدس و حسن سلوك و خوبی رفتار به حدیست که مسلم عندالکل و قولی است که جملگی برآنند... [2] »

نگارنده در ملاقاتی [3] که با شادروان سید محمد صادق طباطبائی در حضور فرهادپور مدیر روزنامهٔ آسیای دمکرات نمود ، ایشان در باره عضویت خود در لـژ فراماسونی ایران گفتند :

«درجریان حوادث مشروطیت مرحوم طباطبائی والدم ومن‌واردمجمع‌فراماسونی تهران که بنام «لژ بیداری ایران» بود شدیم . عضویت ما در مجمع مزبور تا چندسال پس از استقرار مشروطیت در ایران ادامه داشت . در این مدت برای حصول آزادی، تأسیس‌عدالتخانه، تشکیل مجلس شورای‌ملی و بالاخره استقرار مشروطیت‌آنچه لازمهٔ فداکاری بود بعمل‌آوردیم . پس از تشکیل مجلس شورای ملی و خلع محمد علیشاه‌از سلطنت ، چون به تدریج احساس شدکه وجود ما درلژلازم نیست ازشرکت در جلسات خودداری کردیم . »

مرحوم سید محمد صادق طباطبائی سپس دربارهٔ مسافرت خود به‌ایتالیا وشرکت در مجامع فراماسونی رم مطالبی بیان‌کرد و گفت : « وقتی به‌سفرایتالیا رفتم ، انتظام‌

۱ــ تاریخ بیداری ایرانیان ص ۱۲۰

۲ــ ایضاً صفحهٔ ۲۱۱ همین کتاب .

۳ــ روز ۲۱ مهر سال۱۳۲۹در خانهٔ شخصی آقای طباطبائی واقع‌در سنگلج .

السلطنه (داماد معاون‌الدوله) که در آنوقت مستشار سفارت ایران در رم و خودش‌هم ماسن بود ، به‌لژ فراماسنی گراند اوریان رم اطلاع داد که من فرزند لیدر انقلاب مشروطیت ایران و از فراماسنهای تهران هستم که به‌پایتخت ایتالیا مسافرت کرده‌ام . رئیس لژ ماسنی رم به‌افتخارم ضیافتی داد که در آن ۲۰۰ نفر شرکت داشتند و اکثراً ماسن بودند .

در مجلس ضیافت پس از انجام نطقها ، از من پرسیدند که آیا راست است که آخوندزاده و ملا هستم ؟ وقتی جواب مثبت دادم همه تعجب کردند و گفتند چطور ملاها و روساء مذهبی ایران طرفدار حریت و آزادی هستند ، در صورتیکه کشیشهای ما مخالف آزادی و ضد ماسن هم هستند ؟ به‌آنها گفتم در بارهٔ کشیشهای شما و اینکه آنها مخالف آزادی هستند من اطلاعی ندارم ولی در بارهٔ مذهب اسلام لازم است که توضیحی بشما بدهم :

اساساً اسلام مذهب حریت و آزادی است و وظیفهٔ هر فرد مسلمان رفع ظلم و دفع ظالم است ، ودر این باره اسلام تأکیدات زیادی دارد . بعلاوه در انقلاب برای آزادی و مشروطیت ایران،ملاها همه همصدا بودند و فقط آخر کار یکنفرمخالف شد که آنهم در اثر اختلاف شخصی بود. آنها وقتی فهمیدند که مراجع تقلید و مجتهدین ایران در کارهای سیاسی هم دخالت می‌کنند بیشتر متعجب شده می پرسیدند چطور مذهب شما اجازه شرکت در امورسیاسی واجتماعی به‌شما داده است ؟

من در جواب‌آنها می‌گفتم : اساس فلسفه مذهب اسلام روی خدمت به مردم ، حفظ اصول اجتماعی و شرکت در فعالیتهائی که مبتنی بر حفظ صلح ،آزادی‌واستقلال ممالك مسلمان است می‌باشد و برعکس گوشه‌گیری و انزوا ، تنبلی و سربار اجتماع بودن را گناه میداند .»

سید محمد صادق طباطبائی که در دوران انقلاب مشروطیت یکی از معممین با فضل وترقیخواه بود وشاید نخستین‌معمم ایرانی‌باشد، کمزبان خارجی می‌دانست ومی‌توانست به‌زبان‌فرانسه نامه‌بنویسد.اومؤسس‌مدرسه‌وروزنامه‌و ناشرافکارآزادیخواهان‌بود.

پس ازصدور فرمان مشروطیت ،چون انجمن مخفی اولی منحل شده بود ، سید محمد صادق در صدد تشکیل انجمن دیگری بر آمد تا کارهای مشروطیت و مجلس شورایملی را کنترل و نظارت کند . این انجمن در نیمهٔ دوم سال ۱۳۲۴ هـ (۱۹۰۶م) تشکیل شد و اعضاء آن عبارت بودند از پانزده نفر مفصلةالاسامی زیر :

میرزا کاظم‌خان مستعان‌السلطان ـ شوکت‌الوزراء ـ آقاسید نصرالله اخوی ـ ناظم الاسلام ـ آقا شیخ محمد مازندرانی ولد آخوند ملا عبداله ـ حاج جلال ممالك ـ لواءالدوله ـ میرزا محمود اصفهانی ـ میرزا حسن‌خان پدر زن شماع‌السلطنه ـ آقاسید قریش ـ آقا میرزا مهدی پسر بزرگ حاج‌شیخ‌فضل‌اله ـ اسداله خان سرتیپ قزاقخانه ـ سیف‌اله‌خان سرهنگ قزاقخانه ـ بهاء دفتر .

در بین اینعده چند فراماسن فعال که اسامی آنها در لیست اعضاء لژ بیداری ایران نیز ثبت شده است دیده می‌شود . این عده هفته‌ای دوشب دور هم جمع می شدند وهرجلسه آنها درخانه یکی ازاعضاء تشکیل‌می‌شد. انجمن‌مزبور نظام‌نامه‌ومرامنامه‌ای برای کارهای اعضاء نوشت . این انجمن تصمیماتی برای مبارزه با شیخ فضل‌الله نوری گرفت ولی چون این اقدام ممکن بود در بین علماء ایجاد اختلاف و شکاف بنماید از اجراء آن خودداری شد .

یکی از اقدامات مهم‌این‌انجمن رخنه در بریگاد قزاق وجلب‌نظرقزاقهاوکوشش عضویت‌آنهادرانجمن‌های مخفی‌وشرکت‌درحوادث‌انقلابی‌بود. اسداله‌خان‌سرتیپ‌اولین افسر قزاقخانه بود که علناً و بدون وحشت ، تقاضای برقراری «عدل ومساوات‌وقانون» را در قزاق‌خانه نمود .

او در یکی از روزها در حضور عده زیادی از افسران و افراد قزاق اظهارات شدیدی علیه افسران مافوق کرده و گفت :

«... چرا نظام وقزاقخانه عدالت نخواهند ، چرا ساکت باشیم و ببینیم‌که‌رئیس ما حقوق مارا بخورد وتازیانه‌استبدادرا بسر ما بزند، پس بیائید اتفاق‌کنید اتحادکنید شماهم‌مجلس داشته باشیدکه‌رئیس‌شما نتواند بشماتحکمی‌کند وشمارا بدون جهت با

ملت طرف کنند ... حالا وقت آنست که ماهم مجلس معدلت بخواهیم و خودمانرا شریك ملت و هواخواه وطن دانیم پادشاه خود را مقتدر کنیم و خود را دشمن استبداد نمائیم «ماهم چه ضرردارد مجلس معدلت داشته باشیم تا رئیس مانتوانند بهما ظلمی کنند ...[1]

اظهارات اسدالله خان سرتیپ دربین افسران قزاقخانه اثر فوق العاده کرده ، و افسران را بتدریج دورهم مجتمع ساخت و به عقیده نویسندهٔ بیداری ایرانیان «...عموم قزاق بیدار شدند .[2]»

خبر اجتماع افسران و افرادقزاق رؤسای قزاقخانه را متوحش کرد . یکروزکه همه افسران احضار شده بودند ، رئیس قزاقخانه اسدالله خان را احضار کرد و دستور توقیف او را داد . سرتیپ اسداله خان به حکم توقیفش اعتراض کرده و گفت بایدعلت توقیف و زندان مرا بگوئید ودرغیراینصورت بزندان نمی‌روم .

رئیس قزاقخانه ویك افسرروسی به روی اسداله خان شمشیر کشیدند، اسداله خان خواست باشمشیر با آنها مقابله کند ،افسران ایرانی مانع شدند و به او گفتند تو باید سکوت کنی تا تقصیرت ثابت شود .

دومین روزی که اسداله خان در زندان بود ، لژ بیداری ایران از ماجرای قزاقخانه مطلع شد و شروع به اقدام برای آزادی او کرده وآقا سید محمد طباطبائی هم که بعد از صدور فرمان مشروطیت نفوذ فوق العاده‌ای پیدا کرده بود نامه‌ای به نایب ـ السلطنه که وزیر جنگ بود نوشت وعلت توقیف اسداله خان و سایرافسران آزادیخواه را خواست . و رسماً گفت که بایستی جلو تعدیات افسران مافوق و بیعدالتی آنها گرفته شود . همینکه این نامه به نایب السلطنه رسید . فوراً رئیس قزاقخانه را احضارکرده و دستور استخلاص سرتیپ اسداله خان و تنظیم قانون محاکمه و مجازات افسران را داد.

همان روز رئیس قزاقخانه . اسداله خان را از زندان خارج ساخت و در حضور کلیه رؤسای قزاقخانه عذرخواهی کرد . سپس رؤساء را احضار نمود و آنها نظامنامه مخصوصی نوشتند که قرار شد منبعد برای مجازات افسران « مجلس مشورت نظامی »

۱ـ تاریخ بیداری ایران چاپ دوم ص ۴۹۸ .

۲ـ ایضاً ص ۴۹۹ .

تأسیس کنند .

پس‌از اینکه نظامنامه مخصوص محاکمات نوشته شد ، بین افسران مشاجره و اختلاف افتاد و در نتیجه این مشاجره «کتابچه قانون» پاره‌گردید ولی یك مرکز غیبی بوسیلهٔ اسداله‌خان و برادرش اختلافات را مرتفع و با نوشتن نظامنامه و قانونی بین افسران اتحاد و اتفاقی بوجود آورد و با موافقت همه افسران قزاقخانه موافقت شد که «مجلس نظامی خاصی» در بریگاد قزاق تشکیل شود . [1]

انجمن مخفی دوم در نیمهٔ سال۱۳۲۴ه (۱۹۰۷م) منحل شد و از آن به‌بعدفعالیتی نکرد .

بعد از تعطیل انجمن مخفی دوم و سایر انجمنهائی که فراماسنها در تشکیل آن نقش اساسی داشتند ، تا مدتی انجمن مستقلی بوسیلهٔ ماسنها بوجود نیامد و یا نویسنده ازآن اطلاعی ندارد . اما چند انجمن کوچك دیگر که در آنها فراماسنها عضویت داشتند ، فعالیتهای پنهانی و علنی بنفع لژ نشینان می‌کردندکه بطور اختصار از آنها ذکری می‌شود :

۱ـانجمن غیرت انجمن غیرت به تحقیق یکی از انجمنهای فرعی فراماسونری ایرانی است . زیرا مدیریت آنرا مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقا وکیل تبریز داشت . این شخص که از اعضاء لژ بیداری ایران بود ، انجمن‌غیرت‌را با مرحوم منشی‌زاده‌که نایب دوم انجمن بود و سرتیپ اسد-اله خان ابولفتح‌زاده نایب اول و محمد نظرخان مشکوةالممالك(صندوقدارلژبیداری ایران) تشکیل داد .

۱ـ عهدنامهٔ بریگاد قزاق روز ۳ رجب ۱۳۲۴ (۲شهریور ۱۲۸۵ ش ـ ۲۵ اوت ۱۹۰۶م) امضاء و منتشر شد که عیناً درکتاب بیداری ایرانیان درج شده و ... تاریخ ۳ رجب ۱۳۲۴ اتفاق و اتحاد نمودیم کمافی‌السابق براستی و درستی بدولت و ملت خدمت و جانفشانی نمائیم چنانکه از ابتدای انعقاد بریگاد هم‌تاکنون خدمات جانفشانه این چاکران براولیاء دولت و ملت مکشوفه و مبرهن است... این اتحادنامه یك سرمشقی است‌که‌برسبیل وصیت‌نامه برای اولاد و اعقاب خود می‌گذاریم بهمین قسم که پدرشان اتحاد داشته‌اند آنها هم این رشته اتحاد را محکم و استوار نمایند ...»

۲ـ انجمن سواد اعظم

انجمن سواداعظم یکی از انجمنهائی بوده‌که بنا به‌ادعای حسین ثقفی اعزاز[1] بوسیلهٔ دکتر اعلم‌الدوله ثقفی درتهران تشکیل‌شد. در سال ۱۳۲۵ هـ (۱۹۰۸م) محمدعلیشاه اموال ودارائی دکتر اعلم‌الدوله را ضبط نمودوخودش‌را نیز تحت فشار قرار داد و اعلم‌الدوله چون اوضاع را نامساعد دید ، انجمن (سواد اعظم) را به‌شیخ محمد علی‌تهرانی‌رهبر «انجمن علمی» واگذارنموده و یکماه در منزل شخصی خویش پنهان شد و سپس به‌اروپا رفت .

۳ـ انجمن ایران جوان پاریس

در پاریس عده‌ای از ایرانیان که به‌عضویت ماسنی فرانسه درـ آمده بودند انجمن «ایران جوان» را تشکیل دادند .فریدون خان ملکم پسر ملکم‌خان ناظم‌الدوله که در زمان حیات پدر عضو انجمن فراماسونری شرق اعظم پاریس شده بود به‌اتفاق دکتر جلیل خان دبیرالدوله (ندیم‌السلطان) (دبیرانجمن) ،اوراق و قطعنامه‌هائی‌علیه محمد علیشاه نوشت و شخصاً ژلاتین کرده برای جراید اروپا و فرانسه و حتی مشروطه خواهان ایران فرستاد و این کار را مدتی ادامه داد . بطوریکه نوشته شده است که : «یك‌روز لنین‌که درآنوقت درپاریس بود، به این انجمن‌رفت وازاقدامات‌آزادیخواهان ایران اظهار خوشوقتی‌کرده نزدیك یك ساعت با رئیس انجمن مذاکره‌کرده بود، یکی از هدفهای انجمن جلوگیری از گرفتن قرضه محمد علیشاه به اعتبار جواهر سلطنتی ایران بودکه اعلان‌آن درهمان اوقات درجراید پاریس منتشر شده بود[2].»

انجمن با «ژان ژورس» لیدر مقتول حزب سوسیالیست فرانسه و اولین مدیر روزنامه «اومانیته» همکاری زیادی داشت وحتی اعضای انجمن (ایران جوان)مقالاتی نوشته به «ژان‌ژورس» می‌دادند واو تحت عنوان «بیداری‌آنها و انقلاب ایران» و

۱ـ مجله یادگار صفحهٔ ۲۶ شماره هفتم سال چهارم .

۲ـ مجله یادگار شماره ۷ ص ۲۸

۳ ـ مجلهٔ یادگار شماره ۷ ص ۲۸ .

«در ایران چه می‌گذرد» مقالاتی می‌نوشت ودرروزنامهٔ خود انتشار می‌داد.

انحلال انجمنها

پس از فوت مظفرالدین شاه، همینکه محمد علیشاه به سلطنت رسید، بلافاصله در صدد کسب قدرت و تشدید فشار حکومت و سلطنت دیکتاتوری برآمد. ولی یکی ازموانع‌مهم و غیر قابل شکستی کــه محمد علی شاه با آن مواجه شد وجود انجمن های تهران و ولایات بود.

محمد علی شاه درزمان ولیعهدی وتا واپسین‌مرگ‌پدرش هیچگاه تصورنمی‌کرد که روساء انجمنها و یا به اصطلاح خودش «یك مشت رجاله هرج ومرج» بتوانند‌در مقابل اراده و استبداد او مقاومت کنند.

ولی وقتی برای درهم شکستن قدرت مشروطه خواهان وانحلال انجمنها شروع به کار کرد، فهمید که اشتباه بزرگی کرده است و بهمین جهت ابتدا در صدد بــرآمد انجمنها را منحل سازد و به قول دکتر ملکزاده «به هر قیمتی کــه بود شاخ و برگ درخت مشروطیت را ببرد و بال و پر آزادیخواهان را بکند تا مشروطه بدون حامی و نگهبان شده ضعیف و ناتوان گردد و به خودی خود از میان برود این بود که‌ازبرای این منظور هرروز نیرنگی روی کار می‌آورد ودامی تازه می‌گسترد ...»

ولی از طرفی عدهٔ انجمنها‌که تعداد آنها را تا ۲۸۰ هم نوشته‌اند، اورا به‌تفکر وامیداشت. به خصوص که بعضی از اعضاء این انجمنها چــون اسیران ازبند رهائی یافته بی‌اختیار حرکاتی می‌کردند کــه با موازین عقل و احتیاط وفق نمی‌داد و اعضاء انجمن که اکثرشان ازمردمان ستمدیده ورنج‌کشیده بودندو سری پرشور و دلی‌سوخته داشتند و از اصول مشروطیت و وظائف افراد مردم درکشور مشروطه و حقوق‌و حدود قانون کاملا آگاه نبودند خودسرانه در کارهای وزارتخانه‌ها و هیئت حاکمه مداخلــه می‌کردند و بهانه‌هائی به دست محمد علیشاه می‌دادند کــه مناسب نبود. معهذا این اقدامات انجمنها تا حدی کار ادارات‌دولتی‌را فلج کرده بود. مثلا همینکه تلگرافی از یکی شهرستانها مبنی بر شکایت از حاکـم یا مأمور مالیه بیکی ازآنها می‌رسید،

روساء آن انجمن جلسه عمومی باشرکت‌چند انجمن دیگر تشکیل داده و دسته‌جمعی بطرف مجلس یا وزارتخانه مزبور حرکت می‌کردند .

گاهی اوقات اعضاء انجمنها مستقیماً بالای سر مأمور دولتی‌که از او شکایت‌شده بود رفته با تهدید به‌اسلحه و زور او را منفصل‌و یا مطیع خود می‌نمودند .

این رفتار انجمنها و شیوهٔ کار خودسرانه آنها ، بهانه به دست محمد علیشاه‌داده بود و هروقت یکی از سران مشروطه و یا وکلای مجلس را ملاقات می‌کرد ، بنای سختگیری‌از انجمنهارا می‌گذاردوآنهارا هرج‌ومرج طلب‌وآشوبگر می‌خواندو‌انحلال انجمنهارا برای نظم عمومی‌لازم می‌دانست ، و حتی چندبار مستقیماً از مجلس محدود کردن‌کارآنها را خواست .

چندین ماه قبل ازبه توپ‌بستن مجلس شورایملی، محمد علیشاه به وسیلهٔوزراء به مجلس پیغام داد که انجمنها موجب اغتشاش شده‌اند و مانع اجراء اوامر دولت‌اند. هرگاه مجلس آنها را حامی مشروطیت تصور می‌کند باید بداند که حافظ مشروطیت‌و حقوق ملت خود من هستم نه این جماعت و نه این یك مشت رجاله هرج ومرج طلب که بنام انجمن گرد هم جمع شده وموجب اختلال شده‌اند .

محمد علیشاه از انحلال انجمنهادو نتیجه می‌گرفت ، یکی از بین بردن قدرت مشروطیت و مشروطه خواهان و دیگری ایجاد نفاق بین‌مردمی‌که صادقانه در انجمنها فعالیت می‌کردند با مشروطه طلبان و مجلسیان .

ولی مجلسیان و رهبران مشروطیت که از نقشهٔ شیطانی وی آگاهی داشتند با مشورت (مرکز غیبی) و فراماسنهائی که در انجمنها رخنه کرده بودند ، به او جواب دادند که مطابق نص صریح قانون اساسی اجتماعات در مملکت مشروطه آزاد است و مجلس نمی‌تواند قانوناً اجتماعات ملت‌را منحل و از فعالیت آنها جلوگیری کند .[۱]

انجمن مرکزی

محمد علیشاه‌گرچه موفق به انحلال انجمن‌ها و یامحدود کردن اعمال و افعال کارگردانان آنها نشد ولی با اعزام‌عده‌ای از همدستان خود (که همگی لباس مشروطه خواهی بــه تن

---

۱ ــ تاریخ مشروطیت ایران ج ۳ ص ۸۲ .

داشتند)بداخل انجمنها موفق شد بنام‌تشکیل «انجمن مرکزی» تا اندازه‌ای ازفعالیت آنها بکاهد . در یکی از شب‌نامه‌ها که شاید به وسیلهٔ فراماسونها منتشر شده ، تقویت این انجمن‌ها به آزادیخواهان توصیه شده . به همین سبب شهرت دارد کـه تشکیل « انجمن مرکزی » یکی از نقشه‌های سازمان فراماسنی ایران برای ادارهٔ این نیروی عظیم در پایتخت بوده . زیرا در اواخر حکومت محمدعلیشاه ، فراماسنها در اتحادیه طلاب ، انجمن آذربایجان ، انجمن مظفری ، انجمن برادران دروازه قزوین‌که چندین هزار عضو داشت نفوذ کامل داشتند در سایـر انجمنها گرچه چند نفری طرفدار ماسنها بود ولی اکثریت از بی‌طرفها و (اسیران از بند رسته) تشکیل می‌شد . اما بـه تدریج کار انجمنهای ملی حتی عرصه‌رابرکارگردانان پشت پرده مشروطیت نیز تنگ کرد ، بطوریکه دکترملکزاده ناچار به اعتراف شده می‌نویسد : « ... هـر گاه‌امر مهمی در یکی از ولایات پیش می‌آمد ویاخودسری ازطرف مستبدین ودولتیان دیده‌میشدهمگی راه بهارستان را پیش گرفته و درآنجا جمع می‌شدندو نطقهای آتشین و بیانات‌انقلابی و فریادهای تهدید آمیز اجرای قانون و محدود کردن خودسری زمامداران را تقاضا می‌کردند .

یکی از معایب انجمنها این بودکه چون به وظایف خود درکشور مشروطه‌آگاه نبودند در کارهای قوهٔ مجریه مداخله می‌کردند و نمایندگانی به وزارتخانه‌هاوادارات دولتی فرستاده توضیحات می‌خواستند و تاحدی کارها را مشکل کرده بودند ... [1]»

بهمین‌جهت ومنظور بودکه به قول‌ملکزاده « ... پس ازچندی قائدین ملت‌تصمیم گرفتند که انجمنی از نمایندگان کلیه‌انجمنهای تهران بنام (انجمن مرکزی) تشکیل نمایند و انجمنها نظریات اصلاح طلبانهٔ خود را به انجمن مرکزی پیشنهاد کنند...[2]»

مستبدین‌وطرفداران محمدعلی شاه‌که خود تعدادی انجمن‌ساخته بودندبلافاصله وارد معرکه شدند و خود را داخل انجمن مرکزی‌کردند « ... عدهٔ زیادی ازمستبدین

---

۱ ــ تاریخ مشروطیت ایران جلد دوم ــ ص ۲۰۷

۲ ــ ایضاً‌ص۲۰۸

و درباریان که لباس مشروطیت در برکردند وارد این انجمنها شدند وخیانتها کردند...»[1]

ارشدالدوله که مردی فعال وجسور بود و در باطن با درباریان و مستبدین همکاری می‌کرد ، به حدی خود را طرفدار مشروطیت نشان می‌داد و اظهار علاقمندی به آزادی وعدالت می‌کرد که به عضویت انجمن مرکزی و سپس بریاست انجمن انتخاب شد واز راه نفوذی که میان مشروطه طلبان پیدا کرده بود و آمیزشی که با رهبران ملت داشت صدمات جبران ناپذیری بحکومت ملی وارد آورد وعامل مهم انهدام مشروطیت شد .

انجمن مرکزی و سایر انجمنها پس از خلع محمد علی شاه به تدریج از بین رفت و تنها انجمن فراماسنها باقی ماند که از پشت پرده مجلس رااداره می‌کرد و بااراده لیدرهای احزاب که جانشین (انجمنها) شده بودند به‌کار خود ادامه می‌داد .



۱ ــ تاریخ مشروطیت ایران جلد دوم ص ۲۰۸

فصل نوزدهم

اتابك و فراماسونها



میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان در لباس صدارت

ارتباط قتل اتابك با فراماسنهای ایران

مستبد یا اصلاح طلب

یکی از مردان سیاسی ایران که احتمال دارد به‌دستور لژ فراماسونری به قتل رسیده باشد، میرزاعلی‌اصغر خان اتابك « امین السلطان » است.

اتابك یکی از سیاستمداران باهوش وشاید هم وطن پرستی بود، که در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم وده‌سال اول قرن بیستم میلادی حکومت مطلقه می‌کرد. در آن ایام در رأس مقامات حکومتی ایـران و دربار سلطنتی دو دستهٔ مشخص و متمایز «روس‌مآب» و «انگلیس مآب» قرار داشتند.

چون اغلب اقداماتی کـه اتابك به اعتقاد خودش برای سعادت مردم ایران می‌کرد، به‌منافع انگلیسیها صدمه می‌زد، سفارت انگلیس او را روس مآب قلمداد می‌نمود و در دوران آخر حکومتش که به « ولاسف » وزیر مختار روس اختلاف پیدا کرد [۱]، روسها اورا انگلوفیل می‌دانستند ودرباریان حریص وطماع قاجار او را دشمن «شاه ودرباریان وشاهزادگان» محسوب می‌کردند.

دشمنی‌علنی‌او بامیرزا ملکم‌خان رئیس فراموشخانهٔ ایران تا قبل ازسفرش بدور دنیا و احتمالا عضویت او در لژ فراماسنی آلمان و همچنین تنفری که او از ناصرالملك قراگوزلو « گراند ماستر » فراماسن ایرانی داشت با ستیزه جوئی و دشمنی علنی که با سید حسن تقی‌زاده و سایر فراماسنهای ایرانی عضو لژبیداری ایران نشان‌می‌داد، سبب شد تا سرانجام فراماسنهای‌ایرانی فرمان قتل اورا صادر کنند و «کمیتهٔ مدهشه» آنرا اجرا کند. اتابك که در دوران طولانی حکومتش متوجه تحریکات دائمی فراماسنهای ایرانی وبستگی نزدیك آنها باانگلیسیها شده بود، در سفری که به اروپا کرد، در آلمان بنا به توصیهٔ میرزا ملکم خان وحاج مخبرالسلطنه هدایت در شهر (کارلس‌باد) بعضویت لژ فراماسنی درآمد [۲].

---

۱ ـ اسناد وزارتخارجه انگلستان مجلد ۶۶۶ر۶۰ نامه ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۳.

۲ ـ عضویت اتابك فقط بنابه‌ادعا ونوشته باقیمانده عون‌الممالك است وهیچگونه‌سندی‌در دست نیست. عون‌الممالك معتقداست که‌خوداوهم‌ازجمله‌اعضاء جامع آدمیت شد. گرچه‌در بین‌اسناد موجود، قسم نامه‌عضویت‌او بدست نیامد، ولی‌دوقسم نامه ازخویشان‌اودردست‌است که‌عیناً گراورشده.

با اینحال فراماسنهای ایرانی‌که با لژهای‌آلمان ارتباط نداشتند ، عضویت او را نادیده گرفتند و به (کمیتهٔ دهشت) یا (کمیتهٔ مدهشه)که برای قتل مخالفین خود بوجودآورده بودند ،فرمان قتل اورا صادرکردند . دشمنی‌اتابك باانگلیسیها در سالهای اول زمامداریش و نزدیك شدن او با روسها ، پس از حادثه لغو انحصار تنباکو و مطالبهٔ پانصدهزار لیره بعنوان خسارت ازکمپانی‌انحصار توتون‌وتنباکوی ایران بیشتر شده وموجبات قتل او را فراهم‌آورد .

مطالبهٔ پانصد هزار لیره خسارت از طرف انگلیسیها ، شاه و صدراعظم را مجبورکردکه در مقابل به وثیقه‌گذاشتن گمرکات جنوب مبلغ مورد ادعای‌کمپانی را با سود شش‌درصد ازبانك شاهی قرض کنند و به کمپانی‌مذکور بپردازند .این حادثه تنفر شاه و اتابك را از انگلیسی‌ها بیشتر کرد وآنها را به روسها نزدیك ساخت .

تا ناصرالدین شاه زنده بودومیرزا علی اصغر خان به کرسی صدارت‌عظمی تکیه داشت، مناسبات ایران با انگیسیهاباطناً بسیار بد بود . و با تجربیات تلخی که ناصرالدین‌شاه در دورهٔ سلطنت طولانی خود از سیاست‌های خارجی نسبت به ایران داشت ، ظاهراً روابطش را با انگلیسیها حسنه جلوه می‌داد . ولی بعد از حادثهٔ رژی ، گاهی شاه و صدر اعظم علناً باانگلیسیها مخالفت می‌کردند . حادثهٔ تنباکو اولیای امور انگلستان را مطمئن کرد که نمی‌توانند دربار را از وجود طرفداران روس پاك کنند وعوامل خود را بجای آنها بگمارند . بهمین جهت‌فکر از بین بردن ناصرالدین‌شاه پیدا شد تاجائیکه سیدجمال‌الدین اسدآبادی مؤسس لژهای فراماسونری در ایران ومصر وعضولژهای انگلیسی همه‌جا می‌گفت: «باید ریشهٔ فساد از بین برود » و صریحاً نیز دستور قتل‌ویرابه میرزا رضا کرمانی داد. در ایران هم تقی‌زاده او را «خائن‌السلطان» لقب داده بود [۱].

ناصرالدینشاه روز ۲۷ ذیقعده ۱۳۱۳ (۱ مه ۱۸۹۶) به قتل رسید وبه‌جای

---

۱ ـ مذاکرات مجلس اول .

او مظفرالدین‌شاه علیل و ضعیف‌النفس پادشاه ایران شد.

باخاتمه سلطنت مطلقهٔ پنجاه سالهٔ ناصرالدین شاه، سفارت انگلیس سعی کرد خود را دوست وحامی‌مظفرالدین‌شاه معرفی‌نماید و به‌این‌حساب بانک شاهی به‌مظفرالدینشاه‌مبلغ‌کلانی‌وام‌داد. علاوه‌بر این نیروی دریائی انگلیس یک کشتی حامل اسلحه را در خلیج‌فارس‌توقیف نمود و مهمات آن را بحاکم‌ایران در بوشهر تحویل داد. در مقابل‌این مساعدت‌هامقامات انگلیسی به شاه قاجار فشار آوردند تااتابک را معزول‌کند. شاه‌سرانجام به خواهش سفیرانگلیس وپس از ۱۵ سال، صدراعظم را معزول و او را به قم تبعید کرد. اتابک که بعد از قتل ناصرالدین شاه بیشتر جانب انگلیسیها را می‌گرفت و از دشمنی با آنها خودداری می‌کرد، هیجده ماه در قم و در حرم مطهر حضرت معصومه علیهاسلام بدعاگوئی مشغول بود ودراین مدت همواره‌می‌گفت: «کسی‌جز من نمی‌تواند ایران را اداره‌کند» وهمیشه‌منتظر فرمان «احضار» بود و سرانجام نیز مظفرالدین شاه او را احضار نمود.

بازگشت او بپایتخت باجلال وشکوه خاصی صورت‌گرفت و صدراعظم‌نخستین قدمی که برداشت، طرد سه‌تن از افراد مؤثر سیاسی سیاست انگلستان و سازمان فراماسونری ایران از دربار بود. او قوام‌الدوله، ناصرالملک، علاءالملک را که در لژفراماسونری‌میرزا محسن‌خان مشیرالدوله عضویت داشتند[1] از تهران‌خارج کرد[2]. و ترتیباتی داد که برای حقوق درباریان‌ومخارج سفر شاه به اروپا پول تهیه کنند. و به این‌حساب در سال ۱۳۱۵ ه (۱۸۹۸) سه نفر بلژیکی برای‌گمرک ایران استخدام کرد. چون شاه برای سفر به اروپا بی‌تابی می‌کرد، محرمانه با

---

۱ ـ مجموعهٔ اسناد وزارت خارجه انگلستان مجلد۶۳۷ر۶۰

۲ ـ دانشمند فقید محمود محمود می‌نویسد: «میرزا علی اصغر خان با بدخواهان‌خود معاملهٔ بسیار بدی‌کرد. تمام آنهارا از اطراف شاه پراکنده نمود و هریکی را بطرفی‌فرستاد. فرمانفرما راکه‌بیش از هرکس حرارت داشت به بغداد تبعید کرد. میرزا محمدعلیخان‌قوام‌الدوله را به خراسان‌فرستاد. ناصرالملک را بنام حکومت به کردستان روانه کرد وعلاالملک را به‌کرمان ... (صفحهٔ ۱۶۴۸ جلدششم تاریخ روابط سیاسی ایران با انگلیس.)

روسها وارد مذاکره‌شده و بیست و دو ملیون منات طلا از آنها قرض کرد. گرچه انگلیسیها در آنموقع گرفتار جنگهای آفریقا بودند و توجهی بـه تحریکات در ایران نداشتند، معذلك نگران رقیب دیرینهٔ خود بودند و اقدامات اتابك رازیر نظر داشتند. سر والنین چرول می‌نویسد: « ... من باید با ترس و لرز اعتراف کنم‌که رقابت روسها تفوق تجارتی ما را که مدتها بازار ایران را دردست داشتیم از کف انگیسی‌ها ربوده بود ... »[۱]

روابط اتابك با انگلیسی‌ها در سال ۱۳۱۷ هـ (۱۹۰۰ م) بـه منتهی درجهٔ تیرگی رسید زیرااتابك موفق شده‌بود موجبات احضار« سرمار تیمر دوراند»سفیر انگلیس در تهران را به لندن فراهم‌آورد و چنان قیافهٔ جدی بگیردکه روابطش با جانشین وی نیز خوب نشود. بـر اثر این اقدامات دولت انگلستان جانشین « مارتیمر » را نیز به لندن فراخواند و « سرآرتورهاردینگ » دیپلمات ورزیده وبا هوش‌خویش را به تهران فرستاد.[۲] هاردینگ روابطش‌با اتابك خیلی‌صمیمانه بود تا جائیکه موفق شد امتیاز نفت خوزستان را در سال۱۹۰۱ م (۱۳۱۹ هـ)برای دارسی بگیرد.

اتابك بادادن این امتیاز تصور می‌کرد، انگلیسیها از او راضی شده‌اند واز حمایت عوامل خوددر ایران دست‌می‌کشند ولی تحریکات علنی ومخفی انگلیسیها و عمال آنها همچنان ادامه داشت. اتابك تا سال ۱۳۲۱ هـ (۱۹۰۳ م) در مقابل دسایس داخلی وشیاطین خارجی مقاومت‌کرد. ولی قتل ناگهانی حکیم‌الملك‌استاد فراماسونری در رشت، مظفرالدین شاه را به وحشت انداخت، بطوریکه مجبور شد او را عزل کند.

حسین‌اعراز ثقفی در مقاله‌ای‌که در بارهٔ تاریخ‌مشروطیت نوشته، می‌نویسد:

---

۱ ــ کتاب مسئلهٔ آسیا ص ٦٦

۲ ــ هاردینگ برخلاف همکاران سابقش با اتابك رابطهٔ بسیار صمیمانه بر قرار کرده با او بریج بازی می‌کرد. آزادانه در بارهٔ همه‌چیز صحبت می‌نمود و حتی از سفرای پیشین و اشتباهات آنها بدون پروا بدگوئی می‌کرد.

« اتابك مدركی به‌مظفرالدین شاه نشان داد که ثابت می‌کرد حکیم‌الملك به‌تحریك انگلیسیها علیه شاه اقداماتی می‌کند و چون عضو مؤثر فراماسونری بود و در این مؤسسه نفوذ داشت تحریکاتش مؤثر و خطرناك بود. اتابك شاه را متقاعد کرد که اورا بکشند. حکیم‌الملك و نوکرش پس‌ازارائهٔ این شاهددرمدت دوساعت‌کشته[۱] شدند. محمود محمود نیزدراین‌باره می‌نویسد: « ... دراوایل ماه سپتامبر۱۹۰۷ م (۱۳۲۵ هـ) دررشت‌حکیم‌الملك و نوکرمعتمد او در عرض چند ساعت با یك‌وضع عجیبی که ایجاد سوء ظن می‌کرد فوت کردند و بعد از دو هفتهٔ دیگـر اتابك نیز معزول و تبعیدگردید. او نه تنها از پایتخت بلکه‌از قلمرو شاهنشاه اخراج شد»[۲] سیاست‌تحبیب هاردینگ از اتابك آنقدر پیشرفت کرده بود که این شخص بعداز عزل از صدارت هم او را رها نکـرد. در حالیکه در مدت هیجده ماهی که اتابك درگذشته در قم تبعید بود، سفیر انگلیس حتی یکبار هم بدیدنش نـرفت. ولی هاردینگ او را فراموش نمی‌کرد تا جائیکه اتابك با سفیر مملکتی که همیشه با او دشمن بود در بارهٔ رفتن به مصر و مطالعه دربارهٔ مشکلات این‌کشور وملاقات‌با لرد «کرومر» مشورت می‌نمود. هاردینگ شخصاً می‌نویسد: «اتابك» از اینکه استعفایش پذیرفته شده بود خوشحال است و می‌خواهد به وین برود که یکی از پسرهایش که درآنجا درس می‌خواند ببیند واز آنجا به مصر برودو با لردکرومر آشنائی پیداکندو دراین خصوص‌مطالعه‌کند که بچه وسیله‌ای لرد کرومر توانسته وضع مالی مصر را از ورشکستگی کامل نجات دهد و آنرا احیاء کند.»[۳]

او درگزارش ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۳ مطلب قابـل تعمقی را بیان می‌کند: « از نقطه نظر ما [انگلستان] سقوط اتابك رویهم رفته باعث تأسف نیست. هـرچند که در عالم واقعیت و حقیقت آنقدرها هم که معمولا تصور می‌رود او با انگلستان مخالفت‌نمی‌کند. بلکه از یکطرف بر اثراختلاف او با ولاسف (وزیرمختارروس)

---

۱ ـ نسخهٔ خطی کتابخانهٔ تقفی.

۲ ـ تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس ص ۱۶۸۹

۳ ـ اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد۶۶۶ر۶۰ .F.O گزارش ۱۷ سپتامبر ۱۹۰۳

و از طرف دیگر برای اینکه خلاف این عقیدهٔ عمومی را ثابت کند که اوطرفدار روس نیست دراین ماههای اخیر او بیشتر بطرف ما [انگلستان] گرائیده است»[۱] هاردینگ در گزارش رسمی که به وزارت خارجهٔ انگلستان فرستاده ، بی طرفی اتابك را می‌ستاید ولی درکتاب « دیپلمات در شرق » در بارهٔ گناه نابخشودنی اتابك و اخراج رئیس‌فراماسنها از تهران می‌نویسد : «... متفرق‌کردن طرفداران‌جدی انگلیس از دربار یکی از گناهان اتابك به شمار می‌رفت مخصوصاً ناصرالملك که ادارهٔ محفل فراماسنها هم با او بود و درجهٔ گراند ماستری داشت ... شاه تصمیم گرفت‌اتابك را معزول کند . اورا احضارکرد ، پس ازصرف یك فنجان قهوه(خالی از خطر) و تشکر از خدمات او باکمال نزاکت ،صلاح اندیشی‌کرد ، که یك‌چندی استراحت‌کند وبهمسافرت برود و دریك محیط‌آرام و بی سروصدا اقامت‌کند...»[۲] سرانجام‌میرزاعلی اصغرخان‌همراه حاج‌مخبرالسلطنه هدایت‌عضو لژفراماسونری ایران[۳] به خارج از کشورسفرکرد . ابتدا به ژاپن رفت ، سپس به تشویق‌مخبر - السلطنه برای قبول عضویت فراماسونری بشهر کارلس‌باد عزیمت نمود . درآنجا با میرزا ملکم خان رئیس فراموشخانه و مؤثرترین فراماسن ایرانی از در صلح

---

۱ - اسناد وزارت خارجه‌انگلیس مجلد۶۶۶ر۶۰گزارش ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۳

«From our own point of view the Fall of Atabek is of course not altogether to be regretted ' for though he Was in reality much less unfriendly to England than Was commonly supposed , and had partly owing to personal friction with M . Vlassoff , and partly from a desire to disprove the popular belief that he was the slave of Russia , been drawing steadily nearer to us during the last few months .»

2 - one prominent persian statesman ' the anglophile Neaerulmullk ' had been initiated at oxford and might Ithink have made a good Beginnina as grand Master - p.77. A Diplomatistin the East .

۳ - رجوع شود به فصل پانزدهم همین کتاب .

درآمده و با واسطهٔ حاج مخبرالسلطنه طرفین تعهد کردند که دشمنیهای دیرینه را فراموش‌کنندو میرزاعلی اصغر خان با تشویق ملکم و هدایت عضو لژ فراماسنی آلمان شد. عون‌الممالك که محرر اظهارات اتابك بوده، درخاطراتش‌می‌نویسد:

«... درفرنگ‌گردش کردم. درمسافرتهای سابق در ملازمت سلاطین باآنکه‌همه نوع استراحت و سیاحتها برای‌من موجود بود ولی‌آزاد نبودم، تمام بطور رسمی دولتی بوده است. این سفر به‌اختیار خود وبه‌آزادی سیاحت‌کردم. درواقع دیدم تا حال همه را خبط وخطا می‌کردم، تکلیف من نه این بود که رفتار می‌نمودیم و تکلیف مردم ایران نه‌آن بودکه درتحت قید اطاعت من‌بودند. چندی دراین‌بین‌ها تشرف خدمت مردم بزرگ دنیارا حاصل کردم، گاهی درکارخانجات [فراماسنهای ایرانی‌محافل‌ولژهای ماسنی‌راکارخانه ترجمه‌کرده‌اند] به‌اصلاح‌امورتمام‌کرهٔ‌ارض واصلاح‌وجود می‌پرداختم، تمام‌دول‌را سیاحت‌کردم، مسافرت‌زیارت بیت‌الله‌الحرام بسرافتاد. در موقعش رفتم، چندی درآن اماکن مقدسه بسر بردم به شرف حج‌نائل آمدم درمراجعت پایم دردی داشت‌که خیال «کارلس‌باد»کردم ...»[۱]

چگونه فراماسن شدم

میرزا علی اصغرخان سپس جریان ورود به کارلس‌باد را شرح داده می‌گوید: «... به‌ژاپن رفته دولت وملت وسلطنت ژاپن را تماشاکردم. حالم دگرگون شد، دیدم خودم راکه به هیچوجه من علی اصغریکسال‌قبل نیستم. ازملك ژاپن بحال‌انقلاب برای کارلس باد حرکت کردم. به اشاره عقل وعلم ایران پرنس ملکم خان راهی می‌رفتم‌که تا رسیدم به‌کارلس باد. چون اشخاصی‌که در تمام‌کره ارض خود را اول عقل‌می‌دانند ودرتمام‌سال مشغول کاروخدمت به تمام بنی بشرهستند اعم ازاینکه‌هند باشند یا سند، اروپ باشند یاآسیا یا آمریکا یا آفریقا، کلیه‌آنها نقشه‌مدار زندگی بنی‌نوع بشررا می‌کشند. این اشخاص سالی‌یکمرتبه به عنوان رفع‌خستگی مغزودماغ خود، دراین مکان برسم واسم‌گردش واستراحت جمع می‌شوند، منجمله

---

۱ ـ دفترچهٔ خاطرات عون‌الممالك سال ۱۳۲۵ ه

آغاز دوستی دو دشمن دیرین

پس از اینکه اتابك فراماسون شد، میرزا ملکم‌خان در تأیید او نامهٔ فوق‌را به «مجمع آدمیت» نوشت

این موقع هم همان موقع بود . یکی از آن بزرگان دنیا پرنس ملکم بود . چند نفر دیگر را در مسافرتهای سابق خود دیده بودم و شناسائی و آشنـائی هم داشتم می‌شناختم ، ولی نه به این اسم ومعنی . بعضی را به اسم ورسم وزارت فلان دولت بعضی را به حکیمی فلان ملت ، بعضی‌را به حکمیت فلان مملکت می‌دیدم .دیدار این مسافرت وامروزم خبرهای دیگری نشانم داده است‌که درمخیله من بلکه در مخیلهٔ تمام ایرانی‌خطور نمی‌کرد . زیرا ایرانی‌کجا ، نقشهٔ امور بشری‌کجا ؟ اعتقاد ما ایرانیها این است امروزم بگذرد فردا لاحول ولاقوةاله بالله ، یا من ازسیلاب وآتش بگذرم برادرم وپدرم به درك . عالمی دیگرسیر کردم‌که به‌گفتار نمی‌گنجد، عالمی وجدانی وتحقیقی ورأی‌العینی آنهم برای علمای فن . بهرحال در این مکان مرا دربوته‌آهن‌گدازی‌گداختند وآنچه می‌بایست ازنوساختند . به عبارت‌آخری آدمم‌کردند وبه من‌گفتند : رسدآدمی به جائی‌که به جزخدا نبیند .

این رفتار وگفتاروسیاحت برای من واقع شد ، در سال ۱۳۲۲ هجری نبوی [۱۹۰٤] در این ایام شهرت غوغای ایران ومشروطیت ایران منتشر به عالم شد ، این مردم ومجمع در «کارلس باد» بی‌طرف با تمام کره ارض هستند . بلکه بعضی هستند که‌هیچ نمی‌دانند ایرانی در دنیا هست یا نه . فقط موافق نقشه عالم شش سمت یا هشت سمت‌کره ارض را می‌بینند ...»[۱]

فراماسنها اتابك را مجبور به عزیمت به ایران کردند

دربارهٔ عزیمت به ایران و مأموریتی‌که فراماسنهای کارلس باد به‌اودادند عون‌الممالك نوشت: «چون‌ایران‌یکی‌از نقاط عالم است وواجب می‌دانندکه‌آن مردان بزرگ دنیا که تمام بشررا تربیت‌نمایند وفهمیدندکه من‌مدتی‌درایران‌صدارت و سلطنت‌داشتم‌گفتندتوبایدبه‌ایران‌بروی.ازقضا دراین‌موقع‌از ایران‌احضارم‌فرموده‌بودند.یکی‌دومرتبه‌پیغام‌دادندجواب‌دادم ،کتبی‌نوشتند جواب دادم مصادف شد بااین حکایت، ملزم‌کردندکه برو به‌ایران وایجاد قانون عدل‌باید

۱ـ دفترچهٔ خاطرات عون‌الممالك سال ۱۳۲۵ ه



میرزا علی‌اصغرخان اتابک در لباس عربی در سفر زیارت خانهٔ خدا

بکنی اجرای این قانون باید بدست توباشد، مأموروم‌حکوم‌م‌کردند. حرکت‌کردم، آمدم، رسیدم به انزلی. آن ازدحام جلوگیری ازمن‌شد.[1] اگرمن خیال‌کجی‌داشتم آن هنگامه راکه دیدم برمی‌گشتم ولی‌چون مأموریتی داشتم‌آن حرکات وحشیانه را باکی نکرده وقعی نگذاشتم ...»[2]

ورود اتابك به ایران بازگشت میرزا علی اصغر خان به ایران مصادف با ابراز نظریات مختلفی دربارهٔ اوشد ، درباریان و محمد علیشاه تصورمیکردند،که بوسیله میرزا علی اصغرخان خواهند توانست بساط‌فراماسونها ومشروطه خواهان را براندازند وباردیگرسلطنت‌مطلقه برقرارکنند. فراماسنهای ایران هم‌که ازافکارجدید او بی‌اطلاع‌بودند بنای‌مخالفت با او راگذاردند . اتابك با وجودیکه از افکار عمومی اطلاع داشت و می‌دانست‌که هنوزاثرتبلیغات انگلیسیها بجاست ، در بدو ورود خویش ابرازنگرانی‌کرد و، به غلامحسین‌خان صاحب اختیارکه به دستورشاه به استقبالش‌رفته بودگفت: «... مارا برای‌کشتن ازفرنگ احضارکرده‌اند ...»[3]

بهرحال‌دراولین‌ملاقاتی‌که اتابك با محمدعلیشاه‌کرد از نیات حقیقی اومطلع شده وشاه به اوگفت :

«... من با توسوای عمل‌سلطنتی‌آشنائی‌ودوستی وسابقه داشتم ودارم‌وامروز تورا برای‌معاونت‌خودمی‌خواهم، بایدبامن‌همدست شده برای رفع معایب امورات نقشه‌کشیده ،کاربکنی. توغیرتت قبول می‌کند من ذلیل زبون وعلاف وبقال‌ایران و تهران باشم؟ آخر من سلطانم ، نه اینکه اطاعت هر . . . بکنم ...» میرزا علی اصغرخان جوابداد : «من علی اصغر دوسال یا ده سال قبل نیستم، قلب ماهیت

---

۱ ـ هنگام ورود اتابك به انزلی عده‌ای ازآزادیخواهان ومشروطه‌خواهان درجلوبندر ازدحام‌کرده علیه او تظاهرات نمودند .آنها میخواستند ویرا به روسیه برگردانند ولی حاکم گیلان اورا به تهران حرکت داد .

۲ ـ خاطرات عون‌الممالك سال ۱۳۲۳

۳ـ شماره ٤ سال ۳ ص ٤۹ مجله یادگار مقاله «غلطهای مشهور تاریخی »

دراین مسافرتم شد ، من جزخیروآبادی مملکت نفع ندارم»[۱] و چون متوجه شد این اظهارات آهن سردکوبیدن است از صدارت مستعفی شد . ولی محمد علیشاه موافقت نکرد وفقط نظریات اورا دراداره دسته جمعی مملکت قبول نمود.

اتابك هشت نفررا بعنوان وزیر انتخاب کرده آنها را بشاه معرفی نمود.[۲] محمد علی میرزا همهٔ آنها را پسندیده وصدراعظم نیزپس ازآنکه همه را دسته جمعی در صاحبقرانیه سوگند داد به مجلس معرفی کرد . وی تصورمی‌کرد. که به این ترتیب می‌تواند ، شاه را وادار بهمراهی‌با مشروطیت سازد ولی مخالفین او منجمله نایب‌السلطنه شروع به تحریك علیه وی کردند و حتی به‌محمد علیشاه اطلاع دادندکه مشروطه خواهان زنجیر طلائی ساخته‌اندکه بگردن‌او انداخته وویرا درخیابانها بگردانند.

انگلیسی‌هاکه مراقب‌کوچکترین اعمال اتابك بودند ، با امیال او هیچگاه

۱ـ شماره ٤ سال ۳ ص ٤۹ مجله یادگار مقاله «غلطهای مشهور تاریخی» .

۲ـ روز ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ میرزا علی اصغرخان اتابك‌دومین‌کابینه (بعدازاستقرار مشروطیت)را به این شرح معرفی کرد .

۱ ـ وزیرداخله ـ علی اصغر اتابك .

۲ ـ وزیرجنگ ـ شاهزاده کامران میرزا نایب‌السلطنه .

۳ ـ وزیرعدلیه ـ عبدالحسن میرزا فرمانفرما .

٤ ـ وزیرمالیه ـ ابوالقاسم ناصرالملك ،

٥ ـ وزیرخارجه ـ محمد علی علاءالسلطنه .

٦ ـ وزیرتجارت ـ مهدی غفاری وزیرهمایون .

۷ ـ وزیرعلوم واوقاف ـ مهدیقلی هدایت مخبرالسلطنه

۸ ـ وزیرفوائد عامه ـ نظام‌الدین مهندس‌الممالك ،

معاون رئیس‌الوزراء ـ حسن اسفندیاری محتشم‌السلطنه .

معاون وزارت جنگ ـ جعفرقلی جلیلوند سهام‌الدوله .

معاون وزارت تجارت عبدالرزاق اعتبارالدوله .

این کابینه چهار ماه و یك روز حکومت کرد و بـا قتل اتـابك ، احمد مشیرالسلطنه رئیس‌الوزراء شد .

اعلان

ای ملت ایران ای یادگار عهد ساسانیان نظری بتاریخ قدیم خود کنید و از کرده‌های آباء و اجداد
خود بیاد آورید مروت و مردانگی آنها را سرمشق کنید تنبلی را از دست بدهید تا کی خفت و خواری
تا کی پستی و گمنامی فرنگیان گویند ایرانیهای قدیم همیشه بجلادت و مردانگی معروف جهان بوده‌اند
امروز بالعکس به تنبلی و تنپروری مشهور آفاق شده‌اند تا کی دست روی دست نهاده بتوکل متوسل شویم
اصلاح امور را از مقدرات بدانیم تا کی غصه و سختی ذلت بکشیم و در مدت خرابیها مانند این قرآن و سنت هم توا
نانیم چهل سال است دولت انگلیس بندگی و بردگی از میان برداشته و ما هنوز بنده و برده و توسری خور
هستیم آیا میدانید در این دوره اخیر خرابی ما از چه تاریخ شروع شده؟ میرزا علی اصغر خان بی اصل
بی نسب به بوالهوسی ناصرالدین شاه روی کار آمد و از آن تاریخی که بصدارت رسید برای پیشرفت
مقاصد گوناگون خود جمعی از بی ناموسان بی شرف را با خود همدست کرده و از انواع ظلم و بی شرفی و مملکت
فروشی مضایقه نکردند از روزیکه آن خائن صدر کار شد دست علم از خاک ما کوتاه و بازار جهل را
رونق داد و بالطبع دشمن اهل علم بود چنانچه در زمان صدارتش صاحبان علم منکوب و مخذول و در دنیا
آواره و سرگردان بودند و بعضی که جنون وطن پرستی در سرشان بود برای زدن حرف حق شهید
ملت و مقتول ظلم او شدند عجب است دولت و ملت ما که کارهای او بس نبود که دوباره تکرار آنها
او را اختیار بکنند اگر مقصود خرابی رعیت و ویرانی مملکت است ما را کفایت می نماید و اگر مقصود
وطن فروشی و رقبت خارجه است آنهم ما را کافی است رعیت ایران آنقدر بی پا و مملکت ایران و ملت
ذله است که بدست یاری غیری محتاج نیستیم فقط چیزیکه دارا شده‌ایم و تمام امید اصلاحات آتیه ما
آن را مجلس ملی است یک مشت خائنین ملک و ملت و سلطنت که خود را بلباس دولتی در آورده
اند امیدوارند مجلس را از میان ببرند و با آن خاندان سلطنت را بکلی متزلزل و مملکت ایران
را خراب کنند. بگذشته‌ها بنگاه بمقاصد شخصی فرمانرا امین السلطان دانسته اند (بقیه دارد)

اعلان

ای ملت ایران ای یادگار عهد ساسانیان بتاریخ قدیمه خود نگاه کنید و از کرده‌های آباء و اجداد خود بیاد آورید مردی و مردانگی آنها را سرمشق کنید تنبلی را ازدست بدهید تاکی‌خفت وخاری وتاکی پستی وگم‌نامی. فرنگان گویند ایرانیهای قدیم همیشه بشجاعت ومردانگی معروف جهان بودند وامروز بالعکس به‌مهملی و تنبلی مشهور آفاق شده‌اند، تا کی دست روی دست انداخته بتوکل متوسل می‌شویم واصلاح امور را ازمقدرات بدانیم تاکی غلامی وبندگی وتملق بکنیم ومرمت خرابیهارا ازاین وآن‌درخواست‌نمائیم چهل سال‌است دولت انگلیس بندگی وبردگی را از میان برداشته و ما هنوز بنده و برده و تو سری خور هستیم آیا میدانید در این دورهٔ اخیر خرابی ما از چه تاریخ شروع شده؟ میرزا علی‌اصغر بی‌اصل بی‌نصب به بوالهوسی ناصرالدین شاه روی کارآمد و از آبداری به‌کیوان داری رسید برای پیش رفت مقاصد مکنونه خـود جمعی از بی‌ناموسان بی‌شرف را با خود همدست کرده و از انواع ظلم وبی‌شرفی ومملکت فروشی مضایقه نکردند، ازروزیکه آن خائن مصدرکار شد دست علم از خاك مـا کوتاه و بازار جهل را رونق داد و بالطبع دشمن اهل علم بود چنانکه درزمان صدارتش صاحبان علم منکوب و مخذول در دیار غربت آواره وسرگردان بودند و بعضی‌که جنون وطن پرستی در سرشان بود برای زدن حرف حق شهید ملت و مقتول ظلم او شدند عجب است دولت و ملت را گه‌کاریهای [کذا] اوبس نبود که دوباره تلگرافاً او را احضار می‌کنند. اگرمقصود خرابـی رعیت و ویرانی مملکت است ما را کفایت می‌نماید و اگرمقصود مملکت فروشی ورقیت خارجه است آنهم ما را کافی‌است، رعیت ایران آنقدر بی پا وملك ویران وملت‌گداست کـه بدست یاری غیری محتاج نیستیم فقط چیزی کـه دارا شده‌ایم و تمام امید اصلاحات آتیه را از آن داریم مجلس ملی است یك مشت خائنین ملك و ملت و سلطنت‌که خود را بلباس دولتی درآورده‌اند و شرف ندارند میخواهند مجلس را از میان ببرند و باآن خاندان سلطنت را بکلی منقرض ومملکت ایران به‌اجانب واگذار کنند و شایسته انجام این مقاصد بی‌غیرتانه را امین‌السلطان دانسته‌اند.

موافقت نکردند. گزارشهای وزیرمختـار انگلیس تصریح می‌کند که اتابك در مراجعت‌ازاروپا درزمان‌محمدعلیشاه وقبول‌ریاست وزراء اولین‌کاری‌که‌می‌خواست بکند، تنظیم مالیات واصلاح امورمالیه مملکت بود واین فکردر اوقوت یافت‌که بانکی تأسیس‌کند؛ اومحمد علیشاه را حاضرکرده بودکه برای تأسیس‌بانک هفتصد هزارتومان بدهد و ازبانك‌آلمان[1] هم تقاضای‌کمك‌کرد ومخبرالسلطنه را ازطرف خود برای مذاکره به سفارت‌آلمان فرستاده بود. بعلاوه اتابك درصدد برآمد از يك بانك سوئیسی بنام «کانتونال بانك»[2] در لوزان کمك مالی برای بانك ملی ایران‌بگیرد.[3] «سراسپرینگ رایس» سفیر وقت انگلیس در ایـران در یکی از گزارشهای خود درباره اقدامات اتابك می‌نویسد:

«اتابك ازسفـارت انگلیس تقاضا داردکه اقدام شود، بانك شاهنشاهی نیز مبلغ دویست هزار لیره انگلیسی قرض بدهد که برای تأسیس بانك ملی ایران کمك شود واین‌کمك موجب تشکرمردم ایران‌خواهد بود»

اینطوربه نظرمی‌رسدکه اتابك می‌خواسته با جمع‌آوری سرمایه از منابع مختلف در ایران بانك ملی‌تأسیس‌کند.

سراسپرینگ رایس درگزارش دیگری که به وزارت خارجه انگلستان ـ داده می‌نویسد: «به اتابك‌گفتم ما با دولت روس یـك موافقت شفاهی کرده‌ایم که بدون موافقت وهمکاری باآن دولت به ایران قرض ندهیم. اتابك گفت قرض يك امرسیاسی نیست بلکه تجارتی است. اظهارتأسف‌کردم و گفتم قرض قرض است و موافقت موافقت ...»[4] ومقصود اوازاین جمله‌آن بوده‌است‌که چون دولت‌انگلیس با روسها موافقتی‌درباره ایران‌کرده درهرحال آنرا محترم‌می‌شمارد. همانطوریکه

---

۱ - German. Bank

۲ - Cantonal . Bank

۳ - اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۳۰٤ر۳۷۱ تلگرام اسپرینگ رایس‌به‌ادوارد گری مورخ يك ژوئیه ۱۹۰۷،

٤ - اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۳۰۷ر۳۷۱ نامه اسپرینگ رایس.

گذشت اتابك در آخرین روزهـای عمر خویش واقعـاً بفکر اصلاح ایران بود. سراسپرینگ رایس درگزارش ماهانهٔ خودحتی خبر احضاراحتشام السلطنه را ازاروپا منعکس کرده ومی نویسد: «اتابك احتشام السلطنه را برای مشاوره دراصلاح تشکیلات مملکتی از عثمانی و کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی بتهران خواسته بـود و میخواست ازفکر او دراین کار استفاده کند. ولی احتشام السلطنه روزی به تهران رسیدکه آن شب اتابك را بقتل رساندند.»[1]

اتابك در ایام آخر زندگی خود، در وضع سیاسی بسیار حساسی قرارداشت. نیروی آزادی جان گرفته و اعتقاد عامه مردم به سرکوبی مستبدین وکوتاه کردن دست درباریان زیاد شده بود. ولی از طرفی روس و انگلیس با هم سازش کـرده قرار داد معروف ۱۹۰۷ را مابین خـود امضاء کرده و ایران را بسه قسمت نموده بودند. ازطرف دیگرعوامل انگلیسی :فراماسنهای فرانسوی ودسته‌های افراطی که با کمك خارجیان و سفارت انگلیس موفقیتهائی بدست آورده بـودند، حاضر نمی‌شدند عقب نشینی کنند. عامل مهم دیگری که در این بین وجود داشت ،دشمنی و دو دستگی دستهٔ افراطی مشروطه خواهان، انجمن آذربایجان و کمیتهٔ دهشت از یك طرف و دستجات دیگری که افکار اعتدالی داشتند از طرف دیگر بود. در دستهٔ اول عدهٔ زیادی ازفراماسنهای لژ جدیدالتأسیس بیداری ایران وجودداشتند که می‌خواستندبساط فراموشخانه‌ها، مجامع شبه فراماسنی وسازمانهای غیرقانونی (Clandestine) ماسنی را از بین ببرند و سازمان نوین را جایگـزین تشکیلات قدیمی کنند.

شایعهٔ حضور اتابك درسازمانهای شبه ماسونی و همکاری او با فراماسنهائی که طرفدار محمد علی شاه بودند سبب شد تا سرانجام فراماسنهای تند رو فرمان قتل اتابك را صادر نمایند. سید احمد کسروی سفارت انگلیس را آرزومند قتل

---

۱ ـ اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۳۰۷ر۳۷۱ نامهٔ اسپرینگ رایس به ادوارد گری مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۰۷

قسم نامه محمد قاسم وکیل السلطنه

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] ۱۳۲۵ [illegible] محمد قاسم وکیل السلطنه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



پس‌ازاینکه میرزا علی‌اصغراتابك، درکلرلسباد، فراماسون‌شد، درمراجعت به‌ایران باسازمان شبه فراماسونری و غیر قانونی «جامع آدمیت» تماس گرفت. بطوریکه عون‌الممالك در یادداشتهایش مینویسد، وی از طرف «جامع آدمیت» مأمور ملاقات و مذاکره بااتابك شده بود. اتابك پس ازتماس باعون‌الممالك و ملاقاتهای بعدی، برای توسعه و تقویت جمعیت مذکور کوشش فراوان بکار برد، تاجائیکه بهدونفر از خویشانش نیز دستورداد، داخـل «جامع آدمیت» بشوند. دوقسم نامه و ضمانت‌نامه این دوتن یعنی «محمدقاسم وکیل‌السلطنه پسرابراهیم امین‌السلطان» و «عبدالله پسر علی‌اصغر امین‌السلطان» که در بین اسناد و مدارك «جامع آدمیت» باقی‌مانده است، و عیناً نقل می‌شود، نموداری از نزدیکی، صدر اعظم مقتدر ایران با سازمان فراماسونری جامع آدمیت و رهبرآن «میرزا عباسقلیخان آدمیت» است.

شنبه سیم شهر شوال ۱۳۴۵

اینجانب عبدالله ابن علی اصغر پسر مرحوم معروف به [illegible]

از صمیم قلب و با نیت پاک تعهد و قسم یاد میکنم

برای خدا و عالم بر اقرار میکنم که تا [illegible]

تراحت انف [illegible] عطا فرموده و [illegible]

حقوق این تربیت با برکت هم [illegible]

هر حضرتی که باشم ابدا [illegible] حضور

دیگری را [illegible] عظمت [illegible] حقوق

قسم میخورم [illegible] و حقوق این [illegible]

در هر مقامی باشم الی الحیات با تمام [illegible]

محفوظ و محترم [illegible] میدارم و [illegible]

از تعهد خود نکول نمایم در دنیا و [illegible]

[illegible]

قسم‌نامه عبداله فرزند امین‌السلطان

اتابك و تقی‌زاده را هم مطلع ازجریان سوء قصد قتل او دانسته و می‌نویسد :«یك چیز می‌باید در پایان گفتارم بیفزایم اینست که انگلیسیها چون اتابك را افـزار دست سیاست روس می‌شناختند از او آزرده بودند و باشد که دشمنی کشته شدن او را آرزو می‌کردند ، و به‌دستیاری آقای تقی‌زاده ازپیش آگاهی‌می‌داشتند .»[1] بهر حال نباید این نکته را فراموش کرد که فراماسنهای انگلیسی و فرانسوی در آن زمان در امور داخلی کشور ما با یکدیگر مخالف بـودند ، و مبارزه داخلـی و خصومتهای شخصی را از یادنمی‌بردند.اتابك هم که شهرت داشت درشهر کارلس‌باد آلمان فراماسون شده بود ، شاید می‌خواست دستهٔ (فراماسن) دیگری تشکیل بدهد . وهمانطوریکه اکنون بین لژهای انگلیسی وابسته به«گراندلژاسکاتلند»، لژهای فرانسوی وابسته به« گـراند لژ ناسیونال دفرانس » ولژ مهر وابسته بـه « گراند لژ آلمان » اختلاف شدید وجود دارد ، آنها نیز درآنـروز با هم مبارزه می‌کردند و در نتیجهٔ این اختلافات دستور قتل اتابك بوسیلهٔ لژ فراماسنی صادر شد ویا لااقل بااین فرمان موافقت یکی ازکارگردانان لژبیداری ایران داده شد.

حیدر عمواوغلی معروف به «حیدر برقی » و «حیدر بمبی » در یادداشتهای خود در این باره چنین می‌نویسد : « ... حوزهٔ مخفی اجتماعیون عامیون تهران‌که مرحوم حاجی ملك‌المتکلمین و آقا سید جمال واعظ نیز در آن حـوزه عضویت داشتند اعدام اتابك را رأی‌داده به «کمیتهٔ مجری» حکم اعدام‌اتابك را فرستادند. کمیتهٔ مجری هم حکم را به هیئت مدهشه‌که عبارت‌از دوازده نفر تروریست‌تقسیم به جوخه چهارنفری ودر تحت ریاست من بودند فرستادند .کمیسیون مخصوص‌از برای تعیین اسلحه یعنی اینکه‌ترور با بمب بشود یا با اسلحه دیگر منعقدگردید. پس از مشورت زیاد تعیین اسلحه شد وباکثریت آراء بمب واسلحه دیگرراصلاح ندیده بنا شد که بارولور این کار انجام پذیرد . در هیئت مدهشه قرعه کشیده شد بنام عباس‌آقا بیرون‌آمد ، دو نفر هم برای او محافظ قرار داده شد . چندین‌دفعه

---

۱ ـ تاریخ مشروطه ایران ص ٤٤٩

به قیطریه عمارت ییلاقی اتابك در شمیران رفتیم که منهم با آنها بودم و ممکن نشدکه کار انجام پذیرد .

خبر داده شد که فردا ۲۲ رجب اتابك به پارلمان خواهد آمد . روز جمعه ۲۱ من وعباس‌آقا ومیرزا علی اکبر و حسن‌آقا برادر عباس‌آقا به حمام رفتیم . فردا به پارلمان رفته بلیطی برای عباس‌آقا گرفته شد که در جزء تماشاچیان به پارلمان رفت ولی ما درحیاط و در مجلس راه رفته صحبت می‌کردیم ؟ دو ساعت و نیم ازشب اتابك‌بیرون‌آمده‌با سید عبدالله مجتهد صحبت‌کنان بطرف درمی‌آمدند. تقریباً شش قدم بدر نمانده‌سیدی برای تظلم سید عبدالله را نگاهداشت ولی‌اتابك جلو آمد در حالیکه چندین‌لاله در جلوش می‌آوردند . همینکه دو قدم ونیم...[1]»

یادداشتهای حیدرعمواوغلی دراینجا قطع می‌شود . مرحوم اقبال می‌نویسد :

«... نگارنده ندانستم‌که‌آیا او آن‌را همچنین ناتمام‌گذاشته‌یا نسخه‌ای‌که‌دست ماست‌ناتمام است »

بهر جهت اتابك را روز شنبه ۲۱ رجب درجلو مجلس کشتند . قاتل پس‌از زدن سه تیر فرار کرد . سربازی او را تعقیب نمود بطوریکه او ، تیری هم به سرباز انداخت . در اینجا دوعقیدهٔمختلف وجود دارد ،دسته‌ای می‌گویندکسانیکه دستور قتل‌داده بودند بدو نفرمراقب عباس‌آقا منجمله خود حیدرعمواوغلی‌دستور داده بودند تا او را بکشند . ولی کسروی می‌نویسد: « ... سربازی از نگهبانان‌در مجلس او را دنبال‌کردجوان زخمی نیز به او زد ولی ازسراسیمگی یاچون‌میدان را بخود تنگ می‌دید تیری هم‌بروی خود تهی کرد که به مغزش رسید و در زمان افتاد و جان داد ... »[2] این قول صحیح است و اسنادی‌که بعداً منتشر گردیده‌آن را تأیید می‌کند . در جیب عباس‌آقا چهار کپسول استرکنین و یك قطعه کاغذیافته شد که روی آن نوشته شده بود : « عباس‌آقا عضو انجمن‌فدائی ملت به‌شمارهٔ ۴۱»

---

۱ ـ مجلهٔ یادگار شماره ٤ سال سوم

۲ ـ صفحه ٤٤٥ تاریخ مشروطیت ایران

کسروی بدنبال داستان قتل اتابک می‌نویسد : «هر چه هست این حیدرعمواوغلی کشتن اتابک را به‌گردن می‌گیرد وچنین می‌گویند که تقی‌زاده هم آگاهی میداشته، وبرای‌اینکارعباس‌آقا راکه جوان خون‌گرم غیرتمندی می‌بود برمی‌گزیندودستور کار را می‌دهد ... »[۱]

علل قتل اتابک و بازداشت میرزا عباسقلیخان

بهرنحوی بودطرفداران انگلیسیها موفق شدنددشمن بزرگ خود را از بین ببرند . گناه اتابک بنظر مورخین وبه خصوص محمودمحمودوحاج‌مخبرالسلطنه هدایت‌وکسروی این بوده است‌که :

۱ ــ با روسها رابطـهٔ حسنه داشته و علیه انگلیسیها فعالیت می‌کرده است کسروی می‌نویسد :

« انگلیسیهاچون اتابک‌را افزار دست سیاست روس‌می‌شناختند از اوآزرده می‌بودند و باشد که کشته شدن او را آرزو می‌کردند »[۲]

۲ ــ اتابک دستورقتل محمود حکیم‌الملک عضو مؤثر سازمان فراماسونری داده[۳] و ناصر الملک قراگوزلو رئیس محفل فراماسونری را از تهران اخـراج کرده بود .[۴]

۳ ــ بنظر حوزهٔ مخفی اجتماعیون عامیون « محمد علیشاه اتابک را بـرای انهدام اساس مشروطیت ازفرنگ به ایران آورده بود »[۵]

در حالیکه اتابک در اثر مجالست چند ماهه با حاج مخبرالسلطنه هدایت متوجهٔ مرکز خطر شده بود و به تدریج خود را با آنجا نزدیک می‌کرد . در سفر دور دنیا فهمیده بود که « انگلیسیها جایگزین روسها خواهند شد » و بهمین‌جهت

۱ ــ تاریخ‌مشروطیت‌ایران ص ٤٤٩
۲ ــ ایضاً ص ٤٥١ .
۳ ــ یادداشتهای‌خطی‌حسین ثقفی .
٤ ــ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس ص ۱۷۲٤ و ۱٦۸۹
۵ ــ مجلهٔ یادگار سال سوم شماره چهارم ص ٤۹

تغییر عقیده وفکر داده بود . اما او نمی‌خواست یکباره از «روس» روی‌بگرداند و خود را به دامان انگلیسی‌ها بیندازد . از این رو شاید برای بقاءِ مشروطیت و تغییر کلاس سیاسی دربار ایران از«روس» به «انگلیس» بتهران آمد .

٤ ـ محمد علیشاه پس ازچند جلسه مذاکره با اتابك فهمیدکه اوبامشروطه خواهان همدست شده و بوسیلهٔ او نمی‌تواند آنان را سرکوبی کند . و بـه همین جهت وقتی خبر ترور او را شنید در حضور جمعی از درباریان اظهار بشاشت‌کرد. محمد علیشاه حتی خود را بی خبر از قتل اتابك ندانسته و به خان ملك ساسانی که در اسلامبول وزیر مختار ایران بود در باره قتل اتابك گفت : « وقتی اتابك‌را از اروپا احضار کردم ، امید داشتم او با من همکاری وکمك کند ولی وقتی برگشت دیدم او هم فراماسن شده وهم ضدشاه ، بهمین جهت ازکشته شدن او خوشحال‌شدم و دستور قتل‌او را دادم [1]»

حاج مخبرالسلطنه هدایت نیز دراین باره می‌نویسد: « بعـدها از اورنـگ که درادسا محمد علی میرزا را ملاقات کرده بود شنیدم که محمد علی میرزادردو نوبت تأسف برقتل اتابك خورده بود که خبط کردم . دبیرالسلطان‌هم‌درموقع‌فوت نزد اورنـگ اقرار بمداخله درقتل اتابـك نموده بوده است که درجبران چه‌چاره کند »[2]با وجودیکه محمدعلیشاه خود را در قتل اتابـك سهیم‌و خوشحال‌میدانسته، معذلك یادداشتهای صریح و روشن حیدر عمواوغلی که عیناً در مجلهٔ یادگار نقل شده و در سطور قبل به آنها اشاره‌گردید ، ثابت می‌کند که (کمیتهٔ دهشت)وابسته به حزب اجتماعیون (عامیون) درقتل اتابـك دست داشته است.

٥ ـ این سئوال پیش می‌آیدکه با وجود آنکه اتابـك از روس برگشته‌بود، چرا طرفداران انـگلیس ویابقول‌کسروی (انـگلیسیها کشته اورا آرزو می‌نمودند) وسرانجام اورا از پای درآوردند .

---

۱ ـ یادداشتهای‌خطی ده‌سال در خدمت احمدشاه ـ محمدعلی‌شاه دراین‌هنگام‌دراسلامبول بحالت تبعید بسر می‌برد .

۲ ـ خاطرات و خطرات ص ۲۰۷

جواب این سئوال را فقط سید حسن تقی‌زاده می‌تواند بدهد. زیرا وی بنا بگفتهٔ دانشمند فقید محمود محمود که بنقل قول اوازحیدر عمواوغلی فوقاً اشاره شد، تقی‌زاده از پشت پرده ماجرای این قتل بی اطلاع نبوده است.[1]

اما آنچه را که می‌توان به ظاهر قضاوت کرد، اینست که در آن زمان انگلیسی‌ها درایران دستجات مختلفی‌داشتند که هر یک‌بنحوی فعالیت‌می‌کردند. این دستجات با آنکه همگی خواهان «آزادی» و «رهائی از ظلم‌وجور درباریان» بودند، در تغییر سیاست دربار وقت از «روس به انگلیس» نیز اثر داشتند. لیکن دستجات مزبور بجای اینکه همه با هم متحد و یکقول و فعل باشند، شاید هم‌به تحریک انگلیسها و طبق سنت دیرین و استعماری که همیشه «نفاق بیانداز و حکومت کن» را شعار خود قرارداده‌اند، این بار هم بوسیلهٔ عوامل خوددستجات مختلف را با هم ازدر ضدیت وعناد و حتی‌مخالفت درآورده و آنانرا وادار بمبارزه با هم می‌کردند تا در فردای پیروزی صفوف متشکلی در برابر آنها قد علم‌نکنند. انعکاس این وضع درلژهای‌فراماسنی بسیار عجیب بود: در مبارزات داخلی‌آنروز ایران، فراماسونهائی که طبق سنن و آداب و رسوم و تشریفات مخصوصی وارد لژها شده بودند با دیگر دستجاتی‌که سازمانهای شبه ماسنی داشتند، نیزدرجدال بودند. این جماعت هر چه به‌خاتمهٔ نهضت مشروطیت و استبداد صغیر نزدیکتر می‌شدند، دامنهٔ مبارزه با دستجات دیگر را شدیدتر می‌کردند، تا درروزپیروزی بدون رقیب و فارغ‌البال بکارخود ادامه دهند.

درآنموقع درتهران‌دودسته‌قوی ومجهزکه‌هردو طرفدارآزادی ودشمن‌ظلم واستبداد بودند فعالیت می‌کردند:

دستهٔ اول مرکب از آزادیخواهان (روز) و (خلق‌الساعه) و عده‌ای مؤمن بازادی ودافع ظلم بودند که فراماسونهای عضو لژبیداری ایران، آنانرا رهبری می‌کردند.

---

۱ ـ جلد نهم تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس که چاپ نشده است.

در دستهٔ دوم‌رجال‌تحصیلکرده وکسانیکه درده سالهٔ‌آخرعمر ناصرالدینشاه برای بسط عدالت وگسترش آزادی و تغییر رژیم مملکت از استبداد به‌مشروطیت فعالیت‌می‌کردند شرکت‌داشتند، ورود اتابک به صحنهٔ سیاست ایران به این دسته امکان دادکه‌به‌او نزدیک‌شوند و‌ویرا درروش‌و نظریات جدیدی‌که پیش گرفته بود یاری‌کنند.ولی قتل اتابک فعالیت‌آنان‌را متوقف‌کرد .

وقوع قتل صدر اعظم سبب شد تا دو دسته فراماسونری « با اجازه » و « بی اجازه »بجان هم افتند و حتی‌دستهٔ فراماسون عضو لژبیداری ایران اسباب‌توقیف میرزا عباسقلیخان آدمیت را بر طبق اظهار پسرش صادقخـان فراهم نماید : « ... پاسی از نیمهٔ شب یکشنبه ۲۲رجب ۱۳۲۵ گذشته بود که رئیس جامع‌آدمیت را گرفتند ودر لباس خواب به‌مجلس‌بردند. پس‌ازیک روز وی را به‌نظمیه‌منتقل کردند و بعد از دو روز دیگر بدون استنطاق و محاکمه آزادش ساختند...»[۱]

دستگیری و زندانی‌کردن‌وی ، بدون اطلاع محمد علیشاه صورت گرفت . زیرا پلیس نمی‌دانست که شاه هم عضو سازمان فراماسونری آدمیت شده و از او حمایت می‌کند . محمد علیشاه بدون‌اینکه علناً از آدمیت حمایت کند موجباتی برانگیخت‌که وی راآزاد کردند . جرج چرچیل دبیر شرقی سفارت انگلیس در تهران درگزارشی‌که به وزیر مختارانگلیس ، داده خلاصه‌ای ازگفتگوی خود را با مستشار نظمیهٔ تهران نوشته است . در این‌گزارش که به ضمیمهٔ راپورت ماهانه وزیر مختار انگلیس درایران برای وزیرخارجه انگلیس فرستاده شد ، چرچیل ازقول «پولاکا» چنین‌می‌نویسد : «... درمورد هویت اشخاص توقیف شده ومدارکی که ازپیش‌آنها کشف‌گردیده ، پولاکا اطلاعاتی‌راکه صنیع‌الدوله بمن‌داده بودتأیید کرد وگفت هرنوع برگه‌ای ، که ممکن بوده است سرپوشی از روی واقعیت قضیه بردارد ، ضبط شده . هیچگونه بـازجوئی مؤثری که منجر بـه فاش شدن هویت بازیگران حقیقی توطئه گردد ، صورت نخواهد گرفت . شاه به ظاهر ، امر اکید

---

۱ ـ فکرآزادی ص ۲۷۱

صادر کرده که ادارهٔ نظمیهٔ تهران هر طور که مجلس شورا یملی دستور داد رفتار کند وکسانی را که مظنون به شرکت درواقعهٔ قتل نخست وزیر فقید هستند توقیف واز آنها بازجوئی کند. ولی درعمل، نه وزیر عدلیه و نه حاکم تهران هیچکدام حاضر نیستند در این گونه بازجوئیها که می‌دانند مورد مخالفت باطنی مقام سلطنت است شرکت جویند و نتیجه این شد که تمام اشخاص که تاکنون ازطرف نظمیه بازداشت شده بودند آزاد شده‌اند. علت حقیقی آزاد شدن اینـان چیزی جز این نیست که مقامات بالاتر مایل نیستند مساعی پلیس برای کشف مرتکبان حقیقی توطئه به‌جاهای باریك بکشد وازهویت بعضی ازرجال عالیرتبه کشور که در این قضیه خونین دست داشتند پرده برداشته شود.»[1]

متأسفانه بایستی گفت که تا به امروز هم مسئله قتل اتابك حـل نشده، زیرا یکی از اسناد مهم راجع به آن یاد داشتهای شخصی حیدر عمو اوغلی بوده که قسمتی از آن در مجلهٔ یادگار چاپ شده ولی در آنجا که به‌قتل اتابك رسیده، قطع گردیده است. بهرحال اتابك روس‌مآب مستبد وسرانجام اصلاح‌طلب که تقی زاده درجلسات مجلس گفته بود «... امین‌السلطان لقب او نیست بلکه باید گفت خائن‌السلطان است ...»[2] به موجب نوشتهٔ مورخان و همچنین گزارش سفیر انگلیس«... به دستوریک انجمن انقلابی به قتل رسید ...»[3]

درحالیکه همین سفیر بعد ازمرگ او به‌وزیرخارجه انگلیس گزارش میدهد: «... پس از قتل اتابك وضع ایران بدتر شده و به هرج ومرج رسیده است ...»[4] واین بود ماجرای نخستین قتل‌سیاسی که یك عضو مؤثر فراماسونری ایران در آن دست داشت ولی به علت عدم دسترسی به اسناد لژبیداری ایران نمی‌توان گفت که آیا لژ

---

۱ ـ اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۳۱۲ ـ ۳۷۱

۲ ـ اسناد وزارت خارجه انگلیس مجلد ۳۱۱ ـ ۳۷۱ تلگراف ٤ سپتامبر ۱۹۰۷

۳ ـ عین جمله گزارش وزیرمختارچنین است:

By The other of A Rivolutionary Socitey

٤ ـ اسناد بایگانی مجلد ۳۱۲ ـ ۳۷۱

فرمان قتل را صادرکرده ویا فراماسونهای عضو رأساً دراین کارشرکت داشته‌اند . ازامین‌السلطان هم ، یادداشت‌هائی باقی نمانده . فقط درسال‌های اخیربازماندگان وی با انتشار اسناد بوسیله بعضی از نویسندگان واحیاناًکمك مالی به‌آنها درصدد تبرئه‌کسیکه با قدرت حکومت میکرد برآمده‌اند . ولی چون انتشاراین اسناداز دیدگاه باقی‌ماندگان این «ارمنی زاده» است ، درشناخت اتابك‌کمکی نکرده‌است، بلکه به عکس سوءظن عمومی را برانگیخته است .

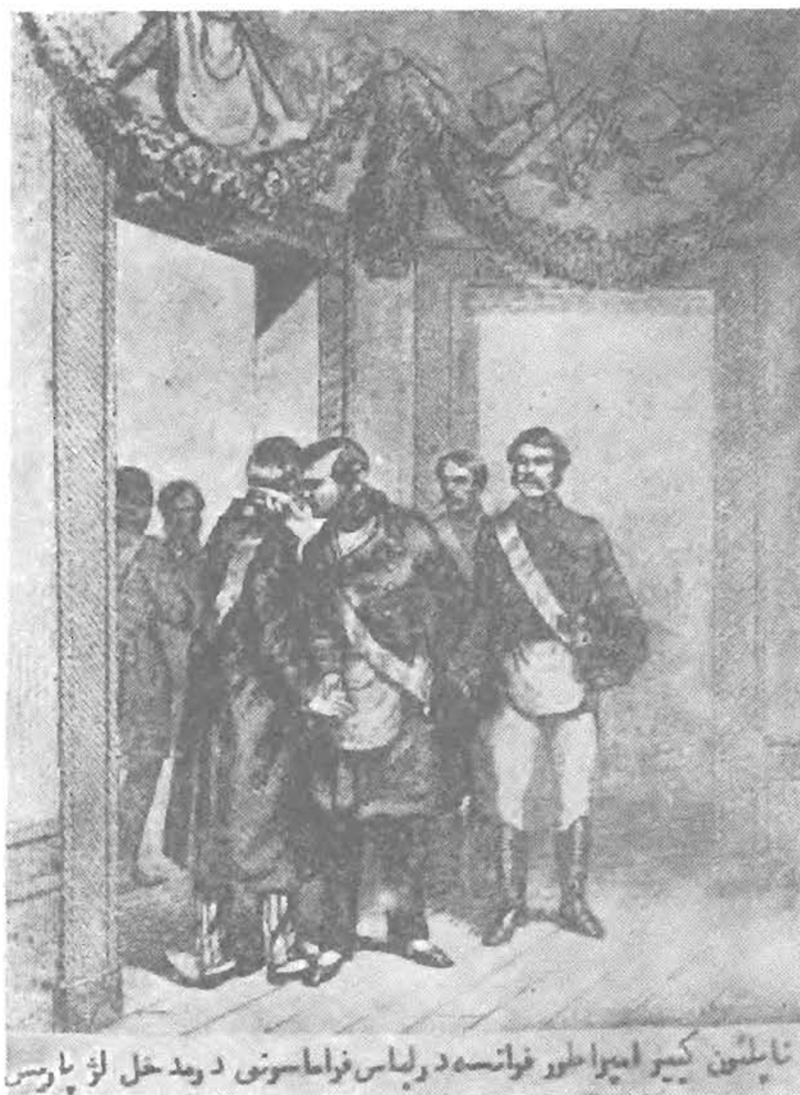


فصل بیستم

افشاء اسرار ماسونی

ازروزیکه‌سازمان‌نوین‌فراماسونری دردنیاشروع به کاروفعالیت‌کرده است، لژهای فراماسونی برای‌حفظ اسرار،گفتگوها، اقدامات‌وعملیاتی‌که درداخل لژها انجام‌می‌شود وبخصوص نجواها ومذاکرات سری، مقررات شدیدی‌وضع‌کرده‌اند و کوچکترین مجازات وتقصیرکسانیرا که اسرار پنهانی را افشاء می‌کنند «اعدام» و «ترور» قرارداده‌اند .

فراماسونهای دنیا تا کنون عده زیادی از «برادران» خود را فدای عقیده و مقررات ومندرجات قانون اساسی فراماسونری ونظامنامهٔ خود ساخته‌اند . هرگاه یکی ازماسونها ، ازلژها وسازمانهای فراماسونری مستعفی‌ویا اخراج می‌شد،اگر اسراردرون لژها را افشاء وبرملاء می‌ساخت ویاکتب ومقالاتی می‌نوشت ، او را به وسائل مختلف می‌کشتند و سرنوشت وی را برای عبرت سایرین بصورت مقالات ونشریات منتشرمی‌کردند . تاکنون‌کتب زیادی از طرف فراماسونها و یا مخالفین آنها دربارهٔ «قربانیان افشاء اسرارماسونی» منتشرشده که بنظر مخالفین قصه‌های جعلی وعاری ازحقیقت بوده وصرفاً برای ارعاب ووحشت اعضاء و مخالفین منتشر گردیده‌است ، در حالیکه خود ماسونها به حقیقی بودن این گونه نوشته‌ها اعتقاد و ایمان دارند و آنها را حقیقت محض می‌دانند ، و یا لااقل با این قصه‌ها تظاهر می‌کنند .



ناپلئون کبیر امپراطور فرانسه در لباس فراماسونی در محفل لژ پاریس

معروفترین حادثه‌ای‌که دراکثرکتب فراماسونی ذکر شده « حضور ناپلئون بناپارت» درلژ فراماسونی‌گرانت اوریان‌فرانسه‌است می‌گویند ناپلئون مطلع شدکه درپاریس‌جمعیت سری فراماسونری وجوددارد‌که اعضاءآن مخفیانه گرد هم جمع می‌شوند وعلیه حکومت وسلطنت اوتوطئه می‌کنند . اوگمان‌کردکه اجتماع‌سری اعضاء جمعیت به زیان اوعمل می‌کندودرصدد اعادهٔ رژیم‌ساطنتی قدیم فرانسه‌است وبه‌او خبرداده شدکه یکی از وزیران کابینه عضوآن جمعیت است. ناپلئون بنای استمالت خاطر، آن وزیرراگذارد واورا بوعده و نوید زیاد خوشدل وراضی‌ساخت.

او پس ازمدتها موفق شد ، پاره‌ای از آداب ورسوم سری فراماسونری راکه فقط درون لژها انجام می‌شد واستادان ماسنی از آن با اطلاع بودند،بداند. وی پس‌از اطلاع از«رمز» ورود به محفل پاریس، لباس وزیرمذکوررا بعاریت‌گرفت وپنهانی وارد یکی ازجلسات جمعیت شد . ناپلئون تصورمی‌کرد هیچکس از این اقدامات وعملیات او آگاهی ندارد ولی همینکه با دادن علامت رمزوارد محل متخفی لژشد ودرصندلی نشست «استاد اعظم» لژبا صدای بلند حضور شخصیت بزرگ فرانسه را بین اعضاء اعلام‌کرد وپس ازذکراسم بناپارت گفت :

«فراماسونها بسی مفتخرند که شخص بزرك و اول فرانسه ، بهدفهای عالیه ماسونها پیوسته و « منظم » شده است . » ناپلئون در میان جمعیت بلند شده خود را بهمه نشان داد و خشنودی خود را از دخول در جمنیت فراماسونری اظهارکرد .

رئیس محفل با موافقت بناپارت ، خشنودی امپراطوررا ازدخول درانجمن ابراز نمود ومراسم انتصاب درهمان جلسه بعمل‌آمد واوعضو مجمع فراماسونری شد. پس ازانجام تشریفات رئیس محفل‌گفت :

« حال که شما ماسون شدید، بدین مناسبت مـا نیز هدیه مختصری را بشما تقدیم می‌کنیم » رئیس اشاره به یکی ازنگهبانان‌کرده یکی‌ازماسونها یك‌سینی‌طلا که سرپوش روی آن انداخته شده بود بجلو نـاپلئون آورده تقدیم پادشاه کرد . ناپلئون همینکه روپوش را ازروی سینی‌برداشت سر بریده وزیرخود راکه‌رازهای درونی لژرا افشاءکرده وشاه را به داخل لژراهنمائی‌کرده بود دید وقتی سر وزیر را جلو ناپلئون‌گذاشتند هنوزقطرات خون ازآن‌می‌چکید .!»

این داستان را اکثر مورخین فراماسونی و حتی بیطرفها در مقالات و کتب خود نوشته ویادکرده‌اند وبدینوسیله دستگاه فراماسونی‌را نسبت به ناپلئون‌برتر جلوه داده‌اند . حال این داستان تا چه پایه صحیح است؟ جواب‌آنرا بایستی‌اسناد ماسونی فرانسه بدهد .

حفظ اسرار و رازداری در مجامع ماسونی ایران

در ایران نیز فراماسنی با «راز داری» و «سرپوشی» آغاز شد وچون فراماسونها در دوران استبداد قاجار قبول عضویت در مجامع فراماسنی کرده و همیشه در درون لژهای خوددربارهٔ استبداد و رهائی ازظلم وجور عمال قاجارصحبت وگفتگومی‌نمودند، بالطبع رازداری و حفظ اسرار ازمهمترین هدف آنها قرارگرفت و تا کنون نیزادامه دارد.کسانیکه بدرون لژهای‌فراماسنی و محافل آنها راه یافته‌اند بارها به شعارها،کلمات وجملات‌کوتاه واشعاری‌که همه حاکی ازرازداری وتقبیح افشاء اسرار بوده به خود نسبت داده‌اند . در اصفهان در خانهٔ سرکیس تروسکانیان که از ماسونهای‌ساکن جلفا بوده دوکاشی ٦۰ در٤۰ در دوقاب چوبی‌بدیوار نصب‌بوده‌که پس ازمرگ‌اوبه دکترکارومیناسیان پزشک ساکن اصفهان فروخته شده است . دراین دو قطعه کاشی این بیت با خط زیبائی مشاهده میشود :

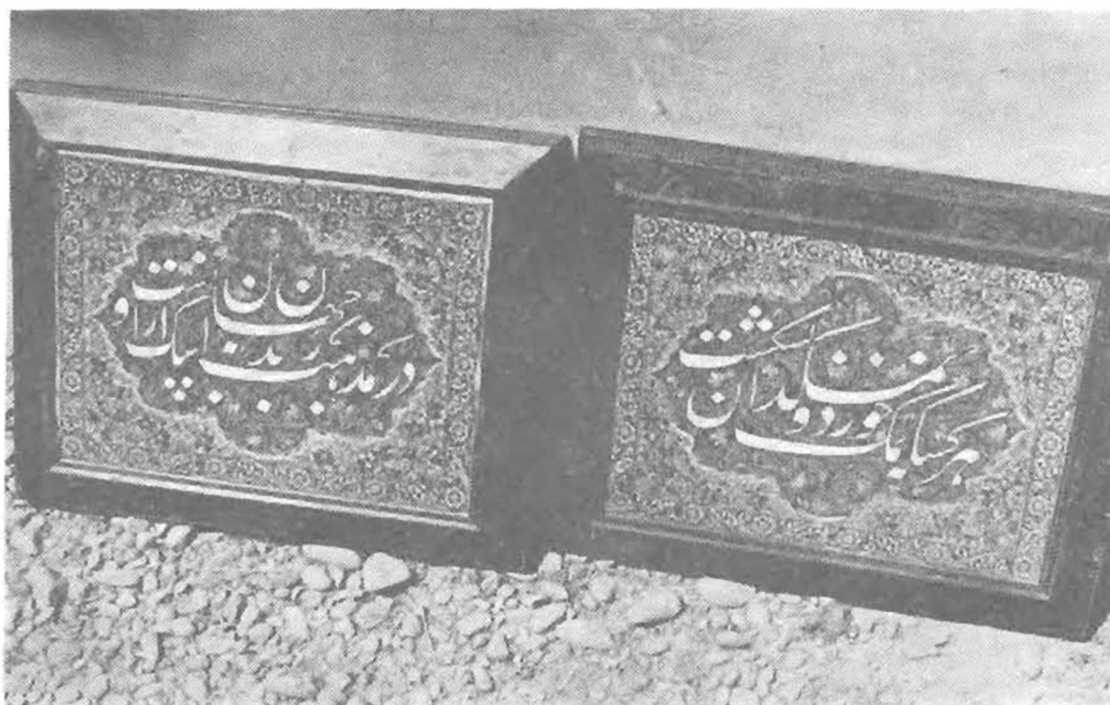
« هرکس‌که نمک خورد و نمکدان بشکست

در مذهب رندان جهان سگ بـه از اوست »

دکترکارو میناسیان‌که متخصص آثارعتیقه است دربارهٔ این تابلو می‌گفت :

« از سراینده بیت فوق هیچگونه‌اطلاعی ندارم و نمی‌دانم این شاعردرکجا می‌زیسته و بقیهٔ این بیت چیست. همینطور دربارهٔتاریخ ساختن این‌کاشی‌واستادی که آنرا ساخته است نشانی بدست نیاوردم و استادان کاشی‌کاری فعلی اصفهان هم نتوانستند سازنده آنرا معرفی کنند . ولی آنچه مسلم است دو کاشی مزبور به سبک کاشیهائی است که در دوره صفویه در اصفهان می‌ساخته‌اند . استادان فعلی کاشیکار اصفهانی و عتیقه شناسان کـه هم اکنون در اصفهان زندگی می‌کنند نظر مرا دربارهٔ ، نوع پخت و رنگ دوکاشی مزبور قبول کرده‌اند . بنظرم می‌رسد که استعمال اینگونه رنگها و طرز پخت دو کاشی مزبور در دوران سلطنت قاجاریه بخصوص در اواخر سلطنت فتحعلیشاه دراصفهان نیز مرسوم‌بوده و تاآخر سلطنت

لوحه کاشی لژ اصفهان درقرن نوزدهم



این الواح درموزه دکتر کارومیناسیان دراصفهان نگهداری می‌شود

مظفرالدینشاه هم شبیه اینها می‌ساخته‌اند . چند کاشی دیگر که از حیث رنگ و پخت با این دوکاشی برابراست مربوط به دورهٔسلطنت ناصرالدین‌شاه و در حدود ۱۳۰۰ (۱۸۸۲م) دراصفهان دیده شده‌است . بنابراین، میتوان‌گفت : این دو کاشی که شاید از شعارهای درون یک لژ فراماسنی در اصفهان بوده در دوران سلطنت پادشاهان قاجاریه در اصفهان ساخته شده و حتماً هم استاد سازندهٔ آنها اصفهانی بوده است زیراتمام ریزکاریهای استادان اصفهانی در دوران شاهان قاجاریه دراین کاشیها دیده می‌شود .»

نویسنده خود در شیراز در خانهٔ یکی از فُراماسنهای قدیمی نیز تابلو مذهبی دیدم که شاید مربوط به‌هشتاد تا یکصدسال قبل باشد . روی این تابلو که در قاب چوبی بود و آنرا یک استاد مذهبکار شیرازی با رنگ وآب طلا مذهب کاری کرده بود به‌خط یک خوشنویس شیرازی این‌بیت سعدی مشاهده می‌شد:

هزار مرتبه سعدی تو را نصیحت کرد

که حرف محفل مارا به‌مجلسی نبری

این تابلوهم‌اکنون دراختیار نسل‌دوم‌یک فراماسون قدیمی است ومتأسفانه از افشاء اسم صاحب اصلی تابلو و خانواده‌ای که هم اکنون آنرا در اختیار دارد معذوریم . در تهران هم در خانهٔ یکی از فراماسنهای عضو لژ بیداری ایران که شاید از جمله ۱۱۰ نفر عضو انجمن اخوت ظهیرالدوله بوده . این بیت در روی یک صفحه‌مذهب نوشته شده‌بود [۱]

هر کـه را اسرار حق آموختند
مهر کـردند و دهانش دوختند



وجود این‌سه تابلو درخانهٔ فراماسنها،نشانه‌ای از«حفظ اسرار»و«رازداری» شدید آنهاست .

فراماسونهای ایرانی برای اینکه هیچگاه ازین وظیفه خطیر و مهم خود غفلت نکنند با استفاده ازاشعار شعرای ایرانی «حفظ اسرار» را همواره‌نصب‌العین قرار داده و بدینوسیله دستور مهم این فـرقه عظیم جهانی را یاد آور می‌شوند .

---

۱ ـ تابلو مزبور دراختیار نگارنده است.

علاوه براینها ، درنظامنامه‌ای‌که لژ بیداری ایران تحت‌عنوان «مجازات» درپانزده ماده تنظیم کرده ، کیفر گناهانی که ماسونها مرتکب می‌شوند به تفصیل ذکر شده و در پایان ماده پانزدهم ماده واحده‌ای تحت عنوان « افشای سرّ و خیانت» وجود دارد که درآن چنین نوشته شده است :

« اگر برادری مرتکب این‌گناه عظیم شد قول و شرف خود را باخته‌وبرضد قسمهای خود رفتار کرده است آن برادر بیگانه است و ظالم و از درجهٔ انسانیت ساقط ل .˙. در او بنظر حیوان درنده و حشرات مضره خواهد نگـریست معهذا جمع برادران می .˙. دراخذ انتقام هر یک فرداً فرد بر قسمهائیکه یادکرده‌اند عمل خواهند نمود یعنی پس از تحقیقات عمیقه و محکمات دقیقه و ثبوت خیانت بهر وسیله‌که شده و هر جائیکه باشد او را راحت نخواهند گذاشت . در اجرای اعدام معنوی او خواهند کوشید خلاصه از سر خائنین بهیچ وجه دست نخواهند کشید . »

درترجمهٔ قانون اساسی‌فراماسنی‌که بوسیلهٔ لژ بیداری ایران صورت‌گرفته است در این باره چنین نوشته شده است :

« ... بگروندگان خود سفارش می‌کند که بواسطهٔ سرمشق نیکوکاری‌وگفتن و نوشتن این‌مسلک را انتشار دهند با رعایت راز داری ماسنی ...»[۱]

اینک آئین‌نامهٔ لژ بیداری‌ایران که دربارهٔ «مجازات فراماسنها» وتخلفات آنها درسال ۱۳۲۴ (۱۹۰۶ م) چاپ وژلاتین شده عیناً نقل می‌شود :

در مجازات

ل .˙. مسئول حرکات وطرز رفتار اعضای خود است زیراکه حق دارد م .˙. هائی را که سزاوار و لایق این مقام مقدس نیستند بر وفق قوانین اساسیه می .˙. تنبیه و مجازات نماید .

۱ ـ جمیع برادران را فرض است که در اجتماعات ل .˙. حضوربهمرسانند

۱ ـ قانون اساسی چاپ ۱۹۰۹ ص ۲۱ .

اگر برادری را امر مهمی روی دهد کـه نتواند در ل.·. حاضر شود باید پیش از وقت علت نیامدن خود را کتباً و یا بتوسط برادری به رئیس اطلاع بدهد تاایشان سایر برادران را مستحضر دارند .

۲ ـ هر یک از برادران‌که در ل .·. حاضر نشد وعلت‌نیامدن خود رااطلاع نداد مسئول خواهد بود .

۳ ـ دفعهٔ اول رئیس از جانبل .·.کاغذی به‌آن برادرمی‌نویسد ویابتوسط برادری پیغام زبانی می‌دهد که از قوانین می .·. انحراف ننماید و دوری نجوید چه حضور داشتن در ل.·. از اوامر مؤکده می.·. است .

٤ ـ اگر برادر مسئول طرز رفتار خود را تغییر داد و تنبیه شد فبها المرام والادفعه ثانی رئیس‌کاغذی می‌نویسد وبتوسط دو نفر از برادران که در ل.·.معین می‌شوند می‌فرستند که لساناً نیز نصایح لازمه بعمل آمده باشد .

٥ ـ دفعهٔ ثالث اگرمقصود حاصل نشد بعلاوه اقدامات مذکور درفوق جزای نقدینه قرار می‌دهند مقدار آنرا ل.·. تعیین می‌کند.

٦ ـ اگر برادری به اخطارات ل .·. اعتنا نکرده سه‌مرتبه اتصالاً در ل .·. حاضر نشد و علت نیامدنش را اطلاع نداد و یا آنکه علتیکه برای نیامدن خود بیان کـرده در محضر ل.·. مقبول نیفتاد آن برادر در حکم استعفا کرده محسوب خواهد شد .

۷ ـ این‌قسم برادران اگرچه از می .·. خارج نمی‌شوند ولی ل .·. به‌اعضای خود قدغن می‌کندکه به نظر خارجی درآنها بنگرندو بهیچوجه ازمذاکرات‌ل.·. اطلاعی به‌آنها ندهند و در معبد نامحرمشان دانسته قبول‌نکنند .

۸ ـ اگر برادری برخلاف قرارداد ل.·. برادرانیکه از معبد خارجندازکار ومذاکرات ل.·. مطلع‌کند خوداو مسئول خواهد بود .

۹ ـ برادری‌که مسئولیت فوق را بر خود وارد آورد از سه الی شش ماه بر حسب قرارداد ل.·. درمذاکرات می.·. قبول نخواهدشد .

۱۰ ـ برادران مسئول که از ل.·. دور شده‌اند اگر بخواهند دوباره قبول شوند باید پشیمانی خود را کتباً به رئیس عرضه دارند و استدعای دخول در ل.·. را نماید.

۱۱ ـ رئیس عریضه را در ل.·. می‌خواند و رأی می‌طلبد اگر ل.·. به‌اکثریت آراء استدعای برادرخارج شده راپذیرفت در مجلس به عنوان برادرمی‌تواندحاضر بشود و باید در محضر مقدس ل.·. علناً عذرخواهی نماید ولی اگر استدعای برادر مذکور مقبول نیفتاد رئیس کتباً یا لساناً جواب می‌دهد که تا فلان مدت حق‌دخول نخواهد داشت (مدت را ل.·. تعیین می‌کند).

۱۲ ـ در ختام مدت مذکور برادر خارج شده در باب قبولی خود در ل.·. بایدمجدداً عریضه‌عرض‌کند ولی ل.·. بهمان ترتیب اول رفتار خواهد کرد.

۱۳ ـ برادرانیکه به ملاحظات امور پلتیکی مملکت لابد و ناچار ازحضور در ل.·. محروم خواهند ماند باید علت مجبوریت خود را به ل.·. عرضه دارند اگر ل.·. رأی دادبرادران مشارالیه مسئول نخواهندبود وسایر برادران می‌توانند از مذاکرات ل.·. اطلاعات‌لازمه را به‌آنها بدهند ولی اگر عذرشان در ل.·. حسن قبول نپذیرفت باید دراجتماعات ل.·. حاضر شوند والا مسئول خواهند بود.

۱۴ ـ برادرانیکه بر حسب قرارداد ل.·. از ل.·. موقتاً خارج شده‌اند از تأدیه حقوق صندوق معاف نمی‌باشند.

۱۵ـ برادرانیکه درمدت دوری از ل.·. اقساط خود را بصندوق‌نپرداخته‌اند باید اگر استدعای تجدید قبولی آنها پذیرفته شد قبل از حاضر شدن در معبد بازمانده اقساط‌راکاملا بپردازند.

۱۶ ـ اگر مدت تبعید از ل.·. ششماه کشید و برادر مسئول حقوق صندوق را نپرداخت برادر صندوقدار باید مطالبه نماید.

۱۷ ـ از تاریخ مطالبه صندوقدار الی یکماه اگر حقوق صندوق تأدیه‌نشود ل.·. حق دارد برحسب قوانین اساسی م.·. اسم آن برادر را از دفتر بکلی

اخراج نماید .

۱۸ ـ برادرانیکه بر حسب قـرارداد ل .'. از معبد دور می‌شوند در تحت نظارت و تفتیش ل.'. خواهند بود یعنی اعضای محترم ل .'. فرداً فرد در اعمال‌و افعال و اقوال وگفتار آنها از دور ونزدیک مراقبت و مواظبت تامـه را خواهند داشت و اگر حرکتیّ مخالف قوانین مقدسه می .'. ازآنها بروز کند درمقام‌انتقام برخواهند آمد .

۱۹ ـ درمی.'. تقصیر حدمعینی ندارد ولی بطور عموم مغایـرت با قوانین مقدسه می .'. بردو نوع است :

اولاعدم اطاعت بر قراردادهای ل .'.وعدم اجرای شرایط آدمیت‌وانسانیت که اصل مبنای می .'. برآن است .

دوم افشای سرّ یعنی خیانت بر تمام هیئت مقدسه می .'. عالم و مخالف با قسمهائی که یاد کرده است .

عدم اطاعت به قراردادهای ل .'.
و عدم اجرای قوانین انسانیت

۱ ـ هر مطلبی که در ل .'. مذاکره وقبول گردید برگشت ندارد و اطاعت آن تمام برادران را فرض .

۲ ـ برادران غائب حق اعتراض نخواهند داشت .

۳ ـ هر اعتراض و ایرادی باشد باید در ل .'. در اثنای مذاکرات گفته‌شود ولی وقتیکه مطلبی را ل .'.قبول کرد دیگر احدی حق گفتگو نخواهد داشت .

٤ ـ برادرانیکه اطاعت قراردادهای ل .'.راقبول‌می‌نماید مسئولند دفعـهٔ اول توبیخنامه از جانب ل .'. برعلیه آنها نوشته می‌شود و دونفر ازاعضاءِ مأمور به ابلاغ آن می‌گردند .

٥ ـ اگربه‌آن‌وسیله برادران سرکش‌رفتار خود را تغییر ندهند ل .'.مجلس فوق‌العاده قرار داده برادران مشارالیهم‌را احضـار می‌نماید و در حق آنهاتوبیخ

علنی وحضوری مجری می‌نماید .

۶ - در صورتیکه به احضار نامه ل .∵. اطاعت نکنند ویا اطاعت کرده بیایند ولی بازموخراً درقبول قراردادهای ل .∵. اهمالی ورزند آن برادران درششماه الی دوسال از ل .∵. خارج خواهند شد دراین مدت ازمذاکرات ل .∵. به آنها ابداً اطلاعی نخواهند داد .

۷ - در ظرف مدت تبعید از معبد در اعمال و اقوال آنها مخالفتی باقوانین مقدسهٔ می .∵. دیده می‌شود وبعدازثبوت محکمهٔ ل .∵. برادران مذکور را ازسمت می .∵. بکلی طرد خواهدکرد .

۸ - برادرانیکه برخلاف قوانین اساسی می .∵. بر حقوق مسلم برادران خود ویاشرف شخصی ویاصفتی وامور شخصی آنها صدمه برسانند در محضر مقدس ل .∵. مسئول خواهند بود .

۹ - ازآنجائیکه قوانین مقدسه می .∵. منبع انسانیت است بایداعمال شخص م .∵. در خیرخواهی عموم بمنزلهٔ سرمشق باشد لهذا برادرانیکه از قوه و اقتدار خود استفاده نمودحقوق زیردستان راخواه م .∵. خواه بیگانه پامال یا ابطال نمایند مسئول خواهندبود و طرزتنبیه این برادران را ل .∵. به اکثریت معین خواهدکرد.

۱۰ - برادرانیکه بیشتر از ششماه از ل .∵. خارج می‌شوند باید تمام اوراقی که در نزد خود دارند و اسناد می .∵. آنهاست به برادر دبیر ل .∵. بسپارند والا بر مسئولیتشان خواهد افزود .

۱۱ - اگر ل .∵. برادری را از می .∵. طردکرد قرار خود را بتمام ل .∵. های می .∵. خارجه و یا رأساً و یا بتوسط شرق‌اعظم فرانسه اطلاع خواهد داد .

۱۲ - هر برادری‌که در ل .∵. امری را متعهد شد ویا برای‌خدمت به می .∵. وعده داد مجبور برایفای آن است باید حتماً ازعهده برآید .

۱۳ - در معبد مقدس می .∵. رودربایستی و ملاحظه و خودنمائی و بغیر

از حقیقت سخنرانی گناه محض است لهذا از تعهدات و وعده و وعیدهای ظاهری برادران محترم باید همیشه احتراز نمایند.

چنانچه تعهدات وعده ووعیدها را اگردرسر وعده ومجری نشویدل .·. کذب گوئی ندانسته مرتکب آنرا مدت غیرمعینی از معبد دور خواهد کرد.

۱۴ ـ هیچیک از برادران حق ندارد بدون اجازه ل .·. کسی را دعوت به می .·. نماید اگردعوت کند مسئول خواهد بود ومورد مؤاخذه و توبیخ خواهدشد.

۱۵ ـ هر یک ازبرادران منافع شخصیه خود را برمنافع عامه ترجیح دهد نباید امید معاونت از ل .·. داشته باشد.

اولین فراماسون ایرانی که مجازات شد

اولین فراماسن ایرانی که به‌جرم «خیانت» و«افشاء اسرارماسنی» غیاباً درلژ ماسنی محاکمه‌ومحکوم به‌اعدام شد، موقرالسلطنه‌بود.اوکه ازفراماسونهای فداکار وازخودگذشته بود ویکباربه دستورمظفرالدینشاه به جرم «خیانت به شاه» وکمك به‌آزادیخواهان مجازات‌وبه‌چوب بسته شده بود وهمسرش‌را هم بزورمطلقه ساخته و به‌زوجیت امـام جمعه تهران درآورده بودنـد، در دوران استبداد صغیر بعلت رنجشهائی‌که ازلژبیداری ایران و فراماسونهای عضوآن حاصل کرده بود بطرف محمد علیشاه رفت و اسراردرون لژبیداری را افشـاء نمود و به هم مسلکان خود خیانت‌کرد وبهمین جرم نیزمحکوم به‌اعدام شد.

موقرالسلطنه‌نوهٔ محمدرحیم خان‌کشیکچی‌باشی امیر نظام‌وپسر ناظم‌السلطنه بود. ناظم‌السلطنه چهارفرزند ذکور بنامهای حـاجی معین‌الدوله ـ علاءالدوله ـ احتشام‌السلطنه ـ مـوقرالسلطنه داشت. ازروزیکه او وارد دربـار شد همواره با میرزا علی‌اصغرخان اتابك همراه و همفکر بود.

مظفرالدینشاه دخترخود شکوه‌الدوله را به موقرالسلطنه داد واو علاوه بر اینکه داماد شاه بود، چون باآزادیخواهان و مشروطه طلبان همکاری وهمفکری



موقرالسلطنه عضو لژ فراماسونی که‌حکم‌اعدام او را استادان ماسونی صادر کردند.

داشت مورد اعتماد و وثوق آنها واقع شد، واغلب واسطه‌گفتگوها ومذاکرات سرّی آنان با شاه بود . در آخرین سفرمظفرالدینشاه به اروپا ، هنگامیکه محمد علی میرزا ، ولیعهد و نایب‌السلطنه بود ، چون ازارتباط موقرالسلطنه باآزادیخواهان وعضویت اودر فراماسونری اطلاع داشت ، بعنوان اینکه وی با زنش بدرفتاری می‌کند اورا وادارکرد کــه همسرش را طلاق بدهد . وچون موقرالسلطنه حـاضر به اینکارنبود ، دربارقاجارباکمك شیخ‌فضل‌الله اجباراً اورا مطلقه ساخت ،بطوریکه حتی همسرش دختر مظفرالدینشاه هم بــه این طلاق راضی نبود . مجریـان این مجازات این شکنجه را هم کافی ندانسته و در روزهائیکه مظفرالدینشاه از اروپا

برمی‌گشت وسائلی فراهم کردند که شکوه‌الدوله همسر سابق اورا بعقد و ازدواج میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران درآوردند .

موقرالسلطنه پس از این وقایع و بر اثر ناراحتی شدید ، خود را بیشتر به سازمان فراماسنی وسازمانهای علنی و مخفی آزادیخواهان نزدیك کرد تا جائیکه رسانیدن شب نامه‌های فراماسونها وسازمانهای آزادیخواهان را بعهده گرفت . در یکی ازروزهاکه می‌خواست شب نامه‌ای را در اطاق شاه بگذارد ، مظفرالدینشاه اورا دید ودستورداد به‌چوبش ببندند. جریان این واقعهٔ مهم‌که شاید بتوان آنرا یکی دیگرازنقش‌های لژفراماسنی ایران درراه مبارزه با دربارقاجاردانست‌توسط مورخین چنین نقل شده است :

انجمن سرّی وارسال شب نامه بخوابگاه‌نیاوران

درسال ۱۳۱۸ هـ (۱۹۰۱ م)که مظفرالدینشاه اتابك را مأمورگرفتن «وام» با شرایطی سنگین ازدولت‌روسیه تزاری نمود ، فراماسنهای ایران که در آنوقت یك تشکیلات مخفی وابسته سرّی بنام «انجمن سرّی»[۱] داشتند شروع به‌فعالیت علیه‌اخذ «وام» نمودند. براثراین‌فعالیتها مجدداً نارضایتی مردم واعتراض‌عمومی‌آغازشد .[۲] اعتراضات مردم‌که ابتدا بصورت‌شایعات وسخنان بازاری شروع شد، بتدریج با صدوراعلامیه‌های مخفی وشب نامه‌های‌شدیداللحنی وسعت‌گرفت‌وفراماسنها بوسیله موقرالسلطنه ودیگران‌که همگی ازاعضاء«انجمن سرّی» بودند، اعلامیه‌ها را حتی به حرم شاه می‌رسانیدند . مندرجات شب نامه‌ها بیشترعلیه امین‌السلطان (صدراعظم) بود و آنها او را به وطن فروشی وخیانت و

۱ـ مجلهٔ یغما سال سیزدهم مقاله «نخستین شاعرآزادیخواه ایران» ص ۱٤۸

۲ـ درتاریخ انقلاب ایران براون دراین باره چنین مینویسد :

«۳سپتامبر۱۹۰۱ کلنشتن زیتویك ۱۳ اگست، یك‌آشوب‌دامنه‌داری منبعث‌ازنارضایتی ازحکومت بویژه افتتاح باب مذاکره درباره وام جدیدی از روسیه راگزارش میدهد.»



موقرالسلطنه‌در بالای چوبه دار

خودداری ازاصلاحات‌کشورمتهم می‌کردند. دراین‌شب نامه‌ها مطالب زننده‌ای نیز درباره‌گرفتن وام ازروسیه ذکرشده بود. دریکی ازشب نامه‌های ژلاتینی‌قصیده‌ای که سید احمد فخرالواعظین‌کاشانی متخلص به خاوری سروده و مضمون آن علیه امین‌السلطان بود، چنین درج شده بود :

ارمنی زاده میازار مسلمانان را　　　بکف کفر مده سلطنت ایمانرا

عاقبت خانه ظلم تو کند شاه خراب　　　پس چه‌حاجت‌که برافلاك‌کشی‌ایوان را

دامن غیرت چه شود درکف ملت‌ظاهر　　　پاك از لوث وجود تو کند بستانرا

کاسه لیسی تو از روس ندارد ثمری　　　کاین سیه‌کاسه در آخر بکشد مهمانرا

باری، دریکی‌ازروزهاکه شاه درخوابگاه‌کاخ نیاوران دربرابر آئینه‌ایستاده بود، موقرالسلطنه‌که مأموریت داشت این شب نامه را بداخل دربار برساند پاکت حاوی‌آنرا درروی میز تحریرشاه‌گذاشت. ولی بمحض اینکه خواست خارج شود، شاه‌که در برابر آئینه ایستاده بود، اورا دید. و از چگونگی رسیدن شبنامه‌ها به

درباروحتی روی میز تحریروزیر بالش خود مطلع شد . او چنان عصبانی گردیدکه همانا دم به موقرالسلطنه گفت: «پس معلوم شدکه ریشهٔ فساد درخانه خود من است» وسپس فرمان داد اورا به چوب بستند وآنقدر تازیانه برپایش زدندکه، مجبورشد اسامی اعضاء انجمن سرّی راکه درنوشتن شب نامه‌ها دخالت داشته‌اند افشاء کند . ولی با این وصف موقرالسلطنه طبق دستور مرکز فراماسونری فقط اسامی اعضاء «انجمن سرّی» را ذکرنمود وحتی اسم یکنفرازماسنهارا به‌زبان نیاورد .

وقتی شاه ازوجود انجمن سرّی وفعالیتهای علیه‌خود مطلع شدبه‌آقابالاخان سردار دستور توقیف و دستگیری نویسندگـان شب نامه‌ها را که همه در صفوف آزادیخواهان و مشروطه طلبـان قرار داشتند صـادر نمود و رئیس نظمیه وقت بفرمان شاه این عده را در جمادی‌الاخر سال ۱۳۱۹ (سپتامبر ۱۹۰۱) دستگیر و زندانی کرد :

۱ـ شیخ یحیی‌کاشانی نویسنده وتهیه‌کننده شب نامه‌ها .

۲ـ سید احمد فخرالواعظین‌کاشانی سرایندهٔ اشعار .

۳ـ سید حسن برادرسید جمال‌الدین مدیر روزنامهٔ حبل‌المتین .

٤ـ میرزا مهدیخان وزیرهمایون که وزیر ودر سفرشاه به اروپا همراه اوبود .

٥ـ میرزا محمد علیخان قوام‌الدوله‌که از درباریان بنام و مردی توانگرو دشمن سرسخت امین‌السلطان بود .

٦ـ متمرالملك‌که ازمردم قفقازبود وچون ازمیوه‌ها کنسرو میساخته ، شاه لقب متمرالملك به او اعطاء وحقوق ماهانه به اومیداده است .

۷ـ میرزا سید محمد مؤتمن لشکرنوری .

۸ـ میرزا محمد علیخان نوری .

۹ـ حاجی میرزا حسن رشدیه .

۱۰ـ موقرالسلطنه .

۱۱ـ شیخ عبدالعلی مؤید بیدگلی .

در جریان این دستگیری واقعهٔ تأثرانگیزی نیزرخداد، و آن این بود که مأمورین پلیس وقتی برای دستگیری میرزا محمد علیخان نوری‌میروند اوبالای پشت بام خوابیده بود . همینکه سروصدای مأمورین نظمیه را شنید ، هراسان و سراسیمه بیدارشده وازفرط دستپاچگی از پشت بام بزیرافتاد وپس از چندی در زندان شهربانی درگذشت !

سایر دستگیرشدگان پس از مدتی هریک بنقطه‌ای‌تبعید ویا متواری‌شدند و در بین آنها فقط میرزا حسن رشدیه که بخانهٔ حاج شیخ هادی نجم آبادی پناهنده‌شد تازمان مرگ مظفرالدینشاه درآنجازندگی‌می‌کرد .کسروی می‌نویسد: « ... اگر نرم دلی مظفرالدینشاه‌نبود هیچیک از آنان زنده نمی‌ماندند ... شیخ یحیی را دست بسته بر اسبی سوارکردند و به اردبیل‌فرستادند. سید حسن‌راپپاس برادرش و میانجیگری عین‌الدوله بخشیده بمبارك آباد ده عین‌الدوله فرستادند» موقرالسلطنه نیز مدتی زندانی بود و سپس با وساطت بعضی از دوستان خود در دربار آزاد شد . ولی پس از آزادی مورد بی مهری فراماسونهاواقع گردیدزیرا قسمتی از اسرار آنها را بروز داده بود و فراماسونها اغلب به او نظر خوشی نداشتند و در نتیجه موقرالسلطنه که خود را از هرطرف «رانده» میدید ، اجباراً بطرف محمد علیشاه روکرد ودر خفا بااو سازش‌نمود. بطوریکه ازآن پس اسرار فراماسونها را بطور وسیعتری به او اطلاع می‌داد . کسروی می‌نویسد: « ... پس از استقرار مشروطیت ،گویاموقرالسلطنه ازروی ناچاری یا جهاتیکه کشف‌نشده، در دربار محمد علیشاه وارد و عامل تباهکاریهای‌دربار بشمار آمده وازطرف‌ملیون رانده شد ... » علت رانده شدن وی را از جرگهٔ آزادیخواهان تقی زاده به احمد پژوه مترجم کتاب (انقلاب ایران) پروفسور ادوارد براون انگلیسی چنین نقل کرده است :

« ... شادروان‌ظهیرالدوله رئیس انجمن اخوان‌الصفاء با مشورت وصلاح‌دید

دوستانیکه همه از مردان بنام، فهیم واز زمره اعیان شاهزادگان ، معاریف‌دانشمند و بالجمله همه آزادیخواه و مشروطه طلب بودند ترتیب‌نمایشی بـرسم فانتوم [1] دادند .

سن نمایش در تالارخانهٔ ظهیرالدوله آراسته و همهٔ پیروان وهم‌مسلکان به ویژه‌اعضاءِاخوان‌الصفاحاضرومبلغ‌هنگفتی‌درآمدبدست‌آمدکه‌بمصرف‌نیکوکاری‌و فرهنگ‌رسیده‌بود. موضوع‌نمایش‌که‌ایفاءکنندگان‌رلهابی‌صداکارخودرا انجام می‌دادند،این‌بود که‌اوضاع سیاسی‌کشور را درآنموقع مجسم می‌ساخت و چنین بود :

پرده بالا می‌رود، محمد علیشاه‌که از هرحیث مانند خودش بود ــ روی‌تخت سلطنت آرمیده ویک جنازه در چند قدمی تخت روی زمین دراز کشیده ، دراین موقع پیشخدمت داخل شده ، پس از تعظیم به شاه خبر می‌دهد که سفیر انگلیس آمده ، پروانهٔ شرفیابی می‌خواهد شاه اجازه می‌دهد .

سفیر واردشده بسوی‌شاه می‌رود زانوی او رامی‌بوسد ومطلب‌خود راآهسته بدون اینکه‌کسی بشنود بعرض می‌رساند . پیداست‌که شاه درخواست اوراپذیرفته زیرا سفیر بسیار شنگول شده ،سوی جنازه رفته کلاه او را برداشته از در بیرون می‌رود .

طولی نمی‌کشد کـه پیشخدمت آمدن سفیر روس را بشاه عرض می‌نماید ، اجازه شرفیابی می‌دهد ، سفیر روس مثل همکارش شرفیاب و پس از نجوا، خندان شده به‌جنازه نزدیک گشته کفش او را درآورده بیرون می‌رود.

بهمین سان کسان دیگر از نمایندگان خارجه و بزرگان داخلـه شرفیاب ، هریک چیزی‌از لباس وآنچه در جنازه یافت می‌شده برداشته می‌روند . سرانجام جنازه برهنه و از هستی ساقط می‌گردد ، در اینوقت چند نفر از وطن پرستان و خیرخواهان دولت و ملت آمده اجازهٔ شرفیابی می‌خواهند و شاه را از خـواب خرگوشی بیدار و جنازه را که نقش ایران بوده نشان می‌دهند که چگونه برهنه

---

1 _ Fantome .

وناتوان گردیده و می‌فهمانند که اگر شاه پشت به پشت او دهد ، بیاری یکدیگر دفع دشمن بدخواه توانندکرد . شاه متنبه شده برمی‌خیزد ، جنازه نیز اندام‌راست کرده بشاه دست می‌دهد ، هردو پشتها بهم داده ، در این هنگـام ، همان اشخـاص کلاهبردار و لخت‌کن‌ظاهر می‌گردند ، این‌بار دیگر شاه هوشیار و نیرومند است، از یکطرف ، او از سوی دیگر وطن با مشت و لگد یغماگران را دورمی‌سازندو براه می‌افتد »[۱]

مترجم‌کتاب انقلاب‌ایران‌دردنباله این داستان می‌نویسد: «... موقرالسلطنه که از گروه اخوان‌الصفاء بود و بظهیرالدوله ارادت می‌ورزیده و در این نمایش تماشاچی بوده ، گزارش چگونگی را بشاه می‌دهد و از سوی شاه ، اشخاصی بنام تماشاچی این نمایش ، مورد تعقیب و سرزنش قرار می‌گیرند بویژه ظهیرالدوله شوهر عمهٔ‌خود وی‌مورد عتاب واقع می‌شود .گزارش دهنده شناخته شدو ازمجمع برادران [منظور فراماسونهاست] نیز رانده می‌گردد . می‌گویند علت بتوپ‌بستن خانهٔ ظهیرالدوله همین‌بوده‌که شاه‌کینهٔ اورابدل‌گرفته وخانه‌اش رادراستبدادصغیر بتوپ بسته وویران‌کرده‌است »

روزنامهٔ ایران نو[۲] که از جراید پیشرو و تندرو دوران استبداد صغیر بود در بارهٔ خیانتهای موقرالسلطنه « بگروه آزادیخواهان » و «انجمن سرّی» سلسله مقالاتی بقلم عبدالوهاب زاده نوشته و در آن چنین تذکر داده است : « ... همین

---

۱ ـ انقلاب مشروطیت ایران براون ـ چاپ اول ص ۴۲۰

۲ ـ روزنامه ایران‌نو در ۷ رجب ۱۳۲۷ ق (۲۸ ژوئیه ۱۰۰۹) در تهران بمدیریت سید محمود شبستری آذربایجانی ملقب به ابوالضیاء برای اولین بار در تاریخ جراید ایران بقطع بزرگ منتشر شد . این روزنامه ارگان حزب مستقل دموکرات ایران بود و سبك‌نوین روزنامه‌نگاری را بوجود آورد در شمارهٔ ۱۰۲ توقیف شد پس از یك هفته بمدیریت‌سیدمهدی افجه‌ای و بدون‌نام‌شبستری‌ومدتی‌نیزبمدیریت محمدامین‌رسول‌زاده که ازانقلابیون‌معروف‌ایران‌و ضدکمونیست معروف و با استالین ولنین دوستی داشت دردورهٔ دوم پس ازسیزده سال روز ۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۲ منتشر شده است .

موقرالسلطنه ظاهراً عضو انجمن آذربایجان بود ولی در باطن را پورتچی محمدعلی میرزا بود که در این اواخر اعضاء انجمن فساد اخلاق او را فهمیده و در مجامع سرّی انجمن راهش نمی‌دادند. شبها همه شب هم خیال و ندیم و محرك محمدعلی میرزا بود و روزها در محافل ومجامع غم ملت می‌خورد و وطن‌وطن می‌گفت تاجائی که انجمن آذربایجان پس از اینکه سوء اعمال او را کاملا ملتفت شد از عضویت جداً خارجش نموده به اسم مشروطه طلبی علت العلل نفاق وکدورت بین انجمنها بود ... »[1] و در جای دیگر می‌نویسد: «... در بدو تأسیس انجمن فتوت که سردار ارشد و مفاخرالملك و مجللالسلطان و همین موقرالسلطنه اعضای آن بودندچه اظهار محبت وهمدردی خارق‌العاده از آنان نسبت به ملت ایران به سمع می‌رسید. اعضاء همین انجمن برای کشیدن نقشه‌های استقلال کش از جاده فتوت منحرف شده و با لقب متحدالمال خود از قبیل محفل آزادگان، انجمن آل محمد، جامع آدمیت، انجمن حسن آباد و کمیته‌های سرّی و انجمن گلستان همدست شده و عصمت مادر وطن را دستخوش شهوترانی سبعان درباری نمودند ...»[2]

موقرالسلطنه در دوران استبداد صغیر وهنگامی که محمد علیشاه مجلس را بتوپ بست و آزادیخواهان‌را دستگیر، محاکمه واعدام کرد، همچنان درصف درباریان مستبد بود و علناً با همکاران و یاران خود ستیزه می‌کرد پس ازشکست محمدعلی میرزا وپناهنده شدن او بسفارت روس (۲۸ ژوئیه ۱۹۱۰) فاتحین ملی و مشروطه‌خواهان به وسیلهٔ در باریان اورا در فشار گذاشتندتا از سلطنت مستعفی شود. او که با خود مقداری از جواهرات سلطنتی برده بودباعده‌ای از درباریان به روسیه تبعید شدند و قرار شد سالی ۷۵ هزار تومان مستمری بپادشاه مخلوع بپردازند. یکی‌ازهمراهان‌شاه، موقرالسلطنه بودکه دراثر نزاع بامجللالسلطان، مجللالسلطنه و امیر بهادر مجبور به ترك آنها شد. موقرالسلطنه وقتی از دستهٔ

۱ـ روزنامه ایران‌نوشماره ۱۳۰

۲ ـ سلسله مقالات عبدالوهاب‌زاده که شاید نام مستعار یکی از مشروطه‌خواهان‌بوده از شماره۱۲۸ شروع‌تا۱۳۱ خاتمه‌می‌یابد.

محمد علیشاه طرد شد ، به فکر مراجعت ایران افتاد . او کـه در میان مشروطه خواهان و کارگردانان آنروز مملکت دوستان زیادی داشت ، به آنها نامه نوشته موضوع مراجعت به ایران را مطرح کرد و چون جواب مساعد به او دادند ، به امید جوابها و پیغامهائی که دریافت داشت به ایران بازگشت وغافل‌از این بود که دوستان فراماسونش باصلاحدید و نظر مرکـز لژایران او را اغفال کرده و به ایران دعوتش کردند .

معظم السلطنه‌دولت‌که اطلاعات‌مبسوط ومهمی در بارهٔ سازمان‌فراماسونری ایران داشت در این باره بنگارنده می‌گفت :

« پس از اینکه نامه‌ها و پیغامهای موقرالسلطنه به دوستان فراماسونری‌او که بعضی از آنها هم‌اکنون در قید حیات‌هستند رسید ، آنها عین نامه‌ها را به‌مرکز لژ تسلیم کردند . لژ بیداری ایران جلسهٔ محاکمـهٔ غیابی تشکیل داده ، پس از گفتگو در بارهٔ عملیات و اقدامات خائنانه‌اش و اینکه اسرار سازمان را به محمد علیشاه افشاءکرده و در دستگیری‌واعدام‌فراماسنها دست‌داشته ، اورا غیاباًمحکوم به مرگ نمودند . »

مراجعت به ایران و دستگیری و محاکمه

سرانجام روز ۱۳ محرم ۱۳۱۳ (۲۱ ژانویه ۱۹۱۰) موقرالسلطنه از راه خـراسان بـه تهران مراجعت نمود و لدی‌الورود به منزل سپهدار اعظم رفته در خانهٔ او متحصن شد . وقتی وکلای مجلس از ورودش مطلع شدند ، به‌دولت فشار آوردند تا او را محاکمه و دستگیر کنند . سه‌روز بعد مأمورین پلیس وی را در خانهٔ سپهدار اعظم دستگیر کرده و به شهربانی بردندو به بازجوئی از او پرداختند و موقرالسلطنه در بازجوئی مقدماتی علت ورودخود را به ایران چنین بیان کرد :

« ... چون در یکی از جراید ایران خواندم کـه مراهم جـزو متهمین و خائنین وطن نوشته‌اند ، منهم محض رفع این تهمت به ایران آمدم و خود را از

تحت سلطه و اقتدار روس و انگلیس نجات داده و حاضر شده‌ام که اگر خیانتی از من سرزده مجازات شوم [۱]»

پلیس تهران با اجازه شعبهٔ اول محکمه جزا ، خانهٔ او را بازرسی کرد ودر بازرسی خانه‌اش ، کلیه اوراق و اسنادی که در مدت مسافرتش به اروپا به‌او نوشته شده‌بود وهمچنین اسناد واوراق قدیمی‌اش پیدا شد . بین این اوراق و اسنادتعداد زیادی از شب‌نامه‌ها و دستگاه چاپ ژلاتین و نوشته‌هائی مربوط به دورهٔ عضویت او در تشکیلات فراماسونری بود که به قول روزنامه ایران نو : « ... همهٔ اینها برای اثبات بی‌تقصیری وی گـواه کاذب بود زیرا کاغذجات مزبور را هر کدام از یك گوشه وکناری به لطایف‌الحیل بچنگ‌ آوردند که‌مثلابعضی کاغذجات در زیر لباسهای مشارالیه در توی صندوق رخت بوده ، بعضی‌ها درتوی صندوق قند وچای بوده وپاکت بسته هم توی‌کاغذجات مشارالیه بوده‌که معلوم نیست چه مطلبی درآن نوشته شده است ».

پاکت سربسته‌ای که روزنامهٔ ایران نو بدان اشاره‌کرده است، بطوریکه در یادداشتهای خصوصی معظم‌السلطنه دولت دیده شده ، اوراق و اسناد فراماسونری او و شب‌نامه‌ها و دستوراتی بوده است که از مرکز ماسنی به او می‌داده‌اند .اغلب این شب‌نامه‌ها را موقرالسلطنه دردورانی‌که با ماسنها کارمی‌کرد شخصاًژلاتین‌کرده بود وبطورمخفی دردربار منتشر می‌ساخت .

محاکمهٔ موقرالسلطنه

محاکمهٔ موقرالسلطنه روز چهار شنبه ۷ بهمن ۱۲۸۸ (۲٦ ژانویه ۱۹۱۰) در شعبهٔ اول محکمـه جزا با حضور هیئت منصفه که از افراد زیر تشکیل شده‌بود انجام‌گرفت: مستعان‌الملك ، حامدالملك آقا سید عبدالرحیم ، میرزا حسینخان‌کسمائی، ابوالضیاء، مدیرایران‌نو،صدیق‌حرم،مدحت‌السلطنه،آقا میرزا مهدی نوری ، آقا میرزا محسن نجم آبادی ، حشمت نظام ، میرمحمد علیخان

۱ـ شماره ۱۱٦ روزنامهٔ ایران نو.

کلوپ ، میرزا تقی‌خان .

موقرالسلطنه در محضر دادگاه داستان خروج و مراجعت خویش‌راحکایت کرده اظهار داشت :

« روز ۲۱ رمضان ۱۳۲۷ از انزلی و به همراهی امیر بهادر و مجلل به راستف رفتیم . ازآنجا مستقیماً به پاریس رفتم . ارشدالدوله و عیال او و اجزای امیر بهادر ازقبیل لیث‌الدوله وغیره در تاراسف ماندند ومن باميل خود مراجعت کردم و برای اینکه بدانید در راه توقف نکرده‌ام تذکره‌ام را نشان می‌دهم . در خاك روسیه از والاچسکی تا بادکوبه چهار روز در راه بودم و بهیچوجه با محمد علی میرزا ملاقات‌نکردم در عشق‌آباد ، چون اموال و اثاثیه‌ام را دزد برد به‌پلیس مراجعه‌کردم‌که سندآنرا نیزهمراه دارم . از پاریس تاعشق‌آبادباتذکره‌ای‌که بنام خودم بود مسافرت می‌کردم . در عشق‌آباد از میرزا محمد تقی وکیل سابق اصفهان‌که‌گویااسم‌فعلی‌اومیرزااحمدجواهری‌است‌تذکره‌ای‌گرفتم و به اسم روضه‌ـ خوان‌خودمرا به‌اومعرفی‌کردم. ازعشق‌آبادتامشهد ۵ روز درراه بودم، هنگام ورود به مشهد در خانهٔ میرزا علی‌اکبر که اطاقهای مخصوص زوار دارد خانه‌گرفتم از خراسان تا شاهرود با سه‌نفراز غلامهای بانك انگلیس که پول به خراسان برده بودند با یك گاری کـه گویا مال عسکر افندی است مسافرت کردم .

چون سابقاً در سمنان‌حاکم بودم و مرا می‌شناختند به استرآباد و محله‌جزو اشرف رفته به ساری رسیدم از شاهرود تا تهران ۲٤ روز در راه بـودم ، در طول راه سعی می‌کردم که همچنان مخفی باشم و با لباس مبدل بودم و به محض ورود به تهران به خانهٔ سپهدار رفته متحصن شدم »[۱]

پس ازاینکه محکمه وهیئت منصفه به اتفاق آراء به اعدام او رأی دادند ، مجدداً نظمیه او را جلب کرده و به تحقیقات خود ادامه داد . در تحقیقات مجدد اقتدارالسلطنه نماینده حکومت ، نظام السلطـان ، سردار محی و مرأت السلطان

---

۱ ـ شمارهٔ ۱۲۰ روزنامهٔ ایران‌نو.

رئیس ادارهٔ تفتیش و وثوق نظام نیز حضور داشتند و بنا به نوشتهٔ روزنامهٔ ایران‌نو:

«. . . پاره‌ای مطالب هم از او کشف شده که استتار آن نظر به اهمیت مسئلهٔ اصلی بود و ما آنچه را که مقتضی است درج می‌کنیم و خاتمهٔ آن را طبیعت به موقع گوشزد خواهد کرد»[1]

اسراری که موقرالسلطنه برای اعضاءِ کمیسیون افشاء کرد پس از انجام یك سلسله تعهدات و قسم‌هائی بود که بین متهم و اعضاءِ دولتی ردوبدل‌شده . در اولین جلسهٔ بازجوئی ، پس از خاتمه دادرسی ، موقرالسلطنه که می‌خواست بهر نحوی است جان خویش را نجات دهد از اعضاء کمیسیون پرسید: «... اگر من آنچه‌را که می‌دانم بگویم ، شما به مردم می‌رسانید ؟ و آیا ممکن است از گناه من چشم‌پوشی شود و مرا نکشید و بلکه در کیفرم تخفیف داده شود » اعضاءِ کمیسیون به‌او جواب دادند: « ... اگر شما همهٔ حقایق را باز گوئید ، ملت نجیب ایران قطعاً مجازات سنگین شما را سنگین نخواهد گرفت ... » موقرالسلطنه گفت: «... منهم سوگند به خدای جهان یاد می‌کنم آنچه را می‌دانم بدون یك کلمه ناحق و دروغ به‌شما بگویم و شما هم آنرا به‌مردم ابلاغ نمائید ...» ولی مأموران بازجوئی اظهارات او را به اطلاع افکار عمومی نرسانیدند وحتی بعدها اوراق پرونده اوراهم ازبین بردند.

در تحقیقات مجدد موقرالسلطنه جریـان کامل اقدامات محمد علی میرزا را از روز خروج به ایران شرح داد و مدعی شد که محمد علی‌میرزا منتظر اقدامات سوارهای اقبال‌السلطنه ماکوئی ورحیم‌خان بود . ملیون ومشروطه طلبان‌می‌گفتند موقرالسلطنه به دستور محمد علی میرزا برای ایجاد انقلاب به نفع او به تهران آمده درحالیکه یادداشتهای یکی ازهمکاران ماسنی موقرالسلطنه (که از ذکر نام وی معذوریم) حاکیست‌که موقرالسلطنه پس ازاختلافی که با همراهانش پیداکرد نامه‌هائی به همکاران سابق خویش‌نوشته و از آنها خواست که برای مراجعت به ایران برایش وساطت‌کنند . این نامه‌ها درمرکز فراماسونری ایران مطرح شد .

---

۱ ـ شمارهٔ ۱۲۰ روزنامهٔ ایران‌نو.

رؤساء فراماسونری ایران کـه همواره می‌خواستند این (ماسن خیانتکار) را به مجازات برسانند تا بعدهاکسی به خیال خیانت‌وافشاء اسرار نیافتد بظاهر به‌او امان دادند و با مراجعتش موافقت‌کردند .

اگر نامه‌ها و اسنادی‌که ازاوکشف شد بدست می‌آمد یقیناً واسطهٔ لژ بیداری ایران وکسانیکه ازطرف لژبه اواطمینان داده ونامه‌هائی به پاریس نوشته بودند شناخته می‌شدند. ولی‌متأسفانه پروندهٔ محاکمه اودردادگستری مفقودگردیده بودو با وجودآ نکه هنگام مراجعه‌نویسنده به‌دکترهدایتی وزیردادگستری وقت‌نامه‌ای به بایگانی راکد وزارت خانه خویش نوشته و ازمأمورین‌آن خواست که در پیدا کردن این پرونده کوشش کنند ، معذلك پرونده مزبور بدست نیامد وفقط حکم اعدام موقرالسلطنه درپرونده یافته شد . بهر حـال موقرالسلطنه علت مراجعت خود را به ایران درادارهٔ شهربانی چنین بیان نمود: «...باری من ازهمان جاهااز شاه جدا شده با امیر بهادر ومجلل‌السلطان‌و ارشدالدوله به طرف پاریس . رفتیم . دریکی ازمنازل بین راه توی یك مهمانخانه شب در سرقمار با مجلل نزاع کردیم نسبت به من خیلی فحاشی‌کرد توی‌گوش من زد من هم اورا زدم و به اوفحش دادم ازهمان‌شب طبعاً ازاومنزجرشدم. همراهان اوهم از او حمـایت می‌کردند و کتك مفصل‌ومصفائی به‌من زدند وفردای‌آنروزازایشان جداشده بطرف پاریس رفتم...»

روزنامهٔ ایران نودرپایان می‌نویسد: «... بدینجاکه رسیدمحبوس رازهائیرا افشاء نمود که ما شتاب در بازگوئی‌آنرا روا نمی‌داریم ، حتی در پای دار هم پرسشهای بیشتری ازاوشد وپاسخ‌هائی دادکه وظیفه‌کنونی ما اجازه افشاءآنرا نمی‌دهد .

اعدام این مرد تیره بخت به وضع بسیار وحشیـانه‌ای انجام یافت و تأثیر دردناکی نمود این رفتاروقتی دربرابرپرونده شایان تحسین‌مشروطیت عرض‌اندام می‌کند مایهٔ بسیارتأسف است چه بسیار ظالمانه و بهرتقدیرغفلتی درخور سرزنش بوده است .»

احمد پژوه دربارهٔ علت اعدام موقرالسلطنه چنین می نویسد:

عقیدهٔ یك نویسنده «... اما برای تکمیل آگاهی خواننده و این داستان، نگارنده کوشیدم از رازهائیکه موقر هنگــام اعدام پرده برداشته و مؤلف هم افشای آنرا روا ندیده[1]، چیزی دستگیرم شود.

ازهرکه پرسیدم چیزی نمی‌دانست وشایدآنانکه می‌دانند و من نمی‌شناسم یا نمی‌دانم کیانند ولی نتیجهٔ استقراء خودم این است که: موقرالسلطنه بی‌شك از اعضاء فریمسن (فراموشخانه) بوده وهمگی مجامع آزادیخواهان به‌ویژه انجمنهای مخفی یا سرّی که دراین کتاب ازآنها سخن رفته، ازهمین کانون (فریمسن) آب می‌خورده وبدون هیچگونه تردیدی مشروطیت ایران میوه آن است و می‌گویند همهٔ سران نهضت به ویژه شادروان سید محمد طباطبائی و چه بسا مرحوم حاج شیخ هادی نجم‌آبادی و چندتن که هنوز می‌زیند و شـاید بردن نامشان را خوش نداشته‌باشند رؤساءِ شعبهٔ تهران این کانون بوده و بنیاد آن بدست بیگانه و چه بسا بیش ازمرحوم ملکم‌خان هسته شده باشدوبدیهی است که ایرانیها منظورشان خدمت به‌کشورخودبودەولی‌دستورشان ازمرکزاروپا مخصوصاًسوئیس می‌رسیده.[2]

بنا به اظهاراحمدهرمز، نویسنده ومحقق معاصر که خود آنرا از دیگری شنیده است « موقرالسلطنه اسرارفریمسن را به محمد علیشاه بازگوکرده واسباب گرفتاری چند تن ازمأمورین دولت را (پس‌ازبمباران‌کردن مجلس) فراهم ساخته است‌که ازذکراسامی آنان‌معذوریم. وآنچه مسلم است‌اواگرگناه چندان‌هم‌نداشته همین بازگوئی راز، بزرگترین‌گناه اومحسوب وباید اعدام می‌شد.

بهرحال کسانیکه درفریمسن تربیت شده و اصول آنرا محترم می‌شمرده‌اند بدیهی است به نفع نهضت آزادی خدماتی‌کرده، حال اگرملت ما در این پنجاه‌سال پیش رشد سیاسی نداشته وهنوزهم حاضروآماده اینکه اسرارزندگی واصول‌ترقی

۱ـ منظورادوارد براون است‌که دراین باره سکوت کرده است.

۲ـ انقلاب مشروطیت‌ایران پروفسورادوارد براون چاپ دوم ص ٤١ و١١٩

را بشنود نیست ایرادی متوجه واقفین به رموز صدرمشروطیت نمی‌کند»[1]

با این تفصیل کاملا می‌توان فهمید‌که‌موقرالسلطنه نخستین عضوهیئت‌حاکمه ودربارایران واولین فراماسنی‌بودکه به جرم خیانت وافشاء اسرار بوسیلهٔ«عدلیه» و «قوه قضائیه» یعنی‌قوای‌متکی به مردم ، محاکمه ومحکوم شده‌به مجازات‌رسید. شاید بتوان در تاریخ مشروطیت ایران او را اولین «قربانی» دانست وتا امروزهم هیچگاه‌شنیده نشده‌که یکی از اعضاءِ حاکمه ودربار قاجار را علناً‌درمحاکم‌محاکمه واعدام کنند .

بنابراین می‌توان گفت که فقط دستگاه فراماسنی ایران بوده و هست که قدرت اعدام«موقرالسلطنه» وهمکارش «شیخ فضل‌الله نوری» را داشته است . زیرا از آن ببعد هیچیك از ماسنها یا اعضاءِ دستگاه هیئت حاکمه و درباریان قاجار که عموماً یافراماسن‌بودند و یاوابسته و خویشاوند اعضاءِ این‌فرقه بشمارمی‌رفتند به مجازات اعدام نرسیدند .

درکتاب انقلاب مشروطیت ایران که‌نویسندهٔ‌آن مشهور بعضویت‌لژماسونی ایران میباشد ، دربارهٔ فراماسون بودن موقرالسلطنه سکوت کرده‌است. نویسنده حتی خدمات اورا به لژفراماسنی وآزادیخواهان صدر مشروطیت فراموش کرده ووقتی در بارهٔ علت چوب خوردن موقرالسلطنه در زمان سلطنت مظفرالدینشاه مطلبی می‌نویسد ازاو چنین یاد می‌کند : « موقرالسلطنه پسر ناظم‌السلطنه‌برادر-زادهٔ علاءِالدوله وداماد مظفرالدینشاه به واسطهٔ جاسوسی‌که در دربارکرده بود به امرمظفرالدینشاه چوب‌خورد وازدربار رانده شد »[2]

دکترملکزاده‌سپس به بحث دربارهٔ علت‌اعدام او پرداخته وچنین می‌نویسد: «... پس‌ازآنکه‌محمدعلیشاه به‌سلطنت‌رسید چون‌موقرالسلطنه دربی‌رحمی وخبث طینت‌دست‌کمی ازاو نداشت ازمتعهدین ومحارم اوگشت ومأمور- قتل‌اتابك‌گردید. پس‌ازبتوپ بستن‌مجلس وپایان‌دوره‌اقتدار محمد علیشاه به‌همدستی‌باصنیع‌حضرت

۱- انقلاب مشروطیت ایران چاپ دوم ص ۱۱۹

۲ - اعادهٔ مشروطیت - جلد ششم ص ۲۲۰

و سید کمال و مفاخرالملك و شیخ محمود ورامینی از هر نوع آزار واذیت نسبت به مشروطه‌خواهان کوتاهی نکـرد و پس از فتح تهران در سفارت روس پناهنده شد و بهمراه محمد علی‌شاه به خارج ایران تبعید گردید .

پس از چند ماه‌بدون‌سابقه و انتظار و بر خلاف نص صریح پرتـکل منعقده میان دولت ایران و شاه مخلوع و سفارتین روس و انگلیس که حاکی بر این بود که کسانی که با محمد علی شاه تبعید شده‌اند حق مراجعت به ایران را ندارندودر صورتی‌که بدون‌اجازهٔ دولت‌ایران به ایران مراجعت‌کنندمحکوم‌به‌اعدام خواهند شد وارد ایران گردید .

در آن زمان عده‌ای از کسانی‌که با محمد علی شاه تبعید شده‌بودند از جمله مجلل السلطان به آذربایجان رفته بودند و در میان ایلات و عشایر برای اعادهٔ سلطنت محمد علی شاه زمینه چینی می‌کردند برطبق اسناد و مدارکی که به دست دولت و مأمورین انتظامی افتاد مسلم شد که موقرالسلطنه به امر محمد علی شاه برای تهیه زمینه مراجعت او به ایران آمده و با مستبدینی که در سفارت روس پناهنده‌بودند وشب‌وروز برای بازگردانیدن شاه مخلوع تلاش می‌نمودند همدست و هم پیمان می‌باشد .

موقرالسلطنه از طرف نظمیه دستگیر و برای محاکمه بـه مقامات قضائی تحویل داده شد . بر خلاف معمول محاکمه و مجازات موقرالسلطنه باسرعت‌غیر منتظره‌ای انجام یـافت و علت این بود که دولتی‌ها می‌ترسیدند که روسهامداخله کردموآزادی او راتقاضاکنند علت دیگر این بودکه رجال مهم آن‌زمان اکثرشان از دوستان میرزا علی اصغر خان اتابك بودند مخصوصاً سردار اسعد کـه علاقهٔ مخصوصی به خانوادهٔ اتابك داشت و یقین داشتند که اتابك به دست موقرالسلطنه کشته شده و اورا قاتل اتابك می‌دانستند.[۱]

---

۱ ـ شاید علت‌سرعت در محاکمه‌با افشاء اسراری که دربارهٔ فراماسنها می‌دانست‌ارتباط داشته است .

موقرالسلطنه در عدلیه نتوانست از خود دفاع کند و در مقابل مدارك قطعی که در دست بود جان خود را نجات دهد و محکوم به اعدام شد. موقرالسلطنه در مدافعاتی که از خود کرده گفته بود علت مراجعت به ایران خست محمد علی‌شاه بوده و او بقدر کافی که دراروپا زندگی کنم بمن کمك نمی‌کرد و از حیث معاش در مضیقه بودم.

از طرف وزیر داخله شکرالله‌خان (معتمدخاقان) تهران مأمور اجرای حکم محاکمه شد، دار بلندی در میدان توپخانه بپا گردید و موقرالسلطنه را در میان هزارهانفر جمعیت که چون مور و ملخ سطح میدان و پشت بامها را پوشیده بودند بپای دار آوردند و طناب‌دار را بگردنش انداختند و بالا کشیدند امابواسطهٔ وزن محکوم یا بواسطهٔ پوسیدگی طناب، طناب دار پاره شد و محکوم به زمین افتاد و با عجله از جا برخاست ومی‌خواست خود را میان جمعیت انداخته فرارکندامّا دور او را گرفتند و یك نفر مجاهد با ته تفنگ ضربتی بسر او زد که خون‌جاری شد و همه مردم از این رفتار وحشیانهٔ مجاهد مذکور اظهار تنفر نمودند پس از آنکه طناب را استوار نمودند مجدداً محکوم را درمیان هلهله شادی و کف زدن مردم بدار کشیدند»[۱]

سید حسن تقی‌زاده که از راویان حوادث مشروطیت ایران است دربارهٔ قتل موقرالسلطنه بنویسنده گفت:[۲]

«با خروج محمدعلی شاه‌از ایران، عده‌ای از مشروطه طلبان وحتی‌کسانی که کارگردانان اصلی بودند تصور می کردند که او برای همیشه از سلطنت ایران چشم‌پوشیده‌ودیگر درکارمشروطه ومشروطه‌طلبان‌دخالت‌وتحریکاتی‌ندارد‌ولی‌خیلی زود، همه فهمیدندکه اوبه این سادگی ازسلطنت ایران دست نمی‌کشد. به‌همین جهت مشروطه طلبان و کسانی‌که دارای افکار عالیتر و روشنتری بودند همواره

---

۱ ــ تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ص ۲۲۰

۲ ــ این مطالب را تقی‌زاده روز ۳۰ خرداد ۱۳۳۹ در باغ شخصی خود در قلهك با حضور احمد فرامرزی به نگارنده اظهار کرد.

چشم و گـوششان باز بود و مترصد ورود و خروج مستبدین وکسانیکه با محمد علیشاه تماس داشتند بودند.

روزی‌که خبر ورودموقرالسلطنه به‌تهران رسید ، بار دیـگر مشروطه‌طلبان متوجه فعالیت‌محمد علیشاه شده وازترس اینکه مبادا اومأموریت مخصوصی‌داشته باشد لدی‌الورود به‌پایتخت دستـگیر و زندانی شد .

متأسفانه باید بـگویم که محاکمهٔ او بدون مطالعه و عجله صورت گرفت و حکمی که دادگاه صادر کرد بیشترجنبه (عصبانیت و ناراحتی از اقدام مستبدین) را داشت . عصر روزیـکه موقرالسلطنه اعدام شد ، برحسب اتفاق بـه خانهٔ سردار اسعد بختیاری رفتم .

مستخدمین او مرا به اطاق پذیرائی مرحوم سردار هدایت کردند . وقتی وارد اطاق مذکور شدم،گوشه‌ای از اطاق شخصی را دیدم که روی زمین نشسته و مشغول نوشتن مطالبی‌است . وقتی وارداطاق شدم ، یـکی از فرزندان سرداراسعد مرا با عجله از آن اطاق خارج کرده وباعذرخواهی گفت : چون سردار در خانه نیستند و این شخص هم چند روز است که متوالیاً به‌اینجا می‌آید ، خواهشمندم به اطاق دیـگری تشریف بیاورید و سپس مرا به‌اطاق‌دیـگری هدایت کرد . وقتی سردار آمد ، گفت لابد شخصی که درآن اطاق نشسته شناختید ، به او گفتم چون او سرش زیر و مشغول نوشتن مطالبی بود نتوانستم‌اورا بشناسم . مرحوم سردار اسعدگفت:«او ناظم السلطنه پدر موقرالسلطنه است .»

از روزیـکه پسرش دستـگیر شد ، هرروز بمن مراجعه کرده و تقاضامی‌کرد که وساطت کرده از اعدامش جلوگیری کنم ولی من‌به‌او گفتم که در حکم قضات نمی‌توان دخالت کرد . تا اینکه امروز صبح او اعدام شد وقتی بخانه آمدم بازهم او را در همین‌جا دیدم . با تعجب وتأثر او را تسلیت و دلداری دادم ولی او بدون اینکه گریه کند و یا متأثر باشد ، نامه‌ای را که برای درج در روزنامه ها نوشته بود بدستم داد. مرحوم‌سردار اسعدنامه‌ای راکه چند دقیقه قبل پدر موقرالسلطنه

نوشته بودبمن ارائه‌داد وقتی مندرجات آنرا خواندم نتوانستم از تعجب‌خودداری کنم . باوجودیکه‌مضمون‌نامه صریح‌وروشن‌بود ولی‌من‌نتوانستم‌هیچگونه‌نظریه‌ای ابراز نمایم و تا امروز هم همچنان متعجب هستم. »

این داستان کـه سید حسن‌تقی‌زاده آنرا برای نگارنده نقل کردند ، عیناً بازگو شد، منتهی قضاوت دربارهٔ آن به‌آتیه‌ای‌که اسناد و مدارك حقیقی این واقعه منتشر شود واگذارمی‌گردد وبعید بنظرمی‌رسد، پدری بعد ازاعدام فرزندش چنین عملی‌بنماید. وبدین‌ترتیب زندگی‌سیاسی نخستین فراماسون‌اعدام‌شده، پایان‌یافت.



فصل بیست و یکم

شاهزادگان قاجار در فراموشخانه و فراماسونی

یکی از اقدامات جالب و شنیدنی فراموشخانه ملکم، جامع آدمیت و لژ بیداری ایران و سازمانهای فراماسونری اروپا در اواخر دوران سلطنت قاجاریه، قبول عضویت شاهزادگان مستبد و جاه‌طلب قاجار دراین‌مجامع بود.

شاهزادگانی که همهٔ آنها دشمن آزادی برادری و مساوات بودند، به‌خیال ادامهٔ سلطهٔ مطلقه حکومت‌قاجاریه و یارسیدن به‌سلطنت وارد سازمان‌های ماسونی می‌شدند. ازجمله این شاهزادگان دو نفر یعنی ملك منصورمیرزا شعاع‌السلطنه‌پسر مظفرالدینشاه وشاهزادهٔ مستبد ومغرور مسعود میرزا ظل‌السلطان را می‌توان نام بردکه به لژ بیداری ایران‌گرویدند.

آنهاچون می‌دانستند که انگلیسها برای قبضه‌کردن دربار ودستگاه‌سلطنت ایران طرفدارآزادیخواهان ومشروطه طلبان ومخالف‌درباریان روس مآب هستند خود را به‌سفارت انگلیس در تهران و حتی به دسته‌های مختلفی که با انگلیسها ارتباط داشتند نزدیك‌کردند.

شعاع‌السلطنه‌بعلت‌اینکه‌همیشه درپایتخت‌سکونت‌داشت، بیشتر به‌انگلیسها و (انگلیس مآب)هابستگی‌داشت، درحالی که ظل‌السلطان فقط باکنسول‌انگلیس در اصفهان مربوط بود و بوسیلهٔ‌آنها به عمال این دولت در تهران، که در سلك

آزادیخواهان واز زعمای مشروطه طلبان بودند ارتباط داشته ،بقصد رسیدن به تخت سلطنت تلاش می‌کرد . دکتر ملك‌زاده در تاریخ مشروطیت ایران می نویسد: «... ونیز چند نفر از شاهزادگان مستبد برای آنکه تکیه گاهی داشته باشند و بکمك فراماسونها به‌اندیشه هائی‌که در دل داشتند برسند درآن حـزب (منظور محفل فراماسونی بیداری ایران است) عضویت یافتند ...»

شاهزاده‌شعاع‌السلطنه از حیث فهم و کمال برتر ازمحمد علی میرزا وسایر مدعیان تاج وتخت سلطنت بود. او شاهزاده‌ای‌درس‌خوان‌وهوشیار وبسیارقابل بود وبقول نویسندهٔروزنامه‌دمکرات‌ایران (... رقیب محمدعلی میرزا بشمار می‌رفت وبسیارهم دراین‌راه تلاش‌کرد تا ولیعهد ایران بشود.[1])ولی بعلت‌مخالفتهای سیاسی همسایهٔشمالی‌با شعاع‌السلطنه وفشار مداوم‌روسهابه‌دربار، شاه‌ودرباریان‌دراین‌زمینه وهمچنین‌درنتیجهٔ تماس دائم و علاقه‌ای‌که محمد علی میرزا نسبت بدربار تـزار روسیه‌نشان می‌دادمظفرالدینشاه مجبورشد او (محمدعلی‌میرزا)را به ولایتعهدی خود برگزیند .

شعاع‌السلطنه مانندرجال اروپائی عادت داشت‌که وقایع‌روزانه‌رادردفترچه‌ هائی که اکثراوقات عبارت ازیك تقویم فرنگی بود - یادداشت‌کند واین‌یادداشتها پس ازوقایع شهریور ۱۳۲۰- در روزنـامه‌های نوبهار، دمکرات ایران و دیپلمات ایران بتدریج وبطورپراکنده، چاپ ومنتشرشد .

ملك منصورمیرزا یکی ازفرزندان شعاع‌السلطنه‌که در قید حیات است در بارهٔ یادداشتهای پدرش وچگونگی چاپ‌آنها بنگـارنده‌گفت : « این یادداشتها را بعللی دراختیارمرحوم ملك‌الشعرای بهارگذاشتیم وقرار شد که همه‌آنها را دریك مجلد چاپ ومنتشرکند ولی‌آنمرحوم فقط قسمتهای برجسته یادداشتهاراپراکنده چاپ‌کرد .» بطوریکه ازقرائن‌امراستنباط میشود، پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰- بعضی ازافراد خاندان قاجـارکه در دوران حکومت بیست ساله اعلیحضرت فقید

---

۱ ـ شمارهٔ ۸۰ بهمن ۱۳۲۵ روزنامهٔ دمکرات ایران



شعاع‌السلطنه عضو لژ بیداری ایران

رضا شاه‌کبیر بطور گمنام‌میزیستند‌محیط را برای فعالیت مجدد واظهاروجودمناسب تشخیص داده وبرای اینکه بار دیگرشهرتی‌بدست‌آورند ، تصمیم به‌انتشاراسناد و مدارکی‌که ازاسلاف‌خود به ارث برده‌بودند،گرفتندوبدین منظورآنها رادراختیار ملك‌الشعرای بهارگذاشتند، تا اوکتابی در باره سقوط قاجاریه بنویسد . و ظاهراً تألیف‌کتاب «تاریخ احزاب سیاسی درایران»که انتشارآن ناتمام‌ماند، دراثرتشویق وکمك خاندان قاجارصورت‌گرفته است .

یادداشتهای شعاع‌السلطنه هم به همین علت به ملک‌الشعراء تسلیم شده بود ولی دراثر تیرگی روابطی که بین خاندان قاجارو بهارپیش آمد،این منظورعملی نشد ویادداشتها درکتابخانه شخصی بهار باقیماند .

ملک‌الشعراء در مقدمهٔ قسمتی‌ازیادداشتهای شاهزاده شعاع‌السلطنه‌که‌انتشار یافته چنین می‌نویسد :

«... این یادداشتهای مرحوم شعاع‌السلطنه شخص را متأثرمی‌سازد . این شاهزاده چنانکه اشاره‌کردیم ، نامزد ولیعهدی ایران‌بود واگرمشارالیه با این‌همه فکرو معلومات و هوش و استعداد و مخصوصاً با عضویت او درجمعیت (ماسونی) بپادشاهی ایران میرسید وبجای اومحمد علیمیرزاکه نقطه مقابل‌او بود بولیعهدی انتخاب نمی‌شد حتماً وضع‌مملکت‌ایران تغییر نمی‌کرد وشاید مشروطه با فجایعی دچار نمی‌گشت ...»[۱]

نوشتهٔ صریح بهار که متکی به مطالب نسخهٔ منحصر بفرد یادداشتهای شعاع‌السلطنه است ، این نکته را روشن می‌سازد که سازمان فراماسونی ایران در عضویت شعاع‌السلطنه نظرمخصوص داشته و شاید می‌خواسته‌است وی‌را به‌سلطنت برساند .

بنظر میرسد همانطورکه‌میرزاملکم‌خان‌ومیرزا عباسقلی‌خان[۲] درنظرداشتند که با اتکاء به شاهزادگان قاجاروحتی‌محمدعلیشاه سازمانهای‌فراماسونی‌رادرایران توسعه دهند وبوسیله آنان (حکومت پادشاهان قاجار! ایران) را اداره‌کنند ، فراماسونهای عضولژ بیداری ایران نیزبا عضویت‌شعاع‌السلطنه وظل‌السلطان‌همین فکررا دنبال می‌کردند .

---

۱ ــ روزنامهٔ ــ نوبهارشماره ــ ۸۸ سال سی وسوم ــ چاپ این یادداشتها بار دیگر از شماره ۸۲ سال اول روزنامه دمکرات ایران ــ ۱۸ بهمن ۱۳۲۵ ــ شروع شد و متاسفانه ناتمام‌مانده .

۲ــ بطوریکه درفصول قبل گفته شد میرزا ملکم خان شاهزاده جلال‌الدوله راکه داعیه سلطنت ایران را درسرمیپروراند واردلژفراموشخانه کرده وحتی‌چندی محفل را نیزدرخانه‌او تشکیل میداده است .

کارگردانان لژمعتقد بودند همانطورکه درانگلیس پادشاهان رئیس واستاد اعظم لژهای فراماسونی اسکاتلند وایرلند هستند،آنها نیز باید شاهان وشاهزادگان قاجاررا به عضویت سازمانهای فراماسونری در آورند . فراماسونها از نخستین روزیکه درایران تشکیلات رسمی و یا غیرقانونی بوجود آوردند قصد داشتند با بدام‌کشیدن شاهزادگان وبطورکلی تسلط بردستگاه سلطنت و دربار قاجار منظور اساسی‌خودرا تأمین‌کنند تا:

اولاـ حکومت قاجاریه را اززیرنفوذ روس‌ها خارج سازند .

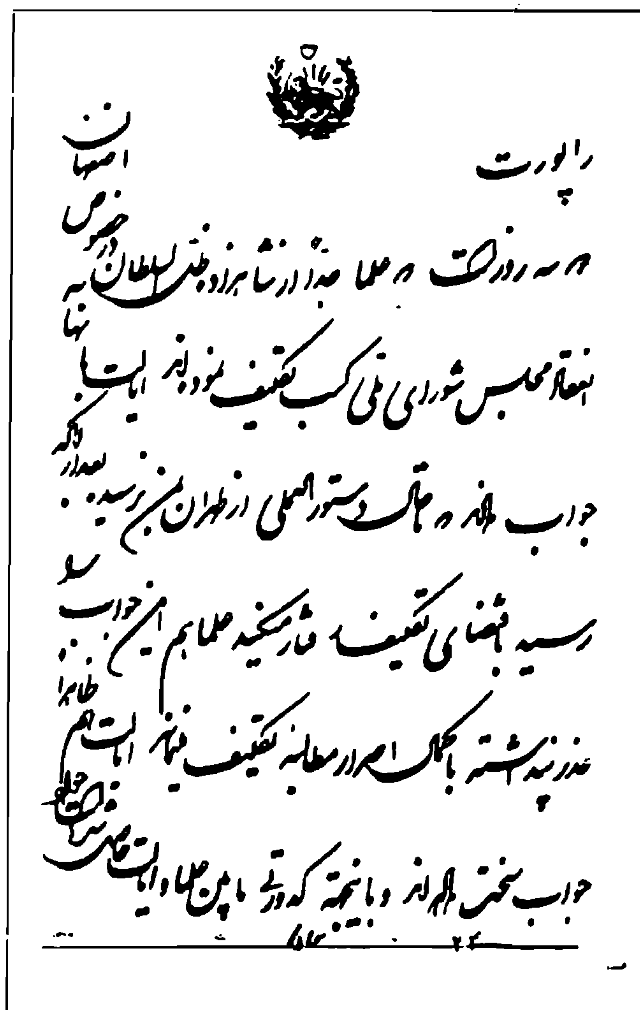
ثانیاً ـ تاآنجا که می‌توانند ازمظالم واعمال استبدادی درباریان جلوگیری کنند .

ثالثاً ـ نظرات و افکار فراماسونری را بوسیله این افراد به‌مرحله اجرا درآورند .

چنانکه درفصول پیشین‌گذشت‌میرزاملکم‌خان وپدرش، شاهزاده‌جلال‌الدوله را وارد تشکیلات خودکردندکه پس ازانحلال فراموشخانه ، شاهزاده مغضوب ومطرود شد ـ میرزا عباسقلی‌خان‌آدمیت نیز.باپذیرفتن عضویت شاهزادگان‌وحتی فراماسون‌کردن محمد علیشاه میخواست فکرملکم وپدرش‌را تعقیب‌کند،ولی‌اوهم شکست خورد . شاهزاده شعاع‌السلطنه در یادداشتهای روزانه خویش‌که در اختیار ملک‌الشعراء بهاربوده، چندین جااشاره به (فراماسون) بودن و حتی تشکیل شعبه لژفراماسونی ایران درخراسان‌کرده است . ازآنجمله دریادداشت‌روز۲۶ ذیحجه و۱٤ صفر۱۳۲۳ خود درباره لژفراماسونی مینویسد:«باقوام‌الدوله درباب‌برقراری لژصحبت‌کردم ... قرارلژرا بخانه مسیو پیریم دادیم ...»[۱]

با اینکه شعاع‌السلطنه وظل‌السلطان هردوعضولژبیداری ایران بودند ولی درخارج‌ازمحفل فراماسونهاهیچگونه‌تظاهری‌بوابستگی‌به فراماسونهانمی‌کردند.

۱ـ یادداشتهای شعاع‌السلطنه دربخش مربوطه به سازمان فراماسونری‌خراسان به‌تفصیل نقل شده است .



راپورت

اصفهان

در سه روز است در علما عده‌ای از شاهزاده ظل‌السلطان در خصوص به
انعقاد مجلس شورای ملی کسب تکلیف نموده‌اند ایشان تنها
جواب داده‌اند در باب دستورالعملی از طهران نرسیده بعد از آنکه
رسیده باقتضای تکلیف فشار کشیده علما هم این جواب را
عذر نپذیرفته با کمال اصرار مطالبه تکلیف نموده‌اند ایشان هم ظاهرا
جواب سخت داده‌اند و با نتیجه که ورقه ما بین علما و ایشان

راپورت تلگرافی تلگرافخانه اصفهان به شاه

وحتی بارها دیده‌شدکه ظل‌السلطان وشعاع‌السلطنه باافکارواقدامات مشروطه‌طلبان وآزادیخواهان مخالفت‌کرده وبا آنها به ضدیت ومبارزه برمی‌خاستند.

در بارهٔ ضدیت ظل السلطان با مشروطه خواهان و آزادیخواهان و اعمال مستبدانه این شاهزاده نوشته‌های فراوانی وجود دارد ولی اسنادی که در بایگانی راکد وزارتخارجه ایران موجود است و یکی از آنها، ذیلا برای اولین بار نقل می‌شود، تا اندازه‌ای ماهیت این شاهزاده را روشن و اثبات می‌کند، که چگونه او دوسره بازی می‌کرده‌است.

متن این سند بشرح زیر است:

« راپورت اداره تلگراف خانه اصفهان حاکیست که : دو سه روز است که علما جداً از شاهزاده ظل‌السلطان در خصوص انعقاد مجلس شورایملی کسب تکلیف نموده‌اند. ایالت به‌آنها جواب داده‌اندکه تاحال دستورالعملی از تهران بمن نرسیده، بعد از آنکه رسید به‌اقتضای تکلیف رفتار می‌کند. علما هم این جواب را عذر پنداشته با کمال اصرار مطالبه تکلیف می‌نمایند. ایالت هم ظاهراً جواب سخت داده‌اند و به‌اینجهت‌کدورتی مابین علما و ایالت حاصل شده است. جواد[1] »

درجواب این راپورت تلگرافی‌که روز۲٤ شعبان ۱۳۲٤ـهجری مخابره شده این تلگراف در روز بیست وهفتم از طرف رئیس‌الوزراء مخابره گردیده است :

«از قرار خبر تلگرافی که بعرض خاك پای مبارك شاهنشاهی ارواحنا فداه رسیده علمای اصفهان در خصوص مجلس ملـی از حضرت اشرف اسعد والاکسب تکلیف نموده‌اند و جواب سخت شنیده‌اند. ذات اقدس ملوکانه ارواحنا فداه امر مقرر فرمودندکه البته مسبوق هستند که ما مجلس ملی را قبول فرمودیم وبانعقاد آن هم امرفرمودیم دیگر در اصفهان هم نباید غیرازآن معامله بشود ودراصفهان هم مقرر بفرمائید که بر طبق اوامر ملوکانه و نظامنامه انتخابات در آنجا هم به تکالیف مقرره این کار شروع نموده و به آقایان علماء هم بذل عواطف کامله علیه اطمینان‌داده‌رفع‌نگرانی ایشان‌را ازاین بابت فرموده به‌اجرای نظامنامه‌انتخابات امر و مقرر خواهید فرمود. »

ظل‌السلطان در حالی که با مشروطه خواهان بظاهر دشمنی نشان می‌داد،درباطن باآنان‌همدست‌بود ودرلژ فراماسونری‌عضویت‌داشت‌وفعالیت‌می‌کرد.

دکتر محمدحسین‌میمندی نژاد ، دربارۀاجتماع‌کسانی‌که درصدرمشروطیت از نظر عوام «مستبد» و یا «آزادیخواه» بوده‌اند وهمگی در لژ فراماسونی ایران فعالیت می‌کردند چنین می‌نویسد :

---

۱ ـ بایگانی‌راکد وزارت امور خارجه.

« یکی از پیرمردانی [۱] که روزی وارد در سیاست این‌کشور بوده و امروز در گوشه‌ای نشسته و به بازیهای امروزی نظاره می‌کند چون از ماهیت تمام این بزرگواران خبر دارد چندی قبل این طور برایم تعریف می‌کرد :

یك روزی... آمد بسراغ من و پس از بیان مقدمه‌ای ازمن دعوت‌کردوارد فرقه فراماسون شوم . اینقدر اصرار کرد و تعریف نمود که بالاخره راضی‌شدم‌که در یکی از جلسات آنها شرکت کنم تا ببینم چه می‌گویند .

قرار گذاشتیم و مرا در شب موعود به‌محلی هدایت‌کرد. چشمهایم را بستند به‌اطاقی واردم‌کردند و بر صندلی نشانیدند . یك سلسله سئوالات از من کردند . پس از خاتمهٔ سئوالات چشم‌هایم‌را بازکردند . از دیدن اشخاصی که در آن جلسه جمع شده بودند مات و مبهوت و متحیر شدم زیرا [در اینجاگوینده اسامی‌چند نفر را می‌برد] درآنجا جمعند . با دیدن‌آنهاگیج شدم و از خود پرسیدم :

این چه‌حسابی است ؟اینهاکه در خارج‌با یکدیگر این قدر ضدیت‌می‌کنند، چطور اینجا دورهم جمع‌شده وتا این‌حد جون‌جونی هستند ؟

آخر تقی‌زاده به‌اصطلاح آزادیخواه چگونه ممکن‌است‌با ظل‌السلطان‌مستبد یکجا جمع شوندو اینطور شخصیت خود را فراموش کنند ؟ خلاصه وقتی که‌دیدم فروغی .نواب. حکیم‌الملك‌و امثال اینها در رأس این محفل هستند وباظل‌السلطان انیس و مونس می‌باشند متوجه شدم جای من‌اینجا نیست و البته‌آنچه از خوبیها برایم تعریف شده بود بربادرفت ... [۲]

شاهزاده ظل‌السلطان

با وجوداقامت دائمی شاهزاده شعاع‌السلطنه درتهران و تماس دائمی که وی با سفارتخانه‌های خارجی وماسونهای ایران‌داشت، معذلك فعالیت اوبرای به‌سلطنت رسیدن‌کمتر از شاهزاده ظل‌السلطان بود.

---

۱ ـ دکترمیمندی نژادشفاهاً بنگارنده‌گفتند که این شخص حاج مخبرالسلطنه‌هدایت بوده .

۲ ـ کتاب روسیاهان ص ۱۰۰

شاهزاده مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ناصرالدینشاه و برادر اعیانی سلطان حسین‌میرزا ملقب به‌جلال‌الدوله است. او روز ۲۰ صفر ۱۲۶۶- هجری (۶ژانویه ۱۸۵۰- م) تولد یافت. ابتدا لقب عین‌الدوله گرفت وحاکم فارس شد. سپس ملقب به‌ظل‌السلطان گردید و چندین بار در اثر سوءِ ظن شدیدی که ناصرالدینشاه به او داشت از حکومتهای حومهٔ مرکزی وجنوب ایران معزول ومجدداً به‌این مشاغل منصوب شد.

ظل‌السلطان در سال ۱۲۸۶ - ه (۱۸۶۹ -م) حاکم فارس و سپس در ۱۳۰۰ ه (۱۸۸۲-م) حاکم مطلق اصفهان، یزد، فارس، عراق، بروجرد، خوزستان، لرستان، کردستان، کرمانشاه، گلپایگان وخوانسار گردید. درسال ۱۳۰۷ - ه (۱۸۸۹ - م) درصدد برآمدکه موافقت روس‌ها را برای به سلطنت رسیدن خود جلب کند. از این روسید جمال‌الدین اسد آبادی را با مبلغ هنگفتی به‌روسیه فرستاد، تا با امپراطورروسیه مذاکره‌کند وموافقت او را به نفع سلطنت خویش جلب نماید. ولی تزار روسیه نه تنها با این درخواست موافقت نکرد بلکه چون روس‌ها می‌دانستندکه اوبا انگلیس‌ها[1] رابطه نزدیك ومحرمانه دارد، پیام وی را بوسیله سید به اطلاع ناصرالدینشاه رسانیدند.[2] حسین سعادت نوری که تحقیقات مستدل وعالمانه‌ای درباره ظل‌السلطان کرده، می‌نویسد: «... بی‌مناسبت نیست تذکرداده شودکه میرزا آقاخان‌کرمانی هم‌که ازمظالم سلطان عبدالمجید میرزا فرمانفرمای کرمان فرازی بوددراصفهان با ظل‌السلطان ملاقات وشاهزاده به اوکمك مالی‌کرد. این میرزا آقاخان همان‌کسی است‌که‌بعدها دراسلامبول با شیخ‌احمد روحی‌کرمانی هردوبه سید جمال‌الدین سرسپردند و میرزا رضای‌کرمانی را بقتل‌ناصرالدین‌شاه

---

۱ - ظل‌السلطان که مست از باده غرور بود هرگز بخیالش خطور نمی‌کرد که چه سرنوشتی در انتظار اوست‌باظهارات امین‌السلطان که سیصد هزار تومان پیشکش شاه کندوقعی ننهاد وبسئوالات او جواب سر بالا داد. درهمین اوان نشان ستاد هند از طرف دولت انگلیس به ظل‌السلطان اعطا گردیده (ظل‌السلطان - ص ۲۱۶ - از انتشارات مجلهٔ وحید)

۲ - ایضاً ص ۲۰۶



شاهزاده ظل‌السلطان آماده رسیدن بتخت سلطنت



مسعود میرزا ظل‌السلطان درایام جوانی



شاهزاده ظل‌السلطان حاکم هفده ایالت وولایت ایران

تحریك نمودند. البته ظل‌السلطان‌شاید راضی به‌کشته شدن پدرش‌نبود ولی‌ارتباط او با اعضای جبهه‌ای‌که علیه ناصرالدینشاه تشکیل‌گردیده بود وکمکهای مالی او به کارگردانان قطب مخالف در بار، محـل تردید نیست. میرزا رضا کرمانی ضمن بازجوئی‌هائی‌که ازاوشده است درجواب مستنطق میگوید:

«حاج‌سیاح محلاتی آب‌گل‌می‌کردکه‌برای ظل‌السلطان ماهی بگیردوخیالش این بود، بلکه ظل‌السلطان شاه بشود، و امین‌الدوله صدراعظم و خودش مکنتی پیداکند...»[1]

پس ازشکست مأموریت سیدجمال‌الدین واطلاع ناصرالدینشاه از خیالات ظل‌السلطان مراقبت مخفی و علنی علیه او شدیدتر شد ـ خود ظل‌السلطان درین باره می‌نویسد:

«...پنجماه‌برای‌رسیدگی‌به‌اموراستانهاوولایات یازده‌گانه وقشون‌ابوابجمعی در اصفهان بودم و بقیه ایام‌سال بتهران آمده در رکاب مبارك‌درشکارگاهها ودرشهر بریاست دارالشورا ومجلس دولتی برقرار بودم و مشغول خدمت چنانکه مکرربر ملا پدرم می‌فرمودند هیچ‌کاری را من بدون شور فلانی نمی‌کنم‌تنها پسر من‌نیست بلکه وزیر عاقل من است... منهم... جز پاکی و صدق نفسی نکشیدم و قدمی برنداشتم.

این سفر من اگرچه ظاهراً‌از تمام اسفار با شکوه‌تر وبهتر بود ولی‌بدبختی دراین سفر دچار من شد که اگرهزاربار زنده می‌شدم ومیمردم و مرا قطعه قطعه می‌کردند برای من گواراتر و بهتر بود. حاجی معتمدالدوله که قلمی زهرآلود وجمالی از نمرهٔ اول عالم بود، کتابچه ها جمع کرد از خودش و اینهمه خدمات و اسفار پیاپی مرا و نظمهائی که من داده بودم در این‌ولایات و خطر اینکه دیده بودم بشکال و ترتیب دیگر به پدر بزرگوار من حالی کرد... من می‌دیدم ظاهراً شاه بمن مهربانی بیش از همه سفر می‌کند ولی باطناً درفکر وخیال‌است.

---

۱ ـ ظل‌السلطان، تألیف سعادت نوری ص ۲۹۶

او اغلب با من خلوت می‌کند و می‌خواهد با من صحبتی بدارد ولی خود را نگاه داشته و مطلب راپنهان کرده دزدیده بمن نگاه می‌کند. وقتی در خلوت‌پای مبارك را بوسیده عرض کردم آنچه می‌خواهید بفرمائید ... شاه گفت:

یاباید پدژوخانواده‌ات رابخواهی و یا اینکه‌دانسته معدوم صرف بشوی ... آن اظهارات و فرمایشات زیاد است‌فقط بدبختی من و قضا و قدر حکم تقدیرمرا بر آن داشت که سکوت کردم و بعد کتابچه‌هائی که حاجی معتمد الدوله و حاجی نایب و حاجی نجم‌الدوله نوشته بودند بمن داده گفتند ... بخوان و بفهم ...زمین بوسیده از خلوت بیرون آمدم ...[1]»

ظل‌السلطان سپس می‌نویسد که پدرم بمن گفت: «... مطلب ولفظ آخری این بود که امروز تخت سلطنت وتاج قاجار بیك موئی بسته است و این مو در دست تو است و یك قیچی بسیار تندی‌حسینقلی خان[نواب ماسنی‌سفارت‌انگلیس] گرفته و می‌خواهد این مو را قطع کند. تو تقریباً همه کاره هستی چه می‌گوئی‌و چه خیال داری وصلاح دولت چیست؟

من شبانه آمدم تا یك هفته تمام این کتابچه‌ها را مفصلا خواندم دیدم تمام اباطیل است ...»

ظل‌السلطان تصمیم می‌گیرد که با طپانچه انتحار کرده و یا فرار کند ولی پس از مشورت با سیمرغ ودوستان فراماسونش بشاه میگوید: «... معتمدالدوله همان است که هزار خیانت بشخص توکرد بخانه وزیر مختار انگلیس پناهنده‌شد اینهم یکنوع خیانتی است که بتو می‌کنند که لازم نیست بنویسم و صلاح شخصی خودم‌نبوددرطهران متوقف‌بشوم. قبول‌نکرده‌استدعاکردم مشاغل مرابناصرالملك وحسین‌خان حسام‌الملك بدهند.[2]

و سپس به شرح چگونگی از بین رفتن فراماسونهایی که با او هم عقیده بودند، پرداخته می‌نویسد:

---

۱ ـ ظل‌السلطان نوشتهٔ سعادت نوری ص ۲۰۶

۲ ـ تاریخ مسعودی ص ۳۱۳.

«... ظل‌السلطان ازجوانی ونفهمی مدرسه‌برپاکرد وروزنامه مشهورفرنگ راه انداخت در تربیت قشون کوشید . افواج معدوم لرستان وکرمانشاه و عراق‌را در تحت قاعده‌آورد ،که‌هیکل سربازی پیداکردند ...آ نهائیکه مختصری‌می‌گفتند از قبیل من و میرزا ملکم خان ناظم‌الملك که بعدها ناظم‌الدوله شد امین‌الدوله، ناصرالملك وزیر امور خارجه بقسمی زمین‌خوردیم‌که شرحی غیراز برای‌مطالعه کننده رقت بیاورد چیز دیگر نیست ... خلاصه این کلام جمیع رفقای ما از قبیل میرزا عباس قوام‌الدوله و غیره ازمیدان در رفتند . ما چهار نفر هم قول وهم‌عهده هم‌قرار شدیم‌که بمضموم وجلالی و شاهپرستی ووطن دوستی بشاه خدمت کنیم این افکار چهار احمق را واداشت‌که مطالب را بی‌پرده بشاه بگوئیم [1]»

نوشته ظل‌السلطان با تأکید روی نام چند نفری که از فراماسونهای ایران بودند ونامشان درگزارش سفیر انگلیس به‌تفصیل برده شده است . این حقیقترا روشن‌می‌کند.که اوبا ماسون‌هاهمدست بوده است (مقصود این است‌که‌ظل‌السلطان با اعضای جبهه مخالف ناصرالدینشاه دانسته و یا ندانسته و شاید بدون اینکه از مقاصد واقعی آنان اطلاعی داشته باشد دوستی و اتحادیه داشته است)[2]

بهرحال ظل‌السلطان در تاریخ مسعودی شرح‌مفصلی در بارهٔ قانون پارلمان آزادی و سلطنت مشروطه بیان کرده و مدعی است که دوستانش بی‌پرده همه‌چیز را بشاه بگویند ولی چون او خوی پدر را بهتر می‌دانسته مانع می‌شود پس‌انجام این مأموریت را به امین‌الدوله محول می‌کنند لیکن در نتیجه همگی مغضوب و منزوی میشوندوظل‌السلطان نیزگاهی‌دراصفهان وزمانی‌درتهران بسرمی‌برده‌است. درایامی‌که‌ناصرالدینشاه به‌سن‌شصت‌سالگی رسیده‌بود در فارس بین صاحبدیوان و قوام‌نزاعی بر پا شد و سید علی اکبر فال اسیری شورش کرد . اتفاقاً درآن روزها

---

۱ ـ تاریخ مسعودی ص۳۱٤

۲ ـ ایضاً ص ۳۱۵

واگنر[1] وزیر مختار انگلیس در اصفهان و فارس بسر میبرد . وی هنگامی که به ملاقات ناصرالدینشاه میآید از نظم اصفهان و اقدامات ظل السلطان تعریف میکند و ناصرالدینشاه مجدداً به پسرش ظنین شده اورا بتهران احضار می نماید . شاهزاده مستبد و مغرور وقتی بحضور پدرش می‌رسد به پای او افتاد و تقاضا می‌کند . که یا او را بکشند و یا از ایران اخراج کنند . ناصرالدینشاه فرزند را ملامت کرده وجریان مذاکره خویش را با پرنس دالگورکی وزیر مختار روس برای او نقل می‌نماید . و به او چنین می‌گوید: «... من ریشم در سلطنت سفید شده و شصت سال از عمرم رفته امروز خیر و شر خودم و مملکت را تمیز می‌دهم. آنوقت جوان بودم ... و بچه، مرا فریفتند وقدر نوکری مثل میرزا تقیخان و وزیری مثل میرزا آقاخان را ندانستم و بسر خودم و مملکتم آوردم آنچه آوردم و خیال دارم روز بروز به کار شغل و زحمت تو نیفزایم . راحتی خودم و نیکنامی مملکتم باشد »[2]

ظل السلطان بار دیگر مورد عفو قرار می‌گیرد . ولی پس از دوسال امین ـ السلطان از طرف شاه با او ملاقات کرده و با گرفتن نامه‌ای وی را از کلیهٔ مشاغل معزول و تا پایان عمر خانه نشین می‌سازد .

---

۱ ـ خان ملك ساسانی در یادداشت‌های خطی‌اش مطالبی در این زمینه نقل کرده و چنین نوشته است : « سفیر روس با ناصرالدینشاه ملاقات کرده ومی‌گوید از طرف امپراطور روسیه دوپیام دارد . یکی دوستانه ودیگری رسمی دالگورگی ابتدا دوستانه را شرح داده می‌گوید :

امپراطور روس مطلع شده که انگلیسها در جنوب ۲۵ هزار قشون تربیت کرده‌اند. آنها بوسیله این قشون می‌خواهند ظل السلطان را شاه کنند و سفر (واگنر) بجنوب هم برای همین مطلب بوده.

سپس سفیر روس پیام رسمی را برای شاه شرح داده می‌گوید : اگر در زمان سلطنت خود می‌خواهید ظل السلطان را شاه کنید و تاج بسر او بگذارید رسماً بما بگوئید تا تکلیف خود را با شما تعیین کنیم ... »

۲ ـ تاریخ مسعودی ص ۳۱٤

فعالیت مجدد فراماسونها برای سلطنت ظل‌السلطان

پس از قتل ناصرالدینشاه و به‌سلطنت رسیدن مظفرالدینشاه که مردی علیل‌المزاج و ضعیف بود ـ ظل‌السلطان باز هم مورد سوءظن پادشاه جدید قرار می‌گیرد. تا آنجاکه حتی قتل پدرش را هم بتحریك او می‌دانند. بطوریکه میرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله خواجه نوری معاون رئیس نظمیه «کنت‌دو مونت فورت» ومامور بازجوئی ازمیرزا رضـای کرمانی قاتل ناصرالدینشاه اظهار داشته است: «میرزارضاخان‌درضمن‌استنطاق‌میگوید :امین‌الدوله‌وحاجی سیاح‌و لژفراموشخانه وحتی‌سیدجمال‌الدین برای پادشاهی‌ظل‌السلطان فعالیت‌میکردند. وقتی این خبر بمیرزا علی‌اصغرخان‌اتابك میرسدبمیرزا ابوتراب خان نظم‌الدوله که خودش‌ازجمله‌اعضاءفراموشخانه ملکم‌وازیاران‌حاجی‌سیاح‌بوده‌فشارمی‌آورد تا دراین باره ازمیرزا رضا سئوالات زیادتری بکندواوراشکنجه‌دهد. ولی‌نظم‌الدوله که میدانسته است میرزاعلی اصغرخان قصدآزارامین‌الدوله وفراماسونهارا دارد اعتنائی به‌این دستور نمیکند وحتی به‌میرزا رضا میگوید دیگردراین‌باره حرفی نزند»[۱]

دوران سلطنت مظفرالدینشـاه که میتوان آنرا پایان دوران کار وفعـالیت فراموشخانه وتجدید فعالیت وحتی دوران طلائی فراماسونری درایران دانست، ظل‌السلطان را باردیگر بفکرسلطنت می‌اندازد ظاهراً او قصد داشته است بوسیله ماسونها وحتی یکی ازملایان صدرمشروطیت‌که (استاد) لژبیداری ایران نیزبود، مبلغی پول خـرج کند و زمینه را برای سلطنت خود آمـاده سازد. خـان ملك ساسانی درکتاب تاریخ فراماسونری بنقل از گفته محمد علیشاه در این باره چنین می‌نویسد:

«... دوماه قبل ازاینکه مجلس را به توپ به‌بندم، یکی ازفراماسونها بمن اطلاع دادکه درلژدرباره شاه‌شدن ظل‌السلطان مذاکره شده راوی‌که موقرالسلطنه

۱ ـ نقل از کتاب خاطرات خان ملك ساسانی ـ نسخهٔ خطی ـ ص ۷۲

بود می‌گفت ظل‌السلطان یکصدوپنجاه هزارتومان دراختیارطباطبائی گذارده است. درلژکه آنروزدرمنزل ظهیرالدوله تشکیل شده بود حکیم‌الملك مأمورمی‌شودپول را به طباطبائی برساند. واومبلغ دریافتی را بین آخوندها وطلبه‌ها وبازاریهاخرج کند. گویا ظل‌السلطان پنجاه هزارتومان هم پرداخت ولی بقیه را نداد. زیرا من جلواعمال اوراگرفتم. ولی ظل‌السلطان دست‌بردارنبود وهمچنان بوسیله انگلیسها فعالیت می‌کرد ...»[1]

وچون ازفعالیت‌درتهران‌نتیجه‌نگرفت‌ورقیبش شعاع‌السلطنه‌نیزکه‌محبوبتر ازاوبود، با توصیه برادران فراماسونش بپاریس رفته بود، تا موافقت رؤسای‌لژ گراند اوریان‌را جلب‌کند، اونیزباتفاق فرزندان و طبیب مخصوصش دکتر سوریل[2] که اونیزعضوسازمانهای فراماسونی بود بفرانسه رفت.

روز۱۹ شعبان ۱۳۲۳ ـ(۱۹ اکتبر۱۹۰۵ ـ م)سرانجام ظل‌السلطان ازطریق روسیه رهسپار اروپا شد او در فرانسه با شعاع‌السلطنه ملاقات کرد. و باتفاق مختارالسلطنه که او نیز عضو گراند اوریان بود ـ چندین بار به لژ رفت. خود ظل‌السلطان دربارملاقاتش با شعاع‌السلطنه وحتی‌مذاکرات سیاسی پاریس سکوت مطلق‌کرد وفقط اشاره مختصری به‌مذاکره سیاسی ورسمی ایلچی انگلیس‌وملاقات با اودرفرانسه می‌نماید. و ازآن جمله در باره ملاقات با شعاع‌السلطنه می‌نویسد «... درالیزه پاری حضرت والاشعاع‌السلطنه اینجا تشریف‌آوردند. نزد من آمده قدری با هم صحبت داشتیم بعد با هم رفتیم صرف ناهار شد ساعت پنج بعد ازظهر من بمنزل حضرت والا رفتم بعد یکساعت از همه بابت صحبت شد. روز یکشنبه صبحی‌که چهارم ذیقعده باشد صبح حضرت والا شعاع‌السلطنه آمد منزل من با هم بموزه (لوور) رفتیم. عصر باز هم بگردش (بوادوبولون) رفتیم. دیگر توقف در پاریس را روزبروزنخواهم نوشت. عمده وقایع را درروزحرکت ازپاریس‌انشاءاله

---

۱ ـ کتاب خطی ـ صفحه ١٤

۲ـ تاریخ مسعودی ص ۹۵ ـ قسمت دوم خاطرات.

بخواست خداخواهم نوشت ...»[1] بدین ترتیب ظل‌السلطان و شعاع‌السلطنه فراماسون که هردو مدعی سلطنت وهردوهم عضو لژ فراماسونی ایران وابسته بگراند اوریان فرانسه بودند، در پاریس با یکدیگر ملاقات می‌کنند ولی پس از این ملاقات ظل‌السلطان بکلی سکوت کرده و نوشته است «دیگر جریان توقف در پاریس راروز بروز نخواهم نوشت».

پس از مراجعت این دوشاهزاده به‌ایران هردو برای رسیدن بسلطنت فعالیت خود را آغاز کردند واز عجایب آنکه هردو نیز در راه استقرار مشروطیت پافشاری می‌کردند.

محمد علیشاه دراسلامبول به مرحوم خان ملك ساسانی می‌گوید:

«ملك‌المتكلمین وسید جمال واعظ[2] هردو ازظل‌السلطان پول می‌گرفتند و بمن فحش می‌دادند. آنها می‌خواستند. باکمك کنسول انگلیس دراصفهان ووزیر مختار در تهران وعمال مخفی و فراماسونها اورا شاه‌کنند ...»[3]

نویسندهٔ تاریخ مشروطیت ایران نیز در تائید گفتهٔ محمدعلیشاه چنین می‌نویسد:

«پس ازاستعفای کابینه نظام‌السلطنه که‌گویا در تاریخ ١٤ ربیع‌الثانی رویداد محمد علیشاه باردیگر بدون توجه به تمایلات نمایندگان مجلس میرزا احمدخان مشیرالسلطنه را مامور زمامداری‌کرد ... در دنبال وقایعی که در اواخر دوره کابینه نظام‌السلطنه، رویداد باردیگر اعیان‌ورؤسای ایل‌قاجاردرصدد برآمدندکه‌کدورت بین شاه ومجلس را برطرف نمایند و روزشنبه ۲۹ ربیع‌الاخر درخانه عضدالملك که شیخ وپیرایل قاجاربود جلسه‌ای تشکیل دادند و در آنجا پس از گفتگوهای بسیار باین نتیجه رسیدندکه راه نجات وسلامت اینست‌که شاه دل خود را با مجلس و مشروطه‌خواهان صاف‌کند وهرکینه وبغضی‌که دارد دور بریزد وبرای انجام این

---

۱ ـ تاریخ مسعودی ص ۷۵ .

۲ ـ پدران آقایان دکترملکزاده وجمال زاده .

۳ ـ خاطرات خطی مرحوم خان ملك ساسانی ص ۱۱۷

مقصود باید چندتن ازدرباریان که دائماً شاه را اغوا می‌کنند وبدشمنی با مشروطه خواهان تحریك می‌نمایند ازدربار دورشوند وتصمیم گرفتند این جلسه را در خانه عضدالملك ادامه دهند، تا مقصودآنها انجام‌گیرد ...»[۱] حقیقت هم همین بود زیرا درآنهنگام طرفداران روسیه دردربار ایران که اغلب از مستبدین بودند بدستور شاپشال و سفیر روس دائماً شاه را علیه مشروطه خواهـان و فراماسون‌ها تحریك می‌کردند. وچون درهمان زمان‌درخفا بین‌روس‌وانگلیس برسر تقسیم‌ایران موافقت شده بود، انگلیسها جرأت نداشتندکه علناً درکارها مداخله‌کنند ، لذا فراماسونها وعمال مخفی‌آنها فعالیت خود را تشدید،کردند. ازطرفی روسها هم‌که دستشان باز شده بود وسفارت انگلیس را نیزدرمقابل اقدامات وفعالیتهای‌خود ساکت‌می‌دیدند بوسیله جیره خواران قدیمی خویش یعنی درباریان روس مآب ومستبد شاه قاجار را علیه مشروطه خواهان وماسونها تحریك می‌کردند . چنانکه درجلسه‌ای‌که‌روز سی‌ام ربیع‌الاخر درخانه عضدالملك تشکیل شد ناگهان سیل نمایندگان انجمنهـای تهران بخانه (پیرایل قاجار) سرازیرگردید .

نویسنده کتاب دولتهای بعد از مشروطیت ایران نوشته است :

«... محمد علیشاه وقتی این‌واقعه‌را شنیدآنرا هم از دسایس و نیرنگ‌های ظل‌السلطان‌پنداشت.زیرا دراین‌هنگام‌ظل‌السلطان درسن‌۶۵سالگی وباآن سوابق داعیه سلطنت داشت وپولها خرج می‌کردوسرمنشاء بعضی‌ازتحریکات برعلیه‌محمد علیشاه هم درحقیقت او بود ...»[۲]

محمد علیشاه ازروسها شنیده بودکه انگلیسها می‌خواهند یاران وفادار اورا ازاطرافش پراکنده ودورسازند . به همین جهت ازترس تنها ماندن از شهر بیرون رفت ودرباغشاه زیرسایه شاپشال ولیاخف سکوت‌گزید. باوجوداین مشیرالسلطنه با مساعدت شاه‌اعلامیه زیرراصادرکرد:

---

۱ ـ مجلهٔ اطلاعات ماهانه شماره ۵ سال اول مقاله «دولتهای ایران از آغازمشروطیت تا امروز»

۲ ـ مجله اطلاعات ماهانه شماره ۶

«... این بنده مشیرالسلطنه که رئیس‌الوزراء هستم درخدمت حضرت اشرف آقـای عضدالسلطنه اعلام می‌کنم . . . که مستدعیات راجع بتصفیه دربار درحضور همایونی مقبول افتاد واشخاص مفصله‌الاسامی‌زیررا :

امیر بهادر جنگ ـ شاپشال ـ علی بیگ ـ موقرالسلطنه ـ امین‌الملك ـ مفاخرالملك را ازنوکری معزول فرموده، امیدواریم بعد از رفع این سوانح کلیه امور مملکتی در دربارمعدلت مـدار اصلاح شود . »

بعد ازصدوراین اعلامیه‌بین‌کارگردانان‌فراماسونی‌درباره فعالیت‌ظل‌السلطان، اختلاف نظربروز کرد . با اینکه او بـا مخارج هنگفت عده‌ای را با سلطنت خود موافق‌کرده بود، معذلك چندین نفرازفراماسون‌های ایرانی‌که دررأس آنها میرزا حسینخان قزوینی ـ مشیرالدوله ـ وسپس ابوالحسن خان فروغی قرارداشتند ،با سلطنت وی بشدت مخالفت‌کردند .

مرحوم سیدمحمد صادق طباطبائی‌به نقل ازخاطرات پدرش بنگارنده‌گفت :

«میرزا ابوالحسن خان فروغی پس از طرح مسئله سلطنت ظل‌السلطان در محفل فراماسونی ازعضویت لژمستعفی شد ودرنتیجه مدتها وقت جلسات لژصرف بحث در باره سلطنت ظل‌السلطان میشد . در نتیجه مخالفت فروغی و مشیرالدوله ظل‌السلطان بتدریج ازفکررسیدن به سلطنت باکمك ماسونهای ایرانی، مایوس‌شد وانصراف حاصل‌کرده ، تا جائیکه ازعضویت لژ ماسونی ایران نیز مستعفی شد . و بعدها به محمد علیشاه نزدیك‌گشت.[۱]»

سند دیگری‌که همراهی فراماسونهای‌ایرانی‌را با ظل‌السلطان‌تائیدمی‌کند. مندرجـات یادداشتهای روزانه شعاع‌السلطنه است .[۲] بطوریکه قبلا گذشت این شاهزاده‌که عضولژفراماسونری بیداری‌ایران‌وخودداعیه سلطنت‌داشت،می‌خواست به همدستی برادران فراماسونش (شاه) بشود . وی دریادداشت‌های روزانه خویش درباره فعالیت چندتن ازفراماسونها بنفع ظل‌السلطان چنین می‌نویسد :

۱ ـ این مصاحبه درحضورفرهاد پورمدیرروزنامه دموکرات‌صورت گرفت.

۲ ـ قسمتی ازیادداشتهای‌شعاع‌السلطنه که‌دراختیارمرحوم ملك‌الشعراءبوده درسال۱۳۴۶ شمسی به کتابخانه مجلس شورایملی فروخته شده‌است.

47-319 Sol. 7.11 m. 5.18 s. FÉVRIER, 1908. P. L. 4.24 s. 7. 2 m. 29 jours

DIMANCHE 16. Septuagésime.

NATURE DES DÉPENSES | SOMMES

صفحه‌ای از دفترچه خاطرات شعاع‌السلطنه

(از مجموعهٔ اسناد ابراهیم صفائی)

«سیزدهم محرم [۱۳۲۶] عصری نصرةالدوله و مویدالسلطنه آمدند و می‌گفتند رئیس دیروز استعفای خود را با مهر مجلس به‌مجلس فرستاده‌است.

مستوفی‌الممالك هم‌که‌ازوکالت اکراه‌داشت قبول‌کرده با مجدالملك به‌مجلس رفته‌اند . نصرت‌الدوله می‌گفت سفراء خارجه برضد ملك‌المتکلمین و سید جمال و سیدمحمدرضا اتفاق‌کرده‌اندکه‌تمام‌فسادهای‌این شهررا راجع به‌این اشخاص‌دانسته ومی‌خواهند مذاکرهٔ تبعیدآنها را بکنند .

روزنامهٔ حبل‌المتین تحت اینکه نوشته بودکه وزیرمختارروس‌معزول‌بشود. توقیف شده است و هر دو می‌گفتند در مجلس بیست و شش رأی بجههٔ وکالت

ظل‌السلطان بیرون آمده است، تقی زاده گفته بوده است این اکثریت نسبی است باید قبول کرد. سایرو کلا قبول نکرده ،گفته بودند اکثریت نام لازم است.

عقیده نصرت‌الدوله ومؤیدالسلطنه این بود که تقی زاده و مستشارالدوله و ملک‌المتکلمین و سید جمال و صوراسرافیل و بحرالعلوم کرمانی ویك دسته با ظل‌السلطان همراهی ودراین خیال هستندکه مملکت جمهوری شده وظل‌السلطان را رئیس جمهوری قراربدهند و در این خط کارمی‌کنند. گفتند سالارالدوله هم به انجمن آذربایجان وانجمن شاه‌آباد به روضه رفته است ...»[۱]

با اینکه فراماسونهای ایران ، نتوانستند ظل السلطان را به مقام شاهی برسانند و بطوریکه گفتیم مشیر الدوله فراماسون هم دشمن بزرگ او بود ، بااین حال وی در وصیت نامه‌اش مطالب جالبی می‌نویسد . او پسرانش را به محسنات و پیروی ازآئین و افعال ماسونی امیدوارساخته وبه‌آنها توصیه می‌کند که پس از خدا پرستی و قبول ذات حق ، این‌آئین را بپذیرند ودراین‌باره می‌گوید :

«...نصیحت می‌کنم‌فرزندان‌خودم رابخصوص جلال‌الدوله این رفتارپسندیده راکه اسباب برکت عالم وطول عمراست ، هیچوقت ازدست ندهند . ظلم‌و بی‌عصمتی و غیره وغیره‌که حرکات وحشیانه است نکنند ـ و از خدا بترسند که پنجهٔ قدرت و تقدیر کار خود کرده ومی‌کند . و پروردگار بهمان ترتیبی که آورد بمرور اگر بدی دید می‌برد .

آنچه درنیمه شبی نالچه مظلوم کند   بـه خدا گر اثر خنجر مسموم کند

چشم وگوشتان را بازکرده این‌نصایح مرا که بهترین ارثهاست برای‌شماها می‌گذارم بشرط قبول این همه چیزها برای شما می‌ماند . اگر غفلت کنید هیچ نمی‌ماند که سهل است ، جانتان هم روی اینکار می‌رود ...»

ظل‌السلطان سپس بشرح حادثه‌ای که در شکارگاه مازندران برای او روی

---

۱ ـ مجلهٔ نگین ـ شماره۳۷ ـ سال۱۳٤۷ ـ ص ٤۱

داده پرداخته و چنین ابراز عقیده می‌کند که فقط خداوند اورا نجات داده است .
ظل‌السلطان پس از آنکه نجات خود را از این حادثه در اثر حمایت خداوندگار می‌داند ، چنین نتیجه می‌گیرد که فراماسونها نیز در اثر پیروی‌از مذهب همیشه موفق هستند و به فرزندانش‌توصیه می‌کند که مسلك فراماسونی را که مسلك‌خدا پرستی است قبول کنند واین‌آخرین کلمات سفارش اوست بفرزندانش:

«...چنانچه اهالی فراموشخانه اشخاص‌بی‌دینرا بفراموشخانه قبول‌نمی‌کند، اول شخص فراموشخانه بادین ومتدین است .

فرزندان عزیز من تدین داشته باشید و خدا را بشناسید . مرا همان توسل از این‌خطور خلاص‌کرد ...»[1]

سالارالدوله در لژهای فراماسونی

در حالی‌که ظل‌السلطان و شعاع‌السلطنه از طریق‌ورود به لژهای فراماسنی بـرای رسیدن به‌تخت سلطنت تـلاش می‌کردند . سالارالدوله پسر سوم مظفر الدینشاه نیز بدون اینکه‌به لژهای‌ماسونی‌ایران پیوسته‌باشد بوسیلهٔ‌فراماسنها حمایت‌می‌شد و ماسونها اورا برای رسیدن به سلطنت‌آماده می‌کردند . اگر عملیات فراماسونها را از نخستین روزهائی که نغمهٔ‌آزادی‌خواهی برایران طنین افکند . زیر ذره‌بین دقتو موشکافی قـرار دهیم ، شاید با جسارت بتوان گفت که فراماسونهای ایـرانی در نظر داشتند تمام پسران مظفرالدینشاه زا وارد لژهای ماسونی ایران کنند تا هر یك ازآنها که به مقام سلطنت رسیدند درعین حال فراماسون هم باشند .

چنانکه گـذشت محمد علی‌شاه و سالارالدوله بوسیلهٔ (جامع آدمیت) و شاهزاده‌جلال‌الدوله‌وظل‌السلطان ابتدابوسیلهٔ فراموشخانه ملکم‌وسپس‌ظل‌السلطان و شعاع‌السلطنه باکمك جمعی ازمشروطه‌خواهان در لژ بیداری ایران فراماسون شدند .

---

۱ ـ تاریخ مسعودی ، ص ۱۷۵



شاهزاده سالارالدوله ووزرائی که برای تشکیل هیئت دولت خود انتخاب کرده بود

.سالارالدوله[1] در ستیزه و نبرد با آزادیخواهان معروف است، تا زمانی که درایران‌بود، هیچگاه عضو لژهای رسمی‌فراماسونی‌جهان نشد. وچون‌سودای خام حکومت استبدادی را در سر داشت، فراماسونها از آن نظر کـه خود را آزادیخواه می‌دانستند، از وی دوری می کردند، ولی همانطور کـه گذشت او را کاملا نیزرها نساخته وازطریق نزدیکی با «ملك‌المتکلمین» سعی داشتند افکار وی را دگرگون سازند. و یا لااقل اعمال او را مورد کنترل قرار دهند.

سالارالدوله از آغاز جوانی به جاه‌طلبی و غرور شهرت داشت و از همـان زمان سودای سلطنت را در سر می‌پروراند و مدعی بود کـه وی از برادرش برای تصدی مقام فرمانروائی ایران شایسته‌تـر و برازنده‌تر است. و اولین باری کـه توانست این فکر را علناً ابراز کند کمی پیش از انقـلاب مشروطیت ایران یعنی در اواخر دوران سلطنت پدرش مظفرالدینشاه بود.

درآن ایام مظفرالدینشاه، پسرش را باعنوان «والی» بغرب فرستاده بودو چون سالارالدوله درآنزمان خردسال بود، مظفرالدینشاه نصیرالملك شیرازی را به پیشکاری وی گماشت.

نصیرالملك که از جمله فراماسونهای ایران بود که با ملك‌المتکلمین‌دریك لژ فعالیت می‌کرد ودر نتیجه با وی روابط دوستانه نیز داشت. او با استفاده ازاین روابط، واسطهٔ آشنائی ملك‌المتکلمین باسالارالدوله شد وپس ازعزیمت‌سالارالدوله به‌کردستان‌ملك را نیز به این‌سامان دعوت کرد. ملك‌المتکلمین ظاهراً برای‌ارشاد کردهای‌آزادیخواه به کردستان‌عزیمت‌کردودرآنجاباسالارالدوله قول و قرارهائی گذاشت و قرار شد که او با آزادی‌خواهان همراه شود وآنها هم مجاهدت کنندکه

---

۱ ـ شاهزاده ابوالفتح میرزا ملقب بـه سالارالدوله پسر سوم مظفرالدینشاه بود. و مادرش نورالدوله لقب‌داشت. محمد علی میرزا پسر ارشد مظفرالدین شاه در سال۱۲۸۹ـ ه (۱۸۷۲ ـ م) به‌دنیاآمد و ملك منصور میرزا ملقب به‌شعاع السلطنه سال‌بعد وسالارالدوله در ۱۲۹۱ ـ ه (۱۸۷٤ ـ م) متولد شد.

سالارالدوله رابجای محمدعلی‌میرزا با ولیعهدی بگمارند[1].

دبیراکرم منشی سالارالدوله می‌گوید : «پس از این جریانات [و وعده‌های صریحی کــه بنا بنوشتهٔ ادیب الممالك ماسونها از تهران بوسیلـهٔ پیك بـرای او می‌فرستادند] [2] سالارالدوله بقدری زمینه را برای سلطنت خود مساعد می‌دیدکه حتی لباس پادشاهیش را نیز تهیه کرده بود و شبها در مجالس خصوصی‌آن لباس‌را می‌پوشید و جقه بسر می‌گذاشت وخود راشاهنشاه می‌خواند . در همین موقع‌برادر دیگر او شعاع‌السلطنه با عین‌الدوله و صدر اعظم وقت ـ مشغول بند و بست بود تا بجای محمد علی میرزا ولیعهدشود . بالاخره سالارالدوله که شتاب زیادی‌برای رسیدن به‌سلطنت‌داشت‌ازکردستان بطرف تهران حرکت‌کردتا پدرخودمظفرالدین شاه راخلع کند و بجای او برتخت بنشیند . ولی از قشون دولتی شکست خورده ، دستگیرشد ودرقصرعشرت‌آباد تهران تحت‌الحفظ قرارگرفت. ولی‌درهمان هنگام هم که در عشرت‌آباد محبوس بود تاحدودامکان بامشروطه‌خواهان همراهی‌می‌کرد وبرای‌کسانی‌که در سفارت وحضرت عبدالعظیم متحصن‌شده بودند ، پول‌می‌فرستاد. هدف سالارالدوله این بود که ارتباط خود را به هیچوجه از دست ندهد ، تا مبادا در موقع تغییراوضاع اورا ازیاد ببرند .

سرانجام مظفرالدینشاه درگذشت ومحمد علیشاه به تخت سلطنت نشست و چون از ارتباط سالارالدوله باآزادیخواهان و فراماسونها وبلند پروازی‌های وی با خبر بود اورا به‌فرنگستان تبعید کرد .

سالارالدوله‌در ایام‌تبعید نیزبا مشروطه‌خواهان ودوستانش که درلژماسونی بودند ، بوسیلهٔ ملك‌المتکلمین در تماس بود و باآنان همراهی می‌کرد وبعد از به توپ بستن مجلس این دوستی و ارتباط فزونی گرفت و در همین موقعیت بود ، که رسماً به‌لژ فراماسونی فرانسه (گراند اوریان) وارد شد ونشانهائی نیز گرفت .

۱ـ مجلهٔ یغما مهرماه ۱۳۴۰ شمارهٔ مسلسل ۱۵۹ ص۳۱۳

۲ ـ یادداشتهای‌خطی‌آن مرحوم ـ از اسناد خان ملك ساسانی .

سالارالدوله امیدوار بود پس از استبداد صغیر و استقرار مجدد مشروطیت به آرزوی خود یعنی «سلطنت ایران» میرسد و یا لااقل نایب‌السلطنه شود. اما وقتی مشروطه‌خواهان تهران را فتح و محمد علیشاه را از سلطنت خلع کردند، پسرش احمد شاه را بجای او نشاندند و عضدالملك را به نیابت سلطنت برگزیدند. این حوادث سبب شدکه سالارالدوله وشعاع‌السلطنه‌که هردو از رسیدن‌به‌سلطنت‌مأیوس شده بودند کینهٔ مشروطه‌را بدل‌گیرند و درصدد مبارزه با مشروطه طلبان برآیند. پس از این مقدمات بود که شاه مخلوع و شاهزادگان نومید دروبینه اجتماع‌کرده‌و با کمك روسها درصدد حملهٔ به‌ایران برآمدند شعاع‌السلطنه چند ماهی‌فرماندهی قسمتی از قوای طرفدار استبداد را که از راه روسیه به‌ایران حمله کرده بودند، بعهده گرفت، ولی شکست خورده ومتواری شد. ولی سالارالدوله بدون اینکه‌از شکست‌برادرانش بهراسد، واردکرمانشاه شده‌وبه جمع‌آوری‌قوای پارتیزان‌برای آغاز نبردهای چریکی پرداخت.

حسن عنایت می‌نویسد: «... مرحوم میرزا حسین خان‌مخابرالملك‌عموی جواهرالکلام که آن موقع رئیس تلگراف کردستان بود بمشارالیه گفته است: سالارالدوله را آنروزها دیده که روی کلاه خود جقه می‌زد و مبالغی پول طلا و نقره باسم خود سکه زده بود که روی آن سکه‌ها این عبارت دیده می‌شد:

«سکه برزرمی‌زند سالاردین‌یاورش باشد امیرالمؤمنین ...[1]»

سالارالدوله پس از تسخیر کرمانشاه و کردستان به همدان آمد و در آنجا سواران‌بختیاری‌را که برای مقابلــه وجلوگیری او آمده بودند شکست داد و از راه قم و ساوه به تهران عزیمت کرد. دولت مرکزی بازحمت زیاد دو هزار سوار مسلح فراهم کرد و بسرکردگی یفرم، سردار جنگ و سردار بهادر بمقابلــه او فرستاد. سالارالدوله در آن هنگام شش هزار سوار همراه داشت و چندین عراده توپ از کردستان و کرمانشاه با خود آورده بود. طرفین در قریهٔ باغ شاه میان‌قم

۱ ـ مجلهٔ یغما، شمارهٔ ۱۵۹، مهر ۱۳۴۰ ص ۳۱٤

و نوبران در نود میلی جنوب شرق تهـران با هم رو بـرو شدند و جنگ سختی درگرفت . از قوای دولت مشروطه دو نفر کشته و شش نفر مجروح شدند ، ولـی سالارالدوله با دادن پانصد نفر تلفات شکست فاحشی خورد و شتابان بسرحدعراق گریختند وازآنجا به بغداد متواری شد .

شوستر که درآن موقع خزانه‌دار بود ، دستور داد املاك شعاع السلطنه و سالارالدوله را مصادره کنند .

از جمله این املاك مردآباد و شهریار بود که به سالارالدوله تعلق داشت . اما سفارت روس بعنوان اینکه شعاع السلطنه و سالارالدوله تبعهٔ روس هستند [۱] مأمورین شوستر را رانده وازمصادره این املاك جلوگیری کرد .

ازآن به بعد سالارالدوله فراموش شدو چون‌آوارگان در خارج از ایران (بیشتر در سویس) می‌زیست . تا اینکه در پائیز سال ۱۳۴۲ ـ هـ (۱۹۲٤ ـ م)

---

۱ ـ خان ملك ساسانی در کتاب دست پنهان سیاست انگلیس در ایران می‌نویسد : « ... اما شاهزاده ابوالفتح میرزا سالارالدوله که کلیهٔ قتل وغارت مغرب ایران را بدستور انگلیس‌ها انجام‌می‌داد ، همیشه مثل شیری (به بخشید) زنجیرکرده در خارج از مرزایران نگاهش‌می‌داشتند . هر وقت سیاست شان اقتضا می‌کردومی‌خواستند برای قبول‌تقاضای‌نامشروع ایران را در مضیقه و نگرانی بگذارند و دولت وقت را مستأصل‌کنند قنسول‌انگلیس دربغداد قلاده ازگردن‌حضرت اقدس والا برمی‌داشت وروبه ایران‌کیش‌کیش‌می‌کرد ... دولت‌بریتانیای کبیر به چنین شریفی گذرنامه انگلیسی داده وبه او وعدهٔ‌تسلیم‌تاج تخت ایران‌کرده بود. در ایامی که اسلامبول بودم روزی سالارالدوله به سفارت آمده تقاضای گذرنامهٔ ایرانی کرد . مطابق قانون تذکره گذرنامهٔ سابقش را برای تجدید خواستم تذکره انگلیسیش‌را درآورد. گفتم با این‌گذرنامه نمی‌توانم تذکرهٔ ایرانی به شما بدهم.گفت : آیا من پسر مظفرالدین‌شاه نیستم ؟ گفتم : چرا. در شاهزاده‌بودن‌شما حرفی نیست اما قانون اجازه نمی دهد که به این سادگی تذکـره انگلیسی را با گذرنامهٔ ایرانی عوض کنم . اگر اصرار دارید به تهران تلگراف کنم هرطور اجازه دادند . رفتار شود .

سالارالدوله با تغیّـرو تشدّد از سفارت ایران بیرون رفت . چند روزبعد از طرف‌سفارت کبری انگلیس در اسلامبول توسط فرستاده‌ای این تقاضا را تجدید کردند لیکن من از انجام آن معذور بودم ... »

که شیخ خزعل علم طغیان برافراشت ، ناگهان وارد اهواز شد و به خزعل پیوست و بعد از تسلیم خزعل و رفع غائله خوزستان بسرعت از ایـران خارج شد و یك بار دیگر متواری گردید .

وی در سویس ازدواج‌کرد و ازهمسر سویسی خود چهار فرزند داشت .سه دختر و یك‌پسر بنام ناصرالدین [1] علاوه براینها در ایران هم دوپسر وچهار دختر داشت که ازهمسران متعدد ایرانی اوبودند . درواقعهٔ شهریور۱۳۲۰– (۱۹٤۱-م) انگلیس‌هاتصمیم‌گرفتند باردیگر اورابه‌ایران بازگردانند تاباقوای چریك ازراه عراق به‌ایران حمله‌کند .

ولی‌سالارالدوله این بار از دستورانگلیس‌ها اطاعت نکرد ومحمدعلی پاشا که از سرشناس‌های مصر بود و تا آخر عمر به‌اوکمك مالی می‌کرد ، اورا ازاینکار بازداشت . ناصرالدین پسرسالارالدوله‌درسال ۱۳۲۱ به‌ایران‌آمد ومدتی‌تلاش‌کرد تا شاید بتواند ملك‌مردآباد را پس بگیرد ولی موفق نشد .

اما ازطرف دربار شاهنشاهی مرتباً به‌او وپدرش کمـك ومساعدت می‌شد در حالی که هیچیك از افراد خاندان قاجار تا پایان عمرحتی یك نامهٔ عادی هم به‌او ننوشتند .

سالارالدوله سرانجام در اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ ــ (می ۱۹۵۹ ــ م) در نتیجهٔ عارضه‌قلبی‌ـکه درسالهای‌آخرعمر به‌آن‌مبتلاشده‌بودـدرشهراسکندریه درگذشت. بطوریکه عنایت می‌نویسد :

« ... تاآنجائی‌که بخاطر دارم مجلس تذکر و ترحیمی از طرف هیچیك از اقوام وکسان نزدیك اوکه هریك دارای شخصیت بزرگی هستند برای این‌شاهزاده که روزی‌دعوی سلطنت و پادشاهی‌ایران می‌نمود اقامه نشد ...»

هنگامی که سالارالدوله در اسکندریه درگذشت ، لژ فراماسونی و دوستان فراماسون او وی‌راطبق‌آداب ورسوم‌وآئین‌نامه ماسونی بخاك سپردند .

---

۱ ــ نوشتهٔ حسن عنایت در مجلهٔ یغما ــ شمارهٔ مسلسل۱۵۹

سالارالدوله و فعالیت فراماسونری

فکر داخل شدن شاهزادگان قاجاردرجرگهٔ فراماسونها، ابتدا پس از انحلال فراموشخانه ملکم و علنی شدن مقام شاهزاده جلال‌الدوله بوجود آمد.

قتل ناصرالدینشاه بدست میرزا رضای کرمانی که‌طبق قرائن و شواهد با نظر فراماسونهای ایرانی و عثمانی و شخص سید جمال الدین اسدآبادی صورت گرفته بوده وهم‌چنین‌ضعف دربار مظفرالدینشاه ورقابتی‌که‌بین، چهار مدعی‌سلطنت(محمد علی‌میرزا ـ شعاع‌السلطنه ـ ظل‌السلطان‌ـسالارالدوله) برای رسیدن بمقام سلطنت بوجودآمده بود، زمینه رابرای ورود شاهزادگان‌جاه طلب قاجاریه به‌لژهای فراماسنی‌آماده ومستعد ساخت.

همانطوریکه اشاره کردیم، در حقیقت فراماسونهای ایران به تبعیت از فراماسونهای انگلیس‌و سایر کشورهای جهان‌می‌خواستند، رئیس مملکت‌ودولت ازآن آنها واز جمله (برادران) باشد و از همه مهمتر عدم اطـلاع شاهزادگان قاجار از هدفها ومقاصد سازمان‌های فراماسونی سبب شده بود کـه پسران مستبد شاه بظاهر لباس‌آزادیخواهی پوشیده و درعین حال خود را به‌سازمان فراماسونی ایران ویایکی ازکشورهای جهان وارد کنند.

بنظر شاهزادگان قاجار وحتی درباریان مستبد، لژ فراماسونری بـه منزله شعبهٔ مخفی سفارت انگلیس بود وعقیده داشتندکه انگلیس‌ها بوسیلهٔ ماسون هـا، ناصرالدین‌شاه‌راکشته‌اند. آنان چنین می‌پنداشتند که صدور فرمان مشروطیت نیز خواستهٔ سفارت انگلیس‌است و همه‌کسانیکه دراینراه تلاش‌کرده‌بودند، عامل سفارت انگلیس و ماسون‌ها می‌دانستند. شاهزادگان قاجاربارها علناً گفته بودندکه انگلیسها برای پاك‌کردن دربار از عمال روس سازمان ماسونی‌را بوجودآوردند و بالاخره همین سازمان بود که محمد علیشاه را خلع وبا کمك سفارت انگلیس از ایران اخراج کردند[1] آنان حاضر نبودند، حتی یك لحظه در باره سیر آزادی

۱ـ نقل از یادداشتهای منتشر نشده و مکاتبات یکی ازشاهزادگان که درکتابخانهٔ خان ملك موجود است.

در سال‌های آخر عمر ناصرالدین شاه و عواملی که بعدها منجر بصدور فرمان مشروطیت شده بود ، بیاندیشند و این حوادث را ناشی ازغلیان افکار و نتیجه ظلم و ستم‌های خود و درباریان بدانند. وبه‌همین جهت بود کـه بعد ازشکست محمد علیشاه و عزیمت او و مستبدین به اروپافکر ورود شاهزادگان ودرباریان به‌لژهای ماسونی قوت گرفت و به‌مرحلهٔ عمل درآمد.

شاهزادگان فراری با کمك ایرانیانی که دراروپا ماسون شده بودند و شاید هم‌بادادن مقداری‌پول به‌فراماسنهای ایرانی‌مقیم‌اروپا وارد سازمانهای‌فراماسونی شدند.

آنهامی‌خواستند بدینوسیله برگذشتهٔ سیاه خود پرده استتاری بکشند و در زیر شعار (آزادی ـ برادری ـ برابری) که شعار ظاهری ودستاویز سازمانهای فراماسونری بود خود را وارد· جرگهٔ آزادیخواهان‌کرده بار دیگر به ایران باز گردند.

شخص سالارالدوله در سال ۱۳۳۷ـ ش (۱۹۵۸ـ م) در سفری‌که‌به‌مصر کردم به‌نگارنده گفت که او می‌خواسته است بدینوسیله خودرا به‌انگلیسها نزدیك کند وحتی بعد ازشکست جنگهای غرب وفرار به بغداد ، تذکرهٔ انگلیسی‌گرفته‌است. او اظهار داشت:

«چندین‌بار بوسیله دوستـان انگلیسیم در بغداد ، اسلامبول و برن بـا لژ بیداری ایران و فراماسنهای‌ایرانی برای حفظ منافع و املاك خود در ایران و حتی مراجعت بـه‌طهران اقدام‌کردم» ولی فراماسونها از تـرس افکار عمومی و مشروطه‌طلبان حقیقی نتوانستند باتقاضای اوموافقت‌کنند.

در دوران استبداد کبیر و صغیر مستبدین و شاهزادگان بهیچوجه حاضر نبودند ، طغیان توده‌های مردم را قبول‌کنندـ آنها نمی‌توانستند فشار وظلمی راکه ازطرف‌درباریان‌وحکام‌وعمال‌دولت‌می‌شد،بادیده‌حقیقت بنگرندومردم‌را ازچنگال ظالمین رهائی بخشند. مستبدین ودربـاریان با اطمینان و اعتماد فراوان معتقد

بودند که مشروطیت (دکان) و (دستگاهی) است که سفارت انگلیس درست کرده و بوسیله (سازمان فراماسونری) و (فراموشخانه ملکم) تشکیلات انقلاب و عصیان عمومی‌را رهبری واداره می‌کند. همانها می‌گفتند که «محل مخفی و اصلی فراماسونری ایران در سفارت انگلیس است و روی همین ایده و فکر اقدامات سیاسی خود را متوجه انگلیسها کرده ودر هرمورد از آنان یاری می‌طلبیدند. آنها انقلاب مشروطیت را زائیده اقدامات و تحریکات کارکنان سفارت انگلیس و کنسولگریهای آندولت در ایران می‌دانستند.» [۱]

محمدعلیشاه می‌گفت: «همه‌روزه نظمیه وسفارت روس رفتار و اعمال فراماسونها و انگلیسها را به من راپورت می‌دادند ومن می‌دانستم مشروطه یعنی چه؟!!» [۲] شاهزادگان قاجار که همراه محمد علیشاه به‌اروپا رفته بودنـد هریك سعی‌داشتند وارد یکی از لژهای ماسونی فرانسه، انگلستان، سویس و حتی عثمانی شوند.

همانطوریکه قبلاگفته شد، اینعده فقط برای حفظ مقام و اموال خود وارد این تشکیلات شده بودند و امیدوار بودند که بدینوسیله بتوانند موقعیت ازدست رفته‌را حفظ کنند.

دکتر ملك‌زاده پسر ملك‌المتکلمین که پدرش می‌خواست سالارالدوله را به وسیلهٔ فراماسونها به‌سلطنت برساند و به طوریکه گذشت همواره مشیر و مشاور او بود، در این‌باره چنین می‌نویسد: «چند نفر ازشاهزادگان مستبد برای اینکه تکیه‌گاهی داشته باشند و به‌کمك آن به‌اندیشه‌هائی که در دل داشتند برسند، در آن حزب [فراماسون] عضویت یافته بودند ...» [۳]

سالارالدوله تا در ایران بود، به‌عضویت لژ فراماسونی درنیامد، ولی ملك- المتکلمین افکار اورا برای ورود باین فرقه آماده کرده بود. به‌خصوص اینکه او

۱- یادداشتهای خان‌ملك ساسانی.

۲- ایضاً یادداشت‌های خطی و چاپ نشده خان ملك به‌نقل از اظهارات محمدعلیشاه.

۳- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران جلد ششم ص ۱۱۹

وسایر پسران مظفرالدینشاه چنین می‌پنداشتندکه سازمان فراماسونی بمثابه یکی از ادارات سفارت انگلیس و وزارت خارجه اینئولت است .

درباره ورود سالارالدوله به‌لژ ماسونی سویس‌داستانهای بسیاری از اشخاص مختلف شنیده شده است ولی هیچکدام مدرك و سندی ارائه نداده‌اند که بتوان‌به آنها اتکاء کرد .

شاهزاده ملك منصور پسر شعاع‌السلطنه در ملاقاتی که با او انجام گرفت گفت : « پدرم سالها عضو فراماسون بود و در یادداشتهائی که از او باقیمانده و عیناً بمرحوم ملك‌الشعراء بهار دادیم ، اشارت زیادی به‌عضویتش در لژتهران‌می‌کنند.

بعلاوه سالارالدوله نیزوارد لژ ماسونی شد ولی من نمی‌دانم درکدام لژوچه کشوری به‌عضویت پذیرفته‌شد . همینقدر می‌دانم که آنمرحوم به‌علت سادگی وزود باوری که داشت ، اغلب آلت دست مغرضین و مفسدین قرارمی‌گرفت . مادام‌که در ایران بود همواره این اشخاص از جمله ملك‌المتکلمین از وجودش استفاده می‌کردند و هنگامیکه به اروپا رفت و باز هم نظیر همین اشخاص او را آلت دست قرار می دادند . تا آنجا که من اطلاع دارم در مصر تا پایان عمر در لژ ماسونی باقیماند .[۱] »

نگارنده‌درسفری‌که بمصر کردم،بوسیله‌خیرالله‌آذربایجانی‌که مهمانخانه‌ای در اسکندریه دارد و سالها در خانه سالارالدوله آشپزی می‌کرده و در خانهٔ وی بارها جریان تشکیل لژ فراماسونری و جلسات آنرا دیده‌است، به‌ملاقات سالار-الدوله رفتم . خیرالله که می‌دانست سالارالدوله فراماسون است ، به‌نویسنده گفت که وی در لژ اسکندریه مقامی عالی دارد و اغلب ماسونها به‌اوکمك می‌کنند .

سالارالدوله که درگفتگوی خود کلماتی نظیر : فرمودیم ، می‌فرمائیم،چنین تصمیم گرفته‌ایم ، به‌شاهزادگان تهرانی دستخط فرمودیم ومانند اینها را به‌کارمی-برد ، به نگارنده اظهار داشت که عضو لژ اسکندریه است و درجه ۳۳ هم دارد ،

۱ــ یادداشتهای‌خان‌ملك‌ساسانی ــ خاطرات سفر اسلامبول ــ فصل‌گفتگو بامحمد علیشاه.

ولی حاضر نشد مشروح جریان ورودش را برایم شرح دهد. فقط گفت: « ایکاش ما قبلا می‌دانستیم فراماسونی چیست و فراماسون کیست. ما در تهران باشیادانی‌که گردن‌بند ماسونی بـه‌گردن می‌انداختند محشور بودیم، ولی آنهـا از فاسدین و نوکران‌خارجی بودند.

درحالیکه ماسون حقیقی‌آزادگی، برادری و برابری را شعار خود می‌داند و بدان عمل می‌کند. آنها از ما مرتباً پول، تیول، خالصه و خلعت می‌گرفتند و بنام اینکه لژچنین و چنان گفته دروغهائی می‌بافتند، امروزمی‌فهمم‌که همه دروغ و تزویر و ریا بوده است. افسوس که پیر شده‌ام و روی بازگشتن به وطن را هم ندارم و نمی‌خواهم حتی نزدیکانم را که به من پشت کرده‌انـد به‌بینم در دو جمله ساده می‌توانم به‌شما بگویم‌که فراماسونی درایران هم‌مثل احزاب قلابی ورهبران و اعضای شیادان، دکان بندوبست سیاسی است و فراماسون ایرانی فعلا در دنیـا ارزشی‌ندارد. »

سالارالدوله تأکیدکرد، عین جملات فوق را بنویسم و روز بعدکه بدیدنش می‌روم، برای او بخوانم. هنگامیکه به ملاقاتش رفتم، آنچه را که نوشته بودم، همه را به‌دقت خواند و روی چند جمله‌که شاید بنظرش حاوی اسرارماسونی‌بود، خط‌کشید و توصیه‌کرد، آنها را جائی بـازگو نکنم. در اینجا روی تعهد اخلاقی که به‌آنمرحوم دادم، ازچاپ آن جملات خودداری می‌کنم.

بـه‌موجب نوشتهٔ دائرت‌المعارف فراماسونی آلمانی، سالارالدوله پس از اخراج از ایران ابتـداءِ در سال ۱۹۱۵ (۱۳۳۳ هـ) وارد لژ فراماسونی فلسطین شده است. این لژکه بین مسلمانان و یهودیان مشترك بود، سالارالدوله را تامقام استادی ارتقاءِ مقام داد. سپس هنگامیکه به مصر رفت در لژهای دیگری شروع به‌فعالیت کرد. [1]

دو سال پس ازمسافرت به مصر، مقاله‌ای درمجلهٔ یغما به‌قلم (حسن‌عنایت)

1_ Inter nationales Freimaurer Lexikon چاپ مونیخ سال ۱۹۵۶

منتشر شد ، که در آن نویسنده ماجرای ملاقات وگفتگوی خود را باسالارالدوله شرح داده و نامه‌ای را هم از اوگراور کرده بود . پس از درج مقاله مزبور ، در ملاقاتی که با ایشان به‌عمل آمد ، در باره عضویت سالارالدوله در لژماسونی مصر، اطلاعات بیشتری بدست آمدکه در اینجا عین‌گفته‌های وی را نقل می‌کنم :

«سالارالدوله در ضمن گفتگو اظهار می‌داشت که در لژ مصر مقامی عالی دارد . او کتابچه‌ای به‌من داد که در آن اسامی فراماسنهای عالیمقام مصری نوشته شده بود و آن کتابچه را هم اکنون دارم . مقام سالارالدوله (استاد اعظم) بود وبا اینکه در روزهای آخر عمر پیر وشکسته شده بود ، معذلك رفتن به‌لژ وملاقات با برادران فراماسون را فراموش نمی‌کرد .

او هیچوقت در باره اینکه کی وکجا و چگونه وارد لژ فراماسونری شده ، اظهاری نمی‌کرد ، ولی محققاً در لژ مصر مقامی عالی داشت چنانکه نام او نیز در ردیف بزرگان مصری نوشته شده است . »

عین‌الدوله هم فراماسون شده !!

پس ازپایان فتنهٔ محمد علیشاه و پیروزی مشروطه‌خواهان، شاهزادگان و مستبدین بدنبال شاه به‌اروپا رفتند و سپس با پرداخت مبالغی هنگفت به ایرانیانی که فراماسون بودند وارد سازمانهای فراماسونری انگلستان و فرانسه شدند.در این میان از همه جالبتر ورود شاهزاده عین‌الدوله به لژ فراماسونری انگلستان بود . اوکه در ایران مظهر ظلم وستم وبیداد ودشمن (آزادی- برادری-برابری) شناخته می‌شد ، در لندن در سلك فراماسونها درآمد . در کتابخانهٔ آقای حسین اعزاز ثقفی سند جالب و حیرت‌آوری وجود دارد که نشانـهٔ همکاری و همفکری فراماسنهای انگلیسی با این عنصر ضد ملی است که نقل آن حائز اهمیت فوق ـ العاده‌ای است سند مذکور که عیناً ترجمه شده است در اینجا منعکس می‌شود .[۱]

۱ـ چند سال بعد شنیدیم که کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه از روی این سند فیلمی تهیه کرده که در کتابخانه نگهداری می‌شود .



عین‌الدوله صدر اعظم مستبد ودشمن آزادی و مشروطیت هم فراماسن شد.

نمره ۷۹٤ – ۲۵ فوریه۱۹۱٤

به افتخار معمار بزرگ کائنات ـ مارئیس‌المؤمنین نمره ۲۵۲۰

نظر به تعهدنامه که شخص داوطلب امضاء نمود.

نظر به‌رأی مساعد نماینده ما درتهران.

نظر بـه اطلاعیکه بعضی از اعضـاء پس از شناختن شخص داوطلب از روی عکسش دادند، نظر به‌شوری که در جلسهٔ هفدهم فوریه ۱۹۱٤ بعمل‌آمد،

نظر به‌فصل ۳٤ نظامنامه اساسی:

مقرر داشته و می‌داریم

ماده واحده

از تاریخ اول ماه مارس ۱۹۱٤ شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله که از

رجال مملکت ایران هستند عضو نمره ۲۵۲۰ شناخته خواهند شد.

در مرکز ۲۵۲۰ نگاشته شد به‌تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۱٤ ازطرف رئیس‌المؤمنین معاون مؤسس وود.

بطوریکه در متن سند قید شده است قبول عضویت (عین‌الدوله) با اجازه نماینده لژ فراماسونری در ایران وحتی گواهی فراماسونهائی که اورامی‌شناختند، صورت گرفته است.

عضویت عین‌الدوله مستبد در لژ فراماسونری این نکته را مسلم می‌داردکه رؤسای فراماسونری در ایران از روز نخست، بهیچوجه پای‌بند نام نیك، آزادی و آزادیخواهی و شرافت اعضای خود نبوده‌اند و اطاعت محض از دستورات‌صادره (مراکز ماسنی) را از همه چیز ضروری‌تر و بالاتر می‌دانسته‌اند. وقتی خبر ورود عین‌الدوله و سایر مستبدین به‌لژهای فراماسونری به‌تهران رسید، دربین‌چندتن از اعضای لژ بیداری ایران جنب وجوش ومخالفتهائی بوجود آمد.

مخالفین هسته‌ای در داخل لژها و محافل ماسونی تشکیل دادند و ازاینکه دشمنان آزادی و ظالمین لقب (برادر!) گرفته بودند، به‌مراکز ماسونی اعتراض کردند.

روزی درحضور دکتر محمد حسین میمندی نژاد ازمرحوم سیدمحمد صادق طباطبائی درباره عضویت (عین‌الدوله) سئوال شد. آنمرحوم پس ازمدتی تأمل و اصرار درجواب دکترمیمندی‌نژاد گفت: وقتی پدرم و من وارد لژ فراماسونری فرانسه شدیم، امید داشتیم که در سایه اتحاد وطرفداری از(آزادی)باکمك‌مراکز فراماسونی فرانسوی‌ها بتوانیم از ظلم و ستم مستبدین وخفقان انگلیسها ورسوخ و نفوذ آنها جلوگیری کنیم. ولی مدتی که از ورود ما گذشت فهمیدیم که اشتباه کرده‌ایم.

زیرا آنجا هم دکان سیاسی انگلستان بود، وهم مرکزجمع اضداد. درآنجا ظل‌السلطان مستبد با پدرم در یك ردیف می‌نشست. خبر دخول عین‌الدوله به لژ

فراماسونری ، عده زیادی را عصبانی و فی‌الواقع پایهٔ لژبیداری ایـران را سست کرد. خوب به‌خاطر دارم‌که‌حکیم‌الملك دراین باره در محفل اعتراض رسمی‌کرد و نطق اعتراضیه او به‌مرکز لژ در پاریس ارسال شد .»

همچنین سید حسن‌تقی‌زاده دراین‌باره به‌نویسنده‌می‌گفت: «بطوریکه‌شنیدم، وقتی خبر ورود مستبدین به لژهای خارج از ایران به تهران رسید ، مـرکز لژ بیداری ایران نامه‌های اعتراض‌آمیزی به‌گراند اوریان نوشت و از آنها خواست که منبعد هیچیك از ایرانیان را بدون موافقت لژ تهران به عضویت نپـذیرد . » متعاقب‌اعتراض‌لژ تهران، از طرف‌گراند اوریان فرانسه به‌کلیه لژها اطلاع داده شدکه بهیچوجه ایرانیان را بدون انجام تشریفات اولیه، ازطرف لژبیداری‌ایران به‌لژهای خود راه ندهند . و مادام که موافقت کتبی لژ ایران ابلاغ نشده است عضوی که‌ملیت ایرانی دارد به‌تشکیلات پذیرفته نشود .

این اقدام اواز ورودایرانیان(مقیم‌خارج) به‌لژهای ماسونی دنیا جلوگیری کرد ، ولی مستبدین تا روزیکه زنده بودند ،همچنان در لژهای خود باقی‌ماندند، چنانکه سالارالدوله پس از گذشت نیم‌قرن همچنان درلژ مصر مقامی عالی‌داشت.



فصل بیست و دوم

افتضاحات ماسونی

سازمان فراماسونی نیزمثل همهٔ جمعیتها ، همیشه‌گرفتار افتضاحات واعمال زشتی بوده‌که پوشانیدن وانکار آن بی‌نتیجــه است . از سال ۱۷۲۰ م (۱۱۳۲ هـ) این عقیده در همه‌جا انتشار یافت که فراموشخانه اتحادیهٔ بیماران و کفرگویان و یاوه‌سرایان‌و بی‌عفتان‌است‌که ازهیچ فسقی‌روگردان‌نیستند واز سرّی بودن‌جمعیت استفاده می‌کنند وگردهم جمع شده و ننگ‌آورترین اعمال‌را مرتکب‌می‌شوند»[۱]

حکایاتی که در افواه افتاده ، متأسفانه بعضی از آنها با همهٔ زشتی وشناعتی که دارد حقیقت داشته است . از آنجمله داستانی است که در سالهای بین ۱۷۳۰ و ۱۷٤۰ م (۱۱٤۲ - ۱۱۵۲ هـ) در فیلادلفی روی داده و هنگامی در آمریکااتفاق افتاده که جامعهٔ پاك ومنزه‌آن روز از شهوترانی‌وخوشگذرانی‌های اروپائی بوئی نبرده بوده است . نویسندهٔ کتاب (دویستمین سال تولد فــرانکلین) در بارهٔ این واقعهٔ عجیب چنین‌می‌نویسد:

« ... بین سالهای ۱۷۳۰ و ۱۷٤۰ م [۱۱٤۲- ۱۱۵۲ هـ] در فیلادلفی‌داروساز خوشگذران ونسبتاً معتبری‌موسوم به دکتر «اوان جونس» سکونت داشت .شاگرد وی پسری جوان و زیبا و بسیار ابله بنام «دانیل ریز» بود . دواساز خنده‌رادوست میداشت و شاگردش اسباب خنده وی میشد . بدبختانه این شاگرد درعین‌حال جنبهٔ

---

۱ - فراموشخانه و انقلاب‌های قرن ۱۸ ص ۱٤٦

جدی داشت وحتی جاه‌طلب‌هم بود . می‌خواست درزندگی کامیاب شود وچون صحبت فراماسونری رازیاد شنیده بود وکم وبیش مطالبی از اسرار ظلمانی وقدرت روحانی و نفوذ اجتماعی آن به گوشش رسیده بود خیلی میل داشت عضو این مؤسسه شود. به ارباب خود و دوستانش سماجت واصرار میکرد که وی را عضو فراماسونری کنند . بالاخره آنها تصمیم گرفتند از سادگی اواستفاده‌کرده تفریح کنند. چندنفر از ماسونهائی‌که اوآنها را می‌شناخت در باغ دکتر اوان جـونس مجلسی با لباس مبدل تشکیل دادند و دستور تشریفات آن بوسیلهٔ یك ماسون قدیمی بنام «نیکلر بیموری » تنظیم شد . بیموری قسم نامه‌ای نوشته بود کـه پسر جوان آنرا حفظ کرده و هنگام ورود به محفل ماسنی بزانو درآمده وچشم بسته آنرا خواند . در این قسم نامه او روح خود را تسلیم شیطان کرده و بـه ماسون‌ها ابراز وفاداری نموده بود .

صاحبان مجلس سپس ظرف مقدس را به‌وی دادندکه در آن بجای « شراب عشق » یك مسهل بسیار قوی ریخته شده بود . پسرك جوان به‌منظور انجام آئین «قداس»آنرا تا ته سرکشید وپس‌ازآن ویرا مجبور کردندکه کارهای‌زشت‌مختلفی انجام دهد . پسرك جوان تکالیف ووظائف محوله رابخوبی انجام‌دادوازگذرانیدن آئین ورود به‌فراماسونری بسیار خوشحال‌گردید .

حاجت بگفتن نیست که حاضرین مجلس نیز تفریح را بسیار شیرین وباب طبع خویش یافتند ، بطوریکه‌تصمیم‌گرفتند بعنوان ارتقاء رتبهٔ‌ماسونی این‌مجلس را باز تکرار کنند .ماسونها دسته جمعی به قهوه‌خانه‌های مختلف می‌رفتند و همه جا قسم‌نامهٔ‌اختراعی‌خود رامی‌خواندندورفقای خود وحتی‌بعضی ازماسونهای‌مؤمن وصاحب عقیده رابه خنده می‌انداختند وبازهم وعده میدادندکه‌هفتهٔ‌آینده مجلس را تکرار خواهندکرد. وشب موعود پسرجوان را چشم می‌بستند وعریان‌میکردند و با شدت هر چه تمامتر شلاقش میزدند . این شلاقها اگر چه عقل وی را زیاد نمی‌کردولی لااقل اورا دل‌خوش میداشت‌که درجهٔ ماسونی وی ارتقاء می‌یابد.حتی

کار این شوخی بجائی رسید که بمناسبت این جشنها دعوتنامه‌ای پخش و برخی آئین‌های آنرا تکمیل می‌کردند ، چنانکه در مجلس آینده چشمهای پسرجوان را بستندو او را وارد یك زیرزمین تاریك ساختند و در کنار وی یك پیاله الکل را آتش‌زدند و ناگهان چشم او را باز کردند . در عقب شعله‌های الکل یکی از کارگردانان محفل ملبس بطیلسان‌سیاه فراخی ایستاده بود . او صورت خودرا بارنگهای سیاه وقرمز آرایش نموده و برروی سرخود دو شاخ گاو قرار داده و اطوار و حرکات یك شیطان واقعی راداشت. ولی اتفاقاً این شیطان نقش خود را خوب بازی‌نکردزیرا « دانیل ریز » که با کمال بلاهت هرچه را میشنید باور می‌کرد ، شیطان را دید و باور نکرد وسخت‌ناشیگری نمود وحتی در جواب سئوالهای پی‌درپی‌که ازاومیشد جواب دادکه بهیچوجه‌نمی‌ترسد . برای اینکه‌وی رابترسانند الکل بظرف‌مشتعل اضافه کردند و باز چون دانیل نمی‌ترسید مایع راروی بدن‌او ریختند بقسمی که از شانه تا ران وی ازالکل مشتعل سوخت .

اینجادیگرجای‌شوخی‌نبود ویابقول روزنامه‌های فیلادلفی و قاضی محکمه اعمال و آئین تشریفات ماسنی رسمی خاتمه پذیرفت ، زیرا « دانیل ریز » پس از سه روز احتضار وحشتناك بدون اینکه لحظه‌ای بحال و هوش آید مرد . مرگ او سبب‌هیجان افکار عمومی شد و قاتل را به محکمه‌کشانید . در تمام مدت ۱۵ساعتی که محاکمهٔ او ادامه داشت طالار محکمه از جمعیت لبریز بود و بالاخره « اوان جونس » محکوم شد و طبق رسوم وقوانین ایالت پنسیلوانی جلاد دست راست‌وی را تماماً بسوخت. اماتنفر عمومی هنوزباقی‌مانده بودومردم همچنان فراماسونری و محفل فیلادلفی را مقصر و مرتکب این عمل می‌دانست .

ماسونها خیلی سعی کردند که از خود رفع اتهام کنند و تشریح کردند که این کارآموزی ازنظر ماسونی صحیح نبوده است واشخاصی‌که مرتکب این‌جنایت شده‌اند هرگز ماسون نبوده‌اند . با اینهمه شهرتهای زشت وزننده داده شده بود و بدبینی عمومی نسبت بدیشان روزبروز بیشتر می‌گردید . از ۱۷۳٤ تا ۱۷٤۰ م

(۱۱٤٦ - ۱۱۵۲ هـ) مردم در همه‌جا سعی می‌کردند اسرار آنها را افشا کنند. در پاریس مردم بر ضد فراماسونها تصنیف ساخته و اشعار هجائی زیاد می‌سرودند[۱]. در عید میلاد مسیح ۱۷۳۷ (۱۱٤۹ هـ) برضد ماسونها شعری منتشر شد که درآن از تمام اشخاصی که بمناسبت جشن مذهبی به کلیسا می‌آمدند صحبت می‌شود و بالاخره از ماسونها بنحو زیر سخن می‌رفت:

از تمام نقاط کشور ما.
بطرز ننگینی بیرون شدند،
این جماعت سقراط‌مآب آمدند،
با شور وغوغا،
طفلی فریاد زد، ایندسته کیستند؟
باو جواب داده شد، اینها فراماسونها هستند.
که اگر ما در اینجا نبودیم
دستی بسر وگوش تو می‌کشیدند.![۲]

حتی در انگلستان که مظهر فراماسونی و مبدأ حکومت جهانی ماسونی است، انتقادات شدیدی ازاین سازمان می‌شود. در سال ۱۷۲۳ م (۱۱۳۵ هـ) کتاب «کشف راز بزرگ فراماسونها» منتشرشد. نویسنده ماسونها را متهم کردبه‌اینکه «ژزویت»هائی هستند با لباس مبدل. اندکی پس از آن کتاب «ساموئل پریچار» بنام (بطون ماسونی) که مطالب‌تحسین آمیز نسبت به مسلك ماسونی نداشت‌منتشر شد، این‌کتاب مشتری و خواننده زیادی پیدا کرد، بطوریکه در اکتبر ۱۷۳۰م (۱۱٤۲ هـ) پی‌درپی سه مرتبه از این کتاب تجدید چاپ بعمل آمد. راجع به دائم‌الخمر بودن ماسونها نیزکتاب جداگانه‌ای بنام (مدح‌مستی‌دائم) منتشرگردید که شامل دو بخش بود:

۱ ـ فراموشخانه و انقلاب‌های قرن هیجدهم ص ۹۷

۱ ـ رجوع شود بکتاب Raunie تصنیف ساز تاریخی جلد ششم ص ۱۷٤ و ۱۷۹
(vous tateraient lacroupe)

۱ ـ لزوم مستی دائمی
۲ ـ خمردائم عادت قدیمی و اصلی مذهب کاتولیك است .

برای جوابگوئی به‌این حملات هر قدر « دزاگولیه » فعالیت وکوشش نمود و برای این منظور کتاب معروف «دفاع از فراماسونری ۱۷۳۰م » را منتشرکرد ، مفید واقع نشد و تودهٔ مردم بیش از پیش به اتهامات وارده معتقد می‌شدند . در سال۱۷۳۷ (۱۱٤۹ هـ) یکی از مجلات‌مهم‌و مؤثر لندن موسوم به (لندن‌ماگازین) مقالهٔ مفصلی به فراماسونری اختصاص داد وچنین نوشت :

« این اتحادیه مخفی شباهت زیادی به‌محاکم انگیزیسونInquisitonsدارد. انگیزیسون‌محاکم مخفی مذهبی است که در قرون ۱۲ تا ۱۹ میلادی در کشورهای مختلف کاتولیك برقرار بوده و مخصوصاً قبل از قرن نوزده در ایتالیا و اسپانیا ضدآزادی عقیده فعالیت می‌نمود و به قول خودشان کفار و زنادقه را محبوس و اعدام می‌کردند . »

نویسندهٔ مقالهٔ «ماسونها را دسته‌ای از اشخاص‌تنبل و بیکاره‌ای که‌جشنهائی منعقد می‌کنند وضمن این‌اعیادکارهای‌سبك و تقلیدهای مضحك‌ومسخره‌درمی‌آورند می‌دانست ودر خاتمه از دولت تقاضا کرد آنها را تحت مراقبت قرار داده و در صورت لزوم عقوبت ومجازات کند .[۱]»

فراماسونری به‌شهرتهای زشت‌آلوده شده بود و چون اشراف آنروز بسیار فاسد بودند و فراماسونری با آنها اشتراك منافع پیدا کرده بود به‌هیچوجه نمی‌توانستند از بدبینی مردم جلوگیری کنند . مردم می‌دیدند که « سرور بزرگ » فراماسونی از سال۱۷٤۷ تا ۱۷۵۲ (۱۱۵۹ـ ۱۱٦۵هـ) لرد بایرون است . اوکه لقب «بایرون بیعار» داشت و مشهور بودکه ازاوان جوانی با پسران تازه‌سال هم آغوش می‌شود ، مدت هفت‌سال در رأس فراماسونی قرارداشت درحالیکه مردم انگلیس او را از زشت‌کارترین افراد و رجال کشور می‌دانستند . او در یکی از مجالس

---

۱ ـ مقاله۲٤ اوت ۱۷۳۷

شرابخواری ، بدمستی را بجاهای زشتی رسانیده تاجائیکه یکی از اقوام خود را کشت . محاکم انگلیسی که تحت انقیاد دولت و فراماسونها بودند ، بایرون رافقط بیك جریمهٔ نقدی مجازات کردند . فامی نویسندهٔ فرانسوی می‌نویسد : « کمی مجازات سرور بزرگ فراماسونری انگلستان را به‌بدنامی مشهور ساخت . در این مورد نمی‌توان فرض کرد که فراماسونها از عیوب اخلاقی رئیسشان بی اطلاع بودند . »[1] با اینکه لرد بایرون (دوك دووارتن) بدون مقدمه و برخلاف انتظار رئیس جمعیت شده بود ، معذلك نمی‌توان گفت که آنها نمی‌دانستند او چه می‌کند و عمداً ویرا سرور خود کرده بودند .» فامی می‌نویسد :

«... فراماسونها معتقد بودندکه امرای بزرگ با وجود معایبشان و با آنکه اعمال آنها ضرر بزرگی به حسن شهرت جمعیت می‌زنند ، برای پیشرفت منظور فراموشخانه بسیار مفید و لازم هستند [!!] البته منظورفراموشخانه هدف‌اخلاقی سهل و ساده حکمت و فضیلت مطلق و خیالی نبود ... »[2]

افکار وگفته‌های مردم ایران دربارهٔ ماسونری

در ایران هم از روزیکه میرزا یعقوب خان و میرزا ملکم خان لژفراموشخانه‌دایرکردند،شایعات فراوانی دربارهٔ جمعیت سرّی آنها در افواه افتاد . سرّی‌بودن این جمعیت با تردستی‌هائی که میرزا ملکم خان در اروپا آموخته بود ودر مجامع رجال و افراد سرشناس می‌کرد ، سبب شدکه‌دربارهٔ فراموشخانه‌وبعداًفراماسونری نیزدرایران حکایات عجیب‌که ناشی از بی‌اطلاعی عمومی بود منتشرشود.

بعلاوه‌وجود عده‌ای ازشاهزادگان ودرباریان عیاش‌وخوشگذران وقسی‌القلب ضدآزادی ،به‌حسن شهرت فراماسونری لطمه زد .

موقعیکه نگارنده مشغول نگارش‌این‌کتاب بودم، به‌اتفاق‌خان ملك‌ساسانی‌به

۱ـ فراموشخانه و انقلابهای قرن هیجدهم ص ۱۲۷

۲ـ ایضاً ص ۱۲۹

دیدن یکی از درباریان سابق که جدش و پدرش وحتی سایر اقوامش جزو فراماسونری و فراموشخانه بودند و خود او نیز از نویسندگان و سرمایه‌داران بنام است. رفتیم. وقتی از او دربارهٔ فراموشخانه و اعمال شنیع و زشتی که آنجا انجام می‌شد پرسیدیم؟ با کمال صراحت گفت: «در آنجا اعمال شنیع و زشتی صورت می‌گرفت» در اینجا ناچار از تکرار جملات آن مرد محترم خودداری می‌شود ولی نمی‌توان از تذکر اینکه جملات او جزئی از افکار عمومی آنزمان در بارهٔ ماسونری بود خودداری کرد. میرزا عبدالله کاوه که خود یکی از اعضاء فراموشخانه ملکم بوده داستانی در رسالهٔ «تقلب طرح جدید[1]» دربارهٔ جوانی که خانواده‌اش از روسپیها بوده و می‌خواسته فراماسن بشود، نقل می‌کند. سرگذشت این جوان و عملی که میرزا ملکم‌خان در بارهٔ او کرده تقریباً شبیه، داستان جوان داروساز است که اینك عیناً و بدون تصرف نقل می‌گردد:

«... یکی از هموطنان بـه خیال فهم مسئله، و یا امتحان قوه حافظهٔ خود داخل فراموشخانه می‌شود. از این جمله حسن آقا نامی که به‌پلیدی و بلاهت معروف و در ظرافت وسفاهت ضرب‌المثل همعصران خود بود. چون ازمالیه دنیا بی‌بهره و دست خالی بود به‌خیال دخول در فراموشخانه وعضو شدن درجامع آدمیت افتاد، که شاید به‌این وسیله گشایشی درامور معاشیه پیدا کرده وضمناً خود را درجرگهٔ آدمی جلوه داده باشد. این حسن آقا پسر رضاقلیخان نامی بود که در سن ٦٠ یا ۷۰ سالگی گرفتار به‌مرض فلج و استرخا شده زمین‌گیر و قادر به‌حرکت نبودواز کثرت استیصال و بی‌بضاعتی زن ودودخترش ناچار ازراه حرام‌کسب معاش می‌کردند. این پیرمرد فقیر بی‌بضاعت هم بواسطهٔ مسدود بودن ممر و راه معاش لاعلاج تن به بی شرافتی داده و به قضاء آسمانی راضی شده اگر فرضاً هم ادراك مطلبی کرده می‌فهمیدمهر خاموشی برلب نهاده ابداً لاو نعم حرفی نمی‌زد و فقط به قوت وغذای آماده که شاید از پس مانده رنود و واردین بود قناعت کرده خشنود بود. اعمال

---

۱ ــ رسالهٔ تقلب طرح جدید در ٤۰ صفحه بقطع جیبی و در چاپخانهٔ پارسیان طهران درغره‌ربیع‌الاول هجری چاپ شده است.

ناشایست آن زن ودخترها وردزبان اجامر واوباش قهوه‌خانه‌هاشده همواره برعده واردین می‌افزودتا عاقبت کار بالا گرفت ودسته‌ای ازدزدان شهر بارفاقت‌ودستیاری آنان شبها از نقاط مختلفه دستبرد زده بخانهٔ رضا قلیخان که در جنب تکیهٔ رضا قلی‌است می‌آوردند ودر زیرزمینی‌که درب معبر آن در زیر توشك پیرمردمفلوج و مسترخی بود انباشته ومضبوط می‌داشتند تا در موقع به مقام بیع درآورده‌وجه آن را هر یك سهمی برداشته به مصرف‌گذران شخصی می‌رساندند . اتفاقاً شبی از دکان توتون فروشی واقعه در تکیهٔ رضاقلیخان کیسهٔ توتونی دستبرد زده به خانهٔ منظور آورده ودر زیر زمین معهود مضبوط نمودند. صبح‌آن شب صاحب دکه‌خبر دزدی و حادثه‌اتفاقیه را به‌عملهٔ شب‌گرداطلاع‌داد. عملجات تفتیش درصددجستجو و تحقیق برآمدند . غفلتاً ازریزش توتون از سوراخ ته‌کیسه درموقع حمل و نقل بروی زمین ریخته بود ، مشاهده کردند. این علامت را فوزی عظیم شمرده برائر علامت ریزش توتون آمده همینطور تا درب خانهٔ رضا قلیخان رسیدند چون این خانه به بدنامی اشتهار داشت البته گزمه‌ها از حال واردین مختلف این خانه بـه تردید و شك بودند خاصه اثر علامت توتون تا درب این خانه مستقیماً سیر کـرده بهر نحو بود داخل خانه شدند . علامت ریزش توتون که درکریاس و دالان خانه تالب‌توشك رضاقلیخان بخوبی بروی‌زمین نمایان بود و اهالی خانه بواسطهٔ‌تجری در عمل دزدی وقعی به علامت نگذارده اعتنائی نکرده بودند و یا اینکه بجهة غفلت و سوءِ اتفاق که‌علامت قهرخداوند است‌که‌گفته‌اند :

لطف حق با تو مداراها کند
چونکه ازحدبگذرد رسوا کند

بهیچوجه ریختهٔ توتون را ندیده بودند بالاخره عملیات تفتیش و گـزمه‌ها بهمان علامت تا نزدیك توشك پیرمرد مفلوج آمده و درآنجابحالت بهت‌وحیرت ایستاده بنای استنطاق گذاردند . پس از سئوال و جواب زیاد آراء بـر این قرار گرفت که پیر مرد مسترخی را حرکت‌داده که زیر توشك راهم احتیاطاًکنجکاوی

و تحقیق کرده باشند همینکه پیرمرد را حرکت داده توشك را بلند کردند درب معبر زیرزمین معهود نمایان گردید در داخل زیرزمین اسباب و اشیاءِ مسروقه چندین ساله پیداکردند و در چنین‌حالی هموطنان عزیزم می‌دانند که وضع‌سلوك گزمه‌ها عملجات احتساب‌به اهالی خانه از چه قرار و بچه منوال بوده ، همینقدر است که اسباب‌و اشیاءِ ضبط و اثاث البیت تاراج‌و خانه توقیف و ضبط دیوان‌اعلی اهالی محبوس شدند . در آن موقع حسن‌آقای سابق‌الذکر طفلی‌به سن ده‌ودوازده سال‌بیشتر نبود این بیچاره بی گناه هم در جزءِ محبوسین توقیف و به‌محبس‌رفت رضا قلیخان و زنش پس از چندی درمحبس مردند .

حسن‌آقا ودوهمشیره مکرمه‌اش بعد ازچندسال حبس مستخلص‌شدند ولی حسن‌آقا بعدازبیرون آمدن ازمحبس خیلی‌ازاین‌حادثه متألم ومتأثر بود وازآن تاریخ ببعد لقب خانی را که تاآن زمان به او حسن‌خان می‌گفتند از خوددورکرده خودرا حسن‌آقا نامیدوبکلی‌مراوده با فامیل خودرا قطع نمود به خیال کاسبی‌افتاد چندی‌دستفروشی ودوره‌گردی می‌کرد تااینکه‌متدرجاً صاحب دکه‌مختصر کوچکی درغرب سبزه‌میدان‌گردید . تا اینکه شنید.پرنس ملکم خان تأسیس فراموشخانه نموده با آن خیالات عالیه که در وجود این شخص بود روزی در فراموشخانه به پرنس ملکم‌خان‌وارد شد اظهار میل ورود به فراموشخانه و اقبال دخول درانجمن سرّی نمود. ملاحظه‌فرمائید شخصی‌را به‌سن‌بیست ودو یا بیست وسه‌باقامتی‌طویل، قبای سه چاکی ، صورتی دراز ، پیشانی و پس‌گردن پهن ، دماغی درشت ،گوشهای بزرگ‌که تمام علامت‌بلاهت‌است‌به‌پرنس ملکم ورود نماید، عنوان اقبال دخول در انجمن‌سرّی‌هم‌بکند. پرنس‌ملکم‌پس‌ازملاقات اندکی باعقل‌دوربین‌وفراست جبلی از هیکل حسن‌آقا بدقت آثار بدایع خلقت خداوندی را مشاهده کرده به هوش فطری دریافت که باید با اوچگونه رفتار نمود . بدواً قهوه و قلیانی خواست پس از مصرف قهوه و قلیان عنوان صحبت کرد که بسیار خوب خیالی.کرده‌ای برای دخول به فراموشخانه مبلغ دوازده تومان بـرای سرمایهٔ صندوق جامع آدمیت ۰۷ م است .

این بدبخت هم برای پیشرفت‌مقصودباطنی مبلغ دوازده تومان تقدیم‌داشته اسم‌خود راثبت درکتابچهٔ‌آدمیت نمود وپس از آن ملکم‌خان برخاست خداحافظی کرده حسن آقا هم از در بیرون آمد ولی همینکه چند قدمی رفت خیال فوری سبب‌معاودت حسن آقا گردیده مجدداًدراطاق اولیه داخل‌شده‌ملکم‌خان‌راخواست. به‌پرنس‌اطلاع‌دادند حاضرشد.دیدحسن آقاست.علت معاودت فوری را سئوال کرد حسن‌اقاباکمال بلاهت‌وکندی‌دست‌بدست‌مالیده‌اظهارداشت‌بلی‌مقصودی‌داشتم‌بفرمائید قهوه‌و قلیانی بیاورند البته نیت خودرابه‌عرض‌می‌رسانم. نزدیك‌بودکه‌پرنس‌فتوری در دانش و ذکاوت خود پیداکند که حسن‌آقا شروع به‌صحبت‌کرده عنوان نمودکه مقصود از مزاحمت ثانوی این بود که می‌خواستم از جناب عالی تحقیق نمایم مرحمت فرموده اسامی‌اشخاصیکه داخل‌فراموشخانه شده‌اند به‌من بخوانید.ملکم باکمال طمأنینه اظهار داشت که البته در موقع اسامی برادران انجمن وآنهائیکه داخل در فراموشخانه هستند خواهید دانست ولی فعلامقتضی نیست . مجدداًحسن آقا عرض می‌کند پس خوبست دستوری یا علامتی که ممکن است با آن علامت همدیگر را شناخت به‌من تعلیم فرمائیدکه درموقع برادران انجمن واخوان‌سرّی خود را بشناسم . بازپرنس به‌وقت دیگرحواله نمودندکه اموردنیا تدریج‌الحصول است در مقام و جای خود یا مقتضی وقت خواهید ملتفت شد . در این بین قهوه و قلیان آوردند صرف شد .

حسن‌آقا در پیش خود خیال‌کرد که اگر سایرین برای دخول در جامع آدمیت ۱۲ تومان داده و قهوه و قلیانی صرف نمودند للّه‌الحمد۱۲ تومان‌من‌صرف دو قهوه و دو قلیان شد . اندکی گذشت پرنس ملاحظه کرد این شخص ۱۲ تومان داده و مدتی از وقت او را صرف، بیهوده‌گوئی نموده . خواست برخیزد و بقیه خیالات حسن آقا را به‌موقع دیگر بگذارد که باز حسن‌آقا اصرار کرد مستدعیم اقلاً علامتی ازاسرار و علامات سرّی را به‌من بفرمائید پرنس ملکم باطناً متغیر شد ولی درظاهر خیلی خود را حفظ کرده فوراً مزاحی به خاطرش رسید که شاید

با این شوخی و مزاح عجالتاً از گیر این نافهم بیشعور مستخلص شود .این بودرو را به‌طرف حسن آقا کرده گفت در این انجمن سرّی و فراموشخانه علامات بسیار است که حالیه ممکن نیست تمام آنها را به‌شما گفت ولیکن من یکی دو علامت بزرگ خیلی مهم را که اظهار آن بهیچکس و در هیچ موقعی نباید بشود به شما می‌گویم ـ اما باید بدانید که اظهار این علامت‌که بزرگترین علامات فراموشخانه است حتی‌المقدور به‌قوهٔ متخیله نباید آورد و به‌زبان نباید رانده شود مگر وقتی و یاموقعیکه نهایت اهمیت را داراست‌که اگربالفرض آن علامت‌را به زبان نیاوری خطر بزرگی و یا اتفاق و حادثهٔ غریبی رخ خواهد داد. در آن وقت آن علامت را باید بی‌پرده اظهار نمائی ولیکن اکیداً شما را غدغن می‌نمائیم‌که مبادا درغیرموقع و غیر محل استعمال این علامت‌که البته نتیجهٔ وخیم‌خواهد داشت بنمائید.صحبت راکه باتمام رسانده اندکی توقف‌کرده فرموده بلی‌دیگرلازم نمی‌داندکه دراین‌باب بیشترازاین‌تأکید نمایم ولی به‌شماهم می‌گویم‌که اگر درغیر این‌مورد این‌علامت‌را اظهارداشتید محققاً باجان خودبازی کرده‌اید چون‌شما تازه داخل درفراموشخانه شده‌اید نباید براین علامت بزرگ اطلاع پیدا کنید ولی برای اینکه خیلی‌اصرار کردید مجبوراً به شما می‌گویم وآن‌علامت‌عبارت ازاین‌دوجمله است:«گه نخوردر ... را بگذار[۱]» این را گفته به‌سرعت باحسن‌آقا خداحافظ کرده به‌اطاق‌دیگر رفت . حسن‌آقا با وجدی فوق‌التصور از فراموشخانه بیرون آمده همیشه این دو جمله عبارت را یواش یواش ورد زبان ساخته و بـا خود مکرر می‌گفت کـه مبادا فراموش نماید (این مسئله را هم نباید نگفته گذاشت که در موقع تاراج خانـهٔ رضا قلیخان پدر حسن آقا را هم از طرف دولت توقیف داشتند ولی قباله‌آن‌خانه در نزد یکی از اقوام و بستگان حسن‌آقا بودکه پس ازخروج حسن‌آقا ازمحبس به‌او دادند و با مشورت و پیش‌بینی اینطور مقرر شد که محض سرمایه و به دست آوردن مختصر وجهی قبالهٔ آن خانه را به‌گرو ورهن در نزد ابوطالب نامی‌که‌پول

۱ـ باکمال تأسف این جمله عیناً از نشریهٔ مذکور نقل شده .

منفعت می‌داد گذارده مبلغ سیصد و پنجاه تومان به‌مدت یکسال بـا فرع تومانی دویست و پنجاه دینار بگیرند ، به‌این دستور عمل کردند . لیکن پس از انقضاء مدت، حسن آقا ازعهدهٔ‌ادای‌طلب ابوطالب‌نتوانست‌برآید. مدتی به طفره و لیت و لعل گذرانید . ابوطالب همین‌که از مطالبه خسته شد و مدتی‌گذشت چاره کار رادر ضبط خانه دانست ولی بدبختانه وقتی به‌سروقت خانه رفت معلوم داشت که خانه را مدتهای مدیدی‌است دیوان ضبط‌کرده لاعلاج به‌دیوان‌عدلیه تظلم برد ازدیوان عدالت‌حسن آقارا خواسته دراین‌باب‌تحقیقات به‌میان‌آمد ولی عاقبت‌الامرمقررشد که برای ترافع ومحاکمه به‌خانه یکی ازحجج‌الاسلام بروند .حسن آقا دراینمورد قصه ورود حضرت حجة‌الاسلام آقا سید صادق را به فراموشخانه به خاطر آورده راه برطرف نمودن این غائله ورفع این اشکال رااینطور با خودخیال کرد که ترافع و محاکمه بهتر آنست به‌درب‌خانه آقاسید صادق باشد تا ازهمراهی و معاونت آن برادر سرّی خود از شر ابوطالب محفوظ بماند .از امنای عدالتخانه خواهش‌کرد که‌خوب‌است‌مقرردارید به‌خانهٔ حجت‌الاسلام‌آقاسیدصادق برویم. چون تعیین‌محل ترافع‌باید به‌میل‌مدعی‌باشداولیای‌دیوان‌عدالت‌قبول‌کرده نوشتندکه‌هردو به‌خانه‌آقا برای محاکمه و ترافع حاضرشوند. روز اول و دویم مرافعه به‌ثبوت رسیده‌معلوم و محقق گردید حق ابوطالب است و حسن آقا باید مبلغ سیصد و پنجاه تومان با تنزیل یکساله داده سندخودرا با قبالهٔ خانه موهوم گرفته بعد در محضر آقاثابت نماید ، خانهٔ مذکور که به‌اسم پدرش رضا قلیخان و مدعی است کـه پدر او بوده فعلا متعلق به اوست آنوقت خانه را به‌حکم شرع بدست هرکه هست گرفته‌تسلیم نمایند . حسن آقا خیلی به‌حضرت آقا عجز ولابه کردکه اگر خانه را نگیرندوبه من ندهند من از ادای این دین عاجزم ممکن نیست بتوانم این پول را بپردازم . آقا فرمودند این صحبت و ادعا ربطی به‌دین توبه ابوطالب ندارد . مبلغ سیصد و پنجاه تومان با اجرت‌المثل خانه حسن آقا را باید پرداخت و بعد حق خود را ثابت‌کرد . حسن آقا امروزه باکمال یأس از همراهی نکردن‌آقابرخاسته رفت‌چند

روزی گذشت مجدداً فراش دیوانخانه به‌مطالبه پول ابوطالب آمد. حسن آقا را به‌محضر آقا حاضر ساخت. حسن‌آقا عرض‌کرد بنده بعضی عرایض‌به‌حضورمبارك دارم حضرت‌آقا به‌تصور آنکه این شخص اطلاعاتی بررد ثبوت ابوطالب دارد یا اینکه . . به‌حضور مبارك آورده فرمودند بسیار خوب هرچه می‌دانی بگو .حسن آقا دست به‌دست مالیده عرض‌کرد بفرمائید قهوه وقلیانی بیاورند تا مطالب خود را به‌عرض رسانم. حضرت حجت‌الاسلام بـه خیال فرمود از برای ارباب قهوه و قلیانی بیاورید فوراً چشم حسن‌آقا از وجد و خوشحالی برق زده اینطور احساس کرد . للّٰه‌الحمد که اظهار علائم‌کوچك به‌حضرت‌آقا گرفت و محتاج به‌گفتن علائم بزرگ نشدیم . قهوه و قلیانی آوردند صرف شد حضرت آقا قلیل مدتی منتظر و مترصد شنیدن اطلاعات حسن‌آقا شد . حسن آقا چون حرفی نزد آقا هم مشغول انجام و انجاح سایر امور مرجوعه شد . حسن‌آقا هم به‌تصور اینکه علامت‌کوچك ثمر خودرا بخشیده ازمحضر آقا برخاست و رفت. چند روزی‌که گذشت مجدداًاز طرف ابوطالب از دیوانخانه عدالت مطالبهٔ پول و نتیجه عمل شد و مأمور به‌خانهٔ حضرت آقا رفت که از دیوانخانه نتیجه عمل ابوطالب و حسن‌آقا را می‌خواهند. حضرت آقا امر فرمودند که حکم صریح برثبوت دین حتمی حسن آقا که مبلغ سیصد وپنجاه تومان با اجرت‌المثل خانه است نوشته شود و باید لاکلام این مبلغ را بپردازد. فراش حکم را گرفته به‌دیوانخانه آورده و بعد حکمی مطابق حکم آقا از طرف عدلیه نوشته شده به‌دست فراش مأمور دادنـد تا از حسن آقـا جداً مطالبهٔ آنوجه را نماید. حسن‌آقا درب دکهٔ خود نشسته بی‌خیال در این‌چندروزه خیلی ازپیش‌آمد کار و نتیجه عمل بواسطه دادن دوازده تومان و فهمیدن علامت علامات کوچك وبزرگ‌فراموشخانه و بکار بردن علامت‌کوچك خوشوقت ومسرور بود . یکمرتبه دید فراش مأمور دیوانخانه باحکمی سخت در دست آمده باکمال تشدد و سختی چهارصد و کسری پول و مبلغی قلق و حق‌الزحمه مطالبه می‌کند با نهایت تحیر سئوال‌کرد که این‌حکم را خود حضرت حجةالاسلام آقای سید صادق

دادند . فراش با تندی جواب داد مگر کوری خط و مهر آقا را نمی‌بینی . حسن آقا فکری کرده جز اینکه خود به حضور مبارك آقا برود چاره ندیده لاعلاجاً برخاسته بهمراهی فراش به خانهٔ حضرت حجة الاسلام آمده داخل اطاق شده با نهایت احترام سلام غرائی کرده با اینکه جمع کثیری در خدمت آقا حضورداشتند ممکن بود که شاید حضرت آقا چندان ملتفت او نشنود معذالك پس از جواب سلام جائی بادست برای حسن آقا تعیین کرده تعارفی هم فرمودند . محضر آقا به واسطهٔ ورود حسن آقا مختصر سکوتی در حضار مجلس حاصل نموده که یکمرتبه از جلوارسی، فراش دیوانخانه بلند عرض کرد حضرت آقا ما که خسته شدیم از بس رفتیم و آمدیم این آدم پول نمی‌دهد همه روزه طفره‌می رودگاه می‌گوید این خط و مهر آقا نیست گاه می‌گوید مدیون این پول نیستم استدعا دارم امروز این کار را تمام کنید ، تکلیف ماهم معلوم شود . حضرت آقا فرمودند ارباب به شماگفتم این پول دین شماست باید پرداخت ولیکن در خصوص خانه باید اولاً ثابت نمائید که رضاقلیخان پدر شماست ثانیاً ثابت نمائید که این خانهٔ رضاقلیخان پدر شما را دیوان بدون جهة ضبط کرده تا حکم داده شود حسن آقای بیچاره دید کاربی‌اندازه مشکل شد دست بدست مالیده گفت حضرت آقا عرض کردم بنده عرایض به حضور مبارك دارم . ضمناً در پیش‌خود خیال کرد که شاید آقا به واسطهٔ طول مدت علامت کوچك را فراموش فرموده‌اند آقا فرمودند اگر مطلبی بر رد ثبوت این دین‌داری بی‌پرده اظهار کن و الا باید این پول را بدون حرف بدهی. باز حسن آقا مطلب پیش را تکرار کرده که بنده عرایض سرّی دارم که باید به حضرت آقا بگویم، حضرت آقا باز فرمودند مطلب سرّی کدام است هیچ چاره ندارد بدون گفتگو این پول را باید پرداخت در این بین هم فراش از خارج اطاق فریاد کرد آقا ببینید ما از دست این مرد چه می‌کشیم که یکمرتبه حسن آقا بی اختیار شده گفت «که نخور - در . . . را بگذار» این گفتار بر تغیر آقا افزوده با کمال تشدد فرمودند این فضولیها یعنی چه ... مجدداً حسن آقا بلند گفت: «که نخور در . . . را بگذار» بلی « که نخور در . . .

را بگذار » آقا بی اندازه متغیر گردیده امر کردند این مردکـه بی معنی را از اینجابیرون کنند ولکن بر خوف حسن آقاافزوده بدون اینکه بفهمد چه‌می‌گوید مکرر می‌گفت بسر مبارك آقا علامت بزرگ است که‌نخور در ... [1] را بگذار ...»

بعدها معلوم‌شد که ملکم‌خان بدینوسیله کلاه عده‌زیادی ازمردم‌ساده‌لوح‌را برداشته و به‌آنها رمز مهم فراموشخانه که حلقهٔ ارتباط با بزرگان مملکت است گفته و این خود یکی دیگر از افتضاحات ماسونی و دکان کلاهبرداری به نام فراموشخانه و فراماسونی در ایران است .

---

۱ ـ یك کلمه حذف شد .

فصل بیست و سوم

لژ خزعل خان

لژ « خزعل خان » تنها لژ تابع « گراند لژ مصر » در ایران است که در اواخر جنگ جهانی اول تشکیل شده . این لژ دویست وشصت و سومین لژی‌است که « لژ بزرگ وطنی مصر» در آن‌کشور و سایر ممالك عربی ، افریقائی و آسیائی تأسیس‌کرده . و مدت‌کوتاهی نیز در شهر خرمشهر و درقیصر «فیلیه» شیخ خزعل فعالیت داشت. لژبزرگ وطنی‌مصریکی‌ازگراند لژهای مقتدر وبا نفوذی بودکه‌در سال ۱۲۲۵هـ (۱۸۱۱ـ م) درقاهره تشکیل شد .

شخصیت خزعل

لژ«خزعل‌خان»را بایستی یك لژخانوادگی‌فراماسونی دانست . زیرااگر چه‌تمام شرایط واصول و مقررات‌ماسونی در تشکیل آن رعایت شده‌و با اجازه‌نامه رسمی ودرحضور نمایندهٔ اعزامی لژمصر افتتاح‌شده بود ، معذلك‌در مدتی‌که لژ مزبور درخرمشهر فعالیت می‌کرد، اعضاءِ‌آن منحصراً مربوطه بدستگاه حکومتی‌شیخ‌خزعل‌بودند، و در لژ مزبور تعدادکمی از سرشناسان محمره و اهواز عضویت داشتند .

شیخ‌خزعل‌رئیس‌قبیلهٔ محیسن‌درسال۱۲۷۷ هـ(۱۸۶۱ـ م) بدنیا آمده و در سال ۱۳۱٤(۱۸۹۷ ـ م) بجای برادر مقتولش شیخ مزعل حکمران‌خوزستان‌شد .

بطوری که نویسندهٔ کتاب «آدمیت» می‌نویسد : شیخ خزعل قبل از رسیدن



شیخ خزعل سرداراقدس
با نشانها و حمایل دولت
بریتانیا .

به حکومت عربستان و نشستن بر مسند ریاست ، انگلستان را مطمئن ساخت که از قدرت و اقدامات خودش برای پیشرفت و ترویج مقاصد بریتانیا استفاده خواهد کرد و بعدها هم به وعده‌های خود کاملا وفا کرد.[۱]

در سال ۱۳۲۶ هـ (۱۹۰۹ ـ م) از دولت انگلیس لقب (کی ـ سی ـ آی ـ ئی)[۲] گرفت و در سال ۱۳۳۳ هـ (۱۹۱۵ ـ م) از طرف فرمانروای کل هندوستان به رتبهٔ (کی ـ سی ـ ای ـ اس) ارتقاء یافت.[۳]

در بهار سال ۱۳۳۳ ـ (۱۹۱۵ ـ م) طوایفی که در خوزستان زندگی می‌کردند، به تحریك آلمانها و ترکها دست بیك شورش دسته جمعی علیه انگلیسها زدند ،و بمنظور قطع لوله‌های نفت جنوب ایران قیام مسلحانه‌ای را آغاز کردند . ولی قوای مسلح وچریك شیخ خزعل، باکمك دیویزیون ۱۲ ارتش انگلیس در عراق و ایران،

۱ ـ کتاب آدمیت به زبان عربی چاپ بغداد ص ۳۹

۲ ـ K.C.i.E

۳ ـ k.C.i.S

شورشیان را سرکوب ساختند .

شیخ خزعل که از طرف شاهان قاجار بدریافت لقب « سردار ارفع » و « سردار اقدس » مفتخر شده بود، در خوزستان و سواحل عربی خلیج فارس‌وحتی قسمتی از مغرب و جنوب عراق که درآن زمان تحت تسلط عثمانیها بود ، سلطهٔ زیادی داشت . بطوری که می‌توان او را با نفوذترین و معروفترین حکمرانان ایران دانست . خزعل با اینکه ملیت عربی داشت ، معذلك همیشه نسبت به‌دولت ایران‌وفادار بود ودرحفظ وحراست، مرزهای‌ایران درعین‌داشتن(حکومت‌مطلقه) می‌کوشید .

تشکیل لژ خزعل خان

شاید روی همین نفوذ و اعتبار فراوان بود که لژ فراماسونری مصر در سالهای ۱۳۱۲ ـ ۱۳۱۷ هـ (۱۸۹۵ ـ ۱۹۰۰ ـ م) او را دربغداد وارد یکی از لژهای خودساخت. در سال ۱۳٤۰ ـ هـ (۱۹۲۲ ـ م) که او بدرجهٔ استادی رسید و شرایط ریاست و استادی‌کرسی یك لژ ماسونی را احراز کرد پیشنهادش رابرای تأسیس لژی به نام خود وی در خرمشهر پذیرفتند .

معلوم‌نیست‌که چه کسانی اعضای مؤسس لژ(خزعل‌خان) بوده‌اند ولی‌محققاً ازطرف‌لژ بیروت‌یکی‌ازاستادان فراماسونی به‌نام «رزق‌الله‌الحاج» لبنانی‌که درجهٔ « استاد اعظم » داشته ، به نام نماینده و ناظر لژ بزرگ وطنی مصر ، از مرکز لژ مأمور شده بود که به محمره آمده وتشریفات تأسیس لژ را انجام دهد .

بطوری‌که‌نگارنده دریادداشتهای خصوصی‌یکی‌ازمتنفذین‌جنوب دیده‌است[۱] در سال ۱۳۳۹ هـ (۱۹۲۱ ـ م) شیخ خزعل و حاجی محمد علی بهبهانی که در بغداد ومصر فراماسون‌شده بودند ، باتفاق پنج نفر دیگر که آنها هم ازماسونهای عرب بودند ، پیشنهادی برای تأسیس‌لژ در محمره (خرمشهر) به گراندلژمصر تسلیم می‌کنند .

---

۱ ـ پدر این شخص عضو لژ فراماسونری فیحای بصره بوده ودرخوزستان نفوذ فراوان داشت .



شیخ خزعل سردار اقدس در لباس استادی فراماسونها با نشان و حمایل ماسونی ، این تصویر از داخل کشتی ناصری خزعل‌خان گرفته شده- عکس از: دکتر گارو میناسیان

پیشنهاد این هفت ماسون به دو لژ ماسونی مصری در بغداد و بصره احاله شده، و پس از اینکه این دو لژ شخصیت شیخ خزعل و مراتب صحت شش ماسون دیگر و صلاحیت آنها را دو تأسیس لژ تصدیق نمودند، موافقت خود را بگراندلژ با تشکیل لژ جدید مصر درخرمشهر اعلام داشتند.

گراند لژ مصر، پیشنهاد خزعل و موافقت دو لژ مجاور و نزدیك به لـژ خزعل را در کمیتهٔ گراند لژ مورد بررسی و تأیید قرار داد و فرمان تأسیس لژ خزعل خان را تأیید وصادر کرد.

نویسندهٔ یادداشتها هیچگونه تصریحی در بارهٔ تاریخ تأسیس لژ مزبور و یا ذکری از اسامی اعضای مؤسس نمی‌کند. بهمین جهت به طور تحقیق و قطعی نمی‌توان گفت که فرمان تأسیس‌این لژ در چه روز وچه سالی صادرشد وچه‌کسانی عضو مؤسس بوده‌اند.

پس‌ازتشکیل لژکه‌محل‌آن در سه سالن مستقل‌کاخ فیلیه درکنارشط‌العرب بود، شیخ خزعل فرزندان و اقوام و نزدیکان صمیمی و وفادار خود را وارد لژ ساخت وبهر یك از آنها یکی‌ازمقامات لژ را تفویض کرد.

فرزند بزرگ او شیخ جاسب که در ۱۳۰۸ هـ (۱۸۹۱ ـ م) متولد شده بود، بعلت خشونتی که داشت در لـژ جانشین و مقام سرپرست اول را نداشت و دو مقام مهم:

۱ ـ سرپرست اول را به حاج محمد علی بهبهانی رئیس‌التجار خرمشهری

۲ ـ سرپرست دوم را حاجی مشیر پسرحاج محمدعلی بهبهانی

عهده‌دار شده بودند.

غیر از افرادفامیل‌اودو نفر دیگر که در شیخ خزعل نفوذ فراوان‌داشته‌اند، درلژ مزبور موثر بوده‌اند: اولی‌میرزا سید حسنخان رئیس‌مالیه خوزستان‌است، که حتی از اسرار داخلی قصور شیخ اطلاع داشت و دومی سرهنگ ارغون نام

دارد که هر دوی آنها طرف اعتماد ووثوق سردار ارفع بوده‌اند . لژ مصر به‌علت خدماتی که شیخ خزعل‌در تأسیس و تشکیل‌لژ محمره ، کرده بود، روز۲۸نوامبر ۱۹۲۳ م (۱۳٤۱ ـ ه) یك نشان طلا به‌وی اعطاء نمود و همراه با آن فرمان زیر را نیز بنام او صادرکرد :

محفل بزرگ ملی مصر

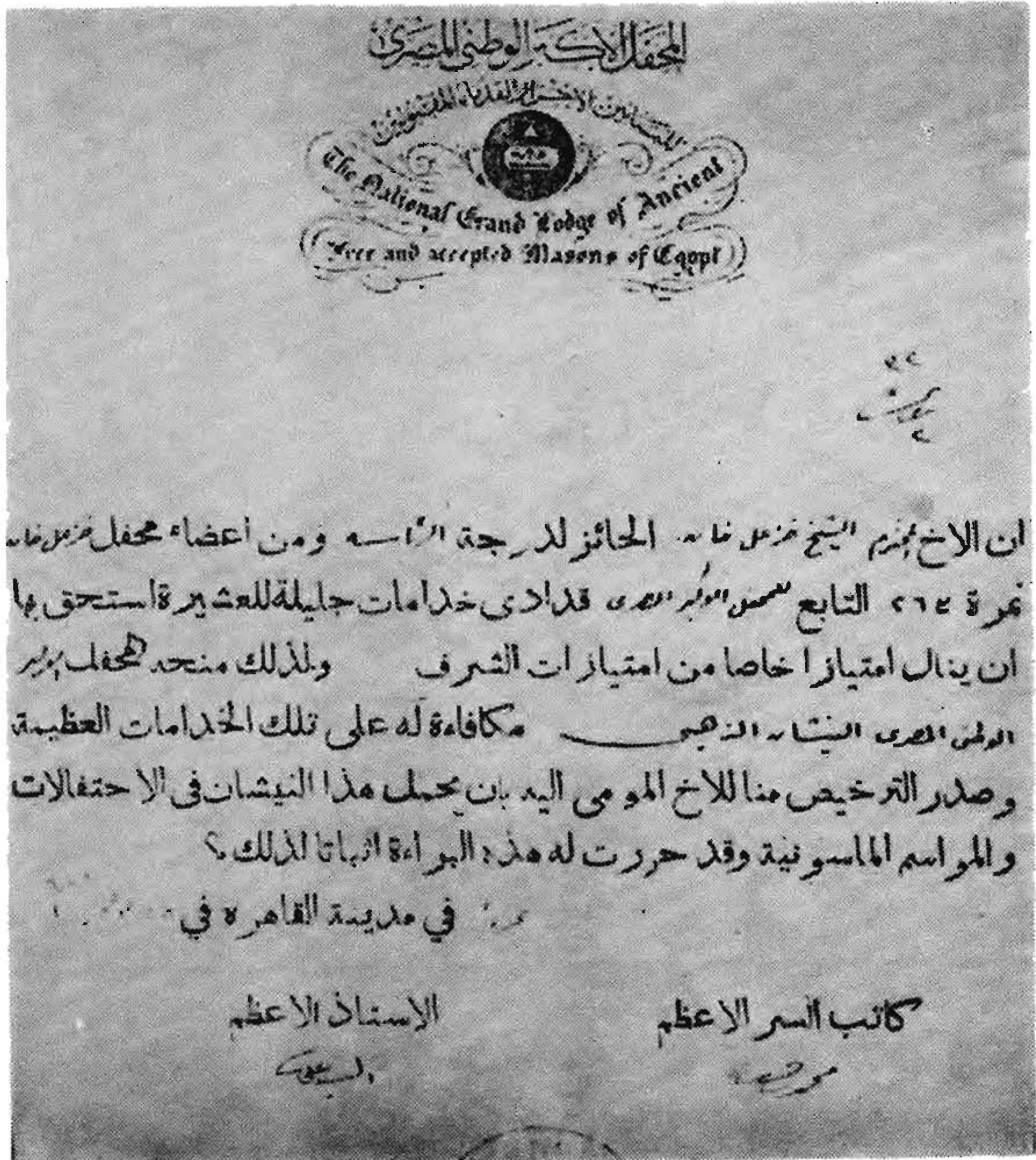
مرکز فراماسونهای آزاده‌و درستکار

شمارهٔ ۳۲ ـ ۲

چون برادر محترم شیخ خزعل‌خان دارنده‌درجه ریاست و از اعضای‌محفل خزعل خان شماره۲٦۳تابع محفل بزرگ مصر خدمات شایان توجهی برای‌عشیره، انجام داده است از این نظربه دریافت امتیاز مخصوص (شرف) نائل می‌آید.

روی‌این‌اصل به‌مناسبت این‌خدمات بزرگ محفل‌بزرگ ملی‌مصر نشان طلا به‌او اعطاء می‌کند واجازه مخصوص‌ازطرف ما صادره شدکه برادر مورد اشاره این نشان را در جشن‌ها و سنتهای ماسونی موزد استفاده قرار دهد و این فرمان بدین مناسبت تحریر شده است .

درشهر قاهره روز ۲۸ نوامبر ۱۹۲۳ کتابدار بزرگ محمد رفعت ـ استاد بزرگ سیدعلی.



المحفل الاكبر الوطني المصري

الماسونيين الاحرار القدماء المقبولين

The National Grand Lodge of Ancient Free and accepted Masons of Egypt

ان الاخ [illegible] الحائز للدرجة [illegible] ومن اعضاء محفل [illegible]
نمرة ٤٦٢ التابع [illegible] قد ادى خدامات جليلة للعشيرة استحق بها
ان ينال امتيازا خاصا من امتيازات الشرف ولذلك منحه المحفل الاكبر
الوطنى المصرى النيشان الذهبى مكافاءة له على تلك الخدامات العظيمة
وصدر الترخيص منا للاخ المومى اليه بان يحمل هذا النيشان فى الاحتفالات
والمواسم الماسونية وقد حررت له هذه البراءة اثباتا لذلك

في مدينة القاهرة في

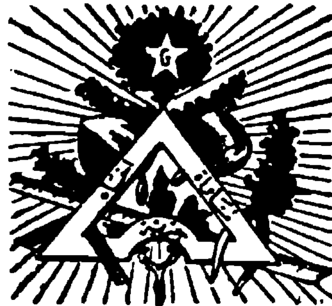
كاتب السر الاعظم — الاستاذ الاعظم

فرمان نشان «شرف» بامضاء استاد اعظم محفل اكبر وطنى مصرى



بسم الله

مبدع الكون الاعظم



تحت رعاية

المحفل الاكبر الوطني السوري اللبناني

محفل

رقم ٣ ش .٠. بيروت

(طلب التحاق)

حضرات الاخوان رئيس وأعضاء محفل ~~.....~~ الوفاء المحترمين

تحيه أخوية وسلاماً مثلثاً .٠. وبعد فانني أحد ابناء محفل .... التابع ....

قد تكرست في الدرجة الاولى بتاريخ .... ثم رقيت الى الدرجة ....

بتاريخ .... واملك الشهادة التى تشعر بانني قائم بجميع واجباتي تجاه محفلي الأبوي، ولقد جئت ملتمساً قبولي في محفلكم الموقر معلناً خضوعي التام لقوانين المحفل الأكبر الوطني السوري اللبناني

ومبدع الكون الاعظم يحفظكم

التوقيع

الوفاء

اخواني الاعزاء رئيس وأعضاء محفل ~~.....~~ المحترمين

تحية أخوية وسلاماً مثلثاً .٠. وبعد فاني أقدم الى المحفل الأخ .... معترفاً بحقيقة جميع ماجاء في كتاب طلب الالتحاق أعلاه ، راجياً اجراء المراسيم القانونية بحقه

ومبدع الكون الأعظم يحفظكم

في سنة ١٩٤ الأخ

تقاضا نامۀ ورود داوطلبين به محفل فراماسونرى مصر وسوريه

الشرق الاكبر اللبناني الســوري

لسوريا ولبنان وامصارهما

حفلة تنصيب الموظفين والضباط

العظام

الاستاذ الاعظم السابق والمنتحب

سمو الداماد احمد نامي بك

رئيس دولة سوريا سابقاً

بيروت: ٦ شباط سنة ١٩٣٦

پشت جلد یکی از رسالات سری فراماسونری سوریه که ازپرونده اسناد فراماسونری یکی از پسران شیخ خزعل بدست آمده

باسم مهندس الكون الأعظم

محفل الفيحاء رقم ١٣١١ — تحت رعاية المحفل الأكبر

بصرة العراق — الاسكتلندي

تأسس آب سنة ١٩٢٣

حرية — مساواة — إخاء

برئاسة الرئيس المحترم نوري المضيري

المنبه الأول
الأخ الفاضل [illegible]

المنبه الثاني
الأخ الموقر فتح الله كروكجي

البصرة في ١٥ [illegible] الثاني سنة ١٩٥٤ — عدد الجلسة ٢٩٨

سيدي وأخي العزيز

ادعوك بهذا لحضور الجلسة [illegible] عدد ٢٩٨ الاعتيادية ([illegible]) التي ستعقد في [illegible] طريق الساحل ([illegible]) في تمام الساعة الخامسة والنصف زوالية من مساء يوم السبت الواقع [illegible] الأول سنة ١٩٥٤ للنظر في الأعمال المدونة في البرنامج.

وتفضلوا بقبول فائق الاحترام.

بأمر الرئيس المحترم

الدليل : الموقر ركي
أبو عسكري

الموقر المفتش
احمد فيصل الخزعل
ر. ٣. م. س. م. ش. ا. ف
كاتم السر

یکی ازاسناد لژ فیحای عراق که درذیل آن امضاء احمد فیصل خزعل دیده می‌شود.

توسعه روز افزون نفوذ شیخ خزعل در جنوب ایران

مخالفت انگلیسها با خزعل

و اقتداری که او در کنار لوله‌های نفت بهم زده بود، بتدریج انگلیسها را به وحشت انداخت و به همین مناسبت باوجود اینکه ازنخستین روزابرازقدرت و از زمانیکه جانشین برادرش شد، طبق نوشتهٔ خودانگلیسیها[1] همواره جانب احتیاط ووفاداری را نسبت به‌آنها رعایت می‌کرده، معذلك انگلیسیها ازاوروی برگرداندند.

خزعل درنامه‌ای‌که به‌قوام‌الدوله نوشته است دراین‌باره چنین می‌نویسد:

«.. به‌خوبی‌ملتفت هستم که سیاست انگلیسها را جع بمن صورت انحرافی به‌خود گرفته ورفته رفته می‌بینم عوامل‌کمپانی نفت مخالفتهای کوچکی را نسبت به عمال‌من‌نشان می‌دهند. وبااینکه‌کوچکترین کارهای‌کمپانی نفت جنوب بایستی به‌من‌مراجعه‌شده‌حل‌وفصل‌شود، مع‌الوصف‌دیده می‌شودکه مستقیماً‌خودشان‌دخالت کرده غالباً قضایای‌مربوطه را ازمن پوشیده ومکتوم می‌دارند ....»[2]

مقارن همین وقت شیخ خزعل هم که از روز اول کودتا از سردار سپه (اعلیحضرت فقید ـ رضاشاه‌کبیر) بیمناك بود و او را برهم زن اساس حکومت مطلقه خود در خوزستان می‌دانست، نسبت به‌وصول مالیات دولتی متعرض شده تلگراف شدیداللحنی به‌وزارت مالیه‌ـ رونوشت به سردار سپه مخابره‌کرد.

جریان واقعه از اینقرار بود که دراین زمان دکتر میلیسپوکه سمت‌ریاست مالیهٔ ایران‌را داشت، مشغول جمع‌آوری مالیات عقب افتاده‌رؤساء وگردن‌کلفتهای ایلات و ولایات ود و می‌خواست چهار صد و سی هزار تومان مالیات عقب افتاده خزعل را وصول‌کند:

«... دکترمیلیسپو مفخم‌السلطنه رئیس مالیه خوزستان را تلگراف پیچ‌کرد

---

۱ ـ یادداشتهای سری رضا شاه ص ۹۱

۲ ـ تاریخ بیست ساله جلدسوم ص ۵۹

که بدهی خزعل را باید وصول کنی . مفخم‌السلطنه تلگرافها را به خزعل نشان داد و همانطوریکه انتظار می‌رفت خزعل بی‌نهایت عصبانی شده ، به‌وزیر مالیه و سردار سپه تلگراف‌کرد . «این مردکهٔ اجنبی‌کیست‌که از من مطالبهٔ پول می‌کند! من نه‌تنها بدولت بدهکار نیستم بلکه طلب‌هم دارم[۱]»

سردار سپه در جواب تلگراف شیخ ، تلگراف بسیار متین و مؤدبانه‌ای مخابره کرده ، ونوشت: « باکمال تأسف این اقدام بدون اطلاع من صورت گرفته است و من خودم آنرا اصلاح می‌کنم . »

با مخابره جواب تلگراف ازطرف شیخ خزعل ، رابطهٔ حسنه «سردارسپه- شیخ» قطع و در سرتاسر خوزستان سانسور شدیدی برقرار شده ، ضمناً بلافاصله «کمیته قیام سعادت» بوسیله شیخ خزعل و سرداران بختیاری تشکیل شده و شیخ برای تهیه عشایر و قبایل خود و تجدید عهد و بیعت با لباس رسمی شیخوخیت که عبارت‌از: (عمامه معروف به عمامهٔ عباسیان ولباس مشکی شیخ‌المشایخی) است به طرف منطقهٔ عشایر کعب و باوی وغیره حرکت کرد و پس از دوروز به ناصری (اهوازفعلی) باز گشت . از فردای‌آن روز ، ورود اعراب سواره وپیاده به اهواز آغاز گردید ، به طوری که در ظرف دوروز قریب ۲۰ هزار نفر عرب مسلح به ناصری وارد شده وغوغای غریبی برپا کردند .

شیخ خزعل در تهران با مدرس و محمد حسن میرزا « ولیعهد » تماس گرفته و نماینده‌ای با یك میلیون تومان پول به پاریس اعزام داشت تا احمد شاه را وادار به مراجعت کند. دراین میان امیر مجاهد بختیاری هم به او ملحق شده، ضمناً سید ضیاءالدین هم از بغداد به بصره آمده ، چندین بار با خزعل وپسرانش ملاقات کرد. سردار سپه که وضع خوزستان را وخیم دید ، بدون اطلاع دولت و مجلس ، به اسم مسافرت به اصفهان و شیراز به طرف بوشهر و زیدون حرکت

۱- تاریخ بیست ساله ص ۱۶۳

کرده و با قشونی که جمع کرده بود ، برای سرکوبی خزعل عازم محمره (خرمشهر) شد .

در بین‌راه کنسولگری‌های انگلیس سعی کردند ایشان را ازحرکت به‌محمره منصرف سازند ، ولی سردار سپه اعتنائی به‌آنها نکرده، درمیان ترس و وحشت خزعل‌ویارانش‌وحتی‌نظامیان‌واطرافیان‌خودواردناصری(اهواز) وسپس‌محمره‌شد.

دو روز پس‌ازورود سردارسپه‌به‌محمره‌شیخ‌خزعل تلگرافی‌به‌مجلس‌مخابره کرده‌ونوشت: «...فعلاً که به‌مراحم‌حضرت‌اشرف‌اعظم‌آقای رئیس‌الوزرا وفرمانده کل قوا دامت عظمه امنیت حاصل گشته مخصوصاً عفو اغماض‌که از پیش‌آمدهای گذشته فرمودند حقیقتاً لازمه بزرگواری وسرپرستی را فرمودند قلباً از واقعاتی که بواسطه فسادمفسده‌جویان‌پیش‌آمد کرده بود اظهار ندامت وتأسف می‌نمایم .»

فردای آنروزشیخ‌خزعل‌بدیدن‌سردارسپه رفته وضمن‌ابرازتأسف ازحوادث گذشته‌گفت: «... چون کسالتم شدت کرده وضعف پیری نیزمزید برعلت شده‌است. استدعا دارم اجازه فرمائید . در ناصری بمانم و یکی از پسرانم در نقاطی که سرکشی خواهید کرد درخدمت باشد.»

سردار سپه تقاضای او را پذیرفت و همانروز حکومت نظامی‌خوزستان به‌ریاست‌سرتیپ فضل‌الهزاهدی برقرار شده پس‌ازعزیمت‌سردارسپه ازخوزستان، سرتیپ فضل‌اله زاهدی ، یك روز بدون اطلاع داخل‌کشتی (ناصری[1])که شیخ خزعل در آنجا بسر می‌برد شده اورا توقیف کرده و پس از چند روز به اتفاق فرزندانش‌به تهران آوردند .

انحلال لژ خزعل خان

با دستگیری شیخ خزعل‌خان بـه‌تحقیق لژ خزعل خان هم تعطیل شد . زیرا تشکیل لژ مزبور فقط در اثر (اقتدار و نفوذ) شخص شیخ خزعل خان بود ، و لژ (بزرگ وطنی مصر) بخاطر جلب نظر و استفاده از نفوذ شیخ در جنوب

۱ـ دراین کشتی اغلب جلسات محفل لژ (خزعل خان) تشکیل‌می‌شد .

بین‌النهرین، جنوب ایران وسواحل عربی خلیج فارس ، موافقت واقدام‌به‌تأسیس لژ شماره ۲۶۳ بنام خزعل‌خان کرده بود .

در تمام مدتی که لژ خزعل‌خان در محمره دایـر بود ، عده‌ای از رؤسای ایلات متنفذ و شیوخ ـ به‌خصوص شیخ مبارك حاکم‌کویت ـ و چند تاجر و صاحب نفوذ خوزستانی وارد لژ مزبور شدند .

پس از دستگیری شیخ خزعل لژ مصر ازلژفیحای بصره تقاضا کرد تا کلیه اثاثیه و لوازم، نشانها و حمایل و فرامین لژ مزبور را تحویل گرفته ، اسناد و مدارك ونشانهای خصوصی‌را دربایگانی خود ضبط کند . و بقیه که قسمت اعظم آن اشیاء قیمتی و با ارزش بود ، در لژ فیحا مورد استفاده قرارگیرد .

لژ فیحا ـ تابع لژ اسکاتلند ـدر اکست۱۹۲۳ـ(۱۳٤۰هـ) در بصره تشکیل شده بود وبه‌واسطه ارتباطی که لژ اسکاتلند با لژ مصر داشت و یکدیگر را بـه رسمیت شناخته بودند ، لـژ فیحا نیز لژ خزعل خان را قبول کرده و به رسمیت می‌شناخت و به همین جهت به‌محض‌وصول دستورگراند لژ اسکاتلند لژ مصر فوراً چند نماینده ومأمور مخصوص به محمره فرستاده ،کلیه اموال واثاثیه و مدارك‌لژ خزعل‌خان را تحویل گرفت . همهٔ این اموال به بصره منتقل شده وهم‌اکنون نیز قسمتی از بایگانی راکد لژ فیحا مخصوص ضبط «لژخزعل» است .

نام فیحا که اسم قدیمی شهر بصره است، . به اولین لژ اسکاتلند در شهر بصره داده شده ، و این لژ هزار وسیصد و یازدهمین لژ اسکاتلند دردنیاست . این لژ از سال ۱۳٤۱هـ (۱۹۲۳ـم) تاکنون همواره درقسمت غربی شط‌العرب‌وسواحل عربی خلیج فارس وحتی خوزستان وقسمتی ازلرستان فعالیت زیادی داشته ودارد و عده کثیری از رجال ایرانی و شیوخ عربی را وارد سازمان خودکرده است . در این لژ احمد خزعلی ، مزعل ، شیخ عبدالکریم خزعل و سایر افراد این خانواده نفوذ فراوان دارند . و چندین دوره قسمتهای حساس لژ در اختیار فراماسونهای

عضو خانوادهٔ خزعل بوده. چون قصد نوشتن تاریخ و جزئیات لژ (فیحا) رانداریم و از طرفی به‌منظور جلوگیری از طول کلام فقط به‌ذکر اسامی رؤساء و محترمین لژ فیحا از سال ۱۳٤۱ تا۱۳۷۳هـ (۱۹۲۳ تا ۱۹٥٤- م) می‌پردازیم :

۱- برادر شیخ محمد امین‌باش اعیان

۲- برادر دواد سکر

۳- برادر شیخ عبدالقاءِ درباش اعیان

٤- برادر ابراهیم ریحان

٥- برادر اسکندر منصور

٦- برادر الحاج مصطفی طه سلمان

۷- برادر توفیق نقیب

۸- برادر عبدالوهاب نغمه

۹- برادر رزوق سیقا

۱۰-برادر حقی حبیبه جی

۱۱- برادراحمد فیصل خزعلی

۱۲- برادر نوری خصیری [۱]

به موجب سندی که نگارنده ، دیده است [۲] اداره‌کنندگان لژ را درسالهای ۱۳۳۲ - ۱۳۳۳ - (۱۹٥٤ - ۱۹٥٥ - م) اشخاص زیر تشکیل می‌داده‌اند :

۱ - احمد فیصل خزعل با مقام وعنوان حضرت استاد ارجمند

۲ - نوری خصیری - رئیس محترم قبلی

۱- اعضاء مؤسس این لژ به نقل از رساله دعوتنامهٔ لژ فیحامی‌باشد.

۲ - نقل از مصوبات جلسهٔ ۲۹۸ سال ۱۹٥٤

۳ ـ مظفر احمد ـ سرپرست اول

٤ ـ زکریای انصاری ـ سرپرست دوم

٥ ـ هنری پیو ـ کتاب بر

٦ ـ دکتر جورج غریب ـ دبیر

۷ ـ حسین علی منصور ـ خزانه‌دار

۸ ـ ابراهیم‌ریحان‌ـ مدیر تشریفات

۹ ـ توفیق نقیب‌ـ خطیب

۱۰ ـ عبدالکریم‌خصیری‌ـ راهنمای اول

۱۱ ـ یعقوب ساده‌ـ راهنمای‌دوم

۱۲ ـ مزعل شیخ عبدالکریم خزعل ـ مدیر

۱۳ ـ سامی هاشم خصیری ـ نگهبان داخلی

۱٤ ـ محمد شیخ جابر ـ نگهبان خارجی

کمیته ومحفل دائمی سال ۱۳۳۳ ـ (۱۹٥٤ ـ م) لژ فیحا از فراماسونهای عراقی زیر تشکیل شده بود :

۱ ـ شیخ عبدالقاءِ درباش اعیان

۲ ـ ابراهیم ریحان

۳ ـ احمد خزعلی

٤ ـ توفیق نقیب

٥ ـ حاج عامر کامل

٦ ـ ادواردفتح‌الله

۷ ـ سامی خصیری

۸ ـ ذکریا انصاری

بازرسین محاسبات : نوری خصیری ـ هنری پیو ـ مزعل ـ شیخ خزعل.

استرداد فرامین و نشانها وحمایل خزعل

به موجب قوانینی که در مؤسسات فراماسونری جهان وجود دارد ، هرگاه یکی از ماسونها فوت کند ، لژی که آن ماسون عضویتش را داشته است ، به ورثه و بازماندگان ماسون مزبور پیشنهاد می‌کند که اگر میل داشته باشند حمایل ، نشانها ، اپرن و سایر اسناد خصوصی اورا نگهداری کنند .
و در غیر این صورت اسناد و اشیاء و البسه را در لژ مخصوص محفوظ می‌دارند .

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ ـ لژ فیحا نامه‌ای به همسر شیخ خزعل خان نوشته و به او اطلاع داد که می‌تواند اشیاء و فرامین و اسناد خصوصی شیخ را از دبیر لژ تحویل بگیرد و در خانواده خود نگهداری کند .

همسر و خانوادهٔ شیخ‌خزعل‌که در ایران بودندنماینده‌ای به بصره فرستاده اموال و اثاثیه و اسناد شخصی فراماسونی خزعل را تحویل‌گرفتند ، وبدین‌ترتیب بود که لژ خزعل تشکیل و تعطیل شد .

خانوادهٔ خزعل

شیخ خزعل‌مردی‌که زمانی ادعای خدائی درخوزستان می‌کرد ، از خود خانواده‌ای باقی گذاشت که در آن بیست‌و شش فرزند وهشتادونوه‌زندگی می‌کنند . قصورافسانه‌ای شیخ در خوزستان ودارائی وثروتش‌که چندین میلیون لیره انگلیسی تخمین زده‌اند ، هنوز زبانزد مردم‌این منطقه است .

از خانوادهٔ شیخ خزعل گمان می‌رود که عدهٔ زیادی در ایران بسر نمی‌برند اما تا آنجا که ما تحقیق کردیم تنها یکی از دخترهای شیخ خزعل به نام خیریه با بچه‌هایش‌در ایران زندگی می‌کنند و این دختر درتنها یادبود پدرش یعنی(قصر جمیله) خزعل بسر می‌برد.قصرمذکور در زمان‌آبادانی خود نزدیك به ۵۰۰اطاق و تالار داشت .

گمان‌می‌کنم اکنون بهترین‌فرصتی باشدکه راجع به خودشیخ خزعل‌گفتگو کنیم وبهتر است‌که زندگی «عقاب خوزستان»را از زبان دخترش «خیریه» بشنویم:

«پدربزرگ‌من‌حاجی جابرکه او نیز برخوزستان فرمانروائی داشت،درسال۱۲۹۷قمری‌درگذشت، وپس از اوعموی بزرگ من شیخ مزعل‌فرمانروا شدوپس ازمرگ اودرسال۱۳۱٤ قمری شیخ‌خزعل حاکم خوزستان گردید .

پدر من در زمان حیات خود چهارزن‌عقدی وچندین زن‌صیغه گرفتوبه خاطریکی‌ازنامادریهای من‌به‌نام «جمیله »آغازبه ساختن قصری‌کردکه می‌خواست‌درجهان نظیر نداشته باشد .

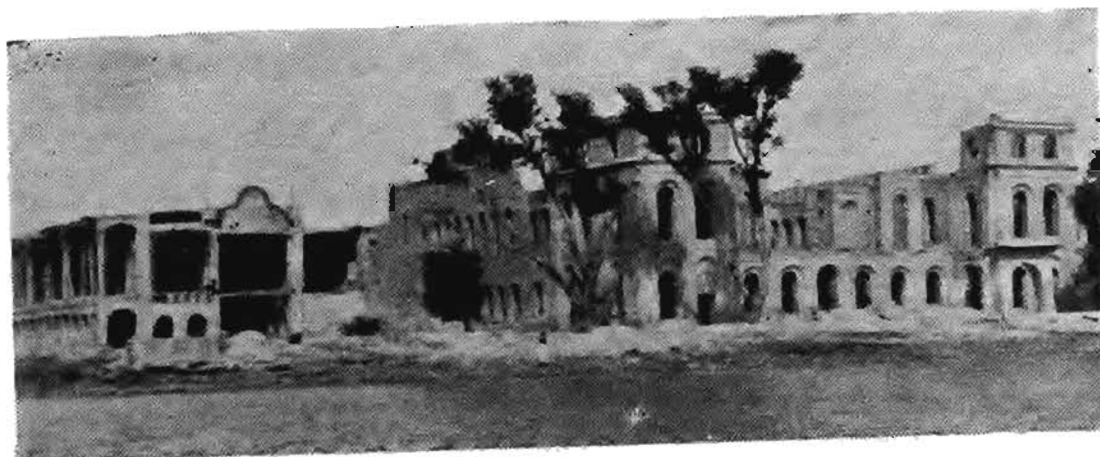
هرگوشه از این قصر را به سبکی‌آراسته بودند. سنگ‌های مرمر از سواحل بحرالـروم و معماران‌نیزدست ازیونان‌وآتن‌و سنگهای‌تراشیده‌ازسواحل‌خلیج فارس ، درازاء تالان‌های زر به محمره‌آورده‌شدند، پدرم‌آن‌قدر پول‌خرج‌کردکه خودش گاه‌گاهی


حاجیه خیریه یکی از دختران خزعل

می‌گفت چنانچه پولهائی‌را که برای‌ساختن‌این‌قصرداده است، جمع‌می‌شد یك تالار ده متری را پرمی‌کرد.

این قصر با سرسراهای باشکوه ، ایوان های مرمرین و تالارهای وسیع و

نمای شمالی قصر جمیله



جنوب قصر جمیله درکنار اروند رود

چشم‌گیر در کناره اروندرود ، جائیکه فاصلهٔ مرزایران و عراق بـه کمترین حد خود می‌رسد بنا گردید تا عروسی که از ساحل بصـره به محمره آورده می‌شد از همان لحظهٔ اول به میزان ثروت و تشخص «خزعل» پی‌ببرد وعلاوه بر آن کشتی‌های انگلیسی‌و پرتقالی وعراقی‌که‌بدهانهٔ شط‌العرب می‌آمدند بتوانند شکوه‌وجبروت دستگاه خزعل را از نزدیك به‌بینند .

پدرم برفراز این‌قصر دکلی‌برافراشته بودو برفراز آن پرچم ایران‌رانصب کرده بود تاهرکشتی خارجی‌که می‌گذرد به‌احترام پرچم۲۱گلوله توپ شلیك‌کند. وچنانچه‌یکی‌ازکشتی‌ها ازادای‌احترام، خودداری‌می‌کرد،مأموران خزعل‌ناخدای آن را دستگیرکرده و او را به جرم عدم احترام به حکومت جریمه می‌کردند .

حرمسرای خزعل

حرمسرای خزعل در همین قصر قرار داشت وقسمت بزرگی از آنرااشغال می‌کرد . هریك از زنان عقدی خزعل در ساختمان جداگانه‌ای که مخصوص‌بخود آنهابود زندگی‌می‌کردند وکاخ جمیله درمیان همهٔ‌ساختمانها ابهت و جلال‌دیگری داشت .

جزقسمت حرمسرا یااندرون ، بخش عمده‌دیگرقصر تالار های هیئت‌دولت و اطاقهای متعددی بود که اختصاص به امور فرمانروائی خزعل داشت .

اطاق مخصوص خودخزعل بسیارزیبا و جالب توجه بود، خزعل‌در این‌اطاق که به آخرین وسایل روز حتی تلفن هم مجهز بود اوامر خـود را صادر می‌کرد و یك رشته سیم تلفن مستقیماً اطاق‌کار اورا به اطاق حاجی رئیس وزیر مشاورخزعل مرتبط می‌ساخت .

تزئینات و گلکاری این قصر در اختیار عده‌ای از هنرمندان فرانسوی و انگلیسی‌ومتخصصین‌گلکاری‌هلندی‌گذاشته شده بود بطوری‌که هرکس‌وارد محوطهٔ قصرمی‌شد فراموش می‌کردکه درخوزستان خشك‌وسوزان بسرمی‌برد.

در قصر خزعل همیشه یك دستهٔ ارکستر عربی آماده بود و چون پدرم بـه موسیقی و طرب علاقهٔ فراوان داشت هرشب در حرمسرای او بساط عیش بـرپـا بودوزیباترین‌رقاصه‌های‌لبنانی ومصری‌که توسط مأموران مخصوص‌اوازکاباره‌های بیروت و تماشاخانه‌های قاهره گلچین شده بودند به پایکوبی برمی‌خاستند.»

دختر خزعل ادامه میدهد: «شبی که جمیله سوگلی حرم خزعل را به قصر آوردند، قصر چنان غرق‌در نور بود که من در زندگی خود چنین زیبائی‌رادوباره ندیده‌ام.

یك دستهٔ موزیك از ارکستر مخصوص قصر به پیشواز عروس رفتند واو را که غرق در جواهرات و شالهای کشمیر بود به قصر آوردند...

شیخ خزعل چندین‌کشتی مخصوص بخودداشت که زیباترین آنها یك‌ناوچهٔ تفریحی بود به نام جاسبی‌که درزیبائی وجلال نظیر ومانند نداشت.

آخرین زنی که شیخ خزعل گرفت ایرانی وازخانوادهٔ نظام‌السلطنـه مافی بود که از او فرزندی بنام نظام پا بدنیانهاد. نظام تحصیلات خود را در انـگلستان گذرانید و در همانجا با دختر یکی از بازرگانان انـگلیسـی ازدواج‌کرد.

نظام‌پس ازآگاهی‌ازمرگ پدرخود به ایران‌آمد ولی‌زن وچندفرزند اودر همان انگلستان باقی ماندند وهنوز هم درآنجا بسر می‌برند اما خود نظام درسال ۱۳۱۵ شمسی درایران درگذشت.»

دختر خزعل در بارهٔ جریان مرگ پدر خود توضیحات‌زیادی نداد وگفت: «فقط بخاطر دارم که در سال ۱۳۰۳ توسط‌سرهنـگ مصطفی خان به اهواز نـزد «سپهبد زاهدی» برده شد و سپس اورا به تهران فرستادند. او دیـگر به خانه باز نـگشت و پس ازمدتی‌خبر مرگش را برای ماآوردند.»

پس ازاعلام مرگ شیخ خزعل املاك او توسط فرزندانش تقسیم و تصاحب و فروخته شد.

شیخ خزعل به روی هم ۲۶ فرزند از خود بجای گذاشت‌که به جز چندنفر

بقیه در خارج از ایران بسر می‌برند و یکی از آنها در کویت معاون شرکت‌نفت کویت است .

به‌گفتهٔ خیریه دختر خزعل. از ۲۶ تن فرزندان خزعل بیش‌از ۸۰ نوه‌پا به‌عرصهٔ وجودگذاشته‌است‌که هرکدام‌از آنها اینك درگوشه‌ای‌ازجهان به زندگی‌مشغولند . بیشتر فرزندان شیخ‌خزعل‌درممالك عربی‌و بقیه درانگلستان به‌سرمی‌برند.

در جریان جمع‌آوری اسناد و مدارك كتاب حاضر و دست یافتن به بسیاری از اسرار محرمانهٔ سازمانهای فراماسونری ، نگارنده در میان یادداشتها ، کتب و اسناد « میرزا حسین ژرمنی » پدر « مجید موقر » که خود عضو لژ فراماسونری « خزعل‌خان» بود ، «آئین ورود و قبول عضو جدید » تازه‌ای از این سازمان بدست‌آورد که باهمه اساسنامه‌ها وآئین‌نامه‌های پیشین تفاوت داشت . زیرا مطالب آن با نثری مغلق ، مخلوط ازکلمات عربی و فارسی نگاشته شده بود . دراینجا متن این اساسنامه بخاطر تازگی نوع قبول عضو وپرسش‌های گوناگون و نثر غیر عادی آن ، عیناً از نظر خوانندگان می‌گذرانیم :

مرتبه دویم ماسونیه [۱]

برحسب طریقه مجلس بزرگ اورشلیمی

همت گماشت به طبعش

شاهین‌بك‌مکاریوس

استاد بزرگ مجلس اعظم اورشلیمی

و رئیس بزرگ شرف مقام عقد ملوکی بالینویس درولایات متحده امریکا و استاد بزرگ شرف مجلس اعظم در فیلادلفیا و رئیس سوم اعظم مقام عقد ملوکی بزرگ در مصر سابق و عضو شرف در جمعیت رجال ماسونیه پیشینیان در سیکاغوو عضو شرف در هریك از دو محفل لوءکوءِ در امریکا و محفل سلنك امیرکی‌ومحفل

۱ـ بناء به معنی عمارتیکه تماماً از سنگهای سخت بنا می‌شود این رمزی است اشاره به‌بنای محکم انسانیت که به‌دست معمار بشری برقائده متین بنا نماید : عالمی از نو بباید ساختن و ز نو آدمی .

ماری لند بزرگ در امریکا و محفل سلیمان ملوکی در قدس و محفل سوریه درشام و محفل ملك سلیمان امیرکی و محفل نیل ایتالیا به مصر ومحفل لبنان و فلسطین در بیروت و محفل اسکله سلیمان سافاورئیس شرف مجلس عدل فرانسوی در مصر و مقام کوکب شرق انگلیسی ومجمع کرنك فرانسوی از برای درجه ۱۸ و رئیس ومؤسس مجلس طائف و مقام لطائف و محفل فنیقیه و محفل بدرحلوان ومقام بدر حلوان و محفل بدر حلوان کمالی و رئیس و مؤسس مجلس سکاریوس از برای درجه استادهای معلمین ملوك و مجلس بزرگ و عضومحفل اخلاص ملوك انگلیسی ودارای نحل وصدف و درجه ۳۳ و غیره . و رئیس شرف مجلس ثبات و محفل صفا و محفل بنی یوسف و محفل حکمت و محفل ادریس و آگاه کنند اول شرف در محفل بزرگ وطنی مصری و سنه‌اول شرق بزرگ وطنی‌و مصری در سابق .

طبع شده در مطبعه مقطف در مصرسنه ۱۹۰۵

فصل اول

باز شدن محفلها در درجه دویم رمزی

در نزد آنمجالس جمع می‌شوند برادران بطور نظم، می‌زنند رئیس‌زنگ‌با چکشی‌که دردست اواست، پس‌جواب می‌دهند رئیس دو آگاه‌کنند . (همچنین‌زنگ می‌زنند رئیس وقت بستن مجلس) بعد از آن اعلان می‌کند مبتدئین را به‌برگشتن.

پس می‌گوید: رئیس یاری کنید مرا ای برادران من برباز شدن مجلس ... به‌درجه دویم رمزیه (پس می‌ایستند همه).

رئیس می‌گوید: چه چیز است اول‌چیزیکه واجب است در مجلس ای آگاه کننده‌اول. می‌گوید: آگاه‌کننده اول‌تحقیق‌اگر بوده باشد مجلس بسته .

رئیس تأکیدکن این مظلب را ای برادر .

آگاه‌کننده‌اول برادر نگاهبان داخل نگاه کن هرگاه مجلس بسته‌است،می‌رود نگاهبان داخلی بسوی نگاهبان خارجی نگاه می‌کنند که آیا درها بسته است و برمی‌گردند و می‌زنند زنگ را پنجمرتبه و جواب می‌دهد اورا نگاهبان‌خارجی به‌مثل بسته می‌گوید ماپنهانیم ای حضرت آگاه‌کننده‌اول .

آگاه کننده اول ما پنهانیم ای حضرت رئیس محترم

رم ـ چه چیزاست واجب دویم ای برادر آگاه‌کننده دویم

آگاه‌کننده دویم می‌باشند همه حاضرین بنّاها اصرار وکارکنان

رم ای دوبرادرآگاه‌کننده. نگاه کنید هرگاه بوده باشند تمام برادران آنچنانی‌که برصف‌شما ایستادند آزادگان‌کارگر درجه دویم.

پس فرودمی‌آیند دوآگاه‌کننده ازکرسیشان ومی‌گذرند بردو صف ومشاهده می‌کنند نظم برادران‌را وبرمی‌گردند به‌مرکزحودشان ومی‌زنند زنگ رایکمرتبه و می‌گویند همه حاضرین بنّاهای‌کارگر و می‌گوید رئیس همچنین در شرق ـ بعد می‌ایستد رئیس وزنگ می‌زند یکمرتبه و می‌گوید درحد نظم پس همه می‌ایستند و سئوال‌می‌کند رئیس:

رم ـ برادر م‌ث آیا توکارگری؟

م ث ـ درزاویه قائمه.

رم ـ چه چیز است زاویه قائمه وچقدراست اندازه او .

م ث ـ زاویه قائمه‌نود درجه است ومقدار اوبرابر با ربع‌محیط دایره است.

رم ـ برادرم ث به‌چه چیزتوکارگری پس محقق است هرگاه باشند برادران حاضر کارکن .

م ث ـ برادران من به‌کار محترم بیان کنید اینکه شما کارکنید .

(ادا می‌کنند برادران باشاره و می‌بیند آگاه کننده دویم صحت اشاره‌را)

م ث ـ برادرمحترم برادران حاضر کارگرند .

(می‌ایستد بنظام و عطا می‌کند اشاره درجه دویم را)

م ا ـ برادر م ث من تصدیق می‌کنم براین اشاره (وعطا می‌کند اشارات‌را)

ر م ـ برادران عزیز بیش ازباز شدن مجلس در درجـه دویم توسل بجوئیم به مهندس کون بزرگ برگرداند روی خـود را بطرف ما و اشاره کند ما را بر افضلیت و معرفت.

ر م ـ بنام مهندس کون بزرگ درتحت رعایت مجلس بزرگ اورشلیمی اعلان کن بازشدن مجلسه ا.... دردرجهٔ دویم رمزی

پس زنگ می‌زند رئیس محترم پنج مرتبه و جواب می‌دهند دو آگاه‌کننده نگاهبان بعد پیش می‌آید زئیس سابق. وباز می‌کند کتـاب مقدس را و می‌گذارد زاویه و اسباب بنائی را برحسب اصول حرکت می‌دهد آگاه کننده اول عمود را و می‌گذارد آگاه کننده دویم عمود را افقی. بعد که نشستند برادران می‌خواهد رئیس نویسندهٔ اسراررااینکه بخواند خلاصه کارهای جلسه گذشته‌را پس‌میخواند پس می‌گوید رئیس دو برادر آگاه کننده اول و دویم. داناکنید برادرانی را که‌در صف شما هستند هرکه از برای او ملاحظه برکارهای جلسه گذشته پس‌آشکار کند آنهاراو آگاه‌کند دو آگاه‌کننده‌را وکسیکه ازبرادران از برای‌اوست‌ملاحظه‌یاسخنی بگوید اورا بشأن‌آن خلاصه‌طلب‌کند واورا ازمبنی‌که برصف اواست واشخاصی‌که درلژهستندپس‌طلب‌کنندکلمه را ازرئیس فقط وهرگاه باشدبرای دوآگاه‌کننده کلمه بزنزدیکی‌زنگ‌را وبایستد وسخن‌راند در موضوع‌هرگاه شروع‌نکنداحدی‌ملاحظه رامی‌گویند دوآگاه‌کننده.

سکوت عام تو ای حضرت محترم پس می‌گوید و همچنین در شرق، پس می‌گویداینکه دوستی برادران‌برخلاصهٔ اعمال‌تمام می‌شودبه بلندکردن‌دست‌راست و زند سوم‌زنگ ازکرسی ریاست.

می‌زند سه زنگ‌بعد از برداشتن‌برادران دست‌خودشان را می‌آوردنویسنده اسراردفتراعمال‌را پس‌واقع می‌سازند براورئیس وکاتب امضاء خود را هرگاه‌باشد به‌تصحیح درچیزی می‌گذارند درحاشیه و امضاء می‌کند رئیس به مهر خود پس‌امر

می‌کند مرشد اول با حضار دفتر زائرین و آگاه می‌شود منیه دویم براسمهایشان و اسم محلهاشان و درجاتشان و شهادتشان و اعلان می‌کند به‌آن درمحفل بعدداخل می‌شوند ایشان برحسب درجات دویم و سیم الی آخر .

آگاه ساختن می‌آیند رؤساءِ زنجیروار مسلـح ازجهت تعظیم مقاماتشان و می‌نشینند در شرق و اما مبتدئین از محفل بزرگ اورشلیم پس می‌نشینند در شرق فقط هرگاه نبوده‌باشند دارای درجه ریاست .

پس دور می‌دهند کیسهٔ ورقهای سرّی را بر حضور و می‌خوانند مراسلات وارده را در محفل پیش می‌اندازند از آنها آنچه را که دید رئیس وجوب تاجیل از آنچه نباید خواند در درجهٔ دویم یا در پیش واردین تازه و شبیه به تازه تمام آنها را تسلیم می‌کنند به کاتب اسرار پس از انتشار اعمال بر حسب ترتیب اوراق دعوت .

پس اجازه می‌دهد سخن را از برای حضور درموضوعهای ماسونیه .

فصل دویم

رسوم بستن محفلها دردرجهٔ دویم

رم ـ زنگ می‌زند رئیس ومی‌ایستد پس می‌ایستند همه

رم ـ ای برادر آگاه کننده دویم‌چه چیزاست واجب برهر بنّای‌آزاد.

م ث ـ ثبوت قدم هرگاه پنهان باشند.

رم ـ آیا ما همچنینیم؟

مث ـ بلی.

رم ـ ای برادر آگاه‌کننده اول چه چیزاست دویم‌واجب درمجلس؟

ما ـ مشاهده‌کردن برادران منظماً دردرجهٔ‌کارگران.

ر م ـ نظم ای برادران مثل کارگران

رم ـ برادرم ث چه‌چیز کشف‌کرد دراین مکان م ث علامت پاك

رم ـ برادرم ا . کجا است جای‌آن‌م ا . درمرکز بنای‌آزادی.

رم ـ برادرم ا . بسوی چه‌چیز اشاره‌می‌کنی م ا . بسوی مهندس‌کون‌بزرگ

رم ـ برادران من بخاطر بیاورید که کجا هستیم و چطور بجا بیاوریم خدابا ما است و چشم او نگاه می‌کند بسوی ما و مادامی‌که مابکنیم و اجتناب خود را پس او حفظ می‌کند ما را بغایت خود هرگاه به‌آخر برسد کارهای این درجه‌راپس متکفّل باش توای برادر آگاه‌کننده اول بستن محفل‌را.

م ا ـ به اسم مهندس کون‌بزرگ و بـه امر رئیس محترم به‌بندد مجلس کارگران را .

پس رئیس سابق نقل می‌کند آلت بنائی را درتحت زاویه.

م‌ث ـ جمع شدیم‌بخوشی وگذرانیدیم به خوبی و برمیگردیم به این‌اجتماع بسرور میزند زنگها را ومی‌آیند دو نگهبان

ترقی دادن مستبدیرا به‌درجه‌کارگران

دویم و نامیده می‌شود درجهٔ رفیق

در نزد ترقی به‌درجه کارگران دویم بسته می‌شود در محفل چهار لوح

اول ـ نهاده می‌شود در جبهه غرب و نوشته شده بر او حواس پنجگانه داد چشم است وگوش و لمس وذوق.

دویم گذاشته شده درجنوب و نوشته شده براو اسمهای بعضی فنون‌کارگری و آنها یکی توسکانی و در یکی یونانی و کورنشیانی وکومبتوریتی و مثل‌آنها.

سیم ـ گذاشته شده در شرق و نوشته شده بر او اسمهای فنون ادبیه داد نحو بیان منطق حساب هندسه موسیقی وهیئت.

چهارم ـ گذاشته شده در شمال و نوشته شده بـود و بعضی اسمهـای فلاسفه مشهور مانندصولون سقراط لیکوریه فیثاغورس.

و گذاشته شده بالای سررئیس یك ستاره که در وسط او حرف G و بجانب

او در مشرق دو کره که مثل نمودند آسمان و زمین و تمام رموز بنّائی را .

بعد باز می‌شود محفل در درجه اول پس می‌گوید رئیس ای برادران‌حاضر از کارگران در این شب ترقی دادن برادر مبتدی است ... به‌درجه دویم و درجه کارگران آزادمثل اینکه مقرر شد در جلسه گذشته پس حاضرشود وحالادوسئوال شود از معلومات او :

در اول در ماسونیه پس جلب می‌کند او را مرشد اول و می‌ایستد به طرف چپ منبه اول و سؤال می‌کند رئیس سئوالهائی که طبع شده است بر صفحه ـ از کراسی‌درجه اول و بودنش دانا که منتهی میشود از آنها امر می‌کند که خارج بشوند ابتدائیها موقتاً و سئوال می‌شود مبتدی در حال قیام .

رم . برادر ... آیا تو مایلی در ترقی به‌درجه دویم و آیا قسم می‌خوری ؟

بشرفت و عهدت در سابق به‌اینکه اظهار نکنی از برای احدی اسراردرجه اول را و به اسراری‌که ظاهر بشود برتو الان وآیا متحمل خواهی شداجراءِ سوم ترقی را به‌تمام اسرار وثبات قدم ـ مبتدی بلی رم . به‌اعتماد من به‌امانت تووصدق توکشف می‌کنم برتو به‌آنچه جایز نیست از برای تو داخل شدن محفل کارگران.

پس تعلیم میکنم تو رابرمز مرور داد ... وکلمهٔ عبور دان... و این‌رمزاست به سنبله بجوامصب آب و از برای تواست اینکه بروی بابرادر مرشد اول‌به‌فرقهٔ تفکر بعجله و انتظام ترقی به‌درجهٔ دویم (می‌کرد اورا مرشد اول بانتظام وحاضر می‌کند او را مثل درجهٔ اول می‌آورد او را بدرب محفل به غیر پرده برچشم و از برای او حاملی است افتاده بر کتفش اشاره به شغل و می‌کوبد دررا)

رم ـ برادرآگاه‌کنندهٔ دویم‌کیست بباب؟

مث ـ برادری‌که ... پیشی‌گرفت‌اقرار برترقی‌درجهٔ‌ثانی.

حاضر می‌شود بابرادر مرشد اول به این درجه

رم ـ آیا اومستعداست وبه‌چه برمیگردد این‌مطلب؟

م ث ـ به معاونت خدا ومساعدت زاویه قائمه ومسئولش برکلمهٔ مرور.

رم ـ ما مسروریم به‌معاونت خدا از برای ادای برادران مرشد بخوانید او راداخل شودبرحسب اصول پس رد می‌شودنگاهبان داخلی مبتدی را میگذارد دم تیز شمشیررا برسینه‌اش وبلند می‌کند اورا تافرق سرش تا به‌بیند اورا محترمو مرشد اول نگاه می‌دارد دست طالب رابدست راست وچپ ومی‌برد به‌پیش‌محراب.

رم ـ زنگ میزنند ومی‌ایستند جمیع و می‌گوید از برای مبتدی رکوع کن بردوزانو به جهت استمداد برکات خدا برکارهامان.

دعا

خداوندا ای ارحم‌الرحمین تفرع می‌کنیم به تواین‌که حفظ‌بکنی بغایت خودت برادر ما را که به ادب نشسته است پیش تو و قرار بده‌اعمال ما راکه‌شروع شده به اسم تو در جوعش به تمجید تو است . و ثابت بدار ما را برحفظ رعایای خودت و دوری نواهی‌تو آمین.

رم ـ برخیز ای برادر... برادر مرشد اول سلام کن به‌برادرت ... چند قدم همراهی و رفاقت کن در سیاحت اول او می‌گیرد مرشد اول دستور را ازمبتدی و سلام می‌کند به‌طرف او چند قدم و همراهی و طواف می‌دهد او را ازجنوب‌بغرب و می‌ایستد بین دو عمود بعد ازآنکه می‌نمایاند او را لوح اول مروریکه‌گذشت ـ

رم ـ بدان ای برادرکه این سیاحت رمزاست به‌سال اول از درسهای‌کارگران وآلاتیکه به‌دست تو است مساعدت می‌کند تورا برکندن سنگها تا بگردد شایسته از برای بنا و برپاداشتن عمود محبت و اتحاد و اشاره است به حواس خمسه که دیدی‌آنها را برلوح .

پس مبصر باچشم بهترین اشیاء و نیکوترین وکاملترین‌آنهاست واصل‌فکر است و به‌آنها می‌بینی کون را بغیرآنها نمی‌باشد مجالی‌درمعقولات وگوش‌واسطه است بین ما و بین عالم و به‌این تمیر داده می‌شود صوتها ومی‌شنویم حرکات‌را واو دلیل است برصدای باطن که می‌شنویم صوت سری را شریا خیر و او دوست‌ماست

در خوشحالی و حزن و در حیات ادبیه و عقلیه و لمس از لطف حواس و رفیق تر آنها است و به‌آن واقف می‌شود ایشان برمتفرقه و نفس و غیره و ذوق رمز است باحساس امور مقبوله و غیرمقبوله و شم دلیل مدارك مختلفه است متولد می‌شود درقلب شخص و اوشبیه‌است بربوهای خوش که میدهد اخلاق انسانرا باز می‌کند برفعل خیر ورحمت .

و این حواس پنجگانه محبوب است در نزد ماسونی علامت قوهٔ نفسانی که سزاواراست بوده باشد سالم تا بلند کند مرتبه مارا به‌استعمال وسائل‌ادبیه‌صالحه.

رم - برادرمرشد اول طواف بده برادر را ... سیاحت دویم ازشمال به‌جنوب و بایست با اودر مغرب بین دوعمود دایره لوح دویم و به‌او بده مسطره را.

مرشداول‌می‌کنداین‌کارراومی‌گویدتمام‌کردم وحله دوم‌را ای‌حضرت محترم.

رم - برادر .... در روایت تواسمهای فنون بنّائی رمز است بـه‌اشخاصی که ارث برده ازآنها اسم بنّاءِ را متذکراست از برای‌آثار نافعه ایشان وایشانندآقای معبدها بزرگ و بناهای سترگ وکوشش بکنید ایشانرا واراده داریم اقتدارانسان را برعمل هرچیز نیکو و مفید و از مطالعه تو است کتابها و تواریخ ماسونیـه را بقلم بگیر بزرگی اجتهاد را دربنائی که شروع می‌کنم او را الان رمز است به‌بناء انسانی‌که زیورناك می‌کند اورا فضائل وآداب ومسطره‌رمزاست به‌خطوط‌مستقیمه که سزاوار است که تطبیق کنیم بنا خود را بر او .

رم - برادر مرشد اول تمام‌کن سیاحت سیم را وبنمای برادر... لوح‌سومرا که نوشته شده براو اسماء ادبیه و بده‌به‌اومسطره را و عتله را و طواف بده او را از جنوب به‌شرق و بایست بین دو عمود .

مرشد اول می‌کند اینکار را ومیگوید تمام نمودم مرحله سیم را ای حضرت محترم .

رم - برادر ... این‌سیاحت رمزاست بوجوب پیروی‌علم ومعرفه‌آن‌چنانی‌که زیورناك می‌شود به‌او ماسونی‌به‌جهة اینکه علوم منبع فضائل و کمالات است . ودر

زمان قدیم نبود که شنیده شود به قبول کارگر مگر بعد ازمحکم شدن اوازمعارف و فضائل و العتله که در دست تو است رمز بر تأثیر صفت درحالت‌هیئت اجتماعی.

رم ـ برادر مرشد اول تمام کن سیاحت چهارم درمحفل و بنمایان به‌برادر. لوح چهارم را و دو کره که در دست او است و مسطره و زاویه و برسان او را به‌غرب بین دو عمود

مرشداول‌می‌کنداینکارراومیگویدتمام‌کردم‌مرحله‌چهارم‌ر‌اای‌حضرت‌محترم

رم ـ برادر ... سیاحت چهارم‌که تمام‌کردی بعد از درسهای فنون ادبیه‌رمز است به‌اینکه در زندگانی ما سزاوار است که اقتدا کنیم بـه‌اشخاصی که فداکاری کردند در بشریت هرجا بودند و هرطورکه توجه‌کردند و دو کره رمزاست‌به‌زمین و آسمان‌و اینکه ما ساکنیم در این دنیا بر ما است کار نیکوکردن به‌جهت اینکه چشم قادر ناظراست به‌اعمال ما.

رم ـ برادر مرشد اول‌طواف برادر را ... سیاحت پنجم و نیست در دست او چیزی (طواف‌می‌کند و به‌اومی‌گوید به‌آخررساند سیاحت پنجم ای‌حضرت‌محترم)

رم‌ـ برادر ... سیاحت پنجم سیاحت شد و تودست خالی هستی ولکن‌همیشه حامل وزره هستی و این علامت شغل است‌پس فراموش نکن‌که ماکارکردیم‌همیشه وکار ما سزاوار است که باشد باامانب و سعی و تحصیل بکنیم نتیجه پرمنفعت را و این سیاحت رمز است بسوی آزادی که‌سزاواراست اینکه شناخته بشود به‌آن به آنچه‌مادراوئیمو براوئیمو اینکه برخوردار بشویم‌بدون‌ضرر به‌غیر باقی‌نماندبر‌توغیر حفظ آنچه دیدی و آنچه شنیدی بجهت اینکه متمکن بشوی از تعلیم‌دادن‌بغیر خودت ازکسیکه می‌آید بعد تواز برادرانت‌بجهد اینکه قصد مافائد و نشرمعارف است و بزرگ کردن جنس بشر به‌اخلاق حمیده که نتیجه می‌دهد از هر عملی به اندازه خود رم . برادر آگاه‌کننده اول را که تعلیم کند طالب را تقدم بـه‌شرق به طریق واجب .

م ا ـ برادر مرشد اول به‌امر محترم امیدوارم کـه تعلیم کنی برادر را ...

تقدم به‌شرق به‌طریق واجب مرشد اول تعلیم می‌دهد مبتدی را طریق تقدم ازغرب به‌شرق و در ایندرجه می‌باشد قدم راست را بروی غرب وقدم‌چپ به‌طرف جنوب بطوریکه می‌باشد طرف چپ به‌جانب رئیس. مرشد اول می‌گوید مطالب که طریقه مشتمل است بر پنجقدم شروع‌کن به‌قدم چپ .

رم ـ ای برادر وقتیکه در درجات ماسونیه واجب‌است اینکه حفظ‌بکنی و تمیز دهی پس طلب می‌شود از تو اینکه متعهد بشوی یك تعهد دیگری که شبیه است به‌تعهد سابق تو آیا قابلی این مبتدیرا بلی .

رم ـ هرگاه‌آیا تو بردو زانویت راست و گذارنـده . قدم چپ را بر هیئت زاویه قائمه‌و دست راست تو برکتاب مقدس و بازوی چپ تو بربیکار وذکرمی‌کنی اسم خود را و پیروی می‌کنی آنچه می‌گویم .

ومی‌زند زنگ و می‌ایستند برادران

قسم نامه

من ...قسم می‌خورم بخدای بزرگ واسم برکتاب مقدس است پیش‌برادرانم که حاضرند در محفل کارگران از راه و متعهد می‌شوم اینکه حفظ کنم اسراریکه امین شده‌ام و زود باشدکه امین بشوم برآنها وظاهر نکنم به غیر ماسونـی و غیر وارد و درجه‌کارگـران را و متعهد می‌شوم که قیام کنم به‌کارهای رفقای کارگران آزاده به‌راستی وامانت .

و همراهی‌کنم برادرانم را بهرچه طاقت دارم و اگر بشکنم قسم را بیرون بیاورند دلمرا از سینه‌ام و انداخته‌شود جسدم پیش‌وحوش درنده پس یاری‌کن‌مرا ایخدای قادر بر وفای این قسم بزرگ امین .

رم ـ قسمیکه صادرشد از من شمرده می‌شود وعده صادق وعهداکیدوامید . وارم تورا اینکه‌خاتمه بدهی و ببوسیدن کتاب مقدس دو مرتبه .

بدان اینکه صلاح تو و تقدم تو در ماسونیه که اشاره می‌شود باو به نهادن

زاویه قائمه بیکاری پس می‌باشد سقبات او پوشید .

در وقتیکه تو مبتدی هستی در این درجه ظاهر می‌شود از برای تو یکی‌از آنها و اینکه تو در وسط راه ماسونیه بزرگتر از درجه مبتدی و پائین‌ترازدرجه که من امیدوارم که حاصل شود برآنها در بعد به کمال جهت تو و حسن استقامت تو (بعد می‌گیرد او را ازدست راست و می‌گوید حرکت کن ای کارگران ماسونی ورفیق تازه).

وقتیکه قسم خوردید بطورلزوم از برای کارگران بودیعه دادم تو را اسرار این درجه را پس مقدم شو چنانکه مقدم شدی در اثناء تکریس تو و بردار گام دیگری کوتاه به‌قدم چپ و بیا به‌عقب بطرف راست چنانکه قدم زدی واین است گام دویم به‌طور انتظام در ماسونیه دور توقف تو در این توقف‌آشکار می‌کنم برای تو اسرار این درجه را و این عبارت از اشاره و لمس و کلمه لکن اشاره ایندرجه عبارت از سه اشاره است :

اول نامیده می‌شود اشاره امانت و این رمزاست به‌مکان حفظ اسرارتوواین. و دویم نامیده می‌شود اشاره سلام و استغاثه و این . . . و منشاء این اشاره اینکه یشوع‌بن نون چونکه بود مجاهد در راه خدا در وادی ... سئوال کرد خدا اینکه طولانی کند روز را تا تمام کند در نور آفتاب و نصرت دهد او را بر دشمنان در حالی که تضرع می‌کند به این اشاره و اما اشاره سوم نامیده می‌شود اشاره قصاص و این . . .

اشاره است به‌آنچه متعهد شده به او از اینکه تو تفصیل می‌دهی شکافتن سینه ات برافشای اسرار ماسونی .

و اما لمس پس همچنین ... وکلمه این ... واین اسم ... و سفای‌آنها ... وبه اجتماع آنها باکلمهٔ درجهٔ اول مفید معنای ... وجایز نیست لفظ‌آنها مگربحروف

مقطعه پس رئیس امر می‌کند مرشد اول را و او آگاه‌کننده را اینکه برگردندبر رفیق تازه آنچه تعلیم داد او را پس عمل میکنند آنها خطوط و اشاراترا و لمس کلمات را چنانچه تعلیم دادند اورا اسرار درجهٔ اول .

م ا ـ ای حضرت محترم اقدام‌کرد از برای تو برادریکه در ترقی درجهٔ ثانیه بود به اینکه کرم کنی برادر ارشادهای دیگر .

ر م ـ ومتعهد شد بتو اینکه تقلید کند اورانیشان ممیز کارگران بنّای‌آزاد.

م ا ـ امرمیکند رئیس محترم تقلید کن باین دونیشان اشاره بتقدم تو در معارف ماسونیه.

رم ـ وزیاد میکنم بر آنچه بیان شد لذا برای تو ونمود منبه اول اینکه نیشان که تراشیده می‌شود الان لازمه شغل تواست به فنون و علوم از حالا پس بالاتر زیراکه به این استطاعت بهم میرسانی‌که اداکنی واجبات خودرا درماسونیه و بزرگ بشماری کارهای بزرگ عجیب‌حق‌بزرگی.

رم ـ برادرمرشداول بنشان برادر را ... درجیبهه جنوب شرقی‌ازمحفل.

رم ـ برادرچونکه میباشی ماسونی ازروی‌علم درحال فراموسنی‌درهنگامی که تو مبتدی هستی نشستی در شمال شرقی از محفل و نشستی حالا در جنوب شرقی تا دانسته شود که تو مقدم شدی و گردیدی کارگر بنّاءِ آزاد عادل مستقیم و وصیت میکنم تو راکه مستمر باشی بر ملازمت ادب و فضیلت وصدق تاریورناك شود انسان و جایز است برای تو حالا اطلاع براسرار طبقیه و علومی کـه بود مخفی از تو.

مرشد اول‌مقدم میکند رفیق‌راپیش رئیس به نزدیك محراب.

رم ـ و من مقدم‌کردم ازبرای تو الان الات عمل محنقه به کارکردن و این زاویهٔ قائمه را و میزان و خیط و شاقول پس اولی نظم می‌دهی وضبط میکنی‌تمام

زوایارا، بناها را و به اومیگردد ماده پراکنده بهشکل مطلوب ودویم برای‌تسویه وتحقیق و اوضاع‌افقی وسوم ضبط میشود اوضاع را سیه وتمکین آنها براساسشان و برای آنکه ماجماعت ماسونیه نیستیم بناء مادی و لکن ما بناهای رمزیم پس‌در نزد ما زاویه قائمه رمز به ادب و تهذیب استو میزان از برای ماده وخیط‌شاقول از برای‌علامت و استغائه‌در اعمال مدت حیات و به ادب و تهذیب و استقامه‌وحسن قصد ترقی میکنیم بمنازل جاوید که مصادر اعمال صالحه است .

پس مقدم میشود به پیش کرسی ریاست (پس مقدم میشود)

رئیس محترم ونگاه میدارد شمشیر را بدست چپ وچکش را بدست‌راست و یك دفعه می‌زندو می‌ایستند برادران ونگاه میدارند شمشیر را ومی‌گذاردبالای سر رفیق ومیزند براو پنج دفعه و میگذارد او را بسر سر رفیق و بر دو دوشش و میگوید بنام مهندس کون بزرگ در تحت رعایه محفل بزرگ اورشلیمی شرقی دادم تورا بدرجهٔ‌کارگران در محفل ... وامره میکند اورا بجلوس او وکل‌برادران را بعد اعلان می‌کند دو منبه گوینده است دو برادر منبه اول و دویم اعلان کنید برادران که بر صف شمایند اینکه بشناسند برادر فلانی را برادر کارگر و عضودر محفل .... دردرجهٔ دویم‌رمزیه.

پس‌اعلان میکند دومنبه مطلب‌را.

رم - از برای تواست الان‌ای برادر تازه اینکه منصرف بشوی برای‌تلبس بلبهایت و بعد رجوع تو ارشاد میکنم بارشادهای دیگر اگر یاری‌کندوقت.

بیرون میرود طالب ومیپوشد وبرمیگردد میایستد پیش رئیس بعد از او از اسلام ماسونی بدرجه اول بعدیه دویم وظاهر می‌کند شکر او را به‌جمعیت که عضو آنها است پس‌تهنیت می‌گویند اورا برادران بهبوراکشیدن

خطاب رئيس

من تهنیت می‌گویم تو را ای برادر به‌ارتقاء توبدرجهٔ ثانیه‌وآرزو دارم‌اینکه تو باستقامت خود و جهد خود ترقی کنی باعلی درجات ادبیـه بسمی باشی پیشرو برای دیگران به فضائلت و ادابت و فخه جمعیتی که از آنهائی و به حفظ تو بر مبادی ماسونی صاحب استطاعت کردی که افاده برآن برادران و همسالان تووهر گاه به‌بینی کسی راکه مخالف است طریقهٔ ما را ازبرادران چشم مپوش از او بلکه سئوال میکنم تورا با اوراه ارشاد را و نصیحت خالص وشجاعت مجاهد کافی امین و مسالح خطاکار و بوده باشی مثل از برای صلاح و مصدر خیر و نیکوئی و خدای رحمت و احسان کفایت میکند تورا بخیر و مکرر می‌کنم برای تو مبارك باد را سئوال‌کننده‌ام خدای سبحان را اینکه محکم بکند ستونهای آزادی را و مساوات وبرادری را در تو.

سئوالهائی که لازم است حفظ کند کارگر

از برای ترقی بدرجهٔ استادها

س ـ چگونه مستعد میشوی تا بوده‌باشی‌کارگر؟

ج ـ بکیفیت‌که شبیه است درجهٔ اول را و نیست برچشم پردهٔ ومیباشد صفت استعداد من بر این اسلوب واو.

س ـ چگونه می‌باشند دخول تو؟

ج ـ بر زاویهٔ قائمه که مقدارش ۹۰ه ومساوی‌است ربع محیطدایره

س ـ از چه چیزی می‌بایستی‌که بحث‌می‌کنی؟

ج ـ از اسرار خفیه طبعیه یاعلمیه.

س ـ کجا می‌روند برادران ماسابتین از برای‌استیلاء براجرشان؟

ج ـ بسوی غرفه وسط در هیکل ملك‌سلیمان.

س ـ چگونه میگیرندآنها را؟

ج ـ بدون شك و نقصان.

س ـ از برای چه می‌باشند باین‌صفت مخصوصه ؟

ج ـ بدون شك چون آنها می‌دانند استحقاق آنهـا را و بدون نقصان نسیه به اعتمادشان به امانت و سلوك کارگرانشان در این‌ایام.

س ـ چه چیز است اسم دوعمود که‌در مدخل هیکل‌سلیمان است؟

ج ـ آنچه بر چپ است اسم‌او... و آنچه برراست‌است اسم او.

س ـ چه چیزاست معنی هریك ازدواسم علحده ومعنای‌آنها باهم؟

ج ـ چپ بمعنای او ... راست ...ومعنای هردو باهم.



فصل بیست و چهارم

فراماسونهای معروف در شهرهای مختلف

می‌دانیم که سازمانهای فراماسونی ، تشکیلات کاملا مخفی و محرمانه‌اند ، که تلاشی فوق‌العاده در رعایت اصول پنهانکاری و مخفی نگاهداشتن تشکیلات و چگونگی فعالیتهای خود مبذول می‌دارند .

بهمین جهت ، شاید این نخستین بار است که بدنبال یك کوشش چند ده ساله و به قیمت یك عمر تحقیق و کاوش در این کتاب پرده از اسرار سازمانهای فراماسونی ـ نه تنها درایران ، بلکه در سراسر جهان ـ برداشته شده و « استادان اعظم »واعضای لژها ، از بدوپیدایش و آغاز فعالیت این سازمان مرموز در ایران تابه امروز به‌تفصیل معرفی‌شده وراز زندگی‌وچگونگی‌فعالیتهای‌پنهانی‌آنان‌با همهٔ جنبه‌های مثبت ومنفی‌آن و اثری‌که درتحولات این‌سرزمین‌داشته‌اند فاش‌می‌شود.

با اینکه طی مجلدات این کتاب کوشش شده است کـه هیچ سخنی در بارهٔ فراماسونها ناگفته نماند ، متاسفانـه پاره‌ای موارد جزئی ، از جمله تاریخ دقیق تأسیس لژهای منظم ورسمی در تهران بعلت عدم دسترسی باسناد و مـدارك لازم روشن نشده است . طبعاً همانطوریکه تاریخ صحیح و دقیق تأسیس لژهای رسمی و با اجازه‌گراند لژهای ماسونی در تهران معلوم نیست هیچگونه سند ومدرکی‌از تأسیس لژهای « منظم یا با اجازه »و به‌اصطلاح ماسونها باقاعده [1] « Reglar » در

---

۱ ـ اگر لژ ماسنی با انجام کلیه دستورات ، تشریفات ، اجازه و غیره تشکیل نشود فراماسونها بدان نام نامنظم Clandestine ویا« Irregular» میدهند .

شهرهای ایران در دوران‌های اولیه ماسونی در ایران ، در دست نیست .

معتبرترین کتابی که دربارهٔ تاریخ ماسونی درجهان نوشته شده، دائرةالمعارف فراماسونری است که قبلا به آن اشاره کردیم . در این کتاب ، هنگام بحث دربارهٔ تاریخ لژهای ماسونی در ایران ، نوشته شده است که « عسکرخان سفیر ایران در دربار ناپلئون در سلك فراماسونها درآمده و با برادران فراماسونری خود ،اولین شالوده لژ اصفهان را پی‌ریزی کرده ، ولی قرائنی در دست نیست که این تصمیم به مرحلهٔ عمل درآمده باشد »[۱] دائرةالمعارف فراماسونری هیچ ذکر دیگری از لژهای ماسونی در شهرهای ایران نمی‌کند و دراین باره نیز استناد بنوشته‌ای که در «اکتالاتا مورم » شده مینماید .

در نوشته‌های فارسی هم کمتر اشاره‌ای به لژهای شهرها شده و دو کتاب که بنظر می‌رسد مأخذ هردو آنها یکی باشد ، دراین باره فقط چند جمله کوتاه نوشته‌اند. عباس اسکندری درکتاب (نفت و بحرین) می نویسد :

«...فراماسون یافراماسیون یك جمعیت وسازمان محرمانه‌ایست که از قرن های پیش در شرق وغرب وجود داشته درابتدا مروج یك نوع نهضت اخلاقی بوده وبعداً عامل سیاست گشته است.این نهضت زمان فتحعلیشاه [منظور لژ اصفهان است] توسط انگلیسها به‌ایران سرایت کرده وهدف اصلی آن مبارزه بانفوذروس درایران بوده است. رجال عضو فراماسون ایران برای انجام منظور خوددرایران ازسفارت انگلیس الهام می‌گرفتند وتاقبل ازمشروطه وکمی‌هم بعد از مشروطه مبارزهٔ آنان بادربار ایران و دستگاه تزاری کم و بیش بنفع ملت ایران تمام میشد . اما بعد از مشروطه که پای روسها از میان رفت فراماسونهای ایران یکسره تسلیم انگلیسها گشتند ومنافع ایران را از نظر دور داشته ودرواقع مبارزه خودرا باترقی وتعالی ملت ایران آغاز کردند . . . آنها بانهضت های ملی و استقلال طلبی ایران جداً مخالفت می‌کنند...»[۲]

---

۱ ـ دائرةالمعارف فراماسونی جلد ششم ص ۳۸۱

۲ ـ نفت و بحرین عباس اسکندری ص ۱۶۲

در کتاب دیگری که دکتر شیدفر معلم دانشگاه تهران بـرای محصلین دانشکده حقوق نوشته است و «اقتصاد اجتماعی» نام دارد ، هنگام بحث در بـاره « تشکیلات‌صنفی در فرانسه» مینویسد : « واژه «فراماسون» بعدها بین اروپائیان برای انجمنهای سرّی و پنهانی اصطلاح و اسم‌علم شده امروز هم در زبان فرانسه زیاد استعمال می‌شودومترادف بامجامع فراموشخانه ایست که‌درحدود پنجاه سـال قبل در ایران فعالیت داشت » [۱]

نویسنده در زیرنویس این بحث می‌نویسد : « در سال ۱۸۰۰[۱۱۷۹ش]در یازدهمین سال سلطنت فتحعلیشاه سه مرکز فراماسون در اصفهان وطهران‌تأسیس شد ولی‌در آنوقت‌رونقی نداشته‌از۱۹۰٤به‌اینطرف پیشرفت شایانی نمود» متأسفانه نویسنده کتاب « نفت و بحرین » درگذشته و دکتر شیدفر هم در ملاقاتی کـه نگارنده باایشان نمود و توضیحات بیشتر در بارهٔ مأخذ این جملات خواسته شد نتوانستند مأخذ کتابی که از آن استنساخ کرده‌اند ، بیان‌کنند . بنابراین باتوجه بنظریه‌ای که دائرةالمعارف فراماسونری ذکر کرده شایدبتوان‌گفت‌که‌مأخذهردو نویسندهٔ ایرانی همین کتاب بوده است .

نویسندهٔ دیگری که تصور می‌رود دسترسی زیادی به‌اسناد و مدارك وکتب سازمانهای فراماسنی در ایران داشته است هنگام بحث در بارهٔ لژهای ماسنی در شهرهای ایران و ماسنهائی که در شهرهای مختلف زندگی می‌کرده‌اند مینویسد :

« درسایر شهرها هرچند که لژ نبود ولی‌فراماسنها بودند وبه اوضاع‌جاهای دیگر دنیا فی‌الجمله آشنائی داشتند . در خراسان میرزا یعقوب صدرالعلماءبود، در شیراز محمد تقی شانگهای که چندین دوره از فارس در مجلس شورایملی نمایندگی داشت و در هشتاد سالگی فوت شد ، وحاج محمد حسن نمازی بودند . حاج محمد نمازی که اکنون در نیویورك اقامت دارد چون لولـه‌کشی‌آب شیراز را بانی گردیده بر همهٔ بازرگانان عصر خود در عمل خیر سبقت گرفته، پسراین حاج‌محمدحسن‌میباشد .درهمدان حسینعلی‌خان ضیاءالملك قراگوزلو ودراصفهان

---

۱ ـ اقتصاد اجتماعی یا حقوق صنعتی و قوانین کار ص۲۰ .

بنان الملك منشی ظل‌السلطان بودند»[۱]

اکنون‌که تا حدودی به‌فعالیت‌های اولیه‌ماسونهای شهرهای مختلف آشناشدیم، به معرفی آ.نها میپردازیم ، تا از اینراه‌به‌احوال آنان واقف شویم :

فراماسونها در شیراز

همانطوریکه قبلا گفته شد ، استانها و شهرهای جنوبی ایران ، از جمله مناطق حساسی است ، که همواره مورد توجهٔ خاص سازمان‌های مختلف انگلیسی قرار داشته است . شهرشیراز که برای نخستین‌بار لژ فراماسونری انگلیسی‌بنام « روشنائی‌در ایران » درآنجا تشکیل شد ، ازآن‌زمان تاکنون کماکان اهمیت‌خود رااز نظرفراماسونها حفظ‌کرده است . فعالیت‌های‌انفرادی ودسته‌جمعی‌فراماسونها نخست بخاطر ارتباط دائمی و نزدیکی استانهای جنوبی ایـران با هندوستان در سالهای قبل از جنـگ جهانی دوم ، و در سالهای بعد از جنـگ ، از نظر اهمیت مناطق نفتی جنوب ، در شهر شیراز ادامه دارد . پس از تشکیل سازمان‌هـای فراماسونری‌جدید در ایران ، اولین‌بار لژ «حافظ» نیز ازطرف فراماسونهای فرانسوی که عبودیت وبرتری لژهای انگلیس را پذیرفته‌اند ،در این‌شهر تشکیل شد ، که تفصیل آن بعداً خواهد آمد[۲] . و در اینجا فقط بمعرفی چندفراماسونی که سال‌ها در شهر شیراز فعالیت‌های بزرگ و چشم‌گیری داشته‌اند ، میپردازیم :

حاجی شانگهای

حاجی میرزا محمد تقی شانگهای شیرازی ، یکی از فارسیانی است‌که در سازمان‌های فراماسونری عضویت‌یافته و شرح زندگی وچگونگی فعالیتهای او راملاحظه‌می‌کنید.

حاجی میرزا محمد تقی ، در ایام جوانی از شیراز به بوشهر رفت و ازآنجا بـا کشتیهای تجاری به‌هندوستان سفرکرد . پس از مدتی اقامت در کلکته ، بمبئی و کراچی به « مانیلا » رفته در این شهر یک معدن زغال سنـگ را اجاره کرد و سالها به استخراج و فروش زغال سنـگ اشتغال داشت . سپس در شهر « سیبو» بـا

---

۱ ـ مجلهٔ یغما سال دوم ص ۵۵۰

۲ ـ رجوع شود به فصل بیست‌وهشتم‌همین کتاب .



حاج محمدتقی شانگهالی (شیرازی) استاد فراماسونری



دیپلم استادی فراماسونری حاجی‌شاتکهالی صادره
از لژ فراماسونری مانیلا وابسته به گراندلژ انگلند

شرکت حاج‌محمد حسن نمازی‌یك معدن‌طلا را اجاره‌کرده و مدتی‌نیز به‌استخراج وفروش‌طلا مشغول بود . در اوایل جنگ جهانی اول ، در شانگهای تجارتخانه‌ای دایر کرد ،وباشرکت نمازی‌ها به تجارت‌تریاك پرداخت . بدین ترتیب که چندین هزار تن تریاك از ایرانی خریداری کرده و در چین بفروش می‌رسانید . از همین زمان لقب « حاجی شانگهائی » را پیدا کرد که آن را عنوان رسمی خودقرارداد. مخالفان خانواده شانگهای و نمازی ، این دوره از معاملات علنی و مخفی تـریاك این دو خانواده رابدستور استعمارگران‌انگلیسی دانسته و آنان را مروجین‌تریاك در جنوب شرقی‌آسیا میدانند .

حاجی شانگهـائی‌در سال ۱۳۰۸ شمسی (۱۹۲۹ - م) پس ازسی وپنجسال دوری از وطن به شیراز بازگشت و در سال ۱۳۱۲ ش (۱۹۳۳ - م) ازشهر شیراز بنمایندگی مجلس شورایملی انتخاب شد وپس از آن از دوره‌های نهم تا سیزدهم مجلس همچنان از شهر شیراز وکیل بود . ودر همین دوران چون اعلیحضرت‌فقید رضا شاه کبیر از بکاربردن کلمات خارجی تنفر داشتند ، او کلمه «شانگهائی»را از نام‌خویش حذف‌کرده و نام خانوادگی «شیرازی» را برای خود برگزید .

بموجب دیپلمی‌که‌ازلژ‌فراماسونری«مانیلا - فیلیپین»بنام حاجی‌شانگهائی صادر شده است ، او در این شهر عضویت سازمان فراماسونری «مانیلا» راپذیرفته و تا درجهٔ استادی نیز ترقی‌کرده است . وی درمدت اقامت درایران ، درهیچیك‌از لژهای فراماسونری‌وارد نشد ولی با اکثر فراماسونهای فارسی و سایر نقاط‌که در تهران بودند ، روابط صمیمانه وبسیار نزدیك داشت .

دردیپلم‌فراماسونری اوتاریخ صدورقید نشده ولی‌باشمارهٔ ۱۹۵۵۹۸ به ثبت رسیده‌و بامهرو امضای‌سه‌مسئول‌لژوخودحاجی‌محمد تقی‌شانگهائی‌ممهورشده‌است .

فرمان فراماسونری مزبور توسط‌خانواده اوحفظ و نگهداری میشود ویکی از منسوبین‌او (که چون‌ممکن است مایل‌به افشاء نامش نباشد . در اینجا ازبردن اسم او خودداری می‌کنیم) این فرمان را در اختیار نگارنده گذاشت . مرحـوم شانگهائی‌یك فرزند ذکور ویك فرزند اناث دارد .



حاج محمد نمازی با پیش‌بند استادی،
عضو لژ « روشنائی در ایران »

حاج‌محمد نمازی

حاج محمد نمازی شیرازی که هم اکنون در تهران اقامت دارد ، از با نفوذترین فراماسنهای امریکائیست که بـه علت انجام خدمات بزرگ چون ایجاد بیمارستان نمازی و لوله کشی آب شهر شیراز ، یکی از درجات عالی فراماسونی به‌او اهداء شده است .

حاج محمد نمازی در هندوستان وارد سازمان ماسونی هند ـ شعبهٔ اسکاتلند شد، ولی‌از روزیکه قدم به‌امریکا نهاد، عضویت سازمان‌ماسونی‌امریکائی‌را پذیرفت. حاج محمد نمازی فرزند مرحوم حاج محمد حسن نمازی ، بازرگان است ،که در سال ۱۲۷٤ـش (۱۸۹۵ـ م) دربمبئی‌متولد شده و دراین‌شهر تحصیلات خود را تمام کرد ، و پس از خاتمه تحصیلات ، در تجارتخانه پدرش ، به‌کارپرداخت ومرتباً بین هندوستان و ژاپن در مسافرت بود .

وی قبل از جنگ جهانی دوم یکبار به‌ایران آمد ، سپس درسال ۱۳۲۰ـ ش (۱۹۴۰ـ م) به‌امریکا سفر کرده و در نیویورك بـه‌تجارت پرداخت . حاج محمد نمازی که دارای چند کشتی بزرگ و ثروت قابل ملاحظه ایست ، سه سال وابسته اقتصادی ایران در امریکا بود . او در سال ۱۳۲۷ـ ش (۱۹۴۸ـم) مؤسسه‌ای که با کمك سرمایـه‌داران امریکائی تشکیل شده و « بنیاد ایـران » نام دارد ، تشکیل داد . این مؤسسه مأمور تهیه نقشه‌های عمرانی برای‌ایران است . نقشه‌بیمارستان نمازی را نیز همین مؤسسه تهیه کرده است .

در سال ۱۳۳۲ـ ش (۱۹۵٦ـم) نمازی مشاور نفتی‌تیمسارفقید سپهبدزاهدی وسپس وزیر مشاور شد ودر ۱۳۳۵ ـ ش (۱۹۵٦ـم) بار دیگر به‌امریکا مراجعت کرد ، پس از چند سال بار دیگر به تهران برگشت .

مارتیروس‌سرکیس

« مارتیروس سرکیس » فرزند « جوهانس » یکی از قدیمی ترین فراماسنهای ساکن شیراز است که هنوز هم در شهر شیراز سکونت دارد .

سرکیس که به‌شغل‌تجارت‌مشغول‌است، نه‌سال‌بیشتر نداشت‌که ازشیراز به‌هند مسافرت‌کردودرآنجا به‌تحصیلات مقدماتی وسپس‌عالی‌پرداخت. در۲۰سالگی‌وارد دانشگاه‌دارجلینگSaint Paul Darteelingشدکه‌چون‌باه‌درجه‌امتیازدوره دانشگاه را به‌پایان رسانیده بادرجه عالی قبول شد وسپس برای تحصیلات عالیه به‌دانشگاه کمبریج انگلستان رفت . در آنجا رشته زبان انگلیسی را با درجه G. E. C تمام کرد و برای انجام امور تجارتی به‌شیراز بازگشت و مشغول کارشد .

مارتیروس درشیراز، به نگارنده‌گفت : در سی‌ام مارس ۱۹۲۲ (۸ فروردین ۱۳۰۲ـ ش م) در لژ فراماسونی انگلستان « United Grand Lodge » به‌عضویت محفل فراماسونها درآمده و فرمان او دراطاق پذیرائی خانه‌اش نصب‌شده‌است .

سرکیس می‌گوید: «درآنزمان من تنها فرد ایرانی بودم که تا آنوقت وارد سازمان فراماسونری « یونایتدگراند لژ انگلستان » شده بودم . او پس از ورود به‌تهران ، وارد خدمت (اس . پی. ار) شده و بطوریکه از اسناد موجود درخانه‌او

استنباط می‌شود ، در لژ نظامیان (روشنائی در ایران) نیز عضویت داشته است .

پس از انحلال لژ (روشنائی در ایران) در شیراز و ادامـه کار این لژ در تهران، او به‌عضویت لژ تهران، درآمدوهم‌اکنون نیز پس‌از۳۸ سال در لژ «روشنائی در ایران» تهران عضویت دارد و همه ساله در مواقع انعقاد جلسات رسمی لژ در تهران برای او دعوتنامه می‌فرستند و وی‌برای شرکت در بعضی جلسات وانتخابات به‌تهران می‌آید. سرکیس‌درشیراز بادخترشیرازی‌ازدواج‌کرده‌است ازاین‌ازدواج یك‌پسر ویك دختردارد‌که سالهاست بامادرشان در اروپا و امریکا زندگی‌می‌کنند .

محمدخلیل کشمیری

حاج‌محمد خلیل‌کشمیری یکی‌دیگراز بازرگانان با اعتبار شیرازی‌است‌که‌درحدودسال۱۸۹۰درلندن‌واردلژفراماسونی شده‌است.اوپس‌ازمراجعت به‌شیرازعلناً عضویت خودرا در مجمع‌فراماسونی‌انگلستان‌تأکید می‌کرد.درحوادث‌مشروطیت عده‌ای‌ازتجارشیراز که به‌رونق‌تجارت‌کشمیری‌غبطه می‌خوردند، او را درجامعه فارس‌طرفدار انگلیس و مخالف مشروطیت معرفی می‌کردند ، درحالیکه در آن هنگام دولت انگلستان طرفدار مشروطه‌خواهان بود ، ولی‌مخالفین کشمیری درجریان تمام حوادث سعی داشتند افکار عمومی را علیه او برانگیزند .

در سال ۱۲۸۲ـش (۱۹۰۳ـم) که در شیراز حادثه‌ای رویداد و به‌اصطلاح شیرازیها (بلوا) شد ، مخالفین کشمیری بلواچیان را بـه‌خانهٔ آن‌مرحوم هدایت کرده ،قصدکشتن او و افراد خانواده‌اش را داشتند .

کشمیری وخانواده‌اش به‌خانه یکی ازعلماء پناهنده شدند ولی‌بلواکنندگان تمام دارائی و اموال او را به‌بهانه مخالفت با مشروطه غارت کردند ، اما پشتیبانی کنسول انگلیس او و خانواده‌اش را از مرگ حتمی نجات داد .

مرحوم کشمیری پس از مدتی به عراق رفت و در مجاورت حضرت علی علیه‌السلام سکونت گزید و چند سال بعد در همانجا درگذشت .

فراماسنهای اصفهان

شهر اصفهان ـ پایتخت بزرگ‌وآبادپادشاهان‌صفوی‌یکی ازبزرگترین شهرهای

ایران، چهارراه کاروانهای بازرگانی شرق و غرب، شهر تاریخی و صنعتی ایران و مرکز اصلی استقرار اقلیت ارامنه ، با خصوصیاتی که اشاره شد، طبعاً همواره مورد توجه خاص سازمان فراماسونری انگلیس بوده است. گذشته از همه اینها شهر اصفهان از نظر جغرافیائی تقریباً در مرکز ایران قرار دارد و فاصله آن از سواحل دریای خزر، شهر بزرگ و مذهبی مشهد، استان آذربایجان ، مرزهای افغانستان ، ترکیه و عراق و بالاخره تـا مناطق نفت خیز جنوب و بلوچستان و دروازه هندوستان با اندکی اختلاف بیك اندازه است.

بدیهی‌است، ایجاد یك مرکز بزرگ‌فراماسونی دراین‌شهر ، برای‌سازمانهای اصلی که می‌خواهند همواره برهمه سازمانهای خود در نقاط اشاره شده تسلط و ارتباط دائمی و نزدیك داشته باشند، امری ایده‌آل است.

با این مقدمات شهر اصفهان، پس ازشیراز بصورت یکی ازمهم‌ترین‌مراکز مورد توجه ماسونها در آمده. وجوداقلیت ارامنه ، بازرگانانی که به‌قصد تجارت، به‌اطراف و اکناف عالم سفر می‌کردند و فراماسونهائی که در خارج ازکشور وارد لژها شده بودند، تشکیل چنین سازمانی‌را دراین منطقه مرکزی که حائزاهمیت فوق‌العاده سیاسی و اقتصادی نیز بود تسهیل کرد و فعالیت ماسونهای انگلیسی در اصفهان‌آغاز شد هم‌اکنون نیزیك‌لژانگلیسی‌دراین‌شهرفعالیت دارد... ومادر اینجا به‌چگونگی‌فعالیت‌این‌سازمان ومعرفی‌چند فراماسون‌معروف‌اصفهان‌می‌پردازیم:

گفتیم که شهر زیبای اصفهان ازبدو جنبش‌فراماسونهای انگلیسی .همواره موردتوجه سازمان فراماسونی انگلند بود. در دائرةالمعارف، در زیرکلمه‌ایران «اجازه تأسیس» لژی در اصفهان‌ذکرشده است، ولی از چگونگی و شرح«فعالیت» لژی‌که اجازه داشته باشد، هیچگونه ذکروحتی نشانه‌ای نیست.

ازآغازقرن نوزدهم،بتدریج‌ایرانیانی‌که‌ازاصفهان‌برای تجارت‌به‌هندوستان میرفتند_بخصوص‌اقلیت‌ارامنه_درمراجعت‌به‌ایران(ماسون)بودند.این‌عده‌اگرچه‌لژ مستقل‌و فعالی‌نداشتند،ولی‌همیشه‌دورهم‌گردآمده‌واتحادویگانگی‌خودراحفظ‌میکردند.

روزی که میرزا یعقوب ارمنی و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله ، شروع بـه

فعالیت کرده و فراموشخانه را گسترش دادند ، در جریان فعالیت خود از شهر اصفهان غافل نبودند میرزا یعقوب معلم زبان فرانسه شاهزاده ظل‌السلطان بود و اولین فرزند شاه را که توانست وارد حلقهٔ ماسونها کند ، همان «ظل‌السلطان» بود. ظل‌السلطان شرح این واقعه و فراموشخانه ملکم را به تفصیل در تاریخ مسعودی نوشته که قسمتهائی از آن نقل شده است . او در بارهٔ ملکم مطالب اغراق‌آمیزی نوشته وحتی اورا هم‌ردیف‌ارسطو وافلاطون دانسته است... درسفرنامهٔ‌فرنگستان می‌نویسد : « ... منتظر دوست قدیمی خودم که پیش پدرش یعقوبخان فرانسه میخواندم ـ در پنجاه سال قبل ـ بودم . میرزا ملکم خان که امروز وزیر مختار ایتالیا است این شخص از نجبای ایران است . خانوادهٔ‌ملکم‌ها در ایران مشهور و معروف هستند . این شخص فیلسوف اول و معلم اول است . خالی از اغراق ، بـه عقیدهٔ من مثل ارسکاطالیس و افلاطون است ...

چون دنیا همیشه با پاکان و نیکان برخلاف عدل و انصاف راه می‌رود ، این بیچاره در تمام عمر درعوض علم خود جز ندامت ، حاصلی ندید. شرح اوطولانی است... »[1]

شاهزاده ظل‌السلطان که در نظر عامهٔ مردم‌ازمستبدین خاندان قاجاراست، پس از معاشرت و مجالست با (خانواده ملکـم‌ها) تغییر عقیده داد . او در چند جای‌کتابش دربارهٔ محسنات‌حکومت‌های پارلمانی‌و مشروطه بحث می‌کند .ازجمله می‌گوید : اگر حکومت سلطنت‌مشروطه و پارلمانی درکشور رایج بود ، هیچگاه مملکت ایران مثل امروز نبود . سلاطین اروپائی اگـر پیرو حکومت مطلقه و استبدادی می‌شدندواگر قانون‌بمردم‌حکومت‌نمی‌کرد ، مثل امروز‌ترقی‌نمیکردند ظل‌السلطان می‌نویسد: « ... محسنات مشروطه زیاده‌ازفهم من است که بفهمم و یا بتوانم بفهمانم... »[2]

گرچه ناصرالدین‌شاه بشدت با رسوخ تمدن اروپائی در ایران مخالف بود،

۱ و۲ـ سفر فرنگستان ـصفحه ۸۲.

معذلك اعضای لژ فراموشخانه موفق شدند با توصیه‌ای که همه روزه درباریان به او میکردند ، فکر مجلس وشورای دولتی را بشاه تحمیل‌کنند.

ناصرالدینشاه ظاهراً افکار اعضای فراموشخانه را قبول کرد و مقرر داشت کمسیونی به‌این‌کار رسیدگی‌کند.

ایندستور که ظل‌السلطان بیشتر مشوق‌آن بود ، بمرحلهٔ عمل درآمد و سه هفته جلساتی درخانه‌اش تشکیل میشد ... او مینویسد : «... دراینوقت‌میرزاملکم خان ناظم‌الملك ، سفیر کبیر مادر انگلیس ، بطهران احضار شد ــ چون سابقه‌با من داشت، اغلب منزل من بود ــ بحکم همیونی به‌قرب سه‌هفته در عمارت‌مسعودیه [وزارت فرهنگ فعلی] خانهٔ شخصی من با وزرای عظام مشغول مذاکره بودیم ، با حضور ملکم‌خان که چه‌بکنیم‌و پلتیك دولت از چه ترتیب باشد ...؟پدربزرگوار من وحشتی غریب و نفرتی عجیب از ترتیب اروپا و دخول ترتیب اروپا به خاك ایران و بدربار خودش داشت ...» ولی ناصرالدینشاه یکباره بساط تجدد خواهان و ظل‌السلطان را درهم پیچید .

ظل‌السلطان‌هنگامیکه در اصفهان بود، اعضای فراموشخانه‌را دورخودجمع میکرد ، طبق نامه‌ای که از فرزندش اکبر مسعود صارم‌الدوله[1] دردست است، در اصفهان فراموشخانه وجود نداشته ، اما در اسناد و مدارك باقیمانده ازشاهزاده ظل‌السلطان ، قراین و شواهد مستحکمی که دال برفعالیت فراماسونها دراصفهان باشد ، موجود است ــ که متأسفانه درجریان تدوین کتاب نتوانستیم به‌آن اسناد و مدارك دسترسی پیدا کنیم .

---

۱ ــ شاهزاده صارم‌الدوله در جواب نامه‌ای به‌نگارنده درتاریخ۲ر۱۱ ر ۱۳۳۹ چنین مینویسد : «...آنچه مسلم است در اصفهان فراموشخانه وجود نداشته و البته در مراسلات و نامه‌های باقیمانده مرحوم مغفور شاهزاده ظل‌السلطان جستجو و کاوش خواهم نمود ، چنانچه مدرکی پیدا شد ، با کمال میل برای استفاده جنابعالی در دسترستان خواهم‌گذارد»

سرکیس مارتین تروسکانیان

نخستین سندی که از یك فراماسون قدیمی در اصفهان به دست آمده ، نشانها ، حمایل و پیش‌بند سرکیس تروسکانیان ارمنی است که در سال ۱۲۹۱–ش (۱۹۱۲– م) در جلفا در-گذشته است .

سرکیس در سال ۱۲۳۱ ش (۱۸۵۲– م) در جلفای اصفهان متولد شد ، پس از فراگرفتن زبان وخط ارمنی و تحصیلات مقدماتی به‌هندوستان رفت و درمدرسه ارامنه کلکته تحصیلات خود را باتمام رسانید .

پس از خاتمه تحصیلات درشرکتهای‌کشتیرانی‌شروع بکارکرد وچون‌مهندس برق وماشین بود، سنین‌جوانی عمرخود را بین‌هند و برمه درآمد و شد گذرانید .

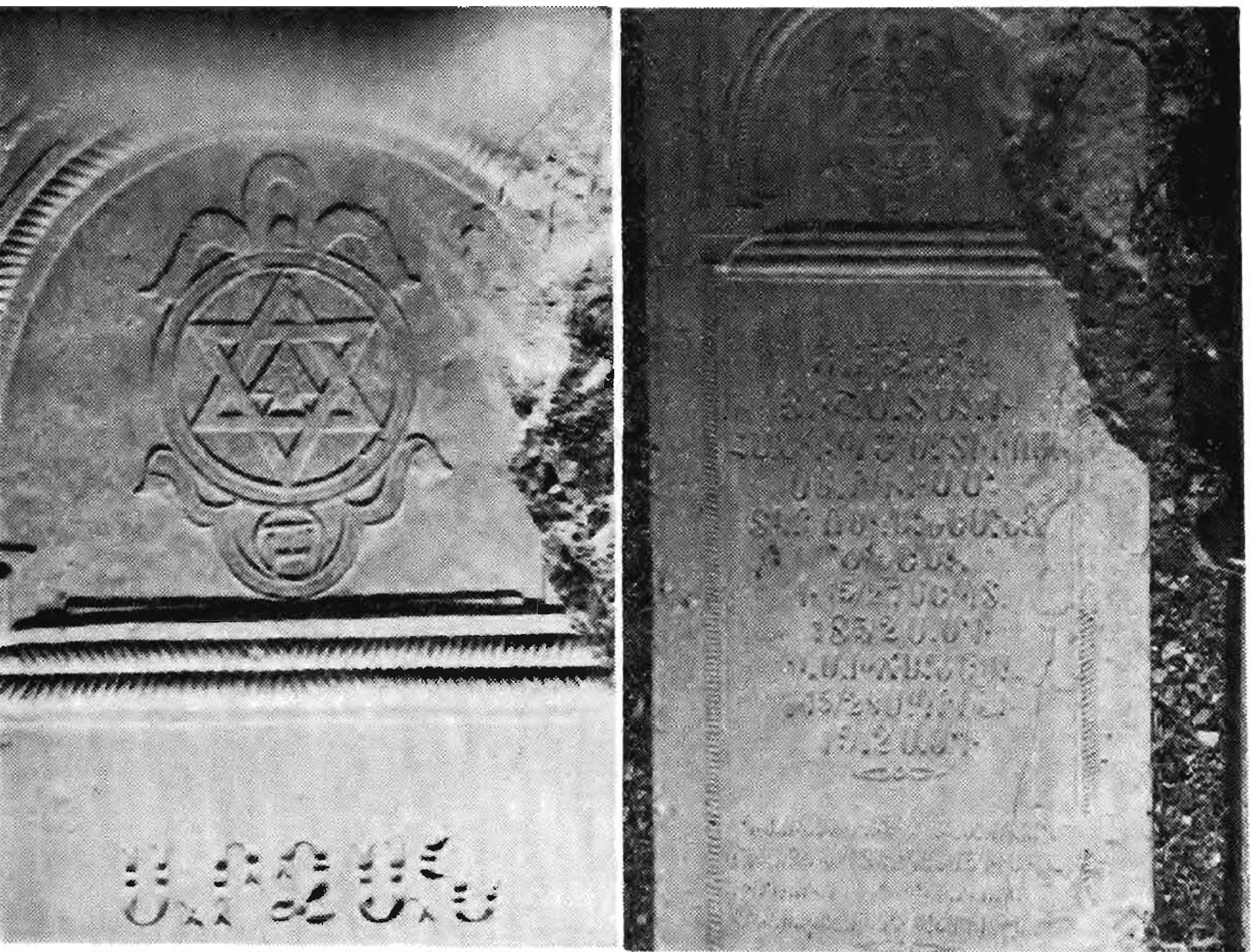
در ۱۵ سال آخر اقامتش در خارج از کشور ، در برمه و رانگون سکونت گزید و سه هتل بزرگ در این مناطق دایرکرده است . در همین وقت بود که وارد مجمع فراماسنهای برمه در شهر رانگون شد و به‌درجه استادی نیز رسید .

دو پیش‌بندی که جزو اثاثیه او بوده و هم اکنون در بایگانی و موزه دکتر کارو میناسیان موجود است ، درجات ماسونی او را مشخص می‌کند .

یك‌پیش‌بند(اپرون)اوکه‌ازپوست‌بره‌سفیداست،دارای نوارهای‌ابریشمی‌پهن برنگ آبی موج دار ، دوقطعهٔ باریك با۱٤ آویزه ابریشمی و طلائی وسه‌گل‌گرد که با گلابتون دوخته شده است می‌باشد .

پیش‌بند دیگر دارای حاشیهٔ بنفش و آبی سیر است که بیك حمایل و دو مثلث طلایی‌رنگ‌که یکی بر روی انتهای حمایل و دیگری روی لبهٔ مثلث شکل پیش‌بند نقش شده ، مزین است .

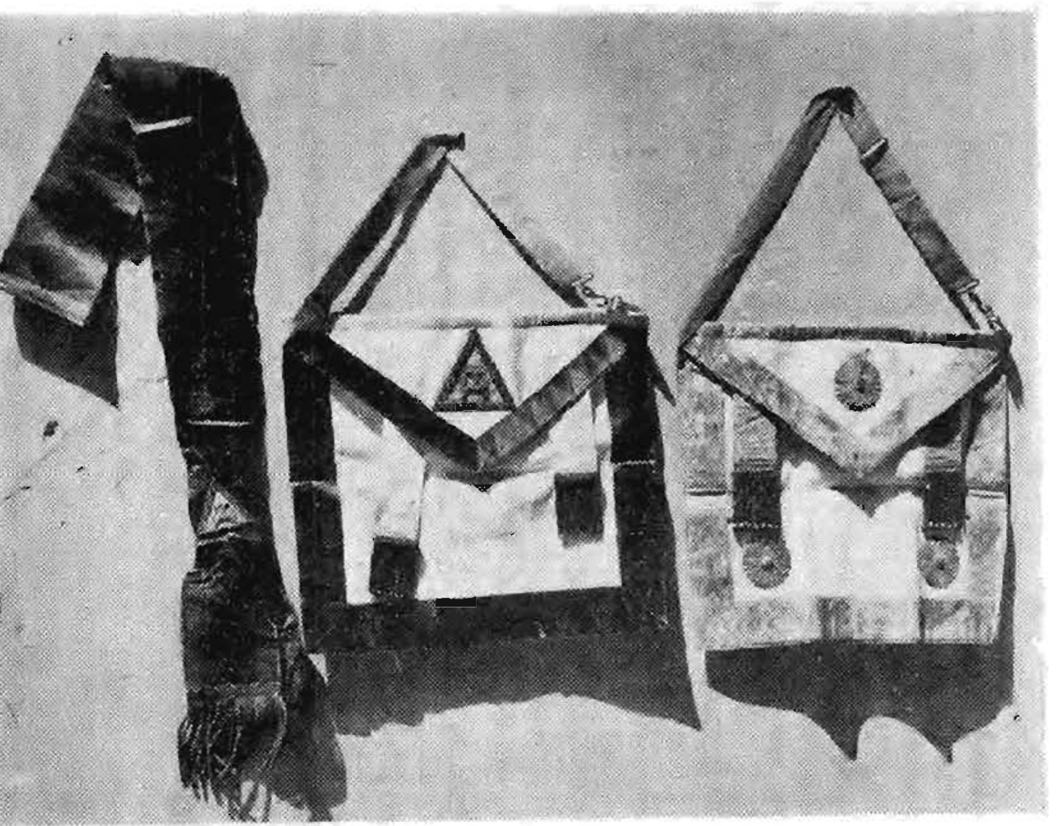
دکتر کارومیناسیان ، روی این دوپیش‌بند یادداشت مختصری‌بزبان‌انگلیسی نوشته و تاریخچهٔ مختصر زندگی سرکیس و طرز بدست آوردن‌آنرا تشریح‌کرده است . علاوه براین ، در خانهٔ او ، دولوحهٔ‌کاشی‌نیز بدست آمده‌که در فصل«اسرار فراماسونی» بتفصیل دربارهٔ آنها سخن گفته‌ایم .



علامت فراماسونری بر روی سنگ قبر تروسکانیان در قبرستان ارامنه در جلفا



سرکیس مارتین ترسکانیان فراماسون ارمنی



پیش‌بندهای شاگردی و استادی ترسکانیان

مارتین سرکیس در سال ۱۲۶۹ ش (۱۸۹۰ ـ م) به ایـران آمد ودرجلفا سکونت گزید . در سال ۱۲۷۰ ـ ش (۱۸۹۱ ـ م) با یك خانوادهٔ بزرگ ارمنی در جلفا وصلت‌کرد که یك پسر نتیجهٔ این وصلت است .

سرکیس درمدت اقامت درجلفا ، اغلب درباره عقاید وفعالیتهای فراماسونی با ارامنه و دوستان مسلمانش صحبت می‌کرد ولی در تحقیقات مفصلی که نگارنده در اصفهان و جلفاکردم ، هیچگونه اثری ازوجود لژی‌که سرکیس درآن عضویت داشته و یا توسط خود او دایر شده باشد بدست نیامد .

بعضی‌ها عقیده دارند : آن لوحه‌های کاشی که در منزل وی بدست آمده ، قبلا دریك‌معبد فراماسونی‌که دراصفهان وجود داشته، نصب بوده‌است واین‌دولوحه را دلیل وجود همان لژ در اصفهان می‌دانند. متخصصین کاشی‌کاری اصفهان پس از دیدن نقش و نگار ، رنگ و جنس لوحه‌های کاشی اظهار عقیده‌کرده‌اندکه‌لوحه‌های مزبور ،سبك کار استادان کاشی‌کار اصفهانی در اواخر دورهٔ فتحعلیشاه‌تااوایل سلطنت مظفرالدینشاه است .

آنچه محقق است آثار و علائم و مدارك دیگری که وجود یك لژ ماسونی را در دوران حیات سرکیس ، در اصفهان ثابت‌کند ، تا کنون بدست نیامده است و تنها یك نشان ماسونی طلا ، از سرکیس باقیمانده که هم اکنون نزد خانم « روزی اسائی [1]» ، یکی از بستگان اوست .

مارتین سرکیس درسال ۱۲۹۱ـ ش (۱۹۱۲ـ م) در جلفا درگذشت واو را در قبرستان ارامنه که در پائین کوه صفه واقع است ،دفن‌کردند .

سنگ قبر او ، بنا به‌وصیتی که در زمان حیاتش کرده ، مشخص است و در روی آن هویتش با علائم ماسونی نقش شده [2] روی سنگ قبر مزبور ، به زبـان ارمنی تاریخ تولد او۲۷ سپتامبر۱۸۵۲ـ (۳مهر۱۲۳۱) وتاریخ فوت او ۲۸ اپریل ۱۹۱۲ (۷اردیبهشت ۱۲۹۱) قید شده‌است .

1- R. Essai

۲ـ عکس‌سنگ قبراو باعلامت ماسنی‌کلیشه شده.

ماسون دیگری که او هم در « برمه » به عضویت لژ

امیرخان بولدی فراماسونی درآمده و در دوران حیات سرکیس می زیسته است «امیرخان بولدی» نام دارد .

امیرخان بولدی از دوستان صمیمی سرکیس بوده و این دو نفر همواره با یکدیگرروابط نزدیك داشته‌اند .

نگارنده از امیرخان بولدی یك دیپلم ماسونی ، با دو پیش‌بند و یك نشان مربوط به شاگردی وی را دیده است ، که در خانواده او ضبط است ولی اجازه عکسبرداری از آنها را ندادند .

سومین ارمنی فراماسون مقیم جلفا که با سرکیس و بولدی رابطه داشته ، میرزا یوسف میرزا یانس نماینده ارامنه در مجلس شورایملی - دردوره‌های‌دوم و سوم است (۱۲۸۸ش -۱۹۱۰- م تا ۱۲۹٤-ش۵ ۱۹۱ م) یوسف‌میرزا یانس که از داشناکهای متعصب ایران بوده در مجلس‌شورای ملی‌بنام یوسفخان میرزایانس در دوره‌ای که نمایندگی داشته ثبت‌نام کرده است .

او پس از ورود دکتر میلسپو امریکائی به‌ایران یکی از معاونین او بود و چون انگلیسی را خوب می‌خوانده ومی‌نوشت (میرزا یانس زبان ارمنی هم خوب می‌دانسته) کتابهای زیر را ترجمه‌کرده است :

۱- دیوان عمر خیام
۲- خلاصهٔ کلیات سعدی
۳- جنگ رستم و سهراب
٤- کتاب شعر لرد بایرن انگلیسی

میرزایانس در سالهای آخر عمر به علت اختلافات داخلی که بـا ارامنه داشناك وکارگردانان این سازمان منظم حزبی پیداکرد ، ازجرگه داشناکهااخراج شد و مدتی نیز با افرادی که عهده‌دار سازمان مرکزی داشناك در تهران بودند ، مبارزه می‌کرد ، ولی هیچگاه نسبت به مرام و هدف حزب داشناك عکس‌العملی نشان نداد .

پسرش «زاون» که نویسنده ارمنی و فارسی است اغلب در جراید تهران و یك روزنامه چپ ارمنی مقالاتی می‌نوشت و یا کتاب و مقالاتی ترجمه می‌کرد .

شیخ الفت پسر آقانجفی اصفهانی

شیخ محمد باقر الفت یکی از ماسونهای قدیمی شهر اصفهان است که سال قبل در قاهره‌وارد لژماسونی«اکوسه» شد . شیخ محمد باقر الفت یکی از شانزده اولاد [1] آقانجفی مجتهد و ملای بانفوذ عهد ناصری و مظفرالدینشاه است ، که در شهر اصفهان دارای نفوذ و قدرت زیادی بود و اغلب با ظل‌السلطان و شاهزادگان قاجار و حکام مستبد اصفهان مبارزه می‌کرد .

شیخ محمد باقر الفت در سال ۱۳۰۱ هـ (۱۸۸۲- م) در شهر اصفهان متولد شده و در سال ۱۲۸۲- ش (۱۹۰۳-م) برای ادامه تحصیلات به بغداد رفت . وی هشت سال در نجف ،کربلا وکاظمین به‌تحصیل اشتغال داشت و در همین‌دوران بودکه با لژ فراماسونی مصر [2] که در عراق تأسیس شده فعالیت می‌کرده است مربوط شده ، وارد این سازمان گردید .

در ملاقاتی که نگارنده روز ۵ امرداد ۱۳۳۹- ش (۱۰ اوت ۱۹۶۰ - م) با شیخ محمد باقر الفت در خانهٔ شخصی‌اش در اصفهان به عمل آورد ، وی درباره عضویتش در مجمع ماسونها گفت :

۱- مرحوم حاج آقا نجفی سه زن گرفته :

۱- ازهمسر اولش‌دوپسر داشته

۲- از همسر دوم که مادر شیخ محمد باقر الفت است ، هشت فرزند دو پسر و شش دختر ... همسر دوم اودرسال ۱۳۱۸قمری فوت میکند

۳- از همسر سوم سه پسر و سه دختر

۲- در صفحه ۱۴۰ کتاب کلیات دستی فراماسونری Petit Manuel de la Franc Maçonnerie در جدول لژهای شرق قید شده که در عراق دوگراند لژ فراماسونی وجود داشته (این کتاب در سال ۱۹۳۳ نوشته شده است)



شیخ‌محمد باقر الفت فرزند آقا نجفی مجتهداصفهانی‌عضو لژهای فراماسونی انگلیس دراصفهان .

« هنگامیکه در عراق مشغول تحصیل بودم ، بتدریج با فراماسونها و افکار و اندیشه‌های آنان ، ایده‌ها و مرام فراماسونی آشنا شدم .

قبل از اینکه ازحقیقت مرام و مسلك ماسونها مطلع شوم ، خیال می‌کردم فراماسونی یکدستگاه تربیت‌ساحران‌وجادوگران‌است...چون‌دراصفهان‌فراماسونها راساحران ورمالان خطرناك می‌دانستند و منهم از کودکی جز این مطالبی درباره آنها نشنیده و یانخوانده بودم. از اینجهت تا روزیکه با اولین ماسون عراقی مواجه شدم ، همواره تصورات کودکی در مغزم بود و ماسونها را که در آنوقت «فراموشخانه‌ای‌ها » می‌گفتند ، ساحر و جادوگر می‌شناختم .

هنگامیکه ۱۲ ساله بودم ، روزی در محضر پدرم صحبت از فراموشخانه شهر اصفهان شد ، گوینده می‌گفت : در خانه‌ای که بدان «فراموشخانه» می‌گویند

فراماسونها جلو الاغ «گوشت» و جلو سگ «کاه» گذاشته‌اند !

فراماسونها با سحر و جادو گوشت را کاه و کاه را گوشت می‌کنند و الاغ را با گوشت سیر و سگ را باکاه زنده نگهمیدارند !

وقتی با ماسونها محشور شدم ، آنها را در لباس ، آئین و آداب دیگر دیدم و دانستم که همه آنها دارای اخلاق حسنه هستند و هدفشان مبارزه با جهل و استبداد است .

من در عراق شاهد فداکاری ماسونها برای رهائی از ظلم و استبداد عثمانیها بودم و به‌تدریج و بدون اینکه بدانم یکبارخود را درآغوش برادران ماسونی‌دیدم.

من‌نمی‌توانم بگویم که‌چرا ؟ چگونه ؟ چه‌وقت و بوسیلهٔ چه کسانی ؟ وارد سازمان فراماسونی‌شدم، ولی‌صریحاً می‌گویم‌که پنجاه سال قبل‌وارد یکی‌از لژهای تابع گراند لژلندن شدم و کلیه کسانی که مرا معرفی کردند ، همه از مردان نیك بودند ویازده‌نفری‌که‌به تقاضای عضویتم رسیدگی‌کردند ، همه به‌اتفاق‌صلاحیت‌مرا مسلم دانستند .

وقتی که برگشتم ،تنها بودم و هنوزهم که هست خود را تنها حس می‌کنم .

هنگامیکه در عراق بودم، یکسال به‌کاظمین رفتم و از آنجا سفری به‌مصر کرده مدتی در قاهره سکونت کردم . در قاهره در لژ «اکوسه» با جرجی زیــدان نویسنده مشهورعرب ملاقات کردم . سه بار که او را دیدم حقاً بدو دلباخته شدم»

شیخ محمد باقر به کتابخانه‌اش رفت و یك کتاب فرانسه را آورده به من نشان داد و گفت :

« چندین سال قبل یکی از فراماسنها که در شهر اصفهان سکونت داشت ، این کتاب را به‌من داد و گفت: «این‌کتاب بطور امانت پیش شما باشد هروقت‌یکی از ماسونها را دیدید ،کتاب را به‌او بدهید ...».

من‌به‌هیچوجه ازاشارات ورموزی‌که در این کتاب نوشته‌شده چیزی‌نفهمیدم شاید شما بتوانید از مطالب آن مطلع شوید و چیزی بفهمید...

کتاب مزبور که درسال ۱۸۶۰ میلادی (۱۲۳۹ ـ ش) ، در پاریس چاپ شده دارای ۲۸٤ صفحه بود . فصولش را اغلب به رمز نوشته بودند و در صفحهٔ آخر کتاب ، درآنجا که یك برگ سفید بکتاب الصاق شده بود ، مطالبی بامداد نگاشته شده و نویسنده‌ای‌که نام خود را ننوشته است (ولی علامت ماسونی خود را به‌رمز نوشته است) ذیل سطور مزبور امضاء کرده است .

در بالای این صفحه کلمه (محمد سعید) وجمله (اصحاب‌کحف) به فارسی نوشته شده .

بنظر می‌رسید که محمد سعیدکسی بوده‌که مرحوم شیخ‌محمدباقر الفت را وارد لژ ماسونی کرده است و نام لژی که درآن عضویت داشته (اصحاب کحف) می‌باشد .

او گفت : این کتاب از جمله ۱۰۰۰ جلد کتابی است که در سال ۱۳۳۵ ـ ش (۱۹٥٦ـم) درزمان حیات خودم وقف مردم‌اصفهان‌کرده‌ام[1] ودر وصیت‌نامه‌ای‌که نوشته‌ام از معارف یا شهرداری اصفهان خواسته‌ام که کتابها را در کتابخانهٔ عمومی نگهداری کرده و در دسترس‌همه بگذارند . وقتی از او خواستم تا کتاب مذکور را برای مطالعه در اختیارم بگذارد ، گفت بعلت تعهد اخلاقی که دارم ، نمی‌توانم این‌کتاب ویافرامین ، علائم، البسه و نشانهای ماسونی خودرا بشما نشان بدهم ،ولی اجازه دادکه مشخصات‌کتاب مزبوررا یادداشت‌کنم[2].

آقای الفت‌پس‌از ورودبه‌ایران ، مدتی به‌اتفاق‌محمدسنجری مجله«آفتاب»

---

۱ ـ آقای الفت هم اکنون ٤۰۰۰ جلد کتاب دارد که ۱۰۰۰ جلد فارسی ، عربی و فرانسه آنرا وقف کرده در بین‌کتب وقفی چندین کتاب خطی با ارزشی وجود دارد .

۲ ـ مشخصات کتاب مزبور به شرح زیر است :

Le pantheon Maconnique
Instrugtion Generale pour tous lesrites par
Lef .˙. Jacques _ etienne Maeconis on sabonne a paris
Chez Lef .˙. asehederman Administ rateur
12 ' Rue de Mdntmoreney ' 1860

را منتشر میکرده ودر اصفهان نیز در جراید محل مقالاتی ترجمه‌کرده ویاشخصاً می‌نوشته است .

هنگامیکه مرحوم‌داور وزیر عدلیه شد ، او را بخدمت وزارت عدلیه‌دعوت کرد وی مدتی‌قاضی دیوان‌کشور شد، ولی بعلت مشاهده‌بعضی‌خلاف‌کاریها ،مستعفی شده ، به‌اصفهان برگشت و بقیهٔ ایام عمررا با استفاده ازدرآمد املاك ومستغلات و حق‌الارث پدرش زندگی می‌کند .

اکنون سالهاست گوشه‌گیری اختیار کرده ، باهیچکس معاشر نیست و به طوری که می‌گفت ، چندین بار یادداشتهای دوران زندگیش را نوشته و پاره کرده است .

او درسن ۸۰ سالگی دارای‌هوش فوق‌العاده‌ای است ،چشمانش خوب‌می‌بیند، مرتباً کتاب وروزنامه می‌خواند وگوشهایش شنوائی‌کامل دارد .

وقتی اطلاع یافت که نگارنده برای اطلاع از تاریخچهٔ زندگانی و جریان ورودش به‌لژ فراماسونی بدیدنش رفته‌ام بادست راستش علامتی داده ودر حالی که دستش را کاملا باز کرده بود ، بزیر گلویش برد و موقع خداحافظی و دست دادن هم سه بار علامتی داد . گرچه نگارنده متوجه علائم اوشدم ،ولی چون فراماسون نبودم و معنی آن علائم را نمی‌دانستم نخواستم بدروغ خـودم را به‌اومعرفی کنم، از اینجهت دربارهٔ علائم مزبور هیچ سئوالی مطرح نشد .

شیخ الفت در بارهٔ ملکم‌خان ولژی که در اصفهان تأسیس کرده‌بودگفت :

« محققاً ملکم‌خان‌عضولژاکوسه بودموعلت ورودظل‌السلطان به‌فراموشخانه ملکم ، حفظ مقام ومنصبش در ایران وجمع‌آوری وحفاظت دارائی و ثروتش‌بوده است » دربارهٔ فراماسونهائی که در اصفهان دیده بود گفت :

«چهل وپنجسال قبل با شیخ‌الملك‌کرمانی‌رئیس عدلیه اصفهان که ازاساتید لژ فراماسونی بود آشنا شدم . او شرح حال و مشخصات لژش را بمن گفت ومادام

که در اصفهان بود مرتباً با او معاشرت کرده ، در تماس بودم .

فراماسون دیگری‌که شناختم ، یکی ازشاهزادگان قاجاررئیس تلگرافخانه اصفهان بود [این شخص شاهزاده محمد رضا میرزا] است که مردم از او دوری می‌کردند ومی‌گفتند او(فراموشخانه) است .» او کمتر حرف می‌زد ، مردی ساکت وآرام وبی‌آزار ونیك‌نفس بود .

یکی دیگر از قدیمی ترین فراماسونهای ایرانی ،

حاج‌محمد باقر اصفهانی حاج‌محمد باقراصفهانی است ،که درلژ «Deutseher Bund» نمره ۸۱۹ انگلستان عضویت داشت . او که فرزند حاج‌عبدالعلی اصفهانی است ، در نوامبر ۱۸۶۸ عضویتش در لژ مذکور که وابسته به گراند لژانگلستان است پذیرفته شد و در بیست وششم ژانویه سال بعد ، دیپلم ماسونی او صادر گردید . در دیپلم ماسونی شمارهٔ ۲۸۱۷ لژ نامبرده خطاب به همه ماسون‌های جهان نوشته شده است :

« استادان و معماران این لژ گواهی می‌کنند که برادر حاجی محمد باقر ، که در ذیل این دیپلم امضای او دیده می‌شود ، با طی قواعد ماسونی بعضویت این لژ درآمده است . او در نوامبر ۵۸۶۸ [سال یهودی] بعضویت در آمده و در ۲۶ ژانویه ۵۸۶۹ با درجهٔ سوم دراین لژ قبول شده و عضویت او در دفتر گراند لژ انگلند به ثبت رسیده است.(اصل دیپلم دراختیار مصطفی اصفهانی کارمندوزارت پست وتلگراف و نوهٔ حاج محمد باقر اصفهانی است)

حاجی‌محمد باقرهنگام اقامت در اسلامبول با سید جمال‌الدین‌اسدآبادی، میرزا ملکم خان ، شیخ‌محسن‌خان و میرزا حسین خان تماس داشته و در لژهائی که اینان عضو بودند ، آمد وشد می‌کرده است . وی مسافرت‌هائی بـه فرانسه و انگلستان کـرده و در این سفرها مورد مراجعه عده‌ای از ایرانیان بوده است . هنگام اقامت‌در اسلامبول خانه‌وحجره او محل دیدوبازدیدهای سیاسی‌واجتماعی ترك و خارجیان بوده و در تحریك ایرانیان به قیام علیه رژیم استبدادی سلاطین



دیپلم استاداعظم فراماسونی حاج محمدباقر اصفهانی صادره‌ازانگلستان

قاجار ، نقش اساسی داشته است .

با اینکه حاج محمد باقر ، اصفهانی بود ، خانه‌ای بزرگ نیز در رضائیه داشته وافراد خانواده‌اوو پدرش‌همگی ساکن‌آذربایجان بودند . از حاج‌عبدالعلی چهار فرزند ذکور باقی مانده است که با خانواده‌های مختلف وصلت کرده ویا نام خانوادگی‌های گوناگون برخود نهاده‌اند ، که از آن جمله این افراد را می‌توان نام برد: شریف‌العلماء ـ غفوری‌تبریزی ـ هشترودی ـ علی بیگ ـ سپهبدکوششی سرهنگ آلپ ـ ناصرالایاله و بالاخره‌میرزا عباس اصفهانی که پسری به نام « مصطفی اصفهانی » دارد که نام خانوادگی جد خود را حفظ کرده‌اند . خانه این خانواده‌در حوادث و آشوب های مختلف در رضائیه غارت وطعمهٔ حریق شد و در یکی ازاین‌آتش‌سوزیها ، اسناد و مدارك و کتب و یادداشتهای حاج عبدالعلی اصفهانی و پسران او ، تبدیل به خاکستر شده واز میان رفته است .

لژ فراماسونی درخراسان

تأسیس لژ فراماسونی در خراسان یکی از هدفهای مهم سازمان ماسونی ایران بود ، ولی تاچه اندازه دراینراه موفقیت‌نصیب لژمزبور شده باشد؟نکته‌ایست‌که فقط‌دسترسی به‌اسناد لژها می‌تواند حقیقت این‌هدف را آشکارکند .

در فاصلهٔ سالهای ۱۳۱۰ ـ ۱۳۲۳ هجری قمری (۱۸۹۲ ـ ۱۹۰۵ ـ م ـ ۱۲۷۱ ـ ۱۲۸۳ ـ ش) لژ فراماسونی ایران در صدد ایجاد شعبه‌ای در خراسان برآمد .

محقق‌محترم‌ابوالفضل‌قاسمی‌تأسیس‌لژماسونی‌درخراسان‌راباسوءِظن‌فراوان تلقی کرده ، آنرا نتیجهٔ سیاست عمومی انگلستان دراین ناحیه میداند .

اوکه خراسان را « شمشیر ایران » و « سپر بلای هندوستان » میداند ، بین تأسیس لژ ماسونی درخراسان وسازمان‌اینتلیجنس‌سرویس وسیاست نایب السلطنه هندارتباطی قائل شده است .

نویسنده‌کتاب«حکومت خانواده‌هادرایران» مینویسد[1] :

---

۱ ـ صفحه ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ جلد سوم خانوادهٔ قوام‌السلطنه .

«... بـر یـکادیر جان ملکم، اولین فرستاده مطلع انـگلستان درزمان‌فتحعلی شاه به‌ایران که گزارشات و مطالعات عمیق او، شالودهٔ سیاست‌استعماری انـگلستان را در ایران پایه‌می‌گذارد. درکتاب‌تاریخ وراپورت سیاسی خود خراسان‌راشمشیر ایران یعنی نـگهبان استقلال و آزادی ایران معرفی مینماید .

چه‌آنروز زادگاه نادر وفردوسی و ابومسلم ،مرکز بیداری و هشیاری‌ایران بشمار رفته ، ترمومتر وطن‌پرستی در خراسان بیشتر از همه‌جا صعودکرده‌بود.

گزارشات و یادداشتهای مأمورین سیاسی خارجی که در موقع از آنها یـاد میشود این مطلب را تأیید می‌کند .

طبق گزارش سرجان ملکم و نظر کمپانی شرق ، برای بلع صیدهای‌شکارگاه هند و ایران وافغان باید ایران خلع سلاح شده ، یعنی خراسان شمشیر ایران‌از دست ایرانی گرفته شود و یا لااقل از کار افتد ، تاملت ایران در هنـگام دفاع و مبارزه سلاحی در دست نداشته باشد ، که با دزدان دریائی پیکار نماید .

گویا لردجرج کرزن ، نایب‌السلطنه هندوستان در مسافرت سیاسی خوددر اواخر سلطنت ناصرالدینشاه بخراسان ، دستورات وگزارشات جدیدی دراین باره بسازمان نوبنیادا ینتلیجنس‌سرویس میدهند . از این جهت فعالیت جدیدی برای تکمیل نقشهٔ استعمار و عقب ماندگی درخراسان شروع میشود ...[۱]» مأمورتشکیل لژ ماسونی در خراسان میرزا محمد قوام‌الدوله بود که عامل شکست جنـگ مرو و یـکی از بنیادگزاران اولیه فراماسون درایران است .

قوام‌الدوله درزمان صدارت عبدالمجید میرزا عین‌الدوله مأمورتشکیل لژ ماسونی‌خراسان شد . اونخست با شاهزاده شعاع‌السلطنه پسر مظفرالدینشاه تماس گرفت ، و با او دربارهٔ تأسیس لژ ماسونی در خراسان مذاکره کرد . قوام‌الدوله به اوپیشنهاد نمودکه ضمن پذیرفتن‌والیـگری خراسان‌لژ فراماسونی رادرخراسان تشکیل دهد .

۱ ـ حکومت خانواده‌ها جلد دوم ص ۱۳۸ ـ بقلم ، احمد قاسمی.

شاهزاده شعاع‌السلطنه روز ۲۰ فوریه ۱۹۰۶ (۱٦محرم ۱۳۲٦ ه ۳۰ بهمن ۱۲۸٦ ـ ش) در تقویم روزانه‌ای‌که داشته چنین مینویسد[1] :

«امروز نایب‌السلطنه در میدان توپخانه جلوس‌کرد . صاحبمنصبان به‌تبریك آمده‌بودند . می‌بینم که عنقریب شاه وصدراعظم (عین‌الدوله عبدالمجید میرزا) از این کار جاهلانه خودشان پشیمان خواهند شد .

صبح حسین‌آقا [منظور از حسین‌آقا ـ حسین‌آقا امین‌الضرب دوم است] آمده ، اصرار می‌کرد که من حکومت خراسان را قبول کنم .

بعد شرح مشروحی در باب برقراری‌لژ فراماسونی گفتگو کردم وهمچنین بعد از ظهر قوام‌الدوله‌آمد ، اونیز دراین باب مذاکره کرد » .

شاهزاده شعاع‌السلطنه به‌آنهاجواب‌میدهدکه‌روز بعد جلسه‌مخفی‌فراماسونی را در خانه‌اش تشکیل دهند ، تا دراین باره گفتگو ومذاکره شود.

مدتی لژ فراماسونی در خانهٔ او تشکیل میشد و پیشکار دیوانش لطفعلیخان اعتضاد دیوان که مورد اعتمادش بود ، مأموریت داشت که محفل فراماسونی را که در قسمتی از باغش واقع شده بود ، نگهداری واداره‌کند .

روز بعد ، پس از مذاکره با رؤسای لژ فراماسونی وکسان دیگری‌که‌مأمور مذاکره‌با او بودند ،در یادداشتهایش چنین می‌نویسد : «در ۲٦ ذیحجه ۱۳۲۳ و۲۱ فوریه ۱۹۰٦ باحاجی حسین‌آقا وقوام‌الدوله [منظورمیرزا محمدخان‌قوام‌الدوله است . به شکرالله خان که بعداً لقب قوام‌الدوله گرفت] در باب برقراری لـژ صحبت کردم.

حاجی حسین‌آقا باطناً طرفدار امین‌السلطان است . عین‌الدوله هم بدرفتار است و هم بدبخت اگر بغلط درحق‌کسی هم نیکی بکند ، آنکس ممنون نمی‌شود. حاجی مرا ترغیب بـه حکومت خراسان می‌کرد ، به کلی آب پاکی روی دستش ریختم » .

---

۱ ـ روزنامه نوبهار شمارهٔ ۸۸صفحهٔ ٤سلسله مقالات‌اسناد تاریخی قسمت ۸سال۱۳۲۵

با اینکه شاهزاده شعاع‌السلطنه مأموریت برقراری لژ را نپذیرفت ،معذلك طبق دستور لژقرار شد ، کارهای لژخراسان زیر نظر او انجام شود اودریادداشتهای روز ۱۴صفر۱۳۲٤(۹آپریل ۱۹۰٦) چنین مینویسد :

« اتابك اعظم از دیروز تابحال در مبارك آباد است ـ شهرت استعفای وزیر مخصوص همه‌جا پراست .

بعد ازظهر بباغ رفتیم ، قوام‌الدوله ، حاج حسین‌آقا ، حاج سیاح آمدند مذاکرات کرده ، قرار لژ را بخانه مسیو «یپرم» دادیم ، . . . انتظام خیانتکار است هرچه می‌شود به ظهیرالدوله می‌گوید.» ملك‌الشعراء اضافه می‌کند.:

«باید دانست انتظام‌السلطنه وظهیرالدوله‌نیز هر دو عضو فراماسون هستند. بعدهاهم بریاست لژفراماسونی درتهران رسیدند . اگراختلافی‌بین‌آنهادیده می‌ـ شود این‌اختلاف داخلی بوده است ... [1]»

از اینجا به‌بعد شعاع‌السلطنه هیچگونه اشاره‌ای به (لژخراسان) نمی‌کند، ولی از یادداشتهای محمود عرفان چنین برمی‌آید که صدرالعلماءِ خراسانی از رؤسای سازمان فراماسونی در استان خراسان می‌شود . فراماسون دیگری که در خراسان فعالیت می‌کرد ، قوام‌الدوله بود . ابوالفضل قاسمی نویسنده حکومت خانواده‌ها در بارهٔ او می‌نویسد: [2]«... قوام‌الدوله که از عمال سرشناس و معروف انگلستان در ایران بود ، مأمور تشکیل لژ فراماسون در خراسان می‌شود . . . قوام‌الدوله در زمان صدارت عبدالمجید میرزا عین‌الدوله به‌این مأموریت مشغول می‌شود . ..

بدینوسیله اولین خشت بنای یك‌کانون فساد واتریك راکه پنجاه سال‌است طراح نقشه‌های خطرناك و بلواهای مصنوعی در خراسان می‌باشد ، می‌گذارد .

الان هم این آشیانه فساد در خراسان بسته نشده ، چند نفر از طرف

۱ـ روزنامهٔ دمکرات‌ایران .

۲ـ صفحه ۱٤۱ و ۱٤۲ جلد سوم خانواده قوام‌السلطنه از سلسله انتشارات حکومت خانواده‌ها.

فراماسونری خراسان بعنوان رابط بین لژ فراماسون خراسان و تهران شده به سابوتاژ و تخریب مشغول هستند ...»

فراماسنهای بوشهر در بوشهر ، هیچگونه آثاری از تشکیل لژهای فراماسونی وجود ندارد ، ولی آنچه محقق است ، وجود عده‌ای از فراماسون‌ها در این‌شهر است .

بندر بوشهر ، چون در شاهراه جنوبی ایران واقعشده ، از اوایل قرن هیجدهم تا نیمه اول قرن بیستم ، همواره محل عبورسپاهیان انگلیسی،بازرگانان و مال‌التجاره‌های خارجی وبالعکس بوده است.

علاوه براین وجود ژنرال‌کنسولگری انگلیس وسکونت نماینده حکومت هند ووزارت خارجه انگلیس دربوشهر (که عربها اورا«رئیس‌الخلیج» وانگلیسها اورا « Poltical Resident in the Persian Gulf » می‌نامیدند) باعث شده بود که اکثراوقات دراین شهرفراماسونهای نظامی و دیپلمات وگاهی نیز بازرگان به‌فعالیت بپردازند. بطوریکه شنیده شد، در دوران اشغال بوشهر بوسیلهٔ قوای انگلیس ، که بین سالهای (۱۹۱٤- ۱۹۱۸) رویداد ، یك لژ نظامی فراماسونری که مرکز آن در (دستك[1]) بوده ، وجود داشته است .

قوای انگلیس هنگام اشغال بوشهر ، این ده را مرکزفرماندهی و سپاهیان خود قرارداده‌وتأسیسات‌عظیمی،منجمله،کارخانه تصفیه‌آب‌وخانه‌های‌بزرگ سنگی سه‌طبقه و آسایشگاههای تخته‌ای موقتی بنا کردند.دریکی ازهمین ساختمانهاکه بعدها دراختیار تلگرافخانه هند و اروپ گذارده شد ، و در این بندروده‌کوچك، لژی وابسته به‌لژ فراماسونری بمبئی تشکیل شده بود که در آن افسران قوای انگلیسی و دیپلماتهای عضو ژنرال‌کنسولگری انگلیسی دربوشهر عضویت‌داشتند وپس از خروج قوای انگلیسی از بوشهر و جنوب ایران ، این لژنیزتعطیل‌شد.

۱- دستك نام دهی است که خلیج طبیعی کوچکی دارد و در ١٤ کیلومتری بوشهر واقع‌است. در کنار این ده قلعه معروف (ریشهر) که عربهاآنرا (زیضهر) می‌گفتند و تا حمله اعراب بهسواحل خلیج فارس معمور و آباد و محل تمرکز نیرو بوده، قرار دارد.

از نام این لژ و سایر مشخصات و تاریخ تأسیس و انحلال آن هیچگونه سند ومدرکی بدست‌نیامد، ولی نگارنده مرکز این لژ را در دستك وساختمان‌های موجود در ده (بهمن فعلی) مشاهده کردم .

از جمله فراماسونهای معروف انگلیسی مقیم بوشهر که مقام استادی‌داشت و دیپلم او از « اتحادیه گراند لژ انگلستان » صادر شده‌بود ،«آلفردجان‌گاردنر[1]» کنسولیار انگلیس در بوشهر است . این شخص‌از سال ۱۳۰۲ ش ـ (۱۹۲۳ ـ م) تا ۱۳۰۵ـ (۱۹۲۶ ـ م)دربوشهرکنسولیارکنسول وحتی ژنرال‌کنسول شده ، چند سال نیز در شیراز و اهوازهمین سمت راداشت.او علناً به فراماسون بودن‌تظاهر کرده در جشنها و سلامهای‌رسمی‌علائم‌ماسونی‌خودرا بکار می‌بردو با فراماسونهای شیراز و تهران ارتباط داشت .

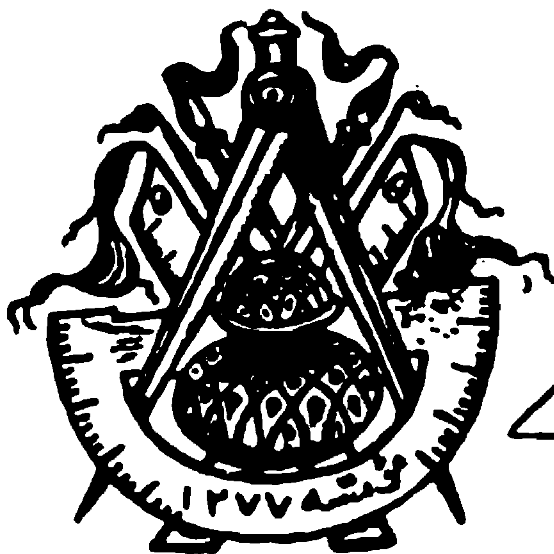
فراماسون دیگری‌که عضویکی‌از لژهای‌ماسونی هندبود«اسکات»تلگرافچی تلگرافخانه‌هند واروپ‌دربوشهر بود . اونیز اغلب لباس ونشان مخصوص‌ماسونهای هند را می‌پوشید وپس ازاینکه در سال ۱۳۱٦ ـ (۱۹۳۷ ـ م) دربوشهرفوت‌کرد ، نگارنده شخصاً دیپلم ، نشانها و اسناد ماسونی او را دیدم این‌اسناد درسال۱۳۱٦ ـ (۱۹۳۷ ـ م) برای خانواده او فرستاده شد .

از جمله ایرانیانی که دربوشهرمعروف به فراماسونی بودند ، مرحوم شیخ محمد تقی فیلسوف شادروان را باید نام برد .

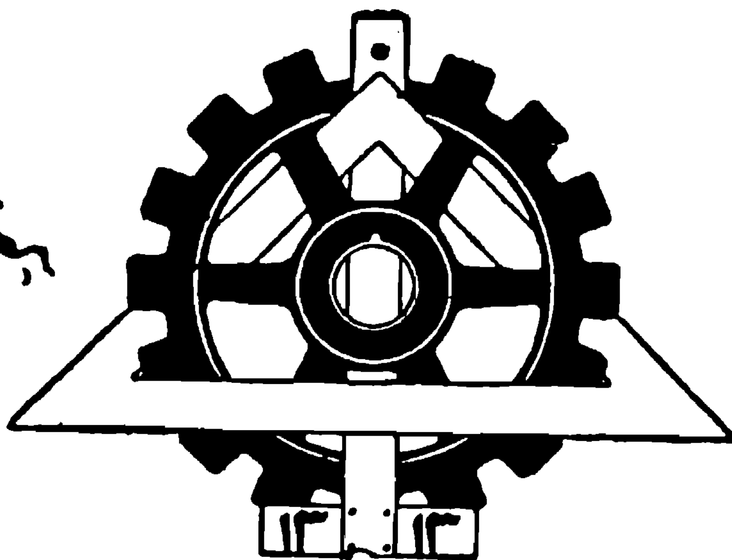
وی سالهامدیرمدرسه‌متوسطهٔ سعادت دربوشهربود و چون مردی‌دانشمند، معارف پرور و علاقمند به حرفهٔ مقدس تعلیم و تربیت بود ، مورد حسدهمکارانش واقع شده ، در اثر سعایت وکارشکنی از بوشهر اخراج‌شد وبه‌شیراز رفت.

فیلسوف از روزی‌که وارد بوشهر شد ، علامت مخصوص (عیناً گـراورشده است) که درآن پرگار، نقاله ، گونیا ، دوخط‌کش ودوقلم به چشم می‌خورد،بعنوان

1– Alfred John Gardner



آرم مدرسه سعادت بوشهر



آرم دانشکده فنی دانشگاه تهران

« نشان مخصوص مدرسه » بکار برده ، در روی تابلو در ورودی مـدرسه سعادت[1] ،

۱ ـ مدرسهٔ سعادت بوشهر در سال ۱۳۱۷ق (۱۲۷۸ ش ـ ۱۸۹۹ م)درزمان حکمرانی مرحوم‌احمدخان دریابیگی که بتدریج منصب میرپنجی و امیر تومانی گـرفت تأسیس شد. مرحوم دریابیگی که خود از شاگردان مدرسهٔ دارالفنون تهران ودر رشتهٔ مهندسی و فن نظام فارغ‌التحصیل شده بود هنگام تأسیس مدرسه از انجمن معارف که در تهران‌تأسیس شده بود، کمك خواست و انجمن معارف بدستور وزیر علوم مرحوم شیخ محمدحسین سعادت‌را بمدیریت مدرسه منصوب کرد.

از مدرسه مزبور درسال اول استقبالی نشد ، ولی سال بعد ۳۵۰ محصل داشت وبتدریج ساختمانی برای مدرسه ساخته شد. پس از عزل دریابیگی و انتصاب رضاقلیخان سالار معظم‌که بعدها نظام السلطنه شد تا اندازه‌ای‌درکار مدرسه وقفه حاصل شد وحتی صحبت انحلال مدرسه پیش‌آمد ، ولی در همین موقع گمرك درتحت اداره بلژیکیها درآمد و مسیو سمیم بلژیکی موافقت کرد که ازصدور هرعدل کالائیم‌شاهی وورود یك شاهی برای اداره مدرسه وصول شود و بمصرف امور مدرسه برسد . این درآمد ثابت وضع مدرسه را مثبت کرد و خود اهالی شهر نیز کمیته‌ای برای اداره مدرسه بوجودآوردند . مدرسه سعادت چندین مدرسه در بندرعباس، لنگه ، بحرین ، خرمـهر ، اهواز وکاظمین تأسیس کرد . (نقل ازسالنامهٔ فرهنگ جنوب)

علامـت فراماسونی دیگری نیزکه دریك مؤسسه فرهنگی ایران بکار برده شده در «آرم» دانشکده فنی وابسته بدانشگاه است .

در علامت مخصوص دانشکده فنی یك چرخ دندانه‌دار باخط کش،رسم ویك گونیاست که وسیلهٔ مهندس فروغی (فرزندمرحوم ذکاءالملك فروغی که‌از رؤسای‌فراماسون ایران وازمؤسسین لژ بیداری ایران است)بکار برده شده که‌بنظر مطلعین‌باید به‌منظورخاصی‌تنظیم‌گردیده باشد .

تصدیق و کارنامهٔ کلاسهای مدرسه ، کاغذ مارك‌دار وحتی روی پاکات مدرسه‌که‌جمله «مدرسه مبارکهٔسعادت» را داشت ، این‌علامت رابکار میبرد .

مرحوم فیلسوف هیچگاه تظاهر به ماسون بودن خود نمی‌کرد ومعلوم نشد که وی در ایران ویا کدام کشور خارجی به عضویت لژ ماسونی درآمده ، ولی‌بظن قوی باید او در فرانسه و یابلژیك وارد سازمان‌های ماسونی شده باشد .

زیرا بطوریکه سابقه نشان میدهد واسناد ومدارك موجود نیز ثابت‌می‌کند، عدهٔ زیادی از ایرانیان هنگام مسافرت باین دوکشور واردلژهای ماسونی‌شده‌اند. بخصوص که مرحوم فیلسوف تحصیلات خود را در کشور فرانسه بپایان رسانیده و سفرهائی نیز به هلند، بلژیك وسایر کشورهای اروپائی‌کرده‌بود .

مرحوم فیلسوف را حقاً بایستی زنده کننده وبسط دهنده فرهنگ و علوم جدید در بوشهر دانست زیرا در دوران ریاست مدرسه آنمرحوم ، برای اولین‌بار آزمایشگاههای متعدد شیمی ، موزهٔ طبیعی وجانورشناسی تأسیس شده ودردورانی که‌در هیچیك از مدارس‌ایران برنامه‌های‌آموزش حرفه‌ای وجودنداشت دربوشهر شاگردان مدارس‌اکثراً مجبور به‌فراگرفتن‌کارهای‌حرفه‌ای وحتی‌ساختن‌لوازم‌اولیه زندگی ولوازم تحصیلی بودند ، ساختن‌واکس‌کفش، مرکب ،گچ‌تابلو، میز وصندلی و تخته سیاه اکثربدست محصلین‌وبه راهنمائی‌آنمرحوم وسایر معلمین‌علوم جدید انجام میشد .

مرحوم فیلسوف باآزادیخواهان بوشهر ودشتستان و تنگستان‌که عموماً به نام «احرار» خوانده میشدند ، همکاری صمیمانه داشت و در انجمنهای مخفی نیز شرکت می‌کرد .

علامت مزبور تا سال ۱۳۱۳ ش ـ (١٩٣٤ ـ م) که مدرسهٔ مزبور دولتی‌شد، همچنان در بالای اسناد رسمی، تصدیقها و تابلو مدرسه‌باقی بود و بتدریج منسوخ شد وازبین رفت .

لیوملکم
فراماسون گمنام

یکی دیگر از فراماسونهائی که پنجاه سال در بوشهر اقامت دائمی داشت هاراطون لیو ملکم بازرگان و نمایندهٔ کشتیرانی « استریك » انگلیس در بوشهر بود .

او در سال ۱۲۷۵ ش (۱۸۹۶-م) در لندن در «گراند لژ لندن» به عضویت لژ ماسونی این شهر در آمده ، تا درجه استادی ترقی‌کرد . فرمان فراماسونی او که در منزلش بود تاریخ صدور دیپلمش را ٤ فوریه ۱۹۰۵ (۱۵ اسفند ۱۲۸۳ ش) و رتبهٔ ماسونی او را «استاد» قیدکرده است .

لیو ملکم تا پایان عمرش با مرکز فراماسونی ارتباط داشت و دو بار که به انگلستان مسافرت کرد ، بنابه‌اظهار خودش در جلسات لژ مزبور شرکت می‌کرده است .

هنگامیکه آلفرد جان گاردنر کنسولیار انگلیس در بوشهر بود ، با او همدم بود و معاشرت داشت و چون هر دو آنها عضو یك لژ بودند بیشتر اوقات بیکاری را باهم می‌گذرانیدند و این تنها اقدام او در مدت اقامتش دربوشهر بود .

مادرهاراطون لیو ملکم اصفهانی و پدرش انگلیسی بود که در زمان‌سلطنت محمدشاه قاجار به‌ایران آمده ، و در اصفهان ازدواج کرده بودند . هاراطون در لندن متولد شده و تحصیلات مقدماتی وعالیه را دراین شهرگذرانیده و ازدانشگاه کمبریج در رشته پزشکی فارغ‌التحصیل شده پس‌ازگذرانیدن‌تزدکترای‌خودگرچه در رشته جراحی متخصص شده بود ، ولی از جراحی بیزار بود و بهمین سبب هم رشته پزشکی را ترك‌کرد ، باگرفتن نمایندگی کشتیرانی شرکت استریك به‌بوشهر آمد و مدت پنجاه سال در این شهر اقامت کرد .

او در انگلستان ازدواج کرده و از ثمره این ازدواج دو پسر و یك دختر داشت که هرسه درانگلستان اقامت کردند .

وی با اینکه تبعه دولت ایران بود و شناسنامه ایرانی داشت معذلك تـا

پایان عمر گذرنامه انگلیسی‌هم داشت .

هاراطون لیو ملکم تا پایان عمر زندگی آرام و یکنواختی داشت ،درخرج کردن خیلی ممسك بود ، ولی در کلیهٔ کارهای خیریه و کمك به فقرا و بینوایان شرکت می‌کرد .

در مدت چهل‌سال آخر عمرش ، بپدرم اجازه داده بود که در هر مجلس و محفل دولتی وملی اگر برای‌کارهای خیریه‌کمکهای نقدی وجنسی برای‌بینوایان بخواهند بدون تظاهر و بدون اینکه اسم اورا ببرد ، هرمبلغی که لازم است تعهد نماید . وهمین‌کار را تاپایان عمر انجام می‌داد.اوهمیشه می‌گفت مسلك‌فراماسونی مرا مجبور می‌کند تا به کمك مستمندان بشتابم . لیو ملکم کـه در سال ۱۸٦۱ م [۱۲٤۰ ش] متولد شده بود در سال۱۹٤۸-۱۳۲٦ش در بوشهر فوت کرد .



ضمائم

۱ـ اسامی‌اعضاء لژ بیداری ایران
۲ـ منظومه‌آلین فراماسونری ادیب ـ
الممالک فراهانی
۳ـ ترجمه قانون اساسی گراند اوریان
فرانسه بوسیله لژ بیداری ایران
۴ـ معرفی۱۸۶۹ کتاب فراماسونری

ضمیمه اول

پس از اینکه چاپ فصل پانزدهم کتاب حاضر در بارهٔ « لژ بیداری ایران » بپایان رسید ، یکی از افراد یك خانوادهٔ قدیمی آذربایجانی که مقداری از کتب مرحوم ابراهیم حکیمی «حکیم‌الملك» را خریداری کرده بود ، کتابچه‌ای را در اختیار نگارنده گذاشت، که تصورمی‌رود این‌کتابچه‌قبلا در پروندهٔفراماسونری « حکیم‌الملك » بوده است .-این‌کتابچه ، دفترچهٔ بغلی‌خط‌داری است که مرحوم حکیم‌الملك با بریدن گوشهٔ راست‌آن و نوشتن سی‌ودو حرف الفباء درکنارهریك از صفحات ، آنرابصورت راهنمای یکصد وبیست عضو لژبیداری ایران به ترتیب حروف الفبا درآورده است .

مطالب کتابچه ازحرف «الف» تا «ج» ، به‌خط ناشناسی است که نه مرحوم حکیمی توضیحی در بارهٔ نویسنده این صفحات داده و نه مالك آن اطلاعی ازخط نویسنده دارد. ازحرف (ح) به بعد ، اسامی همه به خط مرحوم حکیمی است .

با اینکه درفصل پانزدهم ازاسامی ژلاتین شده ، پرونده فراماسونری‌حکیم‌الملك استفاده شده و با تلفیق اسامی ثبت شده درآخر منظومه فراماسونی‌ادیب‌الممالك متعلق به مرحوم اشراق ، لیست مستقلی عرضه شده است ، با اینحال دراینجالازم دیدیم که عین‌اسامی کتابچه مذکور را نقل کنیم . زیرا بنظر می‌رسد این کتابچه متعلق به بایگانی لژ بیداری بوده است . و مالك آن نیز چنین عقیده‌ای دارد ، بخصوص که کتابچه مذکور از بین اسناد و کتب مرحوم حکیمی بدست‌آمده‌است. در این کتابچه دز جلو هر یك از اسامی شماره «کارتن» و « دوسیه » اعضا بوضوح نوشته شده است . بنا براین اسامی این دفترچه صددرصد صحیح و کامل به نظر می‌رسد وبر چهار لیست دیگری که بدست آورده‌ایم (وقبلاً آنها را نقل کردیم) ارجحیت دارد .

در کتابچه مذکور ، اسامی اول اعضای لژبیداری ایران ، در زیر حروف‌سی ودوگانه‌ذکرگردیده‌است . دراین‌دفترچه فقط صفحات مربوط بحروف(پ ـ چ ـ خ ز ـ ژ ـ ش ـ ظ ـ ه) سفید وخالیست ودرآن‌ها اسمی نوشته نشده .

ازجمله‌کسانی‌که‌اسامی‌آنهادرکتابچه‌راهنمای لژبیداری‌نوشته‌ودرقیدحیات هستند « تقی‌زاده ـ میرزا محمودخان منشی سفارت فرانسه (سناتورجم) ـ دکتر سعیدمالك لقمان‌الملك ـ دکترکریمخان مخبری (سر لشکر کریم هدایت)ضیاء ـ الملك فرمند » می‌باشند . اگر اشتباه نکرده باشیم در بین اسامی این عده‌رجبعلی خان (منصورالملك) ، (منصور) فعلی نیز نوشته شده که ایشان هم درقید حیات هستند . اینك‌اسامی یکصدوبیست نفر ، ثبت‌شده‌در دفتر راهنمای مرحوم‌حکیمی، عیناً نقل می‌گردد[1]:

---

۱ ـ از مالك محترم کتابچهٔ مذکور متشکریم که‌آنرا برای استفاده در اختیار نگارنده قرار دادند .

الف	کارتن	دوسیه
ابوالحسن فروغی	۳	٦۳
سید ابوالقاسمخان	۳	۸۱
ابراهیم زنجانی	۳	۵۳
ابوالقاسم سروش	۳	۵۱
دکتر امیرخان	۳	۱۵
اورنگ وصالی محمود	۳	۱۰۷
ادیبالسلطنه	۳	۳۳
سیدابوالحسن	-	-
حاج میرزا احمدخان	-	٤٦
اعتمادالملك	۳	۳۰
ادیبالممالك فراهانی	-	۲۳
انتظامالسلطنه	۳	۲
حاجی ابوالفتحخان	۳	۷
افتخارالتجار	۵	۳
اردشیر جی	-	۲٦
امانالله‌میرزا ضیاءالدوله	۵	٤٤
ابراهیم سرتیپ توپخانه	-	۵۲
امین خلوت	-	۷۵
امانالله‌خان عینخاقان	۳	۱۰۸
حاج سیدابوالحسن ارفعالدوله	۳	۱۰٦
ارفعالدوله	۳	۱۲
ب		
بقاءالملك	۳	۱۰٤

رضایوف میرزا احمد	۳	٥٦	
س			
سردار ظفر بختیاری	۳	٦٨	
سردار بهادر جعفر قلی‌خان بختیاری	۳	٢٥	
حاجی ...	۳	١	
مسیوسکن	۳	٦٤	
سرداراسعد	۳	٥٩	
سردار امجد طالش	-	١٤	
ساعدالوزاره	-	٣٦	
حاجی سید ایوبی	۳	١٠٦	
ص			
صمصام‌السلطنه بختیاری علیقلی‌خان بختیاری	۳	٦٠	
صدرالعلماء خراسانی	۳	٩٨	
صدرالممالك	-	-	
صنیع‌الدوله	٥	٧٤	مرحوم شد
ض			
ضیاءالله خان قراگوزلو	۳	٢٧	
ضیاءالسلطنه میرزا علیخان	۳	١١٩	
ظ			
ظهیرالسلطان	۳	١٣	
ظهیرالملك (رئیس)	۳	٤٠	
ظهیرالاعیان	-	٣١	
ع			
عزالملك کردستانی	۳	٩٤	

عباسقلیخان قریب	۳	٤٥
دکترعلیخان پرتو اعظم	۳	٦٠
عمیدالحکماء میرزا ابراهیم خان	۳	٦٠
میرزا عبدالرحیم خلخالی	۳	٤٧
میرزا عیسی‌خان علی‌آبادی	۳	٦٧
علی‌اکبرخان دخو	٥	۴۸
عبدالله میرزا تنکابنی	-	۱۱ مرحوم‌شد

غ

غلام علیخان ریاضی	۳	۱۰۳

ف

دکتر فراسکینا	٦	۸۳
فطن‌الملك	۳	۱۱۱

ق

قوام‌السلطنه میرزا احمد خان	۳	۷۸
میرزا قاسم شیرازی	۳	٦۲
قوام‌الدوله	٥	۱۰
قائم مقام غفاری	-	۱۹

ك

ارباب کیخسرو شاهرخ	۳	۷٦
کمال‌الملك محمدخان غفاری	۳	۹۲
کاشف‌السلطنه	۳	۱۷
دکتر کریمخان مخبری	۳	۱۸
دکتر کمبو	-	٥۷
کتابچی‌خان پل	۳	۸۹

گ

ل

م

۱ـ مرحوم حکیم‌الملك مسیو « رایس » را در صفحه حرف (ل) نوشته بود که عیناً نقل شد .

ضمیمهٔ دوم

منظومهٔ آئین فراماسونری

ادیب‌الممالك فراهانی ، یکی از فراماسونهای معتقد وعلاقمند به آئین این فرقهٔ پنهانی بود . او که باوجود تهی دستی و فقر مالی ، بگواهی اسناد موجود، مقرری ماهانه و مخارج دیگر لژ بیداری ایران را در تمام طول مدت عضویت خود مرتباً پرداخت کرده است ، در آثاری که از وی بجای مانده ، همه جا آئین فراماسونری راستوده‌و این سازمان و هدف‌های آنرا تحسین می‌کند . اودردوران عضویت خود در لژ ، علاوه بر قصائدی که در بارهٔ دکتر « مرل » و تشکیل جلسه عالی سالانه سروده بود ، قصیده‌ای نیز در بارهٔ « آئین فراماسونری » ساخت‌که‌در آن زمان شهرت وافری یافت ، زیرا علاوه بر مضمون بکر قصیده ـ که تاآن وقت هیچ سراینده‌ای دربارهٔ این‌اثر سخن‌نگفته بود بخاطرآوردن‌کلمات و اصطلاحات بدیع ، در محافل ادبی نیز یکنوع «نوآوری» در کار قصیده‌سرائی تلقی شد .

شادروان خان ملك ساسانی نسخهٔ اصلی این قصیده را در اختیار وحید دستگردی‌مدیرمجلهٔ وحیدقرارداد واو قصیده‌را دردیوان‌ادیب‌الممالك چاپ‌کرده و خود نیز هرجا که توضیحی لازم بنظر می‌رسیده ، شرحی بدان افزوده است . قصیدهٔ «آئین فراماسونری » نخستین اثری است که در بارهٔ لژ بیداری ایران ، در سال‌های قبل انتشار یافته است . بدین سبب در اینجا متن کامل همهٔ منظومه‌را باضافه توضیحاتی‌که سراینده دربارهٔ بعضی‌ازکلمات‌داده ، با زیرنویسی‌که خود ما به آن افزوده‌ایم و همچنین توضیحاتی که از نسخهٔ خطی آئین منظومه گرفته شده ، عیناً نقل‌می‌کنیم:

۱ ـ نسخهٔ خطی منظومه «آئین‌فراماسونری» که قبلا متعلق به مرحوم اشراق‌محضردار بوده، اکنون دراختیاردانشمند محترم‌هاشمی‌حائری‌است. وبعضی ازصفحات‌اولیه منظومه نیزدر پرونده‌ماسونی وی باقی مانده‌که نگارنده آنها را در اختیار دارد .

بسم الله الرحمن الرحیم

سر نامه بنام آن معمار / که برافراشت این سپهر حصار

اوست معمار این کشیده رواق / اوست بنای این مقرنس طاق

کرده هنگام طرح این آثار / کاف کن گونیا و نون پرگار

باد از ما درود و صد ره نوید / بر روان مهان جاوید

که همه روشن و سپنج بودند / اوستادان ماسنی بودند

آدم آن اوستاد معماران / نوح فرخنده پیر یاران

بر تو ابراهیم شیخ کلدانی / کرده بیت العتیق را بانی

موسی استاد قبة المحضر (۱) / بیت ستار و معبد داور

که با مرش فراخت خیمه و کاخ / پسر اوری (۲) و آحی ساماخ (۳)

زیر بال فرشتگان (۴) زد مهد / محمل راز حق بخیمهٔ عهد (۵)

تا سلیمان زد روی آن خرگاه / بیت اقصی نگاشت بهر اله

مصطفی درود او هر دم بس / گشت ساجد بسوی خالق ناس

تا ولوا وجوهکم فرمود / کعبه را قبله‌گاه خلق نمود

نخستین صفحهٔ منظومه آئین ماسونی بخط ادیب‌الممالک

سر نامه به نام آن معمار* | که برافراشت این بلندحصار
اوست معمار این کشیده رواق | اوست بنّای این مقرنس طاق
کرده هنگام طرح این آثار | «کاف» «کن» گونیا و «نون» پرگار
باد از ما درود و مهر و نوید | بر روان پیامبران جاوید
که همه روشن و سنی بودند | اوستادان ماسنی بودند
آدم آن اوستاد معماران | نوح فرخنده پیر نجّاران
بـر براهیم شیخ کلدانی | لـرْ بیت العتیق را بانی
موسی استاد قبة المحضر [1] | بیت سیار و معبد داور
که بامرش فراخت خیمه و کاخ | پسر اوری [2] واحی ساماخ [3]
زیر بال فرشتگان [4] زد مهد | مخزن راز حق بخیمهٔ عهد [5]
تا سلیمان ز روی آن خرگاه | بیت اقصی نگاشت بهر اله
مصطفی در رواق هر دو اساس | گشت ساجد بسوی خالق ناس
گاه (ولوا وجوهکم) فرمود | کعبه را قبله گاه خلق نمود
گاه از کعبه شد بقدس خلیل | یافت (اسری بعبده) تنزیل
پور عمران علی که از مردی | جبرئیلش رود بـه شاگردی
او ستاد کر و بیان خـدا | پیشوای فرشتگـان سمـا
تا نگهدار راز داور شد | بـا پسر عم خود برادر شد
پسرانش همه به استادی | صاحب بیت و سید نادی
همه هنگام راز و گفت و شنفت | جانشان با رفیق اعلی جفت
راز داران سرّ و نکته غیب | اوستادان دانیال و شعیب
باد از ما درود بر زرتشت | کش بدی آب و آذر اندر مشت

---

* ـ این مثنوی را با براعت استهلال شروع کرده است زیرا میدانیم این فرقه بنام « بنایان آزاد » هم هستند ازاینجهت او شروع کلام را در توحید ، باصفت «معمار» شروع میکند وخدا را معمار دنیا میستاید.

بست کشتی سه‌تا [۶] بدور کمر / پنج گات [۷] خجسته خوانداز بر
پنج فرجود [۸] ازاو پدیدآمد / روشنی بخش اهل‌دید آمد
هفت امشاسپند را بشناخت / دینحق برسه‌پایه‌محکم‌ساخت [۹]
بر مسیح خجسته پیر نبیل / روح حق صاحب مقام جلیل
مظهر لطف کردگار ودود / ساجد حق و خلق‌را مسجود
درسه اقنوم‌کشف کرد آیات / ازرموز حیات‌وذات و صفات
هم به داود شهریار گرام / بر سلیمان پاك و برحیرام
باد از من سلام بر رخ پیر / صاحب شرق‌ورشك مهرمنیر
هم‌چنین بر دو مبصر بینا / ماه و خورشید گنبد مینا
که‌درین کاخ فرخ‌ازچپ‌وراست / دستگیری‌کنند بی‌کم‌وکاست
بر دبیروخطیب و مهماندار / بر امین و ممیز و معمار
بر عموم برادران صفا / سالکان طریق مهر و وفا
پرده داران کاخ ماسنری / پی‌تسخیر وحش ودیوو‌پری
بردر و بام وشمع‌وپرده وطاق / برسریروستون‌وسقف‌ورواق
مشرق‌ومغرب‌وشمال‌وجنوب / چشم بینا وپیکر محبوب
آسمان وزمین و اقیانوس [۱۰] / کوشش و جهدوغیرت‌ناموس
نقطه وخط و دائره پرگار / قلم‌وگونیا«زاویه»عمودومدار
راز پرخیده [۱۱] واپرخیده [۱۲] / که رسد از لب وکف و دیده
آفتاب و مثلث و شمشیر / نور خورشید وزور مرد دلیر
آیة الکرسی و صحیفهٔ نور / اختر مشتعل [۱۳] طلیعهٔ هور
بـر رموزومعانی و آیـات / همه من بدوها الی الغایات
هست پیدا براهل‌دانش وویر / که درین قرن تابناك از دیر
در فرانسه‌ز شرق اعظم تافت / آفتابی که قلب ذره شکافت

وز خطوط شعاعی آن مهر — گشت روشن بساط خاك‌وسپهر
نور بگرفت سطح عالم را — روشنی داد آل آدم را
تا ازان نور سنگها بگداخت — «لژ بیداریئی»[۱۴] در «ایران» ساخت
وندران معبد ستودهٔ پاك — بس گهرها برون‌شد از دل‌خاك
بنده را هم برادران ز کرم — ساختند اندران سرا محرم
راز پنهان بگوش من گفتند — سنگ سختم چوزر پذیرفتند
تا به‌فضل خدا و همت پیر — یار اصحاب‌کهف شد قطمیر[۱۵]
خواستم تا بجای این اکرام — خدمت لایقی دهم انجام
لاجرم این چکامه بر بستم — عقدی از لعل و دُر بپیوستم
رشتهٔ رازهای پنهان را — بستم انسان که در و مرجان را
خواهم ازفضل ایزدی توفیق — وز رئیس و نگاهبان و رفیق
که به مقصود کامگار شوم — خادم کهف و یار غار شوم

سازم اینك شروع در مقصود
با عنایات کردگار ودود

ای برادر بیار دل بگرو — وز (فراماسنی) ز من بشنو
سبب ارتباط ما یکسر — غیر از ین نکته نیست چیز دگر
مجمع فرقهٔ فراماسن — که بجا مانده از زمان کهن
فکر و دانش همی‌کند تعلیم — بی ریا بر برادران سلیم
گر بگوید کسی تورا بسخن — که تو هستی برادر ماسنی؟
پاسخش ده‌که زمرهٔ اخوان — خوانده‌اند اینچنین‌مرا بجهان
ور بگوید که این‌جواب ازچیست — گومرا بر خوداعتمادی نیست
حق شاگرد ماسنی نبود — که بکردار خویش غرّه شود
بلکه با خاطری پراندیشه — فکرت‌وحزم را کند پیشه
زان‌بترسدکه‌جمع‌اخوانش — آزمونی کنند در شأنش

سپس از گفته شرمناك شود — زنده ناگشته خود هلاك شود
ور بگویدکه‌ماسنی‌چونست؟ — گو یکی نخلهٔ همیون است
کِشته دهقان برای آبادی — ریشه‌اش در بهشت آزادی
همه اخلاق او خجسته بود — تنش از ننگ عیب رسته‌بود
دوست باشد به دوستدارخدا — فرق ننهد بـه مالدار و گدا
ور بپـرسد ز زاد آزادی ؟ — هم ز آئیـن مردی و رادی
پاسخش‌ده‌که‌چون بمیردمرد — زان رذائل‌که‌هست مایهٔ درد
پس درآید دراین مقام بلند — بری از زحمت وتهی زگزند
رو نهد سوی زندگانی نـو — پای کوبد به تخت کیخسرو
اینت باشد ولادتی تـازه — عمر و عیشی فزون ز اندازه
وربخواهد که نیکخو باشد — عدل و حق را بجستجو باشد
این دورا برتری دهد بامور — هربدی‌را زخویش‌سازد دور
کارخودرابدین دوسازدجفت — پاك باشد به آشکار و نهفت
گرکسی قصه غیرازین‌گوید — یا دلیلی بر این عمل جوید
درجوابش‌بگو که ماسن‌پاك — که بود ز اهل دانش وادراك
شرف وقدر مرد را زاخلاق — می‌شناسد نه‌از سرای ووثاق
دولت و مال و ثروت و مایه — همه آرایشند و پیرایـه
ارزش آدمی بدان گهراست — که بهر حال ندهدش از دست
وین‌گهردروجودانسانی است — زین‌ره‌اوباقی‌وجهان فانی‌است
غرض ازاین‌گهرارادهٔ تست — جنبش و عزم پر افادهٔ تست
که بدان کارهای نیك کنی — خویش راچون زر سبیك‌کنی
آدمی زین گهر شرف یابد — آدمیـت ازین گهر تابـد
گرز تکلیف ماسنی‌خواهی ؟ — بشنو از من که یابی آگاهی

از رذائل‌گریز و می‌پرهیز زی فضائل شتاب و می‌امیر
راه کسب فضائل آن باشد که کسی تا در اینجهان باشد
از نکوکاری و نکو خواهی نکند یک دقیقه کوتاهی
گر بخواهی وظیفهٔ ماسن سخن من بصدق اصغا کن
هست‌کار بزرگ ماسنی آن که نهد برزمین اساس جهان
در اساس ترقی عالم کوشد و دیو را کند آدم
وین بنا را همی شود بانی با تمام قوای انسانی
ازتوپرسند اگرکه‌دراقطار سعی (م ∴) همی بود بچه‌کار
گو بدان کار سعی بایدکرد که شود باغ فیض خاطر مرد
همه‌جا وهمیشه برهمه‌کس فیض بخشد بمهر و نی بهوس
وربپرسندازآن‌مکان‌که‌نهفت به فراماسنی ترا پذرفت
پاسخش ده‌که درلژی‌عادل کامل از مردمان صاحب‌دل
سه به تنظیم آن شتابنده پنج روشن چراغ تابنده
هفت‌ارکان‌عدل واصل‌کمال همه معمار کاخ عز و جلال
رمزایشان به‌مصحف اقدس شدمه و مهر وخنس وکنس [۱۶]
هفت‌وپنج وسه‌رااگرخواهی که بیابی ز سرّش آگاهی
سه‌بودیك رئیس‌و دومبصر که بود قلبشان خزانهٔ سرّ
پنج‌شمعند این سه‌تن‌استاد با همایون دبیر و ناطق راد
وین‌کتاب المبین مابالطبع نا گزیر است از مثانی سبع
تن«لژ»گرنه‌هفت‌پیکرداشت نتواند لوای داد افراشت
ور نتابد شعاع هفت اختر خانه تاراست و میهمان بر در
باید از هفت تن سه استاد دو رفیق ستوده آزاد
تا بسی کارهای نغز کنند جستجو از درون و مغز کنند

علم داوری درین ایـوان   سایه گسترده است بر کیوان
از«۳م.·.» کز آن یکی استاد   محفل ساده‌ای شود بنیـاد
که بجز مشورت در آن کاری   نتوانـد نمـود دیـاری
از سه استاد را دو یك انباز   معبد آراسته است بهر نماز
میتواند کسی بطوع و رضا   آیـد آنجا به پیشگاه قضا
لیك تا ۷ تـن نباشد جمع   نشود روشن از حکومت شمع
گر نباشند هفت تن بوثاق   کی حکومت شود علی‌الاطلاق
ور بپرسد تـرا رفیق کهن   کزچه هنگام گشته‌ای م.·. ؟
گو از آندم که ره نور دیدم   درشب تیره نور حق دیـدم
وردهد پاسخت کز این گفتار   پرده بردار وفاش کن اسرار
پاسخش ده که چشم ماکور است   عقل ما درحجاب مستور است
م.·. واقعی نگـردد کـم   تابخود ننگرد ز پیش وز پس
تانمیرد دراو لجاجت و خشم   نگشاید سوی حقایق چشم
چون بدین نور دیده بگشاید   در ره عدل وحق فرود آیـد
م.·. واقعی شود آنگاه   که سپارد سوی حقایق راه
گر بگویدت که از تو بهراسم   تا ترا با نشانه نشناسم
گو اشارات ما چو شمس بود   بعلامات و قول ولمس بود
باز اگر گوید آن رفیق نبیه   کاین سخن را بصدق کن توجیه
گو نخستین نشانه «رفتارم»   که به انصاف و عدل شد کارم
دومین «قول» صدق وحق باشد   که برون از خط وورق باشد
سومین در بلندی و پستی   عهدهمراهی است و همدستی
با برادر بجان ومالم یار   «لمس دست» آمده است شاهدکار
گر زنو طرح گفتگو فکند   وز علامات آن سئوال کند
گو علامات ما شود مشهود   بر تو از گونیا وسطح وعمود

زآنکه اعمال فکرمازآغاز　　سوی عدل و حقیقت آید باز
پس به تسطیح خویش پردازیم　　کژوکوژی زبن براندازیم
پس فرازیم بر زمین پایه　　زان بناکش برآسمان سایه
یعنی اندر زمین نهیم اساس　　از تمدن بعون خالق ناس
گر بپرسد علامت م ∴　　که برون باشد ازکتاب وسخن
آن علامت که داری ازاستاد　　آشکارا بنزد او کن یاد
سرّ آن از توگر همی پرسد　　گو خدا جوز بنده کی ترسد
هرکه دراین طریقه پای نهد　　«سردهدلیک سرّ بکس ندهد»
گر از این راز معنی دیگر　　از تو پرسد بگوی واضحتر
« یدیمنی به منتهای گلو »　　«که شود گونیا پدید از او »
یعنی این دست برهواوهوس　　غالب آید بسینه گوید بس !
تا نجوشد درون دل شهوات　　شهریار خرد نگردد مات
این علامت چودیدی ازشاگرد　　بیقین دان که گشته او را ورد
کاین منم چیره بر طبیعت دون　　بکف اندر زمام نفس حرون[17]
سعی دارم که در جهان جاوید　　فارغ از زهر بیم وشهد امید
نشوم زاعتدال هرگز دور　　نکنم جز به راه صدق عبور
گر بپرسد ترا ز رمزدخول　　که بیاموختی ز بعد قبول
لفظ تو« بالکن»[18] ارچه مستوراست　　آشکارا بگو که دستوراست
گرزمفهوم آن سئوال کند　　پاسخش ده تو با دلیل وسند
که من این راز روی یقین　　خواندم از «فصل چهارم تکوین»[19]
کاین بودنام آنکسیکه به حس　　صانع آلت است ازآهن ومس
شرح آنرا درست اگرخواهی　　گوش ده تا بیابی آگاهی
داشت «قابیل» بیسعادت شوخ　　پسری نامور بنام « خنوخ »
نام پور خنوخ شد « عیراد »　　پس «محویائیل» ازعراد بزاد

هم پدید آمد از محویائیل — پسری نام او «متوشائیل»
«لمك»از این پدر هویدا شد — که ازو چند پور پیدا شد
در سرا داشت دو پری زاده — این یکی«ظله»آندگر «عاده»
عاده «یابال» را همی شدمام — پدر صاحبان خیل و خیام
نیز «یوبال» راکه زاد از وی — آن نوازندگان بربط و نی
زاده‌از ظله نیز «توبالکن» — صانع آلت از مس و آهن

نام آن نقش گشته بر دل ما
«مدپاس» است در محافل ما

ور بپرسد ترا رفیق صفی — زان کلام مقدس مخفی
پاسخش ده‌که این کمین‌بنده — نه نویسنده‌ام نه خواننده
جز هجی بیخبر ز هر هنرم — چکنم نیست دانش دگرم
تو بگو حرف اولش زآغاز — تا من از پی همی سرایم باز
سپس او ابتدا کند به‌سخن — تو ز دنبال آن قرائت کن
درسئوال وجواب این‌اسرار — J و A ـ K و I و N بشمار
معنی این کلام اگر جوید — پاسخش م.ّ. اینچنین گوید
که ز مفهوم آن مرا دریاد — نیست غیر از عمارت و بنیاد
مدخل معبد سلیمان راست — استنی‌چون‌درخت‌ایمان‌راست
مزد مزدور خویش را استاد — روزها پای این ستون میداد
نام‌آن استن است این کلمه — که بود نقش درضمیر همه[۴۰]
گر بگوید رفیق روحانی — کز چه پوئی طریق نادانی؟
در دبستان مگر نداد استاد — هیچت‌ازخواندن و نبشتن یاد؟
درجوابش بگوکه‌طالب‌حق — درك هر نکته‌کی کند به ورق
این‌اشارات‌واین‌رسوم ورموز — که بهردل‌کند ظهور و بروز ؟
هم بکنه حقایق این راه — دل شاگردکی شود آگاه ؟

که کند بالبداهه سازسخن — از پس پرده فراماسن ؟
هرچه باشد سخنور و نامی — هست بی‌شبهه جاهل وعامی
بازاگرگفتو برتودر نگریست — کز تهجی مراد م. ۰ چیست ؟
پاسخش ده‌که‌آنچه درآئین — بـه فراماسنی شده تلقین
هست‌دستوری‌آنچنانکه‌براز — حرف اول بیان شود ز آغاز
تاکه شاگرد سوی راه درست — ره سپارد بـراستی ز نخست
پس‌در این‌کارجد وجهدآرد — از دوم حرف پرده بردارد
باز حرف سوم بیاموزد — شمع دانش به‌محفل افروزد
چارمین حرف رازپردهٔفکر — اندرآرد چونوعروسی بکر
وربگویدزمزدقصدتوچیست ؟ — گومرادم زمزد جزاین‌نیست
که بپاداش زحمت مزدور — رحمت‌آید براو زمطلع نور
هرکسی‌رادرین سرای سپنج — گنج باشد نصیبه از پی رنج
هیچ‌کس‌اندرین‌جهان بی‌مزد — بنماند چه پاسبان و چه دزد
بازاگرگویدآن‌خجسته‌رفیق — مزد مزدورچیست‌بالتحقیق ؟
یعنی ازحیث صورت و معنی — چیست‌این‌اجروچون‌شوداجری؟
پاسخش ده‌که درطریقت داد — آنچه شاگرد دیده از استاد
مزد او بهترین فتوح بود — زآنکه‌تکمیل‌نفس‌وروح‌بود
که بتدریج بـهر مزدوران — حاصل آید ز گنج‌گنجوران
گربگویدکه‌گاه بخشش‌واجر — مزد مزدور را ز مطلع فجر
ازچه پای ستون «Z» آزند ؟ — زین‌کنایت چه مدعی دارند؟
گوستون«Z » آیتی‌است‌عظیم — از عنایات کـردگار حکیم
رمزکانون حسّ ایجاد است — مرکز کار و شغل امجاد است
گربگویدکه‌چیست‌آن‌کانون؟ — گو بود مرکز عقول و شئون
مطلع الشمس‌عقل وبینائی‌است — مجمع‌النوروفضل ودانائی است

آدمی بیند اندرین مرآت   همه تکلیف روزگـار حیات
کسب ادراك و عقل و هوش و حواس   همه را اندران کند احساس
با طبیعت مجاهدات کند   وز تفکر مشاهدات کنـد
هر چه بیند بفکر پردازد   داور عدل را حکم سـازد
باشد از نفس خویش ناراضی   عقل و انصاف را کند قاضی
کارخود بر خرد رجوع کند   پس باجرای آن شروع کند
(اینکه شاگرد را نخستین بار   در درون زمین دهند قرار)
بهر آن است کاندران خلوت   چیره گردد بنفس دون همت
یوسف آسا بقعر چـاه شود   پس بر آید بتخت و شاه شود
از حقیقت بیابد آگـاهی   پایه بر مه فرازد از ماهی
وضع و شکل «ل∴» از تو گر خواهند   اوستادان که جمله آگاهند
گو «ل∴» مامربع است و دراز   باب فضلش بسوی مغرب باز
طولش از سمت شرق سوی غروب   عرض آن ازشمال تا بجنوب
ارتفاع از «زنیت»[21] تا «نادیر»[22]   زاولین نقطه ز بر سوی زیر
راز ابعاد اگر کسی جوید ؟   مرد ماسن به پاسخش گوید
آشکارا شود از ایـن ابعاد   کـه بخرگاه عالم ایجـاد
ابدالدهر از در و دیوار   تابد از شمس ماسنی انـوار
درجنوب و شمال و مغرب و شرق   بر همه مردمان ز پا تا فرق
بفقیر و غنی و کودك و پیر   نور آن شایع است و عالمگیر
گر بگوید که وضع «ل∴» زچه روی   رفته در باختر زخاورسوی ؟
گو از آنجا که گر ببینی ژرف   دربیوتی که اقدسند و شگرف
نگری امتدادشان زین سمت   نه در ایشان عوج پدید و نه امت[23]
مطلع نور شمس شرق آمد   مقبل آن بنور غرق آمد
وجهه چون مشرق است «م∴» را.   بنگرد پـرتو تمدن را

متذکر شود ز تابش نـور   شمس حق را در آسمان ظهور
دیده ازخواب جهل بگشاید   بحقیقت رسیده بگراید
«پیـروان طریقت ماسن   که بجا مانده از زمان کهن
معبد خویش رابدان ترتیب   ساختندی وهم بـدان ترکیب
کاندرآنجاخطی که محور بود   بـا خط استوا بـرابر بود»
گربگوید که «ل.۰.»چگونه وچیست   گومقامی منیع وخاص وخفی است
که بود حافظ فراماسن   نزد نا محرمان زکار و سخن
بازاگرگویدت بگفت وشنفت   کار«م..» چرا بود به نهفت
گو از این که در همه اطوار   آن قوائی که عاملند بکار
از درون چشمهای هرهنرند   وز برون منشأ بسی اثـرند
این قوی را سزد که ابرآسا   متراکم شوند در یکجا
تا شوند از فشار یکدیگر   لایق کار و مستعد اثـر
بطریقی که چون برون تازند   پنجه با شیر نر در اندازند
گریکی رادوصد رقیب ازپی   نتوانند پنجه زد با وی
چون بخاری که اززمین خیزد   اندك اندك بـهم درآمیزد
متراکم شود بیکـدیگر   آورد رعد و برق ثلج ومطر
این اثر زاجتماع پنهانی است   کاندرآن بارگاه روحانی است
گرنه این اجتماع وخلوت بود   ابربودی بخار وباران ، دود
از توگر پرسد اوستاد نبیه   که «ل.۰.» منتظم به چیست شبیه ؟
یعنی آن محفلی که محفوظ است   «م..» آنجا زکار محظوظ است
گو به سلول پیکری آلی   که بنائی است محکم وعالی
یا یکی تخم مرغ را ماند   که درونش کسی نمیـداند
درضمیرش بود یکی موجود   منشأ قوه و اثـر بـوجود
پرورانَد ورا بخانـه دل   تربیت سازدش درآن محفل

تا بود ناقص وضعیف و نژند　　اندر آن محبس است بستهٔ بند
چون تنومند گشت و بال افراخت　　در گشادش که سوی بیرون تاخت
همچنین مغز کلـه انسان　　که بود کارخانه پنهان
درب آن بسته سقف پوشیده　　ساکنانش بـه کار کوشیده
گوئی آنجا نهاده مرغ وجود　　بیضه‌های درشت نامحدود
که از آن جوجه‌ها برون آیند　　بال زرین بچرخ بگشایند
گر بپرسد از آن لئی که در ان　　نیست اسرار ماسنی پنهان
رمز آنکس چسان پدید آرد؟　　درجوابش بگو که «میسبارد»
(این اشارت بودکه در خانه　　هست حاضر وجود بیگانه)
گر بپرسند از نگهبانان　　وز ستون و قوائم ایـوان
زود بگشای از آن سه قائمه راز　　وانچه دانی بشرح کن آغاز
که دو «دانائی» و «توانائی» است　　رکن سوم ستون «زیبائی» است
مظهر این سه «پیرو الاجاه»　　«دو نگهبان» چو شمس و زهره و ماه
گر بگویند کاین سه قائمه چون　　اندرین ره شدند راهنمون
کم و کیف قوای موجده را　　اثـر قوهٔ مولده را
بچه نیرو نهاده برگردن ؟　　از چه شاه دلند و مالك تن ؟
کارشان چیست؟ در اثر چونند؟　　در کمالات و در هنر چونند ؟
راز بگشا که صنعت «ایجاد»　　کار «فرزانگی» بود ببلاد
«ختم و انجام» باتوانائی است　　«دلربائی» نشان زیبائی است
این سه اصل قوی بعالم کون　　جزء را حافظند و کل را عون
گر بپرسد کسی که در این راه　　از چه سالك شدی بلااکراه ؟
چه برانگیخت در سرت سودا　　که شدی سوی ماسنی پویا ؟
درجوابش بگو که ظلمت جهل　　کرده نا اهل را مسخر اهل
نور عقل و شعاع آگاهی　　به گـدا داده رتبهٔ شاهی

بسکه زندان جهل بد تیره دیده‌ام کور گشت و دل تیره
لاجرم سوی نور بینائی تاختم بـر سپهر مینائی
ور بگوید چگونه بعد قبول محرم «ل . ∴ » شدی بگاه دخول؟
گو نمودم زخود فلزها دور نه تنم عور بود و نه مستور
(اینکه کردم برون لباس از تن دور کردم زخود زروآهن)
شد کنایت از آنکه بیدعوی مرد چون یافت جامه تقوی
هست مستغنی از زر و زیور زیور او بس است فضل و هنر
(سینه ودل برهنه بود مرا) زانکه نزد برادران صفا
شخص محرم به اعتماد تمام انـدر آید بصدق و بنهد گام
زانوی راستم بدی عریان تا بدانند زمـرهٔ اخـوان
که چو سالك براه حق آید به خضوع و نیاز بگراید
(موزه کردم زپای چپ بیرون) پا برهنه درآمدم بدرون
زانکه در بار قدس ومعبد رب محرم آید به احترام و ادب
دور کردم زخویشتن زروسیم وز تجرد به من وزید نسیم
این کنایت بود زسلب طمع در مقامی زآسمان ارفع
زانکه چون مرد شد بطی سبیل در طریق مراتب تکمیل
سیم وزر را زخویش سازد دور که وجوه مضره نیست ضرور
ور بگوید که در مقام قبول بچه سان یافتی توان دخول؟
گوسه نوبت نموده دق الباب راه جستم ز باب در محراب
معنی این سه پرسد ار استاد پاسخش را چنین بباید داد
که بخوان این سه نکته را زسه بیت کن سه قندیل روشن از این زیت
اولا ـ باز خـواه تا بدهند بی طلب در کف تو زر ننهند
ثانیاً ـ در بزن که باز کنند ور نکوبی برخ فراز کنند
زین سبب گفته آن شه امجد طلب الشیئی ثـم جد وجد

سعی و کوشش بود کلید فرج قرع الباب ثم لج و لج
ور بگوید پس از دخول به کاخ خود چه دیدی در آن مکان فراخ؟
گو پس از آزمایش بسیار که ز هر کس همیشود ناچار
کرد رأی برادران تصویب دستگیرم شدند پیرو خطیب
تا که در معبد فراماسن محرم سر شدم به کار و سخن
گر بپرسد چه بد در آن خلوت؟ امتحان تو و چه‌اش حکمت؟
گو در آن بارگاه مینوفر بار بستم سه بار سوی سفر
از پی آنکه تا بود نفسم به حقیقت دو دیده باز رسم
گوید ار بعد آزمون دراز اندر آن بارگه چه کردی باز؟
بازگو کاندر آن وثاق بلند کرده‌ام عهد و خورده‌ام سوگند
که نگهدار سرّ شوم بنهفت نکنم زان بخلق گفت و شنفت
نیز در هر مقام و هر هنگام باشم از صدق تابع احکام
از تو گر پرسد اوستاد شفیق شرح اسرار و رازهای طریق
گو نجومی است زیر ابر نهان نور شان علم بر حقایق دان
آن حقایق که معنویت داشت (م . .) از لوحشان عقیده نگاشت
همه مرموز های تمثالی نکته‌ای زان حقایق عالی
چون نیوشد معاهدات تو را باز پرسد مشاهدات تو را
که چه دیدی در آن مقام شگرف وز حقایق چگونه بستی طرف؟
گو در آن بارگاه روشن پاك دیدم آنها که برتر از ادراك
آنچه در عقل کس نمیگنجد بتر ازوی فکر کی سنجد
و آنچه بیرون ز دانش و فهم است هر که فهمش گمان کند وهم است
فکرت و عقل و هوش هر موجود باز ماند ز کنه آن مقصود
خاصه آندم که این تن پژمان حامل روح شد در آن ایوان
گفتی اندر فراز دیدهٔ من پرده‌ای زفت بود سایه فکن

گردهای غلیظ ودود سطبر — روی خورشیدرا گرفته‌چو ابر
تابش نور را حجاب شده — مانع از درك آفتاب شده
گر بگوید که این‌بیان‌فصیح — هست محتاج‌شرح یا توضیح
گو تن مرد پیش تابش حق — می نگردد به روشنی ملحق
نیست کافی برای دیدن نور — یافتن دربر چراغ حضور
دیده باید که روشنی یابد — پای باید بـه راه بشتابد
تـا ندرّی حجـاب نادانی — نـرهی از مقـام ظلمانی
تا به‌زنجیر وهم های کهن — بسته‌ای روح را به محبس‌تن
نکنی درك این فنون وعلوم — وز حقایق همی‌شوی محروم
ظلمت غفلت‌از وثاق حیات — برطرف‌کن بدرشو ازظلمات
تابه بینی جهان پر از انوار — وسنا البرق یخطف الابصار
گر بگویدکه‌بخت‌میمون‌شد — چون‌رسیدی به‌روشنی‌چو نشد
گوبدیدم جمال شمس و قمر — پیر روشندل ستوده سیر
این سه‌راا‌ندرآن‌سپهر بلند — دیدم ورستم از بلا و گزند
گربگویدکه‌پیرماز‌چه‌روی؟ — جفت‌خورشیدوماه‌گشته‌بگوی
بطریقی‌که‌آن مه وخورشید — در شب تیره و به‌روز امید
چشمهٔ تابناك فکر تواند — منبع‌هوش پاك‌و ذکر تواند
همچنین اوستاد دانشمند — به‌مقـامی رسیده است بلند
کـه بو د منشأ نمایشها — مبدأ عقلها و دانشها
اوست مصداق عقل انسانی — کارگاه حیات را بـانی
چون‌زشمس‌وقمر برآید نور — در رخ‌وی‌کندطلوع و ظهور
وجه او هادی خلایق شد — ذات او کاشف حقایق شد
گر بپرسد که اوستاد رئیس — اندرآن‌کاخ واجب‌التقدیس
در کجا می‌نهد کلاه بفرق ؟ — در جوابش بگو بنقطهٔ شرق؛

زانکه‌قایم‌مقام‌خورشید است　　بر تر از کیقباد و جمشید است
همچنان کافتاب اول روز　　شود از فرّ خود جهان افروز
گردش روز وشب کند تازه　　پاس‌ها را گذارد اندازه
پیر ما نیز اندرین محضر　　جانشین خور است در خاور
فتح وختم امور دربد اوست　　چشم‌شاگردسوی‌مسند اوست
اوست در کارخانه فرمانده　　همه فرمان پذیرش‌از که‌ومه
گر بگوید که‌آن نگهبانان　　درکدامین جهت‌کنند مکان ؟
گودوتن مبصر صدیق محب　　دو سهیلند طالع از مغرب
یاور اوستاد میمونند　　استن خرگه همایونند
مزد شاگرد اگرچه بابنّاست　　لیک‌ازایشان‌همی‌ببایدخواست
زانکه ایشان وسیط درکارند　　بر ز شاگرد و کم ز معمارند
گر بگویدزشرق‌وغرب‌استاد　　چیست‌مقصودش‌وچه‌داشت‌مراد
گوعیان‌است‌این‌لطیفه‌که‌نور　　باشد ازشرق‌درطلوع وظهور
پس بود مشرق‌آن جهت که‌ازآن　　تابش ضوء و نور گشته عیان
مغرب آنجابودکه‌گاه‌وجوب[۲۴]　　آفتاب‌اندرآن نموده غروب
نورمشرق‌همیشه موجوداست　　لیک‌درسمت‌غرب‌محدوداست
شرق‌سرچشمه است‌وغرب‌مصب　　نورجاری درآن بروز وبشب
میتوان‌گفت قسمتی زاکوان　　که‌به‌حس درك‌آن‌کند انسان
یعنی این عالم امید و غرض　　کزجواهرمرکب‌است وعرض
مغرب‌شمس‌عقل‌انسانی است　　که‌درآن‌نورمعرفت‌فانی‌است
قسم‌دیگرکه شدمجرد وپاك　　نشود با حواس ما ادراك
خارج ازماده‌است موجودش　　لایزال است برجهان جودش
درك آن‌مشکل‌است‌جز بضمیر　　شغل‌آن‌راجع‌است بر تقدیر
گر بگویدکه جای شاگردان　　درکدامین‌طرف‌شده‌است‌عیان ؟

گواز آنجاکه درعمل شاگرد | می‌نیاورده مایه‌ها را گرد
دلشان آنچنانکه‌معمول است | تهی‌از درك نور معقول است
در دبستان عقل شاگردند | که نوآموز اولین وردند
چون‌در این‌خانه‌نام‌برده شوند | ابتدایی همی شمرده شوند
لاجرم‌هست‌جایشان‌به شمال | وسع‌مسکن بقدر وسع کمال
زانکه باریکتراز آن جائی | نیست‌اندروثاق‌و صحرائی[۲۵]
گر فـراپرسد اوستاد اجل | ازگه افتتاح و ختـم عمل
گو به رمز و کنایـهٔ مستور | هم به قانون حکمت‌و دستور
ظهرآید بکار خـود معمار | نیمشب دست میکشد از کار
گربگویدتراکه این ساعات | از چه باشد کنایـه در اوقات
درجوابش بگوکه نوع بشر | پیش‌از آن‌کاید ازوجودش‌اثر
نیمی ازعمر خود به پیماید | بامـدادش بـه نیمروز آید.
سپس آید درون معبد حق | در نماز از دلوك تا بغسق[۲۶]
زاول نیمروز خواهد مرد | کار بگذشته را تلافی کـرد
لاجرم تا به‌آخرینه نفس | پاك‌سازد دل از هوا و هوس
خدمت نوع را کمـر بندد | جز نکوئی بخلق نپسندد
از(زراتشت)مانده‌این‌دستور | کو بیاموخت‌سرّظلمت و نور
روشنی یادگار حکمت‌اوست | کوهمه‌مغز بود ومردم پوست
گرزفرقان نشان آن پرسی | هست‌روشن‌ز(آیةالکرسی)[۲۷]
مـوبد پارسای پارسیان | پیر دستور رازدان «سلمان»
راز زرتشت را به استادی | برد در کعبهٔ هـمه آبـادی
تاچواحمدبه‌کعبه‌راندکمیت | دیدمردی‌به‌بیت‌ازاهل‌البیت
چون نمایندهٔ حقایق بود | برگزیدش چنانکه لایق بود
چون خرد باب ودادمادرشد | تازی وپارسی برادر شد

شد ز گوگرد پارسی روشن — خاک ماهاوران[۲۸] چو درّ عدن
کرد فرقان بیان حکمت زند — خیمه زد بوقبیس بر الوند
مزّمکی کروز شهد گرفت — اصفهان از حجاز عهد گرفت
اوستا نبی اوستا خواند — تخت سلمان بر از سلیمان ماند
شد دل و چشم پیر کلدانی — روشن از سرمه صفاهانی
کنگ دژهوخت[۲۹] پیش کعبه ستاد — عکس حیرام[۳۰] درحرم افتاد
گر بگوید تراکه قبل شروع — اندرین امر دلکش مشروع
پرسش وقت را سبب چه بود؟ — امر معلوم راطلب چه بود ؟
پاسخش ده که در زمانه مدام — خوبی کار بسته برهنگام
کار را موقعی است شایسته — که رواجش بدان بود بسته
پاسی ازوقت کار چون گذرد — عامل از رنج خود ثمر نبرد
ورعمل راز وقت رانی پیش — نبری فایدت ز کردهٔ خویش
نیم شب گر نماز فجر کنی — جان خود درشکنج وزجر کنی
وزنهی بامداد فرض پسین — نیست کار تو در خور تحسین
زشت باشد درون برزن وبام — طبل بیگاه ومرغ بی‌هنگام
رو نگهبان وقت باش و شناس — حرمت وقت بهر طاعت وپاس
بیسخن واجب ست برهمه کس — که نه پیش افتدازز مان و نه پس
در همه شغل وخدمت وطاعت — باشد از جان مراقب ساعت
تا پشیمان نگردد از کردار — شوداز سعی خویش برخوردار
گر بپرسد کسی که سن توچیست ؟ — بازگو کز سه سال افزون نیست؟
ور بگوید که چیست معنی آن — بی تأمل گشای لب به بیان
که ز سن طریقت مزدور — پایهٔ منصبش رسد به ظهور
زین سبب باید ازدرستی عهد — پی فهم سه سعی سازد و جهد
بطلب نزد پیر بشتابد — تا ز سرّ سه آگهی یابد
زین سبب عمر خود سه سال بود — بر سه مولودش اتصال بود

گویدار چیست کاه کشف خواص — از «یکی» معنی و نتیجهٔ خاص؟
پاسخش ده که در جهان وجوه — شد یکی اصل و بیخ هر موجود
ذات واحد که مظهر احد است — نه عدد بلکه مصدر عدد است
در تعدد چه بیش و چه اندك — همه اعداد شد مظاهر یك
نز د اهل خرد چه جای شك است — که هزار تو خود هزار یك است
گر نبودی یکی نبود عدد — کو عدد راست اصل و ریشه و حد
هیئت کل مرکب از اجزاست — پیکر ما مرتب از اعضاست
کل ز هر حیث شامل جزو است — تن هر شیئی حامل عضو است
گر بگوید که عقل و دانش تو — چه کند درك از حقیقت «دو»؟
گو از آنجا که آدمی ز خرد — بنکات دقیقه راه برد
همه جا از قصور ادراکش — به خطا رفته دیدهٔ پاکش
خواهد اندر سرای جود وجود — غیر محدود را کند محدود
بغلط کل بجزو شد تابع — واحد از وهم ما شده واقع
در میان دو غایت موهوم — پای بند دو اصل نا معلوم
صورت و لفظ خارج از معنی — کاندر ایشان یکی حقیقت نی
شبههٔ «بن کمو نه» از اینجاست[۳۱] — که از آن شبهه شرکها برخواست
چون یکی را دو چشم احول دید — رشتهٔ شرك را مسلسل دید
پس دویی را ز بن برافکن و گو — « وحده لااله الا هو »
گر بگوید از این بیان شگرف — غرضت چیست و زچه بستی طرف
گو خرد در تعقل هستی — کرده با ما ز فضل همدستی
تاچنان درك کرده‌ایم بعقل — گرچه خارج شد از حکایت و نقل
که سه شد مظهر جمال وجود — یاکه تمثال اصل هر موجود
ز انکه چون مصدر وجود بخویش — جلوهٔ حسن سازد از پس و پیش
چشم ناظر چو روی او بیند — سه گل از باغ معرفت چیند

ناری از وحدت وزکثرت شمع		نوری اندر مقام جمع الجمع
گرچه‌این‌شمع‌و‌نارو نوریکیست		مظهر وظاهر وظهور یکی است
لیك در چشم ما سه می‌آید		از سه منظر قمر سه بنماید
هندوان‌کرده‌زین‌سه‌چیز ادراك		مصدر خلقت وحیات و هلاك[۳۲]
مصریان از مثلث منشور		سه صنم داشتند مظهر نور
نامشان در کتابشان مرقوم		هرمخیس[۳۳]استوانکهی‌ورع‌ونوم
در سه اقنوم عیسی زنده		آب واین است روح پاینده
که به تعبیر دیگر این کلمات		رمز ذات‌وصفات گشت و حیات
مصطفی گفته این مثلث را		لاتثنی و قد تثلث را
پایهٔ داد در شریعت ما		بر سه چیز است از طریق صفا
که دو آزادی و برابری است		سومین پایه برادری است
رمززرتشت شدبه‌گات‌وبه‌یشت[۳۴]		همت نیك و هوخت با هورشت
معنی این سه واضح و روشن		منشن دادن و گوشن و کنشن
با سه چیزت درین‌جهان‌کاراست		وین‌سه‌اندیشه‌گفت‌وکرداراست
این سه‌گر نیك نیکی ار بد بد		یا چوافراشته‌ای تویا چون دد
گر بپرسد از آن (مثلث) باز		که درآن نصب گشته دیدهٔ باز
گو (مثلث) علامت علم است		علم طومار حکمت وحلم است
(چشم بازش) نشانهٔ خرد است		کادمی زان جدا ز دیوودداست
هندیان این نشانه ساخته‌اند		پس(کشیشان گل) شناخته‌اند
گر بگویدتراچه فایده داشت؟		دو ستونی که اوستاد افراشت
گو بود یادگار آن دو ستون		که سلیمان فراشت برگردون
دو ستون میان تهی ز فلز		ساخت آن آسمان حشمت‌وعز
گنجها را در او نشان بنهاد		مزد شاگرد هم در آنجا داد[۳۵]
گر سراید خلیفهٔ «م..»		از انار دهان گشوده سخن ؟

بجوابش بگو که در دل نار　　حجراتی بود بیك هنجار
درو دیوار وبام آن‌حجرات　　همه آکنده و پر از ثمرات
دانه هائی منظم و همرنگ　　یکدگررا گرفته‌در بر تنگ
شده با هم درون بزم صفا　　در اخوت قرین مهر و وفا
می نماید بما اخوت را　　معنی اتحاد و قوت را
گر بپرسدکسی‌که‌این شمشیر　　از چه شد برمیان مرد دلیر
پاسخش ده‌که بی‌کنایه وغمز　　هست‌پنهان‌در این لطیفه‌دورمز
اولا ـ آنکه در فرانسه تیغ　　بود از سوقه وز عامه دریغ
جز بزرگان و فرقه نجبا　　صاحبان مناصب و امرا
هیچکس را نبود زهرهٔ آن　　که کشد تیغ و بندش بمیان
تاچه‌غذفظ(۱۷۸۹)گذشت‌ازمیلاد　　در «ل ٠٠٠» ماسنی شد این میعاد
که باخوان محترم ز ادب　　نه‌حسب برتری دهد نه‌نسب
امتیاز از میانه بردارند　　همه را بالسویه پندارند
چون مقام برادری دارند　　همه با هم برابری دارند
لاجرم هرکه یافت آنجا راه　　بست شمشیر و کج نهاد کلاه
تا به لوح خیال بنگارد　　که برادر برادری دارد
ثانیاً ـ چون‌حسام مینارنگ　　هست‌اندرجهان‌علامت‌جنگ
جنگ دانا برای حق باشد　　نظرش اندرین ورق باشد
مرد ماسن فزون ز بیگانه　　قدمش ثابت است و مردانه
سعی دارد به‌دفع ظلم وفساد　　کوشد اندرطریق‌عدل وسداد
هست شمشیر آلت این کار　　بمیان بست بایدش ناچار
گر بگویدکه پیشگیرچرا؟　　بندی اندر که دخول سرا
گو ازین سرّ بنزد اهل وداد　　کارعقلانی و یدی است مراد
چون‌بدست‌آوری‌وظیفه‌خویش　　کار شایسته گیری اندر پیش

پیشگیر تو آرد اندر یاد — آنچه استاد کرده پیشنهاد
گر بپرسد ز کار شاگردان — که چه باشد وظیفه ایشان ؟
گو بود در سرشت ماهموار — قطعهٔ سنگ سخت ناهموار
که گل ما از آن تباه شده — آبمان تیره و سیاه شده
بایدآن‌سنگ‌را بزحمت‌ورنج — همچو گوهر کنیم لایق گنج
تا شود روشن و درخشنده — صاف وشفاف و نغز و رخشنده
سنگ ما لعل شاهوار شود — در خور تاج شهریار شود
گر بگوید چگونه در دل ما — سنگ‌خاره‌است صخره‌صما؟
گو به‌چاه طبیعت ار نگری — سوی‌آن سنگ‌خاره‌راه‌بری
هست این سنگ ناتراشیده — فطرت پست ناخراشیده
که به‌نیروی دست شاگردان — زیرچرخ عمل شود گردان
عقل سازد بعدل همدستی — تا برد زآن بلندی و پستی
بتراشند جمله اعضایش — تا که روشن شود سراپایش
شکل‌او نغزو چهره شاد شود — خاتم دست کیقباد شود
گوید اردر تراش‌سنگ‌گران — چیست افزار دست کارگران
گودو آلت‌که‌هر یکی‌طاق‌است — قلم آهنین و تخماق است
گر بگوید کزین دو آلت‌کار — چیست‌قصدت چه باشداین‌افزار
گو قلم هست فکر ثابت ما — ناطق از او درون صامت ما
هست تخماق‌آن‌اراده سخت — که‌بکوبد‌بر آن‌قلم‌یك‌لخت[۳۶]
کوه خارا اگر ز جا جنبد — این همی‌کوبد‌آن‌همی سنبد
گر بگوید‌بگاه رفتن‌وایست — مشی و رفتارشان‌اشاره بچیست
گوکنایت ز جهد وجد باشد — یعنی اندر عمل مجد باشد
تا بر آید ز خانهٔ تاریك — بمقام کسی شود نزدیك
که بود هادیش بخر گه نور — روشنی بخشدش بدیدهٔ کور

گرهمی‌پرسدآن‌خدای‌پرست | که ترا در دل آرزوئی هست
پاسخش‌ده زروی عقل وادب | نیستم آرزو بجز منصب
گر اجازت دهد دلیل طریق | که شود بنده‌اش معین‌ورفیق
سر به اوج فلك بر افرازم | بمه و مهر فرقدان نازم
چون بدینجا رسیدحدسخن | پیر روشندل فراماسن
گویدا ندرعمل‌بکوش وبجهد | صادق‌اللهجه باش و ثابت‌عهد
برهان طبع‌خود زبوالهوسی | سعی کن تا بکام دل برسی



شکر لله که این نهفته رموز | یافت ازطبع من‌ظهوروبروز
این گهر زاد این یم کلکم | که بگوهر قرین و همسلکم
شد ز درّ این سفینه مالامال | شب یکشنبه سوم شوال
رفته از هجرت شه ابرار | سیصد وبیست وپنج بعدهزار
سال میلادده ز یازده رفت[۳۷] | ازشهور هزار ونهصد و هفت
مه ببزغاله مهر در کژدم | آن‌دوم‌بود واین به‌هیفدهم[۳۸]
ناظم این عقود رخشنده | آرزومند عفو بخشنده
بندهٔ خاندان مصطفوی | احقرالخلق صادق العلوی
که‌ادیب‌الممالکش‌لقب است | چون‌هواخواه‌دانش‌وادب‌است
خواهد از دولت فراماسن | جهل را برکند زبیخ و زبن

یکی دیگر از صفحات منظومه آلین فراماسونری بخط ادیب‌الممالک

زیرنویس‌های منظومه آئین فراماسونری بقلم‌ادیب‌الممالک فراهانی

ادیب‌الممالک درپایان منظومهٔ فراماسونی که به خط خودش و در ۳۶ صفحه در دفترچه‌ای نوشته‌است ، سی‌وهشت زیرنویس برای کلماتی که توضیح بیشتر لازم داشته ، نگاشته است . توضیحات وی درنوع خود بسیار جالب وقابل استفاده ومطالعه می‌باشدکه عیناً نقل‌میگردد:

۱ـ قبة‌المحضر ∴ خیمة‌المحضر ∴ قبة‌الزمان ∴ قبة‌الشهاده ∴ در دعای مبارك « سمات» مکرر بدان‌اشارت‌شده است‌ازآنجمله‌آنجاکه‌فرماید (و بمجدك الذی ظهر لموسی‌بن عمران علیه‌السلام علی‌قبة‌الزمان) به‌فرانسه‌آن را «تابرناکل» Taber Nacl خوانند و Chez Les Israelites تصویر آن را یهود و نصاری در محراب عبادت خود نقش کنند ∴ چنانکه در تاریخ لوی ۱٤ پادشاه فرانسه نوشته‌اند که در اواخر عمر خود این تمثال را در غار عبادت خود رسم‌کرده‌بود ∴ بزبان عبری آن را «اوهل موعد» گویند یعنی خیمه موعد ∴

در جلد اول ناسخ‌التواریخ مسطور است [در شرح اربعین میقات] اشارتی رفت که خدایتعالی با موسی فرمود که پارهٔ آلات و ادوات فراهم کند پس آن حضرت چون از اربعین شفاعت وضراعت فراغت جست به فرمان یزدان « بصلئیل بن‌اوری بن حور» راکه درصنعت زرگری میان بنی اسرائیل بیعدیل بودبخواست و او مردی دانشمند از اولاد یهودا بود ∴ و همچنین « اهالیاب بن احیاماك » را (در توریةبن احی ، ساماط و احی ساماخ باختلاف نسخ مرقوم است) که از خاندان «دان»نژاد داشت حاضرنمود او نیز مردی کاردان و هنرمند بود ∴ پس بفرمود تا صندوقی از چوب شمشاد ساختند که طولش دو ذراع‌ونیم‌ویکذراع‌ونیم عرض‌داشت ارتفاع‌آن هم معادل عرضش بودمحفوف‌به‌زرخالص باکنگره‌های زر و حلقه‌های زرین تاجای لوح‌های عهد نامه باشد وآن را (صندوق‌الشهاعه)گفتند ∴

آنگاه فرمود تختی اززرخالص‌ساختندکه‌آنرا (تخت مرحمت) می‌گفتند دو ذراع و نیم طول داشت و یکذراع و نیم عرض.∴(دو فرشته زرین) برفراز آن روبروی یکدیگر نصب کردند که پرهای ایشان تمام تخت را فرا گرفته بود وآنرا بر سر صندوق شهادت‌جای‌دادند∴ آنگاه خوانی از زرناب‌بساختندکه‌دو ذراع‌طول داشت و یکذراع عرض و ارتفاعش یکذراع و نیم بود با کنگره های زر و حلقه های زرین.∴ از آن پس ادوات والاتی مانند جامها و دوسکانیها و شمعدانهاوغیرذلك بساختند که یك قیط زر خالص صرف آن جمله شد .∴ آنگاه سراپردهٔ راست کردند که قبهٔ آن را «هیکل» و نشیمنگاهش را «مسکن» گفتند چهل ذراع طول آن بود و بیست و هشت ذراع عرض داشت و آن قبه از پشم نربود با حلقه های زرین و قلابهای زر و پوششی برزبر آن از پشم قوچ سرخ برافراشتند و برای اینکه از باران وباد هیچ آسیب نبیند از پوست مواشی خود پوششی دیگر تعبیه کردند و آن‌پوستها را نیلگون کردند و برزبر آن دو پوشش برافراختند .∴ آنگاه چهارستون معلق بود و آنرا «قدس‌الاقداس» «قدس‌القدس» نام کردند.∴ و صندوق شهادت را در میان قدس‌القدس جای داده تخت مرحمت‌رابرسرصندوق نهادند .∴ و از بیرون خیمه خوان زر را بطرف شمال و شمعدانی زرین که شش شاخه داشت بطرف جنوب جای دادند .∴ و صحنی برای مسکن ازبافتهای باریك فراهم‌کردند که آنرا صد ذراع طول و پنج ذراع ارتفاع بود.∴ وازهرطرف‌بیست ستون شبه (برنج ـ پرنز) برپا داشتند.∴ آنگاه مذبحی با پنج ذراع طول و پنج ذراع عرض و سه ذراع ارتفاع از همان فلز مرتب داشتند.∴ خدمت خیمهٔ مجمع را حضرت موسی با «هرون» و پسران وی «ناداب» و «ابیهو» و«العازار» و«ایثامار» مقرر فرمود .∴ وحوضی ازبرنز بساختند وپرآب نمودند تا هرگاه موسی وهرون و اولاد هرون بخیمه مجللی درآیند دست و پای خویشتن بشویند .∴ آنگاه‌جامهٔ

هرون را بزینت آراستند ∴ نخست «سینه‌بندی[۱]» برای وی مرتب کردند که از هرجانب یکی بود ∴ وچهار قنطارجواهر شاداب چون یاقوت و الماس وغیرذلك بر آن نصب کردند ∴ که هر قطاری موافق عدد اسباط بنی اسرائیل دوازده دانه بود ∴ پس برهرسنگی نام یکی از اسباط ثبت‌کردند و از دور جامهٔ اوزنگ‌های زرین بیاویختند وگلی از زر ناب ممانی پیشاپیش معلق ساختند و تاج مقدس را بالای عمامه نهادند که با جواهر شاداب مرصع بود ∴ آنگاه از چوب شمشادتخت ها بطول ده ذراع و بعرض یکذراع و نیم بود با پشتیبانها بساختند ∴
ومذبحی‌که ده تخت از برای سمت شمال مسکن وده برای سمت جنوب از هرطرف یکذراع بود برای بخور آماده کردند ∴ و جمله این سیم و زر را بنی‌اسرائیل‌برای رضای‌خداوند بحضرت موسی‌آورده وهدیه کردند ∴ وآن‌بیست و نه‌قنطار وهفتصدوسی‌مثقال‌قدس‌زرناب ∴ ویکصدقنطار ویکهزار و هفتصد وهفتادو پنج‌مثقال‌سیم سپیدبود وهفتادقنطار و دوهزار وچهارصد مثقال(شبه- برنج) بود ∴

علی‌الجمله ـ در غره ماه اول از سال دوم (خیمه مجمع) را برپای‌کردندو پردهٔ دروازهٔ (مسکن) را بیاویختند ∴ و آن آلات و ادوات را که گفتیم مرتب داشتند ∴ آنگاه آثار جلال خداوند بیچون از آن سراپرده پدید آمد ∴ بدان سان که موسی را طاقت درون شدن آن خیمه نبود ∴ و ابری فرود شده آن سراپرده را فروگرفت ∴ وهرگاه ابراز سرمسکن برخواستی بهر جانب‌که‌حرکت کردی بنی اسرائیل از دنبال آن حرکت می‌کردند ∴ شبها بنظر آتش می‌نمود و روزها ابر بود ∴ و چون باز می‌ایستاد مردم از سفر باز می‌ایستادند وخیمه‌مجمع را برپای می‌کردند ∴ و ابر خیمه را می‌گرفت ∴ علامت حرکت وسکون ایشان بود] ∴ [در تاریخ سوریه عدد (۱۹۹) رجوع و مطالعه شود] در کتاب مقدس (تورة) ص خروج ۳۵ تا ۴۰ ودرکتاب ۹ (تواریخ ایام) ف ۱ (۵) مذکور است ∴ در قرآن مجید مکرر (وظللناعلیکم الغمام) نازل شده است و در کتاب (تاریخ

۱ـ ادیب‌الممالك در حاشیه رساله‌اش توضیح می‌دهد : سینه بند هرون ـ سد ره کستی زرنشتیان پیش بند م ∴ همه راجع بیك امر است .

سوریه) شرح مزبور بابعضی اختلافات مرقوم‌است و آن نسخه درکتابخانه‌موجود.

۲- بصلئیل‌بن اوری بن حود زرگرازنژادیهودابودکه‌حضرت‌موسی به فرمان خدا ساختن ادوات و آلات زرینه وسیمینه قبةالمحضر را بوی مقررداشت‌بصلئیل بکسر با و فتح صاد و سکون لام متصل به‌ایل که نام خداست می‌شود .

۳- اهولیا - اهالیا - احولیا - اهولیاب - احولیاب‌پسر احیاماك یا احی سامك - احی ساماخ از خاندان (دان)که او نیز در ردیف بصلئیل بود ∴ صحیح آن (احالیابن احی ساماخ) است ∴

٤- دو تمثال‌فرشته بوداز زرناب ساخته دربالای تخت‌مرحمت برسرصندوق شهادت نهاده‌بودند ∴ وحضرت‌سلیمان نظیرآنراساخته‌درخانهٔاندرون بیت‌المقدس که خانهٔ (تابوت عهدرب) بود برنهاد ∴

ناسخ‌التواریخ ج ۱ [آنگاه دو فرشته از چوب بساختند دوده ذراع طول و ده ذراع ارتفاع هریك بود و در پهلوی هم استوار کردند چنانکه بالهای ایشان‌که گسترده داشتند بیست ذراع عرض داشت‌تا.تابوت رب را در زیر بال آن‌فرشتگان جای دهند و هر دو فرشته را در ذهب‌خالص پوشیده‌کردند] ∴ (در توریةمذکور است کتاب دویم تواریخ ایام) در دعای سمات باین تمثال مقدس با لفظ «کروبین» اشارت شده‌است ... به زبان‌عبری این تصویرمجسم‌را «کاروبیم» وبه فرانسه«شروبن» Cherubin گویند ∴

صاحب (تاریخ سوریه) میگوید ∴ بنی اسرائیل در غیبت موسی گوساله زرین را از روی«ابلیس» مصریان ساختند ∴ ودانشمند (مولنو)درکتاب خود که برای تبرئه و تزکیه هرون مینویسد دلایل بسیار اقامه‌میکند ∴ منجمله‌میگوید [همان صنم‌مسبوك را شبیه «کاروبیم‌کروبین » دروقتی که خدا براو جلوس‌فرموده و درکوه «سینا» تجلی فرموده است ساخته بود] ∴

در دعای مقدس«سمات» در ذیل فقرهٔ‌که نام بردیم با (واو عاطفه)میفرماید

∴[وفی‌طور سیناء وفی‌جبل حوریث فی‌الوادالمقدس فی‌التقبه‌المبارکه من جانب الطورالایمن من‌الشجرة]∴

مؤلف کتاب « گنج دانش » صفحهٔ۱۷۷ از کتاب خودکه به طبع رسیده‌است در تحقیق «بیستون» آورده است که خسرو پرویز هفت‌گنج داشت :

۱ ـ گنج‌بادآورد ∴ ۲ـگنج گاوکه خزانهٔ افراسیاب بوده در مکانی وسیع‌و سرپوشیده در و دیوار سقفش مزین به طلا و لاجورد ∴ اخورها در اطراف آن ساخته‌مملو ازجواهر برسرهرآخوری‌گاوی‌بسته ازطلاو نقره‌که شاخهاوچشمهایشان از جواهر و شکمشان پر از انار و سیب . . . و به زرین مرصع ∴ و در اطراف آن جانورهای چرنده و در بالا مرغان پرندهٔ گوناگون از مینا و جواهر ساخته بودند] ∴ صاحب « فرهنگ انجمن آرای ناصری » گوید [نام جمشید بر این گاوان نقش بوده] (نگارنده محمد صادق الحسینی الفراهانی ادیب الممالك) گوید از مرقومات صاحب گنج دانش چنان استفاده میشود که این بنا از روی‌بنای حضرت سلیمان و حضرت موسی ساخته شده چنانکه از وجود (گاوها که در نمرهٔ ۱۰) ذکر خواهد شد و از (انار زرین) و از تصویر مرغان که تمثال (کاروبیم) بوده است ظاهر می‌شود ∴ومؤید این قول نام جمشید است که پارسیان برحضرت سلیمان اطلاق کرده‌اند چنانکه شاعرگوید ∴

یعقوب را نشاط ز یوسف فزوده‌اند
داود را بشارتی از جم نموده‌اند

دیگری گفته است ∴

کی نشستی دیووارون چون نگین بر تخت جم
گر نوشتی نام تو جمشید بر انگشتری

و نیز مظنون نگارنده آن است که سلاطین اشکانی (سکه عقاب دوسر) را که در مسکوکات آنهادیده شده است از تصویر (کاروبیم) برداشته‌اند∴ودولت روس دراین نقش اقتدا بآنها کرده است ∴

۵- خیمهٔعهد همان‌قبة‌المحضر است‌که مشروحاً در نمرهٔ یك‌مذکور شد ∴

۶ ـ کشتی «نقل‌ازگلدستهٔ چمن‌آئین زرتشت»

[در بیان آئین نوروزی]

(۱۱۷)فرمان است که هر فرزند زرتشتی باید مابین هفت و پانزده سالگی (سدره) پوشیده (گستی)[1] برمیان بندد - چه‌که سدره‌وگستی‌میان‌کیش بهی میباشد. سدره پوشیدنی است از پارچهٔ سپید و برصدر قطعهٔ مخصوصهٔ دارد که نامزد بـه گریبان بوده . در پائین یقــه وصل شده است . پارچهٔ سدره باید سپید باشد کـه سپیدی نشان پاکی و نظافت است .

چنان‌چون درآیهٔ ۱۲۶ (مهریشت)وارد است . بیاض علامت‌دین(مازدیسنی) باشد ∴

کشتی قسمتی ازنوار یا رشته‌ایست که بطور خاص ازابریشم یا کرك بافته. هفتاد و دو نخ دارد . سه‌لای بگرد کمر پیچیده . چهارگره دو از پیش روی و دو از پس پشت برآن زنند. شبانه روز فرض است که کشتی برمیان باشد سه‌لائی که بدورکمر پیچند متذکر سه پایه کیش ∴ یعنی«همت» «هوخت» «هورشت»باشد∴ و چهار گره که بکشتی زنند علامت چهار صفاتی است که باید هر شخص زرتشتی دارا باشد ∴

نخست «مازدیسنی» ۲ «زرتشتی» ۳ «دشمن ـ دیوان» ٤ «هرمزدی‌کیش» باشد ∴ کرکی که ازآن گستی‌بافند باید ازآن گوسپند باشد ∴ و این دلیل آن است که دارای گستی‌را شایان است‌که چون گوسپند سلیم و بی‌آزار بوده و همیشه به پاکی و پرهیزگاری زیستن کند ∴ آئین سدره پوشی وکشتی بندی موسوم به (نوزودی) است ∴که معنی آن (پرستش‌نخست و عبادت جدید) می‌شود ∴ و باید این رسم را یك‌مؤبد درحضور جماعت مؤبدان و بهدینان ادا سازد ∴ طفلی که اصول کیش رامع (اوستای ابتدائی) آموخته است تن شسته به لباس مخصوص درموقع حاضرمی‌شود ∴ مؤبد در حضور جماعت حضار طفل‌را سه‌بار «گروش

---

۱ ـ ادیب‌الممالك کلمهٔ گستی و کشتی با ضم (گ) را درهردوصورت نقل کرده

نامهٔ پازند » که ترجمه‌اش ذیلا نگاشته می‌شود میخوانند ∴ (از نگارش و نقل ترجمه صرف نظر کردیم)[1]

طفل آستین جامهٔ مؤبد را گرفته بسوی «خـورشید» نموده بااو (نیرنگ کشتی) میسراید ∴ و مؤبد کشتی را به میان طفل پیچیده چهار گـره بـر آن میزند ∴ و « گروشنامهٔ اوستائی »که « مزده‌یسنوا » همی باشد همی‌خوانند ∴از آن هنگام طفل قانوناً داخل امت پیغمبر میشود ∴

(نگارنده محمد صادق الحسینی همی‌گوید این دو نکته را مذکورمیداریم که برادران متذکر شوند یکی ۳لائی بودن کشتی و ۴ گره زدن بر او که مجموع هفت میشود ∴ دوم « سدره » که بسیار شبیه است به « سینه بند هرون در موقع دخول به مجمع مقدس » شاید «پیشگیر» نمونه و یادگار این هردو باشد)∴

۷ ـ پنج گات « نقل ازکتاب گلدسته چمن آئین زرتشت » (۱۸) « اوستا » متضمن بر مواد آتیه می‌باشد ∴ ۱ ـگاتها (که مسلماً از تصنیفات و بیانات خاصه حضرت زرتشت علیه‌السلام است) ∴ ۲ ـ ویسپردو ∴ ۳ ـ وندیداد ∴ ٤ ـ خورده اوستا ∴ پنج‌گات به معنی پنج سرود پاك است که هر یك را نامی خاص باشد ∴ ۱ ـ اهنود ۲ ـ اشتود ۳ ـ سپنتمد ٤ـ وهوخشتر ٥ ـ وهشتویشت ∴

اسم هر یك را از کلمهٔ اول هرمجموعه برآورده‌اند ∴زبان این سرودها بسیار کهن وباستان ترین‌کتب پارسیان شمرده می‌آیدعبادت ذات احدیت وتحصیل اخلاق حمیده وآداب حسنه ازآنها آموخته میشود ∴ از خواص عمدهٔ این سرودهای بهشتی این است که در هر مصرعی یکبار یا دو بار نام خداوند یکتـا که (اهوره‌مزده) یا اسماءوصفات خداوند که نامزد وبهفت امشاسپند است می‌آید ∴[گاه‌گاه اسم ذات احدیت به معیت اسماء صفات الهی آمده است]∴

۸ ـ پنج فرجوذ (فرجود) به زبان پارسی معجزه و خارق عادت است

۹ ـ هفت امشاسپند برادرمعاصر نامور ما « کیخسرو شاهرخ » که ازوکلای پارلمان و مردی دانشمند وبزرگوار است در نامهٔ موسوم به «فروغ مازدیسنی»که

---

۱ ـ این جمله از آن ادیب الممالك است و خود اوازآوردن ترجمه دریغ کرده است .

نسختی‌از آن بیادگار برای این بنده فرستاده‌است .[1]

۱۰ ـ اقیانوس ـ اسئان Océan[2]

۱۱ ـ پرخیده مرموز .·.

۱۲ ـ مصرّح .·.

۱۳ـ ستاره مشتعل ـ کوکب درخشان ـ اختر تابناك Etoile Flamboyante

۱٤ ـ شرق اعظم فرانسه Le Grand Orient بعد از آنکه« محفل‌قدیم » به واسطهٔ تأسیس «محفل اعظم وطنی » بر هم خورد « دوك شارترس » که‌در محفل اعظم‌مقام « استادی اعظم » داشت به‌واسطه مشاجرات سیئه‌و بی‌احترامی که نسبت به وی شده بود از برادران رنجید و از ل .·. کناره گزید .·. برادران نادم شده‌در مقام اعتذار برآمده‌در روز بیست و دوم اکتبر مطابق سنهٔ ۱۷۷۳ میـلادی و سنهٔ ۱۱۸۷ هجری جشنی بزرگ آراسته وریاست وی را به سمت استاد اعظمی تصویب نمودند .·. در همان روز نام « محفل اعظم وطنی » را منسوخ کرده و به جای‌آن « شرق اعظم فرانسه » را اعلان کرد .·. و باکمال جدیت و فعالیت به تنظیم‌قواعد وشئون ادارهٔ ف .·. پرداخت .·. نخستین کاری‌که‌کرد این‌بودکه موظفین بخدمت ل .·. را در سر شغل خود برقرار کرده ولوایح قرارات کلیه را به خاتم خودامضاء فرمود .·. وتصویب‌کردکه هیچ یك از محافل اقلیمی بدون داشتن اعتبارنامه از شرق اعظم دارای رسمیت نخواهد بود .·. و نیز محفلی برای تعیین درجات عالیه که مافوق‌درجات‌سه‌گانه‌رمزیه میباشندبرقرارنمود .·. دردهم‌ماه‌حریزان‌سنهٔ۱۷۷٤م ۱۱۸۸هـ ازطرف‌شرق‌اعظم‌محافلی‌که خواتین‌را به‌خواهری‌به‌پذیرد تأسیس شد .·.

.·. شرق‌اعظم ـ تادیرگاهی درخانه‌های برادران دور میزد .·. تادر دوم ماه «آب اغسطس ـ اوت» سنهٔ۱۷۷٤م سنهٔ ۱۱۸۸ هـ . عمارتی‌عالی راکه مدرسهٔ ژزویتها بود اجاره کرده و بدانجا انتقال نمودند .·.

لژ بیداری ایران .·. افتتاح این محفل مبارك و معبد مقدس‌دردارالخلافه

۱ـ ادیب‌الممالك فصل‌یازدهم‌این کتاب‌را عیناً نقل‌میکند که‌تکرار‌آن بنظرضروری‌نیامد.

۲ـ نویسنده اقیانوس را بشرحی که در ناسخ التواریخ آمده عیناً نقل کرده است .

طهران به طور رسمی و با اجازه «شرق اعظم فرانسه» و «شوری عالی ماسنی فرانسه» در شب سه شنبه ۱۹ ربیع‌الاول سنهٔ ۱۳۲٦ هـ - ۲۱ ماه آوریل ۱۹۰۸ م - ۸ ماه اپرل روسی و ۸ نیسان رومی - ۲ماه اردیبهشت جلالی سنهٔ ۸۳۰ - ۱-ماه ثور تأسیس یافت ∴ و نخستین کسی که درین ل ∴ پذیرفته شد این بنده نگارنده بود ∴ ل ∴ مزبور بعد از بمباردمان مجلس ملی شیدالله ارکانه که مطابق سه‌شنبه ۲۳ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۲٦هـ بود تعطیل شد ∴ و بعد از استقرار مشروطیت ثانوی در لیلهٔ سه‌شنبه شهر ذی‌قعدة‌الحرام سنه ۱۳۲۷ هـ ۱٤ دسامبر ۱۹۰۹-۱ کانون - ۱ دکابر روسی - ۳ مردادماه قدیم ۱۲۷۹ - ۲۹ آذر ماه جلالی ۸۳۱ مجدداً افتتاح شد ∴

۱۵ - اصحاب کهف ∴ هفت تن بودند از رؤسای مملکت و وزراء و امرای بزرگ که به مخالفت مذهب بت‌پرستی اتفاق کرده و با کاهنان معبد «افسس» ضدیت نموده وغاری را که در آن نواحی بود اختیار نموده ودر آنجا به عبادت و اعتزال پرداخته بودند ∴ سگ ایشان رانام «قمطیر» بود . درحکایت ایشان سورهٔ خاص در قرآن نازل شده ∴

و غار اصحاب کهف در چند موضع به نظر میرسد ∴ یکی درجبال افسس از بلاد آسیای صغیر که وجود آن در آنجا به‌صحت نزدیکتر است ∴ دوم در کوهستان ممالك افغانستان ∴ سوم در بلاد قفقاز در کوهسار نزدیکی ایروان ∴

۱٦- در تفسیر صافی و مجمع‌البیان می‌فرماید اینها ستارگان روندهٔ هستند که در روز مخفی و در شب آشکارند و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده که خنس وکنس عبارت است اززحل ∴ مشتری ∴ مریخ ∴ زهره ∴ عطارد ∴ و نگارنده آنها را بضمیمه شمس وقمر کنایهٔ یا تشبیهاً نماینده ارکان سبعه ل ∴ م ∴ دانسته که سیارات فلك بشریت و انسانیت و عاملان و اساتید کارخانهٔ حق پرستی و عدالتند ∴

۱۷- حرون - سرکش وغالباً درچهارپایان استعمال می‌شود. نفس امّاره چون به‌بهائم و انعام تشبیه کرده‌اند مجازاً حرون می‌گویند.

۱۸- تو بالکن Toubalcain «توبال‌قائین» از احفاد قابیل است که مخترع

آلات از فلزات شد .٭.

۱۹ـ سفر تکوین،مراد کتاب اول تورية است.٭.

۲۰ـ در کتاب مقدس تورية (کتاب اول ملوك) فصل هفتم آیه ۲۱ [و آن ستونها را در رواق هیکل برپا نمود و ستون طرف راست را برپا نموده اسمش را «دیاکین» گذاشت و ستون طرف چپ را برپا نموده و اسمش را «بوغر» نهاد] کتاب «دوم تواریخ ایام» فصل سوم آیه ۱۷ [و آن ستونها را در برابر هیکل بر پانمود یکی بدست راست ودیگری بدست چپ واسم دست‌راستی‌را «یاکین» واسم دست چپی را «بوغر» نهاد]

اما «یاکین» «یاخین» بزبان عبری (یعنی خدا حفظ کند) و بوغر بزبان عبری یعنی (در اوست مدد الهی)

وشاید که لفظ «یاسین» در قرآن مجید همان «یاکین» باشد برحسب تبدیل کاف به سین از تداول السنه و خطوط مختلفه یا نظر تعرب صورت کتبی «خ» به «س» در خط عبری و این هردو نام دو تن از معاریف بنی اسرائیل بوده. چنانکه ذکر «بوغر» در کتاب «روث حوابیه» که کتاب سوم مورخان است در تورية بشرح آمده است نام «یاکین» هم در چند جا مذکور است .

۲۱ـ زنیت . گویند این کلمه از عربی مأخوذ است و بمعنای اقصی نقطه سمت‌الرأس استعمال می‌شود .٭.

۲۲ـ نادیر ـ این کلمه را نیز مأخوذ از لغت عرب دانسته و بر منتهی‌نقطه تحت‌القدم اطلاق نمایند .٭.

۲۳ـ عوج ـ کژوکوژی امت ـ ناهمواریْ و پست وبلند درسطح.

۲۴ـ وجوب ـ افتادن و پنهان شدن یقال (وجبت‌الشمس) یعنی پنهان شدو فرو رفت آفتاب .٭.

۲۵ـ چون قطب شمال که منتهی به‌نقطه می‌گردد تنگترین نقاط‌ارض است و این معنی در قطب شمال یافت نشود زیرا که برآمدگی در قطب شمال است و فرو رفتگی از قطب جنوب.٭.در حاشیه کتاب تاریخ ایران از مرحوم میرزا آقا

خان شهید کرمانی صفحه ٦٨ مرقوم است [درعبری شرق را پیش و غرب را پس و جنوب را راست وشمال را تاریك یا پوشیده‌گویند . از سه‌لفظ اول وضع پرستش و شمس و لفظ آخر کاشف عقیده ایست که مردم اوائل در مخوف بودن شمال کره داشته‌اند و ظلمات را در انجامی پنداشتند .] .·.

٢٦- از دلوك تا بغسق - آیه هشتادم در سوره مبارکه بنی‌اسرائیل نظر به روایت «عیاشی» از حضرت امام محمد باقر و امام جعفرصادق علیهما السلام‌مذکور است که فرمودند (دلوك) عبارت‌اززوال‌شمس‌است (ظهر)و(غسق)کنایه از نیمه‌شب.·.

ظهر آید بکار خود معمار　　　نیمه شب دست می‌کشد از کار

حضرت زراتشت علیه‌السلام که یکی از مؤسسین این اساس و مخترعین‌این رموز است شاگردان خود را در موقع انعقاد مجلس از اول ظهر پذیرفته در نیمشب مرخص می‌کرد . بعد ازضیافت و بوسهٔ برادرانه‌که منتهی بختم عمل‌می‌شد.·.

زراتشت بنگر چه دین پرور است

که در شهر علمش ره از (صددر) است

[صددر- نام کتاب مؤبدی (آذر پژوه) نام است که آئین زرتشت را در آن گردآورده و صدباب است .] .·.

٢٧- قبلا درین باره شرحی مذکور شد.·.

٢٨- هاماوران - مملکت حجاز و نجد ویمن را گویند.·.

٢٩-کنگ دژهوخت پارسیان خانه اورشلیم را بدین‌نام خوانده‌اند چنانکه فردوسی گفته است :

بخشکی رسیده سر جنگجوی　　　به بیت المقدس نهادند روی

بتازی زبان خانهٔ پاك دان　　　برآورده ایوان ضحاك دان

چو بر پهلوانی سخن راندند　　　همی«کنگ‌دژهوختش»خواندند

٣٠- حیرام - پادشاه مملکت (تیر - صور) است که با حضرت سلیمان عقد اتحاد و موافقت بسته و در بنای مسجد اقصی آن بزرگوار را بفرستادن تخته و چوب با کشتی معاونت نمود . حیرام پسر (مصورا) که پدرش سوری و مادرش

اسرائیلی بود . در فن زرگری و نقاشی و مهندسی و معماری مهارت داشت . وی را نیز حیرام ملك صور برای عمارت اورشلیم بخدمت سلیمان فرستاد و این استاد آثار بزرگ در قدس الاقداس بجانهاد و اسرار م...رادر آنجا مخزون ساخته . بالاخره بشرحی که نگارش آن را اجازه ندارم در دست شاگردان خود که مظهر دیوان و ددان بودند شهادت یافت (وی اول کسی بود که سرداد و سر نداد) و دور نیست که آیهٔ شریفه (و لقد فتنا سلیمان علی ملکه و القینا علی کرسیه جداً ثم اناب) اشاره بدین خیانت باشد .[1]

۳۱- ابن کمونه از فلاسفه یهود و تلامذه شیخ ابوالفتوح شهاب الدین یحیی بن حسن السهروردی بوده است .

این شبهه را که قدما هم متعرض شده‌اند متذکر گردیده و گفت چه ضرر دارد که دو ماهیت باشند بسیط و مجهوله الکنه و امتیاز هریك از دیگری تمام ذات باشد ومفهوم وجوب وجود بر آنها عرضی صدق نماید چه مابه الاشتراك عرض مابه الامتیاز نمی‌خواهد چنانکه مقولات تسعه مثلا کم وکیف دو ماهیت بسیطند که امتیاز هریك از آنها بتمام داشت و مفهوم عرضی بر آنها صدق نمی‌کند بـه صدق عرضی وهیچ مابه الامتیاز لازم ندارند و مرکب هم نیستند . این اعتراض مدت چهار صد سال متجاوز بیجواب و لاینحل ماند لهذا آن را «شبهة الشیطان» می‌نامیدند . تا زمان فیلسوف اعظم صدرالمتالهین صدرالدین محمد بن ابراهیم از اعاظم رجال قرن یازدهم هجری آن بزرگوار شبهه مزبوره را رفع فرمود .[2]

۱- نویسنده سپس دلائل زیادی از تورات و کتاب لغت تاریخی و جغرافیائی احمد رفعت در تأیید نظر خویش می‌آورد .

۲- ادیب الممالك در حاشیه اضافه می‌کند :

ابن کمونه - سعدبن منصور یهودی مؤلف کتاب « الکاشف » که نسخهٔ خطی آن در کتابخانه اسلامبول موجوداست (ج ۱۱ - سنه۲ - قاهره ص ۶۰۰) در کتاب (تلویحات) نیز که مصنف آن شیخ اشراق است شرحی نوشته است که نسخه آن در کتابخانه مرحوم حاجی میرزا حسین نوری بنظر رسید و نسخه (تلویحات) در مدرسه خان مروی در کتابخانه آنجا موجود است .

۳۲ ـ مصدر خلقت وحیات و هلاک∴بعقیدهٔ هندوان «مهادیو» خدای بزرگ آنها است چه (مه ـ مه) به معنی بزرگ است در لغت (سانسکریت) و « دیو » به معنی خدا میباشد و رفته رفته مهادیو را «مخادیو» و «خدیو» و «خدا» کرده‌اند.

گویند : از ناف مهادیو شاخهٔ نیلوفری رسته که سه شعبه دارد :

۱ ـ برهما یعنی ذات موجدکل.

۲ ـ ویشنو یعنی حافظ و نگهدارکل.

۳ ـ سیفا یعنی مهلك ومعدم کل.

بعضی بر آنند که این هر سه از « براهم » که رب الارباب است به وجود آمده‌اند.

۳۳ ـ «هرمخیس» است آنگهی «رع» و «توم» اولا ـ باید دانست‌که‌مثلثات الهیه مصریان یا الهه مثلثه آنهاکه منضمات خدای بزرگند و(مثاث منصف) از آن تشکیل میشود عبارت است از (اوزیریس) و (ایزیس) و (هوروس) ولی‌در ضمن معتقد به الهه و خدایان عظیم و قدیمی بوده‌اند که اعظم و اقدم‌آنان «فتاح»است یعنی خالق اعظم‌هیکل‌آن در شهر منوف بوده . دیگر «رع»به معنی آفتاب‌زیرا که شمس را مصریان قدیم تمثال و نمایندهٔ آفریدگار حقیقی میدانستند . هیکل «رع» درشهر «تب ـ طیبهٔ اقصر» بوده است . نیز از برای شمس نظر به اختلافات مواقع و مطالع آن اسماء مختلفه و مظاهر متعدده وضع وتصور کـرده‌اند از آن جمله تمثال (هرمخیس) است که به یونانی (اسفنکس) (ابوالهول) و بفرس قدیم « خورمنححی »گویند و «هرمخیس» مأخوذ از زبان‌پارسی‌میباشد . و این تمثال نمایندهٔ‌آفتاب است در اول طلوع و شرق آن دوم (رع)مظهر و نمایندهٔ شمس‌است در نیمروز و هنگام ظهر . سوم « توم » تمثال خورشید است در وقت غروب .

علاوه بر این سه تمثال دیگری از برای بودن شمس در عالم سفلی و ظلام شب تصور کرده‌اند بنام (اوزیریس) ∴ اما (الهه مثلثه منف) کـه عبارت از «اوزیریس» و «اوزیس» و (هوروس) باشد نخستین را بصورت مردی ساخته‌اند و دوم را بصورت زنی و سوم رابشکل کودکی با ترتیبات وکلاهها یا تاجهای مخصوص

که هریك آلتی در دست دارند .

۳٤ ـ رمز زرتشت‌شد بگات و بیشت ـ همت نیك و هوخت با هورشت از این بیت دانسته شد که پایهٔ آئین «مزدیسنی» برسه چیز است:

۱ ـ همت نیکو ۲ ـ هوخت نیکو ۳ ـ هورشت نیکو . و نسبت باستواری مقامات عالیه انسانیت براین‌سه‌پایه درکلمه شهادت زرتشتیان‌میآید . استوارم به نیك اندیشی واستوارم به‌نیك گفتاری واستوارم بنیك‌کرداری. و ضد این‌هرسه دژ همت و دژهوخت و دژهورشت باشد چه دژ در پارسی افاده معنی زشت و بد را مینماید چون (دژمن) که (دشمن) است و (دژپل) که (دشپل) است و امثال آن . این معنی رانیز نگارنده درنامه (پیوسته فرهنگ پارسی) بنظم آورده‌ام.

۳۵ ـ دو ستون میان تهی زفلز (الی‌آخر) شرح آن در ترجمه علامت(۲۰) مرقوم افتاد .

۳٦ ـ یك لخت ـ گرزاست و دراینجا مراد از آن چکش سنگ‌تراشی باشد.

۳۷ ـ سال میلاد ده یازده رفت ... یعنی ده روز از ماه نوامبرکه ماه‌یازدهم شهور مسیحی است رفته بود از سنه ۱۹۰۷ ـ م.

۳۸ ـ قمردر دوم درجه برج « جدی » و آفتاب در هفدهم درجـه برج (عقرب) بود .

انتهی بخط مصنف در۲۱ ذیقعده

۱۳۲۹ مطابق ۲۱ عقرب

ادیب‌الممالك در صفحهٔ ۹٤ رسالهٔ خطی آئین ماسونی مینویسد:

«درسنه ٦۲۰ میلادی چون‌جماعات‌فراماسیون‌اهتمام کامل در ترویج‌شرایع دین بجای آورده ومرکز اجتماعات خود را در معابد و کنایس قرار میدادندلهذا برادران ف∴ رئیس‌انجمن‌خودرا و∴ (V ∴) خطاب‌کردندکه به معنی (محترم) باشد . و ما در ل ∴ ب ∴ ا ∴ این کلمه را به لفظArdjamind[ارجمند]تفسیر کردیم . [امضاء]

ضمیمه سوم

قانون اساسی گراند اوریان



ترجمه کامل لژ بیداری ایران

ترجمه کامل قانون اساسی شرق اعظم (گراند اوریان) فرانسه، نخستین بار درسال ۱۳۳۰ ه (۱۹۱۲) بوسیله سه‌تن از استادان لژبیداری ایران ترجمه وچاپ شد. این‌سه استاد ماسونی‌بیداری ایران: میرزا محمدعلیخان ذکاءالملك، حاجی سید نصرالله تقوی ومیرزا حسین‌خان دبیرالملك، بودندکه به‌اتفاق‌متن‌کامل‌قانون اساسی راکه درسال ۱۹۰۸ (۱۳۲٤ ه) ازمرکزگراند اوریان در اختیارآنان‌گذاشته شده بود، ترجمه‌کردند.

سه استاد مذکور نه تنها متن کامل قانون اساسی را ترجمه کردند، بلکه نظامنامهٔ عمومی شرق اعظم، نظامنامه خصوصی لژکه مسیولاتس وبزیوز و دکتر مرل نوشته‌بودند وهمچنین مواد الحاقی به‌قانون اساسی رانیزترجمه وچاپ‌کردند. درمقدمهٔ چاپ اول قانون اساسی مذکور، شرحی ازطرف افسران کرسی لژنوشته شده وسه‌استاد مترجم‌راتقدیرکرده‌اند. درتقریظ‌لژازمیرزاحسینخان(دبیرالملك) که «دراین‌کمك برادرانه ازبذل مال وصرف وقت وفراهم ساختن‌وسائل انجام‌کار» دقیقه‌ای فرو گذار نکرده، بیش از سایرین قدردانی شده است. اینك برای نخستین‌بار متن ترجمهٔ‌کامل این قانون اساسی را دراختیارافکارعمومی میگذاریم:

فهرست کتاب اول و دوم قانون اساسی گراند اوریان

قسمت اول

قسمت دوم

قسمت سوم

قسمت چهارم

قسمت پنجم

قسمت ششم

۱ ـ عین این کلمه درترجمهٔ قانون اساسی گراند اوریان درایران بکار برده شده که نقل گردیده است.

نظامنامه عمومی

کتاب اول کارخانه

فصل اول

فصل دوم

فصل سوم

فصل چهارم

فصل پنجم

فصل ششم

ترتیبات‌درون‌کارخانها:

فصل هفتم

روابط کارخانه‌ها با شرق اعظم:

فصل دهم
ترتیبات مالیه عمومی

فصل یازدهم

فصل دوازدهم

نظامنامه خصوصی ل ∴ ب ∴

فصل اول

ترتیب قبول بیگانگان

۱ - علاوه بر ترتیباتی که برای قبول بیگانگان در نظامنامه عمومی مقرر است در ل ∴ ب ∴ ترتیبات ذیل نیز باید مراعات شود.

۲ - هرگاه یکی از برادران بیگانه‌ای را لایق آشنا شدن بسر ماسنی بداند باید قبل از آنکه با آن بیگانه هیچ گونه صحبتی از وجود ل ∴ ما ایران بنماید بطریق ذیل رفتار شود.

۳ - تحصیل اجازه برای مذاکره با بیگانه باید بحضور یا بامضای سه نفر استاد باشد از جمله برادران آنهائیکه قبلاً تشویق داده معرفی بزرگتری ندارند معرفی خود را به برادران دیگر معلوم کنند.

۴ - اسامی بیگانگانیکه معرفی شده‌اند باید در لوح مخصوص بخط جلی و معرف کامل نوشته روز قبل از آنکه بخواهند برای تحصیل اجازه رای بگیرند نوشته و اعلان شده باشد.

۵ - پس از آنکه بیگانه معرفی شد ل ∴ ما یا سه نفر از برادران را امین میکند درباره چند ماده بخصوص از اوراق تفتیش بدهند با تحقیق از شخص بیگانه نیست تحقیقات خارجی خود را راپورت بدهند

۶ - همه برادران حاضر حق مذاکره دارند اما حق رای فقط برای استادان و یاران است هرگاه عده مهره سیاه کمتر از خمس عده کلیه مهره‌ها بوده باشد اجازه داده میشود.

۷ - عده کلیه رای دهندگان نباید کمتر از یازده باشد.

۸ - هرگاه یک ورقه از اوراق تفتیش که در نظامنامه عمومی مذکور است یکی از ستونهایش ساکت یا مبهم باشد ارجمند آن ورقه را بتوسط برادر دیگر تجدید کرده و بعد از اکمال آن رای گرفته میشود

صفحه اول نظامنامه لژ بیداری ایران به خط وثوق‌الدوله

قانون اساسی

شرق اعظم فرانسه

که برای فرانسه ومستملکات آن شورای عالی میباشد مصوب مجمع عمومی در دوره اجلاسیه (۱۸۸٤) ومصدق لژها در (۱۵) فوریه (۱۸۸۵) رسمیت یافته ازجانب شورای طریقت در (۲۷) اوریل (۱۸۸۵) با تصرفاتیکه مجمع عمومی تا (۲۵) سپتامبر (۱۹۰۹) درآن نموده است .

قسمت اول

فرانماسنری واصول آن

بند اول

فرانماسنری شالوده نوع دوستی و فیلسوفی و طلب ترقی است . مقصودش جستجوی حقیقت وتهذیب اخلاق وبکار بردن همبستگی است . کارش اصلاح امور مادی و معنوی و تکمیل قوای عقلیه ومدینه عالم انسانیت . شیوه‌اش برد باری از یکدیگر و حفظ شرف خود و سایرین و آزادی مطلق وجدان وعقیده است .

چون ادراك حکمتهای فوق الطبیعه را منوط بفهم شخصی اعضایش میداند

لهذا فراماسنری درصدد تحمیل احکام و سنن مذهبی نیست .

شعارش : آزادی ، برابری ، برادری .

بند دوم

فراماسنری مکلف است رشته اخوتی‌که همه برادران این‌طریقترا درکره ارض بیکدیگر پیوسته میدارد بنام افراد بشر برساند .

بگروندگان خود سفارش میکند که بواسطه سرمشق نیکوکاری وگفتن و نوشتن این‌مسلك را انتشار دهند با رعایت راز داری ماسنی .

بند سوم

فراماسن مکلف است در هرموقعی راهنمائی وهمراهی و حمایت از برادر خودکند اگر چه زندگی خود را هم بخطر بیندازد و باید از برادر خود در برابر ظلم مدافعه‌کند .

بند چهارم

فراماسنری‌کارکردن را یکی از تکالیف خاصه انسان میداندکارهای دماغی و بازوئی را یکسان‌گرامی میشمارد .

قسمت دوم

فراماسنها وکارخانهای ماسنی

فصل اول

فراماسنها

بند پنجم

فرمانروائی ماسنی متعلق بعموم ماسنهائیست که رسماً درکار هستند و تابع این قانون اساسی میباشند این فرمانروائی بواسطه رای عموم اجرا میشود .

بند ششم

قبول هـرکس درفراماسنری بموجب رائیست‌که تمام فراماسنهای حاضر هرگاه منظم باشند حق شرکت درآن دارند .

شرایط منظم بودن ماسنها در نظامنامه عمومی معین شده است .

بند هفتم

فراماسنری دارای نشانها ورموزیست که معنای رمز عالی آنها نباید بر کسی آشکاراگردد مگر بواسطه سیر.

این نشانها و رموز بشکلهای معین پیشوای کار هـای فراماسنها میباشد و فراماسنها در تمام کره بواسطه آنها میتوانند همدیگر را بشناسند و بیکدیگر کمك نمایند .

سیرهای ماسنی دارای چندین پایه یا مقامات است .

سه‌پایه اول : شاگردی ، یاری ، استادی است .. وتنها استادی‌انسانرا دارای همه حقوق ماسنی مینماید .

هیچکس ازمراتب‌آزمایشهائیکه درآئین نامه دستورداده شده معاف‌نیست.

بند هشتم

هیچکس نمیتواندبرای سیرماسنی‌پذیرفته شود و۶۰ برخور داری ازحقوق ماسنی حاصل نماید مگرآنکه :

۱ـ سنش بیست و یکسال تمام باشد .

۲ـ شهرت و اخلاقی‌که مورد سرزنش است نداشته باشد .

۳ـ وسایل معاش با شرف باندازه داشته باشد .

٤ـ سواد بقدر دریافت تعلیمات ماسنی داشته باشد .

۵ـ لااقل از ششماه در قلمرو (Département)

لژیکه خودرابآن معرفی‌کرده‌یا درمسافت صدکیلومتر (۱٦ فرسخ) متوطن

یا مقیم باشد لیکن برای ساکنین محلی که در آنجا هیچ لژ نیست استثنا ممکن است.

از شرط سن معافند پسرهای فراماسنها وصغیرانی که لژها منظما آنها را بفرزندی قبول کرده باشند این قبیل اشخاص با رضای پدر یا مادر یاقیمشان درسن هجده سالگی ممکن است بسیر پایه شاگردی پذیرفته شوند لیکن پیش از اکمال سن بیست ویك یاکبیرشدن نمیتوانند بپایه یاری و استادی برسند .

اهل نظام و بحریه ومستخدمین دولتی وکسانیکه بواسطه کاروشغل خودشان مجبورند غالباً اقامتگاه خویش را تغییر دهند از شرط توطن و اقامت معافند .

بند نهم

عنوان ماسنی وحقوق وامتیازات مخصوصه بآن سلب میشود :

۱- بواسطه رفتار بیشرفانه .

۲- بواسطه اجرای پیشه و شغلی که در انظار عامه زشت باشد .

۳- بواسطه تخلف از قراردادهای ماسنی که هنگام سیر تعهد کرده است .

هیچکس را نمیتوان ازعنوان فراماسنی محروم کرد مگر بواسطه محاکمه که در حق اوموافق شرایط وترتیبات قانون اساسی و نظامنامه عمومی فراماسنی بعمل آید .

فصل دوم

کارخانه‌های ماسنی

بند دهم

فراماسنها در حوزه‌هائی گرد میایندکه بطور کلی کارخانــه نامیده میشود کارخانه‌های مخصوص سه پایه اول لژ نام دارد .

کارخانه‌های مخصوص پایه‌های بالاتر تا پایه‌سی‌ام.

(خانقاه) (Chapitre) و(کنگاشستان) (Conseil) نامیده میشود .

کارخانه بالاترازسی‌ام‌که تنها حق‌دارد سیرهای پایه‌های‌آخری‌فراماسنری را بدهد بارگاه سترك آئین ها نامیده میشود(Grand College Desrites)

بند یازدهم

کارخانه ها در حد قواعدیکه بموجب این قانون اساسی و نظامنامه عمومی برقرار شده در اداره خود آزاد میباشند.

برای امور راجع بمنافع عمومی ماسنی باید با کارخانه‌ها مشاوره شود.

بند دوازدهم

در درون محفلهای ماسنی همه فراماسنهاکاملایکسان و برابرند وامتیازی مابین ایشان نیست مگر امتیاز مراتب سالاری.

بند سیزدهم

تمام مشاغل ماسنی انتخابی و موقتی است و در مواقع مخصوصه‌که نظامنامه عمومی معین‌کرده ممکن است در مقابل مشاغل مزبوره وظیفه داده شود.

هرسال کارخانه ها سالاران خود را انتخاب میکنند.

عنوان و شماره سالاران و وظایف هریك و شرایط انتخاب ایشان و موقع‌و طریق انتخاب در نظامنامه عمومی مصرح است.

بندچهاردهم

تنها اعضای رسمی کارخانه بسالاری آن کارخانه می‌توانند انتخاب شوند.

تنها اعضای رسمی در انتخاب سالاران حق رأی دارند.

شرایط عضویت رسمی ماسنی در نظامنامه عمومی معین شده است.

بند پانزدهم

کارخانه‌ها براعضای خود وهمه فراماسنهای حاضر در هنگام کار حق‌حفظ نظم دارند کارخانه‌ها مباحثه در اعمال حکومت و مداخله ماسنی در کشمکش‌های احزاب سیاسی را برخود ممنوع می‌دارند.

سالاری که ریاست دارد حافظ نظم جلسه است.

بند شانزدهم

چند کارخانه از یك شرق یا ازشرقهای متعدد میتوانند پس ازآنکه لااقل از هشت روز پیش بشورای طریقت اعلام کرده باشند برای مذاکرات در مسائل راجعه به‌منافع عمومی ماسنی‌گردآیند و ممکن است در این جلسات عموم‌اعضای هرکارخانه حاضر شوند یا نماینده بفرستند .

آرائیکه در این جلسات اتخاذ می‌شود بهیچوجه نباید منافی قانون اساسی یا قوانین ماسنی‌بوده باشد.

قسمت‌سوم

قوای ماسنی

فصل اول

شرق اعظم فرانسه

بند هفدهم

کارخانهائی که تابع این قانون اساسی و نظامنامه های عمومی و خصوصی مشتقه از آن می‌باشند یك هیئت اتحادیه تشکیل می‌دهند .

این هیئت اتحادیه موسومست به : (شرق اعظم فرانسه که برای فرانسه و مستملکات آن شورای عالی می‌باشد .)

مقر شرق اعظم پاریس است .

بند هیجدهم

هرفراماسنی از یك کارخانه شرق اعظم فرانسه میتواند عضو یك یا چند کارخانه تابع هیئت دیگر ماسنی باشد مشروط براینکه قوانین آن هیئت ماسنی هم رعایت این تسهیل را در باره اعضای خود نسبت به هیئت اتحادیه شرق اعظم فرانسه بنماید لیکن در یکسال شرکت در تقنین دو هیئت مختلف ممنوع است .

بند نوزدهم

شرق‌اعظم‌که‌برای‌فرانسه ومستملکات شورای عالی کارخانهائیراکه درکارهای خود یکی‌ازدوآئین‌مقبول هیئت‌کارمی‌کنند جزوهیئت اتحادیه خود می‌پذیرد .

بند بیستم

مخارج عمومی شرق اعظم را لژها وفراماسنها بوسیله یك مالیات‌سرشمار و عوارض مخصوصه تحمل می‌نمایند .

فصل دوم

مجمع عمومی

بند بیست و یکم

مجمع عمومی شرق اعظم فرانسه مرکب است :

(اولا) از تمام نمایندگان لژهای هیئت اتحادیــه که به رأی مخفی انتخاب می‌شوند .

(ثانیاً) ازاعضای شورای طریقت لیکن این اعضا درمجمع عمومی‌نمی‌توانند سمت نمایندگی کارخانه را با عضویت شورای طریقت معاً دارا باشند .

هر لژی در مجمع عمومی یك نماینده بیشتر ندارد مدت نمایندگی هر نماینده تا وقتیست که جانشین او انتخاب شود .

بند بیست و دوم

هرگاه نماینده لژی برای حضور در مجمع عمومی مانع پیداکند لژ بجای او یکنفر نایب تعیین می‌کند و برای این‌کار باید مخصوصاً جلسه تشکل دهد .

هیچ فراماسنی نمی‌تواند در مجمع عمومی نماینده زیاده از یك‌لژباشد .

بند بیست و سوم

نمایندگان باید همیشه از میان اعضای رسمی لژ که لااقل از دوسال پایه

استادی و لااقل از یکسال در آن لژ عضویت داشته باشند انتخاب شوند شغل ارجمندی باشغل نمایندگی لژ منافات ندارد

لژهای الجزایر و مستملکات فرانسه و ممالك خارجه که جزو شرق اعظم فرانسه می‌باشند می‌توانند نمایندگان خود را از اعضای لژهای دیگر هیئت‌شرق اعظم انتخاب کنند مشروط براینکه نماینده منتخب‌لااقل از دوسال استاد ولااقل از یکسال عضو رسمی لژ منظمی باشد .

لژهائیکه کمتر از دوسال برقرار شده‌اند همین حقرا دارند درصورتیکه هیچیك از اعضای آنها در مدت دو سال استادی نداشته باشد .

بند بیست و چهارم

مجمع عمومی‌هر‌سال درروزیکه نظامنامه عمومی‌معین‌کرده جلسه متعارفی تشکیل می‌دهد .

بند بیست و پنجم

هرگاه شورای طریقت پس‌از مذاکره باکثریت نامه اعضاء بسبب مهم فوری انعقاد مجمع عمومی‌را لازم‌بدانند بطور فوق‌العاده تشکیل‌می‌شود.

شورای طریقت باید مجمع عمومی را دعوت بانعقاد فوق‌العاده کند هرگاه اکثر لژها نظر به مقصود واحد معین این امر را تقاضا کنند .

بند بیست و ششم

مجمع عمومی بموجب رأی اوراقی یکرئیس و دو نگهبان و یك خطیب و یك نویسنده و یك ممیز بزرگ از میان اعضاء خود انتخاب می‌کند .

سالاران دیگر مجمع بطریق قرعه انتخاب می‌شوند .

بند بیست و هفتم

مجمع عمومی شرق اعظم قوه مؤسسه و قوهٔ مقننه هیئت اتحادیه است ودر باره پیشنهاد لوایح قانون اساسی یا قوانین دیگر که به او تقدیم می‌شود حکم

نمی‌کند مگر پس‌از آنکه از لژها کسب رأی کند .

حکم درباره راپورت اداری‌که شورای طریقت پیشنهاد می‌کند نیز با مجمع عمومی است .

تصفیه حسابهای دوره منقضیه و تعیین بودجه جمع خرج‌دوره‌آتیه بامجمع عمومی است .

هریك از اعضای مجمع عمومی حق استیضاح دارند .

مجمع عمومی می‌تواند برحسب پیشنهاد شورای‌طریقت یامجازات یا حکم طرد راکه درباره کار م ـ خانه‌ها هیئت یا فراماسنها داده شده باشد تخفیف دهد.

فصل‌سوم

شورای طریقت

بند بیست و هشتم

شورای طریقت مرکب است از سی و سه عضوکه مجمع عمومی شرق اعظم فرانسه آنان را از میان خود انتخاب می‌کند .

اعضای شورا برای سه سال انتخاب می‌شوند انتخاب بوسیله اوراق خطی واقع می‌شود که رئیس نظار انتخاب آن اوراق را می‌دهد در دونوبت اول نتیجه باکثریت‌تامه آرا و در نوبت سیم باکثریت نسبی حاصل می‌شود در صورت تساوی آرا قدمت ماسنی در پایه استادی قاطع نتیجه انتخاباتست .

هرسال یکثلث اعضای شورا جدیداً انتخاب می‌شوند در باره اعضای‌منفصل تجدید انتخاب نمی‌توان کرد مگر به‌فاصله یکسال .

بند بیست و نهم

همه‌ساله بعد از تجدید انتخاب مذکور دراصل سابق شورای طریقت رئیس و دونایب رئیس و دو نویسنده برای خود و یکنفر مهردار و تمبردار شرق اعظم فرانسه را تعیین می‌کند .

نظامنامه شورای طریقت را هم خود او ترتیب می‌دهد .

بند سی‌ام

شورای طریقت نگهبان قانون اساسیست و اجرای قوانین ماسنی و آراء مجمع عمومی و احکام عدلیه ماسنی با اوست .

روابط شرق اعظم با ادارات دولتی و هیئت‌های ماسنی فرانسه و خارجه به دست اوست تعیین ضامنهای دوستی شرق اعظم در نزد هیئتها با اوست .

بند سی و یکم

شورای طریقت امور طریقترا اداره می‌کند قواعد اداری صادرمی‌کند و آراء مجمع‌عمومی‌را رسمیت می‌دهد واحکام ومقررات اداراتی را که صلاحیت داشته‌اند اخطار می‌کند .

هرسال شورای طریقت راپورت اعمال خود را بمجمع عمومی می‌دهد .

بودجه سالیانه را آماده کرده دوماه لااقل پیش از انعقاد مجمع عمومی به لژها پیشنهاد می‌کند .

یك‌ماه پیش ازانعقاد مجمع‌عمومی راپورت اعمال‌خود را به‌لژها میفرستد.

اعضای شورا منفرداً در مقابل مجمع عمومی‌مسئول اجرای‌مأموریت‌خود می‌باشند .

بند سی و دوم

شورای طریقت در باره کلیه تقاضاهای راجع به‌تأسیس یا تجدید و بیداری کارخانها و نظامنامه‌های خصوصی یا صحت انتخابات رأی می‌دهد .

تأسیس لژهای تازه یا بیداری لژهای خوابیده را دعوت وتشویق می‌کند .

کارخانهائی را که خارج از هیئت شرق اعظم از روی قاعده تشکیل شده و این قانون اساسی و نظامنامهٔ عمومی را پذیرفته و نظامنامهٔ خصوصی آنها مخالف نظامنامهٔ عمومی شرق اعظم نباشد .

منشورها (Diplomes) توقیعات (Brefs) و طغراهائی (Patentes) را که کارخانه‌ها می‌طلبندامضاو اعطا میکند .

بند سی و سوم

شورای طریقت مأموراصلاح اختلافات میان‌کارخانه‌ها و فراماسنها میباشد . شکایتهائیکه نسبت به برادران یاکارخانه‌ها میرسد دریافت‌میکند وبمواقع مقتضیه ارجاع می‌نماید .

تشکیلات نسبت به‌حکم مجالس استیناف ماسنی را دریافت کرده به مجلس تمیزارجاع‌می‌کند همچنین شورای طریقت میتواند مبادرت به تقاضای محاکمه‌یا رجوع به تمیز بنماید .

بند سی و چهارم

شورای طریقت در مواقع استثنائی فوق‌العاده و به علتهای راجع به عموم ماسنها حق دارد کارخانه‌ها را تعطیل و فراماسنها را محروم کند و مسئولیت این اقدام را در مقابل مجمع عمومی بر عهده خود بگیرد تعطیل ومحرومیت فوق تا روزی است که محکمهٔ ماسنی صالحه حکم خود را بدهد .

به‌محکمهٔ مزبوره باید بفوریت رجوع شودآنهم باسرع وجوه‌حکم دهد.

قسمت چهارم

ترتیب محاکمات

فصل اول

قوای قضائیه

بند سی و پنجم

قوهٔ قضائیه مجری میشود :

بدایةً به واسطه لژها به وسیلهٔ هیئتهای منصفه برادرانه که از میان اعضاء تعیین می‌شود استینافاً بواسطهٔ مجلسهای استیناف مرکب از نمایندگان لژها .

این‌جمله خارج از عمل حفظ نظم است‌که متعلق به کارخانه‌ها است‌وموافق نظامنامهٔ عمومی مجری می دارند .

فصل‌دوم

هیئت منصفه کارخانه‌ها ومجالس استیناف

بند سی و ششم

کارخانه‌هائی‌که طرف‌دعوا واقع میشوند بواسطهٔ یکهیئت منصفه مرکب‌از نمایندگان محاکمه میشوند .

بند سی و هفتم

احکام لژهاومجالس استیناف وهیئتهای منصفه کارخانه‌ها باید متضمن‌دلایل و مدرك باشد .

بند سی و هشتم

احکام مجالس استیناف و هیئتهای منصفه قابل تمیز است و ارجاع به تمیز اثر حکمرا معوق می‌دارد .

بند سی و نهم

طریق محاکمه واصول محاکمات ومجازاتها رانظامنامه عمومی‌معین‌میکند.
۲۷۵ ومابعد

فصل سوم

مجلس تمیز

بند چهلم

یك مجلس تمیز برقراراست که در صورت عدم مراعات مراسم قانونی ودر صورت عدم انطباق با قوانین قضائیه یا مخالفت با قوانین خمیرا که به او رجـوع

شده است نقض می‌کند و ماهیت دعوا را به مجلس استیناف دیگر یا هیئت منصفه دیگر ارجاع می‌کند .

بند چهل و یکم

مجلس تمیز مرکب است از پانزده عضو که در مجمع عمومی به رأی مخفی برای سه سال انتخاب می‌شوند و هر سال ثلث آنها تجدید میشود و انتخاب ایشان بعد از انتخاب اعضای شورای طریقت و بهمان ترتیب و با همان شرایط واقع می‌شود .

بند چهل و دوم

مشاغل عضویت محکمه تمیز بامشاغل نمایندگی قضائی یاعضویت شورای طریقت منافات دارد . اعضای مجلس تمیز در تمام مدت عضویت خود که در بند چهل و یك مذکور شد به مشاغل عضویت شورای طریقت قابل انتخاب نیستند .

بند چهل و سوم

مقر مجلس تمیز درپاریس در شرق اعظم است .

درموقع انعقاد مجمع عمومی اجباراً منعقد است و هروقت احتیاجات اقتضا کند رئیس مجلس تمیز آنرا دعوت به انعقاد میکند اما در جلساتی که حکم داده میشود عدهٔ اعضای دعوت شده هفت نفر خواهد بود که به حکم قرعه در جلسه شورای طریقت در حضور رئیس مجلس تمیز یا نماینده او معین میشوند برای اینکه آرایشان معتبر باشد لااقل باید پنج نفر حاضر باشند .

بند چهل و چهارم

هر سال مجلس تمیز در دورهٔ اجلاسیه ماه سپتامبر بعد از تجدید ثلث اعضا رئیس و نایب رئیس و نویسندهٔ خود را انتخاب میکند .

درقسمت رسمی صحیفه اعمال شرق اعظم این امر مذکور می‌شود .

قسمت پنجم

بند چهل و پنجم

در ممالك خارجه‌که‌هیئت ماسنی‌منظمی هست و باشرق اعظم رابطه‌برادرانه دارد شرق اعظم فرانسه درآنجا تشکیل کارخانه نمی‌دهد .

در وضع لژهائی‌که‌فعلا در ممالك‌خارجه موجود است‌تغییری داده نمی‌شود شرق اعظم درفرانسه و مستملکات آن کارخانه را که به واسطهٔ هیئت‌ماسنی خارجی تشکیل شده باشد تصدیق نمی‌کند .

قسمت ششم

تجدید نظر و تغییر قوانین‌ماسنی

بند چهل و ششم

هرگاه پیشنهادی متضمن تجدید نظر کلی یاجزئی قانون اساسی یا نسخ یا تغییر یکی از قوانین ماسنی یا نظامنامه عمومی بوده باشد باید به‌مجمع‌عمومی برود و قابل توجه شود و در ظرف سه ماه با رأی شورای طریقت بلـژها فرستاده شودکه مطرح مذاکره قرار دهند .

مجمع عمومی در دورهٔ اجلاسیه‌آینده درآن باب رأی می‌دهد .

لایحه که مجمع عمومی رأی داد بلژها فرستاده میشودبایدبر رد یاقبول‌آن رأی دهند

بند چهل و هفتم

ممکن است پیشنهادهای قانونی از طرف شورای طریقت به مجمع بشود لیکن باید آن پیشنهاد درجلسه تام شورای طریقت تصویب شده و در ظرف‌پانزده روز بعد از اختتام همان دوره اجلاسیه که در آن پیشنهادهای مذکور قبول شده است بلژها فرستاده شود که مطرح مذاکره قرار دهند .

قرارداد موقتی

بند چهل و هشتم

این‌قانون اساسی‌بتصویب لژهای هیئت اتحادیه بایدبرسد .

تصدیق این قانون اساسی وقتی صورت میگیرد که اکثر لژهای شرق اعظم تصویب کرده باشند لژهائی که در ظرف سه ماه پس از آن‌که این قانون اساسی رسماً به‌آنها اخطار شده جواب نداده باشند جزو تصویب کنندگان قانون اساسی محسوب خواهندبود .

نظامنامه

عمومی شرق اعظم فرانسه

که برای فرانسه و مستملکات‌آن شورای عالی‌می‌باشد مصوب مجمع‌عمومی در دوره اجلاسیه سنه ۱۸۸۵ و رسمیت یافته از جانب شورای طریقت در نهم نوامبر ۱۸۸۵ با تصرفاتیکه مجمع عمومی تا ۲۵ سپتامبر سنه ۱۹۰۹ در آن‌کرده است .

کتاب اول کارخانها

فصل اول

کارخانه‌های متنوعه و آئینهای متفاوته

۱ـ کارخانه ابتدائی لژ است و این کارخانه است که بیگانه را به زندگی ماسنی‌آشنا می‌کند . (خانقاهها) (Chapitre) و(کنگاشستانها) (Conseil) بلژها متکی است .

هیچ خانقاهی نمی‌تواند موجود باشد مگر به رضای لژیکه بنیان اوست همچنین هیچ کنگاشستانی موجود نمی‌شود مگر اینکه متکی‌برخانقاهی‌باشد .

این کارخانها عنوان دیگری نمی‌توانند داشته باشند مگر عنوان لژی که

بر او متکی می‌باشند .

در هر ناحیه که وحدت خانقاه بواسطه امتزاج حاصل شده باشدآن‌خانقاه واحد می‌تواند با اجازه شرق اعظم فرانسه عنوانی اختیار کند غیر عنوان لژهای موجود در آن مکان لیکن باید ناچار متکی براقدم لژها باشد واگر لژ اقدم دایر نباشد متکی بر لژی باشد که از روی ترتیب قدمت بلاواسطه بعد از لژاقدم‌است.

۲ـ قبول در خانقاهها و کنگاشستانها باید بموجب استحقاق غیرتمندی و قابلیت ماسنی یا بواسطه خدمات طریقتی حاصل شود .

۳ـ میان آئینهای متفاوته که شرق اعظم فرانسه تصدیق دارد مزیتی نیست گرچه عده پایهای آنها مختلف باشد .

هیچ کارخانه نمی‌تواندبموجب پایهای عالی‌که عطا می‌کند برکارخانه‌دیگر داعیه تفوق داشته باشد .

هیچ کارخانه که بریك‌آئین تأسیس شده نمی‌تواندآئین دیگر اختیار کند مگر اینکه ازشرق اعظم مطابق‌آنچه برای جمیع آئین‌ها دستور داده شده‌اجازه حاصل کند و گرنه از هیئت اتحادیه اخراج خواهد شد .

فصل دوم

تأسیس و استواری کارخانها

قسمت اول

تاسیس لژها

٤ـ هیچ لژی تأسیس نمی‌تواند شد مگر اینکه هفت نفراستاد دریك شرق گردآیند و دارای منشورهائی باشند که شرق اعظم صحت آنرا قبول‌کرده باشد .

۵ـ برادران مؤسس لژ را موقتاً تشکیل می‌دهند ویکیرا از میان خودشان ریاست داده عنوان ارجمندی می‌دهند و دیگران مشاغل نگهبان اول و دوم و خطیب ونویسنده‌وخزانه‌داروامین خیریه‌واگرباز باشند ممیز بزرگ و معمار و

دربان و رئیس تشریفات اختیار می‌کنند .

۶ـ لژ موقتی عنوان ممتازی‌اختیار می‌کنند که باعنوان هیچ لژ دیگر از هیئت اتحادیه مشارك نباشند و اختیـار قطعی عنوان موقوف بـه تصویب شورای طریقت خواهد بودآن گاه ازشورای طریقت تقاضای اجازه تأسیس رمزی‌مینماید و این تقاضا باید مطابق نمونه که ملحق باین نظامنامه است نوشته شده‌وچراغهای پنجگانه لژ امضا کرده باشند .

لژ موقتی تا هنگامیکه استواری یابد بکار دیگر نمی‌تواند بپردازد و از سیردادن بیگانگان ممنوع است .

۷ـ باتقاضای لژ موقتی باید همراه باشد :

۱ـ صورتی دردونسخه مطابق نمونه‌که منضّم باین نظامنامه است ازاسامی و القاب و مکان تولد و تاریخ آن و مسکن وصفات‌مدنی و ماسنی اعضای مؤسس با تعیین لژهائیکه در آنجا بماسنی پذیرفته شده‌اند و اینصورترا باید تمام اعضا امضا کرده و چراغهای پنجگانه تصدیق کنند .

۲ـ منشورهای اعضای مؤسس و هم‌چنین سندهای مشعر براینکه‌مؤسسین مذکور نسبت به‌کارخانهائی که عضو آن بوده یا هستند مدیون نیستند .

۳ـ صورت مجلس‌جلسه مؤسسین‌که‌درآن‌عزیمت‌تشکیل‌لژ واختیارعنوان ممتاز و آئین نموده‌اند .

٤ـ تصدیق انتخاب‌ارجمند موقتی باپیمان‌نامه او به تمامه وآدرس برای مکاتبات .

۵ ـ نقش مهر یاتمبر لژ.

٦ـ تعیین مکانی که به جهت‌کارکردن لژاختیار شده‌واگرممکن‌باشد نقشه وبیان تفصیلی‌آن.

۷ـ وجوه لازمـه برای‌اعطای فرمان تأسیس‌وآئین‌نامه ها وسه نسخه از

قانون اساسی و نظامنامه عمومی و اوراق چاپی لازمه‌واگرموقع داشته باشد باج سالیانه .

۸ - پس از دریافت نوشتجات مذکور درمادهٔ قبل ووجوه گرلازم باشدبه تفتیش لژ موقتی و بازدید آن اقدام میشود آن‌گاه شورای طریقت اجازه تأسیس رمزی را اعطا یا رد میکند.

در صورتیکه رد کند نوشتجات‌شخصی وجوهرات‌به‌صاحبانش‌مستردمیدارد رسید ونوشته تفریغ ذمه میگیرد سایر نوشتجات در دفترشرق اعظم ضبطمیشود.

قسمت دوم
تأسیس خانقاه

۹ - خانقاه پس از مذاکره و موافقت لژی که بر او باید متکی شودتأسیس نمی‌تواند شد مگر به واسطهٔ هفت نفر (شو ∴ رزکروا) Chev ∴ Rosecroix که عضویت‌رسمی لژهای هیئت اتحادیه‌را دارا بوده وتوقیعات‌شرق‌اعظم یاتوقیعات مصوبه شرق اعظم را داشته باشد .

۱۰ - مؤسسین خانقاه موقتی تشکیل داده سالاران موقتی انتخاب میکنند عنوان لژ یانام‌ناحیه‌را عنوان ممتاز خود قرارمیدهند وازشورای طریقت‌تقاضای اعطای فرمان خانقاهی میکنند وآن تقاضارا چراغهای پنجگانه امضاکرده به‌مهر لژ نیز میرسانند .

تا هنگامی‌که خانقاه‌استواری نیافته به هیچ کاردیگر نمیتواند بپردازد.

۱۱ - بتقاضای خانقاه موقتی باید منضم‌باشد :

۱ - مذاکرات لژ با امضای چراغهای پنجگانه ومهر، مهردار.

۲ - صورتی در دو نسخه ازاسامی والقاب ومکان تولد وتاریخ آن ومسکن وصفات مدنی و ماسنی اعضای مؤسسه با تعیین لژهائیکه در آنجا سمت رسمیت دارند واین‌صورت بایدبا امضای تمام اعضا رسیده و چراغهای پنجگانه تصدیق کرده باشند .

۳ ـ توقیعات‌اعضای مؤسسه وگرلازم باشد نوشتجات مشعر برمنظم بودن ماسنی‌ایشان.

٤ـ صورت مجلس مذاکرات اعضای مؤسسه .

٥ـ تصدیق‌انتخاب(زیرکساز) (Tres Sage) موقتی‌باپیمان‌نامه‌او به‌تمامه وآدرس مکاتبه .

٦ ـ نقش مهر یا تمبر خانقاه .

۷ ـ وجودلازمیه برای‌اعطای فرمان خانقاهی وآئین نام‌ها وسه نسخه‌از قانون اساسی و نظامنامه عمومی واوراق چاپی‌لازمه وآبونمان سالیانه‌صحیفه‌اعمال شرق‌اعظم واجرت پستی مکاتبات .

تمام نوشتجات صادره از خانقاه باید به مهر لژی کـه بر آن متکی است رسیده باشد.

۱۲ ـ شورای طریقت پس از استشاره از بارگاه درباب این‌تقاضا رأی‌میدهد هرگاه ردکند نوشتجات اشخاص وپولها را مسترد میدارد و قبض رسید و تفریغ ذمه میگیردسایر نوشتجات دردفتر شرق اعظم ضبط میشود .

قسمت سوم
تأسیس کنگاشستان

۱۳ـکنگاشستان پس از مذاکره و موافقت لژ و خانقاهی‌که بـر آنها باید متکی‌باشدتأسیس نمیتواندشد مگر به‌واسطهٔهفت‌نفر(شو∴کاد∴) (Chev ∴k ad) که عضو رسمی لژها و خانقاههای هیئت اتحادیه بوده‌دارای طغرای شرق‌اعظم یا طغراهای تصویب شده او باشند .

۱٤ ـ مؤسسین کنگاشستان موقتی را تشکیل می‌دهند و سالاران موقتی را انتخاب می‌کنند و عنوان لژ و خانقاه یا اسم ناحیه را بطـور عنوان ممتاز اختیار مینمایند و از شورای‌طریقت تقاضای فرمان تأسیس به امضای چراغهای‌پنجگانه و مهر خانقاه مینمایند .

کنگاشستان موقتی تاهنگامی که استواری نیافته نمی‌تواند به‌کارهای دیگر بپردازد .

۱۵ ـ به تقاضای کنگاشستان موقتی باید منضم باشد:

۱ـ مذاکرات لژ به‌ترتیب صحیح.

۲ ـ مذاکرات خانقاه .

۳ـ صورتی در دو نسخه از اسامی و القاب و مکان تولد و تاریخ آن و مسکن و صفات مدنی و ماسنی مؤسسین با تعیین لژها و خانقاهائیکه در آنجا عضویت رسمی دارند و در این صورت باید به امضای تمام اعضاء رسیده و چراغهای پنجگانه آن را تصدیق کرده باشند .

٤ ـ طغراهای اعضای مؤسسه و گرموقع باشد نوشتجات مشعر بر منظم بودن ماسنی ایشان.

۵ ـ صورتمجلس مذاکرات مؤسسین .

٦ ـ تصدیق انتخاب رئیس موقتی با پیمان نامه او بتمامه و آدرس برای مکاتبات .

۷ ـ نقش مهر با تمبر کنگاشستان .

۸ ـ وجوه لازمه برای اعطای فرمان تأسیس و آئین نامه‌ها و سه نسخه قانون اساسی و نظامنامه عمومی و اوراق چاپی لازمه وجه آبونه سالیانه صحیفه اعمال شرق اعظم و اجرت پستی سالیانه مکاتبات .

۱٦ ـ شورای طریقت در بارهٔ تقاضا پس از استشاره از بارگاه رأی میدهد . هرگاه ردکند نوشتجات اشخاص و وجوه نقدی را مسترد میدارد و قبض رسید و تفریغ ذمه میگیرد سایر نوشتجات در دفتر شرق اعظم ضبط می‌شود .

قسمت چهارم

استواری کارخانه‌ها

۱۷ ـ استواری کارخانه‌ها به توسط مأمورینی میشود که از طرف شورای

طریقت تعیین شده باشد .

برای استواری یك کارخانه یك یاچند نفر مأمور معین تواند شد.

مأمورین استواری یك‌کنگاشستان بایدلااقل‌پایه شو ∴کاد∴داشته باشند مأمورین استواری خانقاه باید لااقل پایه‌شو ∴ رزکروا داشته باشند و در هر دو صورت بهتر است که از اعضای بارگاه باشند .

در مواقعیکه امکان داشته باشد شورای طریقت یك یا چند نفر از اعضای خود را به‌مأموریت استواری تعیین میکند .

روز استواری را شورای طریقت به موافقت کارخانه موقتی معین میکند آداب استواری ازروی‌آئین مخصوصی است که شورای طریقت ترتیب داده‌هرگاه در ظرف سه ماه پس از رسیدن اجازه از شورای طریقت مراسم استواری به‌عمل نیامد آن اجازه بالطبع باطل‌است‌در این صورت شورای طریقت نوشتجات شخصی ووجوه نقدی‌رابه صاحبانش‌مسترد وقبض رسید وتفریغ‌ذمه میگیر‌دسایر نوشتجات دردفتر شرق اعظم ضبط میشود .

۱۸ ـ ممکنست کارخانه را اجازه دهند که گر ضرورت داشته باشد خود به مراسم استواری خود قیام کند در این صورت مأمورین استواری همان رئیس‌ودو نگهبان خواهند بودو درموقع استواری دیگری را به‌جای خود برقرار میکنند.

فصل سوم

سالاران ووظایف ایشان

قسمت اول

سالاران

۱۹ـ سالاران لژها به آئین فرانسه ازاینقرارند :

ارجمند

نگهبان اول و دوم

خطیب

نویسنده

ممیز بزرگ

خزانه‌دار

امین خیریه

مهردار

کتابدار و دفتردار

رئیس اول و دوم تشریفات

معمار

ممیز دوم و سوم

دربان

خوانسالار

بیرقدار

سالاران پنجگانه اول عنوان خاص چراغ را دارند شماره اسامی سالاران در آئینهای دیگر تفاوت دارد و این تفاوتها در آئین‌نامه هائیکه در موقع استوازی برای لژها می‌فرستند معین شده است .

۲۰ـ در خانقاهها و کنگاشستانها همین سالاران هستند و در آنجا اسامی دیگر دارند .

۲۱ـ کارخانه‌ها می‌توانند برای خطیب و نویسنده وخزانه‌دار وامین‌خیریه معاون معین کنند .

معاونین بسالاران در انجام وظایفشان کمك می‌کنند و در موقع غیبی یا اشتغال آنان جانشین ایشان واقع می‌شود .

هروقت معاون بجای سالاری می‌نشیند همان حقوق و امتیازات ویرا دارا می‌باشد. همچنین‌است حال‌هر برادری‌که فی‌المجلس بواسطه غیاب‌سالاری‌موقتاً به

جای او برقرار می‌شود .

۲۲ـ در کارخانه‌هائیکه کار بعضی از سالاران بواسطه کثرت جمعیت و کثرت جلسات زیاد می‌شود ممکنست برای ایشان کمك خرج معین کنند .

این کمك خرج باید پس از آنکه در دعوت نامه‌ها جزو دستور کارها گذاشته شد در کارخانه رسماً مطرح مذاکره گردد و قرار آنرا برای بیش از یك سال نمی‌توان داد و هر سال پس از انتخاب عمومی مبلغ کمك خرج معین میشود

قسمت دوم

وظایف سالاران

رئیس

۲۳ـ رئیس اعضای کارخانه را دعوت می‌کند و هنگام جلسات کارها را اداره می‌نماید در مراسم تشریفات و برای روابط خارجی نماینده کارخانه است .

در هرکمیسیون و هرهیئت مأموریتی رئیس حقاً ریاست دارد لیکن می‌تواند از این حق خود استفاده نکند .

در هنگام جلسات هیچیك از حضار نمی‌تواند براو اعتراض کند فقط درباره او اظهار نظریات ممکنست .

مراسلات شرق اعظم را رئیس دریافت کرده بازمی‌کند و به‌خطیب می‌دهد تا در جلسه قرائت کند .

نوشتجات رسمیرا رئیس امضا می‌کند .

۲٤ـ وظیفه رئیس در جلسات :

۱ـ آغازکردن و بپایان بردن کارها .

۲ـ پیشنهادهارا تحت مذاکره درآوردن.

۳ـ دعوت بمذاکره در موضوعاتی که بمنافع خصوصی‌کارخانه یاعمومی فراماسنری راجع باشد .

٤ـ خلاصه‌کردن آراء و تحصیل نظر خطیب.

۵- اعلام نتایج‌مذاکرات.

۶- اقدام به‌سیر بیگانگان واعطای پایه‌های ماسنی.

رئیس حق دارد هر برادری را که از نظم خارج می‌شود ساکت کند حتی می‌تواند او را از مزکت خارج سازد.

رئیس اختیار حفظ نظم را بواسطه مجازات در حدود مواد «۱۳۲» و ما بعد آن دارد.

رئیس می‌تواند هرگاه بی‌نظمی واقع‌شود و اقتدار او رعایت نشود جلسه را معوق بدارد و حتی بدون هیچیك از آدابی که لازمه پایان کارهاست جلسه راختم کند و در اینصورت جلسه را در تحت ریاست دیگری ازاعضا نمی‌توان‌منعقدنمود.

۲۵- ترتیب اداری امورکارخانه با رئیس است وباین سمت باید کارنویسنده خزانه دار را نظارت و نوشتجات را امضا نماید و مراسلاتررا ترتیب دهد و در محاسبات تفتیش کند و مخارجیرا که کارخانه اجازه داده است حواله دهد.

۲۶- درصورتی‌که رئیس غایب یا مشغول باشد جای او را در مشاغل مختلفه که‌داردنگهبان اول یا نگهبان دوم یا ممیز بزرگ بترتیب رتبه اشغال می‌کند.

هرگاه سالاران مذکور حاضر نباشند یکی از رؤسای قدیم کارخانه یا یکی از قدیم‌ترین اعضای رسمی که دارای بالاترین پایه آن کارخانه باشد بجای رئیس قرار می‌گیرد.

نگهبان

۲۷- نگهبانان هریك‌ستونهای خود را باید اداره نماید وهریك‌ازبرادران که اجازه سخن می‌خواهند باید باو رجوع کنند.

نگهبانان به اشاره چکش اجازه سخن می‌خواهند و به استثنای خطیب بر همه برادران دیگر حق تقدم در سخن گفتن دارند.

ابلاغات رئیس را هریك از نگهبانان بستونهای خود می‌رسانند و در آن ستونها حافظ نظم وسکوت می‌باشد واگر برادری بدون تحصیل اجازه سخن‌بگوید

نگهبانان می‌توانند از او جلوگیری کنند .

در جلسه غیر از رئیس کسی حق ندارد از نگهبانان جلوگیری‌کند .

خطیب

۲۸- خطیب نگهبان قانون اساسی و نظامنامه عمومیست و باید از هر مذاکره که مخالف آن باشد ممانعت نموده تقاضا کند که ممانعت او را یادداشت کرده بشورای طریقت بفرستند .

همچنین مراقب اجرای نظامنامه خصوصی کارخانه و مانع تخلف از آن می‌باشد و کارخانه در باب صحت و سقم ممانعت او نمی‌تواند رأی دهد مگر در جلسه بعد .

خطیب در مشرق جا دارد و بلاواسطه از رئیس در موضوع مباحثات اجازه سخن می‌خواهد و هرگاه بعنوان اخطارقانونی اجازه‌بخواهد باید فوری باو اجازه داده شود .

همینکه مباحثه ختم شد خطیب خواه در مباحثه شریك باشد یا نباشد نظرخود را بدون ذکر دلیل اظهار می‌دارد تا موضوع رأی معلوم باشد مگر اینکه موضوع پیشنهاد خود خطیب باشد پس از آن‌که خطیب نظر خود را اظهار داشت هیچ برادری نمی‌تواند اجازه سخن بخواهد مگر برای تقاضای‌رأی اوراقی یا مخفی و رئیس باید موافق نظر خطیب رأی بگیرد .

در صورتیکه قبل از اظهار رأی خطیب تقاضای رأی مخفی یا اوراقی‌قبول شده باشد نظر خطیب لازم نیست .

خطیب در استخراج‌آرا و تعیین حاصل کیسه خیریه باید شاهد باشد .

خطیب مخصوصاً مأمور وظایف ذیل است :

۱- بکسانیکه تازه سیرداده‌می‌شوند پایه‌های تازه‌آنهارا توضیح‌کند.

۲- در هر جشن و مهمانی طریقتی خلاصه‌ای‌از کارهای‌کارخانه از زمان جشن سابق تاآن هنگام بیان‌کند وصورت‌آنرا بشرق اعظم بفرستد .

۳ـ درموقع جشن‌ها ومجالس عزاداری انشاء خطابه‌کند .
٤ـ در جلسات نوشتجات رسمی شرق اعظم را قرائت کند .
نوشتجات رسمی کارخانه را خطیب باید امضاءکند .

۲۹ـ معاون خطیب یا برادریکه بجای خطیب قرار می‌گیرد بایدکاریرا که درمدت غیبی خطیب شروع شده انجام‌دهد ورأی خودرا اظهار نماید گرچه در بین مذاکرات خودخطیب حاضرشده باشد .

نویسنده

۳۰ـ جای نویسنده درمشرق روبروی خطیب‌است.
نویسنده مانندخطیب‌اجازه سخن را بلاواسطه ازرئیس می‌خواهد .
یادداشت‌کارهارا برمی‌دارد وازروی‌آن یادداشتها صورت مجلسی‌که باید در جلسه‌بعدبرای‌کارخانه‌خوانده شود ترتیب می‌دهد همینکه‌آنصورت‌مجلس‌پذیرفته شد دردفترصورت‌مجلس نوشته به‌امضای خود رئیس می‌رساند.
نویسنده بایددفتری داشته‌باشدکه‌اسامی‌تمام‌اعضای‌کارخانه‌بترتیب ورودشان باالقاب وصفات مدنی و زمان ومکان تولد و مسکن وپایه ماسنی ایشان درآن ثبت شده باشد .
نویسنده درتحت ریاست رئیس مأمورمراسلات و دعوت نامه‌هاست .
همچنین مأمور است فهرست‌هائیکه بشرق اعظم باید فرستاده حاضر کند نویسنده مانند خطیب دراستخراج‌آرا وتعیین‌حاصل‌کیسه خیریه باید شاهد باشد.
حاصل‌کیسهٔ خیریه رادرهرجلسه باید درصورت مجلس قیدکنند .
قرائت نوشتجاتی راکه از شرق‌اعظم می‌رسد نیز باید درصورت مجلس ذکر کند نوشتجات رسمی‌کارخانه را نویسنده باید امضا کند .

ممیزین

۳۱ـ ممیزبزرگ درموقع لزوم جانشین یکی‌ازنگهبانان وحتی رئیس می‌شود.ممیزبزرگ مخصوصاً مأمور وظایف ذیلست :

۱ ـ تحصیل اطمینان ازصفات ماسنی مهمانان و ممیزی آنان و خبردادن نتیجه تحقیق خود را به رئیس .

۲ـ تهیه لوازم آزمایشها .

۳ـ جمع آوری مهره‌ها یا ورقه‌های رأی وشاهد بودن در استخراج آن .

هرگاه ممیز بزرگ غایب باشد ممیزهای دیگردرهرکارجای اورا می‌گیرند مگردرریاست‌کارخانه . ممیزین مکلفندکه حفظ نظم و سکوترا دردرون و بیرون مزکت بنمایند و آنچه رئیس فرمان دهد مجری دارند .

رؤسای تشریفات

۳۲ـ رؤسای تشریفات مأمورند برای اداره تشریفات و واردکردن مهمانان به فرمان رئیس وجا دادن آنها و توزیع گلوله و ورقه‌های رأی و گرداندن کیسه اظهارات و همراهی کردن بامهمانان و تازه سیر یافتگان و سالاران تازه منصوب در هیك .

خزانه دار

۳۳ـ خزانه‌دار مأمور وظایف ذیلست:

۱ـ وصول وضبطمالیاتهای سرانه سالیانه وحق‌الورودها و حقوق ارتقاءرتبه وکلیتاً هر وجهی‌که بهرعنوان عائد کارخانه باید بشود .

۲ـ حفظ نقود واشیاءنفیسه واسناد نقدی متعلق‌بکارخانه.

۳ـ پرداخت مخارج‌کارخانه بموجب حواله رئیس .

هرمبلغی‌که‌وارد صندوق می‌شود خزانه‌دار قبض ازدفتر قبوض ته وورق‌دار می دهد .

همه عایدات و مخارجیکه خزانه دار می کند باید بتدریج در دفتریکه اوراق آن بدواً نمره دار ممضی به‌امضای رئیس و نویسنده باشد ثبت نماید .

هرسال در جلسه بعد از انتخابات عمومی باید محاسبات خزانه‌دار تفتیش

و تفریغ شود .

همچنین هرگاه درعرض سال خزانه‌دار بواسطه استعفا یا علت دیگر تغییر کند باید اینکارصورت‌گیرد .

خزانه‌داربایدهرشش‌ماه‌خلاصه‌ای ازعایدات ومخارج ترتیب داده بکارخانه بدهد تا وضع مالیه کارخانه معلوم شود .

خزانه‌دارمسئول پرداخت تمام وجوه پرداختنی بشرق‌اعظم‌است چه ازبابت باج سالیانه چه ازبابت‌های دیگر.

امین خیریه

۳۴ـ امین خیریه مأمور وظایف ذیلست :

۱ـ گرداندن کیسه خیریه .

۲ـضبطوجوهی‌که درهرجلسه درکیسه خیریه جمع می‌شود همچنین وجوهی‌که ازاعانه‌های راجع بامورخیریه عاید می‌گردد

۳ـ رسانیدن اعانه ها ازطرف کارخانه بعد از حواله رئیس .

امین خیریه بتدریج تمام وجوهی راکه ضبط می‌کند یامی‌پردازد دردفتری مانند دفتر خزانه دار ثبت می‌نماید محاسبات او هم مثل محاسبات خزانه‌دار باید تفتیش و تفریغ شود .

مهردار

۳۵ـ مهردار نقش مهررا برتمام نوشتجاتی‌که ازکارخانه صادرمی‌شودپس‌از امضای رئیس و خطیب و نویسنده قرار می‌دهد و نزدیك نقش پس از نوشتن این کلمات «مختوم بتوسط مهردار» امضاء می‌کند .

درغیاب مهردارنویسنده می‌تواند اینکاررا انجام دهد .

کتابدار و دفتردار

۳۶ـ دفتردارمأمورحفظ وترتیب تمام اسناد و دفاتر ونوشتجات‌وکتب‌متعلق

بکار خانه‌است و باید فهرست این اشیاء مختلف راهمیشه کاملا داشته باشد مخصوصاً مراقب امور ذیلست :

۱ـ حفظ سه نسخه‌قانون‌اساسی‌و نظامنامه‌عمومی‌راکه هر کارخانه بایددر جلسات برای رئیس وخطیب و نویسنده داشته‌باشد .

۲ـ حفظ مجموعه صحیفه اعمال شرق‌اعظم.

۳ـ حفظ سالنامه‌شرق اعظم .

٤ـ حفظ آئین نامه‌ها .

آخرهرسال وهر نوبت‌که دفتردارعوض می‌شود دفتروکتابخانه باید تفتیش‌و راپورتی از تفتیش نوشته‌شود.

معمار

۳۷ـ اثاثه متعلق به کارخانه درتحت مراقبت معمار است و باید نتی ازآن داشته باشد .

هرسال ودرهرموقع که معمار عوض می‌شود باید اشیاع ثبت شده دردفتر به توسط دو نفر مأمور که رئیس آنها را تعیین می کند تفتیش شود و راپورتی از تفتیش بنویسند .

مرمت یاخرید اثاثه وتعمیرمکان را درصورت لزوم معمار تکلیف می‌کند .

نقشه و طرح ساختمان و تعمیرات و تزیینات را پیشنهاد و اجرای آنها را نظارت می‌نماید و صورت حساب مباشرین را ضبط و تفتیش‌کرده ترتیب می‌دهد و گرخود بقدر کفایت بصیرت نداشته باشد بتوسط دیگری اینکار را انجام می‌دهد .

خوانسالار

۳۸ـ خوانسالار ناظم مهمانی‌ها وتزیینات‌آن بعهده اوست .

دربان

۳۹ـدربان‌درآنچه راجع‌به‌امنیت‌کارهای داخلی‌است بممیزین‌کمك می‌کند. نزدیك درب مزکت می‌نشیند ودرب‌را بازنمی‌کند مگربفرمان نگهبان دوم .

هنگام قرائت صورت مجلس ومباحثات ووقت رأی دادن خطیب هرگاه‌کسی بخواهد وارد شود بواسطه دق‌الباب درونی معلوم می‌کندکه در اینموقع نمی تواند وارد شد .

هرگاه بیرقداری علیحده انتخاب نشده باشد در موکبهای ماسنی دربان را می‌توان‌بیرقدار کارخانه قرارداد .

قسمت سوم

منافات مشاغل بایکدیگر و جمع آنها

۴۰ـ هیچکس نمی‌تواند درآن واحد در دوکارخانه یکپایه رئیس باشد .

۴۱ـ مقام ریاست باهرسالاری دیگری دریك‌کارخانه منافات دارد.

۴۲ـ بین مقامهای نگهبان و خطیب و نویسنده و ممیز و خزانه‌دار و امین خیریه ورئیس تشریفات و دربان منافات است .

لیکن‌صاحبان این‌مقامات ومعاونین سالاران می‌توانندمقام مهرداردفتردار معمار خوانسالار و بیرق‌دار را بامشاغل خود ضمیمه‌کنند .

قسمت چهارم

مراقبت و مواظبت سالاران

۴۳ ـ سالاران از اعضای رسمی دیگر بیشتر مکلفند که در جلسات کارخانه مراقبت حضور باشند.

هرسالاری‌که‌در سه‌جلسه متوالی بدون عذری که کارخانه آنرا موجه‌بداند غائب‌شود درحکم مستعفی است وبه‌جای اوانتخاب میشود .

قسمت پنجم

خادم

۴۴ ـ خادم فراماسنی است منظم که کارخانه برای اجرای احکام رئیس و سایر سالاران راجع بخدمت کارخانه تعیین میکند و از کارخانه‌مواجب میگیرد.

خادم نمیتواند هنگام کار داخل مزکت شود مگر اینکه پایه را که در آن کار میکند دارا باشد .

قسمت چهارم

انتخاب و نصب صاحب منصبان

قسمت اول

انتخاب و حق انتخاب

۴۵ ـ تمام‌اعضای رسمی‌که لااقل‌سه ماه عضوکارخانه بوده‌ودر وقت‌انتخابات به صندوق خزانه‌دار مدیون نباشند حق‌انتخاب دارند .

کسانی که قانوناً حقوق ماسنی در بارهٔ آنها توقیف شده با وجود دارا بودن شرایط مذکور حق شرکت درانتخاب ندارند .

قبل از اقدام به انتخاب باید خزانه‌دار اسامی‌مدیونین را روی میز ریاست بگذارد ورئیس بکارخانه اطلاع دهد .

۴۶ ـ شرط قابلیت انتخاب برای سالاری غیر از ریاست اینست که شخص دارای حق انتخاب بوده و در کارخانه شش ماه قدمت داشته باشد و بالاترین پایه کارخانه رادارا باشد .

لیکن در لژها یاران بلکه شاگردان نیز ممکن است به معاونت چهارنفر سالاری‌که معاون می‌تواند داشته باشند انتخاب شوند بدون‌اینکه مجازباشد که‌در پایه بالاتر ازپایهٔ خودشان شرکت‌درکارکنند.

۴۷ ـ اعضای افتخاری کارخانه نیز برای تمام مشاغل قابل انتخابند اما برادران‌مذکورگرقبول سالاری‌کنند مجدداًعضو رسمی‌میشوند و باید مالیات‌بدهند

۴۸ ـ برای‌اینکه شخص‌قابل‌انتخاب بریاست باشد شرایط ذیل ملحوظ‌است

۱ ـ لااقل ازدوسال بالاترین‌پایه‌کارخانه‌را دارا باشد.

۲ ـ لااقل از یکسال عضو رسمی کارخانه باشد .

۳ ـ در محوطه ۵۰ کیلو متری‌از شرق یا ناحیه که کارخانه درآنجاواقعست ساکن یامقیم‌باشد.

فرانماسنی‌که ازروی محاکمه مرتب محکوم‌بمجازات زیاده ازسه ماه‌توقیف ماسنی شده باشد نمی‌تواند به ریاست انتخاب‌شود مگراینکه بحکم مجمع‌عمومی شرق اعظم نکات‌اوجبران گردیده باشد .

قسمت دوم

انتخابات عمومی

٤۹ ـ لژها باید هر سال در عرض ماه نوامبر به انتخابات عمـومی‌سالاران خود اقدام کنند خانقاهها و کنگاشستانهادر ماه دسامبر انتخاب‌میکنند.

این انتخابات باید جزء دستورکارهادر اوراق دعوت‌که برای هریك ازاعضاء رسمی کارخانه میفرستد ذکر شود و جلسه انتخابات بایـد همیشه در اقل پایه کار کارخانه وقوع‌یابد .

۵۰ ـ انتخابات برای رئیس و نگهبانان و خطیب و نویسنده و ممیز بزرگ و خزانه دارو امین خیریه برأی مخفی اوراقی واقع‌میشود.

برای سایر سالاران و معاونین به قیام و قعود میتوان رأی گرفت .

۵۱ ـ انتخاب به‌رأی مخفی بوسیله‌اوراق است انتخاب رئیس‌فردی‌وانتخاب سایر سالاران ممکن است جمعی باشد .

رئیس پس از آنکه در موقع ضرورت دیرآمدگان را به دادن رأی دعـوت کرد ختم جمع‌آوری‌آراء را اعلان و اوراق رادرحضورخطیب‌و نویسنده وممیزین بزرگ به آوازبلند میشماردهرگاه شماره اوراق زیاده برشمارهٔ اعضای‌رسمی‌حاضر باشد فوراً رأی تجدید می‌شود .

اوراق را رئیس در حضورخطیب و نویسنده و ممیز بزرگ بازکرده به‌آواز بلند میخواند دو نفر ناظر نتیجه را به تدریج تحقیق کرده مینویسند وآن دونفر

را در ابتدای کار رئیس از میان اعضا رسمی‌کارخانه تعیین می‌کند .

گر نظار در باب نتیجه آرا باهم موافق نبودند فوراً رأی تجدید می‌شود.

۵۲ ـ دردورهٔ اول و دوم منتخب‌کسی است‌که اکثریت آرا را دارا است‌یعنی زائد بر نصف شمارهٔ اوراق رأی درباره او باشد .

اگر در دوره دوم‌هیچیك اکثریت تامه نداشته باشد نوبت‌سوم اکثریت‌نسبی قاطعست .

اگر در دورهٔ سوم برای چند نفر تساوی آراءِ حاصل شد قدمت ماسنی‌قاطع انتخابست‌گر هردو در یك روز ماسن شده باشند کبرسن قاطع خواهد بود.

قسمت سوم

انتخابات جزوی

۵۳ ـ هرگاه جای یکی از سالاران در ششماه اول بعد از انتخابات عمومی خالی‌شود بایدبموجب انتخابی که در قسمت‌قبل‌دستور داده شده به جای اوانتخاب کنند .

اگر در ششماه دوم جای اوخالی شود کارخانه می‌تواند حکم کندکه به‌جای اوانتخاب نشود در این صورت اگر سالاری کــه ازمیان رفته رئیس باشد یکی از نگهبانان یا ممیز بزرگ به ترتیب رتبه جای او را می‌گیرد اگر سالار دیگر از میان رفته باشد تا موقع انتخابات بعد رئیس یکنفر را به‌جای او تعیین می‌کند .

قسمت چهارم

پذیرفته شدن روسا در شرق اعظم

۵٤ ـ انتخاب رئیس هرکارخانه باید درظرف یکماه به‌شرق‌اعظم اعلام‌شود. برای این مقصود رئیس که هنوز درکار است باید اوراق ذیل را برای‌شرق اعظم بفرستد :

۱ ـ سوادی از صورت مجلس جلسه ازآنچه راجع به‌انتخاب رئیس‌است

مطابق نمونه به‌انتخاب منضم‌به نظامنامه عمومی‌باامضای‌رئیس وخطیب نویسنده ومهر کارخانه.

۲ ـ پیمان نامه تمام مطابق نمونه منضم به نظامنامه عمومی که رئیس تازه منتخب نوشته و امضاء کرده باشد مشعر بر تبعیت او از قانون اساسی و نظامنامهٔ عمومی طریقت کارخانه‌هائی‌که نوشتجات فوق را در موقع بشرق اعظم ، نرسانند واژه‌های ششماهه یا سالیانه دریافت‌نخواهندکرد.

۵۵ ـ هرگاه نوشتجات به قاعده و کارخانه منظم و منتخب جدید شرایط لازمه رادارا باشد شورای‌طریقت امر به ثبت اسم رئیس‌درنامه زرو ضبط‌نوشتجات در دفتر می‌کند .

قسمت پنجم

نصب سالاران

۵۶ ـ هیچ سالار تازه نمی‌تواند به وظایف خود قیام کند مگر بعد ازآنکه از روی ترتیب نصب شده باشد.

قبل از آنکه نصب شوند باید جلو رئیس که او را نصب می‌کند رسماً تعهد نماید که کاملا قانون اساسی و نظامنامه‌عمومی طریقت را رعایت خواهدکرد.

۵۷ ـ پس ازانتخاب سالیانه باید بلافاصله در جلسهٔ‌آتیه سالاران تازه‌نصب شوند .

رئیس تازه منتخب را رئیس منفصل نصب می‌کند وگراو غائب باشد سالاری که از روی رتبه از همه بالاتر و منفصل باشد اینکار را انجام می‌دهد.

رئیس جدیدبلافاصله پس از نصب شدن به‌نصب سایر سالاران‌که با اومنتخب شده‌اند می‌پردازد . ابتدا دو نگهبان را یك مرتبه نصب می‌کند و به این سمت می‌شناساند .

سایر سالاران را هم یك باره نصب می‌کند و خطیب از جانب همه قسم یاد می‌کند .

گر رئیس جدید حاضر نباشد نصب سایر سالاران از روی ترتیب رتبه واقع می‌شود .

۵۸ـ درمواقع انتخابات جزئی منتخب جدیدرامی‌توان فی‌المجلس نصب‌کرد.

۵۹ ـ در صورتی که انتخابات کارخانه ابطال شود سالاران پیش مشاغل‌خود را موقتاً حفظ می‌کنند و به انتخابات جدید امر می‌دهند و این انتخابات باید در نزدیکترین جلسات واقع‌شود .

فصل پنجم

پذیرفته شدن دریافت پایه‌ها

قسمت اول

پذیرفته شده به پایهٔ اول

۶۰ ـ [۱] هر بیگانه که شرایط مذکور دراصل هشتم قانون اساسی را داراباشد و بخواهد فراماسن شود باید یك یاچند نفر از اعضاءِ لژی‌که می‌خواهداستادوارد آن شود اورا معرفی کنند .

کسانی‌که او را معرفی میکنندپیشنهاد خود راکتباً درکیسه اظهارات مینهند ورقه معرفی بیگانه باید متضمن اسم و القاب وسن تحقیقی خواستار و مکان‌ولادت ومسکن و شغل باصفات مدنی‌اوباشد و نوشتجات‌ذیل ضمیمهٔ آن می‌شود :

(اولا) یك‌نوشته به‌امضای خواستارمشعر براینکه سابقاً بلژی معرفی شده‌یا نشده .

(ثانیاً) سوادآخرین‌نامه اعمال اویاگر نداشته باشد نوشتجاتی که به منزلهٔ آن باشد .

هرگاه بیگانه‌که معرفی شده درمکانی ساکن باشدکه لژدیگری در آن‌جا

---

۱ ـ این‌ماده در مجمع عمومی ۱۹۱۱ تغییر کرده و ضمیمه قانون اساسی شده است .

باشد ارجمندی‌که معرفی‌به او می‌رسد بایدارجمندآن‌لژدیگرراآگاه سازد ودرباره آن بیگانه استمزاج‌کند اگر درآن‌مکان لژ نباشد ارجمند باید به‌ارجمندنزدیکترین لژ به اقامتگاه بیگانه رجوع کند اگر بیگانه در ولایتی ساکن و در ولایت دیگر مشاغل انتخابی‌داشته باشد ارجمند لژی که تقاضای ورود باورسیده از ارجمند نزدیکترین لژ بمسکن بیگانه و هم چنین از ارجمند یکی از لژهای ولایتی که بیگانه درآن‌جا مشاغل انتخابی دارد درباب آن‌بیگانه تحصیل اطلاع می‌کند.

استفسارهای مزبور و نتیجه‌آن باید بکارخانه‌اعلان شود.

همینکه‌ورقه معرفی و نوشتجات منصفه‌آن را ارجمند از کیسه اظهارات بیرون آورد قرائت می‌کند اما اسم‌معرفی کنندگان را نمی‌گوید پس ازآن لااقل سه نفر از اعضای لژ را مأمور می‌کند که درباره بیگانه تحصیل اطلاعات نمایند بدون‌آنکه مأمورین را بشناساند.

هر یك‌از این مأمورین باید راپورت‌خود رادر ظرف یکماه‌کتباً به ارجمند بدهند .

۶۱ ـ در صورت فوریت ممکن است ورقه معرفی بیگانه در فاصله بین دو جلسه مستقیماً به ارجمند داده شود و ارجمندمی‌تواند مأمورین تفتیش تعیین کند تاراپورتهای خودرا درجلسه آتیه بدهند .

در این صورت لازمست که در دعوت‌نامه‌های این جلسه معرفی آن بیگانه ذکر شود .

۶۲ ـ تمام لژهای هیئت اتحادیه باید صورت تحقیقی بیگانهائی را که به آنها برای ورود معرفی میشوند پیاپی بشورای طریقت بفرستند .

همچنین لژها باید بیگانهائی‌را که پذیرفتن ایشان را به تعویق می‌اندازند یا رد می‌کنند به مرکز اطلاع دهند و هر نوبت باید بیگانه را به درستی معرفی کنند . وحتی‌الامکان علل رد را هم بیان نمایند .

لژهای ورابحری یا واقع‌درممالك خارجه باید علاوه براین همان اطلاعات را مستقیماً به لژهای مجاور خود که تابع شرق اعظم هستند برسانند .

نمی‌توان بیگانه را سیر داد مگر به فاصلهٔ یکماه پس از رسیدن خبـر از دارالانشاء طریقت که‌آن بیگانه درلژ دیگری به تعویق افتاده ورد شده ویا نشده است در صورت لزوم‌استثنائاً لژهای مستملکات و ممالك خارج از اروپـا می‌توانند مطابق موادآتیه به پذیرفتن‌بیگانه بپردازند بدون‌انتظار وصول جواب‌دارالانشاء به اعلام معرفی اومشروط براینکه بیگانه از زمان بلوغ هیچوقت ازمملکت‌خود بیرون نرفته باشد و لااقل پنج نفو عضورسمی کارخانه او رابشناسند .

هرگاه لژی از هیئت اتحادیه آگاه شود براینکه بیگانه معرفی شده به او در لژ دیگرمنظمی رد یا فقط معرفی شده باید ازآن لژکسب اطلاع کندواقدامی نکند مگر پس‌ازتحقیق کامل اگرچه‌آن‌لژ جزء هیئت اتحادیه نباشد .

۶۲ مکرر ـ لژها باید در عرض پانزده روز بعـد از سیر صورت اسامـی بیگانگانی که در پایهٔ شاگردی پذیرفته شده‌با صورت‌نامه اعمالی که بموجب ماده شصتم نظامنامه عمومی هرخواستاری باید ابراز کند و تعهد نامه که تازه واردی در حین ورود خود امضاء می‌کند بشرق اعظم بفرستدواگر نه ازقانون ماسنی تخلف کرده‌اند وممکن است سالاران لژ درتحت مؤاخذه درآیند .

۶۳ ـ برای اینکه‌لژبتواند درپذیرفتن بیگانه به‌آزمایش رأی‌دهدارجمند باید راپورت‌هایی را که مأمورین تفتیش داده‌اند بدون شناساندن صاحبان آنها و همچنین نوشته شرق اعظم را مشعر براینکه بیگانه در کارخانه دیگر معرفی شده یا نشده قرائت کند آن گاه باید ازخطیب سؤال‌کند درباب پذیرفتن به‌آزمایش بموجب هیچیك ازقوانین ماسنی مخالفتی می‌بینند یا نه ؟

هرگاه خطیب مخالفتی موجه داشت امر را محول به جلسهٔ دیگر می‌کند و فوراً بشورای طریقت اعلام می‌نماید .

گرچنین مخالفتی نباشد بامهره سیاه و سفید رأی مخفی گرفته می‌شود تنها استادان و یاران می‌توانند رأی بدهند .

لیکن قبل ازاخذ رأی در خصوص راپورت‌ها ممکنست بیگانه راچشم‌بسته بدون ترتیبات ماسنی درتحت‌استنطاق درآورند ودراینباب رأی اکثریت استادانو یاران مناطاست .

اعضای لژ وبرادران مهمان متعلق بهٔهیئتهای ماسنی‌که حق مبادله در رأی را قبول‌کرده‌باشند حق دارند دررأی شرکت‌کنند مشروط براینکه استاد یایاربوده و هنگام قرائت راپورتها حاضربوده باشند .

اگراز‌استخراج‌آراء معلوم‌شدکه تمام مهره‌ها سفیداست‌یااینکه عده‌ای از مهره‌ها سفید است یااینکه عده مهره‌های سیاه‌کمتر ازخمس عده‌کلیه مهره‌هاست پذیرفته شدن به‌آزمایش اعلان می‌شود .

هرگاه عده مهره‌های سیاه‌خمس عده‌کل‌یا زیاده برآن باشدآزمایش تعویق می‌افتد وتفتیش جدیدی بتوسط سه‌نفر مأمور تازه که مثل دفعه اول معین‌می‌شود باید بعمل آید .

لیکن اگر بی‌ثمربودن این تفتیش جدید معلوم باشد لژ می‌تواندحکم‌بعدم وقوع آن‌کند در این باب رأی لژ باکثریت دو ثلث استادان و یاران حاضر معتبر خواهد بود و این‌مذاکره را درعرض یکماه بشرق‌اعظم باید اطلاع داد .

در حساب مذکور فوق شماره زاید بر مضرب پنج در عده کل مهره‌هابجای پنج محسوب می‌شود .

٦٤ـ پس از تفتیش جدید مثل ماده سابق رفتار می‌شود لیکن گر راپورتها متفقاً مساعد باشند و استخراج آرا باز نتیجه رد دهد اعضای مخالف باید پنهانی دلایل مخالفت را به ارجمند بگویند . و ارجمند اگر مفید بداند حکم بتفتیش سوم می‌کند کارخانه درنتیجه‌آن باید به ورقه‌های باامضا رأی بدهد اگرعده‌اوراق مخالف پس‌ازتفتیش سوم به‌حسابی‌که سابقاً گفته شده خمس یا زاید برخمس عده

رأی دهندگان بودتعویق اعلام می‌شود .

۶۵ـ هرگاه خواستار به آزمایش قبول شده و در تحت آزمایش در آمده باشد ارجمند پس ازگرفتن رأی خطیب در باب پذیرفتن قطعی بیگانه در مجمع به‌قیام و قعود رأی می‌گیرد .

اعضای لژ و مهمانان متعلق بهیئتهای ماسنی‌که حق مبادله در رأی را قبول کرده‌باشند می‌توانند دررأی‌شرکت‌کنند مشروط براینکه یاریااستاد باشندوهنگام آزمایش حاضربوده باشند .

در این موقع فقط اکثریت‌آرا اظهار شده معتبر است اگر اکثریت برقبول باشد نورسیده را باز وارد مزکت می‌کنند تاپس‌ازتعهد پیمان بروشنائی برسدوگر نه تعویق ورود اعلام می‌شود و درخارج مزکت به بیگانه خبرمی‌دهند .

۶۶ـ در صورتیکه تعویق اعلام شود در موردمذکور در فقره آخر دو ماده سابق بیگانه تعویق افتاده را نمی‌توان دوباره معرفی کرد مگر بعد از یکسال .

پس‌ازدونوبت تعویق اگردفعه سوم بازبیگانه ردشد محرومیت اوقطعیست و نمی‌توان او را بار دیگر معرفی کرد .

۶۷ ـ یك لژ در موقع فوریت به تقاضای لژ دیگر می‌تواند از جانب آن لژ بیگانه معرفی‌شده را سیر دهد این تقاضا باید مکتوب و مختوم و به امضای ارجمند و خطیب و نویسنده لژ خواستار باشد و در دفتر لژ پذیرنده ضبط شود وجوهی‌که ازبیگانه اخذ می‌شود متعلق به لژیست که ازجانب اوسیرداده می‌شود.

ارجمند لژی که از جانب او سیر داده می‌شود یا یکی از شش سالار دیگر به ترتیب درجات باید با دو نفر دیگر از اعضای کارخانه‌اش لااقل درجلسه حاضر باشند در صورتی‌که آن دو لژ دریك شرق یا ازیکدیگر به‌فاصله‌کمی دور باشند .

حضور این مأمورین را در صورت جلسه قید می‌کنند .

۶۸ ـ سیر دادن زیاد از پنج بیگانه درآن واحد در جلسه منظم لژ ممنوع است .

هر لژی باید بهر تازه واردی یك نسخه قانون اساسی و نظامنامه عمومی بدهد .

۶۹ ـ سیرهر بیگانه که برخلاف ترتیبات مقرره درقانون اساسی و نظامنامه عمومی واقع شود باطل است .

قسمت دوم

ارتقاع رتبه در لژها

۷۰ ـ شاگرد نمی‌تواند به‌پایه یاری رسد مگر اینکه لااقل هشت ماه در شاگردی بوده و در حضور جلسات لژ مراقبت نموده و معلومات ماسنی خود را امتحان داده باشد در مورد فرزندان ماسن و پسرخواندگان ماسن که قبل از سن بلوغ موافق اصل هشتم قانون اساسی به پایه شاگردی سیر یافته‌اند پس از گذشت هشت ماه از سن بلوغ می‌توانند به پایه یاری برسند .

۷۱ـ یار نمی‌تواند استاد شود مگر اینکه لااقل هشت ماه در پایه یاری بوده باشد و درجلسات‌مراقبت‌کرده‌معلومات‌ماسنی‌را بفراخور پایه‌که داردامتحان داده باشد .

۷۲ـ هرگاه مسافرت فوری طولانی یا عزیمت‌جنگ برای خواستاردرپیش باشد ممکن است مدت معین در دوماده سابقه تخفیف داده شود بلکه هردوپایه‌در یکروز عطا گردد .

فوریت ارتقاءرتبه باید بتوسط سه‌نفر استاد یا از روی قول شرف‌اظهار شود و اکثریت دو ثلث آراءاستادان و یاران آنرا قبول کند قول شرفی برادران و اسامی ایشان و مذاکره مخصوص لژ در این باب باید در کتابچه صورت مجلس ثبت شود .

۷۳ـ شورای طریقت می‌تواند لژها را اجازه دهد که مدت لازمه ارتقاء رتبه را تخفیف دهند در صورتیکه عده استادان لازم برای مشاغل سالاری کافی نباشد .

۷۴ـ هرشاگردی که دارای شرایط لازمه برای دریافت پایه یاری باشدباید تقاضای ارتقاءِ رتبه را کتباً به‌نماید .

این تقاضا در جلسه شاگردی مطرح مذاکره میشود بطوری که شاگردان بتوانند در مذاکرات شرکت کنند آنگاه رأی گرفته میشود .

اگر رأی مساعد بود بجلسه یاری رجوع ودرانجاهم اخذ رأی میشود .

۷۵ـ هر یاری‌که شرایط‌لازمه ارتقاءِ رتبه ثانی را داشته باشد باید کتباً از مجمع یاران تقاضاکند .

هرگاه رأی مساعد بود به‌کاخ بنّایان‌رجوع می‌شود تا استادان‌رأی دهند .

۷۶ـ پایه‌های یاری و استادی اعطا نمی‌تواند شد مگر بترتیبات رمزی مخصوصه هر آئین .

۷۷ـ فراماسنی می‌تواند دریك لژ بپایه یاری و استادی سیر یابد مگر درهمان لژ یا برحسب مأموریت آن لژ .

هرگاه لژی از جانب لژ دیگرمأمور سیردادن شود بترتیب ماده «۷۶»باید رفتار کند .

اگر لژ اصلی از مأموریت دادن برای ارتقاء رتبه شاگردی یا یاری‌که به‌لژ دیگر رفته دریغ کند این لژ می‌تواند پس‌از مطلع شدن از مضایقه لژ دیگربه موجب مذاکرات مخصوص صرف نظراز مأموریت یافتن از اوکرده خود اقدام به اعطای ارتقاء رتبه نماید .

لیکن اگر فراماسنی بواسطه تغییر مسکن‌از روی ترتیب ازلژ اصلی‌کسب اطلاعات نمود می‌تواند بدون تحصیل مأموریت ارتقاء رتبه به‌او بدهد .

دراین دو صورت اخیر وجوه متعلق به‌لژیست که ارتقاء رتبه می‌دهد .

قسمت سوم

دریافتن پایه‌های خانقاهی

۷۸ـ استاد نمی‌تواند بپایه‌های خانقاهی برسد مگراینکه عضو رسمی یکی

از لژهای هیئت اتحادیه باشد و لااقل از سه سال استاد باشد و بواسطه خدماتی که به‌طریقت کرده یا اعمالی‌که برای نوع بشر سودمند بوده سزاوار این ارتقاءِ رتبه شده باشد .

۷۹ـ کسی‌که خواستار پایه‌های خانقاهی است باید بواسطه لژیکه متعلق به آن است یا بواسطه پنج عضو رسمی خانقاه به‌آن خانقاه معرفی شود .

درصورتیکه لژ بخواهد معرفی‌کند باید درآن باب درجلسه استادی‌مذاکره شود .

به‌معرفی‌نامه‌لژی‌که بامضای‌خطیب‌و نویسنده وارجمندرسیده‌است یابمعرفی نامه پنج عضو خانقاه باید اوراق ذیل ضمیمه شود :

۱ـ منشور استادی خواستار .

۲ـ تقاضای کتبی او با امضاء .

۸۰ـ رئیس‌خانقاه دونفراز کارخانه‌را معین‌می‌کندکه معرفی‌مزبور را درتحت ملاحظه درآورده مطالب آنرا تحقیق‌کرده و درخصوص خواستار اطلاعات‌تحصیل نموده راپورت کتبی به‌خانقاه بدهند .

درصورتیکه خواستار را پنج نفر عضو خانقاه معرفی کرده باشند رئیس ازلژخواستاربواسطه نوشته مخصوص تقاضا می‌کندکه رأی خودرادربارهٔشایستگی آن برادر اظهار دارد اگر رأی لژ نامساعد بود خانقاه حکم بتعویق می‌دهد اگر در ظرف سه ماه از لژ جواب نرسید خانقاه می‌تواند از رأی اوصرف نظر کند .

۸۱ـ خانقاه پس از شنیدن قرائت معرفی نامه وراپورت‌ها بقیام و قعود در باب پذیرفتن خواستار بآزمایش رأی می‌دهد مگر اینکه سه‌نفر از اعضاءکارخانه تقاضای رأی مخفی نمایند .

مهمانان هیئت ماسنی دیگرکه حق مبادلهٔ‌رأی راقبول‌کرده‌باشند می‌توانند شرکت در رأی‌کنند .

پذیرفتن به‌آزمایش و پذیرفتن قطعی به‌اکثریت آراءرأی دهندگان حاصل

می‌شود .

۸۲ـ پایه‌های وسط ممکن است بواسطه اعضاء شود پایه «زرکر.٠.» که‌مطابق پایه هیجدهم است باید ناچار با مراسم مقرره آئین نامه اعطا شود .

قسمت‌چهارم
دریافت پایه‌های فلسفی

۸۳ـ «زرکر.٠.» نمی‌تواند بپایه‌های فلسفی برسد مگر اینکه عضو رسمی یك لژ و یك خانقاه هیئت اتحادیه باشد و یکسال لااقل درپایه هجدهم مانده‌باشد.

۸٤ـ هر خواستار پایه های فلسفی باید به توسط خانقاهی که متعلق به‌آن است به‌کنگاشستان معرفی شود و باید توقیع خواستار و تقاضای او به‌معرفی‌نامه ضمیمه شود .

۸۵ـ درباب معرفی‌که باین طریق می‌شود مطابق دستور فقره اول از ماده «۸۰» و «۸۱» رفتار شود .

۸۶ـ پایه های متوسط ممکنست بواسطه اعطاء شود پایه «کاد.٠.» که مطابق پایه سی‌ام است ناچار باید با مراسم مقرره آئین نامه‌ها اعطا شود .

قسمت پنجم
معرفی برای پایه‌های آخرین

۸۷ـ «شود.٠. کاد.٠.» نمی‌تواند بپایه‌های آخری‌که «۳۱» و«۳۲» «۳۳» باشد برسد مگر اینکه عضو رسمی یك لژ و یك خانقاه و یك‌کنگاشستان هیئت‌اتحادیه باشد ولااقل یکسال در پایه سی‌ام مانده باشد .

۸۸ـ خواستار پایه‌های آخرین باید بتوسط‌کنگاشستانی که متعلق آن‌است به‌بارگاه معرفی شود .

طغرای اوباید به‌تقاضا ومعرفی نامه ضمیمه شود .

قسمت ششم
ترتیبات مشترکه برای قسمتهای قبل

۸۹ـ منتخب شدن در جلسه عمومی به‌عضویت شورای طریقت شخص را از معرفی‌های لازمه در مواد «۷۹» و «۸٤» و «۸۸» مستغنی می‌سازد.

بنابر این هرکس عضو شورای طریقت باشد در مدت عضویت خود هرگاه شرایط مقتضیه درمواد «۷۸» و«۸۳» و «۸۷» را دارا باشد. می‌تواند مستقیماً ارتقاء رتبه خود را از پایه سوم تا پایه سی وسوم به‌ابرار منشوریا توقیع یا طغرای خویش تقاضا کند.

۹۰ـ نظر به‌تسهیل تشکیل خانقاهها یاکنگاشستانها درخاك فرانسه و ماوراء بحار یا در ممالك خارجه خانقاهها یـا کنگاشستانهای داخلی فرانسه می‌توانند به موجب مذاکره مخصوص موجه اجازه دهند تا به فراماسونهائیکه در ممالك مذکور ساکنند و دارای شرایط مقتضیه مواد «۷۸» یا «۸۳» هستند پس‌انجام‌مراسم مذکور در مواد «۷۹» و «۸۰» و «۸۱» یا مواد «۸٤» و «۸۵» بوسیله واسطه ارتقاء رتبه بپایه‌های خانقاهی یا فلسفه داده شود.

این مذاکرات نمی‌تواند نتیجه داشته باشد مگر پس از تصویب شورای طریقت به‌موجب اظهار بارگاه سیر پایه‌های خانقاهی یا فلسفی که بطریق مذکور مجاز باشدنمی‌تواند واقع شود مگر دریك مکان ماسنی بواسطه یك یا چند مأمور که دارای همان پایه‌ها باشند مأمورین مذکور صورت جلسه ترتیب داده به امضای تازه سیر یافتگان‌می‌رسانندو برای بارگاه می‌فرستند.

قسمت هفتم
پیوستگی

۹۱ـ هرعضو کارخانه‌می‌تواند بیك یاچندکارخانه‌ازهمان پایه پیوستگی یابد.
هرفراماسنی که‌از روی ترتیب‌پذیرفته شده‌باشد گرچه پذیرفتن‌اودر کارخانه خارج ازهیئت‌اتحادیه‌بوده باشدهرگاه ازرسمیت خارج شودمی‌تواندوباره‌رسمیت

بیابد باینطریق‌که بکارخانئیکه در پایه اوکار می‌کند پیوسته گردد .

برای اینکه شخص به‌خانقاهی پیوستگی‌یابد باید عضو رسمی یك لژ هیئت اتحادیه‌باشد.

برای این‌که‌شخص بکنگاشستانی پیوندد بایدعضو رسمی‌یك‌لژ ویك‌خانقاه باشد .

۹۲ـ تقاضای پیوستگی باید کتباً بعمل آید .

تقاضانامه باید متضمن اسم و القاب و سن تحقیقی خواستار و مکان ولادت و شغل و صفات مدنی و مسکن و صفات ماسنی و موقع پذیرائی او ولژیکه اصلا در آنجا پذیرفته شده و کارخانه همپایه که درآن عضویت دارد یا اخیراً عضویت داشته بوده فرمان ماسونی خواستار باید ضمیمه تقاضای او بوده باشد و اگرهنوز به‌استادی نرسیده سندی دلیل برفراغ ذمه خود نسبت به‌لژ ابرازکند هرگاه‌عضو رسمی کارخانه نباشد بایستی نامه اعمال خود راهم تقدیم کند بضمیمه سندی دلیل براین که ازلژی‌که اخیراً عضو آن بوده از روی ترتیب مفارقت نموده است .

تقاضا بانوشتجات منضمه‌آن مستقیماً توسط خواستار به‌رئیس کارخانه داده می‌شود وتأیید معرف هم ضرورت ندارد .

۹۳ـ اگر خواستار عضو رسمی لژی باشد رئیس یکنفر از اعضای‌کارخانه را معین می کند تا معلوماتیرا که در باره او داده می‌شود همیزی نماید و کتباً راپورت دهد .

اگرخواستار عضو رسمی نباشد رئیس سه نفر از اعضاءکارخانه را معین می‌کند تاهرگونه اطلاعات در باره او تحصیل نموده راپورتهای کتبی بدهند .

در هردوصورت رئیس باید تقاضای پیوستگی را برئیس‌کارخانه‌که‌خواستار مربوط به‌آن بوده یا هست اطلاع دهد و طلب کند که برادرانه ملاحظات خودرا اظهار دارد .

اگرکارخانه‌خوابیده‌باشد یااینکه خواستارجزولژی باشدخارج‌ازشرق‌اعظم

فرانسه رئیس باید به‌شورای‌طریقت‌رجوع‌کند.

۹٤ ـ برای اینکه کارخانه بتواند در خصوص تقاضای پیوستگی رأی دهد رئیس باید اول‌خواستارراواداردکه ازمزکت خارج شود درصورتیکه بطورمهمانی حاضر باشد.

اگر خواستار عضو رسمی لژی باشد رئیس طلب نامه‌ونوشتجات منضمه آن را با راپورت مفتشی‌که معین‌کرده می‌خواند ومراجعه‌به‌رئیس‌کارخانه‌راکه‌خواستار جزوآنست نیز اظهار می‌دارد.

اگر خواستار عضو رسمی نباشد رئیس راپورتهای سه نفر مفتش که معین کرده با تمام اسنادی‌که خواستار اظهار داشته می‌خواند.

آنگاه پس از اظهار رأی خطیب به قیام و قعود در بارهٔ تقاضای پیوستگی رأی گرفته میشود مگر اینکه پنج نفر از اعضای کارخانه رأی مخفی تقاضا کرده باشند.

در موقع رأی تنها اعضای‌کارخانه حق شرکت در رأی دارند نه‌مهمانان.

قبول پیوستگی منوط به‌اکثریت‌آراء رأی‌دهندگان است.

پیوستگی هرکس باید درظرف یکماه پس‌از قبول بشرق‌اعظم اعلام‌شود.

قسمت هشتم
آداب تنظیم

۹۵ ـ هر بیگانه‌که بخلاف‌ترتیب سیرداده شده باشد یا هر ماسنی که‌بخلاف ترتیب ارتقاء رتبه یافته باشد ممکنست تنظیم شود و در کارخانه که او را تنظیم می‌کند بعنوان‌عضومنظم پذیرفته شود در صورتی‌که شرایط ذیل بعمل‌آید.

(اول) به‌اسنادمتقن مکان وزمان‌وکیفیات‌پذیرفته‌شدن‌خودرابنمایدوبه‌ممیزی که دربارهٔ اوباید بکار رود تمکین‌کند.

(دوم) بطلب‌نامهٔ خود تعهد نامه کتبی با امضاء منضم سازدکه باقانون اساسی ونظامنامه عمومی موافقت خواهدکرد.

(سوم) تقاضای او بتوسط سه نفر از اعضای کارخانه که پایهٔ استادی یایاری داشته‌باشند بانوشته کتبی یا امضاءِ تأیید شود .

۹۶ـ هر فراماسنی که در کارخانه غیر منظمی پذیرفته شد می‌تواند تنظیم شود و به طور عضو منظم قبول شود هرگاه‌فرمان ماسنی خود را « منشور یاتوقیع یا طغرا » بطلب‌نامهٔ خود منضم نماید یا اگر نداشته باشد سند با امضائی ابراز کند دلیل براینکه ملفوفهٔ فرمان به‌او داده نشده است علاوه بر این خلاصه از نامهٔ اعمال‌خود بدهد وبعهد نامه اورا سه‌نفرازاعضای کارخانه چنانکه در مادهٔ قبل‌گفته شد تأیید نمایند .

پس ازتنظیم‌سند غیر منظمی که برادرتنظیم یافته تسلیم‌کرده است‌بشورای طریقت فرستاده می‌شود واوآن را باطل‌کرده سند جدید می‌دهد ودرآن‌ذکر سند قدیم را هم می‌کند .

۹۷ـ فراماسنی‌که اصلا منظم بوده لیکن بواسطهٔ باقی ماندن در کارخانه که غیر منظم شده یابواسطهٔ پیوستگی‌یا فتن بکارخانه غیر منظم ازنظم خارج‌شده میتواند به واسطهٔ موافقت بادستور مادهٔ قبل بازتنظیم شود .

لیکن نمی‌تواند اگرلازم‌داشته باشد فرمان جدید بگیرد مگر پس‌ازآنکه یکسال عضو رسمی بوده باشد .

۹۷ـ مکرر ـ در صورتی‌که فراماسنی بموجب مادهٔ (۲۷۷) از نظم خارج شود نمی‌تواند تنظیم‌شود مگر اینکه‌قبلاشورای طریقت بنابرترك خطای‌اواجازه تنظیم اورا داده باشد .

۹۸ ـ هروقت کسی تقاضای‌تنظیم‌کند رئیس‌کارخانه باید لااقل سه نفرمفتش تعیین نماید که در باب سوابق ماسنی خواستار و اخلاق و سایر صفات او تحصیل اطلاعات نمایند .

پس ازقرائت راپورت و اظهار رأی خطیب استادان و یاران در باب تنظیمو پذیرفتن‌خواستار به قیام وقعود رأی می‌دهند مگراینکه سه نفر از اعضاءکارخانه

تقاضای رأی مخفی کنند ومهمانان دررأی شرکت ندارند .

تنظیم‌وپذیرفتن خواستار به‌اکثریت آراءِرأی‌دهندگان منوط‌است.

فصل ششم

ترتیبات درون کارخانه‌ها

قسمت اول

اعضاء کارخانه

۹۹ ـ کارخانه‌هامرکب است از اعضای رسمی ومی‌توانندداعضای افتخاری‌هم داشته‌باشند .

۱۰۰ ـ اعضای رسمی کسانی هستند که بواسطهٔ سیر یا پیوستگی یا تنظیم پذیرفته شده‌اند ومالیات سالیانه را می‌دهند .

هر عضو رسمی لژ باید مسکن اصلی یامقر فعلی او در شرقی باشد که لژ درآنجا واقعست یادرحوزه صدکیلومتری‌آن مگر در موقعی که درآن‌حوزه لژی از شرق‌اعظم موجود نباشد .

لیکن هرماسنی که تغییر منزل دهد بهر فاصله که باشد می‌تواند بعضویت رسمی لژ باقی بماند اگر چه درلژدیگر نیز عضویت رسمی اختیارکند.

۱۰۱ ـ هیچکس نمی‌تواند عضو افتخاری‌کارخانه‌شودمگراینکه مدت «۱۵» سال متوالی عضو رسمی آن بوده باشد .

عضویت افتخاری حاصل نمی‌شود مگر بموجب مذاکره رسمی و رأی مساعد کارخانه .

۱۰۲ ـ هیچکس نمی‌تواند عضورسمی یك خانقاه‌شود مگراینکه عضورسمی یك لژ باشد برای اینکه‌شخص عضورسمی یك‌کنگاشستان‌باشد باید دریك لژویك خانقاه عضویت رسمی داشته باشد .

۱۰۳ ـ تنها اعضای رسمی دارای تمام حقوق ماسنی می‌باشند.
اعضای رسمی مکلفندکه با مراقبت درکارهای‌کارخانه خودشرکت کنندمگر این که عذر موجهی داشته باشند.

۱۰٤ ـ اعضای افتخاری از مالیات معافند. حق حضور در تمام‌کارهادارند.
واژه‌های شش‌ماهه وسالیانه بایشان‌تلقین می‌شود.
درهمهٔ مسائل حق‌مذاکره ورأی دارند مگردرامور مالیه.
در انتخابات‌حق رأی ندارندلیکن قابل‌انتخاب هستند بشرط اینکه‌عضویت رسمی اختیار کنند.

۱۰۵ ـ عضویت رسمی لژمبنای قابلیتِ هرشغلی است که بطورعموم مربوط بطریقت باشد.

برای نمایندگی در جلسه عمومی و مشاغل شورای طریقت و مجلس تمیز و مشاغل بارگاه و مأموریت برای استواری‌و تفتیش عضویت رسمی لازمست.

۱۰٦ ـ اعضای رسمی و اعضای افتخاری لژها تنها فرانماسنهای منظم‌هیئت اتحادیه می‌باشند.

هرگاه لژی‌که شخص درآن‌عضواست برهم خورد یا اینکه شخص ازعضویت آن خارج شود باید در ظرف یك سال به‌لژ دیگر بپیوندد واگرنه درکارخانه‌های هیئت اتحادیه نمی‌تواند بطور مهمان ورودکند.

قسمت دوم

جلسات و ترتیبات کارها

۱۰۷ ـ کارخانه‌ها دوقسم جلسه‌دارند. جلسات متعارفی‌وجلسات‌کمیته:
جلسات متعارفی‌بالوازم ماسنی همراهست و حضور مهمان‌درآنهاممکنست.
جلسات‌کمیته‌که جزاعضاءکارخانه‌وکسی درآن حاضر نمی‌شود مخصوص‌برای کارهای اداری‌واعمال خیریه‌واقدامات تهیه آنست.

درهیچ صورت در آن جلسات نمی‌توان بیگانگان‌را سیر یا برادران رااارتقاء رتبه داد .

۱۰۸ـ هر ماه هر لژی بایدلااقل یك‌جلسه متعارفی‌اجباری داشته‌باشدلیکن کارخانه‌ها می‌توانند اگرمقتضی‌بدانند دو ماه یا بیشتر تعطیل کنند . لیکن درمدت مزبور ذمه‌آنها از اداء وجه نقدی نسبت بشرق اعظم بری نمی‌شود .

هر خانقاهی درسال باید چهار جلسه اجباری داشته باشد.

هرکنگاشستانی سالی سه جلسه باید داشته باشد .

جلسات‌کمیته برحسب احتیاج‌کارخانه واقع می‌شود اگر لژماهی یك جلسهٔ متعارفی‌داشته باشدماهی یك‌جلسهٔ کمیته هم باید منعقد کند .

۱۰۹ ـ درهر جلسه‌حضوراعضاء کارخانه به‌واسطهٔ امضائی‌که‌دردفترمخصوص می‌کنند معلوم می‌شود درآخرجلسه‌ورقه‌آن‌روز را رئیس پس‌ازآنکه مطمئن‌شود که‌کسی از امضاء غفلت نکرده است می‌بندد .

مهمانانی‌که درجلسات می‌خواهند حاضر شوند دردفتری‌که دردهلیز مزکت گذاشته شده امضاء می‌کنند .

۱۱۰ ـ کارهای یك جلسهٔ متعارفی آغاز نمی‌تواند شد مگر لااقل‌با حضور هفت‌نفر اعضاء کارخانه در لژها حضور چهار استاد و سه یار لااقل لازم است .

هیچکس نمی‌تواند در کار شرکت کند مگر اینکه نشانهای ماسنی خود را داشته باشد .

۱۱۱ ـ کارها به ترتیب ذیل واقع می‌شود :

آغازکارها بترتیب آئین .

قرائت وقبول صورت‌کارهای کمیته.

ورود مهمانان .

قرائت وقبول صورت جلسهٔ قبل .

قرائت نوشتجات وارده ازشرق اعظم وسایر مکاتیب .

کارهایی‌که جزو دستور است .

گردش کیسهٔ خیریه وکیسهٔ اظهارات .

انجام کار مطابق آیین .

همینکه کارهای دستور تمام شد کارخانه می‌تواند مشغول مطالبی شود که خارج باشد از آنچه دردعوت‌نامه اعلام شده است .

۱۱۲ ـ هیچکس نمی‌تواند از جای خود خارج شود بدون اجازه نگهبان ستون خود مگر آنکه شغل او مقتضی باشد .

هیچ کس نمی‌تواند بدون اجازه رئیس یانگهبان ستون‌خود و بدون‌اداء وجه کیسه‌خیریه ازمزکت خارج‌شود .

هیچ‌برادری غیر از رئیس نمی‌تواند بدون‌تحصیل‌اجازه سخن‌گوید .

برادرانی‌که درشرق هستند بلاواسطه از رئیس اجازه می‌خواهند وسایرین از نگهبانان ستون خودشان رئیس و خطیب و مخبر امری مادام که مباحثه ختم نشده است همه وقت حق سخن‌گفتن دارند .

هیچ برادر دیگر بیش از سه مرتبه در یك مطلب حق‌سخن‌گفتن‌ندارد.

کسی‌که سخن‌می‌گوید اگرازنظم یا ازموضوع‌خارج شود رئیس حق‌داردقطع سخن او را بنماید

مذاکره هر مطلبی پس از اظهار و رأی خطیب ختم می‌شود و پس از آن سخن نمی‌توان گفت مگر برای تقاضای رأی با اوراق یا بامهره اگر موقع داشته باشد .

هرگاه ده نفر از اعضاء ذیحق دررأی تقاضا کنند رأی علنی با اوراق اجباری است .

هر گاه پنج نفر از اعضاء ذیحق در رأی تقاضا کنند رأی مخفی اجباریست .

تنها استادان‌حق دارند درمسائل‌راجع‌به تغییر مواد قانون‌اساسی‌یانظامنامه عمومی رأی دهند .

۱۱۳ ـ نمی‌توان درباب پیشنهاد جدیدی راجع بمنافع عمومی درهمان جلسه که پیشنهاد شده است رأی گرفت.

پیشنهاد مزبور را یا باید برای جلسه آتیه گذاشت یا بجلسه کمیته یا به کمیسیونی رجوع نمود که راپورتی در آن باب بدهد درهرصورت باید آن را در دعوتنامه‌ها اعلام کرد.

در جلسه که بر مطلبی رأی داده شد می‌توان آن را تغییر داد مشروط براین که هیچ یك از برادران حاضر وذیحق در مشاوره ازمزکت خارج نشده باشند.

درجلسه بعد نمی‌توان رأی مزبور را تغییر داد مگر این که پیشنهاد آن در دعوت نامه اعلام شده باشد.

۱۱٤ـ صورت جلسات پذیرفته نمی‌شود مگر بعد ازاظهار رأی خطیب.

اشتباهاتی که پس از قبول شدن درصورت مجلس معلوم میشود نمی‌توان تصحیح کرد مگر بموجب رأی مخصوص و آن تصحیح هم در همان صورت مجلس قید نمیشود بلکه فقط درحاشیه صورت جلسه مزبوراشاره به تصحیح ودرصورت مجلس دیگر مصححاً نوشته می‌شود.

۱۱۵ ـ در جلسهٔ کمیته نمی‌توان رأی گرفت . مگر آنکه لااقل هفت نفراز اعضاء حاضر باشند جز در اقداماتی که فقط برای تهیه یا به جهت اعطای اعانه باشد .

صورت مجلس جلسات کمیته درجلسات متعارفی قرائت وپذیرفته میشود.

۱۱٦ ـ هرمکتوبی از کارخانه در هرموضوع که باشد باید مصدر به این عبارت باشد «به نام وتوجه شرق اعظم فرانسه»

قسمت سوم

واژه‌های ششماهه و سالیانه

۱۱۷ ـ درهریك ازدوانتصاب فصلی رئیس شورای طریقت واژه‌های ششماهه می‌دهدکه برای تمام لژها فرستاده میشود .

در ماه آوریل واژه‌های سالیانه می‌دهد کـه جز برای خانقاه‌ها فرستاده نمی‌شود .

در ماه‌اکتبر واژه‌های‌سالیانه دیگر برای‌کنگاشستانها می‌دهد .

تنها کارخانه‌هاییکه حسابشان باصندوق شرق اعظم صاف است و فهرستهای خود را منظماً رسانیده‌اند واژه‌های ششماهه یاسالیانه دریافت می‌دارند .

این واژه‌هابرای اینست که منظم‌بودن فراماسونهای اتحادیه‌را هنگامی‌که بطور مهمانی بکارخانه‌هاییکه عضو آن‌نیستند میروند معلوم کنند .

۱۱۸ ـ واژه‌های ششماهه و سالیانه هردفعه در ورقهٔ‌سربسته ممهورفرستاده میشود ورقهٔ مزبور را درکارخانه نمیتوان بازکرد مگردرجلسهٔ متعارفی و به دست سالاری‌که ریاست دارد .

رئیس اعضای رسمی وافتخاری‌کارخانه را میان مزکت جمع میکند وواژه‌ها راآهسته به ایشان تلقین مینماید و این تلقین به‌مهمانان نمیشود.

پس از آن ورقه را میسوزاند اعضای کارخانه‌که هنگام‌گـردش واژه‌ها غائب بوده‌اند تك‌تك از رئیس‌آن را دریافت میکنند .

قسمت چهارم

مهمانان

۱۱۹ـ هرفراماسنیکه می‌خواهد بطور مهمان در کارهای‌کارخانئیکه سابقاً به‌آنجاوارد نشده حضورپیداکند باید سند معتبر منظمی دردست داشته باشد مگر اینکه سه نفر اعضاء کارخانه‌که درجلسه حاضر باشند شخصاً او را بشناسند و صفت ماسنی او را تصدیق‌کنند در اینصورت شهادت‌آن سه برادر واسامی‌ایشان درصورت مجلس ثبت می‌شود .

اگر سندی که ابراز می‌شود فقط غیر منظم باشد پذیرفته نشده فوری به حامل آن رد می‌شود وگرنه نظر مجعول آید یا متعلق به ماسنی باشد که اسم او

حك شده است آنرا ضبط می‌کنند و بشرق اعظم می‌فرستند تا حکم آنرا بنماید.

۱۲۰ـ هرمهمانی‌باید پایه‌راکه در آن پایه کارمی‌کنند داراباشند و درممیزی آنرا ثابت نماید .

همینکه کارپایه بالاتر از پایه او شروع شد یا این که‌کارخانه جلسه کمیته منعقد کرد باید مهمان از مزکت خارج شود .

۱۲۱ـ مهمانانیکه فراماسن هیئت‌اتحادیه شرق اعظم فرانسه میباشند پس ازآنکه ممیزی شدند بایدآخرین واژهای سالیانه یاشش ماهه را یا اقل‌واژه‌قبل آنرا بگویند والا اجازه ورود به مزکت به‌ایشان داده نمی‌شود .

هرگاه مهمان از هیئت اتحادیه دیگری باشدواژه‌های‌ششماهه یا سالیانه را می‌توان از او مطالبه کرد .

درصورتیکه سالاریکه ریاست دارد آن واژه‌ها را بداند و اگر نه به موجب ترتیباتی‌که در دو ماده قبل ذکر شد مهمان پذیرفته می‌شود .

۱۲۲ـ مهمانان در جلساتیکه پذیرفته می‌شوند حق مذاکره و مشاوره‌دارند لکن حق رأی ندارند مگر درباب سیر بیگانگان .

مهمانان نیز در بین‌کار تابع نظام‌کارخانه هستند .

قسمت پنجم

تکریمات و حق تقدم و نشانها

۱۲۳ـ در جلسات کارخانه‌ها رئیس شورای طریقت را ۱۵ نفر از اعضاء که پیشاپیش ایشان یك نفر رئیس تشریفاتست وارد می‌کنند و از زیر سقف فولادی می‌گذرند در حالیکه چکش پیاپی‌زده می‌شود تا بمقام ریاست وآنجا رئیس‌چکش را به او تسلیم می‌کند .

نواب رئیس شورای طریقت را بهمین روش ۹ نفر از اعضاء وارد می‌کنند .

در صورتی که رئیس‌یا نایبان رئیس شورای طریقت چکش را نگاه ندارند

باز به صندلی ریاست می‌نشیند و رئیس کارخانه در دست راست او قرار میگیرد.

هرگاه رئیس شورای طریقت با نایبان رئیس همراه باشد آنان در دست راست اومی‌نشینند ورئیس کارخانه در دست چپ او .

اعضای شورای طریقت ومفتشینی را که از جانب شورای طریقت مأموریتی دارند بروش سابق الذکر هفت نفر از اعضاء کارخانه وارد می‌کنند و چکش ریاست را به دست نمیگیرند مگر این‌که رئیس کارخانه مخصوصاً از ایشان تقاضا کند و هرگاه رئیس کارخانه بجای خود بماند ایشان در دست راست او می‌نشینند .

هیئتهای مأمورین کارخانه‌ها را سه نفر از اعضاء پذیرایی میکنند همچنین است حال رئیس کارخانه هرگاه دیگری کارها را آغاز کرده باشد.

کارخانه‌ها نمی‌توانند از رعایت تکریمات مذکوره صرف نظر کنند مگر آنکه برادرانی که ذیحق آن تکریمات هستند خودشان تقاضا کنند که صرف نظر شود .

۱۲۴ ـ بزرگان هیئتهای دیگر باید مطابق رتبه با تکریماتی پذیرفته شوند تکریماتی که برای بزرگان شرق اعظم در مادۀ قبل مذکور شد لیکن ایشان را دعوت نمی‌کنند که بمقام ریاست برآیند .

۱۲۵ ـ رئیس کارخانه بزرگان کارخانه‌ها یا مفتشین و هیئتهای مأمورین مهمانان را پذیرائی کرده درود می‌گویند و برای پذیرایی ایشان رسم هبك به جا می‌آورد .

۱۲۶ ـ رؤسای کارخانه‌های دیگر که بمهمانی می‌روند ورؤسای قدیم کارخانه در شرق جا می‌گیرند .

۱۲۷ ـ پایه‌های ماسنی بخودی خود حق تکریم وتقدیم بکسی نمی‌دهند.

۱۲۸ ـ هیئتهای مأمورین کارخانه‌ها یا فراماسنهائی که مفرداً به مهمانی می‌روند نمی‌توانند تقاضا کنند که کارخانه با ایشان کارکند مگر اینکه کارخانه دراجرای آئین مزبور مجاز باشد .

۱۲۹ ـ در مجامع ماسنی ممنوع است داشتن حمایلها و نشانها جز آنچه در موارد غیر نظامی‌جایز است ومگر نشانها و حمایلهای متعلق بجایزه‌های ماسنی‌یا مقامات و مشاغل ماسنی یا نشان وحمایلیکه در آئینهای متنوعه مصوبه شرق اعظم علامت پایه‌ها محسوب میشود .

۱۳۰ ـ حمایلهای پایه‌های‌مختلفه برای فرانماسنهای هیئت‌اتحادیه بتفاوت رنگ تمیز داده میشود در پایه استادی «آبی» است در پایه‌های خانقاهی« قرمز » است در پایه‌های فیلسوفی «سیاه» است در پایه‌های بالاتر «سفید»است .

از این پس فراماسنهای هیئت‌اتحادیه ممنوعند از اینکه برحمایلهای‌خود نشان‌های سلطنتی یامذهبی یاخانوادگی ازقبیل (کالور) و «عقاب دوسر» و «تاج» بیاویزند .

قاعده‌مذکور جاری‌نیست‌مگردرفرانسه ومستملکات‌آن .

۱۳۱ ـ سالاران نمی‌توانند نشان‌های شغل خود را بیاویزند مگر درهنگام اشتغال بوظایف خود یعنی درجلسات ودرمواقعی‌که دردرون مکانهای ماسنی رسماً جزوهیئت مأمورین باشند.

رئیس هرگاه در خارج کارخانه نمایندگی کارخانه را داشته باشد نشان خود رامی‌آویزد .

قسمت ششم
نظامات

۱۳۲ ـ خطاها و تقصیرهای خارج از نظم عبارت است از قطع سخن‌وغوغاو نافرمانی از سالاران در اجرای مشاغل خودشان وکلیتاًهمه‌اعمال مخالف ادب یا نظم درکارخانه .

۱۳۳ ـ مجازات‌های انتظامی که نسبت به بزرگی تقصیر مجری توانندشد از این‌قراراست :

۱ ـ اخطار .

۲ ـ اخطار باقیددرصورت‌مجلس .

۳ ـ توبیخ‌باقید درصورت‌مجلس .

۱۳۴ ـ اخطارباقید یابی‌قید درصورت‌مجلس را رئیس می‌تواند امضاء بکند بدون استمزاج ازکارخانه .

۱۳۵ ـ توبیخ مجری نتواند شدمگربه موجب رأی کارخانه.

رئیس برادری را که خطاکاراست ازمزکت خارج میکند وکارخانه در مقام مذاکره برمی‌آید .

هرگاه رأی به‌توبیخ‌داده‌شد برادر خطاکاراحضارمی‌شود وباید مابین‌دوستون قراربگیرد تا رأی‌کارخانه به‌او اعلام‌شود ورئیس برادرانه‌باوسرزنش‌نماید.

۱۳۶ ـ گربرادری‌از تمکین رائیکه دربارهٔ او داده شده امتناع‌کندکارخانه می‌تواند پس ازآنکه اورا دعوت بدفاع‌خود نمود در بارهٔ او رأی‌به اخراج‌موقتی از جلسات بدهد .

این اخراج زاید بردوماه نمیتواند باشد .

هرگاه‌آن برادر در تمرد خود پایداری کند راپورت در این خصوص نوشته می‌شود وآن برادر موافق موادی‌که پس‌از این‌خواهد آمد درتحت محاکمه باید درآید .

۱۳۷ـ اگر مهمانی مرتکب‌خلاف نظم‌شود میتواند برحسب بزرگی‌خطای‌او سرزنش برادرانه به اوبکند یااورا ازمزکت خارج‌نماید.

در مورد دوم کارخانه‌میتواندبرئیس خود اجازه دهد تا ازکارخانه که‌مهمان عضوآن است تقاضاکندکه مجازاتی‌در بارهٔ او معمول دارند بااین تقاضا بایدهمراه باشد سواد قسمتی از صورت مجلس که آن واقعه رابه تفصیل حکایت میکند.

قسمت هفتم

مالیاتها ومحوکردن اسامی بواسطه عدم تأدیه

۱۳۸ ـ کارخانه‌ها مخارج خود را بوسیله عوارض و مالیاتهائیکه از اعضای خودشان اخذمی‌کنند می‌پردازندو به مخارج شرق اعظم نیزکمك میکنند مبلغ این مالیاتها را کارخانه‌ها خودشان معین مینمایندلیکن از آنچه در ذیل مذکوراست تنزل نمیتوانند بکنند.

۱۳۹ ـ کمتر مبلغی که برای اعطای پایه‌ها گرفته میشود از اینقرار است:

برای پایهٔ شاگردی «۲۵» فرانک.

برای پایهٔ استادی «۱۵» فرانك.

برای پایهٔ یاری «۱۰» فرانك.

برای پایه‌های خانقاهی تا بپایهٔ رزکرو ۳۰ فرانك.

برای پایه‌های فیلسوفی تا بپایهٔ شو. کا. «۳۰» فرانك.

این وجوه را خزانه‌دار پیش از ورود بمقام آزمایش دریافت کند.

این وجوه غیر ازوجوهی استکه برای دریافت منشور وتوقیع و طغرا باید بشرق اعظم داده شود و قیمت یك نسخهٔ قانون اساسی و نظامنامهٔ عمومی که باید به هرشاگردی دروقت ورودداده‌شود خارج از این وجوه است.

کارخانه‌ها میتوانند در بارهٔ پسران ماسن و اهل نظام بحر وبرومعلمین چه داخل خدمت وچه درمرخصی مبالغ سابق الذکررا نصف تخفیف دهند.

۱۴۰ ـ برای پیوستگی درصورتی که باعث تجدید رسمیت شودلااقل ده فرانك دریافت می‌شود.

برای تنظیم لااقل «۲۵» فرانك دریافت میشود.

مبالغ مذکور پیشکی دریافت خواهدشد.

۱۴۱ ـ مبلغ مالیات سالیانه درلژها کمتر از «۱۸» فرانك ودر خانقاه ها و

کنگاشستان‌هاکمتر از «۱۰» فرانك نمیتواند باشد.

قیمت مهره‌های حضور سهمیه‌هر یك از اعضاءبرای مهمانی های اجباری‌جزو مبالغ مذکور است .

مالیاتها سه‌ماه به سه ماه‌پیشکی‌گرفته میشود .

۱۴۲ ـ اهمال طولانی یاامتناع از پرداختن مالیات موجب‌محو اسم میشود و فراماسنی که ذمهٔ نقدی خود را نسبت به کارخانه بری نمی‌کند بنا بر این غیر منظم می‌شود .

۱۴۳ ـ اهمال طولانی و امتناع پرداختن مالیات بطریق ذیل مسلم می‌شود پس از سه ماه‌تأخیر در ادای وجه رئیس‌کارخانه به‌توسط خزانه‌داردو نوبت‌بفاصلهٔ یك‌ماه برادر عقب افتاده را دعوت‌می‌کند که نسبت بصندوق کارخانه ابراءِ ذمه‌کند و نتیجهٔ امتناع او را هم یادآوری مینماید .

دعوتنامه مذکور به توسط پست سفارشی فرستاده می‌شود یا خادم به منزل او می‌برد.

۱۴۴ ـ اگر برادری که به‌طریق‌مزبور مطلع‌شد پس از دعوت‌دوم هم‌جواب نداد یا اظهار کرد که نمیخواهم ادای وجه کنم خزانه‌دار به فاصلهٔ یکماه‌بکارخانه راپورت می‌دهد .

پس ازاین راپورت‌رئیس سئوال می‌کندکه‌آیا کسی از برادران این‌کارخانه هست‌که بخواهد ذمه برادر عقب افتاده رابری‌کند و اگر مناسب بداند این‌سئوال رادرکمیته خواهدکرد هرگاه کسی جواب نداد خطیب درهمان مجلس‌تقاضامیکند که اسم برادر عقب افتاده از دفتر کارخانه محو شود همینکه محواسم اعلام شد برای محو شده از حقوق لازمه تنظیم ماسنی محروم خواهد بود .

محو اسم باید در ظرف یك ماه به برادر مذکور و برؤسای کارخانه‌هائی که آن‌برادرجزوآن می‌باشد اعلام شود بترتیبی که در مادهٔ قبل مذکور شد.

همچنین محواسم واعلام‌آن درظرف همان مدت به شورای طریقت راپورت

داده می‌شود وشورای طریقت پس از آن‌که اطمینان حاصل کردکه‌آداب لازمه در اين‌موردبعمل‌آمده محواسم را درروزنامه مخصوص‌شرق‌اعظم درج‌می‌کند .

١٤٥ ـ برادری‌که بواسطهٔ عدم تأدیه اسمش محو شده می‌تواند در صورت رضایت کارخانه‌ئیکه اسم اورا محو کرده بواسطهٔ ادای تمام‌آنچه دروقت محواسم مدیون بوده جزء اعضا رسمی گردد .

رسومیکه در این موقع باید بعمل آید اعم از اینکه این برادر عضورسمی کارخانه دیگر از همین پایه باشد یا نباشد همانست که مواد «٩٣» و «٩٤» در خصوص پیوستگی مذکور است تجدید عضویت برادر محو شده بشورای طریقت اعلام می‌شود .

برادر محوشده هرگاه معتقد باشدکه‌محواسم اوبی‌ترتیب بوده‌است‌می‌تواند به‌شورای طریقت تظلم شود.

١٤٦ـ هر برادریکه اسم اواز روی ترتیب محو شود نمی تواند درکارخانه دیگری که درهمان وقت عضویت آنرا داشته باقی بماند یا بواسطه پیوستگی یا تنظیم درکارخانه دیگر قبول شود مگر اینکه نسبت بکارخانه‌ای که‌اسم‌اورامحو کرده ادای دین‌کند اگر برای ادای دین حاضرشود وقبول نیفتد بواسطه‌پرداختن تمام مبلغ دین خود به‌صندوق شرق اعظم بری‌الذمه می‌شود .

قسمت هشتم

مرخصی و استعفا

١٤٧ـ هرگاه عضو رسمی که طالب مرخصی باشد باید کتباً از کارخانه آنرا تقاضا کند کارخانه مذاکره می‌کند و اگرمرخصی نامه دربین دوجلسه رسمی رسیده باشد در جزء دستور مذاکرات قید می‌شود .

مرخصی را زاید بریکسال نمی‌توان داد لیکن‌بعد از این‌مدت باهمان‌آداب تجدید مرخصی‌می‌توان‌کرد .

هر برادریکه بصندوق کارخانه ادای دین نکرده باشد مرخصی به او داده نمی شود .

مرخصی شخص را از ادای‌کلیه مالیاتها معاف نمی‌دارد مگر اینکه کارخانه مخصوصا همه یاجزئی ازآنرا تخفیف‌دهد.

اعضای رسمی‌که مرخص شدند درجزوحساب باج سالیانه‌که بایدلژها بشرق اعظم بدهند مثل سایرین محسوب می‌شوند .

۱٤۸- هرکس از عضویت رسمی استعفا می‌دهد باید بنویسد و امضاء کند و در کیسه اظهارات بگذارد یا برای رئیس بفرستد .

اگرکارخانه مناسب بداند هیئتی‌مرکب از سه نفر اعضاء مأمور می‌کندکه‌نزد برادر مستعفی رفته او را دعوت‌کندکه استعفای خودرا پس بگیرد .

اگر قبول نکرد استعفا پذیرفته والا کالعدم انگاشته می‌شود .

برادر مستعفی برای استرداد استعفای خود یکماه مهلت دارد لیکن باید کتباً استردادکند و استرداد استعفا در دفتر صورت جلسات ثبت می‌شود .

هرکس استعفا می‌کند باید آنچه بکارخانه مدیون است اداکند اگر امتناع نماید استعفای او قبول نمی‌شود و بترتیبیکه در قسمت سابق مذکور شد به محو اسم او اقدام می‌نماید .

هراستعفائیکه منظماً واقع‌شده باید درظرف یك ماه به‌ضمیمه‌رأی ارجمند و دلائلی که مستعفی برای استعفای خود ذکرکرده بشرق اعظم اعلام شود .

۱٤۹- هریك از اعضای رسمی که زیاده برشش‌ماه از مسکن خود دور شده و مقر خود را معین نکرده و مرخصی نخواسته است ممکنست مستعفی محسوب شود و اسم او از دفترکارخانه محوگردد .

۱۵۰- هر برادری‌که به استعفای منظم کارخانه را ترك کند در صورتیکه خارج از تنظیم نشده باشد به موجب رأی کارخانه می تواند دو باره عضو شود و کفایت می‌کند که تجدید عضو او در دعوتنامه ها جزء دستور ذکر شود .

قسمت نهم

اداره کارخانه‌ها

۱۵۱ـ گذشته از مراقبت‌هائیکه هر یك از سالاران در دایره وظایف خود نسبت به منافع عمومی دارند کارخانه نیز در موقع لزوم به موجب آرائی که در جلسات متعارفی و یا جلسات‌کمیته می‌دهد آن منافعرا اداره می‌کند .

دو کمیسیون دائمی باید مخصوصاً مراقب باشد یکی برای منافع مالی کارخانه دیگری برای اجرای امور خیریه .

هرگاه کارخانه مختاراست‌که‌آن‌اموررابطوریکه‌می‌خواهد ترتیب‌دهدترتیب وکارهای‌آن دوکمیسیون درذیل‌معین شده مگر اینکه در نظامنامه خصوصی‌کارخانه ترتیبات دیگری داده شده باشد .

کمیسیونهای مخصوص دیگردائمی یاموقتی ممکن است تعیین شود تابرای بعضی امور آرای کارخانه راتهیه‌کند یا مجری نماید .

۱۵۲ـ کمیسیون مالیه مرکب است از دو نگهبان و نویسنده و خزانه‌دار و سه نفر اعضاء که هرسال بعد از انتخابات عمومی درجلسه اول منتخب می‌شوند .

این‌کمیسیون مراقب وصول مالیاتهاست در هرسه ماه صورت عقب افتادگان را ترتیب داده به‌اطلاع‌کارخانه می‌رساند.

این‌کمیسیون تمام محاسبات و صورت خرج مباشرین یا مقاطعین را تفتیش می کند در اول هرسال یك بودجه پیش بینی برای مخارج و عایدات ترتیب می‌دهد.

رأی خود را درباره مخارج فوق‌العاده اظهار و یا مخارجیکه ممکن است میزان بودجه را بهمزنند مخالفت می‌نماید .

وضع مالیهٔ صندوق را هرششماه راپورت می‌دهد حساب خزانه دار را قبلا ممیزی می‌کند .

۱۵۳ـ کمیسیون تقاضاهای اعانت را ملاحظه و هرماه حال صندوق خیریه

را معین می‌کند .

رأی خودرا درباب‌اقداماتی‌که برای‌ازدیاد مالیه صندوق‌خیریه مناسب‌است همچنین در باب معاونت‌هائی که به بعضی مصیبت زدگان باید بشود اظهارمیدارد .

نیز مراقب جمع‌آوری اعانه‌ها وجشن‌های خیریه می‌باشد .

حساب امین خیریه را قبلا ممیزی می‌کند .

۱۵٤ـ کارخانه‌های هیئت اتحادیه می‌توانند وجوه و اسنادیکه در صندوق دارند در شرق اعظم امانت بگذارند و در آنجا حساب مخصوص نگاه داشته می‌شود .

قسمت دهم

مهمانیها

۱۵۵ ـ کارخانه‌ها باید هرسال یك مهمانی طریقتی یا مهمانی غیرطریقتی داشته باشند .

هر یك از اعضاءِ رسمی خواه حاضر باشد خواه غائب باید سهمیه خود را ادا کند .

۱۵٦ـ کارهای مهمانی طریقتی همان ترتیبی راکه درکارهای متعارفی‌منظور است لازم دارد و لژها آن کارها را همیشه در پایه اول رمزی بجای آورند سایرکارخانه ها مختارند که پایه را که مناسب می‌دانند برای اینکار اختیارکنند .

در این کارها سالاران مشاغل خود را دارند و تمام برادران باید نشانهای خود را دارا باشند .

به‌این کار نمی‌توان پرداخت جز در مکان ماسنی محفوظ از نظر بیگانگان مگر اینکه شورای طریقت اجازه بدهد و اگرنه کارخانه توقیف می‌شود .

۱۵۷ـ شادخوریهای اجباری از این قرار است :

۱ـ بسلامتی جمهوری فرانسه در کارخانه‌های ممالك خارجه می‌توان شاد-خواری اول را بسلامتی وطن نوشند .

۲- بسلامتی شرق اعظم و هیئتهای ماسنی دیگر .

۳- بسلامتی رئیس کارخانه .

٤- بسلامتی نگهبان و سالاران و کارخانه‌های پیوسته و برادران مهمان .

۵- بسلامتی تمام فراماسنهای خوشبخت یا بدبخت‌که روی کره هستند .

قسمت یازدهم

سوگواری وتشییع جنازه

۱۵۸- همینکه رئیس کارخانه از فوت یکی از برادران کارخانه مطلع شد باید فوراً تمام اعضاءِ را برای تشییع جنازه خبرکند .

برای تمام اعضاءِ حضور در تشییع جنازه فرض است مگر بعلت مانع‌عمده .

۱۵۹- برادران باید درموکب و قبرستان دنبال رئیس جمع شوند .

نشانهارا نباید بیاویزند مگر در قبرستان درصورتیکه کشیش نباشد یارفته باشد داشتن نشانهای رمزی در معابر عمومی ممکنست بتوسط رئیس اجازه داده شود درصورتیکه شخصاً تعهد مسئولیت آنرا بنماید .

۱٦۰- کارخانه ها هر سه‌سال یکمرتبه لااقل باید مراسم سوگواری برای ذکر خیر برادران متوفی بجا آرند .

خطیب یا برادر دیگر که رئیس معین می‌کند بیاد برادران وفات یافته خطابه می‌خواند .

قسمت دوازدهم

نظامنامهٔعمومی کارخانه‌ها

۱٦۱- هر کارخانه می‌تواند بواسطه یك نظامنامه خصوصی ترتیب داخلی خود را تفصیلا معین کند مشروطه براینکه آن نظامنامه چیزی مخالف قانون اساسی و نظامنامه عمومی نداشته باشد .

۱۶۲- هر مطلبی در نظامنامه خصوصی مخالف قانون اساسی یا نظامنامه عمومی باشد کان لم‌یکن محسوب است .

فصل هفتم

روابط کارخانه‌ها با شرق‌اعظم

قسمت اول

وظیفه و حق نماینده داشتن

۱۶۳- فرانماسنهای رسمی هیئت اتحادیه که در لژهای خود مجتمعند هر سال در مجمع عمومی شرق اعظم نماینده دارند .

۱۶٤- انتخاب نماینده لژ برای مجمع عمومی بر حسب اقتضا با انتخابات عمومی سالاران یا پس از آن واقع می‌شود درصورت دوم باید لااقل دوماه پیش‌از موقع جلسه سالیانه متعارفی مجمع عمومی واقع شود .

نایب نماینده ممکنست باخود او انتخاب شود .

یابعد از او ولژ می‌تواند دو نایب انتخاب کند ولی هرگاه بنا باشد که نایب بجای نماینده اصلی حاضر شود تصریح می‌کند کدام یك از دو نایبان مقدمست .

هرکدام از این انتخابات باید جزو دستور در دعوتنامه ها ذکر شودانتخاب باید با اوراق و برأی مخفی مانند انتخاب سالاران هفتگانه عمده واقع شود .

۱۶۵- اختیارات نماینده در ورقه رسمی لژ معین می‌شود وآن ورقه‌باسواد صورت مجلس جلسه انتخابات برای شرق اعظم فرستاده می‌شود در آن صورت باید ذکر شود که منتخب شرایط مذکور در اصل بیست وسوم قانون اساسی را دارا می‌باشد وترتیب ذکرآن موافق نمونه ایست‌که به‌نظامنامه‌عمومی منضم‌است.

یك نسخه از این ورقه را بنماینده یا نایب او می‌دهند واو پیمان نامه‌کامل خود را که تبعیت از قانون اساسی و نظامنامه عمومی خواهدکرد به‌آن منضم‌می‌کند و این هر دو را در موقع رسیدگی اعتبار نامه ابراز می‌نماید .

۱۶۶ـ نماینده یك لژ در مجمع عمومی قبول نمی شود مگر اینکه آن کارخانه نسبت به‌صندوق شرق اعظم مدیون نباشد و نتیجه انتخابات عمومی خود را اعلام‌کرده و فهرست سالیانه که در ماده « ۱۷۴ » مذکور است به‌موقع فرستاده باشد .

قسمت دوم

وظایف نقدی

۱۷۶ـ در تمام لژهای هیئت اتحادیه بواسطه باج سالیانه متناسب با عده اعضاءِ رسمی خود به مخارج شرق اعظم کمك می‌نماید .

مبلغ این مالیات سرانه برای هر عضو رسمی از طرف مجمع عمومی هر سال تعیین می‌شود وشورای طریقت مقدمات تعیین مبلغ را به‌مجمع عمومی‌تقدیم می‌کند تعیین این مبلغ برای سنه‌مالیه‌است‌که ابتداءِآن از اول ژانویه‌آتیه‌است.

مبلغی‌را که هر لژ باید ادا کند شورای طریقت از روی آخرین فهرست منظمی که لژ داده است تعیین می‌کند .

۱۶۸ـ لژهای ایلت « سن و سن و آواز » « Seine et Seine et – oise » باید حق‌الورود نمایندگان خود را بمهمانی شرق اعظم که بعد از مجمع عمومی واقع می‌شود بپردازند .

برای لژهای دیگر حق‌الورود مهمانیرا از اجرتی که بنمایندگان ایشان داده می‌شود کسر می‌نمایند .

۱۶۹ـ خانقاهها و کنگاشستانها سالیانه به صندوق شرق اعظم فقط « ۲۵ » فرانك باید ادا کنند برای اجرت پستی مراسلات و مخارج متفرقه و ۵ فرانك برای‌آبونمان صحیفه‌اعمال‌شرق‌اعظم.

۱۷۰ـ تمام مالیاتهائیکه کارخانه های هیئت اتحادیه باید بدهند سالیانه محسوب می‌شود و کسر برنمی‌دارد .

باید مبالغ مذکور در دو ماه اول سنه مالیه جدید تماماً پرداخته شود یعنی پیش از اول ماه مارس .

تعویق در تأدیه ممکنست باعث توقیف کارخانه شود و امتناع از آن باعث تخریب گردد .

لژیکه وظایف خود را درمدت مذکور ادا نکرده نمی‌تواند درمجمع عمومی نماینده داشته باشد .

قسمت سوم

مکاتبات

۱۷۱ـ کارخانه‌ها نمی‌توانند از جواب سئوالاتی که بواسطه متحدالمال رسمی از شرق اعظم صادر شده امتناع نمایند .

هر کارخانه که در ظرف مدت تعیین شده در متحدالمال جواب نداده باشد شورای طریقت بوسیلهٔ نامه پستی سفارشی شده که ذکر آن در صحیفه اعمال شرق اعظم هم می‌شود او را مخبر بسازد .

اگر باز کارخانه تامدت دوماه بعد از ارسال آن کاغذ سکوت کرد (۲۵) فرانك جریمه می‌دهد و این مبلغ به‌صندوق مرکزی همبستگی تسلیم می‌شود .

بعلاوه کارخانه ازحق پیشنهاد دادن به‌مجمع عمومی آینده محروم می‌گردد لیکن مجمع می‌تواند بتقاضای کارخانه توضیحات آنرا استماع کند و محرومیرا از او باز دارد .

۱۷۲ـ اوراق و متحدالمال و نوشتجات دیگری که از شرق اعظم می رسد هم چنین صحیفه اعمال شرق اعظم بدقت در دفتر هر کارخانه ضبط می‌شود .

۱۷۳ـ تمام نوشتجاتیکه کارخانه‌ها بشرق اعظم می‌فرستند باید به امضای رئیس و خطیب و نویسنده رسیده و ممهور باشد واگر نه رسمیت ندارد ومحل اعتبار نخواهد بود .

قسمت چهارم
فهرست سالیانه
و صورتهائیکه کارخانه‌ها باید بدهند .

۱۷٤ـ باید قبل از اول ماه مارس صورت صحیحی هرسال از اعضای رسمی خود بطوری که در تاریخ اول ژانویه سال جاری ترتیب داده شده به شرق اعظم بفرستند .

این صورت باید بترتیب قدمت موافق دفتر اصلی که ناچار در هرکارخانه باید باشد نوشته شود .

رئیس وخطیب و نویسنده‌آنرا تصدیق و امضاءِ کرده موافق ترتیب مذکور درماده «۱۷۳» به‌مهر می‌رسانند .

صورت مزبور نوشته می‌شود روی ورقه چاپی که دارالانشاءِ طریقت برای کارخانهائیکه طلب کرده‌اند فرستاده و نمونه آن منضم به نظامنامه عمومیست یا روی ورقه شبیه آن .

هر کارخانه‌که صورت سالیانه را درمدت معین نفرستد به۱۰ فرانك‌جریمه محکوم می‌شود .

هرکارخانه که صورت تقلبی بدهد ۵۰ فرانك جریمه از او دریافت‌می‌شود علاوه برآنکه در تحت مأخذه می آید و مبالغی را که مکتوم داشته نیز باید ادا کند .

جریمه‌های مزبور را شورای طریقت حکم می‌کند و حاصل آنها بصندوق مرکزی همبستگی تسلیم می‌شود .

۱۷۵ـ هرکارخانه بعلاوه فهرست صورت سالیانه مزبور هرسال بایدصورتی از اعضاءِ رسمی قدیمی که در عرض سال گذشته اعضاءِ افتخاری شده یا وفات کرده یا استعفا داده و یا به‌موجب عدم تأدیه یا محاکم از عضویت محوشده‌اند بدهند .

قسمت پنجم
مطالبه فرامین شخصی

۱۷۶ـ هر کارخانه همینکه بالاترین پایه خود را بیکی‌از اعضاء می‌دهدباید فرمان شخصی آن پایه را از شرق اعظم برای او بخواهد .

همین تکلیف وارد است بر کارخانه هرگاه پیوستگی دهد به فراماسنی که آن فراماسنی سند پایه راکه درآن پایه پیوستگی یافته دارا نباشد .

همین تکلیف وارد است بر کارخانه هرگاه فرانماسنی را که بخلاف تنظیم به پایه سپرداده شده تنظیم دهد و آن پایه بالاترین پایه کارخانه باشد .

فرمان در همان‌ماهی که پایه یا پیوستگی یا تنظیم داده شده باید مطالبه شود رئیس و نویسنده مسئول اجرای این ترتیب هستند .

۱۷۷ـ مطالبه فرمان باید باقیمت آن همراه باشد از اینقرار :

برای منشور استادی «۱۰» فرانك

برای توقیع رزکر.·. «۱۰» فرانك

برای طغرای کار .·. «۱۵» فرانك

برای طغرای بزرگ ۲۰ فرانك

۱۷۸ ـ فرانماسنهای شرق‌اعظم برای‌کارخانه‌هائیکه‌مطالبه میکنندفرستاده می‌شود .

هیچ‌فرمانی بگیرنده‌آن داده نمیشود مگر بعدازآنکه‌به امضای‌چراغ‌های پنجگانه وبمهر کارخانه رسیده باشد .

دروقت‌گرفتن فرمان گیرنده باید امضای خود را هم درآن بنویسد.

۱۷۹ـ هیچ‌کارخانه وهیچ‌رئیس‌یاسالاری وهیچ‌فرانماسنی نمیتوانند فرمان ماسنی بدهند نه سندی‌که‌بجای فرمان پایه محسوب شود .

مخالفت این منع ازجانب یك‌کارخانه اورا برحسب بزرگی خطا محکوم به توقیف یاتخریب می‌کند .

در خصوص امضای فرمان‌هائی‌که از روی عدم صحت داده شده این مخالفت جنایت ماسنی محسوب و برحسب بزرگی خطاباعث توقیف ماسنی یا اخراج او از فراماسنی‌خواهد شد.

لیکن کارخانهای وراءبحری میتوانند از شورای طریقت اجازه بگیرند که مطابق نمونه‌که‌بآنها دستور داده‌می‌شود تصدیقنامه بدهند مشعر بر اینکه منشور استادی ازشرق اعظم خواسته شده است .

قسمت ششم

تفتیش کارخانه‌ها

۱۸۰ ـ مأمورینی‌که‌شورای‌طریقت‌برای‌تفتیش‌کارخانهای‌هیئت اتحادیه‌معین می‌کندمکلف بوظائف ذیل می‌باشند :

۱ ـ معلوم کردن که قانون اساسی و نظامنامه عمومی رعایت میشودیانه.

۲ ـ حاضرشدن‌درجلسات‌هریك‌ازکارخانهائی‌که جزوحوزه تفتیشیه‌آنهاست ومهماامکن حضور یافتن درموقع‌سیر .

۳ ـ تحقیق اینکه دفتر صورت مجلس تا موقع‌خود نوشته‌شده‌یانه.

٤ ـ تفتیش دفترخزانه‌داروامین خیریه .

۵ ـ ملاحظه دفترکارخانه برای تحصیل اطمینان از اینکه نوشتجات‌صادره از شرق‌اعظم و نسخه‌های قانون اساسی و نظامنامه عمومی و مجموعهٔ صحیفهٔ‌اعمال شرق اعظم و سالنامه و آئین نامه‌ها بقدر کفایت محفوظ ودر تحت مراقبت هست یا نه .

٦ ـ دریافت تمناهای‌کارخانه ورسانیدن آنها بشورای طریقت با ملاحظات یا پیش‌نهادهای خود درآن خصوص .

مأمورین مزبور حق دارند تقاضای انعقاد فوق‌العاده کارخانهائیکه مأمور تفتیش آن‌هستند بکنند .

هیچکس نمیتواند مأمور تفتیش کارخانه‌ای که عضو آن است بشود .

مأمورین تفتیش خانقاهها و کنگاشستانها حتی‌الامکان باید از اعضای بارگاه باشند و اگر نه از برادرهائیکه دارای پایه‌هائی باشند که این کارخانها بآن پایه‌ها کار می‌کنند .

فصل هشتم

نمایندگی قضاوتی

۱۸۱ ـ تمام لژهای فرانسه و الجزایر باید هرسال در موقع انتخاب عمومی سالاران خود نمایندگان قضاوتی هم انتخاب کنند تاجزو هیئتهای منصفه کارخانه و مجالس استیناف باشند .

هر لژ سه نفر نماینده ازمیان استادان انتخاب میکند ومدت مأموریت آنان یک سال است و باهیچیک از مشاغل کارخانه منافات ندارد و انتخاب ایشان مثل انتخاب هشت سالار اول کارخانه واقع می‌شود .

۱۸۲ ـ نمایندگان قضاوتی که بطور عضو هیئت منصفه یامجلس استیناف در شرق دیگر باید کار کنند حق دارند برای هرده کیلو متر که طی می‌کنند چه برای ایاب و چه برای ذهاب یک فرانک وصد و بیست و پنج میلیم دریافت دارند.

این اجرت ازصندوق شرق اعظم پرداخته میشود .

۱۸۳ ـ هر لژی که نمایندگان قضاوتی خود را درموقع معین نکرده باشد ۵۰ فرانک جریمه میدهد.

همین جریمه دریافت می‌شود ازهر نماینده قضاوتی که بدون عذر موجه در جلسه هیئت منصفه یا مجلس استینافی که از روی ترتیب برای آن دعوت شده تخلف کند .

لژ نمایندهٔ خطاکار مسئول این جریمه است و باید آن را بپردازد و از نمایندهٔ خود اخذ کند .

جریمه‌هائی که لژها می‌دهند بصندوق مرکزی همبستگی تسلیم‌می‌شود.

جریمه هائی که از نمایندگان خطا کار گرفته می‌شود مابین لژهائی که نمایندگان آنها حاضر شده‌اند تقسیم می‌شود وعایدات آن به صندوقهای خیریه ایشان می‌رسد.

شورای‌طریقت مأمور وصول این جریمه‌ها می‌باشد.

هرلژ یانماینده‌که محکوم بجریمه‌شدیك‌ماه مهلت دارد که‌بشورای‌طریقت متظلم شود وآن‌امر راجع به مجمع عمومی میگردد و در آن مجمع رأی قطعی داده میشود.

۱۸۳ مکرر - نمایندهٔ قضاوتی‌که از حضورخود غفلت کرده و هیئت‌منصفه یامجلس استیناف را مختل گذارده باشد ممکنست بعلاوه جریمهٔ سابق‌الذکر برای مدت یك‌الی پنجسال ازحق منتخب‌شدن بریاست‌کارخانه و نمایندگی‌مجمع‌عمومی ونمایندگی قضاوتی محروم شود.

همین مجازات‌ممکنست دربارهٔ‌هر برادری‌که بشهادت‌طلبیده شده‌و بدون‌عذر موجه‌حاضر نشودبعمل آید.

حکمی‌که‌به‌وجب یکی از دو فقره سابق‌الذکر داده شددرشورای طریقت‌در تحت‌ملاحظه درمی‌آید وشوری دریاب‌موجه‌بودن عذرها رأی‌می‌دهد.

فقره پنجم ماده «۱۸۳» شامل بموارد مذکوره دراین‌ماده نیزهست.

فصل نهم

روابط کارخانه‌ها با یکدیگر

۱۸۴ - کارخانهابه‌آزادی بایکدیگر مکاتبه می‌کنند.

لیکن اگر بخواهند برای خاطر یك برادر بینوایا خانوادهٔ یك‌برادرمتوفی، طلب‌همبستگی کنند لژی‌که‌اقدام‌به این امر می‌کند تقاضای خودرا به شرق‌اعظم می‌فرستد.

۱۸۵ ـ کارخانهای همپایه اگر چه از آئینهای مختلف باشند میتوانند بیکدیگر پیوستگی یابند وضامن دوستی مبادله نمایند برای اینکه مابین آنها مرتبتی را برقرار باشد .

ضامنهای دوستی در نزدیك کارخانه بطور قطع معتبر نیستند مگر بعد از آن که آن کارخانه ایشان را پذیرفته باشد .

این پیوستگیهای لژها بیکدیگر باعث تکلیف نقدی نمیشود و به کارخانها را حق دخالت در اداره امور یکدیگر نمیدهد .

فصل دهم

روابط کارخانه‌ها

با هر هیئتی غیر از هیئت ماسنی

۱۸۶ ـ هیچ کارخانه نمی تواند مستقیماً با هیئت و مقام دیگری غیر از هیئت ماسنی طرف شود مگر اینکه از شورای طریقت اجازه حاصل کند.

۱۸۷ ـ کارخانه‌ها باید از بروزات و نمایشها در ملاء عام احتراز نمایند .

فصل دهم مکرر

امتزاج کارخانه‌ها و انتقال و تغییر اساسی آنها

۱۸۷ مکرر ـ برای اینکه دو یا چند کارخانه همپایه یکی شوند باید هر کدام آنها در جلسه‌ای که امتزاج آنها جزو دستور کار قرارداده شده به اکثریت دو ثلث از اعضاء حاضر رأی به امتزاج دهند مذاکرات باید با دلیل باشد و اسمیرا که کارخانه واحد اختیار خواهد کرد معین کنند .

هریك از کارخانهائی که میخواهند ممزوج شوند باید برای مصدق شدن کارخانه واحد طلب نامه به امضای چراغهای پنجگانه کارخانه باسواد صورت مجلس

که‌حاکی مذاکرات این امراست به‌امضای همان پنجنفر بشرق اعظم بفرستند.

۱۸۷ ثالث ـ هر کارخانه‌که می‌خواهد مقر خود را بمکان‌دیگر منتقل‌کند یا عنوان ممتاز خود را تغییر دهد باید این مسئله را جزو دستور کارها قرار دهد ودرجلسه باکثریت دوثلث اعضاء حاضره تصویب شود ورائیکه اتخان میکنند مقرون بدلیل باشد .

پس‌از آن‌کارطلب‌نامه اجازه به‌امضای‌چراغهای‌پنجگانه باسوادی از صورت مجلس‌که متضمن این مذاکراتست به‌امضای همان اشخاص بشرق‌اعظم میفرستند .

۱۸۷ رابع ـ امتزاج کارخانها باتغییر اسم یانقل مکان‌آنها پس از آن که شورای‌طریقت رأی موافق‌داد اعطای فرمان‌تأسیس‌جدیدی‌می‌نماید ودر آن‌فرمان ذکر می‌شود که این کارخانه بجای‌کدام‌کارخانه است اسنادقدیمه دردفاتر کارخانه میماند وتاریخ قدیمترین اسناد تاریخ قدمت کارخانه خواهد بود .

کارخانه برای مخارج فرمان جدید باید بیست وپنج فرانك بپردازد .

کارخانه‌ای که فرمان جدید می‌گیردباید موافق مواد «۱۷»و«۱۸»نظامنامه عمومی استواری یابد .

فصل یازدهم

خواب رفتن وبیداری کارخانه‌ها

۱۸۸ـ هر کارخانه‌که‌کارهای خود را ترك می‌کند یامعوق می‌دارد بایدبوسیلهٔ ارسال سواد مذاکرات مخصوصه این امر که ذکر دلایل ترك یا تعویق را هم شامل باشد بشورای طریقت اعلام کند و اگر بصندوق شرق‌اعظم مدیون باشد کلیهٔ وجوه عقب افتاده ومبلغ مالیات سال جاری رابپردازد .

به این اعلان بایدمنضم‌باشد فهرست اسامی‌اعضای رسمی و افتخاری‌کارخانه که درهمان تاریخ ترتیب یافته وبه‌امضای رئیس و خطیب و نویسنده رسیده ومهر شده باشد .

کارخانه که میخوابد بایدفرمان تأسیس و تمبر یا مهر و آئین‌نامه‌هاودفاتر صورت‌مجلسها ودفاتر محاسبات وتمام نوشتجات دفتر خود را در شرق اعظم‌امانت بگذارد نقدینه و اسنادی را هم که در خزانه موجود است باید در شرق اعظم بسپارد .

تنها شورای طریقت میتواند رأی بدهد که اسباب واثاثیه کارخانه راغیراز آنچه متعلق بدیگران است چه بایدکرد .

۱۸۹ ـ پس‌ازانجام‌شرایط مذکوردرماده قبل ازشورای‌طریقت جواب منضم کارخانه‌را اعلام می‌کند .

کارخانه که بطریق مذکور کارهای خود را معوق نمود از تکلفات‌نقدی‌نسبت بشرق اعظم معاف میشود تا وقتیکه دوباره شروع بکارکند .

۱۹۰ ـ هرکارخانه که بدون رعایت ترتیبات مذکور درمادهٔ «۱۸۸» کارهای خود را معوق‌کنداز‌هیئت اتحادیه خارج میشود .

فرمانش باطل واعضایش غیر منظم خواهد بود .

ابطال فرمان را شورای طریقت اعلام می‌کند واین رأی را نمی‌تواند بدهد مگر پس از آنکه کارخطاکار آگاه ساخته مهلت کافی‌برای او معین کندتارعایت ترتیبات ماده «۱۸۸»رابنماید .

۱۹۱ ـ هر فراماسنی که‌بعنوانی چیزی ازاشیاء متعلق بکارخانه خوابیده‌را که باید بشرق اعظم تسلیم‌شود بدست‌آردمکلف است در ظرف‌سه‌ماه شورای‌طریقت را آگاه سازد وبلاعوض آنرا تسلیم کند و اگر چنین نکند مقصر ماسنی محسوب شده درتحت محاکمه درمی‌آید .

۱۹۲ ـ از طرف شورای طریقت بکارخانه خوابیده دوباره کارداده نمی‌شود مگر بتقاضای‌امضاء شده لااقل هفت نفر برادر که دارای بالاترین پایه‌آن‌کارخانه بوده و اسامی ایشان در فهرستی که‌همراه اعلان خواب کارخانه بوده ثبت باشداز امضاء کنندگان مزبورکسانیکه عضو افتخاری کارخانه بوده‌اند باید اظهار کنندکه

می‌خواهند عضورسمی بشوند .

رأی بیدارشدن کارخانه در فرمان تأسیس کارخانه درج و در کتاب صورت مجلس مذکورمیشود .

فرمان تأسیس مزبور باتمام آنچه که زمان خوابیدن کارخانه بشرق اعظم رسیده سپرده شده بود بامضاکنندگان تقاضا مسترد می‌شود .

کارخانه بیدارشده مدیون‌مالیاتهای‌شرق‌اعظم‌نیست مگر از روز اول‌ژانویه آتیه درصورتی‌که تقاضای بیداری در شش ماه دوم سنه مالیه شده باشد .

هرگاه تقاضا در شش ماه اول قبول شده باشد تقاضاکنندگان باید قبلا تمام مبلغ مالیات سنهٔ جاریه را بصندوق طریقت بپردازند .

۱۹۳ ـ خوابیدن لــژ یا تعویق غیر منظم کارهای او حقاً باعث خوابیدن کارخانهای بالاتری می‌شود که برآن‌متکی هستند اما خوابیدن کارخانهای‌بالاتر یا تعویق غیر منظم آنها اثری بر صحت عمل لژ اصلی ندارد .

همچنین خوابیدن خانقاه موجب خوابیدن کنگاشستانی که متکی بر آن است می‌شود .

لیکن خانقاه و کنگاشستان پس ازموقوف‌شدن کارهای لژی که مبنای‌آنها بوده‌است می‌توانند در ظرف یك سال خود را بلژ دیگری ازهمان شرق بارضای آن لژ متکی سازند .

فصل دوازدهم

عدم تنظیم و تنظیم کارخانه‌ها

۱۹۴ـ کارخانهای ذیل غیرمنظم محسوب می‌شود :

۱ ـ آنهائی‌که مدت‌یك سال درداخله فرانسه ودوسال در جاهای دیگر با شرق‌اعظم ترك مکاتبه کرده باج نداده‌اند .

همچنین آنهائی‌که پیش از انعقاد مجمع عمومی انتخابات عمومی سالیانه سالاران خود رابجا نیاورده باشند.

۲ ـ آنهاکه به‌هیئت‌های ماسنی غیرمنظم می‌پیوندند.

۳ ـ آنها که عمداً درمیان خود فراماسنهای غیرمنظم را نگاه میدارند.

٤ ـ آنها که بکارهائی میپردازند غیرازآنچه برای‌آن تأسیس‌شده‌اند یادر آئینی کارمی‌کنندکه اجازه آنرا نگرفته‌اند.

۵ـ آنهاکه جلسات خود یاجشن‌های ماسنی خود را در مکان‌های غیرماسنی انجام می‌دهند یعنی در مکان هائی که شورای طریقت منظم بـودن آن‌ها را اعلام نکرده است.

۱۹۵ ـ درمورداول مذکور درمادهٔ قبل‌شورای‌طریقت‌پس‌ازتفتیش‌که بتوسط یکی از اعضای خود درهمان مکان می‌کند عدم‌تنظیم را اعلام مینماید.

درموارد دیگر به‌محاکمه بایدرجوع شود.

۱۹۶ـهرگاه‌شورای‌طریقت دربارهٔ کارخانه‌ای بعلت ترك مکاتبه یا امتناع‌از ادای باج حکم عدم تنظیم داده باشد ممکن است آن کارخانه اگر ازروی ترتیب تقاضا کند ولااقل مبلغ باج یك‌سال عقب افتاده را علاوه برباج سنهٔ‌جاریه بپردازد دوباره منظم می‌شود.

اما این تقاضا بایدمنضم باشدبسوادصورت‌مجلس مشعر براینکه‌به‌این‌مسئله به اکثریت آرا درجلسه مخصوص این‌کار رأی داده شده است.

۱۹۷ ـ کارخانه‌هائی‌که بتوسط هیئت‌های ماسنی دیگر تأسیس شده ممکن است بتوسط شورای طریقت در هیئت اتحادیه شرق‌اعظم فرانسه قبول شود هرگاه نوشتجات ذیلرا بتقاضای خود منضم‌کند:

۱ ـ فرامین تأسیس خود را.

۲ ـ صورت اعضای‌خودرا باتعهدنامه بامضای هریك‌ازآنهاکه باقانون‌اساسی

و نظامنامه عمومی طریقت موافقت نمایند .

۳ ـ یك نسخه از نظامنامه خصوصی خود که آن‌هم باید با قانون اساسی و نظامنامه عمومی طریقت منافی نباشد .

کارخانه‌که به این طریق داخل در هیئت شد اگر در ششماه اول داخل شده باشدکل مبلغ باج‌سالیانه رامدیونست اگردرششماه دوم‌قبول‌شودمدیون‌باج‌نخواهد بود مگرازاول ژانویه‌آتیه .

هیچ‌کارخانه‌نمیتواندرآن‌واحدهم‌جزوهیئت‌اتحادیه‌شرق‌اعظم‌فرانسه‌وهم‌جزو هیئت ماسنی‌دیگرباشد درصورتی‌که‌بپایه‌های‌خانقاهی یافیلسوفی‌باشد موجب‌همان تکلفاتی‌میشودکه‌برادران‌یاکارخانه‌های‌تابعهٔ‌شرق‌اعظم‌دارندلیکن‌درباب‌عناوین‌ممتاز کارخانهاهرگاه‌هیئتی‌که تابع‌آن بوده‌اند قواعدی متفاوت‌باقواعد شرق‌اعظم‌فرانسه راجع به اتکاء یامشابهت عناوین‌ممتازه داشته باشندکارخانه پیوسته میتواندعنوان ممتاز سابق خود را نگاه دارد با این شرط که در نوشتجات رسمی‌خود اسم‌لژشرق اعظم راکه اتکاء بآنرا قبول کرده است ذکر کند .

۱۹۷ مکرر ـ پیوستگی‌شخص فرانماسنها باپیوستگی‌کارخانهای شرق‌اعظم فرانسه .

اتکاء مزبور باید در ظرف یك‌سال از تاریخ اتصال بشرق اعظم واقع شود و شورای طریقت آنرا تصدیق کند اما درپیوستگیهای شخصی توقیعات وطغراها بشرق اعظم سپرده شده ودر عوض‌آن فرامین جدیده‌گرفته می‌شودکه درآن‌تاریخ اصلی پذیرفته شدن بپایه و تاریخ پیوستگیرا ذکرمیکند برای‌تبدیل فرمان چه شخصی چه جمعی تنها سه فرانك حق گرفته میشود .

فصل سیزدهم

کنگره‌های محلی

۱۹۷ ـ ثلث :

۱ ـ سالی یکمرتبه‌لااقل مابین لژهای شرق‌اعظم فرانسه‌کنگره‌های محلی تشکیل خواهد شد .

۲ ـ توزیع کارخانه مابین نواحی مختلفه بـرای تشکیل کنگـره بموجب نظامنامه مخصوص خواهد بود که شورای طریقت‌از روی اعمال سابقه وتقاضاهای شرقهای مختلفه و در موقع لزوم از روی احکام مجمعهای عمومی ترتیب میدهد.

۳ ـ کنگره‌های محلی حق خواهند داشت که مطالعه و مذاکره ورأی‌رادر مسائلی که مجمعهای عمومی سالیانه یا شورای طریقت بلژها رجوع کرده‌اندجزء دستور خود قراردهند .

٤ ـ کنگره‌ها می‌توانند تمام مسائلی را کـه بواسطهٔ کارخانهای محلی یا نماینده‌های‌منظم آنها یا کارخانه‌های محلی دیگرکه پیشنهاد آنها میشود ومسائل فلسفی باشد چه اجتماعی چه ماسنی و غیره در تحت مطالعه درآورند اما اکیداً ممنوع هستند از اینکه در انتخابات سیاسی مداخله کنند یااینکه بـه تأسیسات سیاسی واقتصادی یا هر نوع دیگرکه در عالم بیگانـگان تشکیل یافته ملحق‌شوند

۵ ـ همچنین میتوانند هر سال مطرح کنند :

« اولا » مسائلی را کـه میل دارند در جزو دستور مجمع عمـومی آینده گذاشته‌شود .

« ثانیاً »تمناهائی‌راکه‌شایسته بدانند ازشورای طریقت‌بشوددرباره هرامری راجع بمنافع‌ماسنی‌بخصوص‌در باب مسائل نفع محلی یا پیشه وغیره که قابل‌توجه باشد لیکن آن مسائل عمومیتش به حدی نباشد که توجـه مجمع عمومی را لازم داشته باشد .

۶ ـ تمام این مسائل را کنگره‌ها مطالعه میکنندورأی میدهند اما رأی آنها قطعی نیست وشورای طریقت ازمجمع آنها انتخاب میکند.

مسائلی را که باید دردستورمجامع عمومی سالیانه قرار داد علاوه برمسائلی که بموجب رأی مجمع عمومی برای مطالبه بلژها رجوع شده و مسائلی که شورای طریقت مستقیماً پیشنهادکرده و مسائلی که بطور لزوم ازکارهای هیئت اتحادیه تولید شده است .

شورای طریقت در انتخاب مسائل حتی‌الامکان باید رعایت عدهٔ آرائی را که در کنگره‌های محلی بجهت آن مسائل داده شده و ملاحظه منافع عمومی ماسنری را بنماید .

۷ ـ تمام مسائلی که بطرز مزبور بعنوان ماسنی از کنگره‌های محلی جزو دستورمجامع عمومی میآید باید بلافاصله دردنبالهٔ مسائلی که برای مطالعه بلژها فرستاده شده ومسائل ماسنی و بودجه و راپورت‌های سالیانه راجع بامور اداری و ترویجی مطرح شود .

تمام مسائل دیگر که کنگره‌های محلی مطرح قرار داده پس ازگذشتن از کمیسیون فقط مختصراً ذکـر میشود تا در یك جلسه جـزء راپورت های کلـی واقع شود .

۸ ـ چون فرمانروائی ماسنی مخصوص مجمع عمومی سالیانه است کنگره‌های محلی ماسنی میتوانندبرای طریق کارخودشان تعیین محل کنگره سال بعدنظامات داخلی برقرار کنند اما خارج از این مواد نمیتوانند رائی بدهند که اجراکردنی باشد یا اینکه برای کارخانه‌ها و سالاران و نمایندهـای آنها در مجمع عمومی مجبوریتی قرار دهد یا آنکه در امور اداری و مالی شورای طریقت متضمن ردیا قبول باشد .

برای نماینده بودن در کنگره‌های محلی باید لااقل پایه سوم ماسنی‌رادارا باشد .

چون منزلت يك فرد ماسنی را الژدارا میباشد در کنگره‌های محلی شماره آرا برحسب شماره کارخانهاست .

۹ ـ درهر کنگره محلی شورای طریقت يك نماینده رسمی میفرستد کـه جزو هیئت رئیسه آن قرار میگیرد وظایف عمدهٔ او از این قرار است:

«اولا» توضیحات مفیده داده به کنگره برای کارهای آن و سخن گفتن درموقع لزوم بعلت مخصوص برای منافع ماسنری .

«ثانیاً» یادداشت برداشتن مسائلی که بنظر او بااهمیت میآید تا بشورای طریقت راپورت بدهد .

نماینده مزبور حق شرکت درهیچ رأی ندارد .

جلسات کنگره‌های محلی و آداب ماسنی بپایه استادی واقع میشود.

سالاران آن درجلسهٔ اول مانند سالاران لژها انتخاب میشوند .

چراغهای پنجگانه وخزانه‌دار تشکیل هیئت رئیسه کنگره راداده و تاکنگره بعد بشغل خود باقی هستند .

۱۰ ـ هیئت رئیسه هر کنگره بایدلااقل ازیك ماه پیش مسائلی راکه توضیحات مستند و احصائی و مالی لازم دارد به شورای طریقت برساند منتها بفاصلهٔ دوماه پس از کنگره باید راپورت اعمال را بشورای طریقت بدهد .

۱۱ ـ همه کنگره‌های محلی باید منتها تا پانزدهم ماه ژون هرسال ختم شود تا شورای طریقت بتواند بموقع راپورتها و درخواستها و چیزهای دیگر ایشانرا دریافت کرده برای جلسهٔ عمومی حاضر کند .

کتاب دوم

هیئت اتحادیه

فصل اول

مجمع عمومی شرق اعظم

۱۹۸ ـ مجمع عمومی شرق‌اعظم هرسال درماه سپتامبر در پاریس درعمارت خود کوچه کاده نمره «۱۶» (Rou Cadet No 16) در روزی که شورای طریقت معین میکند در تحت اداره موقتی او منعقدمیشود .

۱۹۹ ـ پیش از افتتاح مجمع اعتبارنامه نمایندگـان را شورای طریقت رسیدگی میکند در صورتی که شکایت یا اختلافی باشد حکم آن با مجمع عمومی است .

پس‌از آنکه‌اسامی نمایندگان خوانده شد و نمایندگی آنها قبول شد مطابق تقسیماتی‌که‌مجمع معین کرده تشکیل شعب میدهد .

اعضای شورای طریقت بترتیب حروف تهجی میان شعبه‌ها توزیع میشود تا اینکه به نمایندگان توضیحات واطلاعات لازمه را بدهند لیکن رئیس و نویسنده و مأمور نمیتوانند بشوند .

اعضای منفصل شورای طریقت پس از انتخاب جانشین ایشان تا آخر دورهٔ اجلاسیه بعضویت مجمع عمومی باقی هستند .

۲۰۰ ـ مجمع‌همینکه تشکیل شد به انتخاب‌سالاران‌که باید مشاغل‌انتظامی را در مدت تمام کارهـای مجمع دارا باشند می پردازد سالاران مذکـور از این قراراند :

یك رئیس

یك نگهبان اول

یك نگهبان دوم

یك‌خطیب و یك‌معاون

یك نویسنده و یك معاون

یك ممیز بزرگ

دو ممیز

یك امین خیریه

دو رئیس تشریفات

انتخاب به‌ورقه خطی واقع می‌شود.

۲۰۱ـ انتخاب رئیس فردی و در نوبت اول باکثریت‌تامه رأی دهندگانست پنج سالاریکه‌بترتیب رتبه بعد از رئیس می‌آیند بامعاون خطیب به انتخاب‌جمعی و اکثریت نسبی رأی دهندگان منتخب می‌شوند .

دو ممیز و امین خیریه و دو رئیس تشریفات به قرعه معین می‌شوند .

معاون نویسنده کسیست که در وقت انتخاب نویسنده بعد از او دارای اکثریت باشد در صورت تساوی آرا،در باره چند نفر کبرسن قاطعست .

وظائف سالاران لژها در جلسات متعارفی .

رئیس می‌تواند رئیس‌دارالانشاءِ شرق اعظم‌را یا اگر او نباشد هر مستخدم دیگر اداری‌شرق‌اعظم‌را برای کمك کارهای مجمع بطورمعاون نویسنده بطلبد و درشرق جا دهد مشروط براینکه ماسن منظم واستاد باشد .

۲۰۲ـ اخذ رأی در مسائلیکه در مجمع مطرح می‌شود به‌قیام و قعود است اگر نتیجه مشکوك شد با ورقه شخصی وذکر اسامی اخذ رأی می‌شود .

رأی با اوراق ضروریست هرگاه بیست نفر ازاعضا تقاضا کنند .

رأی مخفی اکیداً ممنوعست .

نتیجه آراء اکثریت تامه اعضاء حاضره است در پیشنهادهائیکه بمجمع‌شده علناً رأی گرفته می‌شود اکثریت اعضا حاضره مناط اعتبار است .

لیکن رأی معتبر نیست مگر اینکه لااقل ثلث نمایندگان لژها درمجمع حاضر باشند .

۲۰۳ ـ ترتیب کارهای دوره اجلاسیه یکماه لااقل پیش از انعقاد مجمع عمومی بتوسط شورای طریقت به لژهای هیئت اتحادیه پیشنهاد می‌شود .

مجمع در هرصورت مختار دستور خود می‌باشد .

۲۰۴ ـ صورت مجلس کارهای هرجلسه در ابتدای جلسه بعد خوانده می‌شود.

در هر جلسه پیشنهادها و تمناهای نمایندگان لژها قرائت می‌شود تااینکه مطابق آنچه در بندهای (٤٦) و (٤٢) قانون اساسی مذکور است در باره آنها عمل شود .

هر پیشنهاد تازه باید ارجاع بشعب یاکمیسیون مخصوصی شود درهمان جلسه که آن پیشنهاد شده نمی‌توان بر آن رأی گرفت .

۲۰۵ـ جلسات مجمع عمومی بطور جلسه منظم بپایه استادی واقع می‌شود.

تمام فراماسنهای رسمی یا افتخاری که دارای پایه استادی باشند حق دارند بطور مهمان در آنجا حاضر شوند ومکانی مخصوص علیحده از مکان اعضاءِ مجمع دارا می‌باشند اظهارعلامت رد یا قبول از ایشان ممنوعست در صورتیکه از طرف مهمانان بی‌نظمی شود رئیس می‌تواندایشانرا از مزکت خارج کند .

مجمع حق دارد در هر موقع بموجب رأی جلسه خصوصی تشکیل دهد .

نمایندگان در مجمع عمومی

۲۰۶ـ تمام لژهای هیئت اتحادیه باید درمجمع عمومی نماینده داشته باشند.

هر لژیکه مطابق ماده « ۱٦۳ » به مجمع عمومی نماینده نفرستد دفعه اول ۱۰۰ فرانك جریمه می‌دهد در صورت تکرار بدون عذر مقبول ممکنست مجمع عمومی علاوه براخذ جریمه در دوره اجلاسیه بعد پس ازتفتیش شورای طریقت لژ مقصررا تعطیل یاخراب کند ولیکن لژمزبور درعین اینکه مسئول ادای جریمه می

باشدحق‌دارد ادای‌آنرا برعهده نماینده خود یا نایب او بگذارد که او از حضور درمجمع مانع‌پیدا کرده و غفلت نموده از اینکه به موقع شورای طریقترا آگاه سازد تا عذرکارخانه به‌مجمع عمومی رسیده باشد .

حضور نمایندگان لژ ها در جلسات مجمع عمومی اجباریست و درهرجلسه محقق می‌شود بواسطه ورقه‌که منقسم بدو قسمت است و هرکدام ازآن دو قسمت یك نمره ترتیبی‌دارد یك‌قسمت از ورقه را نماینده دروقت ورود اطاق در ابتدای جلسه به ممیز می‌دهد و قسمت دیگر را در آخر کارها در وقت خروج تسلیم می‌کند .

غیبتهای بدون عذر و دلیل در صحیفه اعمال شرق اعظم درج می‌شود .

۲۰۷ـ نمایندگان لژهای داخله فرانسه غیرازلژهای‌ایالات سن وسن اواز همچنین اعضای شورای طریقت که در خارج از این دو ایالت مسکن دارند حق دارند مخارج مسافرتی برای رفتن و برگشتن به میزان یکفرانك وصد وبیست و پنج میلیم برای هر ده کیلومتر دریافت کنند کسور ده‌کیلومترکه‌ازچهارکیلو متر کمتر باشد محسوب نمی‌شود .

این خرج مسافرت را صندوق شرق اعظم می‌دهد .

فصل دوم

شورای طریقت

۲۰۸ـ شورای طریقت هر سال پس از تجدید پنج کمیسیون دائمی انتخاب می‌کند از اینقرار :

۱ـ کمیسیون اموراداری.

۲ـ کمیسیون روابط خارجی .

۳ـ کمیسیون محاکمات و امور قضائیه و مستدعیات .

٤ـ کمیسیون مالیه و ابنیه .

۵ـ کمیسیون صحیفه اعمال و دفتر وکتابخانه.

۲۰۹ـ هیئت رئیسه شورا آرای شورا را مجری می‌نماید .

کار دارالانشا را مرتب می‌کند .

مستخدمین شرق اعظم را اداره می‌کند .

۲۱۰ـ منشیان شورای طریقت در کار دارالانشاء کل نظارت می‌کنند .

۲۱۱ـ شورای طریقت هرماه دو جلسه متعارفی دارد .

در اعتدال ربیعی جلسه کلی منعقد می‌کند .

۲۱۲ـ جلسات کلی شورای بطریق ماسنی به‌پایه استادی واقع می‌شود .

برای فراماسنهای منظم هیئت اتحادیه آن جلسات علنی است .

لیکن شورا می‌تواند رأی بدهد که جلسه خصوصی منعقد کنند .

۲۱۳ـ در جلسات متعارفی لااقل حضور هفت نفر از اعضاءِ لازمست تا مذاکرات و آراءمعتبر باشد .

برای اعضای شوری‌که‌در ایالات سن وسن‌اواز ساکنند حضور دراین جلسات اجباریست غیبتهای بدون دلیل در صورت مجلس درج می‌شود .

۲۱۴ـ اعضای شورای طریقت یا برادرانیکه از جانب آن به تفتیش یا استواری کارخانه‌ها یا مأموریت دیگر مأمورمی شوند حق دارند مخارج سفر و اقامت خود را دریافت نمایند .

اعضای شورا که خارج از ولایات سن وسن‌اواز مسکن دارند حق ندارند مگر بدریافت مخارج مسافرت برای حضورشان در جلسات عمومی کلی‌در اعتدال ربیعی .

۲۱۵ـ منشورها و توقیعات و طغراهای شخصی باید به‌امضای رئیس شورای طریقت و یکی از نویسندگان و لااقل دو نفر اعضای دیگر برسد .

فرامین تأسیس کارخانجات را رئیس و نویسنده و لااقل چهار نفر از اعضاءِ امضا می‌کنند .

فرامین تأسیس خانقاهها و کنگاشستان‌ها بعلاوه باید بامضای اشخاص‌مذکور در ماده «۲۳۲» برسد.

تمام این فرامینرا مهردار باید مهرکند.

۲۱۶- در صورتیکه اعضای شورای طریقت استعفا داده باشند دو باره همان اعضا قابل انتخابند لیکن فقط برای مدتیکه عضویت ایشان باقیست.

۲۱۶ مکرر-شورای طریقت می‌توانند درخارج خاك فرانسه از شرقهای‌مهم از میان برادرانیکه قابلیت و خدمتگذاری فوق‌العاده ظاهر می‌گردد باید برای شرق اعظم سالاران افتخاری تعیین‌کنند.

سالاران افتخاری بموجب نمایندگی مخصوص ازطرف شورای طریقت‌می‌توانند مأموریتهائیکه عادتاً مختص‌اعضای شوری می‌باشدانجام‌دهند. هرگاه‌اعضای شوری به سبب بعد مکان از انجام آنهاممنوع باشند.

درصورتیکه در پاریس اقامت داشته باشند می‌توانند در شورای طریقت حاضر و داخل مذاکره شوند اما حق رأی ندارند.

نصب ایشان هرسال پس از تجدید ثلث اعضای شورای طریقت باید تصدیق شود.

نشانهای ایشان‌حمایلیست شبیه بحمایل اعضای شورای طریقت بااین‌تفاوت که مزین بیك شاخه عقاقیا و یکشاخه بلوط گلا پتون دوزی نقره باشد.

۲۱۶ ثالث - هرموقع که درخارج خاك فرانسه برای ایجاد و نگهداری و بسط کارخانه‌های شرق اعظم فرانسه مقتضی‌شود شورای طریقت می‌تواند برای صحت مذاکرات کارخانه‌ها و اعطای پایه ها و فرامین ماسنی اجازه دهد که از دستور مقرر نظامنامه طریقت انحراف جسته‌شود.

این انحراف باید بموجب احکام مدال مخصوص بهر موقع خاص‌اضطراری واقع‌شود که نظامنامه عمومی نتواند پیش بینی کند.

هرگاه راجع بمذاکرات لژها باشدنباید هیچ وقت حال دائمی‌پیداکندوبیش

از شش‌ماه جریان نماید .

برای تشکیل کارخانهای جدید شورای طریقت اختیار دارد که یك یاچند نفر فراماسن‌را نمایندگی دهد تا پایه‌های ماسنی اعطاکنندمشروط براینکه آن فراماسن‌ها منظم باشند و دارای پایه که لااقل‌معادل‌پایه‌ای‌که‌میخواهداعطاکند باشد و مشروط براین‌که‌درآن مکان کارخانه مشابهی تابع شرق‌اعظم وجود نداشته باشد .

فرامین ماسنی راجع به این اعطای پایه مستقیماً بتوسط شورای طریقت‌به تقاضای‌مخبرشورا بصاحبان‌آن داده‌میشودولی‌گیرنده بایدمکلفات‌مقرر راداکند وقبل ازانقضای یك‌سال عضو رسمی یکی ازکارخانه‌های شرق اعظم بشود .

فصل‌سوم

مجلس تمیز

۲۱۷ ـ اعضای مجلس تمیز را هر سال مجمع عمومی پس از انتخاب‌اعضای شورای طریقت بهمان ترتیب انتخاب میکنند .

ابتدا پس ازانتخاب قضاة پانزده‌گانه از میان ایشان‌پنج قاضی به‌قرعه‌معین میشود که‌مشاغل‌آنها دررأس‌یك‌سال وپنج‌قاضی دیگرکه در رأس دوسال مشاغلشان منقضی میشود .

۲۱۸ـ رئیس و نایب‌رئیس و نویسنده مجلس تمیز هر سال در ابتـدای دوره اجلاسیه ماه سپتامبر انتخاب میشوند ذکر این امر در جزو رسمی صحیفـه اعمال شرق‌اعظم میشود .

۲۱۹ـ اعضای مجلس تمیزکه‌خارج‌ازولایات سن‌وسن‌آواز ساکنندحق‌دارند برای خرج مسافرت و حضور در جلسات در ازای هر ده کیلومتر ایاباً وذهاباً یك فرانك‌وصدو بیست‌وپنج میلیم دریافت‌کنند .

این مخارج‌ازصندوق مرکزی‌طریقت تأدیه میشود .

۲۲۰ ـ مجلس تمیز جلسات خود را بطریق ماسنی به پایهٔ شاگردی تشکیل میدهد.

کارهای آن صحت ندارد مگر اینکه پنج نفر از قضاة لااقل حاضر باشند. مباحثات علنی و مشاورات که منتهی به رأی میشود خصوصی است.

۲۲۱ـ کاردفترداری مجلس تمیز بتوسط دارالانشاء شرق اعظم انجام می یابد و یك نفر از مستخدمین آن درجلسات نویسنده مجلس تمیز را معاونت میکند.

فصل چهارم

بارگاه بزرگ آئین‌ها

قسمت اول

تشکیل و ترتیب آن

۲۲۲ ـ بارگاه بزرگ آئین‌ها مرکب است از فراماسنهائی که دارای پایه «سی‌وسوم» باشند و عدهٔ ایشان کمتر از نه و بیشتر از سی و سه نفر نمیتواندباشد. مقرّآن پاریس است.

۲۲۳ ـ اعضای رسمی بارگاه باید درداخله فرانسه سکناداشته باشند.

هر یك از ایشان باید عضو رسمی یك لژ و یك خانقاه و یك کنگاشستان باشند.

اعضای مزبور مکلف هستند که در تمام جلسات بارگاه حاضر شوند مگر اینکه عذر موجه داشته باشند.

هر عضو رسمی که بدون عذر موجهی که بارگاه آن‌را بپذیرد و سه‌جلسه در یکسال غیبت کند مستعفی محسوب میشود.

۲۲٤ ـ برای اینکه شخص عضو رسمی بارگاه شود باید لااقل در شش‌ماه به پایهٔ سی و سوم سیر یافته و سه نفر از اعضای رسمی بارگاه اورامعرفی کرده‌باشند این معرفی باید در رقعه دعوت با اسامی معرفین جزو دستور گذاشته‌شود.

پذیرفتن او به اکثریت آراء رأی‌دهندگان به‌رأی مخفی اعلام‌میشود .

۲۲۵ ـ بارگاه میتواند اعضای افتخاری داشته باشد .

این اعضا اعضای رسمی قدیمی بارگاه خواهندبود که شایستگی داشته‌باشند واجرای وظایف عضویت رسمی برای آنها غیرمقدور یا مشکل شده باشد .

سمت عضوافتخاری بموجب رأی مخصوص‌بارگاه حاصل میگردد و اخذاین رأی پس ازآن‌است که در دعوتنامه‌ها جزو دستور مذکور شده باشد .

اعضای افتخاری‌هروقت‌درجلسات حاضرباشند برای‌سیردادن واعطای‌پایه‌ها حق‌رأی وبرای سایر امور حق مذاکره دارند .

اعضای افتخاری که در داخلهٔ فرانسه سکنا دارند دعوت نامه برای آنها فرستاده‌میشود .

۲۲۶ ـ بارگاه منقسم میشود بیك عده شعب معادل عدهٔ آئین هائی که شرق اعظم فرانسه آنهارا تصدیق دارد .

سالاران بارگاه بزرگ آئین‌ها از اینقرارند :

«۱» فرمان‌فرمای بزرگ

«۲» نایب‌اول فرمان‌فرما

«۳» نایب‌دوم فرمان فرما

«٤» خطیب بزرگ

«۵» دبیر بزرگ

«٦» خزانه‌دار بزرگ

«۷» امین خیریه بزرگ

«۸» مهردار بزرگ

«۹» رئیس‌تشریفات بزرگ

«۱۰» رئیس بزرگ پاسبانان

خطیب بزرگ و دبیر بزرگ هر یك معاون هم میتوانند داشته باشند.

این سالاران برای مدت یك سال به‌رأی مخفی انتخاب می‌شوند.

۲۲۸ـ بارگاه بزرگ آئینها هرسال چهار جلسه متعارفی در موقع انقلابین و اعتدالین دارند در موقع لزوم بطور فوق‌العاده نیز منعقد تواند شد.

انتخابات عمومی آن هرسال در نزدیکترین جلسه به‌مجمع عمومی شرق اعظم واقع می‌شود.

۲۲۹ـ بارگاه بزرگ آئینها نمی‌تواند از روی صحت کارکند مگر اینکه اعضای حاضر در جلسه ثلث عده کل بوده باشند لیکن اگر عده کل کمتر از بیست و یك باشد عده اقل حضار کمتر از هفت نفر نتواند بود.

۲۳۰ـ مخارج بارگاه بوسیله حق‌الورود و مالیات سالانه که اعضاء آن می‌دهند و مبلغ آنرا هم خود بارگاه معین می‌کند پرداخته می‌شود.

قسمت دوم

وظایف بارگاه

۲۳۱ـ بارگاه بزرگ آئینها نگهبان آداب و رسوم محفوظه و ناظم‌ترتیبات ماسنیست برای کارهای همه پایه‌ها آئین نامه‌ها درست می‌کنند که رعایت آنهااز طرف شرق اعظم به‌کارخانه‌ها توصیه می‌شود و تصرفات درآئین نامه‌ها هم بتوسط او می‌شود.

تعلیمات پایه‌های متنوعه را انشاءِ می‌کند یا تصویب می‌نماید.

به‌استشاره شورای طریقت رأی خود را در مسائل راجع به‌آداب و رسوم و محفوظه و ترتیبات ماسنی اظهار می‌کنند.

۲۳۲ـ بارگاه درباره تقاضای نامه‌های خانقاهی و طغراهای اساسی برای تأسیس خانقاه‌ها وکنگاشستانها چنانکه در مواد «۱۲» و«۱۶» مذکوراست بشورای طریقت اظهار رأی می‌کند.

فرمانهای تأسیس این کارخانه‌ها باید به‌امضای فرمانفرمای بزرگ و دبیر بزرگ برسد.

۲۳۳- بارگاه درباب تقاضای‌اتصال وجمع آئینها چنانکه بعداز این‌درقسمت سوم و چهارم توضیح می‌شود اظهار رأی می‌کند.

۲۳۴- تنها بارگاه حق دارد اشخاص را به بلندترین پایه‌های فراماسنری یعنی بپایه «۳۱» و«۳۲» و «۳۳»آئین اسکاتلندی و پایه‌های معادل آنهااز آئینهای دیگر مصوبه شرق اعظم سیر دهد پایه‌های مطابق این درجاترا موافق ترتیبات قسمت پنجم که بعد خواهدآمد عطا می‌کند.

۲۳۵- بارگاه نمی‌تواند بهیچوجه در آنچه که راجع بحکومت و اداره طریقتست مداخله کند.

قسمت سوم

اتصال آئینهای تازه

۲۳۶- مجامع ماسنی که دارای آئینی باشند که شرق اعظم فرانسه آنها را پذیرفته و می‌خواهند پذیرفته شوند باید مخصوصاً این تقاضارا بشرق اعظم‌اظهار کند و فرامین اصلی و نظامنامه های خود را هم بفرستند.

این نوشتجات راشرق اعظم به‌بارگاه می‌فرستد واوبه‌اکثرین تامه‌آرا به‌رأی مخفی‌کمیسیونی مرکب از پنج عضو معین می‌کندکه مأمور ملاحظه‌آن نظامنامه‌ها و آئین‌نامه‌ها و ممیزی فرمان تأسیس تقاضا کنندگان باشد.

این کمیسیون راپورت خود را کتباً می‌دهد چه در باب کیفیت آئین چه در مجموع آن.

اگرآن‌آئین چیزی مخالف اخلاق و اصول کلیه طریقت نداشته باشدبارگاه موقتاً حکمی می‌دهد هرگاه‌آن حکم مساعد باشد فوراً به‌آن مجمع اطلاع داده می‌شود و او صورت‌اعضاء خود را بشرق اعظم می‌فرستد و تعهد می‌کند که از هر حیث باقانون اساسی و نظامنامه طریقت موافقت‌کند.

۲۳۷ـ خطیب بزرگ بارگاه راپورتی به‌شورای طریقت می‌دهد و او حکم قطعی می‌کند .

همینکه آئین پذیرفته شد فرامین و نظامنامه‌ها و آئین‌نامه‌هارادردفترشرق اعظم ضبط می‌کند و نسخه‌ای‌ازحکمی‌که‌ضبط‌آن اسناد درآن مذکور است برای مجمع فرستاده می‌شود .

همه کارخانه‌هائیکه درآن‌آئین تأسیس شده‌اند پس از تبدیل فرمان اولیه خود به‌فرمان تازه که از شرق اعظم فرانسه صادر شده باشد جزو هیئت اتحادیه محسوبند .

۲۳۸ـ درصورتیکه کارخانه تقاضاکند که به‌آئین جدیدالقبول تأسیس شود باید مطابق قواعدی که برای تأسیس کارخانه‌ها مقرر است رفتارکند .

اگر شرق‌اعظم آن آئین را نپذیرفت اسناد اصلیه و نظامنامه وآئین‌نامه‌ها را به‌مجمع تقاضاکننده مسترد می‌دارد .

قسمت چهارم

تقاضای جمع آئینها

۲۳۹ـ هرلژیکه در تحت توجه شرق اعظم فرانسه تشکیل شود اساس‌آن برآئین فرانسه نهاده می‌شود لیکن می‌تواند برحسب تقاضای خود اجازه‌جمع‌آن آئین را به‌آئین دیگر بگیرد .

هیچ‌کارخانه عالی نمی‌تواند اجازه جمع‌آئین بگیرد مگر اینکه‌این‌اجازه به‌لژیکه برآن متکیست قبلا داده شده باشد .

۲۴۰ـ هرکارخانه‌که تقاضای جمع‌آئینها را می‌کند باید نوشتجات ذیل را بشرق اعظم فرانسه بفرستد :

۱ـ سواد رائیکه دراین بابت‌گرفته‌شده‌است به‌اکثریت دوثلث‌رأی‌دهندگان پس از دعوت مخصوص تمام اعضاء .

۲ـ صورت اعضا به‌امضای ایشان .

۳ـ منشورهای هفت عضو که دارای آئین مذکور هستند .

٤ـ فرمان تأسیس آئینی که کارخانه بآن آئین تأسیس شده .

۵ـ باجهای مُقرره .

در صورتیکه کارخانه نتواند نوشتجات مذکور در فقره سوم را ابراز دارد بجای آنها تصدیقنامه ازکارخانه دیگرکه دارای همان آئین است می‌آورد مشعر براینکه هفت نفرازاعضای آن به‌آئین مذکورپذیرفته شده‌اند .

۲٤۱ـ اگر جمع آئینها بیکی ازکارخانه‌های شرق اعظم پاریس اعطا شود بتوسط سه‌نفر مأمورکه شورای‌طریقت حتی‌الامکان ایشانرا از اعضای‌خودانتخاب می‌کند به‌افتتاح‌آن آئین اقدام می‌شود .

اگرکارخانه ازشرق دیگری غیراز پاریس باشد شورای طریقت افتتاح‌آن را معین می‌کند .

۲٤۲ـکارخانه‌که تقاضای جمع‌آئین می‌کند می‌تواند مهمان بپذیرداما قبل ازآنکه آن‌آئین افتتاح شده باشد نمی‌تواند اقدام بسپردادن یاپیوستگی بآئین مزبوربنماید .

قسمت پنجم

اعطای پایه‌های عالی

۲٤۳ـ پیشنهادهای کنگاشستانها مشعر برتقاضای اعطای پایه‌های عالی به بعضی از اعضای خود باید بفرمانفرمای‌بزرگ بارگاه اظهارشود .

وهمچنین است تقاضای اعضای شورای طریقت بموجب ماده «۸۹» .

برای هریك از این پیشنهادها یا تقاضاها فرمانفرمای بزرگ یکنفر از اعضای‌بارگاهرا مأمور می‌کندکه‌آنرا ملاحظه‌کرده ومرقومات‌آنرا ممیزی نموده اطلاعات لازمه تحصیل کرده ببارگاه راپورت کتبی بدهد .

۲٤٤ ـ بارگاه پس از آنکه قرائت راپورت و پیشنهاد یا تقاضا را استماع کرده اول رأی‌میدهد در این‌که آیا ارتقاء رتبه باید داده شودیانه هرگاه رأی‌برای خواستار مساعد بود بارگاه رأی می‌دهد و یا باید او را فوراً بپایه‌های سه‌گانه‌عالی پذیرفت یا فقط بدوپایه یاتنها بپایه اول .

هرگاه ارتقاء رتبه‌فقط‌برای پایه «۳۱»عطاشودبرای‌دوپایه دیگر عطانمیشود مگربرای هرکدام بفاصلهٔ یکسال .

اگربرای‌دوپایهٔ «۳۱»و«۳۲»درآن‌واحد قبول شده‌باشد برای‌پایه «۳۳»قبول نمیشود مگر بفاصلهٔ یکسال .

۲٤۵ ـ اگر برادری‌که بپایه «۳۱»یا «۳۲» قبول شده دور از پاریس‌ودرخاك فرانسه ساکن باشد سیراوممکن است واقع شود بتوسط سه برادرکه دارای پایه اعطاکردنی باشند و مخصوصاً از طرف بارگاه مأمورشده باشند .

اگرآن برادر درخاك فرانسه یاوراءبحر یاممالك‌خارجه ساکن باشد سیراو ممکنست بتوسط دونماینده بلکه یك‌نماینده تنها واقع‌شود .

نماینده‌هارابایددرمکان ماسنی سیر بدهند وصورت‌مجلس‌آنرا بنویسندوبه امضای تازه سیر یافته رسانیده ببارگاه بفرستند .

۲٤٦ ـ سیر پایه «۳۳» واقع نمیشود مگر در جلسهٔ بارگاه ولیکن ببعضی ملاحظات راجع بمزاج یادوری پذیر رفتار بارگاه میتواند بموجب رأی مخصوص بادلیل حکم کندکه سیرموافق ماده «۲٤۵» داده شود .

۲٤۷ ـ اعطای پایه‌های عالی مستلزم هیچ‌گونه تکلفات نقدی نمیشود .

۲٤۷ مکــرر ـ پایه‌های عالی ممکنست به عنوان افتخاری بتوسط بارگاه داده شود بموجب اجازه شورای طریقت بفرانماسنهائیکه جزو هیئت شرق اعظم فرانسه نیستند و تابع هیئت‌های ماسنی هستندکه‌مقرآنها درخارج فرانسه است .

اجازه این امر راشورای طریقت بنا بر راپورت کمیسیون روابط خارجه میدهد شرایط‌مقتضیه‌اعطای این پایه‌ها باعضای‌هیئت إتحادیه در این‌صورت‌مجری

نیست فقط وظیفه‌ای که پذیرفتار باید بجا آرد اینست که سندی ابراز کند که پایه‌شو ∴ کاد ∴ یا بالاتر رامنظماً دارا میباشد .

بارگاه میتواند بموجب رأی مخصوص بسبب بعد مکان خواستار را ازآداب مقرره درمواد «۲۴۵» و «۲۴۶» معافدارد .

اعطای طغراهای بزرگ بعنوان خارجه‌مستلزم تکلف مقرره‌درمادهٔ «۲۴۷» نظامنامهٔعمومی نیست .

مخارج این فرامین‌در جزو اعتباراتی‌است‌که دربودجهٔ سالیانه برای‌روابط خارجی‌منظور میشود .

فصل پنجم

نشانهای اعضای شرق اعظم

۲۴۸ـ نشانهای اعضای شورای طریقت از این قرار است :

۱ ـ یك حمایل بعرض ۱۱ سانتیمتر از نوار موجدار نارنجی رنگ‌باحاشیه سبز که بطور صلیب قرار داده شده و چنانکه در مادهٔ بعد مذکـور است زردوزی شده باشد .

۲ ـ یك گلچهٔ مرکب از یك نواری از همان رنگ مزین به ریشهٔ طلاکه‌به آویز آن‌کلمات شورای طریقت زردوزی شده باشد .

۲۴۹ ـ حمایل رئیس بعرض ۱۳ سانتیمتر مزین است بیك زنجیر یگانگی و سه شاخه عقاقیای درهم پیچیده وسط آن مثلثی است درخشان باعلامت مقدس‌و تمام‌آن زر دوزیست .

حمایل نایبان رئیس شبیه بآنست با این تفاوت که دوشاخه عقاقیای طلا و یك شاخه بلوط نقره دارد .

حمایل سایر اعضای شورای طریقت مزین بدو شاخه عقاقیا دوخته شده از نقره بایك منگله سبز نقره دروسط .

۲۵۰ ـ قضاة مجلس تمیز یك‌گلچه سبزدارند باحاشیهٔ نارنجی مزین بیك رشتهٔ نقره‌که بآویزآن این‌کلمات «مجلس تمیز» زردوزی شده است .

۲۵۱ ـ اعضای بارگاه حمایلی دارند بعرض ۱۱ سانتیمتر از نوار موجدار سفید بایراق طلا از هرطرف بشکل صلیب که وسط آن مزین است بیك مثلث درخشان با عدد «۳۳» ودرچپ وراست‌آن سه ستاره بطورمثلث قرارداده‌شده واین جمله باطلازردوزی شده است .

۲۵۲ ـ درجلسات مجمع عمومی اعضای شورای طریقت باید نشان‌های‌خود را داشته باشند .

نمایندههای لژها باید حمایل استادی بیاویزند لیکن‌آنهاکه‌ارجمندهستند میتوانند بجای این حمایل یا با این حمایل شغل خود را بیاویزند .

فصل ششم

جشنها و مهمانیها ومراسم سوگواری

شرق اعظم

۲۵۳ـ هرسال شرق اعظم یك جشن‌طریقتی دارد که در دنبالهٔ آن مهمانی طریقتی میدهد و این امر پس‌ازختم مجمع عمومی‌است .

یك جشن هم حتی‌الامکان در نزدیکی انقلاب شتوی دارد .

۲۵۴ ـ ترتیب جشن و مهمانیها باشورای طریقت است .

مهمانی‌ها را بشکل‌ماسنی بپایهٔ شاگردی مجری میدارند .

در مهمانی‌که بعد از مجمع عمومی است شادخـواری های اجباری از این قرار است :

۱ ـ سلامت جمهوری فرانسه .

۲ ـ سلامت‌شرق‌اعظم فرانسه‌وسایرهیئتهای ماسنی .

۳ ـ سلامت‌کارخانهای هیئت اتحادیه .

٤ ـ سلامت رئیس مجمع عمومی

۵ ـ سلامت‌رئیس شورای طریقت ورئیس مجلس تمیز ورئیس‌بارگاه‌بزرگ آئین‌ها .

٦ ـ سلامت مهمانان وتمام فرانماسنهای خوشبخت یابدبخت‌که در دو روی زمین‌هستند این‌شادخواریهارا رئیس‌جلسه‌عمومی‌یاسالاریکه‌جانشین‌اواست فرمان میدهد مگر چهارمی را که رئیس‌شورای طریقت فرمان میدهد .

۲۵۵ ـ هرسه سال‌شورای‌طریقت‌هنگام جلسات‌کلی‌خود یك‌جلسه‌سوگواری برای ذکرخیرفرانماسنهای متوفی باید داشته باشد .

فصل هفتم

دستگیری ماسنی

۲۵٦ ـ درپاریس یك کمیسیون مرکزی دستگیری ماسنی موجود است که مقر آن عمارت شرق اعظم فرانسه میباشد .

این کمیسیون مرکب است از ۹ نفرکه مجمع عمومی از میان اعضای خود انتخاب می‌کند انتخاب اعضای کمیسیون مرکزی دستگیری ماسنی بهمان طریق انتخاب اعضای شورای طریقت واقع می‌شود تجدید انتخاب اعضای منفصل جایز است اعضای‌کمیسیون درتمام‌مدت مأموریت‌خود به‌مشاغل عضویت شورای طریقت و مجلس تمیز نمی‌توانند منتخب شوند .

هرسال درماه سپتامبر کمیسیون یك رئیس یك نایب رئیس یك نویسنده انتخاب می‌کند و این امر در صحیفه اعمال شرق اعظم ذکر می‌شود .

این کمیسیون در تحت مراقبت شورای طریقت با نظارت سالیانه مجمع عمومی صندوق همبستگی مرکزی ماسنیرا اداره می‌کند .

اعضای کمیسیون دستگیری ماسنی که در مجمع عمومی نمایندگی ندارند می‌توانند درجلسات مجمع عمومی حاضر شده برای مسائلیکه راجع بدستگیری ماسنیست فقط داخل مذاکره شوند .

۲۵۷- به این کمیسیون امنای خیریه لژهای ولایت سن بنوبت منضم می‌شوند.

هر لژی که امین خیریه نتواند بفرستد باید یکی دیگر از اعضای خود را به این شغل معین کند برادران مذکور بعده شش نفر در کارهای کمیسیون شرکت کرده بعد از سه ماه تبدیل به شش نفر دیگر می‌شوند بترتیبی که اسامی لژها در سالنامه شرق اعظم مذکور است این اشخاص هم حق رأی در مسائل دارند .

برادران منفصل پس از انقضا مدت سه ماه در سه‌ماه بعد باز در کارهای کمیسیون شرکت دارند لیکن حق رأی ندارند .

۲۵۸- دستگیری ماسنی شاملست هر امری راکه راجع به احسان باشد ازسه نقطه نظر بدنی اخلاقی عقلانی از این قرار :

۱- دستگیری فقرا بواسطه تقسیم خوراك و لباس و اعانه نقدی .

۲- اعانه برای پریشان روزگاری آشکار .

۳- کمك برادرانه به فراماسنها در بدبختی و کمك و حمایت بیوه‌ها و یتیمان آنان .

٤- تأسیسات ماسنی از قبیل دارالعجزه و دارالفقرا ودارالاطفال ومدرسه و دارالایتام و دارالضعفا تعلیم مجانی وکتابخانه‌های عمومی .

۲۵۹- عایدات صندوق مرکزی همبستگی از قرار ذیل است :

۱- سهام شرکت بی‌اسم غیر منقوله و دیون مختلفه .

۲- حاصل جشنها و کنسرت هر نوع مجالس و محافل که لژها برای جمع

وجوه خیریه ماسنی فراهم کنند همچنین اعانه‌ها و احسانها که فراماسنهادرتحت توجه خود به‌اجازه شرق اعظم فراهم می‌نمایند .

۳ـ بخشش‌های اختیاری کارخانها وفراماسنها .

٤ـ بخشش‌های پولی یا جنسی ازقبیل تخت خواب ولباس و پارچه وکفش و ماکولات وغیره .

٥ـ عایدات‌کیسه خیریه شرق اعظم .

٦ـ عایدات جریمه‌هاکه باین مقصد بکار می‌رود .

۷ـ عایدات مالیاتهائی که لژهای هیئت اتحادیه برای اعضای رسمی خود به همان شرایط مالیات سرانه می‌پردازند بموجب ماده (۱٦۷ـ۱۷۰) .

۲۵۹ مکرر ـ وقتی‌کـه لژی در هیئت اتحادیه می‌خواهد اعانه برای یکی از اعضای خود یا خانواده برادر متوفی مطالبه کند باید طلب نامه بامضاءِ سالاران موافق ماده «۱۷۳» بشرق اعظم بفرستد .

این مطلب نامه عبارتست از سواد صورت مجلس جلسه منظمی کـه در آن جلسه این رأی گرفته شده وباید متضمن باشد :

اولاـ بیان اموریکه لژرا مجبورکرده ازاینکه بصندوق مرکزی همبستگی ماسنی متوسل شود و ذکرمراتب وخدمات ماسنی برادریکه برای اویا خانواده او بطور موقت یا مقرر استعانت می‌کند .

ثانیاً ـ مبلغ موجود صندوق امین خیریه آن کارخانه .

هرگاه دوسیه این طلب‌نامه کامل ومنظم باشد شورای طریقت آنرا بضمیمه رأی خود بکمیسیون دستگیری ماسنی می‌فرستد و کمیسیون در جلسه اول خود رأی می‌دهد درصورتیکه اعانه راجع به فراماسن یا خانواده فراماسنی باشد که جزلژی از هیئت اتحادیه بوده که فعلا موجود نیست شورای طریقت لژی را که باید این طلب‌نامه را بفرستد تعیین می‌کند .

۲۵۹ ثالث ـ کمیسیون دستگیری ماسنی لااقـل هر « ۱۵ » روز در عمارت شرق اعظم فرانسه یك جلسه می‌کند که درآن جلسه در باب تمام استعانت‌هائیکه ازشرق اعظم شده رأی می‌دهد .

آرای خود را فوراً بشورای طریقت اعلام می‌کند وشورا درظرف یك هفته آراءراجع باستعانتهائی‌که مطابق ماده قبل شده بلژهای مربوطه اطلاع می‌دهد در همین ضمن شورای طریقت مبلغ اعانه را کـه رأی داده شده می‌فرستد واز وجوه صندوق مرکزی همبستگی ماسنی‌که منحصراً برای این استعانت‌ها معین شده اخذ می‌نماید .

مخارج ارسال ازمبلغ رأی داده شده‌کسرمی‌شود درصورت‌کارهای شرق‌اعظم اعانه‌هائی که داده شده ذکر می‌کنند .

لژ خواستار در ظرف یکماه پس از دریافت اعانه مصرف وجه را بشورای طریقت راپورت می‌دهد و شورا ملاحظه می‌کند کـه آن مصارف بقاعده بوده یـا نبوده است .

ممکن است لژها از مجمع عمومی بعد درآراءکمیسیون دستگیری ماسنی تقاضای تجدید نظرکنند .

درباره این تقاضا باید در جلسه منظم رأی داده باشند و با بیان دلائل تقاضا رابشرق اعظم‌بفرستند.

کمیسیون مخصوص هرسال مأمور خواهد شدکه محاسبات ومصرف وجوهی را که منحصراً برای صندوق مرکزی همبستگی ماسنی معین شده تفتیش‌کنند .

۲۶۰ـ شبیه بترتیبات دستگیری ماسنی پاریس ممکن است ترتیباتی فراهم شود در شرقهائی کـه چندین لژ دارد لیکن نمی‌توانند آنها در ترتیبات وکارهای صندوق مرکـزی همبستگی ماسنی طوریکه در نظامنامه عمومی دستور داده شده دخل و تصرف بکنند .

۲۶۱ـ منسوخست .

۲۶۲ـ منسوخست .

۲۶۳ـ هر فراماسن بدبختیکه مقیم پاریس باشد یا از آنجا عبور کندو درخواست مهمان نوازی یــا هر نوع دستگیری کند بایــد بدارالانشاءِ کل رجوع نماید و نوشتجات لازمه برای تحقیق صفت ماسنی و هویت خود بطلب نامه خود منضم کند .

۲۶٤ـ منسوخست .

۲۶۵ـ منسوخست .

فصل هشتم

یادداشتهای ماسنی

مواد «۲۶۶» تا «۲۷٤» در جلسه عمومی پانزدهم سپتامبر ۱۸۹۲ منسوخ و پاداشهای ماسنی برای فراماسنهای هیئت اتحادیه موقوف شده است .

فصل نهم

محاکمه ماسنی

قسمت اول

تقصیر و مجازاتهای ماسنی

جزوه اول

تقصیرات فراماسنها

۲۷۵ـ هر کاریکه موجب وهن فراماسن یا فراماسنری شود تقصیر ماسنی محسوب است ازقبیل تخلف از تعهدات ماسنی اعطای پایه درپنهانی وتعارف‌گرفتن

در ازای آن و هرکاری‌که درهیئت اجتماعیه شرف شخصی را لکه‌دارکند یاموجب بد نامی باشد وخسارت عمدی وارد کردن بجان یـا آبرو یا مال و خسارت عمدی وارد کردن بجان یاآبرو یا مال دیگران دائم‌الخمری عربده صحبتهای بی‌ادبانه ناشایسته بآواز بلند نافرمانـی ماسنی مقرون بوقایع ناگوار تکرار مخالفت با نظام داخلی .

۲۷۶ـ تقصیرات مزبوره رابرحسب‌اقتضا مجازات می‌دهدبوسیله سلب‌حقوق ماسنی و اخراج از فراماسنری یـا توقیف موقتی حقوق و مشاغل ماسنی برای مدتیکه کمترازیکماه وبیشتراز پنجسال نتواند بود لیکن ممکنست بموجب رأی با دلیل حکم شود کـه در اجرای مجازات مهلت داده شود اما درصورتیکه ثانیاً شخص محکوم گردد بدواً مجازات اولی مجری می‌شود و مجازات دومی هم بجای خود است .

۲۷۷ـ سرآمد همه تعهدات از جانب فراماسن‌هائیکه بنام توجه وبموجب اختیارات عطا شده از شرق اعظم فرانسه بهردرجه از درجات سیرماسنی یافته‌اند تعهد متابعت شرق اعظم فرانسه است که برای فرانسه و مستملکات شورای عالـی می‌باشد وتعهد اطاعت ازآنچه راجع بمسائل فراماسنری بین‌المللی می‌باشد ودر این خصوص تصریح لازم نیست .

فراماسنهای هیئت اتحادیه شرق اعظم فرانسه بایـد از مشارکت با مجامع ماسنی یا مدعی ماسن بودن‌که شرق اعظم ازتصدیق آنها امتناع‌کرده یا روابط خود را بآنها قطع نموده احتراز جویند .

هرکس مخالفت کند حقاً غیرمنظمست مگر اینکه در ظـرف هشت روز از وقتیکه باو اخطار می‌شود ازآن مجمع غیرمنظم کناره گرفته باشد .

عدم تنظیم را شورای طریقت اعلام می‌کند .

بعلاوه ممکنست برای اجرای مجازات‌های مذکور درماده «۲۷۶» مقصر از جمیع طرق قانونی تعاقب شود .

جزوه دوم
تقصیرات کارخانها

۲۷۸ـ هر کارخانه کـه قانون اساسی را غیرمعتنا قرار دهد یا مخالفت بـا نظامنامه عمومی کند یا با تقصیری که رئیس یا سالاران مرتکب شوند مشارکت نماید توقیف یا ازهیئت اتحادیه اخراج می‌شود.

۲۷۹ـ هرکارخانه‌که بواسطه نمایشهای خارجی امنیت عمومی را مختل‌کند توقیف یا ازهیئت اتحادیه اخراج می‌شود.

۲۸۰ـ هرکارخانه که امتناع کند ازمحاکمه و رسیدگی بتظلمی‌کـه ازطرف شورای طریقت باورجوع شده یامستقیماً باواظهارشده یاآنکه‌آراءویا دستورالعملی راکه مجمع عمومی یاشورای طریقت یاهیئت قضائیه درحد اختیارات وظایف خود داده باشند محل اعتبار قرار ندهد توقیف یا ازهیئت اتحادیه اخراج می‌شود.

۲۸۱ـ توقیف کارخانه از دوماه کمتر و ازیك سال بیشتر نتواند بود.

قسمت دوم
تظلمات و اصلاح ذات‌البین
جزوه اول
تظلم ازفراماسنها

۲۸۲ـ هرفراماسن رسمی‌حق‌دارد شکایت‌کنـد ازفراماسن دیگرکه رسمی است یا از رسمیت خارج شده وجزو هیئت اتحادیه بوده یا باشد.

اصل شکایت نامه را باید شاکی امضا کنند.

شکایت‌نامه باید بعهده مدعی علیهم‌بعلاوه دونسخه به ارجمند لژیکه برادر مدعی علیه جزوآن هست یا اخیراً بوده داده شود.

اگرمدعی‌علیه جزوچند لژبوده یا هست صلاحیت محاکمه بـا نزدیکترین

لژ بمنزل او می‌باشد و اگر جزو چند لژ همردیف باشد صلاحیت بالژی است که قدمت عضویت رسمی او در آن بیشتر است .

ارجمند نسخه‌های شکایت نامه را ملاحظه کرده ملاحظه شد می‌نویسد و یکی را برای محاکمه نگاه می‌دارد و یکی را بشاکی و به هر یك از مدعی علیهم نیز یك نسخه می‌دهد .

همینکه محاکمه شروع شد شکایت نامه را استرداد نمی‌توان کرد مگر کتباً و ممکنست همینکه مسترد شد دیگری آنرا اختیار کند .

هرگاه چندین شکایت نسبت به برادران متعدد بیك کارخانه برسد بترتیب قدمت باید محاکمه شود .

هرگاه چندین شکایت نسبت بیك برادر برسد در آن واحد محاکمه می‌شود.

در صورتیکه لژ برادر مدعی علیه خوابیده باشد شورای طریقت کارخانه راکه باید به آن رجوع شود معین می‌کند .

۲۸۳ـ در شکایت نامه باید معین شود که شکایت فقط نظر به منافع عمومی فراماسنری است که بواسطه رفتار مقصر متضرر شده یا تنها نظر به منافع خصوصی شاکیست که شرف یا مال او از طرف مقصر زیان یافته است.

۲۸٤ـ ارجمند همینکه شکایت نامه به او رسید فوراً به کارخانه اطلاع نمی‌دهد بلکه هرچه زودتر چراغهای پنجگانه را بطور کمیته جمع می‌کند و به موجب مکتوب سفارشی برادران مدعی و مدعی علیه را دعوت می‌کند تا موضوع شکایت و جواب طرف را مختصراً بشنود شاید اصلاح ذات‌البین به عمل آید .

اگر درباره شکایت از جهت منافع خصوصی موافقت حاصل شود یا شکایت از جهت منافع عمومی موافقت حاصل شود یا شکایت از جهت منافع عمومی ترك شود صورت مجلس موافقت را نویسنده کمیته می‌نویسد و برادران متصالح و اعضای حاضر کمیته فوراً امضاء می‌کنند یك نسخه از صلح‌نامه بهر یك از طرفین داده و

سواد آن در کتاب صورت جلسات ثبت می‌شود و درجلسه قرائت نمی‌شود مگر اینکه یکی از طرفین تقاضای قرائت آنرا بنماید .

اگر اصلاح واقع نشد ارجمند اکتفا می‌کند به‌این که در پای شکایت نـامه بنویسد که موافقت حاصل نشد .

کمیته مزبور نمی‌تواند کارکند مگر اینکه سه نفر از اعضا حاضر باشند .

۲۸۵ـ شکایت نامه که ارجمند بدهد یا از دست ارجمند داده شود موافق ترتیب ماده (۲۸۲) به‌نگهبان اول داده می‌شود .

۲۸۶ـ اگر شکایت از طرف یکی از چراغهای پنجگانه یا نسبت به‌آنان باشد ارجمند یاکسیکه بجای اوست ممیز بزرگ را واگر ممکن باشد قدیمترین استادهای رسمی را که اسامی ایشان در صورت اعضا لژ ثبت است برای تکمیل کمیته اصلاح دعوت می‌کند .

جزوه دوم

شکایت از کارخانه‌ها

۲۸۷ـ کارخانه طرف شکایت واقع نمی‌شود مگر از طرف کارخانه دیگر یا از طرف‌شورای طریقت یا هفت نفر فراماسن منظم .

شکایت‌نامه باید ممضی باشد و دردو نسخه به‌دارالانشاء شرق اعظم‌داده‌شود.

شکایت نامه که از طرف کارخانه باشد ارجمند و خطیب و نویسنده آنرا امضاءِ می‌کنند و مهر کارخانه‌هم دارد .

هیئت رئیسه شورای طریقت آن دونسخه را ملاحظه شد نوشته یکیرا به شاکی می‌دهد و دیگری را برای محاکمه نگاه می‌دارد .

شکایاتی که نسبت بکارخانه می‌شود بتوسط‌کمیسیونی محاکمه می‌شود مرکب از یك نفرعضو مجلس تمیز که رئیس تمیز آنرا معین کند و خطیب های دولژ از لژهای نزدیك که به‌قرعه معین شود و به‌این اشخاص منضم می‌شود دو برادراستاد

که عضو رسمی هیئت اتحادیه باشد به‌اینگونه که یکی از آن دو را مدعی تعیین کند و دیگری را کارخانه مدعی علیه خارج از اعضای کارخانه خود .

شکایتها باید بترتیب قدمت محاکمه شود .

درصورتی‌که چندین شکایت از یك کارخانه شود شورای طریقت می‌توانـد حکم‌کندکه آنها را ضمیمه یکدیگر نماید تا باهم رسیدگی و محاکمه شود .

۲۸۸ـ کمیسیون مزبور شاکی و ارجمند وخطیب کارخانه مدعی علیه‌وشهود را اگر باشند حاضر کرده مطالب آنها را گوش می‌دهد و فی‌المجلس صورتجلسه ترتیب داده نوشتجات را نمره و نشان گذاشته دسته دسته می‌کند رئیس دوسیه را ظرف هشت روز بشورای طریقت می‌رساند واگر غیر از این بعمل می‌آید شورای طریقت باید رسید بفرستد .

پس از آن چنانچه در ماده (۳۰۲) در فقره اول و سوم مذکور است رفتار می شود .

نماینده‌های قضاوتی‌که جزءِ لژمدعی‌علیه هستند نمی‌توانندجزءِ هیئت‌منصفه کارخانه بشوند .

یازده نماینده و چهار نایب برای ایشان بقرعه معین می‌شود وفقط نه‌نفراز ایشان بترتیبی‌که از قرعه بیرون آمده و پس از جرحی که درباره ایشان بعمل آمده دعوت می‌شوند .

جزوه سوم

مدعی شدن شورای طریقت با فراماسنها یاکارخانه

۲۸۹ـ شورای طریقت می‌تواند برای منافع ماسنی راساً اقدام بمحاکمه یك فراماسن یا یك کارخانه نماید .

همچنین می‌تواند از حکم هرلژ یا هر هیئت منصفه کارخانه استیناف کند یا حکم مجلس استیناف را به‌تمیز رجوع‌کند .

وقتیکه شورای طریقت حق شکایت یا استیناف یا رجوع بتمیز را مجری می‌کند می‌تواند بتوسط نماینده خود یا بموجب ورقه کتبی ملاحظات یا آراءِخود را بههیئت قضائیه صالحه اظهار دارد .

در ازای ورقه هائیکه شورای طریقت بسمت سابق‌الذکر بکارخانه‌ها می‌فرستد که بمنزله احضار محکمه است در ظرف سه روز پس از رسیدن‌آن ورقه‌ها باید رسید داده شود .

قسمت سوم

محاکمه ابتدائی بتوسط لژ

۲۹۰ـ ارجمند لژلااقل هشت روز پیش مدعی و مدعی علیه را بجلسه‌رسمی که در آن جلسه هیئت منصفه را قرعه می‌کشند دعوت می‌کند تااینکه بتوانندحق جرح را شخصاً بجا آرند یا اگر مانعی داشته باشند ازمیان استادان اعضای رسمی یکی ازکارخانه‌های هیئت اتحادیه برای این کار از جانب خود وکیل تعیین‌کنند.

۲۹۱ ـ در روز معین هفت نفر از اعضا قرعه کشیده می‌شود ابتدا از میان استادان و اگر ممکن نشد از میان یاران والا از میان شاگردان که لااقل ششماه عضویت رسمی داشته باشند برای اینکه هیئت منصفه برادرانه تشکیل داده بدایةً در موضوع شکایت حکم دهند .

همچنین سه نفر نایب منصفین در میان فرانماسن‌هائیکه در شرق محل نزاع ساکن باشند بقرعه معین می‌شوند تا جای اشخاصی را که بواسطهٔ عذر یا ناخوشی غائب می‌شوند بگیرند .

هرگاه یك یا چند نفر از اشخاص معین شده جرح شوند بواسطهٔ تجدید قرعه هیئت منصفه تکمیل می‌شود و پس از آن دیگر شکایت معتبر نخواهد بود.

۲۹۲ـ اعضای هفت‌گانه هیئت‌منصفه و سه نفر نایبان ایشان منتهی تا هشت

روز به‌موجب دعوت عضوی‌که در استادی نسبت بسایرین اقدمست جمع می‌شوند تا یك رئیس و یك نویسنده انتخاب کنند و یکی از این دو نفر باید رسید دوسیه شکایت را به‌ارجمند یا نماینده او بدهد .

۲۹۳ـ هیئت منصفه هرچند جلسه را که لازم بداند منعقد می‌نماید تا نوشتجات محاکمه را ملاحظه کند و مدعی و مدعی‌علیهم یا دفاع کنندگان ایشانرا و همچنین شهادت شهود طرفین را علیحده یا باهم استماع‌کند هرسئوالی‌وجوابی که می‌شود یا هرشهادتی که داده می‌شود صورت آن نوشته برای گوینده قرائت می‌شود واو فی‌المجلس‌امضاء می‌کنداگر ازامضاء امتناع‌کندوی بادلیلی‌که‌اظهارکرده باید ذکر شود .

شهودکه فراماسن هستند نمی توانند از اجابت دعوتی که نویسنده‌هیئت منصفه به‌موجب مکتوب سفارشی ازایشان می‌کند امتناع ورزند والاموردمجازات مذکور در ماده (۱۸۳ـ مکرر) می‌شوند لیکن درصورت بعد مکان یا مانع مقبول می‌توانند شهادت خود را کتباً بفرستد منصفین و نایبان آنهاکه مدعی و مدعی‌علیه انتخاب کرده‌اند بموجب کاغذ سفارشی پنجروز تمام از پیش بجلسه خارج شوند نمی‌توانند بعد حضور پیدا کنند .

۲۹٤ـ مدعی می‌تواند مادامیکه رئیس هیئت منصفه محاکمه را ختم نکرده شکایت خودرا مسترد نماید مگراینکه مدعی‌علیه مانع شود یا آنکه هیئت منصفه به‌اکثریت تامه رأی دهد که منافع ماسنی مقتضی دنبال کردن محاکمه می‌باشد .

در صورتیکه ازمحاکمه صرف نظرگردد این امردر نزدیکترین جلسه‌اعلام و در صورت مجلس ذکر می‌شود . اگر مدعی‌علیه بدون دفاع کننده حاضر شد و ضمن محاکمه اظهار میل بداشتن آن کرد برای او رسماً تعیین می‌شود و باید فراماسن منظم باشد هرفراماسن منظمی می‌تواند درجلسات هیئت منصفه‌حاضر شود .

۲۹۵ ـ همینکه ختم‌محاکمه به واسطه‌رئیس هیئت منصفه اعلام شدشکایت ممکن نیست مسترد شود و اگر هیئت شکایت را مبنی برافترا اظهار داشت مدعی را میتوان برحسب‌تقاضای مدعی علیه به‌رأی‌الذمه درتحت‌محاکمه‌درآورد.

۲۹۶ ـ هیئت منصفه در کمیتهٔ خصوصی مشاوره می‌کند و باکثریت نامه‌آرا حکم می‌دهد وهیچ یك ازاعضاء حاضر هیئت منصفه‌نباید امتناع ازرأی‌بکنند. رأی رئیس علیه ندارد تساوی‌آراء به مساعدت مدعی علیه حمل‌میشود.

حکم باید با ذکر دلیل باشد و ابتدا شخص‌بتقصیر یا عدم تقصیر مدعی علیه و اگر مقصر بوده به اجرای مجازات امر دهد برای اینکه حکم معتبر باشد باید لااقل پنج نفر قاضی که از تمام مباحثات مسبوق و در همه جلسه‌ها حاضر بوده‌اند رأی دهند.

۲۹۷ ـ همینکه حکم داده و انشاء شد و اعضای هیئت منصفه امضاء کردند رئیس به ارجمند لژ اطلاع می‌دهد واوقرائت آنرا در دستور نزدیکترین جلسه رسمی میگذارد و این قرائت باید در دعوت‌نامه‌ها ذکر شود.

۲۹۸ ـ همینکه روز اینکار رسید نویسنده هیئت منصفه در لژ راپورت مختصری دائر برنقل موضوع شکایت و جواب و سئوال طرفین قرائت می‌کندآن گاه یکی از نمایندگان هیئت منصفه حمرا قرائت کرده سواد آنرا با دوسیه کار روی میز ارجمند قرائت می‌گذارد و ارجمند راواميداردابن مسئله را در صورت مجلس‌درج‌کند.

ارجمند کارخانه حمرا بدون مباحثه از نماینده هیئت منصفه قبول می‌کند.

۲۹۹ ـ در ظرف یك هفته بعد از سپردن حکم نویسنده لژ به‌موجب کاغذ سفارشی آنرا بمدعی ومدعی علیه و شورای طریقت اعلام می‌کند.

نوشتجات‌محاکمه درظرف‌همان مدت از طرف ارجمندکارخانه‌که نوشتجات متعلق‌به‌اوست‌بشورای طریقت فرستاده میشود و اگر چنین نکند حقوق و مزایای

سالاری‌اودر مدت مأموریتش ممکن است توقیف‌شود واین توقیف‌راشورای‌طریقت حکم میکند .

درصورتی‌که استیناف منظم‌بعمل‌نیاید پس ازانقضاءمدت مهلت مضمون‌حکم به تمام کارخانه‌های هیئت اتحادیه بتوسط جریده مخصوص اطلاع داده میشود.

قسمت‌چهارم
استیناف
جزء اول
مجالس استیناف

۳۰۰ ـ محاکمه استینافی بتوسط نمایندگان قضائی که موافق شـرایط مواد «۱۸۱» و «۱۸۲» و «۱۸۳» نظامنامه عمومی برای این مقصود تعیین گشته واقع می‌شود .

جزء دوم
ترتیب استیناف نسبت باحکـام لژ

۳۰۱ ـ هر فراماسنی که به موجب حکم لژ خود محکوم شده باشدحـق استیناف دارد همچنین برادرمدعی درصورت بری‌الذمه‌شدن مدعی علیه‌وخطیب‌لژ وشورای طریقت نیزحق استیناف دارند .

این استیناف باید در فرانسه والجزایر و تونس و ممالك اروپا درظرف‌یك ماه بعد از اخطار بعمل‌آید برای ممالك خارج اروپا برای مستملکات‌ورای‌بحری فرانسه‌درظرف‌سه‌ماه .

استیناف‌بدارالانشاءشرق اعظم‌عنوان میشود واستیناف‌کننده باید امضاکرده باشددرصورتی‌که عرض‌حال‌استینافی‌شخصاًداده‌شده باشد هیئت‌رئیسه‌شورای‌طریقت رسید میدهد اگر به توسط پست فرستاده شده باشد در ظرف سه روز رسید باید فرستاده شود .

باهمان چاپاروهمان‌راه هیئت‌رئیسه شورای‌طریقت‌بطرف‌استیناف وارجمند لژی‌که حکم داده است اطلاع می‌دهد .

همین مهلت‌ها و رسومات بغیر ازرسید فرستادن دربارهٔ‌استینافی‌که ازجانب شورای طریقت بعمل‌آید نیز جاریست .

۳۰۲ ـ در جلسه‌ای که‌بعدازدریافت عرض حال استیناف واقع میشودشورای طریقت لژی را که مجلس استیناف آنجا باید منعقد شود تعیین می‌کند کسانی را که باید مجلس استینافی‌را تشکیل دهند از میان نمایندگان قضائی هفت لژ که با شرق مقر مجلس استیناف وسائل مراوده سریع کم خرج داشته باشند به قرعه معین می‌کند .

این نمایندگان‌هفت‌نفر بالاصاله و چهار نفر نایب ایشان خواهند بودحضور پنج نفر برای صحت حکم لازمست .

دریك‌مجلس استیناف ازیك‌لژ بیش ازدو نفر نماینده نباید باشد .

نمایندگان لژی‌که از حکم او استیناف کرده‌اند نمیتوانند جزء مجلس استیناف شوند .

شورای طریقت حتی‌الامکان از میان‌اعضای لژ مقر مجلس استیناف یك‌نفر مأمور تعیین خواهد کرد که دوسیه کار را مطالعه کند و درابتدای جلسه محاکمه درآن‌باب راپورتی بدهد وازطرف طریقت رأی اظهار کند .

۳۰۳ـ درظرف هشت‌روز پس‌ازاینکه نمایندگان قضائی‌تشکیل‌دهنده‌مجلس استیناف به‌قرعه معین‌شدندهیئت رئیسه شورای طریقت‌بتوسط کاغذسفارشی‌اسامی آنها را و اسم شرقی که‌جزءآن هستند به مستأنف و طرف اعلام میکند وهریك از آنها حق جرح دو نفررادارند .

این جرح باید به واسطهٔ‌کاغذ سفارشی در ظرف پانزده روز از رسید اعلام بدارالانشاء هیئت اتحادیه اطلاع داده شود اگرنه سلب‌این‌حق می‌شود .

مهلت جرح که گذشت شورای طریقت تاریخ محاکمه رامعین میکند.

نمایندگان غیر مجروح درظرف یکهفته ازروز تعیین موقع محاکمه ولااقل پانزده روز پیش از روز محاکمه باید ازمأموریتی که بآنان داده شده وروزی که برای محاکمه تعیین شده مسبوق شوند.

همانوقت بارجمندهای لژهای آنهاهم اطلاع داده میشود.

۳۰۴ - دوسیه کار را هیئت رئیسه شورای طریقت چنانکه در ماده «۳۰۲» گفته شد به ارجمند لژ معین میدهد و تاریخی که برای افتتاح محاکمه معین شده به او معلوم میکند همچنین مستأنف و طرف را به واسطهٔ کاغذ سفارشی آگاه میسازد.

ارجمند اقدامات لازمه رابرای اینکه طرفین ومأمور شورا و نمایندگان قضائی بتوانند ازدوسیه مطلع شوند بمسئولیت شخص خود میکند.

در ولایت سن ارجمندی که دراین ماده ذکر شده به رئیس دارالانشاء عمومی طریقت یا نمایندهٔ او تبدیل میشود همین ترتیب در مورد مادهٔ (۳۱۰) نیز مجری است.

۳۰۵ - درروز معین نمایندگان قضائی مدعو باید در شرق معین حاضرشوند و مسن ترین نمایندگان رئیس موقتی میشود ارجمند لژکه نوشتجات با اوست یا برادری که از جانب او تعین شده به جلسه میآید و پس از تعیین هیئت رئیسه دوسیه را تقدیم میکند.

همینکه پنجنفر نماینده حاضرشوند بطورکمیته خصوصی جمع میشوندرئیس و نویسنده خود را تعیین میکنند.

این انتخاب بهرأی مخفی ودرنوبت اول بهاکثرت تامه ودرنوبت دوم بکثرت نسبی واقع میشود.

همینکه هیئت رئیسه معین شودکارها بپایهٔ شاگردی شروع میشود.

۳۰۶ ـ مأمور شورای طریقت راپورت خود را میدهد آنگاه نوبت سخن طرفین یا نمایندگان یادفاع‌کنندگان می‌رسد.

درجلومجلس‌استیناف امورتازه نمی‌توان ابراز کرد.

پس‌ازمحاکمه مأمور شورا رأی خود را شفاهاً می‌گوید .

مدعی علیه حق دارد ملاحظات‌آخری خود را اظهار کند .

رئیس مباحثات را ختم می‌کند وتمام برادران حاضر را از مزکت خارج می‌کند .

ممکنست در یك جلسه‌دیگرمباحثات اعاده شوددر اینصورت دوسیه بکسی که به او به موجب ماده (۳۰۲) و(۳۰٤) سپرده شده بود مسترد میشود .

همینکه ختم مباحثات اعلان شد مشاوره و اظهار رأی باید بدون طفره واقع شود .

۳۰۷ ـ مجلس استیناف درجلسه خصوصی مشاوره می‌کند در اظهار رأی امتناع نباید بشود و نتیجه بکثریت تامه حاصل می‌شود ورأی رئیس علیه‌ندارد .

۳۰۸ ـ صورت مجلس حکم‌فی‌المجلس انشاءشده تمام نمایندگان‌که‌درحکم شرکت داشته امضاء می‌کنند.

این حکم باید باذکر دلیل‌باشد .

پس از آنکه مفاد حکم در دهلیز اعلام شد کارها دوباره مسترد شود تمام برادران بروش میایستند ورئیس حکم‌را قرائت مینماید آنگاه‌رئیس‌محکمه کار را ختم می‌کند . [کذا]

۳۰۹ ـ اگر در روزی که برای محاکمه مجلس استیناف معین شده مستأنف یا وکیل او حاضر نشد درصورت‌مجلس این‌مسئله را قیدمی‌کنند واستیناف راباطل می‌نمایند .

مجلس‌استیناف دربارهٔ مستأنف‌خطاکار مجازات‌های ماسنی مذکور در ماده

(۲۷٦)راحکم‌میدهد .

۳۱۰ ـ نوشتجات دوسیه‌وسواد حکمرافی‌المجلس رئیس به ارجمندلژمقر مجلس استیناف‌یابه‌برادری‌که‌اومعین‌کرده می‌دهد و اودرظرف سه روزبدارالانشاء عمومی هیئت‌اتحادیه می‌فرستد ومسئولیت این‌مأموریت رادارد مجازات‌مذکور در ماده (۲۹۹)درباره اودرصورت تهاون مجری می‌شود .

هیئت رئیسه شورای‌طریقت‌درظرف یك‌هفته ازدریافت‌نوشتجات‌وسوادحکم هرچه‌باشد به‌واسطهٔ‌کاغذ سفارشی‌آنرا بمستأنف‌وطرف‌وخطیب لژی‌که برادرمدعی علیه جزوآنست اخطار میکند .

قسمت پنجم

هیئتهای منصفه کارخانه

۳۱۱ ـ درظرف‌یك‌هفته‌ازجلسه‌ای که نمایندگان قضایی برای‌تشکیل‌هیئت منصفه کارخانه به قرعه معین می‌شوند هیئت رئیسه شورای طریقت اسامی‌آنان را به واسطهٔ کاغذ سفارشی به‌شاکی و ارجمندکارخانه مدعی‌علیه‌اطلاع می‌دهد وایشان حقدارند هرکدام دونفر ازمنصفین راجرح‌کنند .

۳۱۲ ـ رسوم مقرره درفقره آخر ماده (۳۰٤)ومواد(۳۰۵)و(۳۰٦)و۳۰۷در بارهٔ هیئتهای منصفه‌کارخانه مجریست .

۳۱۳ـ نمایندگانیکه هیئت منصفه کارخانه را تشکیل می‌دهند همینکه بعده هفت نفری جمع شدند موافق مقررات ماده (۳۰۵) هیئت رئیسه خود را تعیین می‌کنند .

۳۱٤ـ هیئت رئیسه که تشکیل یافت کارها بپایه شاگردی‌آغاز می‌شودلیکن به اقتضای کیفیت تقصیر رئیس می‌تواند یاران و شاگردان یا فقط شاگردان‌را از مزکت خارج کند .

۳۱۵ ـ ارجمند و خطیب کارخانه شاکی و کارخانه مدعی علیه یا دو نفـر از برادران که بجای ایشان معین شده باشند در موقع محاکمه حاضر خواهندبود.

ترتیبی که باید معمول داشت همان است‌که‌درمادهٔ (۳۰٦) مذکوراست .

۳۱٦ ـ هیئت منصفه در جلسهٔ‌خصوصی‌مشاوره میکند و متوالیاً درباب‌تحقق تقصیر و اجرای مجازات اگر باشد حکم می‌دهد .

احکام باید باکثریت‌تامهٔ‌آراء معین‌شود بدون امتناع‌ورأی رئیس هم برتری ندارد .

۳۱۷ ـ مواد (۳۰۸) تـا (۳۱۰) دربارهٔ هیئت‌های‌منصفه کارخـانه نیز مجری است .

مواد (۳۱۷) تا (۳۲۳) منسوخ است .

قسمت ششم

رجوع به تمیز

۳۲٤ ـ رجوع بتمیز بهمان شکل و با همان مهلت استیناف واقع‌می‌شود.

۳۲۵ ـ منسوخ‌است .

۳۲٦ـ رجوع‌به‌تمیز استیناف چون‌حکم راتوقیف می‌کندفرانماسن‌یاکارخانه محکوم تا وقتی‌که حکم تمیز بیرون‌آید حقوق ماسنی خود را دارا می‌باشد .

۳۲۷ ـ یك‌نفر ازاعضاءِ مجلس‌تمیزکه رئیس‌از میان‌مدعوین برای‌حکومت تعیین می‌کند درجلسهٔ مجلس تمیز راپورت عرض‌حال تمیزی را می‌دهد .

دعوتها رادارالانشاءکل‌طریقت ازروی صورتی‌که‌رئیس باومی‌دهد می‌نویسد و باید لااقل پانزده روز پیش فرستاده شود .

در صورتی‌که اعضاءِ دعوت‌شده نتوانند مأموریت خود را بجـا آورند باید همینکه مانع برایشان معلوم‌شد دارالانشاءکل رامطلع سازند.

شورای طریقت میتواند در بارهٔ اعضاءِ مجلس تمیز مواد(۱۸۳)و(۱۸۳مکرر) را مجری دارد .

۳۲۸ ـ تا ۳۳۱ ـ منسوخ است .

۳۳۲ ـ اگر بسبب معذر تهائی که بشرق اعظم رسیده عدهٔ قضاة اصل از پنجنفر کمتر شود از میان اعضاء مجلس تمیز که ساکن پاریس یا نزدیك آن باشند بدل برای آنها تعیین میشود .

۳۳۳ ـ هیئت رئیسه شورای طریقت بواسطهٔ کاغذ سفارشی پانزده روز پیش روز وساعت جلسهٔ مجلس تمیز را بطرفین اطلاع می‌دهد .

۳۳٤ ـ مجلس تمیز بپایهٔ شاگردی کار میکندوجلسات آن برای تمام برادران استاد منظم علنی است مشاورات در کمیتهٔ خصوصی واقع میشود .

احکام درجلسه علنی داده میشود با ذکر دلیل دفترداری دارالانشاءِ شرق اعظم انجام می‌دهد ویکی ازمستخدمین آن درجلسه بنویسندهٔ مجلس تمیز کمك میکند

اعضای مجلس تمیز اگر چه مدعو نباشند مثل مدعو می‌توانند در جلسه حاضر شوند .

در صورتیکه عدهٔ اعضای حاضر زوج باشد رأی رئیس غالب است .

قسمت هفتم

اخراج بالطبیعه وبدون مداخله هیئت منصفه

۳۳۵ ـ هر فراماسنی که در بارهٔ او حکم حضوری متضمن مجازات عقوبتی یا سلب شرف(ترهیبی و ترذیلی) یا فقط سلب خوف(ترذیلی) داده شده باشد چنین کس بالبیعه از فراماسنی خارج است .

ممکن است همین امر واقع شود برای کسی که ازحقوق سیاسی و مدنی یا فامیلی محروم شده باشد یاورشکسته که قراری درباب دیون داده نشده باشد.

۳۳٦ ـ این اخراج را شورای طریقت ازروی دلایلی که لژ برادر محکوم

ابراز میکند حکم میدهد .

۳۳۷ـ حکم اخراج درظرف ۱۵ روز ببرادر محکوم ولژیکه به‌او متعلقست اخطار می‌شود .

۳۳۸ـ هر برادریکه به موجب مواد سابقه محکوم باخراج شد در ظرف یکماه از اخطار حکم می‌تواند تقاضا کندکه لژ او در بارهٔ وی محاکمه نمایددر آن صورت موافق دستور این نظامنامه در بارهٔ او عمل می‌شود .

۳۳۸ مکرر ـ درصورتیکه‌محکومیت مذکوردر مادهٔ (۳۳۵) بواسطه‌قانون عرف ۱۶ مارس ۱۸۹۱ توقیف شود کارخانه برادر محکوم باز می‌تواند او را تحت محاکمه درآورد .

قسمت هشتم

ورشکستگان

۳۳۹ـ هر برادر ورشکسته یا مهجورعلیه از روز صدور حکم ورشکستگی یا از ابتدای حجر حقوق ماسنی او توقیف می‌شود مگر اینکه لژیکه عضو آن است مخالف این امر اظهاری‌کند .

۳۴۰ـ پس از ختم ورشکستگی یا حجر برادر ورشکسته یا مهجور بایداز طرف لژیکه جزءِ آن بوده یا هست در تحت محاکمه درآید .

ممیز بزرگ اقامه دعوی خواهد نمود .

اینّ ماده به‌هیچوجه مقررات فقره دوم ماده (۳۳۵) را باطل نمی‌کند .

قسمت نهم

اعاده شرف

۳۴۰ مکررـ در صورتیکه فراماسنی بعلت محکومیت عرفی اخراج‌شده باشد پس از آن که اعاده شرف او بشود می‌تواند در کارخانه‌ای که‌عضوآن‌بوده تحصیل اعاده عضویت ماسنی کند یا اگر عضوچندکارخانه‌بوده‌درکارخانه‌ای که‌مدت

عضویت او بیشتر بوده است تجدید عضویت یابد درخصوص چنین تقاضائی‌همانطور که در بارهٔ تظلم رفتار می‌شود رسیدگی و محاکمه می‌شود هر برادریکه گمان کند که این اعاده،عضویت ممکن است بطریقت ماسنی وهن وارد آورد حق دارد استیناف کند .

۳۴۰ ثلث ـ درصورتیکه فراماسنی بعلت ماسنی اخراج شود می‌تواند پس از ده سال مطابق ترتیب فوق مطالبه اعاده عضویت کند .

در این صورت و همچنین در مورد ماده سابقه اگر کارخانه‌ای که‌عضو آن بود خوابیده باشد آن برادر طلب‌نامه خود را بشورای طریقت می‌فرستد و او لژیرا که باید بتقاضای اعاده عضویت رسیدگی کند معین می‌کند .

فصل دهم

ترتیبات مالیه عمومی

قسمت اول

عایدات مالیه و مخارج کارخانه‌ها

۳۴۱ـ کارخانه‌ها مخارج خود را بوسیله مالیاتها و عوارضی که در مواد «۱۳۸» و ما بعد ذکر شده تهیه می‌کنند .

۳۴۲ـ هر کارخانه ترتیب مالیه خود را می‌دهد ومصرف آنرا اداره می‌کند لیکن مبلغ مالیات‌ها و عوارض را نمی‌تواند از حد اقلی که در این نظامنامه‌معین شده تخفیف‌دهد و باید بتواند درکارهای‌خیریه فراماسنری ومخارج‌اداری‌عمومی طریقت شرکت کند .

۳۴۳ـ چون هیچ فراماسنی به‌یکی از مشاغل ماسنی قابل انتخاب نیست و حق انتخاب‌کردن ندارد مگر اینکه مدیون صندوق کارخانه‌هائیکه عضو آن‌است

نباشد لهذا هرانتخابی که مخالف این ترتیب واقع شود پس از تفتیش بنا برحکم شورای طریقت باطل می‌گردد و این حکم درصحیفه اعمال شرق اعظم مطرح می‌شود.

قسمت دوم

عایدات شرق اعظم

۳۴۴ـ شرق اعظم مخارج خود را بوسیله مالیات سرشمار و عوارض مذکوره در مواد ۱۶۷ و ما بعد تهیه می‌کند بعلاوه برای حقوق تأسیس کارخانـه و جمع آئینها و اعطاء فرامین عوارضی را که ذیلاً معین می‌شود اخذ می‌نمایند .

تأسیس کارخانه

۳۴۵ـ تأسیس کارخانه برای هریك از آئینهای متنوعه‌که شرق‌اعظم‌تصدیق دارد «۱۰۰» فرانك .

نامه های خانقاهی هر یك از آئینهائی که شرق اعظم تصدیق دارد « ۱۰۰ » فرانك .

طغراها برای هریك از آئینهای مصدقه «۱۰۰» فرانك .

بعلاوه لژها و خانقاه‌ها وکنگاشستانها برای اوراق چاپی‌مختلفه«۵۵»فرانك بشرق اعظم می پردازند .

بموجب پرداخت این وجه هر کارخانه نوشتجات ذیل را بلا عوض دریافت می‌کند .

یك کتاب دفتر .

یك دفتر حساب بزرگ

یك دفتر صندوق .

یك دفتر قبوض ته ورق دار .

سه نسخه قانون اساسی و نظامنامه عمومی

سه نسخه آئین‌نامه .

یك نسخه از هریك از دستورهای مختلفه‌که معمول به شرق اعظمست .

جمع آلینها

۳٤٦ـ برای لژ «۷٥» فرانك .

برای خانقاه «٤٠» فرانك .

برای کنگاشستان «۲٥» فرانك .

فرامین شخصی

۳٤۷ـ قیمتی که شرق اعظم برای فرامین شخصی اخذ می‌کند از این قرار معین شده :

منشور استادی «۱۰» فرانك .

توقیع رزکر ∴ «۱۰» فرانك .

طغرای شو . . کاد ∴ «۱٥» فرانك .

طغرای بزرگ بالا «۲۰» فرانك .

قسمت سوم
مخارج شرق اعظم

۳٤۸ـ مخارج شرق اعظم مخصوصاً عبارتست از حقوق اجزاء دارالانشاءِکل و مخارج عمومی دفتر و مطبوعات و فرامین ماسنی حقوق تقاعدی اشخاصی‌که در عهده هیئت اتحادیه می‌باشند مخارج مسافرت نماینده‌های مجمع عمومی و اعضاءِ شورای طریقت و اعضاءِ مجلس تمیز و کتابخانه شرق اعظم مشارکت در شرکت غیر منقوله و غیره مخارج روابط با هیئت های ماسنی داخله و خارجه روابط با هیئتهای ماسنی داخله و خارجه و کلیه مخارج اداری و غیره که مجمع عمومی اجازه دهد .

قسمت چهارم
بودجه شرق اعظم

۳۴۹ـ راپورت شورای طریقت در باب سنه ماضیه و پیشنهادهای بودجه او برای سنه آتیه دو ماه پیش از دوره اجلاسیه متعارفی مجمع عمومی برای لژهای هیئت اتحادیه فرستاده می‌شود.

سنه مالیه در اول ژانویه شروع و سی و یکم دسامبر ختم می‌شود.

۳۵۰ـ شورای طریقت هیچ مخارجیرا نمی‌تواند تعهد کند غیر از پیشنهاد-های بودجه که مجمع عمومی تصویب نماید.

قسمت پنجم
دفترداری و محاسبهٔ شرق اعظم

۳۵۱ـ دفتر داری شرق اعظم دو بهره است.

هر کارخانه حساب خود را در دفترکبیر روز بروز باید بنویسد که حال بده و بستان خود را با هیئت اتحادیه ظاهر نماید.

همچنین است برای کمیسیون دستگیری ماسنی و برای شرکت غیرمنقوله و هر جمع‌آوری اعانه که در شرق اعظم می‌شود و هر کار خیری که موجب ادای وجه باشد.

۳۵۲ ـ تمام عایداتی‌که صندوقدار شرق اعظم وصول می‌کند به‌ترتیب تاریخ روی دفتر قبوض ته ورقدار مقید مینماید و یکی از اعضای‌کمیسیون‌مالیه‌شورای طریقت آنرا نمره و نشان باید گذاشته باشد.

صندوقدار ممنوع است از اینکه وجهی دریافت کند بدون اینکه درمقابل آن قبضی از دفتر قبوض بدهد اگر خلاف این قاعده رفتار کند ممکن است فوراً معزول شود.

۳۵۳ ـ مخارج شرق اعظم جز در مواردی کـه بعد استثنا میشود نمی‌تواند

پرداخته‌شودمگرپس‌از آن‌که‌کمیسیون‌مالیه‌روی‌ورقه‌های‌امضاشده‌رئیس‌دارالانشاء حواله کرده باشد .

یك صندوق مالیه محض مخارج مختصر فوری برای رئیس دارالانشاء تهیه می‌شودکه درحدود حداکثری‌که شورای‌طریقت معین میکنداز آن‌بردارد‌مخارجی که باین طریق می‌شود بعد بتصویب کمیسیون مالیه می‌رسد .

۳۵٤ ـ تمام مخارج‌پرداخته شده باید به‌موجب قبوض منضم به حواله‌جات شود .

مخارج مزبور بترتیب تاریخ‌دردفترصندوق ثبت می‌شود .

فصل یازدهم

صحیفه اعمال سالیانه و سایر مطبوعات

۳۵۵ ـ شورای طریقت کارهای شرق اعظم را بواسطهٔ یك‌صحیفه اعمال‌تمام کارخانهای هیئت اتحادیه اطلاع می‌دهد .

این صحیفه اعمال‌شامل‌است قوانینی راکه مجمع عمومی‌رأی میدهدواحکام و قواعد و دستورهای شورای طریقت و مراسلاتی‌که باهیئت‌های ماسنی دیگر در موضوعات نفع‌عمومی‌ردوبدل میشود وصورت‌جلسات‌مجمع عمومی وجلسات‌شورای طریقت همچنین‌جشنهای‌طریقتی ومهمانیهای شرق‌اعظم‌واخطارها ومتحدالمالهای مرکزوموادی‌که درج‌آنهارا نظامنامه‌عمومی مقررکرده است.

این‌صحیفه ممکن است یك‌قسمت غیر رسمی هم داشته باشد .

۳۵٦ ـ مراقبت و مسئولیت صحیفه اعمال شرق اعظم در تحت اختیار هیئت رئیسه شورای‌طریقت برعهدهٔ رئیس‌دارالانشاءکل است .

قسمت غیر رسمی‌صحیفه اعمال مفوض به‌کمسیونی‌است مرکب ازدو نویسنده شورای طریقت و سه نفر از اعضاء دیگر آن‌که هرسال شورای طریقت ایشان را

معین می‌کند .

هیچ نمره‌ازاین‌صحیفه اعمال بطبع نمی‌رسد مگر آنکه قبلاباامضاء رئیس شورای طریقت رسیده باشد .

۳۵۷ ـ صحیفهٔ اعمال‌شرق اعظم برای تمام لژهای هیئت اتحادیه وهمچنین برای هیئتهای ماسنی‌دیگر که‌باشرق‌اعظم رابطه‌دارند وبرای‌ضامنهای دوستی‌که‌از طرف شرق اعظم نزدآن هیئتها مأمورند مجاناً فرستاده میشود .

وهمچنین برای اعضای شورای طریقت و اعضاءِمجلس فرستاده میشود.

برای‌خانقاه‌هاوکنگاشستانها وبارگاه بزرگ‌آئینهابه موجب‌آبونمان‌اجباری فرستاده‌می‌شود .

آبونمان سالیانه است وکسرسال قبول نمیشود قیمت آنـرا مجمع عمومی معین‌می‌کنداشتراك اوراق‌یاصحیفه یامطبوعات‌دیگر ماسنی و فـروش‌وتوزیع آن نوشتجات‌نباید واقعشود مگر بتوسط لژها .

۳۵۸ ـ هرسال بلافاصله پس‌از تجدید سال‌ماسنی یك‌سالنامه ماسنی‌در تحت ریاست‌شورای‌طریقت بامعاونت کمیسیون صحیفه‌اعمال به‌مباشرت رئیس‌دارالانشاءِ کل‌در تحت‌مسئولیت اوطبع‌میشود .

یك نسخه‌از آن مجاناً برای هریك ازکارخانه‌های هیئت اتحادیه وهریك‌از هیئتهای ماسنی و هر یك از برادران مذکور در دو فقـره اول ماده قبل فرستاده می‌شود .

قیمت‌فروش‌آنرا شورای طریقت معین می‌کند .

۳۵۹ ـ شرق‌اعظم‌مستقیماًبکارخانهائی‌که‌تقاضاکنندبه‌مجموعه‌هااز آئین‌نامه‌ها باتعلیم‌نامه‌ها بقیمتهای ذیل میفرستد .

برای‌پایه‌های سه‌گانه اول(۱۵)فرانك

برای پایه‌های خانقاهی (۲۰) فرانك

برای پایه‌های فیلسوفی (۲۵) فرانك

فصل دوازدهم

دارالانشاء شرق اعظم

۳۶۰- رئیس دارالانشاء سمت‌معاونت نویسنده شورای‌طریقت‌را دارد و باین سمت حمایلی دارد شبیه بحمایل اعضای شورای طریقت اما بدون زردوزی .

۳۶۱ - رئیس دارالانشاء در تحت اختیار رئیس شورای‌طریقت‌مدیر کارسایر مستخدمین شرق‌اعظم است .

صندوقدار نبایدقبل از امضاءِ رئیس ترتیبی خودوجه هیچ صورت حسابی‌را بپردازد .

۳۶۲ - در موقع وفات یکی از اعضاءِ شورای طریقت یامجلس تمیز یابارگاه رئیس‌دارالانشاء پس از اخذ دستورالعمل‌از رئیس شورای‌طریقت مخصوصاً مأمور است بدعوت برادرانی که‌باید مراسم‌تشییع برای متوفی بجای‌آورند .

۳۶۳ - تمام‌نوشتجات مکاتبه و تمام اسنادی‌که‌بدارالانشاءِ میرسدبایدبترتیب ورودباتاریخ و نمره ترتیبی دریك دفترواردات ثبت شود .

تمام نوشتجات صادره از دارالانشاءِ باید همین طـور در یك دفتر خروج ثبت‌شود.

۳۶۴ - دارالانشاءِ یکدفتر مخصوص نگاه می‌دارد که درآن اسامی‌والقاب و منازل بیگانگانی را که‌ازسیرداشتن‌آنها امتناع میشودبهمان ترتیب که ازلژها خبرمی‌رسد ثبت‌کنندوصورت‌مخصوصی‌به ترتیب حروف تهجی‌ازآن درست‌کنند

همینکه ازلژی‌خبررسیدکه‌بیگانه به‌اومعرفی شده‌است فوراً تفحص‌میشود واگرآن بیگانه درلژدیگرردشده باشد فوراً به لژی‌که بار معرفی شده است خبر داده شود .

هرسال یك‌صورتی بترتیب حروف تهجی از بیگانگان ردشده‌و از ماسنهای

اخراج شده از هیئت اتحادیه طبع و بکارخانها فرستاده میشود.

۳٦٥ ـ در تمام آنچه که نظامنامه عمومی پیش‌بینی نکرده یا مجمع‌عمومی مخصوصاً رأی‌نداده‌شورای طریقت ترتیب‌کاردارالانشاءِ و دفتروکتابخانه رابموجب قواعد معین می‌کند .

۳٦٦ـهریك ازمستخدمین دارالانشاءِ پس از بیست‌وپنجسال خدمت حق‌دارد که مرخص شده‌حقوق‌تقاعدی معادل نصف متوسط‌مواجب‌اودرسه‌سال اخیرخدمتش بگیردلیکن‌درهرحال‌این‌حقوق تقاعدارسالی سه‌هزارفرانك زیاده نمیتواند بشود.

پس‌ازپانزده سال خدمت حق‌دارد حقوق تقاعدی بگیرد بتناسب مأخذمذکور در صورتی که مستخدمی فوت‌شود نصف حقوق‌تقاعدی‌که داشته‌یابآن ذیحق بوده بعیال او داده می‌شود .

اگر عیال نداشته‌باشد نصف حقوق تقاعد بصغیرهای مشروع وی یا صغیرانی که قانوناً مشروع شده باشند داده میشود .

اگرعیالی‌که نصف حقوق‌تقاعد دربارهٔ اوبرقرارشده‌فوت شودآن حقوق‌به صغیرهای مشروع یا قانوناً مشروع مستخدم متوفی می‌رسد.

در مواردیکه اطفالی ذیحق بر نصف حقوق تقاعد شوند تا موقع بلوغشان بطور تساوی تقسیم میشود و پس‌ازبلوغ سهم آنان ببرادران یا خواهران ایشان که هنور صغیرند می‌رسد .

هر مستخدم که مستعفی یا بنا بر مجازاتی معزول شود حق تقاعد ازاوسلب می‌شود .

۳٦۷ ـ آدرس شرق اعظم .

پاریس . درکوچهٔکاد نمرهٔ ۱٦ عمارت‌او ـ شرق‌اعظم فرانسه .

Au Grand orient de france, rue
Cadet No 16 a' paris

مکاتب و تلگرافات وارسال وجوهی‌که باین‌آدرس می‌شود باید اجرت‌پستی آن داده شده باشد .

براتهای پستی یا حواله‌جات‌دیگر باید به اسم شرق اعظم فرانسه یا حواله کردآن باشد .

هرارسال وجهی باید مستقیماً به اسم شرق اعظم فرانسه بشود .

نظامنامه خصوصی‌ل.ب.اـ مصوبه جلسهٔ ۱۷ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۰ مطابق ٤ ژون ۱۹۱۲

پایان

آئین‌نامه لژبیداری ایران

فصل اول

ترتیب قبول بیگانگان

۱ ـ علاوه برترتیباتی‌که‌برای قبول بیگانگان درنظامنامه‌عمومی‌مقرراست درل.ب.ا ترتیبات ذیل نیز بایدمراعات شود .

اولا ـ هرگاه یکی ازبرادران بیگانه رالایق آشناشدن بسیر ماسنی‌بداند قبل ازآنکه باآن‌بیگانه هیچ‌گونه‌صحبتی ازوجودلژدرایران‌بنماید از لژ تحصیل اجازه کند .

ثانیاًـ تحصیل اجازه برای‌مذاکره بابیگانه بایدممضی بامضای سه نفراستاد باشد وگرنه ارجمند موافق‌آئین‌نامه‌ورقه را می‌سوزاند ومعرفین‌مزبورحق‌ندارند معرفی خود را ببرادران دیگرمعلوم کنند .

ثالثاً ـ اسامی‌بیگانگانی‌که معرفی شده‌اند باید بتوسط ب.نویسنده‌درلوحه مخصوص بخط جلی یامعرفی کامل‌پانزده روز قبل ازآنکه بخواهند برای‌تحصیل

اجازه رأی بگیرند نوشته و اعلام شده باشد .

رابعاً- همه برادران حاضر حق مذاکره دارند اما حق رأی فقط برای استادان و یاران است هرگاه عدهٔ مهره‌های سیاه کمتر از خمس عدهٔ کلیه مهره‌های سفید بوده باشد اجازه داده میشود.

۲ - هرگاه یك ورقه از اوراق تفتیش مقرر در نظامنامه عمومی در جواب یکی از سئوالات ساکت یا مبهم باشد ارجمند آن ورقه را بتوسط برادر دیگر تجدید کرده پس از اکمال آن رأی گرفته می‌شود .

۳ - در ورقه تفتیش مخصوصاً درباب سابقهٔ اعمال و ترجمه احوال باید بسط و تحقیق کامل بعمل آید که تا برادران از اعمال گذشته بیگانه بتوانند عقیده روشن حاصل نمایند .

فصل دوم

غیبت اعضاء رسمی

٤ - درموقعیکه برای ارتقاء رتبه یکی از برادران در ل . . رأی گرفته می‌شود باید صورت غیبتهائیکه آن برادر درشش ماه اخیر بدون عذر موجه نموده درجلسه قرائت شود تا برادران درموقع رأی منظور دارند .

٥ - غیبت هریك از اعضاء رسمی در صورت مجلس قید و هر سه ماه یك مرتبه در ل .·. اعلان می‌شود.

٦ - صورت غیبت سالیانه هریك از اعضاء رسمی ل .·. باید درموقع انتخابات عمومی قرائت شود تا برادران دقت کرده درموقع انتخاب سالاران برادران مراقب را ترجیح دهند .

فصل سوم

سالاران

۷ ـ برادرانی‌که از سالاران در اجرای وظایف مسامحه وغفلت یا تقصیری مشاهده می‌کنند حق دارند ارجمند را متذکر سازند تا ایشان را متنبه نماید.

۸ ـ ارجمندهمینکه ازیکی از سالاران مسامحه وغفلت یا تقصیری احساس کند در صورتی‌که‌خطای اوطوری‌نباشدکه محتاج به‌محاکمه باشد ابتداءِ برادرانه او را بادای وظایف خود دعوت می‌کند هرگاه پس از این یادآوری سالار مذکور متنبه نشد ارجمند یکدفعه هم در جلسهٔ‌کله وشکایت برادرانه مینماید.

فصل چهارم

روابط برادرانه و همبستگی

۹ ـ هر برادری که نسبت ببرادری سوءِ ظن یاشکایتی درامور شخصی‌یانوعی داشته باشد باید بدواً بارجمند اظهار نماید تا اقدامات برادرانه درآن باب بنماید هرگاه ارجمند اقدامی‌نکرد می‌تواند به ل. .شکایت خودرا اظهار دارد تا ل.ْ. در این خصوص قراری بگذارد و این ترتیب غیر از تظلم ماسونی است که به موجب آن برادران‌می‌توانندیکدیگر رادرتحت‌محاکمه‌درآورند وآن‌ترتیب به‌جای‌خود باقی و منظور تواند بود.

فصل پنجم

مجازات و مکافات

۱۰ ـ برادرانیکه رعایت مواد این نظامنامه را ننمایند مانند برادرانی مجازات خواهند شد که رعایت مواد نظامنامه عمومی را نکرده باشند.

۱۱ـ هر برادریکه خدمتی را رسماً در ل . . بعهده گرفت و بانداشتن عذر موجه آن خدمت را بانجام نرسانید سرزنش خواهد شد و ذکر آن در نامهٔ اعمال ماسنی او میشود .

۱۲ ـ هربرادریکه بواسطهٔ خدمات شایان مستحق اظهار قدردانی از طرف ل . . بشود برحسب درجات خدمت مکافات برادرانهٔ ذیل دربارهٔ اومبذول میشود.

۱ ـ هبك شادی بنام آن برادر.

۲ ـ قید درصورت مجلس.

۳ ـ قید در نامهٔ اعمال ماسنی.

٤ ـ شادخواری بنام آن برادر در مهمانی ماسنی .

فصل ششم

وظایف مخصوصه

۱۳ ـ اموریکه اعضای ل .˙. ب .˙. ا .˙. مخصوصاً طرف توجه قرار داده بیشتر اهتمام و اقدام خود را مصروف آن قرار میدهند از اینقرار است :

۱ ـ تکمیل و تهذیب خود و ابنای وطن بوسائل ذیل:

«۱» کنفرانس دادن درلژ و خارج .

«۲» طبع و نشر مقالات درروزنامجات .

«۳» تألیف و ترجمه کتب اخلاقی قدیم وجدید و تفحص ازکتب اخلاقی کثیر ـ النفع وطبع و نشر آنها.

«٤» حق‌گذاری و تمجید ازمساعی اشخاصی که دراصلاح عموم میکوشند و مکارم اخلاق بروز میدهند و تقبیح ازمساوی اخلاق .

«۵» تمرین اصول ماسنی و قانون اساسی ومواد نظامنامه عمومی وخصوصی لژ بواسطهٔ تشخیص‌دادن بعضی‌جلسات‌لژ بتذکار این‌وسائل وسعی‌در فراهم‌کردن‌وسائل حسن تربیت اخلاقی اطفال درمدارس وغیرها .

۲ ـ تکمیل وتعمیم وترویج معارف بوسائل ذیل :

«۱» طبع‌کتب مفیده .

«۲» معونت درهر نوع تأسیسات علمی‌وادبی .

«۳» کوشش دراصلاح وتکمیل مکاتب ومدارس .

«٤» امداد از محصلین‌که وسائل تحصیل ندارند .

«۵» تشویق مشتغلین بامور علمی و صنعتی و تـوقیرو تجلیل‌آنها و سعی در بهبودی‌حال‌آنها وسـعی‌درتکمیل واحیای زبان وادبیات فارسی .

۳ ـ سعی در تکمیل وبسط‌آزادی بوسائل ذیل :

«۱» تشریح فلسفهٔ‌آزادی وتمیزمفهوم این‌کلمه ازتصورات وهمی هوسناکانی که ازاین‌کلمه استفاده معقول‌نکرده‌اند بواسطهٔ‌کنفرانسهای مفصل‌ومقالات‌مشروح ووسائل مبرهن .

«۲» ـ تمرین‌آزادمنشی بمجاملت وبردباری واغماض از افراد بـرادران و بیگانگان و اعتیاد بکشف عقاید مکنونه بطور‌آزادی وتشجیع عموم برادران در خصوص این خصلت‌حمیده تاآنکه بدون هیچگونه اندیشه وهراس وشرم و حیای بی‌موقع بتوانند‌تمام‌ملکات وخطرات قلبی‌خود را درمجمع‌برادران هویداوآشکارا کنند .

٤ ـ سعی درایجاد اتفاق واتحاد بین عموم مردم ورفع‌اختلاف وبغضاوعصبیت از میان طبقات و احزاب سیاسی و ارباب ادیان به واسطهٔ ترویج و اصول و عقاید ماسنی .

۵ ـ تعلیم و تعلم کیفیت تعاون و کارکردن بطور اتفاق و اجماع .

۶ ـ تشویق و ترغیب مردم خصوصاً برادران بکار و تحصیل معاش از ممر کار و احتراز از بیکاری و تنبلی .

فصل هفتم

وظایف نقدی

۱٤ ـ وجوهی که به موجب مقررات قانون اساسی و نظامنامهٔ عمومی در مواقع مختلفه اعضای ل.·.ب.·.ا.·. میپردازند ازاین‌قرار است :

«۱» برای سیر پایه اول ۱۰ تومان

«۲» برای سیر پایه دوم ۵ تومان

«۳» برای سیر پایهٔ سوم ۱۰ تومان

«٤» برای پیوستگی ۱۰ تومان

«۵» برای مالیات سرشمار سالیانه ۱۰ تومان

مادهٔ شصتم از نظامنامه عمومی به موجب تغییری که مجمع عمومی ۱۹۱۱ در آن داده است .

ماده ۶۰ـ هر بیگانه که شرایط مذکور در اصل هشتم قانون اساسی را دارا باشد و بخواهد فرانماسن شود باید یك یا چند نفر استاد از اعضاءِ لژی که می ـ خواهد وارد آن شود او را معرفی کنند .

کسانی‌که او را معرفی می‌کنند پیشنهاد خود را کتباً درکیسه اظهارات می‌ـ نهند ورقه معرفی بیگانه باید ممضی و متضمن اسم والقاب وسن تحقیقی خواستار

و مکان ولادت و مسکن و شغل با صفات مدنی او باشد و نوشتجات ذیل ضمیمه آن می شود .

اولاً ـ یك نوشته به امضای خواستار مشعر بر این که سابقاً به لژی معرفی شده یا نشده .

ثانیاً ـ سواد آخرین نامه اعمال او یا اگر نداشته باشد نوشتجاتی که بمنزله آن باشد .

هرگاه بیگانه که معرفی شده در مکانی ساکن باشد که لژ دیگری در آنجا باشد ارجمندیکه معرفی به‌او می‌رسد باید ارجمند آن لژ دیگر را آگاه سازد و درباره آن بیگانه سه راپورت تقاضا کند .

اگر در آن مکان لژی نباشد ارجمند باید به ارجمند نزدیکترین لژ به اقامتگاه بیگانه رجوع کند اگر بیگانه در ولایتی ساکن‌ودر ولایت دیگر مشاغل انتخابی داشته باشد ارجمند لژیکه تقاضای ورود باورسیده‌ازارجمند نزدیکترین لژ به‌مسکن بیگانه و همچنین ارجمند یکی از لژهای ولایتی که بیگانه در آنجا مشاغل انتخابی دارد در باب آن بیگانه سه راپورت تقاضا کند .

اگرارجمند لژیکه تقاضای سیر بیگانه به‌او رسیده در ظرف دو ماه‌راپورت ها را دریافت نکند به‌موجب کاغذ سفارشی شورای طریقت را مطلع می‌سازد وپس از یکماه دیگر از آن صرف نظر می‌کند .

در هر صورت تقاضا را باید به کارخانه اطلاع داد و راپورتها را در جلسه رسمی قرائت کرده و همچنین راپورتهائیکه در فقره آتیه مذکور است .

همینکه ورقه معرفی و نوشتجات منضمه آنـرا ارجمند از کیسه اظهارات بیرون‌آورد قرائت میکند اما اسم معرفی کنندگان‌را نمی‌گوید پس از آن لا اقل

سه‌نفر از اعضای لژ را مأمورمیکندکه دربارهٔ بیگانه تحصیل اطلاعات‌نمایندبدون آنکه مأمورین را بشناساند.

هریك از این مأمورین باید راپورت خود را در ظرف یك ماه کتباً به ارجمند بدهند.



ضمیمه چهارم

معرفی ۱۳۶۰ جلد کتاب فراماسونری

از دویست و پنجـاه سال قبل تا کنون که فراماسونری سیاسی ، جانشین سازمان صنفی «بنّایان» در انگلستان شد ، چند هزار کتاب «موافق» و «مخالف» درباره این فرقه در جهان نوشته شده است . هرقدر تشکیلات ماسونیك در جهان گسترش‌می‌یافت ، به‌همان نسبت هم‌کتب ورسالات مختلف درباره این‌فرقه ، منتشر می‌گردید . انتشارات منظم فراماسون‌ها چه آنهـائی که در دسترس عموم قرار می‌گیرند ، و چه نشریات سرّی و بسیار محرمانه‌ای‌که گراند لژها و لژهای جهان برای ماسون‌ها چاپ می‌کنند ، صدها بار افزون‌تر از نشریات «نویسندگان غیر ماسون» و «آزاد» می‌باشد. زیرا بطوریکه قبلاً یادآور شده‌ایم ، اطلاع از افعال و اعمال ماسون‌ها ، برای کسانیکه در درون لژها راه ندارند ، کاری بس مشکل و دربعضی موارد از محالات است . اصول پنهانکاری و راز داری که افراد این فرقه درسراسر جهان بکار می‌برند ، سبب می‌شود که «غیرماسون‌ها» به‌دشواری بتوانند ازقسمتی‌ازاسرار درون سیاه چال‌ها ولژهاسردربیاورند . بدین‌لحاظ درکتابخانه‌ها وقرائت‌خانه‌های‌بزرگ‌جهان‌کتاب مخالفان فراماسونری‌وتحقیقات «غیرماسون‌ها» کمتر وجود دارد . درعوض بیشتر آثار فراماسون‌هائی که از لژها اجازه نوشتن و چاپ تاریخ فراماسونی ، تشریفات و سوابق این فرقه‌را دارند ، ضبط ونگهداری می‌شود .

در تحقیقات چندین ساله‌ای که ما درباره فراماسونری نمودیم ، بیشتر از منابع و مدارکی‌که درکاتولوگ‌ها و فیش‌های این‌مؤسسات بود ، بطوردقیق صورت برداری کردیم . آنچه که بعداً بنظرخوانندگان عزیز می‌رسانیم ، بیشتر ازفیش‌ه

و کاتولوگ‌های کتابخانه‌های موزه بریتانیا ـ کتابخانه دانشگاه‌های لندن ـ اکسفورد ـ کمبریج ـ کتابخانه بادلین ـ کتابخانه برلین و فرانکفورت و بالاخره کتابخانه ملی پاریس استفاده شده است .

در کتابخانه‌های انگلستان مشخصات و اطلاعات دقیق و کاملی از کتب فراماسونری ضبط و نگهداری شده که در اختیار همگان می‌باشد . ولی در کشورهای اروپائی بخصوص آلمان و فرانسه پس از تسلط ارتش هیتلری بر این دو کشور، نه تنها مراکز ماسونیك اشغال و نابود شده ، بلکه اسامی کتب ماسونیك از فیش‌ها و کاتالوگ‌های کتابخانه‌های اروپائی تحت اشغال نازیها ، حذف گردیده ، و حتی در بسیاری از کتابخانه‌های آلمان، فرانسه ، هلند و بلژیك، بدستور اشغالگران نازی کتب موجود خارج و آتش زده شده است .

بطوریکه درجلد اول نوشتیم ، درکشور آلمان فراماسونری سیاسی تشکیلات وسیعی داشت وچون سازمان سنگتراشان و بنّایان آلمانی، چند قرن قبل ازماسونی سیاسی آغاز بفعالیت نمودند، ازاین‌رو زمینه مساعدی فراهم شد که موجب گردید، گروهی ازمردم آلمان ازاین تشکیلات استقبال نمایند وکتب زیادی بزبان آلمانی منتشر نمایند . هم چنین عده زیادی ازطبقات عالیه آلمان ازجمله فردریك کبیر پادشاه پروس عضو فرقه فراماسونری شد و بمقام معمار بزرگ نائل آمد . پس از فردریك کلیه سلاطین آلمان تا ویلهلم دوم آخرین امپراطور آن کشور عضو فرقه فراماسونری بودند و بعدازجنگ جهانی اول هم فراماسون‌ها توانستند درحکومت جمهوری آلمان نفوذ زیادی بدست آورند . و این نفوذ تا هنگام روی کارآمدن هیتلر درسال ۱۹۳۲ ادامه داشت . اما پس‌ازاینکه هیتلر صدراعظم آلمان شده ، لژهای فراماسونری را دراین کشورمنحل کرد . او بارها درنطق‌های آتشین خود لژهای ماسونیك را «سلول‌های جاسوسی خارجیان و مرکز فعالیت جهودها» معرفی نمود و از هیچ اقدامی برای نابودی لژها وماسونها دریغ نورزید .

با وجودیکه هیتلر و یارانش همه جا سلول‌های ماسونیك را تعطیل کردند،

با اینحال بطوریکه بعد از سقوط رایش سوم اعلام شد ، گروهی از اعضای فعال لژهای مزبور بطور پنهانی جلسات خود را تشکیل می‌دادند . منتها از بیم پلیس مخفی و اس ـ اس‌های هیتلری ، می‌کوشیدند، بدون تشریفات و علائم ظاهری دور هم جمع شوند. بموجب ادعای لژهای متحده آلمان ، دربین اعضای فراماسونری این‌کشور، حتی رجال نظامی جنگ دوم جهانی مانند «فن‌کلوك» و «مارشال رومل» که هردوازسرداران بزرگ جنگ دوم بشمار می‌روند ، وجود داشتند . شایدعلت سوءظن هیتلر نسبت به مارشال رومل معروف به «روباه صحرا» نیز همین بود که می‌پنداشت وی‌فراماسون می‌باشد.

پس ازاینکه دربیستم ماه ژوئیه سال ۱۹٤٤ به هیتلر سوءقصد شد وافسران مخالف او خواستند وی را بوسیله‌بمب ساعتی بقتل برسانند، ولی او کشته نشد ، اندکی بعد معلوم گردید عده کثیری از کسانیکه درآن توطئه شرکت داشتند عضو لژهای فراماسونری آلمان بودند . مارشال رومل سردار معروف آلمانی نیزـ که لژهای متحده فعلی‌آلمان مدعی‌ماسون بودن اوهستندـ چون مورد سوءظن قرار گرفت وهیتلر پنداشت که وی فراماسون است ، از این رو برای اوپیام فرستادکه اگر نمی‌خواهد مانند شرکای توطئه از چنگك‌های دکان قصابی‌آویخته‌شود، انتحار کند . بطوریکه درکتاب سقوط رایش سوم نوشته شده ، افسران اس ـ اس بعد از حادثه ، متهمان و توطئه‌گران را به قلاب‌ها و چنگك‌های دکانهای قصابی آویزان کرده و سپس می‌کشتند . رومل نیز بموجب ادعای نویسنده کتاب «فراماسونی جدید» و به‌نقل از روایات شفاهی فراماسونهای جدید با خود کشی بزندگی خود خاتمه داد تا باآن طرز فجیع کشته نشود .

این‌شواهد تاریخی‌را بدان جهت نقل‌کردیم ، تا علت عناد ودشمنی هیتلریها درمحو ونابودی همه‌آثارماسونیسم ازجمله‌کتب ونشریات‌آنان را بیان‌کرده‌باشیم. بدین سبب دراکثر از کتابخانه‌های کنونی آلمان ، مشخصات کتب فراماسونری به زبان آلمانی ازبین رفته است . درفرانسه نیز ، چنین وضعی حکمفرماست . منتها

بعدازشکست آلمان نازی، فراماسون‌های فرانسه سعی کردند، این نقیصه را جبران کنند . باوجود این هنوز مشخصات همه کتب چاپ شده بزبان فرانسه ، درکتابخانه ملی پاریس که معتبرترین ومهمترین کتابخانه‌های فرانسه است ، وجـود ندارد . بدین جهت در معرفی کتب فراماسونری ، تا آنجا که مقدور بوده ، مشخصات کتب آلمانی وفرانسه را نقل کرده‌ایم .

بعلاوه درتنظیم این مجموعه سعی شده است ازکتبی که بعضی فصول یا برخی ازصفحات آن به‌بحث درباره فراماسونری اختصاص داده شده ، استفاده بعمل آید و هریك ازاطلاعات مزبوردرجای خود نقل شود. دراین مجموعه اسامی ومشخصات ۱۳۶۰ کتاب ماسونیك راکه ازکاتالوگ‌ها و فیش‌ها و فهرست‌های کتب ماسونیك اقتباس شده، نقل می‌کنیم. دراینجا توضیح این نکته لازمست که پس ازاینکه این مجموعه را تهیه‌کردیم مشخصات ۷۵۲ کتاب دیگررا نیز که بیشترآنها بزبان‌های آلمانی و فرانسه نوشته شده است بدست‌آوردیم که امیدواریم در چاپ‌های بعدی اسامی آنها را ضمیمه مجموعه ذیل بنمائیم .

درفصول‌مختلف سه‌جلدکتاب تقدیمی، هرجاکه ازکتب‌السنه مختلف استفاده شده ، درزیرصفحات، ماخذ ومنابع آن‌را ذکرکرده‌ایم، ونقل‌بقیه مشخصات واسامی کتب صرفاً بمنظوراستفاده عمومی است . ما چنین می‌پنداریم که چاپ وانتشاراین مجموعه نفیس برای محققان وپژوهندگان دانش و بخصوص ، فارسی زبانان ، اثر ارزنده‌ای باشد و آیندگان بتوانند ازمشخصات‌ومتون کتب یاد شده استفاده‌کنند . امیدواریم‌این‌پندارما درست‌باشد وخدمت‌ناچیزی‌که انجام‌داده‌ایم موردقبول دانش پژوهان و محققان قرارگیرد . اینك به‌معرفی ۱۳۶۰ جلدکتاب فراماسونی و ذکر مشخصات آنها می‌پردازیم :

1 **ABBOTT** (G. B.) HISTORY of FREEMASONRY in HERTFORDSHIRE, *with 5 portraits*, 1893 **15/-**

2 ——— LARGE PAPER COPY, impl. 8vo, roxburghe, 1893 **£1/5/-**

3 [**ABBOTT** (W. H., *Jnr.*)] LYRICS AND LAYS BY "PIPS," calf, *Calcutta*, 1857 **£1/5/-**
Contains four Masonic Poems: "The Masonic Dinner," "Our Visiting Brethren," "The Entered Apprentice's Toast," "The Tyler's Toast."

4 **ABRAHAM** (ANTOINE FIRMIN) L'ART DU THUILEUR, dédié a tous les Maçons des deux hémisphères, 24 pages (last 2 blank), unbound, *Paris*, [1804] **£2/-/-**
Kloss, 1955.

5 ——— MIROIR DE LA VÉRITÉ, dédié a tous les Maçons, 3 vols., half calf gilt, *Paris, Chez le F. Abraham*, 1800-02 **£7/10/-**
Wolfstieg, 518. Kloss, 31.
Abraham was Master of the Lodge "Les Elèves de Minerve." He came into collision with the Grand Orient and the Supreme Grand Council of France about the year 1811.

6 **ADAMSON** (H.) THE MUSES THRENODIE; or MIRTHFUL MOURNINGS on the DEATH of MR. GALL, . . . with the Most Remarkable ANTIQUITIES of SCOTLAND, especially of PERTH, [originally] printed at Edinburgh 1638; NEW EDITION with Explanatory Notes and Observations . . . compiled from Authentic Records by JAMES CANT, 2 vols. in one, old half roan, *Perth*, 1774 **£2/15/-**
Part one, page 84 contains the following important reference connecting Freemasonry with the Rosicrucians

"For we brethren of the rosie cross,
We have the Mason word and second sight."

7 **AFTER THE LODGE IS CLOSED,** REVISED and ENLARGED EDITION, by Bro. P.M. [Speeches, Toasts, Replies], 1948 **7/6**

8 **ALBURY MS.** (The) The AMALGAMATED GUILD of FREEMASONS and MASONS, wrappers, 1875 **10/-**

9 **ALFORD** (Rev. L. A.) MASONIC GEM: CONSISTING OF ODES, POEM AND DIRGE, Being a Miniature Sketch of Esoteric and Exoteric Masonry, SECOND EDITION, *frontispiece and text-illus., New York*, 1868 **12/-**

10 **ALLIED MASONIC DEGREES.**—CONSTITUTIONS OF THE ALLIED MASONIC DEGREES, published under the Authority of the Grand Council by C. FITZERGERALD MATIER, wrappers, 1902 **15/-**

11 **ALMANACH DES FRANCS-MACONS** pour l'Anée 1757 (probably wanting engraved frontispiece) 48 pages, paper boards, *Imprimé pour L'Usage des Freres, MMMMMDCC LVII* (1757) **£1/5/-**

12 ——— ANOTHER EDITION for 1766, spelling altered to "FRANCS-MASSONS," *with engraved frontispiece by N. A. Mier*, 48 pages, paper boards, *ibid MMMMMDCCLXVI* (1766) **£2/2/-**

13 ——— ANOTHER EDITION, pour l'Anée Bissextile 1776. Imprimé pour L'Usage des Freres, *engraved emblematic frontispiece*, 48 pages, contemporary olive green morocco, the sides elaborately tooled in gilt, centre device of lozenge shape composed of flowers, circles enclosing dots, scrolls, etc., board floral borders, gilt panelled back, marbled end-papers, g.e., *Amsterdam, Jean Schreuder*, 1776 **£5/15/-**
Wolfstieg, 783. Apparently sold as a duplicate from the Grand Lodge Library, England, having the library stamp on title and verso of frontispiece. Carries the bookplate of F. O. Irwin.

14 **ALMANACK.**—THE TOWN AND COUNTRY ALMANACK FOR 1799 [Containing a List of the Officers of the G.L. of Scotland and the dates of meetings of the 15 subordinate lodges in Edinburgh], contemp. sheep, *Edinburgh : Thomas Ruddiman* [1799] **£2/10/-**

15 ———: THE ORIGINAL EDINBURGH ALMANACK AND UNIVERSAL SCOTS REGISTER for 1815 [Containing a List of the Officers of the G.L. of Scotland, and the dates of meetings of the 17 subordinate Lodges in Edinburgh, contemp. sheep (back strip defective; apparently lacks Index at end), *ibid. Printed at the Caledonian Mercury Press*, 1815 **£1/-/-**

16 **ANCIENT AND ACCEPTED (SCOTTISH) RITE.**—OXFORD (A. W.) THE ORIGIN and PROGRESS of the SUPREME COUNCIL 33° of the ANCIENT and ACCEPTED (SCOTTISH) RITE for England, Wales, the Dominions and Dependencies of the British Crown, 1933 **12/6**

17 **ANCIENT AND PRIMITIVE RITE.**—[YARKER (John)] HISTORY OF THE ANTIENT AND PRIMITIVE RITE IN FRANCE, AMERICA, GREAT BRITAIN AND IRELAND, with an HISTORICAL INTRODUCTION (recovered-wrappers), *without place, printer or date* [1876] **£1/8/-**

18 [**ANDERSON** (James)] : Charges of a Freemason of 1723, Facsimile Reprint, reduced to three-quarters of the original size, of the Frontispiece, Title-page, Dedication, and Charges of Anderson's Constitutions, with French translation on the opposite pages, translated by Maurice Paillard, 32 pages, wrappers, 1947 6/-

——— vide Constitutions, post.

19 **ARLEQUIN FRANC-MAÇON**, Comédié inédite en deux actes, représentée au XVIII^e siécle, suivie d'une etudé sur les Francs-Maçons au Théâtre, [Auteur Inconnu], buckram, (orig. wrappers bound in), *Paris*, 1919 12/6

20 **ARMITAGE** (Frederick) The Masonic Lodges of the World, *frontispiece and* 5 *illus.*, (binding and some lower blank margins damp soiled), 1913 10/-

21 ——— The Old Guilds of England [Religious, Merchant and Trade], *frontispiece and* 8 *illus.* (binding a little damp soiled and top blank margins of some leaves frayed), 1918 18/-

22 **ARMSTRONG** (John) A History of Freemasonry in Cheshire, being a Record of all Extinct and Existing Lodges, Craft and Mark, and R. A. Chapters, Provincial Grand Lodges [etc.], *frontispiece*, 1901 £1/5/-

Limited to 500 numbered copies. Out of print.

23 ——— The Time Immemorial Lodge at Chester, of which Randle Holme was a Member (1650) . . . received a Constitution from Grand Lodge 1739 ; and name " Royal Chester " in 1787 ; its remaining members uniting in 1838 with the remaining members of the " Lodge of Independence " and " Loyal British " Lodge, to form the Cestrian Lodge, No. 615 [now No. 425], warranted 17th Dec. 1834, wrappers, *Chester*, 1900 £1/-/-

ARS QUATUOR CORONATORUM vide Quatuor Coronati Lodge Publications, post.

24 **ASHE** (Rev. J.) The Masonic Manual ; Or, Lectures on Freemasonry : containing the Instructions, Documents and Discipline of the Masonic Economy, First Edition, Large Paper Copy, boards, uncut, 1814 £1/15/-

25 ——— Second Edition, boards, uncut, 1825 £1/1/-

Wolfstieg, 953.

26 **ASHMOLE** (Elias) : Memoirs of the Life of that Learned Antiquary, Elias Ashmole, Esq. ; drawn up by himself by way of Diary, with an Appendix of original Letters, published by Charles Burman, First Edition, modern half calf, *Printed for J. Roberts*, . . . 1717 £3/3/-

27 ———: The Lives of those Eminent Antiquaries Elias Ashmole, Esquire, and Mr. William Lilly, written by themselves ; containing first, William Lilly's History of his Life and Times, with Notes by Mr. Ashmole : secondly Lilly's Life and Death of Charles the First : and lastly the Life of Elias Ashmole, Esq., by way of Diary, with Several Occasional Letters by Charles Burman, *frontispiece containing two portraits*, half calf, *Printed for T. Davies*, 1774 £4/-/-

28 **ATHOLE** (George Augustus F. J., *Sixth Duke, K.C., M.W. Grand Master of Scotland*) In Memoriam [a Record of the Funeral Service, Letters of Condolence, Lodge Mourning, etc.], *Privately Printed*, 1864 10/-

29 [**AULD (WILLIAM)**] The Free-Masons Pocket Companion, containing the History of Masonry from the Creation to the Present Time ; The Institution of the Grand Lodge of Scotland, Lists of the Officers of the Grand Lodges in England and Scotland ; with a Collection of Charges, Constitutions, Orders, Regulations, Songs, etc., Second Edition, contemp. mottled calf gilt, blue edges with gauffered floral design, *Edinburgh : Printed by Alexander Donaldson*, 1763 £12/10/-

Wolfstieg 785 (ii).

Almost identical (apart from the re-wording of the title-page) witn the first editions of Auld, Edinburgh, 1761.

An error in the ' History ' regarding the presence of Pompey at the battle of Actium has been correctly replaced by Antony.

None of the editions of Auld had frontispieces.

30 [———] The History of Masonry or the Free Mason's Pocket Companion : Third Edition. To which is added, a Large Collection of Songs, Prologues, Epilogues, &c. Old calf (*some stains*), *Edinburgh : Printed by William Auld*, 1772 £6/15/-

Wolfstieg, 3889.

This third edition follows *Auld's* Second Edition of Edinburgh 1763, but there are some variations by omissions and additions.

31 **ATTIC MISCELLANY** (The) or CHARACTERISTIC MIRROR of MEN and THINGS, including the CORRESPONDENTS MUSEUM, *with* 47 (*should be* 39) *folding and other plates*, 3 vols., contemp. calf, joints weak, Vols. 1 and 2 Printed for Bentley & Co.; vol. 3 *Printed by and for W. Locke*, 1791-[92] **£3/15/-**

This periodical is very seldom found complete. It consists of 36 numbers from Oct. 1789 to Aug. 1792. Vol. 1 is the Third Edition; vols. 2 and 3 First Editions. Includes notices or anecdotes relating to the Societies of the Bucks, Odd Fellows, Samsonic Society etc. No. XV (vol. 2) "A Dissertation on Freemasonry, addressed to the Prince of Wales, Grand Master of England." The editorship of this periodical is attributed to Thomas Holcroft.

32 **AUTHOR'S LODGE**, No. 3456.—TRANSACTIONS, COMPLETE SET [Edited by A. F. CALVERT and WILLIAM F. SPALDING, containing Contributions by SIR JOHN COCKBURN, JOHN T. THORP, J. A. SHERREN, EDMUND POOLE, Rev. F. De P. CASTELLS, SYDNEY T. KLEIN, OCTAVIUS C. BEALE, W. W. COVEY-CRUMP, A. F. CALVERT, and many other Important Writers], *profusely illus.*, 8 vols, 1915-55 **£16/-/-**

Vols. 1 to 4 consist of a variety of lectures; Vol. 5. The History of the Lodge; Vol. 6. The History of the Author's [Lodge R.A.] Chapter; Vol. 7. Recounts the proceedings of the Lodge from the 128th to 167th regular meeting, and covers a period of eight years; Vol. 8. Proceedings of the 168th to the 210th regular meetings 1939-1947.

33 ——— Vols. 1 to 3 only, 1915-19 **£6/15/-**

34 ——— Vol. 1 only, 1915 **£2/5/-**

35 ——— Vol. 3 only, 1913 **£2/-/-**

Vol. 2 cannot be sold separately.

36 ——— Vol. 7 only, 1945 **£1/-/-**

37 ——— Vol. 8 only, 1955 **£1/5/-**

These "Transactions," containing the substance of important lectures on almost every phase of Freemasonry, will be found to be indispensable to those interested in research.

38 **BACON** (W. A.) EAST LANCASHIRE MASONIC WORTHIES [14 Short Biographies], *with portraits*, 1913 **10/-**

39 **BAIN** (G. W.) REPRINTS: No. 1.—The SECRET HISTORY of the FREEMASONS; known as the "BRISCOE" COPY of the OLD CHARGES, reproduced in Facsimile from the original edition of 1724, edited with an Introduction by W. J. HUGHAN, 1896; No. 2—The PREFACE to LONG LIVERS: a Curious History, reproduced in Facsimile from the original edition of 1722, edited with an Introduction by R. F. GOULD; 2 vols. in one, impl. 8vo, half morocco [*Published by the Quatuor Coronati Lodge*], 1891 **£4/4/-**

40 **BANCKS [or BANKS]** (JOHN) MISCELLANEOUS WORKS, in Verse and Prose, consisting of Odes, Songs, etc.; Tales and Fables; Epistles, Epigrams, Essays in Literature, etc., Illustrated with Notes, SECOND EDITION, *frontispieces engraved by Van der Gucht*, 2 vols., old calf, rebacked, 1739 **£2/15/-**

Repair to title-pages; vol. 2 having pages 269-272 badly defective.

Contains (Vol. 1—pages 33-39) "Of Masonry: an Ode" with explanatory footnotes, one of which says that the Author is a Brother of the Craft.

This Ode was incorporated in Reid's Pocket Companion, Edinburgh 1754.

41 **[BARBEGUIÈRE** (J. E.)] La MAÇONNERIE MESMERTENNE, ou Les Leçons Pronouncées par Fr. MOCET, RIALA, THEMOLA, SECA, et CÉLAPHON, de l'Order des F. de L'Harmonie, en LOGE MESMÉRIENNE de BORDEAUX, l'an des Influences 5784 et du Mesmérisme le 1er par MR. J. B. B****, D.M., unbound, *Amsterdam*, 1784 **£2/-/-**

Wolfstieg, 33622; Kloss, 3721.

42 **BARRUEL** (L'ABBÉ A.) MÉMOIRES pour servir a L'HISTOIRE du JACOBINISME, PREMIERE ÉDITION, 4 vols, calf (labels missing and one cover detached), *Londres*, 1797 **£1/10/-**

Wolfstieg, 6367.

43 ——— QUATRIEME ÉDITION, 5 vols. in 2, contemp. calf, *Ausbourg*, 1799 **£2/10/-**

Wolfsteig does not give this Ausbourg edition. Kloss, 3506 includes it among other editions but says 5 vols ? indicating that he had not seen it.

——— vide [CLIFFORD (HON. R.)] post.

44 **BATAILLE** (LE DOCTEUR, pseud. of CHARLES HACKS) LE DIABLE au XIXe SIÈCLE, ou les MYSTÈRES du SPIRITISME, la FRANC-MAÇONNERIE LUCIFERIENNE (etc.), *illus.*, roy. 8vo, half roan, *Paris* [1894] **£1/5/-**

Wolfstieg, 30057

Although not indicated on title-page, and appears to be complete in itself, a second volume was issued.

45 **BATES** (A.) THE HISTORY of FREEMASONRY in GRIMSBY from its Introduction to 1892, comprising "The SPURN and HUMBER," "The APOLLO," "The PELHAM PILLAR," "The ST. ALBANS," and "The SMYTH" Lodges; the "ALETHIA" and "OLIVER" R.A. Chapters; and the "SUTCLIFFE MARK LODGE," *portrait*, *Grimsby*, 1892 **18/-**

46 **BAZOT** (ETIENNE-FRANÇOIS) MORALE de la FRANCHE-MAÇONNERIE, et Esprit, Pensées et Maximes des Francs-Maçons les plus distingués [etc.], PRÉMIER ÉDITION, rebound half sheep, *Paris*, 1827 **£2/-/-**

Wolfstieg, 24831; Kloss, 763.

47 ——— VOCABULAIRE des FRANCS-MAÇONS, TROISIÉME ÉDITION, revue et Considérablement augmentée par E. F. BAZOT, old half calf (broken), *Paris*, 1810 **£1/10/-**

Wolfstieg 1294 (iv); Kloss, 1968.

This is really a work by J. L. Laurens of which the first two editions of 1805 and 1808 were published anonymously—vide [Laurens (T. L.)] post.

48 [**BEAUMONT** (—)] L'ADEPTE MODERNE, ou Le VRAI SECRET des FRANC-MAÇONS. Histoire Interessante, boards, *Londres, aux dépens de L'Auteur* [1777] **£4/4/-**

Wolfstieg, 41487 (ii); Kloss, 3950.

This is a translation from the German work entitled: Der Newe Goldmacher oder das wahre Geheimnis der Freymaurer, 1770.

49 **BECKETT** (JAS. A.) ONE HUNDRED YEARS of FREEMASONRY in the TOWN of HOOSICK, [NEW YORK], 58 pp., *Albany*, 1894 **15/-**

50 **BEDFORD** (REV. W. K. RILAND) THE MORAL TEMPLE: A Sermon preached . . . before the Rt. Hon. and Rt. W. The Lord Leigh, and the Grand Lodge of Freemasons of the Province of Warwickshire, Published by Request, wrappers, *Birmingham*, 1858 **10/-**

51 **BEESLEY** (E. B.) FREEMASONRY in LANCASHIRE, from the Earliest Times down to the partition of the Province into two Divisions in 1825-26, *with* 4 *plates*, *Manchester*, 1932 **15/-**

One of 500 numbered copies printed for Private Circulation.

52 ——— THE HISTORY of the WIGAN GRAND LODGE (LANCASHIRE), *with* 18 *illus.*, *ibid.*, 1920 **15/-**

Recording the Career of this independent body which existed in Lancashire from 1823 to 1866. One of 500 numbered copies.

53 ——— A RECORD of ANTIQUITIES, and ARTICLES of MASONIC INTEREST, belonging to the CRAFT LODGES and R. A. CHAPTERS of the PROVINCE of EAST LANCASHIRE, *with* 74 *plates*, *ibid.*, *Private Subscription Edition*, 1919 **18/-**

Limited to 300 numbered copies.

54 **BEGEMANN** (WILHELM) VORGESCHICHTE und ANFÄNGE der FREIMAUREREI in ENGLAND, ZWEITES BUCH: Gründung und Weiterentwicklung der Londoner Grossloge, die Ancient Masons und die Vereinigung der beiden Grosslogen, *with* 4 *reproductions of title-pages*, *etc.*, plain half calf, *Berlin*, 1910 **£1/5/-**

Wolfstieg, 5693.

The first volume was printed in 1909 and dealt mainly with the Operative and Transitional period.

55 **BEGUE-CLAVEL** (F. T.) DISCOURS prononcé a la loge ÉCOSSAISE D'ÉMETH, O. de PARIS, dans la Séance du 5 Nov. 1824, à l'occasion de la MORT de S. M. LOUIS XVIII, et de l'AVÉNCEMENT au TRÔNE de S. M. CHARLES X. 12 pages, wrappers, *Paris*, 1824 **18/-**

Kloss, 5317.

56 ——— L'ORIENT, REVUE UNIVERSELLE de la FRANC-MAÇONNERIE, rédigé par les sommités de la littérature française et étrangère sous la direction du Frère CLAVEL, (title-page mounted to size), roy. 8vo, boards, linen back, *Paris*, 1844-45 **£1/10/-**

Wolfstieg, 563.

57 **BERARD** (V.) LE POÈME SYMBOLIQUE [contenant L'Apprenti, Le Compagnon, Le Maitre, Le Souverain Prince Chevalier Rose-Croix, et Chevalier Kadosch], half morocco, *Or[ient] D'Alger* [*Paris*] 1856 **£1/15/-**

Not in Wolfstieg.

58 **BETBUCH FÜR FREYMAURER**, with engraved emblematic title, the text of the prayers reproduced from the written script, with headings in ordinary type, 292 pages, calf, g.e. [*Prague*] *Schonfeld* [1784] **£3/3/-**

Wolfstieg, 39520; Kloss, 457.

The volume is lettered "Reines Gebethbuch."

59 **BETHAM** (SIR W.) ETRUSCAN LITERATURE and ANTIQUITIES INVESTIGATED; or, The Language of that Ancient and Illustrious People Compared and Identified with the Iberno-Celtic, and both shown to be Phonecian, 63 *plates and text-illus.*, 2 vols, 1842 **£2/15/-**

The list of plates mentions one entitled " British Coins " facing page 140, in Vol. 2 which was not published.

Contains a chapter on " The Cabiri and Freemasonry " in Vol. 2, pages 85-97.

60 [**BEYERLE** (J. L.)] ESSAI sur la FRANC-MAÇONNERIE, ou Du But essentiel et fondamental de la F. M.; de la possibilité et de la nécessité de la reunion des différens Systémes ou Brancnes de la M.; du Régime convenable à ces Systémes réunis, et des Loix Mac. 2 *folding tables*, 2 vols., contemp. calf, gilt backs (binding a little worn), *Latomopolis* [*Paris*] 1784 **£3/15/-**

Wolfstieg, 1378; Kloss, 170.

61 **BLACKHAM** (Col. R. J.) APRON MEN, The Romance of Freemasonry, 16 *plates*, (binding slightly faded), 1933 **£1/15/-**

62 **BLAKE** (MRS. [EDITH OSBORNE, afterwards Blake]) The REALITIES of FREEMASONRY, **£1/-/-**

Although written in a satirical vein it contains some useful and important extracts.

This is one of the copies which were bound up without the frontispiece of Mason's Marks.

63 **BOETHIUS** (A. M. TORQUATUS SEVERINUS): LA CONSOLATION PHILOSOPHIQUE de BOËCE, NOUVELLE TRADUCTION, avec la VIE de L'AUTEUR, des Remarques HISTORIQUES et CRITIQUES, et Une DEDICACE MASSONNIQUE: par un FRERE-MASSON (JOS. DUFRESNE de FRANCHEVILLE], 2 vols, contemp. French calf, gilt backs, *La Haye*, 1744 **£3/3/-**

Wolfstieg, 24122a (in " additions " to vol. 2, page 1029); Kloss, 288.

64 [**BONNEVILLE** (NICOLAS DE)] LES JÉSUITES Chassés de la MAÇONNERIE, et leur POIGNARD BRISÉ par les MAÇONS.—*Premiere Partie :* LA MAÇONNERIE ECOSSOISE COMPARÉE avec les Trois Professions et Le Secret des Templiers du 14e Siecle, *frontispiece*, 1788; *Seconde Partie :* MÊMETÉ des QUATRE VŒUX de la COMPAGNIE de S. IGNACE, de la MAÇONNERIE de S. JEAN [to which is added a Reprint of the 21st Edition of PRITCHARD (SAMUEL) MASONRY DISSECTED, as Printed for Byfield and Hawkesworth in [1777], with Notes in French appended] 1788, in one volume, half morocco, *Orient de Londres* [*Paris, Bolland*], 1788 **£15/-/-**

65 ——— ANOTHER COPY, in the two original parts, wrappers not uniform, uncut, *ibid.*, 1788 **£12/-/-**

Wolfstieg, 35728, KLOSS, 1927.

66 **BORDER LODGE OF INSTALLED MASTERS, No. 5372 CARLISLE** TRANSACTIONS, VOL. 1 [1932-1936] Edited by JOHN JARDINE and E. CRAIG DUNLOP, wrappers, 1936 **10/-**

67 **BOUBÉE** (J. S.) SOUVENIRS MAÇONNIQUES, . . . précédés d'une Notice Historique sur l'ORIGINE de la FRANC-MAÇONNERIE, half morocco, gilt back, *Paris, Lebon*, 1866 **£1/5/-**

68 **BOWERS** (ROBT. W.) SOME NOTES on the HIDDEN MYSTERIES of NATURE and SCIENCE, *illust.*, wrappers, 1909 **10/-**

69 **BRAD** (JEAN-LOUIS) LES MAÇONS de CYTHERE, Poeme. [Contenant Vénus Maçonne; Les Graces Maçonnes; L'Amour Maçon; et Le Banquet des Maçons] *with engraved frontispiece*, half calf, *Paris*, 1813 **£2/2/-**

Wolfstieg, 39945.

70 ——— VÉNUS MAÇONNE, Poëme, wrappers, *Paris*, 1810 **£1/1/-**

Wolfstieg, 41269; Kloss, 2133.

This work was afterwards incorporated with other pieces under the title " Les Maçons de Cythere," 1813.

71 **BRADLAUGH** (CHARLES) WHAT FREEMASONRY IS, WHAT IT HAS BEEN, and WHAT IT OUGHT TO BE, 12 pages, unbound, *Freethought Publishing Co.* 1885 **12/6**

72 [**BRAMSTON** (JAMES)] The MAN of TASTE, occasion'd by an Epistle of MR. [ALEXANDER] POPE's on that Subject [*i.e.*, that to the Earl of Burlington, 1731], by the Author of the Art of Politicks, FIRST EDITION, *frontispiece engraved by G. Van der Gucht*, 20 pages, folio, sewn, *Printed by J. Wright for Lawton Gulliver* . . . 1733 **£8/10/-**

This satire holds an honourable place in eighteenth-century verse. It was reprinted in volume one of Dodsley's " Poems by several Hands."

On page 10 occurs allusions to Christopher Wren and Inigo Jones, and on page 14 the following lines relative to freemasonry:

" Next Lodge I'll be Free-Mason, nothing less,
Unless I happen to be F.R.S."

73 **BRAMSTON** (James) The Man of Taste, First Octavo Edition, *frontispiece*, 20 pages, modern wrappers, *ibid.*, 1733 **£3/10/**

In this issue the figures shown in the frontispiece are transposed, and the List of Books printed for Lawton Gilliver (given on page 20 of the folio edition) are omitted.

The references to Christopher Wren and lines relating to Freemasonry are on pages 9 and 13 respectively

74 **BRASDOR** (Jacques) Fragments Poesies [including Masonic Poems], wrappers (backstrip defective), *Paris*, 1868 **15/-**

Author's presentation inscription on half-title.

75 **BRESCANI** (C. P. Antoine, *S.J.*) Le Juif de Vérone ou les Sociétés Secrétes en Italie, Cinquième Édition, 2 vols., half morocco, *Paris*, [1860] **£1/10/-**

Wolfstieg, 41733 ; Caillet, 1630.

76 [**BREWSTER** (Sir David)] The History of Free Masonry drawn from Authentic Sources of Information; with An Account of the Grand Lodge of Scotland, from its Institution in 1736, to the Present Time, compiled from the Records ; and an Appendix of Original Papers, First Edition, boards, cloth back, with paper label, entirely uncut, *Edinburgh*, 1804 **£6/6/-**

Wolfstieg, 6156 ; Kloss, 2828

Often, though wrongly, attributed to the publisher Alex. Lawrie, the G.S. of the Scottish Grand Lodge. It contains the first published Laws and Regulations of the Grand Lodge of Scotland.

77 **BROMWELL** (H. P. H.) Restorations of Masonic Geometry and Symbolry being a Dissertation on the Lost Knowledges of the Lodge, *with frontispiece and* 30 *illus.*, 4to, half morocco (rubbed), *Denver, Colorado*, 1905 **£2/5/-**

78 **BROOMIELAW BRIDGE, GLASGOW.**—An Account of the Grand Masonic Procession, at the Laying the Foundation Stone of the Broomielaw Bridge [with some Account of Freemasonry in Scotland] 82 pages, wrappers, *Glasgow* [1833] **12/6**

79 **BUCKS.**—A Candid Enquiry into the Principles and Practices of the Most Ancient and Honourable Society of Bucks, together with Some Thoughts on the Origin, Nature, and Design of that Institution, dedicated to the Brethren of the Order by P. D., Esq., *engraved emblematic frontispiece*, contemp. wrappers, entirely uncut, *Printed for the editor, by C. Kiernan, in Fulwood's Rents, Holborn*, 1770 **£10/10/-**

The authorship is unknown but the Dedication is signed P.D. . . . M.N.G. of the Royal Mecklinburgh Lodge, with his address at foot of the page as No. 3 Bury-Street, St. James.

An account of this Order is given by W. H. Rylands in A.Q.C., Vol. 3, pages 140 to 162, under the title " The Noble Order of the Bucks, a Forgotten Rival of Freemasonry."

80 [**BURDIN** (F. A.)] Remarques d'un Profane sur Deux Homélies Maçonniques, prononcées dans la R... L... de . . . O... de . . . , le 27e du 10e mois de l'An de la Vraie Lumière 5820, half parchment, *[Paris] A. Besancon* 1822 **£2/10/-**

Apparently not in Wolfstieg or Kloss.

81 [**BURGEAUD** (J., *de Calais*)] Poëme Philantropi-Maçonique, dédié a la R... L... de L'Amitie, O... de Boulogne, wrappers, *Boulogne*, 1823 **£1/10/-**

Wolfstieg, 37378, Kloss 755.

82 **BURNS** (Robert): Harvey (William) Robert Burns as a Freemason, *with* 7 *illus.*, boards, cloth back, *Dundee*, 1921 **10/-**

83 **BURTON** (William) The Description of Leicestershire : Containing Matters of Antiquity, History, Armoury, and Genealogy, First Edition, with a folding map of the County as it was in 1602, and numerous cuts of the coats of arms on the letterpress, (original title-page missing but a reprint on old paper substituted), folio, old russia (a little worn) *Printed for John White* . . . 1622 **£5/-/-**

84 ——— Second Edition, corrected, the folding map brought up to date, and 2 plates containing over 100 illustrations of armorials, folio, contemp. russia, gilt back (joints partly cracked ; a few pages with some MS. scribblings). *Lynn : Printed and Sold by W. Whittingham*, 1777 **£3/-/-**

In the description of the parish of Woodhouse in the Hundred of West Goscote is a reference to the repair to Chapel of Ashler Stone and the new building of a steeple, with a deed of Covenant " made between Robert Farnham of Quadron, of the one part, and a certain free-mason of the other."

In the original edition this reference occurs on page 315 and in the revised edition on page 294.

85 [CADET-GASSICOURT (C. L.)] Le Tombeau de Jacques Molai, ou Histoire Secrète et Abrégée des Initiés, Anciens et Modernes, des Templiers, Francs-Maçons, Illumines, etc., Seconde Édition, (*engraved frontispiece and first few pages slightly waterstained*), wrappers, uncut, *Paris*, 1797 **£1/18/-**

Wolfstieg, 6311 (ii); Kloss, 3493.

86 **CAGLIOSTRO** (Count): Alméras (Henri d') Cagliostro (Joseph Balsamo) La Franc-Maçonnerie et l'Occultisme au XVIII^e Siècle, d'apres des documens inédits, *portrait*, half morocco, *Paris*, 1904 **£1/5/-**

Wolfstieg, 14383.

87 **CAIGNART-DE-MAILLY** (P.) Recherches sur L'Origine, L'Essence, Le But et les Rapports Mutuels des divers Rites Maçonniques, 64 pages, orig. wrappers, *Paris*, 1810 **£1/5/-**

Wolfstieg, 33179; .Kloss, 738b.

The authors name and date of publication appear on the wrapper; both are omitted from the title-page.

88 **CALCOTT** (Wellins) A Candid Disquisition of the Principles and Practices of the Most Ancient and Honourable Society of Free and Accepted Masons; . . . Dedicated, by permission to the most Noble and most Worshipful Henry Duke of Beaufort, Grand Master. First Edition, Large and Fine Paper Issue, contemp. calf, gilt back, *Printed for the Author by Brother James Dixwell*, 1769 **£5/15/-**

89 ——— Royal [and thick] Paper Issue, contemp. calf gilt, square and compass tooled in gilt in each corner on covers (joints cracked), *ibid.*, 1769 **£7/10/-**

Wolfstieg, 1363.

This work appeared in three sizes, small octavo and octavo both printed on ordinary paper, and large octavo on thick Royal paper.

90 ——— American Reprint, with List of Subscribers and a List of Lodges held in the Town of Boston, *New York*, 1855 **£1/5/-**

91 ——— Another Edition, . . . with Copious Notes by The Rev. George Oliver, half calf, 1847 **18/-**

This is Vol. 2 of " Oliver's Golden Remains of the Early Masonic Writers " and is so lettered on binding.

92 ——— Thoughts Moral and Divine, Collected and intended for the better Instruction and Conduct of Life, Second Edition with Improvements: Dedicated by permission to the Rt. Hon. the Earl of Powis, old half calf, entirely uncut, *Birmingham: Printed for the Author, by T. Warren Jun.* 1758 **£2/15/-**

93 **CALVERT** (A. F.) The Grand Lodge of England 1717-1917, being an Account of 200 years of English Freemasonry, *with* 280 *portraits and other illus.* (*mostly from old prints*), 1917 **£2/15/-**

94 ——— The Grand Stewards' and Red Apron Lodges, *with* 75 *illus.*, 1917 **£1/8/-**

95 ——— Old Engraved Lists of Masonic Lodges, 1723-1777, *with* 162 *plates of facsimiles*, roy. 8vo, 1920 **£1/15/-**

96 **CAMA** (K. R.) Freemasons' Jamshedi Naoroz Festivals [New Year's Day of the Ancient Persian Empire] Lectures at the Scottish Masonic Hall, Gowallia Tank Road, Bombay, for the years 1874-75-77, boards, cloth backs, *Bombay, Dufter Ashkama Press*, as under:—

(a) Discourse on Jamshedi Naoroz (1874) 24 pages, 1875 **10/-**

(b) Discourse on Mithraic Worship (1875) 28 pages, 1876 **12/6**

(c) Discourse on Freemasonry among the Natives of Bombay (1877) 24 pages, 1877 **12/6**

97 ———: The Cama Masonic Jubilee Volume: containing Papers on Masonic Subjects written by various Free-Masons in Honour of K. R. Cama, on his completing 50 Years of Masonic Life in the year 1904, and edited by Jivanji Jamshedji Modi, *frontispiece and 2 other plates* (loose in case), *Bombay*, 1907 **18/-**

98 **CAMPBELL-EVERDEN** (W. P.) Freemasonry and its Etiquette, with which is incorporated " The Etiquette of Freemasonry " by " An Old Past Master " [i.e. Franklin Thomas], Last Edition, 1948 **11/6**

99 **CARBONARI.**—INSTRUCTION, ou CATÉCHISME des BB... CC... FF... CHARB..., contenant la Manièr d'Initier et de donner les differens grades dans cet Ordre, avec des Discours Propres à ces cérémonies, *folding plan*, half roan, *Imprimé . . . Au D La V.-L.* 5835, [1835] **£3/10/-**

100 ——— : PALMIERI de MICCICHÈ (MICHEL) Les CARBONARI, ou NAPLES en 1821, Drame Historique en cinq actes en prose, avec un CHOEUR de CARBONARI, précédé d'une Notice Historique, unbound, *Paris*, 1833 **£1/5/-**

Not in Wolfstieg or Kloss. The Prefatory note is signed L. L***.

——— : vide GYR (L'Abbe), post.

101 **CARMICHAEL** (WALTER SCOTT) MISCELLANEA POETICA (Dedicated to the Masonic Brethren), *Printed for Private Circulation, Edinburgh*, 1883 **10/-**

102 **CARR** (H.) The MASON and the BURG : An EXAMINATION of the EDINBURGH REGISTER of APPRENTICES and the BURGESS ROLL [with a Foreword by G. S. DRAFFEN, Grand Librarian, Scotland], roy. 8vo, 1954 **15/-**

Brother Carr's researches would seem to have settled finally what has hitherto been a vexed question—" When did the Apprentice become an Entered Apprentice ?"

103 **CARWITHEN** (Rev. WILLIAM, *Dep. Prov. G.M., afterwards. Grand Chaplain of Devon*) BROTHERLY LOVE EXPLAINED and ENFORCED. A Sermon preached in the Parish Church of ST. PETER, in TIVERTON, DEVON, at the Dedication of the Hall of the FREE and ACCEPTED MASONS, in that Town, on Wednesday, Sept. 3rd 1834. 16 pages, unbound, *Exeter, Printed for the Devon Provincial Grand Lodge, by Brother Spark* [1834] **£1/1/-**

104 ——— A SERMON preached in the PARISH CHURCH of CHUDLEIGH, DEVON, in aid of the Funds of the Bell Schools in that Town, on the day of the Consecration of the LODGE of UNION, No. 650, November 15th, 1838. 18 pages, unbound, *ibid.* [1838] **£1/1/-**

Both Sermons are Dedicated to the R. W. Lord Viscount Ebrington, M.P., Prov. G.M. ; Officers, and Members of the Prov. Grand Lodge.

105 **CARSON** (E. T.) The ARCHAEOLOGICAL CURIOSITIES of FREEMASONRY, No. 4—Facsimile Reproduction of the ENGRAVED LIST of REGULAR LODGES for 1736, by J. PINE, (with an Introduction by the Editor], wrappers, *Cincinnati*, 1889 **15/-**

Only 200 copies printed for private circulation.

106 **CARTWRIGHT** (E. H.) A COMMENTARY on the FREEMASONIC RITUAL, together with NOTES on the CEREMONIAL WORK of the OFFICERS, 1947 **£1/1/-**

An important work for the student of the ritual. The author makes an analysis of the various systems and challenges the claims made by the Emulation Lodge of Improvement for its system of working.

107 **CASPARI** (OTTO) FREEMASONRY, its Meaning and SIGNIFICANCE, an Exposition of its Ethics, Religion and Philosophy, AUTHORIZED ENGLISH TRANSLATION of the SECOND EDITION, 1914 **15/-**

108 **CASTELLS** (REV. F. DE P.) THE APOCALYPSE of FREEMASONRY, a constructive scheme of Interpretation of the Symbolism of the Masonic Lodge, Re-issue of the SECOND EDITION, 1943 **9/6**

109 ——— ARITHMETIC of FREEMASONRY, SECOND EDITION, 1941 **5/-**

110 ——— ENGLISH FREEMASONRY in its PERIOD of TRANSITION, A.D. 1600-1700, cloth, 1931 **15/-**

111 ——— The GENUINE SECRETS in FREEMASONRY prior to A.D. 1717, cloth, 1930 **15/-**

112 ——— ORIGIN of the MASONIC DEGREES, (1941) **12/6**

113 ——— Our ANCIENT BRETHREN the ORIGINATORS of FREEMASONRY, An INTRODUCTION to the HISTORY of ROSICRUCIANISM, dealing with the period A.D. 1300-1600, cloth, 1932 **15/-**

114 **CHADWICK** (THOMAS) ANALYTICAL EXAMINATION of the FELLOW CRAFT, or Second Degree of Freemasonry. A LECTURE delivered in the Worthy and Worshipful LODGE of VIRTUE, 177, MANCHESTER, Sept. 21st, 1852 . . . Dedicated, by permission, to the Right Hon. The EARL of YARBOROUGH, 28 pages, wrappers, 1852 **15/-**

115 [**CHAPPRON** (E. J.)] NÉCESSAIRE MAÇONNIQUE, PREMIERE EDITION, *frontispiece*, modern buckram, *Paris et Amsterdam*, 1812 **£3/10/-**

Wolfstieg, Supp. No. 8693 ; Kloss, 1988.

Chappron was the author of " Les Secretes de la Maçonnerie Dévilés," published in 1814.

OLD CHARGES.

116 **ALNWICK MANUSCRIPT** (The)—Societas Rosicruciana in Anglia, Province of Northumberland and Durham: The Alnwick Manuscript, No. E 10, Reproduction and Transcript [with an Introduction by William J. Hughan], 4to, stitched (wrappers missing), *Privately Printed, Newcastle-upon-Tyne*, 1895 **£2/10/-**

Only a limited number were printed, each copy having its number printed on its title-page. The date of the original MS. is ascribed to the year 1701. It belongs to the "Sloane" family of Old Charges.

117 **BEAUMONT MS.**—Watson (William) Reproduction of the "H. F. Beaumont MS." A.D. 1690 (or ante), with valuable Commentaries by Dr. G. E. W. Begemann and W. J. Hughan, and An Appendix containing Historical Notes on Freemasonry, more especially with reference to the Province of West Yorkshire, boards, cloth back, *Leeds*, 1901 **10/-**

118 ——— Large Paper Copy, 4to, cloth, *ibid*, 1901 **15/-**

119 **CARMICK MS.**—Sachse (Julius F., *Compiler*) The Constitutions of St. John's Lodge: a Facsimile Copy of the Tho. Carmick MS., A.D. 1727, reproduced under the direction of the Committee on Library at the request of Brother George B. Orlady, R.W. Grand Master of Pennsylvania [accompanied by a Printed Transcription], 4to, cloth (binding stained), *Philadelphia*, 1908 **£1/10/-**

Only 500 numbered copies printed.

120 [**COLE** (Benjamin)] A Book of the Antient Constitutions of the Free & Accepted Masons [Third Issue], engraved throughout, the text to the Charges ending on page 51, the four Songs being on pages 52 to 57, the catchwords on all pages except 50 and 51, Publisher's name on engraved title omitted (in this copy is a paste-on slip: *Printed and Sold by B. Creake*) [1729] bound with [Drake (Francis)] Speech . . . at a Grand Lodge, held . . . in the City of York, on St. John's Day, December 27th 1726 . . . By the Junior Grand Warden (and includes, although not noted on title): Speech . . . at a Lodge held at the Carpenters Arms . . . 31st of Dec. 1728 by the Rt. Wor. Edward Oakley, late Prov. Senior Grand Warden in Carmarthen; also a Prologue and Epilogue, 40 pages, *Printed in the year* 1729; in one volume, comtemp. calf (neatly rebacked) 1729 **£30/-/-**

This copy of Cole's Constitutions does not have the engraved Dedication to Lord Kingston usually placed before the title-page.

In all probability B. Creake took over the unsold sheets of the second issue and would account for the paste-on slip on the title-page. In 1731 he produced a further engraved edition to which he added a Printed Title-page bearing the words "Second Edition." In this 1731 edition of the engraved text, the four songs which were formerly engraved on pages 52 to 57 are incorporated in a separately printed "Curious Collection of the Most Celebrated Songs," dated 1731 and Drake's Speech, differently set up, bearing B. Creake's imprint, carried a later date of publication mostly called Second Edition, and dated 1734.

121 [———] The Antient Constitutions of the Free and Accepted Masons, *neatly engraved on* [51] *copper plates*, with a Speech [by Francis Drake] deliver'd at the Grand Lodge at York, also a Speech of Edward Oakley . . . To which is added, a Curious Collection of the most Celebrated Songs in Honour of Masonry . . . ; Second Edition, 1731. Reproduced in Exact Facsimile, together with an Introductory Sketch by William James Hughan, boards, cloth back, *Leeds*, 1897 **£2/2/-**

Only 200 copies of this excellent facsimile were printed. The original MS. from which the text of the Constitution (or Old Charges) is reproduced is known as the "Spencer MS."

Although Drake's Speech is included in the contents on the 1731 general title-page, the Second Edition dated 1734 was bound up (as was nearly always the case) in the original copy from which the facsimile was produced.

——— vide Hughan (Wm. J.)

122 **COOKE** (Matthew) The History and Articles of Masonry (now first published from an [early 15th century] MS. in the British Museum), *with a facsimile reproduction and modernized transcript on opposite pages*, half calf, 1861 [sold]

A reproduction of the second oldest of the manuscript charges, or traditional histories of the Craft.

123 **HUGHAN** (William James) Constitutions of the Freemasons [Comprising a Lithograph Facsimile of Benjamin Cole's Engraved Constitutions, Second Issue [1728], with an Historical Account of the Old Manuscript Constitutions or Charges, down to the First Constitutions of the Grand Lodge, 1723] orig. boards (back strip a little worn and cracked), 1869 **£10/-/-**

Only 75 copies were printed, now very scarce.

124 —— The Old Charges of British Freemasons including a Reproduction of the "Haddon Manuscript," and particulars of All the Known Manuscript Constitutions from the Fourteenth Century, Second and Best Edition, with illustrations (binding waterstained), 1895 **£2/15/-**

Only 250 copies printed.

125 **KNOOP** (Douglas) and **JONES** (G. P.) A Handlist of Masonic Documents, 1942 **6/-**

126 —— The Nomenclature of Masonic MSS. and Handlist of the MSS., wrappers, *Printed for Private Circulation*, 1941 **12/6**

127 **KNOOP** (Douglas), **JONES** (G. P.), and **HAMER** (Douglas) The Two Earliest Masonic MSS.—The Regius MS. (B.M. Bibl. Reg. 17 A1) and The Cooke MS. (B.M. Add. MS. 23198), transcribed and edited with Introductory Accounts, wrappers, *Manchester*, 1938 **15/-**

128 **NEWCASTLE COLLEGE ROLL.**—Societas Rosicruciana in Anglia, Province of Northumberland and Durham: The Newcastle College Roll, D.37, Reproduction and Transcript [with an Introduction by William J. Hughan], 4to, wrappers, *Privately Printed, Newcastle-upon-Tyne*, 1894 **£2/10/-**

129 —— Another Copy, neatly bound in half brown morocco, buckram sides, *ibid.*, 1894 **£3/10/-**

Only a limited number were printed, each copy having its number printed on the title-page.

The Newcastle College Manuscript is the only known copy of the Old Charges (excepting the two Rolls at York) which begins with "An Anagram upon the Name of Masonrie."

The date of the original MS. is ascribed to the first half of the 18th century.

130 **POOLE** (Rev. H.) Prestonian Lecture for 1933: The Old Charges in Eighteenth Century Masonry; together with the Text of the Fortitude MS. [Q.C. Pamphlet No. 3], wrappers, *Margate*, 1934 **15/-**

131 —— The Old Charges [Classification, Uses, Legends, etc.], 1924 **8/6**

132 —— Two Versions of the Old Charges; with an Introductory Note on the Spencer Family [Q.C. Pamphlet No. 2], wrappers, *Margate*, 1933 **10/-**

133 **POOLE** (Rev. H.) and **WORTS** (F. R.) The "Yorkshire" Old Charges of Masons, *with some facsimile illustrations, Leeds*, 1935 **£1/12/6**

Only 500 copies printed, now out of print.

134 **REGIUS** or **HALLIWELL MS.**—"Constituciones Artis Gemetriæ Secundum Euclydem": A Facsimile [accompanied by a Transcript] of the Early Poem on Freemasonry from the Original MS. presented by King George II to the English Nation in 1757, now in the British Museum [Bibl. Reg. 17, A.1], Edited with Introductory Remarks by H. J. Whymper, calf, royal arms and monogram on sides (binding rubbed and spine defective), 1889 **£1/10/-**

135 ——: Halliwell (James Orchard) The Early History of Freemasonry in England [being a transcript of the MS. Poem on the Constitutions of Masonry (Bib. Reg. 17a, 1 ff 32) edited with notes and an Introductory Essay, Second [and Best] Edition, [to which is added a Glossary of Obsolete Words], 1844 **£1/8/-**

The Regius Manuscript of the XIVth Century is the earliest of the known "Old Charges."

136 [**ROBERTS** (J.)] The Old Constitutions belonging to the Ancient and Honourable Society of Free and Accepted Masons, taken from a Manuscript wrote about Five Hundred Years since, *Printed and Sold by J. Roberts* . . . 1722; Verbatim Reprint, vi + 26 pages, cloth, roan back, *Richard Spencer*, 1870 **12/6**

137 —— Photographic Facsimile Reprint from the Original Edition in the Library of the Grand Lodge of Iowa, together with a Foreword by Joseph Fort Newton, *Iowa*, 1917 **18/-**

Limited to 1000 numbered copies.

Old Charges—*continued.*

138 [**TODD** (J.) and **WHYTEHEAD** (T. B., *Editors*)] ANCIENT MASONIC ROLLS of CONSTITUTIONS, copied exactly from the Original MSS. in the possession of the YORK LODGE, No. 236, with a Preface by the Editors and an Introduction by W. J. HUGHAN, *with* 8 *plates, Hull,* 1894 **£1/5/-**

139 ——— REPRINT; with An APPENDIX by JAMES B. BRADWELL, of 110 pages, *containing 50 half-tone illustrations of Masonic Scenes in York, and portraits of Prominent Members of Ancient Ebor Preceptory No.* 101, *etc., Chicago,* 1895 **£1/15/-**

CHARGES (OLD) vide BAIN (G. W.) REPRINTS, ante.

---

140 **C[HEMIN]-DUPONTÈS** (JEAN-BAPT.) COURS PRATIQUE de FRANC-MAÇONNERIE, CAHIER 1-5, D'Apprenti; Compagnon; Maitre; Grades Capitulaires; et Instruction sur les Grades Philosophiques, wrappers, *Paris,* 1841 **£1/10/-**

Wolfstieg, 33197; Kloss, 2087.

141 **CHÉREAU** (ANTOINE GUILLAUME) EXPLICATION de la PIERRE CUBIQUE, 1806, *with folding plate,* showing the four faces of the cubic stone: "Grade Ecossais du Regime du G. Or. de France, 20 pages, wrappers, [*Paris,* 1806] **£1/10/-**

Wolfstieg, 32708; Kloss, 1970.

142 [———] ANOTHER EDITION, *with folding plate,* 20 pages, wrappers, *Paris,* 1839 **£1/-/-**

This edition is not given in Wolfstieg or Kloss.

143 **CHURCHWARD** (ALBERT) THE ORIGIN and EVOLUTION of FREEMASONRY connected with the ORIGIN and EVOLUTION of the HUMAN RACE, 1920 **£1/8/-**

·144 **CLARE** (MARTIN) THE MOTION of FLUIDS, Natural and Artificial; in particular that of AIR and WATER, . . . FIRST EDITION, *with* 9 *copper-plates engraved by* J. COLE, contemporary calf, *Printed for Edward Symon,* 1735 **£8/10/-**

Contains a 4 page Dedication " To the Rt. Hon. Thomas Thynne, Lord Viscount Weymouth, Baron of Warminster, Grand Master of the Ancient and Honourable Society of Free and Accepted Masons, &c." with his Arms engraved as headpiece.

It is interesting to note that in 1735 Viscount Weymouth became Grand Master and Martin Clare was appointed Junior Grand Warden; In the Dedication, Martin Clare refers to his Lordship's acceptance of the Grand Mastership and his own appointment.

Only the first edition of " The Motion of Fluids " contains a Masonic Dedication.

145 ——— The MOTION of FLUIDS, Natural and Artificial; in particular that of the Air and Water [etc.], THIRD EDITION, corrected and Improved, *with* 9 *folding plates,* old calf (upper cover detached) *Printed for A. Ward, J. P. Knapton, S. Birt* . . . 1747 **£2/-/-**

146 ——— YOUTH'S INTRODUCTION to TRADE and BUSINESS, SIXTH EDITION, Corrected, Augmented, New-Modell'd, and Considerably Improved, old calf (binding shabby) *Printed for R. Hett* . . . 1748 **£1/15/-**

147 **CLARET** (G.) MASONIC GLEANINGS, containing a DISQUISITION on the ANTIQUITY, EXTENT, COMPREHENSIVENESS, EXCELLENCE and UTILITY of FREEMASONRY [etc.], FIRST EDITION, *Printed by Br. G. Claret* . . . 1844 **£4/10/-**

CLAVEL, vide BÈGUE-CLAVEL (F. T.), ante.

148 [**CLELAND** (JOHN)] THE WAY to THINGS by WORDS, and to WORDS by THINGS; being a Sketch of an Attempt at the Retrieval of the Ancient Celtic, or Primitive Language of Europe . .; also TWO ESSAYS, the one " On the Origin of the Musical Waits at Christmas," the other " ON the REAL SECRET of the FREEMASONS; " FIRST EDITION, marbled boards, calf back, tall copy, entirely uncut, *Printed for L. Davis and C. Reymers,* 1761 **£12/12/-**

Wolfstieg, 29990.

The Essay " On the Real Secret of the Freemasons " (on pages 108 to 123) contrives to show that the Masonic Obligation was derived from the Druids.

149 [**CLEMENT** (PIERRE, de Genéve)] LES FRI-MAÇONS: HYPERDRAME, FIRST ISSUE of the FIRST EDITION, *ornamental vignette on title,* iv + 87 (verso blank) + 2 leaves " Divertissement " etc. unnumbered, wrappers, *Londres, Chez J . . . T . . . dans le Strand,* 1740 **£10/-/-**

In this issue, on the second page of the 'Divertissement' at end is a verse L'Amour reçu Fri-Maçon, the first line commencing " Charmant Amour " which in later issues was altered to " Fils de Vénus ". The alteration has been made in this copy by crossing through with a pen and adding the substituted words.

150 **CLEMENT** (PIERRE, de Genéve) Les FRI-MAÇONS: HYPERDRAME, SECOND ISSUE of the FIRST EDITION, *with a variant vignette design on title*, revised rendering " Fils de Vénus " to the first line in L'Amour reçu Fri-Maçon [iv]+76 pages, unbound, *Londres, Chez J . . . T . . . dans le Strana*, 1740 **£7/-/-**

Wolfstieg, 41900, cites these two issues with date of 1740 and another also published with imprint Londres, 1741, and suggests that the publisher in each case was Jacob Tonson but on this point John T. Thorp, who produced an English translation by R. E. Wallace James in No. iv of Masonic Reprints, disagrees and says that the imprint is probably false and more likely to have been printed on the continent. It is one of the first, perhaps the very first, of a long series of dramas, comedies, romances, and other works of fiction which were written by French and German authors during the eighteenth century, all dealing with the various phases of Freemasonry as practised or supposed to be practiced on the Continent of Europe during that period.

151 **CLÉMENTE AMITÉ LOGE, PARIS.**—LA LOGE FRANÇAISE de La CLÉMENTE AMITIÉ, O... de PARIS, à tous les maçons réguliers (Observations du 28, 12, 5826 sur la dernier circulaire du sénat maç du Févr. 1826) 20 pages, [1826] ; MÉMOIRE JUSTICATIF de la rév CHAPITRALE de la CLÉMENTE AMITÉ, dans son affaire avec de Gr. O. de FRANCE (Arrêté du 21 Nov. 1826 de se séparer du Gr. Orient) 30 pages, 1826 ; COMPLAINTE sur l'horrible CATASTROPHE de la demolition de la CLÉMENTE AMITIÉ en punition der ses forfaits épouvantables (en Vers) 4 pages, [1826] ; De L'INCOMPÉTENCE du G. O. dans L'AFFAIRE du la CLÉMENTE AMITIÉ (par le Fr LEBLANC de MARCONNAY, 9 Jan. 1827) 24 pages, 1826/27 ; together 4 items, unbound, *Paris*, 1826-7 **£3/10/-**

Kloss, 4746—4750—4751—4752.

The Lodge la Clémente Amitié in Paris, distinguished for its works and talented authors, separated itself from the Grand Orient, and on January 7th 1827 received a Constitution from the rival Supréme Conseil of the A and A Rite.

152 [**CLIFFORD** (HON. ROBERT)] APPLICATION of [the ABBE] BARRUEL'S MEMOIRS of JACOBINISM, to the SECRET SOCIETIES of IRELAND and GREAT BRITAIN, by the translator of that work, FIRST EDITION, xxii + 50 pages, sewn, 1798 **£1/10/-**

153 **COCKBURN** (HON. SIR JOHN) FREEMASONRY : WHAT, WHENCE, WHY, WITHER, [1923] **5/-**

154 **COLE** (JOHN, *P.M.*) ILLUSTRATIONS OF MASONRY ; to which is prefixed, The Funeral Service, and a Variety of other Masonic Information, FIRST ISSUE, *with stipple portrait*, contemporary sheep, the sides ornamented with gilt tooling of later date, broad gilt floral borders, centre panel with 3 masonic emblematic devices (joints cracking), *Printed at the Masonic Printing Office, No.* 18 *Fore Street, Cripplegate*, 1801 **£18/10/-**

This work was issued in a variety of forms. The first issue appears with a black and white portrait of the Author, having in the particulars printed beneath, the address of the publisher and its then published price. These copies had no other illustrations or sheets of music. The original text on pages 38 to 40 contain an account of " Jeptha's Decisive Battle over the Ephramites," suppressed in later issues.

155 ——— ANOTHER ISSUE, the portrait printed in Colours (the address of the publisher and published price omitted) ; 4 *plates, comprising the figure of a Mason formed by the materials of his Lodge, and the three Tracing Boards* ; *also* 12 *double-page engraved Songs and Music*, sheep, *ibid.*, 1801 **£14/-/-**

The sheets of music carry the imprint of the publisher's change of address, i.e., St. Agnes Circus, City Road. The letterpress formerly on pages 38 to 40 is now Substituted by a Lecture on the Working Tools taken from Hutchinson's Spirit of Masonry. This necessitated the reprinting of two leaves, pages 37 to 40.

In his article on John Cole in A.Q.C., Vol. 20, pages 6 to 14, Brother Songhurst, although pointing out that the " Illustrations of Masonry " appeared to have been issued in several forms, did not mention the suppression of the original reading on pages 38 to 40.

156 [**COLLIN DE PLANCY** (JACQUES)] JACQUEMIN le FRANC-MAÇON, Légendes des Sociétés Secrétes by JEAN de SEPTCHÊNES [pseud], TROISIEME ÉDITION, revue, augmentée et ornée de 6 gravures, hf. roan, *Paris* [1847] **18/-**

Wolfstieg, 41732.

157 **CONNAUGHT** and **STRATHEARN** (H.R.H. the DUKE of) : A LIFE and INTIMATE STUDY by MAJOR-GEN. SIR GEORGE ASTON, with the Assistance of EVELYN GRAHAM, *illus.*, 1929 **10/-**

Chapter xxviii. The Duke as a Freemason.

158 **CO MASON** (THE) afterwards the SPECULATIVE MASON : a QUARTERLY JOURNAL devoted to the INVESTIGATION of FREEMASONRY and its CONCORDANT ORDERS, Vols. 1 to 38, Jan. 1909, to Oct. 1946, 38 vols. roy. 8vo, Vols. 1 and 7 to 16 in cloth, the rest in the original parts, wrappers), 1909-46 **£18/10/-**

Vols. 1 to 5, 11, and 34 are without title-pages. The early volumes went out of print soon after publication and are now scarce. With the April number of volume 17 in 1924 the title was changed to " The Speculative Mason."

159 ——— Vols. 5 to 19 (part 1) Jan. 1913 to Jan. 1927 (wanting Vol. 5, part 2, April 1913 ; and Vol. 16, part 1, Jan. 1924), 15 vols. bound in 8, various bindings (as under), 1913-27 **£8/-/-**

Vols. 5 to 7 in 1 vol., limp red roan ; 8 to 11 in 1 vol., half blue roan ; 12 to 15 in 4 vols., publisher's cloth ; Vols. 16 to 17 in 1 vol., half black morocco ; Vols. 18 and 19, part 1, in 1 vol., half black morocco. All volumes are bound without the title-pages.

160 ——— Continuation as SPECULATIVE MASON, Vols. 18 to 34, part 3, Jan. 1926 to Oct. 1942, all (with exception of vol. 34) with Title-pages and Indexes, 17 vols. bound in 9, binders' cloth, 1926-42 **£9/10/-**

161 **COMPLETE FREE MASON** (The), or MAULTA PAUCIS for LOVERS of SECRETS, *engraved vignette title designed by Bro.* POWISS, *engraved by Bro.* LARKIN, tall copy in the original marbled boards, calf back (cracked at joints), Very Rare, *without place, printer or date*, [*ca.* 1764] **£60/-/-**

Wolfstieg, 3882 (viii) ; Vibert. Rare Books of Freemasonry, page 29.

One of the gems of Masonic literature.

The writer, whoever he was, takes an independent view of the origin of Grand Lodge. He considers that more lodges took part therein than Dr. Anderson admits. The List of Lodges in the work is somewhat similar to the engraved List by Cole put out in 1763. The "Collection of Masons Songs" with which the work concludes occupies pages 131 to 176.

162 **CONDER** (EDWARD, *Junior, Master of the Masons Company*) RECORDS of the HOLE CRAFTE and FELLOWSHIP of MASONS, with a CHRONICLE of the HISTORY of the WORSHIPFUL COMPANY of MASONS of the CITY of LONDON, collected from Official Records in the possession of the Company, the MSS. in the British Museum, the Public Record Office, the Guildhall Library, &c. *with folding frontispiece " Charter and Arms," and numerous illustrations in the text*, roy. 8vo, buckram, 1894 **£10/-/-**

One of the most important of the works giving the connection between the " Operative " and " Speculative " Masons. It gives evidence of an inner circle in the Masons company which is of great importance. Very few copies of this book now occur for sale.

163 **CONNECTICUT GRAND LODGE** PROCEEDINGS from 1915 to 1938 (except for 1922) being the 127th to the 150th ANNUAL COMMUNICATIONS, 23 vols., half roan, cloth sides, *Hartford*, 1915-38 **£8/-/-**

164 **CONSTANTINE** THE **GREAT.**—THE LIFE OF CONSTANTINE, in Four Books, written in Greek by EUSEBIUS PAMPHILUS, done into English from that edition which was Printed in Paris in 1659 and as printed in the Second English Edition of London 1709, *with* 9 *plates* (*including* 6 *portraits of Masonic Celebrities*), 1874 **£1/10/-**

To this edition is added a Prefatory Note by Robert Wentworth Little, Grand Treasurer of the Masonic Order of Constantine, and a Preface to the translation by A. F. A. Woodford.

165 **CONSTANTINE ORDER OF ST. GEORGE** (IMPERIAL), in Two Parts : (1) A REVIEW of MODERN IMPOSTURES, (2) A SKETCH of its TRUE HISTORY ; by his Imperial Highness the PRINCE RHODOCANAKIS, *with* 2 *plates*, 32 pages, 4to, wrappers, 1870 **18/-**

166 **CONSTITUTIONS.**—COX (REV. JOHN EDMUND) The OLD CONSTITUTIONS belonging to the ANCIENT and HONOURABLE SOCIETY of FREE and ACCEPTED MASONS of ENGLAND and IRELAND, Four Reprints of the FIRST EDITIONS published in London, 1722; 1723; MS. 1726; Dublin, 1730; *with* 2 *frontispieces reproduced in facsmile by the Woodbury process, and facsimile woodcuts*, 1871 **£1/5/-**

The originals of These Constitutions are respectively known as the " Roberts," " Anderson," " Cole," and " Pennell " Constitutions.

CONSTITUTIONS ARRANGED ACCORDING TO JURISDICTION.

(See also OLD CHARGES, ante).

'ANTIENTS' OR ATHOLL GRAND LODGE

(in CHRONOLOGICAL ORDER).

167 **DERMOTT** (LAURENCE) AHIMAN REZON, or a Help to all that are (or would be) Free and Accepted Masons, containing the Quintessence of all that has been Publish'd on the Subject of Free Masonry, with many additions, which renders this work more Usefull, than any other Book of Constitutions, now extant, SECOND EDITION, *engraved title and frontispiece* containing the Arms of the Fraternity and of the Operative Stone Masons, modern half calf, *Printed for the Author and Sold by Br. Robert Black*, 1764 **£25/-/-**

Wolfstieg, 20442 (ii).

This edition is almost as rare as the first edition of 1756. It is the first to have the frontispiece containing the Arms of the Grand Lodge.

168 ——— ANOTHER COPY, somewhat shorter and wanting the engraved frontispiece, old calf rebacked, *ibid.*, 1764 **£12/-/-**

169 ——— THIRD EDITION, with many additions, with a new frontispiece being a design of a prostyle temple of the Doric order, with figures representing the three great masters of the tabernacle in the wilderness, and engraved dedicatory plate to John, third Duke, Marquis and Earl of Atholl, contemp. calf, rebacked, *Printed for James Jones, Grand Secretary ; and Sold by Peter Shatwell*, 1778 **£15/-/-**

In all probability it was intended to issue this edition earlier ; the Dedication to the 3rd Earl of Atholl who was Grand Master 1771 to 1774 seems to support this.

170 ——— [FOURTH EDITION], *engraved frontispiece* (tear in inner blank margin of title), old rebacked calf, *Printed for the Benefit of the General Charity, and sold by Brother John Feakins, Grand Treasurer, Earl-Street, Blackfriars*, 1787 **£18/-/-**

This edition is even rarer than the third edition of 1778. It is virtually the sheets of the former edition with a new title-page. The engraved Dedicatory plate is omitted, a new Dedication being printed on verso of title and the Explanation of the Frontispiece is re-set with a footnote respecting Lord Viscount Dunluce . . . now (1787) Earl of Antrim, &c. and Grand Master of the Ancient Craft in England. The List of Errata has been corrected.

Whilst Dermott's name as Deputy Grand Master is retained on title-page he had surrendered his proprietory rights of publication to the Grand Lodge.

171 **AHIMAN REZON.**—The CONSTITUTION of FREEMASONRY ; or AHIMAN REZON : to which is added a Selection of Masonic Songs, Prologues and Epilogues, and an Oratorio entitled Solomon's Temple ; [SIXTH EDITION], Revised, Corrected, and Improved, with Additions, from the Original of the late LAWRENCE (sic) DERMOTT, by THOMAS HARPER, Deputy Grand-Master, *engraved frontispiece*, also the engraved Dedication to John, 4th Duke, Marquis and Earl of Atholl, old red morocco (repaired at joints, re-cased). *Printed by T. Burton*, 1801 **£8/15/-**

Virtually a re-issue of the Fifth Edition of 1800 with a redrawn frontispiece having some slight alterations.

172 ——— SEVENTH EDITION, revised and corrected [the third of the Editions issued by THOMAS HARPER, D.G.M., and the First to contain a LIST of LODGES] *engraved frontispiece and Dedication*, old calf, rebacked, *Printed by Brother T. Harper, Jun. . . . For the Editor*, 1807 **£5/15/-**

This is the first of the editions since the Third to have the number of the edition on the title-page. The frontispiece remains unchanged, but its 'Explanation' has been reworded. The Dedication is unchanged, but the Atholl Arms at its head have been re-engraved and slightly altered. A thorough revision has taken place in the General Regulations. The List of Lodges, 16 pages has separate title and pagination.

173 ——— EIGHTH EDITION, revised and corrected with considerable additions . . . by THOMAS HARPER, *engraved frontispiece and Dedication*, neatly rebound in old style sheep, *ibid.*, 1813 **£5/10/-**

This is the last edition of the Antients' Constitutions. Intended for publication in 1812, it was not ready until February 1813, the same year in which the Union with the Moderns Grand Lodge took place. The List of Lodges, 16 pages with separate title and pagination is extended from the former No. 339 to No. 354 Tenth Battalion Royal Artillery, Cape of Good Hope.

(in Chronological Order)

174 **PENNELL** (J.) The Constitutions of the Freemasons. Containing the History, Charges, Regulations, &c. of that Most Ancient and Right Worshipful Fraternity . . . *Dublin, In the Year of Masonry* 5730 A.D. 1730. *Reprinted for Richard Spencer*, 1870 **15/-**

175 **SPRATT** (Edward) The New Book of Constitutions of the Most Ancient and Honourable Fraternity of Free and Accepted Masons, containing their History, Charges, Regulations, &c. Also Some Rules to be observed by the Committee of Charity, not published before; together with a Choice Collection of Mason's Songs (separately paged); Published by the Order, and with the Sanction of the Grand Lodge, Collected from the Book of Constitutions published in England, in the year 1738 by James Anderson, for the Use of the Lodges in Ireland, (wanting the engraved frontispiece but having a modern facsimile in place), contemp. calf, *Dublin, Printed by J. Butler, on Cork Hill, for the Editor*, 1751 **£21/-/-**

Wolfstieg, 20415 (iv)

This is the Second Irish Constitutions, the first edition of which was edited by J. Pennell in 1730. Whilst based upon Anderson's New Book of Constitutions of 1738 the Code of Laws was adapted for Irish use.

In the 1751 edition, which is almost as rare as the earlier edition, the Grand Secretary's name: Edward Spratt is given but Pennell's name is omitted.

Apart from the missing frontispiece the above is a very good copy with the Dedication to Lord Kingsborough G.M. of Ireland, 8 pp., List of Subscribers 4 pp., and the 40 pages of songs free from the usual thumbing.

176 **DERMOTT** (Laurence) Ahiman Rezon: or a Help to a Brother, shewing the Excellence of Secrecy, and the first cause of the Institution of Free-Masonry . . . The Old and New Regulations . . . Collection of Masons Songs [etc.] Fifth Edition [the Rare First Belfast Edition], modern boards, cloth back (some pages soiled and cut close) *Belfast: Printed for the Editor*, 1782 **£6/15/-**

From Spratt's edition of 1751 until Downes authorised edition of 1804 the Grand Lodge of Ireland used no authorised editions of the Book of Constitutions. The Craft in Ireland during that period used Dublin or Belfast reprints of the successive editions of Dermott's Ahiman Rezon as their text-book, supplemented by the Regulations of 1768. The reason was probably because Dermott's original code of Laws was based on Spratt's Irish version.

The enumeration of the edition stated on title-pages of these Irish editions is in some cases fictitious.

177 **FRATIMONIUM EXCELSUM,** a New Ahiman Rezon: or a Help to a Brother, . . . shewing the Excellency of Secrecy; and the first Cause of the Institution of Freemasonry [etc.]; The Ancient Manner of Constituting new Lodges, with all the Charges, &c., likewise the Prayers used in Jewish and Christian Lodges; also the Old and New Regulations, . . . with a List of all the Masters and Wardens of the different Lodges in Dublin, By a Worthy Brother, *with the folding engraved frontispiece* seldom found in copies of this edition, contemp. sheep, joints cracked, *Dublin: Printed for all the Lodges in England, Ireland, and America, and sold by Thomas Wilkinson* [1790] **£12/12/-**

If we omit from the enumeration the undiscovered Second and Third Dublin editions of Ahiman Rezon, this is the Seventh of the Irish, and Fifth of the Dublin editions. Its contents have been copied mainly from the Belfast edition of 1782 and not from the previous Dublin edition.

178 —— Another Copy, wanting the frontispiece, boards, cloth back, uncut, *ibid.*, [1790] **£7/-/-**

Wolfstieg, 29991.

179 **AHIMAN REZON**; or a Help to a Brother, collected from the Best Editions Extant; to which is added, the Choicest Collection of Miscellaneous Matter ever before published [Incorporating a reprint of Stephen Jones' Masonic Miscellanies, in Poetry and Prose, with separate title and pagination, dated 1800, the engraved frontispiece to which preceeds the General Title], contemp. sheep (joints weak; name cut away from top blank margin of title), *Dublin: Printed by Brother Joseph Hill*, 1803 **£6/15/-**

180 —— Another Copy, some waterstains and wanting the frontispiece, rebound calf, gilt back, m.e., *ibid.*, 1803 **£4/10/-**

This is mainly based upon the Dublin edition of 1780 but the Irish Regulations of 1768 are brought up to date. The Songs were omitted as many of them are given in Jones' Masonic Miscellanies, the inclusion of which (being a Modern's publication) made this edition of Ahiman Rezon objectionable to the Grand Lodge of Ireland and resulted in the sanctioned Downes' edition of 1804.

181 **DOWNES** (CHARLES) The CONSTITUTION of FREE-MASONRY, or AHIMAN REZON; to which is added a Selection of Masonic Songs, Prologues and Epilogues, and an Oratorio, entitled, Soloman's Temple, published by permission of the Grand Lodge of Ireland, SECOND EDITION, revised, corrected and improved, with Additions, xii + 220 pages, *Dublin, printed by Brother C. Downes, P.M.* 141 (*Printer to the Grand Lodge of Ireland*), 1807—HOLDEN (S.) A SELECTION of MASONIC SONGS, &c., arranged with Choruses in Parts [Words and Music]. title + 100 pages, *engraved throughout, Dublin, printed by S. Holden* [*ca.* 1802]—LIST of LODGES . . . held under the sanction of the Right Worshipful GRAND LODGE of IRELAND, arranged numerically and Alphabetically according to their respective Counties; also a LIST of MILITARY WARRANTS . . . and a LIST of LODGES held under the SANCTION of the GRAND LODGE of ENGLAND (according to the Old Constitutions, &c.), SCOTLAND, AMERICA, the EAST and WEST INDIES, LIST of OFFICERS of the GRAND LODGE of ENGLAND, INDEX, &c., 67 pages, *Dublin*, 1804—the 3 items in one vol., XIXth cent. calf gilt (restored at joints), *Dublin*, 1802-07 **£12/-/-**

The list of lodges was not published with the second or third editions of Downes' Constitutions, but is added from the first edtiion of 1804.

Holden's songs is also a distinct publication.

Pertinent portions of Downes' second edition of the Ahiman Rezon are reproduced in Crawleys Caementaria Hibernica, Part 3, in which the writer says: "Thus Bro. C. Downes' Second Edition remains the last authoritative utterance of the days when the Grand Lodge of Ireland found itself compelled to refuse admission to Modern Masons."

182 ——— THIRD EDITION, Revised, Corrected and Improved, with Additions, contemp. calf (sprung in sewing) *ibid., Printed by Brother C. Downes* (*P.M.* 141) *Whitefriars-Street*, (*Printer to the R.W. the Grand Lodge of Ireland*) 1817 **£5/15/-**

183 ——— FOURTH EDITION, Revised, Corrected and Improved, with Additions, old calf (text a little thumbed), *ibid., Imprint as before but having added thereto: Sold by William F. Graham and Son, . . .* 1820 **£5/5/-**

Wolfstieg does not appear to have seen or examined Downes' editions.

An interesting association copy, inscribed on the half-title: St. Patrick's Lodge, Newry, No. 77 May 8th 18—; lettered in gilt on upper cover Saint Patrick's Lodge, Newry, No. 77.

"MODERNS" GRAND LODGE CONSTITUTIONS.

Pre Union.

DR. WILLIAM DODD'S COPY?

184 [**ANDERSON** (JAMES)] The CONSTITUTIONS of the FREE-MASONS. The RARE FIRST EDITION, with the engraved frontispiece by JOHN PINE, waterstained throughout, 4to, original panelled calf, neatly rebacked, *Printed by William Hunter, for John Senex . . . and John Hooke . . .* 1723 [SOLD]

An interesting full-page MS. note in a late XVIIIth century hand, on fly leaf suggests that this copy once belonged to Dr. William Dodd (Grand Chaplain in 1776).

A bookplate which may well have been that of Dr. Dodd has been cut out from the inside front cover.

The book evidently passed in turn to two other owners: George Chapman George of Clements Inn [Deputy G.M. Province of Cornwall] whose bookplate is pasted on verso of the half-title and again on inside front cover along with that of Mr. John Toms Stanton.

On the title-page, on either side of the printer's ornament, is a MS. key to the eight celebrities depicted in the foreground of the engraved frontispiece. Some MS. stanzas alluding to the Royal Arch have been added at foot of the Master's and Warden's Songs, also the verse complimentary to the Ladies in the E.A's Song. Several blank leaves of old paper have been bound in at the end of the volume for notes; the first four being occupied by copies of official forms: Petition to the Committee of Charity; Petition for a Constitution; Copy of Dispensation to certain Brothers authorizing them to form the Lodge of the Three Grand Principles, at the Golden Lion, Market Street, Penryn, Cornwall—Warranted 21st April, 1799. Signed by George C. George, Dep. G.M. for Cornwall.

185 ——— ANOTHER COPY, FIRST EDITION, interleaved throughout, wanting the engraved frontispiece but having a reduced photographic reproduction inserted, old rebacked calf, *ibid.*, 1723 **£17/17/-**

" Moderns " Grand Lodge Constitutions—*continued.*

186 [ANDERSON (JAMES)] The CONSTITUTIONS of FREEMASONS, 1723, reproduced in facsimile from the original edition, with an Introduction by LIONEL VIBERT, I.C.S. (Rtd.), Past Master of the Lodge of the Quatuor Coronati, and a Foreword by E. H. DRING, 4to, half canvas, *out of print*, 1923 £2/10/-

Even though one may possess the original edition of 1723, this facsimile should be obtained for the important introduction (46 pages), which is prefixed.

187 ——— REPRINT of the FIRST EDITION of ANDERSON'S CONSTITUTIONS of 1723 and of the WILSON MS. Constitution [subsequently proved to be PHILLIPPS No. 2 MS. of the second half of the 17th Century] Edited by the Rev. A. F. A. WOODFORD; Kenning's Archaeological Library, 4to, 1888 £1/5/-

188 ——— AMERICAN REPRINT of the FIRST EDITION of ANDERSON'S CONSTITUTIONS of 1723, edited with Analytical Indexes prepared by ALBERT G. MACKEY, fcap. 8vo, *New York*, 1859 18/-

189 ——— REPRODUCTION of the CONSTITUTIONS of the FREE-MASONS or ANDERSON'S CONSTITUTIONS of 1723 in ENGLISH and FRENCH on parallel pages [The Translation into French; and the Forword and Introduction, also in French and English (42 pages) by MAURICE PAILLARD], 4to, calf with gilt panel on sides, in imitation of the contemporary binding style of the original constitutions, 1952 £6/10/-

Limited to 1000 copies.

190 ——— CONSTITUTIONEN-BUCH der ALTEN EHRWURDIGEN BRÜDERSCHAFT de FREY-MAURER, Worin die Geschichte, Pfüchten, Reguln u. derselben auf Besehl der Grossen Loge, aüs ihren alten Urkunden, glaubwurdigen Traditionen und Loge-Buchern, zum Gebrauch der Logen verfasset worden, von JACOB ANDERSON, D.D. aus dem Englischen ubersetzt, DRITTE vermehrte AUFLAGE. *Folding plate and* 6 *folding tables* [with APPENDIX, separate title and pagination] 2 vols. in one, sm. 8vo, boards, *Franckfurt am Mayn: Andrea*, 1762 £10/10/-

Wolfstieg, 20416 (vii); Kloss, 139

A Rare German edition of Anderson's Constitutions from the text of the Second Edition of 1738.

191 ——— [THIRD EDITION]—THE HISTORY and CONSTITUTIONS of the MOST ANCIENT and HONOURABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS: containing An Account of Masonry . . to the present Time [etc.], sm. 4to, contemporary calf (joints weak), *Printed and Sold by J. Robinson* . . . 1746 £12/10/-

This is a re-issue of the Second Edition, the same sheets being used, a new title only being substituted. Small paper copies of the Second and Third Editions were issued without the frontispiece. Has the " Sanction " and " Corrigenda " leaves. It is certainly rarer than the small paper 1738 edition: Hughan traced only 19 copies known to be in Libraries and Private collections.

192 ——— LARGE PAPER COPY, *wanting the frontispiece*, 4to, contemporary red roan, *ibid.*, 1746 £18/-/-

193 ——— ANOTHER COPY, LARGE PAPER, having both the SECOND and THIRD EDITION TITLE-PAGES (name in ink on upper blank margin of the latter; some stains; and, as usual, without the frontispiece), 4to, old rebacked calf, *ibid.* [1738]-1746 £24/-/-

Two blank leaves, apparently for MS. additions, have been inserted before the songs.

On flyleaf is an early note written by Ralph Robson (probably Master of a Lodge) requesting the return of a copy of ' Ahiman Rezon ' bearing the name of John Taylor on the book.

194 ——— [ENTICK'S FIRST EDITION] CONSTITUTIONS of the ANCIENT and HONOURABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS, . . . carefully revised, Continued and enlarged, with many additions by JOHN ENTICK, *engraved frontispiece by* BOITARD *after* COLE, 4to, contemporary calf, rebacked, *Printed for Brother J. Scott*, 1756 £12/-/-

195 ——— ANOTHER COPY, shorter in size, washed throughout by the Binder, old calf, neatly rebacked, *ibid.*, 1756 £7/10/-

The title-page laid down to strengthen; some slight waterstains.

Entick used the enlarged History that Anderson had written for his 1738 edition but the Regulations were entirely recast. This is the first of the Constitutions to contain a List of Regular Lodges.

WITH THE RARE APPENDIX.

196 **ANDERSON** (JAMES) CONSTITUTIONS [ENTICK'S SECOND EDITION], NEW EDITION, with Alterations and Additions, by a Committee appointed by the Grand Lodge, with engraved frontispiece by BOITARD, also the EXTREMELY RARE APPENDIX [compiled by WILLIAM PRESTON], LXXVI pages, dated 1776, in one volume, 4to, contemp. calf, neatly rebacked, *Printed for Brother W. Johnston*, 1767-[1776] **£35/-/-**

The Appendix is in its original state before the references to the Rev. William Dodd, Grand Chaplain was erased by pen as were all copies sold later than the current year. Small tear in the top blank margin of one leaf repaired.

197 ——— [UNAUTHORISED ISSUE of the FOURTH EDITION], NEW EDITION, carefully revised and continued to the Present Time, 8vo, contemp. calf, neatly rebacked, *Printed for G. Kearsly*, 1769 **£14/-/-**

Although bearing Anderson's name on the title he had nothing to do with it.

This is a word for word reprint of Entick's second edition of 1767 ; to which has been added : an appendix continuing the historic incidents relative to the Fraternity of Masons, from 1767 up to the Grand Feast, held by His Grace, Henry, Duke of Beaufort, Grand Master . . . on Friday, the 5th of May, 1769.

It was in all probability the appearance of this rival to the recognized constitutions that caused the delay between the production of Entick's Second Edition of 1767 and Noorthouck's First Edition of 1784, and necessitated Prestons' Appendix of 1776 to the 1767 Constitutions as a temporary measure. Copies of the unauthorised edition are now seldom met with.

198 ——— [NOORTHOUCK'S FIRST EDITION], a NEW EDITION, revised, enlarged, and brought down to the year 1784, under the direction of the Hall Committee, by JOHN NOORTHOUCK, [with Abstract of the Laws relating to the General Fund of Charity (4 pages) ; *also the fine engraved frontispiece after* CIPRIANI *and* SANDBY *by* BARTOLOZZI (*dated* 1786)], 4to, tall copy, contemp. undressed panelled calf, old but neat reback, *ibid.*, 1784 **£9/-/-**

The first authorised Constitution to have an index.

With regard to this edition it should be noted that most copies are without the Abstract of the Laws relating to the General Fund of Charity.

The frontispiece rightly belongs to the re-issue of 1786, for although the 1784 edition has a leaf " Explanation of the Frontispiece," the engraving was not ready until two years later. The book then had a new title-page, dated 1786, substituted, and the engraving inserted.

POST-UNION CONSTITUTIONS.

199 **CONSTITUTIONS** [SEVENTH EDITION], PART the SECOND [all published] containing the Charges, Regulations &c. published by the Authority of the United Grand Lodge, by WILLIAM WILLIAMS, Prov. G.M. for the County of Dorset, **The Genuine First Edition** with the Sanction Leaf dated December 12th, 1815 (some very slight stains ; top outer blank corners of the last five leaves repaired) 4to, rebound cloth, fore and lower edges entirely uncut, *Printed by W. P. Norris*, 1815 **£21/-/-**

The first constitutions issued by the United Grand Lodge subsequent to the Union of 1813.

Notwithstanding the fact that the Introductory note states that " The First Part, containing the History of Masonry from the earliest period to the end of the year 1815 . . . will be printed with as little delay as possible," the " History " was never published.

200 ——— SECOND ISSUE of the SEVENTH EDITION, with the Original Title-page and Sanction leaf both dated 1815, but with the addition of a leaf : " Preface to the Corrected Edition," dated Feb. 1819 and some parts of text revised, necessitating substitute pages for the cancellations, 4to, orig. boards, entirely uncut (spine renovated with a different material) *ibid.*, 1815 [1819] **£5/15/-**

Copies of this issue are sometimes found with the distinguishing leaf of Preface removed making it appear to be the rare 1815 edition.

201 ——— The EXTREMELY RARE SIXTEENTH and FIRST POCKET EDITION, published by the Authority of the United Grand Lodge, by WILLIAM GRAY CLARKE, as Grand Secretary, 12mo, orig. cloth, *Printed by Ford and Tilt*, 32 *Long Acre, W.C.*, 1865 **£10/-/-**

Vibert, Rare Books of Freemasonry, says : " This is so rare that its very existence was doubted until quite recently, and it is only within the last year [i.e. 1922] that Grand Lodge has become possessed of a copy.

202 ——— [THIRTY-SIXTH EDITION], *frontispiece and* 69 *illus. on either side of* 18 *plates*, (with Amendment Slips to Dec. 1954 inserted), 1940 **15/-**

AMERICAN CONSTITUTIONS.

Octavo Editions

203 **IOWA GRAND LODGE.**—The CONSTITUTION and CODE [6th Edition]; to which are added the "Charges of a Freemason," prepared and annotated by CHARLES T. GRANGER, *Iowa*, 1915 **12/6**

204 **NEW YORK.**—THE TRUE AHIMAN REZON: or a HELP to all that are, or would be FREE and ACCEPTED MASONS, with many additions, THE FIRST AMERICAN from the THIRD LONDON EDITION [of 1778] by LAU. DERMOTT [to which is appended]: The CONSTITUTIONS of the ANCIENT and HONORABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS in the STATE of NEW YORK; collected and digested by Order of the Grand Lodge (separate title, pagination, and Signatures); *engraved frontispiece*, contemporary calf, rebacked, *New York: Printed by Southwick & Hardcastle*, 1805 **£10/10/-**

A good tall copy of this scarce edition.

THE FIRST OF THE AMERICAN EDITIONS.

205 **PENNSYLVANIA.**—AHIMAN REZON ABRIDGED and DIGESTED: as a Help to all that are, or would be Free and Accepted Masons. To which is added a SERMON preached in Christ-Church, Philadelphia, at a General Communication, Celebrated, agreeable to the Constitutions on Monday, December 28th, 1778, as the Anniversary of St. John the Evangelist. Published by Order of the GRAND LODGE of PENNSYLVANIA, by WILLIAM SMITH, D.D. (*without the frontispiece: some slight waterstains*), contemporary sheep, *Philadelphia: Printed by Hall and Sellers*, 1783 **£12/10/-**

A rare edition. The text of this edition is derived from the English second edition of Dermott, 1764, and is dedicated to General George Washington. An interesting account of this edition, together with facsimiles is given in Barratt and Sachse, "Freemasonry in Pennsylvania, 1727-1907," Vol. 2, pages 4 to 11.

206 ——: The AHIMAN REZON, Containing a View of the History and Polity of Free Masonry: together with RULES and REGULATIONS of the GRAND LODGE, and of the GRAND ROYAL ARCH CHAPTER of PENNSYLVANIA, compiled for the GRAND LODGE (title and some pages foxed), contemp. red straight-grained morocco gilt, m.e., *Philadelphia, Printed for the Grand Lodge of Pennsylvania*, 1825 **£4/10/-**

Some copies have a portrait of Joseph Chandler, the editor, but it is absent from this copy.

It was compiled for the Grand Lodge by a Committee comprising the Grand Master, James Harper; the Past Grand Master, Joseph Randall; and Thomas Gordon. Issued under the authority of Samuel H. Thomas, Grand Secretary.

207 **WASHINGTON GRAND LODGE.**—WASHINGTON MASONIC CODE 1930. The Code of Laws in force June 20th 1929, Annotated from 1858 to 1929 inclusive. Compiled and Edited by W. H. GORHAM, *Washington*, 1930 **10/-**

208 —— SECOND EDITION, Annotated to 1931 inclusive, *ibid.*, 1932 **15/-**

---

209 **COOPER-OAKLEY** (ISABEL) TRACES of a HIDDEN TRADITION in MASONRY and MEDIAEVAL MYSTICISM: Five Essays, 1900 **£1/5/-**

An essential book for those desiring light on the subject of the transmission of the occult teachings.

210 **COPIN-ALBANCELLI** (?) Le DRAME MAÇONNIQUE: La Conjuration Juive contre le Monde Chrétien, TREIZIEME ÉDITION, wrappers, *Paris*, 1909 **10/-**

211 **COSGRAVE** (E. MACDOWEL) and **ROWLAND** (T. B.) CHESS with LIVING PIECES: The DUBLIN CLUB of LIVING CHESS at the MASONIC F.O.S. CENTENARY FETE, *illus.*, *Dublin* [1892] **10/-**

212 **COULTON** (G. G.) SOCIAL LIFE in BRITAIN from the Conquest to the Reformation, *with frontispiece*, *Cambridge*, 1918 **£2/5/-**

Section XIII Architecture and the Arts, pages 481 to 491, includes: Masonic Legend and Fact; York Cathedral Masons; Wyclif on Freemasonry; Freemasons and Trade-Unionism.

213 [**COURET DE VILLENEUVE** (MARTIN)] L'ECOLE des FRANCS-MAÇONS, PREMIERE ÉDITION, *engraved frontispiece*, vignette on title, modern boards, leather label, Jerusalem (*Paris*) 1748 **£3/15/-**

214 —— ANOTHER COPY, bound with [ANONYMOUS] RECUEIL de POËSIES MAÇONNES, PREMIERE ÉDITION, vignette on title, *ibid.*, 1748; in one volume, contemp. mottled calf, gilt back, 1748 **£6/6/-**

Wolfstieg 925 and 39696 respectively.

215 **COUSTOS** (JOHN) THE SUFFERINGS of, for FREE-MASONRY, and for His refusing to turn Roman Catholic, in the INQUISITION at LISBON; . . . To which is annex'd The Origin of the Inquisition . . . [with a Prefatory Discourse on Occasion of the Present Rebellion, by the Editor], FIRST EDITION, *portrait of Coustos (nearly always missing) and* 3 *engraved folding plates of tortures, engraved by Boitard,* contemporary calf (rebacked; very small portion of lower blank corner of title-page torn away), *Printed by W. Strahan, for the Author,* 1746 £8/15/-

216 ——— ANOTHER COPY, lacks portrait and blank fore-margin of one plate defective, shabby half calf, *ibid.,* 1746 £5/15/-

Wolfstieg, 14566.

217 ——— ANOTHER EDITION [with title:] FREE-MASONRY—UNPARALLELED SUFFERINGS of JOHN COUSTOS, who nine times underwent the most Cruel Tortures ever invented by Man . . . in order to extort from him the SECRETS of FREE-MASONRY, the engraved folding portrait of Coustos in this edition shewing him in Masonic regalia, and having in addition to the 3 plates of tortures, three other plates not in the former edition, contemp. calf, *Birmingham, Printed by M. Swinney, for J. Sketchley . . .* [1790] £12/-/-

Wolfstieg 14566 (iii).

A much rarer edition than the first of London 1746.

To this edition has been added Sermons and Orations, and List of Regular Chapters of the Royal Arch, held under the Constitutions from the Grand and Royal Chapter, with their Places and Times of Meeting.

218 **COVEY-CRUMP** (REV. W. W.) THE HIRAMIC TRADITION, a Survey of Hypotheses concerning it [1937] 7/6

219 **COWLISHAW** (WILLIAM) The MASONIC TREATY between the UNITED GRAND LODGE of ENGLAND and the SUPREME COUNCIL of the ARGENTINE REPUBLIC, lambskin, [*Buenos Aires*], 1937 10/-

220 ——— NOTES on the HISTORY of the DISTRICT GRAND LODGE of SOUTH AMERICA (SOUTHERN DIVISION), *ibid.,* 1931 10/-

221 **COXE** (PETER) To SIR JOHN SOANE, Royal Academician; Professor of Architecture to the Royal Academy: Architect to the Bank of England; . . . GRAND SUPERINTENDENT of the WORKS of the UNITED FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS of ENGLAND . . . the following lines are addressed, by his Sincerely Respectful Friend [POEM on the HONOUR of KNIGHTHOOD having been conferred upon SIR JOHN SOANE], 16 pages, old calf (rebacked), 1832 £1/10/-

222 **CROSS** (JEREMY L.) THE TRUE MASONIC CHART, or HIEROGLYPHICAL MONITOR; containing all the Emblems explained . . . ; to which are added Illustrations, Charges, Songs, &c., with additions and emendations; also a HISTORY of FREE MASONRY, by a BROTHER, *frontispiece and* 53 *pages of illus.,* amateur rebinding half roan, *New York,* 1859 18/-

223 **CRUIKSHANK** (JAMES) SKETCH OF THE INCORPORATION OF MASONS; AND THE LODGE OF GLASGOW ST. JOHN: With much curious and useful information regarding the Trades' House, etc., *Glasgow,* 1879 £1/5/-

224 **CUNHA-BELLEM** (A. M. DA) Le FRANC-MAÇON; Drame en Quatre Actes . . . traduit de Portugais, par le Capitaine ERNEST SEGUIN, 86 pages, wrappers, *Dieppe,* 1879 15/-

Wolfstieg, Supp. 10642.

225 **CUNNINGHAM** (JOHN) POEMS, chiefly Pastoral, FIRST LONDON EDITION, *frontispiece engraved by* ISAAC TAYLOR, calf gilt, m.e., *Printed for the Author: and sold by J. Dodsley, . . . J. Almon [&c.],* 1766 £2/15/-

226 ——— ANOTHER COPY, having 2 *portraits* and some newscuttings relating to the Poet, inserted, contemp. calf, rebacked, *ibid.,* 1766 £3/5/-

This edition was printed simultaneously at Newcastle, 1766. In the Second Edition of 1771 twenty-six pieces were omitted.

Contains "An Eulogium on Masonry, spoke by Mr. Diggs, at Edinburgh," pages 159-160. It consists of five verses, commencing "Hail sacred Masonry, of source divine."

A revised version of this appeared as Ode I. in Preston's Illustrations of Masonry [Fourth Edition], 1781.

227 ——— POETICAL WORKS, BELL'S EDITION of the BRITISH POETS, *with portrait and engraved title,* 12mo., contemporary morocco, *Edinburgh: Apollo Press,* 1781 15/-

The "Eulogium" and "a Petition to the Worshipful Free Masons" occur on pages 74 and 79 respectively.

228 **DA COSTA** (Hippolyto Joseph): A Narrative of the Persecution of H. J. Da Costa Pereira Furtado de Mendonca, a native of Coloniado-Sacramento, on the River La Plata; Imprisoned and Tried in Lisbon, by the Inquisition, for the Pretended Crime of Freemasonry; to which are added, the Bye-Laws of the Inquisition of Lisbon, both Ancient and Modern (never before published), *portrait*, 2 vols, contemporary half calf, 1811 **£6/15/-**

Small library stamp on titles but a good copy. Wolfstieg, 14600; Kloss, 3179.

229 **DAKEYNE** (Rev. J. Osmond) Freemasonry: A Sermon preached in the Parish Church of St. Martin, Lincoln, on Thursday, August 31st, 1843 before the Provincial Grand Lodge . . . Lincolnshire, 38 pages, unbound, 1843 **15/-**

230 **DALCHO** (Frederick) Orations of the Illustrious Brother, reprinted by permission of the Author under the sanction of the . . . College of Knights of K.H., and the Original Chapter of Prince Masons of Ireland [with Anthems, performed in the Grand Lodge of South Caroline, 1807], First Edition, *vignette title*, modern boards, *entirely uncut* (some stains), *Dublin*, 1808 **£8/15/-**

Wolfstieg, 1045.

These orations were delivered at Charleston, South Carolina, in 1801 and 1803.

The leaf containing a list of members of the Illustrious College of the Knights of K.H., and of the original chapter of Prince Masons, is in the first state. In most copies this leaf has been revised and is dated 1817 at foot.

231 **DALLAWAY** (Rev. James) A Series of Discourses upon Architecture in England from the Norman Æra to the Close of the Reign of Queen Elizabeth, with an Appendix of Notes and Illustrations and An Historical Account of Master and Free Masons, roy. 8vo, 1833 **£1/-/-**

232 [**DARMAING** (Jean Baptiste)] La Nouvelle Tour D'Ugolin et les Catacombes, ou Les Francs-Maçons Vengés; . . . . . Précédé d'un Epitre dédicatoire aux Dames, du Secret dévoilé, de L'Histoire d'un Grand homme, et d'anecdotes curieuses; Par Jean qui Pleure et qui Rit, recovered in plain black cloth, *Paris*, 1821 **£1/15/-**

Wolfstieg, 41664; Kloss, 3994.

233 **DARUTY** (J. Emile) Recherches sur Le Rite Ecossais Ancien [et] Accepte; Precedes d'un Historique de l'Origine et l'Introduction de la Franc-Maçonnerie en Angleterre, en Ecosse et en France, roy. 8vo, wrappers (back wrappers missing; sewing loose), *Paris*, 1879 **£1/15/-**

Wolfstieg, 35752.

234 **DAVIES** (J. J.) Hand Book of District Grand Lodge of the Punjab; With Proceedings of District Grand Lodge and District Grand Chapter, and A Short Account of the Punjab Masonic Institution, *Lahore*, [*ca.* 1888] **10/6**

235 **DAYNES** (Gilbert W.) The Birth and Growth of the Grand Lodge of England, 1717-1926, *illus.*, 1926 **10/6**

236 —— The Untrodden Paths of Masonic Research, 1924 **5/-**

237 [**D'CRUZ** (Andrew)] The History of Free-Masonry in Bengal, from the Period of its Introduction in the Province, about 1728, to the date of the Constitution of the present District Grand Lodge of Bengal, in 1840; compiled chiefly from original MSS. and Records, half calf, *Calcutta*, 1866 **£2/2/-**

Author's presentation inscription on fly-leaf.

238 **DE LALANDE** [or Delalande] (Joseph Jérome, one of the Founders of the Grand Orient de France) Abrégé de L'Histoire de la Franche-Maçonnerie, précédée et suivie de quelques Pieces en Vers & en Prose, & d'Anecdotes qui la concerne; D'un Essai sur les Mysteres et le Véritable Objet de la Confrérie des Francs-Maçons, auquel on a joint un Recueil Complet des Chansons . . . Rédigé par Un Membre de cet Ordre, contemporary French mottled calf, gilt back, *Londres, et se trouve a Lausanne, chez François Grasset & Comp*, 1779 **£3/10/-**

Wolfstieg, 3892.

239 —— Another Edition, wrappers, *ibid*, 1783 **£2/10/-**

Wolfstieg, 3892 (ii); Kloss, 2819.

This Abrégé is practically a literatim reprint of Lalande's article "Francs-Maçons" in the third volume of the Supplement to the Grande Encyclopaedie, published in 1777 but with additional matter, including a reference to the initiation of Voltaire.

240 [DE L'AULNAYE (FRANÇOIS H. S.)] THUILEUR des TRENTE-TROIS DEGRÉS de L'ÉCOSSISME du Rit Ancien, dit Accepté ; NOUVELLE ÉDITION, corrigée et augmentée, *frontispiece and* 20 *plates* (*some waterstains*), wrappers, uncut, *Paris*, 1821 **£3/15/-**

Kloss, 1992.

241 **DENSLOW** (RAY. V.) FREEMASONRY and the PRESIDENCY, U.S.A. [from Washington to the "Anti-Mason" John Quincy Adams ; together with Notes on later Presidents], *illus.*, *Trenton, Missouri*, 1952 **£1/10/-**

242 ——— FREEMASONRY in the EASTERN HEMISPHERE [Gt. Britain and countries in Scandinavia, Europe, the Near and Far East and Australasia], *illus.*, *ibid*, 1954 **£1/10/-**

243 ——— FREEMASONRY in the WESTERN HEMISPHERE [Alaska, Canada, United States, Mexico, Central and South America], *illus.*, *ibid.*, 1953 **£1/10/-**

244 ——— MASONIC RITES and DEGREES [Alphabetically arranged from Aaron's Band to Zurumites], *illus.*, *ibid.*, 1953 **£1/10/-**

——— *vide* ROYAL ARCH, post.

245 **DERMOTT** (LAURENCE) : BYWATER (WITHAM M.) NOTES on DERMOTT and his WORK, *with a reduced facsimile of title-page to the* FIRST EDITION *of* AHIMAN REZON, *and other illus. in the text*, 1884 **£1/-/-**

Original edition, only a limited number privately printed.

246 **DES QUERSONNIÈRES** (FRANCOIS-MARIE-JOSEPH NOEL) : LE CENTENAIRE de NEUILLY.—BIOGRAPHIE de M. NOEL DES QUERSONNIERES, agé de 117 ans [Maçon à Brest, en 1764 ; Affilie à la R. L. des Trimosophes, Or. de Paris, 1844] Publiée sous le auspices de la Loge des Trimosophes, avec portrait et facsimile, boards, *Paris*, 1845 **£1/5/-**

Not in Wolfstieg.

From the Collection of Julius Kiener, with his autograph surname signature at end.

247 **DESAGULIERS** (JOHN T.) : THE MOTION of WATER and other FLUIDS, being a TREATISE of HYDROSTATICS, written originally in French, by the late Mons. [EDMUND] MARRIOTTE . . . and translated into English ; together with a Little Treatise of the same author giving Practical Rules for Fountains or Jets d'Eau. [Preface by Mons. DE LA HIRE], 7 *folding plates*, old calf, neatly rebacked, *Printed for J. Senex* . . . 1718 **£5/5/-**

The book is dedicated to James Brydges, 2nd Earl of Carnarvon, to whom Desaguliers was Chaplain. The latter was G.M. of the Freemasons in 1719 and the former held the Office in 1754-56.

Senex, the publisher of this work, was also the publisher of the First Edition of the Constitutions of 1723.

248 ——— LECTURES of EXPERIMENTAL PHILOSOPHY, wherein the Principles of Mechanics, Hydrostaticks and Optics, are demonstrated and explained . . . To which is added, A Description of Mr. Rowley's Machine, called the Orrery . . . . [Edited by PAUL DAWSON] FIRST EDITION, *with* 10 *folding plates*, sm. 4to, contemp. calf, rebacked, *Printed for W. Mears, . . . B. Creake, . . . and J. Sackville*, 1719 **£10/10/-**

Fine tall copy with the advertisement leaf before title-page, the two leaves of Publishers' Announcements and leaf of errata.

249 ——— ANOTHER ISSUE, [with title] A SYSTEM of EXPERIMENTAL PHILOSOPHY, prov'd by Mechanics, wherein the Principles and Laws of Physics, Mechanics, Hydrostatics, and Optics, are demonstrated and explained . . . . To which is added, Sir ISAAC NEWTON'S COLOURS : The Description of the Condensing Engine, with its Apparatus : and ROWLEY'S HORARY, ... [Edited by PAUL DAWSON] *with* 10 *folding plates*, sm. 4to, contemp. panelled calf, neatly restored at joints, *Printed for B. Creake . . . and J. Sackfield . . . and Sold by W. Mears* . . . 1719 **£7/-/-**

This issue does not have Desaguliers' Preface [iv pp.] or the Errata leaf, otherwise the text and plates are identical. Some slight waterstains.

250 ——— : HURST (W. R.) AN OUTLINE of the CAREER of JOHN THEOPHILUS DESAGULIERS, Rector of Whitchurch, 1719-1744 ; Grand Master of England 1719-1720 ; D.G.M. 1722-23 and 1725 ; to which is appended A Short History of the Edgware Lodge, No. 3866, from 1918-1928, with a Foreword by Dr. JOHN STOKES, 4to, 1928 **£1/10/-**

Only 100 copies printed.

251 **DE-SÉGUR** [LOUIS GASTON] LES FRANCS-MAÇONS ce qu'ils sont—ce qu'ils font—ce qu'ils Veulent, DIXIÈME ÉDITION, wrappers, 1867 ; Les FRANCS-MAÇONS : REPONSE a M. DE-SEGUR, par Un Franc-Maçon, wrappers, 1867. Two items, *Paris*, 1867 **£1/5/-**

Wolfstieg 2969 cites various editions and the replies to the work by anonymous and other writers.

252 [**DIBDIN** (CHARLES)] SONGS, DUETTOS, GLEES, CATCHES, &c., with an Explanation of the PROCESSION in the PANTOMIME of HARLEQUIN FREE-MASON, as performed at the Theatre-Royal in Covent-Garden [The Pantomime contrived by Mr. MESSINK, the Songs, etc. written by C. DIBDIN] FIRST EDITION, 24 pages, modern boards, morocco back, *Printed for G. Kearsly*, 1780 **£10/10/-**

Wolfstieg, 39757 does not give the authorship which is according to Halkett & Laing.

In the account of the Procession, towards the end will be found the following early reference to K.T. : " XVIIIth Banner. Two, bearing Insignia.—Six Knights Templars."

253 **DIXON** (JOHN) The ADDRESS GIVEN IN COMMEMORATION OF THE CENTENARY of the MOUNT-LEBANON LODGE No. 73, Founded 1760, on January 15th, 1878, limp cloth [1878] **10/-**

254 [**DIXON** (THOMAS P.)] A COLLECTION of MASONIC POETRY, &c., consisting of ODES, SONGS, ANTHEMS, EULOGIES, &c., selected from the works of BURNS, JONES, GAVIN, WILSON, SWIFT . . . OLIVER, PRESTON, WESLEY, and other celebrated MASONIC WRITERS; To which are added, MASONIC DISCOURSES ; LISTS of LODGES and ROYAL ARCH CHAPTERS in the PROVINCE of CORNWALL ; and a variety of MASONIC TOASTS and SENTIMENTS, half calf, *emblematic gilt back*, *Falmouth*, 1854 **£1/10/-**

Not recorded in Wolfstieg.

255 **DIXON** (WM.) A HISTORY of FREEMASONRY in LINCOLNSHIRE : being a Record of all Extinct and Existing Lodges, Chapters, &c. ; a CENTURY of the WORKING of PROVINCIAL GRAND LODGE and the WITHAM LODGE ; together with Biographical Notices, Introduction by W. J. HUGHAN, *Lincoln*, 1894 **£1/10/-**

256 **DODD** (REV. WILLIAM, *Grand Chaplain* 1776) : An ACCOUNT of the RISE, PROGRESS, and PRESENT STATE of the MAGDALEN CHARITY, to which are added, the Rev. Mr. DODD'S SERMONS ; and the ADVICE to the MAGDALENS, with the Hymns, Prayers, Rules, and List of Subscribers, *frontispiece (hand-coloured)*, unbound, *Printed by W. Faden for the Charity and sold by J. Whiston [etc.]*, 1761 **£2/10/-**

257 ——— BEAUTIES OF HISTORY, or, Pictures of Virtue and Vice, *frontispiece*, *engraved title*, *Manchester*, 1842 **10/-**

258 ——— An ORATION DELIVERED at the DEDICATION of FREE-MASONS' HALL, Great Queen-Street, Lincoln's-Inn-Fields, on Thursday, May 23rd, 1776, published by general request, under Sanction of the Grand Lodge, FIRST EDITION, iv + 16 + iv pages, 4to, original grey wrappers, *uncut*, *Printed for the Society, and sold by G. Robinson . . . Richardson and Urquhart . . . and at Free-Masons' Hall*, 1776 **£15/-/-**

Some slight discoloration in margins partly caused by a damp stain.

The last 4 pages are devoted to " Proposals for Printing by Subscription, Freemasonry : or a General History of Civilization . . . by William Dodd, Grand Chaplain," but the work did not materialize.

259 ——— A SERMON on ST. MATTHEW, Chap. IX, Verse 12, 13, Preached at the PARISH CHURCH of ST. LAURENCE, near GUILD-HALL, April the 26th, 1759, before the President, Vice-Presidents, Treasurer, and Governors of the MAGDALEN HOUSE for the RECEPTION of PENITENT PROSTITUTES, FIRST EDITION, 24 pages, sm. 4to, unbound [1759] **£2/10/-**

260 ———: An ACCOUNT of the LIFE and WRITINGS of WILLIAM DODD, LL.D., FIRST EDITION, viii + 78 pages, unbound (small piece torn from top blank margin of title-page which is dust-soiled), *Printed for the Author*, 1777 **£3/-/-**

Cambridge Bibliography of English Literature says that the authorship of this work is attributed to either Isaac Reed or John Duncombe.

261 ———: [COMBE (WILLIAM)] A DIALOGUE in the SHADES between an UNFORTUNATE DIVINE [DR. WILLIAM DODD] and a WELCH MEMBER of PARLIAMENT, lately deceased [CHASE PRICE], FIRST EDITION, 20 pages, 4to, unbound, *Printed for J. Bew . . . and Sold by B. Bristow* [1777] **£2/10/-**

Small piece from top inner corner of blank margins of title and first 4 leaves torn away.

262 **DORMAN** (THOMAS P.) HISTORY of the PROVINCIAL GRAND LODGE of NORTHAMPTONSHIRE and HUNTINGDONSHIRE, with a Preface by HARRY MANFIELD, *illus.*, *Northampton*, 1912 **£1/-/-**

263 **DORSET MASTERS' LODGE, NO. 3366.**—TRANSACTIONS, for the years 1909/10 to 1943/5, being Vols 1 to 33, *illustrated*, 33 vols, wrappers, *Weymouth*, 1910–46 **£16/16/-**

The editors were as follows : Vols 1 to 12, J. A. Sherren ; 13 to 20, F. G. Hawes ; 21 to 26, F. W. Burt ; 27, C. H. Howse ; 28 and 29, G. Meredith Sanderson ; 30 to 33, the Rev. T. H. Flynn.

264 **DORSET MASTERS' LODGE, NO. 3366.**—TRANSACTIONS, for the years 1912/13 to 1930/31 (except for 1928/29; being vols. 4 to 18, 20 & 21) in 18 vols, wrappers (one wrapper defective), *ibid.*, 1912-31 £8/-/-

265 ——— TRANSACTIONS, for the years 1915/16 to 1926/27 (except for 1919/20; being vols 7 to 10, and 12 to 17, in 10 vols (4 vols backstrips defective), wrappers, *ibid.*, 1915-27 £4/4/-

266 [**DOUMIE** (MAX)] LE SECRET de la FRANC-MAÇONNERIE, half morocco, *Paris*, 1905 £1/-/-

Wolfstieg No. 5688 does not give the author.

The book attributes to Francis Bacon the origin and plan of Political and International Masonry.

267 **DRAKE** (FRANCIS [*Grand Master of the York Grand Lodge*]) EBORACUM : or the HISTORY and ANTIQUITIES of the CITY of YORK, . . . collected from Authentick Manuscripts, Public Records, Ancient Chronicles, and Modern Historians, *with 2 maps and* 58 *plates (many double-page), comprising fine views of the City, Architecture, Antiquities, Coats of Arms, Monuments, etc., and 52 other engravings on the letter-press, fine mezzotint portrait of the Author (dated* 1771) *inserted*, folio, contemp. russia gilt (one joint partly cracked, repairs to spine), *Printed by Wm. Bowyer for the Author*), 1736 £5/-/-

268 ——— LARGE PAPER COPY, also having the *mezzotint portrait of the Author inserted; the map of the Roman Roads, and another of the boundaries of the City of York nicely coloured by hand, also a number of the* 58 *plates (those of Armorials and Stained Glass Windows) very finely coloured*, roy. folio, contemp. mottled calf gilt, extra, neatly rebacked and fully gilt, g.e., *ibid.*, 1736 £10/10/-

An exceptionally good copy, from the Bierley Collection.

The author is said to have been initiated into Freemasonry at York on Sept. 6th 1725, at a private Lodge, Star Inn, Stonegate. He was chosen as Grand Junior Warden of the Grand Lodge of All England [usually called the York Grand Lodge] in Dec. 1725, and on the 27th Dec. 1726 delivered his famous "Speech" to the Grand Lodge. He does not however mention masonic matters in his "Eboracum."

269 **DUGANNE** (AUGUSTINE J. H.) "The Great American Masonic Poem" KING SOLOMON'S TEMPLE [Reprinted from the American Freemason of July 15th, 1870], 12 pages, wrappers, *Bros. Tweddell & Sons, Yorkshire*, 1870 15/-

270 **DUNCKERLEY** (THOMAS): His LIFE, LABOURS, and LETTERS, including some MASONIC and NAVAL MEMORIALS of the 18th CENTURY, by HENRY SADLER, *illus.*, 1891 £1/2/6

271 **DUPANLOUP** (MONSEIGNEUR, *Bishop of Orleans*) A STUDY of FREEMASONRY [Original Edition of the English Translation], 104 pages, unbound, 1875 £1/-/-

272 **ECKERT** (ED.-EMIL) LA FRANC-MAÇONNERIE dans sa veritable signification, ou son Organisation, son But et son Histoire, traduit de L'Allemand, ... et considérablement augmenté de documents authentiques sur la FRANC-MACONNERIE BELGE et FRANÇAISE, par *L'Abbe* [JEAN GUILL.] GYR, *frontispiece: Alphabets et Hiéroglyphes Maçonniques*, 2 vols in one, half roan (rubbed), *Liége*, 1854 £2/10/-

Wolfstieg, 1435 (2).

Eckert was an advocate at Döbeln in the Kingdom of Saxony. He unjustly attacked Freemasonry bitterly as the source of all evil and all revolution in the World.

273 **ECOSSAIS PHILOSOPHIQUE** (RIT)—COMMANDEURS du TEMPLE du MONT-THABOR, Rit Ecossais Philosophique, a Lo. de Paris, 32 pages, wrappers, *Paris, C. Pougens*, 1810 £1/10/-

Kloss, 4410 gives an issue with imprint of Porthmann.

274 **EDWARDS** (DR. [BOGDAN EDWARD JASTRZEBSKI]).—BATESON (DR. VAUGHAN) MASONIC SECRETS and the ANTIENT MYSTERIES : A Memorial Lecture to the Late Arch-President, Brother Doctor Edwards, Delivered to the Garuda Temple the August Order of Light, Autumnal Equinox . . . 1923, at Bradford, *portrait*, 2 *plates*, 1923 18/-

Only 200 copies printed.

275 **EDWARDS** (LEWIS) GUIDE to MASONIC SPEECHMAKING, 1954 6/6

276 ——— The LAW and CUSTOM of FREEMASONRY, 1948 15/-

277 ——— RULE and TEACH, a Practical Handbook of Masonic Law and Custom, 1956 10/-

278 **EGAN** (P.) WALKS through BATH, . . . including WALCOT and WIDCOMBE, and the SURROUNDING VICINITY . . . a Complete Guide to the Visitors of the above City, *frontispiece and* 20 *plates*, boards, cloth back, *Bath*, 1819 £1/-/-

Contains a Description of the Masonic Hall in York Street, Bath, with an engraved plate, pages 129-132.

279 ELLIS (EDWARD S.) LOW TWELVE . . . A Series of Striking and Truthful Incidents illustrative of the fidelity of Free Masons to one another in times of distress and danger, publishers' rexine, *New York*, 1920 12/6

280 ——— HIGH TWELVE, a Sequel to Low Twelve, publisher's rexine, *ibid.* 1920 12/6

281 ENGRAVED LISTS OF LODGES.—COLE (BENJAMIN, *Engraver*) LIST of REGULAR LODGES according to their Seniority & Constitution, 1764 [the Rt. Hon. WASHINGTON SHIRLEY EARL FERRARS, VISCOUNT TAMWORTH, Grand Master]: FACSIMILE made from the Original for W. J. HUGHAN, by C. SACKREUTER of New York, narrow fcap. 8vo, [*New York*], 1886 £1/1/-

282 ——— : PINE (J., *Engraver*) LIST of LODGES 1735 [LORD WEYMOUTH Grand Master]; FACSIMILE from the Original in the Bodleian Library, Oxford, *Printed at the University Press, Oxford, for E. L. Hawkins*, wrappers, 1907 £1/10/-
Printed on handmade paper and limited to 25 numbered copies, signed by E. L. Hawkins and dated 9 Dec. 1907.

283 ——— Another facsimile from the Original in the possession of the Bodleian Library, Oxford (from blocks lent by W BRO. J. ELSTON CAWTHORNE), stitched, *Leeds* [193-] 10/6
This facsimile is printed on ordinary paper and a larger number were issued.

——— *vide* CALVERT (A. F.), and CARSON (E. T.), ante; HUGHAN (WM. J.), post.

284 ESSAY (AN) on the ORIGIN of FREE MASONRY by a NATIVE of NORFOLK [a Reprint of the Original Edition of 1818], 32 pages, wrappers, *Diss*, 1880 18/-
Only 250 Copies printed.

285 ESSEX MASTERS LODGE, No. 3256, TRANSACTIONS, Vols. 1 to 8, 1927/28 to 1934/35 (wanting Vol 5, 1931/32), 7 vols., roy. 8vo, stitched, 1929-36 £2/2/-

286 ESTOC (MARTIAL D') LA FRANC-MAÇONNERIE sa POLITIQUE et son ŒUVRE [Partie 1. HISTORIQUE; Partie 2. DOCUMENTAIRE], binders half cloth, *Paris*, [1899] 18/-
Wolfstieg, No. 27795.

287 EVERGREEN (THE) A MONTHLY MAGAZINE devoted to MASONIC CULTURE, UNIFORMITY, and PROGRESS, FIRST SERIES, Edited by E. A. GILBERT, 3 vols, 4to., 1868-70; SECOND SERIES, Edited by T S. PARVIN and W. R. LANGBRIDGE, 2 vols, 8vo., 1871-72; (all published), 5 vols. in 3, uniform half roan, *Iowa*, 1868-72 £3/10/-
Wolfstieg, 615.
The first series bound in one volume lacks the Index.

288 EVERY (GEO. W P.) ONE HUNDRED and ONE YEARS of CRAFT HISTORY in the TOWN of WHITBY [ONTARIO], *Whitby, Ontario* [1927] 12/6

EXHIBITIONS AND BAZAARS.

289 ABERDEEN MASONIC BAZAAR—BOOK of the MASON CRAFT in connection with the Bazaar held . . . . on the 8th to the 10th of October 1896, [with literary items of interest on the Craft], *illus.*, *Aberdeen*, 1896 12/6

290 BELFAST.—KELLY (W. REDFERN, *Editor*) YE BOKE of ye GRANDE FAYRE & BAZAAR . . holdene atte ye GREATE ULSTER HALLE, 15th-17th October, 1883, in ayde of ye BELFAST MASONIC CHARYTIES, *illustrated*, roy. 8vo., half roan, *Belfast*, 1883 15/-

291 DEVON and CORNWALL.—EXHIBITION held in the HUYSHE MASONIC TEMPLE, PLYMOUTH, June 27th to July 1st 1887: Catalogue of Exhibits, edited by WILLIAM JAMES HUGHAN, 4to., 1887 10/-

292 EDINBURGH.—[McINNES (MRS. D. M., *Poetess and Compiler*)] GRAND MASONIC BAZAAR at EDINBURGH, December, 1890—GREENOCK SOUVENIR [with Preface by JOHN BARCLAY, also Poetical contributions by JOHN STUART BLACKIE, COLIN RAE BROWN, MRS. D. M. INNES, and others], 8 *portraits and* 5 *other illustrations*, *Greenock*, 1890 10/-

293 ——— STEVENSON (W. GRANT, *Editor*) POT POURRI of GIFTS, Literary and Artistic, contributed as a SOUVENIR of the GRAND MASONIC BAZAAR in aid of the ANNUITY FUND of SCOTTISH MASONIC BENEVOLENCE, *illustrated*, 4to., parchment wrappers, *Printed for the Lodge Dramatic and Arts, No.* 757, *Edinburgh*, 1890 £1/-/-
Includes literary contributions by J. M. Barrie, W. E. Henley, Jerome K. Jerome, Sir Noel Paton, and other known writers.

294 HAMPSHIRE and the ISLE of WIGHT, MASONIC EXHIBITION held at SHANKLIN, September 9th and Following Days, 1886: CATALOGUE of EXHIBITS, edited by ALFRED GREENHAM, with Archaeological Notes by WILLIAM JAMES HUGHAN, 4to., wrappers, *Shanklin*, 1886 10/-

295 **WORCESTER** : MASONIC SOIREE & EXHIBITION, held at the GUILDHALL, WORCESTER, August 27th, 1888 and following days . . . CATALOGUE of EXHIBITS, edited by GEORGE TAYLOR, with ARCHAEOLOGICAL NOTES by W. J. HUGHAN, 4to., *Kidderminster* [1884] **10/-**

296 ——— ANOTHER COPY, bound with PROVINCE of HAMPSHIRE and ISLE of WIGHT: MASONIC EXHIBITION, held at Shanklin, with CATALOGUE OF EXHIBITS, edited by ALFRED GREENHAM and ARCHAEOLOGICAL NOTES by WM. J. HUGHAN, *Shanklin*, 1886—DEVON and CORNWALL : held in the Huyshe Masonic Temple, Plymouth, 1887 : CATALOGUE of EXHIBITS, edited by WM. J. HUGHAN, the three items bound in one vol. 4to., **half calf** (joints rubbed), 1884-7 **£1/5/-**

297 **YORKSHIRE.**—The MASONIC RECEPTION at YORK, Sept. 5th, 1881, under the Auspices of the York and Eboracum Lodges, with Report ón Documents and Relics exhibited [&c.], by T. B. WHYTEHEAD, York, 1881—SOCIETAS ROSICRUCIANA in ANGLIA : Province of Yorkshire, Masonic Conversazione and Exhibition, held 20th Feb., 1884, with a catalogue of Exhibits, *York*, 1884, the two items bound in one vol. 4to., 1881-4 **16/-**

---

298 [F. (N.)] ANTI-SARSENA, für FREYMAURER und NICHT-FREYMAURER, xii + 244 pp., unbound, *Sondershausen: B. F. Voigt*, 1817 **£2/-/-**

Wolfstieg, 30004 ; Kloss, 1998.

This should not be confused with a work by Gerlach entitled Sarsena, which appeared at Bamberg in 1817.

299 **FAYEN** (—) REFLEXIONS PHILOSOPHIQUE. French Manuscript (so lettered) legibly written on 160 pages and comprising Eight Essays on Humanitarian or Moral Subjects, each signed at end by the writer (four of them variously dated between October 1868 and January 1869), the last and only Masonic Essay being " REFLEXION PHILOSOPHIQUE sur la FRANC-MACONNERIE, ses PRINCIPES, et ses ACTES " (28 pages, dated Jan. 1869, signed and marked with symbol of Masonic rank), half morocco, *masonic emblem of square and compasses in five panels on back*, 1868-69 **£4/10/-**

300 **FELLOWES** (JOHN) an EXPOSITION of the MYSTERIES, or RELIGIOUS DOGMAS and CUSTOMS of the ANCIENT EGYPTIANS, PYTHAGOREANS, and DRUIDS ; also an Inquiry into the Origin, History and Purport of Freemasonry, FIRST EDITION, *frontispiece and woodcuts*, 8vo., contemp. half calf, *gilt emblematic tooling on spine* (corners rubbed), *New York: printed for the Author*, 1835 **£3/10/-**

Wolfstieg, 4938.

301 ——— ANOTHER COPY, top outer corners waterstained, half calf (rubbed), *ibid.* 1835 **£2/10/-**

302 ——— ANOTHER EDITION, fcap. 8vo., cloth [*ca.* 1908] **10/-**

303 **FINCH** (W.) An ELUCIDATION on the MASONIC PLATES, consisting of Sixty-four Different Compartments—*viz.*, 46 in the first plate ; 9 in the second ; and 9 in the third ; comprising the following Degrees in Masonry, 1st, 2nd and 3rd, in Craft ; R.A. ; A.M. ; K.T., &c. (text complete but having plate 3 only), 70 pages, unbound, *Printed and published for the Author* . . . 1802 **£5/5/-**

304 ——— ANOTHER ISSUE, having plates 2 and 3 only, the text now occupying 80 pages, unbound, *Printed and Published by the Author, and Sold by H. D. Symonds . . . Theodore Page, Printer* [1802] **£6/10/-**

305 ——— LECTURES on FREEMASONRY [the three Craft Degrees], issued without title-page but having Finch's name and address on p. 29 and imprint : *Jaques, Printer, Lower Sloane-Street* on last page ; 30 pages [*ca.* 1811] ; bound with The FREEMASON'S LOOKING GLASS [a Masonic Lecture, issued without title-page, the last page having Finch's autograph signature], 20 pages [*ca.* 1805] ; both items interleaved, in one volume, contemp. calf (one joint cracked) [1805-11] **£12/10/-**

Six of the interleaved pages are occupied with MS. additions as follows : " Declaration to be assented to by every Candidate previous to his initiation " ; " Opening 1st Degree " ; and " Prayer for a Candidate." Bound at the beginning of the volume is an engraving probably taken from one of the 18th Cent. Masonic Magazines, also a leaf containing on one side " Dedicated by Permission to God, the Grand Architect of the Universe " dated at foot Sept. 1807 and having Finch's name.—On verso is a portrait of the Rt. Hon. Thos. Boothby-Parkyns, Lord Rancliffe of Ireland, Supreme G.M. of K.T. and G.M. of R.A. Masons.

306 **FINCH** (W.) LECTURES on FREEMASONRY [the THREE DEGREES of CRAFT MASONRY] with the " KEY," issued without title-page, 32 pages with imprint at foot of last page, *Finch, Printer, 5 Lower Lambeth, March* [1811] £7/10/-

On page 16 of this issue is a printed note stating that about the month of February 1812 W. Finch will have ready for delivery Lectures on the 22 degrees as named.

Inscribed on fly-leaf " Lodge of Instructions Feby 1814 from Lodge No. 391." This was Concordia Lodge, meeting at Oisten's Town, Barbadoes, warranted 27 Sept, 1797, named in 1803, erased 2nd Oct. 1829.

307 ——— A MASONIC TREATISE, with an ELUCIDATION on the RELIGIOUS and MORAL BEAUTIES of FREEMASONRY, Ziydvjxyjpix, Zqjisgstn, Wxstxjin, [Architecture, Astronomy, Geometry], etc. RA—AM—RC—KT—MP—M. &c. for the Use of Lodges and Brothers in general, dedicated by permission to William Perfect, Prov. G.M. for the County of Kent, SECOND EDITION, with many valuable additions, *Printed by J. Atkinson, Deal,* 1802 ; AN ELUCIDATION on the MASONIC PLATES, ... comprising the following degrees in Masonry, 1st, 2nd, and 3rd, in Craft ; R.A. A.M. K.T. &c. [without the separately published 3 plates], *Printed and Published for the Author* . . . . [1807] ; bound together with JACHIN and BOAZ ; or An Authentic Key to the Door of Free-Masonry, both Ancient and Modern . . . . with a Correct List of all the Regular Lodges in Scotland, *engraved frontispiece and a woodcut plan of the Drawing on the Floor of a Lodge, Printed for the Booksellers,* 1814 ; The Three items in one volume, half calf, m.e., 1802-14 £15/15/-

Wolfstieg, 35917, 35916 (ii), and 20983 (xxvii) respectively.

308 **FINDEL** (J[os.] G[ABR.]) GESCHICHTE der FREIMAUEREI von der Zeit ihres Entstehens bis auf die Gegenwart, ZWEITE AUFLAGE, half calf, *Leipzig,* 1866 £2/10/-

Best German Edition. Wolfstieg, 3972 (iii).

309 **FINEMORE** (W. L.) HISTORY of PROVINCIAL GRAND LODGE of HAMPSHIRE and ISLE of WIGHT, 1832-1932, with Foreword by the Rt. Hon. the EARL of MALMESBURY, *illus., Portsmouth,* 1939 12/6

310 **FLAMBEAU** (LE) du MAÇON, divise en deux parties, contenant : Les Catechismes des Trois premieres Grades . . . . Les Constitutions générales de l'Ordre des Francs-Maçons . . . des pièces de poésie, et le Tableau des Logès et Souverains Chapitres, constitués à l'O. : de Bordeaux [etc.], *Bordeaux,* 1811 ; bound with PLUCHONNEAU Aine. Physiologie du Franc-Maçon, avec dessins de JOSQUIN, gravés par MAURISSET, *Paris* [*ca.* 1875], 2 vols in one, half calf, 1811-75 £2/15/-

The first item is not in Wolfstieg. The second item is No. 23727.

311 **FLOHR** (AUGUST) GESCHICHTE der GROSSEN LOGE von PREUSSEN, genamnt ROYAL YORK zur Freundschaft im Orient von Berlin, 1798-1898 . . . . als Manuscript für Brüder Freimaurer gedruckt, *Berlin* [1898] £1/5/-

Wolfstieg, 7871.

312 **FONTAINE-BORGEL** (CLAUDIUS) RELATION HISTORIQUE sur L'ÉTABLISSEMENT des PREMIÈRES LOGES MAÇONNIQUES a GENEVE et leur DISSOLUTION 1736-1796, suivie d'une Nomenclature des Loges Genevoises de 1736-1810, 32 pages, wrappers, *Geneve,* 1874 £1/10/-

Wolfstieg, 6701 quotes an issue with a different imprint, dated 1877.

313 **FORSHAW** (C. F.) MASONIC POEMS [Introduction by W. J. HUGHAN], 1900 8/-

314 **FOWLES** (E. W. H.) and **WHITE** (E. G.) The JUBILEE REVIEW of ENGLISH FREEMASONRY in QUEENSLAND, 1859-1909. 74 Lodges, issued under the Supervision and Approval of the District Grand Master, ALFRED J. STEPHENSON, *with 200 illus., Brisbane, Printed for Private Circulation,* 1909 £1/-/-

315 **FOX** (THOMAS LEWIS) FREEMASONRY : An ACCOUNT of the EARLY HISTORY of FREEMASONRY in ENGLAND with Illustrations of the Principles and Precepts advocated by that Institution, 1870 10/-

316 ——— Re-issue, 1872 8/6

317 **FOX-THOMAS** (Rev. EGBERT) HISTORY of FREEMASONRY in WHITBY [YORKSHIRE], from 1764 to 1897, with an Introduction by W. J. HUGHAN, *illus., Whitby,* 1897 18/-

Only 250 copies printed.

318 ——— ANOTHER COPY, with APPENDIX, comprising An Account of the Centenary Celebrations of the Lion Lodge, No. 312, Whitby, and the Meeting of the Prov. Grand Lodge . . . July 1897, paged in continuity with the ' History,' 2 vols ; cloth, and unbound (stitched), *ibid.,* 1897-98 £1/5/-

319 **FRANCE** (Suprême Conseil de ; Rite Écossais Ancien Accepté) Réglements Généraux de la Maçonnerie Écossaise pour la France et ses Dépendances, half roan, *O.: de Paris,* 1863 **£1/-/-**

Wolfstieg (Supplement) 6523 lists editions of 1846, 1867 and 1877.

320 ——— : Grande Loge Symbolique Écossaise. Rituel des Travaux Maçonniques, printed on hand-made paper, 4to, wrappers (a little frayed) [*ca.* 1885] **£2/-/-**

The Grande Loge Symbolique Écossaise was formed on 4th April 1883.

321 **FRANCIS** (T.) Freemasonry at Havant : A Page in the History of Freemasonry in Hampshire [1763-1892], 46 pp., unbound, *Portsmouth* [1892] **10/-**

322 ——— History of Freemasonry in Sussex ; containing a Sketch of the Lodges . . . the Provincial Grand Lodge . . . Royal Arch Masonry, etc. ; also A History of the Howard Lodge of Brotherly Love, No. 56, Arundel, 1736-1878, *with frontispiece and 4 plates in colour, Portsmouth,* 1883 **£1/-/-**

323 ——— Another Copy (binding waterstained), *ibid.*, 1883 **15/-**

324 **FRANKLIN** (Benjamin) : Proceedings of the R. W. Grand Lodge of Pennsylvania . . . at its Celebration of the Bi-Centenary of the Birth of Right Worshipful Past Grand Master, Brother Benjamin Franklin, held in the Masonic Temple, in Philadelphia, March 7th, 1906, containing Reproductions in facsimile, of Anderson's Constitutions of 1723, re-printed in Philadelphia by Benjamin Franklin in 1734 ; title-pages of books with Franklin Imprints, *and numerous other illus.*, roy. 8vo, *Philadelphia,* 1906 **£1/15/-**

325 **[FREDERICK WILLIAM III**, King of Prussia] Edikt wegen Verhütung und Bestrafung geheimer Verbindungen, welche der allgemeinen Sicherheit nachtheilig werden könnten, de dato Berlin, den 20 October 1798, 8 pages, folio, unbound, [*Berlin*] *Gedruckt bei Georg Decker* [1798] **£2/10/-**

In 1798 the King of Prussia issued this order against Secret Societies, but exempted from its operation the three Grand Lodges at Berlin. All other Lodges not under them were to be closed.

326 **FREEMASON** (The), a Weekly Journal of Freemasonry, Literature, Science and Art, from the Commencement in March 1869 to December, 1910, being vols 1 to 49, folio, cloth and roan, 1869 **£15/-/-**

Vols 1 to 43 in brown cloth (about 3 vols need recasing and several vols binding discoloured by damp) ; vols 44 and 45 blue cloth ; vols 46 to 49 publisher's roan (vol 45 without title. back strip of vol 48 missing). The early volumes of this periodical are now difficult to obtain.

327 **FREEMASONS' MAGAZINE** or **GENERAL** and **COMPLETE LIBRARY** (The) vols 1 to 7 (of 11 vols), *with numerous engraved plates including portraits*, 7 vols, half calf (last vol not uniform), 1793-96 **£8/8/-**

It seems probable that William Preston, through his circle of friends in the Lodge of Antiquity, and elsewhere, was much interested in the production and promotion of this magazine. There are liberal extracts from his " Illustrations of Masonry " and numerous references to him, which could scarcely have been made without his full knowledge and consent.

328 **FREEMASONS' MONTHLY MAGAZINE** (The) by Charles W. Moore, G.S. of the Grand Lodge of Massachusetts, Vol 18 (Nov. 1st 1858 to Oct. 1st 1859), half calf, *Boston* [*U.S.A.*] 1859 **15/-**

329 **FREE-MASON'S POCKET COMPANION,** containing I. An Ode by Mr. Bancks, on Masonry ; II. The History of Masons and Masonry ; III. The Charge given to a Free-Mason ; IV. General Regulations for the Use of Lodges ; V. The Manner of Constituting a New Lodge ; VI. Charge given, to a New Brother ; VII. A Collection of Freemasons' Songs, &c. ; VIII. Prologues and Epilogues . . . ; IX. A List of all the Regular Lodges in Scotland ; X. A List of all the Regular Lodges in England ; XI. A Defence of Masonry, occasioned by a Pamphlet called Masonry Dissected ; (*lacks frontispiece*), contemporary calf (cracked at joints), *Edinburgh: Printed by W. Cheyne* . . . 1752 **£10/10/-**

Wolfstieg, 778, gives entry but without particulars, not having seen a copy or obtained a collation, which is : Title ; [viii] + 150 pages.

The first Scottish edition of the Pocket Companion and follows closely the text of William Smith's London Edition of 1738, but his name is omitted from title. This copy is printed on thick paper. There is a separate title to the Collection of Songs but pagination is continuous.

330 **FREE-MASON'S POCKET COMPANION** [RE-ISSUE of the EDINBURGH 1752 EDITION], fcap. 8vo., contemp. calf (neatly rebacked), *Edinburgh, Printed for James Reid, Bookseller in Leith*, 1754 £9/9/-

No frontispiece was published with this issue.

The Title-page to the "Collection of Songs" retains the imprint of W. Cheyne and date 1752.

331 ——— [THIRD GLASGOW EDITION], containing the ORIGIN, PROGRESS and PRESENT STATE of that ANTIENT FRATERNITY; the INSTITUTION of the GRAND LODGE of SCOTLAND; LISTS of the GRAND MASTERS and other OFFICERS of the GRAND LODGES of SCOTLAND and ENGLAND; their Customs, Charges, Constitutions, Orders and Regulations: for the Instruction and Conduct of the Brethren; to which is added a COMPLETE COLLECTION of FREE MASON SONGS, PROLOGUES, EPILOQUES [etc.], old calf rebacked, *Glasgow, Printed by Robert and Thomas Duncan*, 1771 £7/-/-

Wolfstieg, 788.

First Issue. This edition appeared with an alternative imprint: Printed for Peter Tait, James Brown, and John Tait, 1771. Whilst this is the third of the Glasgow editions it is the Second of them to be based upon Jonathan Scott's Pocket Companion of 1754. The first Glasgow edition of 1754 was based upon the Belfast edition of 1751 which in turn was derived from that of William Smith.

332 ——— ANOTHER EDITION [Only Edition Printed at Ayr] . . . . To which is now added, a Collection of the Most Approved English, Scotch, and Irish Songs, old rebacked calf (upper joint chafed), *Air [Ayr]: Printed by John and Peter Wilson*, 1792 £5/15/-

Wolfstieg, 801.

This edition was derived from and closely resembles the Second Glasgow edition of the Pocket Companion of 1771. No frontispiece was done.

FREE-MASON'S POCKET COMPANIONS, *vide* AULD (WM.), ante; MANT (W.), SCOTT (J.) and SMITH (W.), post.

333 **FREEMASON'S QUARTERLY REVIEW** (The) continued successively as FREE-MASON'S QUARTERLY MAGAZINE and REVIEW; FREEMASON'S QUARTERLY MAGAZINE; FREEMASON'S MONTHLY MAGAZINE; and finally FREEMASON'S MAGAZINE AND MASONIC MIRROR, Commencing in April 1834 and ending with the completion of the octavo series in June 1859, *with numerous illustrations*, 28 vols, various bindings half calf and cloth (some bindings rubbed or worn; spines of three vols broken), 1834-59 £15/-/-

Contents: First Series, 9 vols, 1834-1842; Second Series, 7 vols, 1843-1849; Freemason's Quarterly Magazine and Review, 3 vols, 1850-52; Freemason's Quarterly Magazine, 2 vols, 1853-54; Freemason's Monthly Magazine Vol 1, Jan.-Oct., 1855, then a new and independent publication "The Masonic Mirror, a Journal of Freemasonry" having commenced Nov. 1854 to Dec. 1855, a Union of the two periodicals took place and from Vol 2, Jan.-June 1856, to Vol 6, Jan.-June 1859, was continued as "Freemason's Magazine and Masonic Mirror," 6 vols, 1856-1859.

The above set does not include the independently published volume of "Masonic Mirror" for Nov. 1854 to Dec. 1855.

Vol 3 of Freemasons Magazine and Masonic Mirror (1857) lacks pages ix-xxi of Index.

334 **FREER** (ARCHDEACON LANE) MEMOIR, EXTRACT of SPEECHES, DIARY of JOURNEY to AMERICA, &c.; IN MEMORIAM [Edited by H. F.], *with photo-portrait and plate*, morocco (rubbed), *Issued for Private Circulation, Hereford*, 1866 18/-

Archdeacon Freer was one time Deputy Provincial Grand Master of Herefordshire.

335 **FRÈRES RÉUNIS.**—REGLEMENT PARTICULIER de la T. R. L[oge] de SAINT JEAN D'ECOSSE, sous le titre distinctif des FRÈRES RÉUNIS, establiee et constituée à L'O. de Tournay, . . . 5770 [1770], limp boards, *Tournay*, 1818 £1/10/-

336 [**GABANON** (LEONARD) i.e. LOUIS TRAVENOL] NOUVEAU CATÉCHISME des FRANCS-MAÇONS, *engraved frontispiece*, 64 pages, contemporary French red morocco gilt in a Derome style, g.e., fine copy, *L'Orient*, 5779 [? *Paris*, 1775] £10/10/-

From the Library of Cortlandt F. Bishop with his engraved bookplate.

337 ——— ANOTHER ISSUE, *the engraving previously a separate plate and used as frontispiece now printed on verso of title-page*, vellum, *uncut*, *L'Orient*, 5783 [*ibid.*; 1779] £4/15/-

Wolfstieg does not give either of these editions although he does describe (No. 29960) an edition of a larger work entitled "Nouveau Catéchisme" published at Paris 1749, which contained some historical matter in addition to the Catechism itself. This reprint of the Catechism only, is practically textual, with a few minor changes, with two addresses added as the conclusion to the book.

338 **GARDNER** (F. Leigh) Bibliotheca Masonica: a Catalogue of Lodge Histories (England) with a Preface by W. Wynn Westcott, 1912 £2/10/-

This is the third and concluding volume (complete in itself) of a Series entitled "A Catalogue Raisonné of Works on the Occult Sciences." Only 300 copies of this volume were printed.

339 **GAREY** (Wm.) Reflected Rays of Light upon Freemasonry; or the Freemason's Pocket Compendium, edited by James Stevenson, Second Edition, *folding frontispiece of Masonic Emblems, Aberdeen*, 1870 10/-

340 ——— Fourth Edition, *with folding frontispiece, Kenning*, 1874 8/-

341 **GARGANO** (Michael di) Irish and English Freemasons and their Foreign Brothers: Their System, Oaths, Ceremonies, Secrets, Grips, Signs, and Passwords, with Official Lists of Names, First Edition, 5 *plates* (4 *in colour*), 3 parts, sm. 4to., orig. wrappers, *Dublin*, 1876 £3/-/-

342 ——— Second and Best Issue, *with identical illustrations in one volume*, sm. 4to., original boards, cloth back, *ibid.*, 1877 £4/10/-

In this issue is now added, a leaf of Contents and List of Illustrations, also the Supplementary pages 83 to 108 comprising an Official List in Alphabetical Order, of the Freemasons of the City and County of Dublin, as well as the Masonic Officials of every County in Ireland. This was discontinued in later issues.

343 ——— Fourth Issue, the Plates of the E.A. and F.C. degrees omitted and those of Master Mason, and Mark Master Mason substituted, 4to., original boards, cloth back, *ibid.*, 1879 £3/10/-

The leaf of contents and List of Illustrations, together with the Supplementary Pages, are omitted from this issue.

344 **GARLAND** (Matthew, *Prov. Grand Orator for the County of Kent*) Masonic Effusions, Moral and Religious, arranged with his Memoirs, by F. C. Daniel, and published under Masonic Patronage, *portrait*, old cloth (recovered with paper), *uncut, Printed by Br. T. Harvey* .... [1820] £4/15/-

Wolfstieg, 24830; Kloss, 605. Both give date as 1819. The book is undated and was probably not published until 1820. The Memoir by Daniel is dated Dec. 1819.

345 **GAULLIEUR-L'HARDY** (le F.: L. Eus. II.) Planche tracée dans la R.: Loge des Vrais Frères Unis, du Regime Rectifie Ecossais, Or.: du Locle, à la Fête patronale d'hiver, de St.-Jean le 10e jour du 11e mois, de l'an de V. L. 5819, publiée au dépends de la loge, 40 pages, wrappers [*Paris*, 1819] 18/-

Not in Wolfstieg or Kloss.

346 **GAUTRELET** (Fr. Xav.) La Franc-Maçonnerie et La Revolution, half morocco, *Lyon*, 1872 £1/5/-

Wolfstieg, 6387.

347 **GAYNOR** (R. H.) Hints on Masonic Etiquette, Second Edition, [1936] 7/6

348 **GEDENBOEK** van de Vrijmetselarij in Nederlandsch Oost-Indië, 1767-1917, Uitgegeven door de Oudste drie Werkplaatsen of Java . . . *illustrated*, roy. 4to., *'s-Gravenhage* [1918] £2/-/-

349 **GENTLEMAN'S MAGAZINE** (The) Odd Volumes Containing Masonic Articles or Reviews of Masonic Books: Vol. 3 (no covers, 1733); Vol. 5 (1735); Vols. 7 to 10 (1737-1740); Vol. 13 (1743); Vols. 21 to 24 (1751-1754); Vol. 28 (1758); Vol. 32 (1762); Vol. 36 (1766); Vol. 39 (1769); Vol. 55, part two, (1785); Vol. 56, part two (1786); Vol. 69, part one (1799); Vol. 85, part one, unbound (1815); Vol. 88, part one (no back strip) 1818, old half calf, 1733-1818 per volume 10/-

A detailed account of the Masonic Articles which appeared in the above volumes will be found in A.Q.C. Volume XXVII, pages 185 to 216.

350 **GIBSON** (Rev. John George) Masonry and Society, A Series of Essays of Social Interest, wrappers, 1923 10/-

351 **GIRAUD** (Francis F.) Freemasonry in Faversham, 1763 to 1899, compiled chiefly from Lodge and Chapter Minutes, *frontispiece*, 56 pp., wrappers, *Margate: for private circulation*, 1900 18/-

This work was first published at Faversham in 1887, and consisted of 28 pages. The history is now brought down to 1899, but no indication of the former edition is given.

352 **GOLDENBURG** (Dr. Julius) Maurerspiegel: Bilder aus dem Freimaurerleben, wrappers, *Leipzig*, 1897 10/-

353 **GLOVER** (CHARLES R. J.) A HISTORY of the FIRST FIFTY YEARS of FREEMASONRY in SOUTH AUSTRALIA, 1834-1864 [embracing the period when the Grand Lodge of South Australia was formed], *illus.* [*Adelaide*, 1885] **£1/5/-**

Designated as Vol. 1 in anticipation of a latter period being written but so far it remains all that has been published.

354 **GOLBY** (F. W.) A CENTURY of MASONIC WORKING: being a History of the Stability Lodge of Instruction, 4 *portraits*, *Bath*, 1921 **15/-**

The author claims that the Stability Lodge of Instruction founded in 1817 has lineal descent from the Lodge of Reconciliation.

355 **GOLDEN FLEECE** (ORDER OF THE)—LA TOISON D'OR ou RECUEIL des STATUTS et ORDONNANCES du NOBLE ORDRE de la TOISON D'OR, leurs Confirmations, Changements, Additions, Ceremonies, Immunitez, Exemptions, Pré-éminences, Honneurs et Bulles Papales depuis L'Institution jusques à present, avec les Remarques sur le contenu desdits Statuts et Ordonnances, contemporary calf, *Cologne, chez Pierre Sweitzer*, 1689 **£2/15/-**

Pasted below imprint on title is a printed slip " Chez les T. Serstevens, Imprimeurs MDCCXIII."

356 **GOLDNEY** (F. H.) A HISTORY of FREEMASONRY in WILTSHIRE: . . . Provincial Grand Lodge and its Subordinate Lodges . . . Grand Royal Arch Chapter [etc.], 1880 **£1/5/-**

Only a limited number were privately printed for presentation only.

357 **GOODWIN** (S. H.) MORMONISM and MASONRY: A UTAH POINT OF VIEW, buckram, (original wrappers bound in), *Salt Lake City*, 1925 **10/-**

358 **GORDON** (W., *Teacher of Mathematics*) EVERY YOUNG MAN'S COMPANION, FOURTH EDITION, corrected with large additions, and great improvements [including for the first time " The MYSTERY of FREEMASONRY EXPLAINED " pages 413-426], *engraved frontispiece*, modern half brown morocco, *Printed for J. Rivington, H. Woodfall, J. Newbery* . . . 1765 **£10/10/-**

" The Mystery of Freemasonry Explained " is, virtually, a reprint of one of the so-called ' Exposures ' entitled Jachin and Boaz, first printed in 1762.

359 **GORHAM** (A., & *Rosicrucian Society*) INDIAN MASONS' MARKS of the MOGHUL DYNASTY, *numerous diagrams and other illustrations*, thin 4to., [1911] **15/-**

360 **GOULD** (ROBERT FREKE) The ATHOLL LODGES, their AUTHENTIC HISTORY: being a Memorial of the GRAND LODGE of ENGLAND, " according to the Old Constitutions," compiled from Official Sources, 1879 **£1/10/-**

The best sketch of the junior rival Grand Lodge of A.D. 1751 to 1813.

Contains at end a list of Lodges to 1807 from Ahiman Rezon which was the earliest list published by the " Ancients."

361 ——— The HISTORY of FREEMASONRY: its ANTIQUITIES, SYMBOLS, CONSTITUTIONS, CUSTOMS, &c., embracing an Investigation of the Records of the Organisations of the Fraternity in ENGLAND, SCOTLAND, IRELAND, BRITISH COLONIES, FRANCE, GERMANY, and the UNITED STATES, derived from Official Sources, ORIGINAL EDITION, *illustrated with* 40 *portraits*, 2 *coloured and* 7 *other full-page plates*, 3 vols. 4to, publisher's half morocco gilt, g.e. (binding a little rubbed at joints), 1884 **£2/15/-**

362 ——— ANOTHER EDITION, revised, edited, and brought up to date by DUDLEY WRIGHT, *with* 15 *coloured plates of regalia, &c., and* 47 *other full page plates many reproduced from old prints*), 5 vols., 4to, [1931] **£4/10/-**

363 ——— The CONCISE HISTORY of FREEMASONRY, LAST and BEST EDITION, revised and brought up to date by FREDERICK J. W. CROWE, 8vo, 1951 **£1/10/-**

364 ——— MILITARY LODGES: The APRON and the SWORD, or FREEMASONRY under ARMS; being an ACCOUNT of LODGES in REGIMENTS and SHIPS of WAR, and of FAMOUS SOLDIERS and SAILORS (of all Countries) who have belonged to the Society [1899] **18/-**

365 **GOYDER** (D. G.) LECTURES on FREEMASONRY, Exhibiting the Beauties of the Royal Art, THIRD EDITION, 1835 **10/-**

366 ——— FOURTH EDITION, 1875 **12/6**

367 **GRAHAM** (REV. JOHN) A HIEROGLYPHICAL REPRESENTATION of MESSIAH; being the leading features of a Sermon ' preached in ST. PAUL'S CHAPEL, ARBROATH, 27th Dec. 1826, before the PANMURE LODGE of FREE MAASONS'; dedicated to the HON. WILLIAM MAULE of Panmure, M.P., P.G.M. 28 pages, wrappers, *Montrose*, 1827 **£1/10/-**

Not in Wolfstieg or Kloss.

368 **GRAHAM** (ALEXANDER) HISTORY of FREEMASONRY in the PROVINCE of SHROPSHIRE, and of the SALOPIAN LODGE, 262, with an Introduction by W. J. HUGHAN, *Shrewsbury*, 1892 **£1/-/-**

369 **GRAND ORIENT DE FRANCE.**—CALENDRIER MAÇONNIQUE pour l'an 5838 [1838] wrappers, *Paris*, 1838 **15/-**

370 ——— : CONSTITUTIONS, Statuts et Réglements Generaux du G.O. de France, 1849-1875, being nine issues bound together in one volume, 1849-75 **£3/10/-**

371 ——— : DOCUMENTS pour servir a L'HISTOIRE de la FRANC-MAÇONNERIE au XIXe SIÈCLE [recueillis et publiés par le GRAND ORIENT de FRANCE], half calf, *Paris*, 1866 **£1/10/-**

Wolfstieg, 23441.

372 ——— : INSTALLATION de la RÉV. L. des ARTISTES a L'O de PARIS. Discours qui ont été prononcés dans le Temple, précédés du procès-verbal, et suivis des morceaux d'architecture et des couplets qui ont embellis le banquet fraternel, wrappers [*Paris*, 1797] **£1/10/-**

Kloss, 4770.

Collation: Title + 15 (verso blank) + 12 pages (Poésies).

373 ——— : Les MENEURS du G. O. Jugés d'apres leur oeuvres, ou Leçons de Grammaire, de Geographie, de Mythologie, D'Histoire et Même de Morale, a L'Usage de ces Messieurs, 16 pages, wrappers, O. D'Isis, Imprimerie du Seidat Écossais [*Paris*], 1827 **18/-**

374 ——— : SOLSTICE D'ETE (24 Juin 1831) PROCÈS-VERBAL de la FÊTE de L'ORDRE célébrée par le G. O. de FRANCE, Avec Tableau du Comte rendu, wrappers, *Paris*, 1831 **18/-**

Kloss, 4249.

375 ——— : SAINT-JEAN D'HIVER, 5812 : Fête de L'Ordre, presidée par le Sér. Grand-Maitre, . . . PRINCE CAMBACÉRÈS, le 28e jour du 10 mois de l'an 5812 (1812) 34 pages, 4to, wrappers, *Poulet*, 1812 **£1/10/-**

Kloss, 4213.

376 **GRANGER** (CHARLES T., *Past Grand Master of the G.L. of Iowa*) : MEMORIAL VOLUME, compiled by NEWTON R. PARVIN, Grand Secretary, wrappers, *Iowa*, 1917 **10/-**

377 [**GRAVES** (RICHARD)] The REVERIES of SOLITUDE : Consisting of Essays in Prose, a new Translation of the Musipula, and Original Pieces in Verse, by the Editor of Columella, Eugenius, etc. FIRST EDITION, boards, modern calf back, entirely uncut, *Bath, Printed by R. Cruthwell for G. G. J. and J. Robinson . . . London*, 1793 **£2/10/-**

A piece entitled " The Grand Procession (pages 73-82) of a Society called " The True and Respectable Taylors " in which the subject of Freemasonry is introduced.

378 **GREENLAW** (COL. ALEXANDER JOHN) MASONIC LECTURES delivered in Open Lodge, Chapter, &c., published at the request of Brethren in ENGLAND, INDIA, and BURMAH, (name in ink on title ; front end-paper missing), scarce, *Madras*, 1870 **£5/5/-**

Wolfstieg gives the publisher as Trubner, but they only published as London Agents for the Madras firm of Higginbotham and Co. Vibert in his Rare Books of Freemasonry evidently saw an imperfect copy as he gives the collation as pp. viii + 240, whereas a Concluding Lecture occupies pages 241 to 244.

379 ——— REPRINT, *ibid.*, 1905 **£2/10/-**

380 **GRIFFITH** (T. LL., *Prov. Grand Chaplain Eastern Province of South Wales*) A SERMON preached in the PARISH CHURCH at NEATH, at the PROVINCIAL GRAND MEETING of FREE and ACCEPTED MASONS, on Friday, October 1st, 1852, pamphlet, 22 pages, unbound, *Cardiff*, 1852 **12/6**

381 **GROSVENOR-SMYTH** (REV. F. A.) MASONIC PAMPHLETS (as under), wrappers, *Printed for Private Circulation, Derby*, 1941-42 each **5/-**

(1) The Masonic Apron ; (2) Masonry and Symbolism ; (3) Masonry and its Symbolic Origin.

——— vide ROYAL ARCH, post.

382 [**GUERRIER de DUMAST** (AUGUST PROSPER FRANÇOIS)] LA MAÇONNERIE, Poeme en trois Chants, avec des Notes Historiques, Étymologiques et Critiques, *with 2 plates by* P. ADAM *after* LEVERIA, *and 7 vignettes*, contemporary half morocco, uncut, t.e.g., *Paris*, 1820 **£3/10/-**

Wolfstieg, 1404

383 **GUERRIER** de **DUMAST** (August Prosper François) La Maçonnerie, Another Issue, Printed on a superior paper, the plates in two states (one state being proofs before letters), 7 *vignettes*, contemp. mottled calf gilt, sprinkled edges, *Paris*, 1820 £6/-/-

This issue is not mentioned by Wolfstieg.

Fine copy with the author's presentation inscription to Madam Adier, on half-title.

The book was issued for sale by the author and it is said that he destroyed most of the unsold copies.

384 [**GUILLEMAIN DE ST. VICTOR** (Louis)] La Vraie Maçonnerie d'Adoption ; Précédée de quelques Réflexions sur les Loges irréguliers & sur la Société civile, avec des notes critiques & philosophiques ; Dediée aux Dames, par un Chevalier de tous les Ordres Maçonniques, Premiere Édition, half calf, *Londres* [? *Paris*], *aux dépends de L'Auteur*, 1779 £3/3/-

Wolfstieg, 43213 (ii) Collation : Preliminaries comprising half-title, title, advertisement and table (viii pages but incorrectly numbered as xii), + 172 + 1 leaf for errata.

The title of this work was later changed (see next item) and a few songs were then added.

385 [———] Manuel des Franches-Maçonnes ou La Vraie Maçonnerie D'Adoption ; Précédée de quelques Reflexions sur les Loges irreguliers et sur la Societé civile, avec des notes critiques et philosophiques : et suivie De Cantiques Maçonniques dediée aux Dames, Par un Chevalier de tous les Ordres Maçonniques, rebound half cloth, *Philadelphie* [*Paris*], 1787 £1/10/-

Wolfstieg, 43213 (viii). This work was also incorporated with " Recueil Precieaux " to which it formed the third part.

386 ——— Origine de la Maçonnerie Adonhiramite ou Nouvelles Observations critiques et raisonnées, sur la Philosophie, les Hieroglyphes, les Mystéres, la Superstition et les Vices des Mages [etc.], Premiere Édition, contemp. wrappers, uncut, *Helyopolis* [*Paris*], 1787 £2/10/-

Wolfstieg, 33383. Collation [iv] + 164 pages.

387 ——— Origine de la Maçonnerie Adonhyramite (sic) ou Nouvelles Observations, [etc.], with folding Table, *Helyopolis* [*Paris*] 1810 ; bound with Recueil de Chansons de la Très-Vénérable Confrairie des Francs-Maçons, précédé de plusieurs Pèces de Poésie Maçonne. Nouvelle Edition augmentée, *Jerusalem* [*Paris*], 1803 ; two vols. in one, contemp. French calf, emblematic gilt back, *Paris*, 1803-10 £2/15/-

Wolfstieg, 33383 (iv) and 39697 (vi) respectively.

388 [———] Recueil Précieux de la Maçonnerie Adonhiramite, Par un Chevalier de tous les Ordres Maçoniques : Premiere Partie contenant le Catechismes de quatres, premieres Grades, [etc.] ; Seconde Partie, contenant les trois Points de la Maçonnerie Ecossoise, le Chevalier de l'Orient & le vrai Rose-Croix [etc.] ; Troisieme Partie, La Vraie Maçonnerie D'Adoption, [etc.] ; Three Parts in one volume, boards, *Philadelphie* [*Paris*], *Chez Philarethe*, 1783 £2/10/-

Wolfstieg, 33380 (ii) ; Kloss 1919 (ii).

This, the Second Edition had no plates. Collation Part 1 [iv] + 116 (last blank) ; Part 2 [iv] + 149 + iii (unnumbered) ; Part 3. 142 (the half-title, title and Dedication though unnumbered being pp. 1-5) + 1 leaf of Table.

389 ——— Another Edition, Parts 1 and 2 only, 2 vols., wrappers, uncut (some waterstains), *ibid.*, 1786 £1/5/-

Wolfstieg, 33380 (iv) Collation of the two parts as for the 1783 edition. No plates were done.

390 ——— Another Edition, wanting plates to Part 1, the plate to Part 2 brought forward as frontispiece, 3 parts in 1 volume, old calf (worn) *ibid.*, 1787 £2/-/-

Wolfstieg, 33380 (vi) Collation : Part 1, 118 + Table, 2 pp., unnumbered ; Part 2, 153 + Table, 3 pp., unnumbered ; Part 3, 142 + Table, 2 pp. unnumbered.

391 ——— Nouvelle Edition ornée de figures, corrigée & augmentée de plusieurs Chansons etc. [containing 3 folding plates in Part 1 and one in Part 2] 3 parts in one volume, contemp. French mottled calf, emblematically tooled back (defective at headband), *ibid.*, 1787 £4/-/-

Wolfstieg, 33380 (vii)

Collation : Part 1 [iv] + 128 ; Part 2 [iv] + 149 + Table [iii] ; Part 3, 142 (including preliminaries).

392 **GUILLEMAIN DE ST. VICTOR** (LOUIS) RECUEIL PRÉCIEUX de la MAÇONNERIE ADONHIRAMITE, NOUVELLE EDITION, ornée de figures, corrigée, et augmentée de plusieurs Chansons, etc. (*folding table to the second part only*), 3 vols., *Philadelphie* [*Paris*] *Chez Philarethe*, 1787; bound with ORIGINE de la MAÇONNERIE ADONHIRAMITE, ou Nouvelles Observations . . . *Heliopolis* [*Paris*] 1787; together in 2 vols., modern half calf, m.e. [*Paris*], 1787 **£3/15/-**

Wolfstieg, 33380 (xiii) and 33383 respectively.

Collation: First Work, Part 1, 144; Part 2, 166 + Table, 3 pages (unnumbered); Part 3, 150 + Table, 2 pages (unnumbered). Second Work, First Edition, [iv] + 164 (including Table).

393 ——— NOUVELLE EDITION, revue, corrigée & augmentée, suivant ce qui s'observe dans les Loges réguliers, présidées par les V. M. Constituant le GRAND ORIENT de FRANCE, *with folding plate of emblems.* Part 1 with imprint Au grand Orient de France, sous le Vestibule du Temple de Salomon 5789 [1789]; Parts 2 and 3, *Philadelphie* [*Paris*] *Chez Philarethe*, 1787, in 1 volume, contemp. calf, emblematic gilt back, [*Paris*], 1787-89 **£3/-/-**

Wolfstieg, 33380 (xv).

This issue does not have the 3 plates to part 1, and unlike all earlier editions, this part has the authors' name on title.

Collation: Part 1, [iv] + 140 (last page blank); Part 2, 154; Part 3, 142 + leaf of Table.

394 [**GUTIERREZ** (VALENTIN LLANOS)] SANDOVAL; or THE FREEMASON, a Spanish Tale, by the AUTHOR of "DON ESTEBAN," FIRST EDITION, 3 vols., contemp. half calf (one joint cracked), 1826 **£2/-/-**

395 ——— ANOTHER COPY, FIRST EDITION, 3 vols., orig. boards, with paper labels, entirely uncut (spines a little defective), 1826 **£3/-/-**

An interesting review of this novel is contained in the Quarterly Review, Vol. 24, pages 488-506. Wolfstieg, 41676 attributes the work to Telesforo de Trueba y Cosis.

396 **GYR** (L'ABBÉ) LA FRANC-MAÇONNERIE en ELLE-MÊME et dans ses RAPPORTS avec les AUTRES SOCIÉTÉS D L'EUROPE, notament avec la CARBONARI ITALIENNE, half cloth, *Liège et Paris*, 1859 **£2/-/-**

Not in Wolfstieg. Caillet "Sciences Occultes," No. 4908 says "Ouvrage important."

397 **HALLETT** (H. HIRAM) A SHORT ACCOUNT of the LODGES of PROMULGATION, RECONCILIATION, STABILITY and EMULATION, REVISED EDITION, 56 pages, wrappers, *Margate*, 1932 **10/6**

398 **HAMILTON** (J. LAWRENCE) Les RITUELS des TROIS PREMIÈRE GRADES dans la MAÇONNERIE ALLEMANDE Comparés avec les RITUELS FRANCAIS et ANGLAIS [Extrait du Journal La Chaine d'Union de Paris] thin 8vo, cloth, *Paris*, 1873 **18/-**

399 **HAMMOND** (WILLIAM) MASONIC EMBLEMS and JEWELS: Treasures at Freemason's Hall, London, *with* 18 *coloured and* 42 *half-tone plates*, 1917 **15/-**

400 **HANOVER GRAND LODGE.**—STATUTEN der Grossloge des Königreichs Hannover und der unter ihrer Direction arbeitenden St. Johannislogen. Angenommen im Jahre 1839, *Hannover*, [1839] **12/6**

Wolfstieg 20763; Kloss 200.

401 **HARRINGTON** (GEORGE F.) DESIDERATUM for the AGE, a Masonic Work, wherein the First Principles which constitute Nature are explained [etc.], 1851 **£1/5/-**

"That the Universalists ideas are very modern is proved to some extent by a small book called 'Desideratum for the Age' published in 1851. In this work, Masonic Universalism is fully discussed."—Whymper's Religion of Freemasonry, page 216 (note).

402 **HARRIS** (THADDEUS, *P.G. Chaplain G.L. of Massachusetts*) DISCOURSES, delivered on Public Occasions, ILLUSTRATING the PRINCIPLES, DISPLAYING the TENDENCY, and VINDICATING the DESIGN, of FREEMASONRY, FIRST EDITION, *engraved frontispiece*, contemp. calf, rebacked, *Charlestown*, 1801 **£6/10/-**

Wolfstieg, 1389; Kloss, 1131.

403 **HART** (J. P.) The FREEMASON; or the SECRET of the LODGE ROOM: a Domestic Drama, in Two Acts as performed at the Queen's Theatre. FIRST EDITION, *woodcut frontispiece*, 34 pages, orig. wrappers, *J. Pattie* (1839) **£1/15/-**

Wolfstieg, 41952; A.Q.C. vol. 21, page 158 gives an account of this play.

404 **HAUTE GRADES.**—INSTRUCTIONS des H. G. [ÉLU, ECOSSAIS, CHEV. D'ORIENT, ROSE-CROIX] tels qu'ils se confèrent dans les Chapitres de la Correspondance du G. O. de France, avec les Discours Analogues aux Réceptions, *Paris*, 1835 bound with MANUEL PRATIQUE du FRANC-MAÇON, *Angers*, 1845, two vols. in one, leather with flap, fastener missing, 1835-45 **£1/15/-**

405 **HAWKINS** (E. L.) A CONCISE CYCLOPAEDIA of FREEMASONRY, . . . compiled from various sources, 1947 11/6

406 [**HAYE** (ANTHONY O'NEAL, Fourth Poet Laureate of the Lodge Canongate, No. 2)] SONGS and BALLADS by the Poet Laureate of the Lodge 'Canongate Kilwinning,' FIRST EDITION, half roan (orig. wrappers bound in) binding rubbed, *Edinburgh*, 1861 15/-

407 ——— ANOTHER COPY, without the wrappers, 1861, bound with The MIRAGE of LIFE and other Poems, SECOND EDITION, *Edinburgh*, 1860 ; 2 vols. in one, half calf (rubbed) *Edinburgh*, 1860-61 £1/5/-

The author's name appears on title-page of the second item.

408 "**HAZLITT**" P.M. (—) UNWRITTEN LAWS in FREEMASONRY, 1922 7/6

409 **HENDERSON** (J. A.) and **ANDERSON** (C. W.) HISTORICAL RECORDS of FREEMASONRY in STOCKTON-ON-TEES, edited by W. NEWTON, *with facsimiles and other illusts.*, thin 4to, wrappers, 1928 10/-

410 **HILLS** (S. M.) FIVE MINUTE TALKS on FREEMASONRY, REVISED and ENLARGED EDITION, 1948 7/6

411 **HIRAM** : or The GRAND MASTER-KEY to the DOOR of both ANTIENT and MODERN FREE-MASONRY : Being an Accurate Description of every Degree of the Brotherhood, as authorized and delivered in all good Lodges [etc.], By a MEMBER of ROYAL ARCH, SECOND EDITION, *with folding plate* (often missing) "The Ceremony of Making a Free-Mason" (in the Second State, i.e. Showing the Candidate), modern half calf, *Printed for W. Griffin*, 1766 £20/-/-

Wolfstieg, 29986.

In the 'Exact List of all the Lodges under the Authority of the Grand-Master of England' the London Lodges are arranged under the days of meeting in the month.

The folding plate has been neatly backed on old paper to strengthen, and skilful repairs to half-title and title-page. It is however a good copy of a rare work, seldom found complete.

412 ——— ANOTHER COPY, wanting the half-title and the Exact List of Lodges ; the engraved folding plate in the Second State, modern boards, *ibid.*, 1766 £12/10/-

413 ——— THIRD EDITION, With an APPENDIX, Disclosing the other Secrets of Free-Masonry, not divulged by the Author, 72 pages, (some stains ; fore margins a little frayed) *Printed for Mess. Griffin and Toft in London, and Mr. J. Hoey, Junior in Parliament Street, Dublin*, 1773 £8/15/-

This edition did not have the List of Lodges, and in order to make room for the Appendix, the Songs were omitted. There is no engraving. It is not in Wolfstieg and is not mentioned by Vibert who does however refer to a Belfast edition of 1765.

414 **HISTOIRE** et **STATUTS** de la SOCIETE des FRANCS-MAÇONS, la Maniere de les recevoir, avec leur Serment, puises dans les Mémoires secrets du Grand-Maitre de France, le 14 Juin, 1743, contemp. calf, *Londres*, [? *Paris*], *Chez Isaac Festetite* 1743 £4/15/-

The Dedication is signed le Frere Vrilminiack. Wolfstieg No. 20412 (vi) gives a short title entry but no collation. It would appear that he had not examined a copy. Collation: Title ; Epitre (iv pp., unnumbered) ; Preface commences on p. 3 and the text ends on p. 258 ; Table 2 pp. (unnumbered).

415 **HISTORY** of the ANCIENT and HONORABLE FRATERNITY of FREE and ACCEPTED MASONS, and CONCORDANT ORDERS, illustrated, written by a Board of Editors : HENRY LEONARD STILLSON, Editor-in-Chief ; WILLIAM JAMES HUGHAN, European Editor ; thick roy. 8vo, half roan (binding worn and shabby) *The Fraternity Publishing Co., New York*, 1891 £1/10/-

416 **HISTORY** (The) and ILLUSTRATION of FREE MASONRY, Compiled from an Ancient Publication, contemporary half calf, *Published by Baldwin, Craddock, and Joy ; and G. B. Whittaker* . . . 1826 £3/15/-

There is no clue as to the authorship but the work is "Dedicated by permission to the Worshipful Master, Officers, and Brethren of the Lodge of Unity, No. 214, [now No. 132] Ringwood, Hants." The imprint at end is "Wheaton, Printer, Ringwood.

417 **HISTORY OF MASONRY** (The) From the CREATION of the WORLD to the PRESENT TIME [including a History of Masonry in Britain . . . to the Norman Conquest, The State of Masonry in Scotland . . . to the Present Time, and A Short Charge to be given to New Admitted Brethren], limp cloth, *Printed for the Booksellers*, [*ca.* 1850] £1/1/-

418 **HOBBS** (J. WALTER) LODGE and AFTER-DINNER SPEAKING, a Collection of Chapters compiled with a View to improve Masonic Speaking, with an Introduction by LIONEL VIBERT, THIRD and Revised Edition, 1949 **5/-**

419 ——— MASONIC RITUAL: Described, Compared, and Explained, 1923 **5/-**

420 ——— MASONIC SPEECH MAKING, a Series of complete speeches compiled to aid Brethren in making appropriate remarks on Masonic occasions, FIFTH and LAST EDITION, 1948 **8/6**

421 **HOLLAND** (THOMAS) FREEMASONRY from the GREAT PYRAMID of ANCIENT TIMES . . . to which is added the Practical Working, Construction, and Probable Geometrical Draft or Plan of the Pyramid, *with 5 plates, Printed for the Author*, 1885 **£1/15/-**

422 **H[OLME]** (R[ANDLE]) THE ACADEMY of ARMORY: or a DISPLAY of HERALDRY, being a more easy way to attain the Knowledge thereof, than hath been hitherto published by any . . . [Second & Best Edition], *with* 47 *pages of devices engraved on copper* (*and the two insets in Book* 111, *between pages* 414/15), folio, old panelled calf (joints broken), 1701 **£9/9/-**

Has the printed title but lacks the engraved title-page; marginal repair to page 353/4 and small defect in lower blank margin of page 447/8 in Book II; lower corner of page 305/6 in Book III torn away; a few marginal stains.

The portions of Book III. relating to Freemasonry were reprinted in Gould's History of Freemasonry (original edition, Vol. 2, p. 180/181). These included "Terms of Art used by Free Masons," and "Masons Tools," which commenced with the following paragraph: "I cannot but Honor the Fellowship of the Masons because of it[s] Antiquity; and the more, as being a Member of that Society, called Free-Masons."

423 **HOLMES** (EMRA) TALES, POEMS, and MASONIC PAPERS, 1877; [SECOND SERIES] AMABEL VAUGHAN and other TALES, 1878; with Biographical and Masonic Memoirs of the Author, by G. M. TWEDDELL, 2 vols. (binding of vol. one damaged) 1877-78 **18/-**

Wolfstieg, 1183 gives the first series only.

424 **HOLMES** (JOHN) The ART of RHETORIC made easy . . . In Two Books: the First comprehending the Principles of that excellent Art . . . the Second containing the Substance of Longinus's celebrated Treatise on the Sublime, THIRD IMPRESSION, (Index at end incomplete), old calf, panelled back, emblematic tooling of the square and compass alternating with the Sun Moon and Stars, *Printed for and sold by L. Hawes, W. Clarke, and R. Collins* 1766 **£1/15/-**

425 **HOLMES-DALLIMORE** (A.) THE FREEMASON'S ALL in ALL—The Master—A Manual of Reference and Instruction on Law, Office and General Procedure: Constitutional, Official, Miscellaneous, *Printed for Private Circulation*, [1936] **18/-**

426 ——— MASONIC SIDE-LINES: Historical—Symbolical—Humorous, [1936] **9/-**

427 ——— THE THREE CONSTITUTIONS: England, Scotland, and Ireland; Laws, Regulations and Decisions of the Craft, 1927 **5/-**

——— vide ROYAL ARCH, post.

428 **HOLTSCHMIDT** (FRIEDRICH) LICHT und SCHATTEN in der FREIMAURERKI, *Braunschweig*, 1903 **10/-**

429 **HUDDERSFIELD and DISTRICT INSTALLED MASTERS' ASSOCIATION**, TRANSACTIONS, Vol. 1, 1926/27, compiled by FRANK GREENWOOD, wrappers, 1928 **10/-**

430 **HUDSON** (THOMAS) POEMS on SEVERAL OCCASIONS, in Two Parts, FIRST EDITION, rebound in old style boards, *Newcastle upon Tyne: Printed by I. Thompson and Company*, 1752 **£3/10/-**

Contemporary autograph of E. Harrison on title.

Contains: "Ode on Masonry, inscribed to the Rt. Hon. Lord Ward, late Grand Master [of England 1742-44] occupying with its sub-title, pages 39-52; "A Free Masons' Song by Mr. H. Jackson, commencing: Begin O ye muses! pages 226-228.

431 **HUGHAN** (WM. JAMES) HISTORY of the APOLLO LODGE, YORK, in relation to CRAFT and ROYAL ARCH MASONRY; with Brief Sketches of its Local Predecessors and Contemporaries; the Grand Lodge of all England (York Masons); the Provincial Grand Lodge, and various Lodges from 1705 to 1805, with valuable appendices, *frontispiece*, (binding a little damp soiled at fore-edges), 1889 **£1/15/-**

Only 300 copies printed.

432 ——— The ENGRAVED LIST of REGULAR LODGES for A.D. 1734 *in facsimile*, with an Introduction and Explanatory Notes, 1889 **£1/1/-**

433 **HUGHAN** (Wm. James) The Jacobite Lodge at Rome, 1735-7, *with a complete Reproduction of the Minute Book and 2 facsimiles*, 4to, *Torquay*, 1910 **£1/5/-**

Founded by English Freemasons in Rome with the Earl of Wintoun as Master. It had no warrant from England or elsewhere. Never numbering more than two dozen members it became extinct in August 1737.

434 ——— Memorials of the Masonic Union of a.d. 1813, consisting of an Introduction on Freemasonry in England; the Articles of Union, Constitutions of the United Grand Lodge of England, a.d. 1815, and other Official Documents; a List of Lodges on the Roll of the United Grand Lodge of England, a.d. 1814, with their Numbers immediately before and after the Union; also an Exact Reprint of Dassigny's "Serious and Impartial Enquiry into the Cause of the present Decay of Free-Masonry in the Kingdom of Ireland," Dublin, 1744, which contains the Earliest known Reference to Royal Arch Masonry [Second] Revised and Augmented Edition [with a Facsimile of Attwood's Masonic Glee, 1813, now first added], *frontispiece*, 4to, *Leicester*, 1913 **£2/-/-**

435 ——— Another Copy, binding damp soiled, *ibid.*, 1913 **£1/10/-**

436 ——— A Numerical and Numismatical Register of Lodges which formed the United Grand Lodge of England: containing the Numbers of such Lodges during 1813, and as altered in 1814, 1832, and 1863; Years of Constitution under the "Moderns," and "Ancients," Roll of Distinguished Lodges, Special and Centenary Medals. Historical and Numismatical Sketches. *with 6 coloured plates*, 4to, (binding badly waterstained), 1878 **£1/5/-**

437 ——— Origin of the English Rite of Freemasonry, New and Revised Edition, edited by John T. Thorp [and an Index now added], *facsimile of the Royal Arch Record of* 1753, *and* 3 *plates* (some marginal annotations and underlinings in ink; binding a little soiled) *Leicester*, 1909 **£2/5/-**

One of the best works on Freemasonry. This edition is corrected and revised to accord with the later studies of the author.

438 ——— Third and Last Edition (a reprint of the second edition, with a revised preface by John T. Thorp), *ibid.*, 1925 **£2/15/-**

439 ——— The Worshipful Company of Gold & Silver Wyre Drawers (Reprinted from "The Freemason," Nov. 21st, 1891) 16 pages, wrappers, 1891 [sold]

——— vide Charges (Old), ante.

440 **HUMBER INSTALLED MASTERS LODGE, No. 2494**, Transactions, Parts 1 and 2, Feb. 1894 to April, 1903, 2 vols., (wrappers rather frayed) *Hull*, 1894-1903 **£1/1/-**

441 ——— Transactions, Part 6, Feb. 1917 to Dec. 1921, wrappers, *ibid.*, 1922 **8/-**

442 **HUNT** (Charles Clyde) Masonic Symbolism, *illustrated*, wrappers, *Iowa*, 1939 **£1/10/-**

443 **HUTCHINSON** (William) The Spirit of Freemasonry in Moral and Elucidatory Lectures, First Edition, *with engraved plate*, contemp. panelled calf neatly rebacked, *Printed for J. Wilkie . and W. Goldsmith*, 1775 **£6/15/-**

444 ——— Another Copy, contemp. half calf, *ibid.*, 1775 **£8/15/-**

Wolfstieg, 21609.

Has the following interesting inscription on fly-leaf "This Book is the property of John Edward Reynolds of Hampstead and Grays Inn, both in the County of Middsx., Gent; Atty. at Law, who passed the Office of Grand Steward to the Grand Lodge of Masons for England in the year 1805" (Signed) J. E. Reynolds, 27th Novr. 1807

The writer's name and appointment is recorded by Henry Sadler in his "Memorials of the Globe Lodge, No. 23" in the Chronological List of the Grand Stewards from that Lodge.

445 ——— Second Edition [containing an addition to the former XIV Lectures, a number of additional Charges, Orations, Discourses, and Addresses, together with Lists of Lodges under the Grand Lodges of England and Scotland] contemp. calf, neatly rebacked and emblematically tooled, *Carlisle · Printed by F. Jollie*, 1795 [altered by pen to appear as 1797] **£5/5/-**

446 ——— Another Copy, boards, spine renewed, entirely uncut, *ibid.*, 1795 **£6/6/-**

447 ——— Third Edition, with Additions [but omitting the Lists of Lodges], with medallion portrait on title and engraved frontispiece; contemp. calf, rebacked, *ibid.*, 1802 **£3/15/-**

448 ——— Another Copy, contemp. calf, joints weak, *ibid.*, 1802 **£4/15/-**

This copy has inscribed on end-papers (1) "Motto of Lodge No. 2" [Canongate Kilwinning]; (2) "To all Brother Masons" written by "Edward Frederic Kelam, Past Master of the Edinburgh Kilwinning Lodge, Companion of the Royal Arch Holy Order of Free-Masons."

449 **HUTCHINSON** (WILLIAM) The SPIRIT of FREEMASONRY [FIRST GERMAN EDITION, translated from the First English Edition, with title]: Der Geist der Maurerey, in Moralischen und erläuternden Vorlesungen, aus dem Englischen übersetzt, contemp. half calf, *Berlin, L. L. Stahlbaum*, 1780 **£7/10/-**

450 ——— [FIRST AMERICAN EDITION], *with the plate of a Masonic Jewel*, contemporary sheep, *New York : Printed by Isaac Collins, . . . for Cottom & Stewart*, . . . 1800 **£5/15/-**

This edition follows closely the first English edition of 1775 but the Appendix (separately paged) is followed by four Masonic Songs (pages 17 to 22).

Lower outer corner of page 17/18 (first leaf of the Songs) is torn away affecting part of two words of text.

451 **ILLUMINATI.**—A LETTER to the REVEREND JOHN ERSKINE, D.D. . . . on the Dangerous Tendency of his late " Sketches of Church-History " by his Countenancing the Authors, and Promoting the Designs of the INFAMOUS SECT of the ILLUMINATI, 22 pages, binder's cloth, *Edinburgh*, 1798 **£1/10/-**

Probably by the Hon. R. Clifford.

452 ———: [LUCHET (JEAN PIERRE LOUIS de la ROCHE du MAINE, *Marquis de*)] ESSAI sur la SECTE des ILLUMINES, PREMIERE ÉDITION, wrappers, uncut, *Paris*, 1789 **£2/15/-**

Wolfstieg, 42769 ; Kloss, 2675.

This is the original edition. It was afterwards issued with imprint " Londres " 1789, as the third volume of Mirabeau's " Histoire Secrette de la Cour de Berlin."

453 ———: STAUFFER (Vernon) NEW ENGLAND and the BAVARIAN ILLUMINATI (vol. LXXXII No. 1, of Columbia University Studies in Political Science), wrappers, *New York*, 1918 **£1/-/-**

454 ———: UEBER FREYMAURER, ERSTE WARNUNG, 64 + [iv] pages, wrappers, *without place or printer*, 1784 **£1/10/-**

Wolfstieg, Supplement, No. 10777, says 78 pages. The tract itself is complete (ending at page 64), followed by 4 unnumbered pages.

———: vide [Lombard de Langres (V.)], and MOUNIER (J. J.), post.

455 **INDIAN JOURNAL OF FREEMASONRY** (The) Vols. 1 and 2 (all published) from April 1865 to March 1867, in one volume, half cloth, *Bombay*, 1865–67 **£2/-/-**

456 **INDIAN FREEMASON** (The) A MONTHLY JOURNAL published under the sanction of the DISTRICT GRAND LODGES of INDIA and BURMAH, Vols. 1 to 3, with numerous autotype portraits, 3 vols., roy. 8vo, half roan, *Calcutta*, 1894–96 **£4/10/-**

457 ——— Vols. 1 and 2 only, half roan, *ibid.*, 1894–95 **£2/-/-**

458 **INMAN** (HERBERT F.) EMULATION-WORKING EXPLAINED, a Practical Handbook for the Guidance of Officers in Craft Lodges under the jurisdiction of the United Grand Lodge of England, TENTH EDITION, 1953 **12/6**

459 ——— MASONIC PROBLEMS and QUERIES (One Thousand and One items of Information), 1950 **11/6**

460 **INTRODUCTION TO FREEMASONRY** (AN): being a General Outline of that Ancient and Venerable Institution, pointing out the Dignity of its Design and the means for attaining it, by A. BROTHER, FIRST EDITION, Second Issue (the sheets of the former issue with title-page dated a year later) old half calf, *Sold by Longmans, Hurst, Rees, Orme, and Brown ; and by W. Hodgetts, Birmingham*, 1820 **£3/10/-**

Wolfstieg, 1405, gives this issue only, and says 118 pages. Both issues have xviii + 118 pages.

461 **INWOOD** (REV. JETHRO, *Prov. Grand Chaplain for County of Kent*) SERMONS (1793-1799], in which are explained and enforced the RELIGIOUS, MORAL, and POLITICAL VIRTUES of FREEMASONRY, preached upon several Occasions, before the PROVINCIAL GRAND OFFICERS, and other BRETHREN, in the COUNTIES of KENT and ESSEX, *portrait*, boards, rebacked, entirely uncut, *Printed for the Author*, . . . [1799] **£3/3/-**

Kloss, 1123 ; Wolfstieg, 21703 (ii)

This work is dedicated to William Perfect, Esq., Provincial Grand Master for the County of Kent.

It consists of eleven sermons each with a separate title-page, pagination continuous.

The above copy was one of the earliest to leave the press being bound up without the title-page to the eleventh sermon, preached 27th June, 1799. Pages 281/2 were omitted from the numeration to allow for the later insertion of its title-page.

462 **IOWA GRAND LODGE.**—Morecombe (J. E.) and Cleveland (W. F.) History of Grand Lodge of Iowa 1844 to July 1912, to which is added a Brief History of the Mother Grand Lodge of England and an Introduction of Freemasonry into North America, together with Portraits and Sketches of the Grand Masters, 2 vols. in 3, *Iowa*, 1900-15 **£3/10/-**

463 **IOWA MASONIC LIBRARY.**—Miscellany, Numbers 12 and 13, in one volume, boards, roan back, *Iowa*, 1924 **15/-**

Contents: The Holy Saints John, by W. D. Nesbitt and C. C. Hunt; Again the Roll is called, and The Hour Glass and Scythe, by E. G. Williams.

464 **IRELAND.**—Crawley (W. J. Chetwode) Cæmentaria Hibernica: being the Public Constitutions that have served to hold together the Freemasons of Ireland: Fasciculus Primus, 1726-30; Fasciculus Secundus, 1735-44; Fasciculus Tertius, 1751-1807; *with numerous facsimiles*, 3 vols. in one, strongly bound in buckram, or half vellum, roy. 8vo, very scarce, *Dublin*, 1895-96-1900 **£15/15/-**

Only 300 copies printed and sold only to Brethren of the craft.

"Ireland stood void of any serious Masonic historical works until the advent of our distinguished Brother W. J. Chetwode Crawley, but his brilliant talents have amply removed the stigma. His three volumes of Irish Masonic Reprints are difficult to procure but cannot possibly be omitted from any list of books for Masonic students."—R. H. Baxter, "*Suggestions for a Course of Masonic Reading.*"

465 ——— : Lepper (John Heron) and Crossle (Philip) History of the Grand Lodge of Free and Accepted Masons of Ireland, Vol. I. (all published), *profusely illustrated*, thick roy. 8vo, *Dublin: Lodge of Research*, 1925 **£3/5/-**

Contents:—The Early Craft in Ireland; The Genesis of the Grand Lodge of Ireland; The Status of Freemasonry in Ireland, 1725-68; The Grand Lodge Officers, 1725-88; Notable Events in Irish Freemasonry, 1725-89; Evolution of Laws and Regulations, 1725-89; The Donoughmore Era—General Events, 1789-1801; The Seton Secession; The Donoughmore Period, 1801-13; The Grand Lodge Officers, 1789-1812; Appendices and Index.

466 ——— : Lodge of Research, No. CC. Transactions 1914 to 1923, being Vols. 1 to 3, edited by Philip Crossle, 3 vols., wrappers, *Dublin*, 1922-29 **£1/15/-**

——— : Vide Constitutions (G. L. Ireland), ante

467 **JACHIN** and **BOAZ**: or an Authentic Key to the Door of Free-Masonry, calculated not only for the Instruction of every New-made Mason, but also for the Information of all who intend to become Brethren . . . By a Gentleman belonging to the Jerusalem Lodge . . . , Early Edition, *illustrated with an accurate Plan of the Drawing on the Floor of a Lodge*, iv + 42 pages, modern half calf, *London: Printed for W. Nicoll and Dublin: Reprinted for, and sold by Thomas Wilkinson* . . . [*ca.* 1777] **£14/-/-**

The first of the Dublin Editions. The text is based upon the First London Edition, which was the only one of the many English and Scottish editions not having the transposition of certain words applicable to the first two degrees.

Wolfstieg, 29983 attributes the authorship to S. Gosnell but on what authority he does not say.

468 ——— New Edition, greatly Enlarged and Improved . . . to which is now added, A New and Accurate List of all the English Regular Lodges in the World . . . *engraved frontispiece* (as for the 1776 edition), modern boards, *Printed for W. Nicoll . . . and E. Newbery*, 1790 **£10/10/-**

469 ——— Twenty-Third Edition, greatly enlarged and improved; to which is added A New and Accurate List of all the English regular Lodges in the World, according to their Seniority . . . . *engraved frontispiece* (as for the 1797 edition), vi + 74 pages, calf, rebacked, *Printed for Crosby and Co., . . . and J. Harris* 1809 **£7/10/-**

The List of Lodges includes particulars of those erased for not conforming to the laws of the Society, or discontinued on being united to other Lodges, since the Alteration of numbers in 1792.

470 ——— Another Edition, . . . to which is added a Select Collection of Songs, and a List of Toasts and Sentiments, proper for the Society of Free-Masons; with a Correct List of all the Regular Lodges in Scotland, *engraved frontispiece* (as for the 1776 edition), 64 pages (last blank), modern boards, *Printed for the Booksellers*, 1809 **£6/10/-**

471 ——— Twenty-Fourth Edition, greatly enlarged and improved . . . . the List of all the English regular Lodges in the World [brought down to 1809], *engraved frontispiece* (as for the 1797 edition), calf, rebacked, *ibid.*, 1811 **£6/10/-**

472 **JACHIN** and **BOAZ,** ANOTHER EDITION, with a CORRECT LIST of all the REGULAR LODGES in SCOTLAND, *engraved frontispiece* (as for the 1776 edition), 64 pages (last blank), modern boards, *ibid.*, 1811 **£6/-/-**

473 ——— ANOTHER EDITION, with a CORRECT LIST of all the REGULAR LODGES in SCOTLAND, *engraved frontispiece* (as for the 1797 edition), neatly bound in old style sprinkled calf, *ibid.*, 1812 **£5/10/-**

The last of the series issued prior to the Union of the " Antients " with the " Moderns."

474 ——— ANOTHER EDITION, with a CORRECT LIST of all the REGULAR LODGES in SCOTLAND, with the *engraved frontispiece* as for the 1797 edition (which varied considerably to that as first issued for the 1776 edition), 56 pages, modern boards, *ibid.*, 1814 **£5/10/-**

With regard to the editions of 1809, 1811, 1812, 1814, and in fact, all the editions " Printed for the Booksellers " and intended for Scottish use, having the List of Scottish Lodges, there is an important change in the " steps " shown on the " Plan of the Drawing on the Floor at the Making of a Mason."

None of the London editions, even those published in the same years as those intended for Scottish use have this variation.

475 ——— NEW EDITION, Improved, with a CORRECT LIST of the LODGES (ending with No. 744 " Temple of Harmony, Osterode, Hanover), *engraved frontispiece*, 56 pages, 8vo, contemp. half roan, *Maidstone* [*ca.* 1821] **£4/15/-**

476 ——— ANOTHER EDITION, with CORRECT LIST of LODGES as for the Maidstone Edition and *engraved frontispiece with some variations*, 56 pages, unbound, *Printed for T. Hughes*, 1822 **£4/10/-**

——— *vide* GORDON (W.), ante.

477 **JACQUES** (D.) The PIC-NIC, a Collection of RECITATIONS, and COMIC SONGS, TOASTS, SENTIMENTS, &c., *engraved frontispiece* (*hand coloured*), modern boards, *B. Reynolds, D. Jacques, and J. Stacey*, 1816 **£2/5/-**

Part 1.—Recitations, contains 4 relating to Freemasonry. Part 2.—Songs, etc., contains Masonic Toasts and Sentiments.

478 **JAMES** (F. HUBERT) FREEMASONRY in MONMOUTHSHIRE from 1764 to 1923, *with* 17 *illustrations* (covers and edges ink-splashed), *Newport*, 1924 **12/-**

479 **JAMIAT RAI** (R. B. WAN) A BRIEF HISTORY of FREEMASONRY in QUETTA [PAKISTAN], with a Preface by the Hon. Sir HENRY MCMAHON, *Bombay*, 1908 **18/-**

480 [**JEBB** (JOHN)] An ADDRESS to the FREEHOLDERS of MIDDLESEX, assembled at the Free Masons Tavern in Great Queen Street, upon Monday the 20th of December 1779 being the day appointed for a Meeting of the Freeholders, for the purpose of establishing meetings to maintain and support the Freedom of Election (lacks half-title), 20 pages, unbound, *without place or Printer*, [1799] **£1/10/-**

481 **JOHANNE a MATRE DEI** (P. FR.) ADUMBRATIO LIBERORUM MURATORUM, seu FRANCS-MASSONS vi cujus eorum societas, Origo, Ritus, Mores, &c. deteguntur, [xvi] + 136 pages (last page blank), contemporary calf, *Matriti* [*Madrid*], *Antonii Marin*, 1751 **£4/10/-**

482 ——— ANOTHER COPY, some slight water-stains, contemporary vellum, *ibid.*, 1751 **£3/15/-**

Wolfstieg, Supp. 693. A violent invective against the Freemasons.

483 **JOHNSON** (THOMAS) A BRIEF HISTORY of FREE MASONS, collected from the most approved Authors : Containing many of the most material occurrences, and an Account of Grand Masters, Buildings, &c., from the Creation of the World to the Present Time ; to which is added the Design of a Monument to the Memory of a Great Artist, well-known to the Craft, and a CONCISE SYSTEM of CHRISTIAN MASONRY . . . Concluding with a MASONIC POEM on the FOUR PARTS of the DAY, &c., SECOND EDITION, embellished with *twelve aquatints* applicable to the several subjects, contemporary sheep, *Printed by J. Moore for the Author*, 1784 **£15/15/-**

Wolfstieg, 3893 gives incorrect collation. It is Title + viii. + leaf announcing the G.L. permission to publish, with Errata on verso, plus xviii, + leaf of adverts. + 164 pages.

The Author was Grand Tyler also Tyler to the Somerset House, Friendship, Britannic, and Royal Lodges, and Janitor to the Grand Royal Arch Chapter.

484 ——— ANOTHER COPY, wanting leaf of adverts. and one leaf of Songs (pages 161/2) ; *having 5 of the 12 plates rather crudely coloured* and some scribblings, old sheep, binding shabby, *ibid.*, 1784 **£6/-/-**

485 **JOHNSON** (G. Y.) and **BRAMWELL** (F. H.) A CATALOGUE of MASONIC POTTERY, The Freemasons' Hall, Duncombe Place, York; in the possession of the Province of Yorkshire North and East Ridings and the York Lodge, No. 236; *with* 13 *illus.*, *York*, 1951 **10/-**

486 **JOHNSON** (REV. JOSEPH) The LURE of FREEMASONRY, with a Foreword by the Rev. Dr. JOSEPH FORT NEWTON, 1936 **10/-**

487 **JOHN BULL MAGAZINE** and **LITERARY RECORDER** (THE), Volume 1 (July to Dec. 1824, all published), old half calf (worn), 1824 **£2/2/-**

Pages 63 to 68 contain, under the heading " Freemasonry," a castigation (interspersed with verse) of those of the craft who (like the writer) spent too much time at the festive board.

488 **JONES** (BERNARD E.) FREEMASONS' GUIDE and COMPENDIUM, with a Foreword by J. HERON LEPPER, NEW and REVISED EDITION, *illustrated with* 31 *half-tone plates and* 37 *illustrations in the text*, 1956 **£1/10/-**

Based as far as possible on modern research, this is one of the most useful masonic books published in recent years.

489 **JONES** (STEPHEN) MASONIC MISCELLANIES, in POETRY and PROSE, in 3 parts—*viz.*, The MUSE of MASONRY: comprising One Hundred and Seventy Masonic Songs; The MASONIC ESSAYISTS; and the FREE-MASON'S VADE-MECUM; FIRST EDITION, *engraved frontispiece*, contemporary morocco gilt (small stain in top blank margins but a good copy), *Printed for Vernor and Hood*, 1797 **£3/3/-**

Wolfstieg, 939.

The List of Lodges, pages 309-328, corrected to Oct. 1st, 1797, is arranged according to Countries and includes the Foreign Lodges.

490 ——— NEW EDITION [SECOND], enlarged and improved, *engraved frontispiece*, old calf, rebacked, *Printed by W. Wilson for Vernor, Hood, and Sharpe* 1811 **£2/2/-**

Wolfstieg, 939 (iv.).

The List of Lodges in this edition is in numerical order down to No. 621, " Torridzonian " Gold Coast (constituted 11th April, 1810, erased in 1862).

Brother Jones was a Past Master of the Lodge of Antiquity, an intimate friend and the executor of William Preston, after whose death he filled the office of Prestonian Lecturer.

491 **JOUX de la CHAPELLE** (PIERRE de, Orateur de la Loge de la Fraternité) CE QUE C'EST que la FRANCHE-MAÇONNERIE, wrappers, *Genève, An X de la Republique* [1802] **£2/10/-**

Wolfstieg 2956; Kloss 3517.

492 [**JUBÉ** (CHARLES)] RECUEIL des ACTES du SUPRÊME CONSEIL de FRANCE, ou Collection des Décrets, Arrêtés et Décisions de cet illustre Corps de 1806 a 1830. Précedés des GRANDES CONSTITUTIONS de 1762 et de 1786, et du CONCORDAT passé le SUPREME CONSEIL et le GRAND ORIENT de FRANCE (wants binding) wrappers missing, *Paris*, 1832 **£1/10/-**

Wolfstieg, Supp. 6521; Kloss, 4648.

493 **JUGE** (LOUIS-THEODORE) Le GLOBE, ARCHIVES generales des SOCIÉTÉS SECRETS non politiques [et des INITIATIONS], publiées par UNE SOCIETE de FRANCS-MAÇONS et de TEMPLIERS, sous la direction principale du Frere JUGE, *with* 28 *portraits*, 4 vols, roy. 8vo, calf (spines defective), *Paris*, 1839-42 **£2/10/-**

Wolfstieg, 551.

494 **KAUFFMANN** (WILHELM) et **CHERPIN** (JOHANN) HISTOIRE PHILOSOPHIQUE de la FRANC-MAÇONNERIE, ses Principes, ses Actes et ses Tendances, *frontispiece and* 3 *plates*, roy. 8vo., half morocco, m.e., (title and a few pages foxed), *Lyon*, 1850 **£1/15/-**

Wolfstieg, 24132 (iii).

495 **KELLY** (CHRISTOPHER) SOLOMON'S TEMPLE SPIRITUALIZED; setting forth the Divine Mysteries of the Temple, with an Account of its Destruction, *engraved title*, rebound boards, cloth back, uncut, (title-page soiled and some waterstains), *Dublin: printed by Brother William Folds, for the Author, under the sanction and patronage of the Grand Lodge of Ireland*, 1803 **£4/15/-**

It has been said that the Author plagiarized his work from Samuel Lee's " Orbis Miraculum; or the Temple of Solomon pourtrayed by Scripture Light," &c.

Whatever may be Kelley's faults in this respect, all such works seem to be founded more or less on John Bunyan's " Solomon's Temple Spiritualized."

496 **KELLY** (Wm., 30°) Fifty Years' Masonic Reminiscences briefly told: An Address to the brethren of St. John's Lodge, No. 279 Leicester, *with 2 autotype portraits, Printed for Presentation only*, 1888 **10/-**

497 **KENNING** (George) Masonic Cyclopaedia and Handbook of Masonic Archaeology, History and Biography, edited by the Rev. A. F. A. Woodford, 1878 **£1/10/-**

498 **KINGSTON MASONIC ANNUAL** (The) for 1871, edited by Ll. W. Longstaff [containing Articles by the Editor, W. J. Hughan, J. G. Findel, C. James Todd, and others], half calf (binding broken), *Hull*, 1871 **18/-**

Includes Hughan's "History of Freemasonry in York," afterwards republished as No. 1 of his "Masonic Sketches and Reprints."

499 **KIPLING** (Rudyard) The Seven Seas, First Edition, 1896 **12/6**

The well-known poem "The Mother Lodge" appears on pages 196-199.

500 **KLOSS** (Georg) Geschicte der Freimaurerei in England, Irland und Schottland aus ächten Urkunden dargest (1685 bis 1784) nebst einer Abhandlung über die Ancient Masons, half roan, *Leipzig* [1847] **£3/10/-**

Wolfstieg, 5657.

501 ——— Die Freimaurerei in ihrer wahren Bedeutung aus den alten und ächten Urkunden der Steinmetzen, Masonen und Freimaurer nachgewiesen, *frontispiece containing four armorial illustrations*, boards, *Leipzig* [1846] **£2/15/-**

Wolfstieg, 3946.

502 **KNEISNER** (Friedrich) Geschichte des Provinzial-Ordens-Kapitels von Niedersachsen "Inviolabilis" in Hamburg von 1834 bis 1934, *frontispiece and* 19 *illus.*, roy. 8vo., *Hamburg* 1934 **15/-**

KNIGHT TEMPLARS.

503 **ADDISON** (C. G.) The Knights Templars, Third Edition, *vignette title and* 3 *lithograph plates*, 1854 **£1/-/-**

504 **BARD of AVON PRECEPTORY**, Priory of Middlesex By-Laws and Regulations, thin sm. 4to., 1873 **10/-**

505 **BOTHWELL-GOSSE** (A.) The Knights Templars [Transaction No. 1 of the No. 21, Co-Masonry], *ca.* 1920 **10/-**

506 **ILLINOIS.**—History of the Grand Commandery of Knights Templar of the State of Illinois, Volume 2 (in 3 parts), covering the period from October 25th, 1881, to June 1st, 1907, with a Digest of Events of the First Quarter of a Century, from October 27th, 1857, *profusely illus.*, 3 vols. (bindings damp-stained), *Published by order of the Grand Commandery* [*Bloomington, Illinois*], 1908 **£1/5/-**

507 **KENDRICK** (Rev. John) A Selection of Papers on Subjects of Archaeology and History Communicated to the Yorkshire Philosophical Society, 1864 **£1/5/-**

The first chapter deals with "The Rise, Extention and Suppression of the Order of Knights Templar in Yorkshire" (68 pages).

508 **RAYNOUARD** (François Juste Marie) Les Templiers, tragédie; représentée pour la première fois sur le Théâtre Français par les Comédiens ordinaires de l'Empereur, la 24 floréal an XIII (14 mai, 1805), Précedée d'un précis historique sur les Templiers, *frontispiece*, 1805; bound with [Grouville (Phil)] Memoires Historiques sur les Templiers, ou Eclaircissemens Nouveau sur leur Histoire, leur Procès, [etc.], *frontispiece*, 1805. The 2 items in one volume, contemporary half calf, *Paris*, 1805 **£3/-/-**

Wolfstieg, 41947 and 5152; Kloss, 2257 and 2267.

509 **ROYAL GLOUCESTER PRECEPTORY.**—[Freeman (P. T., *Compiler*)] A History of the Royal Gloucester Preceptory and Priory No. 32 of the United Religions and Military Orders of the Temple, and of St. John of Jerusalem, Palestine, Rhodes and Malta, 1845-1945, *with* 8 *illus. on* 6 *plates*, *Southampton* [1946] **15/-**

510 **ST. GEORGE PRECEPTORY.**—Matier (C. Fitzgerald) The Origin and Progress of the Preceptory of St. George, 1795-1895, with Roll of Members and Preceptors carried down to 1910 [Foreword by William James Hughan], *with* 6 *illus.*, [1911] **12/6**

511 **STATUTES** for the Government of the Royal Exalted Religious and Military Order of Masonic Knights Templar in England and Wales, as resolved and agreed on at the Grand Conclave, May 13th, 1853, *frontispiece and* 4 *plates*, 1853 **15/-**

512 **STATUTES** . . . as resolved and agreed on at the Grand Conclave held on the 9th of December, 1864, *with frontispiece and 4 plates*, 1864 10/-

513 **TEMPLE PRECEPTORY, LONDON.**—The OFFICERS of The PRECEPTORY of THE TEMPLE at LONDON, with abstracts of The History of the Order, of its Preservation in Scotland, and of The Rules of the Preceptory, with The Roll of its Members. A.T. 732-A.D. 1850, roy. 8vo., vellum, gilt, [1851] 18/-

KNIGHTS TEMPLARS, *vide* DIBDIN (CHARLES), ante.

---

514 **KNOCKER** (GEORGE STODART) FREEMASONRY in JERSEY [1762-1929], *frontispiece, chart, 21 plates and 19 text-figures, Lowestoft*, 1930 £1/10/-

515 **KNOOP** (DOUGLAS) and **JONES** (G. P.) THE GENESIS of FREEMASONRY : An Account of the Rise and Development of Freemasonry in its Operative, Accepted, and Early Speculative Phases, *Manchester*, 1947 £1/5/-

516 ——— A HANDLIST of MASONIC DOCUMENTS [arranged in Alphabetical Order and Summarizing their history, date, etc. ; comprising CATECHISMS, CONSTITUTIONS, OLD CHARGES, POCKET COMPANIONS, etc., whether printed or MSS.], *ibid.*, 1942 6/-

517 ——— AN INTRODUCTION to FREEMASONRY [the Origin of Freemasonry and the Connection between operative and speculative Masonry], *ibid.*, 1937 7/6

518 ——— THE MEDIAEVAL MASON, An Economic History of English Stone Building in the Later Middle Ages and Early Modern Times, *Re-issue, ibid.*, 1949 £1/5/-

519 ——— The SCOTTISH MASON, and the MASON WORD, [Two Studies], *with a Sketch map, ibid.*, 1939 8/6

520 **KNOOP** (DOUGLAS), **JONES** (G. P.), and **HAMER** (DOUGLAS) EARLY MASONIC PAMPHLETS [1638-1736], *Manchester*, 1945 £4/-/-

Only 500 copies were printed. It is a companion volume to " Early Masonic Catechisms." Both works are out of print and now very scarce.

521 [**KÖPPEN** (KARL FRIEDRICH)] ESSAY on the MYSTERIES and the TRUE OBJECT of the BROTHERHOOD of FREE MASONS, translated from the Second French Edition of Amsterdam, 1774, by W. H. REECE, 1862 15/-

522 [———] LES PLUS SECRET MYSTERES des HAUTS GRADES de la MAÇONNERIE DÉVOILES, ou LE VRAI ROSE-CROIX, traduit de L'Anglois ; suivi DU NOACHITE, traduit de l'Allemand [par-BERAGE], NOUVELLE EDITION augmentée, *frontispiece and a folding plate*, original boards, entirely uncut, *Jerusalem* [*Berlin: Haude & Spencer*], 1774 £5/5/-

Wolfstieg, 29989 (v) ; Kloss, 1898.

The frontispiece having extra large margins is folded and placed with the other plate after the Table (page xvi).

This is the only edition to contain (pages 153 to 163) " Sublime Assemblée des Maçons Africains, which under the sub-heading Les Loix, on page 159 says ' La Société qui se nomme Maçons Africains ou Gomergons,' "—possibly one of the allusions to the " Gormogons."

[———] ANOTHER EDITION, [*Berlin*] 1788, *refer to* [LA TIERCE (Le FRERE De)], post.

523 **KUHNE** (F. GUSTAV) DIE FREIMAURER, Eine Familiengeschichte aus dem vorigen Jahrhundert, [in 3 parts : GROSSVATER ERLAUGHT; XAVER DUBOIS ; and GRAF GIUSEPPE della TORRE], half roan, *Frankfurt a. M.* 1855 £1/10/-

Not in Wolfstieg.

Although a separate and complete work in itself it forms the fifth of a series entitled : Deutche Bibliothek ; Sammlung auserlesener Original-Romane, von Otto Muller.

524 **L.** (E. H.) GUIDE and HINTS for the SECRETARY of a MASONIC LODGE, 1952 6/6

525 **LAFITTE** (J. B. PIERRE) Les SYBARITES ou les FRANCS-MAÇONS de FLORENCE, Drame Lyrique en Trois Actes, 56 pages, unbound, *Paris*, 1831 £1/1/-

Wolfstieg (Supp.) 10640.

526 [**LAMBERT** (GEORGE)] OUR TRIP to WEYMOUTH in the SUMMER of '66 [MASONIC VERSES, *issued for Private Circulation to Brethren and printed at the Writer's own Press*], [1866] £1/-/-

The author was S.W. of Percy Lodge No. 198 at this time. An Account of his Masonic Services will be found in Cowell's " Some Account of the Percy Lodge of Freemasons."

527 **LAMONBY** (W. F.) UNITED GRAND LODGE of VICTORIA [S.E. AUSTRALIA]: A Record of the Proceedings in Connection with its Inauguration, March 20th and 21st, 1889, morocco, *Printed for Private Circulation*, 1894 **15/-**

528 **LANE** (JOHN) CENTENARY WARRANTS and JEWELS: comprising an Account of all the Lodges under the Grand Lodge of England to which Centenary Warrants have been granted; together with *Illustrations of all the Special Jewels*, with Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, *coloured frontispiece and* 11 *plates*, 1891 **£1/5/-**

529 ——— A HANDY BOOK to the STUDY of the ENGRAVED, PRINTED, and MANUSCRIPT LISTS of LODGES of Ancient Free and Accepted Masons of England (" MODERNS " and " ANCIENTS ") from 1723 to 1814, with an Appendix and Valuable Statistical Tables, 1889 **£1/15/-**

530 ——— MASONIC RECORDS, 1717-1886, comprising a LIST of all the LODGES at HOME and ABROAD warranted by the FOUR GRAND LODGES and the UNITED GRAND LODGE of ENGLAND, with the dates of Constitution, Places of Meeting, Alteration in Numbers, etc. . . . Also Particulars of all Lodges having Special Priviledges, Centenary Jewel Warrants, &c., with Introduction by WILLIAM J. HUGHAN, 4to., (lower corners of covers slightly waterstained), 1886 **£3/10/-**

531 ——— SECOND and BEST EDITION, brought down to 1894, 4to, 1895 **£5/15/-**

532 L[ANGLEY] (B[ATTY]) The CITY and COUNTRY BUILDER'S and WORKMAN'S TREASURY of DESIGNS: or the Art of Drawing and Working the Ornamental Parts of Architecture, *illustrated by upwards of* 400 *grand designs, neatly engraved on* 186 *copperplates . . . . with an Appendix of* 14 *plates* . . . 4to, contemp. sheep, rebacked, *Printed for John and Francis Rivington*, 1770 **£8/10/-**

533 **LANGLEY** (BATTY and THOMAS) ANCIENT ARCHITECTURE, RESTORED and IMPROVED, by a great variety of Grand and Useful Designs, entirely new in the Gothick Mode for the Ornamenting of Buildings and Gardens . . . *exquisitely engraved on* 64 *copperplates*, 4to., original sheep, *Printed by the Editors* [1742] **£9/15/-**

Dedicated to His Grace Charles, Duke of Richmond and to His Grace John, Duke of Montagu [Past Grand Masters of the Craft].

534 ——— The BUILDER'S JEWEL: or the YOUTH'S INSTRUCTOR, and WORKMAN'S REMEMBRANCER, explaining Short and Easy Rules, . . . for Drawing and Working, (I) The FIVE ORDERS of COLUMNS . . . (II) BLOCKS and CANTALIVER CORNICES [etc.], TENTH EDITION, *fine emblematic frontispiece of the three pillars: Wisdom, Strength, and Beauty, with appendages of the Working Tools, etc., and* 99 *Copperplates*, sq. 12mo., neatly rebound in antique style calf, *Printed for C. and R. Ware*, 1763 **£4/4/-**

535 [**LARUDAN** (L'ABBÉ)] LES FRANCS-MAÇONS ÉCRASÉS suite du livre intitule L'ORDRE des FRANCS-MAÇONS TRAHI, traduit du Latin [FOURTH EDITION], *frontispiece engraved by* S. FOKKE, *and* 5 *folding plates*, contemporary calf gilt, *Amsterdam*, 1762 **£5/5/-**

Wolfstieg, 29969 (iii).

536 ——— [SIXTH EDITION], *engraved frontispiece but with only* 4 *of the* 5 *plates* (*plate* 5 *at page* 299 *missing*), old calf (joint cracked; spine a little defective), *ibid.*, 1778 **£2/10/-**

Wolfstieg, 29969 (vi).

537 [**LA TIERCE** (Le Frere De)] HISTOIRE OBLIGATIONS et STATUTS de la tres venerable CONFRATERNITE des FRANCS-MAÇONS tirêz de leur archives et conformes aux traditions les plus anciennes: approuvez de toutes les Grandes Loges . . . PREMIERE EDITION, *engraved frontispiece, and* 5 *plates of music*, contemporary calf gilt, g.e., *Francfort sur le Main*, 1742 **£6/-/-**

Two leaves of " Discours Preliminaire " and 1 plate of music are misbound.

538 ——— ANOTHER COPY, orig. boards (rebacked), entirely uncut, *ibid.*, 1742 **£8/-/-**

Wolfstieg, No. 20412.

This was reprinted in 1745 under the title " Histoire des Francs-Maçons."

There are some curious variations from Anderson whom the author professes to translate.

539 ——— ANOTHER COPY, FIRST EDITION, *ibid.*, 1742; bound with [PERAU (GABRIEL LOUIS C.)] L'ORDRE des FRANCS-MAÇONS TRAHI, et Leur Secret Révélé, *with* 2 *folding plans and a plate of cipher*, *A L'Orient* [*Paris*], *chez G. De L'Étoile*, [*ca.* 1780]; [KOPPEN (KARL F.)] LES PLUS SECRETS MYSTERES des HAUTE GRADES de la MAÇONNERIE DÉVOILES ou Le VRAI ROSE-CROIX, traduit de L'Anglois; Suivi Du Noachite, traduit de L'Allemand [par M. BÉRAGE] *with frontispiece and folding plate*, *Jerusalem* [*Berlin*] 1788; The Three items in one volume, contemp. French mottled calf (binding defective at spine), 1742-88 **£12/-/-**

Wolfstieg, Numbers 20412 (iv); 29963 (xv); 29989 (iii) respectively.

540 **LASCELLES** (Viscount): Record of his Installation as Rt. Wor. Provincial Grand Master of West Yorkshire, at the Town Hall, Leeds, 8th Oct., 1926, edited by Charles E. Frobisher, *illus.*, morocco, 1926 **15/-**

541 **LATOMIA.** Freimaurerische Vierteljahrs-Schrift, Vols I to XII, *with 6 portraits and 22 plates (of which 4 are in colour)*, bound in 6 vols, shabby half calf, spines damaged, *Leipzig*, 1842-48 **£4/10/-**

Wolfstieg, 559.

Withdrawn from the Guildhall Library London. Several pages and most of the plates having the library stamp.

This is the scarce portion of this periodical. It was continued as 'Freimaurerisches Jahrbuch.'

542 **LAURENS** (J. L.) Essai Historiques et Critiques sur la Franche-Maçonnerie, ou Recherches sur son Origine, sur son Système et sur son But, Premiere Edition, boards, *Paris*, 1805 **£3/-/-**

Wolfstieg 3909; Kloss, 726.

543 [———] Vocabulaire des Francs-Maçons suivi des Constitutions générales de l'Order de la Franche-Maçonnerie, d'une Invocation Maçonnique à Dieu, et de quelques pièces de Poésie inédites, par Un Franc-Maçon, Deuxième Edition, revue et augmente, wrappers, uncut, *Paris*, 1808 **£2/10/-**

Wolfstieg 1294 (iii); Kloss, 1968. A later edition of this work, published in 1810 came out under the name of Bazot.—*vide* Kenning's Cyclopaedia.

544 **LAURIE** (William A.) The History of Free Masonry and the Grand Lodge of Scotland, with Chapters on the Knights Templars, Knights of St. John, Mark Masonry, and R.A. Degree; to which is added an Appendix of valuable papers, *emblematic title-page, 11 plates and numerous other illustrations (lacks portrait, some wormholes)*, half roan, *Edinburgh*, 1859 **£1/15/-**

545 **LAWRENCE** (Rev. John T.) The Perfect Ashlar and other Masonic Symbols, 1951 **11/6**

546 ——— The Keystone and other Essays on Freemasonry, with a portrait [Memoir] of Sir Edward Letchworth, G.S., 1947 **11/6**

547 ——— Highways and By-Ways of Freemasonry, a Series of Essays . . . New and Revised Edition, 1954 **11/6**

548 ——— Sidelights on Freemasonry (Craft and Royal Arch), New and Revised Edition, *illus.*, 1948 **11/6**

549 ——— Masonic Jurisprudence and Symbolism, as interpreted by Grand Lodge Decisions, with an Introduction by Canon J. W. Horsley, 1912 **8/6**

550 **LAWRENCE** (Samuel) The Moral Design of Freemasonry, Deduced from the Old Charges of a Freemason, to which is added: The Vision of Achmed, A Masonic Allegorical Poem, *Atlanta and New York*, 1860 **15/-**

551 **LEADBEATER** (C. W.) The Hidden Life in Freemasonry, with a Foreword by Annie Besant, Second Edition, *with 11 plates (3 in colour) and 16 text-illustrations*, *T.P.H., Madras*, 1928 **£1/5/-**

552 ——— Fourth Edition (a re-issue of the Second Edition), boards, cloth back, *ibid.*, 1955 **£1/1/-**

553 **LECTURES on FREEMASONRY,** delivered at the Lodge of Instruction held under the Warrant of the Victoria Lodge, No. IV., Dublin, in the months of January, February, and March 1857, Comprising: Townsend (J. F., Deputy G.M. of Ireland) The Duty of a Master in the Government of a Masonic Lodge; Longfield (Robert) The Origin of Freemasonry; Morrison (Rev. G. S.) The Ethics of Freemasonry; each Lecture 24 pages, the three items in one volume, *Dublin*, 1857 **£1/10/-**

554 **LEE** (Rev. Charles) Freemasonry: Its Antiquity and Excellence, A Sermon-Lecture Delivered before the Provincial Grand Lodge of Staffordshire, May 17th, 1878, at S. Mary's Church, Stafford, 18 pages, boards (original wrappers bound in), *Wolverhampton*, [1878] **10/-**

555 **LEE** (Henry) Poetic Impressions, a Pocket Book, with Scraps and Memorandums, boards, uncut (one cover detached), 1817 **£1/5/-**

Contains two poems of Masonic interest: "Faith, Hope, and Charity, a Masonic Ode" and "All's Right, a Masonic parody."

556 **LEEDS INSTALLED MASTERS' ASSOCIATION,** Transactions, Vols 5 to 12, 1908/9 to 1915/16, 8 vols, wrappers, *Leeds,* 1910-17 **£3/10/-**

557 ——— Transactions, Vols 9 to 12, 1912/13 to 1915/16, 4 vols, wrappers, *ibid.,* 1914-17 **£1/10/-**

558 **[LE FRANC** (Abbé François)] Le Voile Levé pour les Curieux, ou Le Secret de la Revolution [Français] révélé a L'aide de la Franc-Maçonnerie, Premiere Edition, boards [*Paris: Valade*] 1791 **£4/10/-**

Top blank margin of half-title cut away.

Wolfstieg, 6362 ; Kloss, 3445.

Thory [" Acta Latomorum " Vol 1 page 192] says that the Author was massacred at the " Prison des Carines," and that a generous Freemason, Brother Ledhui, who attempted to save him, also underwent the same fate

559 **LEICESTER LODGE of RESEARCH, No. 2429.**—Transactions, Vols 3 to 45, 1894/95 to 1936/37 (wanting vols 12, 1903/4 ; 15, 1906/7 ; and 16, 1907/8), *with numerous illustrations,* 40 vols, (first 22 vols wrappers ; the last 18 vols bound in 6, half roan), *Leicester,* 1895-1938 **£22/10/-**

This is one of the most important of the Transactions issued by Lodges of Research. From its Commencement until 1930 it was edited by John T. Thorp, and thereafter by A. L. Macleod.

The above set includes the Supplementary Papers afterwards issued as separate items : " Masonic Papers," 5 parts, 1900-15 ; " Early History of the Knights of Malta Lodge, Hinckley," 1899 ; " Irish Masonic Certificates," 1903 ; " Memorials of Lodge No. 91 (Antients) Leicester," 1898 ; " Freemasonry in Ashby-de-la-Zouch," 1909 ; and " Lodge No. 47, Macclesfield," 1930.

560 ——— Transactions, Vols 20 to 34, 1911/12 to 1925/26 (wanting vol 26, 1917/18), 14 vols, wrappers, *ibid.,* 1912-27 **£5/5/-**

561 ——— Transactions, vols 21 to 25, 1912/13 to 1916/17, 5 vols, (2 vols binders' cloth edges damp stained ; other vols, wrappers), *ibid.,* 1914-18 **£1/17/6**

562 ——— Transactions, vols 27 to 30, 1918/19 to 1921/2, 4 vols, wrappers, *ibid.,* 1920-23 **£1/10/-**

563 **LEICESTERSHIRE** and **RUTLAND** Provincial Grand Lodge, By-Laws ; to which is added a History of Freemasonry in the Province and a Roll of Grand Lodge Officers, &c., from 1775 to 1870, wrappers, *Leicester,* 1870 **18/-**

564 **LENNHOFF** (Eugene) Die Freimaurer, *mit* 107 *abbildungen, Leipzig,* 1932 **£1/10/-**

565 ——— The Freemasons : The History, Nature, Development and Secret of the Royal Art, translated from the German by Einar Frame, *with* 63 *plates and* 15 *illus. in the text,* good ex-libris copy, 1934 **£2/10/-**

566 **LENNING** (C. [really C. Hesse]) Allegemeines Handbuch de Freimaurerei. Zweite völlig umgearbeitete Auflage von Lenning's Encyklopadie der Freimaurerei [Herausgeben die Friedrich Mossdorf], 3 vols, roy. 8vo., half roan, *Leipzig,* 1863 **£2/-/-**

567 ——— Best Edition, 2 vols stout roy. 8vo., half roan (a little rubbed), *ibid.,* 1900 **£3/10/-**

568 **L'ESPÉRANCE LOGE**—Installation de la Loge de L'Esperance, à L'Or. d'Arras, au Rit Ecossais Ancien, accepte pour la France . . . (29 Juin, 1835], 22 pages, wrappers, *Arras,* 1835 **£1/-/-**

Kloss, 5341.

569 **[LESSING** (Gotthold Ephraim)] Entretiens sur la Franc-Maçonnerie, par un Philosophe bien digne d'en être, *vignette on title,* 82 pages, modern boards, cloth back (amateur binding, orig. front wrappers bound in), *Rotterdam,* 1784 **£1/10/-**

Wolfstieg 1373.

The above copy is printed on handmade paper with watermark J. Honig and has the appearance of being a later reprint.

570 ——— Masonic Dialogues, translated from the German, with Introduction and Annotations by the Rev. A. Cohen, 1927 **7/6**

571 **LE STRANGE** (Hamon) History of Freemasonry in Norfolk, 1724 to 1895, *portrait, Norwich,* 1896 **£1/5/-**

572 **LESUEUR** (Émile) La Franc-Maçonnerie Artésienne au XVIIIe Siècle : Thése pour le Doctorat És-Lettres, presentée a la Faculté des Lettres de l'Université de Besançon, *illus.,* roy. 8vo., boards, cloth back (original wrappers bound in), *Paris,* 1914 **£2/2/-**

573 **LINNECAR** (Richard, *of Wakefield*) Miscellaneous Works, First Edition, half calf gilt, *uncut*, nice copy, *Leeds, Printed by Thomas Wright*, 1789 £3/15/-
Inscribed in ink on top blank margin of title-page : " Eliza Linnecar to Henry Jackson, Feb. 24th, 1817."

574 —— Another Copy, old calf (binding a little worn), *ibid.*, 1789 £2/15/-
Includes a Song ' On the Constituting of the Lodge No. 238, at Wakefield ' [This is now the Lodge of Unanimity No. 154], pages 233-35 ; ' An Hymn on Masonry,' pages 239-40 ; and ' Strictures on Masonry,' pages 245-62.

575 [**LIOY** (Felix de)] Histoire de la Persecution intentèe en 1775 aux Francs-Maçons de Naples, suivie de Pieces Justificatives, *with 2 engraved plates*, wrappers, uncut, *Londres*, 1780 £3/15/-
Kloss, 3181. This work was re-issued under the title : " Mémoires des Francs-Maçons de Naples," 1790 and again, translated into English, 1793 and probably later.
Apparently the French edition was unknown to Wolfstieg.

576 **LITTLE MASONIC LIBRARY**, published by the Masonic Service Association of the United States, being a republication of Standard Works by British and American Writers, 20 vols, *Washington, D.C.*, 1924 £3/15/-
Includes Anderson's Constitutions of 1723 ; Landmarks of Freemasonry, by S. H. Shepherd, 2 vols ; Masonic Jurisprudence, by R. Pound ; Comacines, by W. Ravenscroft ; Modern Masonry, by J. Fort Newton ; The Morgan Affair, by J. C. Palmer ; Mormanism and Masonry, by Goodwin ; History of the York & Scottish Rites, by H. R. Evans, etc.

577 **LIVRE-D'OR.**—Extrait du Livre-D'or du S. Chap. Métropolitain, sous le Rit le plus ancien connu et pratiqué en France, 14 pages, unbound, *Paris*, 1807 £1/5/-
The Livre-D'or was the Minute Book of one of the high grades in France

578 [**LOFTUS** (G. W. F.)] Reminiscences of Twenty Six Years of Freemasonry [1864-1890] : By a Past Provincial Grand Officer of Norfolk, 1890 12/6

579 [**LOMBARD de LANGRES** (Vincent)] La Vérité sur les Sociétés Secrètes en Allemagne, à l'occasion de l'ouvrage ayant pour titre : Des Sociétés Secrètes en Allemagne et en d'autres Contrées . . . etc., par Un Ancien Illuminé, wrappers, *Paris*, 1819 £2/-/-
Wolfstieg, 3808 (ii) ; Kloss, 3539 ; Caillet, 6771.
A sequel to the author's " Des Sociétés Secrétes en Allemagne " 1819.

580 **LONDON RANK ASSOCIATION.**—London Rank in Freemasonry, A Record of the Appointments made by the M. W. the Grand Master of England [in 1908 and 1909], with Sketches of the Masonic Careers of Recipients, *illus.*, 1910 ; Year Book, 1921 ; Blue Book, 1921-1925 ; the 3 items in one volume, boards, roan back, 1910-25 £1/-/-

581 **LOTHIANS and BERWICKSHIRE MASTERS' and PAST MASTERS' ASSOCIATION,** Proceedings, for 1913/14 to 1941/42 being numbers 1 to 87 (except 15 and '86, 1916/17 and 1940/41), 85 parts, wrappers, *Edinburgh* 1914-42 £4/-/-
·Each part consists of approximately 8 pages with one or more articles on various aspects of Freemasonry.

582 **L'UNION PARFAITE.**—Ouverture des Trav. pour L'Install. de la R. L. L'Union Parfaite, Regulièrement Constituée a L'Or. de Chollet, le 22e J. du 3e M. de L'An de la V. L. 5829, et Installée le 6e J. du 5e M. : 5829, par les FF. Mangin, Dessay, et Dumont, représentant la L. Mars et les Arts, Or. de Nantes. 24 pages, wrappers, *Nantes* [1829] £1/5/-
Apparently not in Wolfstieg or Kloss.

583 **L'UNIVERS MAÇONNIQUE,** Revue Générale des Progrès et Acquisitions de L'Esprit Humain, dans toutes les Branches des Connaissances Maçonniques, Histoire —Litterature—Poésie—Biographie et Bibliographie, . . . avec L'Autorisation Spéciale du Grand-Orient de France, par Une Société de Francs-Maçons, . . . dirigée par César Moreau de Marseille [Numbers 1 to 4, 1835-6, all published], rebound cloth, *Paris*, 1837 £1/15/-
Wolfstieg, 546.

584 **MACBEAN** (Edward) On Symbolism, 30 pp., wrappers, *Printed for Private Circulation*, [1888] 10/-

585 [**McDONOUGH** (Capt. Felix)] Traits and Stories of Scottish Life, 3 vols., original boards, cloth backs (binding a little worn), 1836 £1/-/-
Vol 1, pages 155-161, consist of a sketch entitled " A Masonic Lodge."

586 **MACDONALD** (GEORGE) ORATION delivered at the FUNERAL LODGE of MASTER MASONS, held by the brethren of ST. DAVID'S LODGE, EDINBURGH, in Freemasons Hall, on Tuesday, 31st Oct. 1837, in honour of the memory of Sir P. WALKER, of Coates [late J.W. of the Grand Lodge of Scotland], 30 pages, wrappers, *Edinburgh*, 1837 **15/-**

587 [———] A VIEW of the ORIGIN, OBJECTS and UTILITY of FREEMASONRY, by the W. SUBSTITUTE MASTER of ST. DAVID'S LODGE, EDINBURGH, 24 pages, stitched, *ibid.*, 1830 **18/-**

588 ——— ANOTHER COPY, cloth, *ibid.*, 1830 **£1/5/-**
Wolfstieg, 4098.

589 **MACKENZIE** (KENNETH R. H.) The ROYAL MASONIC CYCLOPAEDIA of History, Rites, Symbolism and Biography, containing upwards of Three Thousand Subjects; together with Numerous Original Archaeological Articles on Topics never before treated in any similar Work, publisher's half roan (binding worn), 1877 **£4/15/-**
An important work of reference, containing special features not common to any other cyclopaedia. It has become very scarce.

590 **MAÇONNERIE SYMBOLIQUE.**—RITS FRANCAIS et ECOSSAIS: Apprenti, Compagnon, et Maitre, 3 parts, each 8 pages, wrappers, [*Paris, ca.* 1870] **£1/5/-**

591 ———: MAÇONNERIE SYMBOLIQUE, suivant le regime du GRAND ORIENT de FRANCE, [Comprend trois Grades: Apprenti, Compagnon, et Maitre], *with plate of Masonic Alphabet, and another of Numbers*, 32 pages, wrappers [*Paris*], 1809 **£1/1/-**

592 **MAHHABONE**: or, THE GRAND LODGE DOOR OPEN'D. Wherein is Discovered the Whole Secrets of Free-Masonry, both Ancient and Modern, containing An Exact Account of all the Ceremonies and Mysteries belonging to Masonry, from an Entered Apprentice to a Pass'd Master, . . . as authorized and delivered in all good Lodges . . . To which is Annex'd A Collection of Masons' Songs, Toasts, Sentiments [etc.] . . . by Jxxx Gxxxxxx, FIRST DUBLIN EDITION, *engraved frontispiece*, 66 pages, modern boards, *Dublin: Printed, and to be had at Thomas Wilkinson's* [1778] **£18/18/-**

593 **MALDEN** (REV. C. H.) A HISTORY of FREEMASONRY (under the English Constitution) on the COAST of COROMANDEL; together with Histories of the OLD MADRAS LODGES which were founded before the Union; together with Appendices and a *map*; with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, *Madras*, 1895 **£1/8/-**

594 ——— ANOTHER COPY, (binding badly waterstained), *ibid.*, 1895 **18/-**
"A reliable, complete, and ably digested account of the Craft in Madras from 1752 to date."—HUGHAN.

595 **MALDEN** (HENRY, *Chapel-Clerk*) AN ACCOUNT of KING'S COLLEGE-CHAPEL, in CAMBRIDGE; . . . Including a Character of Henry VI. and a Short History of the Foundation of his two Colleges, King's and Eton, and containing . . . [under heading No. IV. of the Contents] An Accurate Description of whatever is worthy of Notice within the Chapel—WONDERFUL STRUCTURE of the STONE ROOF: which occasions a MENTION of the ORIGINAL SECRET of FREE-MASONS, and some few particulars concerning that Society . . . *embellished with a plate of the Chapel, and a print of the Author*, executed by a Gentleman of the University, half calf, *Cambridge, Printed for the Author, by Fletcher and Hudson* . . . 1769 **£3/15/-**
According to Upcott the Topographer, the real author was Dr. James, one of the Fellows and Master of Rugby College. Not given in the United Grand Lodge Library Catalogue.

596 **MANCHESTER ASSOCIATION** for **MASONIC RESEARCH,** TRANSACTIONS for 1909/10 to 1953, being Vols 1 to 43 *with numerous illustrations*, 43 vols in 41; vols 1 to 3 in one volume half roan, the remainder in orig. wrappers, *Manchester*, 1910-1954 **£21/-/-**
The early volumes of these important transactions are now scarce.
Each volume contains at least four interesting papers, the contributors including such well-known writers as C. P. Noar, R. H. Baxter, John T. Thorp, Rev. W. W. Covey Crump, James O. Manton, R. E. Wallace-James, Charles Gough, Eustace B. Beesley, F. L. Pick, Norman Knight, and Arthur Sharp.

597 ——— Vols 6 to 40, 1915/16 to 1950 (wanting vols 18, 1927/8; 21, 1931; and 39, 1949), 32 vols, wrappers (spine of 1 vol damaged), *ibid.*, 1916-51 **£12/-/-**

598 ——— Vols 1 and 2, 1909/10 and 1910/11, wrappers, *ibid.*, 1911-12 **£2/-/-**

599 ——— Vols 8 to 16, 1917/18 to 1925/6 (wanting vol 10, 1919/20), 8 vols, wrappers, *ibid.*, 1919-29 **£3/5/-**

600 ——— Vols 11 to 15, 1920/21 to 1924/25, 5 vols, wrappers, *ibid.*, 1921-26 **£2/-/-**

601 ——— Vols 14 and 15, 1923/24 to 1924/25, 2 vols; Vol. 20, 1929/30; Vols 23 to 25, 1933 to 1935, 3 vols; Vols 27 to 29, 1937 to 1939, 3 vols; Vol 31, 1941; Vol 34, 1944; Vols 36 and 37, 1946-47, 2 vols. All in wrappers, EACH UNIT AT PER VOLUME **8/-**

602 **MANCHESTER ASSOCIATION** for **MASONIC RESEARCH :** PICK (FRED. L.) MORE MASONRY INTO MEN: The Story of the Manchester Lodge and Association for Masonic Research, with suggestions for a Course of Masonic Reading and an index to the first forty volumes of the Transactions (1909-1950); with a foreword by Sir Edward Rhodes, wrappers, *Oldham*, 1951 **7/6**

603 [**MANT** (WALTER, *Bp.*)] FREEMASON'S POCKET COMPANION ; containing a Brief Sketch of the History of Masonry, a Chronology of Interesting Events, etc., by a BROTHER of the APOLLO LODGE, 711, Oxford, 12mo., 1831 **£2/2/-**

Wolfstieg, 828.

604 **MANTON** (JAMES O.) EARLY FREEMASONRY in DERBYSHIRE with especial reference to the TYRIAN LODGE, No. 253, *with facsimiles of documents*, wrappers, 1913 **10/-**

Manchester Association for Masonic Research : Monograph No. 1.

605 **MARGOLIOUTH** (Rev. MOSES) GENUINE FREEMASONRY Indissolubly connected with REVELATION : A Lecture delivered in the Worthy and Worshipful Lodge of Virtue, 177, [now No. 152], Manchester, 46 pages, wrappers, 1852 **18/-**

MARK MASONS.

606 **CHELMER LODGE,** No. 342, CHELMSFORD, Essex.—CRATE (Rev. F. E.) The CHELMER LODGE of MARK MASTER MASONS, 1884-1933, *with 2 portraits*, stiff wrappers, *Colchester*, [1934] **10/-**

607 **CONSTITUTIONS** of the Grand Lodge of Mark Masters of England and Wales, and the Colonies and Dependencies of the British Crown : being the Regulations for the Government of the Order of Mark Masters, &c., 1870 **18/-**

608 ——— Ditto for 1871 **15/-**

609 ——— Ditto for 1872 **15/-**

610 ——— Ditto for 1877 **18/-**

Bound at end is the Reprint of the Roberts' Constitutions of 1722 published in 1870.

611 ——— Ditto for 1882 [interleaved copy] **10/-**

612 ——— Another Copy (with Reprint of the Roberts' Constitutions of 1722, dated 1882) **15/-**

All of the above editions were issued by Frederick Binckes, Grand Secretary. Each contains a preliminary essay on the "Origin of the Grand Lodge of M.M.M. of England," omitted in later editions.

The editions of 1870-1877 and 1890 are not shown in the United Grand Library catalogue as being in the Library.

613 ——— Ditto for 1890. **10/-**

A reprint of the edition of 1886, that date being retained on cover.

614 ——— Ditto for 1895. **6/-**

This and the previous edition were issued by Charles Fitzgerald Matier, Grand Secretary.

615 **GRANTHAM** (J. A.) AN INTRODUCTION to MARK MASONRY, a Survey of Masonic Evolution in the British Isles, FIRST EDITION, *frontispiece and* 10 *plates*, *Buxton* [*Devonshire*] 1934 **£1/5/-**

616 ——— SECOND (ENLARGED) EDITION, with a Foreword by G. E. W. BRIDGE, *frontispiece and* 15 *plates*, *ibid.*, 1935 **£1/15/-**

617 **SPRINGETT** (B. H.) The MARK DEGREE,' its Early History, its Variations in Ritual, its Symbolism and Teaching, 1931 **6/-**

---

618 [**MARRYAT** (THOMAS)] The PHILOSOPHY of MASONS in several Epistles from Egypt, to a Nobleman, FIRST EDITION, neatly rebound in old style sprinkled calf, *Printed for J. Ridgway*, 1790 **£12/-/-**

Wolfstieg 24123 ; Kloss 520.

Dedicated to the French National Assembly. The biographer of Marryat in the Dictionary of National Biography says of this book : " A work so heterodox in opinion and licentious in language as to offend his best friends.

619 **MARTIN** (GEORGE M., *Compiler*) BRITISH MASONIC MISCELLANY [a Series of 132 Short Essays on the OLD CHARGES, ORIGIN and ANTIQUITY of FREEMASONRY, SYMBOLISM, RITUAL, LEGENDS, etc., of CRAFT MASONRY, by R. H. BAXTER, J. T. THORP, H. C. de LAFONTAINE, REV. W. W. COVEY-CRUMP, W. B. HEXTALL, REV. JOSEPH FORT NEWTON, A. E. WAITE, and other well-known writers], 20 vols, *Dundee*, [*ca.* 1935] **£5/10/-**

620 ——— ANOTHER SET, 20 vols, blue leatherette, *ibid.* [*ca.* 1935] **£6/15/-**

621 **MARTIN** (George M.) and **CALLAGHAN** (John W.) The Treasury of Masonic Thought [a Series of 58 Essays on various aspects of Freemasonry, by the foremost writers], *out of print*, *Dundee*, 1924 **£1/5/-**

622 **MASON** (Francis) Cui Bono? Masonry: What's the Use of it? or, The Last Secret of Freemasonry Revealed, being Five Lectures on the Utility of Freemasonry, edited by E. G. Man, [*ca.* 1875] **15/-**

623 **MASON'S MISCELLANIES** (The) or First and Last Stone of the Jerusalem Church, Vol 1 [all published and complete in itself] Consisting of about three hundred Questions and Answers on the first degree of Masonry, for the Society of Free Masons, by the Author of "The Free Mason's Guide," etc., *frontispiece*, 24mo., *Edinburgh, Printed for J. E. Fisher* . . . 1830 **£2/10/-**
Not in Wolfstieg and not given in the United Grand Lodge Library Catalogue.

624 **MASONIC ENQUIRE WITHIN**, a Glossary or Explanation of 1001 Questions relating to English Freemasonry, Alphabetically Arranged, 1925 **10/-**

625 **MASONIC MAGAZINE** (The) A Monthly Digest of Freemasonry in all its branches (Supplemental to "The Freemason") Vols 1 to 9, July 1873 to June 1882; New Series: The Masonic Monthly, July to December, 1882 [all published]; in all 10 vols (9 vols roy. 8vo., half morocco and half calf, bindings worn; 1 vol 8vo. half roan), *Kennings*, 1874-1882 **£12/10/-**

626 ——— Another Set, First Series Complete, 9 vols, half roan (spines of 3 vols missing; bindings worn), *ibid.*, 1874-82 **£7/10/-**

627 **MASONIC OBITUARIES.**—Province of West Yorkshire: In Memoriam [A Record of the more prominent Services rendered by departed brethren of eminence, each of the 117 Obituary Memoirs accompanied by a *portrait*] from its Commencement in October, 1901 to April 1911, 18 numbers, together with an Index covering the years 1901-1909, in one volume, roan, 1901-11 **£1/-/-**

628 **MASONIC PORTRAITS**: A Series of [62] Sketches of Distinguished Brethren, First Series, edited by J. G.; Second Series, by G. B. Abbott; 2 vols, 1876-79 **15/-**

629 **MASONIC RECORD** (The) An Illustrated Monthly, from the Commencement in December, 1920, to July, 1941, being Vols 1 to 22, 4to., vols 1-7 in cloth, the rest in parts, wrappers, 1920-41 **£8/-/-**
Wants Title-pages and Index of Contents to Vols 9 and 19 to 22.

630 ——— Vols 1 to 8, December 1920 to November 1928, strongly bound in 4 vols, buckram, 1920-28 **£4/10/-**

631 ——— Vols 1 to 6, December, 1920, to November, 1927, 6 vols, cloth, 1920-27 **£3/-/-**

632 **MASONIC STAR** (The) A Weekly Journal and Record of Freemasonry at Home and Abroad [Edited by James Stevens] From August 23rd 1888 to August 15th, 1889, being Vols 1 and 2 (Title-page and Index to Vol 2 missing), 2 vols, folio, binders' cloth, 1888-89 **£1/15/-**
This periodical ceased with the first number (August 29th 1889) of an intended Vol. 3.

633 **MASSACHUSETTS GRAND LODGE.**—Report of the Committee on the Relations of Freemasonry to Sectarianism, 18 pages, wrappers, *Boston* [1871] **10/-**

634 **MASTERS' & PAST MASTERS' LODGE NO. 130**, Christchurch, New Zealand, Transactions, Vols 1 and 2, from January 1909 to September, 1916, 2 vols, *Christchurch*, 1912-16 **£1/15/-**
Contains about 58 short but interesting papers on various aspects of Freemasonry, many by S. Clifton Bingham, W. Cumming, J. A. Frostie, and T. W. Rowe.

635 **MEAD** (Col. John) A Few Facts concerning Freemasonry in St. Helena, from A.D. 1798, *with facsimiles*, boards, cloth back, *Printed for Private Circulation*, 1889 **£1/5/-**

MEDALS.

636 **"CROWE" & "HODGKIN" COLLECTIONS** of Masonic Jewels as exhibited [at the Q.C. Lodge Conversazione held at the Holborn Restaurant] November 1896; together with Typescript List of the "Crowe" Masonic Medals, not then shown and other "Hodgkin" acquired in 1928-31 etc., *with a specially printed title-page*, the Q.C. List mounted to size, 4to, cloth, parchment back [1933] **£1/10/-**

637 **HAMBURGISCHE ZIRKEL-CORRESPONDENZ.** Abbildungen Freimaurerische Denkmünzen und Medaillen mit Beschribung und erlaüterndem Text historischen und biographischen Inhalts. Band 1. Deutschland, *with 22 plates*, 1898; Band II. Schweden, Nederlande, Belgien, Deutschland, Petersburg und Kopenhagen, *with 18 plates*, 1899; 2 vols, 4to., *Hamburg*, 1898-9 **£4/-/-**

638 **MARVIN** (WILLIAM T. R.) THE MEDALS of the MASONIC FRATERNITY DESCRIBED and ILLUSTRATED, *frontispiece of the Arms of the Freemasons in colour and 17 other plates*, 4to, half roan (binding repaired), *Boston*, 1880 **£14/-/-**

Wolfstieg, 19891.

Only 150 copies printed for private circulation, now very scarce.

639 **POOLE** (REV. H., *Editor*) A CATALOGUE of MASONIC MEDALS in the MUSEUM of the PROVINCIAL GRAND LODGE of WORCESTER (including the Collection made by the late Wor. Bro. G. L. SHACKLES), containing 1252 entries, *illus. with 48 plates*, 4to, *Worcester*, 1939 **£1/15/-**

640 **SHACKLES** (GEORGE L.) The MEDALS (Commemorative or Historical) of BRITISH FREEMASONRY: a Photographic Reproduction of Medals struck by British Lodges and Freemasons, 12 *plates, containing 175 illustrations*; together with an Accurate Description of each Specimen and a Full Account of the Person or Event thereby Commemorated, with an Introduction by W. J. CHETWODE CRAWLEY, 4to, 1901 **£1/8/-**

641 ——— ANOTHER COPY, shabby half roan (needs rebacking), 1901 **18/-**

Published conjointly by the Literary Committee of the Grand Lodge of Hamburg and the Quatuor Coronati Lodge of London.

642 [**ZACHARIAS** (ERNST)] NUMOTHECA NUMISMATICA LATOMORUM, Complete in the eight parts, *engraved titles to each part, with 6 plates to each, in all 48 plates*, 4to., roan, *Dresden* [1840-46] **£10/10/-**

643 ——— ANOTHER COPY, Parts 1 to 7 only, *with 42 plates*, half roan, binding defective, *ibid.*, 1840-44 **£6/10/-**

Wolfstieg, 19882. Very seldom found complete. Marvin, in the Preface to his "Medals of the Masonic Fraternity" referring to this work by Zacharias says: "The book was rare, and I could learn of no complete copy."

---

644 **MELVILLE** (HENRY) IGNORANT LEARNED; or Researches after "The Long Lost" Mysteries of Free-Masonry, also The Eleusinian Mysteries as they relate to Royal Arch-Masonry, 1863 **18/-**

645 **MERSEYSIDE ASSOCIATION** for **MASONIC RESEARCH**, TRANSACTIONS, Vols 1 to 5, 1922/3 to 1927, *illustrated*, 5 vols, wrappers, *Liverpool* 1924-28 **£2/15/-**

646 ——— TRANSACTIONS, Vols 8 and 9, 1930-31; Vols 12 and 13, 1914-15; Vol 24, 1946, orig. wrappers, each per volume **10/-**

647 **MILLER** (JAMES) HISTORY, NATURE and OBJECTS of MASONRY, wrappers, 1853 **10/-**

648 **MILNER** (Rev. J.) FREEMASONRY OLDER than the ANCIENT MYSTERIES: Its Symbols not borrowed from the Gnostics or the Indian Mystæ, An Address delivered . . . 1880, *Published by special request* [*ca.* 1880] **12/6**

649 ——— PROOF COPY, without the Dedicatory leaf, printed wrappers [*ca.* 1880] **10/-**

650 [**MINTY** (GEORGE)] A DISCOURSE upon MASONRY, as spoken by the Author when Master of a Lodge in England, in the Year 1772 [*sic*] . . . . to which is added [RILEY (WILLIAM)] FRATERNAL MELODY, adapted for the Members of the Royal Arch and Knights Templars, consisting of Original Odes, Cantatas, and Songs, for the Use of the Members of the Most Ancient and Honourable Fraternity of Free and Accepted Masons, 64 pages, modern boards, *Dublin: Printed for the Author, and sold by T. Wilkinson* [*ca.* 1772] **£15/-/-**

Wolfstieg, 3884 (ii).

The actual Discourse by Minty was delivered in 1742, the date given on the title-page of the Original edition of Dublin 1757. Riley's Fraternal Melody first appeared with this [Second Edition] and was separately published with additions, London, 1773.

651 [**MIRABEAU** (HONORÉ GABRIEL RIQUETTI, *Comte de*)] HISTOIRE SECRETE de la C[illegible] de BERLIN, ou CORRESPONDENCE d'un VOYAGEUR FRANÇOIS, dupuis le mois de Ju[illegible] 1786 jusqu'au Janvier 1787, Ouvrage Posthume, 3 vols, in 2, contemp. calf [*Alenç. Malassis le jeune*] 1789 **£4/10/-**

Caillet, 7588 quotes an edition in 2 vols without place, of the same date. There exists another edition of 1789 in which the third volume has a separate title: Essai sur la secte des illuminees, but this was really by Jean Pierre Louis de la Roche du Maine Marquis de Luchet.

Of the 'Histoire Secrete' Caillet says: "Contient des revelations fort curieuses sur la Franc-Maconnerie au XVIIIe siècle et particulierment en Prusse."

652 **MILNOR** (JAMES, *Grand Master*) ORATION on MASONRY, Delivered at St. John's Church, in the City of Philadelphia, at the Request of the Right Worshipful Grand Lodge of Pennsylvania, on St. John's Day, June 24, 1811, to which is prefixed An Account of the Procession, and of the Ceremonies attending the Consecration and Dedication of the New Masonic Hall, 41 pp., half morocco, gilt back, *Philadelphia*, [1811] **£4/10/-**

653 **MISCELLANEA LATOMORUM,** or MASONIC NOTES and QUERIES, A Serial intended to facilitate Intercommunication between Masonic Students on matters of interest in connection with Freemasonry, NEW SERIES, edited by F. W. LEVANDER continued by LIONEL VIBERT, and afterwards by Col. F. M. RICKARD, Vols. 1-31, August 1913 to June 1947 ; (first 17 vols. half calf, a little rubbed, the rest in parts, all but three of the volumes with cloth binding cases), 31 vols., 1914-47 **£35/-/-**

Complete sets seldom occur for sale. With the publication of vol. 31 (issued without Title-page and Contents leaves) the series was discontinued. The eleven volumes which have the parts loosely inserted in their binding cases need the volume numbers added to the lettering on spines when bound.

654 ——— Vols. 2 to 25, August 1914 to June 1940 (Vols. 2, and 4 to 17 with cloth cases, other vols. in parts), 24 vols., 1914-40 **£16/10/-**

Vols. 24 and 25 have the outer wrappers removed from the parts ready for sewing and binding.

MIZRAIM (RITE of) vide VERNHES (J. F.), post.

655 **MODI** (JIVANJI JAMSHEDJI) MASONIC PAPERS [comprising : The Legendary and the Authentic History of Freemasonry ; Zoroaster and Euclid ; King Solomon's Temple and the Ancient Persians ; Charity], with portrait of M. Cursetjee, *Bombay*, 1913 **£1/5/-**

656 **MOGAS** (PIETRO) I LIBERI MURATORI SCHIACCIATI. Origine, Dottrtina ed avanzamento della setta filosofica ora dominante, Opera composta da uom pratichissimo delle Loggie, ora tradotta dall' edizione di Amsterdam dal Sig. Abbate Don PIETRO MOGAS sacerdote spagnuolo confermata con note relative alle presenti rivoluzioni e novita di Europa dal PIETRO SAVERIO CASSEDA. Coll' aggiunta di un' Appendice in sostegno della Cattolica Religione, with *engraved plate*, 4to, wrappers, *Assisi, per Ottavio Scarigli*, 1793 **£5/10/-**

657 **MONDE** (LE) HEBREUX et FRANÇOIS ou Parallele des Bons et des Méchants a la Gl... du G... Arch... de L'U... Dédié aux Enfants de la V... L'U... Ap... Comp... & M... Par le F... de.... *Membre de la R... L...* des NEUF SOEURS à L'O... de PARIS, 16 *pages*, wrappers, Imprimé en la Chambre des Réflect... Se trouve aux Colonnes J. & B. . . . 5789 [*Paris*, 1789] **£2/-/-**

Not traced in Wolfstieg or Kloss.

658 **MONSELET** (CHARLES) La FRANC-MAÇONNERIE des FEMMES, *illus. with woodcuts*, impl. 8vo, wrappers (slightly frayed), *Paris* [1867] **£1/-/-**

Wolfstieg, 41750.

659 **MOODY** (J. J.) THE ORIGIN of FREEMASONRY ; a Lecture, delivered in the Lodge of Virtue, 177, [now No. 152] Manchester, 56 pages, unbound, 1852 **12/6**

660 **MOORE** (CHARLES W.) The NEW MASONIC TRESTLE-BOARD, adapted to the Work and Lectures as practised in the Lodges, Chapters, Councils, and Encampments of Knights Templars in the United States, STEREOTYPE EDITION, BOTH PARTS, *with* 9 *plates*, 2 vols. in one, (binding soiled and torn), *Boston*, 1856 **£1/5/-**

This work was originally published in 1846-50.

661 ——— MASONIC TRESTLE BOARD PART II, [Containing the American Capitular and Encampment Degrees], FIRST EDITION, *frontispiece*, 1850 **15/-**

662 **MORGAN** (WILLIAM) : FREE MASONRY EXPOSED : a NARRATIVE of the SEDUCTION and MURDER of WILLIAM MORGAN for threatening to divulge the Pretended Secrets of Free Masonry ; with an Account of the Trials, Acquittal, and Condemnation of many of those implicated in the horrible transaction, 1836 **15/-**

663 **MORRIS** (ROB.) MASONIC ODES and POEMS, SECOND EDITION, *New York*, 1864 **15/-**

664 **MOUNIER** (JEAN JOSEPH) ON the INFLUENCE attributed to PHILOSOPHERS, FREE-MASONS, and to the ILLUMINATI, on the REVOLUTION of FRANCE, FIRST ENGLISH EDITION, translated from the Manuscript, and corrected under the inspection of the Author, by J. WALKER, old marbled boards, plainly rebacked with calf, 1801 **£3/-/-**

Wolfstieg, 6374.

A reply to the attacks of Barruel and Robison.

665 **MURATORI.-** DICHIARAZIONE dell' INSTITUTO, e SCOPO de' LIBERI MURATORI, Dove si prende a consu are il Candeliere acceso de' LIBERI MURATORI eretto di fresco, tradotta dal Latino nel Vulgare Idioma da C. B. D. C. B. [CLEMENTI BARONI de' Marchesi Cavalcabo], modern boards, *Rovereto*, 1749 **£2/10/-**

Wolfstieg, 1351 (iii) says that there is 1 plate but it is not present in this copy.

666 **MYLNE** (REV. R. S.) The MASTER MASONS to the CROWN of SCOTLAND, and their Works, *frontispiece in colour*, 37 plates and 50 *other illus.*, folio, buckram, *Edinburgh*, 1893 **£3/10/-**

The Office of Principal Master Mason to the Crown was one of the Offices of the Court from the time of James V. to the Death of Queen Anne.

Only a limited number of copies were published and the type distributed.

667 **NAPOLEON**: CORSICAN'S DOWNFALL (The) . . . Shows most clearly to have been predicted by the Prophet Daniel, 2,400 years ago . . . IN a SERIES of LETTERS from ONE FREE MASON to ANOTHER, . . . illustrated with Notes, Quotations, Odes; the FORM of a PROCESSION of FREE MASONS, and COMPARATIVE ANECDOTES of NAPOLEON the DESTROYER, and ALEXANDER the SAVIOUR of EUROPE . . . by a ROYAL ARCH MASON, amateur binding of cloth with the original front and back wrappers mounted on outside covers, *Mansfield* [1814] **£2/10/-**

668 **NASH** (JOEL) LEBANON: Or, A 'Light' from the Lebanon Lodge at Gloucester; Being EXPLANATORY LECTURES on the SPIRITUALITY of FREEMASONRY, wrappers, uncut, *Colchester*, [1836] **£1/5/-**

669 [**NAUDOT** (JEAN JACQUES)] APOLOGIE pour l'ORDRE des FRANCS-MAÇONS, par MR. N**** membre de l'Ordre, avec deux Chansons composés par le Frère Americain, PREMIERE EDITION, *engraved frontispiece*, rebound half morocco, *La Haye, chez Pierre Gosse*, 1742 **£6/10/-**

Lacks the second song at end (the second of two unpaged leaves following page 118).
Wolfstieg, 23736 gives collation as 118 pages + 3 pages of music, with 1 plate, but it should be Title + [xii] + 118 + [iv] pages, and frontispiece.

The work is sometimes erronously attributed to F. Nogaret.

670 ——— ANÔTHER EDITION, with the following variation on title-page: avec deux Chansons, composées par le Frere ***, modern boards, *ibid.*, 1744 **£3/15/-**

Wolfstieg, 23736 (ii).

This edition does not have a frontispiece. The collation of this copy is Title + pages [vi] + 62 + [ii] for songs.

——— vide SONGS, post.

671 **NAYLOR** (REV. M. J., *Prov. Grand Chaplain, West Riding of York*) SERMONS on various MASONIC OCCASIONS, to which are attached Some Occasional Addresses, and Ceremonies observed on particular Celebrations, 1842; bound with KILBY (Rev. THOMAS) SERMONS (Non-Masonic) preached at St. JOHN'S CHURCH, WAKEFILED, 1866. Two vols. in one, half calf, 1842-66 **£2/2/-**

672 ——— SERMON [based upon Proverbs. VIII. 35, 36.] Preached at the PARISH CHURCH at BRADFORD, on Monday, August 13th, 1810, before the Brethren . . . assembled there to celebrate the Birthday of H.R.H. George Prince of Wales, G.M., 16 pp., wrappers, *Halifax*, 1811 **£1/5/-**

Dedicated to the Master, Wardens, and Brethren of the Lodge of Hope, No. 539 [now 302, Bradford].

673 [**NEALE** (REV. E.)] STRAY LEAVES from a FREEMASON'S NOTE-BOOK, by a SUFFOLK RECTOR, 1846 **10/-**

674 **NÉCESSAIRE MAÇONNIQUE**, contenant: Le CATECHISME D'APPRENTI, un FORMULAIRE pour les TRAVAUX de BANQUETS, pour les AFFILIATIONS, [etc.], half calf, *Paris*, 1832 **18/-**

Wolfstieg, 33209.

675 **NEUT** (AMAND) ATTENTATS de LA FRANC-MAÇONNERIE a L'ORDRE SOCIAL, roy. 8vo, wrappers, *Gand*, 1868 **15/-**

Wolfstieg, 27976.

676 [———] La FRANC-MAÇONNERIE soumise au GRAND JOUR de la PUBLICITÉ a l'aide de DOCUMENTS AUTHENTIQUES, DEUXIÉME ÉDITION, 2 vols., roy. 8vo, half roan, *Gand et Bruges*, 1866 **£2/10/-**

677 ——— ANOTHER COPY, wrappers (back wrapper of vol. 2 missing), *ibid.*, 1866 **£1/15/-**

678 **NEWTON** (JOSEPH FORT) The BUILDERS, a Story and STUDY of MASONRY, 1952 **15/-**

679 ——— BROTHERS and BUILDERS: The BASIS and SPIRIT of FREEMASONRY, [1924] **5/-**

680 **NEW SOUTH WALES.**—PROCEEDINGS of the UNITED GRAND LODGE, held at the Town Hall, SYDNEY, on Monday, the 20th July, 1903, in Commemoration of the DAWN of FREEMASONRY in AUSTRALIA, 1803, and for the Installation of M.W. Bro. John Cochrane Remington as Grand Master for the Fifth Year, and Investiture of the Grand Lodge Officers, with 8 *plates*, 4to, *Sydney*, 1903 18/-

631 **NEWNHAM** (REV. P. H., *Prov. Grand Chaplain, Dorset*) GOD'S LAW of SOCIAL LIFE: A Sermon Preached in St. Mary's Church, Weymouth, May 29, 1871, with An Appendix on the Ancient Fraternity of the Essenes, and the possible connexion of St. Paul therewith, *Weymouth*, [1871] £1/5/-

Presentation Copy to W. J. Hugh...

682 **NEW YORK.**—Collection made by Committee on Antiquities of the Grand Lodge of Free and Accepted Masons, of the State of New York, 1905; with Addenda for 1906 and 1908, *illustrated*, in one volume, limp boards, cloth back, *New York*, 1905-08 £1/5/-

683 **NICHOLSON** (REV. P. C.) The SYMBOLISM of FREEMASONRY; From Whence its Archetype? The Hieroglyphics of the Craft, and of the world in General, From what Source Derived, where and how Developed? A Lecture delivered in the Lodge of Virtue, 177 (now No. 152) *Manchester*, . . . 1852, 32 pp., wrappers, 1852 18/-

684 **NOBLE** (REV. MARK, *Rector of Barming in Kent, and Domestic Chaplain to George [Townshend], Earl of Leicester: author of "Memoirs of the Protectorate House of Cromwell," etc.*) ORIGINAL AUTOGRAPH MANUSCRIPT (Signed), entitled "SOME OBSERVATIONS respecting RICHARD, an ILLEGIMATE SON of RICHARD III, who, though the CHILD of a MONARCH, became a MASON," title-page, Preface + 14 pages, neatly and legibly written, with 66 pages of blanks bound up at end, thin folio, half calf, *Barming Parsonage*, 1807 £8/8/-

Carries the Author's bookplate inside front cover.

685 **NORMAN** (GEORGE) FREEMASONRY: PROVINCIAL GRAND LODGE of GLOUCESTERSHIRE, with some Account of the Older Lodges of the Province, *portrait and* 23 *illustrations*, 4to *Cheltenham*, 1911 £1/2/6

686 ——— ANOTHER COPY, strongly bound in half morocco gilt, *ibid.*, 1911 £1/10/-

687 **NORTH** (C. N. MCINTYRE) WISDOM, STRENGTH and BEAUTY [being Sketches illustrating the Building of the Temple of Solomon from Dimensions as given in the Bible], 6 *plates*, with Descriptive Text, thin folio, 1890 £1/10/-

688 ——— ANOTHER COPY, binding shabby, 1890 £1/5/-

689 **NOTTS. INSTALLED MASTERS LODGE,** No. 3595, TRANSACTIONS, vols. 3-5 (in 2 vols.) 1913-16, Vol. 17 1928/9; Vols. 21 and 22 1935-1939; together 6 vols. in 5, wrappers, *Nottingham*, 1917-40 £2/-/-

690 **NORFOLK INSTALLED MASTERS' LODGE,** No. 3905, TRANSACTIONS, Vols. 1 to 12, 1919 to 1936/37 (wanting Vol. 11, 1935/36) 11 vols., wrappers, 1920-38 £3/10/-

Vols. 1 and 2 edited by H. Cooper Pattin; Vols. 3 to 6 by G. W. Daynes; and Vols. 7 to 12 by R. H. Teasdel.

691 **O'BRIEN** (HENRY) The ROUND TOWERS of IRELAND; or the MYSTERIES of FREEMASONRY, of SABAISM, and of BUDDHISM, for the first time unveiled, FIRST EDITION, re-cased and repaired at joints, 1834 £3/-/-

Wolfstieg 4959.

This copy has the "Preface" 36 pages which are often lacking.

692 **ODIORNE** (JAMES C.) OPINIONS on SPECULATIVE MASONRY, relative to its Origin, Nature, and Tendency. A Compilation embracing recent and important documents on the subject, and exhibiting the views of the most distinguished [Anti Masonic] writers respecting it (name clipped from top outer corner of title-page), boards, cloth back, *Boston* [*Mass.*], 1830 £3/3/-

Wolfstieg, 4099.

One of the spate of anti-masonic publications which arose from the William Morgan affair in America.

693 **OLIVER** (REV. GEORGE) AN APOLOGY for the FREEMASONS, respectfully submitted to the Consideration of those Clergymen who doubt the propriety of allowing the use of their Churches for Masonic Celebrations, 36 pages, unbound, 1846 15/-

694 ——— The BIBLE, The Great Source of Masonic Secrets and Observances; A SERMON Preached . . . before a Provincial Grand Lodge of Free and Accepted Masons [Lincolnshire], 24 pp., unbound, *Louth*, 1834 15/-

695 **OLIVER** (Rev. George) The Book of the Lodge, or Officer's Manual, First Edition, 1849 8/-

696 ——— ——— [Second Edition] To which is added, A Century of Aphorisms, calculated for General Instruction, and the Improvement of a Masonic Life, *emblematic frontispiece*, 1856 **10/6**

697 ——— ——— Third Edition, [with two additional Chapters], *frontispiece*, 1864 **12/6**

698 ——— ——— Fourth (Last and Best) Edition [to which is added a History of Modern Masonry and origin of its Symbolism], 1879 **16/-**

699 ——— A Century of Aphorisms, for General Instruction and the Improvement of a Masonic Life, 1882 **10/-**

700 ——— The Existing Remains of the Ancient Britons, within a small district lying between Lincoln and Sleaford, described and illustrated, in a letter to Sir Edward French Bromhead, wrappers, 1846 **15/-**

701 ——— The Historical Landmarks and other Evidences of Freemasonry, Explained; in a Series of Practical Lectures, with Copious Notes, *portrait, plan*, 17 *plates and numerous text-illus.*, 2 vols., (binding of Vol. 1 somewhat worn and shabby) 1845-6 **£2/15/-**

702 ——— The History of Initiation, in Twelve Lectures; comprising a detailed Account of the Rites and Ceremonies, Doctrines and Discipline, of all the Secret and Mysterious Institutions of the Ancient World, New Edition, binding shabby, 1841 **£1/5/-**

703 ——— Institutes of Masonic Jurisprudence; . . . together with a Summary View of the Laws and Principles of the Royal Arch, Best Edition, revised and corrected, 1874 **17/6**

704 ——— Another Copy, strongly bound in half morocco, 1874 **£1/5/-**

705 ——— Masonic Institutes, by Various Authors, with an Introductory Essay and Explanatory Notes, binding shabby, 1847 **12/6**

Forms the first volume of "Remains of Early Masonic Writers."

706 ——— A Mirror for the Johannite Masons, in a Series of Letters to the Right Hon. the Earl of Aboyne, half calf, emblematically tooled in gilt on spine, 1848 **15/-**

707 ——— The Moral and Religious Tendency of Freemasonry Asserted, in a Sermon Preached . . . before the Right Honorable Charles Tennyson M.P., Provincial Grand Master for Lincolnshire, and the Officers and Brethren of the County Lodges, 24 pp., unbound, *Lincoln*, 1833 **15/-**

708 ——— An Oration on . . . Freemasonry, and Farewell Address to the [Lincolnshire] Provincial Grand Lodge, 10th May, 1866, with *photo-portrait*, 1866 **10/-**

709 ——— The Pythagorean Triangle; or, the Science of Numbers, with diagrams (Title-page and few other pages wormed), cloth, morocco back, 1875 **18/-**

710 ——— The Revelation of a Square; exhibiting a Graphic Display of the Sayings and Doings of Eminent Free and Accepted Masons, from 1717 to 1813, First Edition, *illus.* (top corners of some pages grease stained), 1855 **15/-**

711 ——— A Sermon preached at St. Peter's Church, Barton-upon-Humber, at a Provincial Meeting of the United Grand Lodge of Free and Accepted Masons; Aug. 14th, 1816, 28 pages, unbound, *Barton*, 1816 **15/-**

712 ——— Signs and Symbols illustrated and explained, in a Course of Twelve Lectures on Free-Masonry, First Edition, half roan, uncut, *Grimsby : Printed by the Author*, 1826 **£1/8/-**

713 ——— New Edition [Revised], half calf, gilt emblematic tooling on spine, m.e., 1837 **£1/15/-**

714 ——— The Theocratic Philosophy of Freemasonry, in Twelve Lectures on its Speculative, Operative, and Spurious Branches, First Edition, cloth (a little worn; name erased from title), 1840 **18/-**

715 ——— Another Copy, First Edition, 8vo, half calf, emblematic tooling in gilt on spine, 1840 **£1/12/-**

716 ———: An Account of the Proceedings attending the "Masonic Offering" to Brother the Rev. George Oliver, Presented at Lincoln, May 9, 1844, with the Various Addresses delivered on the Occasion, *frontispiece*, 26 pp., wrappers [1844] **12/6**

717 **OVERTON** (Rev. John) The Building and Dedication of The Second Temple: A Seatonian Prize Poem, 18 pp., unbound, *Cambridge*, 1825 **£1/-/-**

718 **ORME** (Rev. Thomas, W.M. *Lodge* 510 *and Prov. Grand Chaplain for the County of Lincoln*) A Sermon preached in the Church of Louth, at the Anniversary Grand Provincial Meeting of Free and Accepted Masons, August 13th, 1804 [to which is added: General Objections against Free Masonry Answered] 20 pages, unbound, *Louth* [1804] £1/5/-

The sermon based upon I. Peter, ii, 17.

719 **PAILLARD** (Maurice) The Three Freemasonries (Operative—Speculative—Dogmatic) or Evolutional History of Freemasonry, 1955 £1/5/-

——— vide Anderson (James), also Constitutions, ante

720 **PAINE** (Thomas) [Works] Part the Fourth, Containing a Letter to the Hon. T. Erskine . . . A Discourse delivered to the Society of Philanthropists . . . Letter to Camille Jordan . . . An Essay on the Origin of Free-Masonry [etc.] modern boards, *R. Carlile*, 1819 £2/2/-

721 ——— An Essay on the Origin of Free-Masonry, First London Edition, 14 pages, unbound, *Printed and Published by R. Carlile*, 1818 £1/1/-

Wolfstieg, 4092.

722 ——— Re-issue, 14 pages, wrappers, *ibid.*, 1826 15/-

The author suggest that Freemasonry was derived from Sun Worship and is the remains of the religion of the Ancient Druids.

723 **PARKER** (George) Life's Painter of Variegated Characters in Public and Private Life, First Edition, *portrait*, half calf, *uncut*, t.e.g., *Printed for James Ridgway*, 1789 £3/10/-

Chapter xviii (pages 227-234) contains " A Dissertation on Freemasonry . . . inscribed to H.R.H. the Duke of Cumberland, Master of the Grand Lodge of England."

724 **PARKER** (Rev. M. A.) A Sermon, preached before a Provincial Grand Meeting of Freemasons, at St. Peters' Church, Marlborough, October 23rd, 1827, Published by Request of the Grand Lodge, 20 pages, half calf, *Imber* [1827] £1/10/-

The text of the sermon was based upon the Proverbs of Solomon, xii, 19.

725 **PARVIN** (Theodore Sutton, *Grand Secretary of the Grand Lodge of Iowa*) Life and Labours, by Joseph E. Morcombe, *illus.*, *Iowa*, 1906 15/-

726 [**PASCALLET** (E.)]: Moreau (César, Souverain Grand-Inspecteur Général 55eme) Précis sur la Franc-Maçonnerie, son Origine, son Histoire, ses Doctrines, etc., et Opinions Diverses sur cette Ancienne et Célèbre Institution, etc., *portrait* (slight waterstain on upper blank margins) *Paris*, 1855; bound with the First and Second Parts of Revue Générale Historique, Biographique, Necrologique, Scientifique et Littéraire; et Mémorial Municipal de France [etc.], 1854-55; in one volume, roy. 8vo, half roan (worn), *Paris*, 1854-55 £2/-/-

The first item is Wolfstieg, 3958.

The second part of the 'Revue Générale' contains some references to French Freemasonry.

727 **PATHETIC ADDRESS** (A) to Free and Accepted Masons by a Deceased Brother [to which is added a Sermon on the Death of a Deceased Brother] 16 pages, 12mo, wrappers, *York: Printed by Bro. M. W. Carrall, Walmgate*, [*ca.* 1818] £2/10/-

Written with the view to the Address being published after the Anonymous Authors' death.

Not in Wolfstieg.

728 **PATON** (Chalmers I.) Freemasonry and its Jurisprudence, according to the Ancient Landmarks and Charges and the Constitutions, Laws and Practices of Lodges and Grand Lodges, 1872 18/-

729 ——— Freemasonry in Relation to Civil Authority and the Family Circle, 35 pp., wrappers, 1867 15/-

The author's earliest published work.

730 ——— Freemasonry: its Symbolism, Religious Nature, and Law of Perfection, 1873 £1/5/-

731 ——— Freemasonry: its Two Great Doctrines, the Existence of God and a Future State, 1878; Freemasonry: The Three Masonic Graces, Faith, Hope, Charity, 1878; the two works in 1 volume, 1878 £1/5/-

732 ——— The Origin of Freemasonry: The 1717 Theory Exploded, Original Issue, unbound [1870] 10/-

733 ——— Re-Issue, cloth [*ca.* 1900] 7/6

734 **PEACH** (R. E. M.) A Brief Historical Sketch of Craft Masonry in the City of Bath [1732-1882], with a portrait of Dunkerley, 34 pp., *Bath*, 1894 **15/-**

735 **PEACHAM** (Henry) The Compleat Gentleman . . . [Second Edition, with the Second Part] : The Gentleman's Exercise, or an Exquisite practise, as well for drawing all manner of Beasts . . . as also the Making of all Kinds of Colours to be used in Limming, Painting, Tricking, and Blazon of Coates and Armes, . . . as also serving for . . . divers Trades-men and Artificers, as namely Painters, Joyners, **Free-Masons,** Cutters and Carvers, &c. . . . *wants engraved general title-page*, 2 parts in one vol., sm. 4to, rebound in old style sheep, *Printed for Francis Constable* . . . 1634 **£8/15/-**

S.T.C., No. 19504. Some of the woodcuts of Arms in the section relating to "The Practice of Blazonry" have been coloured by a contemporary hand and the names of the persons whose arms are depicted are noted in the margins.

The second Part which has separate title-page, pagination and signatures carries the imprint : *Printed for J. M., and are to bee sold by Francis Constable* . . . 1634.

736 ——— Third Impression much inlarged, especially in the Art of Blazonry, by a very good Hand, *engraved title (slightly defective in upper left hand corner ; trimmed to plate line ; and laid down to size)*, sm. 4to, contemporary calf, neatly rebacked, *Printed by E. Tyler, for Richard Thrale* . . . 1661 **£7/-/-**

Wing, P. 943. From the library of the Earl of Ellenborough, with his book-label.

In this edition the Second Part has a separate title-page but pagination and signatures are continuous.

737 **PENNECUIK** (Alexander, *Burgess and Guild Brother of Edinburgh*) An Historical Account of the Blue Blanket : or Craft-Mens Banner containing the Fundamental Principles of the Good-Town, with the Powers and Prerogatives of the Crafts of Edinburgh, etc., First Edition, old half roan (some margins cropped close to text), *Edinburgh : Printed by John Mosman and Company, and sold by him and the Author*, 1722 **£4/-/-**

738 ——— Second Edition, enlarged and adorned (for the first time), *with the Fourteen Incorporations' Arms (including that of the Masons), on 14 plates*, calf, *Edinburgh : printed by Alexander Robertson, Sold at his Printing Office, in Niddery's-Wynd*,1780 **£4/15/-**

739 ——— Another Edition [reprinted with slight alterations from that of 1780], *with the fourteen Incorporations' Arms, on 7 plates*, morocco, *Edinburgh*, 1832 **£2/10/-**

"Blue Blanket.—An old property of the Edinburgh Guilds, and now in the possession of the Lodge of Journeymen in that good old city . . . In 1482 King James III gave to the craftsmen their 'Blue Blanket' as the rallying flag of the Edinburgh craftsmen. In all Masonic Processions it is carried by the Lodge Journeymen . . . "—*Cyclopaedia of Freemasonry.*

740 ——— : An Historical Sketch of the Municipal Constitution of the City of Edinburgh ; including the Set of the Burgh as established in 1583, and amended in 1730 ; with the Acts of Parliament and Council relating thereto . . . to which is added An Historical Account of the Blue Blanket . . . by Alex. Pennecuik, *illus. with the arms of the city, the Merchant Company, and the fourteen Incorporations' Arms, on 9 plates*, original boards, *entirely uncut* (upper cover loose), *ibid.*, 1826 **£2/2/-**

"The Historical Account of the Blue Blanket is printed verbatim from the original edition, with the addition only of some few notes."—*Preface.*

741 [**PERAU** (Gabriel L. C.)] Le Secret des Francs-Maçons, Nouvelle Édition, revue, corrigée et augmentée, xii + 126 (last page blank) + 22 pages, contemporary marbled boards, *without place or printer* [*Genève*], 1744 **£2/2/-**

Wolfstieg, 29956. (iii).

Watermark in paper is Montarcis 1742. The Songs at end which have separate pagination lacks the last leaf and the lower half of the previous leaf has been torn away affecting the end verses.

742 [———] Another Edition, avec un Recueil *de leurs* Chansons, précédé de quelques Pièces de Poësies, x + 160 pages, half cloth, *ibid.*, [? *Paris*] 1744 **£3/10/-**

Wolfstieg, 29956 (iv.). The Songs have a separate title-page but pagination is continuous.

743 [———] Another Edition, x + 136 pages, wrappers, *uncut, En France, MDCCXIV* [? 1744] **£4/15/-**

A rare issue. Though purporting to be printed in 1714 it is a false date, the watermark date in the paper is Rovergue 1743. The first edition being published at Geneva, 1742.

Neither Wolfstieg or Kloss mention this issue and it was unknown to Thorp whose "Bibliography of Masonic Catechisms and Exposures" mentions various dates from 1742-1752.

744 [**PERAU** (GABRIEL L. C.)] L'ORDRE des FRANCS-MAÇONS TRAHI, et LE SECRET des MOPSES REVELÉ, FIRST EDITION, *vignette on title, plate of ciphers, 8 plates of ceremonies, emblems, etc. (5 folding), and 5 sheets of music,* contemporary calf, neatly rebacked, *Amsterdam [Catuffe, Haag: Neaulme]*, 1745 **£10/10/-**

Wolfstieg, 29963 (i) ; Kloss, 1860.

First Issue, plates 3 and 6, have the engraver's initials and plate 7 signed in full " S. Fokke, Sc." All other issues have the plates unsigned. Collation : Title + xxviii + 240 + 40, last page blank.

745 [———] ——— SECOND ISSUE of the FIRST EDITION, plates as in the former but all unsigned and having misprint " Secsret " for Secret on sub-title at page 113, and a variant series of ornamental head and tail pieces (same collation), contemp. calf, neatly rebacked, *ibid.*, 1745 **£8/-/-**

Wolfstieg, 29963 (i) variant.

746 ——— ANOTHER ISSUE, *vignette on title, plate of ciphers, 8 other plates,* and 5 *sheets of Music,* xvi + 176 pages (last blank), half mottled calf gilt, *Amsterdam*, 1745 **£6/-/-**

Wolfstieg, 39963 (iv). In this issue the " Chansons " at end are not separately paged.

747 ——— [THIRD EDITION], *with similar plates,* good impressions, contemporary mottled calf, gilt back, *ibid.*, 1758 **£5/15/-**

Wolfstieg, 29963 (vi), Collation : xxxii + 195 (verso blank) + 32 pages. The "Chansons" at end are again separately paged.

748 ——— [FOURTH EDITION], *with similar plates,* contemporary mottled calf gilt, *ibid.*, 1763 **£5/5/-**

Wolfstieg, 29963 (vii). Same collation as third edition.

749 ——— [FIFTH EDITION] with similar plates save for plates 3, 6 and 7 which have been re-engraved with more pronounced backgrounds than formerly, contemp. calf, gilt back (a little worn), *ibid.*, 1766 **£4/10/-**

Wolfstieg, 29963 (viii). Same collation as for third and fourth editions.

L'Ordre des Francs-Maçons Trahi is a compilation of four separate treatises. (1) Perau (L'Abbe) Le Secret des Francs-Maçons, originally published in 1742 ; (2) Gabanon (Leonard, otherwise Louis Travenol) Catechisme des Francs-Maçons, originally published, ca. 1743 ; (3) Perau (L'Abbe) Le Secret des Mopses (published for the first time in the 1745 edition of his L'Ordre des Francs-Maçons Trahi) ; (4) Naudot (Fr.) Chansons de la Tres-Venerable Confrerie des Francs-Maçons, precedées de Poësie, originally published in 1737.

——— ANOTHER EDITION, [*ca.* 1780] refer to LA TIERCE (LE FRERE DE), ante.

751 **PERCY** (REV. W. J.) THREE SERMONS, preached at SHAFTESBURY, 1841 : MELCOMBE REGIS, 1842 : and SHERBORNE, 1843 : before the PROVINCIAL GRAND LODGE of DORSET, 1844 **15/-**

The subjects of these sermons were : " The Chief Corner Stone," "The only Foundation," and " The Spiritual Temple."

752 **PHOENIX BRITANNICUS** : being a MISCELLANEOUS COLLECTION of SCARCE and CURIOUS TRACTS, Historical, Political, Biographical, Satirical, Critical, Characteristical, &c., Prose and Verse. Only to be found in the Cabinets of the curious. Interspersed with Choice Pieces from Original MSS. Collected by J. MORGAN, VOL. 1 (ALL PUBLISHED), containing Numbers 1-6, with Index, FIRST ISSUE, 4to, old calf (worn), *Printed for the Compiler and T. Edlin*, 1731 **£9/-/-**

753 ——— SECOND ISSUE, 4to, modern calf, m.e., Imprint having the addition of J. Wilford, 1732 **£7/15/-**

Dedicated to His Grace Charles, Duke of Richmond and Lennox, and mentioning his connection as Grand Master of the Freemasons.

Morgan gave vent to his scorn for the Society of Gormogons in this dedication.

Edmund Hunt Dring, in his English Masonic Literature before 1751, makes no mention of Phoenix Britannicus, the masonic interest in which he was undoubtedly at that time [1913] unaware, but there are two interesting articles on the work, see A.Q.C. transactions, vol. 19, pages 127 to 136, and vol. 26, pages 71 to 82.

754 **PICK** (FRED. L.) and **KNIGHT** (G. NORMAN) The POCKET HISTORY of FREEMASONRY, 1954 **15/-**

755 ——— ——— The FREEMASON'S POCKET REFERENCE BOOK, 1955 **15/-**

756 **PILLON-DUCHEMIN** (A. A. FERMIN) ESSAI sur la F[RANC] MAÇONNERIE, poème en trois chants, dédie à son A. S. le PRINCE CAMBACÉRÈS, wrappers, *Paris*, 1807 **£2/5/-**

Both Wolfstieg, 1393, and Kloss, 730, give date in brackets as though the work was undated. There may have been a counterfeit undated edition as there is a precautionary notice regarding this signed by the printers on verso of half-title.

757 **PLAIN DEALER** (The): being SELECT ESSAYS on Several Curious Subjects, relating to Friendship, Love and Gallantry, Marriage, Morality, . . . and other branches of Polite Literature [by AARON HILL and WILLIAM BOND, assisted by RICHARD STEELE] FIRST COLLECTED EDITION, *engraved frontispiece by* J. PINE, 2 vols., old calf, neatly rebacked, *Printed for S. Richardson, and A. Wilde* . . . 1730 **£8/10/-**

Vol. 1, pages 427 to 433 contains an article on the Freemasons concluding with the celebrated letters on the Gormogons. Portions of this article were printed in "The Grand Mystery" 2nd edition, 1725.

758 ——— SECOND EDITION, Vol. 1 only, 8vo, old calf (broken) *Printed for J. Osborn*, 1734 **£2/10/-**

The reference to Freemasonry and the Gormogons occurs on the same pages as in the first edition.

759 **PLANCHES, DISCOURS** et **CANTIQUES,** a l'Occasion de la Réunion des deux GG. OO. de FRANCE et Fète de l'Ordre [28 Juin, 1799], 100 pages, unbound, *Paris, Au VII de la Republique* [1799] **£2/10/-**

Not in Wolfstieg. There is a copy in the Charles Morison Collection bequeathed to the library of the G.L. of Scotland.

760 **PLATTS** (REV. I.) The BOOK of CURIOSITIES; or WONDERS of the GREAT WORLD . . . *engraved frontispiece*, contemp. calf [1822] **£1/15/-**

Chapter LXXVII: "Free and Accepted Masons" relates to the Antiquity of the Craft and quotes various authors' opinions relating to the subject.

761 **PLETTI** (A.) RÉSUMÉ HISTORIQUE de la Loge Chap.·. La "FRATERNITE" à L'OR de GENÈVE (Suisse) CENTIÈME ANNIVERSAIRE, 1798-1898, boards (Grand Orient de France) [*Paris*, 1898] **16/-**

762 **PLOT** (ROBERT) The NATURAL HISTORY of STAFFORD-SHIRE, Imperfect but cheap copy [having the EARLY and IMPORTANT REFERENCE to FREEMASONRY, pages 316/318 intact], *plates*, folio, old calf, shabby, *Oxford*, 1686 **£8/-/-**

In this work the author alludes to the existence of Masonic Lodges in Staffordshire and to their custom of reading the Charges—he speaks of a vellum roll.

763 [**POPE** (ALEXANDER)] THE NEW DUNCIAD: as it was Found in the year 1741, with the Illustrations of SCRIBLERUS, and NOTES VARIORUM [FIRST EDITION of BOOK IV of the DUNCIAD], [vii] + 40 pages (the recto of half-title pasted to blank fly-leaf), 4to, contemp. wrappers, entirely uncut, *Printed for T. Cooper at the Globe in Pater-noster Row*, 1742 **£4/10/-**

764 ——— ANOTHER COPY, smaller, with the half-title, unbound, enclosed in a specially made cloth protective folder, *ibid.*, 1742 **£3/10/-**

Griffiths Bibliography of Alexander Pope, No. 546. In this fourth part of the Dunciad the following lines occur:

" Some deep Free-Masons, join the Silent race
Worthy to fill Pythagoras's place:
Some Botanists, or Florists at the least;
Or issue Members of an Annual feast,
Nor past the meanest unregarded, one
Rose a Gregorian, one a Gormogon."

765 **POWELL** (MAJOR ARTHUR E.) THE MAGIC of FREEMASONRY, [1924] **7/6**

766 **POWELL** (ARTHUR CECIL) and **LITTLETON** (JOSEPH) A HISTORY of FREEMASONRY in BRISTOL, compiled at the Request of the Provincial Grand Lodge, with an Introduction by WM. JAMES HUGHAN, 57 *illus.*, *many reproduced from old prints*, thick roy. 8vo, buckram, *Bristol*, 1910 **£2/15/-**

A handsome and voluminous work, nothing being spared on the part of its Historians to publish a book wholly worthy of the local fraternity.

767 **POWER** (THOMAS) An ORATION [on the PRINCIPLES of FREEMASONRY] delivered before MONITOR LODGE [constituted by the Grand Lodge of Massachusetts], June 25th, A.L. 5821, FIRST EDITION, 22 pages, modern boards (some stains), *Boston, Mass.*, 1821 **£1/15/-**

Thomas Power was the Author of the well-known "Masonic Melodies," which was published at Boston, 1844.

768 **POMPE FUNEBRE,** celebrée dans la R. L. du Point-Parfait, 64 pages, wrappers, *O. de Paris,* 1802 **15/-**

769 **" PRECEPTOR."** Your Lodge Work [the Duties of the respective officers at meetings and Ceremonies of Craft Masonry], 1926 **5/-**

770 **[PRESTON** (William)] Illustrations of Masonry, the Rare First Edition, *with Plan of the Free Masons Gala,* contemporary calf, *Printed for the Author ; and Sold by Brother J. Williams,* 1772 **£15/-/-**

A famous Masonic classic. The account of " A Grand Gala in Honour of Free Masonry held at the Crown and Anchor Tavern in the Strand, 21st May, 1772 " was omitted from subsequent editions.

771 [———] Facsimile Reprint of the Rare 1772 Edition, with Biographical Notice by William Watson, *plan of the Grand Gala as frontispiece,* orig. boards, 1887 **£3/10/-**

Only a small number of copies were printed.

772 [———] Second Edition, corrected and enlarged, contemporary sheep (name of former owner, in ink, on title-page), *Printed for J. Wilkie,* 1775 **£10/10/-**

This edition contains a Commendatory letter from the Master and Wardens of King's Arms Lodge, Falmouth, No. 116 [now known as the Lodge of Love and Honour, No. 75], also a Collection of Odes, Anthems, and Songs, now first added.

Both this, and the first edition carry the " Sanction " leaf, afterwards omitted.

773 ——— [Fourth, or Second German Edition] : Erläuterung der Freymäurerey. Aus dem Englischen des Bruder Preston übersezet von J. H. C. Meyer, *with engraved plate,* post 8vo, contemp. calf, *Stendal, D. C. Franzen und J. E. Grosse,* 1780 **£6/-/-**

The Third, or First German Edition was published in 1776.

774 [———] New [Fifth, or Third London] Edition, with Additions, contemp. calf, neatly rebacked, *Printed for G. Wilkie,* 1781 **£4/10/-**

775 ——— New [Seventh, or Fourth London] Edition, with Alterations and Additions, contemp. calf, *Printed for G. and T. Wilkie,* 1788 **£3/10/-**

The author's name appears on the title-page of this and subsequent editions.

This is the first of the editions to contain the author's " Introduction " dated from Dean-Street, Fetter Lane, Jan. 18th, 1788.

776 ——— Eighth Edition, with Additions and Corrections, newly rebound in old style sheep, tall copy, *ibid.,* 1792 **£4/-/-**

The numeration of the edition on the title-page which had been discontinued after the Second Edition, is now resumed.

The advertisement to this edition contains an account of Preston's reconciliation with Grand Lodge.

777 ——— Ninth Edition, with considerable Additions, newly rebound in old style sheep, *ibid.,* 1796 **£4/10/-**

In this edition Burns' song " To the Brethren of St. James's Lodge, Tarbolton," appears for the first time amongst the Songs.

The first to the ninth editions were dedicated to the Rt. Hon. Lord Petrie, first as Grand Master, then as Past Grand Master.

778 ——— Tenth Edition, with considerable Additions, contemp. calf, joints cracked, *Printed by A. Strahan for G. and T. Wilkie,* 1801 **£2/10/-**

779 ——— Large Paper Copy, 8vo, contemporary half calf, *ibid.,* 1801 **£4/10/-**

In this edition appears for the first time, a Refutation of Robison's " Proofs of a Conspiracy " which had been first published in 1797.

This, and the eleventh edition, are dedicated to the Earl of Moira, Acting Grand Master. The tenth edition was the only one printed on Large Paper.

780 ——— First American Edition, from the Tenth London Edition [of 1801] contemp. calf, *Alexandria [Virginia] Printed by Cotton & Stewart . . .* 1804 **£8/15/-**

Wolfstieg, 1365 (x). A Rare Edition.

781 ——— Eleventh Edition, with considerable additions, contemporary sheep (joints weak), *Printed for G. Wilkie [by Strahan and Preston],* 1804 **£1/15/-**

782 ——— Twelfth Edition, with considerable additions, *portrait engraved by* Ridley, fcap. 8vo, half calf, *ibid.,* 1812 **£2/10/-**

783 ——— Another Copy, entirely uncut (slight waterstain on portrait; title and first few pages but a good copy) modern blue calf, *ibid.,* 1812 **£3/-/-**

This is the first edition to contain the portrait, and the last edition published during the author's lifetime.

784 **PRESTON** (WILLIAM) ILLUSTRATIONS of MASONRY, THIRTEENTH EDITION, with Corrections and Additions by STEPHEN JONES, *portrait*, contemp. calf, *Printed for G. and W. B. Whittaker*, 1821 **£2/15/-**

This is the first edition to contain the additions by Stephen Jones, a Past Master of the same Lodge as the late Author [i.e. Lodge of Antiquity]. The Dedication to the Earl of Moira is retained, but an additional Dedication is now addressed to H.R.H. the Duke of Sussex. This latter Dedication was continued in all editions up to the Seventeenth.

785 ——— FOURTEENTH EDITION, with additions to the present time, and copious notes, illustrative and explanatory, by the Rev. GEORGE OLIVER, half calf, *Printed for Whittaker, Treacher and Co.*, 1829 **£2/10/-**

This is the first edition to be edited by Oliver.

786 ——— FIFTEENTH EDITION, the SECOND with OLIVER'S NOTES, *Whittaker & Co.*, 1840 **£1/15/-**

787 **PRINCIPLES** and **PRACTICE** (The) of the MOST ANCIENT and HONOURABLE SOCIETY of FREE and ACCEPTED MASONS together with the Duties enforced in several Charges, &c., selected from the best Authors [also A CORRECT LIST of the COUNTY LODGES, under the CONSTITUTION of ENGLAND, pages 175 to 184], half calf (rubbed), *Printed and Sold by the Editor*, 1786 **£6/15/-**

Attributed to Jonathan Scott. This rare work should not be confused with others bearing a similar title.

It is mentioned in Lane's Handy Book to the List of Lodges, page 104.

788 **PRITCHARD** (SAMUEL) TUBAL-KAIN: Being the SECOND PART of SOLOMON in all HIS GLORY, or MASTER MASON; Containing an Universal and Genuine Description of All its Branches, from the Original to the Present Time; As it is delivered in the Constituted Regular Lodges, both in City and Country, according to the Several Degrees of Admissions: . . . viz. I. Enter'd 'Prentice; II. Fellow Craft; III. Master. With a new and exact List of Regular Lodges, according to their Seniority and Constitution. To which is added, The Author's Vindication of Himself . . . Likewise, a Collection of Free Masons Songs, Toasts, and Sentiments, &c., 32 pages, modern boards, *London: Printed for W. Nicoll. And Dublin: Reprinted for, and Sold by Thomas Wilkinson . . .* [*ca.* 1777] **£21/-/-**

Wolfstieg, 29975 (viii) and Vibert. "Rare Books of Freemasonry," page 28, both show that no earlier edition was known to them. The United Grand Lodge Library Catalogue illustrate this title-page as the edition which is in the library but suggest the date of publication as circa 1760.

The work is virtually Pritchard's 'Masonry Dissected' (the running headlines being so designated), with the addition of the List of Lodges and the Songs. Wilkinson the Dublin Printer probably used the text of an edition of 'Masonry Dissected' previously put out by W. Nicoll, the introduction of his name in the imprint misleading readers into thinking that there was a London edition of Tubal-Kain.

PRITCHARD (SAMUEL) MASONRY DISSECTED, vide [BONNEVILLE (N. de)], ante

789 "**PROTEUS.**" A Dissertation on The Celestial Sign of the Rainbow, in connection with the Sacred "Oath of the Seventh," being an exposition of its expansive significance in accordance with the teachings of Transcendental Masonry, *Dublin*, 1879 **18/-**

QUATUOR CORONATI LODGE.
TRANSACTIONS AND PUBLICATIONS.

790 **ARS QUATUOR CORONATORUM**: being the TRANSACTIONS of the LODGE QUATUOR CORONATI, No. 2076, London, edited by G. W. SPETH, W. H. RYLANDS, W. J. SONGHURST, F. M. RICKARD, REV. H. POOLE, and J. R. DASHWOOD, from the commencement in 1888 to 1956 with the St. John's Cards, *profusely illustrated with many full-page plates* (*some illuminated and coloured*), *besides numerous text-illustrations*, 68 vols., impl. 8vo, half red roan, and original parts, 1888-1956 **£92/-/-**

This set has the original issue of volume one (in the publishers half blue morocco), which because of its scarcity was reprinted in 1895; Volumes 2 to 46 are in half red roan; 47 to 68 in the original parts.

791 ——— ANOTHER SET, with the Original Issue of Vol. 1, 1888-1954, Vols. 1 to 27 publishers half morocco (about 12 vols rather rubbed and worn at head and foot of spines); vols. 28 to 66 in the original parts, 1888-1954 **£74/-/-**

No Masonic library should be without this valuable work of research, the earlier volumes of which are extremely difficult to obtain.

792 **QUATUOR CORONATI LODGE**: Baxter (R. H.) The Quatuor Coronati Lodge, No. 2076 [a Brief Memoir and Classified Index to the Publication, Lodge Proceedings, Papers and Essays, Notes and Queries, Illustrations, &c., in the Volumes of Ars Quatuor Coronatorum I to XXX], thin roy. 8vo, cloth, *Rochdale*, 1918 **£1/2/6**

PAPERS and ESSAYS, off-printed from "ARS QUATUOR CORONATORUM," roy. 8vo, original wrappers, unless otherwise noted, various dates, as under :—

793 **ADAMS** (Cecil) Ahiman Rezon, the Book of Constitutions, 16 *facsimiles*, 70 pages, 1933 **15/-**

794 ——— The Freemasons' Pocket Companions of the 18th Century, 10 *facsimiles*, 68 pages, 1932 **15/-**

795 ——— Notes on some Eighteenth Century Masonic Handbooks, 42 pages, 1937 **12/6**

796 **CRAWLEY** (W. J. Chetwode) The Old Charges and the Papal Bulls, in 3 parts, *with 2 plates*, 53 pages, buckram (original wrappers bound in) [1911] **£1/1/-**

797 **DRING** (E. H.) The Evolution and Development of the Tracing or Lodge Board, *with 28 pages of illus.*, 78 pages, 1916 **15/-**

798 **ELKINGTON** (George) Some Notes on the "Freemasons' Magazine or General and Complete Library," a Masonic Periodical at the end of the Eighteenth Century, 24 pages, 1929 **6/-**

799 **FIRMINGER** (Rev. W. K.) The Members of the Lodge at the Bear and Harrow (St. George and Corner Stone, No. 5), *with 2 plates*, 36 pages, 1935 **8/-**

800 ——— Studies in Continental XVIIIth Century Freemasonry and Freemasonry So-Called. II.—Freemasonry in Savoy, 30 pages, 1933 **7/-**

801 **ROGERS** (Norman) 200 Years of Freemasonry in Bury [S.E. Lancashire], 48 pages, cloth, 1945 **10/-**

802 **RYLANDS** (W. Harry) The Alnwick Lodge Minutes [with a List of the Members from 1748 to 1756], 24 pages, 1901 **7/-**

803 ——— Charter Incorporating the Trades of Gateshead, 1671, 12 pages, 1902 **6/-**

804 ——— Notes on the Society of Gregorians, *with 4 plates*, 50 pages, 1908 **10/-**

805 ——— Notes on Sussex Masonry, *with 2 plates, and illustrations in the text*, 14 pages, 1898 **6/-**

806 **WILLIAMS** (W. J.) The King's Master Masons [England], 4 *pages of facsimiles*, 64 pages, 1930 **10/-**

807 **WONNACOT** (W.) The Country Stewards' Lodge and the Green Apron, 31 pages, cloth, roan back, 1955 **16/-**

808 ——— Martin Clare and the "Defence of Masonry (1730)," 34 pages, 1915 **10/-**

---

809 **QUATUOR CORONATORUM ANTIGRAPHA**: Masonic Reprints [of Scarce Manuscripts and Books, including the MS. Old Charges, Constitutions, and Early Pamphlets, etc.], edited for the Lodge Quatuor Coronati, by G. W. Speth and W. J. Songhurst, Complete Set, *with plates, facsimiles of title-pages and other illustrations*, 10 vols., 4to, various bindings, half roan (a little rubbed) and cloth, and not quite uniform in size, *Margate*, 1889-1913 **£32/10/-**

Vols. 1 to 6 are principally devoted to reprints of the "Old Charges;" Vol. 7 is a reproduction of the Constitutions of 1738; Vol. 8 Masonic Certificates from the earliest to the present time; Vol. 9 Constitutions of the Philo Musicæ et Architecturæ Societas, 1725-1727, whose members were all Freemasons; Vol. 10 Reproduction of the Minutes of Grand Lodge from 1723 to 1739, with numerous facsimiles of entries, etc.

Complete Sets seldom occur for sale. Most of the volumes are scarce as only 250 copies were printed.

810 ——— Vol. VI.—Facsimile of the "Inigo Jones MS.," with Introduction; Facsimile of the "Wood MS.," with Introduction; and Facsimile of the "Lechmere MS," with Introduction and Transcript, 4to (wanting back wrapper), *ibid.*, 1895 **£1/15/-**

811 ——— Vol. IX.—Book of the Fundamental Constitutions and Orders of the Philo Musicæ et Architecturæ Societas, London, 1725-1727, with Introduction and Notes by W. H. Rylands, *illustrated with plates and facsimiles*, 4to (wanting back wrapper), *ibid.*, 1910 **£1/12/-**

QUATUOR CORONATI LODGE PUBLICATIONS, vide Bain (G. W.), ante; Stukeley (Rev. W.), post.

812 **RAGON** (J. M.) FRANCMAÇONNERIE: RITUELS du GRAND INSPECTEUR INQUISITEUR, COMMANDEUR, 31 Degré, et du PRINCE de ROYAL SECRET, 32 Degré; et du PRINCE de ROYAL SECRET, 32 Degré; RITUAL du SOUVERAIN GRAND INSPECTEUR GÉNÉRAL, 33 et Dernier Degré; in one volume, *Paris* [*ca.* 1860] £2/-/-

813 **RAMSAY** (Chevalier ANDREW MICHAEL) The TRAVELS of CYRUS; to which is annex'd a DISCOURSE upon the THEOLOGY and MYTHOLOGY of the ANCIENTS, FIRST OCTAVO EDITION, of the ENGLISH TRANSLATION, 2 vols., old calf (joints broken) 1727 £2/-/-

814 —— FOURTH EDITION, much enlarged, with *engraved frontispieces* (not done for the first edition) 2 vols., contemp. calf, 1730 £3/-/-

Wolfstieg, 41478; Kloss, 3935.

The author's best known work and one that is of interest to R. A. M.'s

Cyrus was King of Persia when the Jews returned from Babylon to rebuild the Temple, under the leadership of Zerubbabel, Joshua, and Haggai.

815 **RANKIN** (G. J. V.) Some Account of the Ritual authorised and prescribed by The United Grand Lodge of England now generally known as Reconciliation Working together with some account of Emulation Lodge of Improvement, 1925 10/-

816 **RAWLINSON** (REV. HENRY) A SKETCH of FREEMASONRY, PAST and PRESENT, in its RELATIONS to SOCIETY—A SERMON Preached . . . August 11th, 1859; on the occasion of the Installation of the Right Worshipful JOSEPH GUNDRY, Esquire, as Prov. G. M. for the County of Dorset, 20 pp., wrappers, 1859 12/6

817 [**RAY** (J., *of Liverpool*)] The GRAND ORDER of MASONRY EXPLAINED; or the VIRTUOUS MASON'S COMPANION, *illustrated* by several Lectures, Observations and Charges, delivered by Eminent Brethren, with Rules and Directions for Masons, at the Various Ceremonies in Lodges . . . etc., original printed boards (back strip defective), uncut, *Dublin: Printed by J. Charles*, 1813 £8/8/-

A rare edition, unknown to Wolfstieg, and not mentioned by Vibert. It is the Third or First Dublin Edition of Ray's Elements of Free Masonry Delineated, being the sheets of the Second Edition with a new title-page substituted, but omitting the frontispiece.

818 [——] The ELEMENTS of FREE MASONRY DELINEATED, SECOND EDITION, with additions, *engraved frontispiece*, boards, old leather back, *Belfast: Printed for Brother R. J. Ferguson*, 1808 £9/-/-

819 —— ANOTHER COPY, taller, but wanting pages 1 to 12 which contained "General Objections against Freemasonry" and the "Design and Nature of the Society," half calf, m.e., *ibid.*, 1808 £6/-/-

Wolfstieg, 1384 (ii).

This work received the Sanction of the Grand Lodge of England. The first edition was published at Liverpool in 1788.

820 **READE** (W. WINWOOD) THE VEIL of ISIS; or THE MYSTERIES of the DRUIDS, half calf, gilt, scarce, 1861 £3/10/-

Includes "Vestiges of Druidism in the Emblems of Freemasonry," pages 166–185.

821 **REBOLD** (EMANUEL) HISTOIRE des TROIS GRANDES LOGES de FRANCS-MAÇONS en FRANCE: Grand Orient [depuis sa Fondation en 1772, jusqu'en 1862]; Suprême Conseil [1804, jusqu'a la fin de 1862]; Grande Loge Nationale [1848 jusqu'a L'Interdiction de ses Reunions en Janvier 1851]; précedée d'un PRÉCIS HISTORIQUE de la FRANC-MAÇONNERIE ANCIENNE depuis sa FONDATION jusqu'à transformation en INSTITUTION PHILOSOPHIQUE en 1717 [etc.], half morocco, *Paris*, 1864 £4/15/-

Wolfstieg, 6421.

822 —— La FRANC-MAÇONNERIE PHILOSOPHIQUE son importance morale et sociale: EXPOSE HISTORIQUE . . les COLLÉGES de CONSTRUCTEURS ROMAINS jusqu'aux CORPORATIONS des FREE-MASONS de la GRANDE-BRETAGNE, dont est issue en 1717, la Franc-maçonnerie moderne, 48 pages, unbound, *Paris*, [1859] £1/5/-

Wolfstieg, 24134.

823 **RECTANGULAR REVIEW** (The) A QUARTERLY COMMUNICATION on PHILOSOPHY, FREEMASONRY, ARCHAEOLOGY, SCIENCE, and the FINE ARTS, July, October, 1870; January, April 1871 (all published), binder's cloth, 1871 £1/10/-

824 **RECUEIL de POÉSIES MAÇONNES** [compose des Piéces en Vers, Cantates, et Chansons] PREMIÉRE ÉDITION, modern boards, leather label, *Jerusalem* (*Paris*), 1748 £3/-/-

Wolfstieg, 39696

This work is sometimes bound with l'Ecole des Francs-Maçons by Martin Couret de Villeneuve and may have been written by him.

825 **RED CROSS of ROME and CONSTANTINE**—STOKES (JOHN) HISTORY of the WHITE ROSE of YORK CONCLAVE No. 120, SHEFFIELD, from 1875 to 1929, wrappers, 1929 12/6

826 **REES COPESTICK** (F. D.) The MANOR of ANDREWES and LE MOTTE [HERTFORDSHIRE], the present Home of the GRESHAM LODGE No. 869 of FREEMASONS. Being an HISTORICAL Account of CHESHUNT GREAT HOUSE from the Fourteenth Century, with a View of the Banqueting Hall, 30 pages, 1884 15/-

827 **REPRESENTATIVE BRITISH FREEMASONS**: A Series of 275 Biographies of Early Twentieth Century Freemasons, *with* 180 *portraits*, thick imp. 4to, publisher's roan gilt, 1915 £1/15/-

828 **REPRINT OF MASONIC PAPERS** (A) [Comprising The Science of Lux: The Four Periods of Light; Observations on Masonry; A Sermon by the Rev. Wm. Brook Jones, P. Grand Chaplain, Essex, May 15th 1797] 76 pages, wrappers, *Madras*, 1842 £1/5/-

Privately Printed and not for sale.

Wolfstieg, 882.

829 **RÈGLEMENT** de la **LOGE** de la **CONCORDE** (arrêté le 1 Fructidor au XI) 40 pages, wrappers, *Dijon*, 1810 18/-

Kloss, 5111.

830 ——— de la R.: L.: de la CONCORDE, dument constituée a L'O.: de STRASBOURG, wrappers, *without printer, place or date* [*Strasbourg*, 1806] £1/5/-

This copy was apparently used as a model for prospective rules for Lodge "Triple Lumiere" a L'O.: de Huningue (adopted 14.10.1808 vide Kloss No. 5130) as it has corrections and remarks showing the adoption of some of the regulations.

831 ——— pour la tres respectable Loge LA CONSTANCE COURONNÉE à I. D. ANGERS (small holes in title (not affecting text) 24 pages, wrappers, *Angers*, 1838 12/6

——— vide STATUTS, post.

832 [**REID** (JAMES)] The FREE-MASON'S POCKET COMPANION, containing [amongst other matters included under nine headings] An Ode, by Mr. Bancks, on Masonry; History of Masons and Masonry; Collection of Freemasons Songs (with separate Title-page); List of all the Regular Lodges in Scotland; List of all the Regular Lodges in England; and a Defence of Masonry, occasioned by a Pamphlet called Masonry Dissected. FIRST EDITION, contemp. calf, joints cracked, *Edinburgh, Printed by James Reid*, 1754 £8/10/-

The text of this edition follows closely that of Edinburgh, Printed by W. Cheyne, 1752, but no frontispiece was done for Reid's edition.

833 **RÉTIF DE LA BRETONNE** (L.) VADE MECUM du PREMIER DEGRÉ de L'ORDER MAÇONNIQUE au RIT ÉCOSSAIS, 112 pages, (lower blank corner of title torn away), unbound, *Paris: A. Lebon*, 1853 £1/10/-

Wolfstieg, 35741 cites an edition of 50 pages, *Paris: Lebegue*, 1840.

834 **REY** (E. C.) ITANOKO, Drame Mac.: en six époques, précedé de la Salle des Pas Perdus, Prologue symbolique en un acte; par ENE . . . C . . . REY, R.: †. Dédié aux Francs-Maçons (Rosicrucian device of the pelican feeding her young, and the cross on title), boards, *Paris*, 1835 £3/10/-

"La scéne se passe dans une Salle de Pas Perdus d'une Loge de Francs-Maçons, à Paris." Not in Wolfstieg or Kloss.

RITUALS.

(We reserve the right to refuse orders for any of these items from unauthorized persons.)

835 [**ALLYN** (AVERY)] A RITUAL, and ILLUSTRATIONS of FREE-MASONRY, and the ORANGE and ODD FELLOWS' SOCIETIES, *accompanied by numerous engravings*, and a KEY to the PHI BETA KAPPA, also an ACCOUNT of the KIDNAPPING and MURDER of WILLIAM MORGAN . . By a TRAVELLER in the UNITED STATES, FIRST ENGLISH EDITION, rebound boards, cloth back, uncut, *Devon: S. Thorne*, 1835 £5/5/-

First published in Boston (U.S.A.) 1831. The English edition contains, in addition to the "Orange" and "Odd Fellows' Societies," the degree of Mediterranean Pass, and the Account of the Morgan affair, now first added. Allyn's name is omitted from the title-page.

Not in Wolfstieg.

836 ——— ANOTHER EDITION, *illustrated*, rebound cloth, with addition to imprint: *Sold in London by Partridge and Oakey*, 1851 £2/10/-

837 **CARLILE** (RICHARD) FREEMASONRY, a Manual [of the CRAFT, ROYAL ARCH, and Several of the HIGHER and so called SIDE DEGREES], Part 1, SECOND EDITION, revised and enlarged, 1843; Parts 2 and 3, FIRST EDITIONS, 1836-37, the 3 vols., 1843 and 1836-37 **£3/15/-**
Imprints: Part 1, N. Bruce, 84 Farringdon Street; Part 2, Alfred Carlile, 183 Fleet Street; Part 3, Alfred Carlile, Water Lane, Fleet Street.

838 ——— FREEMASONRY [Part II.] MANUAL of MASONRY; containing the ROYAL ARCH and KNIGHTS TEMPLAR DEGREES: with an Explanatory Introduction to the Science, FIRST EDITION, *Alfred Carlile*, 183 *Fleet Street*, 1836 **£1/5/-**

839 ——— MANUAL of FREEMASONRY, THIRD [and FIRST COLLECTED] EDITION, revised and enlarged, *Printed and Published by R. Carlile, Fleet Street, Reprinted and published by W. Dugdale, Holywell St.* 1845 **£2/10/-**

840 ——— FOURTH EDITION, binders cloth, printed title-label on cover, *Richard Carlile*, 2 *Lovell's Court, Paternoster Row; and Murrey Street, Hoxton* [*ca.* 1850] **£2/-/-**
Both the Third and Fourth Editions have separate titles, pagination, and signatures to each of the three parts, but the type-setting is distinctive in each edition.

841 ——— ANOTHER EDITION, the general title-page setting out the contents of the three parts, no separate titles, the pagination continuous, *Reeves & Turner*, 196 *Strand, W.C.* [1876] **£1/5/-**

842 ——— RE-ISSUE, *Reeves & Turner*, 5, *Wellington St., W.C.* [1898] **£1/-/-**
Imprint on verso of title: Printed by the New Temple Press, 185 Fleet Street, London, E.C.

843 ——— [STEREOTYPE ISSUE] *William Reeves*, 83 *Charing Cross Road, W.C. ca.* 1908 **£1/-/-**
Publisher's catalogue at end having books "just published" dated 1908.

844 **COMPLETE WORKINGS** (THE) of CRAFT FREEMASONRY: being a Practical Guide to the Three Degrees in Blue Masonry, including the LECTURES and INSTALLATION CEREMONY, *Privately Printed for A. Lewis*, 1883 **£1/-/-**

845 ——— RE-ISSUE, 1902 **15/-**

846 ——— LATER EDITION (numerous MS. corrections in pen and ink) omitting the Ceremony of Opening and Closing a Board of Installed Masters, 1909 **10/-**

847 **EASTERN STAR.**—RITUAL of the ORDER of the EASTERN STAR, published by Authority of the General Grand Chapter, SECOND EDITION, *Chicago*, 1913 **12/6**

848 **EMULATION WORKING.**—LECTURES of the THREE DEGREES in CRAFT MASONRY, the CEREMONY of INSTALLATION, and an Appendix (including OPENING and CLOSING of a BOARD of INSTALLED MASTERS) *with illustrations of the tracing boards*, leatherette, *Privately Printed for A. Lewis*, 1876 **15/-**

849 ——— ANOTHER EDITION [to which is added the Ceremony of Constituting and Consecrating a New Lodge] leatherette, *ibid.*, 1899 **15/-**

850 ——— ANOTHER EDITION, Installation omitted, but with the FUNERAL CEREMONY, and the MASONIC MUSE (or Songs) added, *ibid.*, 1906 **10/-**

851 **KNIGHT TEMPLARISM ILLUSTRATED** (REVISED) a FULL and COMPLETE ILLUSTRATED RITUAL of the SIX DEGREES of the COUNCIL and COMMANDERY, wrappers, *Chicago*, 1925 **10/-**

852 **MONITOR** of the **WORK, LECTURES** and **CEREMONIES** of ANCIENT CRAFT MASONRY in the JURISDICTION of the GRAND LODGE of NEW YORK, cloth, *New York*, 1904 **10/-**

853 "**PAST MASTER** (A)" The WORKING of the THREE DEGREES of CRAFT-MASONRY and the INSTALLATION CEREMONY, *with* 3 *plates of tracing boards*, interleaved for notes, 1879 **15/-**

854 **PERFECT CEREMONIES** (THE) OF CRAFT MASONRY according to the most approved forms as taught in the Unions Emulation Lodge of Improvement for M.M.'s, with the most recent Corrections, *with woodcut "Dance of Death" borders*, FIRST ISSUE of this edition, binding soiled, *Privately printed*, 1871 **£1/15/-**

855 ——— NEW EDITION, with Numerous Alterations and Additions [including Test Questions .. put to a M.M. who goes as a visitor; Ceremony of Calling-off and Calling-on], with the "Dance of Death" borders, *ibid.*, 1874 **£1/5/-**

856 ——— PERFECT CEREMONIES (The) of CRAFT MASONRY, 2 vols.; THE ESOTERY of BOARD of INSTALLED MASTERS, 1 vol. Specially Prepared in Braille for the National Institute for the Blind, 3 vols., 4to, wrappers, *ibid.* [*ca.* 1936] **£4/10/-**

857 **REVISED FREEMASONRY ILLUSTRATED,** The COMPLETE RITUAL of the FIRST SEVEN MASONIC DEGREES, by JACOB O. DOESBURG, *profusely illustrated* . . . EIGHTEENTH EDITION, *Chicago*, 1925 **15/-**

858 **REVISED RITUAL** (THE) of CRAFT FREEMASONRY, including the Lectures, Installation Ceremony etc. . . . by AN OLD PAST MASTER [FRANKLIN THOMAS], FOURTH EDITION, revised, *Privately Printed*, 1915 **10/-**

859 **RICHARDSON** (JABEZ) MONITOR of FREEMASONRY; being a Practical Guide to the Ceremonies in All The Degrees conferred in Masonic Lodges etc. . . . The Ineffable and Historical Degrees are also given in full, *numorous text-illustrations, Philadelphia* [*ca.* 1890] **12/6**

860 **RITUAL** (A) and ILLUSTRATIONS of FREEMASONRY, *accompanied by numerous engravings* (*on* 30 *plates*), and A KEY to the PHI BETA KAPPA, EARLY ISSUE, rebound half cloth, *Reeves and Turner*, 5, *Wellington Street, W.C.* [*ca.* 1898] **£1/10/-**

861 ——— LATER ISSUE, *W. Reeves*, 83, *Charing Cross Road, W.C.* [*ca.* 1905] **£1/5/-**

This ritual is based upon the work by Avery Allyn.

862 **RONAYNE** (EDMOND) HAND-BOOK of FREEMASONRY, with APPENDIX, revised, enlarged, complete, wrappers, *Chicago*, 1928 **10/-**

863 **ROYAL ARCH.**—PERFECT CEREMONIES (The) of the ROYAL ARCH DEGREE, to which are added the LECTURE [etc.] SECOND and REVISED EDITION, *woodcut of Tracing Board*, board, *Privately Printed for A. Lewis*, 1877 **15/-**

864 ———: NEW and REVISED EDITION [with the Ceremony of Consecrating a Chapter], boards, *ibid.*, 1888 **10/-**

865 **SCOTTISH CRAFT RITUAL** (COMPLETE): The SCOTTISH RITUAL of the THREE DEGREES of ST. JOHN'S MASONRY, with the Lectures, Consecration and Installation Ceremonials [etc.] *A. Lewis* [1876] **12/6**

866 **TEXT BOOK** (THE) of ADVANCED FREEMASONRY: Containing . . . the Complete Rituals of the Higher Degrees . . . by the Author of "The Text Book of Freemasonry" (Craft), FIRST EDITION, 1873 · **£1/5/-**

RITUAL, vide CARTWRIGHT (E. H.), HOBBS (J. W.), RAGON (J. M.), and RANKIN (G. J. V.), ante; ROWBOTTOM (Wm.), and SANDERSON (M.), post.

---

867 **ROBBINS** (SIR ALFRED) ENGLISH-SPEAKING FREEMASONRY, *out of print* [1930] **18/-**

868 **ROBERTSON** (J. ROSS) The HISTORY of FREEMASONRY in CANADA from its Introduction in 1749, embracing . . . more particularly a HISTORY of the CRAFT in the PROVINCE of UPPER CANADA, now ONTARIO, in the DOMINION of CANADA. Compiled and written from official Records and from MSS. covering the Period from 1749-1858, in the possession of the Author [with an Introduction by W. J. HUGHAN], *profusely illus.*, 2 vols., stout roy. 8vo, *Toronto*, 1899 **£3/5/-**

869 ——— TALKS with CRAFTSMEN and PENCILLINGS by the WAYSIDE, *ibid.*, 1890 **10/-**

870 **ROBIN HOOD SOCIETY.**—The HISTORY of the ROBIN HOOD SOCIETY in which the Origin of that Illustrious Body of Men is traced; the Method of Managing their Debates is shewn; The Memoirs of the Various Members that Compose it are given; and Some Original Speeches, as Specimens of their Oratorical Abilities are Recorded; Chiefly compiled from Original Papers, contemp. mottled calf, rebacked, *Printed for James Fletcher and Co.* . . . 1764 **£3/15/-**

James Prior, in his Life of Goldsmith refers to this work as evidence that the famous writer was a member. An entry on page 193 is headed "MR. G**D***TH.

871 ———: [LEWIS (RICHARD)] THE ROBIN HOOD SOCIETY: a SATIRE, with Notes Variorum, by PETER POUNCE, Esq., *engraved frontispiece of a meeting in progress*, contemp. mottled calf, *Printed for E. Withers and W. Reeve* [*etc.*] 1756 **£3/-/-**

The Dedication to the Rev. Mr. Romaine is signed Richard Lewis.

For reference to the Robin Hood Society see Article by W. B. Hextall in A.Q.C., vol. 27, pages 31/32.

872 **ROBISON** (JOHN) PROOFS of a CONSPIRACY against all the RELIGIONS and GOVERNMENTS of EUROPE, carried on in the SECRET MEETINGS of FREE MASONS, ILLUMINATI, and READING SOCIETIES, collected from good Authorities, SECOND EDITION, corrected; to which is added a POSTSCRIPT, old calf (worn), *Printed for T. Cadell, Jun. and W. Davies, Strand; and W. Creech, Edinburgh*, 1797 **£1/5/-**

The Second, and all subsequent editions contain the Postscript.

873 **ROBISON** (JOHN) PROOFS OF A CONSPIRACY, SECOND EDITION, boards (cloth back a trifle frayed) entirely uncut, *Printed for T. Cadell, Jun. and W. Davies, Strand; and W. Creech, Edinburgh*, 1797 **£1/15/-**

874 ——— THIRD EDITION, corrected (top blank corner torn from title), contemp. half morocco gilt (worn at headband), *ibid.*, 1798 **£1/10/-**

875 ——— ANOTHER ISSUE of the THIRD EDITION [and the FIRST AMERICAN], sm. piece of top blank margin of title-page cut away, old rebacked sheep, *Philadelphia : Printed for T. Dobson . . . and W. Corbet*, 1798 **£3/10/-**

Wolfstieg gives the New York issue with the Fourth edition imprint but does not mention this, which although printed in the same year, being based on the Third English, is the first of the American issues.

876 ——— FOURTH EDITION, with corrections and additions, old rebacked calf, *Printed for T. Cadell, Jun. and W. Davies; and W. Creech, Edinburgh*, 1798 **£1/15/-**

877 ——— ANOTHER ISSUE of the FOURTH EDITION [and the SECOND AMERICAN], 8vo, rebound buckram, *New York : Printed by George Forman, . . . for Cornelius Davis*, 1798 **£2/10/-**

878 ——— FIFTH EDITION, corrected [SECOND DUBLIN EDITION], contemp. half russia, m.e. (slight waterstain on some pages), *Dublin : Printed by W. Watson and Son*, 1798 **£2/10/-**

Wolfstieg, 3806 gives particulars of the first to the fourth London Editions but not the two Dublin editions designated as "Fourth" and "Fifth" which both appeared in 1798.

879 [**ROEBUCK** (GEORGE EDWARD)] THE TEACHINGS of FREEMASONRY, by "ESSEX MASTER," ORIGINAL EDITION, 1928 **10/-**

880 ——— NEW and REVISED EDITION, 1938 **5/-**

881 **ROSE** (ALGERNON) The DIRECTOR of CEREMONIES: His Duties and Responsibilities, NEW and REVISED EDITION, 1932 **9/-**

ROSICRUCIANS.

882 **BATESON** (CAPT. VAUGHAN) FOUR PAPERS read before the METROPOLITAN COLLEGE S.R.I.A. between 1909 and 1921, and 4 other addresses to Non Masonic Societies, lambskin, lettered "Lectures," 1909-21 **18/-**

883 **BROWN** (ARTHUR, *M.A.*) The FOURTH GOSPEL and the EIGHTEENTH DEGREE, a Correlation of Two Systems of Symbolism, 1956 **£1/1/-**

The first comprehensive interpretation of this specifically Christian Masonic degree. The author argues that the degree can only be fully understood by studying St. John's Gospel and by examining what the evangelist has to say about the many symbols which are common to the gospel and the ritual of the Masonic ceremony.

884 **GARDNER** (F. LEIGH) A CATALOGUE RAISONNÉ of WORKS on the OCCULT SCIENCES, Vol. 1.—ROSICRUCIAN BOOKS [a Bibliography of 761 items with collations, etc.], with an Introduction by Dr. W. WYNN WESTCOTT, SECOND [and REVISED] EDITION, *Privately Printed*, 1923 **£1/5/-**

Limited to 500 numbered copies.

The second volume of this Series: "Bibliotheca Astrologica," published in 1911 can be supplied for £1/5/-

885 [**KING** (WILLIAM, *Principal of St. Mary Hall, Oxford*)] The DREAMER [a Collection of Essays, including "The ROSICRUCIANS or KNIGHTS of the ROSY CROSS"] FIRST EDITION, boards, cloth back, uncut, *Printed for W. Owen*, 1754 **£2/10/-**

Wolfstieg, 42554.

886 **MOUNT CALVARY CHAPTER ROSE CROIX, No. 3.**—WILES (H. V.) ONE HUNDRED YEARS, 1848-1948, compiled to commemorate the centenary of the Chapter on June 11th, 1948, *illus.*, boards, 1948 **12/-**

887 **SOCIETAS ROSICRUCIANA IN ANGLIA**: METROPOLITAN COLLEGE—CLAVICULA ROSICRUCIANA, numbers I to V, being Lectures by W. R. WOODMAN, and MACGREGOR MATHERS, each number consisting of 4 pages, unbound, 1884-88 **£1/10/-**

888 ——— : Quarterly Notes of the Metropolitan Study Group, S.R.I.A., Numbers 30, 31, 42, 43, 60, 65, 66 and 70, 71, the 6 parts, 1930-40; also 4 Supplements, being the DIRECTORIES for the years 1926, '28, '30 and 1940; together 10 parts, 8vo, stitched, 1926-40 **£1/5/-**

889 **SOCIETAS ROSICRUCIANA IN ANGLIA** : METROPOLITAN COLLEGE TRANSACTIONS 1885 to 1890 (wanting 1889) 5 numbers, (without the wrappers which bear the title-page) in one volume, binders' cloth, 1885-90 **£2/10/-**

These were the first of the Transactions of the Metropolitan College to contain the Proceedings of the Convocations in addition to Lectures. Its fore-runner was the "Rosicrucian" published from 1868 to 1879.

890 ——— : ——— TRANSACTIONS 1897/8 and 1899/1900, 2 parts, wrappers **12/6**

891 ——— : ——— TRANSACTIONS, 1906, wrappers **6/-**

892 ——— : ——— TRANSACTIONS, 1915, half roan **7/6**

893 ——— : ——— TRANSACTIONS, 1944-1953, 9 parts, wrappers **£2/15/-**

894 ———: PROVINCE of HALLAMSHIRE: TRANSACTIONS for 1910/11, wrappers, *Sheffield*, 1912 **10/-**

895 ———: PROVINCE of YORKSHIRE—RULES and REGULATIONS of the YORK COLLEGE, approved Feb. 16th 1895, with List of Members to Nov. 1895, thin 4to, cloth, *York*, [1895] **10/-**

896 ——— [SECOND EDITION], with LIST of MEMBERS to Nov. 1898, thin 4to, cloth, *ibid.*, [1898] **12/6**

897 **SOCIETAS ROSICRUCIANA in SCOTIA.**—ALLAN (J. Mason) METROPOLITAN COLLEGE, 1873-1923, a Brief History of the College and its Antecedents, wrappers, *Edinburgh*, 1923 **10/-**

898 ———: METROPOLITAN COLLEGE—AD LUCEM, being some Papers read by Fratres of the College, wrappers, *ibid.*, 1930 **10/-**

899 [**VAUGHAN** (THOMAS)] The FAME and CONFESSION of the FRATERNITY of R. C. commonly of the ROSY CROSS . . . by EUGENIUS PHILALETHES, originally printed in 1652 and now reprinted in facsimile, together with an Introduction, Notes, and a Translation of the LETTER of ADAM HASELMEYER, . . . by F. N. PRYCE, *Printed for the Societas Rosicruciana in Anglia*, 1923 **£3/-/-**

900 **WESTCOTT** (DR. WM. WYNN) HISTORY of the SOCIETAS ROSICRUCIANA in ANGLIA, *Privately Printed*, 1900 **£1/5/-**

ROSICRUCIANS, vide CASTELLS (REV. F. de P.), ante.

---

901 **ROSS** (ALEXANDER) FREEMASONRY in INVERNESS: being an ACCOUNT of the ANCIENT LODGES of ST. JOHN'S OLD KILWINNING, No. 6 and St. ANDREW'S KILWINNING, No. 31, both of Scotland, compiled from the Minute Books, *Printed for Private Circulation*, *Inverness*, 1877 **16/-**

902 **ROWBOTTOM** (WM.) The ORIGIN of MASONIC RITUAL and TRADITION as manifested by the Geometrical Design and Symbolism of the Great Pyramid, FIRST EDITION, *with 3 plates*, *Alfreton*, 1880 **15/-**

903 **ROYAL AND SELECT MASTERS.**—CONSTITUTIONS of the GRAND COUNCIL of MASSACHUSETTS, and General Regulations for the Government of Councils under its jurisdiction, wrappers, *Mass.*, 1877 **12/6**

904 **ROYAL ARK MARINERS.**—STATUTES and REGULATIONS . . . with a Sketch of the ORIGIN and PROGRESS of the ORDER . . . compiled and issued under the Authority of the GRAND LODGE of ROYAL ARK MARINERS of ENGLAND and WALES . . . FIRST EDITION, 1871 **18/-**

ROYAL ARCH.

905 **CASTELLS** (REV. F. de P.) ANTIQUITY of the HOLY ROYAL ARCH, the Supreme Degree in Freemasonry, 1927 **11/6**

906 ——— HISTORICAL ANALYSIS of the HOLY ROYAL ARCH RITUAL, 1929 **11/6**

907 **CYRUS CHAPTER No. 21.**—CALVERT (ALBERT F.) The RECORDS of the CYRUS R.A. CHAPTER, 1811 to 1918, cloth, 1919 **10/-**

908 **DASSIGNY** (FIFIELD) A SERIOUS and IMPARTIAL ENQUIRY into the CAUSE of the present DECAY of FREE-MASONRY in the KINGDOM of IRELAND, *Dublin : Printed by Edward Bate* . . . 1744, *Reproduced in Facsimile*; to which is prefixed: INTRODUCTORY SKETCH on ROYAL ARCH MASONRY, 1743-1893, by WILLIAM J. HUGHAN, impl. 8vo, wrappers, *Leeds*, 1893 **£1/10/-**

909 ——— ANOTHER COPY, neatly bound in half morocco, *ibid.*, 1893 **£2/5/-**

Dassigny's work contains the earliest typographial reference to the Royal Arch.

910 **GENERAL REGULATIONS** for the GOVERNMENT of the ORDER of ROYAL ARCH MASONS of ENGLAND, established by the Grand Chapter (W. H. WHITE, Grand Scribe E.), *with* 24 *illustrations on* 14 *plates* (*spotted*), 1843 8/-

911 ——— The SAME for 1852 (W. H. WHITE, Grand Scribe E.), *with identical plates*, 1952 6/-

912 ——— The SAME for 1864 (WILLIAM GRAY CLARKE, Grand Scribe E.), *with identical plates*, 1864 6/-

From now onwards the prefix " Supreme " is added to " Grand Chapter."

913 ——— The SAME for 1869, 1875, 1879 (JOHN HERVEY, Grand Scribe E.) *with identical plates*, 1869-79 each 6/-

914 ——— The SAME for 1886 (COL. S. H. CLERKE, Grand Scribe E.), *with* 28 *illustrations on* 7 *plates*, 1886 6/-

915 ——— ANOTHER COPY, 1886; bound with PROVINCIAL GRAND CHAPTER, EAST LANCASHIRE, BY-LAWS, 12 pages, *Bury*, 1886. 10/-

916 **GROSVENOR-SMYTH** (REV. F. A.) The FOUR PRINCIPAL BANNERS of the ROYAL ARCH CHAPTER, a Paper read at the Godson Chapter, 2385, April 10th 1942, mimeographed, 16 pages, stitched, *Printed for Private Circulation*, *Derby*, 1942 7/6

917 **HOLMES-DALLIMORE** (A.) SUPREME ORDER of the HOLY ROYAL ARCH: The PRINCIPAL, a full and complete guide to the Law, Procedure and Etiquette, [1930] 12/6

918 **INMAN** (HERBERT F.) ROYAL ARCH WORKING EXPLAINED, 1923 12/6

919 **JERUSALEM CHAPTER No. 8, NEW YORK.**—TWISS (CHARLES VICTOR) The Centennial History of Jerusalem Chapter 1799-1899, 53 *illus.*, *New York* [1900] £1/5/-

920 **LAWS** and **REGULATIONS** for the ORDER of ROYAL ARCH MASONS, revised and amended, by the SUPREME GRAND CHAPTER, 5th Feb., 1823, *with* 7 *plates*, wrappers, 1823 £1/10/-

This copy has the printed slip accompanying the plates which lays down the rule regarding Jewels for private Chapters.

921 **MOUNT HOREB R.A. CHAPTER, LOWELL, MASS.**—CHARTER, BY-LAWS, and LIST of MEMBERS; together with the Constitution of the GRAND R.A. CHAPTER of MASSACHUSETTS, morocco, g.e., *Lowell*, *Mass.*, 1871 12/6

922 **NEW ZEALAND.**—WILLIAMS (HERBERT J.) A HISTORY of the SUPREME GRAND ROYAL ARCH CHAPTER of NEW ZEALAND for a period of Twenty-one Years, from Jan. 1892 to Jan. 1913, *illus.*, *Wellington*, 1913 12/-

923 **POLLOKSHAWS R.A. LODGE, No. 153, SCOTLAND.**—BRYCE (William) HISTORY of the LODGE, 1783-1919, *frontispiece*, *Glasgow*, 1920 10/-

924 **PROVIDENCE [RHODE ISLAND] ROYAL ARCH CHAPTER, No. 1** [1793 to 1893]: ONE HUNDREDTH ANNIVERSARY of the CONSTITUTION, Sept. 3rd and 4th, 1893, *with* 4 *illus.*, *Providence*, *R.I.*, 1894 15/-

925 **ST. GEORGES CHAPTER, No. 140.**—FLUKE (Geo. Benj.) HISTORY of the CHAPTER . . . formerly called The Chapter of Hope, No. 49, 1786-1936, *illus.*, 1936 18/-

926 **SCOTLAND.**—GENERAL REGULATIONS for the GOVERNMENT of the ORDER of ROYAL ARCH MASONS of SCOTLAND, FIRST EDITION, 6 *illus. on* 4 *plates* (Colours of sashes, collars, and ribbons painted in by hand), *Edinburgh*, 1845 £1/5/-

927 ——— : ——— SECOND EDITION, *with portrait and* 7 *plates* (the additional illustration being of Jewels for Provincial Grand and Subordinate Chapters), *ibid.*, 1861 18/-

928 ——— : ——— ANOTHER EDITION, *with* 19 *plates*, *ibid.*, 1915 10/-

929 **STOKES** (JOHN) and **FLATHER** (DAVID) The HISTORY OF ROYAL ARCH MASONRY in SHEFFIELD, *Sheffield*, 1922 15/-

930 **SUPREME GRAND CHAPTER**: PROCEEDINGS of the SUPREME GRAND CHAPTER of ROYAL ARCH MASONS of ENGLAND, OCTAVO SERIES, Vol. 1, from Aug. 1868 to Nov. 1885, half calf (binding rubbed), 1895 15/-

931 **TURNBULL** (E. R.) and **DENSLOW** (RAY V.) A HISTORY of ROYAL ARCH MASONRY, *illustrated*, 3 vols., *Issued under Authority of the General Grand Chapter R.A.M.*, *Trenton*, *Missouri*, 1956 £3/12/6

Vol. 1 is confined largely to the beginnings of the Rite, the development of its ritual, the formation of Grand Chapters; Vol. 2, The Story of the Grand Chapters other than the British Isles (which are included in the first volume); Vol. 3 continues the stories of the Grand Chapters, biographies of Past General Grand High Priests, and an extensive index.

932 **TOPLEY** (W. H.) The CRAFT and the ROYAL ARCH, with a Foreword by the Rev. Canon COVEY-CRUMP, 1945 7/6

933 **UNITED STATES GENERAL GRAND CHAPTER.**—Fox (C. G., *General Grand Secretary*) PROCEEDINGS of the General Grand Chapter of Royal Arch Masons of the United States, from its organization, in 1797, up to and including the Triennial Convocation of 1856, *illus.*, *Buffalo*, 1877 £1/1/-

934 **WAKEFIELD CHAPTER No. 495.**—RYLANDS (JOHN RICHARD) The WAKEFIELD CHAPTER of ROYAL ARCH MASONS, 1848-1949, *illus.*, boards, *Printed for Private Circulation*, *Wakefield*, 1949 £1/10/-

935 **WEST YORKSHIRE** PROVINCIAL GRAND CHAPTER BY-LAWS, FIRST EDITION, *Wakefield*, 1887 8/-

ROYAL ARCH, *vide* FINCH (WM.), RAMSAY (*Chevalier* A. M.), and RITUALS, ante.

---

936 **RUNTON** (P. T.) The KEY of MASONIC INITIATION [The Three Degrees] [1946] 8/-

937 **RUSSELL** (GEORGE) FIRST TWENTY-FIVE YEARS of FREEMASONRY in NATAL, compiled from the Records of the PORT NATAL LODGE, No. 738, [with LIST of LODGES in NATAL to the end of the year 1883], (binding damp soiled), *Durban* [1884] 18/-

938 **SADLER** (HENRY) MASONIC FACTS and FICTIONS: comprising a New Theory of the Origin of the "Ancients'" Grand Lodge, founded on Official Records and recently discovered Documents [with Introduction by Thomas Fenn], 5 *illus.*, *scarce*, 1887 £3/15/-

This work is noteworthy as propounding a new theory as to the origin of the "Ancients" or "Atholl" Masons. Brother Sadler sets out to prove that the Grand Lodge of the Ancients was formed in London by some Irish Freemasons who had never, prior to the Union, owned allegiance to the Grand Lodge of England.

939 ——— MASONIC REPRINTS and HISTORICAL REVELATIONS, including Original Notes and Additions, with an Introductory Chapter by W. J. CHETWODE CRAWLEY, 1898 £2/5/-

The introductory chapter deals with early Irish Freemasonry and Dean Swift's connection with the Craft. The "reprints" consist of "A Letter from the Grand Mistress of the Freemasons to George Faulkner, Printer," and "A Defence of Freemasonry, London, 1765." To these valuable reprints is added Sadler's defence of Laurence Dermott and the "Ancients."

940 ——— NOTES on the CEREMONY of INSTALLATION, *portrait*, 1889 8/-

941 **ST. PIERRE** DES **VRAIS EXPERTS LOGE**—AMITIE, UNION, FORCE: INSTALLATION du FR. DE FOURNELLE, agé de 119 ans, en qualité de Vénérable d'honneur dans la R.L. de ST. PIERRE, sous le titre distinctif des FRÈRES du VRAI EXPERT (le 2.2.5809), 42 pages, unbound, *Paris*, 1809 18/-

Kloss, 4961.

942 [**SAMBER** (ROBERT)] LONG LIVERS: a Curious History of such Persons of both Sexes who have Liv'd several Ages and grown Young again, with the Rare Secret of Rejuvenescency of Arnoldus de Villa Nova, and a great many Approv'd and Invaluable Rules to prolong Life; as also how to Prepare the Universal Medicine, by EUGENIUS PHILALETHES, F.R.S., contemporary calf (joints cracked), *Printed for J. Holland . . . and L. Stokoe*, 1722 £12/10/-

Wolfstieg, 5916. Although attributed to Robert Samber the work is really a translation of a work by Harouet de Longeville.

This work is dedicated "To the Grand Master, Masters, Wardens and Brethren, of the Most Antient and Most Honourable Fraternity of the Free Masons of Great Britain and Ireland, Brother Eugenius Philalethes sendeth greeting."

The introductory pages abound with mystical and hermetic lore. "And now, my Brethren, you of the higher Class, permit me a few Words, since you are but few; and these few Words I shall speak to you in Riddles, because to you is given to know those Mysteries which are hidden from the Unworthy" (page xlix. of Dedication).

943 [———]: "BAIN" REPRINTS, NO. 2.—THE PREFACE to LONG LIVERS: a Curious History, being a Facsimile Reprint of the Original Title-page and the Dedication, liv pages, [containing the pertinent passage relating to Higher Degrees], from a copy in the possession of George W. Bain (edited with an Introductory Note by R. F. GOULD), roy. 8vo., 1891 £2/2/-

944 ——— ANOTHER COPY, unbound (wrappers missing), 1891 £1/10/-

945 [**SALENGRE** (A. H. DE)] EBRIETATIS ENCOMIUM : or The PRAISE of DRUNKENNESS . . . confirmed by the Examples of Heathens, Turks, Infidels . . . Free Masons, Gormogons, and other tope-ing Societies, and Men of Learning in all Ages. By BONIFACE OINOPHILUS de Monte Fiascone, A.B.C., SECOND [ENGLISH] EDITION [translated by ROBERT SAMBER], *engraved frontispiece*, old calf, restored at joints, *Printed for E. Curll*, 1743 **£10/-/-**

Chapter XV. " Of Free Masons, and other learned men, that used to get drunk."

946 **SANDERSON** (MEREDITH) AN EXAMINATION of the MASONIC RITUAL [with an Introduction by J. S. M. WARD], THIRD and ENLARGED EDITION, [1926] **7/6**

947 **SANDERSON** (REV. R. N.) SOLOMON and HIRAM, or The TEMPLE of FREEMASONRY : A SERMON preached before the Provincial Grand Lodge of Suffolk . . . 1861, on the Installation of Col. ROBERT ALEXANDER SHAFTO ADAIR, M.W.P.G.M., 16 pages, wrappers, *Ipswich* [*ca.* 1861] **18/-**

948 **SANDYS** (WILLIAM) A SHORT VIEW of the HISTORY of FREE-MASONRY, [From times anterior to the formation of Grand Lodge until the Union of 1813], 1829 **18/-**

949 [**SCHENCK** (F.) and **M'FARLANE** (?)] The BOOK of ORNAMENTAL, ARCHITECTURAL, and MONUMENTAL DESIGNS, RARE ALPHABETS, etc., containing also [4] DRAWINGS of the JEWELS in use by the GRAND LODGES of ENGLAND and SCOTLAND (2 of the plates in colour) ; with Explanatory Index, 36 *lithograph plates in all*, 4to. boards, cloth back (binding cracked and soiled), *Edinburgh* [*ca.* 1870] **£1/15/-**

950 **SCHMIDT** (EUGEN W.) VADEMECUM FÜR FREIMAURER ; Zugleich ein beitrag zum Freimaurerischen Takt, *Leipzig*, 1925 **10/-**

951 [**SCOTT** (JONATHAN)] THE POCKET COMPANION and HISTORY of FREEMASONS, containing their Origine, Progress, and Present State : An Abstract of their Laws, Constitutions, Customs, Charges, Orders and Regulations, for the Instruction and Conduct of the Brethren [etc.], FIRST EDITION, *frontispiece after the design of the author, engraved by* I. P. BOITARD, old calf (repaired at joints), *Printed for J. Scott . . . and Sold by R. Baldwin*, 1754 **£10/10/-**

Wolfstieg, 781.

The History written for this edition is said to be the work of the Rev. John Entick and is almost identical to that which appeared in the 1756 edition of the Constitutions compiled by him.

952 [———] SECOND EDITION, Revised, corrected and greatly enlarged throughout, and continued down to this time in all its Parts, *engraved frontispiece*, old rebacked calf (inner joints strengthened with linen ; some scribbling on verso of frontispiece), *Printed for R. Baldwin, P. Davey and J. Scott*, 1759 **£7/-/-**

Wolfstieg, 781 (ii).

This is the first of Scott's Pocket Companions to have the List of Lodges.

953 [———] THIRD EDITION, Revised and Corrected [etc.], *engraved frontispiece*, old rebacked calf, *Printed for R. Baldwin, W. Johnston, B. Law and Co. and J. Scott*, 1764 **£6/15/-**

Wolfstieg, 781 (iii).

This edition varies but little from the second edition. The Dedication, Preface and Advertisements are omitted but the List of Lodges now continues down to No. 307 warranted 28th Nov. 1763.

———: *vide* PRINCIPLES and PRACTICE (The), ante.

954 **SCOTT** (LEADER [pseud. of LUCY E. BAXTER]) THE CATHEDRAL BUILDERS, the STORY of a GREAT MASONIC GUILD, *with* 80 *illus.*, roy. 8vo. 1899 **£3/3/-**

955 ——— SECOND and BEST EDITION [with a New Preface], *identical illus.*, roy. 8vo, 1899 **£3/15/-**

The best work on the Comacines.

956 **SECRET REVEALED ! !** (THE) and the MYSTIC BEAUTIES of FREEMASONRY DEVELOPED ! !, by an ANCIENT BROTHER, boards, uncut (spine defective), *Printed for G. & W. B. Whittaker*, 1820 **£4/10/-**

957 ——— ANOTHER COPY, a little shorter, and some slight stains, contemp. roan, *ibid.*, 1820 **£3/10/-**

This work appeared with alternate titles as " Beauties of Freemasonry," London, 1820 and as " The Mystic Beauties of Freemasonry Developed ! !, printed at Salem (America) 1822, and are entered under those titles by Wolfstieg, No. 3614. All issues have 108 pages plus title.

958 **SCOTLAND** (Grand Lodge) Catalogue of Books and Manuscripts in The Library at Freemasons' Hall Edinburgh, [Compiled by the Rev. Dr. Glasse, Chairman of the Library Committee], *Edinburgh*, 1906 **18/-**

959 **SCOTT** (Charles) The Analogy of Ancient Craft Masonry to Natural and Revealed Religion, *with portrait and 4 plates (somewhat foxed)*, (binding shabby, front cover detached), *Philadelphia*, 1849 **15/-**

960 **SECRETS** (The) of the Free-Masons Revealed by a Disgusted Brother, containing An ingenious Account of its Origin, their Practices in the Lodges, their Signs and Watch-words, their Proceedings at the Making of a Mason, . . . to which is added the favorite Song of the Masons as Sung in every Lodge, Early XIXth Century Manuscript transcription from the rare mid-eighteenth century publication. Title and 25 pages, legibly written, the paper with water-mark date of 1806, sm. 4to, wrappers [*ca.* 1810] [sold]

Vibert notes only a second edition of the published book Printed by J. Scott in 1759; the United G.L. Library Catalogue records having only a sixth Edition, same printer, *ca.* 1762. Not in Wolfstieg.

SEPTCHÊNES (Jean de), *vide* Collin de Plancy (Jacques), ante.

961 **SETHOS.**—[Terrasson (L'Abbe Jean)] Sethos, Histoire ou Vie tirée des Monumens Anecdotes de l'Ancienne Egypte, traduite d'un Manuscrit Grec, Premiere Édition, 2 *folding maps*, 3 vols., contemporary French calf, gilt backs, *Paris*, 1731 **£3/10/-**

962 ——— Nouvelle Édition, revue et corrigée sur l'exemplaire de l'Auteur, 2 vols., *ibid.*, 1767 **£2/-/-**

This work is mentioned in Kenning's Masonic Cyclopaedia. It also forms the subject of an article by R. E. Wallis-James in the Transactions of the Manchester Association for Masonic Research, vol. 15, pages 43 to 60.

963 **SICKELS** (Daniel) The General Ahiman Rezon and Freemason's Guide: containing Monitorial Instructions in the Degrees of E. A., F. C., and M.M., with Explanatory Notes, etc., Page 405/6 of Appendix Imperfect, *portrait and illus.* (binding a little worn), *New York*, 1873 **15/-**

964 **SIMONS** (John W.) A Familiar Treatise on the Principles and Practice of Masonic Jurisprudence (backstrip frayed), *New York*, 1864 **12/6**

965 ——— Another Edition, *with a portrait*, *ibid.*, 1873 **15/-**

966 [**SKETCHLEY** (James)] The Free Masons Repository, containing a Selection of Valuable Discourses, Charges, Rules, Orders, Aphorisms, and Letters: particularly one from Omdit ul Omrah Bahauder, son of the Nabob of Arcot, and other Pieces belonging to the Fraternity: to which is added, a Variety of Anthems, Odes, Songs, Poems, . . . also the Secret Way of Writing used among Masons, *engraved frontispiece (a little frayed in outer blank margin and backed: wrongly inserted between pages* 16/17 *of the Songs which are separately paged at end*), modern boards, cloth back, *Birmingham: Printed by and for J. Sketchley . . .* [*ca.* 1786] **£10/10/-**

For a reference to this scarce work and the date of its publication see the note by S. J. Fenton, in A.Q.C., Vol. 50, page 183. Vibert, "Rare Books of Freemasonry" gives date as [? 1794].

967 **SLADE** (Alexander) The Free-Mason examin'd, or the World brought out of Darkness into Light . . . Fifth Edition, with Additional Notes [*ca.* 1758], reprint, 24 pages, boards [1907] **£1/-/-**

This work is, in a sense, a parody of the spurious rituals, set out in catechism form, and intended as a counter to Pritchard's "Exposure," and such works.

"The date of the fifth edition is given on the cover of this reprint as 1740, but this is an error . . . "—Vide article by John T. Thorp, page 95, Vol 20, "A. Q. C."

968 **SMITH** (Capt. George, *Prov. G.M. for the County of Kent*) The Use and Abuse of Free-Masonry; a Work of Great Utility to the Brethren of the Society, to Mankind in General, and to the Ladies in Particular. First Edition, calf, rebacked, *Printed for the Author*, 1783 **£7/10/-**

Wolfstieg, 37237; Kloss, 453.

The Grand Lodge of the period would not give official sanction to the work, but nevertheless it had a large sale.

It includes accounts of the History and Progress of Freemasonry in the continents of Europe, Asia, Africa, and America.

This learned treatise taken in conjunction with Pritchard's "Masonry Dissected" is supposed to have furnished Tom Paine with materials for his notorious "Essay on Freemasonry."

969 **SMITH** (J. F.) AMY LAWRENCE, the FREEMASON'S DAUGHTER [A Novel], *illus.*, roy. 8vo, [1863] **£1/-/-**

970 **SMITH** (W., *a Free Mason*) The FREE MASON'S POCKET COMPANION: Containing the History of Masons and Masonry; the Charges given to a Free Mason; General Regulations for the Use of Lodges; the Manner of Constituting a new Lodge; Charges given to a new Brother; a Collection of Free Masons Songs, &c.; Prologues and Epilogues spoken at the Theatres to Entertain Free Masons; An Exact List of Regular Lodges. SECOND ISSUE of the FIRST LONDON EDITION, *frontispiece by* T. WORLIDGE *engraved by* J. CLARK, contemp. calf, neatly rebacked, *Printed for John Torbuck* . . . 1736 **£28/-/-**

Wolfstieg, 768. Collation: (vi) + 116 pages, plus two leaves of adverts dated December 12th, 1734 and which are necessary to the collation as they complete signature Q. The first issue of the first London edition was printed for E. Rider, 1735, and in the same year an edition was printed at Dublin.

971 ——— SECOND EDITION, with large Additions, Containing [in addition to the former contents] AN ODE, by MR. [JOHN] BANKS, on MASONRY; and A DEFENCE of MASONRY, Occasioned by a PAMPHLET [by SAMUEL PRITCHARD] call'd MASONRY DISSECTED; neatly rebound in old style sheep, *ibid.*, 1738 **£18/-/-**

Wolfstieg, 769. Collation: Title + 120 pages (last blank). This edition, the second published by Torbuck is the third of the London editions. No frontispiece was done.

Two issues of 1738 appeared. The above is the first of these having on title the misprint XI for IX in the List of Contents.

972 **SMITH** (WILLIAM, *M.A., Provost of the College and Academy of Philadelphia*) A SERMON, preached in CHRIST-CHURCH, PHILADELPHIA before the Provincial Grand Master [the Right Worshipful W. ALLEN], and General Communication of FREE and ACCEPTED MASONS, on Tuesday the 24th of June, 1755, being the Grand Anniversary of St. John the Baptist, 16 pages, unbound, *Philadelphia Printed: London, Reprinted for R. Griffiths* . . . [1755] **£9/9/-**

The Sermon was based upon 1 Peter, ii, 17 "Love the Brotherhood, Fear God, Honour the King."

An account of this Sermon is contained in the Franklin Bi-Centenary Celebration Memorial Volume published by the Grand Lodge of Pennsylvania, 1906, page 146.

973 **SOANE** (GEORGE) THE CURIOSITIES of LITERATURE and the BOOK of the MONTHS, SECOND EDITION, *with frontispieces, and vignettes on titles*, 2 vols, 1849 **18/-**

Contains a Chapter on Rosicrucianism and Freemasonry. Vol 2, pp. 35/95.

974 **SOMERSET MASTERS LODGE, No. 3746.**—TRANSACTIONS, Edited by G. Norman, E. Lewis, and H. Hiram Hallett, from 1915/16 to 1937, parts 1 to 23 (wanting parts 16, 17, and 20, for 1930, 31, and '34), *illustrated*, 20 parts, wrappers, *Bath*, 1916-38 **£8/10/-**

975 ——— TRANSACTIONS, part 9, 1923; part 11, 1925; part 21, 1935; and part 30, 1944, wrappers each **8/-**

SONGS.

976 **AGAPES** DE LA **PALESTINE**: RECUEIL de CHANSONS [a Collection of 33 Songs (without music) preceded by a List of "Membres fondateurs et autres"], lithographed, wrappers, [*Paris*] 1841 **£1/5/-**

977 **ANSCHUETZ** ([JOHANN] A[NDREA]) MARCHE des FRANCS MAÇONS à COBLENCE, composée par, *title and* 1 *leaf music*, oblong 4to, unbound, *Bonn et Cologne* [*ca.* 1780] **£1/1/-**

978 **BRETHREN'S COMPANION** (THE) or the MASONIC SONGSTER: CHOICE SONGS [64 Songs, with Index], unbound (remains of front wrapper; waterstains and some corners dog-eared), *Edinburgh: Printed by and for Oliver & Boyd, Netherbow* [*ca.* 1820] **£1/10/-**

979 **COLLECTION** of 84 SONGS, composed by DR. ARNE, MR. JEFFERYS, GEORGE SHERVIL, MR. TRAVERS, G. A. STEVENS, GEORGE KIRSHAW, MR. DIBDIN, MR. DUPUIS, R. TAYLOR, THEODOR SMITH, MR. LOCKMAN, WM. YATES and others, margins of a few songs defective, in one volume, folio, half morocco, [*ca.* 1780 etc.] **£6/15/-**

Includes "A Mason's Song" commencing: Arise and sound thy Trumpet Fame, Freemasonry aloud proclaim; "An Ode to Masonry, or the Fellow Crafts Song"; "A New Bucks Song."

980 **CLARK** (RICHARD, *Compiler*) THE FIRST VOLUME of POETRY; Revised, Improved, and Considerably enlarged, containing the Most Favorite Pieces as performed at The Noblemen and Gentlemen's Catch Club, the Glee Club . . . THE LODGE of ANTIQUITY, THE SOMERSET HOUSE LODGE, THE LODGE of INVERNESS, and the LODGE of PRUDENCE, [etc.], binder's cloth, 1824 **£1/5/-**

The Masonic Songs comprise "An Ode," p. 32; "Glee," p. 91 and "Glee," p. 330. Although designated "First Volume" the book is complete, with Index, xxviii pages. the text ends on page 512 with the word "Finis" and having the imprint at foot of the page.

981 ——— RE-ISSUE [to which is added] A CONTINUATION of the WORDS of the GLEES, CATCHES, ROUNDS, &c., not inserted in Mr. CLARK'S SECOND VOLUME; chiefly selected from the MS. and Printed Collection belonging to the Glee Club, edited by MR. LEETE 1833 (Separate title with different imprint but continued as pages [513] to 766), followed by XL page Index covering both parts, 2 vols. in one, old calf, g.e. [1824]-33 **£1/15/-**

The first part although retaining date 1824 on title, being a verbatim reprint, was published with the continuation in 1833.

982 **COLLECTION** (A) of FAVOURITE SONGS adapted for the Voice, Harpsichord, Violin, Guitar or German Flute; to which is added a Duett for Two Violins, composed by W. SHIELD; Title + Leaf of Subscribers' Names + 18 pages of Songs with Music, followed by 18 pages of Another Collection of Music and Songs, and a MS. Song at each end of the volume, in all 20 Songs, thin folio, contemporary half calf, *Printed for the Author, at Mr. Thorne's, Durham* . . . [*ca.* 1795] **£3/10/-**

Contains a 2-page "Eulogium on Masonry, the words by Brother Hartley."

983 **CROGER** (F. JULIAN) THE MASONIC MUSE: Amusement with Music, . . . written and composed, for the Use of the Craft, thin roy. 8vo, 1880 **10/-**

984 **DRESSLER** (ERNST CHRISTOP.) LIED allen BRÜDERN und LOGEN der STRICKTEN OBSERVANZ (Words and Music), 4 pages, unbound, *Cassel*, 1778 **£1/5/-**

Wolfstieg, 33440.

985 **FREE-MASONS' MELODY** (The), being a General COLLECTION of MASONIC SONGS, . . . (chiefly adapted to Familiar Tunes) containing the largest number hitherto published, and many that have never before been printed. To which are added, The Royal Free-Masons' Charities, a LIST of the OFFICERS of the UNITED GRAND LODGE, with the REMARKABLE OCCURRENCES in MASONRY, and a LIST of LODGES down to the PRESENT TIME, By the BRETHREN of PRINCE EDWIN'S LODGE No. 209 [now No. 128] Bridge Inn, Bury, Lancashire, neatly rebound in old style sheep, *Bury: Printed and Sold for the Society, by R. Hellaway*, 1818 **£5/5/-**

Has the Errata leaf but lacks the half-title.

986 **GARFORTH** (WM.) THE MASONIC VOCAL MANUAL, comprising SONGS, DUETS, GLEES, &c., together with valuable Masonic Information, publisher's morocco, emblematically gilt, *Hebden-Bridge* [*Yorks*, 1852] **£1/10/-**

987 ——— ANOTHER COPY, (spine defective), *ibid.* [1852] **18/-**

988 **GARLAND** (A) of NEW SONGS; THE STORM, by MRS. ROBINSON; A FREE MASON'S SONG; MY EYE and BETTY MARTIN, *woodcut vignette on title*, folded sheet of 8 pages, 12mo, *Newcastle upon Tyne: Printed by J. Marshall* [*ca.* 1812] **£1/1/-**

989 **[GOETZ** (WILHELM FRIEDRICH)] AUSWAHL von LIEDERN für die FREIMAURER-LOGE BALDUIN zur LINDE in LEIPZIG, boards [*Leipzig*] 1824 **£1/10/-**

Wolfstieg, 40014.

990 **GOOCH** (RICHARD) THE NEW MASONIC MELODIST; or, FREEMASON'S VADE-MECUM of ORIGINAL and SELECT SONGS, &c., &c., adapted to popular tunes, FIRST EDITION, *Bolton*, 1836 **£1/-/-**

The author was a member of Anchor and Hope Lodge, No. 44 (now No. 37).

991 **HALE** [or rather **HALL**] (THOMAS, of *Darnhall, Cheshire*) SOCIAL HARMONY: a Collection of Songs and Catches, in two, three, four and five parts, from the Works of the most eminent Masters [PURCELL, MORLEY, HAYES, &c.]; to which are added several Choice Songs on Masonry, FIRST EDITION, in Three Parts and a Supplement (each with separate pagination), *engraved title skilfully re-margined*, roy. 8vo, half calf, *No place or printer*, 1763 **£10/10/-**

A good copy with the 18 page List of Subscribers and leaf of Errata. The Third Part has been misbound before Part Two.

992 ——— ANOTHER COPY, FIRST EDITION, with the List of Subscribers and Errata but wanting Contents leaf to part 3, contemp. sheep (binding worn), *ibid.*, 1763 **£7/10/-**

993 **HALE** (THOMAS) SOCIAL HARMONY, SECOND EDITION, *engraved title* and text somewhat soiled from use, old calf, *Printed and Sold by James Lewer . . . Moorfields* [176—] **£6/-/-**

This is the edition, with the imprint, which Wolfstieg, 39706 dates as 1763 but gives no collation. It is virtually the sheets of the First Edition, omitting the List of Subscribers and the Errata leaf, although the errata remain unaltered, but with a new title-page which is undated.

Both first and second editions have six Masonic Songs.

994 ——— THIRD EDITION, with Additions and Alterations, *engraved title*, neatly rebound in half calf, *Printed and Sold by Longman and Broderip* [*ca* 1770] **£8/-/-**

In this edition the Supplementary Songs are now incorporated into the Three Parts and the pagination is continuous. The six Masonic Songs are now together in Part One. Previously the first three were in Part One and the last three were contained in the Supplement. There is also now added a seventh Masonic Song: A Masons Song for 2 voices, commencing " Check the growing idle passion " [author not given].

995 **HERZOG** von **KURLAND** (KARL).—MAURERISCHES FREUDENLIED. Zur glucklichen Genesung Sr. Königl. Hoheit des HERZOGS CARL zu CURLAND, von den beiden G. u. V. Logen zu den 3 Schwerdtern und wahren Freuden in Dresden, 4 pages and folding sheet of Music, sm. 4to, unbound [*Dresden*], 1788 **£2/10/-**

Wolfstieg, 16545.

996 **HOBBS** (J. W.) MONODY (composed expressly for, and performed at, a Morning Concert at Watford, for the Benefit of the Orphans) Set to Music and PUBLISHED for the BENEFIT of the FOUR ORPHAN CHILDREN of Bro. JOHN WILLSON, late a Member of the WATFORD LODGE of FREEMASONS, Dedicated to the Members of the Lodge, *vignette title*, 8 pages, folio, wrappers [*ca.* 1875] **£1/10/-**

Probably relates to Lodge No. 404, then and now meeting at Watford.

997 **HOLDEN** (S.) A SELECTION of MASONIC SONGS &c., arranged with Choruses in Parts [with the Music], respectfully dedicated to the Brethren of the Most Ancient & Honourable Fraternity of Free and Accepted Masons, FIRST EDITION, *title, plus* 100 *pages, engraved throughout*, contemp. half sheep, *Dublin, Printed by S. Holden* [*ca.* 1802] **£6/10/-**

Wolfstieg, 39632 ; Kloss, 1686.

This copy has as engraved frontispiece the trade card of James Brush & Son, Masonic Jewellers to the G.L. of Ireland. It is evident that they acted as retail agents for the sale of this work.

998 [**HOLTROP** (W.)] GEZANBOEK voor VRIJMETSELAAREN, *frontispiece*, original blue boards, gilt (slightly rubbed at joint), *Amsterdam, by J. S. Van Esveldt Holtrop*, 1806 **£1/15/-**

The dedication is signed W. Holtrop. Wolfstieg (Supplement), 10092.

999 **JACQUELIN** (JACQUES ANDRÉ) La LYRE MAÇONNIQUE, Etrennes aux FRANCS-MAÇONS et a leurs SOEURS pour l'An. 5812 [1812] QUATRIEME ANNEE (title-page dust soiled), wrappers, uncut, *Paris*, 1812 **£1/-/-**

Wolfstieg, 39924.

Complete in itself, although one of a series which came out over four years, 1809-1812.

1000 ——— Le CHANSONNIER FRANC-MAÇON, composé de Cantiques de Banquet, Échelles D'Adoption, Rondes, Vaudevilles, Chansons, et Couplets. PREMIER EDITION, wrappers, uncut, *ibid.*, 1816 **£1/15/-**

Wolfstieg, 39985 ; Kloss, 1677.

1001 **JOUENNE** (F. T.) CANTIQUES MAÇONNIQUES, imprimée par ordre de la [loge] de Thémis, suivi d'un Appendice et d'un ESSAI HISTORIQUE sur la FRANC-MAÇONNERIE à CAEN, CINQUIEME EDITION, wrappers, *Caen*, 1859 **12/6**

1002 **LYRE MAÇONNE** ou RECUEIL CHOISI des Plus JOLIES CHANSONS, Dédiées à M. Le M—— de G—— Grand-Maitre des Loges Jaunes dans les Pays-Bas, contemp. calf (worn), *Jerusalem chez Raphael, a L'Enseigne de la Ville de Nazareth*, [? *Paris*], 1768 **£3/3/-**

Wolfstieg, 39713, says that the work is rare and was published without music to the songs.

1003 **MASQUE** (THE) A NEW and SELECT COLLECTION of the BEST ENGLISH, SCOTCH, and IRISH SONGS . . . NEW EDITION, *frontispiece engraved by* GRAVELOT, old sheep (binding shabby), *Printed for Richardson and Urquhart* [*ca.* 1765] **£1/5/-**

Ends with Song No. 331 ; lacks the list of Toasts and Sentiments. Has all the 10 Masonic Songs which appeared in this publication.

1004 **MELODIA MASONICA** : FOUR SONGS and a TRIO, viz. " The Entered Apprentice," " The Secret," " Let Masonry from Pole to Pole," " Now Brothers, Lets with One Accord," and " Hail Mysterious Glorious Science," partly composed and arranged by Bro. CHARLES H. PURDAY, 12 pages, roy. 8vo, wrappers, *Bloomsbury* [*ca.* 1860] **£1/10/-**

Wolfstieg, 39666 who had not seen this item cites it from an entry in " A Catalogue of Valuable Collection of Books " apparently undated.

1005 **NAUDOT** (JEAN JACQUES) CHANSONS NOTÉES de la très vénérable CONFRERIE des FRANCS MAÇONS ; Précedées de quelques PIECES de POËSIE convenables au sujet, et d'une Marche. Le tout recüeilli et mis en ordre par FRRE NAUDOT, PREMIERE ÉDITION, *engraved title*, 96 pages, contemp. French calf [*Paris*], 1737 **£8/10/-**

Wolfstieg, 39684 quotes two issues of 1737. The first with separate pagination to the two parts (40 and 51 pages); the second (as described above) also with 91 pages but pagination continuous. Following page 91 there is a Table, 2 pp.; Music to the Marche des Franches Maçonnes, 2 pp.; and 1 page blank. These five unnumbered pages are not mentioned by Wolfstieg.

Perau copied extensively from this work for the " Chansons " appended to his " L'Ordre des Francs-Maçons Trahi.

1006 ——— Manuscript Copy of " CHANSONS notées de la TRÈS VÉNÉRABLE CONFRÈRIE des FRANCS-MAÇONS, précedées de quelques pieces depictie conseuables au Sujet, et d'une marche le tout recueilli et mis en ordre par frère NAUDOT, 1737 " neatly written on 106 pages, followed by two other songs written by another hand, on 4 pages, contemporary sheep, little worn, [1737] **£6/-/-**

The MS. is most probably contemporary.

It has a pencilled signature of the Rev. A. F. A. Woodford, editor of Kennings Masonic Cyclopaedia, where under article Naudet (J. F.) this MS. is mentioned.

1007 **PARRY** (JOHN) HAIL to the CRAFT ! a Masonic Glee, Written, Composed, and respectfully Dedicated to M. W. Grand Master of the Order [H.R.H. the DUKE of SUSSEX], the R.W.M., Officers, and Members of the LODGE of ANTIQUITY, *engraved with the Music*, 4 pages, thin sm. folio, boards, cloth back, [*ca.* 1826] **£1/5/-**

The watermark date in the paper is 1824.

1008 **PONTEUIL** (T.) HYMNE MAÇONNIQUE, Imitation d'un HYMNE GAULOIS, composé et arrangé pour le Piano-Forté par J. A. ANSCHUEZ et dédié a la LOGE de COBLENCE par les Auteurs, 22 pages, *engraved throughout* (*last page blank*), 4to, unbound, *Bonn* [*ca.* 1790] **£1/15/-**

1009 **RAMSAY** (ALLAN) THE TEA-TABLE MISCELLANY : a COLLECTION of CHOICE SONGS, SCOTS and ENGLISH, EIGHTEENTH EDITION, 2 vols. in one (pagination continuous), old sheep (cracked through spine), *Edinburgh*, 1793 **£1/-/-**

The Second volume commences at page 225 without a separate title-page. This section contains four Masonic Songs, viz—pages 346 ; 362/64 ; 427 ; and 443/44.

1010 **RAUTERT** (FR.) MAURER-LIEDER [a Collection of 32 Songs], wrappers, *Essen*, 1819 **£2/-/-**

Wolfstieg, 39990 ; Kloss, 1684.

1011 **RECUEIL** DE **CHANSONS** de la TRÈS-VÉNÉRABLE CONFRAIRIE des FRANCS-MAÇONS, précedé de plusieurs pieces de POESIES MAÇONNES, NOUVELLE [5e] EDITION, augmentée, wrappers, uncut, *Jerusalem* [*Paris*] 1772 **£1/5/-**

Wolfstieg, 39697 ; Kloss, 1512.

This work went through six editions, the last being in 1803.

1012 **RECUEIL** DE **CHANSONS**, pour la MAÇONNERIE des HOMMES et des FEMMES ; [avec SUPPLEMENT] augmenté de plusieurs Vaudevilles nouveaux, old calf, *Sophonople* [*Paris*] *l'An de la Renaissance de Vertus*, 3.5.7. [1750 ?] **£2/10/-**

Wolfstieg, 39668.

1013 **RECUEIL CHOISI** de CHANSONS et de POÉSIES MAÇONNES, sm. 8vo., contemp. French calf, gilt back, *a Jerusalem* [*Paris*] *Aux depens de la Loge de St. Jean* [*ca.* 1760] **£2/10/-**

This edition is not given in Wolfstieg.

1014 ——— ANOTHER EDITION, revu, corrigé et augmenté des POÉSIES et des CHANSONS du GRAND ORIENT, et de DIFFÉRENTES LOGES, contemp. marbled paper wrappers, entirely uncut, *A L'Orient, chez Le Silence* [*Paris*, 1787] **£2/-/-**

Wolfstieg, 39802 ; Kloss, 1582.

1015 **SMITH** (JOHN, *Grand Organist to the G.L. of Ireland*) LYRA MASONICA, *engraved title illuminated in Gold and Colour*, and 30 Masonic Songs, thin folio, cloth (worn) [*ca.* 1840] **£3/-/-**

1016 **STEPHEN** (A. C., *Compiler*) MASONIC SONGS and POEMS by Bards chiefly of the XIXth and XXth Centuries [1903] **8/6**

1017 **TOLPUTT** (W. B., *Prov. Grand Organist for Kent*) THE FREEMASONS' FESTIVAL MARCH and MASONIC HYMN, Dedicated to the Rt. Hon. the Earl of Zetland . . . Grand Master of England, *engraved emblematic title-page*, 8 pages, folio [*ca.* 1865] **15/-**

1018 **UNIVERSAL SONGSTER** (The); or MUSEUM of MIRTH: forming the most Complete, Extensive and Valuable Collection of Ancient and Modern Songs in the English Language, with a Copious and Classified Index [containing EIGHTY MASONIC SONGS, Serious and Humorous], FIRST EDITION, *with 3 etched frontispieces and* 84 *woodcuts after George and Robert Cruikshank*, 3 vols. old half calf (worn and joints cracked), 1828 **£2/-/-**

1019 ——— REPRINT, 3 vols. cloth, gilt backs, *Routledge* [*ca.* 1880] **£1/15/-**

1020 **VIGNOLES** (J. J. [i.e. JEAN JOSEPH JONIOT]) and DU BOIS (?) LA LIRE MAÇONNE, ou RECUEIL de CHANSONS des FRANCS-MAÇONS, Revu, Corrige, mis dans un nouvel ordre, et augmenté de quantité de Chansons, qui n'avoient point encore paru, avec les Airs Notes, mis sur la bonne Clef, taut pour le Chant que pour le Violon et la Flute, Nouvelle Edition, Revue, Corrigée et Augmentée, *vignette on title*, contemp. calf, gilt panelled sides (spine a little worn and defective at head band) g.e., *La Haye, chez R. van Laak*, 1775 **£3/15/-**

Wolfstieg, 39707 (iii); Kloss, 1515.

In this and subsequent editions the matter which was formerly published as a supplementary volume to the 1763 edition [printed in 1765]; is now incorporated in the body of the work. Where formerly there was a frontispiece, a half-title is now substituted.

1021 ——— NOUVELLE EDITION, Revuë, Corrigée et Augmentée, *vignette on title, ibid.*, 1787; [ANONYMOUS] REGLE MAÇONNIQUE, a L'Usage des Loges Réunies et Rectifiées arrêtée au convent Général de Wilhelmsbad, SECONDE ÉDITION, 24 pages, *La Haye*, 1797; 2 vols. in 1, old calf (spine defective), *ibid.*, 1787-97 **£4/-/-**

Wolfstieg, Nos. 39707 (vii) and 25035 respectively.

1022 **YATES** (EDWIN) HYMNS, ANTHEMS, &c. Selected by a Committee of the Brethren of ST. JAMES'S LODGE, No. 482, *Birmingham*, 1873 **12/6**

SONGS, *vide* [DIBDIN (C.)], [GUILLEMAIN de ST. VICTOR (LOUIS)], and JACQUES (D.), ante.

1023 **SPETH** (G. W.) BUILDERS' RITES and CEREMONIES. Two Lectures on the FOLK-LORE of MASONRY, ORIGINAL EDITION, wrappers, *Margate*, 1893 **£1/5/-**

Only a small number of copies were printed. This copy has the Author's presentation inscription on title-page.

1024 ——— RE-ISSUE by the QUATUOR CORONATI LODGE as Q. C. PAMPHLET NO. 1, wrappers, *ibid.*, 1931 **10/-**

1025 ——— Later Reprint, wrappers, *ibid.*, 1947 **5/-**

1026 **STAPLETON** (G. H.) THE HAND-BOOK of FREE MASONRY: adapted for the use of Lodges, Chapters, and Convocations, and the Instruction of Individual Members of the Craft, compiled from various Authors, FIRST EDITION, *portrait and* 18 *plates* (*those of the Tracing Boards and some of insignia nicely coloured*), rebound cloth, *Calcutta*, 1847 **£3/15/-**

Some of the blank margins have been affected by Indian insect but does not affect the text or surface of the plates.

1027 **STATUTS** ET **RÉGLEMENS** de la R. L. de ST.-JEAN D'ÉCOSSE, sous le titre distinctif de JERUSALEM, Constituée à l'O.: de Paris le 11. 2. 1. 5807, 64 pages, wrappers [*Paris*] 1807 **£1/5/-**

Kloss, 4557.

1028 **STATUTS** ET **RÉGLEMENS** de la R. L. de ST. JEAN sous le titre distinctif de la RÉUNION des AMIS d'HANOVRE, elevée à L'OR. d'HANOVRE le 23. 7. 5803 (arrêtés le 30 Oct. 1803), 96 pages, wrappers [*Paris*] 1803 **£1/-/-**

Kloss, 5297.

STATUTS, *vide* LA TIERCE, and REGLEMENS, ante.

1029 **STEARNS** (JOHN C.) AN INQUIRY into the NATURE and TENDENCY of SPECULATIVE FREE-MASONRY: with AN APPENDIX; to which is added, PLAIN TRUTH; a Dialogue; and the AUTHOR'S REASONS, FIFTH EDITION, revised and corrected, old rebacked sheep, *Utica* [*New York*], 1829 **£2/-/-**

Wolfstieg, 21687.

The author claims that he was a member of the Champion Lodge, No. 146 and left the craft on his becoming a Christian.

1030 **STEVENS** (JAMES) CHIPS from a ROUGH ASHLAR "Knocked off" by the Gavel of Common Sense; a DISCOURSE on the RITUAL and CEREMONIAL of FREEMASONRY, *portrait*, 1885 **15/-**

1031 ——— MASONIC MAP and DIRECTORY of LODGES and CHAPTERS in ENGLAND and WALES, *in Colour*, strongly mounted on linen and folded into a board case (little worn), 1881 **12/-**

1032 ——— UNIFORMITY of MASONIC RITUAL and OBSERVANCE, Correspondence and Opinions, with Notes and Addenda of interesting Masonic Information, 1879 **10/-**

1033 **STEWART** (REV. JOHN) MASONIC SERMON, Preached in the Parish Church, LOCHLEE, to the Brethren of ST. ANDREW'S LODGE (No. 282), Tarfside, Lochlee, on the 13th December 1896, 16 pages, wrappers, *Brechin*, 1897 **10/-**

1034 **STEWART** (DR. T. M.) THE SYMBOLISM of the GODS of the EGYPTIANS and the LIGHT they throw on FREEMASONRY, *with 10 plates and 7 other illus.*, 1927 **15/-**

1035 **STOKES** (JOHN) and **ILIFFE** (J. W.) PORTRAITS in the MASONIC HALL, SHEFFIELD, with Titles and Short Descriptions; *frontispiece and 26 portraits reproduced from the original paintings*, roy. 8vo, *Sheffield Past Masters' Association*, [1928] **15/-**

1036 **STRACHAN** (JOHN) NORTHUMBRIAN MASONRY and the DEVELOPMENT of the CRAFT in ENGLAND, *with 2 plates and 4 pages of music*, 1898 **18/-**

1037 ——— ANOTHER COPY, Printed wrappers, 1898 **15/-**

Commencing with British, Roman, and Saxon Masonry to A.D. 1068, and followed by a Record bearing upon Craft Masonry in the Province, from 1725 to 1875.

1038 **STRANG** (JOHN) GLASGOW and its CLUBS: or Glimpses of the Condition, Manners, Characters, and Oddities of the City, during the past and present centuries, Second Edition, Revised, Corrected, and Enlarged, half morocco, 1857 **£1/5/-**

Contains articles on Freemasonry including a chapter on "Music and Masonry in Glasgow."

1039 **STUKELEY** (REV. WILLIAM, *Sometime Master of the Lodge held at the Fountain Tavern in the Strand*) OF the ROMAN AMPHITHEATER at DORCHESTER [a reprint of the Original tract of 16 pages, *and folding plate of Geometrical Ground plot*, published, 1723; edited with an INTRODUCTION by E. H. DRING], thin folio, 1925 **£1/5/-**

One of 200 copies, reprinted in facsimile from the Original in the British Museum for the Quatuor Coronati Lodge.

1040 **SUMNER** (CHARLES PINCKNEY, *Sheriff of Suffolk County*; *Ex-Freemason*) A LETTER on SPECULATIVE MASONRY: Being an Answer to a LETTER addressed to him on that subject by the [Anti-Masonic] SUFFOLK COMMITTEE, 20 pages, *Boston*, [*Mass.*], 1829 **£1/10/-**

1041 **SUPPLÉMENT** aux VRAIS JUGEMENS sur la SOCIETÉ MAÇONNE. En réfutation de l'Intitulé: Le SECRET des FRANCS-MAÇONS, avec un Recueil de leurs Chansons, précedé de quelques Piéces de Poésie. Ouvrage Dogmatique et Moral sur différens sujects de religion, contre l'incrédulité et le déréglement de notre siécle, PREMIERE EDITION (top blank margin cut away from title), wrappers, *Bruxelles*, 1754 **£2/10/-**

Wolfstieg, 3594; Kloss, 338.

A Refutation of the Abbe Perau's work.

1042 **SUSSEX** (H.R.H. PRINCE AUGUSTUS FREDERICK, *Duke of, Grand Master*): MASONIC OFFERING to H.R.H. [in COMMEMORATION of COMPLETING 25 YEARS as GRAND MASTER, 1813-1838], *with 2 lithograph plates illustrating the offering*, 1838 **15/-**

1043 **SUTHERLAND** (HENRY) NOTES on the HISTORY of FREEMASONRY, FIRST EDITION, [*Privately Printed for the Author*], 1877 **18/-**

1044 ——— FIRST PUBLISHED EDITION [Enlarged and with an Index now added], 1881 **15/-**

1045 ——— [SECOND EDITION], 1887 **10/-**

1046 **SWANSON** (PETER) The HISTORY of CRAFT MASONRY in BRAZIL [1834-1928] sanctioned and supervised by the Grand Council, *Rio de Janeiro* 1928 **15/-**

1047 **SYDNEY LODGE OF RESEARCH, No. 290 N.S.W.,** TRANSACTIONS, Vols. 1, 2, and 4, 1914-15-17, *illustrated*, 3 vols., wrappers, *Sydney* 1915-18 **£1/-/-**

1048 **TABLEAU** DES **FRÈRES** composant la T. R. L. ECOSSAISE LA PARFAITE, a L'ORIENT de NANTES, (with MS. signatures of the 4 principal officers responsible for the publication) 8 pages, wrappers, *Nantes* 5807 [1807] **£1/-/-**

Apparently not in Wolfstieg or Kloss.

1049 **TATSCH** (J. HUGO) SHORT READINGS in MASONIC HISTORY: a Concise Account of the Rise and Development of Ancient Craft Masonry, FIRST SERIES, FIRST EDITION, wrappers, *Torch Press, Iowa*, 1926 **12/6**

1050 **TATLER** (THE) or LUCUBRATIONS of ISAAC BICKERSTAFF, ESQ. [Edited by RICHARD STEELE], 4 *frontispieces*, 4 vols., old calf (joints weak), *Printed for R. and J. Tonson . . .* 1764 **£1/15/-**

Contains two references to Freemasons: their Signs and Tokens.

1051 **TAXIL** (LEO [i.e. GABRIEL JOGAND-PASGES]) DER MEUCHELMORD in der FREIMAURERREI, Einzig autorisierte deutsche Uebersetung, half cloth, *Salzburg* 1891 **£1/5/-**

Wolfstieg, 30053 (ii).

A translation of " Les Assassinats Maconniqùes " 1889.

1052 ——— LES MYSTÈRES de la FRANC-MAÇONNERIE, *profusely illus. by* P. MÉJANEL, roy. 8vo., *Paris*, [1887] **£2/5/-**

Wolfstieg, 30049.

1053 ——— YA-T-IL des FEMMES DANS LA FRANC-MAÇONNERIE, ÉDITION ILLUSTREE—Scènes et portraits des principales sœurs maçonnes de Paris, wrappers (repaired at spine), *ibid.* [*ca.* 1890] **18/-**

1054 **TAYLOR** (REV. GEORGE) MASONIC GATHERINGS, containing RECORDS of FREEMASONRY from the EARLIEST to the PRESENT TIME, &c., 1871 **10/-**

1055 **TAYLOR** (REV. ROBERT) LECTURE on FREEMASONRY, in 4 parts (being Nos. 16 to 19 of the Devils Pulpit), binder's cloth [1831] **£1/-/-**

1056 **TAYLOR** (SYDNEY) HISTORY of FREEMASONRY in BUXTON and LONGNOR [DERBYSHIRE], *with* 5 *plates*, roy. 8vo., *Buxton*, 1906 **£1/-/-**

TERRASSON (*Abbe* JEAN) *vide* SETHOS, ante.

1057 **TEW** (THOMAS WILLIAM, *J.P.*) MASONIC ADDRESSES, with Some Account of his Life and Career by J. MATTHEWMAN, *with* 17 *illus.*, *Wakefield*, 1892 **18/-**

1058 ——— MASONIC MISCELLANEA: Comprising a Collection of Addresses and Speeches, also a Series of Papers by various Masonic writers; with Introduction, Explanatory and Historical Matter, Notes, &c. &c. by J. MATTHEWMAN, *with* 7 *portraits*, *ibid.*, 1895 **18/-**

1059 ——— RECORD of his INSTALLATION as Right Worshipful P.G.M. of the West Riding of Yorkshire, at Leeds, April 24th, 1885 [with Notes on Leeds Lodges], Preface and Appendix by CHARLES LETCH MASON, *Leeds*, 1885 **10/-**

1060 **[THOMAS** (FRANKLIN)] THE ETIQUETTE of FREEMASONRY, a Handbook for the Brethren treating of the right things to do upon all Occasions, Official and Social, by AN OLD PAST MASTER, FIRST EDITION, 1890 **£1/1/-**

1061 ——— SECOND EDITION, Revised, 1902 **12/6**

This should not be confused with a later work by W. P. Campbell-Everdon.

1062 **THORP** (JOHN T.) FRENCH PRISONERS' LODGES: A Brief Account of Twenty-six Lodges and Chapters of Freemasons, established and conducted by French Prisoners of War in England and elsewhere, between 1756 and 1814, *with* 18 *plates*, *facsimiles of original documents, seals, &c.*, 8vo, half calf, *Leicester*, 1900 **18/-**

1063 ——— SECOND and BEST EDITION, with Brief Accounts of Fifty Lodges and Chapters . . . *with* 41 *plates*, 4to, cloth, *ibid.*, 1935 **£2/5/-**

1064 ——— HISTORY of FREEMASONRY in ASHBY-DE-LA-ZOUCH, 1809-1909, being an Account of all the Masonic Bodies which have been established there during the Past Century, *with* 5 *plates*, wrappers, *ibid.*, 1909 **10/-**

1065 ——— MASONIC PAPERS; Parts 1 and 3 to 5, containing 22 Articles [comprising Biographical Accounts of Eminent Freemasons, Historical Records of Famous Lodges, and Traditional Accounts of Important Events in the Annals of Freemasonry], *with* 16 *plates*, 4 parts bound in one vol. with original wrappers bound in, cloth, *ibid.*, 1901-15 **£1/15/-**

1066 **THORP** (JOHN T.) MASONIC REPRINTS: Reproductions of Masonic Manuscripts, Books and Pamphlets, edited with Notes, COMPLETE SET, 14 vols., wrappers, *Leicester*, 1907-31 **£7/15/-**

Contents: (I) Pritchard's "Masonry Dissected" 1730, and "A Defence of Masonry," 1730; (II) "Bruin in the Suds," 1751; (III) "The Freemasons Accusation and Defence," 1726; (IV) "Les Fri-Maçons Hyperdrame," 1740, a translation by R. E. Wallace-James; (V) "Free-Masonry the Highway to Hell," 1768, and "Masonry the Turnpike-Road to Happiness," 1768; (VI) "The Secrets of Free-Masonry Revealed by a disgusted Brother," 1759; (VII) "The Complete Freemason, or Multa Paucis for Lovers of Secrets," 1763-64; (VIII) "A Master Key to Free-Masonry," 1760; (IX) "Rite Ancien de Bouillon," an old English Ritual, 1740?; (X) Slade, "The Free Mason Examin'd," 1754; (XI) "Solomon in all his Glory," 1768; (XII) Pritchard "Masonry Dissected Second Edition, 1730 (full text); (XIII) "The Chetwode Crawley MS.," circa 1720; (XIV) "Reception d'un Franc-Maçon," translation as "The Secrets of Masonry made known to all men," circa 1737.

1067 ——— Vols. 1 to 13, strongly bound in 2 vols., cloth, *ibid.*, 1907-30 **£7/15/-**

1068 ——— Vols. 2 to 13, wrappers, *ibid.*, 1919-30 **£6/6/-**

1069 ——— Vol. 2, 1919, Vol. 4, 1921; Vol. 5, 1922; Vol. 6, 1923; Vol. 11, 1928, wrappers each **10/6**

1070 **THOUGHTS ON MASONRY,** being a SUMMARY on which this COMPACT is founded, by a BROTHER MASON, 8 pages, bound between a number of blank leaves for protection, old calf, rebacked, *Printed at Concord N[ew] H[ampshire] by Brother M. Davis, for the Author* [*ca.* 1796] **£25/-/-**

Extremely Rare unrecorded item.

Apart from its Masonic interest in the fact that freemasonry had made little progress in New Hampshire (being restricted to one Lodge at Portsmouth from 1735-1780) until 1789 when an independent Grand Lodge was formed, it is also one of the earliest books published in Concord, N.H.

1071 **THREE DISTINCT KNOCKS** (The), or the Door of the Most Antient Free-Masonry, opening to all Men, Neither Naked nor Cloath'd, Bare-foot nor Shod, &c. . . . by W—— O—v—n [said to be WILLIAM O'SULLIVAN], Member of a Lodge in England at this time, 52 pages, modern boards, *Dublin: Printed and sold by Thomas Wilkinson* . . . [*ca.* 1777] **£15/-/-**

Page 12 carries an advertisement for the Dublin edition of Jachin and Boaz by the same publisher which appeared in 1777.

Title-page a little soiled and strengthened in lower blank margin.

The authorship of this work has been attributed alternately to W. O'Sullivan and W. Otto Vernon but there is no certainty in the case of either.

Both Kloss, 1888 and Wolfstieg, 29981 attribute the authorship to Daniel Tadpole on the strength of a sarcastic appellation made by Laurence Dermott in his second edition of the Ahiman Rezon in speaking of the unknown author.

1072 ——— ANOTHER EDITION (small stain on last few pages), 44 pages, stitched, uncut (small slit at inner margins caused by sewing), *Printed by and for A. Cleugh, T. Hughes, B. Crosby* [*ca.* 1805] **£6/-/-**

Some copies of this edition have been seen with a frontispiece as in the edition of *ca.* 1811, but in black, but it is absent in the above copy. Neither Wolfstieg or Thorp (Bibliography of Masonic Catechisms and Exposures) mention a frontispiece to this edition.

1073 ——— ANOTHER EDITION, *with a frontispiece printed in blue* (frayed in blank margins), 44 pages, sewn, *London: Sold by the Booksellers; A. Napier, Printer* (*on foot of last page: A. Napier, Printer, Trongate, Glasgow*) [*ca.* 1811] **£8/-/-**

1074 ——— ANOTHER EDITION, title plus 39 pages, modern boards, cloth back, *Maidstone: Printed for C. Brown* [*ca.* 1830] **£5/5/-**

The Master's Song which terminates former editions is omitted. Both this and the editions of ca. 1805 and ca. 1811 omit the third or Master's step in the diagram of the drawing of the lodge.

1075 **TREVILIAN** (M. C.) A LETTER on the ANTI-CHRISTIAN CHARACTER of FREEMASONRY to the REV. WM. CARWITHEN, D.D., Deputy-Provincial G.M. for the County of Devon; together with an APPENDIX addressed to the PUBLIC, 1849 **£1/-/-**

The Freemasons' Quarterly Magazine for June 1850 contains a 34-page refutation and reply to this work.

1076 **TOLAND** (JOHN)—LANTOINE (ALBERT) Un Précurseur de la Franc-Maçonnerie : JOHN TOLAND, 1670-1722, suivi de la traduction française du PANTHEISTICON de TOLAND, wrappers, *Paris*, 1927 **12/6**

1077 [**TRAVENOL** (LOUIS, sometimes called LEONARE GABANON)] NOUVEAU CATECHISME des FRANCS-MAÇONS, contenant tous les MYSTÈRES de la MAÇONNERIE, épars et obmis dans l'ancien Catéchisme, dans le livre intitulé le SECRET dans FRANCS-MAÇONS, etc. . . . précédés de l'HISTOIRE d'ADONIRAM architecte du temple de Salomon ; avec de nouveaux dessins des loges de L'Apprentis, Compagnon, et du Maitre. . . . TROISIÉME EDITION, revuë, corrigée et augmentée des Observations de L'Auteur sur L'Histoire des Francs-Maçons, d'un Extrait critique de L'Anti-Macon [etc.], *engraved frontispiece and* 7 *plates* (including the degree ceremonies, plan of the Lodge, etc.), contemp. French calf, gilt back, *Jerusalem* [*Paris*] *Pierre Mortier, MCCCC.XL Depuis le Déluge* [1749] **£12/-/-**

Wolfstieg, 29960 (iii).

This work was later incorporated in " L'Ordre des Francs-Maçons Trahi," by Gabriel L. C. Perau.

1078 ——— OEUVRES MÊLÉES du SIEUR ***. Ouvrage en Vers et en Prose, Contenant des Remarques curieuses sur les MYSTÈRES de la CONFRAIRIE des FRANCS-MAÇONS [etc.], wrappers, uncut, *Amsterdam*, 1775 **£4/10/-**

Wolfstieg, 1004 ; Kloss, 299 ; Catalogue de la Bibliothèque de Grand Orient de France (1880), No. 1054.

1079 [**TREWMAN** (R.)] THE PRINCIPLES of FREE-MASONRY DELINEATED, FIRST EDITION [with a CORRECT LIST of the REGULAR LODGES under the CONSTITUTION of ENGLAND, alphabetically arranged under two headings " London and its Neighbourhood," and County Lodges], *with plate of the medal of the Union Lodge, Exeter*, old rebacked calf, *Exeter : Printed (and Sold) by R. Trewman* . . . 1777 **£7/10/-**

1080 ——— ANOTHER COPY, a little cropped in lower blank margins, frontispiece trimmed to plate line and backed to size, old rebacked calf, *ibid.*, 1777 **£5/10/-**

Wolfstieg, 25033.

1081 [**TSCHOUDY** (THÉODORE HENRI, Baron de)] L'ETOILE FLAMBOYANTE, ou la SOCIÉTÉ des FRANCS-MAÇONS, considerée sous tous les aspects, 2 vols., wrappers, uncut [*Paris*] a L' Orient, chez le Silence [*ca.* 1812] **£2/5/-**

Wolfstieg, 1288 (viii) ; Kloss, 1896.

1082 **TUCKETT** (J. E. S.) NOTES on FREEMASONRY in the TOWN of MARLBOROUGH [Wiltshire] 1768-1834, 42 pp., boards, *Marlborough*, 1910 **8/-**

1083 **TUFNELL** (REV. S. JOLIFFE, *Deputy Prov. G.M. Sussex*) The MASONIC DISCOURSE, delivered at the PARISH CHURCH of BRIGHTON, on Thursday, July 24th, 1823, before His Grace the DUKE of RICHMOND, P.G.M. and the Provincial GRAND LODGE of SUSSEX ; with the Prayers, and the Ode and Hymn, performed on the occasion, 48 pages, sm. 4to, *unbound*, *Chichester*, 1823 **£2/10/-**

1084 [**TURNOUGH** (JOHN)] The INSTITUTES of FREE MASONRY ; to which are added, a Choice Collection of Epilogues, Songs, &c. Addressed to the SEA CAPTAINS' LODGE, neatly rebound in old style half calf, *Liverpool : Printed and Sold by Thomas Johnson*,. . . 1788 **£12/10/-**

1085 ——— ANOTHER COPY (some stains ; blank fore-margins of three leaves defective), old calf, rebacked, *ibid.*, 1788 **£9/10/-**

The book is along the lines of the Pocket Companions but with additional matter.

Vibert " Rare Books of Freemasonry " does not give the Author but his name appears at the end of the Dedication.

The Sea-Captains' Lodge was constituted at Liverpool on the 15th April, 1755, erased 3rd Sept., 1823.

1086 **TWEDDELL** (GEORGE MARKHAM) A HUNDRED MASONIC SONNETS, illustrative of the Principles of the Craft, for Freemasons and Non-Masons, *Stokesley, published by the Author*, 1887 **10/-**

1087 **TWO CENTURIES OF FREEMASONRY** : June 24th 1717 to June 24th 1917 ; containing the Facts, Principles, Men and Literature of Freemasonry, profusely illus., wrappers, *Berne*, 1917 **15/-**

1088 **ULBACH** (LOUIS) PHILOSOPHIE MAÇONNIQUE, wrappers, *Troyes*, 1853 **15/-**

Wolfstieg, 24133.

1089 **UNITED GRAND LODGE of ENGLAND**: CATALOGUE of BOOKS in the LIBRARY at FREEMASON'S HALL, London, Compiled by Order of the GRAND LODGE, 48 pages, 8vo, 1888 **10/-**

1090 ——— ANOTHER COPY, with SUPPLEMENTARY CATALOGUE containing the Additions made from June, 1888, to Dec., 1895, compiled by HENRY SADLER; 48 and 94 pages, 2 vols. in one, 1888-95 **15/-**

1091 **UNITED GRAND LODGE OF ENGLAND**: TUDOR CRAIG (MAJOR SIR ALGERNON, *Compiler*) CATALOGUE of the MUSEUM and LIBRARY at FREEMASONS HALL, UNITED GRAND LODGE of ENGLAND: Vol. 1. MUSEUM [containing the Regalia, Furniture, Jewels, Pottery and Porcelain], *with* 14 *plates in colour, and* 46 *in monotone*; Vol. 2. PORTRAITS and PRINTS, *coloured frontispiece, with* 52 *plates in monotone*; Vol. 3. LIBRARY, containing Books, Broadsides and Manuscripts, *with* 3 *coloured plates and* 40 *plates in monotone*; printed on hand made paper, 3 vols., 4to, buckram, *uncut*, t.e.g., 1938 **£4/10/-**

1092 ——— Vol. 2 only, buckram, 1938 **£1/10/-**

1093 ——— Vol. 3 only, buckram, 1938 **£2/-/-**

1094 **UNIVERSAL JOINT FREEMASONRY.**—TRANSACTIONS of the DHARMA LODGE of the Supreme Council of Universal Joint Freemasonry: Outline of the History of Modern Freemasonry and an account of the formation of the Supreme Council of Universal Joint Freemasonry, 24 pp., wrappers, *Benares*, 1903 **12/6**

1095 **VALLENTINE** (S.) GOSSIP about FREEMASONRY; Its History and Traditions, a Paper read to the Brethren of the Albion Lodge of Instruction, 2nd November, 1889 (reprinted from the " Freemason's Chronicle "), 42 pp., 1889 **10/-**

1096 **VERNHES** (J. F.) DEFENSE de MISRAIM, et Quelques Aperçus sur les divers rites Maçonniques en France, 28 pages, wrappers, *Paris*, 1822 **£1/15/-**

Not in Wolfstieg; Kloss, 5379.

1097 **VERNON** (W. FRED) HISTORY of FREEMASONRY in the PROVINCE of ROXBURGH, PEEBLES and SELKIRKSHIRES, from 1674 to the Present Time, with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, *portraits and other illustrations*, 1893 **£1/8/-**

1098 **" VINDEX."** LIGHT INVISIBLE, the FREEMASON'S ANSWER to " DARKNESS VISIBLE," 1952 **10/6**

1099 **WADIA** (P. N.) The POETRY of FREEMASONRY, 28 pp., wrappers, *Bombay*, 1893 **12/6**

1100 **WALLIS** (RICHARD, A. M.) DECENCY and ORDER the CEMENT of SOCIETY: Being a Discourse delivered before the SOCIETY of FREE and ACCEPTED MASONS, in the English Chapel at Kelso, June 24, 1769, FIRST EDITION, 32 pages, *unbound*, *Newcastle*, 1769 **£2/15/-**

Not in Wolfstieg or Kloss.

1101 **WARD** (J. S. M.) FREEMASONRY and the ANCIENT GODS, with an Introduction by the Hon. Sir JOHN A. COCKBURN, [An APPENDIX on the BORA CEREMONY, and a BIBLIOGRAPHY], ORIGINAL EDITION, *coloured fronts and* 50 *illus. on* 48 *plates*, 1921 **£5/10/-**

This edition contains the names of the Members of the Supreme Council 33°, pages 226-228, omitted in the later edition.

1102 ——— An Interpretation of our Masonic Symbols, 1948 **11/6**

MASONIC HANDBOOK SERIES, as under :—

1103 ——— No. 1 THE E. A.'s HANDBOOK, 1947 **5/6**

1104 ——— No. 2 THE F. C.'s HANDBOOK, 1946 **5/6**

1105 ——— No. 3 THE M. M.'s HANDBOOK, 1929 **5/6**

1106 ——— No. 4 AN OUTLINE HISTORY of FREEMASONRY, 1924 **5/6**

1107 ——— No. 5 HIGHER DEGREES HANDBOOK, 1924 **5/6**

1108 ——— The MASONIC WHY and WHEREFORE, *illus.* [1926] **7/6**

1109 ——— The MORAL TEACHINGS of FREEMASONRY, 1926 **5/6**

1110 ——— The SIGN LANGUAGE of the MYSTERIES, with illuminated marginal borders to the commencement of each chapter, 136 *illus. on* 119 *plates and* 20 *text-illus.*, 2 vols., 4to, 1928 **£4/4/-**

1111 ——— TOLD THROUGH the AGES: A SERIES of MASONIC STORIES, *with* 6 *illus.*, 1926 **15/-**

1112 ——— WHO WAS HIRAM ABIFF? 1925 **15/-**

1113 **WARD** (J. S. M.) and **STIRLING** (W. G.) THE HUNG SOCIETY or the SOCIETY of HEAVEN and EARTH [with an Introductory Essay by A. C. Haddon], *frontispieces in colour, 64 plates, and 55 tail-pieces and other designs in the text*, 3 vols., 4to, 1925-26 **£6/6/-**

1114 **WASHINGTON** (GEORGE) PROCEEDINGS of the GRAND LODGE of PENNSYLVANIA at its Celebration of the SESQI-CENTENNIAL ANNIVERSARY of the INITIATION of BROTHER GEORGE WASHINGTON into the FRATERNITY of FREEMASONS, held in the Masonic Temple, Philadelphia, 5th Nov., 1902, *with numerous illus.*, roy. 8vo, *Philadelphia*, 1902 **£1/10/-**

1115 **WATKINS-PITCHFORD** (MAJ. R.) THE PREDOMINANT WISH, a MASONIC STUDY, *Privately Printed for the Author*, [1948] **7/6**

1116 **WEISSE** (JOHN A.) The OBELISK and FREEMASONRY according to the Discoveries of Belzoni and Commander Gorringe; also Egyptian Symbols compared with those discovered in American Mounds, *coloured and other illustrations, &c., New York*, 1880 **£1/10/-**

1117 —— ANOTHER COPY, wrappers, *ibid.*, 1880 **£1/1/-**

The Hieroglyphs of the American and English Obelisks, and translations into English are by Dr. S. Birch.

1118 **WESLEY** (SAMUEL [Eldest Brother of the Methodist Divine]) POEMS on SEVERAL OCCASIONS, FIRST COLLECTED EDITION, 4to, old calf, *Printed for the Author by E. Say* . . . 1736 **£3/10/-**

Contains two stanzas relating to Freemasonry; the first consisting of five lines in " The Bondsmen " : a Satyr, the second consisting of three lines, in " The Mastiff " : a Tale.

This work appears to have been unknown to E. H. Dring when he published his " English Masonic Literature before 1751."

1119 **WHADCOAT** (J. H.) AN ACCOUNT of the WEST-YORKSHIRE EDUCATIONAL and BENEVOLENT INSTITUTION, from its inception in March 1896, to March 1906, *illustrated*, 4to, *Printed for Private Circulation* [1906] **15/-**

Only 225 copies printed.

1120 **WHARTON** (PHILIP, *Duke of*) LIFE and WRITINGS [Comprising The TRUE BRITON, and SPEECH in the HOUSE of LORDS, on the Third Reading of the Bill to Inflict Pains and Penalties on FRANCIS [ATTERBURY], Lord Bishop of Rochester, May the 15th, 1723] *portrait*, 2 vols., contemp. calf, 1732 **£2/2/-**

Wolfstieg, 19247; Kloss, 4080.

The Duke of Wharton was the sixth G.M. of the Freemasons but only actually reigned for about 6 months in 1722.

1121 **WHITEHEAD** (PAUL) POEMS and MISCELLANEOUS COMPOSITIONS; with Explanatory Notes on his Writings, and His Life, written by CAPTAIN EDWARD THOMPSON, *engraved portrait*, 4to, half calf, 1777 **£4/4/-**

Whitehead designed a humourous print, " Mock Procession of Masonry." In the " Life " of Whitehead by Capt. Edward Thompson this is referred to, and concludes: " So powerful was the laugh and satire against that secret Society, that the anniversary parade was laid aside from that period."

1122 **WHITMAN** (REV. BERNARD) AN ADDRESS delivered May 30th, 1832, at the DEDICATION of the MASONIC TEMPLE in BOSTON [MASSACHUSETTS], 44 pages, binders' cloth, *Cambridge [Mass.]*, 1832 **£1/5/-**

1123 **WHO'S WHO IN FREEMASONRY** (1913-14) 1,600 entries of Notable British Freemasons, numerous illus., roy. 8vo, (loose in case) [1914] **10/-**

1124 **WHYMPER** (H. J.) The RELIGION of FREEMASONRY, with an introduction by Wm. J. Hughan, edited by George W. Speth, cloth (front cover chafed), 1888 **£1/5/-**

1125 —— ANOTHER COPY, wrappers, 1888 **18/-**

1126 ——: MINUTES of the PROCEEDINGS of LODGE " ALBERT VICTOR," No. 2370, E.C. . . . Meeting held on 31st January, 1891 [Containing an Article on MASONIC CATALOGUES and BIBLIOGRAPHY, by H. J. WHYMPER, pp. 7 to 48] 52 pages, *unbound, Lahore*, 1891 **£1/5/-**

1127 —— ANOTHER COPY, boards, cloth back, *ibid.*, 1891 **£1/10/-**

1128 **WILLMORE** (FREDERIC W.) A HISTORY of FREEMASONRY in the PROVINCE of STAFFORDSHIRE, *with* 10 *portraits*, impl. 8vo, 1905 **£1/5/-**

1129 **WILLOX** (DAVID) POEMS and SKETCHES, *with portrait, Glasgow*, 1898 **12/-**

Many of these Poems and Sketches first appeared in the pages of the " Freemason "; the book is dedicated to W. J. Hughan.

1130 **WILLIAMSON** (HARRY A.) NEGROES and FREEMASONRY, 24 pp., wrappers [1920] **10/-**

1131 **WILMSHURST** (W. L.) The CEREMONY of INITIATION and the CEREMONY of PASSING. Two Lodge Papers prepared for Members of the Lodge of Living Stones, No. 4957, 2 vols. [1925] **10/-**

1132 ——— The MEANING of MASONRY, TENTH EDITION, 1951 **15/-**

1133 ——— The MASONIC INITIATION, a Sequel to "The Meaning of Masonry," reprint of the original edition, 1948 **15/-**

1134 [**WILSON** (THOMAS)] DER ENTDECKTE MAURER, oder des Wahre GEHEIMNISS der FREY-MAURER . . . [Title and text on opposite pages in French : LE MACON DÉMASQUE, etc.] with a plate of the Masonic Alphabet in Cipher, contemp. half calf, *Frankfurt und Leipzig* [*Munchen : Strobl*] 1786 **£9/-/-**

Wolfsteig, 29974 (iii) gives the collation as 374 pages but does not mention the plate or the (vi) preliminary pages. This is the First German translation from the French of this exposure.

1135 ——— Le MAÇON DÉMASQUE, ou Le VRAI SECRET des FRANCS-MAÇONS, mis au jour toutes ses parties avec sincérité et sans déguisement, *with 3 folding plates* (few small stains but a good copy), modern half calf, gilt back, r.e., *Londres* [1751] **£12/-/-**

Wolfstieg, 29975 ; Kloss, 1882.

The Second Edition in French. It was first published in Berlin, 1743, translated into German as "Der entdeckte Maurer," Frankfurt & Leipzig, 1786 and into English as "Solomon in all his Glory" 1766.

1136 ——— SOLOMON in all his GLORY : or THE MASTER MASON, being a True Guide to the Inmost recesses of Free-Masonry, both Ancient and Modern ; a minute Account of the Proceedings from an Entered Apprentice to a Past-Master, with the different Signs, Words, and Gripes [Fifth Edition], *illustrated with 4 copperplates* . . . To which is added a Complete List of all the English Regular Lodges in the World ; also Lists of Scotch and Irish Lodges . . . viii + 72 pages (some wormholes, a few slightly affecting a few letters of text), modern boards, *London Printed, and Dublin reprinted for T. Wilkinson*, 1777 **£12/10/-**

Wolfstieg, 29975. The First Dublin Edition, a reissue of the Third London Edition of 1771. It is a translation of "Le Maçon Démasqué" published at Berlin 1743 and Londres [1751].

1137 ——— ANOTHER EDITION, printed in double-coloumns, 16 pages, roy. 8vo, *unbound Glasgow : Gage & Gray* [*ca.* 1880] **£1/15/-**

1138 [**WIMPFEN** (FELIX)] LE MANUEL de XÉFOLIUS, wrappers, *uncut*, *au Grand Orient* [*Paris*], 1788 **£4/10/-**

Wolfstieg, 1289 ; Kloss, 716.

Caillet, Bibliographie des Sciences Occulte, No. 11551, says "Edition originale Imprimée a 60 examplaires. Cet ouvrage, attribué à Felix Wimpfen guillotiné en 1793, est un exposé de principes en concordance remarquable avec ceux du Spiritisme—L'auteur appartenait à la secte des théosophes, qui en ont été les precurseurs les plus directs."

1139 **WINDISCH-GRAETZ** (Le Comte JOS. NICOL de) OBJECTIONS aux SOCIÉTÉS SECRETES, modern half cloth, [*Londres*], 1789 **£3/3/-**

Wolfstieg, 42784 ; Kloss, 3257.

A German edition of this work appeared in the same year. Both editions are now scarce.

1140 [**WONDERFUL MAGAZINE** and MARVELLOUS CHRONICLE or the NEW WEEKLY ENTERTAINER] An Imperfect Volume One (of 2 vols. published 1793-94) containing amongst other articles a satirical "NEW HISTORY of FREEMASONRY, from the First Grand Master the D—l, to the present Time" being a parody of the Opening Ceremony, Initiation, and Entered Apprentices' Song, comprising pages 112 to 116 continued on pages 210 to 213, old calf, rebacked, 1793 **£1/10/-**

1141 **WOODFORD** (A. F. A.) A DEFENCE of FREEMASONRY [against the many and varied attacks on the Craft], FIRST EDITION, 1874 **£1/5/-**

1142 ——— SECOND EDITION, (a reprint), 1896 **18/-**

1143 ——— "FREEMASONS' SECRETS" [Early XVIIIth Century Catechism], being one of the Miscellaneous Papers contained in the SLOANE MS. No. 3329, in the British Museum THIRD EDITION [revised with a New Preface and corrections by the Editor] with a lithograph facsimile of part of the MS., 1885 **£1/1/-**

1144 **WRIGHT** (DUDLEY) ENGLAND'S MASONIC PIONEERS [Sir Robert Moray, Elias Ashmole, Dr. Richard Rawlinson, Dr. J. T. Desaguliers, Dr. J. Anderson, Martin Folkes, Dr. William Stukeley, Martin Clare, and the Hon. Charles Dillon], *with 2 facsimiles and a diagram*, [1925] **£1/-/-**

1145 **WRIGHT** (JAMES [*Grand Chaplain, G.L. Scotland*]) A RECOMMENDATION of BROTHERLY LOVE, upon the principles of Christianity; to which are subjoined (pages 287-331) AN INQUIRY into the TRUE DESIGN of the INSTITUTION of MASONRY, rebound in old style boards, *uncut*, *Edinburgh*, 1786 **£8/10/-**

Wolfstieg, 26222; Kloss, 495.

1146 ——— The UNION of LOVE to GOD and LOVE to MAN, a Sermon, preached in St. Andrews Church, New Town, Edinburgh, to the Fraternity of ACCEPTED MASONS, and other hearers, assembled there on the 30th of November 1786, being the Anniversary of St. Andrew, viii + 56 pages, modern cloth, entirely uncut, *Edinburgh*, 1786 **£6/-/-**

Not in Wolfstieg or Kloss.

Dedicated to Francis Charteris, G.M. of the Grand Lodge of Scotland.

1147 **WYLIE** (WILLIAM) A FEW WORDS about FREEMASONS, 12 pp., wrappers, *Haslingden*, 1856 **12/6**

Dedicated to Thomas Wylie, P.G.S. for West Lancashire.

1148 **YARKER** (JOHN) The ARCANE SCHOOLS: a Review of their Origin and Antiquity, with a GENERAL HISTORY of FREEMASONRY and its relation to the Theosophic, Scientific and PHILOSOPHIC Mysteries, scarce, 1909 **£6/10/-**

A comprehensive view of the whole fabric of the Arcane Mysteries and their affinity with the Masonic system. The chapters dealing with the "Archaic Legends" and "Mystic Schools in Christian Time" are notable.

——— vide ANCIENT and PRIMITIVE RITE, ante.

1149 **YORKSHIRE PROVINCE.**—VIBERT (Lionel) YORK and the CRAFT through the CENTURIES; MAKINS (W. R.) The Founding and Early Years of the Union Lodge, No. 504 (now York Lodge No. 236); Two papers read at the 150th Anniversary of the Founding of the York Lodge No. 236, 40 pages, wrappers, *York*, 1927 **15/-**

1150 ——— (NORTH and EAST RIDINGS) MASONIC YEAR BOOKS for 1945-46-47, 3 vols., wrappers, 1945-47 **10/-**

1151 ——— (West Riding).—STOKES (JOHN) SOME ACCOUNT of the PROVINCIAL GRAND MASTERS of the PROVINCE of YORKSHIRE (WEST RIDING) and of YORKSHIRE from 1738-1933 with portrait of William Horton, [*ca.* 1934] **10/-**

YORKSHIRE, vide NAYLOR (REV. M. J.), ante.

1152 **ZABROCKI** (J. COUNT DE BRODY) The ORIGIN OF FREE-MASONRY; its mission and the epoch of its material institution, boards, *Edinburgh*, 1847 **£1/-/-**

1153 **ZACCONE** (PIERRE) HISTOIRE ILLUSTRÉE des FRANCS-MAÇONS, *illustrated with woodcuts*, impl. 8vo, wrappers, *Paris*, 1867 **18/-**

Wolfstieg, 3881.

LODGE HISTORIES

(including a few By-Laws)

ENGLISH CONSTITUTION.

(ANCIENTS AND MODERNS).

1154 **AIREDALE LODGE NO. 387 SHIPLEY.**—POWER (THOS. E.) HISTORY of the LODGE, 1827-1927 Compiled from the Minute Books and other Records of the Lodge, publishers morocco, *Bradford*, 1928 **£1/5/-**

1155 **ALBANY LODGE NO. 389.**—[DRURY (Dr. E. G. Dru)] RECORDS of the ALBANY LODGE, meeting at GRAHAMSTOWN, S. AFRICA, from 1828 to 1928, *with 26 plates*, wrappers, *Privately printed, Grahamstown*, 1928 **18/-**

1156 **ALL SOULS' LODGE, NO. 170, WEYMOUTH.**—MILLEDGE (Zillwood) HISTORIC NOTES of ALL SOULS' LODGE, 1767-1895, with Preface and Introduction by WM. J. HUGHAN, 34 *plates*, cloth, roan back, *Weymouth*, 1896 **£1/5/-**

1157 **ANCHOR AND HOPE LODGE, NO. 37, BOLTON.**—NEWTON (James) and BROCKBANK (F. W.) A Revised HISTORY of the "ANCHOR & HOPE" Lodge of FREEMASONS (warranted 23rd October, 1732), together with a Complete Roll of its Members from 1765, cloth, *Bolton*, 1896; SUPPLEMENTARY HISTORY, 1895 to May 1907, wrappers, 1907; EPITOME of the LODGE HISTORY 1732-1932, wrappers 1932, both pamphlets by F. W. BROCKLEBANK, together 3 items, *Bolton*. 1895-1932 **£1/5/-**

1158 **ANERLEY LODGE NO. 1397.**—[DALZELL (J. G.) and LECKY (H. S.)] SIXTY-FIVE YEARS of FREEMASONRY: A HISTORY of the ANERLEY LODGE and CHAPTER, 48 pages, roy. 8vo, wrappers, [1937] **10/-**

1159 **ANNESLEY LODGE NO. 1435.**—BRISCOE (J. Potter) and BRADLEY (Frank) The SEMI-CENTENARY HISTORY of the "ANNESLEY" LODGE, 1873-1923, *illus.*, *Printed for Private Circulation, Nottingham*, 1923 **10/-**

1160 **ANTIQUITY LODGE NO. 2.**—RYLANDS (W. H.) and FIREBRACE (Capt. W.) RECORDS of the LODGE ORIGINAL, No. 1, now the LODGE of ANTIQUITY, No. 2. . . . acting by Immemorial Constitution, *with frontispieces and* 17 *plates*, 2 vols., 4to, *Privately Printed*, 1928-26 **£7/10/-**

Vol. 1 is the Second and revised edition limited to 200 copies; Vol. 2 was not reprinted or revised and was limited to 300 copies.

1161 **ANTIQUITY LODGE, NO. 178.**—BROWN (J.) MASONRY in WIGAN, being a BRIEF HISTORY of LODGE of ANTIQUITY, No. 178, originally No. 235 [warranted 26th May, 1786], with references to other Lodges in the Borough at the Close of the Last, and Beginning of the Present Century, 2 *coloured plates and facsimile of summons, Wigan*, 1882 **18/-**

"**APOLLO" LODGE, YORK** [Extinct] vide HUGHAN (W. J.) ante

1162 **BANK OF ENGLAND LODGE, NO. 263.**—POPE (STEPHEN A.) THE BANK of ENGLAND LODGE, its HISTORY and the LIFE WORK of its MEMBERS in PROMOTING the WELFARE of the CRAFT, 1788-1931, *with* 45 *illus.*, 1932 **18/-**

1163 **BARD OF AVON LODGE, NO. 778.**—PARKINSON (J. C.) THE BARD of AVON LODGE, a RECORD [1859-1872], *photo-portrait*, (name cut from half-title), *Printed for Private Circulation*, 1872 **£1/5/-**

Includes Essay "Shakespeare a Freemason." This Lodge was held at Stratford-on-Avon from 1859 to May 1872, whence it was removed to the Province of Middlesex. Now meets at Hampton Court.

1164 **BENEVOLENCE LODGE, NO. 336.**—ANDREW (RALPH) A CENTENARY SOUVENIR and SHORT HISTORY Constituted [under the "Antients"] 1759; ["Moderns" Warrant 1790]; resuscitated at Marple, 1809; *illus.*, roy. 8vo, [1909] **£1/-/-**

1165 **BOROUGH LODGE, NO. 424.**—STORY (THOMAS OLIVER) A BRIEF HISTORY of the BOROUGH LODGE and its ANCESTORS, 1834-1934, *with* 6 *plates*, roy. 8vo, *Newcastle upon Tyne*, 1934 **12/6**

1166 **BRITANNIC LODGE, NO. 33.**—SANDERSON (WILLIAM) TWO HUNDRED YEARS of FREE-MASONRY: a HISTORY of the BRITANNIC LODGE, 1730 to 1930, *with* 61 *illustrations, many reproduced from old prints, documents, &c.*, roy. 8vo, 1930 **£1/10/-**

1167 **BRITISH UNION LODGE, NO. 114, IPSWICH.**—SADD (A. H.) and MARTIN (R. L.) The MINUTE BOOKS of the LODGE, Part 1. 1762 to 1874, compiled from the Original Records, 1932 **12/6**

1168 **BROTHERLY LOVE, NO. 329.**—COLLINS (W. BEALE, *Editor*) CENTENARY HISTORY, 1810-1910, An Epitome of 100 Years' Masonic Work of LODGE of BROTHERLY LOVE, No. 329, YEOVIL [with Contributions by W. J. NOSWORTHY, H. F. RAYMOND and NORMAN BUCHANAN], 18 *illus. from photographs by* S. G. WITCOMB, *Yeovil* [1910] **15/-**

1169 **CALEDONIAN LODGE, NO. 204.**—INGHAM (ALFRED) CENTENARY RECORDS, 1802-1902, compiled and Edited from Minute Books, Manuscripts and other Sources, *illus.*, *Manchester*, 1903 **15/-**

1170 **CALLENDER LODGE, NO. 1052.**—JUBILEE SOUVENIR 1865-1915: Extracts from Lodge Books, etc., *illus.*, roy. 8vo, *Manchester* [1916] **10/-**

1171 **CASTLE LODGE OF HARMONY, NO. 26.**—[MORRIESON (H. W.)] A SHORT HISTORY of the LODGE . . . (constituted 22nd January, 1724/5), 1725-1925, *with* 6 *illus.*, roy. 8vo, *Privately printed*, 1925 **12/-**

1172 **CASTLEBERG LODGE, NO. 2091, SETTLE.**—PEARSON (T. E.) FIFTY YEARS of MASONRY: Being the History of the CASTLEBERG LODGE, 1885-1935, *with* 3 *plates of portrait groups*, [*ca.* 1935] **10/-**

One of 100 numbered copies.

1173 **CAVEAC LODGE, NO. 176.**—SIMPSON (JOHN PERCY) THE ORIGIN and HISTORY of an OLD MASONIC LODGE "THE CAVEAC" [1768-1904], *with* 15 *illus.*, [1906] **10/-**

1174 **CHIGWELL LODGE, NO. 453.**—GOUGH (C.) HISTORY of the CHIGWELL LODGE, [Essex], 1838-1914, 6 *plates*, *Privately Printed*, 1914 **15/-**

1175 **CHRISTCHURCH LODGE, NO. 91.**—SKETCH of the HISTORY of the LODGE No. 91 on the Register of the G.L. of NEW ZEALAND, during the First 21 years of its existence, Dec. 3rd 1893—Nov. 23rd, 1914, *illus.*, *Christchurch*, 1915 12/-

1176 **CONSTITUTIONAL LODGE, NO. 294.**—The RECORDS of the CONSTITUTIONAL LODGE [1793-1893], giving one or more Extracts from the Minutes in each year, from the Foundation of the Lodge, and the details of the Centenary Celebration, 37 pp., roy. 8vo, wrappers, *Beverley*, 1893 10/-

1177 **COPE LODGE, NO. 1357.**—[RUMSEY (WILLIAM)] CHRONICLES of the LODGE, 1871-1913 [Compiled from the Minute Books], [1913] 10/-

1178 **EGYPTIAN LODGE, NO. 27.**—HALE (Major M. H.) HISTORY of the LODGE, 1811 to 1911, [with Extracts from the Minutes], 1916 12/6

1179 **ELEANOR LODGE, NO. 1707.**—FLAMBOROUGH (PERCY W.) HISTORY of the FIRST FIFTY YEARS of the LODGE (1877-1927) [with an Introduction by A. F. CALVERT], 30 *illus. many from old prints*), wrappers, *Edmonton*, 1927 10/-

Issued for Private Circulation at the Jubilee Meeting.

1180 **ELEUSINIAN MYSTERIES LODGE, NO. 103, NORWICH.**—BY-LAWS, 8 pp., wrappers, *Norwich*, 1823 15/-

The Lodge ceased to function in 1835 ; erased 1853.

1181 **EMULATION LODGE, NO. 21.**—SADLER (HENRY) HISTORY and RECORDS of the LODGE of EMULATION, from 1723 to 1906, *with* 45 *illus.*, 1906 £1/15/-

An old "Moderns" Lodge, originally meeting at the Griffin in Newgate Street. In 1769 it was named "Mourning Bush" Lodge ; amalgamated with the Constitution Lodge [then No. 255] in 1780, and in 1783 became the Lodge of Emulation No. 12. It has borne its present number since 1832, and is one of the "Red Apron" [or Grand Stewards] Lodges.

1182 **EMULATION LODGE OF IMPROVEMENT, NO. 256.**—SADLER (HENRY) ILLUSTRATED HISTORY of the EMULATION LODGE of IMPROVEMENT, from 1823 to 1903, with BRIEF HISTORICAL SKETCHES of its BRANCHES and OFFSHOOTS [Introduction by ROBERT CLAY SUDLOW], *with 60 portraits and* 8 *other plates*, 1904 £1/10/-

This important Lodge of Instruction was founded on the 2nd October, 1823, by 23 Pupils of Peter Gilkes, and worked under the sanction of the Lodge of Unions No. 256, at that time No. 481.

1183 **EVERTON LODGE, NO. 823.**—[DAVEY (L. C.)] A HISTORY of the EVERTON LODGE, 1860-1910, with numerous Appendices, *Liverpool*, 1911 12/6

1184 **FELICITY LODGE, NO. 58.**—[SMITHETT (WILLIAM)] HISTORY of the LODGE of FELICITY, from 1737 to 1887, with Comments on Contemporary Events, 4 *portraits and* 2 *facsimiles*, impl. 8vo., parchment gilt, 1887 £1/15/-

Only 200 copies printed. One of the Red Apron Lodges.

1185 **FIDELITY LODGE, NO. 289 [LEEDS].**—SCARTH (ALFRED) and BRAIM (C. E.) HISTORY of the LODGE, from 1792 to 1893, including a SHORT ACCOUNT of FREEMASONRY in LEEDS during the EIGHTEENTH CENTURY, and of the PROV. GRAND LODGES of the COUNTY of YORK and of the WEST RIDING of YORKSHIRE, *illus.*, roy. 8vo., *Leeds*, 1894 £1/10/-

Only 250 numbered copies were issued.

1186 **FIDELITY LODGE, NO. 445, TOWCESTER, NORTHAMPTON.**—DORMAN (THOMAS P.) HISTORY of the LODGE, 1837-1908, 54 pages, wrappers, *Northampton*, 1909 10/-

1187 **FORTITUDE LODGE, NO. 281, LANCASTER.**—LONGMAN (H.) RECORDS of the LODGE, 1789-1889, compiled from the Minutes, viii + 90 pages, wrappers, *Lancaster*, 1895 10/-

1188 **FRATRES CALAMI LODGE, NO. 3791** [a Digest or Précis of the Work accomplished during 19 years], 1917-1936, by a PAST MASTER [with REPORTS of SOME of the LECTURES delivered in the LODGE, by SIR ALFRED ROBBINS, REV. J. FORT NEWTON, A. F. CALVERT, and others], binding a little waterstained, 1937 12/6

1189 **FREDERICK LODGE OF UNITY, NO. 452.**—MONEY (REV. W. T.) HISTORY of the LODGE, from Lodge Records and from Records in the Custody of the Grand Lodge, prepared for the Centenary, 1838-1938, *illus.*, 1938 12/6

1190 **FRIENDSHIP LODGE, NO. 6.**—PLATT (WILLIAM) The CENTENARY of the LODGE: Abstracts and Brief Chronicles of the Time, gleaned from the Genealogies, Memoirs and Correspondence of the Eighteenth Century and embodied in an Address to the Lodge, 38 pages, roy. 8vo., [*Privately printed at the Chiswick Press*], 1867 **12/6**

1191 **GALLERY LODGE, NO. 1928.**—RECORD and REVIEW 1881-1931, JUBILEE CELEBRATION, July 18th, 1931, half morocco, 1931 **10/-**

1192 **GARDNER** (F. LEIGH) BIBLIOTHECA MASONICA: a CATALOGUE of LODGE HISTORIES (ENGLAND) with a Preface by W. WYNN WESTCOTT, 1912 **£2/10/-**

This is the third and concluding volume (complete in itself) of a Series entitled "A Catalogue Raisonné of Works on the Occult Sciences." Only 300 copies of this volume were printed.

1193 **GLOBE LODGE, NO. 23.**—SADLER (HENRY) SOME MEMORIALS of the GLOBE LODGE [from 1723 to 1903], with a SKETCH of the ORIGIN and HISTORY of the RED APRON, *with 22 illustrations*, 1904 **15/-**

1194 ——— RE-ISSUE, together with REMINISCENCES of TWENTY YEARS, 1904-1923, by W. J. K. CHANDLER, *with* 10 *additional illus.*, 1904-23 **£1/5/-**

1195 **GODERICH LODGE, NO. 1211, LEEDS.**—WORTS (F. R.) HISTORY of the LODGE, the First Seventy-five Years (1868-1943), with Foreword by M. E. CLARK, 1943 **£1/-/-**

1196 **GRAND MASTERS LODGE, NO. 1.**—BELTON (CHARLES) RECORD of MEMBERS from 1759 to 1897, with a BRIEF HISTORY of the LODGE compiled from the Minutes and from other Sources, SECOND EDITION, *with* 14 *autotype portraits from photographs*, cloth, 1897 **10/-**

1197 **GRAND STEWARDS'.**—CALVERT (ALBERT F.) The GRAND STEWARDS' and RED APRON LODGES, *profusely illus.*, 1917 **£1/8/-**

1198 **GRAND STEWARDS' LODGE.**—CALVERT (ALBERT F.) The GRAND STEWARDS' LODGE, 1735-1920 [with Appendices containing List of Masters, By-Laws, &c.], 1920 **12/6**

1199 **GRESHAM LODGE, NO. 869 [CHESHUNT].**—GOMPERTZ (WALTER E.) A REVIEW of the PAST TWENTY-ONE YEARS [of the LODGE], with Notes from Minutes, 1861-1881, *illus.*, *Privately Printed*, 1882 **16/-**

1200 **GREY FRIARS LODGE, NO. 1101, READING.**—PHILLIPS (G. THORNE) HISTORY of the LODGE [1866-1910], with a Preface by EDWARD MARGRETT, *with 2 plates and facsimile of the Warrant*, *Reading*, 1910 **10/-**

1201 **GUY'S LODGE, NO. 395, LEAMINGTON SPA.**—MELLOWS (STEPHEN) THE HISTORY of GUY'S LODGE, 1829-1929, *with* 18 *illus.*, roy. 8vo., half blue calf, *Leamington Spa*, 1929 **£1/10/-**

Warranted 14th Feb. 1829 as No. 828 then meeting at the Bedford Hotel, Leamington.

1202 **GWYNEDD LODGE, NO. 5088.**—[CECIL-WILLIAMS (J. L. C.)] THE STORY of the LODGE [1929-1949], *with* 6 *illus.* [1949] **15/-**

Only a limited number printed for private circulation.

This London-Welsh Lodge was formed primarily for those who hailed from North Wales.

1203 **HALSEY LODGE, NO. 1479.**—[DEBENHAM (E. P.)] HISTORY of the "HALSEY" LODGE, from 1874 to 1904, 32 pp., boards, 1904 **10/-**

1204 **HENGIST LODGE, NO. 195, BOURNEMOUTH.**—NEWNHAM [(REV. F. H.) HISTORY of the LODGE, 1770 to 1870; a Paper read at the Centenary Festival, 38 pages, wrappers, *Bournemouth* 1870 **10/-**

1205 ———: WHITTING (C. J.) HISTORY of the LODGE of HENGIST, BOURNEMOUTH; ROYAL ARCH and R. CROIX CHAPTERS; MARK, BOSCOMBE, and HORSA LODGES, *with numerous illus. and appendices*, 1897 **18/-**

1206 **HENRY MUGGERIDGE LODGE, NO. 1679.**—BOYCE (WILLIAM) HISTORY of the LODGE, with an Introduction by ALFRED SLACK, *illus.*, 1904 **10/-**

1207 ———: WRIGHT (DUDLEY) HISTORY of the HENRY MUGGERIDGE LODGE 1877 to 1927, *illus.*, roy. 8vo., wrappers, *Privately issued for Members of the Lodge*, 1927 **15/-**

1208 **HIGH CROSS LODGE, NO. 754.**—ORDISH (F. W.) A Brief RECORD of the LODGE, formerly No. 1056, from 1858-1926, SECOND EDITION, revised and enlarged, *with* 8 *illus.* [1926] **10/-**

1209 ——— THIRD EDITION, revised and enlarged and brought down to 1948 **15/-**

1210 **HOPE LODGE, NO. 302, BRADFORD.**—Gott (Charles) Short History of the Lodge of Hope, 1794-1894, written for the Proceedings in Celebration of the Centenary, from Extracts and Particulars prepared and Compiled from Minute Books and other documents, by Thomas C. Hope, and Charles J. Schott, thin 4to., wrappers, *Bradford*, 1894 **12/6**

1211 **HUMBER LODGE, NO. 57 [HULL].**—Shaw (George A.) A History of the Humber Lodge [1809-1909], with a Catalogue of the Lodge Library, compiled by William F. Lawton; *illus.* [1910] **£1/-/-**

This Lodge took over by transfer an endorsed warrant of the Atholl Lodge No. 53 originally issued in 1775 consequently obtaining its " Centenary Warrant " in 1877.

1212 **INDEFATIGABLE LODGE, NO. 237.**—Jones (William Henry) History of Indefatigable Lodge, and of the Advancement of Freemasonry in Swansea, [1777-1923] *with* 9 *plates, Carmarthen*, 1923 **18/-**

1213 **INDUSTRY LODGE, NO. 186.**—Brady (S. E. J.) History of the Lodge of Industry, 1788-1938, compiled in connection with the Celebration of the 150th Anniversary of the Constitution of the Lodge, 4to., [1938] **18/-**

1214 **INTEGRITY LODGE, NO. 163.**—Beesley (Eustace B.) A Review of Records and Facts relating to the Lodge, from 1766 to 1909, roy. 8vo., *Printed for Private Circulation, Manchester* [1909] **12/6**

1215 **ISRAEL LODGE, NO. 1474, WARWICKSHIRE.**—Levy (E. Lawrence) History of the " Lodge of Israel," with some Impressions and Reminiscences (1874-1916), with a Foreword by the Rev. A. Cohen, *frontispiece and* 32 *portraits* [1916]; and Vol. II. Jubilee Issue (1874-1924), Foreword by the Rev. A. Cohen, *frontispiece and* 7 *portraits* [1924], 2 vols. [*Birmingham*, 1916-1924] **£1/10/-**

1216 **JOHORE ROYAL LODGE, NO. 3946.**—By-Laws and History of Lodge Johore Royal, *with portrait and* 5 *plates of facsimiles*, [*Singapore*, 1922] **10/-**

1217 **JOPPA LODGE, NO. 188.**—Birtles (Ernest W.) Annals of the Lodge, 1789-1933, *illus.*, roy. 8vo., wrappers, *Printed for Private Circulation*, 1933 **10/-**

Printer's " Advance copy," left unbound.

1218 **JORDAN LODGE, NO. 1402, TORQUAY.**—Lane (Stanley H. N.) Jordan Lodge . . . 1872 to 1922, a Record of the First Fifty years of the Lodge, together with a Complete List of Members [etc.], *with* 14 *illus., Torquay*, 1923 **12/6**

1219 **JOHNSON** (G. Y.) The Subordinate Lodges Constituted by the York Grand Lodge [Reprinted from A.Q.C. vols LII and LIII] 144 pages, impl. 8vo., wrappers, *Margate*, 1942 **15/-**

1220 **KENT LODGE, NO. 15.**—Buckeridge (E. H.) History of the Lodge [1752-1914] Second Edition, with Notes from Masonic Historians, (front end-paper missing) 1914 **£1/-/-**

1221 **KING HENRY THE EIGHTH LODGE, NO. 1757.**—[Tomlinson (R. A.)] History of the Lodge, from 1878 to 1928, with a Foreword by Charles Edward Keyser, [1928] **10/-**

1222 **LEINSTER MARINE LODGE OF AUSTRALIA, NO. 2,** U.G.L., N.S.W.—Phillips (G. W. S.) The First Hundred Years (1824-1924) of Leinster Marine Lodge of Australia, formerly No. 266, I.C., *illus., Sydney*, 1924 **15/-**

1223 **LION and LAMB LODGE, NO. 192.**—Abbott (George) History of the Lion and Lamb Lodge, 1789 to 1889, written in Commemoration of the Centenary of the Lodge, [1890] **10/-**

1224 ——— : Hughan (William James) History of the Lion and Lamb Lodge, 192, London [1789-1894], *with* 31 *illus.*, [1894] **£1/5/-**

1225 **LONDON RIFLE BRIGADE LODGE, NO. 1962.**—[Yates (C. Fisher)] An Historical Record of Events in The London Rifle Brigade Lodge, 1882-1932, *with* 5 *illus.*, roy. 8vo., half calf, g.e., [*Privately Printed*] [1932] **15/-**

1226 **MOIRA LODGE, NO. 92.** (Constituted 17th June 1755).—Moira Lodge Leaves, a Complete Set of the 13 numbers, Commemorating the 111th to the 115th Anniversary Festivals and Special Meetings of the Lodge, with Historical Notes, Lists of the Past Masters, Facsimiles of important entries in the Minutes, Lists of Masonic Exhibits, etc., 13 parts, forming vols 1 to 5 (all published in this series), 4to., wrappers, 1915-19 **£5/5/-**

The first nine numbers were issued 7th Dec. 1915 to 23rd Oct. 1917, under the direction of and during the Mastership of Brother Robert J. Soddy, who contributed to the later numbers as a P.M.

1227 **MOIRA LODGE, NO. 92.** ANNIVERSARY FESTIVALS: Souvenirs of the 128th to the 135th Anniversary Festivals to Commemorate the Birthday of the Earl of Moira, from the 6th Dec., 1932, to the 5th Dec., 1939; Also SOUVENIR of an ESPECIAL MEETING to WELCOME WALTER S. HERRINGTON, G.M. of the GRAND LODGE OF CANADA (ONTARIO). 26th July, 1933; together 9 Souvenirs 8vo and roy. 8vo, unbound, 1932-39 **£1/10/-**

1228 **MOUNT EGMONT LODGE, NO. 670, NEW ZEALAND.**—WHITE (P. J. H.) SEVENTY-FIVE YEARS of MOUNT EGMONT LODGE, NEW PLYMOUTH, NEW ZEALAND [1853-1928], with Foreword by A. DE BATHE BRANDON, and Reminiscences by ALEXANDER BLACK, *Wellington, N.Z.*, 1929 **10/6**

MOUNT LEBANON LODGE, NO. 73, *vide* DIXON (JOHN) ante.

1229 **MOUNT MORIAH LODGE, NO. 34.**—HOWKINS (F.) The MOUNT MORIAH LODGE: being a Short Account of its History, compiled from the Minutes; together with Complete Alphabetical Lists of Members from 1783, *with map, facsimile of the original warrant and* 14 *other illus., Leicester,* 1915 **£1/-/-**

An old "Atholl" Lodge originally No. 31, constituted Jan. 9th, 1754; twice defunct and revived; commencing its continuity of working from March 6th, 1783.

1230 **NEPTUNE LODGE, NO. 22.**—GOLBY (F. W.) HISTORY of the NEPTUNE LODGE, 1757-1909, *portrait and* 10 *plates, Privately printed,* 1910 **£1/-/-**

1231 **NEWSTEAD LODGE, NO. 55,** [now No. 47] **NOTTINGHAM.**—BYE LAWS; with Selections from the Star in the East, a Sketch of the History of Masonry, Masonic Songs and Anecdotes, etc., [Compiled by J. SMART, P.M.], *frontispiece,* 60 pp., *Nottingham,* 1839 **15/-**

1232 **NINE MUSES LODGE, NO. 235.**—AN ACCOUNT of the LODGE . . . , from its Foundation in 1777 to the Present Time, Compiled from the Minute Books and other Sources, by a Past Master of the Lodge, *with* 12 *plates* (2 *of Jewels in colour*), 1940 **£1/-/-**

1233 **NORTH KENT LODGE, NO. 2499.**—JENKINS (SIDNEY A.) A MASONIC JUBILEE, 1895-1944, being the Story of the first fifty years of the Lodge, *illus., Printed for Private Circulation,* 1944 **10/6**

1234 **OAK LODGE, NO. 190.**—TYSSEN (F. D.) The HISTORY of the OAK LODGE [1789-1870], 48 pp., boards, *Printed for Private Circulation* [*ca.* 1896] **15/-**

1235 **OLD KING'S ARMS LODGE, NO. 28.**—[CALVERT (ALBERT)] SOUVENIR of the BI-CENTENARY MEETING, 1725-1925, by a Past Master, with Introduction by [WILLIAM WONNACOTT], Librarian of the Grand Lodge, *illus.,* roy. 8vo., 1925 **10/6**

1236 **PEACE AND HARMONY LODGE, NO. 60.**—BELL (H. S.) A HISTORY of the LODGE, 1738-1938, *illus.,* 1938 **12/6**

1237 **PEACE AND UNITY LODGE, NO. 314.**—BERRY (A. J.) The LODGE of PEACE and UNITY: Its History and the Significance Thereof [1797-1923], *with* 2 *illus. and* 2 *folding facsimiles,* [1923] **15/-**

1238 **PERCY LODGE, NO. 198.**—COWELL (GEORGE) Some Account of the PERCY LODGE of FREEMASONS [1791-1902], printed on hand-made paper, *with* 6 *plates,* parchment boards, 1902 **12/6**

1239 **PHŒNIX LODGE, NO. 257, PORTSMOUTH.**—HOWELL (ALEXANDER) HISTORY of the PHŒNIX LODGE, 1786 to 1893—CHAPTER of FRIENDSHIP, No. 257, Originally No. 3, 1769 to 1893—and ROYAL NAVAL PRECEPTORY of KNIGHTS TEMPLAR, No. 2, 1791 to 1893, *illus. with* 6 *collotype plates and* 4 *photo-blocks,* 4to., *Portsmouth,* 1894 **£2/10/-**

One of 150 numbered copies, privately printed.

1240 **PHILANTHROPIC LODGE, NO. 107, KING'S LYNN.**—GLASIER (J. S. B.) HISTORY of PHILANTHROPIC LODGE [1810-1910], *with* 22 *plates,* roy. 8vo., *Privately printed, King's Lynn,* 1911 **£1/-/-**

1241 **PHILANTHROPIC LODGE, NO. 304, LEEDS.**—MASON (CHARLES LETCH) The HISTORY of PHILANTHROPIC LODGE, 1794 to 1894, *with* 23 *illus.,* roy. 8vo., *Leeds* [1895] **£1/10/-**

One of 200 numbered copies.

1242 **PHŒNIX LODGE, NO. 94, SUNDERLAND.**—TODD (THOMAS O.) THE HISTORY of the LODGE, from the Consecration 1755 to the 150th Anniversary, 1905, *illus.,* lambskin, little rubbed, *Printed for the Subscribers,* 1906 **18/-**

The senior Lodge of Freemasons in Sunderland. A "Masters' Lodge" from 1780-1813.

1243 **PHŒNIX LODGE, NO. 173.**—[HERBERT (W. H.) and others] THE PHŒNIX LODGE, 1785-1909, a Retrospect, *with 4 illustrations*, morocco (binding rubbed), *Printed for Private Circulation* [1910] 12/6

Founded under warrant granted by the Atholl Grand Lodge.

1244 **POMFRET LODGE, NO. 360, NORTHAMPTON.**—DORMAN (THOMAS PHIPPS) A HISTORY of the 'POMFRET LODGE,' [1818-1910] with Preface by Rev. Canon S. J. W. SANDERS, *with frontispiece and* 19 *portraits*, *Northampton* [1910] 12/6

1245 **PRINCE EDWIN'S LODGE, NO. 125, HYTHE.**—[STANTON (E. W., *compiler*)] HISTORIC RECORDS, 1771-1918, *Hythe* [1919] 10/6

1246 **PRINCE GEORGE LODGE, NO. 308.**—CRAVEN (J. E.) AN OLD STORY RE-TOLD [An Account of Events leading to the formation of PRINCE GEORGE LODGE and its subsequent History], a Paper read before the Lodge, 30 pages, wrappers, *Privately Printed, Todmorden*, 1914 12/6

1247 **PRINCE of WALES'S LODGE, NO. 259.**—[FENN (T., *compiler*)] LIST of MEMBERS, from the TIME of its CONSTITUTION [1787], with Notes on the Proceedings and Circumstances of Interest in connection with the Lodge and its Members—[THIRD EDITION], *photo-portrait*, 16 *autotypes from old prints and a coloured plate*, 1890 15/-

1248 ——— [FOURTH EDITION], *with* 21 *autotypes and a coloured plate*, 1910 £1/-/-

1249 ——— : REPORT of the INSTALLATION of His Royal Highness the DUKE of YORK as MASTER of The PRINCE of WALES'S LODGE, on the 22nd of March, 1823; to which is prefixed A Short Statement of the Origin of the Lodge, 16 pp., unbound [1823] £1/1/-

1250 **PROBITY LODGE, NO. 61.**—CROSSLEY (HERBERT) HISTORY of the LODGE [1738-1888]; together with AN ACCOUNT of the FORMATION of the PROVINCIAL GRAND LODGE of WEST YORKSHIRE and the LODGE of PROMULGATION, *with* 10 *plates*, roy. 8vo., *Published by the Lodge*, 1888 £1/-/-

1251 ——— : HANSON (T. W.) The LODGE of PROBITY, 1738-1938, with a Foreword by the EARL of HAREWOOD, P.G.M., *with* 30 *illus.*, *Halifax*, 1939 £1/15/-

1252 **PROSPERITY LODGE, NO. 65.**—FERRY (C. E.) A HISTORY of the LODGE of PROSPERITY [1810-1884], *portrait*, 1884 10/-

1253 ——— SECOND [AND BEST EDITION], with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, *illus.*, *Published by the Author*, 1893 18/-

This lodge was warranted in 1810, purchasing the old "Atholl" warrant which had been issued to Lodge No. 68 on the 15th February, 1758, and ceased to exist in 1762.

1254 ——— : SOUVENIR of the One Hundred and Twenty-Fifth Anniversary of The LODGE of PROSPERITY, 1810-1935, *with folding facsimile of the Warrant*, 32 pp., rexine gilt, [1935] 10/-

1255 **RAVENSCROFT LODGE, NO. 2331, HERTFORDSHIRE.**—MCREA (SIR CHARLES J. H.) A RESUMÉ of the FIRST FIFTY YEARS [1889 to 1939], with Foreword by SIR LIONEL HALSEY, P.G.M., *illus.*, 4to., 1939 15/-

1256 **RICHMOND LODGE, NO. 2032 [SURREY].**—[JONES (J. G.)] The RICHMOND LODGE, founded 25th March, 1884: Record of Fifty Years [and Early Masonry in Richmond], *illus.*, 48 pp., [*Richmond*, 1934] 10/-

1257 **RILEY** (J. RAMSDEN) THE YORKSHIRE LODGES: A CENTURY of FREEMASONRY [with an Introduction by W. J. HUGHAN], *with 5 plates of Lodge and Chapter Seals, and a facsimile of Provincial Grand Lodge Quarterly Communication*, 4to., cloth, g.e., *Leeds*, 1885 £1/5/-

1258 ——— ANOTHER COPY, red morocco gilt, g.e., *ibid.*, 1885 £1/15/-

Contents: Part 1. The Yorkshire Lodges, 1729-1829; Part 2. A Complete List of Yorkshire Lodges, 1729-1884, and a List showing the Changes of Number from 1740 to the last enumeration in 1863.

1259 **ROYAL LODGE, NO. 207,** DIST. No. 1. **KINGSTON, JAMAICA.**—LEON (EML. X.) The HISTORY of The ROYAL LODGE, Constituted on the 3rd September, 1789, No. 699, by the Grand Lodge of Ireland; Re-constituted on the 10th May, 1794, No. 283, by the Grand Lodge of the "Ancient" Freemasons of England, 46 pp., wrappers, *Jamaica*, 1894 12/6

1260 **ROYAL ALPHA LODGE, NO. 16.**—CLERKE (COL. SHADWELL) HISTORY of the LODGE [tracing its descent from the five old Lodges which at different periods since 1722 amalgamated] with List of Masters and Members since 1818, [*Privately Printed*], 1930 12/6

1261 **ROYAL BRUNSWICK LODGE, NO. 296, SHEFFIELD.**—KNOOP (DOUGLAS) STORY of the LODGE, 1793-1943, printed for the 150th Anniversary of its First Meeting, *illus.*, 52 pages, roy. 8vo., boards, cloth back, 1943 **12/6**

1262 **ROYAL KENT LODGE of ANTIQUITY, NO. 20, CHATHAM.**—WHYMAN (HERBERT F.) HISTORY of the LODGE, [1723-1909], with an Introduction by W. J. HUGHAN, *illustrated,* 4to., *Maidstone,* 1910 **£1/-/-**

1263 ——— ANOTHER COPY, binding waterstained, *ibid.*, 1910 **15/-**

The senior Lodge of the Provinces, by date of constitution and enumeration.

1264 **ROYAL SOMERSET HOUSE AND INVERNESS LODGE, NO. 4.**—OXFORD (REV. ARNOLD WHITAKER) An Introduction to the History of the Lodge, acting by Immemorial Constitution, *with 22 illustrations,* 4to., buckram, 1928 **£1/18/-**

Only 320 numbered copies issued.

This old Lodge originally meeting at the "Rummer and Grapes" in 1717 was one of the four old Lodges which founded the "Moderns" Grand Lodge. It was named the Old Horn Lodge in 1767; Somerset House Lodge in 1774; and received its Present title in 1828.

1265 **ROYAL SUSSEX LODGE, NO. 402, NOTTINGHAM.**—[COLE (G.)] A HISTORY of the ROYAL SUSSEX LODGE, 1829-1937, *with coloured frontispiece and 11 plates (including 4 photographic facsimiles),* [1937] **12/6**

Limited Edition, each copy numbered, printed for Private Circulation.

1266 **ROYAL SUSSEX LODGE OF EMULATION, NO. 355, SWINDON.**—REYNOLDS (HERBERT WILLIAM) The ANNALS of the ROYAL SUSSEX LODGE of EMULATION, 1818 to 1919, *with frontispiece, [Printed] for presentation only,* 1919 **10/-**

1267 **ROYAL UNION LODGE, NO. 246, CHELTENHAM.**—NORMAN (GEORGE) A SKETCH of the HISTORY of the LODGE 1813-1888, compiled from the Lodge Minutes and Contemporary Sources, with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, *illus.*, roy. 8vo., [*Cheltenham,* 1888] **18/-**

1268 **ROYAL YORKSHIRE LODGE, NO. 265, KEIGHLEY.**—RILEY (J. RAMSDEN) HISTORY of the LODGE, [1788-1888], including an Account of the Centenary Celebrations in 1888, *frontispiece, Keighley, Privately Printed,* 1889 **18/-**

1269 **RURAL PHILANTHROPIC LODGE, NO. 291, HIGHBRIDGE [SOMERSET].**—NORRIS (THOMAS F.) HISTORY of the LODGE 1793-1893, with Introduction by W. J. HUGHAN, *Taunton,* 1893 **15/-**

1270 **ST. ALBAN'S LODGE, NO. 29.**—CALVERT (A. F.) SOUVENIR of the BI-CENTENARY MEETING, [1728-1928], *with 14 plates (including 6 pages of reproductions from Pine's engraved List of Lodges,* 1729-64), [*Privately Printed*], 1928 **10/-**

1271 **ST. GEORGE'S LODGE, NO. 242, DONCASTER.**—DELANOY (WILLIAM) The RECORDS of the LODGE [1780-1880] giving every Minute of importance from the Foundation of the Lodge and details of the CENTENARY CELEBRATIONS [with Introduction by W. J. HUGHAN], 4to., *Doncaster* [1881] **18/-**

1272 **"ST. GEORGE" of BOMBAY LODGE, NO. 549.**—SHIELDS (ISAAC M.) HISTORY of the LODGE, 1848 to 1898, compiled from Original Sources and published by the Lodge on the occasion of its Jubilee, [*Bombay,* 1898] **12/6**

1273 **ST. JAMES'S UNION LODGE, NO. 180.**—SLINGO (F. O'CONNOR) HISTORY of ST. JAMES'S UNION LODGE (1787 to 1907); with a Supplementary Chapter by R. GRAHAM MARGETSON (1907 to 1920), *with 6 illus.*, roy. 8vo., *Printed and published for the Lodge* [1921] **18/-**

Originally on the roll of the 'Antients' Grand Lodge.

1274 **ST. JOHN'S LODGE, NO. 80, SUNDERLAND.**—MITCHELL (WILLIAM CRANMER) HISTORY of the LODGE, from 1761 to 1906, *with 6 illus., Sunderland, Printed for the Subscribers* [1907] **15/-**

Originally consecrated as No. 94 "Fifty First Regiment" in 1761, it remained on the Atholl List until 1804 being established in Sunderland the following year, and constituted 1806.

1275 **ST. JOHN'S LODGE, NO. 279, LEICESTER.**—WILLIAMS (W. MAURICE) A SKETCH of the PROCEEDINGS in Connection with the CENTENARY CELEBRATION of ST. JOHN'S LODGE, and a Brief Historical Account of the Lodge from 1790 to 1890, *with 4 photographic plates, Leicester,* 1892 **18/-**

1276 **ST. JOHN'S LODGE, NO. 328, TORQUAY.**—CHAPMAN (JOHN) HISTORY of the LODGE, 1810-1894, 32 pages, wrappers, [1894] **10/-**

1277 **ST. JOHN'S LODGE, NO. 579, NEWFOUNDLAND.**—EDGAR (W. J.) EXTRACTS from the RECORDS of ST. JOHN'S LODGE, No. 579, from 1848-1908; with Synopsis of the Proceedings of the Celebration of the SIXTIETH ANNIVERSARY, November 1908, by A. J. W. MCNEILY, wrappers, *St. John's*, 1909 **10/-**

1278 **ST. LAURENCE LODGE, NO. 2330, YORKSHIRE.**—[WEBSTER (NELSON) and SWALES (ALLISON)] HISTORY of the LODGE, 1889 to 1949, *illus.*, [1949] **12/6**

One of 300 numbered copies.

1279 **ST. LEONARD LODGE, NO. 1766.**—AMES (JOHN) MY MOTHER LODGE, being the History of ST. LEONARD LODGE, 1878-1928, typescript, 63 pages, 4to., wrappers, [1928] **15/-**

1280 **ST. MARY'S LODGE, NO. 63.**—WINDSOR (F. A.) CHRONOLOGICAL RECORD, from the Constitution in 1757 to the Centenary Festival in 1857, continued to 1882 by WILMER HOLLINGWORTH; with a SERIES of OBSERVATIONS [in THREE LECTURES] on FREEMASONRY in GERMANY, by ERNEST E. WENDT; the whole edited and revised by GEORGE KELLY and W. HOLLINGWORTH, roy. 8vo., 1883 **£1/-/-**

The Lectures on Freemasonry by Ernest E. Wendt were omitted in the new edition.

1281 ——— ANOTHER EDITION, continued to the 150th ANNIVERSARY FESTIVAL in 1907 by COLE A. ADAMS, *with 6 illustrations [now first added]*, roy. 8vo., 1908 **15/-**

Warranted 14th April, 1757 as an " Atholl " Lodge.

1282 **ST. MARY'S LODGE, NO. 707, BRIDPORT.**—BROADLEY (A. M.) A HISTORY of ST. MARY'S LODGE (1857-1907); together with some Account of the Rise and Progress of Speculative Freemasonry in West Dorset, *with 8 plates, Bridport*, 1907 **12/6**

1283 **ST. MICHAEL'S LODGE, NO. 211.**—[MORGAN (W. W., *Compiler*)] HISTORY of ST. MICHAEL'S LODGE, compiled from such Minute Books as have been preserved, 1881 **12/6**

Warranted September 11th, 1795, as an Atholl Lodge, No. 290.

1284 **ST. OSWALD LODGE, NO. 910.**—LORD (EDMUND) FREEMASONRY in PONTEFRACT, from Feb. 1862 to Feb. 1902, being the HISTORY of the LODGE of ST. OSWALD, No. 910, for forty years, and of the ROYAL ARCH CHAPTER ST. OSWALD, from 1893, and some Contemporary Events, *illus.*, *Leeds*, 1902 **12/6**

1285 **ST. THOMAS' LODGE, NO. 992.**—JUBILEE SOUVENIR 1863-1913: Extracts from Lodge Books, etc. and Complete Roll of the Members, roy. 8vo., *Manchester* [1913] **10/-**

1286 **SALISBURY LODGE, NO. 435.**—WATSON (DR. J. H.) A HISTORY of The SALISBURY LODGE [1836-1936], [*Privately Printed*, 1936] **10/-**

1287 **SCIENTIFIC LODGE, NO. 439, BINGLEY.**—WADE (HAROLD R.) and WRAGG (CHARLES W.) HISTORY of the FIRST HUNDRED YEARS of the LODGE, 1836-1936, *illus.*, 1936 **12/6**

1288 **SCOTS LODGE, NO. 2319 [ENGLAND].**—CHANDLER (JOHN EDWIN) HISTORY of the LODGE: 1889 to 1938, 64 pp., roy. 8vo., wrappers, 1938 **10/-**

1289 **SHAKESPEARE LODGE, NO. 99.**—EBBLEWHITE (ERNEST ARTHUR) HISTORY of the LODGE, 1757-1904 [with Biographical List of Members from the time of its Constitution, By-Laws, etc.], 19 *illus.*, 1905 **£1/15/-**

Privately printed and limited to 150 copies.

This old " Moderns " Lodge received the Freemasons' Hall Medal 1783; a " Red Apron " Lodge since 1798; named in 1805; Warrant of Confirmation, April 1841; Centenary Warrant (Special Jewel), Feb. 1857.

1290 **SINCERITY LODGE, NO. 174.**—NEWTON (JOHN) HISTORY of the LODGE, compiled from the Minutes, 1784 to 1887, *portrait and facsimile of Lodge Certificate*, 1888 **18/-**
The Lodge was warranted 23rd April, 1768, as No. 423; a " Masters' Lodge " 1793-95.

1291 **SOUTH SAXON LODGE, NO. 311.**—GRANTHAM (IVOR) RECORDS of the LODGE, 1796 to the Year 1879, printed on hand-made paper, *Printed for Private Circulation*, 1930 **10/-**

1292 **STAR of BURMAH LODGE, NO. 614 [E.C.].**—BATLIVALA (J. C.) FIFTY YEARS RECORD of the LODGE, 1853-1903, *with 3 illus.*, *Rangoon*, 1911 **10/-**

1293 **STABILITY LODGE OF INSTRUCTION.**—Golby (F. W.) A Century of Masonic Working: being a History of the Stability Lodge of Instruction, 4 *portraits, Bath,* 1921 **15/-**

The author claims that the Stability Lodge of Instruction founded in 1817 has lineal descent from the Lodge of Reconciliation.

1294 **STEWART LODGE, NO. 1960.**—Leslie (Major J. H.) History of the "Stewart" Lodge (English Constitution), holding at Rawal Pindi and Murree, under the District Grand Lodge of the Punjab [1881-1896; with an Introduction by R. F. Gould], *portrait, reproduction of warrant and 2 coloured plates,* 1896 **12/6**

1295 **SURREY LODGE, NO. 416.**—Lees (John, *Compiler*) The History of the Surrey Lodge, No. 416, formerly No. 603, established at Reigate 1834; to which is prefixed a Sketch of Masonry . . . Compiled as a Memorial of the Fiftieth Anniversary of the Lodge, *with 7 illus.* [*ca.* 1895] **12/6**

1296 **SYDNEY LODGE, NO. 829, KENT.**—Hutton (Alfred H.) The History of the Sydney Lodge, Province of Kent: 1860-1935; *with 4 illus.,* roy. 8vo., stiff wrappers, 1935 **10/-**

1297 **TEMPERANCE LODGE, NO. 169.**—Bezzant (Reg.) A Story of an "Antient" Lodge [being a History of the Lodge of Temperance, 1784-1917], *illus.,* [1918] **10/-**

An "Ancients" Lodge, No. 225 on their roll.

1298 **TILBURY LODGE, NO. 2006.**—[Freeman (John G.)] Record of the History of the Tilbury Lodge [1884-1934] Compiled for the occasion of its Jubilee, *with plan and 12 illus.* [1934] **10/-**

1299 **TRANQUILLITY LODGE, NO. 185.**—Constable (John) History of the Lodge, from its Origin to the Present Time [1787-1874], with Appendices containing a Complate List of Members, Rules and Orders, etc.; and a Preface by W. J. Hughan, *with facsimiles,* 1874 **12/-**

Warranted as an Atholl Lodge, originally No. 244. It was named in 1816.

1300 ———: Krusin (Henry M.) History of the Lodge of Tranquillity, written for the 150th Anniversary Celebration [1787-1937], *Printed for Presentation to the Members,* 1937 **15/-**

1301 **TYRIAN LODGE, NO. 253, DERBY.**—Bye-Laws of the Tyrian Lodge, No. 315 [now 253], Constituted in 1785, as originally published in 1847 with MS. corrections and printed additions to the List of Initiated and Joining Members down to Sept. 1855, sewn, *Derby* 1847[55] **10/-**

1302 **UNION LODGE, NO. 129, KENDAL.**—Poole (Rev. H.) Some Chapters from the First Hundred Years of the Lodge, 1764-1864, *with 8 illus.,* roy. 8vo., [*ca.* 1940] **18/-**

1303 **UNION LODGE, NO. 247, GEORGETOWN, BRITISH GUIANA.**—Maggs (Charles J.) The Centenary of the Union Lodge, 1813-1913, being a Brief History of the Lodge as far as can be compiled from existing documents, 1913 **12/6**

1304 **UNIONS LODGE, NO. 256.**—Davis (Reuben Robert) Annals of the Lodge of Unions, from 1785 to 1885, compiled from the Minute Books, *portrait and 4 plates,* 4to, *Printed for private circulation,* 1885 **£1/-/-**

This lodge was the Parent of the Emulation Lodge of Improvement.

1305 **UNITED FRIENDS LODGE, NO. 313, GREAT YARMOUTH.**—Teasdel (Robert Henry) The History of United Friends Lodge, 1797 to 1930, *with 8 illus., Gt. Yarmouth* 1930 **12/6**

1306 **UNITED MARINERS' LODGE of INSTRUCTION, NO. 30.**—[Dickson (R. A.)] Notes for a History of United Mariners' Lodge of Instruction No. 30; Primus; Centenary 1927, *with 2 illus.,* 48 pp., roy. 8vo., wrappers [1927] **10/-**

1307 **UNITY LODGE, NO. 69.**—[Reece (R. J.)], Cartwright (E. H.) and Marshall (G. F.)] History of the Lodge of Unity (founded 1742), together with By-Laws and a Note on Freemasonry in the Eighteenth Century [Written by G. W. Speth], parchment, 1901 **18/-**

1308 **UNITY LODGE, NO. 183.**—Speth (George W.) The History of the Lodge of Unity (formerly 441, 376, 289, 290, 242, 305, 215), extracted from the Minutes and other Documents of the Lodge and from the Records and Register of Grand Lodge, *with 3 folding tables,* 1881 **12/6**

A 'Moderns' Lodge, warranted in 1769.

Lodge Histories—*continued.*

1309 **WESTMINSTER and KEYSTONE LODGE, NO. 10.**—GODDING (J. W. SLEIGH) HISTORY of the LODGE from the date of its Constitution, 28 January, 1722, to the year 1905, *frontispiece and* 17 *plates, Privately printed, Plymouth,* 1907 **£1/5/-**

Only 250 copies printed, each numbered and signed; An old "Moderns" Lodge, warranted 1722, as the "Tyrian" Lodge, No. 7; changed its name in 1792 when its number was No. 5; At the Union and thereafter held its present number.

1310 **WHITCHURCH LODGE, NO. 1, SALOP.**—GRAHAM (ALEXANDER) HISTORY of the LODGE [originally No. 478, afterwards No. 388] Founded in the year 1785 by Major Charles Shirreff [down to its last meeting in 1803], *Shrewsbury,* 1902 **£1/-/-**

According to Lane's Masonic Records the lodge was erased in November, 1801 but apparently the lodge occasionally met during the years 1802-3.

1311 **WORCESTER LODGE, NO. 280.**—GRIFFITHS (C. C. WHITNEY) REMINISCENCES of the WORCESTER LODGE of FREEMASONS, [1769-1869] and of other MASONIC INSTITUTIONS in the PROVINCE and CITY of WORCESTER, *frontispiece,* wrappers, cloth back, *Published by the Lodge, for presentation only,* 1870 **18/-**

LODGE HISTORIES (ENGLISH CONSTITUTION) vide General Alphabet: CALVERT (A. F.); GOULD (R. F.); HUGHAN (W. J.); LANE (J.); Q. C. PAPERS and [ESSAYS]; and THORP (J. T.).

IRISH CONSTITUTION.

1312 **FIRST VOLUNTEER MASONIC LODGE of IRELAND, NO. 620.**—GEOGHEGAN (WILLIAM) THE HISTORY and ANTIQUITIES of the LODGE, 1783-1920, from Original Records, *with* 5 *illus.,* wrappers, *Dublin,* 1921 **12/6**

1313 **ST. PATRICK'S LODGE, NO. 77, NEWRY.**—PARKINSON (R. E.) HISTORICAL SKETCH of the LODGE, 1737-1937, [with List of the Masters to 1936 and Officers Elect for 1937], *Newry,* 1936 **15/-**

1314 **TEMPLE LODGE and CHAPTER, NO. 51.**—LEIGHTON (SAMUEL) A SHORT HISTORY of the LODGE from 1849 and the CHAPTER from 1851, together with Lists of Members, etc., *Belfast* 1893; SECOND EDITION to which has been added a HISTORY of the PRECEPTORY, with Lists of Past Masters and Past Preceptors, *Belfast* 1929; in one volume, wrappers, 1893-1929 **18/-**

SCOTTISH CONSTITUTION.

1315 **ABERDEEN 1ter.**—MILLER (A. L.) NOTES on the EARLY HISTORY and RECORDS of the LODGE ABERDEEN, No. 1*ter,* on the Roll of the GRAND LODGE of SCOTLAND, *with* 13 *illus., Aberdeen* [1920] **£1/5/-**

Besides many interesting notes on early Masonic records of Scotland, this work contains valuable photographic reproductions of old minutes and other documents.

1316 **ANCIENT STIRLING LODGE, NO. 30.**—BAIN (JAMES) The LODGE of STIREING, Part 1. [all published], Prior to 1741, 24 pages, wrappers, *Stirling,* 1927 **10/-**

1317 **EDINBURGH DEFENSIVE BAND, NO. 151.**—MURRAY (A. A.) HISTORICAL SKETCH of the LODGE [from 1782 to 1901], the Continuation Years 1902 to 1922 by WILLIAM ALSTON, with an Appendix: SKETCH of the CHAIR MASTER LODGE; *illus.,* roy. 8vo., [*Edinburgh,* 1923] **15/-**

1318 **EDINBURGH (MARY'S CHAPEL), NO. 1.**—LYON (DAVID M.) HISTORY of the LODGE of EDINBURGH (MARY'S CHAPEL), No. 1 . . . embracing an Account of the RISE and PROGRESS of FREEMASONRY in SCOTLAND, *with numerous portraits and facsimiles,* roy. 8vo. (front end-paper missing), 1873 **£1/5/-**

1319 ——— : BLACKBURN (THOMAS, and others) [A Resumé of important events in the] HISTORY of the LODGE, 1599-1949, published to mark the 350th Anniversary of the Oldest Minute, *illustrated, Edinburgh,* [1949] **12/6**

1320 **ELGIN LODGE, NO. 91.**—MIDDLETON (HARRY B.) HISTORICAL SKETCH of the LODGE for 150 years, (8th February, 1763 to 6th February, 1913), 48 pages, wrappers, 1913 **10/-**

GLASGOW ST. JOHN, NO. 3, BIS.—*vide* CRUIKSHANK (JAMES) in General Alphabet, ante.

1321 **HOLYROOD HOUSE (ST. LUKE'S), NO. 44.**—LINDSAY (ROBERT STRATHERN) A HISTORY of the MASON LODGE of HOLYROOD HOUSE (ST. LUKE'S) No. 44, holding of the GRAND LODGE of SCOTLAND, with Roll of Members, 1734-1934, *with frontispiece map showing known meeting-places of the Lodge* (*in pocket of cover*), *and* 12 *plates,* 2 vols, 4to., buckram, t.e.g., *Edinburgh,* 1935 **£2/15/-**

Only 500 copies of this sumptuous Lodge History were printed.

The first volume includes much useful information on the Scottish System of Freemasonry from the earliest times to 1734.

1322 **JOURNEYMEN MASONS, EDINBURGH, NO. 8.**—ARTICLES of the LODGE of JOURNEYMEN MASONS, EDINBURGH, 24 pages, sewn, *Edinburgh*, 1854 10/-

1323 ——— : HUNTER (WILLIAM) INCIDENTS in the HISTORY of the LODGE of JOURNEYMEN MASONS, EDINBURGH, No. 8, *Edinburgh*, 1884 16/-

1324 **MOTHER LODGE, KILWINNING.**—KER (REV. WILLIAM LEE) MOTHER LODGE, KILWINNING, "The Ancient Lodge of Scotland": Discussions of an Old Historical Question, *portrait*, 1896 £1/5/-

Since 1807 the Grand Lodge of Scotland has placed Mother Lodge, Kilwinning in the exalted position of priority over the Lodge of Edinburgh (Mary's Chapel) No. 1.

1325 **POLLOK LODGE, NO. 772, POLLOKSHIELDS.**—HALLIDAY (DR. R. T.) A HISTORY of the LODGE [1890-1940], *illus.*, roxburghe, *Glasgow*, 1940 10/-

1326 **ST. DAVID LODGE, NO. 78, DUNDEE.**—GRANT (JAMES) The HISTORY of LODGE ST. DAVID, from 1759 to 1912, *illus.*, *Dundee*, 1913 12/6

1327 **ST. JAMES'S LODGE, DOUNE, NO. 171.**—[WILLIAMS (REV. GEORGE)] A HUNDRED YEARS' HISTORY [1789-1889], boards, *Stirling*, 1890 10/-

1328 **ST. JOHN LODGE, NO. 16.**—JOHNSTON (THOMAS) The OLD MASONIC LODGE of FALKIRK, now known as LODGE ST. JOHN, [From the year 1736], *Falkirk*, 1887 15/-

1329 **ST. JOHN'S LODGE, NO. 111, HAWICK.**—KER (THOMAS) SHORT HISTORICAL SKETCH of HAWICK ST. JOHN'S LODGE of FREEMASONS, [1768-1892], compiled from the Old Books of the Lodge and other Sources; A Paper read before the Members of the Lodge on 11th September, 1891; together with A Complete List of the Members of the Lodge and also a List of Masters, *Hawick*, 1892 10/-

1330 **ST. MICHAEL'S KILWINNING, NO. 63, DUMFRIES.**—SMITH (JAMES) HISTORY of the LODGE [1755-1894], *frontispiece and text-illus.*, *Dumfries*, 1895 15/-

1331 **ST. NICHOLAS LODGE, NO. 93.**—BENSON (JAMES SPEID) HISTORY of the LODGE [1763-1908], compiled from Records, *Aberdeen*, 1910 10/-

1332 **ST. STEPHEN'S LODGE, EDINBURGH, NO. 145.**—SIMPSON (WILLIAM) HISTORY of the LODGE, written and compiled to commemorate its Ter-Jubilee (1777-1927), *illus.*, [*Edinburgh*, 1928] 10/-

1333 **SCOON AND PERTH, NO. 3.**—SMITH (D. CRAWFORD) HISTORY of the ANCIENT MASONIC LODGE of SCOON and PERTH, No. 3 (the LODGE of SCONE), with an Introduction by WILLIAM JAMES HUGHAN, *with* 17 *illus.*, *including facsimiles*, 4to., (binding a little soiled and worn at joint), *Perth*, 1898 £1/10/-

1334 **STONEHAVEN LODGE, NO. 65.**—MURRAY (ALFRED A. ARBUTHNOT) HISTORY of the LODGE of STONEHAVEN No. 65 (formerly No. 78), *illus.*, roy. 8vo, *Edinburgh*, 1922 15/-

1335 —— ANOTHER COPY, wrappers, *ibid.*, 1922 10/-

The first minute book dates from 1738. There is an interesting record relating to the Mark Degree, 1792 to 1833.

1336 **UNION and CROWN LODGE, NO. 307.**—THOMSON (ROBERT) Brief HISTORY of the LODGE during the past HUNDRED YEARS, 1824 to 1924, *Paisley*, 1924 12/6

UNITED STATES AND CANADIAN CONSTITUTIONS.

1337 **BRISTOL LODGE, NO. 25, PENNSYLVANIA.**—BY-LAWS of BRISTOL LODGE, Held in the Borough of Bristol, Bucks County, Pa., by Warrant dated March 15, 1780, adopted upon their Reconstitution, March 18, 1848, and approved by the Grand Lodge . . . of Pennsylvania, 16 pages, *Bristol, Pa.* [1852] 15/-

1338 **GOLDEN RULE LODGE, NO. 5, STANSTEAD, QUEBEC.**—MOORE (REV. ARTHUR HENRY) HISTORY of GOLDEN RULE LODGE, being a Sketch of a Century of Freemasonry (1803-1903) in the Jurisdiction of that Lodge, *illus.*, *Toronto*, 1905 18/-

1339 **[LANCASTER, PENNSYLVANIA] LODGE, NO. 43.**—WELCHANS (GEORGE R.) HISTORY of LODGE No. 43, F. & A.M., being the RECORDS of the FIRST CENTURY of its EXISTENCE [1785-1885]; also a REPORT of the PROCEEDINGS of the CENTENNIAL CELEBRATION, BIOGRAPHICAL SKETCHES of its CHARTER MEMBERS, PAST MASTERS, and PRESENT OFFICERS, and a COMPLETE LIST of MEMBERS of the LODGE, *Lancaster, Pa.*, 1885 18/-

1340 **LOS ANGELES LODGE, NO. 42.**—[ELLIS (ARTHUR M.)] HISTORICAL REVIEW of the LODGE [1854-1929], Seventy-Fifth Anniversary, May 5th 1929, *illus.*, *Los Angeles*, 1929 **12/6**

1341 **ST. ANDREW'S LODGE, NO. 16, CANADA.**—SMITH (HENRY T.) HISTORY of the LODGE, 1822-1922, *illus.*, *Toronto*, 1922 **16/-**

1342 **SCOTIA LODGE, NO. 634, NEW YORK.**—ROSS (PETER) The BOOK of SCOTIA LODGE: 1867-1895, *with* 10 *portraits*, *New York*, 1895 **12/6**

MASONIC ENGRAVINGS.

(In each case the height is given before the width in the measurements).

1343 **ASPERNE** (JAMES, *Bookseller in Cornhill; Past Master of the Foundation Lodge, No.* 96, *and St. Peters, No.* 249; *P.S.D. of the Lodge of Antiquity, No.* 1, *and Grand Steward for* 1814) Proof STIPPLE PORTRAIT after S. DRUMMOND, engraved by T. BLOOD, 12 × 10 inches, to plate line (with good margins) [*ca.* 1820] **£1/1/-**

1344 **BLAYNEY** (Rt. Hon. CADWALLADER, *Lord, Grand Master*, 1764-66) Proof three quarter length MEZZOTINT PORTRAIT in MASONIC REGALIA (unsigned) 15¼ × 11 inches to plate line, overall 16 × 12¾ inches, with stout card framed mount, [*ca.* 1800] **£2/10/-**

1345 **CAGLIOSTRO** ([JOSEPH BALSAMO], *Count of*): A MASONIC ANECDOTE. Caricature group representing COUNT CAGLIOSTRO and others at LODGE of ANTIQUITY MEETING on the 1st Nov., 1786, line engraving [by JAMES GILLRAY], engraved surface 13¾ × 17⅝ inches, nicely coloured by hand, with verses in French and English, above and below the engraving, overall 20 × 18½ inches, *Published for the Proprietor, by H. Humphrey, New Bond Street, Nov.* 21*st*, 1786 **£3/3/-**

1346 **FRANCS MAÇONS FLAMANDS EN LOGE** (LES) Line engraving after DAVID TENIERS by LÉPICIÉ, engraved surface 14½ × 20 inches with caption beneath, overall 16¾ × 20¾ inches (soiled and small marginal tear), 1747 **£1/5/-**

1347 **FREEMASON'S HALL** (Interior) Line Engraving by F. BARTOLOZZI and JAMES FITTLER, after G. B. CIPRIANI and P. SANDBY, 12 × 10 inches to plate line, overall 17½ × 11½ inches, with watermark T. Dupuy, Published . . . by the Society of Free Masons at their Hall . . . 1786 **£1 10/-**

1348 ——— ANOTHER, PROOF before letters, on slightly thinner paper, sizes as above, [1786] **£2/-/-**

This engraving was afterwards used as a frontispiece to some copies of Noorthouck's edition of Anderson's Constitutions of 1784.

1349 **FREE-MASONS SURPRIZ'D** (The), or the SECRET DISCOVER'D. A TRUE TALE from a MASONS LODGE in CANTERBURY. Caricature, line engraving, 7¾ × 13 inches to plate line, verses beneath in four columns, overall 9¾ × 13¾ inches (very small defect in right hand margin hardly affecting the engraving), *Printed for Robt. Sayer, in Fleet Street* [1754] **£3/10/-**

1350 "**FREE-MASSONS** (LES)" depicting a MASONIC CEREMONY in progress, above which is a CALENDAR of LODGES numbered 1 to 129 with their tavern or meeting-place signs, also a Medallion portrait of Sir RICHARD STEELE, and the arms of THOMAS, 2nd Viscount WEYMOUTH, Grand Master in 1735. Line engraving by L.F.D.B. after J.F. [re-engraved by BERNARD PICART], 13¼ × 16¾ inches to plate line with good margins, stout card framed mount, [*ca.* 1737] **£3/10/-**

1351 **MOIRA** (RT. HON. FRANCIS RAWDON, *Earl of* [*afterwards Marquess of Hastings*] *Acting Grand Master of the most Ancient and Honourable Society of Free and Accepted Masons*) FINE STIPPLE PORTRAIT, three-quarter length, seated in the G.M.'s chair, wearing regalia, drawn by F. BARTOLOZZI, engraved by H. LANDSEER, 18⅝ × 14½ inches to plate line, overall 22 × 17½ inches, laid down on stout card ready for framing, *Published by C. Wilkinson* [*etc.*], *Cornhill*, 1804 **£1/10/-**

1352 ——— MEZZOTINT PORTRAIT, three-quarter length seated in G.M. Chair, wearing regalia with the V.S.L. opened before him, cut to plate line, 17⅞ × 13¼ inches, and laid down to provide ruled border having caption "THE MARQUESS OF HASTINGS" [engraved by CHARLES TURNER after JAMES RAMSAY], with framed mount, [1811] **£1/10/-**

1353 **MYSTERY OF MASONRY BROUGHT TO LIGHT BY YE GORMAGONS (The).** CARICATURE, line engraving, EARLY IMPRESSION, drawn and engraved by [WM.] HOGARTH, 8¾ × 13¾ inches, to plate line, with Title in the centre of the four columns of verses beneath, overall 9¾ × 13¾ inches, *Printed for Robt. Sayer* . . . [*ca.* 1760] £8/8/-

This is a genuine early impression of the engraving and not one of those re-engraved by Thomas Cook many years later. The reprints can be identified by being on a whiter paper and having larger margins.

1354 **" ON MASONS AND MASONRY,"** commencing " By MASONS ART ye ASPIRING DOME," set to Music, vignette head-piece, engraved by G. BICKHAM, with Dedication beneath, to the RT. HONBLE. [JOHN CAMPBELL] the EARL of LOUDON, GRAND MASTER, [in 1736], 13 by 8 inches to plate line, folio sheet [*ca.* 1740] 15/-

1355 **PRESTON** (WILLIAM, *Past Master of the Lodge of Antiquity, No.* 1 [*now No.* 2]; *Author of " Illustrations of Masonry "*) Bust portrait, wearing Masonic regalia, line engraving by JAMES THOMSON after SAMUEL DRUMMOND, cut to bordered plate line, 13¾ × 9¾ inches, with stout card framed mount, [*ca.* 1810] £1/5/-

1356 **PRINCE OF WALES** (GEORGE AUGUSTUS FREDERICK; [aft. GEORGE IV] *Grand Master*) Three-quarter length PORTRAIT in MASONIC REGALIA, seated in the Grand Master's Chair, fine stipple engraving by EDMUND SCOTT, engraved surface 18¾ × 15 inches, overall 19¾ × 16 inches, 1802 £2/5/-

1357 [**ROYAL MASONIC** INSTITUTION for GIRLS: FESTIVAL 1800—Children being presented to the Trustees and Governors on their Anniversary, at Freemasons Hall]. Fine Stipple engraving from the painting by BROTHER [THOMAS] STOTHARD, R.A., engraved by BROTHER [FRANCESCO] BARTOLOZZI, R.A., engraved surface 19 by 24½ inches, overall 21¾ × 25¾ inches (backed to strengthen; some small marginal tears), *Published by* WM. JEFFRYES, *June* 1, 1802 £2/10/-

Inscribed: " To the Grand Lodge of England, this Print representing the Distinguishing Characteristic of Masonry, Charity Exerted on Proper Objects, is by Permission most respectfully Dedicated by their Obedient Servant and Brother, Wm. Jeffryes."

1358 **SUGG** (CHRISTOPHER LEE, [an Irish Mason]; *Ventriloquist*) Full-length etched portrait, wearing P.M. badge, engraved by W. MATHEWS, 10½ × 8 inches to plate line (overall 12 × 9½ inches) with stout card framed mount, [*ca.* 1880] £1/-/-

1359 **SUSSEX** (H.R.H. PRINCE AUGUSTUS FREDERIC . . . *Grand Master* (1813-1843)) Half-Length PORTRAIT in HIGHLAND DRESS, PROOF LINE ENGRAVING after Sir WILLIAM BEECHEY by WILLIAM SKELTON, 20 × 15½ inches to plate line, overall 23¾ × 16⅞ inches, 1816 £1/15/-

1360 **VANITY FAIR CARTOONS** of CELEBRATED FREEMASONS by " SPY " [Leslie Ward] in Colour. (1) " The Pro Grand Master " [WILLIAM, 3rd Earl AMHERST], 1904; (2) " The Grand Secretary " [E. LETCHWORTH], 1903; (3) " The Most Worshipful Grand Master " [EARL of ZETLAND], 1869, in stout card framed mounts *each* 18/-

فهرست نام کسان

«ب»

«د»

«ذ»

«ر»

«ز»

«ژ»

«س»

«ش»

«ص»

«ض»

«ط»

«ظ»

«ع»

«غ»

«ف»

«ن»

«و»

«هـ»

«ی»